

# رحم پور

## ناشرانديشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره اول- سال دوم دوشنبه ۴ حمل ۱۳۴۸ - ۲۴ مارچ ۶۹ (شماره مسلسل ۵۳)

پښتو متن

## زموږ اتکا پر خلکو ده ژوندی دی وی د افغانستان خلک! د افغانستان د خلک دموکراتیک قوت باید د امپریالیستی جاسوسی سازمانونو دسیسو او توطیو په مقابل کی وښیار وی!

د بین‌المللی امپریالیزم د جاسوسی سازمانونو، بیا په تیره دامریکی د (سی. آی. ای) جاسوسی سازمان یوه ډیر کر غیرنه او خیرنه وظیفه دداخلی ارتجاعی په مرسته داده: دپرو کاتورو (فتنه اچونکو) ډلو تشکیل په اصلبو ملی او اجتماعی اژدی بخشونکو نهضتونو کی دنفاق. اچونکو «رهبرانو «را پیدا کول.

دیوه افغان له‌خواه دامریکایی د جاسوسی سازمان (سیا) بر بندلو او زموږ د هیواد په داخلی چاروکی ددی جاسوسی سازمان لاس وهلو، په افغانستان او نورو هیوادونوکی دامپریالیزم ښکاره مداخله وینو ده چه دافغانستان ملی، دموکراتیک او ترقی غوښتونکی وطنپال قومونه بی سخت ولرزول او د (سی، آی، ای) د توطیو او دسیسو پر ضد بی دافغانستان دازاد ملت مقدسه غصه او شدید نفرت را وپراوه. مگر په افسوس باید ویل شی چه له دی پیبی سره جوخت دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان پر ضد د (سی.آی.ای) پلان شوی او تفرقه اچونکی دسیسه دداخلی \*\*توبه مرسته‌دا ښکاره شوه.

له هغی نیتی نه تر اوسه پوری چه رابر دو کاله تیریږی، د (سی.آی.ای) دجاسوسی سازمان او حاکمه ارتجاعی محافظو ددستور او توطیو پر بنا، دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت او دهغه دافکارو دخپرونکی پرچم پر ضد چه له نوموړی نوی تیب سازمان سره نه شلیلونکی ارتباط لری، تخریبی او لمسونکی فعالیتونه روان دی. دا فعالیتونه من‌جمله دیوه ناچیزه فتنه اچونکی او نفاق غور خونکی اقلیت په وجود کی چه څو اړخیزه رول لویوی، دوام لری. مگر زیات اسناد نه انکاریدونکی شواهد او حقایق دا حقیقت څرگندوی چه دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت ستر اکثریت، د افغانستان د کارگری طبقی د اتر مختلونکی سیاسی سازمان لکه غږ ولار او پایدار دی، په هلو خلوکرم دی، ژوندی او پیاوړی دی. زر وړه مبارزه کوی. وده او تکامل مومی او دعلمی نړی لید تر پرچم لاندی پخپله عادلانه جگړه کی دارتجاع او امپر یالیزم پر ضد مخ په وړاندی خی.

دا چه خینی عناصر د (سیا) د امپریالیستی جاسوسی سازمان او داخلی ارتجاع په ارتباط کی کله په ښکاره او مخامخ او کله په پټه توگه دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان یعنی ددی وطن‌پرست مترقی او انقلابی سازمان او دهغه دخلکو دپرچم پر ضد، دکنخلو او دروغو ډکو خپرونو او زهر چنو تبلیغاتو په وسیله، مبارزه کوی. او دخلقی او طبقاتی مباری نقاب پر مخ اچوی. دا دارتجاع او امپریالیزم پدیدی دی چه غواری دافغانستان دخلک ددموکراتیک قوت ستر اصولی اکثریت له ماتی سره مخامخ کیږی. له همدی کبله باید دی نفاق اچونکی او مکار امپریالیستی تاکتیک ته جدی پام‌رنه وشی.

تولو صدیقو، ملی، دموکراتیکو عناصرو او درستو وطنپالو ترقی غوښتننکو ن دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت د «وښیار اوسه!» داده چه په دقت، واقع‌یبینی، او بیداری د (سی.آی.ای) د اجنبیانو نفاق اچونکی هلی خلی تر نظر لاندی ونیسی او خبردار اوسی چه امپریالیستی ارتجاع دجاسوسی سازمانونو گوډالیان په دسیسه او حيله د «خلق او دکارگر دطبقی دسیاسی جریان «د تظاهر په نقاب کی دافغانستان خلک موکراتیک اصیل قوت د خپلو لپاره او د ملی او دموکرتیکو قومونو تر مینخ د بیلتون دپیدا کولو په منظور صحنی ته راوتلی دی او غواری چه زموږ په هیواد ملی او اجتماعی آزادی بخشونکی نهضت په لارهکی، د کارگر دطبقی دسازمان ویارجنی ودی په لارکی ډیری واچوی. دوی جسارت او بی‌شرمی دی اندازی ته رسولی ده چه ارتجاع او امپریالیزم په نمایندگی دافغانستان دخلک ددموکراتیک قوت دانقلابی هویت د بدلون «فرمان» صادر کاندی. دا کار څومره خنثیی او مضحک دی، دا نو سمه دمه شارلتاتی او چتیتات ویل دی.

باید پاملرنه وش کله چه نهضت اوج نیسی او ملی او مترقی قومونه یوپل ته نیردی کیږی بیا په تیره په داسی اوضاع او احوالوکی چه دافغانستان

(دوهم مخ)

. در اوضاع و احوال کنونی جهان که

بدون شک عصر اضمحلال امپریالیزم و شگوفانی مبارزات بی‌امان خلق‌های آسیا، افریقا و امریکای لاتین برای احراز استقلال ملی، آزادی، دموکراسی و تأمین صلح و رفاه عمومیست، چهره جهنمی اهرمن امپریالیستی از پشت پرده تیرهٔ هر حادثه‌یی که در برابر این ارزش‌های انسانی و رهایی بخش معاصر قرار می‌گیرد، به نحو وحشت آوری ظاهر می‌گردد.
گوش امپریالیزم جهانی (صهیونیان)

یکی از مظاهر این چهره دژخیمی،

# جریان دموکراتیک خلق افغانستان

### عید باستانی نوروز را تبریک می‌گويد

به شما هموطنانی که با عرق جبین و آبله‌های دست، با کار توان‌فروسا، با تحمل محرومیت‌ها و رنج‌ها، با گرسنگی‌ها و بی‌خوابی‌های متداوم، گردونه زندهگی را در سنگلاخ دشواری‌های عظیم شرایط کشور بپیش می‌رانی! سال نو، سال جوشان مبارزات، سال تلاش برای احراز سنگرهای جنید، سال پیشروی کارگران و دهقانان و جوانان را تبریک و تهنیت می‌گوییم.

باید عید باستانی نوروز را به‌مثابه سال دیگر رشد نبرد خلق ما در راه شکستن زنجیرها، در راه سرنگونی ارتجاع و فیودالیزم، در راه به زانو درآوردن استبداد، در راه به هم پیوستن نیروهای دموکراتیک و ملی ترقی‌خواه و وطن‌پرست، در راه تعمیم دموکراسی و تحصیل آزادی‌های زحمتکشان، در راه طرد نفوذ استعماری و امپریالیزم و بالاخره در راه ایجاد یک افغانستان مستقل، نوین، مترقی و نیرومند استقبال کنیم.

باید از پروازهای ابرپاره‌های آزاد، از درخشیدن نور در برف‌های ارتفاعات هندوکش، از غرش دریاها در سراسیب دره‌ها، از شگفتن گل‌های وحشی در بیابان‌های سر سبز، از آسمان صاف، از نسیم روح بخش، از شگوفه‌ها و سبزه‌ها که چون امواجی از الوان در یکدیگر می‌غلتنده، روح امید، روح زندهگی و روح پیکار گرفت و از آن وجود خود را لبریز نمود و بالاخره این جان جوشان از زندهگی و نیرو را چون موج تسخیر ناپذیری با دریای پرتلاطم و بی‌پایان خلق پیوند داد و آن را در راه ایشان فدا کرد.

متن دری

## اتكاء ما به خلق است

زنده باد خلق افغانستان!

### نیروی دموکراتیک خلق افغانستان باید در برابر دسایس و توطیه‌های سازمان‌های جاسوسی امپریالیزم هوشیار باشد.

یکی از سیاه‌ترین و بی‌شرمانه‌ترین وظایف سازمان‌های جاسوسی امپریالیزم بین‌المللی، مخصوصاً سازمان جاسوسی امریکا سی.ای. ای به همدستی ارتجاع داخلی عبارت است از تشکیل گروه‌های پرووکاتور (فتنه انگیز) ایجاد رهبران نفاق افکن در نهضت‌های اصیل رهایی بخش ملی و اجتماعی.

افشای سازمان جاسوسی امریکا (سیا) از طرف یک افغان در امریکا و مداخله این سازمان جاسوسی در امور داخلی کشور ما نشان‌دهنده واضح مداخله امپریالیزم در افغانستان و سایر کشورها بود که نیروهای ملی دموکراتیک و ترقی خواه وطن‌پرست افغانستان را سخت تکان داد و خشم مقدس و نفرت شدید ملت آزاده افغانستان را علیه توطیه و دسایس سازمان سی.ای. ای برانگیخت. ولی با تأسف باید یادآور شد که همزمان با آن دسیسه پلان شده و تفرقه انگیز سازمان سیا به همدستی اجنت‌های داخلی آن علیه جریان و دموکراتیک خلق افغانستان نیز آشکار گردید.

از آن تاریخ تا کنون که درست دو سال می‌گذرد، بنا بر دستور و توطیه‌های سازمان جاسوسی سی.ای. ای و محافل حاکمه ارتجاعی فعالیت‌های تخریبی و تحریک آمیز بر ضد نیروی دموکراتیک خلق افغانستان و ناشر اندیشه‌های آن پرچم، من‌جمله در وجود گروه اقلیت ناچیز پرووکاتور نفاق افکن که نقش چندین جانبه را ایفا می‌کنند، ادامه دارد. ولی اسناد فراوان شواهد و حقایق انکار ناپذیر بیانگر این حقیقت است که جریان اکثریت بزرگ نیروی دموکراتیک خلق افغانستان، این سازمان سیاسی پیش‌آهنگ طبقه کارگر افغانستان چون صخره استوار و پایدار است گرم فعالیت است، زنده و نیرومند است ۲ شجاعانه می‌رزد، رشد و تکامل می‌یابد و تحت پرچم جهان‌بینی علمی در نبرد عادلانه خویش علیه ارتجاع و امپریالیزم بپیش می‌رود.

اینکه عناصر در ارتباط با سازمان جاسوسی امپریالیستی سیا و ارتجاع داخلی زمانی آشکارا و از مقابل و زمانی در خفا با پخش نشریه و تبلیغات زهرآگین و پر از دشنام و دروغ علیه جریان دموکراتیک خلق افغانستان، این سازمان وطن‌پرست مترقی و انقلابی و پرچم خلق آن، مبارزه می‌کنند و نقاب مبارزه طبقاتی و خلقی را بر چهره خود می‌زنند از پدیده‌های ارتجاع و امپریالیزم است که می‌خواهد نیروی اصولی و اکثریت بزرگ دموکراتیک خلق افغانستان را با شکست روبرو سازد. از اینجاست که باید با این تاکتیک نفاق افگنانه و خدعه گرانه امپریالیستی جدا توجه کرد.

هوشیار باش نیروی دموکراتیک خلق افغانستان به همه عناصر و نیروهای صدیق ملی، دموکراتیک، به تمام ترقی‌خواهان وطن‌پرست این است که با دقت، واقع‌بینی و آگاهانه فعالیت‌های نفاق‌افکنانه اجنت‌های سی.ای.ای را بررسی نمایند و بر حذر باشند که عمال سازمان‌های جاسوسی ارتجاع امپریالیستی با دسیسه و حيله در نقاب تظاهر به خلق و جریان سیاسی طبقه کارگر برای سرکوبی نیروی اصیل دموکراتیک خلق افغانستان برای ایجاد افتراق میان قدرت‌های ملی دموکراتیک روی صحنه ظاهر گردیده‌اند و می‌خواهند در این جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی کشور ما در راه رشد پر افتخار سازمان طبقه کارگر سنگ اندازی کنند و حتی جسارت و بی‌شرمی را به میزانی رسانیده‌اند که به نمایندگی از ارتجاع و امپریالیزم دستور تغیر هویت انقلابی نیروی دموکراتیک خلق افغانستان را صادر می‌نمایند. مضحک و خنده آور است، صاف و ساده شارلتاتی و هذیان گویی است.

باید در نظر داشت هر وقتی‌که نهضت اوج می‌گیرد و قدرت‌های ملی و

(ص ۲)

سالی که گذشت، سال اوج نهضت

مبارزات افتخارآمیز زحمتکشان کشور بود. کارگران، جوانان و پیشه‌وران و حتی روستاییان برای تأمین حقوق، خواست‌ها و مطالبات صنفی و اقتصادی و سیاسی خود دلیرانه مبارزه کردند. کارگران پیشتاز ما، در پیکار پرافتخار خویش استواری، مقاومت و هشیاری کم نظیری از خود نشان دادند. امواج نیرومندی از اعتصابات و تظاهرات عظیم، میتینگ‌ها و اجتماعات پرشکوه، مارش‌ها و راهپیمایی‌های ظفرنمون به پا خاست که نموداری از بیداری و ارتقای شعور سیاسی و اجتماعی خلق وطن و به‌خصوص طبقه جوان کارگر و رزمندگن جوان کشور ما به‌شمار می‌رود.

نیروی دموکراتیک خلق افغانستان چه از طریق ارگان نشراتی خود پرچم، چه از پشت تریبون پارلمانی و چه خارج از آن، چه در عمل و چه در نظر با درک رسالت عظیم تاریخی خویش و وقف وفاداری به آرمان‌های والای خلق، کارگر به‌مثابه سازمان سیاسی پیش‌آهنگ طبقه کارگر افغانستان در یک‌صفت با دیگر عناصر و گروه‌های صدیق ملی و مترقی در نهضت اعتصابی و تظاهرات اخیر کارگری و روشنفکری نقش پیش‌آهنگی و اصولی خود را به‌رستی انجام داد.

پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان، در جریان سالی که گذشت از موقف و مطالبات عادلانه خلق کارگر کشور به‌طور جدی و پیگیر دفاع کرده است. در صفحات خود تفصیل و چگونگی اخبار مربوط به این مبارزات را با مد و جزرها و پیچ و خم‌های آن، با پیروزی‌های نسی و شکست‌های موقتی و تجارب ناشی از آن، وسیعاً انعکاس داده است؛ دسایس و توطیه‌ها و اعمال ضد قانونی، ضد دموکراتیک و ضد خلقی مقامات حاکمه ارتجاعی را افشا کرده است.

بسمنظور یادآوری از قهرمانی‌های پیکارگران دلیر، درین جا فقط

خلق را تهنیت گوییم، ایجادگران زندهگی را، قهرمانان گمنام را، زحمتکشان را، کارگران را: این سرداران بزرگ بشریت را، توده‌های عظیم دهقانان – این زحمتکشان زمین شکن بیابان‌ها و وادی‌ها را.

درد گرم بر سال نو، بر سال پیکارها، بر سال پیشرفت‌ها، بر سال امیدها، بر سال رشد مبارزه و نهضت نجات‌بخش، بر سال پیروزی نیروهای صلح، آزادی و ترقی اجتماعی در جهان، بر سال پیشرفت به‌سوی مجهولات کیهان و سال شکست ارتجاع و امپریالیزم!

## ۱۳۴۷

### سال اعتصابات و تظاهرات

فهرستی از اعتصابات و تظاهرات سال ۱۳۴۷ را به‌حیث مهم‌ترین رویدادهای سال که الهام دهندهٔ مبارزات رهایی‌بخش آینده ماست، تقدیم می‌نماییم:

در ماه حمل:

۱- اعتصاب و مظاهره شاگردان ښوونځی تخنیک ثانوی در کابل.

۲- اعتصاب شاگردان ښوونځی میخانیکی کابل.

در ماه ثور:

۳- تظاهرات عظیم و پرشکوه کارگران به‌خاطر تجلیل روز اول می – روز بین‌المللی کارگران.

۴- اعتصاب کارگران کارخانجات جنگلک.

۵- اعتصاب و مظاهره کارگران فابریک نساجی گلپهار.

۶- اعتصاب دکانداران شهر کندهار.

۷- مارش ظفرنمون کارگران تفحصات پترول شیرغان.

۸- تظاهرات شاگردان لیسه ابن‌یمین و شهر شیرغان.

۹- تظاهرات شاگردان ښوونځی تخنیک ثانوی.

۱۰- تظاهرات کارگران، دهقانان و شاگردان لیسه میر مسجدی در ولایت کاپیسا.

۱۲- اعتصابات و تظاهرات کارگران کارخانجات جنگلک.

۱۲- مظاهرات شاگردان ښوونځی‌های ثانوی، میخانیکی کابل و مکتب صنایع کابل.

در ماه جوزا:

۱۳- تظاهرات کارگران فابریکه خانه سازی در کابل.

۱۴- تظاهرات شاگردان ښوونځی‌های میخانیکی، صنایع و نرسنگ کابل.

۱۵- اجتماع شاگردان ښوونځی رخه پنچشیر.

۱۶- اعتصاب کارگران مطابع دولتی کابل.

۱۷- مظاهرات شاگردان ښوونځی ابو داؤد سجستانی ولایت نیمروز.

۱۸- اعتصاب کارگران فابریکه‌های پشمینه بافی و پلچرخی و بایسکل سازی کابل.

(ص ۳)

شرق میانه، یکی از مثال‌های زندهٔ تجاوز توطیه گران امپریالیزم به‌حق حاکمیت و ارادهٔ مستقل خلق‌های عرب برای پیروزی رسانیدن انقلابات رهایی‌بخش ملی و اجتماعی است؛ زیرا امپریالیزم جهانی به‌خوبی می‌داند که دوام این مبارزهٔ کشورهای عربی شرق میانه، بزرگ‌ترین منابع نفتی و بهترین موقعیت سوق‌الجیشی را از کام اهریمنی ویرانگر و فتنه‌انگیز در روح ناپاک و متجاوز صهیونیان اسرائیلی و

(ص ۲)

## برگزاری به‌اصطلاح «هفته اسراییل»

### در آلمان غرب

### همکاری بین‌جمهوریت فدرالی آلمان و اسرائیل

راه می‌افتد و از طرف آنان تأیید، تقویت و پشتیبانی می‌شود تا باشد که هستی رشد‌یابندهٔ دولت‌های ملی و مترقی این کشورها را که یوغ ننگین

بردمگی و زنجیر سنگین و پلید امپریالیزم را شجاعانه به دور افکنده و از هم دریده اند، از پا درآورند و دوباره زمینهٔ غارتگری‌های ددمنشانهٔ

اوضاع بحرانی و در حال انفجار

بورژوازی ارتجاعی هرگز از تلاش‌های خود برای منفجر ساختن جنبش مترقی از داخل بازمانده است و در پی آنست که با استفاده از اختلافات درون حزبی برای تأمین اهداف خویش استفاده نماید و نظریات اپورتونیستی را در میان اعضای (از لحاظ سیاسی) ناستوار پخش کند. حزب رشد می‌یابد و صفوف آن نه‌تنها به‌وسیله کارگران پیشرو، بلکه به‌وسیله کسانی که هنوز پختهگی کافی سیاسی ندارند، افزایش می‌یابد که درین جمله غالباً عناصری از افشار متوسط قرار می‌گیرند که به‌طور ارادی و یا غیر آن تمایلات اپورتونیستی را در احزاب با خود می‌آورند، بدین‌جهت همیشه امکانات آن وجود دارد که نظریات مختلف اپورتونیستی اعم از راست و چپ، دلسردی و افسردگی و عدم اعتقاد به پیروزی که خصلت‌های بورژوازی و خرده بورژوازی است، در احزاب طراز نوین طبقه کارگر نفوذ نماید و به همین دلیل است که مبارزه برای پاکیزه نگه‌داشتن اصول جهان‌بینش علمی قانون تغییر ناپذیر موجودیت و تکامل احزاب مترقی و کارگری می‌باشد.

### خطر رویزونیزم

با رشد مبارزه طبقهٔ کارگر، ایدیولوژی بورژوازی رنگ و شیوهٔ خود را تغییر می‌دهد. در ابتدا که با شیوه‌های خشن می‌کوشید درستی و صحت سرمایه‌داری را اثبات نماید، اکنون با متودهای ظریف‌تر از سرمایه‌داری دفاع می‌کند؛ اما این امر ماهیت ایدیولوژی بورژوازی را تغییر نمی‌دهد، زیرا هر شکلی را که به خود بگیرد، همیشه هدف اپورتونیزم این است که (به‌طور آشکارا و یا به طریق فریبنده) طبقهٔ کارگر را با سرمایه‌داری آشتی دهد و جنبش کارگری را تابع منافع طبقات حاکمه سازد. رویزونیست‌ها تلاش می‌ورزند که تیوری علمی مترقی، جهان‌بینی انقلاب طبقهٔ کارگر را مورد تجدید قرار دهد.

باید خاطر‌نشان ساخت که رویزونیزم «یکی از عمده‌ترین مظاهر نفوذ بورژوازی بر کارگران» می‌باشد. ایدیولوگ‌های رویزونیستی کوشش می‌نمایند که تمام تزه‌ای تیوری علمی را مورد «تجدید نظر» قرار دهند یا دقیق‌تر بگوییم آن‌ها را تحریک کنند. رویزونیست‌ها همواره تحریف آموزش‌های خلاق را در بارهٔ حزب یکی از اهداف عمدهٔ خود قرار می‌دهند. مجاهدات تیوریکی و عملی رویزونیست‌ها در آخرین تحلیل به معنی انحلال حزب یا تغییر ماهیت آن به یک سازمان رفورمیستی می‌باشد. اکنون رویزونیست‌ها آشکارا از انحلال حزب دفاع نمی‌نمایند، بلکه در تحت بهانه توسعه دموکراسی داخل حزبی زمینه را برای از بین رفتن انضباط حزبی، عدم تبعیت اقلیت از فیصله‌های اکثریت و ایجاد گروه‌بندی‌ها در داخل حزب آماده می‌سازند که این امر به معنی از بین بردن وحدت عمل حزب و تبدیل آن به صحنهٔ مبارزه بین گروه‌بندی‌های مختلف است.

رویزونیست‌ها مخالفت واقعی خود را با اول جهان‌بینی علمی، با ارایه این حقیقت که آموزش مترقی خود تعویض قضایای کهنه را توسط قضایای جدید پیش‌بینی کرده است، پنهان می‌نمایند، اما تعویض تزه‌ای غیر مستعمل توسط پیشنهادات و طرح‌های خلاق جدید مترقی هیچ وجه مشترکی با فسخ یا تحریف اصول اساسی جهان‌بینی علمی که روح اساسی این آموزش انقلابی را تشکیل می‌دهد، ندارد. طبیعی است که احزاب مترقی مبارزه علیه رویزنیزم را در تمام موارد، به شمول، مسایل سازمانی و حزبی به حیث یکی از وظایف خیلی مهم و دایمی خود می‌دانند.

رویزونیست‌ها می‌کوشند تا انقلاب سوسیالیستی و سلطهٔ زحمتکشان، ساختمان سوسیالیزم و مرحلهٔ متکامل

**مبحثی از تیوری علمی:**

## ضرورت مبارزه با اپورتونیزم راست و چپ

بعدی آن را انکار و تضادهای آشتی ناپذیر سرمایه‌داری را ماست مالی کنند. آن‌ها مدعی‌اند که پدیده‌های جدید واقعیت سرمایه‌داری معاصر با ارتباط به رشد سرمایه‌داری انحصاری دولتی، با ملی کردن سرمایه‌داری و کوشش دولت بورژوازی برای تنظیم رشد اقتصادی، نشانه‌هایی‌ست مبنی بر تغییر اساس و مبنای سرمایه‌داری که گویا سرمایه‌داری به سوسیالیزم نزدیک‌تر می‌شود و به‌سوی سوسیالیزم «می‌خیزد.»

این استدلال که سرمایه‌داری کنونی به‌طور خود به خودی به سوسیالیزم تکامل می‌نماید، واضحاً انکار از

اصول اساسی جهان‌بینی علمی می‌باشد. تمام انکشافات در سرمایه‌داری معاصر متذکره بالاا اساس سرمایه‌داری مالکیت خصوصی و استثماری – را متأثر نمی‌سازد ماهیت سرمایه‌داری تغییر نیافته باقی مانده است و تنها از طریق یک انقلاب سوسیالیستی و سلطهٔ زحمت کشان به سوسیالیزم انتقال خواهد یافت.

### دگماتیزم و سکتاریزم موجب تجرید از توده‌ها می‌گردد:

احزاب مترقی نه تنها مجبورند که علیه اپورتونیزم راست، رویزونیزم بلکه علیه اپورتونیزم چپ، دگماتیزم و سکتاریزم نیز مبارزه نمایند، در

( د لوموی مخ پاتی)

## زمون اتکاء ...

دخلک دموکراتیک قوت خپل خوبنکی یرغل د داخلی ارتجاع او امپریالیزم پرضد سختوی. من جمله دقلبی، بیبرنسیبو او وحدت ماتونکو خلقیانو مبارزه زمور پر ضد شدت او حدت مومی او په دی توگه دارتجاع د عمر نه دوام او دامپریالیزم له تسلط سره مرسته کوی.

مور په لوړ اواز اعلام کو چه دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت (چه له یو کال ته راپدیخواپه له بیلیدونکی توگه پرچم دهغه دافکارو خپرونکی دی) پخپل له څلورو کلونو زیات سازمانی ژوند کی، څه اندرونی مبارزی په ډلر کی او څه د باندنی مبارزی په درگری (اعم له ایدیولوژیکی، سیاسی او اقتصادی) د مبارزی د دموجز، او پیجو مو څخه د تخویف تهدید، ترو، حبس او زندان، طرد، د توطیو او دسایسو، تورو نو او کنخلو او دشمنانو دزرگونو بزو باوجود. په زرورتیا تیر شویدی. مگر ژوندوی او وښیار دی او دهر راز قربانی له منلو سره خپل ادی بخشونکی ضد ارتجاع او ضد امپریالیزم سازمان ته دوام ورکوی او پخپل وروستی بری پخپل انقلابی ماهیت او نوی سیاسی تیپ سازمان، پخپلو اصولو، دکارگر دطبقی په ایدلوژی، دافغانستان دخلک په دموکراتیک نجات بخشونکی مرام، پخپل دوداو دستور او پخپله سیاسی مشی باندی ټینگ ایمان لری. او دهیڅ داخلی او خارجی ضد خلقی او او ضد ملی قدرت فرمان او دستور به ونه منی او هیڅ داخلی او خارجی ارتجاعی عنصر او قدرته په اجازه ورنکړی چه دهغه په داخلی چاروکی لاس ووهی او فرمان ورکړی چه خپل مستقل، ملی، مترقی وطنپالونکی او انقلابی اصیل هویت چه په اوسنیو شرایطوکی دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان تر ویاړ جن نوم اوخلکو تر پرچم لاندی مبارزه کوی، بدل گاندی. همدا راز هیچاته اجازه نه ورکوی چه دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان ویولی.

په پای کی اعلام کو چه دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان توده غیبر، دسازمانی، سیاسی او ایدیولوژیک یووالی لپاره، هغو او لوشریفو محافلو او عناصرو ته خلاصه ده چه دداخلی ارتجاع او امپریلیزم دعمالو دتفتین او دسیسی پرینا، دخپل مورنی او اصیل انقلابی جریان څخه لری ساتل شوی یا لری پاتی شویدو خو په صادقاته توگه دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت له تگ لاری او زمور دبیری له پرمختلو نکو ارمانونو سره وفادار دی. د دی ترقی غوښتونکو مبارزینو مسلم حق دی چه دخپلو حقوقو او شخصیت له حفظ سره سره، دعلمی نری لید داصولو او دانتقاد اوپر خان انتقاد په رڼا کی او دمترقی سازمانی موازینو او ددموکراتیک مرکزیت دزرینو اصولو پر منبا، په صمیمانه او رفقانه فضا کی، دافغانستان دخلک له دموکراتیک جریان سره یو خای شی او له ارتجاع او امپریالیزم سره په مشترکه جگړه کی گډون وکړی.
په وړاندی د افغانستان د خلک د دموکراتیک قوت تر بری هستونکی پرچم **لاندى!**

از (ص اول)

## ضرورت مبارزه با اپورتونیزم راست و چپ

واقع دگماتیست‌ها که خود را بسیار «چپ» و انقلابی نشان می‌دهند، موجب تضعیف جنبش و حزب می‌گردند.

اساس سکتاریزم را برخورد دگماتیک (جزمی) نسبت به مسایل تیوریکی و فورمول‌ها تشکیل می‌دهد. چنانچه به جای مطالعه زندهگی حقیقی، دگماتیست‌ها از روی طرح‌های قبلی حرکت می‌نمایند و هرگاه حقایق با این طرح‌های قبلی سازگاری نداشته باشد، اصلاً حقایق را نادیده می‌گیرند.

دگماتیزم به معنی از دست دادن تماس با واقعیت است و اگر حرب با دگماتیزم مبارزه نکند به گروهی بدون ارتباط با زندهگی مبدل می‌گردد.

از ( ص اول)

## اتکاء ما ...

مترقی به هم نزدیک می‌شوند و بخصوص در اوضاع و احوال که نیروی دموکراتیک خلق افغانستان حمله کوبنده سیاسی خود را علیه ارتجاع داخلی و امپریالیزم شدت می‌بخشد، من‌جمله مبارزه خلقی‌های دروغین بی‌پرنسیب وحدت شکن علیه ما شدت وحدت کسب می‌کند؛ و به دوام عمر ارتجاع و دوام تسلط امپریالیزم کمک می‌رساند.

ما به بانگ رسا اعلام می‌داریم که نیروی دموکراتیک خلق افغانستان (که از یک سال به این‌طرف جریده پرچم به‌صورت انفکاک ناپذیر ناشر اندیشه‌های انست) طی بیش از چهار سال حیات سازمانی خود، چه در عرصه‌های مبارزه درونی و چه در عرصه مبارزه برونی اعم از ایدیولوژیک، سیاسی و اقتصادی از مد و جزر و پیچ و خم‌های مبارزه (پاوجود شانتاز، تهدید، ترور، حبس و زندان، طرد از کار، توطیه ها و دسایس، اتهامات و دشنام و هزاران شلیک دشمن) دلیرانه گذشته است. ولی زنده و هوشیار است و به پیکار عادلانه رهایی بخش ضد ارتجاع و امپریالیزم با قبول هرگونه قربانی ادامه می‌دهد و به پیروزی اصول خود به ماهیت انقلابی و سازمان سیاسی طراز نوین خود به اصول خود، به ایدیولوژی طبقه کارگر به مرام نجات بخش دموکراتیک خلق افغانستان به راه و روش خود به مشی سیاسی خود ایمان راسخ دارد و از هیچ قدرت ضد خلقی و ضد ملی داخلی و خارجی فرمان و دستور نخواهد داد که در امور داخلی آن مداخله کند و یا دستور دهد تا هویت مستقل اصیل ملی و مترقی و وطن‌پرستانه و انقلابی خود را که در شرایط کنونی زیر نام پرافتخار جریان دموکراتیک خلق افغانستان و تحت پرچم خلق نبرد می‌کند، تغییر دهد.

همچنان به هیچ کس اجازه نمی‌دهد که ادعای مالکیت شخصی جریان دموکراتیک خلق قلمداد کند.

در اخیر اعلام می‌داریم که آغوش گرم جریان دموکراتیک خلق افغانستان برای وحدت سازمانی، سیاسی و ایدیولوژیکی بر روی آن محافل و عناصر شریفی که بنا بر تفتین عمال ارتجاع و امپریالیزم از حریان ما در واصل انقلابی خویش دور نگه داشته شده‌اند و همچنان دور مانده‌اند، اما صادقاته به مردم و خط مشی دموکراتیک خلق افغانستان به آرمان‌های پیشرو عصر ما وفادار اند، باز است. حق مسلم این مبارزان ترقی‌خواه است که با حفظ حقوق و شخصیت شان در چوکات اصول جهان‌بینی علمی در تحت پرنسیپ انتقاد و انتقاد از خود و بر اساس موازین سازمان مترقی و اصول زرین مرکزیت دموکراتیک و رد یک فضای صمیمانه و رفقانه به جریان اصیل دموکراتیک خلق افغانستان ببیوندند و به نبرد مشترک علیه ارتجاع و امپریالیزم بپردازند.
**به‌پیش زیر پرچم ظفر آفرین نیروی دموکراتیک خلق افغانستان!**

## برگرزاري به اصطلاح ...

فاشیست‌ها به شکنجه‌گاه‌ها، کشتارگاه‌ها و اتاق‌های گاز سوق داده شده‌اند (به‌طور که اکنون روشن شده است آن‌هم به موافقت و همکاری برخی از سران صهیونیست صورت گرفته) پرداخته می‌شود. طرف‌تر این که در پهلوی این‌همه کمک‌های ب‌بریا (!) ساینس دانان آلمان غرب نیز در مراکز هستوی اسراییل مصروف خدمتگزاری (!) می‌باشند.

در اوایل سال ۱۹۶۹ هرمان ابس رییس دویچه بانک «بازدید غیررسمی «از اسراییل به عمل آورد. وی رهبران اسراییل را از آماده‌گی سرمایه آلمان غرب و پشتیبانی رهبران آلمان غرب از سیاست توسعه‌جویانه و تحریکات نظامی آن علیه اعراب اطمینان داد.

نماینده‌گان پارلمان اسراییل باکمال وقاحت و بی‌شرمی، علیرغم آن‌که تقریباً نصف نفوس اسراییل نسبت به

دگماتیزم جنبش و حزب را از ارتباط با توده‌های محروم می‌سازد که بدون آن ناممکن است مبارزه پیروزمندانه‌یی را علیه سرمایه‌داری انجام داد. بنا بر آن لازم است که علیه دگماتیزم با تمام مظاهر آن مبارزه کرد، چه جنبش و حزب را بدون آن نمی‌توان استحکام بخشید.

در مسایل حیات حزبی سکتاریست‌ها در پی آن‌اند که دموکراسی حزبی و رهبری دسته‌جمعی را کاملاً بی‌اهمیت جلوه دهند. همه چیز را متمرکز سازند، انضباط آگاهانهٔ حزبی را به انضباط میکانیکی بر مبنای تهدید و فشار مبدل گردانند و حالات اضطرار را مصنوعاً ایجاد کنند. باید خاطر نشان ساخت که دگماتیزم و سکتاریزم از کیش شخصیت که با اصول جهان‌بینی علمی مغایرت دارد، جدا نیست.

دگماتیزم و سکتاریزم با تحریف دوکتورین خلاق علمی حزب، موجب آن می‌گردد که حزب مشخصات عمدهٔ خود را به‌مثابهٔ یک سازمان رزمنده و مستقل در عمل با ارتباط عمیق و نزدیک با توده‌ها، از دست بدهد.

در اعلامیه ۱۹۶۰ جداً خاطر نشان می‌گردد که دگماتیزم و سکتاریزم حزب را محکوم به «انتظار عبث و غیرفعال در برابر حوادث یا حرکات چپروانه و ماجراجویانه در مبارزه انقلابی» می‌سازد.

دگماتیست‌ها و سکتاریست‌ها در مورد انقلاب به‌طور ذهنی حرف می‌زنند، علناً آن‌ها خود را انقلابیون واقعی نشان می‌دهند و امحای فوری سرمایه‌داری را با یک «جنگ انقلابی» تأکید می‌نمایند. آن‌ها در پی آن‌اند که رشد انقلابی جهانی را به‌وسیله نیروی سلاح به‌پیش ببرند. سوسیالیزم را از خارج، بدون در نظر گرفتن شرایط، بالای ملل تحمیل کنند.

دگماتیزم نمی‌تواند و نمی‌خواهد (بنا بر وقف کورکورانه به نقل قول‌های کهنه) وضع مشخص و تغییراتی را که در جهان پدید آمده است؛ در نظر بگیرد. عدم توانایی در تحلیل، در تشخیص و در ارزیابی وضع جدید و فورمول‌بندی تاکتیک‌ها بر طبق این وضع، مشخصهٔ تمام انواع اپورتونیزم از رویزونیزم تا دگماتیزم است. رویزونیست‌ها مخالف انقلاب سوسیالیستی هستند، دگماتیست‌ها برای یک «انقلاب جهانی» فوری نعره می‌زنند که خواه آن‌ها بخواهند و یا نخواهند به‌طور اجتناب ناپذیر به امر انقلاب لطمه وارد می‌آورند. دگماتیست‌ها و رویزونیست‌ها هر دو آب به آسیاب بورژوازی می‌ریزند و ثابت می‌گردد که رویزونیزم و دگماتیزم دو روی یک سکه‌اند. «احتراف از مشی اصل مترقی به «چپ» و یا راست، هنگامی که با شسونیزم و خودخواهی عظمت‌طلبانه پیوند پیدا نماید، هر دو خطرناک‌اند.»

لهذا خیال باطلی خواهد بود اگر فکر شود که جنبش مترقی کارگری بدون تضادها و دشواری‌ها تکامل می‌یابد، اکنون مانند چندین دهه قبل، ترقی‌خواهان پیشرو مجبورند که به مبارزهٔ قهرمانانه‌یی، نه تنها علیه بورژوازی و ارتجاع و علیه تیوریسن‌های بورژوازی، بلکه علیه تمایلات اپورتونیستی در داخل صفوف خود، علیه رویزونیزم و دگماتیزم دست زنند.

اختلاف در میان ترقی‌خواهان پیشرو مساله جدی است، اما نه بدان معنی که آن‌ها برطرف نکردنی هستند. بر این‌ها غلبه می‌شود و باید بشود، زیرا پیوسته‌گی جنبش جهانی مترقی، شرط اساسی برای پیروزی مبارزه علیه سرمایه‌داری و برای سوسیالیزم می‌باشد.

اختلاف میان ترقی‌خواهان پیشرو در موضوعات تیوری و سیاسی تنها بر مبنای اصول اساسی تیوری مترقی و اصالت بین‌المللی زحمتکشان برطرف شده می‌تواند. اساس این وحدت وفاداری به تیوری علمی، آرمان جنبش سوسیالیستی جهانی، آرمان طبقهٔ کارگر و تمام خلق کارگر است.



# په پکتیا کی د خلکو له صحت

### سره لویی کپړی

د افغانستان د خلک دموکراتيک افکار وڅيړوونکی، پرچم درنو ليکوالو ته!

د پکتيا د غرنی سيمی د بی‌وزلو او استثمار شویو خلکو په نمایندگی خپل سلامونه دراستوم او هيله کړم چه تاسو به ددی سیمی د بی‌وزلو، بربنډو کارگرو او بزگرو په حمایه کی زموږ دغه آواز خلکو ته ورسوی:

دوه کاله پخوا د افغانستان حاکمه طبقی د پکتیا په خلکو باندی د خپل رحم او کرم (!) له مخی، په گردیز کی یوه شفاخانه پرانیستله. په هماغه وخت کی د حکومت یوه سنره نماینده د پکتیا خلکو ته وویل: دا روغتون ستاسو د خدمت لپاره جوړ شویدی او تاسو کولای شی بی له کوم توپیر څخه خپل ناروغان دلته او د هیواد په نورو عصری او مجهزو

روغتونونو کی ندای کوی.

اوس به نو ددی مجهز او عصری (!)

روغتون په باب چه د پکتیا د خلکو د صحت چاری یی په غاړه دی، د افغانستان خلکو ته معلومات ورکړو:

۱- یو څه دوا چه د صدقی په توگه له کابل نه دی روغتون ته رالیږل کیږی، د څو تنو حامانو او محلی متنفذینو د کپول د سر، ستونی او ...

د تداوی په پلمه له روغتون څخه مخ په تور بازار راوژی او ویلی کیږی.

۲- ځینی داکتران (البته وطنپال داکتران استثنا دی) چه نوی روغتون ته راقمریږی، په نومړیو ورځو کی د خلکو د جذبولو په منظور مریضانو ته یو څه پېچکاری ورلگوی او څه نا څه جمع او خرج ربانی هم ورسره کوی، خو ځنگه چه بلد شی بیا نو مریضانو ته په متحدالامال ډول هماغه پدري پین پوډر او جرمنی سارین ورکوی.

۳- د بنځو لپاره خو اصلاً د رشتی متخصص اوځانگری ډاکتر نشته، پرستار او نور امکانات خو لا په ځای پریږیدی.

۴- د گردیز د ناینه وو او بنځو روغتونونه چه (۷۰) بستری لری او د پکتیا د لکونو غریبو او نرخورو خلکو لپاره بالکل ناکافی دی – خو سره له دی هم ددی ولایت په مریضانو، نه لوړول کیږی او اکثر ناروغان، په په سرايونو، دکانونو او کنډوالو کی شپی تیروی.

۵- د روغتون مریضانو ته د قیمتی دواگانو نسخی ورکول کیږی چه له تور بازار نه بب واخلی او دا ناروغان اکثر د بازار د دواگانو د رانیلو قدرت نلری.

۶- ډیر ځله عاجل ناروغان د شخصی استفادو په ملحوظ له بستر کیدو نه منع کول کیږی او څو ساعته د روغتون دروازی ته پراته وی.

دا خو د هغو خلکو حال دی چه روغتون پیژنی او هغه ته رارسیدای شی، اوس نو د دوی په مقایسه کی د هغو خلکو حال وگوری چه لا تر اوسه شفاخانه نه پیژنی او یا یی د هغی لمنی ته لاس نه ور رسیږی.

د پکتیا زلمیان او منورین پدی ولایت کی د مرض او مرینی له کبله د روغتون او د درمل نشتوالی له کبله او په نتیجه کی د اجتماعی مرستو او ابتدایی امکاناتو د فقدان له کبله د هیواد پر ارتجایی حاکمه محافلو باندی په کلکه اعتراض کوی.

(س. م. له پکتیا څخه)

۱۹- اعتصاب کارگران مطب‌عه معارف یا مؤسسه انتشارات فرانکلن.

۲۰- اعتصابات و تظاهرات شاگردان بنوونځی‌های میخانیکي و صنایع کابل.

۲۱- نهضت اعتصابی و تظاهراتی فابریکه نساجی پلخمری.

۲۲- اعتصاب کارگران شرکت سپین زر کنذ.

۲۳- تظاهرات شاگردان دارالمعلمین و لیسه شیر خان در کنذ به پشتیبانی از مطالبات کارگران سپین زر.

۲۴- اعتصاب کارگران فابریکه حجاری و نجاری – هوختیف در کابل.

۲۵- اجتماع شاگردان بنوونځی خوشحال خان در کابل.

۲۶- اعتصاب کارگران کارخانجات جنگلک.

۲۷- آغاز نهضت اعتصابی و تظاهراتی فابریکه نساجی گلپهار.

۲۸- راه پیمایی کارگران پروژه پلخمری-شیرغان.

۲۹- تظاهرات باشکوه و عظیم کارگران نساجی گلپهار به اشتراک متعلمین لیسه میر مسجدی، بنوونځی

# اعتراض عده‌یی از اهالی

### چهاردهی کابل بر دستگاه حاکمه

به جریده محترم پرچم ارگان نشراتی افکار دموکراتیک خلق افغانستان!

جریده پرچم که در تنویر افکار عامه و تعمیم دموکراسی رسالت عظیم تاریخی دارد، یگانه جریدهٔ مورد نظر ماست که از بدو حیات خود تا امروز در برابر ارتجاع سیاه مبارزه خود را پیش برده و این مبارزه برای ما قابل درک و آموزنده است. با این ملاحظه ما مردم یک گوشه چهاردهی درد دلی تقدیم کردیم و از شما آرزو می‌کنیم آن را انعکاس دهید.

۱- ما باشندمگان نو آباد قلعهٔ میر محبوب، قلعهٔ چتگر، ده قابل، ونچی باغبانان و مهتاب قلعهٔ چهاردهی کابل که یک عده

کثیری ما در شهر و پیرامون آن مصروف کار و پیدا کردن نان بخور- نمیر می‌باشیم، علاوه بر تحمیل شرایط سنگین دیگر، به علت محدودیت و فرسودگی بس‌ها و عدم اعتنای بس داران به راحت و حرمت مردم شدیداً دچار تکلیف هستیم. وضع اطفال و جوانان ما که مصروف تحصیل در مکاتب شهرند از ناحیه فقدان وسایل حمل و نقل خیلی رقت‌بارتر است.

۲- سرک مهتاب قلعه که از پل سوخته به بعد تا داخل قریه‌های ما خامه می‌باشد، در اثر غفلت و عدم اعتنای مراجع مربوط به یک سطح پر از چقری‌ها و برآمدگی‌ها تبدیل شده و بیش‌تر ازین که خصوصیات راه را داشته باشد، به مانعهٔ خطرناکی شباهت دارد. هنگام تابستان وقتی که خاک‌ها و ریگ‌ها سرک دست به دست هم می‌دهند، خط سرک به تونلی از خاک تبدیل می‌شود، لابد هر رهرو درین راه بیش از میلیون‌ها ذرات خاک آلوده و میکروب را فرو می‌برد.

۳- باوجودی که در این اواخر برق سرشاری تولید و به کابل می‌رسد، ما در زیر چراغ‌های تیلی و در فضای دودآلود آن شب‌ها را به سر می‌بریم. این واضح است که کمپرادوران و هواخواهان ایشان در دستگاه دولت، آرزو ندارند جای تیل خاک و اموال خارجی را برق تولید شده در وطن بگیرد، فلذا با وصف شکایات و عرایض مکرر ما در زمینه توجه لازمه از طرف شعبات مربوط به عمل نمی‌آید.

از نگارندگان جریدهٔ پرچم خواستاریم تا نسبت مشکلات ما در زمینه‌های سه‌گانهٔ فوق، اعتراض ما را علیه گردانندگان امور دستگاه حاکمه نشر و فریاد ما را به مردم برسانند.

«محل امضاء، مهر و شصت ۱۲۰ نفر از اهالی چهاردهی»

# درد، شکایت‌ها و اعتراضات خلق

## د سره رود د خلک د موټرونو پر ظالمانه کرایه

### اعتراض کوی او د ننګر ها د ولایت ترافیک محکوموی

د سره رود د موټروانو مالکان د خلکو د مجبوریت او د ترافیکو د همکارۍ په وجه له خلکو سره ډیره بیرحمانه وضعه کوی. دوی خپل موټرونه چه د جلالآباد د ښار او سره رود تر منځ چلیږی داسی ډکوی چه په سر او میڅ کی بی د پینیی اینهودلو ځای تش نټای کیږی او هره شیبه یی د اوبنتو امکان موجود وی.

هغه مریضان چه ددی موټرونو په وسیله د جلال آباد شفاخانو او داکترانو ته ځان رسوی، سخت کړاوونه کالی.

دا موټرونه له سره رود نه تر جلال آباد پوری پنځه، شپږ او کله له اوه روپی کرایه اخلی.

دا کرایه ټولو خلکو ته بیا په تیره د سره رود هغو زده کونکو ته ډیره گرانه ده کوم چه د جلال آباد په لیسه کی په زده کړه بوخت دی.

د سره رود اوسیدونکو څوڅو ځلی د ننګرهار د ولایت د ترافیکو مدیریت ته او بیا د ننګرهار ولایت ته شکایت وکړ او هغوی خلکو ته وعده ورکړه چه دا وضعه به اصلاح کړی، مګر ځنګه چه د موټرونو د خاوندانو او ترافیکو ګټی په خاصو، مواردو کی ګډی دی، د خلکو شکایت ته غور نه نیسی او د کراکشانو ظالمانه چال چلند هماغسی دوام لری.

د سره رود خلک له همدی کبله د ننګرهار د ولایت د ترافیکو په اداره او د سره رود د موټرونو په خاوندانو کلک اعتراض کوی او له هغو نه په کلکه غوښتنه کوی چه د خلکو پ ژوند لوبو کولونه لاس واځی.

(ع.ر.)

## اهالی گذرگاه اعتراض می‌کنند!

تېاهي سال‌های متذکره نتيجه‌یي نگرفته‌اند که آبخيزی سال 1347 فرا می‌رسد.

کسانی که زمام حکومت را به دست دارند و مدعی دموکراسی و حکومت قانون هستند، باید درک کنند که در برابر مردم مسؤولیت دارند و مردم جداً متوجه اجراءت و اعمال ایشان‌اند.

باید حکومت متوجه باشد که خانه به دوشان گذرگاه مدت دو سال را در انتظار به سر برده‌اند و دیگر توان و تحمل این شرایط طاقت فرسا را ندارند، باید به این خفت و تحقیر خاتمه داده شود و قناعت مردم زحمتکش گذرگاه فراهم گردد.

(ع)

امسال باز برف‌های کوهستانات آب

می‌شود و باران‌های بهاری با این آب‌های یکجا شده دریاها را لیریز می‌سازد و منجمله دریای کابل (دریای گذرگاه) را نیز بی‌خود و دیوانه می‌سازد.

باشندمگان فلک‌زدهٔ گذرگاه دوباره گواه ویرانی منازل، تباهی اساس‌البیت و از بین رفتن زندگی یک عدهٔ دیگر خواهند بود.

به آنی که در سال‌های گذشته رحم نکردند، به این قربانیان جدید هم رحم نخواهند کرد.

هنوز خرابی‌های آب خیزی در سال‌های 43، 44 و 46 تلافی نشده و هنوز اهالی گذرگاه از شکایات، عرایض و فریادهای خود به مناسبت

## صدای اعتراض معلمین و متعلمین ولایت غزنی علیه اجراءت خودسرانه معارف آنجا

در جوامع طبقاتی که خلق زحمت کش محکوم و دستخوش هوا و هوس عده محدود مفتخواران جامعه می‌باشد، تمام مسایل اجتماعی حسب دلخواه همین مفتخواران تنظیم و توجیه می‌شود. در همچو جوامع خلق از حقوق و آزادی‌های لازمه محروم می‌شوند روی همین اصل درین اواخر سر زمین باستانی غزنی شاهد وضع رقت‌باری در مورد معلمین و متعلمین شده است. معارف ولایت غزنی یک عده معلمین را علی رغم موافقه‌شان به مناطق مختلف مربوطه خود تقسیم کرده، در حالی که یک عده دیگر را با وصف این که استحقاق و سویه لازم تعلیمی را نداشتند در لیسه ها و متوسطه‌ها جابجا کردند. در تقسیم و تبدیل معلمین حفظ وضع موجود که بدون شک به نفع گروه ستمگر حاکمه است مطمح نظر قرار گرفته است. آ غاز سال تعلیمی در ولایت غزنی با نومیدی عده عظیم معلمین وابسته به طبقات محروم همراه بوده است. فرزندان زحمتکشان که مکاتب ابتدایی را به انجام رسانیده‌اند. امکان

از

(ص اول)

# ۱۳۴۷ ...

متوسطه دهاتی و همچنان گروه انبوهی از دهقانان و پیش‌سوران.

۳۰- میتینگ عظیم کارگران فابریکه سمنت غوری.

۳۱- اعتصاب محصلان پوهنځی تعلیم و تربیه.

۳۲- تظاهرات شاگردان معارف، کارگران، دهقانان و اهالی ولسوالی حضرت امام ولایت کنذ.

۳۳- تظاهرات خیابانی شاگردان مکتب متوسطه دختران شیرغان.

۳۴- تظاهرات شاگردان معارف در پنجشیر.

۳۵- اعتصاب کارگران شرکت سپین زر کنذ.

۳۶- اعتصاب شاگردان اکادمی تربیه معلم در کابل.

۳۷- اعتصاب شاگردان دارالمعلمین کابل.

۳۸- اعتصاب، تظاهر و راه پیمایی کارگران انتقال گاز در شیرغان.

۳۹- اعتصاب محصلان دارالمعلمین عالی کابل.

۴۰- مظاهرهٔ شاگردان لیسه ابو عبید در فاریاب.

۴۹- اعتصاب درایوران ترانسپورت

## پول را خوانین خوردند و گندم را دهاقین نادار تحویل می‌دهند

زحمتکشان و دهقانان ولسوالی چاه آب، ضمن تحمل صدها فشار و دسایس متنفذین محلی و خوانین آنجا، امسال شاهد دستبرد و تجاوز تازمیی شدند.

در سال ۱۳۴۷، ریاست تهیه مواد خوراکه و ارزاق یک مبلغ پول، به خاطر خریداری گندم به ولسوالی چاه آب فرستاد تا در آنجا یک مقدار گندم را به‌صورت آزادانه خریداری نماید. این پول در آن محل، به همکاری مأمورین مربوطه به گروهی از فیودالان و متنفذین محلی سپرده شد، ایشان آن پول را به‌صورت دوستانه و به‌متناسب قدرت بین خود تقسیم کردند. وقتی که زمان تحویلی گندم فرا رسید آن را به‌صورت بلاعوض و ریزش (شکن-قومی) بر دهقانان محل تحمیل کردند و محصلان شخصی خود را برای تحصیل گندم بر دهقانان گماشتند، چنانچه یک مقدار این گندم جمع آوری شده و متباقی نیز جمع آوری خواهد شد.

(ا.م. کارگر)

پشمینه بافی قندهار.	زرکشان.
در ماه عقرب:	در ماه قوس:
۵۹- تظاهرات عظیم و باشکوه محصلان، متعلمان، جوانان و شهریان کابل به مناسبت یادبود روز 3 عقرب.	۶۸- اعتصاب مکتب دخترانهٔ سوریا در کابل.
۶۰- مظاهرهٔ شاندار محصلان، شاگردان و شهریان جلال‌آباد.	۶۹- میتینگ کارگران فابریکه برق سروبی.
۶۱- مظاهرهٔ عظیم شاگردان و شهریان قندهار.	۷۰- اعتصاب کارگران پروژهٔ ساختمانی انکشاف وادی ننگرهار.
۶۲- مظاهرهٔ بزرگ شاگردان و شهریان هرات.	در ماه جدی:
۶۳- میتینگ‌ها، اعتصابات عمومی و تظاهرات وسیع و بزرگ محصلان پوهنتون کابل و انستیتوت پولی تخنیک و جوانان و شاگردان اعم از دختران و پسران در کابل که برای ۲۴ روز ادامه یافت و با پیروزی شایانی پایان پذیرفت.	۷۱- اعتصاب نرس‌های شفاخانه وزیر اکبر خان در کابل.
۶۴- اعتصابات شاگردان لیسه غازی.	۷۲- مظاهرهٔ شاگردان مکتب سروی اراضی در قندهار.
۶۵- اعتصابات کارگران فابریکه نساجی پلخمری.	۷۳- اعتصاب کارگران و مأموران میدان بین‌المللی هوایی قندهار.
۶۶- اعتصاب شاگردان و استادان لیسه ولسملان واقع چهار آسیاب کابل.	در ماه دلو:
۶۷- اعتصاب کارگران پروژهٔ	۷۴- مظاهرهٔ شاگردان لیسه لشکرگاه.
در ماه اسد:	در ماه حوت:
۵۰- میتینگ محصلات پوهنتون کابل.	۷۵- اعتصاب و تظاهرات شاگردان نساجی پلخمری.
۵۱- اجتماع مردم پنجشیر به نسبت مرگ چندین تن از اهالی آنجا در راه باریک و ناھموار پنجشیر.	۶۶- اعتصاب شاگردان و استادان لیسه ولسملان واقع چهار آسیاب کابل.
۵۲- مظاهره اهالی خوست بر ضد متخصصین آلمانی.	۶۷- اعتصاب کارگران فابریکه پولی تخنیک.
۵۳- مظاهره شاگردان مکاتب و اهالی ولسوالی رستاق ولایت تخار.	۵۷- اعتصاب بنوونځی‌های میخانیکي و دارالمعلمین خوست.
در ماه میزان:	۵۸- اعتصاب کارگران فابریکه
۵۴- اعتصاب دکانداران شهر لشکرگاه ولایت هلمند.	
۵۵- اعتصاب محصلان پوهنځی زراعت.	
۵۶- اعتصاب محصلان انستیتوت پولی تخنیک.	
۵۷- اعتصاب بنوونځی‌های میخانیکي و دارالمعلمین خوست.	
۵۸- اعتصاب کارگران فابریکه	



د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

۴ حمل ۱۳۴۷

م.ا. خيبر

به مناسبت ۲۱ مارچ روز بين‌المللی اعتراض عليه تبعيض نژادی

## تبعيض نژادی «جنایت امپریالیزم علیه بشریت»

نژاد پرستان و ایدئولوگ‌های امپریالیزم بی‌وسته سعی می‌نمایند که با اختراع تیوری دروغین عدم تساوی نژادها و موجودیت نژادهای «اعلی» و «ادنی» اساسی را به وجود آورند که بروی آن ستم طبقاتی، ملی و استعماری را موجه جلوه دهند. آن‌ها می‌کوشند که به‌منظور توجیه اسارت استعماری ملل آسیا، افریقا و امریکای لاتین و تیرنه مظالم و غارتگری استعماری امپریالیست‌ها بشریت را بدو گروه نژادی تقسیم نمایند. نژادی که استعداد رشد مستقل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی را دارد و نژادهای که فاقد این استعداد می‌باشند. طبق این تیوری غیر علمی و غیرانسانی باید نژادهای «پست»(مقصد نژادهای غیر

اروپای است) برای تغذیه و تنمیه نژاد عالی حیثیت کود را داشته باشند. در نتیجه همین تیوری احمقانه بود که فاشیزم استعمار کشورهای آسیا و افریقا را برای بقای تمدن بشریت، سفید پوست، یک امر طبیعی و ضروری می‌دانست. نژادپرستان قانون تنازع للبقا جهان حیوانات را برای انسان‌ها نیز جایز می‌دانند و جنگ وحشیانه به‌منظور بقای صالح‌تر و شایسته‌تر مورد تایید آن‌ها می‌باشد و بدین طریق جنگ و خونریزی بین ملت‌ها را نیز روا می‌شمارند. آن‌ها معتقدند که نژاد «برتر» حق حاکمیت بر نژادهای «پست» را دارد و بروی همین اساس است که حکومت نژاد پرست اقلیت‌های سفید پوست اروپایی در افریقای جنوبی و رودیشیا و استعمارگران پرتگالی در انگولا، موزنبیق و دیگر مستعمرات خویش علی رغم اعتراضات مکرر موسسه ملل متحد و افکار عامه جهان به خود حق می‌دهند میلیون‌ها انسان بومی غیراروپایی را در سرزمین‌های که اصلاً به آن‌ها تعلق ندارد، مورد زجر، شکنجه، استبداد و استعمار بی‌رحمانه و غیرانسانی قرار دهند.

بر نژادهای «پست» را دارد و بروی همین اساس است که حکومت نژاد پرست اقلیت‌های سفید پوست اروپایی در افریقای جنوبی و رودیشیا و استعمارگران پرتگالی در انگولا، موزنبیق و دیگر مستعمرات خویش علی رغم اعتراضات مکرر موسسه ملل متحد و افکار عامه جهان به خود حق می‌دهند میلیون‌ها انسان بومی غیراروپایی را در سرزمین‌های که اصلاً به آن‌ها تعلق ندارد، مورد زجر، شکنجه، استبداد و استعمار بی‌رحمانه و غیرانسانی قرار دهند.

به تأسی از این سیاست جنایت کارانه امپریالیستی و ارتجاعی است که بیش از ۲۰ میلیون سپاه پوست در امریکا این بزرگترین و نیرومندترین کشور جهان «آزاد» در انتهای فقر و بدبختی، تبعیض و توهین بسر می‌برند و رهبران آن‌ها ترور می‌شوند. نژادی ...، فجاج شیکاگو، الایاما و دیگر ایالات امریکا لکه ننگیست بر دامان نژاد پرستان و امپریالیزم امریکا.

پیروزی از سیاست منحوس و نفرت انگیز تبعیض نژادی نه تنها باعث آن شده که در داخل رودیشیا و افریقای جنوبی رژیم ترور و اختناق روی کار آید. بلکه کشورهای مذکور به‌مثابه پایگاه ارتجاع و تکیه گاه ضد انقلاب، ضد عدالت اجتماعی و ضد کرانت انسانی خطر بزرگی را برای دیگر کشورهای مستقل ملی افریقا و صلح و امنیت جهان به وجود آورند. دانش

خبرنگار پرچم از ولسوالی گذره ولایت هرات اطلاع می‌دهد که بروز ۱۲ حوت ۱۳۴۷ اهالی گذره در مرکز ولسوالی میتینگ بزرگی تشکیل دادند و هدف این اجتماع اعتراض اهالی بر عدم اعتنای مقامات حاکمه سرنوشت فرزندان شان در زمینه تأمین وسایل ادامه تحصیلات بالاتر و همچنان تقاضای ازدیاد صنوف بالاتر از دوره ابتدایی در ... آن ولسوالی بود.

از سال‌ها به این‌طرف فارغان صنوف ششم مکاتب ابتدایی بدون سرنوشت می‌مانند و با بنیان مجال و فرصت تحصیلات بالاتر وجود ندارد؛ مثلاً تا کنون از جمله ۲۰۰ تا ۲۵۰ فارغ صنوف ششم صرف به ۳۰ تا ۳۵ نفر (بیش از یگانه صنف ۷ ... ابتدایی گذره (وزیر فتح خان) موقع ادامه

تحصیل داده شده، آن‌هم بعد از به‌اصطلاح امتحان کانکور که بیشتر جنبه عوام‌فریبانه دارد، نه تشخیص بدون تبعیض و غیر توطیه آمیز استعداد فرزندان واقعاً مستحق خلق معارف دوست آن ولسوالی.

در این اجتماع مردم جدا تقاضا می‌کردند که پروگرام‌های درسی ثمر بخش گردد و صنوف بالاتر دیگر در ... مرکز ولسوالی اضافه شود تا فرزندان شان بیشتر و بی سرنوشت نمانند. این اجتماع که در حدود بیشتر از یک هزار نفر اشتراک کننده داشت به ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه قبل از ظهر آغاز و ضمن بیانیه‌های پرچم‌ش و با حرارت که به‌وسیله اهالی و جوانان وطن‌پرست ولسوالی ایراد گردید، ادامه داشت.

استقامت و پایه داری دهقانان و

# اجتماع اهالی زحمتکش ولسوالی گذره

### ولایت هرات

### به غرض تأمین وسایل تحصیلات بالاتر از دوره ابتدایی

راپور مفصل این حادثه بعد از وصول اخبار موثق تقدیم خواهد شد.
\*\*\*

خبرنگار علاوه می‌کند که مردم ولسوالی گذره از فقدان وسایل کافی و راحت حمل و نقل مردم به ولایت هرات نیز محروم‌اند. آنان چندی قبل به غرض رفع این مشکل اساسی خویش به شاروالی ولایت هرات مراجعه کردند که به خاطر تأمین راحت مردم خط سیر سه عراده سرویس مربوط خود را از هوتل هرات و پارک ظاهر شاهی با گذره امتداد دهد و بدین‌وسیله حداقل خدمتی به این خلق ستمکش بنمایند. ولی شاروالی هرات به مردم جواب داد که بس‌های مذکور برای انتقال امریکاییان مقیم هرات خدمت می‌نماید و بکار مردم ما پرداخته نمی‌توانند.

جوانان مبارز ولسوالی را مجبور ساخت تا با این خواست قانونی مردم وقعی گذاشته از آنان درخواست کند که به غرض مفاهمه با ولایت هرات نمایندگانی انتخاب و معرفی نمایند. در پایان مردم تصمیم گرفتند که تا برآورده شدن مطالبات خویش در این زمینه به مبارزات خود ادامه دهند. اطلاع تازه می‌رساند که فارغان صنوف ششم ولسوالی گذره به همراهی پدران دهقان شان به‌صورت مظاهره مسالمت آمیز به‌سوی شهر هرات شتافتند ولی با مداخله ضد قانونی پولیس مواجه گردیدند. قرار معلوم عبدالعلی کارگر، غلام سخی دهقان و غلام فاروق محصل به شکل خودسرانه‌یی از طرف پولیس گرفتار گردیدند.

# اعلامیه مشترک کمیته مشاورتی سیاسی

### کشورهای عضو پیمان وارسا

ارگان حزب کارگر سویس متن کامل کنفرانس بوداپست را نشر و در مقدمه آن تأکید می‌کند که «ملت‌های پیمان وارسا تمام کشورهای اروپایی را به صلح و امنیت دعوت می‌دهد.» مطبوعات لندن به پیام کشورهای عضو پیمان وارسا توجه زیادی مبذول داشته و در آن به‌طور خاصی تأکید شده است که ملت‌های پیمان وارسا از کشورهای اروپایی دعوت می‌کنند که در صلح زندگی به سر برند و مسایل‌شان را از طریق مذاکره حل کنند، تا استعمال قوه یا تهدید به استعمال قوه. دعوت کنفرانس عمومی اروپایی به غرض صلح‌جویانه نیز قابل قدر است.

مطبوعات و رادیوی بلژیک نیز به نتایج جلسه کمیته مشاورتی سیاسی پیمان وارسا علاقه فراوان گرفته است. روزنامه (سایت) و سایر جراید آن کشور توجه خاصی به دعوت کنفرانس عمومی اروپایی به غرض بحث روی مسایل امنیت اروپا و زیست باهمی مبذول داشته‌اند.

در مطبوعات ایتالیا نیز تبصره‌های مثبتی راجع به نتایج این جلسه صورت گرفته است و همچنان پیام کنفرانس مزبور در عده زیادی از مطبوعات جهان انعکاس یافته و مورد تبصره قرار گرفته است.

تکرار می‌نمایند «اشتراک کنندگان در جلسه بوداپست تأکید کردند که «یکی از شرایط قبلی عمده حفظ امنیت در اروپا تغییر ناپذیری سرحدات موجود در اروپا به شمول سرحدات موجود در اروپا به شمول سرحدات ... و همچنان سرحدات بین جمهوریت دموکراتیک المان و جمهوری فدرال المان، شناسایی موجودیت جمهوریت دموکراتیک المان و جمهوری فدرال المان و دست برداشتن المان فدرال از ادعای نمایندگی تمام ملت المان و داشتن اسلحه هستوی به هر شکل و اندازه آن می‌باشد. برلین غرب وضع خاصی دارد که متعلق به آلمان غرب نیست.»

کشورهای عضو پیمان وارسا صادقانه از تمام کشورهای اروپایی درخواست نمودند که فضای اعتماد را تقویت بخشند، از هر عملی که فضای اعتماد بین دولت‌ها را مسموم کند خودداری نمایند، و مساعی‌شان را متحد سازند تا اروپا یک قاره همکاری مثمر بین ملل متساوی الحقوق، یک عامل استقرار صلح و تفاهم متقابل در سراسر جهان باشد.»

نتایج کنفرانس بوداپست و تبصره بر آن، در هفته گذشته سر لوحه مطبوعات جهان را تشکیل می‌داد.

مطابق خواهد بود. ای کنفرانس امکان پیدا نمود طرق و وسایلی را به وجود خواهد آورد که منجر به از بین بردن تقسیم اروپا به بلاک‌های نظامی گردد و همکاری بین دولت‌ها و خلق‌های اروپا را تحقیق بخشید»

در پیام تأکید می‌شود که امکانات واقعی برای دایر شدن همچو کنفرانس وجود دارد. «اگر کسی طرفدار تقویه صلح باشد هیچ دلیلی برای به تعویق انداختن انعقاد کنفرانس عمومی اروپایی وجود ندارد.»

در پیام گفته می‌شود که کشورهای عضو پیمان وارسا وظیفه خود می‌دانند تا اروپا را از خطر تصادفات جدید نظامی محفوظ نگهدارند. عرصه وسیعی را برای انکشاف همکاری بین تمام کشورهای اروپایی، صرف نظر از نظام اجتماعی‌شان بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز باز نمایند.

کشورهای عضو پیمان وارسا بار دیگر پیشنهادهای خود را که هدف آن جلوگیری از ادامه تقسیم جهان به دسته بندی‌های نظامی مسابقه تسلیحاتی و تهدیدات ناشی از آن برای صلح و امنیت ملت‌ها و دیگر اقدامات و تدابیر مندرج در اعلامیه راجع به تقویه صلح و امنیت در اروپا که در سال ۱۹۶۶ در بخارست اتخاذ گردید،

آژانس تاس از بوداپست اطلاع می‌دهد: «کمیته مشاورتی سیاسی کشورهای عضو پیمان وارسا- پیمان دوستی، همکاری و امداد متقابل به تاریخ ۱۷ مارچ ۱۹۶۹ در بوداپست تشکیل جلسه داد. در این کنفرانس کشورهای بلغاریا، مجارستان، المان شرقی، پولند، رومانیا، اتحاد شوروی و چکوسلواکیا اشتراک داشتند.

کمیته مشورتی سیاسی راپور قوماندان عمومی قوای پیمان وارسا را که از طرف وزرای دفاع به تصویب حکومت مربوط ترتیب گردیده بود، استماع نمود...

دولت‌های شامل جلسه با اعتماد راسخ اظهار داشتند که فیصله‌های اتخاذ شده نیروی دفاعی کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان وارسا را به نفع مرام سوسیالیزم، مرام صلح و امنیت در اروپا و سراسر جهان تقویت خواهد نمود.

کشورهای عضو پیمان وارسا به ادامه مساعی‌شان در راه تخفیف کشیدگی و تحکیم صلح به‌اتفاق آرا پیامی را عنوانی تمام کشورهای اروپایی به غرض بحث روی مسایل امنیت و همسکاری در اروپا به تصویب رسانیدند.

در پیام گفته شده است که «چنین کنفرانس با منافع تمام دول اروپای

## آمادگی برای جلسه بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری

می‌گیرد. مبارزه طبقاتی در کشورهای سرمایه‌داری رشد می‌نماید. احزاب کمونیست و کارگر مسایل حل طلب زیادی در پیشرو دارند که مهم‌ترین آن مبارزه خلق کارگر برای آینده بهتر و مبارزه علیه امپریالیزم می‌باشد.

کار ناتو رو به افزایش است. در حالی که سویه زندگی کارگران به‌طور عمده بنا بر مصارف نظامی و حرص و انحصارگران سقوط می‌نماید.

جنبش اعتصابی در ایالات متحده، بریتانیه، فرانسه، ایتالیا و بلجیم اوج

احزاب برادر مبارزه مشترک شان علیه امپریالیزم انسجام بخشد. این امر به‌طور کلی با منافع بشریت مطابقت دارد. تحریکات سیاسی امپریالیستی صلح و امنیت جهان را به خطر می‌اندازد. تنها یک یادآوری از نقاط داغ جهان نیز تشویش آور است. احیای نازی در المان غرب توسعه تجاوزات امپریالیستی امریکا در ویتنام سیاست میلیتاریزم روز افزون اسراییل و تحریکات نظامی ماوویستی

در سرحدات شوروی، خطرات جدی بار می‌آورد. این تنها مشتی از حقایق است که تمام قاره‌ها را مشوش می‌سازد. ذخایر اسلحه بلاک تجاوز

آژانس نووستی اطلاع می‌دهد که آمادگی برای جلسه بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری به مرحله مهمی وارد گردیده است. هیأت عاملی که به غرض تهیه مواد جلسه تشکیل گردیده جلسات خود را به تاریخ ۱۰ مارچ در مسکو آغاز نمود. هیئت‌های نمایندگی ۳۳ حزب وارد مسکو شده‌اند و هم ترکیب هیأت نمایندگی شوروی که در جلسات مسکو اشتراک خواهد ورزید اعلان گردید.

این یک واقعه مهم است وظیفه جلسه بین‌المللی آینده احزاب کمونیست و کارگری اینست که مساعی تمام

<b>پرچم</b>	
<b>ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان</b>	
<b>هره دوشنبه خیریری</b>	
<b>د اشتراک بیه</b>	
<b>په کابل کښی د کال: ۱۲۵ - افغانی</b>	
<b>په ولاياتو او پښتونستان کښی د کال<span> </span>: ۱۴۰ افغانی</b>	
<b>په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر</b>	
<b>د جاری حساب نمبر به پښتنی</b>	
<b>تجارتی بانک کښی ۳۸۵۳</b>	
<b>د یوه گڼی بیه: ۲/۵ افغانی</b>	
<b>تایپ متن و ویرایش جدید: عمر فیض</b>	
<b>(مطبوعه دولتی)</b>	

### پرچم

### ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

برای سال (۱۳۴۸) در مرکز کابل به دفتر جریده و در ولایات کشور به حساب جاری (۳۸۵۳) د

پښتنی تجارتی بانک مشترک می پذیرد.



# سرمه

*ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان*

شماره دوم- سال دوم دوشنبه ۱۱ حمل ۱۳۴۸ - ۳۱ مارچ ۶۹ (شماره مسلسل ۵۴)

م. ا. خيبر

## د پاکستان مسایل د برچی

**په څوکه نشی حل کیدای!**

د سیاسي استقرار نشووالی په پرمختلونکو هیوادونو کی د ځوانو دولتونو یوه مشخصه علامه ده. هغه هیوادونه چه نوی سیاسي استقلال ته رسیدلی دی خو له اقتصادی لحاظه لاتر اوسه د امپریالیزم په منگولی کی پاتی دی، دا عدم استقرار او سیاسی مزمن بحرانونه د نورو عواملو په اړخ کی دوه عمده علتونه لری:

۱- د دی هیوادونو وحشتناکه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی او کلتوری پسمانی چه دوی ته د استعمار د دورو د بد میراث په حیث وریاتی شویده.
۲- په دی هیوادو کی د اقتصادی او سیاسی تسلط په غرض، د بایللیو موضوعو د لاس ته راوستلو لپاره د امپریالیستانو تکل.

امپریالیزم دی منظور ته د رسیدو لپاره له راز راز وسایلو نه کار اخلی، لکه د استعماری جگړو را پیدا کول، د نظامی ډلو ټپلو هستول، د ملی قوتونو پر ضد توطئه، د ضد ملی عناصرو په وسیله د نظامی کودتاوو اجرا کول او د غیر ملی عناصرو اقتدار ته رسول، د مترقی او ملی وطنپالونکو او لارښوونکو ترور، د تخریبی فعالیتونو پر مخ بیول، اقتصادی فشار اچول، رشوت ورکول، اقتصادی، تخنیکي او کلتوری اسپروونکی مرستی، د نویو اجتماعی او تاسیسول (خپلی خوا ته د ملی بورژوازی راښکودل) او د پخوانیو اجتماعی او (فیودالانو، مافیایی مشرانو او نورو مرتجعو عناصرو) حفظ او تقویه د خپلو کوداکیانو حمایت او په مختلفو وساتلو قدرت ته د هغوی رسول، په ملی آزادی ځښونکو

دستگیر پنجشیری

### تبلیغات ارتجاعی و فریبنده

**نمی‌تواند جلو انحرافات اخلاقی و جنایات را بگیرد!**

مقامات حاکمه افغانستان نه تنها تلاش مذنبوحانه می‌کنند تا وضع هلاکت‌بار موجود را در جامعه استقرار بخشند، بلکه بدبختی دیگر در این است که راه را برای رسوخ ذهنیت‌ها و افکار انحرافی ارمغان جوامع طبقاتی غرب، این محصول ذاتی سیستم سرمایه داری، از طریق نشرات، فلم ها، سیاحان سر و پا برهنه هیپی و غیره نیز هموار می‌سازند تا گویا بدین ترتیب زمینه فساد بیشتر در جامعه مهیا گردد. انحرافات اخلاقی عدیهی از جوانان که بیشتر به طبقات حاکمه و متوسط جامعه تعلق دارند، به تقلید از غرب و به‌خصوص گانگستریزم -آمریکایی به‌جایی رسیده که اکنون علناً دست به تشکیل باندها می‌زنند و مرتکب جنایات می‌شوند. این‌ها همه محصول وضع نامساعد اجتماعی است. یکی از علل عمده همه انحرافات همانا بیکاری مزمن و فقر وحشت‌ناک در جامعه است و زمینه‌های بروز حوادث ناگواری را که منجر به جنایت می‌گردد، به وجود می‌آورد. کدام روز است که اخبار مربوط به قتل، دزدی، جنحه، جنایت و غیره در جراید منتشر نگردد؟ این اخبار اندکی از بسیار و مشتئی از

# روش ستمگرانه در برابر کارگران

## نجیب پروژه استخراج و انتقال گاز

حامیان مرتجع خویش معرفی می‌نماید.

کارگران پس از انجام کار روزانه در کمپ (محل اقامت شان که به بازداشتگاه بیشتر شباهت دارد) عملاً به حیث زندانی‌ها بسر می‌برند. آنان حق ندارند با نزدیک‌ترین اقارب حتی پدر و برادرشان در داخل کمپ تماس بگیرند. کارگران در برابر کوچکترین حرکت با فحش، تهدید، تحقیر و روش‌های ضد کرامت بشری روبرو می‌شوند.

بدین گونه روش سیاه استبدادی و ارتجاعی بر محیط کارگران حکمفرماست و هر روز دسپایس و توطئه‌های تازمیی برای آنان چیده می‌شود.

را ندارند.
خاصتاً اگر کدام شماره‌ای از جراید (بخصوص پرچم) نزد کارگری دیده شود، هرگز بخشوده نمی‌شود. چه چنین امری نزد آمر مستبد و قانون شکن پروژه گناه (!) تلقی می‌گردد. صحبت راجع به کارگران و حقوق ایشان جرم شمرده می‌شود و به خاطر اینکه همچو صحبت‌ها صورت نگیرد، گروهی از حبس‌ها، دسپایس و اخراج‌ها که در مورد کارگران آن پروژه صورت گرفت، تضییقات وسیع و تعقیبات ننگینی ادامه دارد که نظیر آن را نمی‌توان در جای دیگری پیدا کرد.
تفتیش عقاید به‌طور بسیار جفیع آن بالای کارگران به عمل می‌آید. آنان اجازه مطالعه هیچ کتاب و نشریه‌ای

**ع. کشتند**

# مقامات حکومتی با سرمایه‌های

## غارتگر امپریالیستی همکاری می‌کنند

به سرمایه گذاری‌های خصوصی اعم از داخلی و خارجی که یگانه هدف آن‌ها سود می‌باشد، جنایت‌بار است.

باوجود ملاحظه غارتگری‌های نمایندگی‌های فروش اموال انحصارات امپریالیستی بر تعداد آن‌ها به‌سرعت افزود می‌گردد؛ مثلاً در پهلوی ده‌ها کمپنی غارتگر واردکننده و فروشنده کشورهای امپریالیستی مانند ژیمنس، اندیمار، راستکو، هولندی‌ا، اتالاف گوشو ... و غیره اخیراً چندین کمپنی دیگر به فعالیت آغاز کرده‌اند که من‌جمله انحصارات انگلستان نیز برای اینکه ازین خوان بیغما بی‌بهره نماند، نمایندگی فروش و توريد تمام اموال تولیدی آن کشور را در افغانستان دایر کرده است که خیلی مجهز و پر سر و صدا به اشتهار و تبلیغ می‌پردازد و هرروز چندین قرارداد سودآور فروش اموال را به نفع انحصارگران انگلیسی و به ضرر خلق ما می‌بینند.

اکنون همه کس می‌داند که سرمایه امپریالیستی متضمن سود حداکثر برای امپریالیست‌ها و زیان حد اکثر برای کشور ماست. البته هر انسان واقع بینی نمی‌تواند روابط اقتصادی با کشورهای دیگر را نفی نماید، ولی هیچ وطن‌پرستی حاضر نمی‌شود که مشاهده محض معاملات غارتگرانه امپریالیست‌ها باشد که برهم زنده اقتصاد کشورهایی نظیر افغانستان‌اند.

جویی و غارت کشورها چیز دیگری نیست؛ مثلاً چندین شرکت مختلط بازبندی و بسته بندی که درین اواخر با سرمایه‌های خارجی، به اشتراک منتفذین ثروتمند داخلی ایجاد گردیده است. منظور اساسی از ایجاد آن‌ها غیر ازین که بی‌درد سر و «قانونی» به کار پر درآمد و سود آور قاچاق پرداخته شود، چه خواهد بود؟ با به‌طور مثال هدف از احداث شرکت مختلط تولید ادویه با اشتراک سرمایه هوخست، این غول اقتصادی غرب در افغانستان که اخیراً با طمطراق و آب

و تاب فراوان در رادیو و مطبوعات دولتی اعلان گردید، چیست؟ به‌جز اینکه انحصار عظیم هوخست – که کشورهای وسیع نمایندگی‌های متعدد وارداتی مربوط به انحصارات کشورهای سرمایه داری است. هم اکنون قسمت اعظم خریداری‌های دولت از طریق این نمایندگی‌ها و یا تاجران خارجی صورت می‌گیرد.

در حال حاضر چون در کشورهای نظیر افغانستان منافع بیشتری نصیب سرمایه‌های کشورهای سرمایه داری می‌گردد، ازین لحاظ در اثر حمایت و تشویق محافل حاکمه ارتجاعی کشور، برای تشکیل شرکت‌های مختلط از سرمایه‌های خارجی و بورژوازی کمپرادور داخلی و سرمایه گذاری‌های خالص خارجی تلاش می‌گردد، که در واقع هدف این سرمایه‌ها به‌جز سود

تحریرکات محافل ارتجاعی داخلی و خارجی، درین پروژه که مستلزم دقت بیشتری می‌باشد، عمداً کارشکنی می‌گردد که یکی از مظاهر آن گماشتن عاملین ارتجاع سیا در رأس پروژه است.

اکنون فضای وحشت و اختناق بر پروژه استخراج و انتقال گاز شبرغان مستولی گردیده است. به سلسله حبس‌ها، دسپایس و اخراج‌ها که در مورد کارگران آن پروژه صورت گرفت، تضییقات وسیع و تعقیبات ننگینی ادامه دارد که نظیر آن را نمی‌توان در جای دیگری پیدا کرد. تفتیش عقاید به‌طور بسیار جفیع آن بالای کارگران به عمل می‌آید. آنان اجازه مطالعه هیچ کتاب و نشریه‌ای

سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی در کشور ما به‌طور روزافزونی زمینه نفوذ بیشتر پیدا می‌نمایند. این سرمایه‌ها در سال‌های اخیر در شئون اقتصادی جامعه فقیر ما، بخصوص در امور تجارتی از برکت سیاست اقتصادی حکومت‌های افغانستان از رسوخ کاملی برخوردار گردیده است. هموار ساختن راه برای اموال و سرمایه‌های امپریالیستی و تبلیغ در باره آن‌ها اکنون به‌طور شعوری از طرف مقامات حکومتی کشور انجام می‌گیرد.

هرگاه فقط به اعلانات خریداری‌های دولت توجه گردد، کافی است دریافت نمود که دستگاه حکومت خود مشوق فعالیت‌های وسیع نمایندگی‌های متعدد وارداتی مربوط به انحصارات کشورهای سرمایه داری است. هم اکنون قسمت اعظم خریداری‌های دولت از طریق این نمایندگی‌ها و یا تاجران خارجی صورت می‌گیرد.

در حال حاضر چون در کشورهای نظیر افغانستان منافع بیشتری نصیب سرمایه‌های کشورهای سرمایه داری می‌گردد، ازین لحاظ در اثر حمایت و تشویق محافل حاکمه ارتجاعی کشور، برای تشکیل شرکت‌های مختلط از سرمایه‌های خارجی و بورژوازی کمپرادور داخلی و سرمایه گذاری‌های خالص خارجی تلاش می‌گردد، که در واقع هدف این سرمایه‌ها به‌جز سود

# باز هم تخریب! ... باز هم تجاوز! ...

می‌کنند و سعی می‌ورزند بدین شیوه از مقام‌های دولتی و صلاحیت‌های رسمی خود برای پیشبرد «وظایف» سیاسی خویش سو استفاده نمایند. همچنان مطابق دستور «رهبری (!)» خلقی‌های دروغین در ولایت پکتیا نیز ازین روش استفاده شده و چند بار نسخه‌های جریده پرچم را به دست آورده و حریق کرده‌اند و در نتیجه با عکس‌العمل دلیرانه جوانان شریف و وطن‌پرست پکتیا مواجه شده‌اند.

ما به این مخربین و سیاست بازان دو رو و معلوم‌الحال که از صلاحیت‌های دولتی استفاده گوناگه می‌برند، اخطار می‌دهیم که هرگاه از اعتبار دولتی برای مقاصد سیاسی و ضد خلقی خود مزید استفاده نمایند، ایشان را با تمام اعمال و هدف‌های ضد خلقی‌شان در برابر خلق افغانستان افشا و رسوا خواهیم کرد. ما دیگر به این اجنت‌ها و عمال سی آی ای و بازیگران دو روی سیاسی و نفاق افگن فرست نخواهیم داد که از گذشت سیاسی ما برای هدف‌های ضد ملی و ضد مترقی بهره گیری کنند.

توزیع پرچم، یکی از پدیده‌های روشن این روش ننگین است.

آخرین اطلاعات از ننگرهار می‌رساند که در جلال آباد مرتجعین و مخربین خلقی نما، علیه محصلان و شاگردانی که به مطالعه جریده ملی و مترقی پرچم می‌پردازند، دست به تهدید و تخریب زده‌اند و من جمله شخص مسوول دارالمعلمین ننگرهار که خود را «خلقی» قلمداد می‌کند، مطابق دستور رهبری (!) خویش شاگردان وطن‌پرست، نجیب و با شعور را به اتهام اینکه جریده پرچم- خلق را مطالعه می‌کنند و به جریان غیر از جریان «او» پیوسته‌اند، لت و کوب نموده و زمینه ناکامی و اخراج ایشان را فراهم می‌کند.

مطابق به پالیسی تصفیه وزارت معارف آن‌هم به مشوره و اشاره به‌اصطلاح رهبری (!) خلقی نماها و نیروهای مرتجع عدیهی از معلمین وطن‌پرست را که جز انجام وظیفه وطنی جرمی ندارند، به‌منظور زمینه سازی برای خودی‌ها «این خلقی‌های دروغین» به دام توطئه انداخته از جایی به‌جایی «تبعید سیاسی» و تبدیل

وضع کنونی در کشور ما، دوران تفتیش عقاید قرون وسطایی اروپا را به خاطر می‌آورد. در آن هنگام نیروهای کهنه پرست و مستبد اروپایی به‌صورت بسیار وحشیانه علیه آزادی علم، علیه آزادی فکر، علیه آزادی مطالعه و انکشاف ذهنی و به‌صورت کلی علیه ترقی بشری قد برافراشتند و وحشت‌هایی را مرتکب شدند که بشریت پیشرو هرگز آن را نخواهد بخشود.

هم اکنون که افغانستان در مسیر تجدید حیات ملی، بسوی افق جدید زندگی راه می‌گشاید، کهنه پرستان معاصر کشور ما (مرتجعین محلی، عمال مرتجع حکومت، سازمان‌های جاسوسی «سیا» و اجنت‌های معلوم‌الحال آن، این مشت ناچیزی از خلقی نمایان تخریبکار) عملاً در یک جبهه متحد، علیه دانش پیشرو، علیه آزادی، دموکراسی و علیه مصالح عالیه خلق صف آرای می‌کنند و از هیچ دسیسه و تخریب بر ضد نیروهای اصیل خلقی دریغ نمی‌نمایند. چنانچه در عدیهی از ولایات کشور ممانعت‌های خلاف قانون علیه پخش و

(ص ۴)

# الجزایر راه سوسیالیزم را تعقیب می‌کند!

منابع خود را در راه انکشاف خود بکار برد و مصمم است استقلال خود را تحت هر نوع حالت که باشد از دست ندهد. بومدین این افواه را که الجزایر می‌خواهد به سرمایه گذاران خارجی امتیاز بدهد، از ریشه رد کرد.

وی گفت: الجزایر راه سوسیالیزم را در پیش گرفته و این راه غیرقابل بازگشت می‌باشد. وی اظهار داشت که باید الجزایر از یک سیاست خارجی واقعاً مترقی پیروی نماید. باید همبستگی خود را با جنبش آزادی‌بخش ملی و جنبش انقلابی جهانی طبقه کارگر همیشه حفظ و دوستی خود را با اتحاد شوروی و

(ص ۲)

پرابلم‌های زراعتی می‌باشند.

بومدین علاوه کرد: دهقانان و کارگران قویاً از تنظیم تصدی‌ها توسط خودشان پشتیبانی می‌نمایند. این اصل اساسی اقتصاد الجزایر را تشکیل خواهد داد. بنا بر پرنسبب های اجتماعی که ذاتاً درین نوع اداره وجود دارد، ما تصدی‌های را که به‌توسط خود و دهقانان و کارگران اداره می‌شود، سکتور سوسیالیستی می‌پنداریم. من تطبیق اداره توسط خود کارگران و دهقانان در الجزایر پیروزی کوکتویزم بر انارشی و هرج و مرج ناشی از مالکیت خصوصی تلقی می‌نمایم.

تا جایی که مربوط به اقتصاد ملی است، الجزایر در نظر دارد تمام

حواری بومدین رییس شورای انقلابی و رییس دولت الجزایر ضمن تماس با پرابلم‌های سیاست داخلی و خارجی کشور خود در مذاکره با یکی از ژورنالیستان خارجی اظهار داشت:ما صنایع استخراجی را در الجزایر توسعه می‌دهیم و تأکید زیاد ما بالای نفت و گاز می‌باشد.

توجه ما به صنعتی کردن کشور به هیچ صورت معنی آن را ندارد که ما تنها متوجه صنعت می‌باشیم. الجزایر یک کشور دهقانی است و انقلاب ما یک انقلاب دهقانی می‌باشد، زیرا دهقانان همه سپاهیان و رضاکاران آن را تشکیل می‌دادند، از آن رو یک امر کاملاً طبیعی است که شورای انقلابی و حکومت مصروف مطالعه

فکر سلیم و تاریخ حکم می‌کند تا زمانی که طبقات مختلف در جامعه وجود دارند، به هیچ صورت نمی‌توان از «دموکراسی خالص» حرفی بمیان آورد، بلکه می‌توان تنها از دموکراسی طبقاتی سخن گفت. کسانی که می‌خواهند ماهیت دموکراسی در شرایط تسلط نظام فئودالی و سرمایه داری پوشیده و مسکوت گذاشته شود، در حقیقت به چشم کارگران و توده‌های وسیع خلق خاک می‌زنند. حتی پیشرفته‌ترین نظام دموکراسی بورژوازی (مثلاً در انگلستان، فرانسه، ایتالیا و غیره) در عین اینکه نسبت به نظامات قرون وسطایی (فئودالیزم) خیلی پیشرفته و مترقی بشمار می‌رود، یازهم همواره دموکراسی محدود و نیم بندی بیش نیست که برای ثروتمندان مظهر آزادی و قدرت و برای تهیستان دام فریب است. معه‌ذا این حکم کلی در جریان رشد و تکامل جنبش انقلابی اصولاً مانع آن نمی‌گردد که زحمتکشان تا رسیدن به دموکراسی واقعی (دموکراسی برای زحمتکشان) به‌اتفاق سایر قشرهای خلق، در راه دموکراسی با قطعیت تمام مبارزه نکنند و توده‌ها را به فعالیت مجدانه علیه طبقات حاکمه نشانند و مانع ارتجاع امپریالیستی نگردند که می‌کوشند آزادی‌های دموکراتیک را از میان بردارد و قانون اساسی را به غرض استقرار حکومت فردی تغییر دهد و این یا آن نوع حکومت مطلقه، استبدادی و فاشیستی را جایگزین حکومت پارلمانی نماید و قدرت پارلمان را به نفع مطلق طبقات حاکمه ارتجاعی محدود کند. باید خاطر نشان ساخت که علی رغم خصلت نیم بند دموکراسی در این یا آن کشور فئودالی و بورژوازی هرچه جنبش دموکراتیک عمیق‌تر باشد، بهمان پیمانه سطح شعور سیاسی توده‌ها به مدارج بالاتری ارتقا می‌یابد.

نهایی از اصل مطلب دور افتاد. درین مقاله بحث ما به‌طور کلی روی دموکراسی نیست و در شماره‌های گذشته پرچم در زمینه دموکراسی وسیعاً بحث شده است، بلکه درین جا کوشش می‌شود به‌طور خاص روی مسأله پارلمان این موسسه‌ای که مرکز فریب دموکراسی بورژوازی می‌باشد، روشنی مختصر تئوریک انداخته شود تا در این آستانه انتخابات پارلمانی (شوری) در چوکات اصول جهان‌بینی علمی وظیفه مبرم مبارزه خود را تشخیص دهیم.
\*\*\*

پارلمان‌های نظام نیمه فئودالی و بورژوازی را در نظر می‌گیریم: هر قدر به‌اصطلاح «دموکراسی» در چنین شرایط تکامل بیشتری بیابد، بهمان تناسب طبقات حاکمه کوشش می‌نماید که پارلمان را به نحوی از انحا بیشتر به خود تابع سازند. ولی باید توجه کرد که «ازین جا چنین نتیجه نمی‌شود که نباید از پارلماناریزم بورژوایی استفاده کرد. ولی اینجا نتیجه می‌شود که فقط لیبرال می‌تواند محدودیت تاریخی و مشروط بودن پارلماناریزم بورژوایی را فراموش نماید…»

نکته بسیار مهم در مبحث پارلماناریزم عبارت از عدم شرکت (تحریم) با شرکت حتمی در ارتجاعی‌ترین پارلمان‌هاست. تجارب تاریخی بما می‌آموزد که شرکت در پارلمان یا تحریم پارلمان و مبارزه پارلمانی به اوضاع و احوال عینی زمان تعلق دارد. مثال تاریخی می‌آوریم: جناح «اکثریت» انقلابی حزب سوسیال دموکرات روسیه (با سوسیال دموکرات‌های معاصر اشتباه نشود) در سال ۱۹۰۵ با تحریم پارلمان تجربه سیاسی فوق‌العاده گران‌بهایی را به گنجینه دانش زحمتکشان انقلابی وارد ساخت و نشان داد که در هنگام درآمیختن شکل‌های مبارزه علنی و غیر آن، مبارزه پارلمانی و غیر پارلمانی گاهی مفید و حتا ضروریست که از شکل‌های مبارزه پارلمانی صرف نظر گردد. ولی بکار بستن کورکورانه و تقلیدی و غیر نقادانه این تجربه در شرایط دیگر و اوضاع و احوال دیگر اشتباه فاحشی است. این حکم به این معنی است که در شرایطی که امکان تبدیل سریع اعتصابات تودمی به اعتصابات سیاسی و سپس به اعتصاب انقلابی و سرانجام به قیام موجود باشد و یا در

هنگام قیام عمومی زحمتکشان ده و شهر (مثلاً در ویتنام قهرمان کنونی) و یا در موارد خاص دیگر که نمی‌توان تمام آن را فورمولبندی کرد، تحریم پارلمان یک امر صحیح و درست تشخیص می‌گردد. ولی در وضع عادی و آرام مبارزه که شرایط قیام وجود ندارد (مثلاً شرکت جناح نامبرده در سال‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۰۸ و ۱۹۱۲ … در مبارزه پارلمانی و با مثال در اوضاع و احوال کنونی افغانستان نیمه فئودالی، هندوستان، انگلستان، سویدن و غیره) تحریم پارلمان «اشتباه فاحشی» است و انحراف چپ بشمار می‌رود که خلق را از یک سلاح نبرد محروم می‌سازد. باید یادآور شد که نفی مبارزات پارلمانی بهمان پیمانه غلط و مضر به حال جنبش است که مطلق کردن آن. پیش می‌رویم. سؤالی را مطرح می‌سازیم: آیا در پارلمان‌های ارتجاعی باید شرکت کرد؟

چپ‌روها در جهان عموماً و چپ نهای کشورهای ما خاصتاً همان نغمه «چپ» های آلمان، اطریش، انگلستان، بلژیک و هند سال ۱۹۲۰ را «با نهایت تحقیر و با نهایت سبک‌مغزی» ساز می‌کنند و به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند. این‌ها که به بیمداری کونکی دچارند و خود گزی‌های کوکی‌اند چنین دستور گرفته‌اند که حرف‌های منسوخ و کهنه را در شکل نو تکرار نمایند. اسلاف اروپای غربی چپ‌روهای کنونی چهل و هشت سال قبل نیز می‌گفتند: «… باید هرگونه بازگشتی را به‌سوی شکل‌های مبارزه پارلمان که از لحاظ تاریخی و سیاسی کهنه شده است، با قطعیت تمام رد کرد … پارلماناریزم از لحاظ تاریخی کهنه شده است .» چپ‌روها و چپ نهای وطنی مبارزه پارلمانی و اشتراک در پارلمان را خیانت به امر انقلاب و سازش با ارتجاع می‌دانند. اظهار این مطالب صرف از لحاظ تبلیغاتی چسب دارد. ولی باید توجه کرد که از مرحله تبلیغ تا مرحله غلبه عملی هنوز خیلی راهست. امپریالیزم از ده‌ها سال پیش به حیث غول پآگلین یا بعداً تحت اصطلاح «ببر کاغذی» اعلان شده است. ولی این امر به‌هیچ‌وجه لزوم مبارزه بسیار طولانی و بسیار سرسخت را علیه امپریالیزم از بین نمی‌برد. در اینکه پارلماناریزم از لحاظ تاریخی کهنه شده است و عصر کنونی، عصر دموکراسی‌های خلقی زحمتکشان است، هیچ تردیدی وجود ندارد، ولی هنوز در حدود دو ثلث از نفوس جهان از لحاظ اقتصادی و سیاسی در تحت سلطه بورژوازی و امپریالیزم قرار دارند. باید در نظر گرفت مقیاس جهانی- تاریخی چندین دهه را در بر می‌گیرد. پنج – ده سال از نظر تاریخ جهانی زمان ناچیزیست و به همین جهت استناد به مقیاس جهانی- تاریخی (دوران معاصر) در مورد سیاست عملی، بدون در نظر گرفتن شرایط، خطای فاحشی بشمار می‌رود. کسانی که درین زمینه به اشتباه خود اعتراف نمی‌کنند، در حقیقت آن‌ها مربوط به سازمان سیاسی طبقه کارگر و توده‌ها نبوده، بلکه محفل کوچکی یا گروهی از روشنفکران قلیل‌اند که بدترین صفات

دیگر کشورهای سوسیالیستی پیوسته تقویت بخشد. ما اعلان می‌نماییم که الجزایر هرگز انتخاب راه سوسیالیستی خود را ترک نخواهد گفت، ولو در این راه با مشکلات زیادی مواجه گردد. الجزایر جز راه مترقی دیگر راه ندارد. بومدین گفت: ما از مبارزه قهرمانانه

روشنفکرانه را از خود بروز می‌دهند. کامیابی مبارزه طبقه کارگر بسته به آن است که از یکسو مبارزه طبقاتی توده‌های کارگر و دهقان و قشرهای متوسط شهری علیه ارتجاع و اوتوکراسی به‌طور دامنه داری بسط و توسعه یابد و از سوی دیگر این طبقه

از (ص اول)

## له «سرکار» سره د خلکو مرسته امکان نلری

له ډيرو کلو را په ديخوا، د افغانستان حکومتونه همدا نارۍ وهۍ چه ولۍ ملت له حکومتونو سره همکارۍ نه کوي! په دۍ توگه به وروستيو کلونو کۍ د حاکمه مقاماتو په ډيرو ويناوو او نطقونو کۍ پرله پسي له ملت نه په غولونکۍ توگه د مرستو غوښتنۍ شوۍ دۍ، گوکۍ دۍ له خلکو نه غوښتۍ دۍ چه پخپل چور او چپاول کۍ له دۍ سره مرسته وکړۍ او هغه ټول تضادونه او اختلافونه نفۍ کړۍ غولونکۍ توگه د مرستو غوښتنۍ شوۍ دۍ، گوکۍ دۍ له خلکو نه غوښتۍ دۍ چه پخپل چور او چپاول کۍ له دۍ سره مرسته وکړۍ او هغه ټول تضادونه او اختلافونه نفۍ کړۍ چه د طرفينو ترمينځ شته دۍ. مگر واقعيت دا دۍ چه په هيواد کۍ موجوده استبداد او اتوکراسۍ، د خلکو او ضد خلکۍ او ضد دموکراتيکو حکومتونو ترمينځ ماهيتا د هر راز «همکارۍ» خنډ دۍ. د افغانستان د خلکو او حاکمه مقاماتو تر مينځ بعد او فاصله ورځ تر ورځ زياتيدونکۍ ده.

د افغانستان زيارايستونکۍ خلک په اجتماعۍ او اقتصادۍ لحاظ داسۍ د نيستۍ او ماتۍ کوهيو ته لويدلۍ دۍ چه خپل ټول اعتماد يۍ د افغانستان په حکومتونو بايلۍ او عقیده لری چه دا راز حکومتونه د دۍ له زرگونو درنو څخه د يوه دوا هم نشۍ کولای. د هيواد د خلکو ستر اکثريت څه په ښارونو او څه په کلو کۍ همدا اوس په ډير بدو شرايطو او نهايۍ فقر او ذلت کۍ ژوند تيروي.

هغوی له پوهنۍ او روغتيا نه محروم دۍ او د ژوند ډير لومړنۍ وسايل نلری. هغوی دودۍ نلری، جامۍ نلری، کور نلری و د خپلو بچيانو لپاره م مستقبل هيڅ تضمين نه ويښۍ.

د افغانستان خلک دا حکومتونه هيڅکله د داسۍ قدرتونو په حيث نه پيژنۍ چه کولای شۍ د خلکو د هوساينۍ لپاره کار وکړۍ او يا د هغوی ډيرۍ کوچنۍ اړتياوۍ رفع کاندۍ، بلکه د افغانستان د خلکو اکثريت حکومت ته د يوۍ رېپروونکۍ وسيلۍ په سترگه کورۍ چه تل تر تله د يوۍ کوچنۍ او استثمارونکۍ ظالمۍ طبقۍ په گټه خلک شکوۍ او بېروۍ يۍ.

که چه د کليو بربرگالونکو ته (چه د افغانستان د خلکو قاطع اکثريت دۍ) د حکومت «سرکار» نوم واخيستل شۍ هغوی سمدستۍ د يوه حاکم، د يوه قاضۍ، د يوه پوليس قوماندان او ماليۍ د يوه مامور په باب کينۍ فکر

از (ص اول)

## الجزاير راه سوسياليزم را ...

خلق ویتنام کاملاً پشتیبانی می‌نماییم. ما اعلان می‌کنیم که باید مدیترانه بحیره صلح باشد. برای این منظور باید اردوی نمبر ۶ بحری آمریکا

یکی از مسایل مهم مبارزه خلق ما در سال جاری، این سال «خطیر»، این سال اوج نهضت رهایی بخش، مسأله انتخابات دوره سیزدهم شوری است. مردم کشور ما هم اکنون در آستانه مبارزات انتخاباتی قرار دارند. بدین لحاظ ما تحلیلاتی را به‌منظور تشخیص وظایف کلیه نیروهای ملی و مترقی در جریان مبارزه انتخاباتی و پارلمانی و تنویر اذهان مردم، در باره پارلمان و پارلمانتریزم ارایه نماییم؛ زیرا درک صحیح مسأله در شرایط کنونی لازمی است.
**خاصه که از چند سال به این‌سو از طرف محافل حاکمه و شبکه‌های تخریبی امپریالیستی عملاً در یک جبهه با چپ نهای اخلاخ گر، در باره مفهوم واقعی مبارزه پارلمانی تفتین و تبلیغات سو و توجیهاات و تغییرات نادرست به عمل آمده است.**
**تحلیل علمی زیرین از مبارزه پارلمانی و شرکت در انتخابات پارلمانی در دو بخش (از لحاظ تنوریک و پرتیک آن در کشور ما) ارایه می‌گردد.**

**ببرک کارمل**

## آیا باید در پارلمان‌های ارتجاعی شرکت کرد؟

حتی کارگران و بخش بزرگی از روشنفکران به دنبال مرتجعین و متنفذین محلی، کارفرمایان، بیروکرات‌ها و ملاکین سوق می‌گردند و ما موظفیم که این حقیقت تلخ را به آن‌ها تفهیم نماییم و خرافات لیبرالیستی بورژوازی و بت پرستی پارلمانی را بکوبیم. ولی باید متوجه بود که سلاح پارلمان هنوز کهنه نشده و شرکت در انتخابات پارلمانی و مبارزه از تریبون (کرسی) پارلمان برای سازمان سیاسی زحمتکشان، همانا به‌منظور تربیت توده‌های عقب مانده و بیداری و تنویر افکار کارگران و دهقانان یک وظیفه حتمی است. تا زمانی که قدرت جمع کردن بساط پارلمان فئودالی و بورژوایی و هر نوع موسسه ارتجاعی دیگری در میان نباشد، عناصر ملی و مترقی موظف‌اند در داخل آن‌ها کار و مبارزه کنند وگرنه در غیر آن بیم آن می‌رود که این اشخاص صرفاً به افراد یاوه سرایی مبتدل شوند.

تجربه پیشاهنگ‌ترین حزب طبقه کارگر نشان می‌دهد که شرکت در پارلمان‌های ارتجاعی نیمه فئودالی و بورژوایی و «حتی ضد انقلابی‌ترین پارلمان‌ها» نه تنها به نیروهای پیشرو ضرری نمی‌رساند، بلکه شریاطی را برای آن‌ها تارک می‌بندد که بتوانند به خلق ثابت نمایند که چرا چنین پارلمان‌های ارتجاعی مربوط به طبقه حاکمه باید به شورای واقعی خلق تعویض گردند. این ادعا که گویا فراکسیون‌های جناح چپ واقعی و پیگیر و دیگر فراکسیون‌های ملی و مترقی و دموکراتیک مخالف (اپوزیسیون) هیات حاکمه در پارلمان امر تعویض پارلمان ارتجاعی را به شورای واقعی مردم دشوار می‌سازد. از لحاظ تجربه غلط ثابت شده است. این مدعیان تجارب گران‌بهای را از یاد برده‌اند که در جنبش انقلابی درآمیختن فعالیت توده‌ای در خارج پارلمان، چه فواید خاصی دارد و چه نقش مؤثری را در تکامل نهضت انقلابی ایفا می‌کند.

در کشورهای کم رشد و سرمایه داری پیشرفته غالباً پارلمان مورد سو استفاده وحشیانه طبقات حاکمه و سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم قرار می‌گیرد و به همین جهت مورد تنفر واقع می‌شود. در کشور ما نیز پارلمان (شوری) بتدر از حکومت‌ها و به‌مثابه وسیله حکومت‌های مطلقه همیشه آله فشار ارتجاع و نیروهای ماورای دست راستی بوده است، ولی مبارزه نکردن و تسلیم شدن به این روحیه «نه تنها نابخردانه، بلکه صرفاً تبهکارانه است.» باید خاطر نشان گردد که نادیده گرفتن دشواری‌های استفاده از پارلمان‌های ارتجاعی برای مقاصد انقلابی و یا رد آن برای اینکه دشوار است، کودکی به تمام معناست. ...«براز انقلابی گری تنها به کمک دشنام دادن به اپورتونیزم پارلمانی و تنها با نفی شرکت در پارلمان‌ها کاریست بسیار سهل، ولی همانا بدان جهت که این عمل بسیار سهل است، نمی‌توان آن را راه حل یک مسأله دشوار و بسیار دشوار شمرد.»

موجز اینکه از لحاظ پرنسبیت تمام ما افزود: من عمیقاً معتقدم که مناسبات ما با اتحاد شوروی خوب است و هرچه در توان داریم در راه تقویت مزید این روابطه کم بر اساس احترام متقابل، عدم مداخله در امور داخلی یک دیگر استوار است، دریغ نخواهیم کرد.

شماره (دوم- سال دوم)

عناصر پیشرو ترقی‌خواه، در پارلمان‌های ارتجاعی اشتراک می‌ورزند تا ازین موسسه سراسر پوسیده تیب بورژوازی و نیمه فئودالی استفاده کنند و فریب و تزویر پارلمانی را افشا نمایند.

در شرایطی که هنوز قدرت از میان برداشتن پارلمان بورژوازی در دست نیست، باید علیه فساد آن هم از درون و هم از برون فعالانه مبارزه کرد. تا وقتی‌که خلق و در رأس آن طبقه کارگر قادر نیستند حکومت خود را ایجاد کنند و در یک انتخابات کاملاً دموکراتیک علیه طبقات حاکمه رأی دهند، تا وقتی‌که قدرت سیاسی در دست ملاکین فئودال و بورژوازی و تمام منتقدین و مرتجعین قرار دارد که می‌توانند طبقات مختلف مردم را از طریق طمع و تهدید به نفع خود در حوزه‌های انتخاباتی سوق دهند و یا قانون انتخابات را به نفع خود نگردانند، وظیفه ماست تا از انتخابات پارلمانی به‌منظور پیشبرد تبلیغات وسیع در میان خلق و بیداری خلق استفاده کنیم.

استفاده از موسسه پارلمان، ازین موسسه آنکه به حیث نماینده مردم نشان داده می‌شود و در حقیقت به‌طور کلی وسیله ایست در دست ثروتمندان و منتقدین و مرتجعین. وظیفه حتمی عناصر پیشرو و ترقی‌خواه است تا ازین طریق (ضمن طرق دیگر مبارزه) بتوان روش ستمگرانه ملاکین بزرگ را در برابر دهقانان تهیدست، ملاکان بورژوا-بیروکرات را در برابر زحمتکشان، کارفرمایان و سرمایه داران را در برابر کارگران، استبداد حکومت و دسایس امپریالیزم را در برابر خلق افشا کرد، زیرا باید در نظر داشت که گروه‌های مختلف طبقات حاکمه نسبت به هر موسسه دیگر در پارلمان متشکل می‌شوند و چهرشان روشن‌تر ظاهر می‌گردد. به همین جهت است که در انتقاد علیه چپ روان و انقلابی گرانی که شرکت در مبارزه انتخاباتی و پارلمانی را تحریم می‌کردند، چنین گفته شده است که: «هدف انتقاد – و آن هم شدیدترین بی‌امان‌ترین و آنتی‌ناپذیرترین انتقادها – پارلمانتریزم یا فعالیت پارلمانی نبوده، بلکه باید آن پیشوایانی باشند که نمی‌توانند – و از آن‌هم بیشتر کسانی باشند که نمی‌خواهند- از انتخابات پارلمانی و تریبون پارلمانی به شیوه انقلابی استفاده نمایند. فقط چنین انتقادی - که البته با اخراج رهبران نالایق و تعویض آنان با رهبران لایق توأم باشد – یک کار انقلابی مفید و ثمربخش خواهد بود که در عین حال هم «پیشوایان را تربیت خواهد کرد تا آنکه شایسته طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش باشند و هم توده‌ها را تربیت خواهد نمود تا آنکه بتوانند از اوضاع سیاسی سر درآوردن و وظایفی را که ازین اوضاع ناشی می‌شود و غالباً بسیار پیچیده است. درک نمایند.»

در خاتمه این بخش به‌صورت خلاصه باید خاطر نشان ساخت که اصولاً مبارزه پارلمانی شکلی از مبارزه طبقاتی و سیاسی طبقه کارگر و حزب آنتس که ضمن اشکال دیگر مبارزه، در اوضاع و احوال لازم از آن به غرض مقاصد ذیل استفاده می‌گردد:

افشای سیاست‌های ضد ملی و ضد خلقی مقامات حاکمه و افشای ماهیت ارتجاع و امپریالیزم.
- سعی در فرستان نمایندگان واقعی خلق به پارلمان به غرض استفاده از کرسی پارلمان برای بیان خواست‌های دموکراتیک توده‌های وسیع مردم و پیشبرد پروگرام انقلابی.

- دفاع از حقوق زحمتکشان، استقلال و آزادی.
- مبارزه در راه تشکیل فراکسیون انقلابی و پیشاهنگ زحمتکشان، در راه افزایش تعداد نمایندگان خلق در پارلمان و جلوگیری از تبدیل پارلمان به یک موسسه نوع فاشنیزم و افزار مطلق ستمگری حکومت‌های مطلقه.

- مبارزه برای آزادی انتخابات با خاطر حفظ و تعمیق هرچه بیشتر دموکراسی و بسیج مردم از طریق پیشبرد مبارزه توده‌ای دامنه دار خارج پارلمانی و مبارزه داخل پارلمانی به غرض درهم شکستن مقاومت نیروهای ارتجاعی و ضد ملی و ضد دموکراتیک.

(باقی دارد)



# چرا از تورید فلم‌های

**گمراه کننده** **جلوگیری نمی‌شود؟**

فلم‌هایی که در افغانستان وارد و در سینماهای معدود و بی‌نظم کشور در معرض نمایش گذاشته می‌شود، معمولاً از نوع فلم‌هایی است که به غرض تجارت تهیه گردیده‌اند و جوانب مثبت و آموزنده آن‌ها ضعیف است که در ذیل مختصراً تحت چند کتگوری به ارزیابی آن‌ها می‌پردازیم:

**فلم‌های آمریکایی و سایر کشورهای امپریالیستی:**

درین کشورها به‌طور عمومی مطمح نظر تهیه کنندگان فلم سود و تجارت است و به‌طور آگاهانه تلاش می‌گردد که ذهن بینندگان در مسیر خاص انحرافی سوق گردد.

تعداد زیادی از فلم‌های غیراخلاقی، پولیسی و انحراف که در آمریکا به دستور و مشوره سازمان‌های جاسوسی و تبلیغاتی بورژوازی تهیه می‌گردد، وارد کشور ما گردید و نمایش داده می‌شود که تماشای چنین فلم‌ها بر اذهان مردم اثرات نامطلوبی بجا می‌گذارد. این فلم‌ها تعلیم دهنده اعمال کوابایی و ماجراجویی‌های خیالی، به‌اضافه مفاسد اخلاقی هستند، (با حفظ استثنائات که بعضی از فلم‌های غربی نیز باینسبه ارزنده و انسانی است) که از یکسو فاقد ارزش‌های هنر واقعی بده و از سوی دیگر عقاید پوچی را تبلیغ می‌نمایند که چون مرض منحنشی دامن‌گیر جوانان می‌شود.

اندره مورو منتقد و نویسنده فرانسوی در باره سینمای آمریکا می‌گوید: «در آمریکا اصلاً فلم به معنی حقیقی آن وجود ندارد و از هنر واقعی و حقیقت زندگی در هنر آمریکایی خبری نیست!».»

**فلم‌های هندی:**

فلم‌های هندی از نخستین روزهایی که به افغانستان وارد شد، تحت رهنمایی‌های امپریالیزم انگلستان و دوستان هندی‌شان هدفی جز خیال‌بافی، بطالت و منحرف ساختن خلق‌های افغانستان، مانند خلق‌های نیم قاره هند و مردم کشور های دیگر، نداشتند. نمایش فلم‌های مبتذل و تجارتي هندی مشوق ولگردی و هرزگی شده و کوچه‌ها و بازارها میل به صحنه‌های مسخره تقلید از آن گردیده است.

قسمت اعظم فلم‌های هندی یاد دهنده تسلیم به تصادفات، دست کشیدن از دنیا، عشق‌های افلاطونی و اقیون مانندی است که از هیروئین هم خطرناکتر می‌باشند. در اغلب فلم‌های هندی از حقایق زندگی خبری نیست و در برخی از آن‌ها مسایل اجتماعی طوری طرح می‌گردد که پایه‌های استثمار و استعمار را محکم گرداند. آن عده محدود فلم‌های پر ارزش و مترقی هندی که با بعضی از گوشه‌های زندگی واقع‌بینانه تماس کرده باشند، اجازه ورود آن‌ها داده نمی‌شود و یا قسمت‌های مفیدی از آن‌ها قطع می‌گردد.

اکثر استودیوهای فلم برداری در هند به دست سرمایه داران بزرگ قرار دارد که با کمپنی های فلم برداری آمریکا و سایر کشور های سرمایه داری شریک بوده یا همبستگی دارند.

**فلم‌های ایرانی:**

با وارد شدن فلم‌های ایرانی در افغانستان کاری را که فلم‌های هندی آغاز کرده بود، تکمیل شد. این فلم‌ها نظر به مشترک بودن زبان، فجایعی را بار می‌آورد که فلم‌های هندی هم به پایه آن نمی‌رسد.

اغلب فلم‌های ایرانی که حتی به اعتراف مطبوعات مربوط به محافل حاکمه ایران نیز، در ضمن اینکه معلم هرزگی و رسوایی هستند، به دستور و مشوره محافل حاکمه ارتجاعی و ارتباط با محافل امپریالیستی موضوع دهقان و ارباب با کارگر و کارفرما، این قطب‌های آشتی ناپذیر را طرح می‌کند. گردانندگان سینمای ایران خوب می‌دانند که امروزه این نکات، دردهای مرکزی خلق‌ها و توده‌ها را تشکیل می‌دهد؛ بنا برین به شکل خیلی مضحک و غیرحقیقی این مسائل را غرض تسکین و فریب مردم، حفظ وضع موجود و دفاع از آن طرح و در اخیر تضادهای آشتی ناپذیر را به‌زعم خود به‌طور اتفاقی و مصنوعی آشتی داده و این تناقضات را ماست مالی می‌کنند.

مطبوعات حکومتی افغانستان به تقلید از مطبوعات و نشرات مبتذل و تجارتي سرمایه داری و دولت‌های دیگری که گمراهی مرد را وظیفه خویش قرار داده‌اند، در امر اشاعه مبتذلات چنین فلم‌ها همکاری دارند. صفحات روزنامه‌ها و مجلات پر است از مطالب سینمای سرمایه داری، که سرمشق این‌ها بیشتر مجلات و نشرات فریبنده و ارتجاعی مربوط به محافل حاکمه ارتجاعی و وابسته ایران است. این نشرات باعث می‌شود که بی‌هنران و آنانی که بازیچه‌های دست منفعت طلبان هستند، به‌صورت هنرمندان واقعی و

# د پکتیا د کیمیاوی مصنوعاتو

**موسسه له سختو مشکلاتو سره مخامخ شوی ده**

**قاچاق بران او دلال سوداگر د ملی صنایعو د انکشاف ستر دښمنان دی**

د پکتیا د کیمیاوی مصنوعاتو د موسی مشر مور ته یو لیک را استولی او په هغه کی بی لیکلی دی: «ما چه د قلم د رنگونو، د تپایی د رنگونو، د بوټ د رنگ صابونونو، د سر د غورو، د کریمو د واسلینو، د عطرونو او همدا راز د نورو کیمیاوی موادو د جوړولو په مورد کی نظری او عملی تحصیل کړیدی، څه موده پخوا می تصمیم ونیو چه د داخلی صنایعو د تقویی او له ملی اقتصاد سره د مرستی په غرض د ذکرشویو موادو د جوړولو لپاره پراخ فعالیت وکړم. هماغه و چه مو ټول اصولی مراحل طی کړل او زموږ د موسی مصنوعاتو نمونی د پوهنتون د لابراتوار ونو له خوا تایید او ومنل شوی.

اوس چه مور له هری خوا نه په پور او اعتبار پیسی را ټولی کړی او زیات کیمیاوی مواد مو استحصال کړل، د دولتی مقاماتو له نه حمایی او د دلالو سوداگرو او قاچاقچیانو له فشار سره مخامخ شوی یو. دلال سوداگر د خارجی اسعارو د تادیی په مقابل کی له خارجی هیوادونو څخه کیمیاوی مواد واردوی او د هغوی «درواجولو لپاره د غولونکو اعلانونو

لمنی ته لاس ور اچوی. دا اعلانونه اکثر د دولت له رادیو، دولتی اخبارونو او شخصی اخبارونو څخه خپریزی او دا طبیعی خیره ده چه مور نشو کولای له خارجی کمپنیو سره د اعلاناتو په خپرولو کی سیالی وکړو. له همدی کبله زموږ استحصالی مواد چه پخپل نوعیت کی له خارجی موادو څخه ښه دی بازار نلری او له ماتی سره مخامخ شویدی ...»

پرچم: لکه چه مور څو څو خله ویلی دی، ترڅو د قاچاق مخه و به نیول شی او ترڅو خارجی تجارت ملی نشی او ترڅو د داخلی صنایعو د حمایی لپاره گمرکی حمایه او نوری مرستی مینځ ته را نشی، هیڅکله به داخلی صنایع له امپریالیستی انحصاراتو سره د مقابلی توان پیدا نکړی او هیڅکله به دا هیله پیدا نشی چه داخلی صنایع دی وده وکړی.

همدا اوس د قاچاقی مالونو داسی سیلاب ر روان دی چه زموږ د ملی صنایعو د انکشاف امکانات بی بالکل شند کړیدی. د نورو کراتانو سکوت او د حکومت بیحالی په ښکاره ښیی چه ستر مامورین او لوی ارتجاعی قوتونه په افغانستان کی له قاچاق او دلالو سوداگرو سره مرسته کوی او پخپله د دی مفسد جریان په گټو کی شریک دی.

پرچم پدی برخه کی هیله کوی چه د هیواد ټول ملی او مترقی قوتونه دی د ملی اقتصاد د ایجادولو او حمایی په منظور له قاچاق او د هغو ضروری استهلاکی مالونو له واردیدلو سره چه په افغانستان کی بی د تولید امکانات شته دی، گډه او پیاوری مبارزه وکړی.

#### مأموران قوماندانی حفظ

**و مراقبت سرک (کابل – کندهار)**

**دریوران را لت و کوب کردن**

به جریده پرچم خلق افغانستان!

عدییی از کاری گران مزد بگیر که در بستر دریای چمچه مست، در موتزهای ریگ کش انفرادی ریگ پر می‌کردند، از طرف قوماندانی حفظ و مراقبت سرک (کابل - کندهار) از ادامه کار منع کرده شدند، ولی چون دریوران و کارگران دلیل قانونی خواستند و منع کنندگان نتوانستند چنین دلیلی اقامه دارند، دریوران و مزدوران زحمتکش کارشان را ادامه دادند.

دو روز بعد ازین واقعه یکی از مأموران حفظ و مراقبت کار را قهرا در بستر دریای چمچه مست منع و دو دریور را بی‌دریغ لت و کوب کرد. چون این عمل خلاف قانون و ضد کرامت انسانی است و آن کاری گران از کار مانده هیچ وسیله‌یی برای احقاق حق شان ندارند، از شما پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان تقاضا می‌کنیم فریاد اعتراض ما را علیه این زورگویی و تجاوز بلند کرده و به این وسیله صاحبان قدرت را که بر حلقوم ما فشار می‌آورند محکوم سازید.

**ع. س. کاشفی**

# درد، شکایت‌ها و اعتراضات خلق

# د غوری سیند د خلکو ژوند تهدیدوی

تیرکال د (بغلان سیند) چه د غوری سیند بی هم بولی، د غوری په زراعتی سیمه کی د ساقی، وزغری، چشمه شیر، شهاب الدین، کتب خان، وزیر آباد، جبار او باغ شمال د کلیو په سل هاوو جریبه اباده ځمکه بی یووره او په لس هاوو بیوزله بزگران بی بی کوره کړل.

د حکومت رادیو او اخبارونو هم به هغه وحت کی د دی آفت خبرونه خپاره کړل او تش د خبرو همدردی بی وښودله. خو په عمل کی بی له بی وسه او تباه شویو بزگرانو سره هیڅ مرسته هم ونکړه. خلکو څو څو خلې حکومت ته مراجعه وکړه چه که نو څه نشی کولی کم تر کمه څو بلدوزره خو دی ورکړی چه هغوی خپلی ویالی د سیند له منگولو څخه وساتی، مگر هېچا د دی بزگرانو چیغو او نارو ته غور و نه نیو.

نتیجه دا شوه چه پربریږه پر دی چه یوه برخه ځمکی او ځینی کورونه اوبو یورل، هغه زراعتی ځمکی هم وچی پاتی شوی او فصلونه بی وسول چه د سیند اوبو بی سر بندونه وری وو.

سر کال چه د غرونو او سردرو ځیني له واورو ډکی شویدی. احتمال شته دی چه تر پروسر کال لا زیاتی د سیند اوبه پورته شی او سیند مجرا ډیر زیات انحراف پیدا کړی که سر له اوسه د حکومت مسول مقامات اقدامات و نکړی او د پروسر کال غوندی سکوت وکړی. نوی تباهی او بربادی به را پیدا شی او خلک به هیڅکله د دی غفلت په وجه حکومت او مسوول کسان و نه بخشی.

دا دی د غوری د دی سیمی خلک په علانیه ناری وهی چی: «مور سیند وری .»(باید دی نارو ته جدی پاملرنه وشی.

## شرکت‌ها، پخته کاران خلم را

**استثمار می‌کنند**

روشن است که توده عظیم دهقانان بزرگترین تولید کنندگان نعمات مادی و اکثریت نفوس کشور ما را تشکیل می‌دهند.

بدبختانه این طبقه محنت کش در سراسر وطن از روزگاری تحت شرایط فیدوالی زندگی پرمشقت و رقت‌باری بسر می‌برند.

از ده‌ها سال به این سو که سرمایه داری تجاری در کشور رشد کرده فشار تاجران دلال بزرگ نیز بر فشار مرگیار نظام (بیگ و خان) که زحمتکشان را عذاب می‌دهد، افزون گردیده است.

دهقانان زحمتکش خلم که با جان کنی‌های بی‌پایان یک مقدار پخته را تولید می‌کنند، مجبورند آن را به نمایندگی‌های شرکت‌های پخته که در خلم مصروف فعالیت‌اند عرضه نمایند. این شرکت‌ها از احتیاج و خوش قلبی دهقانان استفاده نموده در مقابل پخته آماده و حاضر، بجای پول نقد سند روباهی را بنام (قوچان)

قهرمانان، در اذهان عامه جای بگیرند و در نتیجه مطالب و موضوعات غیرواقعی و گمراه کننده‌یی را که در لا به لای این فلم‌ها پرورانده شده، موجه و مفید جلوه دهند.

درین جا لازم است چند کلمه راجع به سانسور فلم‌ها نیز صحبت شود: هموطنان ما می‌دانند که اولاً از ورود

فلم‌های خلاق مترقی و انسانی و تربیتی که نه به خاطر تجارت، بلکه به‌منظور بیداری و انتباه مردم تهیه می‌گردد و نمایاننده هنر واقعی و خلقی به شکل تبعیض آمیزی جلوگیری می‌شود. ثانیاً بعضی از فلم‌های خوبی که تا پشت دروازه‌های سانسور می‌رسند، سانسور کنندگان یا آن‌ها را رد و یا طوری قیچی می‌زنند که ارتباط و ماهیت واقعی خود را از دست می‌دهند.

از آنجائی که در افغانستان از یکطرف تا کنون یک گام مثبت و مؤثر هم در راه تهیه فلم و صنعت فلم برداری برداشته نشده است و از سوی دیگر به شیوه غیر دموکراتیک به‌منظور جلوگیری از رشد شعور و بیداری مردم بخصوص جوانان از ورود فلم‌های مترقی و انسانی جلوگیری به عمل می‌آید. لهدا لازم

است که در شرایط کنونی نیز در راه توریید آن فلم‌های علمی مترقی و هنری خلقی که روحیه صلح، وطن‌پرستی و آزادی و انسان‌دوستی مترقی را در جوانان بیدار می‌سازد و برای سانسور (به معنی واقعی آن) فلم‌های گمراه کننده و وسوسه آمیز، مبارزه صورت گیرد.

**م. ا. میهن فدا محشور**

در دهات ما متنفذین وجود دارند که همواره دست ظلم و تجاوزشان به‌سوی ما دراز بوده است. آنان به اراده خود مردم بیچاره و دهقانان را چوب می‌زنند و دختران ایشان را به اراده خود بهر کسی که خواسته باشند به زنی می‌دهند.

همین‌الان در قشلاق‌های ما مرد مقتدری وجود دارد که دو زن شوهر دار و بیگانه را بدون کوچکترین استناد قانونی و شرعی به‌عنوان خدمه نزد خود نگاهداشته و چون شوهران ایشان مردم غریب و بیچاره هستند و حکومت نیز معمولاً (طبق خصلت طبقاتی خود) دهقانان را در برابر میرها و خوانین حمایه نمی‌کند، فلهدا زنان ایشان همچنان بز بر دستی از ایشان دور نگاهداشته شده‌اند.

در سال ۱۳۴۶ میرها و ارباب ما به همدستی حکومت محلی اشکمش پول بسیار فراوانی به بهانه تعمیر مکتب از اهالی جمع آوری کردند و در نتیجه یک ربع آن را در تعمیر مکتب مصرف و متباقی را بین خود تقسیم نمودند.

متنفذین مذکور بسا اوقات حوادثی را بین مردم ایجاد می‌کنند، به این معنی که دهقانان زحمت کش و پاک دل را علیه یکدیگر تحریک نموده یکی را بر ضد دیگری استعمال می‌نمایند. وقتی‌که حادثه ایجاد می‌شود، اختیار هردو طرف را به دست می‌گیرند؛ مثلاً یکی را می‌گیرند تو باید مبلغ چهار هزار افغانی بدهی و آن دیگر را می‌گیرند تو باید مدت یک ماه برای من قلبه کنی، در غیر آن مجبورم

در دهات ما متنفذین وجود دارند که همواره دست ظلم و تجاوزشان به‌سوی ما دراز بوده است. آنان به اراده خود مردم بیچاره و دهقانان را چوب می‌زنند و دختران ایشان را به اراده خود بهر کسی که خواسته باشند به زنی می‌دهند.

همین‌الان در قشلاق‌های ما مرد مقتدری وجود دارد که دو زن شوهر دار و بیگانه را بدون کوچکترین استناد قانونی و شرعی به‌عنوان خدمه نزد خود نگاهداشته و چون شوهران ایشان مردم غریب و بیچاره هستند و حکومت نیز معمولاً (طبق خصلت طبقاتی خود) دهقانان را در برابر میرها و خوانین حمایه نمی‌کند، فلهدا زنان ایشان همچنان بز بر دستی از ایشان دور نگاهداشته شده‌اند.

در سال ۱۳۴۶ میرها و ارباب ما به همدستی حکومت محلی اشکمش پول بسیار فراوانی به بهانه تعمیر مکتب از اهالی جمع آوری کردند و در نتیجه یک ربع آن را در تعمیر مکتب مصرف و متباقی را بین خود تقسیم نمودند.

متنفذین مذکور بسا اوقات حوادثی را بین مردم ایجاد می‌کنند، به این معنی که دهقانان زحمت کش و پاک دل را علیه یکدیگر تحریک نموده یکی را بر ضد دیگری استعمال می‌نمایند. وقتی‌که حادثه ایجاد می‌شود، اختیار هردو طرف را به دست می‌گیرند؛ مثلاً یکی را می‌گیرند تو باید مبلغ چهار هزار افغانی بدهی و آن دیگر را می‌گیرند تو باید مدت یک ماه برای من قلبه کنی، در غیر آن مجبورم



# پرچم

*د افغانستان د تڼک دموکراتيک افشارو څپر وویکی*

۱۱ حمل ۱۳۴۷

## مبارزه دلیرانه خلق ویتنام در مرکز توجه تمام بشریت مترقی قرار دارد

نهضت کمک به خلق قهرمان ویتنام و تجريد معترضين امريکايي در فرانسه و ايتاليا دامنه وسيع کسب نموده است. کشورهاي سوسياليستي اروپا کمک جدی اقتصادي به ویتنام می‌دهند.

زاماداران امريکا خواستند از طريق موافقه به آغاز مذاکرات صلح در پاریس، افکار عامه جهان را آرام سازند، ولی هيچ نوع پيشرفتي در مذاکرات صلح حاصل نگردیده است، و به علت اين که نمايندگان امريکا و سانگون حاضر نيستند راجع به موضوعات اساسی بحث نمايند، اين مذاکرات به رکود مواجه گرديده است. موضوعات متکور عبارت‌اند از بيرون کشيدن نيروهای اجنبي از ویتنام و قطع خون ريزی. آغاز رسمی مذاکرات صلح در پاریس به رييس جمهور جديد امريکا فرصت داده است تا در سياست آن کشور راجع به جنگ و تجاوز امريکا عليه استقلال و آزادی مردم ویتنام تغييری وارد نمايد. خواست کليه بشریت مترقی و صلح‌دوست جهان اينست که نکسن هرچه زودتر در اين راه گام‌های عملی و مؤثري بردارد، ولی حقايق نشان می‌دهد که محافل نظامی امريکا حاضر نيستند از فرصتی که به دست آمده به نفع استقرار صلح در ویتنام استفاده نمايند. شدت جنگ ویتنام و توسعه هرچه بيشتز آدم کشی و بمباران بی‌دریغ طيارات استراتيژيک امريکايي بر مردم بی‌دفاع ویتنام جنوبي مثال‌های زنده اين بی‌علاقگی آن‌ها به امر صلح در ویتنام می‌باشد. اولیای امور سايگون که به کمک و پشتيبانی امريکا حکومت می‌نمايند، پيوسه از امريکا می‌خواهند تا به جنگ ظالمانه خود عليه هموطنان ویتنامی آن‌ها ادامه دهند. حتی تقاضا دارند که امريکا بمباردمان ویتنام شمالی را مجدداً آغاز کند. وزير دفاع امريکا در وقت بازديد خود از سايگون اعلان نمود که وی از کانگرس امريکا تخصیصات جديد، خصوصاً راجع به جنگ ویتنام درخواست خواهد نمود. انحصارات امپرياليستي که از ادامه جنگ سوده‌های هنگفتی می‌برند، حاضر نيستند به آواز قهرمانان صلح گوش دهند. در شرايط کنونی ايجاب می‌نمايد که تمام نيروهای که به خاطر صلح در جنوب شرق آسيا فعاليت می‌نمايند، سر از نو بسپج گردند.

امريکا و ديگر کشورهای پيرو آن که زمامداران امريکا خواستند از طريق موافقه به آغاز مذاکرات صلح در پاریس، افکار عامه جهان را آرام سازند، ولی هيچ نوع پيشرفتي در مذاکرات صلح حاصل نگردیده است، و به علت اين که نمايندگان امريکا و سانگون حاضر نيستند راجع به موضوعات اساسی بحث نمايند، اين مذاکرات به رکود مواجه گرديده است. موضوعات متکور عبارت‌اند از بيرون کشيدن نيروهای اجنبي از ویتنام و قطع خون ريزی. آغاز رسمی مذاکرات صلح در پاریس به رييس جمهور جديد امريکا فرصت داده است تا در سياست آن کشور راجع به جنگ و تجاوز امريکا عليه استقلال و آزادی مردم ویتنام تغييری وارد نمايد. خواست کليه بشریت مترقی و صلح‌دوست جهان اينست که نکسن هرچه زودتر در اين راه گام‌های عملی و مؤثري بردارد، ولی حقايق نشان می‌دهد که محافل نظامی امريکا حاضر نيستند از فرصتی که به دست آمده به نفع استقرار صلح در ویتنام استفاده نمايند. شدت جنگ ویتنام و توسعه هرچه بيشتز آدم کشی و بمباران بی‌دریغ طيارات استراتيژيک امريکايي بر مردم بی‌دفاع ویتنام جنوبي مثال‌های زنده اين بی‌علاقگی آن‌ها به امر صلح در ویتنام می‌باشد. اولیای امور سايگون که به کمک و پشتيبانی امريکا حکومت می‌نمايند، پيوسه از امريکا می‌خواهند تا به جنگ ظالمانه خود عليه هموطنان ویتنامی آن‌ها ادامه دهند. حتی تقاضا دارند که امريکا بمباردمان ویتنام شمالی را مجدداً آغاز کند. وزير دفاع امريکا در وقت بازديد خود از سايگون اعلان نمود که وی از کانگرس امريکا تخصیصات جديد، خصوصاً راجع به جنگ ویتنام درخواست خواهد نمود. انحصارات امپرياليستي که از ادامه جنگ سوده‌های هنگفتی می‌برند، حاضر نيستند به آواز قهرمانان صلح گوش دهند. در شرايط کنونی ايجاب می‌نمايد که تمام نيروهای که به خاطر صلح در جنوب شرق آسيا فعاليت می‌نمايند، سر از نو بسپج گردند.

امريکا و ديگر کشورهای پيرو آن که

## یادداشت

**در ماه سنبله.**

۷۸ – تظاهرات شکوهمند روز (جشن پښتونستان) تاييد و پشتيبانی از نهضت رهایی بخش ملی خلق‌های پښتونستان.

**در ماه عقرب،**

۷۹ – اعتصاب شاگردان لپسه ميرويس ولايت کندهار به خاطر تأمین خواست‌های صنفی‌شان،

۸۰ – تظاهرات اعتراض آمیز ضد حکومت پاکستان در کابل عليه زندانی شدن رهبران ملی و مترقی پښتونستان – ښاغلی خان عبدالولی خان و ښاغلی اجمل خټک.

بالینکه پرچم خلق، در جریان سال گذشته همیشه اخبار تظاهرات و اعتصابات الهام‌بخش و قهرمانانه مردم کشور را در راه تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتيک شان به موقعش ثبت و نشر کرده و هر یک از آن را به‌عنوان بخشی از جنبش باشکوه خلق افغانستان جدا مورد حمایت و پشتيبانی قرار داده است، معهذا اگر احياناً برخی ازین تظاهرات و اعتصابات از ثبت تاريخ پر افتخار مبارزات نجات‌بخش کشور مانده باشد، از تمام نيروها، مؤسسات و اشخاص وطن‌پرست خواهش می‌شود تا جریان آن را قيد تاريخ، محل وقوع و هدف مظاهره و يا اعتصاب به آدرس دفتر پرچم ارسال و ممنون سازند.

## اسرائیل و آلمان غرب

### با هم دوستی می‌کنند

«هفته اسراييل» در آلمان غرب در فضای جشن و سرور برپا گرديد. بيرق‌های اسراييل و آلمان غرب در شتوتگارت آلمان غرب در اهتزاز درآمد. سفير کبير اسراييل و وزير داخله آلمان غرب دست‌های همدیگر را محکم فشردند. سرود ملی هردو کشور در فضا طنين انداز بود. بک هیات پانزده نفری پارلمان اسراييل بنا به دعوت پارلمان آلمان غرب به غرض اشتراک در مراسم «هفته اسراييل» به آنجا وارد گرديده و در نظر دارد از بن نیز دیدن نمايد. امداد‌های اقتصادی، نظامی، تخنيکی و سیاسی که اسراييل به هر اسم و رسم از آلمان غرب دريافت می‌دارد، بدون شک در تشويق و تشجیع آن کشور به خصوصت عليه کشورهای عربی و پيشبرد پلان‌های توسعه جویی آن کشور تأثيرات زيادی دارد.

به کلکه او وحشیانه توگه خيل کيده. هغوی پاکستان د آزادی غوښتونکو او کوچنیو ملتونو په ستر زندان بدل کړ. د پاکستان د خلکو ستر اکثریت په اقتصادی لحاظ د ژوند ډیر بد شرایط گالی. د څو محدودو او مقتدرو کورنیو په لاس کی د ثروت تراکم د فقر او غنا تر مینځ تضاد په بی ساری توگه شدید کړاو ستره پوله بی د شتمن او شتمن تر مینځ را ښکوده.

د پاکستان حاکمه محافل د خارجی سیاست په ډگر کی، د (اسلامیستان) د توسعه طلب سیاست او د انټی-کمونیزم د ایډیالوژۍ د پیروی له کبله له زیاتو مشکلاتو سره مخامخ وو او له ټولو سوله دوستو او گاونډیو هیوادونو سره یی ډیر بد مناسبات درلودل. هغوی د سنتو او سیټو به تیری کوونکو تړونونو کی دا غړیتوب او له امپریالییستي هیوادونو بیا په تیره امریکا سره د دوو اړخیزو قراردونو په وسیله، پاکستان د لمسون، تیری، دسایسو او د سوله دوستو گاونډیو هیوادونو په داخلی چارو کی د مداخلی په مرکز بدل کړ.

لس کاله د مخه کله چه د پاکستان حاکمه مقاماتو خان د پښتونستان، بلوچستان، سند او شرقی بنگال د پیاوړی کیدونکی آزادی بڅښونکی ملی دیموکر اټیک نهضت په مقابل کی عاجز او ناتوانه ولید او د بین‌المللی مرتجعو قوتونو گټی په دی هیواد کی له خطره مخامخ شوی، د پاکستان نظامی قوتونه یی د فیلد مارشال محمد ایوبخان په مشری خپلی مرستی ته را غوښتل چه په نتیجه کینی د پاکستان او پښتونستان سرونشت په وحشتناکه توگه د عسکرو لاس ته ورغی او یو لړ حقوق او آزادی چه په نیمگړی توگه په پاکستان کی شته وی هغه هم له مینځه لاړی.

په استعزای هیوادنو کی د روزل شویو نظامی منصبدارانو لاس ته، د پاکستان د خلکو د مقدراتو لویدل، نه یوازی د پاکستان د خلکو لپاره له مصیبت نه ډک وو، بلکه د نړی پدی برخه کی یی سوله او امنیت له خطر سره مخامخ کړل. د هند او پاکستان تر مینځ د ۱۹۶۵ کال جگړه د دی حقیقت روښانه شاهد دی چه که شوروی اتحاد

مشکل او دردناک کار دی. د مارشال ایوب خان مرموز گوښه کیدل او جنرال محمد یحیی خان ته د هیواد د اداری چارو پرېښودل، تر هر څه زیات، د پاکستان د خلکو د گټو او د پښتونستان او بلوچستان د خلکو د آزادی غوښتنی پر ضد، د ارتجاع د نویو دسانسو شروع ته پاته کیری.

همدا اوس چه مور دا کرښی لیکو، د پاکستان د نوی وضعی په باب مفصل او وروستی معلومات نلرو. مگر مور معتقد یو لکه څنګه چه لس کلنی فردی دکتاتوری، نظامی قانون او د مارشال ایوبخان اضطراری حالت، هیڅ مشکل د پاکستان د واکدارانو او حاکمه محافلو له مخی لری نکړ او د

برگزاری «هفته اسراييل» در آلمان غرب، آن‌هم در اوضاع و احوالی که حملات هوایی و زمینی اسراييل بر کشورهای عربی کسب شدت نموده و صدها هزار نفر مهاجر اعراب فلسطین در بدترین شرایط بسر می‌برند و اسراييلیان خون آزادیخواهان عرب را بی‌پاکانه می‌ریزند، خانه‌های شان را با دینامیت منفجر می‌سازند و هزاران نفر از آنان را به جرم آزادیخواهی و مبارزه علیه اشغال سرزمین‌های شان توسط اسراييل و بی‌احترامی اسراييل به اماکن مقدسه مسلمانان، به مدت‌های طولانی حبس‌های توأم با اعمال شاقه محکوم و زندان‌ها می‌فرستند. جشن گرفتن هفته اسراييل در آلمان غرب، جز خصومت و کینه توزی با اعراب معنی و مفهوم دیگری ندارد.

(د لومړی مخ پاتی)

## د پاکستان مسایل ...

په سوله غوښتونکی ابتکار لاس نه وای پوړی کړی او د تاشکند د کنفرانس په جوړولو یی د جگری مخه نه وای نیولی، ممکنه وه چه دا جگړه په یوه ستره بین‌المللی جگړه بدله شوی وای.

د فردی دیکتاتوری او غیر ملی سیاست په مقابل کی د پاکستان او پښتونستان د خلکو مقاومت، په زیاتپوټونکی توگه او په مختلفو ښکاره او پټو سوله ایزو او غیر سوله ایزو اشکالو دوام درلود او د زیاتو قربانیو په زغملو یی فردی قدرت شا تمبیوو ته مجبور کړ. د پاکستان حکومت مجبور کړی شو چه دری کلن اضطراری حالت پای ته ورسوی او له مخالفو قوتونو سره د یوه میز د پاسه، د پاکستان د خلکو په لاندنیو پراپلومونو باندی بحث وکړی.

- پارلمانی دموکراسی او د حکومت فدرالی سیستم دی په پاکستان کی رواج شی.
- د بنیادی دموکراسیو غیر دیموکر اټیک نظام او یو یونټ دی لغو شی.

د پاکستان او د غربی پاکستان په خارجی سیاست او پولی سیاست باندی دی نوی نظر وشي.

- د پاکستان مناسبات دی د مختلفو سیاسی سیستمونو لرونکو هیوادونو سره، سر له نوی د گډ ژوند د پنځوگونو اصولو پر اساس بنا شی او د پښتونستان او بلوچستان خلکو ته دی د خودارادیت حق ورکړل شی.

مگر د نوی نظامی قانون (مارشل لا) اعلان او یو ځل بیا د خلکو د ټولو آزادیو او حقو سلېولو دا تجربه بیا تکرار کړه چه د پاکستان ارتجاع او هغه بین‌المللی دوستان حاضر ندی هغه څه یی چه د غصب له لاړی لاس ته راوستی، په آسانی له لاسه ورکړی. د نظامی قانون دوهم اعلان ثابته کړه چه د دیموکراسی په لوری لاره هواره او صافه نده، بلکه له یوه استبدادی او اتوکراتیک حالت نه یوه بشپړ دیموکر اټیک ژوند ته مخه کول یو مشکل او دردناک کار دی.

د مارشال ایوب خان مرموز گوښه کیدل او جنرال محمد یحیی خان ته د هیواد د اداری چارو پرېښودل، تر هر څه زیات، د پاکستان د خلکو د گټو او د پښتونستان او بلوچستان د خلکو د آزادی غوښتنی پر ضد، د ارتجاع د نویو دسانسو شروع ته پاته کیری. همدا اوس چه مور دا کرښی لیکو، د پاکستان د نوی وضعی په باب مفصل او وروستی معلومات نلرو. مگر مور معتقد یو لکه څنګه چه لس کلنی فردی دکتاتوری، نظامی قانون او د مارشال ایوبخان اضطراری حالت، هیڅ مشکل د پاکستان د واکدارانو او حاکمه محافلو له مخی لری نکړ او د

### د برېښنا منډه

د برېښنا منډه چه وویمن په وریځ کی پدی خپل ناتوانه خان می ارمان راشی دا سپیره بیدیا به شی جنت د گلو په پسرلی می هسی شانی گوما راشی **لیوان تښتی**
**خو چه ته دا د لمځی گوڅو اوباسی**
**زما له زړه د فریادونو توفان تښتی**
**تر گذار دی قربانی شم لیر چټک شه**
**چه د نښی له ساحی نه لیوان تښتی**
**روان شه!**

**تش د گل په شانی مه خاندانه خاموشه**
**سیند د هڅو شه هم خاندانه، هم روان شه**
**زما نه، زما او ستا په غم کی نه ده**
**ته پخپله خان ته سر او هم سامان شه**
**هغه خوان**

**هغه خوان چه د وطن په درد سوخیری**
**که سل خله په مخ لویری پورته کیری**
**ما تری زر خله قربان او صدقه کړی**
**چه در مرگ په پوله ناست دی لا خوڅیری**
**سلیمان لایق**

اعلان سبب شول. «د آزادی، د خلکو د مال او خان ساتنه» هغه هم د نظامی قانون له لاری او د خلکو د ټولو حقوقو او آزادیو مسئول د ارتجاع او استبداد له منطق پرته بل هیڅ منطق نلری.

عادی حال ته د پاکستان د توفانی وضعی را گرزول، هغه هم د برچی په څوکه تر ناروغی بدتر علاج دی.

په داسی حال کی چه د افغانستان خلک د پاکستان د حوادثو بهیر او د پښتونستان او بلوچستان د خلکو هلی ځلی په تشویش څاری، هیله مند دی چه د پاکستان او پښتونستان خلک به له دی حساسی مرحلی نه هم په بشپړ لری تیر شی او خپله لاره به په کامیابی د سولی، آزادی، دیموکراسی او نوی قانونی ژوند خوا ته تعقیب کاندی.

(از ص اول)

### تبلیغات ارتجاعی و فریبنده ...

انحرافات و جنابیات نمی‌توان جلوگیری کرد، زیرا این‌ها خود محصول سیستم اجتماعی – اقتصادی و نظام اتوکراسی کنونی افغانستان است. بنا بر آن اصلاح عمیق اجتماعی در هر زمینه و من‌جمله ریشه کن کردن فساد و انحطاط اخلاقی از جامعه مستلزم به وجود آامن تغییر اساسی و بنیادی در تمام شئون اجتماعی – اقتصادی و سیاسی کشور است.

### یک ماشین پر مصرف

آن هر آمریکایی، به شمول اطفال، مجبور خواهد بود برای حفظ این ماشین جنگی ۴۰۰ دالر بپردازد. دولت نیز این فشار را احساس می‌کند. قوه خرید دالر به‌طور دوام‌دار پایین می‌آید. این سقوط به ۷۸/۲ فیصد در سال ۱۹۵۷ بالغ گردیده است. قرضه ملی بالا می‌رود و در ۱۸ فبروری به ۳۶۳۰۰۰ ملیون دالر بالغ گردید. پریزیډنت نکسن از کانگرس خواسته است که آن را حد اعظم به ۳۸۲۰۰۰ میلیون دالر برساند.

ملت امریکا زیر بار سنگین مالیات می‌ولند. تنها انحصارات مسرورند، زیرا آن‌ها پول کمایی می‌کنند. به تاریخ ۲۰ فبروری وزارت دفاع امریکا به خاطر خرسندی و دل‌خوشی مردم امریکا اعلان نمود که ماشین جنگی آن ۲۰۲/۵۰۰ میلیون دالر ارزش دارد. بدین معنی که برای هر مرد، زن و طفل امریکا معادل ۱۰۰۰ دالر مواد جنگی (از بوت عسکری تا طیارات بمباردمان ثقیل) وجود دارد. آیا باز هم آمریکائیان ثروتمند نیستند؟ بدبختانه این دارایی مانند دارائی‌های دیگر هیچ چیزی تولید نمی‌کند، بلکه به‌طور دوام‌دار مصارف گزافی را ايجاب می‌نماید. طرح جدید برای سال مالی ۱۹۷۰ نشان می‌دهد که مصارف نظامی با افزایش ۵۰۰ میلیون دالر به ۸۱/۵۰۰ میلیون دالر بالغ گردیده است. بنا بر

### پرچم

**ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان**

**هره دوشنبه خپریږی**

**د اشتراک بیه**

**په کابل کښی د کال: ۱۲۵ - افغانی**

**په ولایاتو او پښتونستان کښی**

**د کال : ۱۴۰ افغانی**

**په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر**

**د جاری حساب نمبر به پښتنی**

**تجارتی بانک کښی ۳۸۵۳**

**د یوه گنی بیه: ۲/۵ افغانی**

تایپ متن فرهاد بارکزی، ویرایش جدید: عمر فیض

(مطبعة دولتی)



# پرچم

## ناشرانیدیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره سوم- سال دوم دوشنبه ۸۱ حمل ۱۳۴۸ - ۷ اپریل ۶۹ (شماره مسلسل ۵۵)

به مناسبت روز بین‌المللی صحت

## صحت، کار و حاصلدهی

### یا بیماری، بیکاری و بی‌ثمری

۷- اپریل ۱۹۶۹ (۱۸ حمل ۱۳۴۸) روز بین‌المللی صحت است. درین روز همه ساله یک موضوع اختصاصی دارای اهمیت برای یک تعداد زیاد کشورها، انتخاب می‌گردد. موضوع امسال صحت، کار و حاصل دهی (بازده) است. ولی در کشور ما بیماری، بیکاری و بی‌ثمری به‌جای آن‌ها مصدق بهتر دارد.

در عین حالی که این سه مفهوم باهم ارتباط و پیوند دارند، اما در کشور ما هیچ‌گونه هماهنگی به هم نمی‌رسانند. صحت به معنی واقعی کلمه اصلاً در جامعه ما برای اکثریت عظیم توده‌های مردم وجود خارجی ندارد. مرفه‌الحالان که به‌حساب توده‌های کثیر مردم از همه مزایای زندگی متمتع می‌گردند و همه چیز صحتی در اختیارشان است کار نمی‌کنند، اما آن‌هایی که کار می‌نمایند، از نعمت صحت برخوردار نیستند. حاصل دهی کار خلق کارگر و زحمتکش کشور در برابر کارهای توان‌فرسا و عرق‌ریزی‌های فراوان آنان بنا بر شرایط نامساعد کار و زندگی، در سطح نازلی قرار دارد. خلق کارگر و زحمتکش درحالی‌که همه چیزهای خوب و مفید را با کار آفریننده خویش ایجاد می‌نمایند، خود نمی‌توانند از آن‌ها سهمی به‌جز بخور و به‌تدریج بمیر بردارند.

عدم قدرت خرید، سطح پایین حیات، فقر و بی‌کاری که معلول سیستم اجتماعی-اقتصادی پوسیده موجود در جامعه ما می‌باشد، همه دست‌به‌دست هم داده و وضعی را به وجود آورده که رقتبار و کشنده است. مردم از ابتدایی‌ترین وسایل زندگی محرومند، سؤتغذی، غذای ناکافی، گرسنگی، وضع خراب مسکن، استفاده از آب‌های کثیف و قلت دوا و داکتر در سرتاسر کشور عمومیت تام دارد، امراض جان‌سوز و مرگ زایی چون سل، کولیرا، محرکه، پیچش‌های خونین، جذام و ده‌ها مرض خانمان‌سوز دیگر به‌قدری عام است که کمتر خانوادیمی از اکثریت نفوس جامعه را می‌توان یافت که از شکنجه این امراض فارغ باشند. در بسیاری از گوشه‌ها و کنارهای مملکت، در اکثر دهات و قرا اصلاً مردم محلی را به نام شفاخانه، کسی را به نام داکتر نمی‌شناسند و اگر این کلمات هم به کار رود، عملاً مصداق نخواهد داشت. چند رقم ذیل درین زمینه بهترین گواه بر مدعای ماست:

فعلأ در افغانستان به‌طور تخمینی برای بیشتر از ۲۵۰ هزار نفر یک شفاخانه و آن‌هم غالباً در مرکز ولایات وجود دارد که هر یک به‌طور متوسط بیشتر از ۲۷ بستر ندارد. به این حساب هرگاه نفوس کشور را برای سال ۱۳۴۷ بر طبق تخمینات مقامات رسمی دولتی شانزده میلیون نفر در نظر گیریم، برای هر ده هزار نفر یک بستر (مجموعاً ۱۶۰۰ بستر) وجود دارد و برای هر ۳۳ هزار نفر یک داکتر (مجموعاً در حدود ۵۰۰ داکتر) و برای هر ۴۰ هزار نفر یک نرس (مجموعاً در حدود ۴۰۰ نرس) خدمت (!) می‌نماید.

همه می‌دانند که از یکسو با فروش ادویه چه تجارت ناروایی با بیماران تهیدست و فقیر صورت می‌گیرد و به چه قیمت‌های گرانی ادویه اولاً از کمپنی‌های انحصارگر و متقلب تولیدکننده ادویه در غرب خریداری و بعداً با چه قیمت‌های گران‌تر و

(ص ۲)

جمال عبدالناصر رییس جمهور عربی متحد در اتحادیه سوسیالیستی عربی اظهار داشت:

مردم مصر باید آماده جنگ باشند و خویشتن را برای روزهای بدی آماده سازند.
جمهوریت عربی متحد از یک وجب خاک خود نخواهد گذشت.

جمال ناصر امریکا را مسوول اوضاع متشنج شرق میانه خوانده گفت: اضلاع متحده امریکا اسرائیل را تقویه می‌کند. ما آرزو داشتیم تا با دولت جدید امریکا، به گمان اتخاذ سیاست نوینی از طرف آن کشور در خاور میانه همکاری نمایم؛ مگر این

دکتور اناهیتا

جمال عبدالناصر رییس جمهور متحد عربی گفت:

## امریکا اسرائیل را تقویه می‌کند!

آرزوی ما به یاس مبذل شد؛ زیرا سیاست امریکا در شرق میانه همان است که بود.

جمال ناصر از کمک‌های بزرگ شوروی و کشورهای سوسیالیستی ابراز تشکر نموده گفت: شوروی ما را از لحاظ نظامی و سیاسی تقویت می‌کند، متخصصین شوروی شب و روز برای ما صمیمانه کار می‌کنند و ما در اثر همین همکاری‌ها موفق شده‌ایم تا خود را مجهزتر و قوی سازیم. مصری‌ها حالا از خود دفاع کرده می‌توانند.

او افزود ما اکنون هر آن در برابر حمله دشمن آمادهٔ دفاع می‌باشیم. بحران روز به روز شدت می‌یابد و اسرائیل هر روز بالای کشور ما، اردن، سوریه و لبنان تجاوز می‌کند. ناصر علاوه کرد: ما از جانبازی‌های مؤسسات پارتیزان‌های عربی ابراز قدردانی می‌نماییم.

در هفتهٔ گذشته مذاکرات در بارهٔ شرق میانه در شورای امنیت ادامه داشت، نماینده شوروی درین مذاکرات گفت:

سیاست اسرائیل در شرق میانه شدیداً قابل اعتراض و انتقاد است. موصوف از شورای امنیت خواست تا تدابیری به غرض جلوگیری از تجاوزات اسرائیل اتخاذ گردد و اسرائیل مجبور ساخته شود تا فیصله نامه‌های ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ شورای امنیت را قبول نماید.

نماینده نیپال اظهار داشت: اسرائیل در سرزمین عربی دست به کشتار می‌زند، اسرائیلی‌ها مردان، زنان و کودکان را به قتل می‌رسانند، آبادی‌ها را ویران می‌سازند.

او از شورای امنیت تقاضا کرد تا اعمال اسرائیل را شدیداً تقبیح و محکوم کند. نماینده نیپال امریکا را مسوؤل اوضاع شرق میانه خواند.

س. ع. کشمند

## نگاهی بر قسمت اقتصادی بیانیه

### بناغلی صدراعظم

قسمتی از بیانیه مفصل رادیویی بناغلی اعتمادی صدراعظم که به مناسبت سال جدید ایراد گردید و سپس در جراید دولتی نیز انتشار یافت و مورد تأیید و تبصره‌های گوناگون قرار

بناغلی صدراعظم در آغاز بحث بر مسایل اقتصادی می‌گوید:

«با در نظر گرفتن وضع موجود اجتماعی و اقتصادی افغانستان باید اظهار نمود که تعمیر بنای متین افغانستان مترقی، مرفه و مسعود به تشریک مساعی همه افراد ملت نیازمند است تا به نیروی همکاری، ایثار و فداکاری وضع مادی و معنوی افغانستان روز به روز بهتر گردد. در جامعه ما فقیر، فقیرتر نگردد، سطح زندگی مردم نادر بالا برود و ایشان

### اعتصاب شاگردان وطن‌پرست مکتب هوایی ملکی

شاگردان پاک طینت، نجیب و وطن‌پرست مکتب هوایی ملکی به خاطر تأمین خواست‌های صنفی خویش به روز یکشنبه (10 حمل) دست به اعتصاب قانونی زدند.

در جریان اعتصاب اتحاد و همبستگی و روحیهٔ رزمندگی شاگردان مکتب هوایی ملکی مورد ستایش و قابل قدر بود. ولی متأسفانه در اثر تحریک و توطیه پشت پرده یک نفر معلم (بیسکور امریکایی) و عناصر معلوم‌الحال وابسته به امپریالیزم که در ریاست هوایی ملکی پست‌های مهمی را اشغال کرده‌اند و یک عده جواسیس اخلاک‌گر و فتنه انگیز دیگر – همه در یک صف نامقدس - بهانه‌می برای مداخله پولیس فراهم گردید، که در نتیجه یک عده از شاگردان معصوم از مکتب اخراج شد و شرایط مختق در مکتب به وجود آمد.

**پرچم خلق**: در حالی که از خواست‌های معقول شاگردان مکتب هوایی جدأ پشتیبانی می‌نماید و خواستار شمول مجدد شاگردان اخراج شده است، با شدت اعمال فتنه‌گرانه عناصر داخلی و مداخله بی‌شرمانه عناصر خارجی و برخورد نادرست پولیس را در برابر مکتب هوایی ملکی محکوم می‌نماید.

**بناغلی صدراعظم در بیانیهٔ خویش به منابیت آغاز سال ۱۳۴۸ – اعراف می‌کند:**

## در نظام اداری تحولی به وجود نیامده

### و متأسفانه جلو رشوت، اختلاس و قاچاق به ترتیبی که منظور است گرفته نشده

می‌دارد که: «در نظام اداری تحولی به وجود نیامده...» و لایحه مربوط به آن که گویا: شیر شتر خورده است، «تحت مطالعه نهایی (!) است.» ولی آنچه مایه تعجب است اینست که بناغلی اعتمادی به دنبال این سخن می‌گویند: ...«موقعیت حکومت در نظام اداری از بین بردن فساد رشوت و اختلاس و قاچاق بسته به **همکاری همگان** است.»

وقتی که ماهیت کار در افغانستان چنانست که گفته آمد و سررشته‌های کار اداری در کشور به دست مأموران فاسد بورژوا – بیروکرات و مأموران علی رتبه ملاک است، که ریشه هستی‌شان از مرداب نظام فیودالی سیر آب می‌گردد و برگ و بار بقای‌شان در هوای سرمایه‌داری رشد و نمو می‌کند، دیگر چگونه می‌شود **همکاری همگان** را که مسلماً منظور بناغلی صدراعظم تمام مردم و **خلق** افغانستان است، به آنان جلب کرد.

خلق افغانستان فریاد می‌کشد: اگر همکاری‌مان را می‌خواهید لطفاً شر این چپاولگران بی‌رحم را از سر ما کم کنید! همکاری خلق در چنین شرایط و با این عناصر، جز این معنی‌یی ندارد که بیشتر از پیش فشار جانکاه این بار کمرشکن را به دوش کشند، در غیر آن استفاده جویبان

در اثر این مذاکرات، شورای امنیت به اکثریت «۱۱» رأی در برابر «۴» رأی تجاوزات اسرائیل را تقبیح کرد و اعمال تجاوزکارانهٔ اسرائیل را محکوم ساخت. شورای امنیت نگرانی خود را از وخامت اوضاع در شرق میانه ابراز کرده و به اسرائیل اخطار داد تا از تجاوز فیصله کرد تا تدابیر شورای امنیت تقویه فیصله کرد تا تدابیر جدی اتخاذ گردد.

نماینده فرانسه در این هنگام اظهار داشت: اگر امریکا و انگلستان رأی موافق می‌دادند، به رفع اوضاع پراشوب شرق میانه کمک می‌کرد. امریکا و انگلستان در عمل اسرائیل را تقویه می‌نمایند. نماینده شوروی گفت: تنها با برون رفتن قوای اسرائیل از مناطق اشغالی، اوضاع شرق میانه به حالت آرام بر خواهد گشت.

س. ع. کشمند

### بناغلی صدراعظم در بیانیهٔ خویش به منابیت آغاز سال ۱۳۴۸ – اعراف می‌کند:

از مزایای حیات پیشرفته برخوردار باشند.»

باید گفت که در وضع موجود اجتماعی و اقتصادی افغانستان امکانات تشریک مساعی و همکاری همه افراد ملت به‌طور کلی، اعم از استثمارگران و استثمار شوندهگان با ستمگران و ستمکشان برای ایجاد افغانستان مترقی، مرفه و مسعود میسر نمی‌باشد. چه وجود طبقات حاکمه ارتجاعی که تمام شئون زندگی مردم تحت سر پنجه‌های خشن و بی‌رحم آنان قرار دارد، خود مانع بزرگی در راه رسیدن به این مأمول می‌باشد. از آن جایی که وضع اجتماعی و اقتصادی کنونی در کشور به نفع اقلیت سرباری و طفیلی و به زیان اکثریت مطلق و محروم از نعم مادی جامعه است. لذا طبقات حاکمه ارتجاعی مانع رشد اقتصادی کشور بوده و تلاش می‌ورزند تا وضع موجود را به نفع خویش حفظ نمایند که در نتیجه مناسبات مسلط تولیدی عقب‌ماندهٔ موجود موجب کندی وحشتناک رشد نیروهای مؤلده و آهنگ رشد اقتصادی می‌گردد.

در این شک نیست که زحمتکشان – خلق کشور در امر تعمیر بنای متین افغانستان مترقی و مرفه، جدأ علاقه‌مند بوده و انجام این وظیفه پرافتخار و مقدس را به عهده دارند و بدون تردید جامعه و وطن نوین و مترقی‌شان را ایجاد خواهند کرد، ولی در اوضاع و احوال کنونی ثمره کار، ایثار و فداکاری زحمتکشان جامعه ما را مشتئی از مفت‌خوران – طبقات حاکمه می‌ربایند که به قیمت فقر توده‌های ملیونی این عدیمی ناز پرورده از هر گونه رفاهیت و نعمات مادی برخوردار اند.

لهذا باید نفوذ و تسلط اقتصادی و اجتماعی طبقات حاکمه پایان بخشید و وضع اجتماعی و اقتصادی موجود کشور را تغییر داد تا فقر و علت فقر موحد و کشنده از جامعه ما ریشه کن شود، نه فقط این که «در جامعه ما فقیر، فقیرتر نگردد.»

مؤجز این: تا وقتی که سیستم اجتماعی - اقتصادی کنونی جامعه که میراث گذشته است، مستقر باشد و برای حفظ آن از طرف نیروهای ارتجاعی و منسوخ تلاش گردد و تا وقتی که مناسبات غیر عادلانهٔ تولیدی در جامعهٔ ما مسلط باشد و برای تغییر آن به‌طور آگاهانه اقدام نگردد، بهیقین زندگی اکثریت مردم به تباهی بیشتری کشانیده می‌شود، فقیر – اکثریت مطلق جامعه – فقیرتر و غنی – اقلیت ناچیز جامعه – غنی‌تر می‌گردد که نمی‌توان به ابراز آرزو و حسن نیت، فقیر را از

(ص ۲)





## زموړ د خلکو د ماشومانو

دردونکی حال

زموړ د زیارایستونکو خلکو وړی او بربنده ماشومان چه تر مناسبو شرائطو لاندی کیدی شی شاعران، سیاست مداران، د سبا ورځی قهرمانان، لیکوال، انجنیران، طبیبان، سترمبارزان او لارښوونکی شی، پخوا تردی چه د خوانی غوثی وسپړی، مراوی کیزی او مری او یاد بدو شرائطو په وجه د خپلو پلرونو په څیر، د نورو په نوکری او غلامی کی خپل ملکات او قابلیتونه بایلی.

په کوم عمر کی چه ماشومان باید ورکتون ته لارشی، لوبی وکری او غذا واخلي، له بده مرغه محرومیت گالی، رنځوریزی او په لوړو او سپړو کی لاس او پښی وهی او کله چه لیر لوی شی د اجبار په حکم با ید څاروی وپیایی او

سختو جسمی کارو نو ته تن کیردی، دا د دی لپاره چه زیارایستونکی خلک له ټولو معنوی او مادی امتیازاتو او بیا به تیره له تعلیمی او تربیتی وسائلو څخه محروم دی.

د هیواد په اوسنیو شرایطو کی چه فیودالی جابرانه نظام حکم چلوی د شودو ورکولو مرکزونه او ورکتونونه هم د حاکمه طبقاتو، د ماشومانو لپاره استخدام شویدی. زموړ د ربرگالونکو خلکو ماشومان چه په هیواد کښی د ننه ټول مادی نعمتونه شته کوی، د روزنی دغو مرکزونو ته لاره نلری. د هغوی ور کتون، د کوڅو هغه خاوری او کثافات دی چه هماغلته لوپړی او تپاه کړی.

که څه هم د حاکمه طبقاتو تبلیغاتی موسسی هڅه کوی د تشو خبرو له لاری دغو میندو او پلرونو ته د ماشومانو د روزلو درس ورکړی (!) خو طبعاً دا هیڅ گټه نشی رسولای. ځکه چه په خپرو گیده نه مریزی او هغه خلک چه سبا ناری نلری، دا پدرانہ (!) نصیحتونه هیڅ گټه نشی ور رسولای.

ترڅو اوسنی اقتصادی - اجتماعی نظام بدل نشی، له خلکو سره هیڅ مرسته نشي کیدی. تر دی اقتصادی- اجتماعی نظام لاندی به تل وضعه داسی وي لکه چه ده.

کومه ناچیزه مرسته چه زمونږ د هیواد د ماشومانو په نوم د بین المللی موسسو له خوا کیری دهغوی کوچ، شودی او دوا هم مستحقینو ته نه رسیزی.

د دغی وضعی د بدلون لپاره او د دی په غرض چه زموړ د گران هیواد د زیارایستونکو خلکو گن شمیر ماشومان د مرگ او رنځ څخه یو څه خوندی شی، باید به جدی توگه د روزلو مرکزونه جوړشی او دا کار هله شروع کیدی شی چه په دی تاریخی شرائطو کی خلک پخپله خپل سرنوشت وټاکی. خو تر اوسنیو شرائطو لاندی که هر څومره هم د سرکاری موسسو له خوا تبلیغات او خبری و شی، نتیجه او گټه نلری.

۱. زغره

به نویسنګان پرچم دموکراتیک خلق!

اجازه بدهید تا چشم دید خود را طی سفری که از ولایت بلخ به ولایت جوزجان نموده بودم، به شما بنویسم:

روز ۵ حوت ۱۳۴۶، در حالی که برف شدت می‌بارید و باد سرد چون تازیانه‌ای سر و روی عابرین را می‌کوبید، دهقانان بی‌نوا ی قریه‌های کشکک، میلپیک، قیچاق، حیدرآباد، گورجیگک، شیشک خانه، و بزگک در راه طولانی‌ای پیاده پیش می‌رفتند. آنان از طرف علاقه داری مکلف شده بودند تا سرک (آچه، چمتال) را طور بیگار ترمیم نمایند و فاصله سه سرای راه را تا محل کار پیاده طی کنند.

سرک (مزار - آچه - شیرغان) که

### مردم استالف بر علاقه دار آنجا

### اعتراض می‌کنند

خدمتگاری «تحسین نامه - رسمی فرستاده و «او «را قدر کرده است، تا بیشتر تشویق (!) و ترغیب شود

- درهٔ زیبا و پرشکوه استالف و باغستان‌های اطراف آن که محصول کار و رنج هزاران انسان زحمتکش این منطقه است، در سال‌های اخیر مزید مورد توجه جهانگردان قرار گرفت.

مأمورین حکومت بجای اینکه از عواید مؤسساتی از قبیل گرځندوی و غره به تزئینات لازمه دست بزنند، بلای جان مردم شده‌اند و برای اینکه باعث ارضاء خاطر سیاحان و مورد تفقد ناز پروردگان عیاش و وقت گذران طبقات حاکمه شده باشند، مردم را هرسال مکلف می‌سازند تا دیوارهای منازل مقابل تخت استالف را سفید کاری نمایند. باشندگان فقیر و نادار این خانه‌های روستایی که قدرت فرامه آوری غذا و لباس فامیل‌های خود را ندارند، با جبر و اکراه وادار ساخته می‌شوند که چشم انداز موثر سواران آسوده حال را تزئین نمایند.

خلق استالف به خاطر این فشارهای غیرقانونی و استفاده‌های ناجوانمردانه

بر علاقه دار، متنفذان محلی و حکومت شدیداً اعتراض می‌کنند.

ب، «مرچل وو رفقا

پرچم

## د هیواد دوه نیم ملیونه وگړی

بی کوره او سرگردان گړزی

د افغانستان د خلك دموكراتيك پرچم ته!

تا سو په خپله يوه پخوانی گټه كی، د كوچنیانو د مسألې د حل په باب د ښاغلی... په قلم یو مضمون خپور كړی وو. په مضمون كی پدی مطلب زور اچول شوی وو چه باید د كوچیانو د بسياكولو او د دوی د حقوقو د تأمین دپاره یو پراخه دموكراتيك حرکت شروع شی. د دی مطلب د خپریدو نه وروسته، زه او زما په څیر ډیر نور خلك هیله من شول چه گوندی دا پیشنهاد د ډیرو سیاسی ډلو او جرائدو له خوا تائید شی، مگر له بده

مرغه چه یو درد که هر څومره هم عام وي کله چه د کوم خاص جمعیت یا کومی خاصی جریدی له خوا خپورشی هغه بل خاص ارگان او جمعیت علاقه نه ورسره ښیی او کوشش کوی چه په هغه مطلب باندي خاوری واړوی.

باید یو وطن پال او بشردوست وجدان هیڅکله دا خبره له یاده ونه باسی چه همدا اوس په افغانستان کی د ننه دوه نیم ملیونه کوچیان اوسییږی، د دی خبری معنی داده چه دوه نیم ملیونه وطنوال لا تراوسه د کوتی او کور په نوم حتی یوه کننواله نه لري، ډاکتر او دوا هڼو پیژنی نه، د مدنی حقوقیی لا نوم ندی اوریدلی. دا به ډیره د شرم نه ډکه خبره وی چه موړ له دی ټولو سترو دعواو سره چه کوی بی، ونشو کولای د داسی سترو او دردناکو واقعیتونو د وړاندی هم سره متحد شو او د دی بدمرغیو د رفع کولو له پاره یوه ژبه او یو لاس شو.

له تاسونه زموړ هیله داده چه په همدی برخه کی خپلو هلو ځلو ته دوام ورکړی او حتی نورو ډلو ته پدی خاص مورد کښی بلنه ورکړی چه دیوی پراخی مبارزی لپاره یو گډ پروگرام جوړ او عملی کړی.

که څه هم زه په هیڅ سیاسی جریان او ډلی پوری اړه نلرم مگر حاضریم چه په دی راز مترقی پروگرامونو کی خپله برخه ادا کړم.

وظیفه حکم کوی چه سیاسی ډلی د خپل نفوذ او اعتبار سوداگری خوشی کړی او د افغانستان د خلکو خدمت ته چه لوړه گالی، ملا وتړي.

د افغانستان لورتیا او برم هیڅکله نشی بسیا کیدلای، تر څو ددی خاوری غیرتی بچیان بیا په تیره کارگران، بزگران او پونده خلك راوینش نشی او پخپلو پښو ونه دریزی.

راز محمد کندهاری

## ((مکاتب جمعیت)) هدف‌های خود را

#### تعقیب کرده نمی‌تواند

برای هر یکی از معلمین مذکور را (تقریباً في نفر پنجاه هزار افغانی) بپردازد. ولی چون این معلمان مطابق به‌حکم ضرورت انتخاب نمی‌شوند، بلکه بنا بر ایجاب روابط بیروکراتیک و شیوهٔ خصوصی آمرین معارف صورت می‌گیرد، نه این فلیپین روننگان (با حفظ استثنائات) چیزی یاد می‌گیرند و نه هم وقتی که دو باره می‌آیند به مکاتب جمعیت سروکاری دارند، از آن رو هدف مشخص تعلیمی‌تر می‌شود و پول‌ها و کم‌کها در موارد بی‌فایده به هدر می‌رود.

در بسا ازین مکاتب معلمان و سرمعلمان هنوز نام و طریق استفاده از لوازم عملی در مکاتب خود را نمی‌شناسند و به شیوه استفاده از آن‌ها بلذیت ندارند.

سامان و لوازم درین مکاتب یا ضایع می‌شوند و یا اینکه بدون استفاده در گداه‌های مکاتب باقی می‌مانند، زنگ زده می‌شوند و بدون استفاده استهلاک می‌گردند.

به این ترتیب فرزندان مردم که به خاطر فرارگرفتن درس‌های عملی درین مکاتب شامل می‌گردند، به‌صورت کلی بی‌بهره و بی‌استفاده باقی می‌مانند.

**ملا عبدالله از ولایت جوزجان**

# دروا، شکارچي او اعتراضات خلق

### باز هم اخراج کارگران و باز هم سؤ استفاده

### از دارایی عامه

در پروژه تفحصات پترول شیرغان، توطئه‌ها و دسایس علیه کارگران زحمتکش از طرف عدیمی از آمران، انجنیران داخلی و جواسیس گوش به‌فرمان آنان همچنان ادامه دارد و حتی جدی‌تر و وسیع‌تر می‌شود.

اخیراً یکی از کارگران نجیب را که در مارش ظفرنمون سال گذشته کارگران دلیر این مؤسسه شرکت و سهم فعال داشت، بدون هیچ‌گونه جرم و با استناد قانونی، خلاف حداقل آزادی‌ها و حقوق مصرحه مردم در قانون اساسی، اخراج کردند.

رویه خشونت آمیز و ضد کرامت انسانی که در فضای پر اختناق و فاقد حداقل مصونیت، در برابر کارگران صورت می‌گیرد و دستبردهای ننگینی که بر حقوق مسلم کارگران زده می‌شود، توأم با سواستفاده‌های گوناگونی که عدیمی از آمران باصلاحیت در ساحه فعالیت خود می‌نمایند کارگران پروژه تفحصات پترول را به ستوه آورده است.

کارگران دلیر پروژه جدأ خواستار آن‌اند تا هرچه زودتر بساط این‌همه تفتین و توطئه برچیده شده، مصونیت کارگران بر اساس ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی تأمین گردد، فلهدا باید:

- آمران و انجنیران داخلی پروژه تفحصات پترول به عزت نفس و کرامت انسانی کارگران احترام گذارند.

- در صفوف کار گران به تحریک و تفتین جواسیس آمران مختلس خاتمه داده شود.

- جلو سواستفاده‌ها از دارایی عامه گرفته شود.

.ی. ش از شبرغان

## فریاد ازین بیگار‌های طاقت فرسا

بجریده محترم پرچم!

از آنجا که وظیفه تاریخی پرچمداران - خلق، دفاع از حقوق غصب شده کارگران و دهقانان است، متوقعیم تا آواز دهقانان نیمروز را به گوش کارگران، دهقانان و جوانان مبارز برسانند.

باینکه دهقانان افغانستان در تمام اکتاف و اطراف کشور زیر بار سنگین استثمار ملاکان و ستمگران زجر می‌کشند ولی این فشار در ولایت نیمروز نسبت به هر جای دیگر شدیدتر و عمیق‌تر است. درین جا دهقان در نظر ملاک برده و مالی بیش نیست. در اینجا سر و جان و حتی عقل دهقان اسیر است.

به نسبت استثمار ظالمانهٔ ملاکان، دهقانان مجبور می‌شوند چند ماه بعد از حاصل برداری به خاطر به دست آوردن بخورونمیر، به بادار (!) خود

مراجعه نمایند و با زبان نیمه لال از آنان گندم بخواهند. آنان این گندم را به قیمت بسیار گران به ایشان می‌دهند و پول را در سال آینده دوباره بگندم تبدیل می‌کنند و در بدل آن گندم را به نرخ دلخواه می‌ستانند، و غالباً هر سیر گندم ملاک درین بازی در طول يك سال دو سیر گندم می‌شود، گویا به این وسیله صد فیصد سود را بر دهقانان بی‌نوا تحمیل می‌نمایند و زندگی توده دهقان را قدم به قدم به‌طرف تباهی و بدمختی می‌کشاند.

ما نگارندگان این نامه سال گذشته از ملاک خود (حاجی ملا...) يك مقدار غله گرفتیم، موصوف با تمثیل همدردی به ما گفت از شما فایده نمی‌خواهم، در سال آینده گندم مرا بگندم و جو مرا به جو تادیه کنید، سالی بر معامله این مرد نیکوکار (!) گذشت و همین‌که وقت حاصل و خرمن رسید حاجی صاحب مذکور از وعده سال گذشته به‌کلی انکار نموده و اصرار کرد که باید گندم و جو او را مطابق به تعامل زمین‌داران نیمروز به پول حساب کنیم و خود نیز در مقابل پول وي گندم و جو را به قیمت ارزان‌تر به وی باز گردانیم. نتیجه این شد که این زمین‌دار جوانمرد في من پانزده افغانی از ما سود ببرد.

هر گاه دهقانان پولی از زمین‌داران به‌صورت قرض بگیرند - هنگام تادیه

بصورت قرض بگیرند - هنگام تادیه





د افغانستان د ټولګ د ښوونځي او زده کونکو

۱۸ حمل ۱۳۴۷

## رویداد‌های مهم

جهان در هفته گذشته

### اعلامیه مشترک شوری - عراق

در ختم مسافرت عبدالکریم عبدالستار الشیخی وزیر خارجهٔ عراق در اتحاد شوروی اعلامیهٔ مشترکی نشر گردید. در اعلامیه گفته می‌شود که: «اتحاد شوروی بار دیگر پشتیبانی تغییر ناپذیر خود را از مبارزه عادلانه خلق‌های عرب تأیید نمود» همچنان گفته شده است که طرف عراق از موضع‌گیری و پشتیبانی اتحاد شوروی در حل پرابل‌های اعراب اظهار ق‌ردانی کرد، طرفین تصمیم شان را برای دوام تقویهٔ مناسبات دوستانه ابراز داشتند و جانب عراق مساعی اتحاد شوروی را به‌منظور تقویه صلح جهانی، خلع سلاح عام و تام و خاتمه دادن به مسابقات تسلیحاتی تمجید نمود، طرف اتحاد شوروی از موقف ضد امپریالیستی و ضد استعماری عراق ق‌ردانی کرد.

در اعلامیه گفته می‌شود که اتحاد شوروی و عراق تصمیم شان را برای ادامه پشتیبانی از مبارزهٔ ملت‌ها علیه تجاوز نیروهای امپریالیستی بر آزادی، حاکمیت و استقلال شان اعلان نمودند. طرفین اعلان کردند که باید نیروهای متجاوز بدون معطلی از تمام مناطق اشغال شده اعراب به حیث شرط ضروری تخفیف تشنجات در شرق میانه بیرون کشیده شوند، آن‌ها ضرورت توحید مساعی تمام دول را در مبارزه به خاطر امحای عواقب تجاوز اسرائیل تأیید کردند. اتحاد شوروی و جمهوری عراق همبستگی کامل شان را با مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام علیه تعرض امریکا اظهار نمودند.

آن‌ها فعالیت نیروهای انتقام جو و نازی جنید را که می‌خواهد در نتایج جنگ دوم جهانی تجدید نظر کنند، جداً تقبیح نمودند. در اعلامیه گفته می‌شود که «جمهوری عراق مساعی دول سوسیالیستی اروپا را به‌منظور تحکیم صلح و امنیت اروپا پشتیبانی می‌نماید»طرفین از سیاست صلح‌جویانه جمهوری دموکراتیک المان و کم‌ک‌هایی که به کشورهای عربی می‌نمایند تقدیر نمودند.

در عین حال کمک آلمان غرب را به اسرائیل ن‌کوهش کردند.

### مظاهرات و اعتصابات

**بن:**

در دو صد شهر آلمان به‌وسیله سازمان‌های مترقی آلمان يك سلسله تظاهرات بهاری آغاز شد، شعارهای این مظاهرات چنین بود:

۱- در راه خلع سلاح عمومی.

۲- دعوت کنفرانس اروپائی جهت تأمین امنیت اروپا

۳ - شناسایی آلمان شرقی و سرحدات آن از جانب آلمان غرب.

۴- پیوستن آلمان به قرارداد عدم انتشار سلاح ذروی.

۵ - جلو گیری از ادامه جنگ در ویتنام.

۶- مبارزه علیه رژیم‌های فردی دیکتاتوری نوع فاشیستی در یونان هسپانیه و پرتگال.

۷- مبارزه علیه قوانین فوق‌العاده و احیای نیونازیزم در آلمان.

**واشنگتن**

- پنج صد تن از زنان امریکایی در مقابل قصر سفید میتنگی تشکیل دادند، آن‌ها فریاد می‌کردند: فرزندان ما را به وطن باز گردانید! جنگی پلید ویتنام را خاتمه دهید! مسوول مرگ فرزندان ما کیست؟

خبر گزاری یونایتدپرس اطلاع می‌دهد که تعداد تلفات امریکا در جنگ ویتنام زیادتز از جنگ کوریا و حتی از جنگ عمومی دوم جهان می باشد.

- اعتصاب (یک‌صد و دو) رو زه کار گران بنادر امریکایی (پستون) با موفقیت خاتمه یافت، حکومت مجبور گردید تا در مزد کارگران ازدیاد به عمل آرد.

**انقره:**

سازمان مترقی ترکیه از مردم تقاضا کرد تا علیه ملت‌اریزم آن کشور دست به مظاهره بزنند. این تقاضا در انقره، ازمیر و استانبول طی اعلامیه‌هایی صورت گرفته یکی از شعارها اعلام می‌دارد: ترکیه باید از پیمان ناتو خارج شود!

**مادرید!**

يك عده از مردم هسپانیه علیه تمدید قرارداد نظامی آمریکا و هسپانیه دست به مظاهره زدند.

**روم:**

چهل هزار نفر در ایتالیا دست به مظاهره زدند، تظاهر کنندگان شعار می‌دادند: ایتالیا از پیمان ناتو خارج شو!

قانون در عوض دیکتاتوری

در کشور پیرو

رئیس جمهور پیرو گفت:

قانونی کردن حزب کمونیست پیرو گام دیگری در راه پیشرفت و ترقی پیروست، ما به‌تدریج قانون را به دیکتاتوری تعویض می‌کنیم و درین راه با وجدان خود صادق خواهیم بود.

همچنان وزیر خارجه وینزوویلا اعلام داشت که برای حزب کمونیست وینزوویلا اجازه فعالیت علنی داده شده است.

فارغ‌التحصیلان سال ۱۳۴۶ صنوف دوازدهم لیسه‌های ولایات و مرکز کشور برسم اعتراض علیه نتایج غیرعادلانه امتحانات کانکور (تفاوت امریکایی) بروزهای (۱۳، ۱۴ و ۱۶ حمل) میتنگی در محوطه پوهنتون تشکیل دادند.

جوانان فارغ‌التحصیل ضمن ابراز بیانیه‌های پرشوری علیه نصاب دستوری نمره (۵۲)، که نسبت به سال گذشته (۷) نمره بالاتر تعیین گردیده است، اعتراض کرده و اظهار می‌داشتند که بر اساس این فیصله

تعداد زیادی از فرزندان محروم خلق کشور از تحصیلات عالی‌تر بازمانده‌اند. جوانان علیه سیستم تبعیضی و ملاکی و استعماری تعلیم و تربیت در کشور شعار می‌دادند.

بعد از ظهر روز شنبه (۱۶ حمل) جوانان فارغ‌التحصیل صنوف ۱۲، در حالی که نفاق افگنان را از صوف خود تجرید نمودند،۲۳ نماینده از میان خویش انتخاب کردند و مظاهره کنان از مرکز پوهنتون تا وزارت معارف حرکت نمودند و حینی که موج مظاهره به وزارت

### شاگردان وطن‌پرست لیسه نجات اعتصاب کردند

گفتند که معلم آلمانی علیه شاگردانی

که در مظاهرات مربوط به جنبش‌های محصلان و شاگردان در سال گذشته اشتراک کرده بودند، دست به حرکات انتقام‌جویانه زده و تعداد کثیری از

شاگردان لیسه نجات هفته گذشته، بر سیستم کهنه درسی، شیوه نادرست معلمان آلمانی و بی‌عدالتی در امتحانات به اعتراض پرداخته و قرار اطلاعات بعدی دست به اعتصاب زده‌اند.

شاگردان ضمن مطالبات صنفی دیگر، در خواست کرده‌اند که باید بجای معلمان آلمانی، معلمان داخلی که در لیاقت شان کمتر از معلمان آلمانی نیستند، تعیین گردند.

عدیمی از شاگردان به نامه نگار پرچم

### اعتراض مردم و محافل روشنفکر هرات

نسبت به توقیف غیرقانونی جوانان وطن‌پرست گذره

منکور عبدالعلی کارگر، غلام سخی دهقان و غلام فاروق محصل به‌طور غیرقانونی تا کنون محبوس باقی مانده‌اند.

اطلاع می‌افزاید که مردم و محافل

از (ص ۱)

## نگاهی بر قسمت اقتصادی ...

روزافزون مردم افغانستان به مواد غذایی نبوده و زراعت کشور ما رشد و تکامل سریع، وسیع و همه جانبه را به خود خواهد دید.

صنایع داخلی حمایه نمی‌گردد و به رکود مواجه است:

در تولیدات صنعتی و معدنی به شهادات احصائیه‌های رسمی از سال ۴۵ تا ۴۶ به‌طور مجموعی تقیض به عمل آمده که بناغلی صدراعظم به این امر اعتراف نموده است؛ اما در سال ۱۳۴۷ نیز صنایع، بخصوص صنایع نساجی و سمنت که در حال حاضر بزرگترین صنایع کشور شمرده می‌شوند در وضع بدی قرار داشته وهم اکنون نیز حالت مرض محتضری را دارند.

فابریکات نساجی کشور در سال گذشته بنا بر قلت پنبه، عدم مساعدت بازار فروش و عدم قدرت رقابت با اموال مشابه قاچاقی و غیره به ظرفیت کامل خود نتوانست تولید نماید. از او

فابریکه سمنت یکی مدت زیادی در سال گذشته تعطیل گردید و دیگری تولیدات خود را به نصف تقلیل داد.

دلیل آن معلوم است: به نسبت عدم تقاضای کافی برای سمنت یعنی برای ۱۶۰ هزار تن در سال که مجموع تولیدات هردو فابریکه است، آن‌هم در يك کشور از لحاظ ساحه وسیع، با بیشتر از پانزده ملیون جمعیت، با منابع سرشار و با امکانات وسیع و ضرورت جدی برای کارهای ساختمانی.

باید متذکر شد در شرایط کنونی که علایمی از سیاست حمایتی دولت در مورد صنایع داخلی پدیدار نیست، نمی‌توان مطمئن بود که صنایع کوچک جدیدالتأسیس به سرنوشت ده‌ها مؤسسه ضعیف و نوبنیاد دیگر، مانند فابریکه چینی سازی شاکر و غیره دچار نشود.

رکود اقتصادی همچنان ادامه دارد:

مؤجز اینکه متأسفانه افغانستان از لحاظ اقتصادی در وضع نامساعدی

## میتینگ و تظاهرات فارغان لیسه‌های مرکز

### و ولایات کشور علیه شرایط غیرعادلانه کانکور شمول در پوهنتون کابل

معارف رسید، نمایندگان دانشجویان با

وزیر معارف ملاقات کردند و یادداشت خویش را به وی سپردند.

مفاد یادداشت مذکور که در سه نقل (عنوانی شورای پوهنتون، وزارت معارف و ولسی‌جرگه تهیه و تقدیم شده، قرار آتی است:

- سیستم دستوری کانکور مانع تحصیلات عالی جوانان بااستعداد و مستحق می‌گردد، باید شکل عادلانه و مترقی را به خود بگیرد،

- نصاب شمول که نمره (۵۲) قبول گردیده است، خیلی بلند و غیرعادلانه می‌باشد، باید پائین آورده شود؛ - آنچه بنام نمرات اختصاصی برای فارغ‌التحصیلان مکاتب مسلکی و محصلانی که از يك پوهنخی به پوهنخی دیگری می‌خواهند تبدیل کردند، در نظر گرفته شده و مانع ورود آنان به پوهنتون و پوهنخی‌های مورد نظرشان می‌گردد، باید از بین برداشته شود.

در اخیر یادداشت علاوه گردیده است که مقامات مربوط وزارت معارف و پوهنتون باید متوجه باشند که خود با قیودی که در برابر تحقق مطالبات مشروع جوانان به وجود آورده‌اند، موجب بروز ناآرامی‌هایی می‌گردند که مسؤولیت آن را خود به عهده خواهند داشت.

میتینگ و مظاهره جوانان فارغ صنوف ۱۲ تا شام روز شنبه (که این خبر برای چاپ سپرده شد ) ادامه داشت. جریانات بعدی آن در آینده تقدیم خواهد شد.

#### تظاهرات شاگردان بنوونخی متوسطه

#### خارجده ولسوالی نجراب

خواست شاگردان را تهیه مواد درسی، صنوف تدریسی، و تکمیل عمارت اساسی برای بنوونخی، اتخاذ رویه انسانی و مراعات موازین علمی تعلیم و تربیت مترقی از طرف اولیای امور اداری و تدریسی بنوونخی تشکیل می‌داد.

شاگردان در میتنگی که بدین مناسبت دایر کردند خواست‌های متذکره را مطرح و از اداره بنوونخی توجه فوری به آن را تقاضا نمودند. اداره بنوونخی وعده کرد که موضوع را به مقامات مربوط خواهد رسانید و مطالبات ایشان را بر آورده خواهند ساخت؛ اما فردای آن مسأله شکل دیگری به خود گرفت و اداره مکتب علی رغم وعده قبلی دست به تهدید و اعمال فشار بر شاگردان زد.

متعلمان شریف بنوونخی به‌عنوان اعتراض علیه این رویه غیرقانونی دست به اعتصاب زده و برای ادامه خواست‌های خویش به مقامات بالاتر، مظاهره کنان به‌سوی مرکز ولایت کاپیسا به حرکت افتادند. بعد از طی بیشتر از پنج کیلو متر، در دوراهی تگاب - نجراب معاون معارف ولایت، ولسوال نجراب و عدیمی از مأموران ولایت کاپیسا جلو شاگردان را گرفتند و جداً (!) وعده دادند که مطالبات ایشان برآورده خواهد شد.

اطلاع اخیر می‌رساند که شاگردان در اثر این وعده جدی (!) از تظاهر و اعتصاب دست کشیدند، مع‌هذا امر مکتب به همدستی عدیمی از آمران صلاحیت‌دار (!) دگر، خواستند برخی از شاگردان را به‌عنوان به‌اصطلاح محرک (!) اخراج نمایند، اما احتجاج و استقامت شدید سایر شاگردان جلو این امر غیرقانونی و ظالمانه اداره بنوونخی را گرفت. شاگردان بشدت منتظر بر آورده شدن خواست‌های خویش می‌باشند.

خندق بارانه، موجودیت خانه‌ها را تهدید می‌کند

**در اثر تراکم آب‌های گندیده و فاسد در خندق بارانه یک خانه منهدم گردید**
و سایر منازل نزدیک به آن مورد تهدید قرار گرفته است.
(تفصیل بیشتر موضوع در آینده تقدیم می‌شود)

#### پرچم

**ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان**

**هره دوشنبه خیریری**

**د اشتراک بیه**

**په کابل کښی د کال: ۱۲۵ - افغانی**

**په ولایاتو او پښتونستان کښی**

**د کال : ۱۴۰ افغانی**

**په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر**

**د جاری حساب نمبر به پښتنی**

**تجارتی بانک کښی ۳۸۵۳**

**د یوه گڼی بیه: ۲/۵ افغانی**

تایپ متن عمر فیض و قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

**(مطبعه دولتی)**



# پرچم

## ناشرانديشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره چهارم سال دوم دوشنبه ۲۵ حمل ۴۸ - ۲۸- اپریل ۶۹، شماره مسلسل ۵۶

م. ا. خیبر

## مشترك درد او مشترك ملی

### او دموکراتیک هدفونه گډ عمل غواری

په ډیره خوښیښی سره وینو چه د خښو داخلی او خارجی عواملو له کبله زمور د هیواد په عمومی نهضت کی ستر او بی ساری فکری هرج او مرج موجود دي چه د اوسنیو خښو سیاسی ډلو په وجود کی بی خطرناکه بڼه غوره کړیده؛ که چیری ژر تر ژره د دغه وپړونکی او تپاه کونکی هرج و مرج مخه ونه ونیوله شی ډیری خطرناکی نتیجی به ورکړی، د څلویښتو کلو پخوا پېښی به په لا فجع او دردناک ډول بیا تکرار شی. د هیواد ټول هیوادپالونکی او آزادی غوښتونکی قوتونه باید دی ته ملفتت شي چه اوسنی نفاق او افتراق د عمومی نهضت مرام ته ډیر زیان او تاوان رسوي، ارتجاعی قوتونه پیاوړی کوی او د ارتجاع او امپریالیزم بلی گډی حملی ته زمینه برابروي. ملی ضد قواوی فعالوی او د استبداد دغه منطق ته چه وایی «ولس لاهم دی ته چمتو نه دی چه خپلی چاری په خپل لاس کی واخلي» قوت ورکوی.

مور پدی پوهیږو او باید پوه شو چه د نهضت په اوسنی (ملی او دموکراتیکه) مرحله کی چه فیودالیزم او د زاره استعمار نور بقایا زمور د خلکو د اجتماعی، اقتصادی، سیاسی او کلتوری ژوند په ټولو اړخونو باندی تسلط لري او د نوی استعمار اقتصادی، سیاسی و ثقافتی نفوذ زمور د ملت د ژوندانه په ټولو ساحو کی مخ په زیاتیدو او خپریدو دي، هیڅ قوت او هیڅ گوندی یا سیاسی ډله که څه هم ډیره پیاوړی او غښتلی وی نشی کولای چه عمومی پرابلمونه او

مشکلات حل کاندی، نهضت وړاندی بوزی او د ارتجاع د حملی مخه ونیسی.

دملی او دموکراتیکو مسالو حل، د

نهضت په دوام او بقا پوری تړلی دی. د نهضت بقا او ادامه ایجابوی چه د ارتجاع (داخلی وی که بین‌المللی) او امپریالیزم د تسلط او نفوذ په مقابل کی کلکه مبارزه وشی. نو پدغه اساس ټول ملی او دموکراتیک قوتونه گډ سیاسی

هدف لرلی شي - او کولای شی چه دیو واحد پروگرام، او واحد انقلابی عمل او خط مشی په بنیاد یو له بل سره متحد شي او په شریکه سره د خپل هیواد د ملی او دموکراتیکو

پرابلمونو د حل په لاره کی همکاری سره وکړي او یو د بل له تجربیو او نظریاتو څخه استفاده وکاندی. او خپل ستراتیژیک هدف ته د رسیدلو ډپاره لاره جوړه کړی. د دغه اصل په بنا ده چه «په اوسنیو شرایطو کی د دمور د سی د تحقق د پاره مبارزه، زمور د سیاسی خط مشی په سر کی واقع ده او دملی او دموکراتیک کینی تحول هدفونو ته د رسیدلو ډپاره دغه تر ټولو غوره او تر ټولو صحیح لار بولو.»

مور خپل هیواد پیژنو، مور خپل اجتماعی شرایط په نظر کی لرو. مور ته د نهضت، د خپل هیواد د خپل ولس گټی تر هر گوندی او اینډیولوژیکی منفعت نه غوره او محترمی دی. مور د همدی درک په بنا په صراحت سره وایو چه هر هغه ملی او دموکراتیک قوت، ټول هیوادپالونکی او آزادی غوښتونکی عناصر، ډلی او قوتونه چه په دغه اصل ایمان لری او خپل احساسات او تصمیمات د ملت او خلکو تصمیم او اراده نه گڼی، باید اجازه ور نکړی چه د هیواد او خلکو دښمنان د نهضت له او سنی افتراق او نفاق څخه لا نوره گټه واخلي او د خپلو شومو اغراضو د وړاندی بیولو لپاره نور هم دغه اور ته لمن ووهي او په دغه صورت نهضت ته تاوان ور سوی او د خپلی بقا او تسلط د پاره زمینه برابره کړی.

مور یو ځل بیا وایو چه که دافغانستان مبارز او ترقي غوښتونکی عناصر او قوتونه په دغی حساسی مرحلی کی، خپله هوښیاری ونه ساتی او د وخت نزاکت او د خطر نږدیوالی او د وظیفی دروندوالی درک نکړي او که چیری مور ټول د خپلو نظریاتو، غوښتنو او گټو د اختلاف باوجود د «مشترك درد» او مشتركو ملی او دموکراتیکو هدفونو په خاطر خپل (دوهم مخ)

درین واکخر در جلسات ولسی‌جرگه قراردادهای مربوط به قرضه‌های خارجی کشورهای سرمایه داری مطرح بحث قرار گرفت که فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق افغانستان طبق مصالح عالیله ملی و اصول مرامی خویش، موضع‌گیری وطن‌پرستانه‌ای را در زمینه اتخاذ کرد.

ببرک کار مل (وکیل شهر کابل) به

## فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق

### به شیوه کار ولسی‌جرگه و پالیسی حکومت درزمینهٔ اخذ قرضه

### از کشورهای سرمایه داری اعتراض کرد

نمایندگی از فراکسیون پارلمانی ما، درین خصوص بیانیهٔ فی‌المجلسی ایراد کرد و اظهار داشت:

ما (فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق افغانستان) اعتراض خود را نسبت به روش کار مجلس در بارهٔ تشخیص قرضه‌های خارجی و همچنان نسبت به پالیسی حکومت‌ها درزمینهٔ اخذ قرضه‌های نامساعد کشورهای سرمایه داری ابراز می‌داریم.

ما معتقدیم که باید مجلس جهت مطالعه قرضه‌های خارجی برای خود مقیاسی ملی داشته باشد. به این معنی که باید قرضه‌های مختلف خارجی اعم از کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری طوری مورد مطالعه قرار گیرد تا دیده شود که کدام قرضه‌ها از لحاظ شرایط ربح، زمان و شکل تأدیه اصل و فرع قرضه مساعد می‌باشد و

مفیدیت اقتصادی آن‌ها به کدام پیمان‌ه است. بدین‌جهت باید قرضه‌های مساعد کشور صلح‌دوست را اساس و مقیاس قرار دهیم.

عجیب است که مجلس قرضه‌های مساعد طویل‌مدت با ربح کم و مساعدترین شرایط را که مفیدیت اقتصادی دارد و از لحاظ ساختمان بنیانی جامعه، رشد اقتصادی و ایجاد اقتصاد ملی کاملاً مفید و ثمربخش است، توأم با شك و تردید تأیید می‌کند. ولی قرضه‌های نامساعد کشورهای سرمایه داری را که محتوی ربح زیاد، زمان کوتاه تأدیه، شرایط سنگین و غیراقتصادی می‌باشد، با سرعت تصویب می‌نماید.

ما بارها با دلایل علمی و روی حقایق و ارقام، چه در داخل مجلس و چه در جریده (پرچم) ثابت کرده‌ایم که کمک‌های کشورهای سرمایه داری

## زنگ خطر برای اهالی شهر کهنه کابل

گردد و نواح منازل مان به‌صورت روز افزونی متراکم می‌شود، مرکز نموي لاروای ملاریا و انواع میکروب‌های کشنده است که مخصوصاً در تابستان‌ها حیات‌هزاران نفر از ساکنان محل و کودکان معصوم ما را تهدید می‌کند و چون آبروهای اساسی برای خانه‌ها وجود ندارد، آب‌های فاضله منازل و مستراح‌ها نیز به کثافت، تعفن و

محصول صفایی به هیچ چیزی توجه ندارند، از یک‌طرف باوجود مراجعات مکرر ما کوچک‌ترین اعتنایی به این امر حیاتی مردم نمی‌کنند و از جانب دیگر وقتی ما خود می‌خواهیم به ترمیم و اعمار مجدد منازل در حال سقوط بپردازیم، به دلیل اینکه این منطقه شهر «تحت قشه (!)» است، مانع کارمان می‌شوند.

- آب‌های کثیبه که در خندق‌های

### شکست در پیمان اتلانتیک شمالی

روزنامه «دیلی میرر» می‌نویسد که تصمیم کانادا، دیگر کشورها راآتشویق خواهد کرد تا به تصامیم مشابهی دست زنند. روزنامه دیلی- تلگراف بعد از ذکر نواقص پیمان می‌نویسد که شاید دیگر کشورها نیز

## عکس‌العمل نمایندهٔ جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی در پاریس

نماینده رسمی هیات جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی به تاریخ ۷ اپریل عکس‌العمل هیات نمایندگی جبهه مذکور را در برابر پیشنهاد سیگون راجع به «قطع جنگ» در ویتنام جنوبی که در محافل غرب وسیع پخش گردیده، ابراز و اظهار داشت: «پیشنهادهای مذکور در حقیقت هیچ چیز جدید ندارد و به هدایت مستقیم ایالات متحده امریکا تقدیم شده است.» نماینده مذکور این بیانات را طی کنفرانس مطبوعاتی که از وی تقاضا شده بود، در برابر «پلان ۶ فقره‌ای، رژیم سیگون ایراد کرد. نماینده جبهه آزادی بخش ملی در بیانات خود تأکید نمود که بیانات وان تپو و فام دانگ لام «در واقعیت امر از آنچه که ایالات متحده امریکا بیان داشته و پیوسته آن را تکرار می‌نماید، کمترین فرقی ندارد. به این صورت نماینده رژیم سیگون تنها از اوامر واشنگتن اطاعت نموده تا بیاناتی را که ماهیت آن قبلاً معلوم گردیده است، تکرار نماید. نماینده جبهه آزادی‌بخش ملی علاوه کرد: همه این‌ها به اثبات می‌رساند که آن‌ها نوکران ایالات

**جریان دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت روز ۹ اپریل تأثرات عمیق خود را نسبت به حادثه المناک قتل عام دیرپاسین به دست صهیونیان و امپریالیستان، اظهار می‌نماید**
و درودهای پرشور خویش را با ابراز همدردی و همبستگی پیگیر، به تمام خلق‌ها و مبارزان راه آزادی اعراب فلسطین و امحای آثار تجاوز (۱۹۹۷) اسرائیل تقدیم می‌دارد.

اعم از امریکا، آلمان غرب و جاپان و غیره خصوصیت امپریالیستی و نو استعماری دارد که باید مجلس مطابق به مصالح عالیله ملی و تأمین استقلال اقتصادی، آن‌ها را رد کند.

درست است که افغانستان کنونی بدون کمک‌های مساعد اقتصادی و تخنیکی خارجی قادر نیست شرایط رشد سریع اقتصادی کشور را تدارک به بیند، ولی این اصل بدین معنی نیست که حکومت منابع داخلی و ثروت‌های طبیعی کشور را بکار نیندازد و همیشه به‌اصطلاح زیر بپناهه سیاست بی‌طرفی، قرضه‌های اسارات آور نامساعد و غیراقتصادی را از کشورهای سرمایه داری بپذیرد. تعصب را باید کنار گذاشت و مصالح ملی و رشد اقتصادی را مقیاس قضاوت قرار داد. بفرمائید تمام حقایق (ص ۲)

**دستگیر پنجشیری**

### ۴۰۰ تار از بر و ۴۰۰ تار از

#### درازی می‌زنند

اخیراً رادیو افغانستان خبری را نشر کرد که رئیس شرکت نساجی افغان مورد پرسش یکی از انجمن‌های ولسی‌جرگه قرار گرفت. هرچند به‌صورت مشخص فهمیده شده نتوانست که کدام نیرنگی سهامداران نساجی مورد توجه ولسی‌جرگه بوده است، اما آنچه که با منافع مردم درین زمینه مستقیماً ارتباط می‌گیرد و اصولاً باید در رأس مطالب مورد توجه جدی

و پرسش ولسی‌جرگه قرار می‌گرفت، موضوع بلند رفتن قیمت تکه‌های تولیدی فابریکات نساجی آن شرکت می‌باشد.

ما پیرامون موضوع تولیدات نساجی حقایقی چند را مستند به معلومات و تجارب یکی از کارگران پر سابقه فابریکه نساجی پلخمری که بیش از ۲۵ سال عمر خود را در راه تولید سپری نموده است، ارائه می‌داریم.

ممکن است دلیل روشن و منطق به‌اصطلاح درخشان (!) گردانندگان دستگاه نساجی و سهامداران بزرگ آن در مورد بلند رفتن قیمت صحن کوره و دیگر تکه‌های رنگه، این بهانه نادرست خواهد بود که گویا مزد کارگران بلند رفته، وقت کار روزانه از ۱۲ به ۸ ساعت پائین آمده و قیمت پخته هم افزایش یافته است و غیره. هرگاه این همه نظرات و دلایل دستگاه نساجی منطبق به واقعیت و صحیح باشد، مصارف بزرگ اداری و تشریفاتی، بخش‌های و سوء اداره را نیز در حساب بگیریم، بازهم تا جایی که یک محاسبه کوچک نشان می‌دهد، در وضع موجود یک کیلوگرام پخته سورت اول با مصارف کرایه، کسرات و غیره برای فابریکه نساجی پلخمری بیشتر از ۳۰- افغانی تمام نخواهد شد و هشت متر صحن کوره از یک کیلو گرام پخته تولید می‌گردد که قیمت آن ۵۸ افغانی می‌شود. با در نظر گرفتن این امر که فابریکه نساجی پلخمری مصرف استهلاک ندارد، هرگاه تمام مصارف وارد و ناوارد دیگر را در نظر بگیریم، بازهم مفاد خالص هنگفتی به جیب سهامداران بزرگی می‌ریزد.

طوری که به ملاحظه می‌رسد قیمت تمام شد صحن کوره تولیدی فابریکه نساجی پلخمری که به‌صورت ساده و رنگه مورد مصرف مردم عامه مردم می‌باشد، در شرایط موجود نیز پائین و برای سهامداران آن سودآور می‌باشد. طبعاً از سالیان متوالی به این‌طرف که قیمت مواد خام، سطح مزد و معاش و غیره مصارف خیلی نازل بود اما قیمت‌های فروش در همین حدود فعلی قرار داشت چه سودهای بزرگی به جیب کارفرمایان و سهامداران نساجی که نریخته است.

بهر صورت در مورد تکه‌های گران قیمت نساجی باید توضیح کرد که نساجی افغان منافع مستهلکین و مولدین خود را قطعاً در نظر نگرفته و نمی‌گیرد و اکنون تکه‌های رنگه و راهدار نخی خود را به قیمت خیلی گران‌تر از تولیدات سایر دستگاه‌های (ص ۲)

# سیستم انتخاباتی

از آنجایی که سال جاری سال انتخاباتی دورهٔ سیزدهم شوری (پارلمان افغانستان می‌باشد، لزوم آن دیده می‌شود که از سیستم انتخاباتی تعریف علمی موجزی صورت گیرد، تا هموطنان ما به‌صورت کلی دربارِه سیستم انتخاباتی معلوماتی حاصل نمایند.

**باید یادآور شد که سیستم انتخاباتی کشور (چه در قانون انتخابات سابق و چه در قانون انتخابات جدید که در کمیسیون مشترک ولسی‌جرگه و مشرانو جرگه مطرح بحث است و نه تنها بر پایه سیستم ضد دموکراتیک اکثریتی انتخابات استوار می‌باشد، بلکه اساساً تناسب نفوس نیز در نظر گرفته نشده است. مثلاً بر اساس قانون جدید انتخابات که تاکنون مراحل آخری خود را تکمیل نکرده است، برای شهر کابل که در حدود پنج صد هزار جمعیت دارد یک نماینده و برای یک ولسوالی که بیش از ده هزار جمعیت ندارد بازم یک نماینده در نظر گرفته شده است که این مثال خود نشان‌دهندهٔ ضد دموکراتیک بودن قانون جدید است.**

**ما تحلیلات انتقادی خود را راجع به قانون انتخابات ضد دموکراتیک و ضد آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و بی‌بنیابه‌های مستدل فراکسیون پارلمانی خویش (فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق افغانستان) را در ولسی‌جرگه درزمینهٔ قانون انتخابات به غرض روشن ساختن بیشتر موضوع ارائه خواهیم کرد. ولی اکنون به‌طور کلی صرف راجع به سیستم انتخاباتی به‌مثابه مقدمه تحلیلات مشخص بعدی از سیستم ضد دموکراتیک و غیر حزبی انتخاباتی در کشور، معلومات مختصری ارائه می‌شود.**

در کشورهای که پارلمان موجود است در حیات سیاسی آن‌ها این موسسه نقش ر ا ایفاء می‌نماید، برای انتخابات نمایندگان اسلوب و ترتیبات مختلف ایجاد شده که سیستم انتخاباتی نامیده می‌شود. طبقات حاکمه ازین سیستم‌ها و چگونگی عمل آن‌ها (صرف نظر از آنکه کار به تعویض صنوق‌ها و پر کردن آن‌ها با آراء تقلبی کشانیده می‌شود) با کمک قوانین و مقررات انتخاباتی طوری بهره برداری می‌کنند که اراده توده‌های رای دهندگان تحریف گردد، پارلمان به زانده حکومت بدل شده و اراده توده مردم را منعکس نسازد.

مهمترین اشکال سیستم انتخابات با بر اساس ملاک نسبیّت یا بر ملاک اکثریت استوار است. ملاک نسبیّت یعنی آنکه حزب و یا جمعیت به نسبت آراء حاصله نمایندگان به پارلمان بفرستند. ملاک اکثریت یعنی آنکه حزب دارای اکثریت آراء کلیه کرسی‌های پارلمان را به خود اختصاص دهد.

سیستم نسبی انتخابات:

سیستم نسبی انتخابات، سیستم دموکراتیک‌تر است و خود اشکال مختلف دارد. می‌تواند سرتاسری کشوری، ولایتی، شهری و محلی باشد. برای روشن شدن مطلب کشوری را در نظر می‌گیریم با بیست میلیون جمعیت، ده ولایت، ده میلیون رأی دهنده و مجلس (نمایندگان - ولسی‌جرگه) با دو صد عضو.

کامل‌ترین نوع سیستم نسبی انتخابات در مقیاس سرتاسر کشوری اینست که هر حزب دو صد کاندیدای خود را معرفی می‌کند و به نسبت آرائی که به دست می‌آورد مثلاً پنج میلیون، یا دونیم میلیون و یا دو میلیون یعنی نیم یا ربع یا خمس آراء. به همان اندازه یعنی نصف، یا ربع و یا خمس کرسی‌های پارلمان (یعنی صد کرسی، پنجاه کرسی یا چهل کرسی) مربوط به آن حزب خواهد بود.

اما معمولاً انتخابات در سیستم نسبی در چوکات شهر یا ولسوالی صورت می‌گیرد. اگر عدّه نمایندگان هر شهر یا ولسوالی منطقه نسبت رای دهندگان ساکن منطقه باشد و بین مناطق تبعیض وجود نداشته باشند. بر علاوه ددها و ددها صورت نیز به‌طور کلی خصوصیت نسبتی حفظ خواهد شد. مثلاً هر حزب برای هر ولایت بیست کاندید معرفی می‌کند و به نسبت کل آراء حاصله نماینده به مجلس می‌فرستد.

در کشورهای سرمایه داری برای تحریف آراء مردم حتی در صورت وجود سیستم نسبی، به حیلَه‌های گوناگون متوسل می‌گردند، مثلاً تبعیض منطوقی قابل می‌شوند، یعنی معمولاً مناطق و شهرهای کارگری که دارای جمعیت زیاد هستند حق انتخابات کمتر نمایندگان را دارند.

حیله دیگر اینست که حدود حوزه‌های انتخاباتی را طوری تعیین می‌کنند تا یک منطقه کارگری که دارای روحیه انقلابی است تجزیه می‌گردد و هر قسمت از آن در نواحی اطراف هیأت حاکمه که امکان مانور را در آنجا بیشتر دارد، گنجانیده می‌شود و بدین ترتیب آراء کارگران تحلیل می‌گردد. بهانه دیگر اضافه کردن آراء باقیمانده کمتر از حد نصاب به احزاب بزرگی به بهانه ایجاد اکثریت بزرگ است؛ مثلاً اخیراً در ترکیه با این سیستم دو حزب عدالت و جمهوری خلق توانستند به ضرر احزاب کوچک کرسی‌های بیشتر به دست آورند.

سیستم اکثریت انتخابات

این سیستم بر پایه ملاک اکثریت صورت می‌گیرد که آن را سیستم اکثریتی می‌گویند. در این سیستم در منطقه و حوزه انتخابات، هر حزبی که اکثریت دارد کلیه کرسی‌های مربوط آن منطقه را تصاحب می‌کند، بدین ترتیب حق دیگر احزاب و دستجات پامال می‌شود و در پارلمان آراء رای دهندگان منعکس نمی‌گردد. مثلاً بر اساس همان نمونه‌ای که انتخاب کردیم، کافی است که یک حزب در پنج ولایت و در هر کدام پنج صد هزار، جمعاً دو میلیون و پنج صد هزار رای دست بیاورد و اکثریت مطلق را در پارلمان تصرف کند؛

زیرا بر پایه اکثریت در هر ولایت کلیه ۲۰ کرسی به دست آورده و مجموعاً با یک چهارم حصه آراء می‌تواند فرماندار مطلق مجلس شود.

معمولاً در سیستم اکثریتی انتخابات تقسیمات منطوقی و حوزه بندی بسیار کوچک صورت می‌گیرد و برای تعیین یک نماینده یک حوزه انتخاباتی تعیین می‌شود که حصول چنین اکثریت و تصاحب کرسی توسط یک حزب به ترتیبی است که ملیون ها رای دیگر احزاب نادیده گرفته می‌شود. علاوه

برین در سیستم اکثریتی تبعیض منطوقی هم اضافه می‌کنند؛ یعنی با یک قانون انتخابات ضد دموکراتیک یک منطقه کارگر نشین بسیار پرجمعیت و یک منطقه اعیان نشین و یا تحت تأثیر حکومت اما کم جمعیت هردو یک یک حوزه انتخاباتی قبول می‌گردد.

نمونه بارز این نوع انتخابات و نتایج آن را در فرانسه می‌یابیم. مثلاً در مرحله اول انتخابات طرفداران دوگول که ۴۷ فیصد آراء داشتند بیش از ۱۶۰ نماینده به مجلس فرستادند و احزاب دست چپی که چهل در صدد آراء به دست داشتند فقط شش نماینده به مجلس فرستادند در حالی که اگر سیستم نسبیّت تطبیق می‌شد ۳۰ نماینده انتخاب می‌کردند. علت آن بود که در ۱۴۰ حوزه با سیستم اکثریتی نمایندگان دوگولیت پیروز شد و کلیه آرائی که به نفع دست چپی‌ها داده شده بود سوخت و فقط در آن شش حوزه که احزاب دست چپ اکثریت داشتند نماینده فرستادند. بر علاوه ددها و ددها نمونه است که یک نماینده دوگولیت با سه هزار رأی انتخاب شد، در حالی که یک نماینده حزب کمونیست فرانسه برای انتخاب شدن ده الی پانزده هزار رأی ضرورت داشت و این هم خود نتیجه حوزه بندی تبعیض آمیز انتخاباتی بود.

در نتیجه این سیستم انتخاباتی در دو مرحله انتخابات فرانسه اکنون می‌بینیم که حزب کمونیست با چهار ونیم میلیون رأی یعنی ۲۰ فیصد آراء وارده ۲۴ نماینده دارد، فدراسیون چپ با سه و نیم میلیون رأی وارده ۵۷ نماینده دارد. در مجموع هر کاندید طرفدار دوگول معرف ۲۷ هزار رأی و هر کاندید حزب کمونیست معرف ۱۳۰ هزار رای می‌باشد و این خود زاده سیستم اکثریتی است که به‌اضافه حوزه بندی غیر دموکراتیک، موجب شده است احزاب طرفدار دوگول با اکثریت کمتر از نصف آراء بتوانند بر سه حصه کرسی‌ها را در پارلمان به دست آرند. حالان که با همین‌قدر آراء در یک سیستم نسبی و معادل، حزب کمونیست می‌بایست ۱۴۴ کرسی، نه ۲۴ کرسی، فدراسیون چپ ۷۵ کرسی نه ۵۷ کرسی و احزاب طرفدار دو گول ۲۳۰ کرسی نه ۲۵۸

پرچم

از (ص اول)

# فراکسیون پارلمانی ..

و ارقام مربوط به کمک‌های خارجی را به استناد پرنسپپ‌های اقتصادی و مطابق به اصل دفاع از استقلال ملی در مجلس مطرح بحث قرار دهید و قضاوت کنید.

لهذا ایجاب می‌نماید که قرضه‌های کشور صلح‌دوست که مثریت آن‌ها در عمل ثابت گردیده است مقیاس قرار داده شده و بر اساس آن‌ها قرضه‌های دیگر مطالعه گردد و هرگاه کشورهای سرمایه داری حاضر به تأدیه قرضه به شرایط مساعد نگردند، باید هم حکومت و هم مجلس از اخذ و تصویب چنین قرضه‌ها جداً صرف نظر کند و منابع مالی و مادی داخلی به‌شدت و بهسرعت بکار انداخته شود.

روی این دلایل بسیار کلی (ساده و ارتجالی) یکبار دیگر ما قرضه‌های نامساعد کشورهای امپریالیستی را اعم از امریکا، جاپان، انگلستان و آلمان من‌جمله این قرضه استهلاکی ده ملیون مارک آلمان غرب را که مطرح بحث مجلس است، رد می‌کنیم.
\* \* \*

واقعاً مطابق به موضع‌گیری فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق افغانستان، معیار‌هایی درزمینهٔ کربدت‌های خارجی در نزد حکومت و شوری

چه باید یوه شبیه هم په سیاسی دلو کی د ننه او دسیاسی بلو ترمنځ، د دښمنانو له دسیسو او تفرقه اندازيو څخه غافل نشو او په ډیره هونیاری او احتیاط سره خپل کار او خپلو مبارزو ته ادامه ور کړو، په خپلو منځو کی د نږدی همکاری اتحاد او یووالي امکانات ولټوو.

## ۴۰۰ تار از بر ..

نساچی در بیانی‌ه‌ش که در ماه سنبله سال گذشته در مجمع عمومی سهامداران شرکت نساچی ایراد کرده بود، مؤسسه نساچی از هیچ شروع بکار کرد و این «هیچ «اکنون مبدل به ۸۶۹۰۶۲۹/۸۶۹۰۶۲۹ - افغانی سرمایه تأدیه شده و علاوهٔ ۸۰۷/۵۶۱۰۳۰۰ افغانی ذخایر و مفاد توزیع نائندهٔ شرکت گردیده است. طبق متن بیانیه نامبرده، با در نظر گرفتن قیمت تمام شد و ارزش تأسیسات شرکت در حال حاضر این دو رقم متذکره در بالا، بیشتر از سه چند خواهد بود، یعنی به این حساب ذخایر و مفاد توزیع نائنده شرکت نساچی به بیشتر از ۳۵۰۰ میلیون افغانی می‌رسد. ۲۷ سال قبل تنها فابریکه نساچی پلخمری تأسیس گردیده بود، اما امروز شرکت نساچی افغان به قیمت رنج‌های عظیم زحمتکشان نساچی که نشاط و طراوت جوانی خود را در دشوارترین شرایطی از دست داده‌اند، فابریکه بزرگی نساچی گلبهار به وجود آمده است و در ددها مؤسسه دیگر سرمایه گذاری شده و ثروت‌های هنگفتی در آپارتمان‌ها، باغ‌ها، سرای‌ها و غیره دفن گردیده است. لهذا حقایق نشان می‌دهد که شرکت نساچی نیز مانند هر مؤسسه سرمایه داری دیگر از طریق استثمار بی‌رحمانه کارگران زحمتکش و تعیین قیمت‌ها طبق دلخواه بسود سرمایه و زبان مستهلکین، سرمایه‌های بزرگی را اندوخته است و اکنون یک بار دیگر به بهانه‌ها و حیل گوناگون با استفاده از وضع ادعایی که در قسمت فروش صحن رنگه دارد و عدم نظارت و بی‌اعتنایی مقامات مربوط حکومتی قیمت‌های فروش را بالا برده است، تا بدین‌وسیله بیش از پیش بر سرمایه خود بیفزاید و با ارائه دلایل غیرواقعی و جعلی، درزمینهٔ تصویب ولسی‌جرگه را نیز اخذ نماید

وجود ندارد و فقط اصل «بی‌طرفی» که درین خصوص هیچ مصدافی نمی‌تواند داشته باشد «مراعات» می‌گردد.

ما معتقدیم که تا معیارهای که صحت آن‌ها در عمل در کشور ما نیز ثابت گردیده است در مورد کمک‌های خارجی که به شکل امداد، قرضه و اعتبار صورت می‌گیرد، مورد نظر و عمل قرار داده نشود، جلب هرگونه کمک و کریدت نامساعد به نفع خلق و جامعه ما نیست.

ضرورت به استدلال ندارد، فقط اندکی توجه به واقعیت‌های موجود درین زمینه نشان می‌دهد که کدام قرضه‌ها و از کدام کشورها مساعد و کدام ها نامساعدند. به‌طور مثال قرضه‌های که برای تمویل بعضی پروژه‌های پلان دوم از آلمان غرب اخذ گردیده ربح آن از ۳ تا ۴/۵ فیصد می‌رسد و شرایط تحمیلی یک‌جانبه را نیز دربر دارد. برای پلان سوم قرارداد مربوط به اخذ قرضه ۵۰ ملیون مارک از آلمان غربی قبلاً توسط حکومت افغانستان و جمهوریت فدرالی آلمان به امضاء رسیده بود که از جمله ده ملیون مارک آن را واردات اموال استهلاکی از آن کشور تشکیل می‌داد. شرایط قرضه

با تجربه چند سال اخیر به اثبات رسیده است که کمک‌های کشورهای سوسیالیستی از هر لحاظ مساعد می‌باشد، چنانچه با استفاده از قرضه ۲۳۰ ملیون دالری اتحاد شوری در طی پلان پنج‌ساله دوم کارهای ارزندیمی درزمینهٔ ساختمان اقتصادی کشور انجام شده است و علاوهٔ در حالی که قسمت قابل ملاحظهٔ آن را قرضه بدون ربح و امداد تشکیل می‌دهد، فیصدی ربح بقیهٔ آن خیلی نازل‌تر از کشورهای سرمایه د است. همچنان قرضه جدید ۱۱۴ ملیون روبل (به‌اضافه ۷۳ ملیون رو بل انتقالی) آن کشور نیز که به‌منظور استفاده ثمربخش در امور مهم اقتصادی طی پلان سوم تخصیص داده شده است، دارای چنین شرایط مساعد می‌باشد.

برای درک بهتر مسأله شرایط عمده و اساسی برای جلب کریدت‌های مساعد خارجی را به شکل فورمولبندی شده زیر ین ارائه می‌نماییم:

- امداد و کریدت نباید با شرط و تعهد سیاسی همراه باشد.

- در امور ساختمان بنیانی جامعه، در جهت ایجاد اقتصاد ملی، برای احداث مؤسسات بزرگی و مفید صنعتی و زراعتی و ایجاد کادرهای فنی به مصرف رسد.

- میعاد قرضه طویل‌المدت باشد.

- نرخ ربح نازل و شرایط تأدیه آن مساعد باشد،

- مؤسسات ساخته شده به‌طور کلی دارای عامه باشد.

- اعادهٔ قرضه و ربح آن باید از طریق صدور اموال به سیستم «بارتر » صورت گیرد.

در خاتمه ما به قطعیت تمام اعلام می‌داریم تا وقتی‌که منابع داخلی وسیع مورد استفاده و بهره برداری قرار نگیرد، نمی‌توان به تنهایی بر پایه استفاده از کمک‌های خارجی و آن‌هم قرضه‌های نامساعد غربی، عقب ماندگی‌های دیرینه جامعه را جبران نمود، رشد سریع اقتصادی را تأمین، اقتصاد ملی را ایجاد و استقلال ده، دا د افغانستان د محرومو، بیوزلو او تر ستم لاندی خلکو د گټو غوښتنه ده.

مور په دانگ پېیلی وایو چه هر څوک او هر قوت چه په نهضت کی د ننه انشعاب او افتراق تشویقوی، دملی او دموکراتیکو قوتونو ترمینځ د همکاری، اتحاد او وحدت په لار کی

مور په دانگ پېیلی وایو چه هر څوک او هر قوت چه په نهضت کی د ننه انشعاب او افتراق تشویقوی، دملی او دموکراتیکو قوتونو ترمینځ د همکاری، اتحاد او وحدت په لار کی او تر ستم لاندی خلکو د گټو غوښتنه ده.

مور په دانگ پېیلی وایو چه هر څوک او هر قوت چه په نهضت کی د ننه انشعاب او افتراق تشویقوی، دملی او دموکراتیکو قوتونو ترمینځ د همکاری، اتحاد او وحدت په لار کی او تر ستم لاندی خلکو د گټو غوښتنه ده.



# د دیار لسمی دوری انتخابات

## باید خلك بيدار وی!

زموږ دهيواد په شورا كې ليدل شويدى چه:

خينى نمايندگان د اجلاس نه غائب په كور، كلي كى گرزى او يا پخپل تجارت پسى ورك وى.

- خينى په پارلمان كينى ناست وى او خوبونه كوى.

- خينى د حكومت په هره خبره كه سمه وي او كه غلطه آما او صدقنا وايى.

- خينى له حكومت سره تر هغه وخته مخالفت كوى چه خپلى گټى تر لاسه كړى.

- خينى چه خپلو سيمو ته په رخصتى ځى، د حاكمانو سره ملگرى شى او خلك لوتوى، حتى كله د مرستى په نوم د خلكو له خوا حكومت ته نمه وهى او په بيوزلو موكلانو با ندى بيگار اچوى.

البته داسى وطنپال وكيلان هم په شورى كى شته دى چه غواړي پخپل ټول قوت خلكو ته خدمت وكړى مگر په اقليت كى وى.

د دى لپاره چه زموږ د گران هيواد

زيات خلك لا تر اوسه پورى د متنفذانو او ناوره عناصرو تر نفوذ لاندى دى، ډير ځله خپل دو ستان نه پيژني او داسى كسانو ته رايه وركوى چه هغوى د دوى نه حاصل كړى قدرت بيرته د دوى پر ضد استعمالوى.

اوس نود ټولو وطنپالو، ملي او مترقي عناصرو او قوتونو گډه وظيفه ده چه په انتخاباتو كى اساسى قوت (خلكو) ته متوجه شى. هغوى پپوهوى او د شورى په اهميت او د وظائفو په څرنگوالى بى پوه كړى.

كه چيرى وظيفيل منورين خپله دغه مهمه وظيفه په نظر كى ولرى خامخا به د وطندوستو وكيانو تناسب په راتلونكى شورى كى پياوړى شى.

پدى پيړى كى چه د راكټ او اتم زمانه ياديږى، د شرم وړ خبره ده چه خلك دا سى نمايندگان وټاكى كوم چه د دوى د مصالحو او گټو پر ضد عمل كوى.

په كوم هيواد كى چه د خلكو (رايه) غلطه استعمال شويده، او پارلمان ته مفادپرست و نااهله وگړى ليزل شويدي، نه يوازى عوام په مشكلاتو اخته شوى بلكه د وطن عالى منافع هم په خطر كى لويدي دى.

هيله ده چه زمونږ خلكو له تيرو انتخاباتو او د اوسنى پارلمان له څلور كلني دورى نه سمه تجربه اخيستى وي او له دى تجربى نه د راتلونكو انتخاباتو په باب استفاده وكړى.

باید زموږ خلك په دى پوه شى چه را ټلونكى انتخابات د يو ستر امتحان په حيث د دوى مخ ته پراته دى. دنيا او بيا په تيره سيال ملتونه په دى ډگر كى زموږ نن د خلكو نندارى ته ولاړ دى.

باید زموږ خلك له دى آزمويني څخه سرلورى تير شى. تر څو دافغانستان په اوسنى تياره وضعه كى څه نه څه د رڼا لورى پيدا شى او د سالمى دموكرا سى د تطبيق زمينه مينځ ته راشى.

**محمد يعقوب زمانى د کنړ څخه**

\_\_\_\_\_

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

د ننگرهار د کارگرانو سره بی عدالتی او زیاتی کیری

# به وضع تأسف آور ولسوالی

## رستاق توجه نمی‌شود

از آنجائی که مأموران عالی رتبه و مسؤولان امور (!) مخصوصاً در ولایات دور افتاده کشور، به همدستی ارباب و عناصر متنفذ محلی فقط مصروف پر کردن جیب‌ها و تأمین منافع شخصی خویشانند، حتی این يك لحظه هم به خیر و بهبود وضع مردم نمی‌اندیشند و به مسایل حیاتی خلق، و لو به وسایل خیلی هم ساده حل شده بتواند، نمی‌پردازند.

ولسوالی دورافتاده رستاق و خلق زحمتکش آن یکی از مظاهر برجسته این شیوه غیرعادلانه عمال دولت و متنفذان محلی آنجاست.

- درین ولسوالی سرک‌ها و شوارع عمومی از اوانی که به وجود آمده، تا کنون لااقل دو بار ترمیم نشده است، بآنکه در اثر سیلاب‌های فصلی بیشتر به سنگلاخی مانند است تا سرک. مقامات مسؤول چندین بار بنام ترمیم سرک‌ها خلاف قانون از مردم پول جمع آوری کردند، معهداً نه از آن‌همه پول اثری در سرک‌ها دیده می‌شود و نه امری بنام ترمیم سرک بشچم می‌خورد.

- فقدان لایحهٔ ترافیکی و عدم کنترل کرایه حمل و نقل، خودسری و اضافه ستانی موترداران، بر مردم بیداد می‌کند.

- از تعمیر لیسه، لیسهای که سال گذشته با تبلیغات پر سروصدا و با طمطراق خاصی افتتاح شد و تا کنون از مواد درسی و معلمان اساسی در آن کفایتی دیده نمی‌شود، همچنان ویرانه مانده و باوجود آنکه تاکنون دو بار به‌عنوان تعمیر لیسه (!) از اهالی پول جمع آوری شده، اما در و دیوار فرسوده و در حال انهدام آن همانست که بود.

- دیر زمانییست که مردم این دیار بامید شفابخشی (!) شفاخانه ده بستری که به این ولسوالی داده شده، فشار درد و رنج امراض گوناگونی را تحمل می‌کنند؛ اما امر تحقق آن را به‌اصطلاح به شاخ آهو بسته‌اند که گویا نام و امیدش برای صحت مردم کاکییست (!)، زیرا نه از تعمیر و نه از بستر آن اثری به ملاحظه می‌رسید.

- چون شهر کهنه رستاق همه ساله تحت تهدید سیلاب قرار دارد، سال گذشته وزارت مربوط، نقشیی برای اعمار شهر جدید در محل مصون‌تری ترتیب و به رستاق فرستاده اما نقشه منکور را به تاق نیشان گذاشتند، زیرا يك عده از ارباب نفوذ محلی در شهر کهنه سرای‌ها و دکان‌های فراوان دارند و تخریب و ترک آن، تا اشغال مواضع جدید، به عواید سر شارشان ازین ناحیه صدمه میزند، بنا بر آن همیشه مانع تطبیق نقشه شهر جدید رستاق می‌شوند و هرگز به این نمی‌اندیشند که روزی تمام مردم بلاکشیده این سرزمین را سیلاب‌های فصلی به کام امواج بی‌رحم خویش فرو خواهند برد.

<b>مردم دهانه غوری از فقدان زمینه مساعد برای تعلیمات بالاتر شکایت دارند</b>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div> <div>دهانه غوری که یکی از نقاط پر نفوس ولایت بغلان است و مکتب ابتدائی آن نیز سابقه طولانی دارد، چه گناهی را مرتکب شده که از نظر لطف (!) والا شان‌ها افتاده است و اندی گوشه چشمی هم به آن معطوف نمی‌دارند؟ درین منطقه یگانه مکتب ابتدائی از عمر يك نسل سالخوردمتر است، معهداً همیشه برای ما همان آتش است و همان کاسه!</div> <div>بروکرانان مسؤول (!) که همواره از معارف متوازن (!) دم می‌زنند، به این امر حیاتی مردم توجهی نمی‌کنند، در حالی که مردم دهانه غوری تکالیف زجر دهندییی در برابر دولت بر خود هموار نموده‌اند.</div> <div>زحمتکشان روستایی دهانه غوری مخصوصاً للم کاران این منطقه صدای اعتراض خود را برین روش غیرعادلانه مقامات معارف به‌صورت خاص و دستگاه حاکمه به‌صورت عام بلند می‌کنند و تقاضا دارند: باید معارف دهانه غوری توجه شود!</div> <div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div> <div><b>م. شریف. از دهانه غوری ولایت بغلان</b></div>

<b>د کامی زده کونکی د حکومت په بی غوری اعتراض کوی</b>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div> <div>دافغانستان د خلك دموكراتيك افكارو خپروونكى پرچم ته!</div> <div>دا څرگنده خبره ده چه دافغانستان د پوهنى شاگردان برسیره پردى چه د زده كړى كافى وسايل نلرى، په ځينو سيمو كى حتى درسى كوټى او ټولگى هم نلرى. د كامى د آخذن كلي او لنډه بوچ لومړى ښوونځى زده كوونكى چه اكثره يى د بزرگرانو او بيوزلو خلكو زمان دى، لا تر اوسه پورى په جوماتونو كى درس وايى. د جوماتونو شرايط داسى دى چى شاگردان په ژمى كى له پخنى نه ريږدى او په پسرلى كى د ننگرهار تاوده لمر ته درس لولى او زياتره زياتره ناروغه كيږى او ورائيزى (ضعف كوى).</div>

<b>شاگردان لیلیه امیر شیر علی خان از شرایط لیلیه شکایت دارند</b>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div> <div>دانی این اتاق‌ها می‌باشد، بیت الخلاء نیز در جوار لیلیه واقع بوده و آن امراضی را که لازمه آن است به لیلیه افغانستان تقدیم می‌کنم.</div> <div>ما در تعمیری زندگی می‌کنیم که در جنوب غرب روضه موقعیت داشته و در زمان امیر شیرعلی خان، به‌منظور حفظ خزائن حکومت بنا شده بود. دیوارهای آن ۸ الی ۱۰ متر بلند بوده و دارای تیرکش‌هایی است که یادی از بزن و بکش‌های همان وقت می‌دهد. سطح زمین لیلیه از سطح محیط اطراف آن ۱/۵ الی ۲ متر پایین‌تر است. عمارت لیلیه را يك اتاق نانخوری و چهار اتاق خواب تشکیل می‌دهد که در هر اتاق از ۹۰ الی ۱۰۰ چپرکت دومنزله گنج‌انیده شده است. آفتاب برین اتاق‌ها حرام است و هوای آزاد هم ندارد. رطوبت، تاریکی و بدبویی و اقسام حشرات همراهان</div>

<b>د سپین بولدک د سرحدی سیمو خلک د تندی له خطر سره مخامخ دی</b>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div> <div>انتقال می‌دهند. شاگردانی که تحت این‌گونه شرایط قرار دارند، طبیعاً از نعمت صحت محرومند و نشاط طبیعی خود را از دست داده‌اند.</div> <div>علاوه برین، شرایط اباته و اعاشه خیلی نازل است و آنچه را بنام استحقاق اعاشه به شاگردان منظوری داده‌اند، به‌صورت کامل و درست به شاگردان نمی‌رسد؛ و بالفرض اگر یکی از شاگردان بر نان، گوشت و یا روغن انتقاد نماید حتماً به جرم «سیاسی»مورد بازخواست و تحقیق قرار می‌گیرد.</div> <div>ما بر این شرایط نازل که قابلیت درسی شاگردان را صدمه میزند و صحت جسمی و روانی ایشان را مختل می‌سازد اعتراض می‌کنیم. ما از وبلای بهیږی، د دی سیمی دخلکو پراخی پرگنی لا تراوسه د چیناک له هرچه زودتر، شرایطی را که حداقل برای شاگردان درین عصر مورد نظر می‌باشد، تطبیق و رعایت کنند.</div> <div><b>م. ن. از لیلیه امیر شیرعلی خان</b></div>

<b>د سپین بولدک د سرحدی سیمو خلک د تندی له خطر سره مخامخ دی</b>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div> <div>سیمو ته کډه کوی. د دی سیمی د خلکو ژوند د افغانستان په معیار کی له ډیرو سختیو او بدمرغیو نه ډک ژوند دی. هغوی ته نه یوازی حکومتونو هیچ خدمت ندی کړی، بلکه تل بی خورولی دی. په اوسنیو شرائطو کښی چه دافغانستان دهر فیودال او بروکرات په کور کي د نلونو فواری روانی دی او په هر پوله او باغچه کی بی شنی وپالی بهیږی، د دی سیمی دخلکو پراخی پرگنی لا تراوسه د چیناک له پاره کافي او د ډانور اوبه نه لری. موږ په کلکه سره د افغانستان پر حاکمه طبقاتو باندی له دی کبله اعتراض کوو.</div> <div><b>م. ش. ظ. له سپین بولدک نه</b></div>

<sup>[1]</sup> - ر - کامه وال او ملگری



# رحم

د افغانستان د تلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

۲۵ حمل ۱۳۴۸

## رویداد‌های مهم

جهان در هفته گذشته

### ۱۲ هزار عرب در زندان‌های اسرائیل

حملات تحریک آمیز اسرائیل بر خاک‌های عربی همچنان ادامه داشت. نمایندهٔ اردن، خطاب به رئیس شورای امنیت گفت: باوجود تقبیح حملات هوائی اسرائیل از طرف شورای امنیت، آن کشور بازهم به بمباران مناطق عربی می‌پردازد، چنانکه در اثر حملات اخیر ۸ تن عرب به قتل رسیده، ۹ نفر زخمی شده و یک مدرسه و یک مسجد به‌کلی ویران گردیده است و همچنان سواحل کانال سوئز، مخصوصاً بندر توفیق را تحت آتشباری شدید قرار داده‌اند.

معاون صدراعظم و وزیر دفاع اسرائیل اعلان کرده‌اند که ایشان فیصله نامه‌های چهار کشور بزرگ را در مورد خاورمیانه رد می‌نمایند و قبول آن را برای اسرائیل خودکشی می‌پندارند.

قوماندانی نظامی جمهوری متحد عرب اعلان کرد که قوای توپخانه اسرائیل روز (۲۰ حمل) بر شهرهای مختلف آن کشور در امتداد کانال سوئز آتشباری نمودند که توپخانه جمهوری متحد عرب به جواب متقابل پرداخت. در نتیجه این جنگ (۱۱ بطریه توپ، (۴) عدد تانک، (۵) زره پوش، (۲) محل ترصد و (۵) سرباز اسرائیل نابود گردید.

### امریکا در راه پیشرفت کنفرانس

#### پاریس موانع ایجاد می‌کند

میرمن تی بین معاون رئیس هیأت جبهه آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی ضمن بیانیه‌یی که در برگزاری مراسم (مارش صلح برای ویتنام) در پاریس ایراد کرد، گفت: امریکا می‌خواهد کشور ما را به شکل پایگاه خود در آورد، ولی ما به مبارزه خود تا سرحد پیروزی برای اخراج سربازان امریکایی از خاک خویش ادامه می‌دهیم.

او اظهار داشت: اتحاد شوروی برای مردم ما کمک‌های بزرگی نموده است و این کمک‌ها همچنان ادامه دارد، ما نسبت به این کمک‌ها صمیمانه سپاسگزاریم. امریکا در راه موفقیت کنفرانس صلح پاریس موانع ایجاد می‌کند و جهانیان را فریب می‌دهد، ولی مردمان عاقل فریب نخواهند خورد.

او گفت: ما پروگرام خود را که عبارت از استقلال، صلح، دموکراسی، ترقی و پیشرفت است، اعلان می‌کنیم و برای تحقق آن فعالانه مبارزه می‌نماییم. سرانجام امپریالیزم امریکا به شکست مواجه خواهد شد.

درین هفته حملات چند هفته‌یی

### تظاهرات و اعتصابات

**در امریکا:**

تظاهرات بزرگی از طرف مردم امریکا در شهرهای مختلف آن کشور علیه سیاست تبعیض نژادی، جنگی ویتنام و علیه نکسن صورت گرفت. تظاهرکنندگان بر نوارهای سیاهی که در سینه‌های خویش نصب کرده بودند نوشته بودند: «ارقام تلفات امریکا در ویتنام روزافزون است. «در میتینگ بزرگی که در برابر کاخ سفید و عمارت وزارت دفاع امریکا صورت گرفت، مردم فریاد می‌کردند: «جنگ پلید ویتنام را محکوم می‌سازیم! «در شیکاگو مردم شعار می‌دادند: «ماشین جنگی را از حرکت باز دارید!»

## تظاهرات محصلان و شاگردان

### در دفاع از جوانان فارغ‌التحصیل لیسه‌ها

که از تحصیلات عالی محروم مانده‌اند

میتینگ و تظاهرات فارغ‌التحصیلان سال ۱۳۴۷ صنوف دوازدهم لیسه‌های ولایات و مرکز که علیه شرایط غیرعادلانه کانکور شمول در پوهنتون به تاریخ ۱۳ حمل آغاز گردیده بود و تفصیل مربوط به آن در شماره گذشته پرچم نشر شد، تا روز یکشنبه ۲۴ حمل. (که این خبر به چاپ سپرده شد) ادامه داشت. همچنان در سرتاسر هفته گذشته مظاهراتی از طرف شاگردان بر خی از لیسه‌های مرکز نیز به دفاع از خواست‌های

## اعتصاب و تظاهرات شاگردان

#### لیسه نجات ادامه دارد

اعتصابات و تظاهرات شاگردان لیسه نجات که دو هفته قبل آغاز گردیده بود، همچنان علیه سیستم در سی و سیستم امتحانات غیرعادلانه در آن لیسه و شیوه نادرست معلمان آلمان فدرال در برابر شاگردان و برای تأمین برخی مطالبات دیگر صنفی‌شان تا روز یکشنبه 24 حمل (که این خبر بچاپ سپرده شد) ادامه داشت، ولی به نتیجه‌یی نرسیده است.

از (ص اول)

### زنگ خطر برای اهالی ...

گندگی آن می‌افزاید. طرفمتر اینکه آب چاه‌های حمام و منازل نزدیک نیز، جز این خندق‌های کثیف سر چشمه‌یی ندارد.

ولی هیچ مقامی نیست که درین زمینه کوچکترین احساس مسئولیتی نشان دهد. ورته می‌توان این خندق را پر کاری کرد، برای کوجه‌ها ابروهای اساسی کشید و نل آب برای مردم تمدید نمود و به اهالی اجازه داد تا به ترمیم و اعمار مجدد خانه‌های فرسوده و قابل تخریب خویش بپردازند. اگر به‌راستی تطبیق نقشه جدید و تخریب عمومی این منطقه در نظر باشد، چه‌بخت که هرچه زودتر دست اندر کار شوند؛ اما نه به شکلی که مردم آواره و متواری گردند، برات قیمت خانه‌های شان را بیال عقفا ببینند و برای دریافت قطعه زمینی تعمیراتی روزها و ماه‌ها سر گردان شوند، اما آنان که صاحب قدرت‌اند و پول، علاوه بر قصرهای فلک سای در بهترین موقعیت‌های شهر، باز هم محتاج‌تر (!) معرفی

دحمل له لسمی نیتی را په دیخوا د کاپیسا د ولایت د غازی محمد عثمان د منځني ښوونځی شاگردانو لاس په اعتصاب پوری کړیدی.

شاگردان وایي چه محلی متنفذانو او د محل حاکم ډیره موده پخوا له خلکو نه

اتحادیه کارگری جاپان دست به اعتصاب زدند و (۶) نفر از روسای کارگران دستگیر شدند. بروز (۲۸) حمل اعتصاب سرتاسری کارگران جاپان صورت خواهد گرفت.

**در ترکیه:** هزاران نفر محصل ترکیه علیه سیستم درسی و قوانین جدید که از طرق

## اتحاد احزاب مختلف سیاسی در پیرو

### علیه امپریالیزم و ارتجاع جهانی و داخلی

دموکرات مسیحی پیرو با هم متحد شدند تا بعد ازین به ضد امپریالیزم جهانی و ارتجاع بین‌المللی و داخلی مشترکا و در یک جبهه مبارزه کند.

\*\*\*

**بن:**

تا حال یک هزار نفر از صاحب منصبان آلمان غربی به حزب نازی شامل شده‌اند.

**هلسنگی:**

حزب کمونیست فنلند پانزدهمین کنگره خود را شروع کرده است.

## پدرود

مرحبا ای رهرو راه نجات خلق‌ها!

می‌روی زی سر زمین دور،

زی خلق دلیر، زی فضای دشت‌های نیمروز،

\*\*\*

شاد رو! آزاد رو!

چون بیک توفان بی‌هراس و مست رو!

با امید فتح و با قلب دلیر،

با نبرد بی‌امان همدست رو!

\*\*\*

باد شو؛ باد غضبناک و وزان؛

باد قهرآلود و باد بی‌امان؛

باد توفان‌زای و باد بیکران؛

بال بگشا در میان ریگ‌ها؛

در میان ریگ‌های خفته در خواب حزین؛

در میان بندگان بی‌شعور مالکین؛

در میان توده وابسته با گاو و زمین.

\*\*\*

**نعره کش!**

فریاد زن،

فریاد توفان خیز زن؛

نعرهٔ مستانه‌یی چون بیک رستاخیز زن؛

توسن قهر و غضب را ضربت مهمیز زن؛

در دل ریگ روان فریاد آتش ریز زن.

\*\*\*

**رعد شو!**

برق غضب شو؛

بحر شو، گرداب شو؛

ابر عصیانگر شو و تندر شو و سیلاب شو؛

بندگان مالکین را؛

بندگان بسته با گاو و زمین را،

کشتگان بوغ استبداد و کین را؛

از تلاش نطفه توفان خبر کن!

\*\*\*

در بیابان‌های سوزان،

در میان ریگزار شاهد غارتگری‌ها،

در زمین رنج و مرگ و خودسری‌ها،

در فضای تیره وحشیگری‌ها

آفتابی را بر افروز!

آفتابی آتشین را،

آفتاب سرخ پرچمدار رزم واپسین را،

جاودانی مشعل خشم ده‌افین در زمین را،

\*\*\*

**لرزه ده!**

روح نو ین ده!

قدرت پیکار ده،

روح پخشا، نور ده، نیروی آتشبار ده،

بندگان مالکین را، بندگان بسته با گاو و زمین را.

\*\*\*

شادی زی؛ ای رهرو راه نجات خلق‌ها،

پیش رو! سرمست رو! این شعله‌ها بر دست رو!

در ره پیکار تا پایان بود و هست رو!

(سلیمان لایق)

## د کاپیسا د غازی محمد عثمان د منځني ښوونځی شاگردان

وایي: ترڅو زموږ پیسی له محلی متنفذانو څخه وانه خیستل شی موږ به خپل اعتصاب

### ته دوام ورکړو

تجارتونه پی باندی کیږی؛ که څه هم باندی هندوستان او پاکستان ته وتلی دوخت حاکم او محلی متنفذانو وعده دی.

د غازی محمد عثمان د منځني ښوونځی شاگردان وایي چه ترڅو د خلکو د بسپنی پیسی له دی لیوانو څخه وانه خیستل شی، موږ به خپل اعتصاب ته دوام ورکړو

### یادداشت:

قیلاً پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان، از هوظنان تقاضا کرده بود که اگر اعتصاب و یا مظاهریی از فهرست اعتصابات و مظاهرات ۱۳۴۷ (منتشره در پرچم) از نشر بازمانده باشد، ما را ملتفت سازند.

د اثر همین تقاضا اولین یادداشت زیرین را به تاریخ ۲۱ حمل ۴۸ گرفتیم: «بهترین آرزوهای خود را به جریان دموکراتیک خلق افغانستان تقدیم نموده و موفقیت همه نیروهای مترقی را خواهیم.

۸۱- اعتصاب شاگردان لیسه جبل السراج که از ساعت ۸ الی ۱۲ ظهر روز ۱۱ جوزا صورت گرفت و علت آن تقاضای انفکاک معاون مکتب بود «م. ق

<b>پرچم</b>	
<b>ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان</b> <p><b>هره دوشنبه خپریږی</b></p>	
<b>دامتياز خاوند او مسوول مدير:</b> <p><b>سلیمان لایق</b></p> <p><b>آدرس: زرلښت مارکیت—</b></p> <p><b>محمدجانخان واټ. کابل- افغانستان</b></p> <p><b>تيلفون: ۲۳۱۶۴</b></p>	<b>د اشتراک بیه</b> <p><b>په کابل کښی د کال: ۱۲۵ افغانی</b></p> <p><b>په ولایاتو او پښتونستان کښی د کال: ۱۴۰ افغانی</b></p> <p><b>په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر</b></p> <p><b>د جاری حساب نمبر په پښتني تجارتي بانک کښی ۳۸۵۳</b></p>
<b>د یوه گنی بیه<span> </span>: ۲/۵ افغانی</b>	
<b>تایپ متن: قاسم اسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض</b>	<b>مطبعة دولتي</b>



# پرچم

## ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره پنجم سال دوم دوشنبه ۱ ثور ۴۸- ۲۱- اپریل ۶۹، شماره مسلسل ۵۷

بارق شفيعی  
مدیر مسوول جریده توقیف شده خلق

## پرچم، ناشر اندیشه‌های

### جریان دموکراتیک خلق افغانستان است!

تجربیات جریان‌های پیشاهنگ عصر ما نماینده این حقیقت انکار ناپذیر است که وقتی پای ضرورت ایجاد و تا سپس سازمان واحد سیاسی طبقه کارگر و پخش ایدئولوژی پیشرو آن بمیان آید، نشر مطبوعات یکی از بهترین وسایل ترویج و تبلیغ آن بشمار می‌رود، که بدون تردید تأسیس یک جریده مبارزه سیا سی برای سر تا سر کشور، نخستین قدم اساسی در راه تا مین این آرمان ارجمند محسوب می‌شود.

راه تا مین این اصل مسلم علمی بود که سه سال قبل «پیشروان و مبارزان دموکراتیک خلق بعد از انفاذ فرمان

تقنینی مطبوعات تصمیم بر آن گرفتند تا به‌منظور بیداری شعور اجتماعی و نجات خلق‌های مظلوم افغانستان از زیر ستم طبقات و محافل حاکمه و همبستگی محافل مترقی از حیث تشکیلاتی و ایدئولوژی از طریق تأسیس جریده سیاسی برای سراسر افغانستان آغاز به فعالیت کنند و نخستین کام عملی در راه ایجاد سازمان بردارند. - ببرک (کارمل) مقاله وسایل و راه‌هایی که آرمان‌های خلق‌های ستمدیده افغانستان و مرام دموکراتیک خلق را به پیروزی می‌رساند در شماره‌های ۳، ۴ و ۵ جریده خلق .»-

همان بود که جریان دموکراتیک خلق توانست در اثر تصمیم دستجمعی و اقدام بهنگام و با استفاده از ارزش‌های دموکراتیک قانون مطبوعات کشور، امتیاز نشراتی جریده خلق (ناشر افکار دموکراتیک خلق) را به دست آورد. وظایف تاریخی این جریده در نخستین قسمت مقاله فوق‌الذکر (وسایل و راه‌ها ...) چنین توضیح گردید.

«-تشریح، تعمیم، تبلیغ، ترویج مرام دموکراتیک خلق که در شماری اول و دوم جریده خلق وسیعاً انتشار یافت.

- نشر و تبلیغ تئوری و جهان‌بینی علمی که سلاح نجات خلق‌های زحمتکش و معرف مبارزه طبقاتی بشمار می‌رود و سیستم یکپارچه و موزونی از مجموعه نظریات فلسفی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، - انعکاس «رنج‌های بیکران خلق‌های ستمدیده افغانستان» و افشای زور گویان و ستمگران طبقات حاکمه و نمایندگان مدافع آن‌ها که بالای خلق‌های کشور جبر و ستم می‌نمایند،

- نشرات به‌منظور بیداری شعور طبقاتی، سیاسی و اجتماعی خلق‌ها جریده خلق از همه اول‌تر و عمدتاً وظیفه اساسی خود می‌داند که من‌حیث یک رشته اساسی اتصال، با حسن نیت و طبق اصول علمی و احتراز از خرده کاری تمام نیروهای ترقی‌خواه دموکراتیک، تمام وطن‌پرستان و فرزندان صدیق وطن و باشهامت‌ترین مدافعان منافع خلق‌های ستمکش و محروم را در یک جریان و یک سازمان سیاسی دموکراتیک خلق متشکل سازد وسیله وحدت سازمان از حیث ایدئولوژی باشد و از حیث تشکیلاتی عموم محافل و سازمان‌های همفکر را قانوناً در یک سازمان بر اساس اتحاد عمل و مرام دموکراتیک (ص ۲)

## اطلاعیه

درین اواخر بار دیگر یک عده فتنه‌گران، اجنت‌های (سیا) و عناصر مشکوک مربوط به شبکه‌های تخریبی و جواسیس ارتجاع داخلی و امپریالیزم بین‌المللی علناً ظاهر شده‌اند که در زیر ماسک‌های دروغین خلق خواهی وطن خواهی و انقلابی گری علیه جریان اصیل دموکراتیک خلق افغانستان، پرچم خلق ناشر اندیشه‌های آن و شخصیت‌های ترقی‌خواه وطن‌پرست به تخریبات، اتهامات، دسپایس و حتی تهدید به ترور و دهشت افگنی دست می‌زنند.

مصالح اولیای افغانستان و پیروزی جنبش، از تمام خلق نجیب و تمام محافل روشنفکر وطن‌پرست کشور می‌طلبد که هشیاری خود را در برابر این اشخاص ماسک دار حفظ کنند و نگذارند که چنین عناصر تخریب کار، جنبش رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور را (من‌جمله به‌وسیله تبلیغات زهرآگین و اتهام زدن به عناصر شریف وطن‌پرست) به شکست مواجه سازند، اتحاد و همبستگی تمام اشخاص، محافل و جریانات واقعاً ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه وطن‌پرست را برهم زنند و مردم افغانستان را مطابق به نقشه ارتجاع از دموکراسی و آزادی دلسرد سازد.

وظیفه تمام جوانان پیشدار نهضت اعم از کارگران، محصلان و روشنفکران کشور است که ماسک‌های چنین اشخاص مخرب را براندازند، آن‌ها را با دلیری و شهامت از جریان نهضت تجرید نماید و جواب دندان شکن دهند.

زنده باد خلق و دوستان خلق آزاده افغانستان!

دست توطیه گران امپریالیست از نهضت رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور ما کوتاه!

## خبرتیا

پدی وروستویختوکی بیا یو شمیر فته اجونکی د (سیا) اجنتان او په تخریبی شبکو پوری مربوط مشکوک عناصر او د داخلی ارتجاع او بین‌المللی امپریالیزم جاسوسان، علناً ظاهر شویدی چه د خلک غوښتنی، وطن غوښتنی او انقلابیگری تر دروغجن نقاب لاندی، د افغانستان د خلق دموکراتیک اصیل جریان او د خلک پرچم د هغه د دموکراتیک افکارو خپروونکی او د ترقی غوښتونکوطنپرستو شخصیتونو پر ضد، په تخریباتو، توروونو، دسیسو او حتی د ترور او دهشت غورخولو په تهدید لاس پوری کوی.

د افغانستان عالییه مصالح او د نهضت بری، د هیواد د ټولو نجیبو خلکو او ټولوطنپالو منورو محافلو څخه غوښتنه کوی چه خپله وښیړلی د دی نقاب لرونکو کی وساتی او پری نودی چه دا تخریبیکاره عناصر، د هیواد ملی او اجتماعی آزادی بخشونکی نهضت (من‌جمله د زهرجنو تبلیغاتو او په شریفوطن‌ارستو عناصرو باندی د اتهام په وسیله) له ماتې سره مخامخ کاندی او د ټولو اشخاصو، د واقعا ملی، دموکراتیکو، ترقی غوښتونکووطنپالونکو محافلو او جریانانو اتحاد او پیوستون وچاا کړی او د افغانستان خلک - د ارتجاع له نقشې سره سم - له دموکراسی او آزادی نه زره تورن کاندی.

په نهضت کی د هیواد د ترمختلونکو ټولو زلمیانو، اعم له کارگرانو، محصلانو او منورینو، وظیفه ده چه د دغسی مخربو اشخاصو نقابونه وغورخوی، هغوی په زورتیا او شهامت له نهضت نه گوښی کاندی او خوله ماتونکی خواب ورکړی.

ژوندی دی وی خلق او د افغانستان د آزاده خلکو دوستانو!

زموږ د هیواد د ملی اوو اجتماعی آزادی بخشونکی نهضت نه دی، د امپریالیستو توطیه گرانو لاس اټووی!

## فراکسیون پارلمان دموکراتیک خلق افغانستان از تشکیل آزاد احزاب سیاسی و پایین آوردن سن شمول در احزاب از سن (۲۵) به سن (۲۰) دفاع کرد

۲۵ به ۲۰ مطرح بحث مجلس قرار گرفت و نظرات مختلفی در زمینه ابراز گردید. لیکن این مسأله به‌عنوان آنکه تا کنون از توشیح نگذشته با اکثریت آراء وکلا از اجنڈای مباحث ولسی‌جرگه بیرون کشیده شده‌اند.

فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق افغانستان حین طرح مسأله در ولسی‌جرگه یک‌بار دیگر ضمن بیانیه‌یی نقاط نظر خود را در زمینه چنین تصریح کرد: به آقایان وکلایی که وجود احزاب را در کشور رد می‌کنند خاطر نشان می‌گردد که تا طبقات مختلف اجتماعی درک جامعه موجود باشند، وجود احزاب امر حتمی و ضروری است اعم ازین که کسی بخواهد و یا نخواهد. اداره فردی مانع تشکیل آزاد احزاب سیاسی که از طبقات مختلف اجتماعی نمایندگی می‌کند، شده نمی‌تواند. همچنان در نظام دموکراسی وجود احزاب یک ضرورت است. زیرا بدون محتوی و بدون مفهوم خواهد بود. روی این حقیقت سر سخت بود که واضعین قانون اساسی بعد از سال‌ها استبداد در کشور مجبور گردینند در ماده ۳۶ - این قانون احزاب سیاسی را مجاز گردانند. لذا کسانی که تشکیل آزاد احزاب سیاسی را در افغانستان رد می‌نمایند. هم مخالف شناخت علمی جامعه، هم مخالف اصل دموکراسی و هم مخالف قانون اساسی و منافع ملی افغانستان حرف می‌زنند و در حقیقت از استبداد و ارتجاع نمایندگی و دفاع می‌کنند.

راجع به سن شمول در احزاب باید یاد آور شد که علی‌رغم تصمیم ناشیانه اکثریت اعضا ء مجلس، ما قبلاً نیز در اجلاس گذشته ضمن توضیحات مفصل مطابق به منافع مردم افغانستان و مطابق به آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و مطابق به اصل دموکراسی، بین سن ۱۸ و ۲۰ را سن قانونی شمول در احزاب اعلام کرده‌ایم. زیرا هر گاه سن ۲۵ را شرط شمول در احزاب قبول کنیم در حقیقت صدها هزار جوان کارگر، دهقان، محصل و روشنفکر وطن را که بین سن ۲۰ و ۲۵ زندگی می‌کنند و از نیروی فعال جامعه بشمار می‌روند، از حقوق مسلم دموکراتیک شان محروم کرده‌ایم که البته این طرز تفکر را جدا محکوم می‌سازیم.

لذا ما تایید و پشتیبانی جدی خود را از ین پیشنهاد که باید شرط سن شمول در احزاب از ۲۵ به ۲۰ پایین آورده شود اعلام می‌داریم.

مراحل کامل قانونی خود را طی نماید.

اخیراً در اثر پیشنهاد عدیمی از وکلا در ولسی‌جرگه جهت پایین آوردن سن شمول به احزاب از سن

مساله آزادی باید به‌طور مشخص و از نظر تاریخی برخورد شود: آزادی برای کی و برای کدام طبقه؟ آزادی از چه و آزادی در چه؟

برای کشور ما شخصیت بزرگ لنین از این جهت هم گرمی است که لنین به حیث نخستین رهبر کشور نوبنیاد اتحاد شوروی، مقدم از همه ملل جهان آزادی و استقلال کشور ما را به رسمیت شناخت و دوست بزرگ افغانستان و بنیادگذار سیاست نوع جدید صلح‌جویانه و دوستانه فی ما بین افغان - شوروی بود. چنانچه از آن تاریخ تا کنون که پنجاه سال می‌گذرد دوستی و همکاری خلل ناپذیر و نمربخش خلق لیر و آزاده افغانستان و خلق و کشور صلح‌دوست اتحاد شوروی بسط و توسعه یافته است.

قانون احزاب در اجلاس گذشته شوری تصویب گردیده و غرض طی مراحل کامل قانونی آن به توشیح سپرده شده. ولی از آنجایی که مدتی سپری گردید و این قانون نتوانست

## لنین

### دوست گرانمایه ملت افغانستان

کارگران و دهقانان) ثبت تاریخ است. تعلیم لنین در باره امپریالیزم، به‌مثابه آخرین مرحله سرمایه‌داری، در باره حزب تیپ جدید، انقلاب سوسیالیستی، حاکمیت زحمتکشان و اشکال گوناگون آن، در باره دموکراسی سوسیالیستی، اتحاد طبقه کارگر با دهقانان و زحمتکشان دیگر، در باره مسأله ملی و مسأله ارضی، در باره طریق ساختمان جامعه سوسیالیستی نقش عظیم و قاطعی در جنبش رهایی‌بخش جهان ایفا کرده است.

لنین در باره آزادی زحمتکشان (که اکثریت عظیم نفوس جهان را تشکیل می‌دهند) می‌گفت که آزادی برای زحمتکشان بیش از همه عبارت است از آزادی از استثمار، آزادی از ستم اجتماعی و سیاسی و ملی و آزادی از تاریکی و جهالت. لنین می‌آورد که بر

سوم ثور ۱۳۴۷ (۲۳ - اپریل ۱۹۶۹) نود و نه از تولد ولادمیر ایلیچ لنین می‌گذرد و در اپریل سال ۱۹۷۰ صدمین سالروز تولد لنین فرامی‌رسد. خلق، حزب و دولت اتحاد شوروی و تمام زحمتکشان جهان صدمین سالروز تولد لنین را به‌مثابه جشن بزرگ بین‌المللی تدارک می‌بینند.

امسال که به‌پیشواز صدمین سالروز تولد لنین ترتیبات بزرگی از طرف دولت اتحاد شوروی گرفته می‌شود، با تجلیل باشکوه پنجاهمین سال روابط دوستی بین افغانستان و اتحاد شوروی مصادف است.

لنین که بزرگترین دوست مشرق و ملت ما بود، نخستین انسان گرانمایه‌ای است که پنجاه سال قبل هم‌زمان با قیام ملی خلق ما به خاطر سوسیالیستی جهان (دولت شورای

## مبارزات پیگر و قانونی

### داوطلبان شمول به پوهنتون به پیروزی رسید

پوهنخی طب ننگرهار به پنج هزار نفر نمی‌رسد، در حالی که تنها روی احصاییه دولت هم اکنون افغانستان برای رشد عادی خود در حدود ۳۱ هزار پرسونل فنی و متخصصین دارای تحصیلات عالی و اختصاصی نیازمند است، ولی مقامات حاکمه افغانستان بنا بر فساد دستگاه اداری دولت و پالیسی‌های نادرست و کندی رشد اقتصادی و اجتماعی داد از «مازاد» فارغ‌التحصیل می‌زنند.

خنده‌آور است، وزارت معارف ادعا دارد که آهنگ رشد معارف سریع‌تر از رشد معیوب اقتصادی کشور می‌باشد. ما به‌صراحت اعلام می‌داریم که مقامات حاکمه افغانستان قصداً و علی‌رغم منافع عالیه ملی کشور و

فرهنگ ملایکی در آن مسلط است، در جامعه طبقاتی ما در آخرین تحلیل زیادتیرین امتیازات، من‌جمله تحصیلات عالی‌تر در انحصار طبقات مرفه‌الحال قرار دارد و عملاً عده بی‌شماری از فرزندان بااستعداد طبقات محروم و اطرافی کشور مجال تحصیلات عالی را ندارند.

تأسف آور است، در کشوری ۱۶ میلیونی ما برای رشد و انکشاف سریع آن به پرسونل فنی و اداری دارای تحصیلات عالی و مسلکی احتیاج مبرم وجود دارد، هزاران فارغ‌التحصیل مکاتب، بیکار و آواره می‌گردند. خجالت آور است که مجموع تمام تعداد محصلان پوهنتون کابل به شمول پولی تخنیک و

سال جدید بنا بر پالیسی اختناق معارف، برای فارغ‌التحصیلان وطن‌پرست صنوف ۱۲ لیسه‌های مرکز ولایات با افسرده‌گی و سرنوشت تاریک آغاز گردید و عده قابل ملاحظه‌یی از ایشان در اثر سیستم غیرعادلانه و تبعیضی کانکور، به شیوه تفاول امریکایی، بی سرنوشت باقی ماندند. اصلاً وزارت معارف تجربه سال گذشته را در نظر نگرفته و حداقل ترتیبات را برای سال موجود اتخاذ نکرد، تا مسأله فارغ‌التحصیلان لیسه‌ها حل گردد.

واقعیت جان‌گداز اینست که در جامعه بیمار ما، در جامعه‌یی که هنوز پنجه‌های خونین استعمار فرهنگی در آن ریسه دارد، در جامعه‌یی که

رفقا، دوستان، آزادی‌خواهان، وطن‌پرستان، تمام گروه‌های ملی و دموکراتیک! علیه تفرقه جویان، نفاق افگنان، فتنه گران و اخلاخ گران در درون نهضت

مبارزه کنید، ماهیت آن‌ها را تشخیص دهید، آن‌ها را از صفوف مبارزه رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور خارج

سازید و اتحاد و همبستگی صفوف خود را تأمین کنید!

یکی از مسایل بسیار حاد و مهم در جنبش کنونی جامعهٔ ما عبارتست از حرف زدن نیروهای مترقی و چپ (زیر نام تیوری پیشرو) به زبان‌های مختلف وجود خصلت مرحله کودکی، خرده گیری و خرده کاری و محفل بازی که اختلافات به‌سویه جهانی آن را به‌صورت روزافزونی تشدید می‌نماید.

اصطلاحات رویزیونیزم معاصر، سازش‌کاری و این‌الوقتی، سوسیال امپریالیزم، و غیره و غیره همه شعارهای مود روز است که بی مسؤولیت و کاملاً بی‌مورد وسیعاً در جریان مبارزات روزمره در مباحثات و تبلیغات از طرف عناصر و محافل به‌اصطلاح مترقی علیه نیروی اصیل انقلابی به کار برده می‌شود و ارتجاع و امپریالیزم از آن‌ها به نفع خود بهره برداری می‌کنند. این شعارها به‌فدری پرطمطراق در همه جا، در تظاهرات و میتینگ‌ها و اعتصابات، بدون دقت و سنجش و ناشیانه تکرار می‌شود که ترس آن می‌رود خلق کشور ما به جریانات پیشرو ترقی‌خواه به نظر شک و تردید بنگرند و در نتیجه به‌طور کلی ایدیولوژی طبقه کارگر (سوسیالیزم علمی) در افکار عامه خلق خدشدار گردد. هم اکنون در میان مردم و روشنفکران کشور این جمله تکرار می‌شود که «مطلب نباید به این ساده‌گی باشد!» «زیرا آن‌ها هنوز به کهنه اختلافات موجود، بین جریانات مترقی پی نبرده‌اند. منافع طبقه کارگر و تمام خلق زحمتکش کشور ایجاب می‌کند که به این وضع خاتمه داده شده و پا به مرحله نوین جنبش گذاشته شود. البته نباید از نظر دور داشت که کشمکش بین جریانات مختلف در زمینه ایدئولوژی سوسیالیزم در کشور ما، در این مرحله یک پدید منحصر به فرد نیست، بلکه «قانون عام»کشورهای مشابه به افغانستان می‌باشد. ولی این مسأله به معنی آن نیست که هیچ‌گاه (و حتی هرچه زودتر) به این مرحله پایان داده نشود.

این مطلب بر همه کس معلوم است که متأسفانه آتش مبارزه بین جریانات چپ جهان برافروخته شده است. ولی سؤال در این جاست که آیا نیروهای ترقی‌خواه افغانستان وظیفه دارند که آتش افروزی کنند و در این آتش روغن بیاندازند و یا این که من‌حیث وظیفه و مسؤولیت، مطابق به شرایط خاص کشور سعی کنند که بر مبنای اصول و احکام جهان‌بینی علمی، نخست در وضع موجود، در چهار چوب ملی اختلافات خود را حل نمایند و از بروز اختلافات غیراصولی و هلاکت بار و بی‌مورد در داخل کشور جلوگیری نمایند. عقل سلیم حکم می‌کند که باید حداقل شباهت‌گی و بلوغ خود را در جنبش رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور بدون دستور و فرمان کدام مقام خارجی نشان داد. تا بتوان به جرأت و به شایسته‌گی وظایف خود را مطابق به تیوری علمی پیشرو در عرصه ملی و بین‌المللی ایفا کرد.

باید در نظر داشت که در جنبش کنونی جامعه ما به‌صورت روزافزون جوانان به‌طور عموم به‌سوی سوسیالیزم گرایش پیدا می‌نمایند، ولی به‌صورت گروه‌های مختلف و متشکل از اعضای نامتجانس متأسفانه عوض این که این نیروهای پیشدار در زیر یک پرچم واحد و برای مبارزه با دشمن مشترک پیرامون هم جمع شوند، لبه تیز مبارزه را علیه یکدیگر به کار می‌برند. این امر یکی از مسایل عمده و حاد جنبش ماست که به‌صورت آشکار ارتجاع و امپریالیزم از آن به سودی خود بهره برداری می‌کنند. لذا باید به حکم وظیفه مترقی و منافع عالیه خلق کشور به این وضع پایان بخشید.

نکته دیگر این که باید هرچه زودتر جنبش را از تقلید بندموار... و از آن‌هم بدتر میمون وار و فرمان‌برداری مستقیم و غیرمستقیم از «اوامر نسخه دهنندگان انقلاب» آزاد ساخت و به آن‌ها اجازه نداد که در امور داخلی

جریانات پیشرو افغانستان، چون فرامدهان نظامی مداخله کنند و خصومت بی‌مورد و افتراق مصنوعی را در میان نیروهای ترقی خواه افغانستان دامن زنند. این آقایان اجازه دهند (!) که نیروهای ترقی‌خواه کشور خود بر مبنای اصول و احکام جهان‌بینی علمی و انطباق آن در شرایط مشخص افغانستان و بر اساس تجربه جریانات اصیل پیشاهنگ دیگر ملل جهان و تجربه خود راه نجات خلق رنجدیده کشور را جستجو کنند و بر مبنای سؤال «چه باید کرد؟» مسایل حاد جنبش رهایی‌بخش ملی و اجتماعی خود را در مرحله کنونی حل نمایند.

متأسفانه اکنون عدهیی از جوانان کشور ما ناآگاهانه به بهانه «آزادی انتقاد» که قصه طبل میان خالی را به پیاد می‌آورد، جز فحش و دشنام و نعره بازی دیگر کاری ندارند.

بنا بر آن ایجاب می‌نماید که باید در شیوه مبارزه بر مبنای تیوری علمی انقلاب و انطباق خلق آن در شرایط جامعه تغییراتی به وجود آید و راه‌های حل اختلاف میان نیروهای مترقی و پیشرو کشور جستجو گردد و شرایط لازم وحدت و اتحاد این نیروها آماده شود.

نکته مهم این‌ست که وقتی ما اصل وحدت و اتحاد میان نیروهای پیشرو را مطرح می‌سازیم، هیچ‌گاه مطلوب

از (ص اول)

خلق متحد گرداند و جهان‌بینی علمی را در عرصهٔ مبارزات سیاسی وطن محبوب ما افغانستان مورد عمل قرار دهد.

برای تحقق این مرام نماینده‌گان و خبر نگاران و توزیع کنندگان جریده خلق وظایف سنگینی را ازلحاظ مراکز جذب و قدرت سازمانی به عهده خواهند داشت زیرا مبنی بر اصلی، جریده خلق نه تنها باید تبلیغ کننده دسته جمعی و بیدار کننده دسته جمعی توده‌های مردم باشد بلکه همچنین تشکیل دهنده دسته جمعی پیشاهنگ خلق‌های زحمتکش یعنی دموکراتیک خلق نیز باشد.»

بر اساس این اصول علمی که با نظر گرفتن اوضاع و احوال سه سال قبل مبارزه در کشور، بر مبنای تئوری پیشرو طرح گردیده بود، اکثریت قاطع نویسندگان جریده (خلق) که امروزه نگارندهگان دایمی جریده مبارزه پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان را تشکیل می‌دهند (ببرک (کارمل)، دستگیر پنجشیری نور احمد وکیل پنجوایی با مدیر مسوول جریده خلق بارق شفیع) مقالات و آثاری تهیه و به نشر سپردند.

متأسفانه جریده (خلق) در اثر دسیسه ارتجاع، به‌صورت غیرقانونی و غیر دموکراتیک و مخال ف ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی به شکل توطیه آمیز و علی رغم دفاع مستدل ل، قانونی و علمی فراکسیون دموکراتیک خلق در ولسی‌جرگه، توقیف گردید و توانست بیش از (۶) شماره، خدمات ارزنده خویش را در جهت تحقق هدف‌های رهایی بخش ملی و اجتماعی خلق افغانستان، با ساس مرام نجات بخش دموکراتیک خلق و بر مبنای جهان‌بینی علمی دنبال نمایند.

توقیف غیرقانونی جریده (خلق) و عدم محاکمه علمی و قانونی این‌جانب (مدیر مسئول آن) که قانوناً یگان مسوول و مدافع نشرات آن می‌باشم، هیچ‌گاه و برای یک لحظه هم مانع آن نگردید که پیشاهنگان دلیر و مبارزان

ما جمع‌بندی پرنسیپ‌های متناقض به شیوه التقاطی، «پرنسب فروشی» و «گذشت‌های ایدیولوژیک و تیوریک» بوده نمی‌تواند؛ زیرا قبول این امر به‌مثابه تسلیم شدن به ایدئولوژی بورژوازی و خیانتت به اصول جهان‌بینی علمی است. از آنجایی که در شرایط کشور ما هنوز غیر از جریان رشد یابنده ترقی‌خواه پیشرو دموکراتیک خلق افغانستان، یک عده محافل و گروه‌های دیگر مترقی نیز هستند و هنوز حساب‌های‌شان را از لحاظ بلند پروازی‌های شخصی، انحراف راست و «چپ» تصفیه نکرده‌اند، لذا نمی‌توان انتقاد و مبارزه را در زمینه تکتیک و تیوری از میان برداشت. ولی نکته مهم در این‌ست که باید انتقاد سلیم و اصولی بوده و مبارزه در چوکات احکام جهان‌بینی علمی (نه بر اساس فحش، اتهام و دشنام) صورت گیرد. این درست است که «بیش از آن که متحد شویم و برای آن که متحد گردیم ابتدا به‌طور قطعی و صریح اعلام است خط فاصلی بین خود قرار دهیم» ولی به هر حال نباید این «خط فاصل» بر اساس اراده فردی به‌صورت مصنوعی و میکائیکی چون «دیوار چین» کشیده شود و امکانات هرگونه مفاهمه دوستانه و رفیقانه از میان برود و بازم علی‌رغم اصول تیوری پیشرو مبارزه آشتی پذیر عمداً و

# چه باید کرد؟

## باید وضع موجود را از میان برداشت!

قصداً به مبارزه اشتی ناپذیر، آن‌هم بنا بر حکم امرانه ... و توأم با دروغ بافی و دسیسه تبدیل گردد. واقعیت این‌ست که یکی از مسایل دیگر حاد نیروهای پیشرو کشور ما در جنبش رهایی‌بخش ملی و اجتماعی در پهلوی فقر کرکتر تودهیی، فقیر تیوری است. اینک در شرایط کنونی وطن ما افغانستان وظیفه اساسی سیاسی و سازمانی ماست تا همه خلق را از یوغ انواع و اشکال مختلف ستم‌ها نجات دهیم، یک مسأله آشکار است. ولی نباید از یاد برد که «نقش» مبارزه پیشرو را تنها حزبی می‌تواند بازی کند که تیوری پیشرو رهبر آن باشد. « متأسفانه باید اذعان کرد که یکی از عوامل هرج و مرج فکری و سنگ اندازی در میان نیروهای ترقی‌خواه پیشرو کشور ما در وضع کنونی، همانا فقر تیوری است. باید هر چه زودتر به‌خصوص روشنفکران مترقی ما در ضمن تجدید تربیت خویش توجه خود را در ردیف مبارزه سیاسی و اقتصادی بیشتر و عمیق‌تر به تیوری پیشرو مطوف سازند، تا به زبان یکدیگر آشنا گردند. زیرا اقلاً تا الفبای واحد مبارزه مترقی آموخته نشود چطور می‌توان حرف یکدیگر را درک کرد و از مرض ساده کردن مسایل و پدیده‌ها و خرده‌گیری‌های کین توزانه نجات یافت.

تیوری پیشرو کسانی را که صرفاً و به‌صورت جامد بدون پیوند عمل با تیوری به دنبال اشکال کاملاً محدود فعالیت عملی می‌روند و آن را با چند شعار پر از فحش و دشنام مود شده هم اغوش می‌کنند و در منجلاب اپورتونیزم چپ و یا راست می‌لغزند، محکوم ساخته است.

باید خاطر‌نشان ساخت که برای زحمتکشان افغانستان آزمایش‌های بی‌نهایت مشکل در پیش است. در اغلب کشورهای مشابه افغانستان اقلاً کارگران و پیشاهنگ آن مراحل کودکی، محفل بازی و خرده کاری‌های مختلف را سپری نموده و در حصارهای دژ ارتجاع نفوذ کرده‌اند. ولی ما تاکنون حتی با دیوارهای قلعه ارتجاع فاصله زیاد داریم. به همین جهت است که باید جنبش مترقی را که در مرحله ابتدایی خود است، با عزم و انرژئ بی‌دریغ مبارزه، با سلاح تیوریک و پراکتیک مجهز بسازیم تا بتوانیم خود را سزاور و شایسته واقعاً یک جریان مترقی پیشرو صدیق در عرصه ملی و بین‌المللی نشان دهیم.

مسأله دیگری حاد در جنبش مترقی همانا عدم تأمین تناسب دیالکتیکی میان جنبش خود به خودی کارگران و دیگر طبقات و اقشار دموکراتیک و گروه‌های پراکنده و تجرید شده است، که عدهیی عمداً به شیوه

صلح و دموکراسی و کشورهایی صلح‌جوست و بخصوص ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان صورت می‌گرفت، به‌موقع و پیوسته خنثی سازد و از جانب دیگر ماهیت نشرات ارتجاعی دستوری طبقات حاکمه مرتجعین داخلی و خارجی را افشا و تأثیرات آن را تضمین نمایند. با این همه، آثانی که می‌خواهند با تلاش‌های مذبوحانه، پرچم خلق را از (خلق) جدا جلوه دهند، جز اینکه با خلع سلاح کردن خلق افغانستان از لحاظ ایدیولوژیک و سازمانی به خدمت استبداد ارتجاع و امپریالیزم این دشمنان کهنه کار امر بمن صفت خلق کمر بسته باشند و در راه رشد و تکامل این جریان مترقی سنگ اندازی کنند، ماهیت دیگری ندارند، و نتیجه عمل شان همان است که ارتجاع و امپریالیزم و سگ‌های زنجیری، ایشان انتظار می‌برند.

پرچم، به‌عنوان ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان و ملکیت شخصی، کسی نیست و صاحب امتیاز آن (سلیمان لایق) نیز هر کر چنین ادعای را نکرده و هم کرده نمی‌تواند، بنا بر آن تمام افراد و حلقه‌های ترقی‌خواه دیگر که به مرام دموکراتیک خلق افغانستان و اصول علمی مبارزه آن، به خاطر به پیروزی رسانیدن مبارزات رهایی بخشی ملی و اجتماعی خلق‌های ستمدیده کشوری‌مان و احترام داشته باشند، نیز می‌توانند پرچم خلق را مدافع نظرات و مبارزات خویش قبول کنند و با اعتماد کامل به دور آن گرد آیند و برای بر آوردن آرمان‌های عالیه خلق کارگر کشور، در جهت تأمین استقلال کامل ملی آزادی دموکراسی صلح، ترقی اجتماعی و رفاه همگانی متحدانه مبارزه نمایند.

**یادداشت:**

آنچه قابل یادآوری است همانا ادعای مالکیت شخصی بناغلی محترم «صاحب امتیاز، جریده خلق آن‌هم در پناه صورت قانون مطبوعاتی افغانستان است، که ما در این زمینه دعوایی نداریم و بدان احترام می‌گذاریم.

«اکنونیست‌ها» به نقش عناصر آگاه در جنبش دموکراتیک و کارگری، به نقش سازمان‌دهی و فهم سوسیالیستی و نقش تیوری سوسیالیستی کم بها می‌دهند و بیشتر به عناصر ابژکتیف یا خود به خودی تکامل می‌چسبند، عدهیی دیگری بدون در نظر گرفتن شرایط عینی و باز هم عجبت‌ر و بدعت آمیزتر این که بدون در نظر گرفتن عملاً رهبری طبقه کارگر و رشد و تکامل سازمان سیاسی پیشاهنگ آن، به‌وسیله گروه‌های کوچک دارای سننین بسیار جوان شاگردان و محصلان، آن‌هم در میان غلاف و تجرید شده از توده‌های وسیع خلق، نهایی‌ترین شعارهای انقلابی گری را توأم با نعره‌های «مرده باد...، ما انقلاب سرخ و خونین می‌خواهیم! ما فرزندان صدیق رنجبران، خلق‌ها و توده‌های و طبقات پایین هستیم... «فهرمانانه (!) ایراد می‌دارند. عجب است که سانسورچی‌های ارتجاع و پولیس دستگاه چرا پیروزمندانه لبخند می‌زنند! آقایان جالب توجه است (!) و قهرمانان (!) که مستقیماً و شخصاً مربوط به طبقات حاکمه افغانستان- اعم از ملاک و فیودال، مشران قبیله، ارباب زاده، میرزاده، تاجر بزرگ دلال کمپرادور و یا مأموران عالی‌رتبه دولت افغانستان در داخل و خارج و صاحبان کرسی‌های حساس دولتی و تشبثات خصوصی بوده‌اند، از همه بیشتر داد از فرزندان صدیق خلق‌ها و توده‌ها و زحمتکشان می‌زنند و با داشتن ثروت‌های فراوان و استثمار دهقانان زحمتکش و سوابق درخشان (!) خویش دیگران را محکوم به طبقات حاکمه می‌نمایند. این آقایان از گذشته اصولی سواستفاده کرده بیوگرافی‌های جعلی برای خود تدارک می‌بینند و خاک را بر لب مالیده خود را پرولتر و زحمتکش جا می‌زنند. به هر حال اشاره ما به این موضوع هیچ‌گاه دلیل بر آن نیست که این آقایان بنا بر سوابق کار و طبقاتی خویش در نظام فیودالی و دستگاه دولت افغانستان

حق ندارند که رشته طبقاتی خود را بگسلند و به ایدیولوژی طبقه کارگر بگرایند. بالعکس هرگاه ما به این حقیقت که در هر شرایط یک فیصدی معین از نمایندهگان دانشور طبقات دارا و روشنفکران بورژوازی می‌توانند به جنبش رهایی‌بخش اجتماعی و سوسیالیستی بپیوندند، انکار کنیم، در واقعیت علی رغم اصول خلاق «چه باید کرد» به منجلاب فلسفه اپورتونیستی لغزیده‌ایم. زیرا بصراحت خاطر نشان گردیده است که آگاهی دموکراتیک و سوسیالیسم در کارگران «اصولاً نمی‌توانست وجود داشته باشد. این آگاهی را فقط از خارج (مطلب خارج از کارگران است. نویسنده) ممکن بود وارد کرد. تاریخ تمام کشورها گواهی می‌دهد که طبقه کارگر با قوای خود منحصرأ می‌تواند آگاهی تردیونیستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که باید تشکیل اتحادیه بدهد، بز ضد کارفرمایان مبارزه کند و دولت را مجبور به صدور قوانینی نماید که برای کارگران لازم است و غیره. ولی آموزش سوسیالیزم از آن تیوری‌های فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشو نما یافته است که نمایندگان دانشور طبقات دارا و روشنفکران تتبع نموده‌اند. خود... موجودین سوسیالیسم علمی معاصر نیز از لحاظ موقعیت اجتماعی خود در زمرهٔ روشنفکران بورژوازی بودند.» می‌بینید آقایان! این اصول مترقی است که ریان تهییج و قلم تبلیغ ما را در باره ماهیت طبقاتی و سوابق شما و تشریح بیوگرافی واقعی شما بسته است. وگرنه طوری که شما به غلط بر ما اتهام می‌زنید، ما نیز می‌توانیم خرده کاری نماییم و با دلایل مستند و حقایق مشهود جای سالمی برای تان باقی نگذاریم! ولی چه باید کرد که اصول و اخلاق عالیه مبارزه مترقی به ما اتخاذ چنین شیوهیی را اجازه نمی‌دهد!

**(باقی دارد)**



# گډ دشمن او گډ سنگر

ښاغلی ک.د. له صنعتی بغلان نه د پرچم په عنوان لیکلی دی: «اوس چه در شوری د دیارلسمی دوری د انتخاباتو موده رالنده شویده، له بده مرغه د گران وطن شرایط داسی دی چه بیا هماغه پخوانی لیوان موقع پیدا کړی او خلکو ته دامونه وغوړوی، وعدو او پیسو، دودی گانو او رشوتو د وکالت د نیولو له پاره بیا سر راپورته کړی او د خمکو او پیسو خاوندان لگیدی دلته او هلته تلکونه ږدی

باید دا خبره هیڅکله هیره نشی چه له اوسنیو ډیرو محدودو آزادیو څخه تر هر چا د مخه محلی منتفدین، خوانین او د خمکو، پیسو او شتمنی خاوندان زیاته استفاده کولای شی، دا ځکه چه مونږ د بزگرو طبقه او نور غریب خلک لا تر اوسه پوری په ذهنی لحاظ (البته تر اوسنیو شرایط لاندی) وروسته پاتی ساتل شویدی او د هغوی لپاره دا تشخیص مشکل دی چه خپل دوستان او خپل دښمنان سم وپیژنی، دا واقعیت دی چه له تر اوسه پوری د وطن د بزگرانو قاطع اکثریت د خانانو، ملکانو او بروکراتانو تر نفوذ لاندی دی او په انتخاباتو کی د هغوی ملاتړ کوی. البته دا تریخ واقعیت چه د شوری اکثریت به د افغانستان په اوسنیو شرایطو کی بیاهم د فیودالیزم او د هغه د حامیانو لاس ته ورځی، د پوهیدور دی. خو دا ډیر بد احتمال دی چه د زیار ایستونکو مدافع کاندیدان له سره وننسی کولای چه حتی یو کوچنی (اقلیت) هم پارلمان

ته واستوی.

له اوسنیو سیاسی شخړونه بیا په تیره وطن د مترقی فکره عناصرو او ټولنو تر مینځ له اوسنیو بی‌اتفاقیو نه دا معلومیږی چه د وطن زیار ایستونکی به ونشی کولای چه حتی هغه نسبی اقلیت کوم چه پارلمان ته بیی د افغانستان په اوسنی عینی و او ذهنی زمینه کی، د راتلو امکان شته دی، کامیاب کاندی. د مورینو تر مینځ اوسنی سیاسی اختلاف دا ښیی چه حتی د کاندید د مودی تبلیغات به هم شنده، کمزوروی او بدنامه شی. دا اختلاف که څه هم تاسواو نور، هره توجیه د هغو په باره کی ولری، خو کله چه یو بل پسی خولی خلاصی کړی هغه خلک چه یو نسبی تنور لری او اوسنیو زلمیانو ته خوشبین دی، لار ورکه کاندی او مجبور شی چه یا لاس تر زنی کینی او یا هم هغو پخوانیو لیوانو ته تن کیږدی.

که څوک دا هیله ولری چه کنخلی او تورونو ټپل به کته ور ورسوی، په غلط فهمی کی واقع شویدی.

که څوک رښتیا دا هیله ولری چه خلکو ته دی مفید واقع شی، باید هغه لاره غوره کړی چه خلک بیی خوښوی او د هغوی له غوښتنو سره برابره وی. باید اوسنی نفاق له مینځه ورک شی. باید مفاهمه او حوصله، گذشت او صبر په نظر کی ونیول شی، باید د افغانستان د خلکو عالی اخلاقی معیار او د هغوی ضرورت یوه شیبه هم هیر نشی. باید ټول وطنپالونکی جریانونه دا ابته کاندی چه دوی کولای شی د وطن او خلکو د نجات په خاطر پخپلو خاصو سیاسی گټو باندی پښه کیږدی، او سره نږدی شی. خلک تل دا پښتنه کوی چه ولی دا سیاسی جریانونه پخپلو کی یو د بل مری ته لویدلی دی؟ دا وضعه په خلکو کی د سیاسی جریانونو حیثیت او مستقل ته سخته صدمه رسوی.

زموږ هیله دا ده چه ژر تر ژره دی د افغانستان د خلکو په کټه دا بی اتفاقی او بی ثمره جنجالونه پای ته ورسیروی او د شریک دښمن په مقابل کی دی شریک سنگر جوړ شی. او که داسی ونشی هیڅ خوا به له دی هرج او مرج نه گټه وانخلی او د افغانستان خلک به اعتماد بی باندی ونکړی. خلک به عاقبت خپله لار ومومی مگر تاریخ به هغه کسان او ډلی و نه بخشی چه د خلکو په گټه مساعد شرایط یی د خانگړی کټی له پاره تیاره کړی او بریاد کړی وی.

این تشکیلات نه تنها گرهی از مشکل خلق نگشوده، بلکه گره بر گره او افزوده و دام بر دام دیگر چیده است.

بهمطور مثال در ولایت سابقه قطغن در سال ۱۳۳۳ دولت تصمیم گرفت تا زمین‌هایی را که از زمان‌های گذشته به‌صورت خرابه‌ها، جنگل زارها و باتلاق‌ها باقی مانده و در قید مالکیت اشخاص نمی‌باشد برای مردم بی‌زمین و نادار فی نفر (۲۰) جریب، از قرار فی جریب (۱۰) افغانی فروخته شود، تا از طرفی خرابه‌ها آباد و از جانبی مالیات دولت تقویه شود. همان بود که دهقانان بی‌زمین و زحمتکشان نادار از هر گوشه و کنار رو به‌سوی این زمین‌ها آورده و هر چیزی از جنس و مال در اختیار داشتند فروختند و در کار آباد کردن زمین مصرف نمودند، حتی عده‌یی نسبت شرایط نامساعد

## حیات شاگردان مکتب نسوان خان آباد در معرض خطر است

در شماره (۴۹) سال گذشته پرچم، شکایت از طرف متعلمات مکتب نسوان خان آباد نشر شده بود. در آن شکایت تذکر رفته بود که عمارت مکتب به علت کهنگی و فرسوده گی تحت خطر سقوط قرار گرفته و احتمال غالب می‌رود که باعث حادثهٔ خونین و مرگ المناک و ناگهانی یک عده از دختران شود. علاوه‌ا متقابل دروازه مکتب یکی از منتفدان محلی کافه بی ساخته است که در آنجا اشخاص بیکار و مزاحم می‌نشینند و باعث ایجاد بی‌زاکتی‌هایی در برابر متعلمات می‌گردند. آن تذکر پرچم صرف این‌قدر تأثیر وارد کرد که اولیای امور معارف اینجا درب مکتب را از مقابل رستوران به سمت شمال مکتب نقل دادند وضع از بد، بدتر شد، زیرا قبلاً متعلمات تنها از

# قانون شکنی و استبداد

## آزادی و حقوق مردم درهٔ صوف را زیر پا نموده است

به جریدهٔ پرچم، ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق!

لطفاً اعتراض این‌جانب را بر قانون شکنان ادارات دولتی، صاحب رسوخان و فیودالان محلی نشر نموده و به این وسیله فریاد یک دهقان مظلوم را انعکاس دهید.

پدر من که هشتاد و پنج سال عمر دارد، در اثر عرق ریزی‌های طولانی سی و پنج سال قبل چند جریب زمین للمی را خریداری کرد، چندی قبل یکی از ثروتمندان محل بدان چشم دوخت و آن را تحت دوسیه و دعوی آورد.

داستان زمین را می‌گذاریم سر جایش، می‌آییم به اجراءات ولسوال صاحب محل. به تاریخ (۱۴) حمل ولسوال درهٔ صوف به خاطر این که همین دهقان (۸۵) ساله را مجبور به انصراف از حقوقش نموده باشد، او را خلاف دساتیر قانون و بدون

# درد، شکایت‌ها و اعتراضات خلق

## ریاست‌های تصفیه املاک یا درد بی‌درمان دیگری

### بر پیکر خلق

### مردم بر مالیات غیر عادلانهٔ اراضی اعتراض می‌کنند

راه آبادی خرابه‌ها خشکیده بود، دوباره آواره شـوند و آشیانه‌های فقیرانه خود را از دست بدهند. زمین‌های آباد دوباره به زمین‌های بایر تبدیل گردند. مالیات پا در هوا بماند – سیریرها سیرتر شوند و گرسنه‌گان گرسنه‌تر.

این بود شیمهٔ کوچکی از نتایج کار ریاست تصفیهٔ املاک وزارت مالیه که چون درد بی‌درمانی بر پیکر خلق نجیب و زحمتکش کشور ما چسبیده اند.

و اما راجع به مالیت اراضی باید گفت: که هرگز این مالیات عادلانه نبوده غالباً به نفع طبقات ستمگر و ملاکان بزرگ مطابقت می‌کند. در بعضی مناطق که مردم حد اکثر ده جریب زمین زراعتی دارند و غالباً زمین‌های شان سفیده کاری، یک فصله باغی می‌باشد، مالیهٔ اراضی از

محیطی و فقر بسیار شدید تلفات جانی وحشتناکی را متحمل شدند – اما وقتی که جبهه‌ها و نزارها آباد شد، زمین‌های وحشی حال داد و طبیعت باغی از برکت نیروی بازوی زحمتکشان سر ملایمت گرفت، بیروکراتان بی‌رحم نیرنگ‌ها ریختند و قیمت اراضی آباد شده را از فی جریب (۱۰۰) افغانی به (۵۰۰) افغانی بالا بردند و پول را تحت تحصیل گرفتند. ولی ریاست‌های تصفیهٔ املاک گل تازی بی به آب دادند، به این معنی که به تأیید از زمین داران بزرگ، اکثر این اراضی آباد شده را به بهانه‌های گوناگون تحت دعـاوی ملاکان ستمگر قرار دادند و در قضا یا به ضرر زحمتکشان و به نفع فیودالان و ملاکان موضع‌گیری کردند. نتیجه چنان شد که عدهٔ کثیری از زحمتکشان که شیرهٔ جان شان در

## بنونخی دی که دکان؟

مستقیل او سرنوشت سره بی علاقی پاته شو او پدی برخه کی خپل مسوولیت هیر کړو.

مور له همدی کبله په مربوطو مراجعو اعتراض کوو او پدی برخه کی بی مسؤل بولو.

مور په لوړه وایو چه د افغانستان د خلکو ایسی دی په داسی مواردو کی بیخایه نه څرڅیږی.

ع. ب

ف جریب (۴۰) افغانی الی فی جریب (۵۰) افغانی می‌باشد، اما در مناطق دیگری که زمین‌های دو فصله و خیلی حال خیز در اختیار ملاکین بزرگ قرار دارد، مالیه اراضی از فی جریب (۱۰) افغانی الی (۲۰) افغانی می‌باشد در بعضی از مناطق املاک بسیار وسیعی به تمسک کدام فرمان مشکوک که به چند قرن قبل تعلق دارد و همچنان که زنتاد بعضی اسناد زمان ملوک‌الطوایفی (تسلط میرها) اراضی بسیار وسیعی مثلاً شمالا محدود به فلان کوه و جنوباً به فلان دریا، تحت دعوی ملاکان بزرگ واقع شده و به این وسایل دشت‌ها، چر آگاه‌ها و حتی جنگلات و کوه‌ها در تصرف این ستمگران درآمده و بدون تأدیه حتی یک پول مالیه مورد استفاده آنان قرار دارد. در حالی که در همین مناطق صد‌ها فامیل دهقان در فقر کشنده و شرایط بسیار دشوار زنده‌گی می‌کنند.

مردم به شدت آرزو می‌برند که ملکیت‌های اراضی غیرقانونی و غیر مشروع که از راه دستبزد و حیلـه و غارت به دست آمده مصادره گردد و اصلاحات ارضی به نفع دهقانان صورت گیرد.

مردم می‌گویند: به دوسیه سازی‌های جعلی املاکی که به همکاری ریاست‌های تصفیه به نفع ملاکان بزرگ ترتیب می‌شود خاتمه دهید.

مردم بر مالیات غیر عادلانه ارضی اعتراض می‌کنند.

غلام دستگیر یوسف زاہی

از ولسوالی خان آباد

فیصله کدام محکمه با صلاحیت و یا ارجاع قضیه به محکمه، تحت شرایط بسیار ناگوار در اتاق‌های مرطوب محبوس نموده و بیچاره بدون بستر و کالا روزها در آنجا باقی ماند. اسپ پاکش او نیز تا مطلع شدن من، مدت سه روز بدون علوفه بسته ماند.

ولسوال که یک شخص بسیار سالخورده و دارای شیوهٔ تفکر کهنه است، برایش مشکل است درک نماید که رعایت قانون عمدترین وظیفه اوست. او هنوز این را نمی‌داند که بعد از ایجاد قانون اساسی اخیر کشور و تفکیک قوا، صلاحیت‌های وی توسط قوانین تحدید و تعیین شده است. او نمی‌داند و هرگز نمی‌پذیرد که این اجراءتش خلاف مادهٔ (۲۹) قانون اساسی و مادهٔ (۲۹۸) اجراءات حقوقی و مادهٔ (۲۶) قانون اساسی و مادهٔ (۱۰) اجراءات توقیفی می‌باشد. او نمی‌داند که نباید در دعای حقوقی به مجازات و زندان دست بزند. او نمی‌داند که مرجع دعای و محل حل و فصل آن محاکم عدلی است، نه دفتر ولسوال‌ها و ادارهٔ شخصی ایشان.

از این جهت است که با روش ظالمانه و حتی تبعیضی خودش پدر من و ده‌ها هموطن دیگر را مورد مجازات غیرقانونی و اهانت قرار می‌دهد و از روش‌های مستبدانهٔ دیروزه پیروی می‌کند.

از عمل او بر می‌آید که وی مصؤنیت قانونی افراد را نمی‌شناسد و بدان اعتنا ندارد.

به این مناسبت من اعتراض شدید خود را بر مقامات مربوطه وارد می‌کنم و تقاضا می‌نمایم تا مردم مظلوم و بی‌دفاع و دهقانان ما را از زیر ضربات مستبدانهٔ این‌گونه ادارمچنان ظالم رهایی بخشند و گلیم این کهنه کاران را که هرگز زیر نفوذ و حدود قانون نمی‌آیند، برچینند.

من از مقامات مربوطه می‌خواهم تا برای حفظ حیثیت پدر موسفید و دهقان من و ده‌ها مظلوم دیگر این حاکمان ظالم را با زنجیر قانون مهار نمایند.

اسد الله دهقان زاده از درهٔ صوف

# بزرگان لوت کیری

ته امر وکر چه غوا سمدستی کور ته ننه باسه او تازه واينه وراچوه.

خوار بزرگ هلته د مريدانو په حلقه کی هک او پک کيناست او له شرمه يی دا نشوېلای چه غوا می خرڅلاو ته راوستی ده. په زړه يی د غمونو نالان گډ شو او سب يی د وخته تش لاس بيرته کور ته لاړ. خو کله چه د ده ميرمن په حقيقت پوه شوه، لکه د اور لمبه د آغا صاحب د کور په لور وخوځيده او هغه ډير په غوا باندی ټينگ شو، خو هغی ميرمنی غور ورته ونه نيو او غوايی په مخ ورانه کړه.

دا دی د ځينو استعمارگرو عناصرو د ژوند واقعيت چه په تزوير او حيله يی د خلکو له پاکو احساساتو څخه استفاده کړيده او کوی يی.

**محمد اکبر اڅکزی.**

خوارکی بزگر غوا ترمخ کړه، کړی ورځ يی منزل راوواوه او ماښامی د (سپين بولدک) په علاقه کی د خپل پير ځای ته راورسیده، دلته يی د شپي تيرولو خيال درلود. سبا به يی بيا د ښار لاره وهله.

اجل نيولی بزگر پداسی حال کی د پير صاحب ځای ته راورسیده چه هغه هلته د خپلو مريدانو په يوه ډله کی ناست وو. څنگه چه يی سترگی په بدمرغ مريد ولويدی، په ډير شوق يی مريدانو ته مخ واراوه اوی ويل: تاسی خو دی بزگر اخلاص وگوری چه څنگه زما په ضرورت پوه شويدی او لنکه غوا يی را ترمخ کړيده. پلنی خانه ستړی مشی، دا خو دی عجب کرامت کړيدی چه زما په ضرورت پوه شوی. زمونږ غوا وی ټولی وچی شويدی. دا وخت يی خپل يوه مزدور

دنیا له افسانونه ډکه ده، خو زموږ د هيواد واقعی پيښی او حوادث دومره حيرانونکی دی چه ته به وايی دا هم خيالی افسانې دی او واقعيت به نلری.

د وطن زوی که هر څومره لمن راټوله کړی او گوښی شی بيا هم ژبه نشی ټرلای او مجبورېږی چه دی دردونکو پيښو ته گوته ونیسی، دا وطنی ماموريت دی او د وطن نه سړی سترگی نشی ټیولای.

خوار بزگر د فيودالانو تر استعمار لاندی بوب شو. لوړی او رنځ يی گريوان ته لاس واچاوه، په کور کی يی هر څه خلاص شوه او د هغی شو ته کيناستل.

د کور ميرمنی بزگر ته مشوره ورکړه چه غوا ښار ته بوژی، خرڅه يی کړی او ماشومانو ته څه خرڅی اوږه رانیسی.





د افغانستان د تلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

اول ثور ۱۳۴۸

## رویدادهای مهم

جهان

### تجاوز طیاره جاسوسی امریکا بر قلمرو کوریای شمالی

هنوز خاطره بحران ناشی از دستگیری کشتی جاسوسی امریکا (پویبلو) در آب‌های داخلی کوریای شمالی فراموش نشده بود، که تجاوز طیاره جاسوسی امریکا بر قلمرو کوریای شمالی و سقوط دادن آن توسط آن کشور بحران سیاسی دیگری را به وجود آورد. محافل ارتجاعی و میلیتاریستی امریکا با تمام وسایل سعی می‌ورزند تا به بهانه‌های مختلف یک جنرال امریکایی گفت:

### ایالات متحده امریکا به یک ملت

#### نظامیگر و متعرض مبدل گردیده

جنرال شاپوب سابق قومندان قول اردوی بحری امریکا در ویتنام طی مضمون منتشره در روزنامه «دیلی میل» بر تائیه اظهار نموده است که:

«امریکا به یک ملت نظامی گر و متعرض مبدل گردیده و آماده است به حل نظامی پرابلم‌های سیاسی که منافع آن را تهدید نماید، دست بزند» جنرال مذکور متعرف است که امروز نیز «دیپلوماسی کشتی جنگی» وسیعاً مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایالات متحده امریکا بیش از یک میلیون سرباز در کشورهای دیگر دارد. ایالات متحده با ۴۸ کشور جهان

### مخالفت با جنگ ویتنام

بنا به درخواست محصلین پوهنتون سدنی در حدود ۱۰۰۰ نفر از جوانان و دختران در خارج عمارت حکومت در چهار راهی مرکزی شهر اجتماع نموده تا پروتست شدید خود را علیه ادامه جنگ تجاوزکارانه در ویتنام به حکومت بسپارند. هدف عمده مظاهره بیرون کشیدن قوای استرالیا از ویتنام، خاتمه دادن به جنگ ویتنام و امتناع

### پیمان‌های نظامی یا منبع مشکلات

#### اقتصادی و عامل فقر کشورهای عضو

کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی در طول مدت ۲۰ سال گذشته ۱۳۰۰/۰۰۰ میلیون (یک میلیون سه صد هزار میلیون) دلار مصرف امور تسلیحاتی خود نموده‌اند. این مصرف

### پیشنهاد تجدید مشاوره از طرف

#### اتحاد شوروی

وزارت خارجه اتحاد شوروی به وزارت خارجه جمهوریت مردم چین پیشنهاد نموده است که مشاوره‌های مجدد بین نمایندگان حکومت شوروی و چین آغاز شود. حکومت شوروی اظهار نموده که حاضر است مشاوره‌ها به تاریخ ۱۵ اپریل در ماسکو یا هر وقت دیگری که برای طرف چین مساعد باشد، آغاز گردد.

حکومت شوروی در اعلامیه ۲۹ مارچ خود طرفداری نموده است که نمایندگان رسمی شوروی و چین مشاورت خود را که در ۱۹۶۴ افتتاح گردیده بود، در آینده نزدیک از سر بگیرند.

در یادداشت وزارت خارجه

**جریان دموکراتیک خلق افغانستان نه تنها مخالف جدی سنگ اندازی در راه پیشرفت گروه‌های واقعاً ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه وطن‌پرست می‌باشد، بلکه از صمیم قلب در نظر و عمل خواهان آنست که دوش به دوش این گروه‌ها، در یک جبهه مشترک، به جهت اهداف مشترک ملی و دموکراتیک به‌پیش برود.**

**ولی هرگاه کسی بخواهد که در راه رشد و تکامل جریان دموکراتیک خلق افغانستان، در راه نبرد پر افتخار طبقه کارگر افغانستان، در راه جنبش رهایی‌بخش ملی و اجتماعی وطن ما سنگ اندازی کند، در برابر آن، در چهار چوب اصول و اخلاق مترقی دلیرانه مبارزه خواهیم کرد!**

### در سراسر هفته گذشته هزاران شاگرد لیسه های مرکز به خاطر پشتیبانی

از خواست‌های صنفی شاگردان لیسه نجات دست به تظاهرات زدند

و جوانانی که به‌عنوان همدردی و همبستگی بدون هیچ‌گونه استفاده جویی با آن‌ها هم‌نوائی کرده‌اند، سپاسگزاری نموده و اعمال تخریب آمیز عناصر اخلاک گر و عمال فتنه گر و ففاق افکن ارتجاع و شبکه‌های جاسوسی امپریالیستی را تقبیح و محکوم کردند.

در جریان تظاهرات شاگردان شعار می‌دادند که:

- به سیستم معارف استعماری در افغانستان خاتمه داده شود!

- ما فرهنگ معارف ملی و مترقی می‌خواهیم!

- ناپود باد فرهنگ ارتجاعی و استعماری!

- مرگ بر ارتجاع و استبداد!

(از صفحه اول)

### مبارزات پیگیر و قانونی ...

صورت در اثر مبارزه پیگیر و معقول خواست عدییی از داوطلبان شمول به پوهنتون برای امسال به‌طور نسبی منتج به نتیجه گردید، ولی آنچه مسلم است اینست که پرابلم اساسی مانند گذشته به حال خود باقیست، تا وقتی که نفوذ و تسلط استعمار فرهنگی و سیستم معارف فیودالی از جامعه ما ریشه کن نگردد و به‌جای آن یک سیستم معارف واقعاً ملی، مترقی و متوازن مورد تطبیق قرار نگیرد مشکلات ناشی از وضع موجود برای مدت‌های طولانی به حال خود باقی خواهد بود.

**تصحیح:** در سطر دوم مقدمه مضمون (سیستم انتخاباتی) در صفحه دوم شماره گذشته جمله (باید یادآور شد که سیستم انتخاباتی کنند)، چنین خوانده شود: (سیستم انتخاباتی آگاهی کنند)

در زد و خورد مسلحانه تن به تن که یک روز تمام بین پولیس و اعتصاب کنندگان رخ داد دو نفر از کارگران مقتول شد و در اعتصابات شهرهای مختلف ده‌ها نفر زخمی گردید.

کارگران پولیس را خلع سلاح نمودند. حکومت ایتالیا فابریکه سگرت سازی شهر پتی پالا را تعطیل نمود.

کارگران در شهرهای بزرگ ایتالیا از قبیل روم، میلان و فلورانس به‌عنوان همدردی با کارگران شهر پتی پالا دست به اعتصاب زدند.

اتحادیه کارگری اعلان نموده است که

اگر حکومت جلو اعمال تروریستی گروه‌های فاشیستی (پیراهن سیاهان) را بز ضد کارگران نگیرد، کارگران در برابر آن‌ها به مبارزه مسلحانه خواهند پرداخت و مسوولیت عواقب ناشی از آن به دوش حکومت خواهد بود

قطعه‌نامه‌ای را قبلاً درین مورد به مقامات وزارت معارف تسلیم داده‌ایم، ولی مقامات مربوط نه تنها عمل مثبتی را درین زمینه انجام نداده، بلکه دست به اقدام غیرقانونی و تحریک آمیز زندانی کردن یک تعداد از همصنفان ما نیز زده‌اند.

بنا بر آن در برابر این اعمال ضد قانونی و خودسرانه اعتراض می‌نماییم و جداً می‌خواهیم:

- همصنفان توقیف شده ما هرچه زودتر آزاد گردند.

- وزارت معارف خواست‌های قانونی ما را که طی قطعه‌نامه اول به آن وزارت سپرده شده است، برآورده سازد.

شاگردان لیسه نجات از تمام شاگردان

گروه‌های شهر به تخریبات و تبلیغات زهراگین پرداختند.

مطالبات و خواست‌های صنفی شاگردان لیسه نجات که در بیانیه‌ها و قطعه‌نامه‌های آنان اظهار گردید، مورد پشتیبانی هزارها جوان و شاگردان (لیسه‌ها) قرار گرفت.

در قطعه‌نامه شاگردان لیسه نجات در پایان مظاهره روز ۲۷ حمل گفته می‌شود که:

ما شاگردان لیسه نجات به‌منظور برآورده شدن خواست‌های خویش و علیه روش خصمانه معلمان المان فدرال در برابر شاگردان، سیستم درسی و امتحانات غیرعادلانه، معارف استعماری و ارتجاعی دست به اعتصاب و تظاهر زده و

### مسأله امنیت اروپا اول‌تر از همه

#### یک مسأله صلح است

ریماند شمتلین سیاست مدار برجسته و عضو اسامبله ملی فرانسه به نماینده آژانس نووستی اظهار داشت که: «امنیت اروپا یک پرابلم میرم است که باید در مرکز توجه سیاست مداران تمام کشورهای قاره ما باشد، از همین جاست که مسأله امنیت در اروپا، اول‌تر از همه یک مسأله صلح است.

جنرال دوگول می‌گوید: علت این که تا هنوز امنیت اروپا تأمین نشده است، نتیجه فقدان اعتماد می‌باشد. بعضی از دول اروپا دلایل کافی برای اعتماد کردن بالای آلمان غرب ندارند. برای فقدان این اعتماد دلایل کافی وجود دارد؛ به‌طور مثال از روش منفی جمهوری فدرال آلمان در برابر سرحد اودرنیس، می‌تواند نام برد. موصوف مزیداً گفت:

«سیاست آلمان غرب یک منبع خطر و منبع انتقام جویی را به جود می‌آورد که باعث انفجار در اروپا خواهد شد.» او گفت: یکی از مهمترین شرایط برای امنیت اروپا در موافقت نزدیک بین فرانسه و اتحاد شوروی می‌باشد که با سنن تاریخی مطابقت دارد. من معتقدم که درس تاریخی به مردم شوروی و فرانسه نشاناد که بهتر است با هم یکجا باشند تا جدا.»

در اخیر، شمتلین در ضمن تماس به درخواست دول عضو پیمان وارسا گفت: «من باور دارم که درخواست بوداپست یک درخواست مثبت است.»

باید اروپا بداند که خطر از کدام سو تهدید می‌نماید. طوری که معلوم است فرانسه از سازمان نظامی ناتو خارج شد، بدین معنی که ما دوستان آن سازمان نیستیم، اروپا باید به طریقی متحد شود که چنان سیستمی از صلح را به وجود آورد که از طرف هیچ‌کس تخریب شده نتواند.

### امریکا در ویتنام جنوبی

#### مصروف آدمکشی است

نماینده نیویارک تایمز در راپور رسالی خود اعتراف می‌نماید که فرقه نمبر ۹ پیاده امریکا که در منطقه عملیات می‌نماید، روزانه کم از کم صد نفر از افراد بی‌گناه را به قتل می‌رساند. و ساحات وسیعی را هدف بمباران طیاره و توپچی قرار می‌دهد.

ولی شیوه‌های وحشیانه جنگ برای متجاوزین پیروزی بار نیآورده است. وطن‌پرستان مانند گذشته قسمت اعظم ناحیه دلتای میکانگ را با 2 میلیون نفوس آن، با خود دارند و معنویات آن‌ها بلند است.

### مظاهرات و اعتصابات

محصلین در نامه خود به نکسن می‌نویسند:

- ما این چنگ را یک چنگ ظالمانه می‌پنداریم؛

- مخالف خون ریزی در ویتنام می‌باشیم؛

- ما در این چنگ پلید شرکت نمی‌کنیم؛

این چنگ ضد آزادی و استقلال و ضد بشریت است.

بونس آیرس:

در ارجنستاین ده‌ها هزار کارگر دست به اعتصاب زدند. ایشان بر ضد روش غیرانسانی کارفرمایان و حکومت ارتجاعی شدیداً اعتراض می‌نمایند. کارگران خواهان بازگشت

در سر تا سر هفته گذشته هر روز هزاران شاگرد لیسه های مرکز (کابل) به خاطر اظهار همبستگی و همدردی با شاگردان لیسه نجات به تظاهرات دامن‌هداری دست زدند. تظاهر کنندگان عناصر اخلاک گر و تخریب کار را که در جریان میتینگ‌ها و تظاهرات تفتین و تلاش می‌کردند تا مظاهرات را از مسیر اصلی آن برون کشند و برای حمله پولیس بهانه دهند، افشا نمود، فعالیت‌های ایشان را خشتی و از صفوف خویش خارج ساختند. این عده مبلغین خرابکار مربوط به ارتجاع داخلی، و دیگر شبکه‌های جاسوسی امپریالیستی جدا از تظاهرات و نهضت حسب دستور در بعضی از

ریماند شمتلین سیاست مدار برجسته و عضو اسامبله ملی فرانسه به نماینده آژانس نووستی اظهار داشت که: «امنیت اروپا یک پرابلم میرم است که باید در مرکز توجه سیاست مداران تمام کشورهای قاره ما باشد، از همین جاست که مسأله امنیت در اروپا، اول‌تر از همه یک مسأله صلح است.

جنرال دوگول می‌گوید: علت این که تا هنوز امنیت اروپا تأمین نشده است، نتیجه فقدان اعتماد می‌باشد. بعضی از دول اروپا دلایل کافی برای اعتماد کردن بالای آلمان غرب ندارند. برای فقدان این اعتماد دلایل کافی وجود دارد؛ به‌طور مثال از روش منفی جمهوری فدرال آلمان در برابر سرحد اودرنیس، می‌تواند نام برد. موصوف مزیداً گفت:

«سیاست آلمان غرب یک منبع خطر و منبع انتقام جویی را به جود می‌آورد که باعث انفجار در اروپا خواهد شد.» او گفت: یکی از مهمترین شرایط برای امنیت اروپا در موافقت نزدیک بین فرانسه و اتحاد شوروی می‌باشد که با سنن تاریخی مطابقت دارد. من معتقدم که درس تاریخی به مردم شوروی و فرانسه نشاناد که بهتر است با هم یکجا باشند تا جدا.»

در اخیر، شمتلین در ضمن تماس به درخواست دول عضو پیمان وارسا گفت: «من باور دارم که درخواست بوداپست یک درخواست مثبت است.»

باید اروپا بداند که خطر از کدام سو تهدید می‌نماید. طوری که معلوم است فرانسه از سازمان نظامی ناتو خارج شد، بدین معنی که ما دوستان آن سازمان نیستیم، اروپا باید به طریقی متحد شود که چنان سیستمی از صلح را به وجود آورد که از طرف هیچ‌کس تخریب شده نتواند.

نماینده نیویارک تایمز در راپور رسالی خود اعتراف می‌نماید که فرقه نمبر ۹ پیاده امریکا که در منطقه عملیات می‌نماید، روزانه کم از کم صد نفر از افراد بی‌گناه را به قتل می‌رساند. و ساحات وسیعی را هدف بمباران طیاره و توپچی قرار می‌دهد.

ولی شیوه‌های وحشیانه جنگ برای متجاوزین پیروزی بار نیآورده است. وطن‌پرستان مانند گذشته قسمت اعظم ناحیه دلتای میکانگ را با 2 میلیون نفوس آن، با خود دارند و معنویات آن‌ها بلند است.

محصلین در نامه خود به نکسن می‌نویسند:

- ما این چنگ را یک چنگ ظالمانه می‌پنداریم؛

- مخالف خون ریزی در ویتنام می‌باشیم؛

- ما در این چنگ پلید شرکت نمی‌کنیم؛

این چنگ ضد آزادی و استقلال و ضد بشریت است.

بونس آیرس:

در ارجنستاین ده‌ها هزار کارگر دست به اعتصاب زدند. ایشان بر ضد روش غیرانسانی کارفرمایان و حکومت ارتجاعی شدیداً اعتراض می‌نمایند. کارگران خواهان بازگشت

در سر تا سر هفته گذشته هر روز هزاران شاگرد لیسه های مرکز (کابل) به خاطر اظهار همبستگی و همدردی با شاگردان لیسه نجات به تظاهرات دامن‌هداری دست زدند. تظاهر کنندگان عناصر اخلاک گر و تخریب کار را که در جریان میتینگ‌ها و تظاهرات تفتین و تلاش می‌کردند تا مظاهرات را از مسیر اصلی آن برون کشند و برای حمله پولیس بهانه دهند، فعالیت‌های ایشان را خشتی و از صفوف خویش خارج ساختند. این عده مبلغین خرابکار مربوط به ارتجاع داخلی، و دیگر شبکه‌های جاسوسی امپریالیستی جدا از تظاهرات و نهضت حسب دستور در بعضی از

ریماند شمتلین سیاست مدار برجسته و عضو اسامبله ملی فرانسه به نماینده آژانس نووستی اظهار داشت که: «امنیت اروپا یک پرابلم میرم است که باید در مرکز توجه سیاست مداران تمام کشورهای قاره ما باشد، از همین جاست که مسأله امنیت در اروپا، اول‌تر از همه یک مسأله صلح است.

جنرال دوگول می‌گوید: علت این که تا هنوز امنیت اروپا تأمین نشده است، نتیجه فقدان اعتماد می‌باشد. بعضی از دول اروپا دلایل کافی برای اعتماد کردن بالای آلمان غرب ندارند. برای فقدان این اعتماد دلایل کافی وجود دارد؛ به‌طور مثال از روش منفی جمهوری فدرال آلمان در برابر سرحد اودرنیس، می‌تواند نام برد. موصوف مزیداً گفت:

«سیاست آلمان غرب یک منبع خطر و منبع انتقام جویی را به جود می‌آورد که باعث انفجار در اروپا خواهد شد.» او گفت: یکی از مهمترین شرایط برای امنیت اروپا در موافقت نزدیک بین فرانسه و اتحاد شوروی می‌باشد که با سنن تاریخی مطابقت دارد. من معتقدم که درس تاریخی به مردم شوروی و فرانسه نشاناد که بهتر است با هم یکجا باشند تا جدا.»

در اخیر، شمتلین در ضمن تماس به درخواست دول عضو پیمان وارسا گفت: «من باور دارم که درخواست بوداپست یک درخواست مثبت است.»

باید اروپا بداند که خطر از کدام سو تهدید می‌نماید. طوری که معلوم است فرانسه از سازمان نظامی ناتو خارج شد، بدین معنی که ما دوستان آن سازمان نیستیم، اروپا باید به طریقی متحد شود که چنان سیستمی از صلح را به وجود آورد که از طرف هیچ‌کس تخریب شده نتواند.

پرچم	
ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان هره دوشنبه خپریری	
د اشتراک بیه په کابل کښی د کال: ۱۲۵ افغانی په ولایاتو او پښتونستان کښی د کال: ۱۴۰ افغانی	دامتیاژ خاوند او مسوول مدیر: سلیمان لایق
په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر د جاری حساب نمبر په پښتنی تجارتی پاتک کښی ۳۸۵۳	آدرس: زر لښت مارکیت— محمدجانخان واټ، کابل- افغانستان تېلفون: ۲۳۱۶۴
د یوه گنی بیه: ۲/۵ افغانی	بونس آیرس:
مطبعه دولتی	تایپ متن و ویرایش جدید: عمر فیض



# رحم

## ناشرانديشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ششم سال دوم دوشنبه ۸ ثور ۴۸ - ۲۸-اپریل ۶۹، شماره مسلسل ۵۸

پښتو متن:

## د می میاشت د لومړی نېټې په مناسبت دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان شعارونه

د افغانستان تر ستم لاندی کارگرانو او زیار ایستونکو!

دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان، د می د لومړی ورځی، دجهان دکارگرانو د پرتم لرونکی جشن په مناسبت، خپلی لوري هیلی او له شوره ډک درودونه، تاسو ته چه په فابریکو او کانو کښی، په واتونو او ودانیو کښی، د کار په خایونو او کروندو کښی، په ډیرو سختو شرایطو کښی په کار بوخت یاستی وړاندې کوی.

دنړی کارگران دمی د میاشتی دلومړی ورځی جشن د خپل گران او ستر سنت په عنوان په بی ساری شور او هیجان لمانځی. د افغانستان د خلك دموکراتیک قوت د هیواد د کارگر دطبقي د ترمختلونکی جریان پر حیث دا گران سنټ لمانځي او دا خپله وظیفه بولی چه د افغانستان د کار گر دطبقي دخلاندې مبارزې وچارچل پرچم اوچت وساتي او «د کارگرا نو دجشن د ورځی «په عنوان د می دلومړی نېټې د رسمی کیدلو لپاره، خپلی نه ستومانه کیدو نکى مبارزی تعقیب کاندی. د هیواد مبارزو کار گرانو!

خپله طبقاتی پوهه او سیاسی شعور پرمخ بوزی، له تسلیم طلبی ـ ساز شکاری او ابن‌الوقتی نه خان لري وساتي او د ماجراجویی او درواغچنی انقلاب بیگری پر لوری گام مه اوجنوی، اوماجراجویانو، نفاق اچونکی، انشعابگرانو او فتنه اچونکو ته، دزیاریستونکو خلکو د مبارزې په مختلفو ډگرونو کښی، خوله ماتوونکی خواب ور کړی، او د نهضت ما توونکو له توطنو ډک تحریکات چه د ارتجاع په دستور مینځ ته راځی، شنډ کړی.

ژوندی او پیاوړی دی وی دافغانستان له ترمختلونکی او دوران جوړونکی طبقي سره د وطنپالو او ترقي غوښتونکو دهفتانانو، کسبگرو، منورینو، محصلانو او زده کوونکو اتحاد او پیوستون:

- د دموکرا تیکو حقوقو او آزادیو د تأمین او د ملی او اجتماعی ضدفیودالیزم او ضدامپریالیزم آزادی بخشونکی نهضت د کامیابولو په خاطر،
- د ژوندانه دلگښتونو په تناسب دلاس مزد زیاتولو، د کار او ژوند د شرایطو د ښه کولو، دصحنی او اجتماعی بیمو دتأمین، دکار د مترقی او دموکراتیک قانون دمیمنځ ته راوستلو او دهیواد د ټولو کارگرو د صنفی او اجتماعی حقوقو د ترلاس کولو او دصنفی او کارگری اتحادیو جوړولو په خاطر،
- د زندانی کارگرو دخلاصون، دضد دموکراتیک تعقیباتو او له کار څخه دکارگرو د ایستلو، د بیکاری په ضد او دبی روزگارو ددفاع په خاطر،
- له ویتنام نه د امریکا دامپریالیزم د تیري کوونکو دشرلو او په هغه خای کښی د پایه داری سولی د تأمین په خاطر،
- د اسرانیلو د تجاوز پر ضد اوپه منځنی ختیځ کښی دامپریالیزم دتحریکاتو پر ضد د ثمر بخشونکو فعالو کو ششونه په خاطر،
- په نړی کښی دسولی داستقرار او د ملتونو ددوستی په خاطر،
- او په پای کښی له هر راز ظلم او ستم او استعمار له ټولو شکلونو سره د مبارزې په خاطر او دټولی نړی د خلکو د ملی او اجتماعی نجات په منظور!
- تاوده درودونه د افغانستان کارگر په طبقي!
- پیاوړی دی وی دافغانستان د کارگر طبقي یو والی!
- بریالی دی وی دافغانستان د کارگرانو مقدسه مبارزه، دسولی، ملی استقلال، دموکراسی، ترقي او اجتماعی رفاه لپاره!
- نیکمرغ دی وی می د میاشتی دلومړی نېټی جشن، دنړی د کارگرانو او زیاریستونکو د پیوستون ورځ!

اخیراً سمينار بين‌المللی مجادله عليه

مرض سل در کابل دایر گردید.

مطبوعات حکومتی اعلام کرده‌اند که:

«افغانستان برای از بین بردن مرض

سل به اقدام بین‌المللی متوسل شده

است. «ولی حقایق مشخص علمی

مبین آنست: تا وقتی‌که زندگی

توده‌های عظیم مردم را اقیانوسی از اندوه، درد ورنج، فقر و ظلمت احاطه کرده باشد، دایر کردن صدها چنین سمینار دردی از دردهای غم انگیز و بی‌پایان خلق وطن و من‌جمله بیماری سل را نمی‌تواند درمان کند؛ زیرا سل یک مرض اجتماعی است که فقط سیمای طبیی دارد و شرایط نامساعد زندگی اجتماعی موجب پیدایش و انتشار آن می‌گردد. تا وقتی‌که عوامل ایجاد کننده و تسریع کننده این بیماری خانمان برانداز، به‌طور کلی از جامعه ریشه کن نگردد و تدابیر لازم وقایوی در برابر آن اتخاذ نشود، نمی‌توان با وسایل دیگری، ولو هرقدر مجهز

### خلق افغانستان قدرت عظیم و واقعی را تشکیل می‌دهد، نه مرتجعین و مستبدین و متنفذین؛ زیرا تنها خلق است که نیروی

محرکه تاریخ را می‌سازد.

### خلق

روید. فقط در این صورت است که خوشبختی و سعادت نصیب خلق خواهد شد و تمام مرتجعین و مستبدین و استعمار گران از میان خواهند رفت و خلق پیروز خواهد شد.

در حالی که دولت اسرائیل با استفاده از کمک‌ها و پشتیبانی همه‌جانبهٔ مادی و معنوی دول امپریالیستی که در رأس آن‌ها آمریکا، آلمان غرب و

متن در ی:

## شعارهای جریان دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت اول ماه می

کارگران و زحمتکشان ستمدیده افغانستان!

جریان دموکراتیک خلق افغانستان بهترین تبریکات، عالی‌ترین آرزوها و درودهای پرشور خود را به مناسبت روز اول ماه می، جشن پرشکوه و باعظمت کارگران جهان، به شما که در فابریکه ها و معادن، جاده‌ها و ساختمان‌ها، کارگاه‌ها و کشتزارها در شرایط بسیار دشوار بکار اشتغال دارید، تقدیم می‌دارد.

کارگران جهان، روز اول ماه می را به‌عنوان سنت ارزنده و پرجلال خویش با شور و هیجان وصف ناپذیری جشن می‌گیرند.

نیروی دموکراتیک خلق افغانستان به حیث جریان پیش‌آهنگ طبقه کارگر کشور، این سنت ستوده را گرمای می‌دارد و وظیفهٔ خود می‌داند که پرچم پرافتخار مبارزه درخشان طبقهٔ کارگر افغانستان را برافراشته نگهدارد و برای به رسمیت شنا ختن روز اول می به‌عنوان «روز جشن کارگران «مبارزات خستگی ناپذیر خویش را دنبال نماید.

کار گران مبارز کشور!

آگاهی طبقاتی و شعور سیاسی‌تان را بالا برید، از تسلیم طلبی، سازش‌کاری و ابن‌الوقتی اجتناب ورزید و در راه ماجراجویی و انقلابی گری دروغین گام نگذارید و به ماجراجویان و تفرقه‌اندازان، انشعاب گران و فتنه انگیزان در عرصه‌های مختلف مبارزهٔ خلق زحمتکش جواب دندان شکن دهید و تحریکات توطئه آمیز نهضت شکنان را که به دستور ارتجاع صورت می‌گیرد، خنثی سازید!

زنده و استوار باد اتحاد و همبستگی خلل ناپذیر دهفتانان، پیشه‌وران، روشنفکران، محصلان و متعلمان ترقی‌خواه وطن‌پرست با طبقه پیش‌آهنگ و دورانساز افغانستان!

- به خاطر تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و به پیروزی رسانیدن جنبش رهایی‌بخش ملی و اجتماعی ضد فئودالیزم و ضد امپریالیزم،
- به خاطر بلند بردن سطح دستمزدها متناسب به مخارج زندگی، تأمین بیمه‌های صحنی و اجتماعی، به وجود آوردن قانون دموکراتیک و مترقی کار و کارگر و به دست آوردن حقوق صنفی و اجتماعی تمام کارگران کشور و ایجاد اتحادیه‌های صنفی و کارگری،

- به خاطر رهایی کارگران زندانی و علیه تعقیبات ضد دموکراتیک و اخراج کارگران از کار، دفاع از بیکاران و رفع بیکاری،

- به خاطر برون راندن تجاوزکاران امپریالیزم امریکا از ویتنام و تأمین صلح پایدار در آنجا،

- به خاطر مساعی فعالانه و ثمربخش بر ضد تجاوز اسرانیل و تحریکات امپریالیستی در شرق میانه،

- به خاطر استقرار صلح در جهان و دوستی ملل،

- بالاخره به خاطر مبارزه بر ضد هر نوع ظلم و ستم، تمام اشکال استعمار و به‌منظور نجات ملی و اجتماعی خلق‌های سراسر جهان!

- درود گرم به طبقه کار گران افغانستان!

- استوار باد وحدت طبقه کارگر افغانستان!

- پیروز باد مبارزه مقدس کارگران افغانستان برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی و رفاه اجتماعی!

- فرخنده باد جشن اول ماه می، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان

عرب حالت جنگی واقعی وجود دارد، در زمانی که اسرائیل با تعرضات و تجاوزات مکرر خود بر دول عربی و بی‌اعتنائی به فیصله‌های متعدد شورای امنیت و بی‌پروایی مغرورانه در برابر اعتراضات افکار عامه جهان وقوع یک جنگ دیگر جنگی به‌مراتب شدیدتر و وسیع‌تر را با اعراب ناگزیر می‌سازد در وقتی‌که جنگ وحشیانه امپریالیزم علیه مردم ویتنام بشدت وحدت بی‌سابقهیی رسیده است و امپریالیست‌های آمریکایی بساط آدم کشی و خانمان سوزی در ویتنام گسترده و با تجاوزات مکرر خود بر لاوس و کمبودیا نزدیک است آتش جنگ را در تمام حوزه جنوب شرق آسیا شعلهور سازد، در حالی که کنفرانس صلح پاریس هنوز موفق نشده است و نتوانسته بنا بر کارشکنی‌های ارتجاع سیگونی و حامیان آن راه حل سیاسی برای پرابلم ویتنام پیدا کند و بالاخره در زمانی که کنفرانس چهار دولت بزرگ هنوز نتوانسته است بنا بر سنگ‌اندازی‌های صهیونیان جهان و دیگر نیروهای امپریالیستی ذنیف، حل شرافتمندانهیی برای پرابلم شرق میانه تدارک نماید، نیروهای جنگی طلب و دشمنان صلح بار دیگر با مداخله در امور داخلی یک کشور مستقل و تجاوز بر حق حاکمیت ملی آن صلح و امنیت شرق اقصی را به خطر مواجه ساخت.

حادثهٔ شرم آور دستگیر شدن کشتی جاسوسی امریکا در آب‌های ساحلی جمهوری دموکراتیک کوریای شمالی هنوز از خاطره‌ها فراموشی نگریده

که این واقعه تجاوز طیاره جاسوسی امریکا بر قلمرو فضائی کوریای شمالی با دیگر اوضاع شرق دور را متنسج و متنسج‌تر ساخت. به تاریخ ۱۵ - اپریل ۱۹۶۹ (۲۶ حمل ۱۳۴۸) یک طیارهٔ جاسوسی ایالات متحده امریکا از نوع (پی. پی) سی ۱۲۱) با سی‌ویک نفر سرنشین و به‌اندازهٔ شش تن عصری‌ترین سامان الکترونیکی جاسوسی خویش به قلمرو فضائی کوریای شمالی تجاوز نمود و قوای هوایی کوریای شمالی طیاره مذکور را سقوط داده و اعتراضیهٔ شدید خود را بدین مناسبت به حکومت امریکا صادر نمود. محافل حاکمه ارتجاعی امریکا، که این بار نیز مشت شان را

م.ا. خبیر

## امپریالیزم صلح جهانی را تهدید می‌کند

بازشده یافتند، بجای اینکه به جرم خویش، تجاوز صریح بر حق حاکمیت ملی کوریای شمالی، اعتراف نمایند و غفو بخوانند، چنان برافروخته و عصبانی شدند که گویی کدام تجاوزی از طرف طیاره یا طیارات کوریای شمالی بر حاکمیت ملی‌شان صورت گرفته باشد. بعضی ازین محافل برای پوشاندن جرم خود از حکومت آن کشور تقاضای اقدامات نظامی را علیه کوریای شمالی نمودند. عدیهی از سناتوران مست و مغرور امریکا حتی موضوع استعمال سلاح ذروی را علیه کوریای شمالی بمیان آوردند.

عسکر آن کشور در کوریای جنوبی و منافع ملی امریکا «مجاز» می‌داند و تجاوز صریح بر حقوق بین‌الدول و منشور ملل متحد به شیوه دیرینه خود و دیگر کشورهای استعمارگر دلیلی که ارائه می‌نماید اینست که امریکا اجرای همجو مأموریت‌های جاسوسی را به‌منظور حفظ امنیت (۵۶) هزار عسکر آن کشور در کوریای جنوبی و منافع ملی امریکا «مجاز» می‌داند و بعد از این هم پروازهای به‌اصطلاح اکتشافی، جاسوسی خود را در آب‌های جاپان محفوظ‌تر ادامه خواهد داد.

کشتی‌های جنگی و طیاره بردار ثقیل امریکا بسوی بحیرهٔ جاپان بحر کت در آمد، قوای نظامی کوریای جنوبی به حال تیارسی در آورده شد و پروازهای جاسوسی در آب‌های نزدیک به سواحل کوریای شمالی از سر گرفته شد. به اینصورت اوضاع به حرکت در آمد، قوای نظامی کوریای عمل تحریک آمیز امریکا بحرانی‌تر گردید.

اگر نگاه مختصری به کروئولوژی واقعات در مدت بعد از جنگ عمومی دوم انداخته شود، دیده می‌شود که حکومت امریکا مانند هر کشو استعمارگر دیگر در هر وقت برای پوشاندن نیت اصلی خویش در تجاوزات نظامی و اجرای اعمال جاسوسی و مداخله در کشورهای دیگر بهانه‌هایی از قبیل مقابله با «تهدید کمونیزم» حفظ جهان آزاد (!) از «خطر» موهوم کمونیزم، منافع ملی امریکا و غیره پیش نموده است؛ مثلاً بر اساس همین بهانه‌ها بود که در سال ۱۹۵۴ از بحر و هوا بر گواتیمالا هجوم برد و حکومت ملی را

(ص ۲)

### د بشریت پر ضد جرایم

په ملگروملتو کی د سوریی نماینده د یوه لیک په ترڅ کی د امنیت د شوری رئیس ته ویلی دی چه د اسرانیلو مشران په نیول شویو عربی سیمو کی ضدبشری جنایاتو ته لاس اچولی دی.

په لیک کی ویل شویدی چه په ملگروملتو کی د اسرانیلو نماینده کو شش کوی چه دا جنایات «داور بند له کرنی نه هغه خوا د اسرانیلوله لوری دفاعی تدا بیر «وښی. مگر آیا د سوله ایزو کلیو تخریب، د کورونو نړول او د ملکی وگړو ډله ایز قتلو دفاعی تدابیر بلل کیدای شی؟

په مکتوب کی وړاندی ویل کیږی: دا تصاد فی نده چه اسرانیل دخپلو دروغو د رښتیا کیدو له ویری لاتر اوسه د ملگرو ملتو دعوومی منشی د خصوصی نما ینده له منلو نه په اشغا لی سیمو کی ډده کوی.

په لیک دي خبري ته ا شاره شویده چه د اسرانیلی مشر نو او پارلمانی غړو رسمی ویناوی کومی چه په اسرانیلی مطبوعاتو کی خپری شویدی په ډاگه ښیی چه اسرانیل اشغال شوی سیمی دا سرانیلی دولت جز بولی.

دسوریی د نما ینده لیک دامنیت دشوريی د رسمی سند په حیث په ملگرو ملتو کی وویشل شو.

(ص ۴)

شگفت آور است که علی رغم حقایق علمی ایکه در شماره گذشته توضیح شد، سوسیالیست‌های سابقه دار (!) ما حکم قاطع صادر می‌کنند که «فلان و بهمان اشخاص بنا بر موقعیت طبقاتی خویش مبارزه کرده نمی‌توانند و باید از صف نبرد خارج گردند.» ولی آقایان! چه باید کرد «بخواهید یا نخواهید زمین می‌چرخد»، این اشخاصی را که شما میگویید مبارزه نکنند کاملاً زندگی خود را وقف تئوری علمی و پرکتیک مبارزه نهضت مترقی و کارگری کرده و می‌کنند.

به‌هرحال بگذار این آقایان در غلاف خویش به پیچند و بر خود رنگ کارگری بزنند. ما بر اساس تئوری علمی می‌گویم که چنین طرز تفکر در حقیقت خلغ سلاح کردن طبقه کارگر و خلق افغانستان از عناصر آگاه و روشنفکران انقلابی است که نتیجه آن همانا فلج ساختن مبارزه عمومی سیاسی زحمتکشان علیه ارتجاع و امپریالیزم است.

باید این آقایان بدانند که در جریان قرن نزدهم و حتی نیمه قرن بیستم که تعدادی از روشنفکران انقلابی از قشرهای مختلف اجتماعی، به‌موازات بیداری خود به خودی توده‌های کارگر به تئوری سوسیال دموکراسی (با سوسیال دموکراسی معاصر اشتباه نشود) مسلح می‌گردیدند و به‌سوی کارگران روی می‌آوردند، مورد دفاع رهبران بزرگ پرولتاریا قرار می‌گرفتند. لِهذا طبیعی است در شرایط معاصر جهان که سوسیالیزم واقعاً با پیروزی‌های خود نیروی جاذبه عظیمی کسب کرده است و به‌طور رو افزونی اذهان و قلوب خلق‌های جهان را به‌سوی خود جلب می‌کند و در شیوه حرکت طبقات غیر زحمتکش تأثیر انقلابی می‌بخشد و نظرات ایدئولوژیکی طبقات دیگر را درهم می‌کوبد و حتی دموکرات‌های انقلابی را به‌سوی تئوری علمی می‌کشاند، پس به کدام جرأت عناصری (آن‌هم خود مربوط به روشنفکران بورژوازی و می‌دهند حکم صادر (دارا) به خود حق می‌دهند حکم صادر نمایند که جوانان و روشنفکران انقلابی مربوط به طبقات روشنفکران بورژوازی و می‌کنند (دارا) به خود حق می‌دهند حکم صادر انقلابی مربوط به طبقات غیر زحمتکش حَق ندارند به‌سوی سوسیالیزم علمی بگردانند و به مواضع طبقه کارگر قرار گیرند. آیا در حال حاضر، در شرایطی که نظام جهانی سوسیالیزم نیرومندی روز افزونی کسب می‌نماید و جریانات انقلابی تسریع می‌گردد، چگونه می‌توان جرأت کرد صرفاً زیر شعار «مبارزه طبقاتی «خود را تسکین داد و آن را خارج از چوکات اصول در داخل جریان پیش‌آهنگ طرح کرد، و با بی‌شرمی عیان جلو نفوذ تئوری سوسیالیزم علمی را در میان روشنفکران و عناصر آگاه مترقی منسوب به طبقات غیر زحمتکش جزء نمایندگان ارتجاع و امپریالیزم دیگر هیچ نیروی اجتماعی به عهده گرفته نمی‌تواند، در غیر آن جسارت به چنین امری از آن نوع پررونی‌های است که تاریخ سوسیالیزم نظیرش را ندیده است.

این آقایان، ترقی‌خواهان (!) حتی این کلام مشهور را فراموش کرده‌اند که می‌گوید: «اگر دموکرات انقلابی یا نماینده بورژوازی ملی بخواهد یک گام به‌پیش بردارد، وظیفه یک ... (پیشرو مترقی - نویسنده) آنست که به او کمک کند تا دو گام بردارد.»

به عقیده این آقایان که نقشی عناصر آگاه روشنفکران انقلابی را در جنبش مترقی رد می‌نمایند، باید ده‌ها سال انتظار کشید تا طبقهٔ کارگر از درون خود عناصر آگاه و پیشاهنگی بروز دهد. چنین طرز برخوردی به مسأله، در واقعیت تسلیم شدن به جریان خود به خودی نهضت کارگری و انکار از نقش رهنمون پیش‌آهنگ می‌باشد، و با به عبارت دیگر بمنزله تبلیغ «دنباله روی و تبدیل کردن پیش‌آهنگ و عناصر آگاه» به قوه عاقل و تماشاکر جریان خودبه‌خودی و اتکاء محض به (سیر طبیعی و افعات است که باز هم نتیجهٔ آن محکوم ساختن زحمتکشان کشور به اسارت می‌باشد. این‌گونه تبلیغات بخصوص در دوران معاصر جهان در کشور ما به معنی آنست که کار را تا سرحد از میان بردن پیش‌آهنگ طبقه کارگر بکشاند و طبقهٔ

- ۲ -

## چرا باید کارگر کرد؟

کارگر را در برابر نظام نیرومند سیاسی طبقه حاکمه خلغ سلاح کند. لِهذا این نوع تبلیغات صاف و ساده خیانت به خلق کارگر کشور است. به‌صراحت نشان داده شد «که در برابر جنبش خودبه‌خودی کارگری و توده‌های وسیع خلق سر فرود آوردن و نقش «عناصر آگاه» را پست شمردن، نقش فهم سوسیالیستی، تئوری سوسیالیستی را تنزل دادن، معنی آن: اولاً مسخره کردن کارگرانی است که به‌سوی فهم و ادراک چون به‌سوی روشنایی رو آور می‌شوند و ثانیاً بی‌بها ساختن تئوری در چشم حزب، یعنی بی‌قدر نمودن آن سلاحی است که حزب به مدد آن حال حاضر را شناخته و آینده را پیش بینی می‌کند و ثالثاً، غلتیدن به‌طور کامل و قطعی در منجلاب اپورتونیزم است.» سؤال درین جاست که در شرایط کنونی فودالی کشور «عناصر آگاه» کیانند و تئوری سوسیالیستی را کدام قشر در میان توده‌های وسیع خلق و طبقه کارگر جوان کشور «وارد» می‌کند؟

جواب ساده و آشکار است، از آنجائی که خلق کارگر کشور ما هنوز در اعماق جهل و ظلمت نگه‌داشته شده‌اند و امکانات مادی و وقت فارغ در دست ندارند که چون روشنفکران مترقی مربوط به طبقات دارا، متوسط خرده مالک (که به موضع دفاع از منافع طبقه کارگر قرار می‌گیرند) از فهم تئوری علمی برخوردار گردند، طبیعی‌ست که «عناصر آگاه» در شرایط کنونی از میان طبقات و قشرهای نامبرده «کاملاً مستقل از رشد خودبه‌خودی جنبش کارگری» به وجود می‌آیند و این‌ها هستند که ایدئولوژی سوسیالیستی را در میان کارگران ترویج و تبلیغ می‌نمایند. کسانی که ادعا می‌کنند تئوری علمی تنها می‌تواند از داخل نهضت خودبه‌خودی طبقه کارگر بیدار گردد، در واقعیت طبقه کارگر را فریب می‌دهند؛ زیرا ایدئولوژی سوسیالیستی نه محصول نهضت خودبه‌خودی کارگران، بلکه محصول دانش است. کسانی که لزوم به وجود آوردن آگاهی سوسیالیستی را در شرایط کنونی کشور از طرف «عناصر آگاه» انکار می‌نمایند، در حقیقت اندیشهٔ آمیزش نهضت کارگری را با سوسیالیزم از میان می‌برند، به بورژوازی کمک می‌رسانند و در آخرین تحلیل، آن‌ها علی رغم ظاهر هر چه چپ و ناسزا گوئی به مبارزین مترقی، به‌مثابه اپورتونیست‌های راست، عمل می‌نمایند و خود وسیله نفوذ بورژوازی و سیاست امپریالیستی در میان طبقه کارگر

کشور ما قرار می‌گیرند و نهضت رهایی بخش ملی و اجتماعی افغانستان را سال‌ها عقب می‌اندازند. درین جاست که تعالیم اساسی تئوری علمی نشان می‌دهد گروهی که پهلوی اپورتونیستی نهضت پیشرو کشور ما را به وجود آورده‌اند و از بنده اصلی جریان، دموکراتیک خلق افغانستان جداشده‌اند، چطور ماهیثاً روی سکهٔ انحراف راست را در نهضت مترقی و کارگری کشور، تشکیل داده‌اند. باید خاطر‌نشان ساخت که تنها این انحراف اساسی موجب آن گردیده است که ده‌ها انحراف دیگر و تجدید نظر طلبی در عرصه ایدئولوژی، سیاسی، اصول سازمانی، تکنیک و تئوری این آقایان رخ دهد که به نحوی از انحاء قسمتی از آن‌ها را در جریده برچم انعکاس داده‌ایم و اگر مجال و فرصت ماند، قدم به قدم بازهم در چوکیات اصول و اخلاق مترقی بیشتر توضیح خواهیم کرد. ولی آنچه قابل تذکر است و باید درین مقاله مختصراً یادآوری شود همانا کم بها دادن این آقایان «فهرمانان مبارزه طبقاتی» به مبارزه و تبلیغات سیاسی و افشاگری‌های سیاسی می‌باشد که حتی این اصل را که «طبقه کارگر، مبارز پیش‌قدم در راه دموکراسی» است به دیده شک و تردید می‌نگرند و مبارزه در راه دموکراسی را تنها جزه وظایف بورژوازی می‌پندارند. این شاغلو با دشمن‌های شتابکارانه و افتراات خویش متوجه نمی‌شوند که هرگاه طبقه کارگر منجمله در راه دموکراسی مبارزه نکند، چگونه می‌تواند هژمونی (سرکردگی) خود و پیش‌آهنگ خود را در جنبش دموکراتیک و ملی تأمین نماید. این چنین طرز تلقی تسلیم شدن به سرکردگی بورژوازی در جنبش دموکراتیک و ملی نیست و صرف با عبارت پرداززی‌های «مبارزه طبقاتی، غلظیدن در منجلاب اپورتونیزم راست نیست؟

همچنان نکته دیگری که در روی سکهٔ منحرفین راست و چپ کشور ما ضرب خورده است اینست که بکار سازمانی مطابق به شرایط، چقدر محدود و بدوی و غیراصولی و روی اتکاء به کاریگاتور کیش شخصیت تیپ قبیله وی، به‌طور افشاگرانه برخورد می‌گردد. بر اساس چنین نظرات و تلقینات نادرست است که متأسفانه اکنون عدیی از عناصر «ترقی‌خواه» کشور ما به خرده کاری مدش دچارند و چون «وحشیان همدیگر خود را می‌خورند» و شعوری و غیر شعوری نقش پلایس ارتجاع را علیه جریان صدیق دموکراتیک خلق

# چرا باید کرد؟

## باید وضع موجود را از میان برداشت

افغانستان ایفاء می‌کنند ...

وظیفه حکم می‌نماید که هر چه زودتر با این خرده کاری مدشش که در بین نیروهای پیشرو نهضت رایج است، مبارزه کرد و جداً تصمیم گرفت تا ازین وضع رهایی یافت.

پیش‌تر اشاره کردیم که یک عده محدود از جوانان ما که بدون پیوند با خلق به‌سوی ایدئولوژی سوسیالیزم گرایش می‌یابند، به شیوه بسیار کودکنانه و بدوی به یورش‌های روزمره می‌پردازند. عیب عمدهٔ کار درین جاست که جوانان ما بدون آمادگی و تدارکات و مهمات با آخرین و نهایی‌ترین شعارهای انقلابی، آن‌هم در چند جادهٔ شهر به نبرد غول ارتجاع می‌روند، این جوانان پاک نهاد ما با از برکردن چند نقل قول انقلابی و چند فحش و تهمت به مخالفین و رقبای معرفی شده سیاسی، بدون داشتن هیچ‌گونه رابطه با خلق و اتحاد عمل با گروه‌ها و نیروهای دموکراتیک و چپ، بدون هیچ‌گونه سازمان دادن، بدون مطالعه اوضاع و احوال، بدون داشتن نقشه مرتب فعالیت برای یک مدت نسبتاً طولانی به «اقدامات فوری انقلابی دست می‌زنند و بنا بر حسن توجه عدهٔ محدود تهیهیج را بیشتر از حد معین شرایط و غیرقابل قبول برای مردم، وسیع‌تر و وسیع‌تر می‌سازند و چون کبکی که سرش را زیر ریگ مخفی می‌کند، به خیال اینکه هر چیز در اطراف شان ناپدید می‌شود، ناشیانه دست به نشرات می‌زنند، هم خود و هم دیگران را زیر ضربه قرار می‌دهند و به‌صورت مکانیکی و ذهنی نمایش‌های تحریک کننده و بدون موضوع و محدودی را (بدون پیوند با نهضت‌های واقعی اعتصابی و تظاهرات ثمر بخش صنفی و سیاسی) تشکیل می‌دهند و سرانجام به عملیات انقلابی (!) و شعار رفتن میان خلق‌ها (به پارک زرنگار و جاده‌های تجاری و معاملات عمده فروشی) می‌پردازند (!)

تجربه چند سال اخیر نشان می‌دهد که قسمت بیشتر این «عملیات انقلابی» بنا بر نداشتن نقشه منظم و وحدت و اتحاد محافل و نیروهای پیشرو به ناکامی انجامیده است و پولیس تقریباً همهٔ مخالفین را که غالباً شاگردان و محصلان می‌باشند در لست سیاه خویش برای به دام انداختن ثبت کرده است.

با وصف اینکه این وضع نوعی از بیماری رشد است و بمنزله یکی از شرایط جلب افراد بجهت جنبش بشمار می‌رود، ولی باید خاطر نشان ساخت که دیگر نمی‌توان به این شیوه و وضع دوام داد. بخصوص اینکه

اشیانه‌های ارتجاع افغانستان به کمک شبکه‌های استخباراتی امپریالیستی ظاهراً با سکوت مرگیار، اکنون خود را با شرایط نوین مبارزه سازگار ساخته است و توانسته است دسته‌های نفاق افگن، فتنه انگیز و جواسیس خود را با کامل‌ترین وسایل مادی و فکری مجهز گرداند و در میان گروه‌های ترقی نفوذ دهد. هم اکنون کارگران و مردم فریاد می‌کشند که این روشنفکران با ناسنجیدگی زیاده از حد کارها را خراب می‌کنند!

امروز دیگر معلوم است که این خرده کاری به‌منزله یک بیماری کودکی چپ روانه ایست که دیگر برای خلق کشور عزیز غیرقابل تحمل می‌گردد. بد بختی بزرگ اینست که موضوع‌گیری این گروه ناچیز (در نهضت مترقی کارگری) روی دیگر سکه «انحراف چپ» را در جنبش دموکراتیک ملی و اجتماعی ما تشکیل می‌دهد و برای تیرنه خویش از انحراف کوشش می‌کنند که به آن شکل یک «تئوری صحیح و کامل عیار» بدهند.

بدین ترتیب هردوی این خط‌مشی‌ها یعنی هم خط‌مشی منحرفین راست و هم خط‌مشی منحرفین چپ به‌اصطلاح «انقلابی‌ها» در وضع موجود در حالی که بیماری کودکی، خرده کاری، محفل بازی سخت دام‌گیر آن‌هاست و بالاخره سپر خواهند انداختن مسأله حاد جنبش دموکراتیک و مترقی‌ما را تشکیل می‌دهد.

علی رغم اینکه انقلابی گران، ما را به «خیانت به انقلاب» محکوم نمایند، وظیفه انقلابی خود میدانیم که بگوییم: باید عوض این شیوهٔ انقلابی گری و فعالیت‌های ماجراجویانه و رجزخوانی‌ها در فکر تمرکز تمام عناصر، محافل و نیروهای ترقی‌خواه کشور افتاد و اقدام به تجهیز یک قدرت دایمی کرد و جریانات مترقی کشور را از حالت کودکی، خرده کاری و محفل بازی برون کشید. کلید حل این مسأله در قدم اول، پیوند تمام «عناصر آگاه» و گروه‌های مترقی در پیرامون یک جریدهٔ سرتاسری افغانستان بوده می‌تواند، که در اوضاع و احوال کنونی جریدهٔ برچم خلق ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان می‌تواند از طریق کار مشترک این وظیفه را با وفاداری انجام دهد؛ زیرا این جریده ایست که بر پایه‌های اصولی نه تنها تبلیغ کننده دسته جمعی و ترویج کننده دسته جمعی است، بلکه همچنین تشکیل دهنده دسته جمعی از حیث ایدئولوژی، سیاسی و سازمانی می‌باشد.

کشته می‌شوند و تعداد کشته شدگان امریکایی به ده‌ها هزار نفر می‌رسد و سالانه هزارها میلیون دالر مصارف نظامی ویتنام بر مردم امریکا تحمیل می‌شود هیچ‌گونه ربطی به منافع واقع و حقیقی مردم امریکا ندارد، بلکه همین جنگ ظالمانه است که منافع ملی مردم امریکا را سخت متضرر ساخته و حیثیت ملت امریکا را در انظار جهانیان پائین آورده است. ما در حالی که مخالف هر نوع تجاوز می‌باشیم، تجاوز طیارات جاسوسی امریکا را بر قلمرو فضائی جمهوریت دموکراتیک کوریا شدیداً تقبیح می‌نماییم؛ و از تمام نیروهای صلح‌نوست و مترقی جهان تقاضا می‌کنیم که جلو تکرار همچو واقعات تحریک آمیز را بگیرند. ما طوری که بارها گفته‌ایم خاموشی در برابر چنین اعمال تجاوزکارانه در حقیقت تأیید تجاوز است به‌طور غیرمستقیم. اگر این تجاوز امروز در میلیون دالر مصارف جنگ ظالمانه عکس‌العمل بماند فردا در جای دیگری واقع می‌شود. مطامع امپریالیزم حدود نمی‌شناسد، و منافع امپریالیزم دوست ندارد.

هرگاه نیروهای ترقی‌خواه پیشرو کشور ما متوجه این امر گردند در آن صورت است که طبقه کارگر کشور می‌تواند مسلح به چنان سازمان واحد طراز نوین و پیش آهنگ و بیکار جوی گردد که هم اختلافات داخل گروه‌های مترقی را حل و فصل کند و هم دیگر نیروهای دموکراتیک را در پیرامون خود جمع نماید و با انعطافیت و متناسب با شرایط به نبرد پیروز‌مندانه مشترک و همه جانبه علیه دشمن مشترک (ارتجاع و امپریالیزم) بپردازد.

تجربه جریانات پیشرو نشان می‌دهد که تنها آن سازمان انقلابی می‌تواند وظایف تاریخی خود را ایفاء کند که مجهز به خصوصیات ذیل باشد:
تئوری و رهبری علمی داشته باشد، تئوری و پرتیک را تلفیق کرده بتواند، تئوری علمی را با شرایط جامعه تطبیق نموده بتواند، به اشکال و انواع مختلف مبارزه آگاهی داشته باشد و متناسب با شرایط آن را عملی کرده بتواند، ترکیب درست سازمانی را از لحاظ رهبری و کادرهای حرفه‌ای و اعضاء عادی دارا باشد، مرامنامه علمأً تنظیم شدیمی درباره هدف‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته باشد، به اساسنامه تیپ نوین که قانون زمین آن را مرکزیت دموکراتیک تشکیل می‌دهد مسلح باشد، به خط مشی روشن استراتژیک و تاکتیکی و شعارهای صحیح مجهز باشد،

ساختمان سازمانی مشخص و مطابق با شرایط زمان و مکان و مبارزه را دارا باشد، پیوند وسیع خود را با مردم از طریق تبلیغات وسیع و تشکیل سازمان‌های توده‌ای (اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، کوپراتیف‌ها، جرگه‌های محلی و غیره و غیره) و شرکت خلق، فعال، و با تقوی در مبارزه روزمره تأمین کند، دارای انضباط و اتوریته کامل باشد، حوادث را پیش‌بینی کرده بتواند و برای سخت‌ترین نبردها آمادگی داشته باشد و بالاخره برای یک دقیقه هم کار حیاتی روزمره خود را فراموش نه نماید.

در خاتمه اینکه:

تحقق مطالب فوق‌الذکر منجمله در صورتی امکان پذیر است که تمام نیروهای صدیق ترقی‌خواه پیشرو وطن‌پرست افغانستان بتوانند (و باید بتوانند) خود را از قید افسون تلقینات و بلند پروازی‌های خودپرستانه محفلی و گروهی، دستورهای این و آن فرماندهان داخلی و خارجی نجات دهند و با مغز خود و بر پایه اصول و احکام جهان‌بینی علمی و انطباق آن در شرایط کشور فکر کنند و بیماری دوره کودکی، خرده کاری و محفل بازی موجود را تشخیص دهند و انحراف راست و چپ را درک کنند و علیه آن‌ها در چهارچوب اصول مبارزه نمایند و خود را برای نبرد مشترک عادلانه رهایی بخش ملی و اجتماعی ضد استبداد، ضد ارتجاع، و امپریالیزم بین‌المللی و بیکار علیه تمام انواع ظلم و ستم اجتماعی و ملی متشکل و آماده سازند.

به‌هرحال اینکه چه وقت و کدام گروه «مترقی» به این دعوت جریان دموکراتیک خلق افغانستان پاسخ مثبت خواهد داد بیشتر به درک علمی و خلقی و مسؤولیت آن‌ها مربوط است. ولی تا جایی که موضوع مطرح بحث بما، به جریان دموکراتیک خلق افغانستان ارتباط می‌گیرد، همکاری رفیقانه و صمیمانه خود را در باره اعلام می‌نماییم؛ زیرا اعتقاد راسخ داریم که این وضع تغییر خواهد کرد و سر انجام به فهم و استواری سوسیالیزم علمی در کشور ما و نیرومندی جریان اصولی دموکراتیک خلق افغانستان این پیش‌آهنگ طبقه کارگر کشور که هم اکنون مظاهر آن در خشم وحشیانه دشمنان ما دیده می‌شود، منجر خواهد شد. و سرانجام خلق رنج‌دیده وطن ما - این آفرینندهٔ تاریخ کشور ما پیروز خواهد شد. روی این حقیقت است که ما به‌عنوان دعوت به تمام عناصر و محافل و گروه‌های مترقی در زمینه سؤال چه باید کرد؟ چنین پاسخ می‌دهیم که: باید وضع موجود را از میان برداشت.

**ببرک کارمل**



# د کنړ د خلکو دردونکی ژوند

تاسی به په تاریخ کي لوستلی وی چه زرگونه کاله د مخه انسانان په غارونو او ونوکی اوسیدل، هغوی څراغ نه لگاوه او نه یی پیژانده. هغوی به حیوانات وژل، غو بنه به یی خورله او له پوستکی نه به یی جامی جوړولی. څوک به چه په جسمی لحاظ زورور و هما غه به مشر او د قبیلی واکدار هم وو.

کله چه د پخوانیو خلکو ژوند په ځینی قصو، روایاتو او فلمونو کی د نوی نسل او اوسنی انسان مطالعی ته وړاندی کیږی، دهغه د حیرانتیا سبب گرژی او د ویری احساس په کینی پیدا کوی. خو دلته په افغانستان کی او منجمله د کنړ په ډیرو درو کی همدا اوس چه د کیهانی الوتو پیړی ده هماغه ژوند مجسم لیدل کیږی. دا خلک لا تراوسه په غارونو کی ژوند

کوی، د حیواناتو پوستکی اغوندی، څراغ نه پیژني اود سونتی د لرگی رڼا ته نا ست وي. داسی خلک د کنړونو په درو کی ډیر دی چه لایی د غنمو بودی په سترگو نه ده لیدلی اود ژوند ډیر ابتدایی مایحتاج نه پیژني، دوی مالگه نده لیدلی او د بوړی، جامی، څپلی سره ندی آشنا.

دا بیوزولی خلک له صحت، علم، کور، جامی او هر هغه شی نه محروم دی کوم چه د لومړنیو پېړیو انسانان ځنی محروم وو. د دی سیمی د زیاریستونکو خلکو ډیر نیکمرغ وگری هغه وی چه د غرونو په لمنو کی یو گوټ پیداکړی، هلته څو ډبری ترینه را تاو کړی او بیا راشی له بنکنه درو څخه په شا باندی یو څه خاوره ور پورته کړی او په هماغه یو دوه کزه خاوره باندی ږدن او یا څه نوری دانی وکړی، کله چه نارینه غرونو او خنگلونو ته په وزو او گډو پسی ځی، میرمنی غرونو ته په توکړیو کی خاوره خپړوی او د څارویو په ځای بویی را کاپړی. د دی خلکو اکثر ماشومان د ناروغی او لوړی په سبب مری او یا کمزوری او میوب را لویږی. په خلکو کی خرافاتو دومره ریشه زغولي ده چه پر هر معقول او منطقی دود دستور باندی غلبه لری.

که څه هم کنړ سرشاره خنگلونه، مست سیند او نور زیات طبیعی منابع لری مگر د دی سیمی زیاریستونکی خلک له ټولو مادی نعمتونو څخه محروم دي. د دی سیمی خنگلونه چه قیمتی لرگی لری د حاکمه طبقاتو تر استفادی او تصرف لاندی دی. تر اوسه پو ری په لس هاوو ملیونه افغانی د کنړ د لرگیو عاید د حاکمه طبقاتو جیبونو ته لویدلی دی. خو زیاریستونکی خلک هماغه سی بی روزی او برېښد گرځی او وروسته پاتی ساتل شویدی.

د کنړ خلک بالکل او په ټوله معنی په مادي او معنوی لحاظ د بشری ټولنو د تاریخ په ډیرو ابتدایی حالاتو کی ژوند کوي او د دوی شاوخوا شتمنی په تیره بی رحمانه توگه د څو محدودو محلی منتقدانو او حاکمه طبقاتو له خوا لوټ کیږی.

که چیری په هیواد کی یو ملی او مترقی نظام موجود وي، د کنړونو سیمه به چه د طبیعی او اقلیمی شرائطو په لحاظ ډیره مساعده ده، یوه پر مخ تللی مرفه، بنیایسته او د مرینت سیمه وه. له پر چم نه زما هیله داده چه د دی مضمون د خپرولو په وسیله د کنړ د زیاریستونکو خلکو چیغه یو وار بیا پورته کاندی.

ر.ج. کنړوال

# بی کفنان

شب دو شنبه ۲۵ حمل ۱۳۴۸ که باران‌های شدید بارید، در ده غوچک سنجدره موجب فروافتادن خانه (شیرافگن) نام شد. متأسفانه این حادثه موجب مرگ رقت بار شش تن از اعضای آن خانواده فقیر گردید.

ساکنان دهکده نیمه شب اجساد هلاک شدگان را از زیر خاک‌ها کشیدند و واقعه را به اداره پو لیس پروان اطلاع دادند. فردا والی پروان، قوماندان پولیس و داکتر ولایت پروان به محل واقعه آمده بعد از مشاهده اجساد اجازه دفن آنان را دادند.

۱.د از **سنجد دره**

من از کارگران اخراج شده پروژه تشریحان استم، من از جمله آنانی استم که هنگام مطالبه حقوق قانونی کارگران، در اعتصابات و مطالبات ایشان اشتراك كردند و قدم به قدم در راه تحقق هدف‌های آنان همراهی نمودند. استبداد که آن‌وقت نخستین بار با مطالبه کارگران، آن‌هم به‌صورت متشکل، روبرو شد، سخت ترسیده بود. از آن رو، سر ملایمت، آشتی و دلداری را گرفته و همین‌که فرصت آورد دست به اخراج، تهدید، تخویف، حبس و حتی تبعید کارگران زد و هیچ انگیزه اخلاقی وطنی و بشری مانع آن نشد که از ستمگری و تجاوز دست بگیرد و یا به کسی رحم کند. مرا هم بعد از آزار و اذیت کافی رانند.

من رقتم به‌سوی شهر (کلان) کابل مرکز بازپرس و عدالت (!) ولی به‌زودی فهمیدم که (آن‌ها) یکی استند! اگر از بلخ، اگر از کندهاریم بیک کشتی توفانی سواریم

# معلمین و متعلمین ولایت غزنی

## از خودسری‌های معارف این ولایت شکایت دارند

در شمارهٔ اول سال دوم پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان، در صفحه اختصاصی «دردها، شکایت‌ها و اعتراضات خلق» مضمونی تحت عنوان «صدای اعتراض معلمین و متعلمین ولایت غزنی علیه اجراءت خودسرانه معارف آنجا» نشر شده است. قضاوت من اینست که بناغلی کیهان نگارنده این مضمون آن‌قدر بجا و واقعی نوشته است

که هر وجدان پرهیزگار و وطن‌پرست آن را تائید می‌کند.

مدیریت معارف ولایت غزنی نظر به ماهیت خود و نظر باینکه تحت نفوذ طبقات و عناصر مرتجع قرار دارد، آزادی و انکشاف علم، فرهنگ و تربیت را دچار توقف نموده است. به‌طور مثال دایر شدن کنفرانس‌ها و محافل علمی در مکاتب (به‌استثنای محافل مرسوم در روزهای خاص که مستقیماً زیر نظر مدیریت معارف و به‌صورت غیرمستقیم زیر اراده و نفوذ مرتجعین برگزار می‌گردد) کاملاً متوقف و معطل است.

نوشتن برای جراید آزاد ملی کار بد تلقی می‌گردد و مطالعه پرچم برای معلمین و متعلمین گناه نابخشودنی و قابل مجازات شمرده می‌شود. قابل توجه این است که مدیریت معارف ولایت غزنی از نشر مضمون کیهان در جریده پرچم دست و پاچه شده و سعی دارد برای رد انتقادات واقعی و بلاتردید آن نویسنده محترم جوابی تهیه نماید. چنانچه باری در مدیریت لیسه سنایی و بار دیگر در مدیریت معارف ولایت غزنی مجالسی ترتیب و از معلمین تقاضا کردند تا جوابی برای مضمون بناغلی کیهان تهیه ببینند. مدیریت معارف سعی دارد تا نویسنده همان مضمون را کشف و با وی به‌اصطلاح معامله اصولی (!) به عمل آرد.

همین حالا معلمین علی رغم اراده خودشان، بدون در نظر گرفتن محل اقامت و مشکلات توان‌فرسای زندگی‌شان، به نقاط بعید از ... معلمین سویه‌های عالی که به مکاتب ابتدایی دور از محل فرستاده شده و بسا از معلمان سویه‌های پایان در لیسه ها مقرر گردیده‌اند. در واقع معارف ولایت غزنی، بیک اداره عذاب دهنده و کینه توز علیه معلمان با سویه تبدیل شده است معلمان و متعلمان وطن‌پرست شدیداً ازین وضع متنفر اند و بشدت مدیریت معارف این ولا را محکوم می‌سازند.

**صیقل از غزنی**

## دوشیزهٔ سیه روزی در چنگال

**ملاک بی‌رحم**

یکنیم جریب باغ که قیمت تخمینی آن ۷۰ هزار افغانی است در عقد نکاح او درآورد.

پدر بیچاره و فقیر در اثر اصرار و پافشاری ملاک و به خاطر پول او قبول دار شد که دخترش را به این فیودال منتفد بزنی بدهد. همان بود که طبق رسوم عدهیی از موسفیدان محل را دعوت نمودند و مراسم عقد نکاح را برپا ساختند. دخترک بیچاره که به‌صورت غیرمترقب و ناگهانی از قضیه اطلاع یافت به‌صورت وحشتناکی گریستن گرفت و عدم رضایت خود را اعلام کرد. حاضرین مجلس نکاح که عدم رضایت دختر را فهمیدند، محل نکاح را به‌صورت اعتراض ترک کردند و نکاح را در عدم رضایت دختر ناجایز شمردند.

فیودال مذکور که از عکس‌العمل مردم به وحشت افتاده بود، دست به دامن وکیل زده و آن مرد منتفد (!) موسفیدان را با تهدید وادار ساخت که در محفل عقد نکاح آن پیرمرد بی‌رحم اشتراك کنند و ناجایز را جایز سازند. اینست نمونهیی از چگونگی زندگی نتگین فیودالان، این دشمنان آسودگی، آزادی و حقوق مردم.

باید نظام فیودالی (ملوک الطوائفی) را نابود کرد و انسان‌های محکوم را از قید بندگی و اسارت آزاد ساخت.

**م. سنقر**، از ولایت بلخ

# دردها، شکایته‌ها و اعتراضات خلق

## ارتکاب اعمال وحشیانه در برابر کارگران به نام امنیت و قانون اساسی

چند داد و فریاد زدم که آخر من افغانستانی هستم، فرزند وطن خودم، تبعید من قانونی نیست، ولی به‌جز تهدید، دشنام، تحقیر و فشار جوابی به من ندادند. در پایان عذر آوردم که صرف همین قدر اجازه بدهید که کلاه بوت و لوازم دیگر خود را از اتاق بر دارم و با معامله داران تصفیة حساب کنیم. ولی سرمامور آنجا شخصاً مرا به موتری انداخت و تحت نظارت از آن ولایت برون کشید و در انجام به من گفت هر گاه درین شهر دیده شوید بدون تحقیق و محاکمه زندانی خواهید شد. به‌حکم اجبار و بدون تحصیل حقوق جزوی که در آنجا داشتیم، از شبرغان برآمدم. در راه قانون اساسی را از جیبم کشیده مطالعه می‌کردم به آنجا رسیدیم، آنجا که تبعید را تحریم کرده است زهر خندی بر لیم پیدا شد و این شعر شاعر پیشتو زبان به خاطرم گذشت که می‌گوید:

محتسب که هر څو چم د احتساب کړی رند پوهیږی چه په زړه کی څه حساب کړی
په قبا کی یی پټ کړی خم د میو که په خوله هر څو وردونه د ثواب کړی
این بود جریانی که بدان مواجه شدم و این مشت نمونه خروار است از آنچه بر کارگران و زحمتکشان وطن می‌گذرد، از پرچم خلق می‌خواهم تا این گزارش را به خاطر افشای افعال خون خورانی نشر کند که به زیر نام قانون و امنیت علیه قانون و بر ضد امنیت زحمت کشان عمل می‌کنند و از ارتجاع پاداش می‌برند.

(م.و.ر)

خلاف... نشان دادند و به دستگاه چنان افاده کردند که «آن‌ها» طرفدار (!) امنیت و فدائیان استقرار سیاسی استند، فلذا روی همین منظور عدهیی از کارگران محل امنیت (!) و اوضاع را اخراج می‌نمایند. این افاده موضع متزلزل ایشان را دو باره استوار کرد و نظام فرتوت موجود که ساخت شیفقه این افاده‌هاست، با تمام قدرت، با پولیس و زندان در محل دفاع از ایشان بر آمد و ایشان نیز که زمینه مساعد یافتند کارگران وطن‌پرست و وفادار به وطن را اخراج و موقعیت‌های حساس را به گماشتگان خود سپردند، تا بعد ازین بجای پاو، چارک بخوردند و آرق هم نزنند. این ستمگران با اعمال نفوذ خود برای بار دوم مدت سیزده روز مرا زندانی کردند و بعد از آن بیست و یک روز به دوسیه‌های مرتبه سر گردانم ساختند و سپس از من استحضاری گرفتند که دیگر به شبرغان نیایم. هر

## مکتب کلکان در معرض انهدام

بی‌پایانی به معارف دارند برین غفلت و شنویه نادرست ارباب معارف اعتراض می‌نمایند و هر چه زودتر نصب آهن پوش مکتب کلکان را که با عرق جبین صدها باغبان و دهقان ساخته شده است، می‌خواهند. مردم می‌گویند: قبل ازین که سقف‌های مکتب بر پسران ما سقوط نماید، آهن پوش آماده آن را نصب کنید

(ص.ز)

## زنان زحمتکش کشور از حقوق بشری محروماند

نشر مرام سازمان دموکراتیک زنان (منتشرهٔ جریده پرچم) که به حیث طلیعهٔ جدیدی در حیات سیاسی و اجتماعی کشور به وجود آمد، برای مبارزه به خاطر حقوق زنان امیدگاه نوینی بود که مورد تائید زنان و دوشیزگان آگاه کشور قرار گرفت.

ما زنان و دختران زحمتکش با حسن نظر و از صمیم قلب این پروگرام نجات بخش را تائید نموده و به طراحان پیشرو آن شاد باش می‌گوییم. در واقع این پرو گرام راه عملی مبارزه در راه تحصیل حقوق زن افغان را گشوده و مادر معاصر وطن را به‌سوی افق‌های روشن زندگی رهنمایی می‌کند.

درد بر زنان پیش رو، بر مادران دلیر و مبارز وطن!

زنده باد زحمتکشان و قائلین‌باقان! پیروز باد نیروی جوان سازمان دموکراتیک زنان!

مرگ بر ارتجاع، استبداد و استعمار!

**پیغله اور**، از **شبرغان**

## حکومت اهالی ولایت غزنی را

به کارهای اجباری وادار می‌سازد

دارد.

به تاریخ ۱۴ حمل حکومت آنجا به همکاری و تشویق فیودالان و منتفدین است: دو سرک شرقی و غربی وجود



# پرچم

*د افغانستان د تڼک دموکراتيک افشارو څپر ووی*

۸ حوت ۱۳۴۸

سليمان لايق

## وضع رقتبار خلق شريف و زحمتکش هزاره

مردم زحمتکش و وطن‌پرست هزاره که عموماً در قلب کوهستانات مرکزی افغانستان زندگی می‌کنند، در امر انکشاف و خدمت به وطن محبوب افغانستان سهم بزرگی ایفا کرده‌اند. این فرزندان زحمتکش در پهلوی سایر برادران زحمتکش وطن، در دشوارترین شرایط محیطی، در گرما و سرما، در دشت‌ها و کوهستانات، به وسائل ساده بیل و کلند تا و سائل غول پیکر ماشینپی، در خدمت آبادی وطن قرار گرفته و پیوسته در خدمت خلق و مادر وطن کمر بسته‌اند.

کارگران پاکدل وطن‌پرست هزاره توانسته‌اند در کوتاهترین مدتی ماشین‌های بزرگی را بکار انداخته و اداره کردن آن را فرا بگیرند و با کار خستگی ناپذیر و عمل خود در شکستن سکوت مرگبار دشت‌های وحشی و رام کردن دریاها و اعمار جاده‌های کوهستانی، اهلیت و وطن‌پرستی خود را ثابت سازند.

صبر و شکیبایی و مداومت در کار، یکی از خصیصه‌های بسیار عالی هموطنان قهرمان هزاره ما می‌باشد. عشق به وطن، دفاع از مصالح عالیه ملی، پابندی به اتحاد و همبستگی مردم وطن و وفاداری به استقلال، تمامیت ارضی و موجودیت افغانستان از صفات روشن و برجسته این خلق زحمتکش است.

ولی متأسفانه نظام فئودالی موجود و وجود شیوه‌های ارتجاعی و کهنه تفکر که توسط طبقات حاکمه ستمگر افاده می‌شود، حیات این مردم نجیب را مانند سایر زحمتکشان کشور دچار ستم و فشار ساخته است.

تحریک تعصبات مذهبی، نژادی و سمتی علیه ایشان، تشنید ستم ملی و استبداد و تقویت نفاق در درون زحمتکشان هزاره، باعث تقویت مناسبات فرتوت فئودالی، باعث تشدید فقر، بی‌سوادی و مرض و باعث عقب ماندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ...

هجوم زحمتکشان هزاره به‌سوی شهرها و مرکز کار در کشور... فشار اقتصادی و ستم متنفذین محلی است که کوچکترین روزنه‌یی را برای زندگی و معیشت خلق هزاره نمانده‌اند و لاچار زحمتکشان بعد ازین که زمین بسیار محدود، حیوانات و خانه گگ سمجی خود را از دست دادند، به‌سوی سر نو شست مجهول می‌شتابند.

این زحمتکشان که بامید آق‌های روشن زندگی در راه‌های سردرگم گام می‌گذارند، بسا که با امراض، آفات و بلاهای تازه مواجه می‌شوند و به حوادث وحشتناکی روبرو می‌گردند.

دردی که از ظلم، استبداد و ستمگری مأموران محلی: ولسوال‌ها، علاقه دارها، مأمورین مالیه، پولیس، څارنوال ها و محاکم ناشی می‌شود تا استخوان مردم بیچاره و بی‌دفاع نفوذ می‌کند. هر محصل حکومتی که پیام و رقع‌های را بنام کسی می‌آورد، محشری در فامیل اشخاص تحت جلب ایجاد می‌نماید. هستی بسیار محدود و عواید بسیار ناچیز سرانه زحمتکشان در برابر سودهای بسیار ظالمانه بزمودی و آسانی آفتابنه زندگی ایشان را به توفان می‌سپارد.

هنگامی‌که زحمتکشان کوچی به هزارهجات می‌آیند مرتجعین و عناصر مربوط به طبقات حاکمه، فتنه‌ها و حوادث دردناکی را بین زحمتکشان هزاره و زحمتکشان بی‌پناه کوچی تحریک و ایجاد می‌کنند و برادران را علیه برادران به خصومت‌ها و زدوخوردها می‌کشانند و خود ازین خوان بیغما استفاده می‌برند، در حالی که اگر يك نظام مترقی در کشور مو جود می‌بود، پرابلم‌های زحمتکشان هزاره و کوچی سال‌ها قبل حل می‌شد و این نیروها به خاطر ایجاد يك وطن آباد و مترقی دوشادوش هم عرق می‌ریختند و در ایجاد کانون گرم خانواده افغانستان همکاری می‌کردند.

قدرت‌های حاکمه علی رغم تظاهرات، تبلیغات و فرستادن هیئت‌ها، هیچ گام مؤثر عملی در بهبود اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم هزاره بلند نکرده‌اند. باوجود امکاناتی که در ساحه زراعت، مالدارۃ، صنایع دستی، تولید لبنیات، تأسیس صنایع ماشینی و بکار انداختن معادن و غیره موجود است، هیچ حرکتی درین راه بمیان نیامده است. در تمام ساحه وسیع هزارمجات بنام جریده و روزنامه و غیره وسایل تنویر و تبلیغ مترقی و مدنی هیچ چیزی وجود ندارد و مردم را به فقر وحشتناک فرهنگی دچار ساخته‌اند. چیزی را که مردم هزاره از مأموران دولتی می‌گیرند تنها توپن، تحقیر و ستم بی‌پایان است ولی آنچه را این مأموران از زحمتکشان هزاره می‌ستانند عبارت از مشک‌های روغن، تخته‌های گلیم، پارچه‌های برگ، پول نقد (شیره جان و جسم آنان) است. این مبادله با وحشت وصف ناپذیری بر خلق هزاره وطن ما تحمیل می‌گردد.

از مکتب، شفخان‌ه و دواخانه جز نامی وجود ندارد. امراض گوناگون از قبیل سل، تراخم و مرض خانمان‌سوز جزام در سراسر هزارهجات شیوع دارد.

از لحاظ تشکیلاتی هزارهجات را به چندین پارچه بی‌ارتباط، از شرقی‌ترین ولایات تا غربی‌ترین ولایات کشور مربوط ساخته‌اند که این وضع باعث مشکلات و رنج‌های نوینی برای خلق هزاره گردیده است. هنوز در هزارمجات اقتصاد طبیعی و اکتفا به خود و شرایط ماقبل فئودالی حکم فرمایی دارد. فقر اقتصادی موجب آن گردیده است که زحمتکشان در مغاره‌های طبیعی، سمج‌ها و معبر برف کوچ‌ها و سیلاب‌ها زندگی کنند و تحت تهدید دائمی بسر برند. چپسما از زحمتکشان که در خانه‌ها و مغاره‌های بی‌نور و بی منفذ با حیوانات خود یکجا زندگی می‌کنند و به انواع امراض مبتلا استند.

سهمی را که زحمتکشان هزاره در اقتصاد کشور به عهده دارند، به‌مراتب وسیع‌تر از کاربست که برای ایشان انجام می‌شود. بیکاری مزمن و انواع آفات اجتماعی به این زحمتکشان روی آورده است.

ارتجاع افغانستان، با وصف اینکه امکانات وسیعی برای ایجاد زندگی متمدن

## په تیره هفته کی

### د نړی مهمی سیاسی پېښی

### د کوریا د ولسی دموکراتیک

#### جمهوریت په ضد د امریکی د متحدو ایالاتو لمسون

د کوریا له خوا د نظامی اوربند له کمیسوین نه غوښتنه شویده چه د اپریل په اتمسمه نیټه غونډه وکړی او د کوریا د ولسی جمهوریت فضایی قلمرو ته د امریکی دیوی جاسوسی الوتکی د ننوتلو په موضوع باندی خبری اتری وکړی.

دکوریا دخبر رسولو مر کزی اژانس په یوه رسمی بیانیه کی چه د کوریا په مطبوعاتو کی خپره شویده وایی چه امریکایی جاسوسی الوتکه چه په ډیپرو عصری وسا یلو مجهزه وه دکوریا د ولسی دموکراتیک جمهوریت قلمرو ته تر زیاتی اندازی ور ننوتلی وه او جاسوسی یی کوله د کوریا د مرکزی خبر رسولو اژانس زیاتوی چه دغه عمل د کوریا دولسی

### په منځنی ختیز کی

په ملگروملتو کی د اردن نماینده د امنیت دشوری رئیس ته شکا یت کړیدی چه بیبا اسرائیلی الوتکو د اوربند د مقرراتو په خلاف په اردن باندی بمباری کړیده. د فرانسی نماینده دجریدو خبریالانو ته په نیویارک کی وویل: «اسرائیل منځنی ختیځ د اور خواته را کاری او پخپله به په هغه کی د سوځی»

د چکوسلواکیی نماینده وویل «د امریکی امپریالییزم د اسرائیلو تر شا ولاړ دی. اسرائیل ددی قدرت په تکیه باندي هره ورځ

عربو تیری کوی او وژنی یی. باید د دیخودسریو مخه ونیوله شی.

د ملگروملتو سرمنشی اوتانت د منځنی ختیځ په باره، پخپله نشر شوی وینا کي ویلی دی:» اوضاح په منځنی ختیز کی ورځ تر ورځی و خیمه کیږی. د امنیت د شوری تصمیمونه نه اجراکیږی. داوربند په کرښو کی جگړه دوام لری. دسویز د کانل په سیمه کی دجگړی خطره احساس کیږی.

\* \* \*

عربی میرمنی د بین‌المللی سره صلیب د اداری په مخکښی داسرائیلی پولیسو د تروریستی رویی به نسبت د ناستی اعتصاب ته ادامه ورکوی. دا بنځی وایی چه عرب د اسرائیلو په وسیله تر شکنجو، اعدام او نورو وحشیانه اعمالو لانسی دی او زندانونه له مبارزینو څخه ډک شویدی. هغوی په ډیر بدحال کی ژوند کوی.

### په ویتنام کی

دشما لی ویتنام د دموکراتیک جمهوریت ضد هوایی یونټونو، دامریکی یوه بله اکتشافی الوتکه را وغورځوله او د امریکی د الوتکو تلفات په شمالی ویتنام کی (۳۲۷۸) چه د امریکا عسکر دی له جنوبی ویتنام نه ورسیدل.

د امریکی خارجه وزیر ویلیم راجرز د اسوشیتدپرس په میلمستیا کی ویلی دی: امریکا هڅه کوی دسایگون قوتونه پیاوړی کاندی. هغه دی پوښتني ته چه دویتنام جگړه به کله پای ته ورسیردی ځواب ورنکړ.

در هزار جات موجود است و باوجود اینکه منابع طبیعی سرشار و قوای بشری کم نظیری را دارا می‌باشد، وضع قرون وسطایی را تحت شرایط استبداد کلاسیک در سرزمین زحمتکشان هزاره حفظ کرده است.

ما بر نظام فئودالی افغانستان و بروکراتان فاسدی که باعث این‌همه بدبختی‌ها در وطن محبوب ما افغانستان گردیده‌اند، اعتراض می‌کنیم و به آواز بلند می‌گوییم:

- دست مأموران فاسد و عناصر تفرقه انداز را از هزارهجات کوتاه کنید!

- متنفذین و سود خواران محلی را لجام بزیند!

- معارف، صحت و کار را برای مردم فراهم کنید!

- مزاحم برادری خلق افغانستان نشوید!

- زنده باد اتحاد تمام زحمتکشان افغانستان!

جاوید باد وطن ما افغانستان!

به مناسبت اول ماه می

جشن کارگران جهان

### زنچیر شکن

کارگر!

من ستایشگر بازوی توانی توأم.

من به اندیشه خلاق تو ایمان دارم.

آه... کاین دست و دماغ تو چه ایجاد گزند!... \*

\* \* \*

کارگر!

راستی شاعر این شعر جهان نام تویی.

نقش گیتی اثر کلك هنر پرور توست.

و آنچه زشت است درین صفحه هستی ز تو نیست. \*

\* \* \*

کارگر!

زندگی از تو شکوهمند و، جهان از تو بیباست.

پتک و سندان تو سازنده هستیست، بخیز!

ای جهانساز، کنون گاه جهانداری توست. \*

\* \* \*

کارگر!

تو هماورد دلبری که، بمیدان نبرد:

تند و تازنده چو سیلی و، گرانپای چو کوه.

شعر جاوید من، حماسه پیروزی توست. \*

\* \* \*

کارگر!

خیز

خیز و به بی باکی سیلاب بخیز،

به شرار افگنی مهر جهانتاب بخیز،

کاخ استم ببر وهستی بیداد بسوز. \*

\* \* \*

کارگر!

زنچیر شکن دشمن دژخیم ستم!

خیز

خیز کاندل افق روشن فردای امید:

پرچم سرخ تو خورشید نجات بشر است!

بارق شفغی

از (ص اول)

## بیماری سل

کټونۍ، این بیماری هلاکتبار مرگزا همچنان در جامعه به موجودیت خویش ادامه خواهد داد و فقط با پدید آمدن تغییرى ماهوى و اساسى در نظام کټونى جامعه و ایجاد شرایط مساعد و مصنوعن، مى‌توان سلامتی مردم را تضمین کرد، نه به‌وسیله تبلیغات و حرکات نمایشی.

بنا بر آن در تحت شرایط مرگبار

از (ص ۳)

## حُکومت اهالی ...

محلی، ترمیم هر دو سرک خواجه

عمرى را به‌صورت بیگار بر دهقانان و مردم غریب آنجا تحمیل کردند. قیلاً صرفت سرک غریبی را به‌صورت بیگار توسط اهالی تحت ستم آنجا اعمار می‌کردند، اما اکنون که قانون اساسی به‌صراحت کار اجباری را ممنوع قرار داده است، هر دو سرک را توسط کار اجباری ترمیم و تعمیر

ورکوی.

په اعلامیه کي ویل کیږی چه دا ترور

په خاصه توگه پدی ورځو کی زیات شوی دی. په ټوله مترقی نړی کی مترقی خلک په ډیره غصه د دی اصلو پر ضد اعتراض کوی.

د ویتنام د خلکو قهرمانانه مبارزه د ټولو سوسیالیستی هیوادونو له خوا او دهغوی په سر کی د شوروی اتحاد له خوا ملاتړ کیږی. هغوی دویتنام له خلکو سره مادی او معنوی مرستی

<b>پرچم</b>	
<b>ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افانستان</b> <p><b>هره دوشنبه خپریږی</b></p>	
<b>دامتیاز خاوند او مسوول مدیر:</b> <p><b>سليمان لايق</b></p> <p><b>آدرس:  زړلښت مارکيت—</b></p> <p><b>محمدجانخان واټ. کابل- افغانستان</b></p> <p><b>ټيلفون: ۲۳۱۶۴</b></p>	<b>د اشتراک بيه</b> <p><b>په کابل کښی د کال: ۱۲۵ افغانی</b></p> <p><b>په ولاياتو او پښتونستان کښی د کال: ۱۴۰ افغانی</b></p> <p><b>په باندنيو هیوادو کښی: ۱۵ ډالر</b></p> <p><b>د جاری حساب نمبر به پښتنی تجارتي بانک کښی ۳۸۵۳</b></p>
<b>د يوه گنی بيه<span> </span>: ۲/۵ افغانی</b>	
<b>تایپ متن: قاسم آسامی، ویرایش جدید: عمر فیض</b>	<b>مطبعه دولتی</b>



پښتو متن:

### په کابل کی د می د لومړی ورخی

#### د جشن د تظاهراتو فیصله لیک

په کابل کینی دمی لومړی ور خ، د کارگرو دطبیقی د قهرمانانه او خلانده مبارزو دغه خاطره او شاندار جشن دخلک ددموکراتیک جریان تر پرچم لاندی په ډیر شور او خوگ ونمانخل شو.

د کابل ښار په دغی له وباره ډکی ورخی کی دبی ساری او له هیجان نه ډک نهضت مظهر و.

ستری مظاهری، له پرچمونو او نارو سره، دکارگرو، خوانو محصلانو، دیوهنی دشاگردانو، دښاریانو او کسب گرو او مترقی روشنفکرانو له تاودو او آتشیو فریادونو سره دخلک ددموکراتیک جریان په لارښوونه او د کار گرو دطبیقی له افتخار ډک او الهام بڼونکی پرچم لاندی برپا شولی.

ددغو سترو مظاهرو په پای کی چه په زر گو نو خوانانو او نجونو او

(۲ مخ)

متن دری:

### قطعنامه تظاهرات جشن اول می

#### روز همبستگی کارگران جهان در کابل

در کابل روز اول ماه می، این جشن شکوهمند و خاطره درخشان مظاهرات قهرمانانه طبقه کارگر، پیشاهنگان بیکارجوی و عصر آفرین جریان درنگ ناپذیر تاریخ، در زیر پرچم ظفرنمون جریان دموکراتیک خلق افغانستان با جلال و غریو لرزانندهای در مرکز کشور ما تجلیل و برگزار شد.

درین روز پرافتخار، شهر کابل مظهر جنبش بی‌نظیر و پرهیجانی بود. تظاهرات عظیم با موجی از پرچم‌ها و شعارها و فریادهای گرم و آتشین کارگران، جوانان محصل، شاگردان معارف، اصناف و اهالی شهر و روشنفکران مترقی که به رهبری جریان پیشتاز دموکراتیک خلق افغانستان و در تحت پرچم گلگون و پرافتخار طبقه دوران‌ساز کارگر صورت گرفت، الهام‌بخش آرزوهای بزرگ و درخشانی برای به پیروزی رسانیدن جنبش آزادی‌بخش ملی و اجتماعی توده‌های ستمدیده خلق افغانستان بشمار می‌رود.

کارگران قهرمان در پایان این روز بزرگ تاریخی، روز همبستگی آهینن

(ص ۲)

دستگیر پنجشیری

## با دشنام و ناسزا نمی‌توان

### حقایق را تحریف کرد

۱۳۴۸ پرچم» انتشار یافته که در آن نویسنده مقاله مذبحانه تلاش کرده است که ضمن یک سلسله دشنام‌ها و اتهامات بی‌پایه، حقایق و واقعیات را تحریف کند و قلب ماهیت دهد و دست به سندسازی زند.

مادر پی آن نیستیم و نمی‌خواهیم که با دشنام‌ها و ناسزاگونی‌ها مقابله نماییم؛ زیرا اصول و اخلاق مترقی چنین اجازه‌ای را بما نمی‌دهد. ولی از آنجاکه متأسفانه موضوع بر ما تحمیل گردیده است، اصولاً ناگزیریم که برای رفع سوءنقاهم، با در نظر داشتن اوضاع و احوال کنونی، بسیار به‌اختصار و با ملاحظه، چند نکته قابل توجه آن را رد کنیم.

در مورد این ادعای بی‌پایه مندرج در مضمون «توضیح مختصر...» که «اختلافات بین نور محمد تره کی و ببرک از آنجا شروع می‌شود که ببرک نمی‌خواست جریده خلق نشر شود و تره کی می‌خواست که نشر شود.» نویسنده «توضیح مختصر...» واقعاً به رهبری دسته‌جمعی طبق اصول زرین مرکزیت دموکراتیک معتقد و بجهان بینی علمی و ایدئولوژی مترقی وفادار باشد، اعتراف خواهد کرد که جریان دموکراتیک خلق افغانستان در اثر تصمیم دسته‌جمعی توانست جریده خلق ناشر افکار دموکراتیک خلق را انتشار دهد.

باز هم می‌توان گفت که اگر بناغلی نویسنده «توضیح مختصر...» تصمیم دسته‌جمعی واصل مرکزیت دموکراتیک را مدار اعتبار می‌داند و بدان اندکترین اعتنائی دارد، ما اکثریت قاطع تصمیم‌گیرندگان در مسأله نشر جریده خلق، بی‌هراس اظهار می‌داریم و شاهد زنده‌ایم که ببرک (کارمل) از حامیان سرسخت و

(ص ۲)

بدون امضائی تحت عنوان «توضیح مختصر بر نشریه تاریخی اول ثور

در شماره ۸ تاریخی ۷ ثور ۱۳۴۸ جریده پیام وجدان مضمون

## تظاهرات عظیم و شکوهمند در تحت پرچم ظفر آفرین جریان

### دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت اول ماه می

نیروی پیشاهنگی طبقه کارگر کشور شکوه و جلال وصفناپذیری داشت و همچنان شعارها و پلاکارت‌هایی به‌وسیله تظاهرکنندگان حمل می‌شد که به عظمت مظاهرات می‌افزود و در آن‌ها شعارهای زیرین چشم می‌خورد:

- درودگرم به طبقه کارگر افغانستان!

- پیآوری دی وی د افغانستان د کارگری طبقی بی‌والی!

- فرخنده باد جشن اول ماه می روز همبستگی کارگران جهان!

- مستحکم باد اتحاد و همبستگی رزمندگان آزادی‌خواه به خاطر استقلال، دموکراسی، آزادی و ترقی.

- مردم آزادی، نان، لباس منزل، دوا و سواد می‌خواهند!

- سرنگون باد فئودالیزم!

- مرده باد استبداد، ارتجاع و ستم ملی!

- سرنگون باد امپریالیزم دشمن عمده خلق‌ها!

- درود پرشور بر خلق قهرمان ویتنام! مرگ بر امپریالیزم!

- پیروز باد مبارزه خلق‌های عرب! نفرین بر تجاوزکاران اسرائیل!

- روز اول می، روز جشن کارگران جهان باید در افغانستان به رسمیت شناخته شود!

- کارگران بیکار، کار می‌خواهند؟

- زندانی کارگران دی خوشی شی!

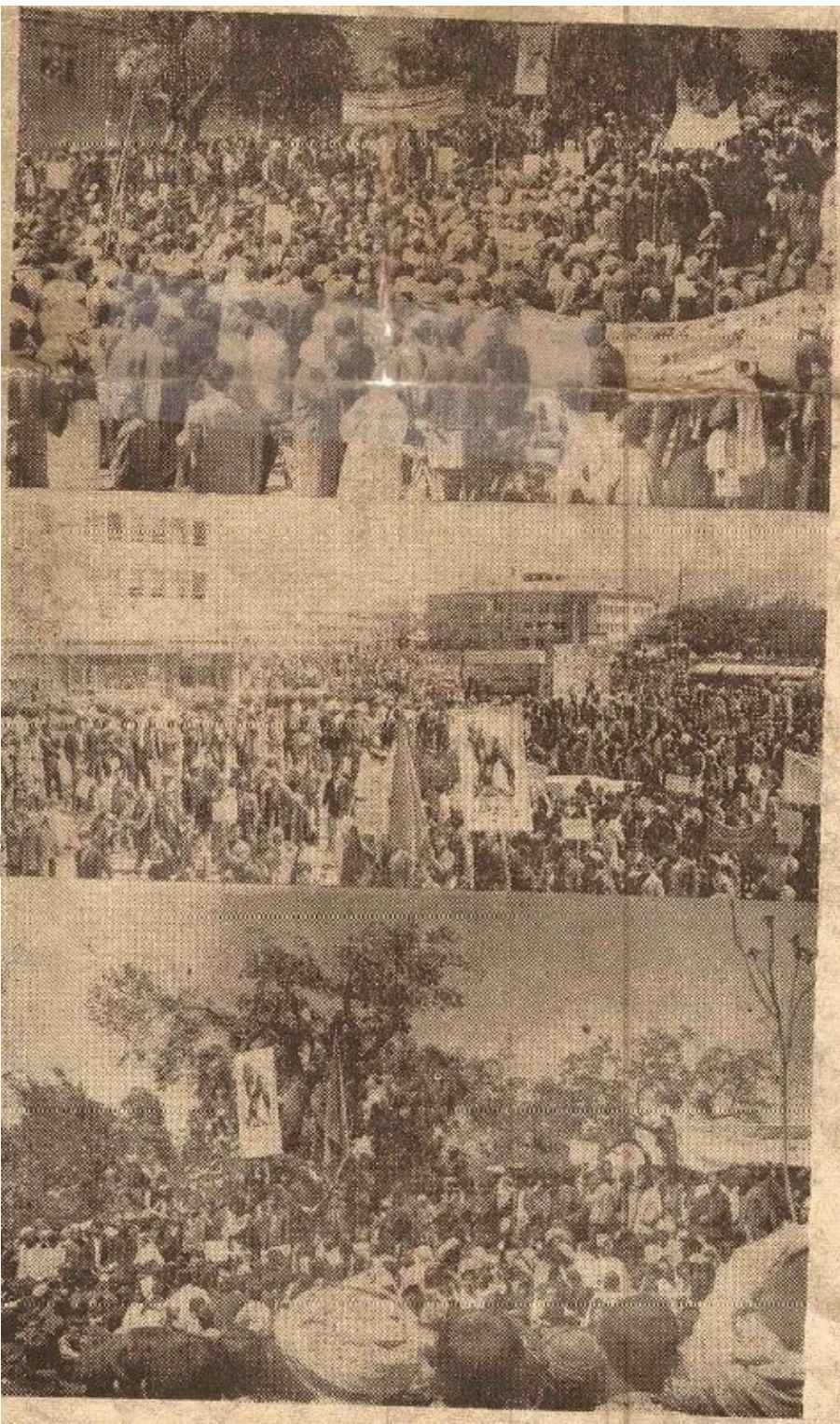
- اتحادیه‌های کارگری باید تشکیل شود!

- کاریگران کار او بزرگان خمکی غواری!

(ص ۳)

جوانان پیشتاز و در تحت پرچم مبارز دموکراتیک خلق افغانستان، این

جمله «کارگر زنجیر شکن» به خط درشت جلب نظر می‌کرد، بدوش



سه صحنه از مظاهرات و میتینگ های جریان دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت روز اول می در شهر کابل

## تشکیل جبهه ائتلافی

### برای مبارزه انتخاباتی وظیفه مبرم و فوری ملی ماست!

در حال حاضر وظیفه مبرم و فوری ملی تمام افراد، محافل، گروه‌ها، سازمان‌ها و نیروهای ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست عبارتست از تشکیل جبهه ائتلاف برای مبارزه انتخاباتی دوره سیزدهم شوری، برای بسیج کردن مردم افغانستان به خاطر شرکت در انتخابات، برای تضعیف جبهه نامقدس طبقات ارتجاعی حاکم و خنثی ساختن دسایس و توطئه‌های محافل ارتجاعی و شبکه‌های فتنه‌گر خارجی در جریان مبارزه انتخاباتی.

اشتباه بزرگی خواهد بود هرگاه یکی از افراد، محافل، گروه‌ها، سازمان‌ها و نیروهای ملی و دموکراتیک ترقی‌خواه وطن‌پرست به‌غلط دشمن عمده را در وضع کنونی بنا بر خودخواهی‌ها و اختلافات درونی و بلندپروازی‌های شخصی و یا سازمانی و تحریک دشمنان داخلی و خارجی ملت افغانستان از میان خود تعیین نمایند و همدیگر خود را در جریان مبارزه انتخاباتی خنثی سازند و در نتیجه باعث پیروزی محافل ارتجاعی در انتخابات شوری گردند.

تا جایی که به جریان دموکراتیک خلق افغانستان مربوط است، با شجاعت و صراحت و صداقت کامل آمادگی خود را برای هرگونه مفاهمه رفیقانه، صمیمانه و دوستانه و گذشت‌های لازم اصولی در باره چگونگی شرکت در مبارزه انتخاباتی، در باره شکل و خصوصیت جبهه ائتلافی، در باره عمل مشترک، پلتفرم مشترک و مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک، در باره تقسیم درست و شمربخش حوزه‌های انتخاباتی اعلام می‌دارد.

هر چه دیر نشده است باید جرگه‌های مشورتی خود را مطابق به سنن عالیه ملی کشور تشکیل داد.

در غیر آن عواقب ناشی از پراگندگی و نفاق میان عناصر واقعاً ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست به عهده نفاق افگنان و فتنه‌گرانی خواهد بود که خلق و ملت افغانستان آن را عفو نخواهد کرد و جریان دموکراتیک خلق افغانستان مطابق به اوضاع و احوال و پالیسی جاری انتخاباتی خود شجاعانه به‌پیش خواهد رفت.

(ج.د.خ.ا)

بارق شفییعی

## شانناز و سندسازی یا کانگستریزم سیاسی

شانناز یا بلك ميل (تهديد)، اصطلاحی‌ست حقوقی که یکی از جنایات بسیار جدی بشمار می‌رود. شانناز در لسان عادی و معمول عبارت است از به دست آوردن پول و یا دیگر منافع پلید از طریق تهدید به افشای معلومات غیراخلاقی و غلط، ارائه اسناد جعلی و یا افشا کننده علیه مقام معنوی شخص موردنظر، یا تهدید اشخاص به از بین بردن جان، مال و حیثیت شان از طریق اعمال تشدد. در جهان غرب مخصوصاً آمریکا کانگسترها و جنایتکاران حرفوی اهداف غارتگرانه شان را به‌وسیله شانناز (تهديد) به دست می‌آورند.

این اصطلاح خارج از قلمرو حقوقی، در مبارزات سیاسی نیز مورد استعمال و استفاده قرار می‌گیرد. مبارزان تیپ کانگسترها، سازمان‌های جاسوسی سی آی ای و دار و دسته‌های سیاسی

پاك ارتجاع و سازمان‌های جاسوسی امپریالیزم بین‌المللی در بین نهضت دموکراتیک و ملی کشور می‌باشند. توسط همین تیپ عناصر و گروه‌های سیاسی است که تفرقه و انشعاب در بین جنبش‌های ملی و دموکراتیک

مترقی جهان و کشور ما عمیق‌تر و وسیع‌تر شده می‌رود و این درست خواست ارتجاع و امپریالیزم جهانی‌ست و توسط همین عناصر است که سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی در ارتجاع داخلی به استفاده‌های سوء از دستاوردهای ساینس و تکنالوژی معاصر اسناد ساختگی، دست‌نویس‌ها، مونتاژ عکس‌ها Tخط‌ها و امضاها، جعلی شخصیت‌های ملی و مترقی را به‌منظور بدنام ساختن آن‌ها و ایجاد سوءنقاهم در داخل جمعیت‌ها، احزاب و دسته بندی‌های سیاسی، توأم با

(ص ۳)

مترقی سلاح «ارجمند» کانگسترهای سیاسی ما گردیده است و آن‌ها در تلاش برای به دست آوردن مقاصد سیاسی‌شان پایند هیچ اصول و هیچ قاعده اخلاقی مترقی نیستند. آن‌ها برای حصول مقاصد و هدف‌های سیاسی خویش به شیوه ماکیاوولی از استعمال هیچ‌گونه وسیله پست و پلید رو نمی‌گردانند.

آن‌ها بیش از هر چیز دیگر پراگماتیست و کاریکاتور به‌منظور بدنام ساختن آن‌ها و ایجاد سوءنقاهم در داخل جمعیت‌ها، احزاب و دسته بندی‌های سیاسی، توأم با بهترین وسیله برای پیشبرد اغراض نا

نشود، اگر فلان یا بهمان شخص به اساس دستور ایشان به «عقب نرود»، اگر جریان دموکراتیک خلق افغانستان از نام و نشان خود نگذرد و بالاخره هرگاه در برابر همه هتاک‌ها، فحش و ناسزاگونی‌های آن‌ها مهر سکوت بر لب زده نشود، آن‌ها «اسناد دارند!»، آن‌ها «اسناد خواهند کشید!» و ده‌ها مطلب دیگر. اکنون دیگر کار بجایی کشیده که سند سازی و سند کشی و ده‌ها افشاگری خائنه دیگر به شیوه کانگسترهای امریکایی بر ضد شخصیت‌های مخالف سیاسی و عناصر صدیق و پاکدامن ملی و

شیوه در کشور ما به شکل بی‌شرمانه‌ای شدت گرفته است و هستند دار و دسته‌هایی که بنا بر خصلت خویش، در برابر عناصر ملی و ترقی‌خواه وطن‌پرست، در پهلوی بکار بردن ده‌ها وسیله پست و ناجوانمردانه دیگر، از سلاح خیانت کارانه شانناز نیز به کمال وقاحت و دیده درآیی استفاده می‌نمایند.

دسته‌های به‌اصطلاح «مترقی» و خلقی نماهای دروغین و خودساخته پیوسته تهدید می‌کنند و ادعا می‌نمایند که اگر به مقاصد ناپاک سیاسی و خواست‌های غیراصولی آن‌ها تن داده



درین اواخر در مطبوعات دولتی و برخی از نشرات ظاهراً غیردولتی راجع به احداث مؤسسات صنعتی کوچک و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی تبلیغاتی صورت می‌گیرد و مطالبی تلقینی نشر می‌گردد، به این مفهوم که برای افغانستان تنها صنایع کوچک متکی به مواد خام زراعتی مفید و ممکن است و بس. درین نشرات پیشنهادهای تشویق‌آمیزی برای حکومت دربارهٔ جلوگیری از ایجاد مؤسسات بزرگ تولیدی، عدم استفاده از مواد معدنی در داخل کشور و در عوض فروش آن به‌طور خام در کشورهای دیگر، با پیش کشیدن دلایل بسیار سطحی، غیرمعمول، بی‌پایه و ضد منافع ملی، ارائه می‌گردد. از آنجایی‌که ممکن است ماهیت واقعی چنین نظرات و پیشنهادها برای هموطنان ما کاملاً روشن نباشد، ما بر این موضوع مختصراً روشنی می‌اندازیم.

هموطنان ارجمند ما مطلع‌اند که پس از تکمیل پلان پنج‌ساله دوم، در حین تدوین به‌اصطلاح پلان پنج‌ساله سوم از طرف حکومت وقت، یک سلسله نظرات ابتکاری (!) طرح گردید مبنی بر اینکه افغانستان «زیربنای اقتصادی جامعه را تکمیل کرده و با به پیشرفت‌های بزرگی (!) درین خصوص نایل آمده است؛ بنا بر آن ضرورت به بذل توجه بیشتر و عمیق‌تر درین زمینه دیده نمی‌شود، بلکه باید در عوض «پروژه‌های کوچک سریع الثمر اقتصادی، اعم از صنعتی و زراعتی احداث گردد. بر اساس این «تئوری «اقتصادی خودساخته و غیرعلمی، اقتصاددانان بنام (!) و بلندگویان طبقهٔ حاکمه جاروجنجال زیادی را به راه انداختند و جهت تقویت این نظریه بکر و خلاق (!) دلایل زیادی تراشیدند و من‌جمله اینکه یگانه عامل تمایل انفلاسیونی در جامعه ما احداث پروژه‌های بزرگ ساختمانی و تولیدی و استخدام بالنسبه وسیع‌تر می‌باشد. ایشان راه خروج ازین وضع را جلو گیری از پیشرفت در امر ساختمان بنیانی جامعه و عدم استخدام تجویز فرمودند.

تصادفی نیست که چنین نظرات و پیشنهادها از طرف بلندگویان هیأت حاکمه افغانستان که خود را پیرو نظرات اقتصاددانان بورژوازی می‌شمرند، ارائه می‌گردد، زیرا اصلاً مسأله صنعتی ساختن کشورهای کم رشد در میان دانشمندان بورژوازی، رهبران سیاسی دول سرمایه داری و مطبوعات غربی طرفداری ندارد، بلکه برعکس در اسناد رسمی و تعدادی بی‌شماری از مقالات در مطبوعات غربی به‌آسانی می‌توان مشاهده کرد که چگونه برای بی‌اعتبار ساختن نظرات و پیشنهادهای مربوط به صنعتی ساختن این کشورها، مذبحخانه تلاش می‌گردد. اقتصاددانان

مدافعان پرشور نشر اخبار سرتاسری افغانستان، خاصه جریدهٔ خلق بوده‌اند. حقیقت مسأله را مبارزات فرکسیون پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغانستان، بخصوص بیانیه‌های مستقل و منطقی وکیل ببرک (کارمل) به دفاع از جریده خلق و همچنان مقاله «وسایل و راه‌هایی که آرمان‌های خلق‌های ستمدیده افغانستان و مرام دموکراتیک خلق را به پیروزی می‌رساند» منتشره از شماره (۳) تا (۵) خود جریده خلق به قلم ببرک (کارمل)، به اثبات می‌رساند. چنانچه در قسمت اول این مقاله مندرج در شماره سوم به قلم ببرک (کارمل) چنین ثبت گردیده است: «پیشروان و مبارزان دموکراتیک خلق بعد از انفاذ فرمان تقنینی مطبوعات تصمیم بر آن گرفتند تا به‌منظور بیداری شعور اجتماعی و نجات خلق‌های مظلوم افغانستان از زیر ستم طبقات و محافل حاکمه و هبستگی محافل مترقی از حیث تشکیلاتی و ایدئولوژی از طریق

غربی سخت می‌کوشند برای موجه جلوه دادن تقسیم کار جهانی سرمایه داری مبنای تئوریکی دست‌وپا نمایند تا بر اساس آن کشورهای کم رشد آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین - عمدتاً به حیث صادر کننده مواد خام برای کشورهای سرمایه داری باقی بمانند و یا بعضاً مواد معدنی را استخراج کرده و به‌صورت خام به کشورهای مزبور در برابر اموال ساخته شده بفروشند. هدف تمام این تلاش‌ها بر پایه هرگونه استدلالی که قرار داده شود، معلوم است و آن

(دلمری مخ پاتی)

## په کابل کی د می د لومړی ...

زيارايسټونكو په كي گډون كړی وو وروسته تر هغه چه دپنار په لويو واټونو وگرځيدلی او په هر ځای كی بی مپټكونو دابر او تاوده تقریرونه وكړل، دا فیصله ليك صادر شو.

- د كارگرو د جشن په عنوان دمی دورخی د په رسمیت پيژندل كيدو دپاره خپلو نه ستړيدونكومبارزو ته ادامه وركوو.

- تسليم طلبان، سازشكاران، ابن‌الوقتان، ماجراغوښتونكي او دروغی انقلابيگران د تل دپاره له خپلو صفوفو څخه شړو. - دكارگرو له طبقی سره به دبزگرو، كسب گرو، روشنفكرانو، دمترقی او وطن پالونكو محصلانو او زده كوونكو د لا زيات اتحاد او پيوستون دپاره په خپلو نه شلیدونكو مبارزو ته دوام وركوو.

- ددموكراتيكو حقوقو او آزاديو د تأمين په خاطر دفيوداليزم او امپرياليزم ضد، آزادی بښونكي ملی او اجتماعی نهضت دسر ته رسولو دپاره خپلو بی‌امانه مجاهدو ته دوام وركوو.

- دژوند له لگښتونو سره متناسب د لاس مزدونو دزياتولو، دصحي او اجتماعی بيمو دتأمين، د كار او كارگر دمترقی اودموكراتيك قانون دندوين، دهيواد د ټولو كارگرو دصنفي او اجتماعی حقوقو دلاس ته راوړلو، دكارگري او صنفي اتحاديو دتاسيس دپاره خپلو پرله پسى مبارزو ته دوام وركوو.

- ددض دموكراتيك تعقيباتو، له كار څخه دكارگرو داخراج، دښوونځيو دشاگردانو له زده كړی څخه دطردولو په ضد جداً اعتراض كوو، له بی روزگارو څخه ملاتړ او د بيكاری په ضد مبارزه كوو.

- دكارگرو، دنجات، غازي اوحبيبي د لیسو د شاگردانو اووطن پرستو ښوونكو د ژر ترژره خلاصون غوښتنه كوو.

- دوپتنام په قهرمان ولس باندی دامريكی د امپرياليزم تيری په كلكه د سره محكموو.

- په منځني ختيځ كی داسرانيلو او دهغو دامپريالستي حاميانو لمسونكي فعاليتونه جداً غندو، په پای كی دملتونو ترمنځ دسولی او دوستی داستقرار په خاطر، دهر ډول ظلم او ستم په ضد، داستعمار د ټولو شكلونو په ضد، دټولی نړی دخلكو دملي او اجتماعی نجات دپاره د خپلو پرله پسى مبارزو اعلان كوو.

- تا و ده درودونو دافغانستان دكارگرو طبقی ته!

- ټينگ دی وی د كارگرو دطبقی نه ماتيدونكي يولي!

- بريالی دی وی دافغانستان دكارگرو او ټولو خلكو مقدسه مبارزه، دسولی، ملی خپلواکی، دموكراسی، اجتماعی تر قی او هوسایی دپاره.

- لوړ دی وی د خلك پرچم، ژوندی دی وی دافغانستان دلك دموكراتيك جريان.

- ښاد دی وی دمی دلومړی ورځی جشن، دنړی د كار گرو او زيارايسټونكو د پيوستون وړخ!

تأسيس جريده سياسي برای سراسر (از ص اول)

افغانستان آغاز به فعالیت کنند ...»

در ضمن بحث مفصل مبنی بر

ضرورت ایجاد ارگان نشراتی، لزوم

نشر جریده خلق و فورمولبندی

وظایف تاریخی آن در پراگراف اخیر

قسمت اول مقاله «وسایل و راه‌ها...»

چنین نتیجه گیری شده است:

(اجمالاً این بود پاسخ منطقی و علمی که چرا جریده دموکراتیک خلق برای سراسر افغانستان تأسیس گردید...)

ما معتقدیم که پابرجاترین و تقم‌ترین سند تاریخی‌ای که می‌تواند به این ادعاهای نادرست نویسنده «توضیح مختصر ...» در پیام وجدان پاسخ دهد، همانا نوشته‌های اصولی و علمی ببرک (کارمل) در جریده خلق می‌باشد که ما صرف به قسمتی از آن در بالا اشاره کردیم.

در مقاله «توضیح مختصر» منتشره در پیام وجدان به شیوه معمول ارتجاع و استعمار از طریق تهدید، به «سندی و دیگر اسناد» اشاره گردیده

# پیشنهاد فروش آهن خام حاجی کگ

## به پاکستان، یعنی چه

جلوگیری از رشد صنعتی این کشورها و به تعویق انداختن پروسهٔ صنعتی شدن آن‌ها می‌باشد. ضرورت به اثبات ندارد که پیشرفت یک کشور بستگی به تولید مادی دارد و تولید ثروت‌های مادی‌ست که نقش تعیین کننده را در سرتاسر تاریخ بشریت در امر تکامل جامعه ایفاء کرده است. رشد و تکامل دانش بشری نیز تا حدود زیادی متکی بر ترقی تولید مادی می‌باشد. باید گفت که در امر تولید ثروت‌های مادی سهم و مقام اول متعلق به صنایع است و

از (ص اول)

## قط‌عنامه تظاهرات جشن اول ...

كارگران سراسر جهان، روز پيشاهنگان جنبش ملی و مترقی کشور بعد از آنکه با اتحاد و پشتيبانی بی‌سابقه روشنفكران و محصلان و متعلمان، اعم از دختران و پسران سرسپرده و وطن‌پرست، پيشه‌وران، زحمتكشان و اهالی شهر كابل که تعداد آن‌ها به هزاران نفر مير سيد، به تظاهرات و نمايش‌های عظيم و شاتداری در جاده‌های شهر پرداختند و در ده‌ها مركز پرجمعیت شهر ميټنگ‌های باشكوه و پرحرارتی تشكيل دادند و بيانیه‌های پرشوری ايراد كردند، قط‌عنامه زيرين را صادر می‌نمایند:

- برای به رسمیت شناختن روز اول می به‌عنوان «روز جشن كارگران» کشور، به مبارزات خستگی ناپذیر خویش ادامه می‌دهیم،

- تسليم طلبان، سازشكاران، ابن‌الوقتان، ماجرا جويان و انقلابيگران دروغين و همچنان تفرقه‌اندازان و انشعاب گران فتنه انگيز را برای همیشه از صفوف رزمنده خویش طرد می‌نماییم،

- برای اتحاد و همبستگی بازم بیشتر و خلل ناپذیر دهقانان و پيشه‌وران، روشنفكران، محصلان و متعلمان ترقی‌خواه و وطن‌پرست با طبقه پيشاهنگ كارگر کشور، مبارزات پيگير خود را دنبال می‌کنیم،

- به خاطر تأمين حقوق و آزادی‌های دموكراتيك و به سرانجام رسانيدن جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی ضد فئوداليزم و ضد امپرياليزم، نبرد بی‌امان خویش را دوام می‌دهیم،

- برای بلند بردن سطح دستمزدها متناسب به مخارج زندگی، تأمين بيمه‌های صهی و اجتماعی، به وجود آوردن قانون دموكراتيك و مترقی كار و كارگر و به دست آوردن حقوق صنفی و اجتماعی همه كارگران کشور و ایجاد اتحادیه‌های صنفی و كارگری مبارزات پيگير خویش را تعقيب می‌نماییم،

- عليه تعقيبات ضد دموكراتيك و اخراج كارگران از كار و طرد شاگردان مكاتب از تحصیل جداً اعتراض و با حمايت از بيكاران و بر ضد بيكاری مبارزه می‌نماییم،

- رهایی هرچه زودتر كارگران و شاگردان ليسه‌های نجات، حبيبيه و غازی و معلمين وطن‌پرست را جداً مطالبه می‌کنیم،

- تجاوازت امپرياليزم امريكا را بر خلق قهرمان وپتنام شديداً محكوم می‌نماییم،

- فعاليت‌های تحريك اميز اسرانيل و حاميان امپرياليستی‌شان را در شرق ميانه جداً تعقيب می‌کنیم،

و در فرجام به خاطر استقرار صلح و دوستی بين ملل و عليه هر نوع ظلم و ستم، تمام اشكال استعمار و به‌منظور نجات ملی و اجتماعی خلق‌های سراسر جهان دوام مبارزات پيگير و بی‌امان خویش را اعلام می‌داريم،

- درود گرم به طبقه كارگر افغانستان!

- استوار باد وحدت آهنين طبقه كارگر!

- پيروز باد مبارزه مقدس كارگران و تمام خلق افغانستان برای صلح، استقلال ملی، دموكراسی، ترقی و رفاه اجتماعی

- برافراشته باد پرچم خلق، زنده و پيروز باد جريان دموكراتيك خلق افغانستان اين پيش آهنگ طبقه كارگر کشور!

-فرخنده باد جشن اول ماه می، روز همبستگی كارگران و زحمتكشان جهان.

سلطان‌علی كشمند

محافل حاکمه ارتجاعی کشور شمرده شود و بر آن‌ها اعتراض گردد که چرا افغانستان باوجود منابع سرشار طبیعی خویش، از لحاظ اقتصادی عقب مانده نگه‌داشته شده و جلو رشد صنعتی آن عمداً گرفته می‌شود؟ پیشنهادهایی از قبیل فروش آهن خام حاجی گگ به پاکستان ارائه می‌گردد.

سؤال مهم درین جاست که چرا حکومت افغانستان در احداث فابریکه نوب آهن تطل به خرج می‌دهد و این امر را کاملاً مسکوت مانده است؟ در حالی که در طی پلان دوم معدن بزرگ آهن حاجی گگ، فیصدی کافی آهن و ذخایر سرشار آن تثبیت شده و طرح اقتصادی آن نیز تنظیم گردیده است. دلایل عمده برای این تعلل شاید قلت پول و پرسونل ماهر و بازار محدود داخلی و بهانه‌های دیگر ازین قبیل باشد، ولی تجربه بسیاری از کشورهای دیگر ثابت کرده است که

این عوامل مانع ایجاد صنایع آهن و فولاد در کشور نمی‌گردد، زیرا طرق حل این پرابلم ها طوری که در نشرات سابق خود مطابق به‌حقایق و ارقام ثابت کرده‌ایم وجود دارد.

در اخیر باید تصریح کرد، ما در حالی که به‌هیچ‌وجه نه تنها مخالف ایجاد صنایع متوسط و خفیف استهلاکی در کشور نیستیم، بلکه رشد وسیع، موزون و همه جانبه آن را خارج از نفوذ سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی، طبق پلان متمرکز و تحت کنترل، موازی و هم آهنگ با احداث صنایع سنگین می‌خواهیم و آن را مفید میدانیم و درین مورد قبلاً تحلیلات علمی و عمیقی در پرچم ارائه گردیده است. ولی معتقدیم همان‌طوری که صنایع سنگین یا به عبارهٔ دیگر صنایع اساسی تهداب رشد اقتصادی هر کشور را تشکیل می‌دهد و شرط اساسی استقلال اقتصادی آن شمرده می‌شود، کشور ما نیز بدون صنایع اساسی بالنسبه رشد یافته و متنوع نمی‌تواند از لحاظ اقتصادی خود را کاملاً مستقل بداند.

ضرورت ایجاد صدها پروژهٔ عظیم ساختمانی، مؤسسات بزرگ اقتصادی صنایع کلیدی که حیثیت مادر و زاینده صنایع دیگر را دارد و عامل اساسی برای رشد وسیع زراعتی کشور شمرده می‌شود، بر پایه بهره برداری از منابع طبیعی سرشار و ذی‌قیمت داخلی، هم اکنون در افغانستان موجود است و این ضرورت علی‌رغم ادعای بلندگویان طبقه حاکمه کشور، به‌هیچ‌وجه منتفی نگردیده است. لذا استقلال اقتصادی وطن ما مسئله‌ز تغییرات عمیق اجتماعی - اقتصادی مانند ملی کردن مؤسسات بزرگ و مهم تولیدی و مالی، ایجاد صنایع مستقل داخلی، ملی کردن تجارت خارجی و طرد کامل هر گونه نفوذ اقتصادی و نمایندگی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کشورهای امپریالیستی و وابسته می‌باشد.

«توضیح مختصر...» منتشره در پیام وجدان آن را نادرست وانمود می‌کند، پس چنین توجیهی بیشتر متوجه آقای صاحب امتیاز می‌گردد که از محل معاش‌های فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق برای متنی به‌مراتب طولانی‌تر به مقادیر بیشتر معاش گرفته است.

این موضوع را که در «توضیح مختصر ...» منتشره در پیام وجدان خارج از چوکات اصول مترقی اتهام زده می‌شود که مدیر مسوول «تجارت سیاسی» می‌نماید و... می‌گذاریم به قضاوت سلیم هموطنان و بخصوص اهل خبره که بیوگرافی و حیات عملی مدیر مسوول و «صاحب امتیاز» جریدهٔ خلق را مطالعه نمایند که کی اپورتنیست بوده و هست و کدام یک از آن‌ها در حیات سیاسی خویش تجارت سیاسی کرده‌اند؟! این موضوع آن‌قدر روشن است که ما ضرورت به تشریح بیوگرافی‌ها نداریم و نمی‌خواهیم در انحراف خرده کاری‌های کودکانه بلغزیم و دشنام و ناسزا را با دشنام و ناسزا پاسخ دهیم.



## فریاد اعتراض اهالی ایکه منازل شان در مسیر سالنگ وات تخریب می‌شود

خانه‌های مسکونی و زمین‌های زراعتی ما که غیر از آن سرپناهی و وسیله‌یی برای ادامه زندگی و تأمین نداریم، در مسیر سالنگ، وات که از جاده محمد جان خان آغاز و حصه اول آن به باغ عمومی زتانه واقع پروان مینه منتهی می‌شود، واقع گردیده و بنا بر تصمیم فوری و عجولانه بناروالی کابل زیر تخریب گرفته شده است. ما با احداث جاده‌های عصری و سرک‌های مدرنی که بتواند مناطق مختلف شهر را به هم وصل کند و در استقرار روابط مدنی بین همشهریان عزیز مؤثر باشد نه تنها مخالفت نداریم، بلکه آن را از ضروریات زندگی شهری در قلب کشور عزیز خویش میدانیم، ولی آنچه ما را به ابراز عکس‌العمل اعتراض آمیز درین زمینه وادار می‌سازد اینست که اولاً پلان اساسی ایکه درین قسمت طرح و تثبیت شده عملی نگردیده و به‌حسب تمایل چند نفر سرمایه دار صاحب قدرت و نفوذ از چندین جا و خلاف نقشه از مسیر اصلی انحراف داده شده است و هنوز هم خط‌سیر واقعی آن تثبیت نگردیده، ثانیاً قبل از تثبیت نهائی خط سیر جاده و قناعت صاحبان زمین‌ها و خانه‌های قابل تخریب به بر آورد بناروالی و همچنان قبل از تثبیت قیمت‌ها و قبولی

اهالی و تادیه آن به صاحبان منازل و زمین‌های منکور و یا اخذ قباله و دادن سرپناهی بجای آن برای اهالی بی‌سرپناه، به تخریب آن آغاز کرده‌اند و عجیب‌تر اینکه با نشر اخبار دروغین در رادیو و مطبوعات دولت با پرونی اعلان نمودند که مردم موافقه کرده و پول پیشکی هم گرفته‌اند. ثالثاً باید توضیح کرد که ما اهالی بی‌دفاع این منطقه نه تنها پول پیشکی نگرفته‌ایم، بلکه به قیمت گذاری ظالمانه بناروالی نیز قناعت نداریم، زیرا قیمتی را که به زمین‌های ما قابل شده‌اند فی متر پنجاه تا دو صد افغانی است، در حالی که خود بناروالی همین زمین‌ها را به‌عنوان اضافات دو طرفه سرک در معرض داوطلبی گذاشته و به قیمت فی متر ( ۱۱۷۰۰) افغانی حاضر بفروش نمی‌باشند. معهذا ای کاش تنها بناروالی کابل بتواند ازین پول سرشار به نفع خدمات عامه استفاده کند، بلکه این زمینه دیگرست برای ارباب سرمایه و صاحبان نفوذ تا آن را از دستی به دستی تحویل دهند و به قیمت فقر و در بدری صاحبان اصلی آن به حجم سرمایه‌های بی‌حساب خویش بیفزایند و بدین‌ترتیب فقیر را فقیرتر و ثروتمند را ثروتمندتر سازند.

ظالمانه‌تر اینکه بناروالی کابل زمین‌های ما را در نفس شهر و در بهترین موقعیت فی متر (۵۰) افغانی قیمت گذاری می‌کند و اما آنچه در عوض آن بما عنایت (!) می‌فرماید، زمین‌های خشک، بیابانی، فاقد آب و برق و امنیت و دور از شهر کوتل خیرخانه است که فی متر (یک‌صد) افغانی بر آن قیمت گذاشته‌اند.

این بود عرض حال ما به جریده پرچم. اگر با این هم به حال ما نپردازند آنگاه مجبوریم به‌عنوان اعتراض علیه این روش غیرعادلانه بناروالی کابل در ملاء عام و در برابر عمارت کابل بناروالی خیمه زنیم وزن و فرزند آواره خود را به آنجا انتقال دهیم.

**(محل امضای عده‌یی از اهالی)**

تبلیغات زهرآگین پخش و توزیع می‌نمایند.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان از آغاز کار خود تاکنون با یک نوع شانناژ سیاسی از طرف این عناصر و اربابان آن‌ها مواجه می‌باشد. آن‌ها به غرض تیرنه گناهان خود، به‌منظور پرده انداختن بروی ارتباطات خود و بالاخره به خاطر «تثبیت خود از هیچ عملی علیه جریان مادر، جریانی که آن‌ها را در آغوش خود پرورانیده و غسل تعمید و پاکى داده، ابا نمی‌ورزند. آن‌ها برای بدنام و بی‌اعتبار ساختن جریان دموکراتیک خلق افغانستان، پرچم خلق و مبارزان دموکراتیک خلق، از خود جریان «خلق» می‌کنند. آن‌ها بدون توجه به فردا، فردایی که حتماً آمدنیست، بدون اعتنا به مسؤولیت‌های که در برابر جریان، نهضت و مردم افغانستان دارند، صرف برای «تثبیت» نام خود با هرکس و حتی راست‌ترین آشیانه ارتجاع، کنار می‌آیند و از هر جا صدا می‌کشند. آن‌ها حاضرند برای نام کشیدن و

## فریاد اعتراض اهالی ایکه

### منازل شان در مسیر سالنگ وات تخریب می‌شود



### فریاد مردم ولایت نیمروز از طغیان آب‌های بی لجام و بی‌اعتنائی مسئولان امور

گذشته در حدود دو صدوبیست و پنج هزار جریب زمین مزروعی در حواشی هامون نیمروز زیر آب گردیده و به‌جای گندم نی و در عوض حاصل پشه‌های مرگزای ملاریا بیار می‌آورد و دهاقین آواره آن سال‌هاست با فقر و گرسنگی دست و گریبان‌اند. درین روز‌ها باز زمین‌های زراعتی ولسوالی کنگ مربوط این ولایت را آب فراگرفته و کشتی‌های اهالی مصیبت رسیده این سامان را به باد فنا داده است، ولی از چوکی نشینان

نمایانگر درد و شکایت و اعتراضات خلق

نمایانگر درد و شکایت و اعتراضات خلق

جریده نیرومند پرچم خلق افغانستان! از آنجایی که این جریده را تنها انعکاس دهنده دردهای واقعی خویش میدانیم، خواستیم تا این اعتراض نامه را برای نشر در آن تقدیم کنیم:

بر طبق این گفته مشهور که «استعمارگر از دروازه خارج شود، از کلکین دو باره د خل می‌گردد» اکنون استعمار فرهنگی به بهانه‌ها و طرق گوناگونی در معارف کشور نفوذ می‌نماید. یکی از پدیده‌های آن پروژهٔ ریاضیات مؤسسهٔ تعلیم و تربیه پوهنتون کابل است که مستقیماً از

تثبیت شدن خود به حیث «جریان» همه چیز را بپذیرند و هم هیچ چیز را نپذیرند، به هر عمل انحرافی دست زنند و هیچ عمل اصولی نکنند.

اینست وضع اسفانگیز این «رفقای» نیمه راه! وضعی که به هیچ کس به‌اندازه خود آن‌ها مضر نیست، وضعی که به هیچ کس جز ارتجاع و امپریالیزم سودی ندارد. جریان دموکراتیک خلق افغانستان بر اساس جهان بینی علمی خود از واقعیت‌ها انکار نمی‌کند. همان طوری که جمعیت دموکراتیک خلق افغانستان واقعیت انکار ناپذیر است، از وجود جمعیت‌ها، گروه‌ها و دسته‌های ملی و مترقی دیگر کشور نیز نمی‌توان چشم پوشید، آن‌ها هم واقعیت‌اند و هر یک از آن‌ها به اساس درک به جهان بینی خویش مبارزه می‌کنند. انکار از واقعیت‌ها، کینه توزی و بلند پروازی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. وظیفه اساسی اینست که چگونه باوجود اختلافات موجود که در حدود طبیعی خود موجود می‌باشد، وجوه مشترک

تثبیت شدن خود به حیث «جریان» همه چیز را بپذیرند و هم هیچ چیز را نپذیرند، به هر عمل انحرافی دست زنند و هیچ عمل اصولی نکنند. اینست وضع اسفانگیز این «رفقای» نیمه راه! وضعی که به هیچ کس به‌اندازه خود آن‌ها مضر نیست، وضعی که به هیچ کس جز ارتجاع و امپریالیزم سودی ندارد. جریان دموکراتیک خلق افغانستان بر اساس جهان بینی علمی خود از واقعیت‌ها انکار نمی‌کند. همان طوری که جمعیت دموکراتیک خلق افغانستان واقعیت انکار ناپذیر است، از وجود جمعیت‌ها، گروه‌ها و دسته‌های ملی و مترقی دیگر کشور نیز نمی‌توان چشم پوشید، آن‌ها هم واقعیت‌اند و هر یک از آن‌ها به اساس درک به جهان بینی خویش مبارزه می‌کنند. انکار از واقعیت‌ها، کینه توزی و بلند پروازی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. وظیفه اساسی اینست که چگونه باوجود اختلافات موجود که در حدود طبیعی خود موجود می‌باشد، وجوه مشترک

تثبیت شدن خود به حیث «جریان» همه چیز را بپذیرند و هم هیچ چیز را نپذیرند، به هر عمل انحرافی دست زنند و هیچ عمل اصولی نکنند. اینست وضع اسفانگیز این «رفقای» نیمه راه! وضعی که به هیچ کس به‌اندازه خود آن‌ها مضر نیست، وضعی که به هیچ کس جز ارتجاع و امپریالیزم سودی ندارد. جریان دموکراتیک خلق افغانستان بر اساس جهان بینی علمی خود از واقعیت‌ها انکار نمی‌کند. همان طوری که جمعیت دموکراتیک خلق افغانستان واقعیت انکار ناپذیر است، از وجود جمعیت‌ها، گروه‌ها و دسته‌های ملی و مترقی دیگر کشور نیز نمی‌توان چشم پوشید، آن‌ها هم واقعیت‌اند و هر یک از آن‌ها به اساس درک به جهان بینی خویش مبارزه می‌کنند. انکار از واقعیت‌ها، کینه توزی و بلند پروازی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. وظیفه اساسی اینست که چگونه باوجود اختلافات موجود که در حدود طبیعی خود موجود می‌باشد، وجوه مشترک

## کارگران هوتل بین‌المللی

### بی‌رحمانه استثمار می‌شوند

هوتل بین‌المللی که به «کمک» سرمایه گذاری استثمارگران انگلیس اعمار می‌گردد، اکثریت قاطع کارفرمایان و کارمندان آن از اتباع انگلستان می‌باشند و رفتار خشن و توهین آمیز کارفرمایان هوتل بین‌المللی در برابر کارگران نجیب و زحمتکش کشور ما قابل اعتراض شدید و بازخواست است.

سرپرستان خارجی کار هوتل بین‌المللی با حرص روزافزون، به بهانه اینکه تعمیر هوتل باید تا ایام جشن استقلال سال ۴۸ کشور، طبق پلان (!) تکمیل گردد، صدها نفر کارگر افغانی را روزانه (۱۱) ساعت استثمار می‌نمایند و در برابر این کار فقط مبلغ (۳۰) افغانی اجوره می‌دهند، در حالی که این رقم نظر به مزد کارگران عادی تعمیراتی کابل، حتی نظر به ساعات کار موسم تابستان هم ناچیز است.

کارگران وطن در برابر این همه رنج و تکالیف هیچ‌گونه مصونیت قانونی ندارند. هرگاه در اثر کار پر مشقت یکی از کارگران مریض شود و یا اینکه ادعای مزد بیشتر کند فوراً از کار اخراج می‌گردد.

نمایانگر درد و شکایت و اعتراضات خلق

کارگران مجبور استند از محل سکونت تا محل کار و از آنجا به محل سکونت پیاده رفت و آمد نمایند و یا اینکه چند افغانی از مزد ناچیز خود را به مصرف کرایه سرویس‌های شهری بدهند، در حالی که تأمین وسایل ترانسپورتی برای حمل و نقل کارگران به عهده کارفرمایان هوتل می‌باشد.

بهره کشی، سودجویی و استثمار که خصلت ذاتی استعمار است، به‌صورت مشهود در روابط غیرعادلانه بین کارفرمایان خارجی و کارگران داخلی هوتل بین‌المللی به مشاهده می‌رسید.

کارفرمایان هوتل بین‌المللی که در کسب سود بیشتر و استثمار شدیدتر تخصص دارند، از هر امکان و وسیله استفاده می‌نمایند تا کارگران افغانی را وادار سازند بهر نوع استخدام غیر عادلانه تن در دهند. چنانچه در اوایل ماه حوت عده زیادی از کارگران جدید با شرایط غیرعادلانه در هوتل بین‌المللی استخدام گردیدند. زیرا کارفرمایان هوتل می‌دانستند که ماه حوت موسم بیکاری می‌باشد و تقاضای دریافت کار در اردوی ذخیره بیکاران ا افغانستان قوس صعودی

خود را می‌پیماید و از این‌رو کارگران بیکار با قبول هر نوع شرایط ظالمانه حاضر می‌گردند کار کنند، تا بدین ترتیب سود بیشتری به جیب انحصارگران کمپنی‌های خارجی بریزد، مقامات مسوول حکومت با وصف اینکه از شرایط غیرعادلانه کار در هوتل بین‌المللی اطلاع دارند، نه تنها کوچک‌ترین اقدام در زمینه بهبود شرایط کار کارگران نکرده، بلکه دست چپاول و غارتگری انحصارات خارجی را در استثمار بی‌رحمانه کارگران افغانی همچنان آزاد گذاشته‌اند. اینست نمونه‌یی از عدالت، مساوات و دموکراسی و نتایجی که از سرمایه گذاری خارجی برای خلق ستمدیده کشور ما دست می‌دهد.

نمایانگر درد و شکایت و اعتراضات خلق

اینکه در اندیشه تصحیح اشتباهات خود و جستجوی وجوه مشترک باشند، موارد ما به الاختلاف را بزرگ و بزرگ‌تر جلوه می‌دهند، دسیسه و شانناژ می‌کنند و اختلافات تازیمی به وجود می‌آورند. آن‌ها با این عمل خود در راه اتحاد و وحدت مجدد و همچنان گرفته‌ایم، منحرف نخواهیم شد و به هیچ نوع معامله گری سیاسی تن در نخواهیم داد و پرنسیپ فروشی نخواهیم کرد و به‌طور پیگیر در راه اهداف ملی و مترقی خود، در راه افشای ماهیت حقیقی دشمنان خلق و نهضت و منحرفین راست و چپ و خلقی‌های دروغین و ساخته و پرداخته ارتجاع و امپریالیزم مبارزه خواهیم کرد و هرگاه تهدید کنندگان و شانناژ کنندگان و سندسازان بیش ازین بر ما جدل علنی را تحمیل کنند، علیه آن‌ها در چوکات منطق و حساب دلبرانه مبارزه خواهیم کرد و در آن صورت عواقب ناشی از آن به عهده خلقی نماها خواهد بود و حقایق و تاریخ آنان را محکوم خواهد کرد.

اینکه در اندیشه تصحیح اشتباهات خود و جستجوی وجوه مشترک باشند، موارد ما به الاختلاف را بزرگ و بزرگ‌تر جلوه می‌دهند، دسیسه و شانناژ می‌کنند و اختلافات تازیمی به وجود می‌آورند. آن‌ها با این عمل خود در راه اتحاد و وحدت مجدد و همچنان گرفته‌ایم، منحرف نخواهیم شد و به هیچ نوع معامله گری سیاسی تن در نخواهیم داد و پرنسیپ فروشی نخواهیم کرد و به‌طور پیگیر در راه اهداف ملی و مترقی خود، در راه افشای ماهیت حقیقی دشمنان خلق و نهضت و منحرفین راست و چپ و خلقی‌های دروغین و ساخته و پرداخته ارتجاع و امپریالیزم مبارزه خواهیم کرد و هرگاه تهدید کنندگان و شانناژ کنندگان و سندسازان بیش ازین بر ما جدل علنی را تحمیل کنند، علیه آن‌ها در چوکات منطق و حساب دلبرانه مبارزه خواهیم کرد و در آن صورت عواقب ناشی از آن به عهده خلقی نماها خواهد بود و حقایق و تاریخ آنان را محکوم خواهد کرد.

## کارگران هوتل بین‌المللی

### بی‌رحمانه استثمار می‌شوند

هوتل بین‌المللی که به «کمک» سرمایه گذاری استثمارگران انگلیس اعمار می‌گردد، اکثریت قاطع کارفرمایان و کارمندان آن از اتباع انگلستان می‌باشند و رفتار خشن و توهین آمیز کارفرمایان هوتل بین‌المللی در برابر کارگران نجیب و زحمتکش کشور ما قابل اعتراض شدید و بازخواست است.

سرپرستان خارجی کار هوتل بین‌المللی با حرص روزافزون، به بهانه اینکه تعمیر هوتل باید تا ایام جشن استقلال سال ۴۸ کشور، طبق پلان (!) تکمیل گردد، صدها نفر کارگر افغانی را روزانه (۱۱) ساعت استثمار می‌نمایند و در برابر این کار فقط مبلغ (۳۰) افغانی اجوره می‌دهند، در حالی که این رقم نظر به مزد کارگران عادی تعمیراتی کابل، حتی نظر به ساعات کار موسم تابستان هم ناچیز است.

کارگران وطن در برابر این همه رنج و تکالیف هیچ‌گونه مصونیت قانونی ندارند. هرگاه در اثر کار پر مشقت یکی از کارگران مریض شود و یا اینکه ادعای مزد بیشتر کند فوراً از کار اخراج می‌گردد.



### فریاد مردم ولایت نیمروز از طغیان آب‌های بی لجام و بی‌اعتنائی مسئولان امور

دستگاه اداری هیچ‌کسی نیست که به کمک مردم بشتابد و جلو این مصیبت همیشگی را بگیرد.

تنها کمک بزرگی (!) که با ین مردم ستمکشیده می‌شود و با حروف درشت در صفحات جراید رسمی دولت با آب و تاب خاصی انعکاس می‌یابد، همانا خبر امداد (!) افغانی سرمیاشت است که در چنین مواقع برای هر خانواده به چند قطی گوگرد، چند مگقال چای، چند متر تکه نساجی و چند سیر ناچیز آرد خلاصه می‌شود.

از صنف دهم بی‌ارتباط می‌باشد؛ -قسمت‌هایی از پرو گرام خیلی بسطید است که حتی متعلم از مطالعه آن دلسرد می‌شود و قسمت‌های دیگری از آن بسیار مشکل می‌باشد که برای هیچ شاگرد قابل فهم نیست؛

- در پروژهٔ ریاضیات، مضمون فیزیک که خیلی اهمیت دارد شامل سه مضمون تحت پروژه هندسه، الجبر، مثلثات در حالی که مضامین جداگانه‌اند، تحت یک مضمون واحد تدریس می‌گردند. که این امر زمینه را برای تنبلی شاگردان فراهم می‌آورد.

- نامربوطیت جملات، غلطی‌های انشائی، املانی و طباعتی کتاب‌های تدریسی به حدی فراوان است که نمی‌توان آن‌ها را مورد استفاده قرار داد. بنا بر آن ما متعلمین صنوف دهم و یازدهم لیسه حبیبیه خواستار الغای این «پروژه تجربوی» می‌باشیم.

**(امضای تعدادی از شاگردان صنوف دهم و یازدهم لیسه حبیبیه)**

نمایانگر درد و شکایت و اعتراضات خلق

اینکه در اندیشه تصحیح اشتباهات خود و جستجوی وجوه مشترک باشند، موارد ما به الاختلاف را بزرگ و بزرگ‌تر جلوه می‌دهند، دسیسه و شانناژ می‌کنند و اختلافات تازیمی به وجود می‌آورند. آن‌ها با این عمل خود در راه اتحاد و وحدت مجدد و همچنان گرفته‌ایم، منحرف نخواهیم شد و به هیچ نوع معامله گری سیاسی تن در نخواهیم داد و پرنسیپ فروشی نخواهیم کرد و به‌طور پیگیر در راه اهداف ملی و مترقی خود، در راه افشای ماهیت حقیقی دشمنان خلق و نهضت و منحرفین راست و چپ و خلقی‌های دروغین و ساخته و پرداخته ارتجاع و امپریالیزم مبارزه خواهیم کرد و هرگاه تهدید کنندگان و شانناژ کنندگان و سندسازان بیش ازین بر ما جدل علنی را تحمیل کنند، علیه آن‌ها در چوکات منطق و حساب دلبرانه مبارزه خواهیم کرد و در آن صورت عواقب ناشی از آن به عهده خلقی نماها خواهد بود و حقایق و تاریخ آنان را محکوم خواهد کرد.

اینکه در اندیشه تصحیح اشتباهات خود و جستجوی وجوه مشترک باشند، موارد ما به الاختلاف را بزرگ و بزرگ‌تر جلوه می‌دهند، دسیسه و شانناژ می‌کنند و اختلافات تازیمی به وجود می‌آورند. آن‌ها با این عمل خود در راه اتحاد و وحدت مجدد و همچنان گرفته‌ایم، منحرف نخواهیم شد و به هیچ نوع معامله گری سیاسی تن در نخواهیم داد و پرنسیپ فروشی نخواهیم کرد و به‌طور پیگیر در راه اهداف ملی و مترقی خود، در راه افشای ماهیت حقیقی دشمنان خلق و نهضت و منحرفین راست و چپ و خلقی‌های دروغین و ساخته و پرداخته ارتجاع و امپریالیزم مبارزه خواهیم کرد و هرگاه تهدید کنندگان و شانناژ کنندگان و سندسازان بیش ازین بر ما جدل علنی را تحمیل کنند، علیه آن‌ها در چوکات منطق و حساب دلبرانه مبارزه خواهیم کرد و در آن صورت عواقب ناشی از آن به عهده خلقی نماها خواهد بود و حقایق و تاریخ آنان را محکوم خواهد کرد.

ایجاد همبستگی خلل ناپذیر بین آن‌ها در استقبال از جشن جهانی کارگران و حمایت از حقوق آن‌ها و همچنان حفظ نظم و انتظام در جریان مظاهرات، طرد و تجرید ماجراجویان و اخلاالگران درین نهضت کارگری می‌باشد.

یاد داشت: متن دری و پشتوی قطعنامه این مظاهرات درین شماره تقدیم شده است.





د افغانستان د خلک دموکراتیک انقلاب و خپروونکی

۱۵ ثور ۱۳۴۸

## بالاخره بعد از ده سال و ده ماه و ۲۸ روز، ریاست جمهوری جنرال دوگول سقوط کرد

ریفراندم در فرانسه بروی پلان‌های مطروحه جنرال دوگول طوری که پیش بینی می‌شد، با شکست جنرال دوگول پایان یافت. روزنامه اومانته چاپ پاریس می‌نویسد: سر انجام دوگول شکست خورد و این شکست درس دیگریست برای دیکتاتوری‌های فردی، عدم رضایت مردم و مخصوصاً طبقه زحمتکش فرانسه که توأم با اعتصابات و مبارزات عامل عمده این تغییر در رژیم بود. در رفراندم اخیر حوزه‌های کارگری به مخالفت دو گول رای دادند. سیاست فردی دوگول زندگی کارگران را تنگ و تنگتر کرده، دموکراسی فرانسه را محدودتر می‌ساخت و این امر هم باعث از بین رفتن وی شد. در اعلامیه دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه گفته می‌شود: «این واقعه مهم، یک گام عمده در راه از بین بردن قدرت استبدادی و تعویض آن بیک دموکراسی پیشرفته سیاسی و اقتصادی می‌باشد که راه برای سوسیالیسم باز می‌کند. برای مردمی که در راه به وجود آوردن یک جهت گیری سیاسی درست مبارزه می‌کنند، ایجاد اتحاد کارگران و نیروهای دموکراتیک به حیث نهاد لازم به غرض متحد ساختن تمام نیروهای ملی امری ضروریست. برای برآورده شدن این منظور حزب کمونیست فرانسه به مساعی خود در راه طرح یک پروگرام مشترک که

## توطئه دیگر امپریالیزم در شرق میانه

حکومت ایران قرار داد سرحدی سال ۱۹۳۷ مربوط بهحق کنتی رانی در شط العرب را بطور یک جانبه لغو نمود و این امر باعث شد که از یکطرف مناسبات ایران با کشورهای عربی بیش‌ازپیش خراب‌تر و گردد و از جانب دیگر بحران شرق میانه ساحه‌های وسیع‌تری را در برگیرد. دلایلی که حکومت ایران برای توجیه این اقدام یک جانبه خود ارائه می‌دارد اینست که قرارداد مذکور در دوران تسلط استعمار بر ایران تحصیل گردیده است، عراق ادعای ملکیت شط العرب را می‌نماید، عبور کنتی‌های ایرانی را تهدید می‌کند و قروض و حق العبور خود را نمی‌پردازد. ما جنبه‌های حقوقی قرار داد ۱۹۳۷ بین عراق و ایران را از نظر حقوق بین‌الدول و فصل مربوط به معاهدات سرحدی در صورت لزوم در وقت دیگری مورد بحث قرار خواهیم داد. آنچه در اوضاع‌و‌احوال کنونی بیشتر کسب اهمیت می‌نماید، پهلوی‌های سیاسی موضوع می‌باشد. در زمانی که کشورهای عربی بخصوص جمهوریت متحد عرب، سوریه، اردن و عراق و دیگر کشورهای مترقی و ضد استعماری در مبارزه مرگ و زندگی با امپریالیزم و صهیونیست مصروفاند و بقایای استعمار و آثار تجاوز سال ۱۹۶۷ اسرائیل به قوت خود باقیست، در زمانی که امپریالیزم به همکاری صهیونیزم و ارتجاع عرب موجودیت دولت‌های مترقی و ضد استعماری را در سوریه، جمهوریت متحد عرب و عراق پیوسته تهدید می‌نماید و صلح جهانی از این ناحیه شدیداً در معرض خطر قرار گرفته است، همچو اقداماتی که اتحاد و همبستگی بین کشورهای این منطقه را برهم می‌زند، مایه نگرانی و باعث تشویش ما

# بخشی از نامه‌های الهام‌بخش کارگران

آگاه کشور به مناسبت روز اول می

با فرا رسیدن اول ماه می - روز جشن همبستگی کارگران جهان و نشر شعارهای جریان دموکراتیک خلق افغانستان این نیروی پیشاهنگ طبقه کارگر جوان کشور به مناسبت این روز فرخنده، تعدادی از کارگران مبارز و پیشدار به استقبال از این روز احساسات وطن‌پرستانه خویش را طی مقالات و نامه‌هایی به اداره پرچم فرستاده‌اند. در حالی که احساسات شریفانه این کارگران آگاه و مبارز کشور مورد تقدیر و ستایش ماست و آن را مظهر بیداری شعور طبقاتی کارگران پیش آهنگی کشور میدانیم، بر خی از قسمت‌های بعضی از این نامه‌ها را در اینجا انعکاس می‌دهیم.

کار اخراج می‌نمایند، مقاومت نشان دهیم. رفقای کارگر! پیروزی و غلبه بر دشمن طبقاتی ما در اتحاد ماست. \* \* \* کارگر جوان (ا. نیکو کار) ضمن تشریح تاریخچه روز بین‌المللی کارگران و دعوت کارگران کشور به اتحاد و همبستگی می‌نویسد: «در تاریخ مبارزات قهرمانانه ستم‌کشان بر علیه ستمگران صحنه‌های شورانگیز و روزهای باشکوه و افتخارآمیزی وجود دارد. روز اول می - روز همبستگی بین‌المللی کارگران، یکی ازین روزهای فرخنده است. به‌پاس گرمی داشتن خاطره این روز از رفقای کارگر خود تقاضا می‌نمایم که دست اتحاد و یگانگی را به خاطر ایفای پیروزمندانه نقش رزمندگی و پیشاهنگی در نهضت نجات بخش ملی و اجتماعی خلق کشور، به هم دهند. متیقنم که در تحت پرچم اتحاد و همبستگی، ما کارگران می‌توانیم با نبرد ظفرمندانانه خویش لحظات

## د لشکرگاه د لیبسی د متعلمینو

### او متعلماتو اعتصاب

د حمل په ۳۱ نیټه د لشکر گاه دلیسی متعلمینو او متعلماتو، دلشکرگاه دلیسی دینوونې او روزنی دلولی مدیر په ضد په اعتصاب لاس پوری کړ. ویل کیږی چه نوموړی لوی مدیر د خپلو خپلوانو په مرسته چه په لیسه کی یی لری په قبیلوی توگه د لیبسی تدریسی مدیر پخپله اداره کی ښه کلک ووايه. دلشکرگانو اعتصاب سبا ته دسهار په (۷ بجو دلیسی په چاپیریال کی، د تدریسی مدیر په تایید او د عمومی مدیر په ضد شروع شو. ده هماغی ورځی په (۹ بجو متعلمین او متعلمات دتدریسی مدیر کورته ورغل او هغه پی له خپله کوره بیرته ښوونځی ته راوست. خبر وایی چه دلشکرگاه حکومتی کسانو د مدیر دبیرته راوستو او پخلاکولو مطالبه، چه دلشکرگانو له خوا شوی وه، ومنله او مدیر بیرته په خپل رسمی کار پیل کړ دی. دلشکرگانو اعتصاب د ورځی په هر ۹ بجو دجذبو وینگانو نه وروسته پای ته ورسید او شا گردان خپلو ټولگیو ته لاړل. شعارانو د اعتصاب په ترڅ کی دا شعارونه ورکړل: - تل دی وی اتحاد! - مرده باد توطئه گران علیه وطنپرستان! - مره دی وی د (سی آی ای) نوکران! - نا بود دی وی استبداد! - محو باد ستم و استعمار - مره دی وی تفرقه اچونکی.

## اعتصاب شاگردان دارالمعلمین

### هرات

شاگردان دارالمعلمین هرات از تاریخ ۱۹ حمل دست به اعتصاب زده‌اند و خواست‌های عمده شاگردان را مطالب آتی تشکیل می‌دهد: ارتقای دارالمعلمین اساسی به دارالمعلمین عالی؛ - تشکیل صنف یازدهم مستعجل برای فارغان صنف دهم؛ - تکمیل کمبود معلم و سامان و لوازم درسی؛ - اجازه دایر کردن کنفرانس‌های علمی و اجتماعی و نمایش درامه‌های انتقادی؛ - اصلاح وضع داخلی مکتب و تنظیم پروگرام‌های سیر علمی برای شاگردان؛ - بهبود شرایط زندگی در لیلیه و شرایط تدریسی.

## تجلیل روز اول می در ولایات و مراکز صنعتی کشور

جشن اول می، روز همبستگی کارگران جهان که مصادف به (۱۱) ثور ۱۳۴۸ بود، در ننگرهار، کندهار، پروان، کاپیسا و غیره ولایات و شهرها و مراکز صنعتی کشور با مراسم شاندار تجلیل گردید که تفصیل آن بعد از حصول راپورهای مربوط، در آینده تقدیم می‌شود.

<b>پرچم</b>	
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان هره دوشنبه خپرویری	
<b>دا‌میتیاژ خاوند او مسوول مدیر:</b> سلیمان لایق	<b>د اشتراک بیه</b> په کابل کښی د کال: ۱۲۵ په ولایاتو او پښتونستان کښی د کال: ۱۴۰ په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ د جاری حساب نمبر به پښتنی تجارتي بانک کښی ۳۸۵۳
<b>د یوه گنی بیه:</b> ۲/۵ افغانی	
تایپ متن: قاسم آسامی، ویرایش جدید: عمر فیض	مطبعة دولتی



# پرچم

## ناشرانیدیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره هشتم سال دوم دوشنبه ۲۲ ثور ۴۸-۱۲ می ۶۹، شماره مسلسل ۶۰

## د انتخاباتی مبارزی د پاره

### د انتلافي جبهی تشکیول زموږ ضروری او فوری وظیفه ده

په اوسنی حال کی د ټولو ملی، دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو او وطن پرستو افرادو، محافلو، ډلو او قوتونو ضروری او فوری وظیفه داده چه ددیارلسمی دوری دانتخاباتی مبارزی دپاره او په انتخاباتو کینی دگنون دپاره د افغانستان د خلکو دچمتو کولو په خاطر، دار تجاعی حاکمو طبقا تو دنپاکای جبهی دکمزوری کولو اودارتجاعی محافظو او

دخارجی فتنه اچونکو شبکو دندسیسو دشنوولو هو په غرض یوه انتلافي جبهه جوړه کری.

دا به ستره اشتباه وي که یو له ملی، دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو او وطن پرستو افرادو، محافظو، ډلو، سازمانونو دا قوتونو ځنی د خودخواهيو او په خپلو کی داختلافاتو په اساس، یا دشخصی او سازمانی بلند پروازیو او دداخلی او خارجی دښمنانو دلمسون په اساس په غلطه سره په اوسنی حال کینی خپل عمده دښمن په خپل مینځ کی وټاکي او دانتخاباتی مبارزی په جریان کی یو بل سره شنډ کاندی او په پای کی په انتخاباتو کی دارتجاعی محافظو دیریالیټوب سبب شی.

ترکومه خایه چه دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان پوری اړه لری به میرانه، صراحت او بشپړ صداقت سره د هر ډول رقیفانه، صمیمی او دوستانه مفاهمی دپاره دانتلافي جبهی دشکل او خصوصیت په باره کی، د کلي دښمن په مقابل کی د کلي عمل، دکل پلټنورم، او گډی حوزو دصحيح او گټور ویش د پاره خپل چمتوالی اعلانوی.

لا هم وخت شته، باید ژ ترژره له ملي لوړو دودونو سره سم خپلی مشورتی جرگی تشکیل کړو. که داسی ونشی، نو واقعی ملی - دموکراتیکو ترقی غوښتونکو او وطن پرستو عناصرو ترمنځ له تیتوالی او نفاق څخه د را پیدا کیدونکو عواقبو مسؤولیت به دنفاق اچونکو او پاره ونکو په غاړه وی چه دافغانستان خلک او ملت به بی و نه بخشی او دافغانو نستان دخلک دموکراتیک جریان به له اوضاع او احوال سره سم د خپلی انتخاباتی جاری پالیسی مطابق په زړه وړتیا سره مخ په وړاندی درومی.

(ج.د.خ.ا)

اسرائیل با اعزام کوماندوها در داخل خاک جمهوریت متحد عربی جهت اجرای مأموریت‌های تخریبی در منطقه نیل علیا امکان حل پرابلم شرق میانه را از طرق مسالمت آمیز، بیش از هر وقت دیگر محدود ساخت و به این منطق که مسأله اعراب و اسرائیل را تنها از راه اعمال قوت می‌توان حل کرد، بیشتر قوت بخشید، و امیدواری‌های خوش‌بینانه دربارهٔ نتیجه کنفرانس وزرای خارجه چهار کشور بزرگ را به نامیدی نزدیک گردانید. تحریکات جدید اسرائیل نشان داد که حتی پلان شش فقره‌ای ملک حسین یاد شاه اردن با تمام گذشتی که در آن به نفع اسرائیل صورت گرفته بود، نمی‌تواند متجاوز را مجبور سازد

د افغانستان خلك دي چه واقعی ستر قدرت تشکیلوی نه مرتجعین، مستبدین او متنفذین ځکه یواځی خلك دی چه د تاریخ محرکه قوت جوړوی.

دمبارزی جرأت په خان کی پیداگری، له کړاونو مه ډارپوری، ځنگ په ځنگ سره مخ په وړاندی درومی، یواځی په دغه صورت کی به نیک مرغی او خوښی دخلکو په برخه شی او ټول مرتجعین، مستبدان او استعمارگران به له منځه لاړشي اوخلك به بریالی شی.

بارق شفیعی

## برنامه‌های نمایشی هرگز نمی‌تواند مشکلات استادان و معلمان کشور را حل کند!

د دارند. زهره، بازگویندهٔ این حقیقت درخشان است که کسی بخواهد یا نخواهد جامعه تغییر می‌کند، پیوسته به‌پیش می‌تازد و در مسیر خویش بالاخره هر سد سدیدي را از هم می‌پاشد و هر قدرت قهاری را در هم می‌کشد، با مشکلات پنجه می‌دهد و از موانع می‌گذرد. امواج خروشان و پیش‌آهنگ این سیل تازنده و پایان‌ناپذیر جریان تکامل بشری را اندیشه‌های خلاق و بازوان نیرومند انسان‌هایی تشکیل می‌دهد که در سازمان تولید اجتماعی نعم مادی نقش اساسی، آفریننده و دوران‌ساز دارند.

در برابر آن، تلاش مذبوحانه به‌منظور حفظ استقرار ارتجاعی وضع موجود در تمام شئون اجتماعی و میخکوب کردن عوامل ناآرام و رشد یابنده بجهت يك تغییر اساسی و ایجاد نظام نوین زندگی، انعکاس دهندهٔ کامل عیار خصلت متحجر و رجعت‌پسند طبقات حاکمه مرتجع در جوامع طبقاتیست. من‌جمله در کشور ما نیز طبقات حاکمه ارتجاعی سال‌هاست برای دفاع از موقف ستمگرانه، ولی‌روبه‌زوال خویش و حفظ وضع موجود به‌منظور معارف و پوهنتون‌های کشور آزادی تدریس دانش مترقی را از معلمان و استادان شریف و وطن‌پرست سلب کرده‌اند، چرا دست و زبان استادان تحول طلب و ترقی‌خواه کشور را به زنجیر به‌اصطلاح توأمیت‌های اسارت آور با مراکز پخش و تعمیم ایدئولوژی ارتجاعی بورژوازی که جز پیوند فرهنگ پوسیده فیودالی با استعمار فرهنگی غرب، هدف و مفهومی ندارد بسته‌اند، چرا زمینهٔ استفاده معلمان و استادان معارف و پوهنتون را از تازمترین اطلاعات و پدیده‌های علمی منابع مترقی جهان روز تا روز محدود و محدودتر می‌سازند و راه‌های ورود آثار مترقی علمی را به مراکز فرهنگی مملکت مسدود می‌نمایند، چرا وسایل تحصیلات عالی و انکشاف سویه علمی معلمان و استادان را به پیمانانه سرتاسری کشور تهیه نمی‌بینند، چرا به نحوی از انحا جلو اشتراک فعال معلمان وطن‌پرست ترقی‌خواه را در امور سیاسی و اجتماعی کشور، در تعیین سرنوشت وطن محبوب شان می‌گیرند و آنان را از جریان تکامل جامعه و اندوختن تجارب علمی در زمینه‌های مختلف حیات اجتماعی باز می‌دارند چرا به رفع تشوشات روحی و ذهنی معلمان و استادان وطن‌پرست و با درد که اکثریت آنان را عناصر مربوط به طبقات زحمتکش وطن تشکیل می‌دهد نمی‌پردازند، چرا اکثر معلمان و استادان شریف کشور غذای کافی و صحتی گرفته نمی‌توانند، لباس آبرومند ندارند، صحت ندارند، خانه ندارند و نیمی از وقت، نیرو و انرژی‌شان که باید در خدمت آموزش پرورش فرزندان هموطن شان بکار رود، در خارج وظیفه ارجمند معلمی تأمین غذا، لباس، دوا و کرایه منزل فامیل‌های بیبوی آنان به هدر می‌رود، و بالاخره چرا معلمان بی‌دفاع کشور همین‌که نتوانستند خاطر مبارک آغازده‌های طبقات حاکمه را از خود راضی نگهدارند از طرف ارباب نفوذ محلی، بروکراتان و مأموران عالی رتبه فاسد و همچنان ملاکان و فیودالان بزرگ و از خود راضی و سرمایه داران سوداگر و دلال خارجی ، اشغال نموده و پیوسته اعلان می‌دارد که حاضر نیست از سرحدات فعلی عقب برود، جز منطق زور هیچ‌گونه معقولیت ندارد. چنین تقاضا در حکم آنست که اعراب تصرف سرزمین‌های‌شان را توسط اسرائیل به رسمیت بشناسند و بگذارند که صهیونیان و امپریالیست‌ها آنچه را که از طریق تجاوز و آواره ساختن دو میلیون عرب به دست آورده‌اند، با خاطرآسوده تصاحب نمایند و پلان‌های مربوط به سیاست توسعه جویی خود را در ساحه وسیعی بین نیل و فرات پیش ببرند.

شمول عدهٔ زیادی از فارغ‌التحصیلان صنوف دوازدهم لیسه‌های مرکز و ولایات کشور به پوهنتون، که باتحمل هزاران مشکل، آرزو و اشتیاق ادامه تحصیل را دارند، ایجاد مشکلات به‌طور مصنوعی به‌وسیله سیستم کانکور غیرعادلانه، چه مفهومی دارد؟ ثانیاً چرا تا مدت زیادی در برابر خواست‌های معقول ایشان بدون موجب مقاومت صورت گرفت و ثالثاً در برابر فیصله صریح و لسی‌جرگه که نصاب نمرهٔ شمول به پوهنتون را شکست مهر سکوت بر لب زده شده، تعلل به خرج داده شده است، آنگاه که محصلان سرگردان و با سرنوشت مجهول به‌طور قانونی و مسالمت آمیز برای احقاق حقوق خویش مبارزه کردند عده‌یی از ایشان خلاف قانون بازداشت گردیدند، همچنین روش خنثی که در برابر خواست‌ها و مبارزات قانونی شاگردان لیسه نجات و لیسه‌های دیگر مرکز در آغاز سال جاری در پیش گرفته شد مؤید آنست که چگونه برای ادامهٔ وضع ایجاد شده عمداً تحریکاتی صورت گرفت، عوض آنکه در برابر آنان با ابراز اندکی حوصله و نرمش پذیری برخورد درست صورت گیرد و جوانب معقول خواست‌های ایشان برآورده شود به‌طور تحریک آمیزی به بازداشت عده‌ای از شاگردان لیسه‌های

دولتی نه تنها در هرات، بلکه در تمام ولایات دیگر و در مرکز (کابل) به‌شدت تعقیب و اعمال می‌گردد.

استفاده ازین بهانه اکنون عام گردیده است، چه‌بسا کارگران شریف و زحمت کش که تحت همین عنوان از کار اخراج و آواره شده و جوانان وطن‌پرست از حق تحصیل محروم می‌گردند، مأموران پایان رتبه و معلمان وطن‌پرست به این بهانه به عناوین مختلف اضافه‌بستی، تبدیلی‌های نابهنگام و غیرطبیعی و به طرق و دیگری بی سرنوشت و سرگردان می‌شوند.

پیوسته به ملاحظه رسیده است: کارگران، شاگردان و محصلانی که جهت تأمین خواست‌های صنفی و عادلانه خود به اعتصاب، مظاهره و تشکیل میتینگ‌هایی دست زده و مطالبات خود را اظهار کرده‌اند، برای عدهٔ مورد نظر آنان تحت همین بهانه معمول «ایجاد بی‌نظمی و اخلال امنیت» دوسیه‌ها ساخته شده، به‌طور غیرقانونی بازداشت گردیده، به محاکمه کشانیده شده و زندانی گردیده‌اند. در حالی که عملاً قانون شکنی و شیوهٔ حرکت تحریک آمیز مقامات دولتی فضای بی‌نظمی و تشویش را خلق کرده است. اگر چنین نباشد به‌طور مثال، اولاً در برابر

## مسؤولیت عواقب خطرناک

### جنگ در شرقمیانه بدوش اسرائیل است

به ملاحظه آتش باری‌های توپخانهٔ اسرائیل در امتداد کانال سویز، تعرضات هوایی اسرائیل در شرق دریای اردن و سطوح مرتفع گولان در داخل خاک سوریه و دیگر تحریکات اسرائیل و به استناد راپورهای ناظرین ملل متحد می‌توان گفت که این ماجراجویان صهیونی هستند که اوربند را نقض کردند، نه اعراب. مضحکتر اینکه اسرائیل از جمهوریت متحد عربی و دیگر کشورهای ذیعلاقه عربی می‌خواهد که

که به ندای عقل سلیم گوش دهد.

صدراعظم اسرائیل برای درست جلوه دادن این عمل ماجراجویانه حکومت خود می‌گوید که اجرای عملیات تخریبی در داخل خاک جمهوریت متحد عربی، که در آن بر اساس ادعای خود اسرائیلی‌ها، نه پل و یک لین انتقال برق در منطقه نیل علیا از بین برده شد، به‌منظور آن صورت گرفت تا جمهوریت متحد عرب آور بند (۷) - جون ۱۹۶۷ پیشنهادی ملل متحد را مراعات کند.

که اسرائیل چندین برابر خاک اصلی خویش زمین‌های مربوط به اعراب را (در فلسطین و دیگر کشورهای عربی) اشغال نموده و پیوسته اعلان می‌دارد که حاضر نیست از سرحدات فعلی عقب برود، جز منطق زور هیچ‌گونه معقولیت ندارد. چنین تقاضا در حکم آنست که اعراب تصرف سرزمین‌های‌شان را توسط اسرائیل به رسمیت بشناسند و بگذارند که صهیونیان و امپریالیست‌ها آنچه را که از طریق تجاوز و آواره ساختن دو میلیون عرب به دست آورده‌اند، با خاطرآسوده تصاحب نمایند و پلان‌های مربوط به سیاست توسعه جویی خود را در ساحه وسیعی بین نیل و فرات پیش ببرند.

(ص ۳)

(ص ۲)

ماده (۱۲۸) قانون اساسی حکم می‌کند: «قوانینی که قبل از تاریخ انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده به شرطی نافذ شمرده می‌شود که مناقض احکام این قانون اساسی نبوده و قوانین جدید را لغا نکرده باشد»، ولی هیأت حاکمه افغانستان بنا بر خصلت ضد دموکراتیک و ضد خلقی و باوجود «نشخوار» مکرر «تطبیق و احترام به قانون اساسی» در جهت مخالف آن عمل می‌کنند.

طرز استفاده از احکام قوانین و وضع قوانین غیر دموکراتیک به‌صورت عمدی و توطئه آمیز، نشانه بارز اختلاس یا‌صطلاح «قانونی!» و آزادی‌های دموکراتیک است.

در جوامع مبنی بر ظلم و استبداد مانند افغانستان قوانین جز آلهٔ تطبیق مقاصد منفعت‌جویانه و بی‌شرمانهٔ اقلیت ممتاز و حاکم بر سرنوشت جامعه چیز دیگری نیست.

بنا بر اصل فوق، اسناد و مدارک فراوانی به دست است که قوانین مناقض با قانون اساسی قوت «قانونی!» داشته و باکمال جسارت و بی‌ترسی از روز قضاوت ملی، تطبیق آن‌ها فرمایش داده می‌شود. حفظ این وضع شرم آور و قرون وسطایی حرص و ولع هیأت حاکمه را آشباع نتوانسته، برای منکوب نگذاشتن آزادی‌های طبیعی و مصرح در قانون اساسی خلق‌های کشور ما، قوانین بسیاری متناقض با قانون اساسی تدوین و در معرض تطبیق گذارده شده و هدف عمده از وضع چنین قوانین خصوصاً با آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و دموکراسی است. ارتجاع سیاه افغانستان از استقرار این وضع، از یک طرف برای سرکوبی افراد، گروه‌ها و یا جمعیت‌هایی که برای ایجاد یک دموکراسی واقعی مبارزه می‌کنند، بهره برداری می‌کند و از طرف دیگر به حیث سلاح تهدید، رعب و وحشت علیه نیروهای تحول طلب وطن پرست و ضد ارتجاع استفاده می‌نماید.

اصولنامه جزای مأمورین و جرایم سایر اشخاص علیه «امنیت و منفعت عامه» که بعد از جوزای سال ۱۳۴۲ یعنی یک سال و سه ماه قبل از نشر قانون اساسی جدید در عرصهٔ تطبیق گذارده شده و جمعاً محتوی بیست و یک مورد صرف اعدام برای مأمورین و سایر مردم می‌باشد، قبل از همه مرام‌های شوم طبقه حاکمه را تأمین می‌کند، این اصولنامه نه تنها مناقض قانون اساسی می‌باشد، بلکه احکام مواد اسارت آور آن در زندگی

مواجهه‌هایی از خارج:

پیوسته موجی از نامه‌های لبریز از احساسات وطن‌پرستانه و ترقی‌خواهانه از دوستان پرچم خلق، از خارج و داخل کشور به‌عنوان دفتر جریده و اعضای فراکسیون پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغان نستا ن می‌رسد که هر یک از آن‌ها به نحوی از انحا به گوشه‌ی از نشرات پرچم خلق (ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغان نستا ن) و مبارزات پا رلمانی و خارج پارلمانی ما علاقه و تماس گرفته، آن را تأیید و از جریان پیش آهنگ طبقه کارگر کشور حمایت و پشتیبانی خود را ابراز می‌دارند.

ما، بر آنیم که وصول این نامه‌ها از طرف دوستان ارجمند خلق، نشانهٔ درک سالم و علایق خلل ناپذیر آن‌ها به نهضت رهایی بخش ملی و اجتماعی، به نحوه نشرات و اصول مبارزات ما وایمان به حقانیت مبارزه در جهت تأمین منافع خلق ستمدیده افغانستان و درک ضرورت قرار گرفتن در یک سنگر و جبهه ایست که ما بارها لزوم آن را برای به پیروزی رسانیدن جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی خلق‌های محروم کشور تأکید کرده‌ایم، بنا بر آن نشر کامل و یا قسمتی از آن را در صفحات پر چم، به‌عنوان انعکاس

اجتماعی، سیاسی و اداری همه مردم ما «خاصه مردم بی‌وسپله و مأمورین پائین رتبه» دخالت مستقیم داشته و روزانه بر صدها نفر به اساس آن احکام جزائی صادر می‌گردد، بنا بران از همه اول‌تر به ارزیابی اصولنامه مذکور می‌پردازیم.
**اصولنامه امنیت عامه:**

اصولنامه جزای جرایم مأمورین، دارای دو بخش مربوط به مأمورین و سایر اشخاص بوده که تبعیض آشکار بین مأمور و سایر افراد مملکت در تشخیص جرم و تعیین جزا، تفکیک مواد جزائی برای مأمورین و دیگر افراد در مقابل جرایم مربوط به مصالح عامه، محروم نمودن مأمورین از داشتن مرام و اهداف مشترک و بالاخر تثبیت جزاهای طاقت فرسا و

وطن این سامان دهندگان واقعی هستی اجتماعی وطن ستمدیده ما باز گردد، تا بدین‌وسپله جلو رشد شعور طبقاتی، سیاسی و اجتماعی اکثریت محروم و تحت استثمار کشور عقب مانده مان را گرفته باشند و بتوانند چند صیباح دیگر به غارتگری‌های خویش ادامه دهند. ورنه سهل است و می‌توان با ایجاد قوانین و مقررات دموکراتیک و ملی و طرح برنامه‌های مترقی علمی و با اعتناء به آزادی تدریس و احترام به پرستیژ و حیثیت معلمان و استادان شریف و فداکار، وطن‌پرست و ترقی‌خواه کشور، تهیه وسایل انکشاف ذهنی و معلومات عالی‌تر علمی برای آنان و همچنان پرداختن به تأمین

ضد کرامت بشری، ضد دموکراتیک و ضد قانون اساسی از مختصات آن به شمار می‌رود.
ماده (۸۳) اصولنامهٔ امنیت عامه تصریح می‌کند: «اگر سه نفر از مأمورین دولت و یا زیاده از آن وظیفهٔ خود را ولو به‌صورت استعفا باشد به‌اتفاق همدگر و یا به‌قصد نیل یک مرام مشترک ترک گویند … هر یک به حبس از سه ماه تا یک سال یا به پرداخت جریمه از سه تا پنج هزار افغانی محکوم می‌گردد.»
درین جا سؤالی مطرح می‌گردد که چرا گروه حاکمه ارتجاعی از اتحاد، اتفاق و داشتن مرام مشترک حتی سه نفر مأمور ترس و وحشت دارد و روی چه منظوری نصوص صریح قانون اساسی را معلق گذاشته، به

از (ص اول)

حیات مرفه، آبرومند و در خورشان ایشان و بالاخره با حمایت راستین و عملی ازین گروه ارجمند و مؤثر در تسریع تکامل سویه علمی و فرهنگی جامعه، خدمتی سزاوار به احیا و ایجاد فرهنگی ملی و مترقی در مملکت انجام داد.

معهدا، عاملان دستگاه حاکمه بجای اینکه به این امور حیاتی ببندیشند و در جهت تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک معلمان و استادان شریف و وطن‌دوست گامی مثبت و عملی بردارند، پرده استتاری از

# باید قوانین ضد دموکراتیک- ضد خلقی و ضد ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی لغو گردد؟

ما بارها اعلام کرده‌ایم که باید علیه قوانین و مقرراتی که مناقض آزادی‌های مصرح در قانون اساسی است و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک فرد کشور را نقض می‌کند، در چوکات اصول مبارزه کرد. مقامات حاکمه افغانستان می‌کوشند از یکطرف خلاف حکم ماده (۱۲۸) قانون اساسی، قوانینی را که قبل از انفاذ قانون اساسی با ماهیت ارتجاعی و غیر دموکراتیک نافذ بود، علی رغم تناقض صریح آن با ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی همچنان پابرجا نگهدارند تا امکان داشته باشند آنجا که منافع شان ایجاب می‌نماید آن را در برابر حقوق و آزادی‌های دموکراتیک افراد استعمال کنند و از جانب دیگر تلاش می‌ورزند با ایجاد قوانین و مقررات جدید، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم را به شکل توطئه آمیزی تحدید نمایند.

ما می‌خواهیم درین جا با نشر یک سلسله تحلیلات حقوقی پرده از روی ماهیت قاتون گذاری قانون - گذاران دستگاه حاکمه برداریم، تا مواد اساسی مبارزه در برابر قوانین و مقررات ف توت و ضد ارزش‌های مثبت قانون اساسی و ضد آزادی‌های دموکراتیک مردم را در پیشگاه خلق و به خاطر مبارزه روزمره گذاشته باشیم.

تطبیق احکام اصولنامه امنیت عامه باوجود ضد دموکراتیک بودنش، عمل می‌کند؟

جواب ساده و روشن است! دستگاه رو به زوال حاکمه برای حفظ منافع تنگنظرانه خود نه تنها از فقر کشنده اقتصادی اکثریت مأمورین بهره برده است، بلکه در عین حال چرخ فاسد اداری را نیز به قیمت سلب حقوق طبیعی و قانونی آن‌ها اداره نموده و مأموریت دستگاه را به بردگی فکری تنزل داده است. آزادی تشکیل، اتحاد، داشتن مرام مشترک که مطابق به احکام ما ده (۳۱) و (۳۲) فصل «حقوق و وظایف اساسی مردم» در قانون اساسی، حق مسلم اتباع افغانستان شناخته‌شده و مأمورین نیز جزء اتباع افغانستان اند، در قانون

## برنامه‌های نمایشی هرگز نمی‌تواند …

سروصدهای تبلیغاتی و برگزاری مراسمی به‌عنوان به‌اصطلاح «روز معلم» که این روزها هنگامهٔ آن در محافل علمی و فرهنگی کشور ما گرم است، بر روی ماهیت ارتجاعی و ضد فرهنگ ملی و مترقی خویش می‌کشند و تصور می‌کنند صرف با ترتیب برنامه‌های نمایشی و محافل ساز و سرود می‌توان به حال استادان و معلمان ناتوان کشور پرداخت و گرهی از مشکلات بیشمار آنان گشود. معلمان فداکار، استادان شریف و وطن‌پرست!

هلمند

فرسوده ما عاجزتر از آن است که برای مأمورین پائین رتبه و شریف «حیثیت و» «انرژی «تدارک نماید. دستگامی که می‌لاند که جلو توهین مأمورین را گرفته و با تظاهر می‌کند که گویا به انرژی مأموران علاقمند است، باید بداند که «اشک تمساح «به حال مأمور ریخته و خود عامل عمده ضیاع انرژی آن‌ها به شمار می‌رود و روزانه صدها توهین آشکار به مأمورین پائین رتبه روا می‌دارد.

اصولنامه امنیت عامه برای قشر مسلط به سرنوشت مردم ما امکانات وسیعی داده و خائنین بیت‌المال و دارائی‌های عامه مربوط به این قشر را، مجال هرچه بیشتر خیانت داده است، مثلاً ماده (۸۰) اصولنامه امنیت عامه تصریح می‌نماید: «هر مأمور دولت که از اموال منقولی یا غیرمنقولی دولت برای منفعت شخصی خود مخالف قانون استفاده نماید به جبران خساره وارده به دولت و به جزای یک

سال تعطیل ملازمت محکوم می‌گردد، اما، ماده (۱۱۳) اصولنامه مذکور حکم می‌کند: «هر مأمور دولت و هر شخصی که اموال نقد یا جنس دولتی در نزد او به صیغه امانت، تحویل … و او اموال مذکور را اختلاس نماید به رد مال اختلاس شده و به پرداخت جریمه معادل قیمت آن و به حبس از سه تا هفت سال با اعمال شاقه یا بدون

اعمال شاقه محکوم می‌گردد.»

متن هر دو ماده بیانگر عمل جرمی واحد و آن‌هم دستبرد به دارائی‌های عامه است، پس چرا در یک ماده آن‌قدر جزای سنگین و در ماده دیگر این قدر گذشت و حاتم بخشی صورت گرفته؟؟ برای اینکه هیأت حاکمه به آن عدهٔ مأمورینی که شریک زد و بندهای شان اند و یا در جریان تعقیب و محاکمه بتوانند «شرف «اشترک را حاصل نمایند راه گریز «قانونی!! «داشته باشد و آن‌هایی که بخواهند به تنهائی دارائی عامه را هضم نمایند و یا بعضاً بر سر بالائی‌ها کلاه بگذارند قانون را عملی کنند.

حکم ماده (۱۱۳) اصولنامهٔ امنیت عامه واضحاً هوشیار باشی‌ست برای خائنین زرنگ و تردیست، برای ساتری‌ست برای پوشاندن خود سری‌ها و زدوبندها – شلاقیست کوبنده برای خائنین کند ذهن، ناشی و آن‌هایی که می‌خواهند عاید خیانت تنها به جیب خودشان بریزد، و اما حکم ما ده (۸۰) اصولنامهٔ امنیت عامه، حکم قانون است برای مختلسین و خائنین واقعی، سابقه دار و قانع به سهم خود از عاید خیانت.

مضامین آن دلگرمی بیشتری در راه سعادت و بهبودی ملت و وطن بما عرضه نمود. بدین وسیله عمیق‌ترین تیریرکات خویش را به تمام جوانان و نمایندگان حقیقی مردم افغان در راه آزادی بیان و مفکوره تقدیم می‌داریم.

…اتحادیه ما با جمیع قوای خویش کوشا بوده و می‌باشد تا با همه محصلین و محصولات و افغانی چه در داخل و چه در خارج و همچنان نیروهای که در راه بهبودی مردم و وطن مصروف آماده نمودن و پیدا نمودن راه‌های انکشاف می‌باشند، تماس نزدیک و عمیق حاصل نماید. امیدواریم قایم نمودن ارتباط نزدیک و عمیق اتحادیه ما با شما و جمیع همکاران محترم شما باعث آبادی یک خشت مستحکم دیگری در تعمیر دموکراتیک خلق افغانستان باشد.

… در اخیر احترامات و احساسات عمیق اعضای اتحادیه را برای جمیع برادران و دوستان گرمی، آثانی که قلوب حساس خویش را از درد دردمندان آگنده اند و با جمیع قوای خویش در راه از بین بردن آن مجادله می‌نمایند رسانیده، موفقیت‌های مزید ایشان را خواسته و خواهیم.

زنده و جاوید باد جوانان پر درد و فدائیان راه خوشبختی مردم «

امنیت عامه جرم تلقی گردیده و در مواقع و حالات خاص تطبیق حکم ماده (۸۳) د اصولنامه امنیت عامه را دستور می‌دهند.

البته برای جبران این حق تلفی نابخشودنی به‌زعم خودشان موادی هم در اصولنامه امنیت عامه در نظر گرفته شده که مطابق با ماده (۱۴۱)، (۱۴۲) و (۱۴۳)، اصولنامهٔ مذکور کسی حق ندارد مأمور دولت را در حین اجرای وظیفه توهین نماید مقابل اوامر قانونی مأمور مقاومت کند و یا موجب ضیاع «انرژی !» مأمور شود.

همه می‌دانند که این امتیاز در انحصار مأمورین ستمگر و عالی رتبه مأمورین پاسپان مناقع آزمندانه طبقه جاکمه قرار دارد. سیستم حقوقی این دوی دردهای روانکاه شما نیست. باید به خاطر تأمین حقوق صنفی معلمان و ایجاد اتحادیه‌های کلپ‌ها و انجمن‌های دموکراتیک، به خاطر آزادی تدریس دانش مترقی، به خاطر احیا و انکشاف فرهنگ ملی و طرد استعمار پلید فرهنگی کشورهای امپریالیستی و بالاخره به خاطر ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شعور طبقاتی، سیاسی و اجتماعی معلمان و استادان، شاگردان و محصلان زحمتکش و ستمدیده کشور متشکل شد و متناسب به شرایط مبارزه کرد و در جنبش آزادی بخش ملی و اجتماعی کشور فعالانه شرکت جست.

عزم متین و اراده آهنین در راه عملی نمودن آن علما و عملاً قیام نموده و روز بروز بر تعداد خویش می‌افزایند …

… امیدواریم که به قوت همدیگر روزی به هدف واقعی نایل گردیده ملت محروم و عقب افتاده افغان را از بدبختی‌ها و بیچارگی‌های اجتماعی، ذلت و خواری، محرومیت‌های مادی و معنوی، طبقه بندی مذهبی و نژادی (به نفع سرمایه داران بزرگ و…) کمپلکس‌های اجتماعی آقایی و غلامی نجات داده و کلید راه ترقی و سعادت ملت افغان را به دست توده‌های زحمتکش بپساریم تا سرنوشت خود را خود تعیین نموده، همه جا بدون استتتا در منافع ملی و اجتماعی خویش مساویانه حصه گیرند.

… امیدواریم تماس نزدیک و عمیق اتحادیه با شما و همه خواهران و برادران و همکاران محترم که عین نظریات ملی، اجتماعی و انسانی را

در راه سعادت ملت و وطن تعقیب می‌نمایند، باعث تقویه بیشتر در راه پیشبرد اهداف ملی و اجتماعی و انسانی برای سعادت مردم و وطن می‌افزایند …

… در اخیر عمیق‌ترین احساسات اعضای اتحادیه را خدمت شما و جمیع خواهران و برادران حساس و ملی، فدائیان راه حق، مجاهدین ضد ارتجاع و هر نوع قوای امپریالیستی و ضد دموکراسی تقدیم نموده، موفقیت مزید ایشان را که موفقیت ملت است خواسته و خواهیم.

«زنده و جاوید باد مردم زحمتکش افغانستان»

\*\*\*

… در اخیر احترامات و احساسات عمیق اعضای اتحادیه را برای جمیع برادران و دوستان گرمی، آثانی که قلوب حساس خویش را از درد دردمندان آگنده اند و با جمیع قوای خویش در راه از بین بردن آن مجادله می‌نمایند رسانیده، موفقیت‌های مزید ایشان را خواسته و خواهیم.

زنده و جاوید باد جوانان پر درد و فدائیان راه خوشبختی مردم «



## د زړمل د ولسوالۍ خلک خپل حقوق غواړی

مور دشور کچۍ، محمد فضل، عالیخېل، نظرخان، مریکت، شراب الدین، کرشو او میرجان خپل کلي خلک چه تقریباً دوه سوه کورنیو ته رسیږو او زمونږ ځمکی او کورونو دسردی دبنډ د کاسی تر اوبو لاندی شوی، دحا کمی دستگاہ پرغیر عادلانه او غیرقانونی اعمالو په کلکه اعتراض کو.

اته کاله دمخه چه دسردی د بنډد پروژی کار شروع کیده، مونږ پدی خوشحال وو چه ددی بند دسر ته رسیدلو په نتیجه کښی به څه آباد شوو، مگر له بده مرغه د حکومتی کارکونکو طرزالعمل دهغو خلکو په مقابل کښی چه خپلی ځمکی او کورونه یی د بند په کاسه کی له لاسه ور کړل، مور نا امید کړو.

کله چه لومړی حکو متی هیأت زمونږ د کورونو او ځمکو دبرآورد او قیمت ایښولو له پاره زمو نږ سیمی ته راغی نو دطمعی او رشوت جیبونه یی خلاص کړل او تر هر څه دمخه یی تقریباً دهر یوه اوسیدونکی دوه حصی ځمکی مخروبه او یوه حصه یی دڅښتن په نوم ثبت کړل او دخوار ولس د زاریو په مقا بل کښی یی په ډاکه وویل چه یواخی درویی یعنی رشوه په بدل کی به مور خپله نظریه بدله کړو. خلکو وویل چه بابا دا مالیه ده ځمکه ده تا سو ولی خرابه ولیکلی؛ خو ددوی داواز داوریډلو غوړونه کاڼه وو.

وروسته یوبل هیأت دکورونو د برآورد دپاره له مرکز نه راغی او دغه هیأت هم د تیر هیات په شان په غیرعادلانه ډول په کار پیل وکړ او کوم کور او حویلی به چه لس کوتی درلودی هغه به یی پنځه شمیرلی او دخلکو دااعتراض او استغاثی په مقابل کی به یی په ډاگه ویل چه زړو افغانیو دورکولو په عوض کی به دلس زړه افغانیو برآوردکړی. پدی صورت غریبو او ناداره خلکو په سلو کی پنځه اویا خپل حقوق له لاسه ورکړی.

وروسته دسردی د بند امریت خلکو ته د نقل مکان امر ورکړ اودا امر دژمی په لومړیو شپو کی په مظلوم ولس باندی لکه تندر نازل شو، هماغه وچه دبنډ اوبه دامریت په امر جاری شوی او په نتیجه کښی یی ددوو کلیو فصلونه تر اوبو لاندی کړل چه تقریباً دوو لکو روپو تاوان یی خلکو ته واړوه. د کلیو اوسیدونکو په ویر اخته شول او د بند له امر یت څخه یی ځیمی یو ړی او په دشتو کی میشته شول.

د مظلومو خلکو نمایند گا ن کابل ته راغلل خو دلویو بنگلو او لویو مقاماتو خاوندانو دوی ته لاره ورنکړه، یواخی ولسیجرگه د خلکو تر عریضی لاندی دو مره ولیکل: «تر څو چه دولس دسرپناهي لپار کورونه او دزراعت لپاره ځمکی ور نکړی شی دسردی دبنډ امریت حق نلری چه دوی په نقل مکان مجبور کړی.» په نتیجه کی دمربوطه وزارت له خوا خلکو ته ډاډ او وعدی ورکړی شوی چه ستاسو دځمکی او کورونو دعادلانه برآورد له پاره به عادلانه اجرات وشی هماغه و چه نوری هیأت زمونږ منطقی په راورسید، مگر دغه هیأت هم د پخوانی هیأت په شان و، یواخی یو شی په اضافه شو هغه دا چه دسردی دبنډ امریت له خلکو سره په عناد او ضدیت پیل وکړ او امری وکړ چه باید ټول کلی دی ژرتزړره تخلیه شی او دا امر په ژمی کی دخلکو د قتل عام حکم درلود. خلکو دحکومتی هیأت په خواب کی وویل چه دژمی په سرو یخو ی خانونه، ما لونه او دژوند لوازم نشو خوندی کولای او دولسی جرگی په فیصلی چه د سردی بند د امریت ته دوزارت زراعت په سلسله رسیدلی ده، استاد کوو. خو دغه «سند» هم ونشوی کولای چه دخلکو دپاره آسانتیاوی برابرې کړی. له همدی کبله مو د پرچم اداری ته مو خپل آواز ور ورساوه او غواړو چه ددی خلکی او ملی جړیدی په وسیله خپل له دردونو نه ډک غیر خلکو ته ورسوو او د حکومت پر دی ظالمو او رشوتخورو کارکونکو باندي خپل نه کرکی ډک اعتراض وکړو.

## نمونه‌یی از انکشاف سلیم (!) معارف در ولایت کندز

از آنجا که جریده پرچم انعکاس دهنده آرمان‌های والای خلق است، آرزو داریم این تذکر ما را در یکی از صفحات خویش به نشر بسپارد.
دستگاه تبلیغاتی محافل حاکمه پیوسته پیرامون معارف متوازن (!) حرافی می‌کنند و می‌کوشند تا خود را هواخواه صدیق تعمیم معارف در کشور نشان دهند و بزم‌عم خویش بر روی خصلت طبقاتی و ملاکی آن پرده بیندازند و چهره نامطلوب آن را با زرق و برق تبلیغاتی بیارایند، غافل از اینکه صد ا مثال زنده و گویا در رد این ادعای میان تهی و عوامفریبانه آن‌ها بصورت عینی وجود دارد.

ازجمله وضع رقتبار شاگردان معارف ولایت کندز قابل توجه است:
درین جا، در دارالمعلمین این ولایت صرف نظر از

تذکر ماهیت فرهنگی پوسیده ملاکی، یک تعداد قابل ملاحظه از جوانان حساس و با درد طبقات زحمتکش در سراپی گردآورده شده‌اند، از چپرکت، بستر، ډاکتر و دوا، کتابخانه و مواد تدریسی اثری نیست و دردآورتر از همه اینکه شاگردان در اتاق‌های نمناک و غیر صحی تدریس (!) می‌شوند و شبانگاهان در لای یک کمپل، در هرگونه شرایط ناگوار جوی بر روی خاک می‌خوابند.

باوجود احساس نیازمندی شدید لیسه‌های دارالمعلمین، شیرخان، تخارستان و بلقیس ولایت کندز به معلمان دارای تحصیلات عالی و باتجربه و وارد به اصول سیستم عصری آموزش و پرورش حتی از تدریس لیسانسه‌ها در لیسه ها جلوگیری می‌شود، زیرا این امر به منافع متنفذین محلی و سرمایه داران معلوم‌الحال این ولایت انطباق ندارد، آن‌ها از انکشاف ذهنی و رشد شعور سیاسی فرزندان خلق‌های زحمتکش می‌هراسند و با انواع وسایل می‌کوشند از ورود معلمان ورزیده و لیسانسه‌هایی که می‌خواهند از طریق تشنبیثات خلاق آموزشی با ایجاد کنفرانس‌ها و نمایش درآمه ها و غیره متعلمان را به زوایای تاریک حیات اجتماعی آشنا سازند و راه مبارزه علیه ناهمواری‌های نظام فرسوده اجتماعی را بروی ایشان بگشا بند، جلو گیری نمایند. تازه به این‌قدر هم اکتفا نمی‌شود، بلکه بصورت ماهرانه می‌کوشند به‌وسیله باندها و دار و دسته‌هایی که از نازپروردگان طبقات ممتاز و استثمارگر در میان لیسه ها، مخصوصاً لیسه شیر خان به وجود آورده و میاورند، به مخالفت علیه افکار مترقی و وطن‌پرستانه برخیزند، دست به اعمال تخریب آمیز بزنند و بدتر از همه تخم نفاق و تفرقه را با استفاده از وسایل و تبلیغات ظریفانه و گوناگون بین جوانان و فرزندان با درد و حساس طبقات زحمتکش بپاشند و هرگز به این نمی‌اندیشند که بار مسوولیت عواقب وخیم این‌گونه اختلال گری‌ها و نفاق‌افکنی‌ها، بالاخره کمر عوامل ضد ملی و ضد دموکراتیک و دشمنان وحدت و همبستگی و رشد سیاسی و اجتماعی خلق‌های ستمدیده کشور را به‌طور وحشتناکی خواهد شکست.

این بود شمیعی از آنچه بنام تعمیم معارف (!) در کشور ما صورت می‌گیرد. گرچه ما عمیقاً عقیده داریم تا تغییر اساسی به نفع خلق و به دست خلق در جامعه ما نیاید، تنها فرهنگ و دانش آن‌هم با ماهیت و وسایلی موجود نمی‌تواند کاری را از پیش برد، معهدا باید برای افشای چهره حقیقی معارف پروری‌های (!) دستگاه حاکمه برین حقایق تلخ روشنی انداخته شود.

ع.غ. پرواز از کندز

از (ص اول)

### مسئولیت عواقب ...

اگر اسرائیل به این ماجراجوئی‌ها خاتمه ندهد و فیصله نامه ۲۲ نو مبر ۱۹۶۷ را نپذیرد، وقوع جنگ دیگر که همین اکنون هم بصورت اعلان نشده جریان دارد و روز بروز در حال گسترش است، ناگزیر است و در آن صورت مسوولیت عواقب وخیم آن بدوش اسرائیل و حامیان آن خواهد بود.

# درد، شکایت‌ها و اعتراضات خلق

### هنرپیشگان، مأموران فنی و مستخدمان ریاست کلتور اعتراض می‌کنند

به پیوندد و همچنان مأموران فنی و کارگران ماهر که درین صحنه دیگر نقشی ندارند و به‌اصطلاح «اضافه بست» شده‌اند.

هنرپیشگان آرزومند و بااستعداد، مأموران فنی و کارگران ماهر «ریاست کلتور» نسبت به این سرنوشت مجهول و آوا رگی بی‌دلیل و همچنان عدم اعتای مقامات مسوول به هنر، حیات و آیندهٔ خویش شدیداً اعتراض می‌نمایند و جداً تقاضا دارند تا به‌موجب ماده (۳۷) قانون اساسی افغانستان که: «کار حق فریضه هر افغانیست که قدرت اجرای آن را داشته باشد ...» به ایشان کار داده شود.

### سیلاب حیات اهالی شهر خان آباد را به نابودی تهدید می‌کند

سیل‌بری که همه ساله در موسم بارانی سال حیات اهالی زحمتکش شهرخان آباد را مورد تهدید قرآمی‌دهد، بر بالای شهر حاکم است. عمل حکومت تاکنون چندین بار بنام اینکه سدی در محل سیل‌بر برای جلوگیری از خطرات سیل تعبیر می‌کنند، از مردم ناتوان خان آباد به ملیون‌ها افغانی پول جمع کرده‌اند، معهدا هر باری که سیل عصبان کرده، به قیمت حیات و ضررهای جبران ناپذیر مالی برای مردم شهر تمام شده است. چنانکه سیلی به تاریخ ۳۰ حمل ۱۳۴۸ ازین مجرا سرازیر شد و در قدم اول پنج دکان را در مندوی خان آباد منهدم ساخت، این حادثه بجای اینکه مسوولان امور را انتباهی دهد تا به فکر چاره اساسی شوند، باز هم به شیوهٔ همیشگی در اندیشهٔ پر کردن جیب‌های خود شدند و با صدور امر مسنود ساختن دکان‌های اهالی، مردم را مجبور کردند باز هم پول بپردازند و مطمئن (!) باشند.

مگر باکمال تأسف بروز ۴ ثور ۱۳۴۸ بار دیگر سیل‌بر به عصبانگری پرداخت و در نیمه شب چندین خانه را از پای در آورد، زمین‌های زراعتی را ویران کرد و در حدود مقدار سی خروار شالی را که عددهی از زحمتکشان بینوا به غرض پاک کردن به اجاره گرفته بودند، از بین برد و همه اهالی شهر را به وحشت و هراس مرگباری آن در ساخت.

شش روز ازین حادثه گذشت تا والی ولایت کندز به شهر خان آباد رسید. اهالی شهر در یک اجتماع تقریباً یک هزار نفری «به حضور، والی بار یافتند» تا حساب آن‌همه پول‌هایی را که در گذشته به غرض اعمار سدی اساسی برای جلوگیری از سیلاب پرداخته‌اند، بگیرند و یا لاقل در بارهٔ نجات آیندهٔ خویش ازین بلای بی‌امان با او داخل مذاکره شوند، ولی جناب والی بدون اینکه به مردم مجال مشوره و اظهار نظر دهد و یا با ابراز همدردی و همکاری با ایشان به دلداری و تسلی آنان بپردازد، اهالی درد رسیده را به «بغاوت» محکوم ساخته و مردم را به حبس و زندان تهدید کرد.

این است نمونه‌یی از حسن روابط و همدردی دستگاه اداری ولایت کندز با مردم ستمدیده و ز زحمتکش شهر خان آباد.

اهالی نسبت با ین وضع غیر عادلانه و بی‌اعتنایی عمال دستگاه حاکمه به امور حیاتی خویش اعتراض می‌کنند و جداً می‌خواهند تا حکومت هرچه زودتر در مورد جلوگیری از عواقب خطرناک سیل‌بر حاکم بر شهر خان آباد، به اقدام عملی بپردازد.

ن.پ از خان آباد

سروصدای تبلیغاتی عجیبی در «ریاست کلتور» افتتاح می‌گردد و عددهی از جوانان بامید آینده‌یی درخشان (!) از تحصیل در رشته‌های دیگر علمی و هنری صرف نظر می‌نمایند، تا روزی از طریق تاثیر و تمثیل بتوانند مصدر خدمتی به وطن محبوب خود شوند، ولی علی رغم وعده‌های رنگین «ریاست کلتور» و آرزوهای شیرین هنردوستان، بالاخره این کورس آرت دراماتیک (!) بدون اكمال دوره تدریسی، تکمیل شده اعلام می‌گردد و شاگردان و هنرجویان جوانی که از همه چیز بریده و به هنر رو آورده بودند، باید به‌صف هنرپیشگان آواره

و انکشاف و معرفی هنر و فرهنگی ملی و خلقی افغانستان مهیا گردد، یک عده از هنرپیشگان جوان، باسابقه و پراستعداد وطن که سال‌هاست به اتکای ذوق، استعداد و پشت کار شخصی خویش، با ابراز فداکاری و ایثارمتماع گران‌بهای هنر و استعداد خود را در بازار کساد و بی‌رونق هنر ناشناسان کشور عرضه کرده‌اند و در برابر آن به‌نقد ناچیزی در امرآمعاش قناعت ورزیده اند، به سرنوشت تاریک و مجهولی مواجه می‌گردند.

و انکشاف و معرفی هنر و فرهنگی ملی و خلقی افغانستان مهیا گردد، یک عده از هنرپیشگان جوان، باسابقه و پراستعداد وطن که سال‌هاست به اتکای ذوق، استعداد و پشت کار شخصی خویش، با ابراز فداکاری و ایثارمتماع گران‌بهای هنر و استعداد خود را در بازار کساد و بی‌رونق هنر ناشناسان کشور عرضه کرده‌اند و در برابر آن به‌نقد ناچیزی در امرآمعاش قناعت ورزیده اند، به سرنوشت تاریک و مجهولی مواجه می‌گردند.

تأسف آور است! بجای آنکه واقعاً زمینهٔ رشد استعدادهای جوان و خلاق فرزندان مستعد این سرزمین و تکامل فرهنگی ملی در کشور تهیه دیده شود و لاقل در حال حاضر وسایل احیاء

## اعتراض اهالی معارف دوست زرغون شهر ولایت لوگر بر مقامات معارف کشور اگر این مکتب است و این تدریس حال طفلان خراب می‌بینم

زرغون شهر یکی از مراکز پر نفوس ولایت لوگر است. درین منطقه وسیع متأسفانه تنها یک بنوونخی ابتدائی وجود دارد که به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند جوابگوی عیش بی‌پایان مردم معارف دوست این گوشه کشور باشد و بنا بر وجود سیستم ناقص تدریسی، فقدان مواد مترقی علمی و کمبود معلمان ورزیده قادر نیست استعدادهای سرشار فرزندان این منطقه را به‌مرستی رهنمایی کند، مهتتر از همه هر ساله یک عده از فارغان صنوف ششم آن در نیمه راه تحصیل، بی سرنوشت می‌مانند، به این معنی که تنها چند تن از فرزندان مربوط به طبقات ممتاز زرغون شهر با اعمال نفوذ و استفاده از پیوندهای طبقاتی و منافع مشترک

## اهالی وطن‌پرست اندخوی اعتراض می‌کنند

ما در چوکات افغانستان واحد به زبان‌های ازبکی و ترکمنی صحبت می‌کنند و نمی‌توانند از نشرات و برداکاستی که به زبان‌های پښتو و دری صورت می‌گیرد به‌طور لازم استفاده کنند و مطالب آن را هضم نمایند. بنا بر آن بدان گونه که از استفاده درست از معارف کشور محرومند، از نشرات و مطبوعات نیز بی‌بهره‌اند.

امیدواریم جریدهٔ پرچم خلق، در ضمن مبارزات خود، همچنان وجدانه و بدون هراس به پیکار خود درین زمینه نیز ادامه دهد و این اعتراض ما را به «مقام ذیصلاح» افغانستان اعلام بدارد.

باید خاطر نشان ساخت که مردم دشمنان طبقاتی خود را می‌شناسند و هیچ بیمی در برابر این‌گونه خودسری‌ها و حرکات اختناق آور ندارند.

(امضاء و مهر یکصد و چهل و هفت نفر از اهالی اندخوی)

### تراژیدی سیلاب‌های اخیر در شیرخان انبوه بزرگی از مردمان زحمتکش این دیار بی‌خانمان گردیده‌اند

هم فروریخته و در حدود ۱۶ پیکال زمین زرع شده، طعمه سیلاب گردیده است. شانزده روز تمام در جویبار‌های شیرغان آب به جریان نیامده و انبارهای آب حوض‌ها نیز ته کشیده، آسیاب‌ها از گردش باز مانده و شرتنگ دوکوه، سالتق، چوب باش و اسلام از





د افغانستان د تلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

۲۲ حوت ۱۳۴۸

## جمهوريت دموکراتیک توده‌ای

**کوریا برای وحدت ملی و ترقی کشور خود مبارزه می‌کند**

جمهوریت دموکراتیک توده‌ای کوریا به تاریخ (۲) اپریل سی و هفتمین سالگرد تاسیس اردوی گوریلائی ضد اشغالگران جاپانی را تجلیل نمود.

خلق کوریا در حیات ملی خویش به این روز اهمیت به سزایی قابلند. مردم کوریا که برای مدتی بیش از (۴۱) سال تحت اشغال امپریالیست‌های جاپان بسر بردند، به خاطر رهایی از توهین اسارت بیگانگان، مبارزات آزادی‌بخش ملی، خویش را به اشکال مختلف دنبال کردند.

پیکار ملی خلق کوریا در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۲ تحت تأثیر جهان‌بینی علمی و اوضاع جدید بعد از جنگ اول جهانی به‌طور منظم و سیستماتیک آغاز گردید. اشغالگران جاپانی در راه قلع‌وقمع جنبش آزادی‌بخش ملی مردم کوریا از هیچ نوع خشونت و قساوت دریغ نکردند، زندان‌ها را از آزادیخواهان پر نمودند و بسیاری از وطن‌پرستان کوریایی به طرز وحشتناک و بی‌رحمانه‌یی اعدام و از بین برده شدند. آن‌ها امکان هر نوع فعالیت قانونی را از مردم کوریا سلب کردند. جبر و تشدد استعمارگران جاپانی خلق کوریا را مجبور ساخت

که تحت رهبری زعیم ملی و انقلابی خویش (کیم ایل سونگ) طرق دیگری را جستجو نمایند. آن‌ها در سال ۱۹۳۲ اردوی گوریلائی متشکل از فرزندان کارگران و دهقانان کوریا را تاسیس نمودند.

همین اردو بود که به کمک قشون اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۴ با شکست دادن جاپان، استقلال کوریا را در شمال خط ۲۸ درجه عرض البلد به دست آورد.

جمهوریت دموکراتیک توده‌ای کوریا از سال ۱۶۴ به این‌طرف و از زمانی که زمام امور آن کشور به دست خلق افتید، به ترقیاتی نایل گردید که در تاریخ آن سابقه ندارد. تولیدات صنعتی بیش از (۴۰) برابر گردید، در ساحهٔ زراعت پیشرفت‌های زیادی نصیب مردم کوریا شد و امروزه آن‌ها می‌توانند نیازمندی‌های شان را از نظر خوراکه و مایحتاج مواد خام صنعتی تأمین نمایند.

در زمینهٔ معارف ترقیات مدم کوریا بی‌سابقه است، چنانکه ۲/۶۰۰/۰۰۰ طفل و جوان جمهوری توده‌ای کوریا در ۹۲۶۰ موسسه تعلیمی مصروف تعلیم و تحصیل مجانی می‌باشند. این ارقام برای (۱۲) ملیون و هفتاد هزار نفر نفوس جمهوری دموکراتیک کوریا در مقایسه با ۷۲۲۶ موسسه تعلیمی برای بیست و نه ملیون و هشت‌صد هزار نفر نفوس کوریای جنوبی به ذات خود گویای تفاوت عظیمی در سوبهٔ پیشرفت‌ها و ترقیات بین دو کوریا و اصالت راه رشد جمهوری دموکراتیک توده‌ای کوریا نسبت به راه رشد کوریای جنوبی است.
در پروگرام ده فقهیمی جمهوری دموکراتیک کوریا نکات عمده آن را

## مراسم جشن اول می روز همبستگی کارگران جهان در برخی از ولایات و مراکز صنعتی کشور

### در کاپیسا

شاگردان لیسه میر مسجدی به خاطر تجلیل روز جشن پر افتخار کارگران جهان و گرامی داشتن سنن مبارزات کارگری کشور و بخصوص نهضت اعتصابی پر جلال کارگران فابریک بزرگی نساجی گلپهار در سال گذشته، به ساعت هشت صبح ۱۱ ثور (اول می) در حیاط مکتب متینگی را تشکیل و در حالی که لوحه‌ها و شعارهای متعددی را در دست داشتند، به‌سوی محله کارگران و فابریک نساجی گلپهار به حرکت افتیدند. کارفرمایان زورگوی فابریک با همکاری بی‌دریغ مقامات مربوط اشتراک کارگران رزمنده گلپهار در تظاهرات این روز، «تدابیری» را

## در جبل السراج

شاگردان لیسه جبل السراج به همراهی عدیمی از کارگران، روز اول می (۱۱ ثور) روز همبستگی کارگران جهان را با دایر کردن متینگی تجلیل کردند. از طرف اشتراک کنندگان در متینگ روش محافل ارتجاعی و شاگردان دارالمعلمین و لیسه‌های هرات، صبح روز (۱۱) ثور باروحیهٔ اتحاد و همبستگی، تظاهرات باشکوهی را به خاطر تجلیل از روز اول می، روز همبستگی کارگران سراسر جهان به راه انداختند. در جریان تظاهرات اخلاص گران و ماجراجویان انقلابی نما دست به تفتین و اخلاصگری زده تلاش ورزیدند تا در صفوف مظاهرهچیان رخنه‌یی وارد کرده، عدیهٔ از آنان را به تجرید از مردم بکشانند، معهدا این مظاهره در مجرای واقعی خود، در میان مردم و با پیوند با مردم برگزار می‌باشد»

حزب کار جمهوری دموکراتیک توده‌ای کوریا در تحقق و اجرای پروگرام اقتصادی، ترقی علمی و فرهنگی و پیشبرد امور سیاسی و ایدئولوژیکی بر اساس پرنسپ حل مستقل پرابلم‌های انقلاب، ساختمان سوسیالیزم، اتکاء به خود، تطبیق خلق، نه جزمی جهان‌بینی علمی و بکار بردن تجارب دیگر کشورهای سوسیالیستی مطابق به شرایط مشخص تاریخی و سیمای خاص کور یا عمل می‌کند.

کیم ایل سونگ درین مورد می‌گوید: «مقصدا ما از ایجاد اقتصاد مستقل ملی به نیروی خود، این نیست که روابط اقتصادی بین‌المللی رد گردد و هر چیز مورد ضرورت را خود ما تولید نماییم ... ما در تجارت خارجی خود به بازار جهانی سوسیالیستی اهمیت درجه بگ قابل می‌باشیم و وی می‌گوید: مبارزه علیه امپریالیزم و استعمار رهنمای عمل همه کشورهای برادر که منافع مشترک در (تعمیر سوسیالیزم) دارند می‌باشد.»

جمهوریت توده‌ای کوریا خودخواهی تنگ‌نظرانه ناسیونالیستی را در مناسبات اقتصادی رد می‌کند. جمهوری توده‌ای کوریا در سال ۱۹۶۷ قرار داد دفاعی جدیدی را با اتحاد شوروی امضا نمود.

## اظهارات لنوئید بریژنیف به مناسبت روز اول می

لنوئید بریژنیف منشی عمو می کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی بیانیه به مناسبت جشن اول می در میدان سرخ، به نمایندگی از کمیته مرکزی، هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و حکومت شوروی چنین اظهار داشت:

«در روز می ما همه، اشتراک خود را با برادران طبقاتی خویش در دیگر کشورهای با همه آنچه که در جهان

## تظاهرات محصلان و متعلمان امریکایی به مناسبت روز اول می

کلفورنیا بیش از یک‌صد نفر پولیس متعلمان سیاهپوست و پورتوریکایی‌ها در پوهنتون ها به اعتصاب نشستن دست زدند. محصلان در دو عمارت پوهنتون برای مقامات مربوط پوهنتون که اشتراک کنندگان در تظاهرات را به محاکمه تهدید می‌نمودند، مشکلاتی ایجاد کردند. آن‌ها خاطر نشان ساختند تا وقتی که به خواست‌های شان جواب مثبت داده نشود، عمارتی را که اشغال کرده‌اند، ترک نخواهد کرد.

- مقامات مربوط پوهنتون ستانفورد

### سوگند

تو ای رفیق هم‌رزم تو ای دلیر بی‌باک!
که چو شعله سرکشی تو و چو موج نرم و چالاک،
که چو بحر پر درونی و چو اشک چشم من پاک،
که چو باده پر غروری، زکرم خمیده چون تاک،
بشرافت تو سوگند!
به شهامت تو سوگند!
برهی که رفته یی تو، که ره نجات خلق است،
که اگر مرا بسوزند و تتم کنند صد چاک
زره تو برنگردم!
زپی تو برنگردم!
سر من نثار این خلق، تن من فدای این خاک!

از: اسکاف

## توقیف تحریک آمیز سه نفر از «کانکور زدگان»

و در غیاب بشاغلی صدراعظم به شکل تحریک آمیز و خلاف قانون سه تن از جوانان را به هنگام اجتماع مسالمت آمیز و قانونی آنان، به خاطر دفاع از حقوق ادامه تحصیلات عالی‌تر، بازداشت کرد.

مقام مسوول وزارت معارف با این شیوه خودسرانه خود در حالی که فیصله صریح ولسی‌جرگه را به کمک به‌اصطلاح مقامات امنیتی (!) کشور زیر پا گذاشت، صریح خلاف روحیه قانون اساسی افغانستان عمل کرد.

پرچم: در حالی که حقوق مسلم صنفی جوانان و فارغ‌التحصیلان لیسه‌های مرکز و ولایات کشور را تأیید می‌نماید، بروش خشن و غیرقانونی و ضد دموکراتیک، مقامات مربوط دستگاه حاکمه در ین زمینه اعتراض می‌کند و خواستار رهایی هر چه زودتر جوانان زندانی معارف و پوهنتون است.

(بقیه ص ۳)

## تراژیدی سیلاب‌ها ...

قدرت خرابکار سیلاب قرآرمی‌گیرد، سیلاب بند خامه را آسان به کام می‌کشد و بگ دنیا زجر و سیه بختی در قبال می‌آورد. با مخارج هزاران افغانی بند خامه دیگر ایجاد می‌گردد. تا طعمه سیل سهمگین و بنیادکن دیگر شود.

این تراژیدی سال‌هاست که مردم را عذاب می‌دهد، ولی سرنیچهٔ عمال دولت فاقد قدرت گره کشانی بکارمردم شریف ماست، لهذا این بند پخته نمی‌شود و فریاد خلق‌های شریف و زحمتکش را سوززده‌تر بلند می‌سازد. مسوول این همه نابسامانی‌های موحدش و بدبختی آفرین، مقامات غفلت کار و خودسر دستگاه حاکمهٔ کشور است.
**انگوت از جوزجان**

پشتیبانی مردم شوروی همیشه با آن‌ها

خواهد بود، وطن‌پرستانی که در ویتنام بر ضد تجاوزکاران امپریالیست می‌جنگند همچنان خلق‌های عرب که بر ضد امپریالیزم و به خاطر حق حاکمیت شان مبارزه می‌کنند، اردوهای آزادی‌بخش انگولا و موزنبیق، مردمانی که یوغ اسارت استعمال را به دور انداخته و راه رشد مستقل را در پیش گرفته‌اند از این حقیقت به‌خوبی آگاهند .» وی گفت:

## اعتصاب شاگردان شونخی

### ابن سینا

شاگردان شونخی این سینا جهت تأمین پاره از خواست‌های صنفی‌شان از تاریخ ۱۵ ثور به این‌طرف (۲۰ ثور) در حالت اعتصاب بسر می‌برند. شاگردان شونخی در وضع خاصی

<b>دامتیاز خاوند او مسوول مدیر:</b> <b>سلیمان لایق</b>	
<b>تلفون:</b> ۲۳۱۶۴	
<b>د یوه گنی بیه<span> </span>: ۲/۵ افغانی</b>	
<b>تایپ متن:</b> قاسم آسامی، ویرایش جدید: عمر فیض	
<b>مطبوعه دولتی</b>	



## د شوری د دیارلسمی انتخاباتی

### دوری په مبارزه کی د ائتلافی جبهی لپاره

#### د مشترک پلاتفرم طرح

د افغانستان د خلك دموکراتیک جریان، د پرچم په تیرو دوو گڼو کی په (پښتو او دری ژبو) په انتخاباتی مبارزه کی د ائتلافی جبهی د تشکیل د ضرورت په نسبت یوه اعلامیه صادره کړه.

ددی لپاره چه «ائتلافی جبهه» د فوری او مشترک عمل له پلاتفرم څخه پرته بی محتوی ده، د افغانستان دخلک دموکراتیک جریان له خپلی وعدی سره سم تصمیم ونیو چه د ائتلافی جبهی لپاره، دشوری ددیارلسمی انتخاباتی دوری په مبارزه کی د کلی پلاتفرم شعارونه طرح کړی. دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان عقیده لری چه دا گډ پلاتفرم کولی شی دوطن د ټولو افرادو، ډلو، سازمانونو، او دملی دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو او وطنپالونکو قوتونو ټول مشترک وجوه احتوا کړی. خو سره له دی که چیری نوموړی عناصر تکمیلی او یا تعدیل شوی طرحی ولری، دافغانستان د خلك دموکراتیک جریان حاضر دی چه په دموکراتیکه توگه داغالی دود سره سم پر یو میز باندی له دوی سره مفاهمه وکړی تر څو د ډله ایز تصمیم پر اساس په انتخاباتی مبارزه کی د گډ پلاتفرم او ائتلافی جبهی په نسبت یو فیصله لیک صادر کاندی.

دافغانستان د خلك دموکراتیک جریان معتقد دی چه هغه کلی شعارونه کوم چه په اوسنی اوضاع او احوال کی

دشوری ددیارلسمی دوری په انتخاباتی مبارزه کی دټولو افرادو، محافظو، ډلو، سازمانونو اوملی، دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو او وطنپرستو قوتونو لپاره کولای شی دیو راز عملی او مشترکی جاری مشی په حیث دانئتلافی جبهی داتحاد عمل او مشترک پلاتفرم داساس په عنوان طرح شی عبارت دی دلاندنیو میرمو وظایفو له اجرا څخه:

د دموکراسی د استقرار او په اساسی قانون کی د ټولو مصرحه آزادیو دتطبیق په لاره کی مبارزه اوله هغی جملی نه؛ دملی، دموکراتیکو او ترقی غوښتونکو گوندونو او نورو صنئی دموکراتیکو او سنديکایی سازمانونو دتشکیل او آزاد فعالیت په لاره کی مبارزه اعم له کارگرانو، بزگرانو، محصلانو، معلمانو، روشنفکرانو، کسبگرو، دولتی او خصوصی موسسو مامورانو او مستخدمانو.

- دمطبوعاتو دتعمیم او آزادی، دبیان او ویناد آزادی، د تظاهراتو اعتصاباتو او ټولنو او نورو د آزادی په لاره کی مبارزه؛

- دڅووسرانو او غیرقانونی تبعید، توقیف، حبس او له کارنه داخراج پرضد مبارزه؛

- په اساسی قانون کی دمصرحه آزادیو ضد قوانینو اوضد دموکراتیکو قوانینو د لغو په لاره کی مبارزه او دافغانستان د خلکو په گټه د کارگرانو، بزگرانو، کسبگرو او نورو دموکراتیکو طبقاتو او قشرونو لپاره ددموکراتیکو قوانینو وضع کول او دهغوی دسیاسی او اجتماعی حقوقو او آزادیو دفاع؛

- دښاروالیو، ولایتی جرگو او کلیو دجرگو دموکراتیک تشکیل په لاره کی مبارزه او بیله هر راز تبعیض څخه دافغانستان د ټولو قومونو او خلکو د ثقافتی اوسیاسی حقوقو تأمین؛

- دښخو داجتماعی او سیاسی حقوقو دتأمین په لاره کی مبارزه؛

- دډکوجیانو او قبایلو دمسئلی ددموکراتیک حل په لاره کی مبارزه؛

- د اداری، اقتصادی، مالی، تجارتی، قضایی، ثقافتی او نورو دستگاوو ددمو کراتیکو اصلاحاتو په لاره کی مبارزه؛

- دمتوازن (ملی اومترقی) معارف او صحت دتعمیم په لاره کی مبارزه؛

- دبیکاری، بیگاری، فقر او بیسوادی پرضد مبارزه؛

- دارضی مسئلی د حل په لاره کی مبارزه، دهیواد صنعتی کول او

(۴ صخ)

د افغانستان خوریدلی خلك ډوډی، کالی، کور، معارف، کار،

آزادی او صلح غواری

## شرکت متحدانه و باوقار تمام محصلان

### پوهنتون کابل و شاگردان لیسه‌های مرکز در تشییع جنازه

یک شاگرد وطن‌پرست نموناً الهام‌بخشیت از اتحاد در راه پیروزی خلق افغانستان

باشکوه جنازه هم‌صنف خود را برگزار سازند. این تصمیم شریفانه و افغانی بیش از ده هزار محصل و شاگرد، ارتجاع را وادار به عقب نشینی ساخت و باوقار و جلال بی‌مانندی جنازه گل‌پوش و گلگون شاگرد جوان مظلوم را طی راه طولانی، از پوهنتون کابل تا مسجد عینکاه، مشایعت کردند. در عرض راه هزاران نفر از اهالی شهر کابل در اطراف جاده‌ها بر سبیل احترام صف کشیده و با نگاه‌های غم‌انگیز و خشم آلود، جنازه و تشییع کنندگان را استقبال می‌کردند.

فهم مصیبت و احساس درد مشترک به محصلان و شاگردان کشور امکان داد که عالی‌ترین انضباط، همبستگی، هشیاری، همدردی، همکاری و عظیم‌ترین وقار و حمیت افغانی و انسانی را تمثیل نمایند. کف زدن‌ها، شعارها، نعره‌ها و افاده رزمند جوانان جای خود را بیک سوگواری پر حماسه و بیک غم خاموش، ولی صاحب هزار زبان سپرده بود.

محصلان در سایه این حادثه عمیقاً درک نمودند که یکدیگر خود را به خاطر وطن و آزادی، به خاطر آرمان‌های خلق ستم‌دیده کشور خود ضرورت دارند، پس باید همدیگر را داشته باشند. آنان بر مخالفت‌ها احاطه کردند و باشکوه و جلال بی‌مانندی به

رفقای سخنگوی خود گوش فرا دادند. سخنان الهام‌بخش جوانان در فضای پر از ابهت باجان همدیگر در آمیخت، اشک‌ها روی چشوها حلقه زد و دل‌ها به خاطر محبت و خصومت (محبت به خلق و وطن، خصومت به دشمنان خلق و وطن) در تبیین همنا شدند.

محصلان بعد از تشییع جنازه تا مسجد عینکاه و ایراد بیانیه‌های وطن‌پرستانه محمل میت را به پکتیا فرستادند و چند تن از نمایندگان خود را بدون تفکیک (تور و سپین) با آن همراه کردند، تا همدردی محصلان را به فامیل و مردم آن فقید برسانند.

این حوادث نشان داد که شبکه‌های بسیار خردنگ و سیاهی در دستگاه اداره حکومت افغانستان تشکیل و تمرکز یافته است. این شبکه‌های مرموز که به‌صورت مخفیانه و

ماهرانه در جهت مخالف منافع مردم افغانستان عمل می‌کنند کوشش‌های خود را در چهار سال گذشته بیشتر از پیش‌تر متوجه جلوگیری از رشد دموکراسی و آزادی در کشور، تقنین در میان گروه‌های مترقی و وطن‌پرست، پخش افواها و اتهامات علیه نهضت رهانی‌بخش کنونی در کشور، ایجاد اختناق و ترور و بنام

ساختن محصلان و جوانان مبارز ساخته‌اند. این شبکه‌ها تلاش دارند تا دستگاه حاکمه را هرچه زودتر و مصمتر علیه نهضت نجات‌بخش کنونی روشنفکران کشور، علیه وحدت و همبستگی حلقه‌های مترقی جوانان،

علیه منافع ملی و وحدت افغانستان و بالاخره نهضت محصلان و شاگردان، این فرزندان آگاه وطن، بسیج کنند و سوق دهند و آن را بیشتر و بیشتر در

استبداد خانمان‌سوز تشویق و تحریک نمایند.

حادثه خونین ۳ عقرب ۱۳۴۴، وطنه ترور علیه اعضاء فراکسیون دموکراتیک خلق افغانستان (۸ قوس سال ۱۳۴۵) در ولسی‌جرگه، سرکوب مسالمت مسالمت آمیز و قانونی کارگران، زندانی کردن، جریمه کردن، تبعید کردن و بیکار ساختن ایشان و مداخلات تشدد آمیز در

(ص ۴)

گذاشته به خاطر صیانت شرافت و آزادی طبق خصایل ملی افغانی دست یکدیگر را فشار دهند و به‌صورت متحدانه عمل نمایند. شیوه متین، پرشکوه و پخته جوش جوانان محصل در تجلیل و تشییع این جنازه امیدهای پژمرده منورین وطن‌پرست را احیاء و انتظارات شوم دشمنان خلق را به نوبندی کشانید. محصلانی که تا دیروز بر اساس تبیین ایدئولوژی و فکری سرسختانه علیه یکدیگر مبارزه می‌کردند، چون ذرات یک وجود به هم چسبیده بودند و گویا با نگاهان و خطوط چهره باهم مفاهمه می‌کردند و تا مغز استخوان یکدیگر را درک می‌نمودند.

بروز پنجشنبه (۲۵ ثور) تمام محصلان وطن‌پرست پوهنتون کابل بعد از مشاهده میت شاگرد جوانی در عرصه پوهنتون، فوراً اعلان همبستگی و اتحاد کردند و علی‌رغم مقاومت پولیس و ژاندارم دستگاه، تصمیم قهرمانانه گرفتند تا مراسم

سلطان علی (کشتمند)

## اتحادیه محصلان افغانستان

### باید به اشتراک توده وسیع محصلان تشکیل گردد!

طبقاتی خود منافع مشترک می‌دارند و از لحاظ مشغله صنف معینی در ردیف اصناف مختلف جامعه بشمار می‌آیند. بدین‌جهت سازمان محصلان (اتحادیه محصلان) نیز ماهیتاً نه یک سازمان طبقاتی بود که می‌تواند و نه یک سازمان سیاسی، بلکه از نظر ماهیت سازمانی‌ست صنفی و متعلق به همه محصلان؛ اما این امر به‌هیچ‌وجه به معنی آن نیست که محصلان وقتی‌که به سازمان خود پیوستند، حق اشتراک در مسایل سیاسی را ندارند و یا اتحادیه محصلان فقط به مبارزات صنفی اکتفا می‌نماید؛ اما منظور اینست که سا

زمان محصلان قبل از همه مدافع حقوق و منافع صنفی و سیاسی معین صنف خود می‌باشد. چون اتحادیه نمی‌تواند تمام خواست‌های سیاسی محصلان را برآورده سازد، به همین جهت آن‌ها به عضویت سازمان‌های سیاسی و احزاب درمی‌آیند. از آنجائی که محصلان هم محصل و هم عضو جامعه لذا حق دارند که به مبارزه صنفی در سازمان خود بپردازند و هم در مبارزات سیاسی اشتراک ورزند. همچنان سازمان محصلان حق دارد که به مبارزه صنفی و سیاسی به

پردازد. اتحادیه محصلان وظیفه دارد که این دو نوع مبارزه را به‌طور صحیح تلفیق نماید و از محدود شدن فعالیت‌های آن از یک جانب صرف به مبارزه صنفی و از جانب دیگر از تبدیل آن به یک سازمان سیاسی محض جلوگیری کند.

اینکه اتحادیه محصلان تا کدام حدود در مسایل سیاسی، در جنبش دموکراتیک و ملی کشور سهم گرفته می‌تواند بسته به خصلت آنست که از

ص ۳)

عقب نشینی کنند و دست از دفاع منافع خود بردارند. شبکه‌های فتنه‌گر ارتجاع داخلی و خارجی (انتقامجویان سی. آی. ای)، من‌حیث‌المجموع در داخل و خارج دستگاه اداری دولت افغانستان همیشه مترصد آن‌اند تا از هر موج کوچک نهضت سوء استفاده کنند و تحریکاتی را به غرض سرکوب نهضت به وجود آورند و زمینه تعرض متقابل ارتجاع را آماده سازند.

این حادثه تراژیک، از یکسو بار دیگر به‌مثابه «اخطار» برای همه نیروهای ملی و دموکراتیک، مترقی و وطن‌پرست افغانستان می‌باشد و از سوی دیگر اتحاد و همبستگی پر معنایی که محصلان عملاً در تشییع و تکریم این جنازه افاده کردند، یکبار دیگر نشان داد که جوانان ما و باوجود مخالفت‌های ایدئولوژیک و تبیین فکری قادرند هنگام بروز حوادث مهم تمام مناقشات و مخالفت‌های ذات الیینی خود را کنار

سلطان علی (کشتمند)

## اتحادیه محصلان افغانستان

### باید به اشتراک توده وسیع محصلان تشکیل گردد!

به‌طور جدی‌تری در پوهنتون کابل طرح گر دیده است و حتی نمایندگان خود را برای تشکیل اتحادیه انتخاب کرده‌اند، وظیفه خویش می‌شماریم که به‌منظور شناخت ماهیت و خصلت سازمان محصلان، به‌اختصار کامل این مساله را بازم مطرح بحث قرار دهیم.

در شرایط کنونی کشور ما اکثریت عمده محصلان را فرزندان متعلق به خانواده‌های مرفه و متوسط‌الحال؛ (مالک، سرمایه دار و خرده بورژوا) تشکیل می‌دهد. ولی عملاً فرصت تحصیل به‌سویه پوهنتون برای عده قابل ملاحظه‌ای از فرزندان

زحمتکشان کشور میسر نیست. به همه حال محصلان چون از میان طبقات مختلف اجتماعی برمی‌خیزند، بنابراین نمی‌توانند طبقه واحد و معینی را تشکیل دهند ولی من‌حیث‌المجموع یک قشر اجتماعی را تشکیل می‌دهند که بنا بر وضع مشابه خود به حیث محصل، صرف نظر از تعلقات

کشور ما» منتشره در شماره سی و پنجم سال اول پرچم (۱۳۴۷) این موضوع بخصوص به‌طور مبسوط و مشخص طرح گردیده و هم‌زمان با ادامه جنبش (۲۴ روزه) محصلان و شاگردان به خاطر لغو قوانین پوهنتون‌ها و معارف ضمن ارزیابی دقیق ازین جنبش، اهمیت اتحاد و همبستگی به‌مثابه شرط عمده و ضامن کامیابی نهضت محصلان و عمدت‌تر ضروری‌ترین وسیله اتحاد در شرایط کنونی تشکیل سازمان دموکراتیک محصلان (اتحادیه محصلان) نشان داده شده و مسایل کلی مربوط به تشکیل و وظایف اتحادیه محصلان ارائه گردیده است.

معهدا محصلان کشور تا کنون موفق نگردیده‌اند که با وصف طرح مکرر بعداً این قانون در اثر مبارزات پیگیر و متحدانه محصلان و شاگردان و پشینیانی نیروهای دموکراتیک و ملی کشور، لغو گردید) به محصلان کشور هوشیار باش داده شده است که ارتجاع از اتحاد و وحدت عمل محصلان در

هراس است و تلاش می‌نماید که به وسایل مختلف نفاق و تفرقه را در میان آن‌ها ایجاد کند، بدین‌جهت به حیث یک ضرورت قاطع از ایشان درخواست گردیده که دست اتحاد به هم دهند و «سازمان مبارزه صنفی خویش را تشکیل دهند تا بدین‌وسيله بتوانند میتینگ‌ها، کنفرانس‌ها، دیموستراسیون‌ها، تبادل نظر‌ها، مباحثات علمی، اجتماعی و سیاسی خویش را به خاطر دفاع از حقوق صنفی و آزادی‌های دموکراتیک، استقلال پوهنتون و آزادی علم و دانش و تدریس بروی نظم، صمیمیت، رفاقت و اتحاد عمل برقرار سازند.»

در تحلیل «مسایل جنبش محصلان

قرار اطلاع از آغاز اعتصابات و تظاهرات شاگردان لیسه نجات بر ضد فرهنگ استعماری و تظاهرات فارغ‌التحصیلان لیسه‌های کشور بر ضد ناپایب غیرعادلانه کاتکور، تظاهرات همبستگی محصلان پوهنتون و شاگردان لیسه‌های مرکز با تظاهرات ضدکاتکور به شمول حوادث اسفانگیز اخیر پهنوخی این سینا، عده قابل ملاحظه‌ای از شاگردان و محصلان به‌طور غیرقانونی و خودسرانه توقیف گردیده‌اند. گرچه طبق اطلاع چند نفر از شاگردان وطن‌پرست لیسه غازی، نجات و حبیبیه آزاد گردیدند ولی عده یادی از شاگردان هنوز خلاف قانون در توقیف بسر می‌برند. جریان دموکراتیک خلق افغانستان در حالی که اعتراض خود را علیه این نوع اعمال ضد قانونی و خودسرانه اعلام می‌دارد، رهایی هرچه زودتر تمام شاگردان و محصلان زندانی را مطالبه می‌کند.

### روزنه امید برای تأمین صلح

#### در ویتنام

و نیروهای صلح دوست جهان واقع گردیده، قرار ذیل است: - تضمین حق استقلال، حاکمیت، وحدت و تمامیت ارضی برای مردم ویتنام؛

(ص ۴)

جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی با پیشنهاد ده فقره‌ای جدید خود کنفرانس صلح پاریس را از رکود طولانی بیرون کرد و راه را برای پیشرفت آن باز نمود. نکات عمده پیشنهاد جبهه آزادی ملی که مورد تأیید همه محافل

**طرح علمی مساله:**

بر پایه تئوری علمی، خط مشی سیاسی (استراتژی و تاکتیک) به‌مثابه علم و فن رهبری مبارزه طبقاتی زحمتکشان برای آزادی اجتماعی و ملی بشمار می‌رود. خط‌مشی سیاسی پیش‌آهنگ کارگران از ابتدای طرح مسأله تاکنون با تجارب، پدیده‌ها و نظرات تازمیی رشد و تکامل یافته است و من‌جیث‌المجموع یک سلسله قواعد و اصول علمی در بارهٔ رهبری مبارزه طبقاتی زحمتکشان وارد گنجینه عمومی تئوری علمی گردیده است. مطابق به خط‌مشی سیاسی پیش‌آهنگ طبقه کارگر، مشی استراتژیک (مشی عمومی) متوجه اجرای وظایف عمده و تأمین اهداف عمده در یک مرحله معین تاریخی می‌باشد که از آغاز، روابط نیروها را در میان طبقات در نظر می‌گیرد. سروکار استراتژی پیوسته با نیروهای اساسی انقلاب (طبقه کارگر و متحدین و متفقین آن) یعنی صف آرانی قوای طبقاتی در یک جهت علیه دشمن عمده است. استراتژی (مشی عمومی) در حالی‌که در طی تمام دوره یک مرحله معین اساساً تغییری نمی‌نماید، ولی با انتقال انقلاب از یک مرحله تاریخی به مرحله دیگر تاریخی تغییر می‌یابد.

قابل ذکر است که هر گاه وظایف عمدهٔ استراتژیک در تمام مرحله از نظر انداخته شود و مبتنی بر تمایلات چپ روانه، یک مرحله تاریخی ذهناً حذف گردد و واقعیت محیط و جامعه در نظر گرفته نشود، اشتباه عظیمی خواهد بود. لیکن این تاکتیک (پالیسی جاری) است که در مدت‌های نسبتاً کوتاه مطابق به استراتژی در جریان جزر و مدهای نهضت، پیچ و خم‌های جنبش، در زمان تعرض و عقب‌نشینی، صعود یا نزول و مانورهای مبارزه تغییر می‌یابد، به همین جهت گفته می‌شود که تاکتیک جزئی از استراتژیست و مطیع و مجری اوامر آن است.

بر پایه این مقدمهٔ علمی باید نیروی پیش‌آهنگ (حزب طبقه کارگر) مرحلهٔ تاریخی‌ای را که در جریان آن مبارزه می‌کند، تشخیص دهد و علماً آگاهی حاصل نماید که در کدام مرحله جنبش رهایی بخش قرار دارد و چگونه مطابق به نقشهٔ مقتضی مبارزه را در طول مدت مرحله معین تاریخی به‌پیش بر برد.

**مشی استراتژیک جریان دموکراتیک خلق افغانستان:**

جنبش رهائی‌بخش ملی و اجتماعی کشور ما دارای دو مرحله استراتژیک است که نمی‌توان پیشگونی کرد که به کدام تاریخ شمسی یا عیسوی مرحلهٔ اول آن ختم می‌شود و مرحله دوم شروع می‌گردد.

**مرحله اول:**

چنانکه بارها تصریح گردیده است اکنون کشور ما در مرحله اول یعنی در مرحله دموکراتیک و ملی جنبش اجتماعی قرار دارد و با عبارت دیگر بر اساس پروگرام حداقل، هدف عمده استراتژیک ما در مرحله کنونی عبارت است از انتقال قدرت حاکمه از دست طبقات و قشرهای ارتجاعی (ملاکان فئودال، بورژوازی بزرگ دلال و ایسته‌به امپریالیزم، بیروکرات‌های مسلک - بورژوا قشرهای فوقانی مأموران) به دست طبقات و قشرهای دموکراتیک و ملی (کارگران، دهقانان، دیگر قشرهای زحمتکش شهر و ده، اکثریت بزرگی از قشر روشنفکران و مأموران مؤسسات دولتی و خصوصی، خرده بورژوازی و طبقه متوسط یا به‌اصطلاح «بورژوازی ملی.» از آنجائی که این طبقات و اقشار دموکراتیک دارای هدف سیاسی مشترک‌کاند، به‌خوبی می‌توانند در جریان جنبش بر پایه پروگرام مشترک و خط‌مشی مشترک و عمل مشترک با یکدیگر در یک جبهه متحد شوند و متفقاً در راه به پیروزی رساندن جنبش رهائی‌بخش ملی و دموکراتیک افغانستان فعالیت مؤثر بنمایند.

**مرحله دوم:**

هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که بر اساس پروگرام حد اکثر، هدف غایی

و هدف عمده مرحلهٔ دوم استراژیک جریان دموکراتیک خلق افغانستان این جریان پیش‌آهنگ طبقه کارگر کشور، استقرار نظام سوسیالیستی است. ولی باید در نظر گرفت (بناغلو سوسیالیست‌های (!) فتنه گر گوش کنید!) که جنبش افغانستان در مرحله اول خود است و هنوز تضاد عمده میان خلق کشور ما با فئودالیزم و امپریالیزم حل نشده است. بر اساس تئوری علمی، تحول سوسیالیستی وقتی می‌تواند به حیث هدف و شعار عمده استراتژیک نهضت انقلابی افغانستان اعلام شود که وظایف مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک به‌طور عمده حل گردد و شرایط لازم مادی و ذهنی برای گزار به مرحله دوم سوسیالیستی) فراهم گردیده باشد. این ساخته ذهن ما نیست، این علم است و واقعیت شرایط تاریخی جامعه ما چنین حکم می‌نماید.

باید جداً خاطر نشان گردد که مقصود اهداف تعیین مراحل استراتژیک و اهداف استراتژیک به صورت قطع این نیست که میان مرحله اول و مرحله دوم، مرز غیرقابل عبوری را بکشیم؛ زیرا اصل مهم و انکار ناپذیر جهان‌بینی علمی است که تبدیل انقلاب دموکراتیک به تحول سوسیالیستی امکان پذیر است. تئوری علمی انقلاب ما می‌آموزد که در دوران تسلط امپریالیزم، انقلاب ملی دموکراتیک نه تنها خصلت ضد فئودالی دارد، بلکه ضد سرمایه‌های انحصاری خارجی و داخلی نیز می‌باشد. به این معنی که انقلاب ملی و دموکراتیک نیز با همان دشمنی مبارزه می‌کند که وظیفه مرحله جنبش کارگری و سوسیالیستی است. ولی البته این مسأله بیشتر مربوط است به موضوع سرکردگی طبقات دموکراتیک در انقلاب ملی و دموکراتیک.

مسأله سرکردگی در انقلاب ملی و دموکراتیک:

تئوری علمی بما می‌آموزد که طبقه کارگر کشورهای عقب مانده می‌تواند (و باید بتواند) در شرایط مساعد، رهبر و پیش‌آهنگ انقلاب دموکراتیک و ملی باشد و هژمونی (سرکردگی) آن را به دست آورد و آن را صحیحاً رهبری کرده، به کمک دیگر نیروهای خلق به پیروزی نهایی برساند؛ زیرا نهضت دموکراتیک و ملی در کشورهای عقب مانده نهضتی است که ماهیتاً همه ملت، همه خلق، همه طبقه کارگر و همهٔ دهقانان را به جنبش در میاورد، به همین جهت است که باید طبقهٔ کارگر تحت پرچم پیش‌آهنگ خود از جنبش دموکراتیک و ملی بر کنار نماند و رهبری را به دست «بورژوازی ملی» نسیارد و زیر این افسون که بورژوازی ملی رم می‌کند، قرار نگیرد؛ با جدیت تمام در جنبش شرکت کند و برای به انجام رساندن جنبش دموکراتیک و ملی با عزم راسخ مبارزه کند؛ زیرا در وضع و شرایط کنونی بدون طی مرحله دموکراتیک و ملی دیگر وسیله‌یی برای نزد یک شدن به سوسیالیزم به مشاهده نمی‌رسد.

تجربه نشان می‌دهد که پیگیرترین مبارز و پیشروترین طبقه و یگانه طبقهٔ انقلابی ثابت قدم در راه به پایان رساندن جنبش دموکراتیک، در راه تأمین مصالح ملی و پیشرفت

اجتماعی طبقه کارگر است که با رشد و تکامل صنایع صفوف و نقش آن افزایش می‌یابد. به همین جهت کسی که بخواهد از اهمیت جنبش دموکراتیک و ملی درین مرحله تاریخی بکاهد و نقش طبقه کارگر را در جریان جنبش کم بها دهد و آن را دنباله رو و نیروی کمکی دیگر طبقات و قشرهای دموکراتیک و «بورژوازی ملی» قرار دهد در حقیقت به امر دموکراسی ترقی و مصالح عالیهٔ ملی و خلق، کشور ما افغانستان خیانت می‌کند.

باید توجه داشت که «بورژوازی ملی» بنا بر خصلت دوگانه خود به‌موازات رشد جنبش دموکراتیک و ملی بیش از پیش به سازش‌کاری با امپریالیزم و ارتجاع داخلی می‌گراید. ازین روست که طبقه کارگر و پیش‌آهنگ آن باید در نخستین صف نبرد قرار گیرند. جنبش دموکراتیک و ملی صرف در شرایط به پیروزی نهایی رسیده می‌تواند که در نیمه راه متوقف نگردد. وظیفهٔ طبقهٔ کارگر در تحت پرچم پیش‌آهنگ خود آنست که باید به‌منظور حفظ، تحکیم و توسعهٔ پیروزی‌های خویش موضع به موضع، موج به موج، مقام رهبری خود را در جریان جنبش دموکراتیک و ملی تأمین کند و از یک پیروزی به پیروزی دیگری دست یابد و سرانجام به پیروزی کامل جنبش دموکراتیک و ملی و به تبدیل آن به تحول سوسیالیستی و استقرار نظام سوسیالیستی نایل آید.

از توضیح مختصر فوق چنین نتیجه گرفته می‌شود: در صورتی که طبقهٔ کارگر کشورهای عقب مانده موفق شود سرکردگی و رهبری تا انقلاب ملی دموکراتیک ضد - فئودالی و ضد امپریالیستی را تأمین نماید و آن را به‌رستی رهبری کند و به کمک دیگر نیروهای خلق به پایان رساند، آنگاه تبدیل فوری و یا کوتاه مدت مرحله دموکراتیک (مرحله اول) به تحول سوسیالیستی (مرحله دوم) امکان پذیر است. در عصر کنونی که محتوی اساسی آن را جریان انتقال از سرمایه داری به سوسیالیزم تشکیل می‌دهد، کاملاً ممکن است که نبرد در راه اجرای وظایف دموکراتیک سبب آن گردد که ضرورت دو مرحله مشخص، متفاوت و متوالی به وجود نیاید، بلکه اجرای وظیفه دموکراتیک و سوسیالیستی به‌صورت مراحلی از یک جریان (پروسه) واحد انقلابی پدید آید. نمونهٔ بعضی از کشورهای مترقی آسیا و اروپا مبین صحت این تئوری علمی انقلاب است.

به همین جهت است که یکبار دیگر تصریح می‌کنیم که در صورت تأمین موفقیت در جنبش دموکراتیک و ملی به سرکردگی طبقه کارگر و تحت پرچم پیش‌آهنگی آن حکومتی (حکومت به مفهوم علمی و عام آن) که ازین مرحله به وجود می‌آید، از لحاظ ماهیت خود حاکمیت زحمتکشان است و از جهت شکل خود حکومت دموکراتیک خلق خواهد بود. ولی هر گاه علی رغم کوشش مجدانه پیش‌آهنگ طبقه کارگر باز هم بنا بر علل و عوامل مختلف سرکردگی طبقه کارگر تحت پرچم پیش‌آهنگ آن در وهله اول انقلاب دموکراتیک و ملی تأمین نگردد، حکومتی که ازین مرحله به وجود می‌آید، آن‌هم در بهترین وضع از جهت ماهیت خود

# درباره خط مشی سیاسی جریان

## دموکراتیک خلق افغانستان

**تذکر:**

**1 - باوجود اینکه خط مشی سیاسی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در ترّها، در تحلیلات و مقاله‌های علمی منتشره در جریدهٔ پرچم خلق توضیح شده است ولی از مدتیست که فتنه گران و منحرفین در باره خط‌مشی استراتژیک سیاسی ما تفتین می‌نمایند و موزیانه تلاش می‌ورزند، آن را معشوش سازند. بدین‌جهت یکبار دیگر به خاطر رد توجیهاات نادرست و تصریح بیشتر موضوع، درین مقاله به توضیح علمی خط‌مشی سیاسی خویش می‌پردازیم تا همچنان اگر قسماً اشتباهاتی در گذشته رخ داده باشد و یا سؤنفاهاتی در میان باشد، از ریشه رفع گردد.**

**۲- این نکته قابل یاد آوری است که کشور ما هنوز در مرحله آرام تکامل سیاسی خود قرار دارد، لذا وقتی‌که ما به غرض روشنی انداختن به دورنمای انقلاب، کلمه انقلاب را درین مقاله بکار برده‌ایم، باید خوانندگان محترم در نظر داشته باشند که مقصود ما از انقلاب هیچ‌گاه (اغتشاش، شورش، آشوب، ماجراجویی، توطئه چینی و هرج و مرج طلبی) و بازی با انقلاب نیست؛ زیرا انقلاب از خود علماً قوانین اساسی دارد.**

اتلاف کلیه نیروهای دموکراتیک و ملی ترقی‌خواه وطن‌پرست خواهد بود و از جهت شکل یک حکومت دموکراتیک و ملی که وظیفه کلی آن عبارت است از محو بقایای استعمار، ریشه کن ساختن نفوذ و تسلط امپریالیزم، طرد نمایندگی‌های انحصارات خارجی، تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی و دموکراسی سیاسی و اقتصادی، لغو نظامات و مناسبات فئودالی، انجام اصلاحات اساسی ارضی، احداث صنایع ملی و صنعتی کردن کشور، تعقیب راه غیر سرمایه داری، تعقیب سیاست خارجی مستقل، مترقی و صلح دوستانه.

باید یادآور شد که میزان دموکراتیک بودن و شکل این حکومت باز هم به عوامل مختلفی که نمی‌توان پیش‌بینی کرد، ارتباط دارد. از قبیل درجه نفوذ طبقهٔ کارگر، درجهٔ اتحاد طبقه کارگر با دهقانان و استواری و پیگیری دیگر سازمان‌ها و نیروهای ملی و دموکراتیک، خصوصیت جبهه متحد، نقش خرده بورژوازی، شرایط داخلی و خارجی و غیره و غیره.

مسأله قابل توجه اینست که یک عده عناصر فتنه گرو منحرفین راجع به حکومت دموکراتیک و ملی و روش جریان دموکراتیک خلق افغانستان، توجیهاات نادرستی می‌نمایند. این آقایان گمان می‌کنند که مقصود ما از حکومت دموکراتیک و ملی و اشتراک پیش‌آهنگی طبقهٔ کارگر در آن، همانا عبارت است از حکومت‌های مرتجع فئودالی و بورژوازی وابسته به امپریالیزم.

باید به این آقایان به‌صراحت تفهیم گردد که هیچ‌گاه مقصود ما چنین نبوده و هرگز چنین نخواهد بود، این آقایان منحرفین و چپ‌روان باید توجه داشته باشند که درین جا دو چیز مختلف را باهم مخلوط می‌نمایند و در مباحثه راجع به این مسأله از نظر جهان‌بینی علمی عدم قابلیت خود را ابراز می‌دارند. مسألهٔ شرکت پیش‌آهنگ طبقه کارگر در حکومت در دورهٔ فقدان شرایط مساعد و فقدان وضع انقلابی در کشور هیچ‌گاه موضوع بحث شده نمی‌تواند. بحث ما بر سر شرکت پیش‌آهنگ طبقه کارگر در یک حکومت انقلابی ملی دموکراتیک است که این حکومت در دوره جنبش انقلابی به خاطر پیروزی انقلاب دموکراتیک و ملی ضد فئودالیزم و ضد امپریالیزم مبارزه می‌کند «و این وضع ... شرکت را در این‌گونه حکومت روا می‌دارد و در صورت شرایط مساعدی این شرکت را اجباری می‌سازد تا اینکه انقلاب نه تنها «از پائین» از برون بلکه از ... از درون حکومت هم مورد ضربت واقع گردد.»

همچنان این نکات قابل یادآوری است: صرف نظر ازین که شرکت نمایندگان پیش‌آهنگ طبقه کارگر در حکومت انقلابی دموکراتیک و ملی امکان پذیر باشد یا نه، نکته مهم اینست که در هر صورت پیش‌آهنگ طبقه کارگر باید استقلال سازمان و نیروی خود را اکیداً حفظ کند و بر نمایندگان خود که برای مرحله سوسیالیستی جوجهد می‌کنند نظارت جدی داشته باشد و از منافع مستقل طبقاتی طبقه کارگر و متحد نزدیک آن (دهقانان) و سایر زحمتکشان شهر و ده دفاع کند و موضع به موضع، موج به موج پیشروی نماید و از یک پیروزی به

ببرک کارمل

نیست، نمی‌تواند ساکت و آرام باقی بماند. درین جاست که مسئله تاکتیک و رهبری تاکتیکی موضوع بحث می‌گردد. تاکتیک، رهبری تاکتیکی و شعارهای تاکتیکی (شعارهای میرم مبارزه) جزیی از استراتژی، رهبری استراتژیک و شعارهای استراتژیک بوده و تابع آنست، و هدف پیروز ساختن نهضت در مبارزات مشخص و معین در سمت استراتژی است که بنا بر تغییر اوضاع سیاسی تغییر می‌یابد. بنابراین وظیفه رهبری تاکتیکی آنست که به همه اشکال مبارزه مسلط شود و توده‌ها را به جبهه نهضت سوق دهد و بر اساس تناسب قوای موجود و متناسب به جذر و مد نهضت و در دست گرفتن حلقه مخصوص از زنجیر وقایع سیاسی (شرکت یا عدم شرکت در پارلمان، تأسیس جریده، اتحادها و ائتلاف‌ها، تعرض، عقب نشینی و غیره و غیره) مقدمات پیشرفت استراتژیک را تدارک به بیند. باید یادآور شد که «ب‌طور کلی انقلابی بودن یا طرفدار سوسیالیزم ... بودن کافی نیست... باید بلد بود در هر لحظه آن حلقه مخصوص را پیدا کرد که برای به دست آوردن تمام زنجیر و فراهم نمودن مقدمات انتقال به حلقه دیگر باید با تمام قوا به آن چسبید ...» این‌ها همه القای مبارزه است که بدون فهم و بکار بردن آن نمی‌توان به‌طرف پیروزی گام برداشت. واقعیت اینست که عده تو جبه به هدف و بورنمای مبارزه در مرحلهٔ کنونی خلق را به گمراهی و جنبش را به شکست مواجه می‌سازد. تئوری علمی می‌آموزد که نباید مبارزه در راه وظایف تاکتیکی ما را چنان مشغول دارد که مراحل استراتژیک و دورنمای مبارزه انقلابی را در مجموع خود از نظر بیاندازیم، تنها پیوند دیالتیکی میان شعارهای تاکتیک، هدف و شعارهای استراتژیک و مرحله دموکراتیک و مرحله سوسیالیستی است که واقعاً مبارزات ما را مضمون واقعی انقلابی می‌دهد.

**خلاصه اینکه:**

در خاتمه باید صراحت داد که وسیله کامیابی نهایی جنبش دموکراتیک و ملی عبارتست از جبهه متحد تمام نیروهای دموکراتیک و ملی وطن‌پرست و مترقی که علیه ارتجاع و امپریالیزم مبارزه می‌کنند و ستون اساسی این جبهه را اتحاد طبقه کارگر و دهقان به رهبری طبقه کارگر تشکیل می‌دهد؛ بنابراین اصل تغییر ناپذیر اعلام می‌داریم که تا جایی که به پیش‌آهنگی طبقه کارگر افغانستان (جریان دموکراتیک خلق افغانستان) تعلق می‌گیرد، با در نظر گرفتن تمام امکانات و قدرت و مسایل مطروحه فوق سعی خواهد کرد تا نهضت کن نی دموکراتیک و ملی افغانستان را به سرکردگی (هژمونی) طبقه کارگر به پیروزی نهایی برساند و نهضت انقلابی را بجهت تحول سوسیالیستی همچنان به‌پیش رهبری کند. البته باید در نظر داشت که نیل به این هدف بزرگ در جریان بالنسبه طولانی جنبش به صحت رهبری و جلب خلق در تحت رهبری طبقه کارگر مربوط است که باید طبقه کارگر تحول دموکراتیک را به آخر برساند و توده دهقانان را به خود متحد سازد، مقصود حاکمیت مطلقه مرتجع و وابسته را در هم شکند، نفوذ امپریالیزم را ریشه کن نماید، نظام فئودالی و کمپرادوری را از میان بردارد و بی‌ثباتی به‌اصطلاح «بورژوازی ملی» را خنثی سازد.

مسلم است که برای اجرای وظایف این مرحله استراتژیک باید پیوسته کار پیگیر و صبورانه سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیکی را ادامه داد، مراحل تاکتیکی و مقدماتی را موفقانه گذرانند و شرایط عینی و ذهنی را صحیحاً محاسبه کرد و تمام مراحل و وسایلی را که ما را به هدف نزدیک می‌کند و به پیروزی می‌رساند آماده ساخت و از آنجائی که وظایف دموکراتیک ما با وظایف سوسیالیستی ارتباط لاینفک دارد، باید در فعالیت‌های عملی این ارتباط را جداً در نظر گرفت. با در نظر داشتن این شرایط به‌پیش به جهت پیروزی!



## مردم ولسوالی علیشنگ لغمان در شرایط ناگوار قرون عتیقه بسر می‌برند

به ادارهٔ محترم جریده ملی پرچم، ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان!

این نامه را به‌عنوان اعتراض مردم علیشنگ لغمان و با خاطرییی از رنج‌های بیکران خلق ستمدیدهٔ پراچغان ولسوالی علیشنگ تقدیم می‌کنم. باید مردم سراسر افغانستان از زندگی و شرایط دشوار یکدیگر اطلاع حاصل کنند و این اطلاعات به حیث رشتهٔ برادری و همبستگی هرچه بیشتر گسترش یابد.

پراچغان ولسوالی علیشنگ که در دره‌های پرپیچ و تند هندوکش شرقی واقعست و شرایط بسیار دشوار کوهستانی را دارا می‌باشد، تقریباً بیش از هفت هزار نفوس دارد.

مردم پراچغان برای رسیدن به مرکز ولسوالی مجبورند سه روز در راه‌های تنگ و دشوار کوهستانی طی منزل کنند و به این حساب یک زحمتکش این منطقه برای تحویل کردن (۷۰) پول مالیه مجبور است شش روز بلا توقف راه برود تا دوباره به محل بود و باش خود برگردد و این هم در صورتی که شرایط عادی و آب و هوا مساعد باشد.

چون پراچغان زمین و منابع کافی ندارد، زحمتکشان اینجا مجبور می‌شوند به خاطر به دست آوردن بخورونمیر به اطراف دوردست بروند، کار کنند و هنگام مراجعت جو، جواری، گندم و نمک مورد ضرورت خود را از همان دوردست‌ها به‌سوی ارتفاعات دره‌ها حمل کنند و این خود رنج عظیم و پایان ناپذیر مردم ماست.

از صحت حتی درین عصر کیهان ابتدایی‌ترین مفکوریمی در اکثریت مردم ما وجود ندارد. آنان نمی‌دانند که داکتر، دوا، شفاخانه، واکسیناتور و نرس چگونه «مخلوقی» است. از لحاظ زراعتی شرایط ناگوار قرون عتیقه حکفرمایی دارد. زنان پاکدامن و زحمتکش اهالی پراچغان زمین‌های بسیار کوچک کوهستانی خود را با بیل و کلند زرع می‌نمایند. شب‌های ظلمانی را با چوب چراغ‌ها سپری می‌کنند و از چراغ‌های تیلی قدرت استفاده را ندارند.

حاصل محدود که از جوز و زیره توسط زحمتکشان به دست می‌آید توسط ارباب نفوذ محلی و تاجران سودخور به قیمت‌های بسیار ارزان جذب می‌گردد. برای جذب این مواد از چه فریب‌ها و دسانسی که استفاده نمی‌شود. مردم بیچاره نسبت فقر و ناآگاهی به تمام این شرایط ظالمانه تن می‌دهند.

از لحاظ معارف صرف یک مکتب دهاتی را برای مردم ما درین اواخر تأسیس کرده‌اند، آن‌هم به‌طوری که معلم این مکتب هفته‌ها و ماه‌ها از مکتب غایب است... در موسم تابستان عدییی از منتفذین به خاطر استفاده از آب و هوای مساعد کوهستان ما، به‌طرف ما می‌آیند و درین مدت مردم ناآگاه و فقیر ما را علیه یکدیگر تحریک می‌کنند و بسا که این تحریکات به زدوخوردها، مخاصمت‌های طولانی و حتی قتل‌ها منجر می‌گردد. این است گوشه‌یی از زندهگی خلق پراچغان علیشنگ که به‌مثابه مشمت نمونه خروار به مطالعه زحمتکشان سراسر افغانستان تقدیم می‌گردد.

**پیکارگر پراچغانی**

یکسو تا چه حد موفق شده می‌تواند که

اکثریت هرچه بیشتر محصلان را جلب کند و طوری که باید باشد خصلت توده‌ای و دموکراتیک و ملی را کسب نماید و از سوی دیگر رهبری آن به دست عناصر ملی و دموکراتیک ترقی‌خواه وطن‌پرست افند.

باید متذکر شد که هرگونه اتحادیه‌ای که ایجاد گردد حتماً دارای خصلت ملی و دموکراتیک نمی‌باشد چه‌بسا ممکن است که خصوصیت‌های ارتجاعی بر آن غلبه نماید. باید توجه کرد: از آنجائی که محصلان دارای وابستگی‌های گوناگون طبقاتی‌اند بنابراین دارای ایدئولوژی‌های مختلف و گاه متضاد می‌باشند.

بدین لحاظ گروهی از محصلان که به طبقات حاکم تعلق دارند و یا به آن می‌گرایند به دفاع از منافع طبقات حاکمه می‌پردازند و در خدمت طبقات حاکم قرار می‌گیرند. امکانات زندگی

امسال سال دردها و رنج‌های عظیم برای خلق زحمتکش ولسوالی کنگ بود. آب‌های هلمند بند خاکی دهقانان را شکست مزارع گندم را بلعید و هزاران زحمتکش را بی‌خانمان ساخت، بدین مناسبت زحمتکشان بی‌دفاع پیام‌ها، اعتراضات و فریادهای خود را پیوسته به پرچم می‌نویسند و تقاضا می‌کنند تا باز هم مصیبت و بلاى عظیم سیلاب‌های هلمند را جهت آگاهی وطن‌پرستان و افشای دستگاه حاکمه مرتجع به نشر بسپاریم، در ذیل قسمت‌های مختلفی از ین نامه‌ها را تقدیم خوانندگان ارجمند پرچم می‌کنیم:
...«مردم ولسوالی کنگ همه ساله قربانیان زیادی به آب‌های طغیانی هلمند می‌دهند. روش حکومت‌های افغانستان و عدم توجه آن‌ها به امر زندگی دهقانان، مصیبت بد بختی دهقانان «کنگ» را تکمیل کرده است.»

**جدال**
**\*\*\***

... من شخصاً شاهد آن بودم که سیلاب کلبه‌ها، اموال، آنوقه و مزارع دهقانان کنگ را فرو می‌برد و همه چیز را به کام خود کشید، من خود می‌دیدم که چگونه رنگ از چهره زحمتکشان می‌رود، چشم‌ها از حقه‌ها بیرون می‌آید، وحشت بر سرپای مردم نفوذ می‌کند و فریادهای استعانت و استرحام از گلوها بیرون می‌دهد. چه وحشت آور بود که هجوم آب پیوسته در قلب مزارع گسترش می‌یافت و دیوارهای گلین خانه‌ها یکی بعد دیگری سرنگون می‌شد. عدییی به خاطر غرق شدن اطفال شان فریاد سر می‌دادند و کمک می‌خواستند ولی در آن لحظات نازک کدام کسی می‌توانست جان خود را فراموش کند و به کمک آن دگران بشتابد؟

قرار اظهارات مردم، هزاران نفر از باشندگان ولسوالی کنگ خانه‌ها و محصولات خود را از دست دادند، هنوز قرضه و سودهای سال گذشته تأدییه نشده، هنوز اطفال و مادران شان یک جوره لباس سال آینده را تهیه نکرده‌اند که هلمند حاصلات تازه را

ربود و مردم را به گرسنگی و مرگ محکوم کرد.

مردم سیلاب زده قبل از وقوع طغیان آب و شکستن سد خاکی، عواقب شوم فوق را توسط عرایض جدآگانه به ولایت نیمروز، وزارت فرایند عامه و صادرات اطلاع داده بودند اما نفوذ یکی از فیودالان محلی و همکاری بروکراسی کشور با وی موجب شد که این فاجعه اتفاق افتد، چه فیودال مذکور برای نجات دادن یک قسمت اراضی خود سد جدیدی را به همکاری حکومت در برابر آب کشید و مساعی برای تقویت بند خاکی اول را که دهکده‌ها و کشتزارهای هزاران دهقان را حمایت می‌کرد، تضعیف نمود. این کار موجب آن شد که سد خاکی دهقانان در اثر فشار آب بشکند و فاجعه دردناک فوق را به میان آرد. می‌گویند هنگامی که آب سد خاکی را از چندین نقطه شکست و فشار آب از زمین‌های فیودال سرشناس متوجه مزارع زحمتکشان کنگ شد، گماشتگان فیودال مذکور فیهایی به‌صورت شادبانه شلیک کردند.

**بزرگر از چخاتسور**
**\*\*\***

از هژده سال به این‌طرف ما دهقانان و زحمتکشان ولسوالی کنگ ولایت نیمروز تحت تهدید سیلاب‌های بهاری حوزه هلمند قرار داریم، ولبائی آمدند و رفتند، تخصیص‌های پولی از دولت گرفتند و صرف کردند (؟) و بند خاکی برای دفاع اراضی و دهکده‌های ما اعمار نمودند بندی که عقل هیچ بیننده قبول نمی‌کرد در برابر طغیان آب‌های هلمند مقاومت کند. سال گذشته یکی از ملاکان و منتفذان محلی به خاطر حمایت زمین‌های دشتی خود حکومت نیمروز را وادار ساخت که بندی را برای دفاع از زمین‌های وی اعمار کند، ولایت نیمروز و ملای مذکور به اشتراک هم توانستند توجه حکومت را به اعمار بند مذکور که آب‌های فاضله هلمند را سد می‌نمود، معطوف سازند. فریادها و عرایض زحمتکشان کنگ در مورد اعتراض بر بند مذکور جایی

پرچم

## شکایت اهالی بینی حصار

به جریده پرچم - ارگان نشراتی دموکراتیک خلق افغانستان!

از آنجائی که پرچم در عمر کوتاه نشراتی خود پیوسته از حقوق و مصالح مردم افغانستان دفاع کرده است و در موضع اساسی خود به دفاع از منافع خلق محروم کشور و خواست‌های آن چون صخره استوار قرار دارد، بنا بر آن ما اهالی بینی حصار توقع داریم که این خواست ما را نیز انعکاس دهد.

حین سروی سرک کابل - پل علم مهندسین وزارت فرایند عامه از تانک تیل شاه شهید تا پل سفید (در نزدیکی بینی حصار) سرک اصلی موجود را برای تسطیح و قیرریزی انتخاب کردند و از آن پس که باید سرک مستقیم کشیده می‌شد، چنانچه،

# دردها، شکایات و اعتراضات خلق

### ولسوالی کنگ در زیر امواج آب هلمند

## هزاران دهقان بی‌خانمان و ده‌ها هزار جریب مزارع زیر آب شد

را نگرفت و ولایت هرگز حاضر نشد مساعی خود را از حمایت زمین‌های لا مزروع و دشتی آن ملاک به‌سوی دهکده‌ها و مزارع حاصل خیز و وسیع (۱۸) هزار نفوس ولسوالی کنگ تغییر بدهد.

همان بود که موسم آب خیزی فرارسید و بلدوزهای فرستاده شده دولت که برای حمایت تمام ولایت نیمروز موظف شده بودند وقت خود را برای اعمار بند به‌نظور حمایت زمین‌های همان فیودالی که تاز صرف کرد، آب روز بروز بر بند خاکی دهقانان کنگ فشار وارد کرد و عاقبت به تاریخ ۲۲ حمل آن را در یک نقطه شکستند، دهقانان زحمتکش رخنه وارده را با ایجاد یک حلقهٔ خاکی دیگر احاطه کردند، اما فشار آب فزونی گرفت و در نتیجه به تاریخ ۲۵ حمل بند خاکی کنگ از هفت نقطه شکست کرد، آب‌ها در مزارع سرزایر شدند و تقریباً دو صد و پنجاه قریه خورد و متوسط را احاطه کرد، مردم حاصل باخته و خانه خراب به‌سوی بلندی‌ها و تپه‌ها پناهنده شدند و روز‌ها را در آنجا به گرسنگی سپری کردند، بسا از اطفال که قربانی آب شدند و بسا زنانی که در اثر این مصیبت روی تپه‌ها سفت جبین نمودند.

این حادثهٔ المناک که در شصت سال اخیر بی‌نظیر می‌باشد. محصول غفلت، استفاده جویی و اعمال نفوذ مأمورین دولت و منتفذین محلی است که مردم زحمتکش این ولایت هرگز آن را نخواهد بخشود. نشرات رادیو افغانستان که با آب و تاب کمک‌های سرمیانشت و مؤسسات خیریه را نشر می‌کند باعث تأثر و انزجار مزید مصیبت رسیدگان گردیده است. حادثهٔ غرق شدن ۲۵۰ دهکده و زیر آب رفتن ده‌ها هزار جریب زمین‌های زراعتی، غرق شدن، لادرك شدن و تباهی هزاران نفر چگونه ممکن است با چند کمپل و چند امپول دوا کدام موسسه خیریه تلافی گردد؟!

باید حکومت افغانستان در برابر مصیبت وارده و عظیم دهقانان کنگ جدی برخورد می‌کرد و بزرگترین تلاش‌ها و همه امکانات برای حمایت این زحمتکشان را تدارک می‌دید. ما اعتراض شدید خود را بر حکومت و نوکران فیودال آن وارد کرده و اعلان می‌داریم که این فرو گذاشت را هرگز و هرگز نخواهیم بخشود.

**«محل امضاء و شصت ۳۴ نفر دهقان ولسوالی کنگ»**

پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان!

ما اهالی قریه احمدخان مربوط ولسوالی بگرامی که جمعاً در حدود ۶۰۰ فامیل و هشت هزار جمعیت هستیم، از نعمت آب آشامیدنی صحتی محروم می‌باشیم. چاه‌هایی را که خود به وسایل دست نیست تا آب خورد کرده‌ایم، متأسفانه همه آب شور برون داده است. فقط یک چاه آب شیرین به فاصله زیادی دور از قریه واقع است که برای همه اهالی زحمتکش منطقه از یک‌طرف میسر نیست تا آب مورد ضرورت خانواده خود را ازین چاه تهیه نمایند و از سوی دیگر در اثر کثرت استفاده از آن، آب چاه ملوث می‌گردد. با این وضع مردم مجبورند که از آب‌های کثیف و آلوده استفاده نمایند.

مانند ده‌ها هزار ده دیگر کشور از هر

گونه امکانات و وسایل تسهیلاتی محرومند. ما از شاهراه عمومی تا ده سرک نداریم و راهی که قبلاً وجود داشت آن‌هم با احداث فابریکه نساجی بگرامی مسود گردید. ما برق نداریم با وصف اینکه حداقل در کابل برق کافی مو جود است و از چندین سال به این‌طرف مکرراً درخواست کرده‌ایم ولی به بهانه‌های گوناگون ترتیب اثری به درخواست ما داده نشده است این‌ها مشکل‌ای از صدها مشکل ماست که به حیث مشمت نمونه خروار تقدیم گردید و آرزوی ما اینست که در پرچم خلق انعکاس یابد.

**(امضاء و نشان شصت جمعی از اهالی قریه احمد خان)**

محصلان کشور مجدانه سعی به عمل آرند که برای ایجاد یک اتحادیه دارای خصلت ملی و دموکراتیک و حفظ، بسط و تعمیق این خصلت به‌طور پیگیر مبارزه نمایند، شعارها و هدف‌های مبارزه را چه صنفی باشد و چه سیاسی طوری تعیین نمایند که توده هرچه وسیع‌تر محصلان را جلب نماید، متشکل گرداند و اتحاد آنان را در چوکات یک سازمان دموکراتیک دانشجویی مستحکم‌تر گرداند. در این صورت است که یک اتحادیه توده‌ای محصلان به‌مثابه حلقه‌ای از حلقات اصلی پیوند با مردم ایجاد می‌گردد که بر طبق شرایط مشخص مبارزه هم در جهت تحقق خواست‌های صنفی خود و هم در راه هدف‌های عمو می و دموکراتیک مردم پیکار نماید و جزئی از نهضت عمومی ملی و دموکراتیک جامعه شمرده شود.

کشور و تأثیر تحولات بین‌المللی، تعداد کثیری از محصلان در جنبش دموکراتیک و ملی کشور به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیرات نیرومند ایدئولوژی طبقه کارگر قرار گرفته‌اند و عملاً رهبری طبقه کارگر و پیش‌آهنگی آن را در جنبش پذیرفته‌اند که نمونه بارز و زنده آن را می‌توان در اشتراک وسیع و آگاهانه محصلان و جوانان در نهضت اخیر اعتصابی کارگری کشور به دفاع از حقوق و منافع کارگران و بخصوص در تجلیل روز اول می در دو سال اخیر تحت رهبری نیروهای مترقی مشاهده کرد.

با در نظر گرفتن حقایق بالا باید کشور و تأثیر تحولات بین‌المللی، تعداد کثیری از محصلان در جنبش دموکراتیک و ملی کشور به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیرات نیرومند ایدئولوژی طبقه کارگر قرار گرفتند و عملاً رهبری طبقه کارگر و پیش‌آهنگی آن را در جنبش پذیرفته‌اند که نمونه بارز و زنده آن را می‌توان در اشتراک وسیع و آگاهانه محصلان و جوانان در نهضت اخیر اعتصابی کارگری کشور به دفاع از حقوق و منافع کارگران و بخصوص در تجلیل روز اول می در دو سال اخیر تحت رهبری نیروهای مترقی مشاهده کرد.

با در نظر گرفتن حقایق بالا باید

## اتحادیه محصلان ...

جوانی، مصنوعیت نسبی و بالاتر از همه آشنایی آن‌ها به علم و دانش موجب می‌شود که عدییی صرف نظر از تعلقات طبقاتی خویش در جنبش ملی و دموکراتیک به‌طور مؤثر شرکت نمایند، در موضع دفاع از منافع و ایدئولوژی طبقه کارگر برآیند، از طبقه و ایدئولوژی خود بریند و ایدئولوژی طبقه کارگر را به

### تذکر

**همین اکنون که پرچم زیر چاپ می‌رود، در پوهنتون، پولی تخنیک، لیسه رحمان بابا و سایر لیسه‌های مرکز اعتصابات و میتینگ‌هایی جریان دارد که ما شرح مفصل آن را در شماره آینده پرچم تقدیم کنیم و همچنان نسبت تراکم مضامین، دنبال مقاله «باید قوانین ضد دموکراتیک، ضد خلقی و ضد ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی لغو گردد»، از نشر درین شماره باز ماند، در شماره آینده دنبال می‌شود.**



# پرچم

د افغانستان د منگ دموکراتیک افشارو پخپروونکی

۲۹ ثور ۱۳۴۸

## جمهوریت سوسیالیستی چکوسلواکیا بیست و چهارمین سال آزادی خود را جشن گرفت

روز نهم ماه می مصادف با بیست و چهارمین سال شکست فاشیزم آلمان، پیروزی نیروهای اتحاد شوروی بر قوای آلمان هیتلری و آزادی چکوسلواکیا از تسلط نازی‌ها بود. زعمای کشورهای اتحاد شوروی و چکوسلواکیا طی تلگرام‌های تبریکه بی این روز را به همدیگر تبریک گفتند.

رهبران اتحاد شوروی طی پیامی به گوستاو هوساک منشی اول حزب کمونیست چکوسلواکیا، لودویگ سوپودا رئیس جمهور و اولدریک چیرنیک صدراعظم آن کشور ابراز داشتند:

«مردم اتحاد شوروی در بارهٔ خلق کارگر جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا احساسات عمیق دوستی و رفاقت دارند. سنن این دوستی که با خون ریختانده شده در محاربات پرورش یافته، در نزد هر فرد شوروی گرمی می‌باشد. ما معتقدیم که دسایس نیروهای ارتجاعی نمی‌تواند این دوستی را که برای سرنوشت خلق‌ها و دولت‌های ما اهمیت تاریخی دارد، تخریب کند…»

هکذا زعمای چکوسلواکیا طی تلگرامی به حزب، حکومت و مردم اتحاد شوروی به مناسبت بیست و چهارمین سال غلبه قوای اتحاد شوروی بر نیروهای فاشیزم هیتلری اظهار داشتند: «ما مصمم استیم که بر طبق منافع مردم چکوسلواکیا دوستی و اتحاد عنعنوی بین مردم چکوسلواکیا و اتحاد شوروی را، دوستی‌ای که در مبارزه علیه دشمن مشترک استوار گردیده ادامه و انکشاف دهیم. ما می‌خواهیم از طریق تقویه و توسعه مزید همکاری همه جانبه در تمام ساحات حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس اصول مارکسیزم- لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری سهم خود را در تقویه و رشد موفقیت آمیز سوسیالیزم و تحکیم وحدت سیستم سوسیالیستی ایفا کنیم.»

«حزب کمونیست چکوسلواکیا که بعد از جلسه اپریل کمیته مرکزی راه استقرار حیات در کشور، تقویه نقش رهبری کننده خود و شدت بخشیدن مبارزه علیه تمام نیروهای ضد سوسیالیستی را در پیش گرفته است، همکاری رفیقانه خود را با حزب کمونیست اتحاد شوروی و دیگر احزاب برادر به نفع به هم فشردهگی و وحدت تمام جنبش بین‌المللی کمونیستی تقویت خواهد بخشید.»

رئیس جمهور چکوسلواکیا در بیانیه خود به مناسبت بیست و چهارمین سال آزادی چکوسلواکیا گفت: نمی‌توان از این حقیقت انکار کرد که اتحاد شوروی ما را از تسلط فاشیزم هیتلری نجات داد. اتحاد شوروی در مدت ۲۴ سال گذشته کمک‌های بزرگی برای ترقی و پیشرفت ما نموده است. همکاری با اتحاد شوروی باعث ترقی و پیشرفت و آرامی چکوسلواکیا می‌شود، اگر این همکاری به سنگنگی مواجه شود، به ضرر مردم چکوسلواکیا می‌انجامد. قرار معلوم زعمای چکوسلواکی به مرکز قوای شوروی رفتند، لودویگ سوپودا طی بیانیه‌یی در یک اجتماع اظهار داشت: «… ما همه میدانیم که بدون روابط نزدیک و همکاری نزدیک با اتحاد شوروی تخیل رشد بیشتر سوسیالیزم در چکوسلواکیا حتی امکان پذیر نیست… سوپودا مزیداً اظهار داشت: «من کشور خود را می‌شناسم و همچنان من اتحاد شوروی را می‌شناسم و واضحاً همین چیزبست که مرا به آینده خوشبین می‌سازد… ما منافع مشترک و اهداف مشترک داریم؛ مانند زمان جنگ دوم جهان حالا نیز ما دشمن مشترک داریم. ما می‌دانیم که تنها نیروی شکست ناپذیر کشورهای سوسیالیستی است که می‌تواند متعرض را بجایش بنشاناند…»

## در شرق میانه

-روزنامه پرآودا می‌نویسد:
جمهوریت عربی متحد با تلاش پیگیر می‌کوشد تا یک سیاست صلح‌جویانه در دو منطقه خاورمیانه بر قرار سازد. مگر این پیشنهاد و تلاش‌ها از جانب تجاوزکاران اسرائیلی خنثی می‌شود، ما سیاست جمهوریت متحد عربی را مورد ستایش قرار می‌دهیم.
پروادا سخنرانی جمال عبدالناصر را در روز اول ماه می نشر نموده و می‌نویسد: اگر اسرائیل فیصله نامه‌های شورای امنیت را در بارهٔ شرق میانه تطبیق نماید، صلح درین منطقه برقرار می‌شود و این واقعاً یک خواست معقول است.

- روزنامهٔ نیویارک تایمز می‌نویسد: اسرائیلی‌ها در مناطق اشغالی به اعمال غیرانسانی دست می‌زنند، بالای اعراب ظلم می‌کنند و هیچ فیصله بین‌المللی را قبول نمی‌نمایند، منازل اعراب را ویران می‌کنند و صاحبان آن را از منازل شان اخراج می‌نمایند، برای اعراب (۴۸) ساعت وقت داده می‌شود که خانه‌های خود را ترک

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>د کندهار او مزار شریف په ښارونو کښی د می لومړی ورځ ونمانځل شوه</b> <p>دکندهار او مزار شریف په ښارونو کښی د کارگرانو او زده کوونکو له خوا دمی لومړی ورځ د کارگرانو بین‌المللی ورځ، ولما نخل شوه د کندهار په ښار کښی د می دلو مړی ورځی په مناسبت د سهار له ۶/۵ بجو څخه تر هر ۱۲/۵ بجو پوری مظاهره وشوه.</p>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
---	--	---

## تظاهرات معلمان و شاگردان لیسه‌های باختر و امیر شیر علی خان و دارالمعلمین های ولایت بلخ

شاگردان لیسه باختر مزار شریف بروز (۱۳) ثور در صحن لیسه اجتماعی ترتیب داده، ضمن توضیح حرکات و اعمال خلاف قانون مدیر لیسه باختر، خواستند تا هرچه زودتر مدیر مذکور عزل و اجراءات خلاف قانون وی مورد بازپرس جدی قرار گیرد ولی مقام ولایت بلخ با خشم و خلاف انتظاری، در صحن لیسه به‌وسیله افراد پولیس و ژاندارم شاگردان معصوم را زیر لت و کوب گرفت و علاوه بر آن بکتنن از معلمان نجیب لیسه (ښاغلی محمد شریف) را در محضر شاگردان، مدیر و معاون لیسه "چهار بردار" کرده، به شکل بی‌رحمانه و تحقیرآمیزی مورد ضرب و شتم قرار داد و همچنان یکی از مفتشین شریف لیسه را نیز بدون حکم قانون به زندان فرستاد. این اقدام تحریک آمیز، به مظاهرات خیابانی روز (۱۶) ثور منجر شد. این

## اعتصاب (۲۰) روزه شاگردان دارالمعلمین هرات

بالاخره **اعتصاب (۲۰) روزه** شاگردان دارالمعلمین هرات موفقانه خاتمه یافت.

هدف این اعتصاب را که از تاریخ ( ۱۸ حمل) آغاز شده بود، تأمین خواست‌های صنفی ذیل تشکیل می‌داد:
- تأسیس یک دارالمعلمین عالی در هرات و ایجاد زمینه مساعد برای سیر علمی شاگردان.

- تهیه کتب و مواد تدریسی، تکمیل کمبود معلم که به (۱۴) نفر می‌رسد، تهیه آب آشامیدنی صحی و چپرکت‌های جدید بجای چپرکت‌های فرسوده موجود که هر آن سقوط منازل بلایی آن حیات شاگردانی را که در منزل زیر آن می‌خوانند به مرگ تهدید می‌کند، اعمار یک آشپزخانه صحی متناسب به‌ضرورت طبخ غذا برای لاقل (۷۵۰) نفر، تهیه یک میدان سپورت، لودسپیکر و مکرافون و

## اعتصاب شاگردان در ولسوالی قرقین

شاگردان صنف ششم ښوونځی ابتدائی قرقین علیه روش نادرست سر معلم ښوونځی به تاریخ (۳) ثور دست به اعتصاب زدند.
شاگردان می‌گویند، ما با بودن این سر معلم که مخالف کرامت بشری، ما و اولیای ما را با کلمات رکیک و تحقیر

ار (ص اول)

## روزنه امید برای تأمین صلح …

- چگونگی بیرون کشیدن عساکر امریکایی از ویتنام؟
- قطع مخاصمت‌ها و تشکیل یک حکومت ائتلافی مرکب از نمایندگان تمام نیروها و افقشار مردم. این حکومت بدون امتیاز متکی به تمام نیروها و گروپ‌ها خواهد بود. تمام رهبرانی که از صلح، استقلال و بی‌طرفی ویتنام حمایت می‌کنند، قطع نظر از تمایلات سیاسی و سوابق شان، می‌توانند در این حکومت سهم بگیرند.
- حکومت موقتی موضوع موجودیت قوای ویتنامی را در ویتنام جنوبی با ویتنام شمالی حل‌وفصل خواهد کرد و کشیدن عساکر امریکا و متحدین آن را امضاء و اجرا خواهد نمود.
در پیشنهادهای جبهه آزادی ملی گفته می‌شود که ویتنام جنوبی یک دولت بی‌طرف، مستقل، صلح جو و دموکرات خواهد بود؛ اجرای انتخابات آزاد در ویتنام جنوبی در تأسیس یک اسامبله قانون ساز کنوین قانون اساسی و تشکیل یک حکومت ائتلافی نماینده کمک خواهد نمود؛ ویتنام جنوبی با تمام کشورها به شمول ایالات متحده امریکا مناسبات عادی دیپلوماسی، فرهنگی و اقتصادی برقرار خواهد نمود و به خاطر وحدت مجدد صلح آمیز ویتنام چه ویتنام شمالی و چه ویتنام جنوبی تعهد می‌نماید که در

بروز شنبه (۲۰ ثور) شاگردان لیسه زراعت، دارالمعلمین و عده‌یی از شاگردان مکتاب مرکز بغلان به مظاهرات خیابانی پرداختند.

مظاهرهٔ شاگردان که به‌عنوان اعتراض بر بی‌مبالاتی کارکنان شفاخانه آنجا که باعث مرگ محمد علم شاگرد صنف (۱۱) لیسه زراعت شده بود، آغاز یافته و از ساعت (۸) صبح تا (۵) عصر روز مذکور با گرمی و حرارت ادامه داشت و با همنوایی و همدردی زایدالوصفی از طرف اهالی شهر استقبال و تائید گردید.

شاگردان فردای روز مذکور بعد از انجام مراسم سوگواری، علی رغم تهدیدات مقامات حکومتی و معارف، علیه کارکنان شفاخانه و روش دیکتاتور منشنانه اداره لیسه زراعت

وسایل تفریح شاگردان.
این اعتصاب علی رغم اخلالگری‌های ماجراجویان و تفنین مرتجعان که در جریان اعتصاب پرده از چهره‌های عوام‌فریبانه ایشان برافتاد، بروز (۶) ثور ۱۳۴۷ پیروزمندانانه پایان یافت، زیرا منیر معارف به اعتصاب کنندگان وعده داد که هر مورد تأسیس دارالمعلمین عالی در هرات و سیر علمی شاگردان آن هرچه زودتر با مقامات مسوول وزارت معارف داخل مفاهمه می‌شود و سایر خواست‌های آنان را به زودترین فرصت بر آورده می‌سازد.

دین‌ترتیب شاگردان به اعتصاب (۲۰) روزه خود خاتمه داده و عملی شدن وعده‌های مقامات معارف را شدیداً خواستارند.

د پرچم خبريال د پکتيا د ولايت د ځمکنیو له ولسوالی نه خبر راکوی چه د ثور په (۱۸) نېټه دپنجشنبی په ورځ د کڼر د عمراخان دلیسی شاگردانو درسی مشکلاتو په نسبت اعتصاب وکړ. شاگردان وروسته له اعتصاب نه د ټولگیو نه را ووتل او په مظاهره بی پیل وکه. د مظاهری په ترڅ کښی شاگردانو جذابی ویناوې وکړی او پدی ویناگانو

ستیز کفرانس‌ها، و همچنان محل و وسایل تفریح شاگردان.

این اعتصاب علی رغم اخلالگری‌های ماجراجویان و تفنین مرتجعان که در جریان اعتصاب پرده از چهره‌های عوام‌فریبانه ایشان برافتاد، بروز (۶) ثور ۱۳۴۷ پیروزمندانانه پایان یافت، زیرا منیر معارف به اعتصاب کنندگان وعده داد که هر مورد تأسیس دارالمعلمین عالی در هرات و سیر علمی شاگردان آن هرچه زودتر با مقامات مسوول وزارت معارف داخل مفاهمه می‌شود و سایر خواست‌های آنان را به زودترین فرصت بر آورده می‌سازد.

دین‌ترتیب شاگردان به اعتصاب (۲۰) روزه خود خاتمه داده و عملی شدن وعده‌های مقامات معارف را شدیداً خواستارند.

تظاهرات قانونی و مسالمت آمیز شاگردان و بالاخره حادثه اسف‌انگیز و عمل ناشیانه و بی‌رحمانه پولیس و ژاندارم در برابر اعتصاب شاگردان مکتب ابن سینا (در ۲۳ ثور)، علانم بسیار زندهٔ وجود این شبکه‌های مردموز در دستگاه مریض و کهنه ادارهٔ حاکمه افغانستان می‌باشد.

دستگاه فرسوده اداری حاکمه افغانستان که استعداد قبول نقشه‌ها و تصامیم این شبکه‌های پلید و سیاه را دارد، با عدم توازن و بی‌سروسامانی وصف ناپذیری ناشیانه افتان و خیزان عمل می‌کند و سند سیاه محکومیت خود را در پیشگاه مردم و توده‌های بیدار شونده و تاریخ وطن تکمیل می‌نماید.

مسایل و قضایا را نادرست بررسی کردن، وضع را مخوف و غیر عادی نشان دادن، اعتصاب کنندگان را باغی و متمرد پنداشتن، خود گواه دیگری بر وجود شبکه‌های تخریبی و فتنه گر و سازمان‌های خطرناک و خودسری در بطن دستگاه اداری حاکمه کشور ما می‌باشد.

(لمری مخ پاتی)

## تظاهرات و اعتصابات پیروزمندانه شاگردان لیسه زراعت بغلان

دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب تا روز (۲۳) ثور ادامه داشت و بعد از آنکه والی بغلان برآورده شدن خواست‌های شاگردان را مبنی بر عزل و محاکمه دکتور سهل انگار و بی به مبالات معالج و برکناری مدیر و معاون اداری لیسه که در برابر شاگردان همیشه از دیکتاتوری و اعمال غیرانسانی کار می‌گیرند، وعده داد، با موفقیت انجام یافت. شاگردان شریف و وطن‌پرست بغلان طی قطع نامه‌ای که در پایان این اعتصاب صادر کردند، ابلاغ نمودند که اگر خواست‌های ایشان بجزودی ممکنه عملی نگردد و یا به تهدید، اخراج و عمل فشار بر شاگردان پرداخته شود، مسؤولیت عواقب وخیم آن بدوش عوامل قانون شکن و دکتاتور منش دستگاه حاکمه خواهد بود.

## د کنړونو د عمراخان د لیسی دشاگردانو اعتصاب او مظاهره

کښی بی خپلی صنفی غوښتیڅرگندی کړی. شاگردانو غوښتنه وکړه چه هغه معلمان دی بدل شی کوم چه مور ته درس نشی راکولای او علمی سوبه نلری.

شاگردا نو خپل اعتصاب ا و مظاهری د یکشنبی تر ورځی پوری جاری وساتلی.

## د ځمکنیو د ولسوالی د زده کونکو د مظاهره

تدریسی نیمگرتیاوو د لری کولو په طرفداری او داحمزویو او صبریو د قیائلو ترمنځ په شخړه کښی او همدا شان د منگلو او خاخیو د قبیلو په منازعه کښی دحکومتی مامورینو دغلظ چال چلند په ضد ناری وهلی. خبریال زیاتوی چه د زده کوونکو مظاهره څو ورځی اوږده شوه.

از (ص اول)

## شرکت متحدانه و باوقار …

اصدار اخطارهای تحریک آمیز به شاگردان خوردسال، وارد کردن فشار و زور بر شاگردان خلی جوان و کم سن و بالاخره حمله شرم آور پولیس و ژاندارم بر شاگردان بی‌دفاع و بی‌ضرر نشان‌دهنده روشن این حقیقت است که قبول دموکراسی و آزادی برای هیأت حاکمه افغانستان قابل تحمل نبوده و صرف با کلمات میان تهی آن را می‌خواهند تمثیل نمایند ما درحالی‌که تأثرات عمیق خود را نسبت به درگذشت ابن شاگرد جوان ابراز می‌داریم، علاوه می‌کنیم که برگزاری جنازه پرچلال و باوقار و مقاومت مسالمت آمیز، متین و متحدانه محصول پوهنتون و شاگردان لیسه‌های مرکز در برابر پاسبانان ارتجاع نمونهٔ الهام بخشی است از اتحاد کلیه نیروهای مترقی دموکراتیک و وطن‌پرست کشور علیه ارتجاع و امپریالیزم و نیروی الهام بخشی است در راه به پیروزی رساندن نهضت آزادی‌بخش ملی و اجتماعی کشور ما افغانستان.

(لمری مخ پاتی)

## د شوری د دیارلسمی …

- دسوله ایز کد ژوند داصولو پر اساس دبی‌طرف مثبت او مستقل ملی او مترقی سوله ایز خارجی سیاست پیسروی، دپښتونستان د آزادی بخشونکی نهضت او په نری کی دټولو آزادی بخشونکو ملی او مترقی نهضتونو (ویتنام، اعرابو او نورو) دفاع کول، له مترقی او ملی هیوادونو سره دافغانستان دروابطو پراختیا اوله زاړه او نوی استعمار او امپریالیزم سره ضدیت اوله جهانی سولی څخه دفاع کول.

(دافغانستان دخلک دموکراتیکه جریان)

<b>دامتیاز خاوند او مسوول مدیر:</b>	<b>سلیمان لایق</b>
<b>تېلفون:</b> ۲۳۱۶۴	
<b>د یوه گڼی بیه<span> </span>:</b> ۲/۵ افغانی	

مطبعة دولتی

تایپ متن: قاسم اسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض



# پرچم

## ناشرانیده‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره دهم سال دوم دوشنبه ۵ جوزا ۴۸ - ۲۶ می ۶۹، شماره مسلسل ۶۲

م. ا. خبیر

## د جوزا شیرمه

د ۱۹۱۹ کال د فبروری د میاشتی په ۲۸ نیټه د افغانستان پاچا اعلیحضرت امان الله خان اعلان وکړ چه «افغانستان باید یو آزاد او خپلواک هیواد وي او تول هغه حقوق ولری چه نور خپلواک هیوادونه یی لری... ملت باید آزاد وي. نه بنایي چه په هیڅ فرد باندی ظلم او ستم وشي.» دهمدی اعلان پر اساس وو چه د افغانستان خلکو یوینخوس کاله پخوا په خپل هیواد باندی د امپریالیزم استعماری تسلط ته کلک او پیاوړی گذار ورکړ او دخپل ملی مسلحانه قیام له لاری یی په آسیا او افریقا کی د لومړی ملت په حیث خپله سیاسی خپلواکی ترلاسه کړه او د پردیو سلطی ته یی خاتمه ور کړله. د سیاسی خپلواکی په گټلو سره یی د نړی پدی گوټ کی دامپریالیزم د بین‌المللی زنجیر یوه بله کړی وشولوله. او پدی کار سره یی له یوی خوا دخپل اجتماعی او اقتصادی پرمختگ لاره پرانیستله او له بلی خوانی د نورو هغو آسیایي او افریقایي هیوانو د ویبولو په امر کبني خپله برخه واخیستله چه د استعمار تر اسارت لاندی وو. د خپلواکی په گټلو

سره د افغانستان په خارجی مناسباتوکی نوی مرحلی ته واره وشوه. داستعمار د بقایاوو دله منځه وړلو د پاره مبارزه دیره سخته شوه، دافغانستان په خارجی مناسباتو کی ستر تحول منځ ته راغی. دافغانستان روابط له نورو هیوانو سره په تیره بیا له لومړی سوسیالیستی هیواد، دشوروي اتحاد له خوان دولت سره چه تر ټولو لومړی یی ز مونږ خپلواکی په رسمیت وپیژاندله او د استعمار د تهدیداتو په مقابل کی یی دافغانستان د خلکو نه هیروونکی مرستی او زړور ملاتړ وکړ، د لیننی سیاست د سوله ایز گډ ژوند داصولو په بنا ټینگ شول.

دهیواد پرمختگ د پاره پراخ پروگرامونه طرح شول او دبیلو بیلو ځانگو د پاره قوانین وضع او په اصلاحاتو لاس پوری شو. له شوروی اتحاد او ځینی نورو اروپا یی هیوادو سره داتقصادی، تخنیکي او ثقافتی مرستو موافقت لیکونه او تړونونه لاس لیک شوو. افغانستان د رښتنی ملی، خپلواک او مترقی سیاست له برکنه د لسو کلونو په لنډه موده کی داستعماری او ارتجاعی قوتونو له سخت فشار او مقاومت سره سره دژوند په بیلو بیلو برخو کی دومره پرمختگ وکړ چه د هیواد په تاریخ کی یی ساری نه درلود.

خو څرنگه چه په هغه وخت کی داخلي او خارجی شرایط د ترقی او سولگی په گټه نه وو، د نړی زیاته برخه دخو لویو استعماری امپراتوریو په لاس کی وه او دخمکی دمخ دوگړو په سلو کی ۶۹/۹ د استعمار تر یوغ لاندی ژوند کاوه په هیواد کی د ننه دزاره استعمار بقایا په خپل ټول قوت سره پاتی وو، استعمار دفیوډالی نظام او دملی صدارتجاعی قوتونو په وجود کی ټینگی اجتماعیادی لرلي. اصلا حی پروگرامونه سطحی او په خلکو باندی متکی نه وو، او ونی نشوای کولای چه د هیواد دزیارکینو ملا تر وگتی. ارتجاعی قواوو وکولای شو چه له دغی وضعی څخه په استفادی سره د خپلو ارتجاعی او گمراه کونکو تبلیغاتو له لاری د پاچا او دهغه داصلاحي پروگرامونو په ضد په خلکو کی شک او بنگومانی را پیدا کړی او د انگریزی استعمار په نژدی مرسته او همکاری سره زمونږ په هیواد کی د اغتشاش تپاه کونکی اور ولگوی او په دغه شان سره د افغانستان د خلکو ملی آزادی بښونکی نهضت نیمه خوا کاندی. د استعمار او ارتجاع ددی ځانخانه دسیسی په نتیجه کی ده چه زمونږ خلک د یوینخوس کلن استقلال سره سره بیا هم د پخوا په شان درازراز ستمونو، استبداد، فقر او

(۳ مخ)

## جریان دموکراتیک خلق افغانستان

پنجاه و یکمین سالگرد استقلال وطن را تبریک می‌گوید

جریان دموکراتیک خلق افغانستان پنجاه و یکمین سالروز جنگ آزادی‌بخش ملی خلق افغانستان علیه امپریالیزم بریتانیا و روز اعلام استقلال وطن ما افغانستان را به همه خلق آزاده و زحمتکش کشور، به خواهران و برادران هموطن از صمیم قلب شادباش می‌گوید؛ و به مناسبت این روز پرافتخار ملی به روان تابناک شهیدان راه آزادی و استقلال، بهترین و ارزنده‌ترین فرزندان آزادیخواه و رزمندگان دلیر خلق قهرمان افغانستان، که در عرصه پیکار مقدس، در دشوارترین شرایط، گمنام جان سپرده‌اند و به تمام خلق‌های ملل تحت ستم آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین، به خلق مبارز پشتونستان و بلوچستان، به خلق قهرمان ویتنام که حماسه پیکار مقدس آن سرمشق و انگیزه ایست برای تمام خلق‌ها و ملل تحت ستم جهان که در راه آزادی و استقلال مبارزه می‌کنند و مظهر درخشان نبرد و پیروزی و مشعل فروزان دلیری و اراده شکست‌ناپذیر بشریت مترقی است، به خلق‌های مبارز و آزادی دوست عرب که در راه امحای بقایای استعمار و آثار تجاوز ه جون ۱۹۶۷ پیکار می‌نمایند. درود پرشور و آتشین می‌فرستد.

## تبریک جریان دموکراتیک خلق

افغانستان به مناسبت نیم قرن دوستی افغان شوروی

جریان دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت روز پرافتخار پنجاهمین سال روابط دوستی افغان شوروی و اینکه ملل افغانستان و اتحاد شوروی این روز را در تاریخ روابط دوستی بین دو کشور جشن می‌گیرند، از جانب خود تبریک می‌گوید و بهترین آرزوهای خود را به غرض استحکام و ترقی بیشتر دوستی بین افغانستان و اتحاد شوروی به حزب و دولت اتحاد شوروی و توسط آن‌ها برای تمام خلق قهرمان شوروی ابراز می‌دارد.

همچنان جریان دموکراتیک خلق افغانستان بدین مناسبت تبریکات صمیمانه خود را به خلق آزاده و زحمتکش وطن خود افغانستان محبوب، به تمام نیروهای ترقی‌خواه وطن‌پرست و به تمام دوست داران استحکام و توسعه روابط دوستی افغان - شوروی تقدیم می‌نماید

## طرح پلاتفرم مشترک برای

جبهه ائتلافی در مبارزه انتخاباتی دوره سیزدهم شوری

جریان دموکراتیک خلق افغانستان در شماره‌های گذشته پرچم (به زبان پښتو و دری) راجع به‌ضرورت تشکیل جبهه ائتلافی برای مبارزه انتخاباتی اعلامیه‌یی صادر کرد، از آنجائی که «جبهه ائتلافی» بدون پلاتفرم عملی فوری و مشترک فاقد محتوی می‌باشد، جریان دموکراتیک خلق افغانستان بر حسب وعده تصمصیم بدان گرفت که شعارهای پلاتفرم مشترک را برای جبهه ائتلافی در مبارزه انتخاباتی دوره سیزدهم شوری طرح کند.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان معتقد است که این پلاتفرم مشترک می‌تواند تمام وجه مشترک کلیه افراد، محافل، گروه‌ها و سازمان‌ها و نیروهای ملی دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست کشور را احتوا کند معهدا هرگاه عناصر

فوق طرح‌های تکمیلی و یا تعدیل شده دیگری داشته باشند. جریان دموکراتیک خلق افغانستان حاضر است که به شیوه دموکراتیک در یک میز جرگه افغانی در زمینه با هم مفاهمه نمایند تا بر اساس تصمصیم دسته جمعی فیصله نامیهی راجع به پلاتفرم مشترک و تشکیل جبهه ائتلافی در مبارزه انتخاباتی صادر گردد.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان معتقد است شعارهای کلی‌یی که می‌تواند در اوضاع و احوال کنونی به‌منایه نوعی از مشی جاری عملی و مشترک برای تمام افراد، محافل، گروه‌های سازمان‌ها و نیروهای ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست به‌عنوان اساس اتحاد عمل و پلاتفرم مشترک (جبهه ائتلافی برای مبارزه انتخاباتی دوره سیزدهم شوروی) مطرح گردد، عبارت از اجرای وظایف مهم زیرین است:

- مبارزه در راه استقرار دموکراسی و تطبیق تمام آزادی‌های مصرح در قانون اساسی من‌جمله: مبارزه در راه تشکیل و فعالیت آزاد احزاب ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواه و دیگر سازمان‌های صنفی و دموکراتیک و سندیکائی اعم از کارگران، دهقانان، محصلان و معلمان و روشنفکران، پیشه‌وران و مأموران پائین رتبه و مستخدمان مؤسسات دولتی و خصوصی، مبارزه در راه تعمیم آزادی مطبوعات، آزادی بیان و گفتار، تظاهرات، اعتصابات و اجتماعات و غیره؛ مبارزه علیه تبعید، توقیف و حبس‌های خودسرانه و غیرقانونی و اخراج از کار؛

- مبارزه در راه لغو تمام قوانین ضد آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و ضد دموکراتیک و وضع قوانین دموکراتیک به نفع مردم افغانستان اعم از کارگران دهقانان، پیشه‌وران و غیره طبقات و اقشار دموکراتیک و ملی و دفاع از حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی آنان؛

- مبارزه در راه تشکیل دموکراتیک بشاروالی‌ها و جرگه‌های ولایتی تا دهات و تأمین حقوق فرهنگی و سیاسی تمام اقوام و خلق افغانستان بدون هیچ‌گونه تبعیض؛

- مبارزه در راه تأمین حقوق اجتماعی و سیاسی زنان؛

- مبارزه در راه حل دموکراتیک مسأله کوچیان و قبایل؛

- مبارزه در راه اصلاحات دموکراتیک دستگاه اداری، اقتصادی مالی، تجارتی، فضائی، فرهنگی و غیره؛

- مبارزه در راه تعمیم معارف متوازن (ملی و مترقی) و صحت؛

(ص ۴)

## جریان دموکراتیک خلق افغانستان

اعمال وحشیانه پولیس دستگاه حکومت را در برابر شاگردان لیسه

ابن‌سینا و دارالمعلمین و محصلان و استادان پوهنتون جداً تقبیح و از فیصله نامه استادان وطنخواه پوهنتون کابل پشتیبانی خود را اعلام می‌نماید

حکومت، به دستگیری و تحریک رهنمایان آلمانی دستگاه امنیتی (!) کشور، با ایجاد توطئه و حمله ناچوانمردانه به شاگردان معصوم ابن‌سینا و دارالمعلمین فرو نه نشست و به دنبال حادثه جدیدی در کمین فرصت نشستند.

تظاهر شکوهند و بلوقار محصلان آگاه پوهنتون، به خاطر تشیع جنازه مرحوم اصیل محمد شاگرد فقید و جوان معارف که به‌عنوان ابراز همدردی با شاگردان هم صف، با

(ص ۳)

کمک قوای ضربیه قطعه منظره و باندهای پولیسی فاشیستی، به‌طور مشهود کاملاً یک حرکت تحریک‌آمیز فاشیستی و با صف‌آرایی تمام، مجهز با چوب و چماق، با غرور و پررونی و به‌طور فتنه گرانه و بی‌رحمانه‌یی بر شاگردان خورد سال، شجاع و بی‌دفاع لیسه ابن‌سینا و دارالمعلمین کابل حمله‌ور شده و عده‌یی از آن‌ها را به‌طور بی‌رحمانه‌یی تا سرحد مرگ مورد لت و کوب قرار دادند.

این عمل دستگاه به‌اصطلاح «امنیتی» وزارت داخله افغانستان به

شکستن اعتصاب قانونی شاگردان لیسه ابن‌سینا در داخل محوطه آن لیسه، پولیس و ژاندارم شیوه استبداد فاشیستی و با صف‌آرایی تمام، مجهز با چوب و چماق، با غرور و پررونی و به‌طور فتنه گرانه و بی‌رحمانه‌یی بر شاگردان خورد سال، شجاع و بی‌دفاع لیسه ابن‌سینا و دارالمعلمین کابل حمله‌ور شده و عده‌یی از آن‌ها را به‌طور بی‌رحمانه‌یی تا سرحد مرگ مورد لت و کوب قرار دادند.

این عمل دستگاه به‌اصطلاح «امنیتی» وزارت داخله افغانستان به

دستگاه پولیس حکومت افغانستان که از چندین سال به این‌طرف تحت تربیت پولیسی فاشیست‌های متقاعد آلمان غرب قرار دارد و با صرف میلیون‌ها افغانی حاصل دسترنج مردم فقیر کشور ما، با عصری‌ترین وسایل استخباراتی و ضربتی تجهیز شده است، اخیراً صحن مکاتب، پوهنتون کابل و جاده‌های شهر را به میدان تمرینات و مانورهای خویش مبدل ساخته است.

خوانندگان ارجمند پرچم اطلاع دارند که به تاریخ (۲۳) ثور به‌منظور درهم

## فیصله نامه استادان پوهنتون کابل در باره حادثه ۲۹ ثور

۲۹ ثور ۱۳۴۸ ه ش مجلس استادان هینتی را جهت تنظیم فیصله نامیهی موظف ساخت که بعداً فی‌المجلس مورد تصویب قرار گرفت و متن آن چنین است:

درباره حادثه روز دوشنبه تاریخی ۲۹ ثور در تالار شورای پوهنتون دایر گردیده و پس از بحث و غور عمیق بر همه جوانب این حادثه و اظهارنظر گروه کثیری از استادان درباره جریانات چشم دید، فیصله کردند که:

۱- ازآنجاکه طرز عمل پولیس در بدو مرحله با ممانعت محصلان از مظاهرات مسالمت‌آمیز که قانونی می‌باشد (طبق بند اول ما ده ۳۲ قانون اساسی) غیرقانونی بوده و در اثر آن حادثات بعدی همان روز در حریم پوهنتون به وجود آمد.

۲ - ازآنجاکه حادثات همان روز در حالت عادی و بدون ابلاغیه قبلی مقامات مسوول و درخواست با موافقه

(ص ۳)

مجلس شده نتوانسته بود، ولی عده‌یی از استادان که در محل واقعه حاضر بودند، مشاهدات خود را درباره لت و کوب وی از طرف پولیس با ابراز تأثر اظهار داشتند.

### فیصله نامه استادان دارالمعلمین عالی

به پشتیبانی از فیصله نامه استادان پوهنتون کابل

استادان دارالمعلمین عالی عمیقاً همدردی خود را با استادان پوهنتون اظهار می‌دارند و اقدام روز دوشنبه (۲۹ ثور) پولیس را در ساحه پوهنتون و تجاوز بی‌باکانه ایشان را به شخصیت استادان و محصلان و حیثیت پوهنتون جداً تقبیح نموده، مخالف قانون و نوامیس بشری و عنعنات ملی افغانی می‌دانند. ازین رو ما همه استادان به تعداد (۲۴) نفر پشتیبانی خود را از فیصله نامه پوهنتون در این باره ابراز می‌داریم و همچنین عمل پولیس را در دارالمعلمین کابل و مکتب ابن‌سینا نکوهش می‌نماییم و مصونیت مکاتب را طبق قانون در سراسر افغانستان خواستاریم. قرار فیصله مجلس یک کاپی این فیصله نامه توسط اداره به مقام وزارت معارف و تربیه معلم و یک یک کاپی جهت نشر به دفاتر جراید سپرده می‌شود.

(مجلس استادان دارالمعلمین عالی)

### یک بازدید دوستانه

حکومت اتحاد شوروی با تاریخ مهم پنجاهمین سالگره استقرار دوستی افغان - شوروی مصادف می‌باشد.

گرددید. بازدید صدر اعظم اتحاد شوروی مظهر جدید از تماس‌های حسن همجواری بین دو کشور می‌باشد. مسافرت حالیه رئیس

لکسی کاسیگین رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی به غرض یک بازدید رسمی دوستانه امروز وارد افغانستان

خلق رنج‌دیده افغانستان نان، لباس، مسکن، معارف، کار، آزادی و صلح میخواهند



نیم قرن از برقراری دوستی روابط سیاسی صلح‌جویانه و ثمر بخش افغانستان و اتحاد شوروی می‌گذرد. سرچشمه این روابط خلل ناپذیر در قیام مهم آزادی‌بخش ملی و اجتماعی است: انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷، قیام مسلحانه ملی ۱۹۱۹- افغانستان. انقلاب کبیر اکتبر به سرکردگی طبقه کارگر روسیه و تحت رهبری حزب پیش‌آهنگ آن و در رأس آن ولادیمیر ایلیچ لنین، عصر نوینی را در تاریخ جامعه بشری آغاز نهاد و تأثیرات شگرفی بر تمام سیر آتی جنبش‌های انقلابی آزادی‌بخشی ملی و اجتماعی و مترقی ملل جهان و منجمله کشور ما وارد ساخت و سیستم استعماری امپریالیزم که ظاهراً تزلزل ناپذیر به نظر می‌رسید، روبه تلاشی و اضمحلال نهاد، حکومت نوین‌پاد شوروی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اکتبر بیانی‌سی را خطاب به تمام زحمت کشان مسلمان روسیه و شرق انتشار داد که در آن اشعار می‌گردید: «کلیه معاهدات و قراردادهای روسیه تزاری با دول امپریالیستی در باره تقسیم اراضی کشورهای شرق پاره و محو شده و ازین پس خلق‌های شرق باید رأساً سرنوشت خود را به دست گیرند.» در بیانیه خاطر نشان می‌گردید که: «شما خردتان باید صاحب اختیار کشور خود شوید، شما خردتان باید زندگی خود را مطابق میل و شیوه خود بنا نهد، شما حق این کار را دارید زیرا سرنوشت شما در دست خردتان است.»

اعلان قیام مسلحانه ملت قهرمان افغانستان به‌وسیله امان الله خان پادشاه افغانستان، ثبت تاریخ درخشان جنگ‌های آزادی‌بخش ملی جهان گردید. در هنگامی که خلق افغانستان برای انجام جنگ آزادی - بخش ملی علیه امپریالیزم انگلیس آمدگی می‌گرفت، آتش جنگ داخلی جمهوری نوین‌پاد شوروی را فرا گرفته بود و چهارده دولت امپریالیستی به تحریکات و مداخلت مسلحانه علیه آن کشور دست می‌زد. در چنین موقع حساس هردو کشور افغانستان و جمهوری جوان شوروی نخستین کشورهای بودند که شجاعانه پشتیبانی خود را از یکدیگر اعلان داشتند و راه بزرگی صلح و دوستی، راه نمونه الهام بخش برای تمام ملل جهان را ایجاد کردند. درست پنجاه سال قبل بود که بنا بر تمایل و اراده سنتی و پرافتخار خلق افغانستان، رئیس دولت افغانستان پیامی به مسکو فرستاد. در این پیام صلح و دوستی که نخستین پیام ملت قهرمان افغانستان مستقل و آزاد به ملت قهرمان روسیه و به نام لنین بود، چنین اظهار گردید: «ازآنجاکه شما، حضرت دوست محبوب و بزرگ من - رئیس جمهور کشور معظم روسیه به‌اتفاق دیگر رفقای خود دوستان بشریت وظیفه پرافتخار و شرافتمندانه مراقبت از صلح و آسایش افراد را به عهده گرفته‌اید، من خوشوقتم ازین که برای اولین بار از جانب ملت ترقی‌خواه افغانستان پیام دوستانه واقعی کشور مستقل و آزاد افغانستان را از سال می‌دارم.»

باید در نظر داشت که تاریخ یک کشور عقب مانده نظیر چنین اقدام شجاعانه و باشهامت انقلابی را کمتر دیده است، زیرا در آن هنگام افغانستان سخت در تحت چنگال‌های بی‌رحم نیروی وحشی استعمار خارجی و ارتجاع داخلی دست و پا می‌زد و هنوز سرنوشت استقلال سیاسی افغانستان معلوم نبود، ولی از آنجائی که انقلاب کبیر اکتبر تغییرات بنیادی در تمام سیستم مناسبات بین‌المللی به وجود آورد، بحران عمیقی را در پالیسی خارجی امپریالیستی ایجاد کرد و پرنسیپ‌های صلح و امنیت بین‌المللی، برابری، دوستی و همکاری بین ملل را اعلام داشت و از آنجائی که تکامل این پرنسیپ‌ها نام لنین ارتباط نزدیک دارد، بنا بر آن رهبر مردم شوروی و دوست بزرگ مردم شرق و. ای. لنین در پاسخ پیام شجاعانه افغانی به تاریخ ۲۷ می ۱۹۱۹ با خلاقیت تمام چنین نوشت:

# مستحکم و مترقی باد دوستی افغان - شوروی!

با تمدید معاهده بی‌طرفی و عدم تعرض در سال ۱۹۳۱ این روابط از بوته آزمایش زمان پیروزمندانه برون بر آمده است.

بی‌مورد نیست که جنگ جهانی دوم به نام سال‌های آزمایش روابط دوستانه دو کشور افغانستان و شوروی ثبت تاریخ است، به همگان معلوم است که در سال ۱۹۳۹ فاشیسم هیتلری نازیه جنگ خانمان سوز دوم جهانی را بر افروخت و کشورهای اروپایی به زیر چکمه و مهمیز سربازان اشغالگر اردوی ورماخت آلمان نازی افتادند و اتحاد شوروی یگانه کشور بود که علیه آن قهرمانانه مقاومت می‌کرد در آن موقع شبکه‌های جاسوسی مخفی هیتلری در کشورهای هم‌جوار اتحاد شوروی منجمله افغانستان در وطنه و دیسپه بودند و به فعالیت شدیدی علیه اتحاد شوروی دست می‌زدند. اما در چنین موقع حساس ملت قهرمان افغانستان یک بار دیگر بر مبنای قرار داد ۱۹۳۱ افغان - شوروی دلیرانه دوستی خود را با اتحاد شوروی ثابت ساخت و به یادداشت دوستانه دولت شو روی عملاً جواب مثبت داد. بر اساس قرار داد سال ۱۹۳۱ طرفین بلا واسطه متعهد می‌شوند در خاک خود دولت نه تنها به علل فوق‌الذکر، بلکه به این علت هم که بین افغانستان و روسیه مسائلی وجود ندارد که موجب بروز اختلاف گردد و حتی روی دوستی روسیه و افغانستان سایه افکند، به هم نزدیک می‌شوند. روسیه امپریالیستی کهن برای همیشه محو شده و همسایه شمالی دولت علیه افغانستان روسیه شوروی نوین است که دست دوستی و برادری به‌سوی تمام ملل شرق و در نوبه اول به ملت افغانستان دراز کرد ... ما اطمینان داریم که صمیمانه‌ترین آرزوی ما تحقق خواهد یافت و روسیه برای همیشه اولین دوست دولت علیه افغانستان به خاطر سعادت ملل دو کشور خواهد شد ...»

شوروی عملاً به کمک افغانستان شتافت و از یکسو نخستین کمک پرارزش خود را با ارسال اسلحه و مهمات و پول نقد به افغانستان ثابت ساخت و از سوی دیگر اردوی سرخ شوروی قوای اشغالگر انگلیس را که می‌خواست از شمال به افغانستان ضربه وارد کند، در ترکستان تارومار کرد و سرحدات شمالی افغانستان را از خطر تعرض مصون داشت. این واقعه از لحاظ استراتژی نقش مثبتی را به نفع اردوی افغانستان در شکست دادن نیروهای اشغالگر انگلیس ایفا کرد و متقابلاً از رسیدن قوای اشغالگر انگلیس به سرحدات شمالی کشور جلوگیری نمود. مؤثر این که در نتیجه این شرایط نوین و نهضت رهائی‌بخش هر دو «ملت بزرگ» بود که نخستین سنگ خاری تهداب روابط دو سنی افغان - شوروی بنیان گذاری شد و بر اساس فرمان صلح لنین ۸ - نوامبر سال ۱۹۱۷ که محتوی اصول لنینی سیاست خارجی دولت شوروی بود، (مبارزه به خاطر صلح و آزادی ملل مظلوم، ایجاد روابط برابر با تمام کشورها، احترام متقابل، حسن همجواری و همکاری و ایده امکان همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای دارای رژیم‌های مختلف اجتماعی، لغو تمام قرار دادهای نابرابر با کشورهای دیگر و غیره) برای نخستین مرتبه در وجود روابط دو سنی میان ملل بزرگ افغان - شوروی شرافتمندانه تحقق پذیرفت.

در تاریخ مناسبات افغانستان و شوروی، ۲۷ می و ۱۴ - اکتبر ۱۹۱۹ (پنجاه سال قبل) به حیث سر آغاز برقراری روابط دو سنی و سیاسی افغان - شوروی به شمار می‌رود که این امر در راه آزادی و استقلال هردو کشور ما کمک فراوان رسانیده است.

پس از دو سال به تاریخ ۲۸ فیبروری ۱۹۲۱، علی‌رغم فعالیت‌های دیپلماسی اسارت آور غرب، قرارداد دو سنی بین افغانستان و جمهوری شوروی به امضاء رسید و از طرف لویه‌رگه افغانستان تصویب گردید. از لحاظ تاریخی و سیاسی این اولین قرار داد متساوی الحقوق افغانستان با یک کشور بزرگی و نیرومند خارجی بود که بر پایه احترام به حق حاکمیت

بریتانیا چنین اظهار داشته است: مبارزه امیر افغان برای استقلال افغانستان باوجود نظر به سلطنت طلبی او و اعوان و انصارش از نظر عینی مبارزه انقلابی است. زیرا این مبارزه امپریالیزم را ضعیف و قوایش را تجزیه کرده و آن را از ریشه متزلزل می‌سازد، در صورتی که مبارزه دموکرات‌ها و «سوسیالیست‌ها»، «انقلابی‌ها» و جمهوری طلبان «با حرارتی» از قبیل مثلاً کرنسکی و تسرتلی، و نودل و شیدمان، چرنوف و دان، هندرسن و کلاینس هنگام جنگ امپریالیستی، مبارزه ارتجاعی بود ...»

باید یادآور شد که دولت نوین‌پاد شوروی علیرغم مشکلات عظیمی که خود به آن مواجه بود، حتی قبل از آنکه جنگ رهائی‌بخش ملت افغانستان به خاطر استقلال شروع گردد، کشور ما را به حیث یک مملکت مستقل در نظر می‌گرفت. مثلاً این موضوع منجمله در پیمان صلح برست - لتوفسک که در مارچ سال ۱۹۱۸ بین روسیه شوروی و آلمان منعقد شده بود، انعکاس یافت، در این پیمان مادیمی گنجانیده شد که به‌موجب آن طرفین تعهد کردند «به استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران و افغانستان احترام گزارند.» سپس در ماه مارچ سال ۱۹۱۹ حکومت شوروی شرایط انعقاد پیمان صلح با روسیه شوروی را که توسط ولادیمیر ایلیچ لنین تنظیم شده بود، طی نامی به کنفرانس صلح پاریس ارسال داشت که در ماده اول آن تصریح می‌شد: تمام دولت‌ها متقابلاً تعهد می‌کنند که از توسل به قوه قهریه برای سرنگون ساختن حکومت افغانستان خود - داری ورزند و همچنان هنگام قیام نیروهای ملی افغانستان، دولت شوروی طی اعلامیه‌ای از تمام کشورهای جهان خواست که از اعمال فشار و زور در مورد کشور مستقل افغانستان خود داری کنند. ولی دولت امپریالیست انگلیس استقلال کشور ما را به رسمیت نشناخت و به جنگی اشغالگرانه علیه وطن ما دست زد، می‌کوشید که جنبش آزادی‌بخش و سرنوشت ملل درباره نقش امان الله سرکوب کند.

در چنین وضعی بود که دو ملت جوان





**هلمند**

واقعاً قوانین ضد آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و مؤسسات مربوط «ابزار ظریف‌تر و بغرنج‌تر» یست در دست طبقات حاکمه، برای سرکوبی بی‌رحمانه اکثریت مطلق مردم جامعه ما. این ظرافت در احکام مواد (۸۰ و ۱۱۳) اصولنامه امنیت عامه و بسیاری از مواد احکام موضوعه سایر قوانین و آن بغرنجی در خصلت سفسطه بازی‌های حقوقی و قانونی مجریان آن مشهود است.
تطبیق احکام مواد دوگانه بالا در عمل، نیات ارتجاعی دستگاه حاکمه را با ماهیت واقعی مؤسسات آن بر ملا می‌سازد که به‌راستی هم استثمارگران و استثمارگران برای حفظ سیادت خودها به تصرف امتیازات حقوقی (!) ظریفانه عمل می‌کنند.

از نگاه حقوقی نیز حکم جزائی دو مادهٔ فوق باهم تضاد عمیق دارند، هر دو ماده با متنی که محتوی یک جرم معین و مشخص «غارت بیت‌المال» است، مبین جزای متضادی هستند.

شاید حقوق‌دانانی که با دانش ندارند و یا دانش خودها را به «سمن به خس»، فروخته‌اند، منبوحانه تلاش نمایند تا این‌گونه موارد را جلوهٔ حقوقی بدهند.

ماده (۲۵) قانون اساسی حکم می‌کند:

«تمام مردم افغانستان بدون تبعیض و

امتیاز در برابر قانون حقوق و وظایف مساوی دارند.»
وظایف، مسوولیت بار می‌آورد. در قبال این مسوولیت‌ها تمام مردم افغانستان بدون در نظر گرفتن رنگ، نژاد، قومیت، زبان، مذهب، دین، مقام اداری و غیره حقوق مساوی دارند؛ یعنی مسوولین هم حقوقی دارند، مثلاً حق دارند از خود آزاده دفاع کنند، حق دارند شهود اقامه کنند، حق دارند تا فیصلهٔ قطعی محاکم بری الذمه شناخته شوند، همچنان حق دارند در مقابل مسوولیت‌های مشخص جزای یکسان ببینند، نه اینکه در جرم واحد یکی از افراد سه سال حبس شود و دیگری پانزده سال.

اصولنامه امنیت عامه ملمو ازیں «بی‌ابرویی‌های حقوقی» است و به‌تساوی حقوق مردم من حیث المجموع لطمه جبران ناپذیری می‌زند. بدبختی بزرگ درین است که گروه حاکمه افغانستان با درک این همه حقایق باز هم اجرای احکام این

اتحاد و همبستگی بی‌تظیری، به‌مطور یکپارچه و با نظم خاص انجام یافت و ما گزارش مفصل آن را در شماره گذشته به خوانندگان ارجمند پرچم تقدیم کردیم، مقامات حاکمه مستبد افغانستان را چنان از جا برد که شامگاه آن روز به حرکت تحریک‌آمیز و فتنه انگیزانهٔ دیگری دست زدند، به‌طوری‌که به شکل دراماتیک و تحریک‌کنندهیی آن عده از نمایندگان محصلان را که می‌خواستند جزاءه مذکور را تا پکتیا مشایعت نمایند در عرض راه کابل - پکتیا دستگیر و محبوس کردند.
فردای آنکه محصلان پوهنتون به ادامه نهضت اعتصابی خویش به‌عنوان اعتراض علیه این حرکت ضد انسانی و سیاه پولیس دستگاه حاکمه به تشکیل میتینگ و ایراد بیانیه‌های افشا کننده در محوطهٔ پوهنتون پرداختند، دستگاه پولیس و ژاندارم با آمادگی قبلی و با تجهیزات بیشتر در برابر اجتماع و تظاهر قانونی و مسالمت‌آمیز محصلان دست به حملات شرم‌آوری زد و به‌مطور وحشیانه‌یی استادان، محصلان و شاگردان، اعم از دختران و پسران پوهنتون و معارف را مورد لت و

**-۲-**
**باید قوانین ضد دموکراتیک ضد خلقی و ضد ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی لغو کرد!**

اصولنامه را دستور می‌دهند، تطبیق می‌کنند و باز هم خودها را «عاشق سینه چاک» تساوی حقوق مردم افغانستان، بدون تبعیض (!) جا می‌زند
ماده (۹۷) اصولنامه امنیت عامه برای مأمورانی که به جعل فرامین و اوامر سائر مقامات رسمی، امضاء یا مهر یکی از مأموران یا مقامات رسمی و یا اسنادی که از مقامات رسمی صادر می‌گردد، مبادرت ورزند، حبس از سه تا هفت سال پیش بینی کرده ولی در ماده (۱۵۱) اصولنامه مذکور برای «سائر اشخاص» در جعل عین مواد، حبس از سه تا پنج سال تجویز شده. برای توجیه این تبعیض هیچ دلیلی وجود ندارد و گر ارائه هم شود مضحک‌تر از اصل تبعیض خواهد بود. دستگاه حاکمه و حوقدانان شان می‌گویند که پیش بینی دو سال حبس برای مأموران نسبت به سائر اشخاص برای این است که گویا مأموران با قوامین، مواهیر و اسناد رسمی دوابر از نزدیک در تماس بوده و خطر جعل آن‌ها بیشتر است، اما این استدلال سخت بی‌بنیاد است، زیرا اولاً یک مقایسه سطحی مواد (۱۰۰ و ۱۵۴) اصولنامه امنیت عامه شدت آن را رد می‌کند، با این معنی که ماده (۱۰۰) مذکور جزای جعل در احکام یا اوامر یاقرارات یا دفاتر یا وثایق یا کتب و غیره اوراق و اسناد رسمی برای مأموران از سه تا پنج سال حبس تثبیت شده و در ماده (۱۵۴) اصولنامه امنیت عامه جزای جعل در عین موارد برای سایر اشخاص از سه تا هفت سال حبس حکم شده است.

ثانیاً زیادت حداکثر حبس در یک جا برای مأموران و در جای دیگر برای سائر اشخاص واضحاً مخالف تضمین تساوی حقوق تمام مردم افغانستان در برابر قانون است و این تابلونیست زنده از روش تبعیض‌طلبانه، تحریک‌آمیز و ضد دموکراتیک هیأت حاکمه افغانستان که در مقابل همه مردم ما قرار دارد.

قانون در حالات وقوع جرم مخاطبین خود را بنام‌های صاحبان رسوخ، نجیب زاده، نادار و دارنده باید نشناسند. ولی احکام مواد اصولنامه امنیت عامه نه تنها تساوی حقوق افراد را نقض می‌نماید، بلکه فاصله حداقل تکامل روابط ثمر بخش بین وطن محبوب ما افغانستان و اتحاد جماهیر-سوسیالیستی شوروی در واقع صریحاً به‌مثابه خیانت به امر آزادی، استقلال و ترقی کشور ما و استقرار صلح در این منطقه جهان خواهد بود. و بدین جهت، مأموریت ملی و مترقی خود میدانیم که به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس مناسبات دوستانه بین خلق‌های قهرمان افغانستان و اتحاد شوروی که مصادف با سالگرد استقلال کشور است، به مناسبت این روابط ارزنده و زوال ناپذیر در تاریخ پر افتخار وطن عزیز ما، تیریکات صمیمانه خود را به تمام خلق زحمتکش افغانستان، به تمام طرفداران دوستی افغان شوروی،

پرچم

(از ص اول)

**فیصله نامه استادان پوهنتون کابل …**

شورای پوهنتون صورت گرفته دلیل دوم برای غیراصولی بودن مداخلات پولیس می‌باشد.

۳- و از آنجاکه طبق بندهای ۲-۳ ماده ۲۶ قانون اساسی «آزادی و کرامت انسان از تعرض مصنوعن است و افکاکشاپذیر می‌باشد.» و «دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد» عمل پولیس در روز مذکور به‌صراحت این ماده قانون اساسی را قصداً نقض کرده است و تجاوزات ذیل را مخالف قانون و نوامیس بشری و عنعنات ملی و افغانی مرتکب شده است

الف - پس از پراکنده ساختن مظاهره کنندگان، تعقیب پولیس از آنان تا داخل عمارات و اتاق‌های تدریسی و اداری پوهنخگی ها و عمارات و اتاق‌های مرکز اداری پوهنتون به شمول تشناب‌های مردانه و زنانه صورت گرفت.

ب- این تعقیب و تجاوز با لت و کوب شدید و بی‌رحمانه و بی‌ملاحظهٔ استادان مرد وزن، محصلین و حملات، مأموران و مستخدمان وبی سیرت ساختن معلمات و محصلات و

با انواع هتک حرمت و ربودن پول نقد و ساعت‌ها و زیورها و محتویات دستکول‌ها و بکس‌ها و وارد کردن خسارات زیاد فیزیکی و مالی به درس خانه‌ها و اتاق‌های اداری و دستگیری محصلات و محصلان و استادان و انتقال عده از آن‌ها به جاهای نامناسب و غیر مصنوعن از طرف پولیس به عمل آمد.

بنا بر آن:

۱- ما استادان پوهنتون کابل به‌اتفاق آراء این اعمال مخالف قانون اساسی و نوامیس ملی و بشری را شدیداً محکوم و تقبیح می‌نماییم.

۲- تقاضا داریم تا حکومت مورد بازخواست قانونی قرار بگیرد.

۳- مسوولین و عاملین این حادثات، هر چه زودتر به محاکمه علنی کشانده شود.

۴- ساحه پوهنتون هر چه زودتر از حالت محاصره خارج ساخته شود.

۵- دو لت بنا بر مکلفیتی که قانون

اساسی بروی گذاشته است مصنونیت پوهنتون را رسماً تضمین کند.

- محبوسان حوادث اخیر را که

# د جوزا شیپر مه

هیواد پالونکو قوتونو په ضد له نوي استعمار او امپرياليزم او بين‌المللی ارتجاع سره په دسيسه کی دی، دوی غواری چه يو ځل بيا وطن پالونکو او مترقی قوتونو په وینو خپل لاسونه سره کړی او خپل اساسی هدفونو ته د نهضت د رسیدلو مخه ونیسی. ددغه خطر نشی څرگندی دی، که د نورو ارتجاعی قوتونو د خائنانه فعالیتونو مخه ونه نیوله شی، د نوی استعمار دسیسو او تخریبی اعمالو په مقابل کینی تش دسیاسی ملحوظاتو په بنا اوبنیارلی له لاسه ور کرله شی، که د هیواد ټول ملی او مترقی هدفونه ددغه ستر خطر په مقابل کی دافغانستان د خلکو دعالیه کتو په خاطر، د نهضت د نجات په منظور،

او په پای کی د هیواد د ملي خپلواکی، دځاوری تمامیت دساتنی په غرض سره یو نشی او خپل د حل ور اختلافات یا حل او یا یی بوی خواته پری نږدی، لری به نه وی چه دهیواد لوړ مصالح، نهضت او زموڼر د محروم ولس د نیمی پیری د رخ او محرومیت ټول حاصل به دارتجاع ندانپاکی طعمی په لمبو کی وسوزي او تیری پیښی به یو ځل بیا په بل شکل تکرار شی.

در ولسیجرگه حکومت را مورد استیضاح جدی قرار دهد، تا من‌جمله مسوولان و عاملان حادثات ناگوار لیسه این‌سینا و پوهنتون کابل را به محاکمهٔ علنی بکشاند. جریان

ملی خپلواکی نهضت پای ته نه رسیږی، ځکه چه د سیاسی استقلال کتل هیڅکله دا معنی نه ورکوی چه استعمار له مینځه تللی دی. که چیری د ملی خپلواکی نهضت په ټولنه کی دل سیاسی تحول سبب نشی او د خلکو اساسی او حیاتی اړتیاوی او نیمگرتیاوی تر سره نکړی،

که چیری داستعمار د بقایاوو په ضد هر اړخیزه مبارزه په بنیادی ټول تعقیب نشی او سیاسی خپلواکی په اقتصادی خپلواکی سره بشپړه نشی د نوی استعمار د نفوذ او حملی خطر به دتل دپاره مو جود وی، سیاسی خپلواکی به بی بنسټه او بی ثباته وی. کوم شی چه د ټولو ملی هیواد پالونکو او مترقی قوتونو د پاره دپاملرنی ور ده، هغه دا دی چه کوم هغه عوامل چه ځلونیټ کاله پخوا د نهضت د شننولوو نه بریالیټوب سبب شول نن بیا، په عین مضمون څو په بیل شکل سره فعال شوی دی، دغه پلید عناصر دا ځل بیاد نهضت او د افغانستان دخارجی سیاست په ضد، له دوستو مترقی هیوادو سره د هیواد اقتصادی، تخنیکیی او کلتوری نزدی روابطو په ضد او په پای کی دافغانستان درښتیو مترقی، ملی، او

پروگرامونه دخلکو دحیاتی پرابلمونو حل ته متوجه نه وي،

- که چیری اصلاحی پروگرامونه

په خلکو باندی متکی او د خلکو د پاره د درک ور نه وي او خلک دهغو په وړاندی بیولو کی پراخه برخه وانخلی دغه شان پروگرامونه که څه هم په لفظ کی ډیر مترقی وي ناکامی یی یو طبیعی شی دی.
۲- دسیاسی خپلواکی په گټلوسره د

از (ص ۲)

...

## مستحکم و مترقی باد ...

به تمام نیروهای اصیل ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست افغانستان، و به حزب پیشاهنگ اتحاد شوروی که راه لنین بزرگی را با سربلندی و شهامت تعقیب می‌کند و به دو لت اتحاد شوروی و به‌وسیله آن‌ها به خلق قهرمان اتحاد شوروی ابراز می‌داریم، و یکبار دیگر از کسانی که اساس و بنای استوار روابط ثمربخش افغانستان و اتحاد شوروی را گذاشته‌اند، با سپاس یاد می‌نماییم و در اخیر مستحکم و مترقی باد دوستی خلق‌های افغانستان و اتحاد شوروی!
فرخنده باد جشن پنجاهمین سالروز تأسیس بر قراری روابط دوستانه افغان - شوروی!

# جریان دموکراتیک خلق ...

تهدیدات و فتنه‌انگیزی‌های پی‌درپی، محصلان و شاگردان وطن‌پرست و آگاه از خود هوشیاری، مقاومت، استواری و پافشاری متحدانه قابل وصفی نشان دهند، چنانکه در جریان چند روز گذشته طی میتینگ‌ها و تظاهرات متعددی که در ساحهٔ پوهنتون، لیسه‌های مرکز و مکاتب دختران صورت گرفت، علی‌رغم مقاومت غیرقانونی و اعمال تقیین آمیز پولیس و عناصر اخلاکر و ماجراجو همه‌جا از احساسات گرم و پشتیبانی عمیق زحمتکشان و روشنفکران شهر کابل و دیگر شهرهای کشور برخوردار بودند.

جریان میتینگ‌ها، اعتصابات و تظاهرات محصلان و شاگردان اعم از پسران و دختران، درحالی‌که از پشتیبانی وسیع مردم برخوردار است، تا اکنون‌که این راپور زیر چاپ می‌رود، همچنان با حفظ نظم و



# ر ح م

د افغانستان د تلک دموکراتیک انځورخپروونکی

۵ ثور ۱۳۴۸

## ضرورت امحای سلاح کیمیاوی و بیولوژیکی نامه عده‌یی از دانشمندان شوروی

ما از دانشمندان تمام قاره‌ها، دانشمندان هر کشور جهان درخواست می‌نماییم، ما از تمام انسان‌های دارای حسن نیت، از تمام آن‌هایی که در راه صلح و ترقی مجاهده می‌نمایند، درخواست می‌کنیم، تهدید دهشتناک جدیدی متوجه بشریت است! انکشاف سلاح کیمیاوی و بیولوژیکی دار ای قدرت تخریبی کتله وی، در سال‌های اخیر در دخیای مخفی اسلحه بسیاری از کشورها از کنترول خارج گردیده است. کشورهایی که در موافقت نامه ژنیو راجع به «منع استعمال گازات اختناق آور و مسموم کننده و دیگر گازات مشابه و اسلحه باکتريو - لوژیکی در جنگ «تعهد ندارند، مصروف ساختمان میکروب‌های پانوجنیک، ویروس‌ها و توکسین‌ها می‌باشند و مواد کشنده جدید، سیکوجنیک و تحریک کننده را ترکیب می‌نمایند. ملل جهان همیشه به کار بی‌غرضانه دانشمندان در راه امحای امراض هول انگیز از قبیل طاعون، وبا و چیچک به امیدواری و احترام دیده‌اند. دانشمندان شریف که با مساعی علمی‌شان در راه بلند بردن حاصلات غله، امحای آفات زراعتی، آبیاری زمین‌های بایر به غرض نجات دادن بشریت از تهدید قحطی و ایجاد مواد جدید که به شگوفانی فرهنگی و تمدن کمک می‌رساند، نمی‌توانند با خاموشی ببینند که تازه‌ترین دست آوردها در میکروبیولوژی و کیمیا به غرض انکشاف ویروس‌ها و میکروب‌های جدید، در راه ساختن توکسین‌های میکروبی و اختراع و ذخیره کردن گازات کشنده و زهردار جدید ترکیباتی که سایکوزهای کتله وی بار می‌آورد، مردمان را در دهات و شهرهای صلح جو می‌کشد، حاصلات را تخریب می‌نماید و تمام زنده جانان را هلاک می‌کند، بکار برده شود.

مواد کیمیاوی از چندی به این‌طرف در سرزمین فلاکت زده ویتنام به خاطر امحای حاصلات و سبزیجات و از کار کشیدن نیروی انسانی بکار برده می‌شود. ایالات متحده امریکا و عده‌یی از کشورهای دیگر هنوز به کنوانسیون ژنیو نیویسته‌اند.

در ایالات متحده و آلمان غرب و دیگر کشورها از پاتن‌ها و تخصیصات آلمان نازی در قسمت ساختن مجدد و تکثیر گازات کیمیاوی کار گرفته می‌شود. ما ساینس‌دانان شوروی از این خطر که متوجه بشریت است و دوشادوش سلاح زروی کلتور و تمدن بشری را تهدید می‌نماید، عمیقاً در هراسیم. ما از این دروغ تبلیغاتی که می‌گوید: اسلحه کیمیاوی و باکتريولوژیکی جدید شیوه جدید و «انسانی» جنگ می‌باشد. خشمگین می‌باشیم. ما از تمام دانشمندان شریف درخواست می‌نماییم تا تمام کارهای را که در راه ساختن و ذخیره کردن اسلحه کیمیاوی و باکتريولوژیکی در انتهای احتقا صورت گرفته، افشا سازند و تشریح نمایند که هر گاه سلاح مذکور مورد عمل قرار گیرد چقدر خطرناک می‌باشد، و در راه قطع انکشاف، ساختن، ذخیره کردن و انتقال همه انواع مواد کیمیاوی و باکتريولوژیک به اشتراک همه کشورها تلاش نمایند. این سلاح غیرانسانی دارای قدرت تخریب کتلوی در هر جا غیرقانونی اعلام گردد.

ما شگ نداریم که درخواست ما با عکس‌العمل مثبت میلیون‌ها انسان در کره زمین مواجه خواهد شد، باید عقل بر جنون غلبه کند. آینده به ساینس تعلق دارد که زندگی را تائید می‌کند و به خوشی و سعادت انسان کمک می‌رساند، نه به آن ساینسی که مرگ و تخریب را به وجود می‌آورد.

## تجاوز امپریالیزم در ویتنام

### شدت اختیار نموده است

کمیسیون تحقیق جنایات امریکا در ویتنام اعلامیه‌یی نشر و در آن اظهار داشته است که در نیمه اول ماه می، ایالات متحده امریکا جنگی تجاوزکارانه استعماری جدید خود را شدت بخشیده است و همچنان به تجاوز بر حاکمیت و امنیت جمهوری دموکراتیک ویتنام ادامه می‌دهد. در اعلامیه‌ییی که از طرف اژانس خبررسانی ویتنام ارسال گردیده، گفته می‌شود که تعداد عساکر امریکا در ویتنام جنوبی به - (۵۰۰ ر ۵۴۲) نفر بلند رفته است.

### مظاهرات و اعتصابات در

## نقاط مختلف جهان

**در امریکا:**
- بار دیگر بین پولیس و محصلان امریکا تصادماتی رخ داده است. هنگامی‌که محصلان در یک میتینگ مصروف سخنرانی بودند مورد هجوم پولیس واقع شدند و در زدوخورد که بین آن‌ها رخداد (۱۳) نفر مجروح

شد. محصلان موفق شدند پولیس را به زور از پوهنتون خارج سازند. - هزاران نفر در کاراکاس مرکز وینزویلا دست به نمایش بزرگی زدند، کارگران فریاد می‌کردند: ما گرسنه‌ایم، به ما کار بدهید، روز بروز زندگی ما خراب می‌شود. - مبارزه و اعتصاب محصلان

## تظاهرات و اعتصابات قانونی

**متعلمین و متعلمات خان آباد و حمله بی‌رحمانه پولیس و ژاندارم بر مظاهره‌چیان**

بروز (۲۹) ثور متعلمین و متعلمات باشاهامت ولسوالی خان آباد به‌عنوان

اعتراض علیه عدم توجه عمال حکومتی به خواست‌های حیاتی اهالی آنجا، به تظاهرات قانونی دست زدند. متعلمات خان آباد قیلاً ولایت کندز را شفاهاً و همچنان به‌وسیله جراید (خاصاً در دو شماره جریده پر چم) از خطری که از ناحیه تعمیر کهنه پنبوونخی متوجه حیات شان است مطلع ساخته بودند؛ عدم توجه ولایت بر این موضوع، و از جا نیز هم سهل انگاری حکومت در سال‌های متمدای در موضوع سیل بر خان آباد (که در این اواخر سیلاب‌های آن تلفات سنگین مالی و زراعتی را بر مردم بینوای محل وارد آورد)، باعث شده تا متعلمان با درد و وطن‌پرست آنجا به‌وسیله اجتماعات و تظاهرات قانونی و دموکراتیک خویش دیکتاتوران حکومتی محل را متوجه این همه بی‌اعتنایی‌ها بسازند. این تظاهرات که از طرف عده کثیری از اهالی شهر خان آباد همراهی و پشتیبانی می‌شد، از ساعت (۹) صبح الی (سه) بعد از ظهر ادامه یافت و بالاخره در اثر مداخله غیرقانونی و تحریک‌آمیز نیروهای مسلح ژاندارم و پولیس به صحنه فجیع و المانکی میندل گردید. خلق خان آباد می‌دیدند که چگونه فرزندان و جگرگوشه‌ی شان زیر دست و پا و ضرب و شتم پولیس و ژاندارم قرار می‌گیرند، گرفتار

خبر دیگری می‌رساند که به تاریخ (۲۶) ثور متعلمان لیسه خان آباد به‌عنوان اعتراض علیه انصراف اداره لیسه از برگزاری مراسم «روز معلم» دست به اعتصاب زدند. در جریان اعتصاب اتحاد آهنین و همبستگی شاگردان و پافشاری آنان برای برگزاری مراسم روز معلم و ایراد کنفرانس‌ها در نفاع از حقوق معلمان شریف و زحمتکش مقامات معارف ولایت را مجبور به عقب نشینی ساخت، چنانکه به خواست متعلمین درین زمینه تن در دادند و اعتصاب شاگردان در همان روز به‌طور موفقیت آمیزی پایان یافت.

## تظاهرات شاگردان، دهقانان و اهالی در زرنج ولایت نیمروز

بروز (۱۱) ثور مظاهرات پر حرارتی از طرف متعلمین لیسه ابوداؤد سجستانی، متوسطه فرخی و دارالمعلمین به اشتراک دهقانان و اهالی زرنج و خلق سیلاب زده کنگ در مرکز ولایت نیمروز صورت گرفت. درین تظاهرات که از ساعت ۸ صبح تا یک بعد از ظهر ادامه یافت - اشتراک کنندگان علیه بی‌اعتنایی نمایندگان حکومت در برابر حیات سیلاب زگان، عدم نشر خبر کامل حادثه و خسارات وارده بر مردم، گماشتن بولدوزرهای که باید برای جلوگیری از سیلاب به کار می‌افتاد در خدمت یک تن از ملاکان بزرگ و

تظاهرکنندگان، ضمن سخنرانی‌های خویش در میتینگ‌های متعددی که در نقاط مختلف شهر تشکیل دادند نارسائی دستگاه حاکمه را در خدمت به سیلاب زگان افشا نموده و پرده از روی سازشکاری‌های عمل اداره آنجا با فئودالان و ارباب نفوذ محلی، علیه منافع خلق مصیبت دیده ولایت نیمروز برداشتند.

## د رحمن بابا د لیسی د زدکونکو اعتصاب په بریالیتوب پای ته ورسید

درحمن بابا دلیسی شاگردانو د ثور په ۲۲ نیټه د خینو صنفی غوښتنو په خاطر په اعتصاب لاس پوری کړ. دغه اعتصاب دنور تر ۲۸ نیټی پوری په پوره نظم، دسپلین او یووالی سره

ارژنتاین ادامه دارد.

محصلان در جاده‌های شهر دست به مظاهره می‌زنند و از طرف کارگران جداً پشتیبانی می‌شوند. وزیر داخله ارژنتاین گفت: هرگونه اغتشاش را سرکوب خواهد کرد.

یک جوان سیاه پوست در نیوجرسی امریکا توسط شخص ناشناسی به قتل رسید. بعد از این واقعه هزاران نفر به جاده‌ها ریختند و به مظاهره پرداختند و بر ضد این قتل فجیع اعتراض کردند. در زدوخوردی که بین پولیس و سیاه پوستان رخ داد، پنج نفر مجروح شد.

- هیجان محصلان چلی علیه دستگاه استبدادی رژیم بر سر اقتدار ادامه دارد و دولت پوهنتون را ببهک محیط نظامی تبدیل کرده است. محصلان خواهان رفع این حالت و رهایی (۹) نفر کارگر می‌باشند.

**در هسپانیه:**

دامنه اعتصابات و مبارزات کارگران هسپانیه گسترش می‌یابد فعلاً پنج هزار کارگر به حال اعتصاب بسر می‌برند. از جانب دیگر (۳۵۰) زندانی به نسبت رویه خشن پولیس دست به اعتصاب نخوردن غذا

<b>زمانی ته د نازولو کلا</b> <p>یا د دغتانو د هوس مشغولا</p>	<b>زمانی ته د غریب د زره لمبه بی وایه!</b> <p>یا د مظلوم انسان ن اسره بی وایه؟</p>
<b>که ته پیاله بی د شراب مروته</b> <p>که پرسیدلو ته د زور نشه بی</p>	<b>زه یمه ستا نسکوریدو ته توفان</b> <p>ماتی په خولی کرم په خټک او سندان</p>
<b>دغه مزدور خو هم انسان دی</b> <p>غریب خپله خوانی په اندیښنو تیروی</p>	<b>چه عمر ستا په خدمتو تیروی</b> <p>یا تر ماشین لاندی بی لاس پری شوی</p>
<b>ستا تر بارو لاندی بی ملا ماته شوه</b> <p>دغوبنی زره لری د بل په شانی</p>	<b>دغه مظلوم خو هم انسان ښکاریزی</b> <p>ولی دتا زره پری هیڅ نه خویریزی</p>
<b>دغه بزگر چه بی د پوندی چاوده</b> <p>پخه غله ورڅخه بل ورپیی</p>	<b>څړیکی وهی خمکه کی بوی کوی</b> <p>که دی مری دی، بل دی نوی کوی</p>
<b>چه تمام عمر بی په غمونو تیروشو</b> <p>تل خلیدلی د بادار په مخکی</p>	<b>دا زر خرید او لالهنده مزدور</b> <p>په نیما بی نس باندي دغه مجبور</p>
<b>که د خو کسو د مز دو دنیا بی</b> <p>که دصیاد د لاس تیره وسله بی</p>	<b>یم زلزله تارنگو مه گوره!</b> <p>زه هم خپل خان قربانومه گوره!</p> <p>فخر الدین «سباوون»</p>

### اعتصاب کارگران فابریکه

پشمینه بافی کابل

اعتصاب کارگران فابریکه پشمینه بافی پلچرخي در کابل، هفته گذشته خاتمه یافت. کارگران رزمنده فابریک به‌عنوان اعتراض علیه رویه نامناسب کارفرمایان خودسر و مغرور آلمانی و به خاطر برخی از مطالبات صنفی خویش دست به اعتصاب زده بودند. خواست عمده آنان را افزایش دستمزدها و یک وقت غذا بدون کسر دستمزدشان تشکیل می‌داد. دستمزدی که برای کارگران تأدیه می‌گردد با استفاده از مجبوریت آنان غیرعادلانه است و حد وسطی آن در سطح نازلی قرار دارد، درحالی‌که برای عده بالئنبیه زیادکارمندان آلمانی معاشات گزافی تأدیه می‌گردد که در واقع حاصل کار و زحمت کارگران فابریک است. همچنان ماهاته یک مقدار پول در دستمزد، ضمن مطالبات دیگر صنفی‌شان، بر آورده نشود در فرصت مقتضی دیگر به مبارزه اعتصابی دست خواهند زد.

### تظاهرات معلمان د شپی لیسه

دادند. محتویات عمده خطابه‌های میتنگ را شعارهای همبستگی با نهضت محصلان پوهنتون و جوانان معارف کشور و تقییح اعمال خودسرانه پولیس در برابر طلاب لیسه این‌سینا و محصلان و استادان پوهنتون و یک سلسله مطالبات صنفی تشکیل می‌داد.

### اعتصاب پیروزمندانه لیسه ولسملان

شاگردان لیسه ولسملان، مرکز تربیه کلی گلزار مربوط ولسوالی چهارده کابل، به تاریخ (۲۰) ثور به غرض تأمین خواست‌های صنفی خویش به اعتصابات قانونی دست زدند. این اعتصاب که هدف عمده آن را اعتراض علیه روش مستبدانه مدیر لیسه تشکیل می‌داد و شاگردان تقاضای برکناری او را می‌نمودند تا روز (۲۵) ثور ادامه یافت. در روز اول اعتصاب، متعلمین درب لیسه را بروی مدیر مذکور بستند و از مقامات مسؤول معارف خواستند تا هر چه

( از ص اول)

#### طرح پلاتفورم مشترک ...

- مبارزه علیه بیکاری، بیکاری، فقر و بی‌سوادی؛
- مبارزه در راه حل مسأله ارضی، صنعتی کردن کشور و مسدود ساختن درهای باز تجارت خارجی و قاچاق، افزایش غله و استقرار عادلانه سطح قیمت‌ها؛
- مبارزه علیه استبداد، ارتجاع و نفوذ استعمار نوین در کشور که بالای خلق افغانستان ستم می‌کند؛
- پیروی از سیاست خارجی، بی‌طرفی مثبت و مستقل ملی و مترقی

<b>دامتیاز خاوند او مسوول مدیر:</b>	<b>سلیمان لایق</b>
<b>تلیفون:</b> ۲۳۱۶۴	
<b>د یوه گنی بیه<span> </span>: ۲/۵ افغانی</b>	

تایپ متن: قاسم اسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

مطبعة دولتی

نامناسب و خشن است. آن‌ها در برابر مطالبات کارگران بی‌اعتنایی نشان داده و تهدید کردند که هر گاه کارگران تحت شرایط ضیق خود ساخته ادا ره فابریکه با این تهدیدات از جا نرفتند یکبارگی از کار اخراج کرده و با استفاده از بیکاری وسیع و کار ارزان کارگران دیگری را بجای ایشان جدیداً استخدام خواهند کرد. ولی کارگران فابریک با این تهدیدات از جان رفتند متدانه به اعتصاب خویش ادامه دادند تا اداره فابریک مجبور گردید قبول نماید که در وهله اول از وضع یک مقدار پول از دستمزد آن‌ها بنام ماکولات صرف نظر گردد.

کارگران فعلاً دست از اعتصاب کشیده و مصمم‌اند در صورتی که خواست آن‌ها در باره افزایش دستمزد، ضمن مطالبات دیگر صنفی‌شان، بر آورده نشود در فرصت مقتضی دیگر به مبارزه اعتصابی دست خواهند زد.



رزمندگان دموکراتیک خلق افغانستان در مبارزات خود زنجیر اصول را از دست ندهید! پیگیری و تحمل در مبارزه را با شجاعت و استواری یکجا کنید! از تسلیم طلبی و ماجراجویی هردو اجتناب نمایید! روحیه رزمندگی و قهرمانی را توأم با اصولیت و هوشیاری در خود پرورش دهید! اصل تواضع و خدمت به خلق را از یاد نبرید! با متحدین خود به راستی و صداقت رفتار کنید! به خلق، به وطن، به جریان دموکراتیک خلق افغانستان، به نهضت رهائی بخش دموکراتیک و اجتماعی کشور وفادار باشید!

## د شوروی اتحاد او افغانستان گډه

### اعلامیه خپره شوه

جمهوریت د وزیرانو د شورا رئیس احمد بیک، سویوم بلیف او د مالداویا د سوسیالیستی شوروی جمهوریت د وزیرانو د شورا رئیس اف، دی اوریتسا او نور ملگری وو. الکی کاسیگین د شوروی اتحاد د عالی شورا د رئیس هیات د شوروی اتحاد د حکومت او خلکو مبارکی د افغانستان خلکو ته د افغانستان د خپلواکی د ورځی په مناسبت چه د جوزا په شپږمه د می په اوه ویشتمه ولمانخل شوه وړاندی کړه. دغه ورځ له افغانستان سره د شوروی اتحاد د روابطو د ټینګیدو له پنځوسمی کالیزی سره غیرګونی وه او دغه تاریخی ورځ هم په ډیرنه توګه په افغانستان کی ولمانخل شوه. د شوروی اتحاد د وزیرانو د شورا رئیس په افغانستان کینی د خپل مسافرت په موده کینی د پولی تخنیک

په دی اعلامیه کینی ویل کیږی: د افغانستان د صدراعظم نوراحمد اعتمادی په بلنه د شوروی اتحاد د وزیرانو د شورا رئیس الکی کاسیگین د ۱۳۴۸ کال د جوزا له پنځمی نه تر نهمی نېټهی پوری چه د ۱۹۶۹ کال دمی د شپږویشتمی نه تر دیرشمی نېټی پوری کیږی، افغانستان ته رسمی او دوستانه مسافرت وکړ. له الکی کاسیگین سره پدی سفر کینی د قرغزستان د سوسیالیستی شوروی



ناشراننده های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره یازدهم سال دوم دوشنبه ۱۲ جوزا ۴۸-۲-۶۹، شماره مسلسل ۶۳

## ۵۰ سال از استقلال سیاسی کشور

### گذشت، ولی حکومت‌های افغانستان به حل حداقل مسایل مبرم ملی و حیاتی جامعه نپرداختند

پنجاه سال از اعلام استقلال سیاسی افغانستان می‌گذرد، ولی طی این سال‌ها که ممکن بود کشور ما با استفاده از منابع و امکانات وسیع آن به کشوری از لحاظ اقتصادی پیشرفته تبدیل گردد، متأسفانه همان‌طور عقب مانده نگاه داشته شده است و ده‌ها مسأله مبرم و حیاتی آن حل نشده باقی مانده است. حکومت‌های سابق و فعلی افغانستان بنا بر ماهیت طبقاتی خویش و اینکه تکیه گاه اجتماعی آن‌ها را نیروهای ارتجاعی و منسوخ جامعه تشکیل داده است، قادر به حل مسایل حیاتی در جامعه ما نگردیده‌اند. سیاست اقتصادی حکومت‌های افغانستان نه تنها موجب فقر و تهیدستی مردم ما، بلکه مانع رشد طبیعی و سریع اقتصادی کشور نیز گردیده است. هم اکنون به اعتراف خود حکومت رکود اقتصادی در جامعه حکمفرماست، عواید ملی ما یکی از کمترین عواید جهانیست، عاید سرانه در سطح فوق‌العاده نازلی قرار دارد، نمایندگی‌های انحصارات امپریالیستی، تاجار خارجی و بورژوازی کمپرادور داخلی در امور تجارت و اقتصاد کشور از نفوذ روز افزونی برخوردار می‌گردند و زمینه‌های مساعدتر چپ‌ولگری و غارتگری را به دست می‌آورند، در برابر ورود بی‌بندوبار اموال تجملی و بی لزوم در اثر سیاست تجارتي درهای باز حکومت هیچ‌گونه مانعی وجود ندارد، کار «پرسود» قاچاق و قاچاقبری به سرکردگی منتفذين پر قدرت در دستگاه حاکمه کشور، روز تا روز به يك امر کاملاً رایج و قبول شده تبدیل می‌گردد، عدم تنظیم و اجرای پلان‌های مثمر اقتصادی، عدم تعقیب ایجاد پروژه‌های بزرگ ساختمانی و تولیدی خیلی ضروری،

ایجاد موانع در راه صنعتی شدن کشور و رشد سریع تولید، موجب عدم استخدام وسیع و کندی وحشتناک رشد اقتصادی جامعه گردیده است، هم اکنون دو تلت نفوس بالقوه آماده بکار و فعال کشور یا بیکاراند و یا در کارهای غیر تولیدی اشتغال دارند، کارگران که مولد نعمات مادی هستند، از لحاظ شرایط کار و زندگی به مشکلات عظیمی مواجه‌اند، و به‌طور وحشیانه‌یی استثمار می‌گردند، هیچ‌گونه مصنونیت ندارند، از کار اخراج می‌شوند، تعیب و زندانی می‌گردند،

(ص ۴)

## باید ارتجاع فتنه انگیز راست و چپ‌روان

### اخلالگر را از نهضت تجرید کرد!

فعالیت‌های خرابکارانه خود را به وجه بهتری انجام دهند. آن‌ها در تلاش افتاده‌اند تا هرگونه وسایل سیاه را داخلی و امپریالیزم‌اند تا گروه ماورای «چپ» و ماجراجو که عمال مستقیم شووینیزم عظمت‌طلبانه می‌باشند، معلوم است و نتایج اعمال آن‌ها (علی رغم تفاوت‌های ظاهری و شکلی میان شان) در آخرین تحلیل همانند و یکسان است، که بنا به دستور دشمنان خارجی و با صدها پیوند و وابستگی ضد منافع و مصالح عالیله ملی کشور می‌کشند با حرکات نمایشی خود از یکطرف عرصه را برای رشد سالم نهضت ملی و مترقی در جامعه و جریانات ترقی‌خواه وطن‌پرست تنگ و تنگتر سازند و از سوی دیگر در برابر استقرار متقابل مناسبات افغانستان با کشورهای ملی و صلح‌دوست ترقی‌خواه پیشرو تقنین نمایند. نتایج تلاش‌ها، حرکات و عمق نیات سوء و غیر وطن‌پرستانه این نیروها و گروه‌ها را در روزهای اخیر حتی با اندکی توجه، به‌وضوح تمام می‌توان مشاهده کرد. گماشتگان شووینیزم عظمت‌طلبانه خارجی با شعارهای خائنه، آب را گل آلود می‌کنند تا بزبان نهضت رهایی بخش ملی و دموکراتیک ضد ارتجاع و امپریالیزم و به نفع شووینیزم عظمت‌طلبانه خود بهره برداری کنند. برای انجام منظور ناپاک خود، این گروه ناچیز به‌اصطلاح «انقلابی‌ها» که از هیچ عمل غیر وطن‌پرستانه شرم ندارند و منافع خلق وطن را طعمه شعله‌های

باید ارتجاع فتنه انگیز راست و چپ‌روان اخلالگر را از نهضت تجرید کرد! وطن‌پرست ترقی‌خواه، فعالیت‌های عناصر و محافل و گروه‌های مربوط به نیروهای ارتجاع دست راستی و چپ‌روان فتنه گر را یکجا و در یک جهت، در آینه حوادث روز به‌طور روشن‌تر ملاحظه کرد. این گروه‌های ارتجاعی و عناصر سیاه اخلالگر پیوسته در اندیشه ایجاد فضای اختناق و مغشوشی هستند تا در پناه آن بتوانند فعالیت‌های خرابکارانه خود را به وجه بهتری انجام دهند. آن‌ها در تلاش افتاده‌اند تا هرگونه وسایل سیاه را داخلی و امپریالیزم‌اند تا گروه ماورای «چپ» و ماجراجو که عمال مستقیم شووینیزم عظمت‌طلبانه می‌باشند، معلوم است و نتایج اعمال آن‌ها (علی رغم تفاوت‌های ظاهری و شکلی میان شان) در آخرین تحلیل همانند و یکسان است، که بنا به دستور دشمنان خارجی و با صدها پیوند و وابستگی ضد منافع و مصالح عالیله ملی کشور می‌کشند با حرکات نمایشی خود از یکطرف عرصه را برای رشد سالم نهضت ملی و مترقی در جامعه و جریانات ترقی‌خواه وطن‌پرست تنگ و تنگتر سازند و از سوی دیگر در برابر استقرار متقابل مناسبات افغانستان با کشورهای ملی و صلح‌دوست ترقی‌خواه پیشرو تقنین نمایند. نتایج تلاش‌ها، حرکات و عمق نیات سوء و غیر وطن‌پرستانه این نیروها و گروه‌ها را در روزهای اخیر حتی با اندکی توجه، به‌وضوح تمام می‌توان مشاهده کرد. گماشتگان شووینیزم عظمت‌طلبانه خارجی با شعارهای خائنه، آب را گل آلود می‌کنند تا بزبان نهضت رهایی بخش ملی و دموکراتیک ضد ارتجاع و امپریالیزم و به نفع شووینیزم عظمت‌طلبانه خود بهره برداری کنند. برای انجام منظور ناپاک خود، این گروه ناچیز به‌اصطلاح «انقلابی‌ها» که از هیچ عمل غیر وطن‌پرستانه شرم ندارند و منافع خلق وطن را طعمه شعله‌های

(ص ۲)

## مردم بیلانس عواید و مصارف

### بیست ساله «غله خانه آینده (!)» افغانستان یا پروژه استعماری وادی هلمند را می‌خواهند

حکومت‌های افغانستان از مدتیست پالیسی «توازن قوا» را که چیز دیگری جز معامله گری سیاسی بوده نمی‌تواند، در مسایل اقتصادی نیز مصنوعاً تمیل می‌نمایند. به‌طور مثال: هنگامی‌که ایجاد یا بهره برداری از يك پروژه تشربخش اقتصادی طرح شود، به ناسی «پالیسی» به «رقابت» و برای دل‌خوشی مراجع امپریالیستی پروژه دیگری را که تجربه و عمل به وضاحت غیراقتصادی بودن آن را ثابت کرده است، مطرح می‌کنند و پهلو آن قرار می‌دهند. مساله را با ارائه مثال مشخصی در نظر می‌گیریم: در چند روز گذشته همزمان با افتتاح فارم غازی آباد ننگرهار بر اساس همین پالیسی سروصدا و تبلیغات وسیعی به یکبارگی راه افتاد که «پروژه بزرگ و وسیع وادی هلمند و ارغنداب، در آینده غله خانه افغانستان خواهد بود.» هرگاه ماهیت واقعی چنین پالیسی تبلیغاتی حکومت برای مردم معلوم نباشد، حتماً فکر خواهند کرد که در وادی هلمند به‌طور معجزه آسا خلایق بزرگی صورت گرفته است. پروژه وادی هلمند با صرف تخمین بیش از یکصد و پنجاه میلیون دالر و صدها میلیون افغانی، قریب بیست سال قبل توسط امریکایی‌ها آغاز گردید، بدون اینکه فرجام آن معلوم باشد. تعجب آور است، این پروژه که تاکنون به‌صورت قطع موفق نگردیده است لاقبل به‌قدر مصارف بودجوی سالانه خود حاصل دهد، چطور به یکبارگی سروصدا بالا کرد و «غله خانه افغانستان» شد این را می‌گویند عوام فریبی و تبلیغات میان خالی!

تا کنون دستگاه حاکمه افغانستان از شرم نمی‌توانست نام پروژه وادی هلمند را به زبان آورد، اکنون روی دیگر صفحه را گذاشته‌اند و برای پوشانیدن وضع شرم آور این پروژه، تبلیغات وسیع و پرطمطراقی را به راه انداخته‌اند. در حالی که به جرأت می‌توان گفت که نه تنها در آینده نیز پروژه وادی هلمند نخواهد توانست برای سالیان درازی مصارف خود را (ص ۲)



ححرص و آز اجنبی پرستی خود می‌سازند و در فاصله یك روز در برابر نمایندهٔ امپریالیزم سکوت مرگبار اختیار می‌نمایند، ولی بخواست ارتجاع و امپریالیزم امریکا و آلمان غرب، چون باندهای گانگستری، در برابر دوست وطن ما افغانستان فتنه انگیزی و توطئه چینی می‌کنند و به‌صورت عیان و آشکار دستور خود را از «دپلومات‌های» شووینیزم عظمت‌طلبانه حاصل می‌دارند، بدون تمیز دوستان و دشمنان خلق نعره سر می‌کشند و صراحتاً به شکل خانانه به نفع ارتجاع و امپریالیزم، در روز روشن «شب نامه‌های» فتنه گرانه پخش می‌نمایند.

همچنان به‌موازات فعالیت چپروان اخلاکر، هستند محافل و نیروهای ارتجاع راست طبقه حاکمه وابسته به نیروها و شبکه‌های امپریالیستی که انتقام‌جویانه و به شکل تفتین آمیزی به مانورها و دسایس و تحریکاتی دست می‌زنند تا زمینه را عملا برای از بین بردن حد اقل آزادی‌ها و ایجاد اختناق هرچه بیشتر در کشور، بسود جناح ارتجاع راست هیأت حاکمه افغانستان و امپریالیزم مساعد سازند.

گروه‌ها و نیروهای فتنه گر، از راست‌ترین جناح ارتجاع وابسته به امپریالیزم امریکا و آلمان غرب و شبکه‌های جاسوسی آن‌ها گرفته تا چپروان وابسته به شووینیزم عظمت‌طلبانه (یعنی هر دو جناحی که عملاً در موضع دفاع از فنودالیزم و امتیازات اقتصادی سرمایه داری دلال و امپریالیزم قرار دارند) در این اواخر در کشور ما نیز مانند کشورهای سرمایه داری با بی‌بندوباری تمام اشتهارات و کلام‌های تبلیغاتی و عوام‌فریبی دامنه داری را به راه انداخته‌اند؛ اما این‌ها عیناً به شیوه سرمایه داران و دلالان تجارتی که از طریق اعلانات پر زرق و برق و پر سروصدا با بی‌شرمی کامل و دروغ‌گویی عیان متاع نقلبی خود را می‌فروشند، در پی آن‌اند که به‌وسیله کلام‌های سیاسی مردم را فریب دهند. این‌ها اکنون به‌طور عوام‌فریبانه و در جامه پروگرام‌های نمایشی و فریبنده و «لفاظی انقلابی» به‌مثابه اپوزسیون رسمی تیپ بورژوازی- لیبرال با سوء استفاده از احساس و ذهنیت مردم به‌مثابه بازار مساعدی، می‌کوشند اجناس ناجور خود را بفروش رسانند. شگفت‌آورتر اینکه این عناصر معلوم‌الحال مربوط به سازمان جاسوسی «سیا» بی‌شرمی را تا جایی رسانیده‌اند که از (جریان دموکراتیک خلق افغانستان) نیز توقع دارند تا آن‌ها را در سیاست فتنه‌انگیزانهمشان پشتیبانی نماییم و با ایشان در یک جبهه قرار گیریم که بدین‌وسیله هم هدف محافل و گروه‌های اخلاکر در جهت تضعیف و تخریب نهضت رهایی بخش ملی و دموکراتیک کنونی کشور

«مرتجعین غضبناک» دستگاه حاکمه تنها به تبعیض و عدم تساوی حقوق افراد مختلف جامعه در تقدیر جزا اکتفا نکرده، بلکه به دستکاری حقوق‌دانان فضل فروش و عهد عتیق خود که عقل سلیم را به‌کلی از دست داده‌اند، موادی در اصولنامه امنیت عامه گنجانیده‌اند، که مانند سایر اعمال شان ننگین است. ماده (۱۸۸) اصولنامه امنیت عامه تصریح می‌کند: «هرگاه محکمه به مرتکب یکی از جرایم جنحه منکوره فصل اول و دوم باب دوم و فصل اول و دوم باب سوم به حبس بیش از ۹ ماه یا به تادیبه جریمه بیش از پنج هزار افغانی حکم کند، می‌تواند او را از بعضی حقوق اجتماعی نیز محروم نماید» خصوصت دستگاه علیه خلق و دموکراسی، در حکم ایسن ماده اصولنامه امنیت عامه آشکار و انکار ناپذیر است، خاصتاً که بعد از انفاذ قانون اساسی جنید بازهم اصولنامه مذکور عملاً در معرض تطبیق قرار داشته و در عین زمان قوانینی نظیر آن را در معرض تطبیق قرار می‌دهند. این فضل فروشی حقوق‌دانان (۱) وقتی متیازز تر می‌گردد که می‌بینند در هیچ‌کدام از مواد فصل اول و دوم باب دوم و فصل اول و دوم باب سوم

از (ص اول)

بر آورده گردد و هم با آن آقاییانی که

سوابق کار و زندگی و وابستگی‌های ایشان به شبکه‌های جاسوسی امپریالیستی به همگان معلوم است و توقع دارند که دوباره قدرت را به دست گیرند، همکاری صورت گیرد.

این آقاییان باید بدانند که ما هرگز در جهت نفع فردی و گروهی کسانی که در سیاست بر سرنوشت مردم سوداگری نمایند و معامله کنند، قرار نخواهیم گرفت. ولی باید خاطر نشان ساخت که ما حتی برای یك لمحہ وظایف خویش را به‌مثابه مخالفین سرسخت چپ و دموکراتیک با حکومت‌های افغانستان نه در دوران حکومت گذشته فراموش کرده‌ایم و نه کنون در برابر حکومت فعلی بناغلی اعتمادی فراموش می‌نماییم.

این موضوع آن‌قدر صراحت دارد که درین مختصر ضرورت به استدلال موجود نیست و گذشته از آن به‌تازگی در یکی از شماره‌های قبلی پرچم (شماره هشتم) ضمن بحث بر «مشی

تکافو نماید، بلکه ناکامی بیشتر آن یکجبار دیگر موجب خجالت بلندگویان و تبلیغاتی‌های دستگاه حاکمه خواهد شد.

همگان می‌دانند که پروژه وادی هلمند نه تنها یك پروژه خیلی پرمصرف و کمرشکن برای اقتصاد ناتوان کشور ما می‌باشد، بلکه بک پروژه کاملاً ناکام است و «سازندگان» این پروژه حتی این زحمت را به خود ندادند که قبل از آغاز ساختمان، خاک منطقه را تجزیه و مطالعه نمایند. در نتیجه قسمت بیشتر اراضی که تحت آبیاری قرار گرفت و پس از مصارف بسیار گزاف پولی و صرف انرژی انسانی، شوره زار از کار در آمد، برای پوشانیدن این نقیصه ده‌ها ملیون دالر و افغانی دیگر به مصرف رسید و بسیار نیروی انسانی ضایع گردید و نتیجیمی ثمر بخش بار نیاورد.

قسمت‌های از اراضی که تا حدودی از طریق پروژه آبیاری می‌گردد قبلاً زمین‌های زراعتی بوده و سرسبزی آن‌ها از بر کت پروژه نمی‌باشد. صحیح است که حصایی از اراضی در تحت این پروژه آباد و زراعتی گردید، ولی به چه قیمتی تمام شد؟

از آنجائی که پروژه به‌اصطلاح زراعتی وادی هلمند نتوانست حداقل توقعات را برآورده سازد، به‌طور مصنوعی شهری بنام لشکرگاه احداث گردید تا از یکطرف وسایل راحتی امریکاییان و قشرهایی از مأموران

## باید ارتجاع فتنه انگیز ..

سیاسی جریان دموکراتیک خلق افغانستان»، یکجبار دیگر نظر ما درزمینهٔ تشریح گردیده است و همچنان در بیابیه‌های فراکسیون پارلمانی ما در جلسات رأی اعتماد بر حکومت بناغلی اعتمادی که از تریبون پارلمان ایراد گردید با شجاعت و قاطعیت تمام، موضع خود را در وجود فراکسیون انقلابی دموکراتیک و چپ اصولی پارلمانی با حکومت‌های تیپ کنونی افغانستان تشخیص و تعیین کرد‌ایم.

سؤال درین جاست که آیا از لحاظ اصول انقلابی صحیح است با «اپوزسیون» ارتجاع راست هیأت حاکمه کشور و ماجراجویان چپ‌پرو اخلاکر که نیات سوء و ماهیت غیر ملی هر دو جناح معلوم است، برای به قدرت رساندن آن‌ها و با اخلاگری همکاری کرد؟ مسلماً پاسخ اصولی منفی است.

از آنجائی که احزاب سیاسی در افغانستان رسماً تشکیل نگریده و تا

هنوز رشد نیافته‌اند که حکومت‌های «حزبی» آینده را از روی مرامنامه و خط مشی سیا سی آن‌ها، بخصوص از روی عمل و ترکیب اشخاص آن‌ها، تشخیص دهیم و یکی را بر دیگری از لحاظ تاکتیکی مرجح شمیریم و از آنجائی که تا هنوز احزاب و جریانات ملی و دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست و فرزندان صدیق خلق که خارج از دستگاه دولت تکامل کرده باشند، از یکسو در مرحله رشد ابتدائی خودند و از سوی دیگر بنا بر اختلافات و نفاق‌ها میان این جریانات جنبه انتلافی ایجاد نگریده است، لهذا باید به تاسی از افکار عامه شخصیت و سوابق کار مدعیان شتابزده حکومت آینده را چه به حیث صدراعظم سابق، چه به حیث وزیر و سفیر سابق و فعلی، چه به حیث مأمور عالی‌رتبه در دستگاه دولت افغانستان مطالعه کرد نه آنکه فریب گفتارها و حرکات نمایشی و این‌وقتی و مانورهای دروغین آن‌ها

## مردم بیلانس و ...

راحت طلب مهیا گردد و از جانبی نقص و ناکامی پروژه که بنام پروژه زراعتی احداث گردیده بود، با فعالیت‌های شهرسازی و ساختمان منازل باشکوه و عصری غیراقتصادی پوشانیده شود. ولی خانه‌های گلین، ناقص و غیر صحی که برای دهقانان ناقل در ساحهٔ کار پروژه هلمند ساخته شد، قبل از آنکه مورد استفاده قرار گیرد، شوره و نم زمین آن‌ها را از پای در آورد.

دلچسپ است تذکر داده شود که این پروژه «زراعتی «حتی مصرف سبزیجات مأموران و اهالی این شهر را تکافو کرده نمی‌تواند و سبزیجات مورد ضرورت از کندهار و گرشک انتقال داده می‌شود، در حالی که بهترین قسمت از زمین به شکل فارم زراعتی در آورده شده و بدین منظور تخصیص داده شده است، از آخرین تکنیک زراعتی و همچنین کودکیمیای در آن استفاده می‌گردد، تعداد زیادی «متخصصین «زراعتی در آن مصروف کار و «تحقیقت هستند. در پهلوی تبلیغات وسیعی که در نشرات حکومتی برای پروژه وادی هلمند به حیث «غله خانه آینده «افغانستان صورت گرفته است، به اعتراضات دلچسپی بر می‌خوریم؛ مثلاً اینکه: دهقانان به تحقیقاتی که توسط

هلمند وادی هلمند که نه زراعتی، نه

صنعتی و نه چیز دیگریست، در برابر هزاران ملیون افغانی حاصل دسترنج مردم فقیر و محروم افغانستان که به خاطر آن به تاراج برده شده است، به پذیرند و فردا در پیشگاه خلق جواب دهند؟

درین جاست که از حکومت افغانستان و به‌خصوص وزارت پلان جداً پرسش به عمل می‌آید که در ماهه فابریکه روغن نباتی هلمند را تکافو کرده نمی‌تواند و فابریکه که به قرضه غیر مساعد و کمرشکن از انگلستان خریداری و به‌منظور تبلیغاتی در وادی هلمند بکار افتاده، اکنون به رکود مواجه شده است.

نواقص و ناکامی‌های مصارف بسیار گزاف و بی لزومی که در ساختمان این پروژه و از سالیان دراز به این‌طرف به‌اصطلاح در دوره «بهره برداری «در آن صورت گرفته و می‌گیرد و اینکه این پروژه چطور به حیث یك پایگاه امپریالیستی مورد استفاده قرار گرفته و قرار می‌گیرد محتاج بحث و تحلیل عمیق است و از آنجائی که درین جا از یکسو مجال بحث مفصل نیست و از سوی دیگر فرکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق افغانستان قبلاً در پارلمان طی سیاهیست بر دامان اصولنامه امنیت عامه که به رسوایی هرچه بیشتر دستگاه کمک می‌کند.

ماده (۲۷) قانون اساسی حکم می‌کند: «هیچ افغان به علت اتهام بیک جرم بدو لت خارجی سپر ده نمی‌شود.» ولی «سلب تابعیت» در جزء (۸)

ماده (۱۹) اصولنامه امنیت عامه یکی از جزاهای جنائی تثبیت گردیده و هنوز که هنوز است در تعدیل و یا الغای آن جزئی‌ترین اشاریمی هم نه «فرموده»‌اند. شرم‌آورتر ازین عملی نیست که دستگاه حاکمه «قانوناً» حاضر شود از یك افغان سلب تابعیت

ناکام وادی هلمند که نه زراعتی، نه صنعتی و نه چیز دیگریست، در برابر هزاران ملیون افغانی حاصل دسترنج مردم فقیر و محروم افغانستان که به خاطر آن به تاراج برده شده است، به پذیرند و فردا در پیشگاه خلق جواب دهند؟

درین جاست که از حکومت افغانستان و به‌خصوص وزارت پلان جداً پرسش به عمل می‌آید که در ماهه فابریکه روغن نباتی هلمند را تکافو عرض این همه تبلیغات میان خالی و گزافه گویی‌ها در بارهٔ پروژه صد درصد ناکام وادی هلمند که به‌جز پایگاهی امپریالیستی چیزی نیست، به خلق افغانستان جواب دهید که تا چه وقت این پروژه از لحاظ مصارف بزرگی سالانه خود بر دوش مردم نادر و فقیر جامعهٔ ما بار است؟ چرا لاقبل به حیث یك تصدی ملی در آورده نمی‌شود؛ تا پس از بیست سال و مصرف هزاران ملیون افغانی و صرف نیروی کار انسانی از درک عواید خود، مصارف خود را تکافو نماید. از وزارت پلان جداً تقاضا می‌گردد که بیلانس مصارف و عواید بیست ساله این «غله خانه آینده (۱) «افغانستان را به غرض آگاهی و قضاوت مردم، متکی به حقایق و ارقام ارائه نماید و بیش ازین مسأله مصارف عظیم و عواید شرم آور آن را لاینحل و مخفی نگاه نکند. آخر مردم حساب می‌خواهند و روزی فرا می‌رسد که از مسؤولین آن بازخواست خواهند کرد.

### ۳-۲-۱-

## باید قوانین ضد دموکراتیک ـ ضد خلقی

### و ضد ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی لغو گردد

نه بخشد به تبعید دو سال محکوم می‌گردد .« تناقض صریح حکم این ماده با پاراگراف اخیر ماده (۲۶) قانون اساسی به هیچ وجه کتمان شده نمی‌تواند و نه قابل توجیه است.

«سلب تابعیت» و «محرومیت از حقوق سیاسی» یکی دیگر از لکه‌های سیاهیست بر دامان اصولنامه امنیت عامه که به رسوایی هرچه بیشتر دستگاه کمک می‌کند.

ماده (۲۷) قانون اساسی حکم می‌کند: «هیچ افغان به علت اتهام بیک جرم بدو لت خارجی سپر ده نمی‌شود.» ولی «سلب تابعیت» در جزء (۸) ماده (۱۹) اصولنامه امنیت عامه یکی از جزاهای جنائی تثبیت گردیده و هنوز که هنوز است در تعدیل و یا الغای آن جزئی‌ترین اشاریمی هم نه «فرموده»‌اند. شرم‌آورتر ازین عملی نیست که دستگاه حاکمه «قانوناً» حاضر شود از یك افغان سلب تابعیت

سیاسی؛

- ذهنیت و تمایل نسبی آن‌ها در برابر جبهه امپریالیزم و تجاوز و جبههٔ صلح و آزادی و دموکراسی و نهضت‌های آزادی بخش ملی و مترقی؛

- و به‌طور عام سوابق کار آن‌ها در دستگاه دولت افغانستان.

بر مبنای این معیارهای بسیار حداقل، برای موضع‌گیری نسبی ملی و دموکراتیک، با تأسف باید اذعان داشت که اغلب اشخاص سابق و کنونی دولتی افغانستان نتوانسته‌اند نه تنها به نفع و در جهت تطبیق معیارهای حد اقل فوق از بوته آزمایش برآیند، بلکه بزبان و در جهت مخالف آن‌ها عمل کرده‌اند و همیشه به‌شکل این‌الوقتسان موافق به جریان آب حرکت کرده‌اند و همیشه وسیله استبداد، ارتجاع و استعمار بوده‌اند. معهدا در چنین وضعی وظیفه میرم سیاسی تمام نیروهای ملی و دموکراتیک است که علی‌الوصف عقب ماندگی و مراحل ابتدایی رشد خود بکوشند که حداقل در جریان دوره انتخابات دورهٔ سیزدهم

شوری بر مبنای ایجاد یك جبههٔ انتلافی انتخاباتی و پلتفرم مشترک (که طرح فرمول‌بندی شدهٔ هر دو، در شماره‌های گذشتهٔ پرچم به زبان‌های پښتو و دری ارائه گردیده است)، متحد گردند تا بالنسبه نماینده‌های واقعی مردم را در پارلمان بفرستند و سپس در اثر مبارزه پارلمانی و خارج پارلمانی راجع به رئیس و اعضای حکومت نقش مؤثر ایفا کنند؛ و حداقل مطابق به معیارهای فوق و پلتفرم مشترک برای به وجود آمدن حکومتی بالنسبه مساعد قانونی و ملی آمادگی گیرند و در نتیجه جناح راست ارتجاع هیأت حاکمه و اخلاکگران چپ‌پرو را تجرید نمایند. تا جایی که به جریان دموکراتیک خلق افغانستان ارتباط می‌گیرد، در اوضاع و احوال کنونی از لحاظ تاکتیکی، در برابر چنین حکومتی که حد اقل جهت منافع ملی مردم افغانستان حرکت کند، به‌مثابه - وظیفهٔ میرم روز بی‌ملاحظه نخواهد ماند. ولی به‌رحال ما مطابق به خط مشی جاری و عمومی خود با حکومت‌های با ماهیت موجود طبقاتی ارتجاعی آن‌ها از اساس پیوسته

مخالف بوده و هستیم و علیه آن مجدانه مبارزه کرده و خواهیم کرد و نظر و عمل غیر ملی و غیر دموکراتیک آن‌ها را همیشه بی‌امان افشاء خواهیم کرد و در راه ایجاد یك حکومت انقلابی ملی و دموکراتیک درین مرحله تاریخی، پیگیر مبارزه خواهیم نمود تا سرانجام حکومت واقعی دموکراتیک خلق افغانستان به وجود آید. لیکن هر گز آله و وسیله فتنه گران و عوام‌فریبان جناح راست ارتجاع و اپورتونیزم چپ (چپروان فتنه گر) به غرض اخلال گری و ماجراجویی و یا به قدرت رساندن نیروهای ارتجاع راست هیأت حاکمه افغانستان قرار نخواهیم گرفت.

قوانین ضد آزادی‌های قانون اساسی بازهم دستگاه حاکمه به اساس احکام قوانین منسوخ و به شیوهٔ سابق در تلاش است تا آزادی‌های دموکراتیک مردم را مختنق ساخته و عملاً نشان دهد که تقریرهای اخباری و رادیویی‌شان پیرامون آزادی و تساوی حقوق جز اغوای اذهان خلق رنجدیده، چیزی نیست.

برای تحقق تساوی حقوق همه مردم و تحقق ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی یگانه چاره اساسی، تشکیل و اتحاد همه مردم و مبارزه برای از بین بردن تبعیض‌های قانونی، افراط و تفریط جزا در اعمال مشخص جرمی، امکانات استفاده‌های «قانونی» برای نجیب زاده‌ها و غارتگران واقعی، لغو مواد و قوانین ضد دموکراتیک، ضد خلقی و ضد ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی است.

سؤال بر سر این است که کی باید بر کی پیروز شوْد؟ ما یقین داریم که حق اکثریت استثمار شوندهگان بر باطل اقلیت استثمارگران پیروز می‌گردد، به شرطی که برای پیروزی باز هم متحد و متشکل شد و دلیرانه پیگیر و متحدانه مبارزه کرد.



## تمام زمین‌های زراعتی دهقانان قریه «ذهان» ولسوالی رستاق را از دست شان کشیدند

پدران ما از زمان‌های پیشین در قریه ذهان ولسوالی رستاق سکونت داشتند. ایشان تقریباً سه هزار جریب زمین للمی اطراف دهکده خود را می‌کشندد و زندگی یکنواخت و غم انگیز خود را زیر چکمه‌های استبداد طولانی و لاینقطع سپری می‌کردند. آنان علاوه بر اضافه ستانی‌هایی که ملاکان فیودال برایشان تحمیل می‌کردند مالیات قانونی زمین‌های للمی خود را نیز می‌پرداختند. زحمت لثم کاری از نسل‌ها به نسل‌ها انتقال کرد و بالاخره به نسل مارسید.

درین اواخر که زمزمه دموکراسی و آزادی (!) بین مردم ما راه یافت، نخواهان ما امیدوار شدند که به زندگی نوینی بگذرند و از نعمت این دموکراسی و آزادی برخوردار شوند. در طلیعه این دموکراسی طلایی (!) تحفه‌ای که برای ما رسید این بود که تنی چند بنام ... از بقایای دوران ملوک‌الطوایفی سندی را بنام فرمان دورهٔ امیر عبدالرحمن خان ارانه نموده و بر مزارع للمی دهقانان «ذهان» دعوی مالکیت نمودند.

چندی قبَل همین منتفدین، به اساس همین فرمان، هفت قریه را نیز تصاحب کردند که عبارتند از: مروان، انگاریان، گَردن ریگ، سرغار، دشتک، به خواه و ذهان بالا. ما باشندگان ذهان پائین آخرین شکار این منتفدین بودیم هرچند از ولسوالی تا ولایت شکایت کردیم و هر چند داد و فغان کردیم مؤثر نیفتاد. سه تن از منتفذان مللی که روی قراردادی با وارثان میر همکاری می‌کنند، همه درهای مراجعه و دادستانی را بروی ما بستند، اگر هیات حکومت آمد و اگر حکم، اگر تحقیق و اگر دعوی، فیودالیزم غلبه کرد و نظام فیودالی با آن همکاری نمود. یکسو هزار نفر دهقان و سوی دیگر ملکان فیودال و منتفدین خلغی قرار دارند. میرها به قیمت خلع ید هزار تن دهقان در روزگار دموکراسی و آزادی (!) یک پایگاه بزرگی فیودالی را بنا نهادند و صدها فامیل را آواره نمودند؛ و اکنون وارثان میرها حتی از دفن کردن اموات باشندگان قریه‌های مذکور در قبرستان قریه‌ها جلوگیری به عمل می‌آورند.

اکنون فیودالان مذکور دستور کوچ اهالی را داده‌اند و ما مردم بدبخت که در وطن اجدادی خود این‌همه مورد ظلم و استبداد قرار گرفته‌ایم، مجبوریم سرپناه‌ها و خانه گک‌های خود را ترک کرده مزارع خود را به ایشان واگذار شویم.

دیگر نه جای شکایتی باقیست که به آن روی آوریم و نه امیدی که بدان چشم‌دوزیم. مردم از غم و غضب، دست می‌گزند و هیچ روشنی نمی‌بینند. فرزندان وطن- این دهقانان شریف فریاد می‌کشند و نظام فرتوت فیودالی را محکوم می‌سازند.

**(عده‌یی از نمایندگان دهاقین قریه ذهان ولسوالی رستاق)**

د ۱۹۲۱ کال د فبروری د ۲۸ د ۱۲۹۹ کال د حوت د لسمی نیټی د دوستی تړون او د ۱۳۱۰ دسرطان د دوهمی د ۱۹۳۱ د جون د ۲۶ نیټی د مقابلې بی طرفی او دنه تیری تړون چه د افغانستان او شوروی اتحاد ترمنځ لاس لیک شوی تراوسه پوری د دواړو خواوو د روابطو د اساس او بنسټ په حیث پاتی شوی او په پوره ډاد دواړو هیوادو د گټو دپاره خدمت کوی د دواړو د هیواد په گډو سرحدو کینی وضع او کراری د آسیا په دغه سیمه کینی د ثبات او نری دسولی په ټینگیډو کینی مهم عامل گڼل کیږی.

د افغانستان او شوروی اتحاد ترمنځ دوستانه روابط په وروستیو (۵۰) کلو کینی دبیلو، بیلو اجتماعی نظامونو لرونکو دولتو د سوله ایزه گڼډوند عملی نمونه او سرمشق دواړو خواوو د افغانستان او شوروی اتحاد د بنه گاوندی توب د نیمی پیری د مراسمو له نمانځلو سره د دواړو هیوادو ترمنځ ددلايقو د دوام او پراختیا نه خپل پوره رضاینټ څرگند کړ او ونی ویل چه دغه علایق د کرکیچنو کشالو او لانجو څخه پاک دی او دمتقابل احترام او اعتماد روح لری.

د شوروی اتحاد او افغانستان ترمنځ اقتصادی او فنی گټوری او ډول، ډول همکاری په بری سره روانی دی، تجارت د دواړو خواوو په گټه پراختیا مومی، او د دواړو خواوو ترمنځ علمی او فرهنگی روابط لاپسی غنی کیږی، افغانی لوری رضاینټ څر گند کړ چه د

تجربه تاریخ مؤید این حقیقت است که در جامعه طبقاتی همواره اکثریت خلق زحمتکش که مورد استثمار بی‌رحمانه مشت ناچیزی از طبقات حاکمه ستمگر قرار دارند، از تمام نعمات مادی و مزایایی یک زندگی مرفه مدنی محرومند، همان‌گونه که تمام وسایل راحتی و نعمات مادی مفت طبقات حاکمه است، در زندگی شهری و مدنی نیز بهترین موقعیت‌ها، عالی‌ترین عمارات و سایر امتیازات شهر نشینی، در اختیار ایشان قرار دارد و مؤسسات به‌اصطلاح خدمات عامه (!) مانند بناروالی‌ها و غیره هم در خدمت آنان داد اخلاص و فداکاری می‌دهند، ولی به آنجا که محیط زحمتکشانت اصلاً توجهی نمی‌شود،

دهانهٔ غوری و دره‌های مجاور آن که در حدود بیش از چهل هزار نفوس دارد ناحیهٔ پرفیضی است که سالانهٔ صدها هزار سیر غله و پسته حاصل می‌دهند. اکثریت اهالی دهانهٔ غوری را دهقانان لثم کار تشکیل می‌دهند، دهانهٔ غوری به خاطر تراکم نفوس و موقعیت خود سال‌ها به حیث یک مرکز مهم اداری، مرکز حکومت کلان باقی مانده است. روزانه چندین عراده

**(د لمری مخ پاتی)**

# د شوروی اتحاد او افغانستان ...

شوروی او افغانستان اقتصادی مرستی گرد سره سیاسی شرایط نلری، او د افغانستان د ولس د اقتصادی ودی د اساس د تجربو موجود کار کینی ئی لوی رول لو بولی دی.

او دشوروی اتحاد په مرستو په افغانستان کینی د برېښنا د طاقت، صنعتی موسسی او د حمل و نقل عصری لویی لاری جوړی شوی اویا تر جوړیدو لاندی دی.

دواړو خواوو دا هم وویل چه د شوروی اتحاد د تجربو څخه افغانستان کینی د اوبولگولو د ودانیو د جوړولو په کار او د اوبولگولو دلوویو موسسو په جوړولو کینی ښه استفاده شویده.

دواړو خواوو رضاینټ ښکاره کړ چه یو زیات شمیر افغانی علمی، فنی او مسلکی کدرونه د شوروی اتحاد په مرسته تیار شویدی.

د خبرو په جریان کینی دواړو خواوو دشوروی اتحاد او افغانستان ترمنځ د

اقتصادی مرستی د مسئلو په باب خبری وکړی او د هغو اقتصادی موافقه لیکونو د موافقانه اجراء په باره کینی چه د دواړو هیوادو ترمنځ لاس لیک شویدی خپله رضامندی ښکاره کړه او ویی ویل چه دافغانستان د دریم اقتصادی پنځه کلن پلان په

## وضع مأموران متقاعد رقت انگیز است

**پرچم، ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان!**

روزها انعکاس دردها و رنج‌های خلق شریف افغانستان را در صفحات تو خواندم. امروز بر من است تا دردهای استخوان سوز مردانی را که درین خاک موی سپید را به نقد جوانی خریده‌اند و عمری به فلاکت و محرومیت زندگی نموده‌اند به تو بازگویم.

همه می‌دانند که اکثر مأموران تقاعد زده بیشتر از بیست سال بهترین ایام حیات خود را در اداره دولت گذرانده‌اند و درین مدت لااقل پدر ۵ - ۶ فرزند شده‌اند. پسران و فرزندان شان نان می‌خواهند، لباس می‌خواهند، خانه می‌خواهند، وسایل ادامهٔ تحصیل می‌خواهند و اما پدرانشان کوپون ندارند، بیمه ندارند، خانه ندارند و تازه بعد از افزودی معاش (!) تقاعد هم حتی نمی‌توانند لب نان خشکی با این به‌اصطلاح معاش (!) تهیه ببینند، چه رسد به لباس و دوا و وسایل ادامهٔ تحصیل و مهجتر از همه کرایه خانه!

همین دیروز به هوای ملاقات یکی از دوستانم، شتافتم به‌سوی خانه او. او که دو سال قبل مانند من ذابقه مرگزای

تقاعد را چشیده است. همین‌که به درب منزل کرایه‌اش نزدیک شدم، روز به پایان رسیده بود. دیدم کودکان نیمه برهنه او با لبان خشکیده و چهره‌های رنگ پریده کنار دیوار صف کشیده‌اند. پرسیدم پدران کجاست؟

واقعۀ عجیبی رخداد! دعفتاً آرامش مایوسانه کودکان مظلوم به هم خورد، به‌سوی من دویدند، از من گذشتند و تا رو گشتاندم دیدم در عقب من به دست‌های لرزان پدر خویش چسبیده‌اند و نانی را که در دست او بود، پارچه پارچه ربودند و هریک به گوشهٔ رفته با عجله وحشت انگیزی بخوردن آن مشغول شدند.

دوست متقاعدم در حالی که آثار انفعال از چهره‌اش پیدا بود زهرخندی بر لبش شکست و گفت: گناه شان نیست، طفلک‌انم تمام روز چیزی نخورده‌اند. صرف سه افغانی داشتم و همین یک قرص نان شد. این بگفت و گلویش را بغض گرفت، به‌سرعت به درب خانه در آمد. گویا نمی‌خواست بیشتر ازین شاهد بیچارگی او باشم.

آری، او از وضع خود شرم داشت ولی آیا آنانی که در برابر این وضع رقت‌بار فقط به همین دل خوش کرده‌اند که مقدار ناچیزی به معاش متقاعدین بیفزایند و آنگاه بلند گویان خود را به مانورهای بلند آوازه تبلیغاتی در اطراف این بخشش‌بیریا (!) بگمارند از تصور چنین صحنه‌هایی که گریبان گیر عدۀ کثیری از تقاعد زدگانست، احساس انفعال نمی‌کنند؟

**ح.ح. چغتایی**

د استعمار تر حاکمیت لاندی دی دملگرو ملتو د اعلامیې پوره تطبیق نه خنډیدونکی او حتمی دی.

دواړو خواوو د گډیعلاقی وړ مسئلو په باب د نظر د څرگندولو په وخت کینی خپل هغه اساسی موقوفونه تائید کړل چه پخوا دشوروی اتحاد او افغانستان په گډو سندونو او اعلامیو کینی بیان شوی دی.

دواړو خواوو تصمیم څرگند کړ چه په آینده کینی هم د دوو اړخیزو روابطو د پراختیا دمسئلو په باب او د هغو مهمو بین المللی مسئلو په باره کینی چه دواړه خواوی ورسره دلچسپی لری په زغرده او څرگند ډول دخپل نظر ښکاره کولو لاز تعقیب کړی. او د دغه مقصد دپاره په بیلو بیلو سویو دشخصی تماسونو او لیدنو کتنو عنعنی ته دوام ورکړی.

دواړو خواوو ډاډ څرگند کړ چه افغانستان ته دشوروی اتحاد د وزیرانو د شورا د رئیس پخپلو کتنو او خبرو کینی د قهرمانی د هغه عصر په یادونی سره چه دافغانستان د شوروی اتحا د خلکو هر یوه د استعماری او امپریالیستی قسواوو دتیریو په خلاف د خپلو دولتو د استقلال نه د دفاع دپاره مبارزه کوله یوځل بیا دهغو خلکو د عادلانه مبارزی په پوره ملا تر کینی چه تراوسه پوری داستعمار تر تسلط لاندی دی ددواړو حکومتو ټینکه اراده څرگنده کړه. چه ډیر ژر د پردو د اسارت له جغ نه خلاص شی.

دواړه خواوی پوره عقیده لری د هغو هیوادو او خلکو د خپلواکی په باب چه تشکر وکړ.

# دروا، شکایت‌ها و اعتراضات خلق

### به شهر کهنه غزنی توجه نمی‌شود

غریب خانه‌های اهالی زحمتکش را خطر انهدام تهدید می‌کند و هستی ویرانه‌نشینان را امراض گوناگون مورد هجوم قرار می‌دهد.
اضافات این آب‌های کثیف و گندیده از دل خندق‌ها به سینه جوی‌ها سرازیر می‌شوند و با مشک سقاب‌ها به کوزه و کاسهٔ مردم می‌ریزند، مرض تولید می‌کنند و مرگ می‌آفرینند.
بازارها و کوچه‌های تنگ و متعفن، خانه‌های ارزان و سرهم انباشته، هرگز روی نظیفات و صفایی را ندیده است، زیرا:

این موسسه عام‌المنفعه (!) ای که بنام بناروالی در غزنی وجود دارد و

## سرک دهانه غوری یا پرتگاه خطرناک

کرایه موثرها نسبت خرابی سرک از ده افغانی به سی افغانی بلند شده است.
حیات هزاران نفر از علایرین زحمتکش دهانهٔ غوری به مناسبت خرابی سرک با خطر مواجه شده است.
مراجع مربوط دستگاه دولت به فریاده‌ا، اعتراضات و مراجعات مردم هیچ اهمیتی ندانند.

با وصف اینکه برای ساختمان قسمت جدید این سرک (از باغ شمال

کرایه موثرها نسبت خرابی سرک از ده افغانی به سی افغانی بلند شده است.
حیات هزاران نفر از علایرین زحمتکش دهانهٔ غوری به مناسبت خرابی سرک با خطر مواجه شده است.
مراجع مربوط دستگاه دولت به فریاده‌ا، اعتراضات و مراجعات مردم هیچ اهمیتی ندانند.

با وصف اینکه برای ساختمان قسمت جدید این سرک (از باغ شمال



# زنان و مردان کشور! منافع ملی خلق افغانستان حکم می‌نماید که باید در مبارزات انتخاباتی دورهٔ سیزدهم شوری، فعالانه شرکت کرد! باید عناصر صدیق ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه وطن‌پرست کشور را تشویق کرد تا خود را کاندید نمایندگی شوری نمایند. باید به نمایندگان واقعی خلق و مدافعان سرسپرده وطن ما افغانستان رأی داد!



افغانستان و خاک دموکراتیک افکار و نیروی

۱۲ جوزا ۱۳۴۸

## رویدادهای مهم جهان

در هفته گذشته

### در ویتنام

جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی در هفته گذشته به مناسبت سالگرد بودا اعلان کرد که از تاریخ (۲۷ الی (۲۹) می یک متارکه (۴۸) ساعت را مراعات خواهد نمود. معهدا عساکر اشغالگر امریکا همچنان به تجاوزات خود بر خلق ویتنام ادامه دادند، از جمله طیارات امریکایی (۷۰۰) تن بم بر شهرهای ویتنام جنوبی فروریختند وزن هریک ازین بم‌ها که برای نخستین بار بر مردم بی‌دفاع آنجا فروریخت (۷) تن است. مقلباتا پارتیزان‌ها با یک حمله شجاعانه در یک میدان هوایی (۱۷) طیاره امریکائی را نابود ساختند. در واشنگتن سناتور اودارد کنیدی و جارج وایت مخالفت شدید خود را با جنگ ویتنام اظهار نمودند و عقیده دارند که باید عساکر امریکا از ویتنام خارج شوند. روز نامه آزادی ارگان جبهه آزادی ملی ویتنام نوشته است که: یک

### در شرق میانه

در سواحل کانال سویز همچنان آنتباری ادامه داشت. وزیر خارجه اسرائیل اظهار کرد: اسرائیل خاک‌های اشغالی عربی را ترک نخواهد نمود. آژانس ریوتر از شرق میانه اطلاع داد که یک طیاره اسرائیل توسط واحدهای ضد هوایی جمهوری عربی متحد سقوط داده شد و سرنشینان آن همه کشته شدند. (۱۴) سرباز اشغالگر اسرائیل در هنگام برخورد با مبارزان عربی در

### تولید طیاره (تو ۱۴۴)

تولید طیاره (تو ۱۴۴) یکی از موفقیت‌های بزرگ صنایع طیاره سازی اتحاد شوروی بشمار می‌رود. این نخستین طیاره مسافربردار مافوق سرعت صوت است که فاصله بین مسکو و نیویارک را در ظرف سه ساعت طی می‌کند. جراید دنیا ازین

### در فرانسه

به مناسبت نامزدی یکی از اعضای حزب کمونیست فرانسه به ریاست جمهوری، در بزرگترین سالون ورزشی فرانسه میثینگ بزرگی تشکیل گردید. والدک روشه منشی حزب کمونیست فرانسه در ین میثینگ اظهار داشت: نمایندگان

### در یونان

حکومت نظامی یونان در مقابل موج بزرگی از اعتراضات مردم قرار گرفته است و برای پوشاندن جنایات خود محاکمه‌های ساختگی پی در پی تشکیل می‌دهد. حکومت نظامی، کمونیست‌ها و فرزندان صدیق خلق را به حبس‌های طولی‌مدت محکوم می‌سازد و به آن‌ها اجازه دفاع داده نمی‌شود. در همین چند روز گذشته، بیست و نه نفر محکوم به حبس‌های طولانی شد. معهدا مبارزه مردم برای اعاده آزادی و دموکراسی در یونان توسط حکومت نظامی متوقف نخواهد شد.

## متن قطعنامه متعلمان وطن‌پرست

### د شپی لیسه

دانشجویان وطن‌پرست «دشپی لیسه» در پایان مظاهرات تاریخی (۳) جوزای خویش که ما خبر آن را در شماره گذشته بخوانندگان محترم پرچم رسانیدیم، قطعنامه‌ی صادر و متن آن را به غرض نشر به دفتر پرچم سپرده اند که ما متن آن را در ذیل این سطور به نشر می‌سپاریم: قطعنامهٔ ذیل که در ختم متینگها و تظاهرات متعلمین «دشپی لیسه» برسم اعتراض علیه اعمال خودسرانه و وحشیانه دستگاه پولیس حکومت، امروز در مقابل جنبش ملی ووطن پرستانه طلاب معارف و استادان و محصلین پوهنتون صورت گرفته، ترتیب و به جریده ملی پرچم حامی و ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان غرض نشر تقدیم می‌نماییم. ما متعلمین شپی لیسه که جمعیت ما مرکب از کارگران و مأمورین پائین رتبه بوده، با درک واقعیت‌ها و متکی به احساس وطن‌پرستانه به‌منظور پشتیبانی کامل و پیگیر از حقوق برادران ما در مکاتب این سینا ودارالمعلمین و ابراز همبستگی و همدردی با محصلین جوان و روشنفکر پوهنتون، به‌منظور نفاق از عموم طبقه رجبر و ستمکش افغانستان، در برابر ظلم و استبداد و بالاخره به‌منظور برآورده شدن بعضی مطالبات معقول صنفی خود دست به تظاهرات قانونی و خیابانی زده و بعد از رسانیدن صدای اعتراض ما به گوش حکومت و مقامات مربوطه، قطعنامه ذیل را ارائه داشته و برآورده شدن جدی و فوری محتویات این قطعنامه را از حکومت خواهانیم:

- ۱- بازگشتاندن فوری تمام متعلمین مکاتب این سینا ودارالمعلمین به صنف‌های شان بدون قید و شرط.
- ۲- برآورده شدن فوری خواست‌های استادان و محصلین پوهنتون.
- ۳- محاکمه علنی کسانی‌که توسط حملات وحشیانه پولیس در پوهنتون، این سینا و دارالمعلمین مردم را بر خاک و خون کشاند.
- ۴- رهائی فوری تمام محبوسینی که خلاف موازین حقوق بشری

## اعتصاب مؤفقانه در یوران پروژه

### آبیاری پروان

دریوران پروژه آبیاری پروان بروز (۲۹) ثور به غرض برآورده شدن خواست‌های صنفی خویش دست به اعتصاب زدند. خواست‌های دریوران را تهیه نان و مسکن، تأدیه معاش اضافه کاری، سفریه، دریشی کار، عدم سرعج تانکی موترها و قید تیل به جمع دریوران، تعیین درجه و مراعات لایحه نساجی و سایر پروژه‌های دولتی در مورد آنان تشکیل می‌داد. در میثینگی که ضمن این اعتصاب

### در آلمان غرب

منابع خیرسانی بن گفتند متخصصین آلمان غربی با دستمزدهای کلانی در

در عنوان «تظاهرات متعلمان د شپی لیسه» در صفحه (۴) شماره گذشته کلمه (متعلمان)،

(متعلمان) خوانده شود.

در فیصله نامه استادان دارالمعلمین عالی در صفحه اول شماره مذکور تعداد استادان (۲۴) نفر چاپ شده، به (۴۲) نفر تصحیح گردد. همچنان در صفحه (۴) شماره گذشته، سطر اخیر ستون اول خبر «اعتصاب کارگران فابریکه پشمینه بافی کابل «چنین خوانده شود: «آلمانی در برابر مطالبات کارگران در پیش «و سطر (۱) ستون دوم همین خبر چنین تصحیح گردد: «فابریکه کارنه نمایند همه شانرا.»

## نامه اعتراضیه کارگران فابریکه

### چینی سازی شاکر

ما منسوبین و کارگران فابریکه (چینی سازی شاکر)، هفت ماه هست روی معاش را ندیده‌ایم. درین مدت همه روزه کار می‌کنیم و به حاضری مربوط مهر و امضا می‌نماییم، اما وقتی معاش خود را می‌خواهیم رئیس فابریکه در اجرای آن به بهانه‌های مختلفی تعلل می‌ورزد.

مثل اینکه تنها به استثمار ظالمانه‌ی ما که بر ما تحمیل کرده‌اند، قناعت ندارند و می‌خواهند آنچه را بنام به‌اصطلاح معاش بخور و نمیری در برابر این همه جان‌کنی‌های ما قبول کرده‌اند نیز بر میلیون‌های خویش بیفزایند؛ زیرا رئیس فابریکه به امید امروز و فردا و به بهانه اینکه فابریکه را فروخته است و بالاخره پول آن را خواهد گرفت و معاش حق و حلال ما را خواهد پرداخت،

ه: تاسیس شپی پوهنخی در حدود وچوکات ممکنه.

و: تهیه یک مرکز دایمی و متحد برای تدریس و تجهیز آن بالا براتوار. - ز: تعیین نمره کانکور، مطابق کانکور پوهنتون.

با ترتیب و تصویب قطعنامه فوق یکباردیگر به حکومت افغانستان یادآور می‌شویم که ما به پیروی از اصل دموکراسی واقعی به‌منظور ایجاد یک جامعه نوین و مترقی و به‌منظور وصول به اهداف صنفی و عمومی خود مبارزات دلیرانه و پیگیر خود را در چوکات اصول و اخلاق، مطابق اصول جهانی علمی به پیش می‌بریم و در راه تحقق آرمانهای خلق خود به مبارزه پیگیر و بی‌امان خود ادامه داده، در مقابل هیچ‌گونه موانع عقب نشینی نخواهیم کرد؛ باز هم اگر بخواستهای ما ترتیب اثری داده نشود، عکس العمل ما جدی تر و عواقب وخیم آن بدوش کسانی خواهد بود که در راه این جنبش سنگ اندازی می‌کنند.

زنده باد جوانان پیشرو و مترقی افغانستان. زنده باد اتحاد و همبستگی تمام توده‌های ستمکش افغانستان.

ترتیب و تقدیم از طرف متعلمین دشپی لیسه

از (ص اول)

## ۵۰ سال از استقلال ...

- بار سنگین مالیات غیرمستقیم که روزافزون است، کمر مردم را در زیر فشار خورد کننده خود خم گردانیده، مخارج بلند حیات و قیمت‌ها که استقرار ندارد، زندگی را بر اکثریت عظیم تو ده‌های مردم طاقت فرسا ساخته است

- پروسه تمرکز ثروت و قدرت اقتصادی به دست یک اقلیت ناچیز جامعه همچنان ادامه دارد، شرایط زندگی نه تنها بهبود نیافته، بلکه آن‌هایی که عاید ثابت و کم دارند، از این لحاظ هرچه بیشتر در وضع نامساعدتری قرار می‌گیرند،

- در جامعه تضاد بین فقر و ثروت شدت می‌یابد، زندگی در شهر و ده یک زندگی جهنمی است، اکثریت عظیم مردم ما از خوراک و پوشاک انسانی، مسکن، مکتب و شفاخانه محرومند، آن‌ها در فقر، ستمکشی، بدبختی، بیکاری، جهل و بیماری به شیوه قرون وسطایی حیات بسر می‌برند، با تسلط نیروهای استبدادی و ارتجاعی نظام فرتوت فئودالی و قبیلوی و کوچیگری، همچنان پابرجاست و نفوذ مستبدین، مرتجعین و متفذین محلی در شهر و ده روز افزون است،

- دامنه احتکار، سود خواری، سوءاستفاده، ارتشاء و بازار سیاه که از طریق این‌ها مبنای اقتصادی طبقه حاکمه استحکام می‌یابد، هرچه بیشتر وسعت می‌گیرد.

پرچم  
دامتیاژ خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق  
تلفون: ۲۳۱۶۴  
د یوه گنی بیه : ۲/۵ افغانی  
تایپ متن: قاسم اسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض  
مطبعه دولتی



د افغانستان د خلك دموكراتيك مبارزانو! په خپلو مبارزو كې د اصولو زنجير مه پريږدئ! په مبارزه كې پيگيرى او زغم له زړورتيا او ټينگار سره يوځاى كړئ! له تسليم طلبى او ماجراجوئى څخه ځان وژغورئ! د مجاهدى او قهرمانى روحيه له اصوليت او هوبنيارى سره يوځاى په خپل ځان كې وروزي! تواضع او خلكو ته د خدمت كولو اصل مه هيروى! له خپلو متحدينو سره له راستى او صداقت څخه كار واخلي! خلكو ته، هيواد ته، د افغانستان د خلك دموكراتيك جريان، د خپل هيواد دموكراتيك او اجتماعى آزادى بښونكى نهصت ته وفادار اوسئ!

ببرک کارمل

## سياست اصیل انقلابی با عبارت پردازی

انقلابی فرق دارد

د مبارزه طبقاتی هیچ‌گاه و برای همیشه و در تحت هرگونه شرایط یک صورت، یک شکل و یک راه مبارزه انقلابی جنبه مطلق ندارد؛ بلکه با اوضاع و احوال تاریخی مشخص و معین تغییر می‌یابد، به همین جهت است که گفته می‌شود: طبقه انقلابی و پیش آهنگ آن برای انجام وظیفه خود باید بر تمام اشکال مبارزه بدون هیچ استثنائی تسلط داشته باشد و برای تبدیل بسیار سریع و ناگهانی یک شکل به شکل دیگر آماده باشد، این اصل مشهور به این معنی است که بنا بر شرایط مقتضی باید مبارزه سیاسی (در ارتباط با مبارزات ایدئولوژیک و اقتصادی) با استفاده از وسایل و اشکال گوناگون مبارزه انجام گیرد.

تجربه احزاب مترقی و کارگری جهان نشان می‌دهد که تمام انحرافات اپورتونیستی راست و چپ ازین جا ناشی است که اپورتونیست‌ها و منحرفین راست تنها و تنها روی شکل مسالمت آمیز و قانونی مبارزه، آن‌هم (ص ۲)

و خود را غضبناک نشان دادن و در جریان تظاهرات روزمره، فحش و دشنام دادن به جریان دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشد. به این آقایان باید گفت که این کار را ارتجاع سیاه طبقه حاکمه افغانستان هر روز در برابر جریان دموکراتیک خلق افغانستان انجام می‌دهد، چنین همدستی و دستکاری با ارتجاع که سیاست انقلابی بوده نمی‌تواند. معینا قبل ازین که به تحلیل موضوع پرداخته شود، باید یادآور شد که در میان چپ‌روان کشور ما هستند عناصر شریف انقلابی که متأسفانه راه اشتباه آمیز را تعقیب می‌نمایند و درین مقاله تمام کوشش ما متوجه آن عده از عناصر انقلابی پاکدامن است که باید در موضع اصیل انقلابی خود قرار گیرند و خویشتن را از افسون گروه فتنه‌گران و رویزونیستان چپ معاصر نجات دهند و در نتیجه به تمام اشکال مبارزه انقلابی تسلط پیدا کنند.

**سؤال در اینجاست که چرا باید تمام اشکال مبارزه را در نظر گرفت و بر تمام آن‌ها تسلط پیدا کرد؟**

باید کوشید تا برین هرج و مرج فکری در میان نیروهای مترقی غلبه نمود و مشی صحیح انقلابی را مورد عمل قرار داد. یکی از مهم‌ترین مسایل مورد اختلاف میان ما (جریان دموکراتیک خلق افغانستان) و چپ‌روان که در برابر ما لجوجانه و به شیوه بچگانه «شعلهور (!)» گردیده‌اند، همانا اختلاف نظر در زمینه اشکال مبارزه انقلابی است که چپ‌روان در وضع کنونی نه تنها در نظر شکل انقلاب قهرآمیز را به ابتدال کشانیده‌اند و شعار مطلق خود ساخته‌اند، بلکه به حدی مسأله را کودکانه طرح می‌نمایند که اعتصابات و تظاهرات مسالمت آمیز شاگردان و محصلان را نیز به راه قهرآمیز توجیه می‌کنند. در حالی که یک کودک مکتب رو نیز می‌داند که این صورت‌های مبارزه شیوه‌هایی از شکل مبارزه مسالمت آمیز به شمار می‌رود. مضحک است که مطلوب «شعله‌انگیزان» قهرآمیز (!) از مبارزه قهرآمیز همانا عبارت از به قهر شعار دادن، چین بر جبین افکندن

در نهضت جوان مترقی افغانستان تشنت فکری و افتراق سیاسی وحشتناکی حکمفرماست. این بیماری هولناک هرچه بیشتر تشکل، رشد مبارزه و نیل به پیروزی را مشکل و مشکل‌تر می‌سازد. رسالت تاریخی ما و منافع خلق‌های افغانستان حکم می‌نماید که باید هرچه زودتر درست را از نادرست، حق را از باطل، سیاست اصیل انقلابی را از سیاست فریب انقلابی جدا کرد و با تمام قوا

فراسیون پارلمانی دموکراتیک خلق افغانستان از جریان خود دستور گرفته بود که در جلسه استیضاح در ولسی‌جرگه، حکومت را نسبت به حوادث اخیر این سینا، دارالمعلمین و پوهنتون جدا مورد استیضاح قرار دهد و از نهضت دموکراتیک جوانان مجدانه دفاع به عمل آید.

بدین مناسبت فراسیون پارلمانی دوباره به مقام مربوط خود، یعنی جریان دموکراتیک خلق افغانستان گزارش داد که بنا بر ماهیت فئودالی پارلمان افغانستان و بنا بر سلطه اکثریت نمایندگان دست راستی ارتجاع در ولسی‌جرگه، نه تنها جلسه استیضاح از حکومت در ولسی‌جرگه دایر نگردید، بلکه از مدت تقریباً یک ماه بدین طرف اصلاً جلسات عادی

## به مدافعان پروژه استعماری

وادی هلمند

در شماره گذشته پرچم ما ضمن تحلیل مختصری از پروژه پرمصرف و استعماری وادی هلمند، در برابر حکومت افغانستان این سؤال را طرح کرده بودیم که چرا مصارف عظیم و کم‌شکن بیست ساله و عواید پروژه وادی هلمند، این «غله خانه آینده (!) افغانستان»، این «موفق‌ترین (!) پروژه زراعتی» (عناوین برجسته و جلی در چندین شماره پهنیم روزنامه‌های سرکاری انیس و اصلاح) را با ارائه ارقام و احصاییه ها در پیشگاه قضاوت خلق افغانستان قرار نمی‌دهند؛ ولی دستگاه حکومت افغانستان بوسیله ارگان نشراتی خود «انیس» به شکل هستریک و خصومت آمیز در لایلای یک تعداد کلمات و جملات میان تهی، قریبه سازی ها و

مقایسه‌های بی‌مورد در دفاع از پروژه محبوب «بزرگ» و «موفق» خود به همگان معلوم است، با کلمات درحالی‌که این حمله خصومت آمیز دستگاه حکومت را بر خویش مایه افتخار و مباحثات خود میدانیم، عمیقاً اظهار تأسف می‌نماییم که حکومت افغانستان به چنین شیوه بچگانه حقایق را ماست مالی نمی‌نماید و به دفاع از پروژه‌هایی برمی‌خیزد که به‌طور ثابت غیراقتصادی می‌باشند و سال‌ها مورد انتقاد عناصر ملی و شوروی دوره هفت قرار گرفته و درین زمینه اعتراف یکی از وزرای کشور ثبت رویداد یکی از جلسات ولسی‌جرگه (ص ۲)

## مستحکم باد اتحاد الهام‌بخش دانشجویان

وطن‌پرست افغانستان

پیروز باد نهضت دانشجویی کشور

(اصیل محمد) به اشتراک بیش از ده هزار محصل و متعلم پوهنتون و معارف، گرفتاری خودسرانه برخی از مشایعت کنندگان جنازه توسط پولیس (که سه نفر ایشان تا کنون در زندان به سر می‌برند)، میتینگ احتجاجیه محصلان پوهنتون کابل و حمله وحشیانه و غارتگرانه نیروهای ضربتی پولیس و ژاندارم دستگاه حاکمه بر پوهنتون کابل و لت و کوب بی‌شرمانه محصلان و استادان پوهنتون و تجاوز به حیثیت و شخصیت آنان که خلاف تمام تعاملات (ص ۴)

مقاومت‌های استوار و دلیرانه مردم جوانان کشور، در حادثه اخیر این سینا و پوهنتون کابل می‌توان به وضاحت ملاحظه کرد. اعصاب شجاعانه شاگردان لیسه این سینا به غرض تأمین خواست‌های صنفی‌شان از جمله برکناری مدیر آن لیسه و حمله سفاکانه پولیس بر آن‌ها، حمایت دلیرانه متعلمان دارالمعلمین کابل از ایشان، ایجاد میتینگ‌ها توسط محصلان دلیر و مبارز پوهنتون کابل به پشتیبانی از شاگردان لیسه این سینا و دارالمعلمین کابل و تشییع باوقار و پرشکوه جنازه فرزند فقید معارف و یا در اندیشه آن باشند که می‌توانند با نادیده گرفتن شرایط خاص این مرحله جنبش رهائی‌بخش کشور و بیهوده انگاشتن توجه به موقعیت بخصوص افغانستان و خصلت خلق آزاد کشور، همیشه به ترورهای وحشتناک بدون عکس‌العمل جدی مردم دست یازند و با تاسی میکائیکی و ناشیانه‌یی از شیوه‌های ضد ملی و ضد دموکراتیک این و یا آن کشور دور و نزدیک وابسته به امپریالیزم، در افغانستان نیز رژیم ترور و اختناق را برقرار سازند.

بطلان قاطع این بازی هلاکت‌بار محافل سیاسی طبقات حاکمه افغانستان را در

ولسی‌جرگه نیز بنا بر پوره نبودن نصاب مجلس دایر نمی‌شود.

لذا تصمیم بر آن گرفته شد، تا موضوع به‌صورت طرح چند مسأله حیاتی و عملی در پیشگاه خلق افغانستان، اشخاص، محافل، گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی ملی و دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست به شکل آتی تقدیم گردد تا در زمینه تفکر منطقی صورت گیرد و برای حل نسبی آن مشترکاً اقدام مؤثر به عمل آید تا از یکطرف نهضت دموکراتیک جوانان تحت نظم درآورده شود و در یک مسیر عمومی سوق گردد و نهضت رشد و تکامل یابد و از طرف دیگر توطئه پروگرام اختناق دستگاه حاکمه افغانستان و شبکه‌های پروکاتور داخلی و خارجی خنثی گردد.

۱ - باید در برابر شورای موجود چه موقف مؤثر اتخاذ گردد؟

۲ - باید در برابر تیپ حکومت‌های موجود در کشور چه موضع‌گیری مشخص صورت گیرد؟

از آنجایی که شوروی و حکومت موجوده در صورت قانون (البته بدون تغییر ماهیت و شکل واقعی آن) عملاً در پایان چهار ماه آینده از میان می‌رود، لذا سؤال‌های ذیل مطرح می‌گردد:

۱- راجع به شورای دوره سیزدهم چه تصمیم باید اتخاذ گردد، آیا باید گذاشت (طوری که خواست ارتجاع و امپریالیزم و اخلال‌گران است) شورای مترجع‌تر از مترجع کنونی به وجود آید؟

۲- در برابر حکومت آینده افغانستان که آن‌هم موسسه روبنایی مولود طبقه حاکمه افغانستان خواهد بود، چگونه موضع‌گیری باید کرد؟ تا جایی که به جریان دموکراتیک خلق افغانستان تعلق می‌گیرد، پلتفورم مشترکی را منجمله برای حل عملی مسایل میرم فوق‌الذکر به‌صورت روشن در ارگان نشراتی خود (پرچم) طرح کرده و راه حل دو مسأله بالا را هم نشان داده است که طبعاً کلید حل (بقیه در صفحه ۲)

## رژیم جدید سودان علیه دشمنان خلق و ضد انقلاب عملی می‌نماید

سوسیالیستی بیشتر بسط و انکشاف داده خواهد شد. موصوف گفت که جلب اعتماد مردم کار مشکلی نیست زیرا آن‌ها از مزایای سوسیالیزم به‌خوبی آگاهند.

به تعقیب این اظهارات رهبر انقلاب سودان، مردم آن کشور به غرض حمایت از اهداف انقلاب و پشتیبانی از رژیم جدید، تظاهرات بزرگی را به راه انداختند، چنانچه در شهر خرطوم یک میتینگ (۲۰) هزار نفری دایر گردید. مردم درین اجتماع بزرگ اظهار می‌داشتند که باید اموال و دارایی ثروتمندان غاصب و غارتگر و مصادره و بین مردم تقسیم شود و دزدان بیت‌المال هرچه زودتر به محاکمه کشانیده شوند.

جمعیت اخوان‌المسلمین و (۷۰) نفر دیگر از خائنین ملی می‌باشد. رهبر انقلاب سودان در هفته گذشته اظهار داشت که بعد از این وسایل تولید در دست دولت خواهد بود، تجارت ملی می‌شود و زمین‌ها به دهاقین توزیع می‌گردد.

روابط سودان با کشورهای

امپریالیزم با انقلاب مخالفت می‌نمایند. رژیم جدید به غرض مقابله با دشمنان خلق و انقلاب دست بیک سلسله اقدامات جدی زده است. کمیته انقلابی فرمانی صادر و در آن اظهار داشته است که عنقریب یک محکمه نظامی در خرطوم دایر خواهد شد و اولین کسانی که در این محکمه؛ محاکمه خواهند گردید، محمد صادق رئیس

بعد از حوادث اخیر سودان که منجر به تغییر حکومت در آن کشور گردید، وضع رو به‌آرامی می‌رود.

عساکر بعد از انجام وظیفه به مراکز اولی خود بازگشتند. رژیم جدید سودان از حمایت و پشتیبانی مردم و دسته‌های ملی و مترقی برخوردار است. صرف مرتجعین «اخوان‌المسلمین عناصر وابسته به

## د نشنل عوامی پارتی

صدر عبدالولی خان کابل ته راغی

په تیره هفته کی دنشنل عوامی پارتی صدر عبدالولی خان د پښتونستان د خلکو ملی او مترقی مشر کابل ته راغی. د کابل په هوائی ډگر کښی د افغانستان دخلک دموکراتیک جریان او د نورو ملی او مترقی عناصرو د نمایندگانواو د ولسی جرگی د ځینی ملی و کیلانو او د پښتونستانی زلمو له خوا د دوی او د دوی د محترمی میرمنی بیگم نسیم ولی چه د آزادی (۴ مخ)

## بازدید دوستانه اندیرا گاندی

صدراعظم هند از افغانستان

میرمن اندیرا گاندی صدراعظم هند به تاریخ ۱۵ جوزا برای یک بازدید دوستانه از افغانستان وارد کابل شد. موصوف در مدت اقامت خویش در افغانستان راجع به مسایل مورد علاقه به مذاکره پرداخته و از بعضی نقاط دیدنی کشور باز دید به عمل می‌آورد. قرار راپور منابع رسمی در پایان این مسافرت در کابل و دهلی در یک وقت اعلامیه مشترکی انتشار می‌یابد.



صرفاً در وجود فعالیت پارلمانی و مبارزه اقتصادی و امثالهم اتکاء دارند و آن‌ها را مطلق می‌سازند و منحرفین و اپورتونیست های چپ و ماجراجویان چپ‌رو به‌عکس شیوه‌های فوق را نفی می‌کنند و تنها شیوه‌های قهرآمیز مبارزه (قیام مسلحانه، جنگ پارتیزانی و جنگ داخلی و کودتای انقلابی و غیره) را در هرگونه شرایط و اوضاع و احوال مطلق می‌سازند. واضح است که هردوی این انحراف نرزش انحطاط و خلاقیت را در تکتیک مبارزه از میان می‌برد و ممانع آن می‌شود تا نیروهای پیشرو در مبارزه با دشمنان خلق از تمام وسایل و اشکال مبارزه وسیعاً استفاده کنند و تدارکات جامع انقلابی را تهیه ببینند.

کم بها دادن به تجربه تمام جنبش‌های انقلابی و مطلق کردن یکی از اشکال مبارزه و اصرار نابجا و بی‌وقت بالای آن، در نظر نگرفتن تمام اشکال مبارزه مطابق به شرایط، به معنی عمل کردن به نفع ارتجاع و امپریالیزم و فراهم ساختن شرایط برای شکست مبارزهٔ نهضت رهایی‌بخش ملی و اجتماعی است. اشکال مسالمت آمیز و قهرآمیز مبارزه:

در اوضاع کنونی جهان مساله تسلط بر تمام اشکال مبارزه، اعم از مسالمت آمیز و قهرآمیز، برای نیروهای پیشرو انقلابی ضرورت بسیار مبرم کسب کرده است. این اصل مسلم که باید از تمام وسایل مبارزه مطابق به شرایط مشخص و معین استفاده کرد، از طرف گروه شونیست عظمت‌طلبانه مطلق تبدیل به تکتیک ماجراجویانه و عملیات قهرآمیز مسلحانه به‌عنوان شکل منحصر به فرد و مطلق انقلابی گردیده که از نتایج ناگوار آن در بعضی از کشورهای جهان همه باخبریم.

باید خاطر نشان ساخت که مطلق کنندگان قیام مسلحانه چنین وانمود می‌کنند که طرفداران منحصر به فرد راه قهر آمیز انقلاب، تنها خود آنان هستند و باقی احزاب پیش آهنگ را متهم به ترس و جبن می‌کنند و اپورتونیست جلوه می‌دهند، ولی همه این افتراات بی‌پایه است که واقعتاً زندگی و مبارزه آن‌ها را رد می‌کند. در تمام ملل جهان هیچ یک حزب اصیل انقلابی و پیش - آهنگ طبقه کارگر وجود ندارد که از لحاظ اصول، شکل قهرآمیز انقلاب را تکذیب و رد کند، ولی باید

درنظرداشت که مبارزه قهرآمیز، قیام مسلحانه هنریست که تابع شرایط لازم می‌باشد، به همین جهت گفته می‌شود: «برای آنکه قیام موفقیت آمیز باشد اولاً باید به توطئه به حزب متکی نباشد، بلکه به طبقه پیشرو متکی باشد، ثانیاً قیام باید به اعتلای انقلابی مردم متکی باشد، ثالثاً قیام باید به آن‌چنان نقطهٔ منطقی در تاریخ انقلاب رشد یابنده متکی باشد که در آن فعالیت صفوف پیشرو مردم به حداکثر خود رسیده باشد و تزلزل صفوف دشمنان و صفوف دوستان ضعیف دودل و مردد انقلاب شدیدتر از هر زمان باشد.»(این سه شرط لازم برای طرح مسالهٔ قیام، تئوری علمی و تکتیک درست انقلابی را از توطئهٔ چینی و ماجراجویی، انارشیزم، شورش و انقلابی‌گری متمایز می‌سازد. ولی باید متوجه بود هنگامی‌که این سه شرط آماده باشد و قیام به‌عنوان یک هنر در نظر گرفته نشود و زمان قیام و رهبری صحیح رعایت نگردد به تئوری علمی انقلاب خیانت شده است.

باید جداً خاطر‌نشان ساخت که در اوضاع و احوالی که شرایط عینی و ذهنی، داخلی و خارجی هنوز برای مرحله قیام اجتماعی مساعد نباشد و بدون در نظر گرفتن شرایط، شعار قهرآمیز و قیام مسلحانه و (آن‌هم در میان قشر معدودی از روشنفکران به‌صورت افشاگرانه و کودکنانه) داده شود و شکل مسالمت آمیز مبارزه نفی گردد، به‌صورت قطع جنبش انقلابی به وضع بسیار دشواری دچار

از (ص اول)

## سیاست اصیل انقلابی با

می‌گردد و محرکین آن جدی‌ترین اشتباه را مرتکب می‌شوند. واقعیت اینست که اشکال مختلف مبارزه به‌هیچ‌وجه یکدیگر خود را نفی نمی‌کنند.

در میان اشکال مسالمت آمیز مبارزه راه‌های استفاده از وسایل قانونی، از تربیون پارلمان و مبارزه پارلمانی، از مبارزات خارج پارلمانی (تظاهرات، اعتصابات، میتینگ‌ها، مارش‌ها و غیره) همیشه جای بسیار مهمی داشته‌اند. ولی متأسفانه چپ‌روان وطنی ما در حالی که هرروز به بدترین شکل و به‌صورت فتنه گرانه خود عملاً از اشکال مسالمت آمیز مبارزه سوء استفاده می‌کنند، بدون در نظر گرفتن شرایط و مرحله نهضت، منفرد از خلق، تحریکات به‌اصطلاح «قهر آمیز» می‌نمایند. این آقایان باید بدانند که شیوهٔ آن‌ها تکتیک «قهرآمیز»

نیست، بلکه تقنین و نفاق آفگنی در میان خلق افغانستان و مبارزان است که سرانجام استقلال ملی ما را به خطر می‌اندازد و نهضت آزادی بخش دموکراتیک کشور ما را مواجه به شکست می‌سازد. در حالی که عقل سلیم و شرایط جامعه ایجاب می‌نماید که برای رشد و تکامل جنبش انقلابی آنچه در قوه داریم به کار ببریم تا اقلأ بنا بر خط مشی جاری از وسایل مسالمت آمیز مبارزه در اوضاع و احوال کنونی کشور حد نهائی استفاده اصولی و مؤثر بنماییم و موضع به موضع هیأت حاکمه ارتجاعی افغانستان را وادار به عقب نشینی سازیم.

به کمال تأسف باید اظهار داشت که عناصر ماجراجو و اخلاکگر به‌طور قشری و سطحی و تخیلی قضاوت می‌کنند و تمایلات ذهنی خود را بر واقعیت سرسخت اوضاع افغانستان مقدم می‌شمارند و چنین استدلال می‌نمایند که هم اکنون باید جنگ انقلابی و راه قهر آمیز را تعقیب کرد، آن‌هم همراه یک عده شاگردان کم سن و مکتب و منفرد از خلق! آقایان هنوز برای تحقق «شورش فرهنگی» در کشور فودالی افغانستان بسیار وقت است! نه خود را فریب دهید و نه دیگران را. با الفاظ ظاهراً انقلابی و دشنام دادن نمی‌توان انقلاب کرد! آیا استفاده از وسایل مسالمت آمیز مبارزه

از (ص اول)

## آزمایش يك طرح نو به خاطر

آن اتحاد تمام نیروی‌های تحول طلب (ولو موقتی هم باشد) و پیگیری در مبارزه در چهارچوب اصول و امکانات و شرایط باشد ما معتقدیم که علی رغم ماهیت فئودالی قوای سه‌گانه دولت با افغانستان باز هم در وضع مشخص و کنونی نهضت دموکراتیک! جوانان در صورت برخورد درست امکانات نسبی آن وجود دارد که لا اقل شرایط «بدتر» کنونی کشور را به حالت «بد» درآورد و شرط مقدماتی را برای وضع نسبی «خوب»(بجهت رشد و تکامل نهضت آزادی‌بخش ملی و دموکراتیک تدارک دید و از نظام ترور و اختناق جلوگیری کرد. به این معنی که شعارها و هدف نهضت اعتصابی و تظاهراتی کنونی جوانان پیشدار کشور ما در يك مسیر عمل مشترك و پلنفورم مشترك سیا سی و مبارزه مشترك سوق داده شود و با مبارزات چهارماههٔ انتخاباتی که امکانات شرکت نسبی یک عده مردم فعال کشور در آن وجود دارد، توأم گردد. البته سؤال عمده در اینجاست که در وضع مشخص موجود برای کدام نیرو و سازمان به‌مثابه مبتکر عمل و حلقه وصل (ولو موقتی باشد) و نقطه شروع، امکانات آن وجود دارد تا زمینه و شرط ذهنی مساله را آماده نماید. به عقیدهٔ ما از آنجایی که در

شرط لازم تدارکات مبارزه قهرآمیز (در صورتی که از طرف ارتجاع و امپریالیزم بر ما تحمیل شود) نیست؟ فقط یک شخص کم فهم و کودن و منحرف چپ می‌تواند جرأت کند به این سؤال پاسخ منفی دهد. يك انسان مترقی و پیشرو که در موضع ایدئولوژی علمی قرار دارد، در سیاست به‌صورت واقع‌بینانه برخورد می‌کند و مبارزه انقلابی را از مبدأ يك تحلیل اجتماعی - سیاسی آغاز می‌نماید. باید خاطر نشان ساخت که تنها شعارهای نظیر مبارزه، پافشاری، شکست، بازهم مبارزه و غیره نسخه‌های فرمولبندی شده و صادر شده کافی نیست، بلکه باید طرق مشخص مبارزه را تشخیص داد، تنها به دادن شعار قهرآمیز نمی‌توان انقلاب کرد و یا انقلاب را «سفارش» داد!

باید آقایان چپ‌روان انقلابی‌گر متوجه باشند که برای اجرای انقلاب شرایط تاریخی معین و مقدمات عینی و ذهنی لازم است. ظاهراً دم زدن از مبارزه قهر آمیز و قیام مسلح و جنگ‌های پارتیزانی در حالی که شرایط جامعه ایجاب می‌نماید نشاند، هیچ‌گونه وجه مشترك با آموزش انقلابی بر اساس تئوری علمی ندارد آنچه ایشان شعار می‌دهند تکرار کودکانه و سطحی گروه رهبری شونیزم عظمت‌طلبانه است که از چند سال به این‌سو به حیث یگانه نسخه متحدالمال انقلاب در هرگونه شرایط به تمام کشورهای سرمایه داری و غیر سرمایه داری و

از (ص اول)

### به مدافعان پروژهٔ …

(دوره دوازدهم) نیز است، هر گاه دستگاه حاکمه می‌خواهد از «پروژهٔ بزرگی وادی هلمند (جدأ دفاع کند. لطفاً بیلانسن مصارف و عواید ۲۰ ساله آن را ارائه نماید. چه خوب می‌شد که ارگان رسمی حکومت (انیس) بجای ابراز خشم و غضب و اشاره‌های کلیه آمیز، که مردم افغانستان منبع و منشأ آن را خوب می‌دانند، جواب ما را با نشر حقایق و ارقام می‌داد. ما اطمینان داریم که حساب کامل وادی هلمند حتی برای خود حکومت هم معلوم

## سیاست اصیل انقلابی با …

وابسته صادر کرده‌اند.

ما بر مبنای تئوری علمی انقلاب در برابر این نسخه متحدالمال انقلابی‌گران می‌گوییم: برای انقلاب وجود وضع انقلابی و عامل ذهنی لازم است. زیرا اگر وضع انقلابی وجود نداشته باشد، اصولاً انقلاب شروع شده نمی‌تواند و یا اگر هم شروع شود تجربه نشان داده است که با شکست فجیع روبرو می‌شود.

**وضع انقلابی و عامل ذهنی در انقلاب بر پایه تئوری علمی:**

مجموع شرایط عینی لازم برای انقلاب، وضع انقلابی نامیده می‌شود. وضع انقلابی این‌طور توضیح گردیده است: «قانون اساسی انقلاب که تمام انقلاب‌ها … آن را تأیید نموده است ازین قرار است: برای انقلاب کافی نیست که توده‌های استثمار شونده و ستمکش بعدم امکان زندگی به شیوه سابق پی ببرند و تغییر آن را طلب نمایند، برای انقلاب ضروریست که استثمارگران نتوانند به شیوه سابق زندگی و حکومت کنند. فقط هنگامی‌که پائینی‌ها نظام کهنه را نخواهند و هنگامی‌که «بالائی‌ها» نتوانند به شیوهٔ سابق ادامه دهند، فقط در آن هنگام است که انقلاب می‌تواند پیروز شود! این حقیقت را به عبارت دیگر می‌توان چنین بیان نمود: انقلاب بدون بحران ملی عمومی (که هم استثمارگران و هم استثمار شوندهگان را دربر گیرد) غیرممکن است، لذا برای انقلاب اولاً باید کوشید که تا اکثریت کارگران (با بهر حال اکثریت

## تغییر شرایط شیوه‌های مبارزه هم

تغییر خواهد کرد. در شرایط کنونی نمی‌توان شعار قهرآمیز جنگ انقلابی و پارتیزانی و قیام مسلحانه و کودتای انقلابی را جا گزین استفاده از وسایل و شیوه‌های مؤثر مبارزه سیاسی کرد. آقایان چپ‌روان باید بدانند که ما مثل آن‌ها «به مرض … عبارت پردازی انقلابی» دچار نیستیم، امیدواریم امراض آن‌ها هرچه زودتر قبل از سقوط در زباله دان تاریخ علاج گردد! جریان دموکراتیک خلق افغانستان برای حل مسایل ملی و اجتماعی افغانستان و تعیین خط مشی و وظایف سیاسی خود به هیچ نسخه متحدالمال صادر شده اتکاء ندارد. جریان دموکراتیک خلق افغانستان خط مشی استراتیژی و تکتیک های خود را بر اساس تحلیل مشخص و شرایط مشخص افغانستان تعیین کرده و می‌کند و معتقد است که بدون وجود شرایط عینی و ذهنی و حصول وضع انقلابی و بدون وجود این مقدمات نمی‌توان انقلاب کرد.

در اخیر باید اظهار داشت که مخالفت و یا موافقت ما به این شکل و یا آن شکل مبارزه، به این صورت و یا آن صورت آن تنها در ارتباط با شرایط و اوضاع و احوال مشخص جامعه افغانستان است.

تا جایی که به ما مربوط است تمام کوشش وسیعی ما با توجه به شرایط مشخص اجتماعی و سیاسی کشور و شرایط مشخص خارجی، چنان خواهد بود تا آن وسایل و راه‌ها و شیوه‌های مبارزه را برگزینیم که نهضت آزادی‌بخش ملی و دموکراتیک خلق افغانستان را به بهترین وجه به پیروزی نهائی برساند و تمام انواع ظلم و ستمگری ملی و اجتماعی را از وطن ما ریشه کن سازد.

با این معنی هیچ‌گاه هدف را قربان وسیله نخواهیم کرد، بلکه وسیله را در خدمت هدف قرار خواهیم داد. ما ایمان داریم که خلق افغانستان با مبارزه دلیرانه خود د و باتجربه خود فریب عبارت پردازی‌های انقلابی را نخواهد خورد و راه‌ها و وسایل پیروزی را تشخیص خواهد داد. هم اکنون مبارزات مسالمت آمیز اعتصابی کارگران و تظاهرات جوانان کشور مظهر این حقیقت درخشان است که در برابر جنبش انقلابی دموکراتیک خلق کشور ما دورنماهای تازه و امکانات تازه برای اعتلای بیش از پیش مبارزه خلق وطن ما در راه آزادی، دموکراسی، ترقی، صلح و سوسیالیزم به وجود می‌آید.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان فشرده با خلق کشور خود، بدون ترس از دشواری‌ها با ارزیابی دقیق اوضاع داخلی و بین‌المللی، بین اساس دانش مترقی و سیاست اصیل انقلابی در راه طرد ارتجاع و امپریالیزم به‌پیش خواهد رفت و در قدم اول با تمام قوا خواهد کوشید (با در دست گرفتن حلقه وقایع و زمان و زنجیر اصول و اتخاذ آن راه‌ها وسایل و شیوه‌های مبارزه که با شرایط مشخص افغانستان مطابقت کند) تا در وضع مشخص کنونی علیه محافل حاکم ارتجاعی دست راستی و چاکرمنشانه افغانستان دلیرانه مبارزه را به‌پیش سوق دهد و از آزادی و دموکراسی دفاع نماید و توطئه‌های ارتجاع را به یک بار دیگر خنثی سازد، تا بدین‌سان از یکسو پیروزی نهضت ملی و دموکراتیک بسط و توسعه پیدا کند، از سوی دیگر فریب سیاست انقلابی‌گرانه و فتنه گرانه افشاء و «بیماری … عبارت پردازی انقلابی» علاج گردد.

ما اعتقاد راسخ داریم که ابرهای کاذب سیاه پدیده زود گزنیست و آفتاب زرین پیروزی خلق افغانستان بالاخره نمایان خواهد شد و سیاست اصیل انقلابی جریان دموکراتیک خلق افغانستان تمام مرتجعین داخلی و عمال فتنه گر خارجی، امپریالیزم و شونیوزم عظمت‌طلبانه ریزبونیزم راست و چپ را در کشور بشکست قطعی مواجه خواهد ساخت و پرچم گلگون خلق افغانستان در اهتزاز خواهد آمد.



# اتحاد و همبستگی دانشجویان و استادان پوهنتون

و معارف طلیعه درخشان نهضت روشنفکران کشور است

## فیصله نامه استادان دارالمعلمین کابل

روز ۲۳ ثور جهت سرکوب نمودن اعتصاب قانونی و مسالمت آمیز شاگردان لیسه ابن سینا تعداد زیادی از افراد پولیس که تا دندان مسلح بودند، بهمنظور هجوم وحشیانه بالای شاگردان گپسل شده بود، درین هنگام چون مصادف به ساعت رخصتی طلاب دارالمعلمین بود شاگردان دارالمعلمین در اطراف دروازه مکتب اجتماع و به غرض جلوگیری از خطر احتمالی تصادم پولیس با شاگردان ابن سینا به قرانت و تحلیل مواد قانون اساسی مبنی بر قانونی بودن اعتصاب پرداختند. در این اثنا پولیس به اخلال و تجاوز دست زده به طرز بی‌رحمانه‌یی به هر دو مکتب حمله‌ور شد؛ و در نتیجه باعث بروز وقایع ناگوار و تالم آوری شد که قلب هر انسان باوجدان را جریحه‌دار می‌سازد. از قبیل لت و کوب، هتک حرمت و دشنام به معلمین، معلمات، متعلمین و حتی اطفال کوچک دوره ابتدایی تجربوی دارالمعلمین به وضع ددمنشانه و غیرانسانی و دور از کرامت بشری و خلاف قانون اساسی کشور که در حضور هیأت باصلاحیت وزارت معارف

صورت گرفت. بر علاوه اعمال وحشیانه فوق، پولیس به تخریب کلکین ها، دروازه‌های اتاق‌های درسی لیلیه لابراتوارها و حتی بشکستن قفل‌های تحویل‌خانه‌ها، کتابخانه و دفاتر رسمی توأم با چوروچپاول و دستبرد ساعت‌های دستی، پول نقد، لباس و غیره پرداختند.

بنا بر آن ما معلمین دارالمعلمین همه روزه مجالس مشورتی دایر می‌نمودیم متأسفانه نسبت حبس و زخمی شدن بعضی استادان و فرستاده شدن عده شان به ولایات مربوطه فیصله نامه ما به تعویق افتاد. اخیراً بعد از اجتماع عمومی ما هیأت تربیوی دارالمعلمین و مکتب تجربوی مجلس مشورتی ترتیب داده به‌طور ماده وار مراتب خشم و نفرت خود را طی فیصله نامهٔ ذیل صادر می‌نماییم:

۱- از اینکه پولیس به‌صورت وحشیانه، غیرقانونی و دور از کرامت انسانی به حیثیت استادان تعرض کرده این عمل را جداً تقبیح نموده و خواهان اعاده حیثیت آنان می‌باشیم.

۲- لت و کوب اطفال معصوم ابتدایی تجربوی و معلمات را یک عمل ضد نوامیس ملی، مذهبی و بشری دانسته و به این عمل آن‌ها نفرین می‌فرستیم.

۳- تخریب عمارات کتابخانه

لابراتوارها و تحویل‌خانه‌ها، اتاق‌های

درسی و لیلیه و دفاتر را توسط پولیس

یک عمل غیرقانونی و ضد اقتصاد ملی

میدانیم.

۴- در حادثه ۱۱ ثور پولیس با ربودن ساعت‌های دستی و پول نقد و غیره سامان وظیفه اصلی خویش را که عبارت از حفظ امنیت و حقوق عامه می‌باشد عملاً نقض نموده است و ما این عمل را یک عمل رهنانه و جنایت‌کارانه می‌شماریم.

۵ - در حالی که اعتصاب شاگردان لیسه ابن سینا یک شکل مسالمت آمیز و قانونی داشت مداخله پولیس و اعمال ددمنشانه آن ضد قانون اساسی کشور می‌باشد.

۶- نظر به قانون اساسی (دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد) بنا بر آن از حکومت جداً خواستاریم تا عاملین این حادثه را مورد تعقیب و محاکمه علنی قرار بدهد.

۷- ما ضمن تأیید و پشتیبانی از فیصله نامه‌های مصوبه استادان پوهنتون، دارالمعلمین عالی و لیسه حبیبیه از معلمین سراسر کشور دعوت می‌کنیم که متحداً پشتیبانی و همدردی خود را ابراز داشته و به استناد ماده (۳۲) قانون اساسی طور مجدانه و فعلاًانه برای ایجاد و تشکیل اتحادیه معلمین بکوشند.

۸- یک کاپی ذریعه اداره مکتب به وزارت معارف و یک کاپی دیگر جهت نشر به جراید فرستاده شد.

در اخیر باید خاطر‌نشان ساخت که این فیصله نامه از هرگونه تمایلات سیاسی و جریان‌های حزبی میرا بوده و ناشی از احساسات عواطف انسانی می‌باشد و منظور آن حفظ آبرو و حیثیت معلم بوده و معتقدیم که به اساسات قانون اساسی کشور کاملاً مطابقت دارد.

قرار شرح فوق این کاپی شامل دو ورق (یک مقدمه و هشت ماده می‌باشد) مجموعاً تصویب و فیصله گردید.

نمبر ۲ مورخ ۱۲ جوزای ۱۳۴۸:

استادان پوهنتون کابل برای تعقیب فیصله نامه تاریخی ۳۱ ثور ۱۳۴۸ خویش و اتخاذ تصامیم به غرض «اقدامات بعدی مقتضی قانونی» صبح روز ۱۰ جوزا در تالار شورای پوهنتون تحت ریاست، پوهاند فضل ربی پژواک رئیس پوهنتون جلسه کردند و راجع به فیصله نامه و اقدامات مقام‌های مربوط در بارهٔ آن تبادل نظر نمودند. درین جلسه که تا ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر ادامه یافت گروه کثیری از استادان در موضوع تعقیب فیصله نامه و اتخاذ تصامیم ابراز نظر نمودند و کمیسوینی را از جمله استادان انتخاب کردند تا فیصله نامه را به‌صورت جدی تعقیب نماید.

## احتجاجیهٔ جبهه متحد دموکراتیک جوانان پوهنتون و تمام لیسه های مرکز اعم از دختران و پسران که در اجتماع بیش از ده هزار نفر (۱۷ جوزا) قرانت گردید و فیصله شد که در تمام جراید ملی انتشار یابد

ما اکثریت عظیم شاگردان و محصلان مرکز افغانستان در يك صف متحد و وسیع جوانان که تعداد ما به ده‌ها هزار نفر می‌رسد به تمام خلق و ملت رنجدیدهٔ کشور، به همه افراد و گروه‌ها و نیروهای ملی و دموکراتیک ترقی‌خواه وطن‌پرست، و همه تحول طلبان وطن واحد و محبوب ما افغانستان ابلاغ می‌داریم که: از تاریخ ۲۳/۲/۴۸ تا کنون ( ۱۷/۳/۴۸) به خاطر دفاع از آزادی و دموکراسی، به خاطر حفظ حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم ستمدیده افغانستان و به خاطر جواب دندان شکن علیه عمل وحشیانه پولیس و ژاندارم دستگاه حاکمه افغانستان در برابر شاگردان وطن‌پرست لیسه ابن سینا و دارالمعلمین و محصلان و استادان پوهنتون، به خاطر پافشاری در راه رشد و تکامل نهضت رهنایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور دست به تظاهرات پی در پی قانونی زداییم ولی در جریان تظاهرات آزادی‌بخش ما یک عده عناصر اخلاکگر نفاق افکن و فتنه جو، به همدستی یک عده عناصر دست

ابن کمیسیون ۲۶ نفری در جلسه تاریخی ۱۱ جوزا پس از انتخاب هیات اداری مشتمل بر رئیس معاون و منشی‌ها بکار آغاز نموده، بعد از انجام امور مقدماتی، موضوع ذیل را نیز تصویب نمود:

باید متن فیصله نامه به رئیس ولسی‌جرگه - رئیس مشرانوگرگه و رئیس سترمحکمه به ضمیمه مکتوب متحدالمال ذیل سپرده شود:

«نمبر ۱ مورخ ۱۱-۳- ۱۳۴۸ به تعقیب حادثاتی که به تاریخ ۲۱ ثور ۱۳۴۸ در پوهنتون به وقوع پیوست جلسه اضطراری استادان به تاریخ ۳۰ و ۳۱ ثور تشکیل و طی آن فیصله نامه‌ی صادر گردید که مطابق بهحکم ماده (۹) آن باید به ولسی‌جرگه، مشرانوگرگه و

## گزارش کمیسیون منتخب استادان پوهنتون کابل

سترمحکمه سپرده می‌شد. به تاریخ ۱۰ جوزای ۱۳۲۴۸ جلسه عمومی استادان بار دیگر دایر گردیده، کمیسیونی جهت تعقیب فیصله نامه انتخاب شد. چون کمیسیون مذکور از وصول فیصله نامه به مراجعی که تذکر رفته است اطمینان ندارد، بنا بر آن ما نمایندگان استادان پوهنتون کابل يك نسخه فیصله نامه مذکور را به جلالتماب شما تسلیم می‌کنیم تا در مورد موادی که من حیث مکلفیت‌های مصرح در قانون اساسی به شما تعلق می‌گیرد، به اقدامات قانونی بپردازید.

با احترام

«امضای رئیس کمیسیون»

متعاقب آن تمام اعضای کمیسیون این مکتوب را به ساعت ۳ و ۴۰ دقیقه به بناغلی رئیس تحریرات

## احتجاجیهٔ جبهه متحد دموکراتیک جوانان پوهنتون و تمام لیسه های مرکز اعم از دختران و پسران که در اجتماع بیش از ده هزار نفر (۱۷ جوزا) قرانت گردید و فیصله شد که در تمام جراید ملی انتشار یابد

معارف قرار داریم، لیکن از مکان‌های نشراتی دولت اعم ازین گروپ فتنه انگیز به حیث وسیله نفاق در وجود عمال اپورتونیزم چپ در جریان تظاهرات و چه از طریق ارگان‌های نشراتی ارتجاعی کاروان، جراید دولتی و غیر ملی) خود دست به اخلاکگری، نفاق اندازی و دادن شعار های ضد منافع ملی و خلق افغانستان و دشمن‌های غیرانسانی و نشرات ارتجاعی زده‌اند مثلاً روزنامه به‌اصطلاح بی‌طرف (ملی!) کاروان، به تعقیب شماره‌های گذشته خود در شماره مورخه ۱۰/۳/۴۸ نوشته است: «پس از اینکه دقایق متوالی گذشت پیروان شعله جاوید به‌سوی شهر حرکت کردند نیم ساعت بعد جمعیت منصوب به دموکراتیک خلق نیز به راه افتاد اما جمعیت بی‌طرف‌ها که تعداد زیاد محصلین را دربر می‌گیرد در ساحه پوهنتون باقی ماندند. «ما تظاهرکنندگان همه در يك صف واحد اعلام می‌داریم که شاگردان و محصلان پوهنتون و معارف به‌استثنای گروپ معلوم‌الحال شعله جاوید تحت لوای واحد پوهنتون و

معارف قرار داریم، لیکن از مکان‌های نشراتی دولت اعم ازین گروپ فتنه انگیز به حیث وسیله نفاق در وجود عمال اپورتونیزم چپ در جریان تظاهرات و چه از طریق ارگان‌های نشراتی ارتجاعی کاروان، جراید دولتی و غیر ملی) خود دست به اخلاکگری، نفاق اندازی و دادن شعار های ضد منافع ملی و خلق افغانستان و دشمن‌های غیرانسانی و نشرات ارتجاعی زده‌اند مثلاً روزنامه به‌اصطلاح بی‌طرف (ملی!) کاروان، به تعقیب شماره‌های گذشته خود در شماره مورخه ۱۰/۳/۴۸ نوشته است: «پس از اینکه دقایق متوالی گذشت پیروان شعله جاوید به‌سوی شهر حرکت کردند نیم ساعت بعد جمعیت منصوب به دموکراتیک خلق نیز به راه افتاد اما جمعیت بی‌طرف‌ها که تعداد زیاد محصلین را دربر می‌گیرد در ساحه پوهنتون باقی ماندند. «ما تظاهرکنندگان همه در يك صف واحد اعلام می‌داریم که شاگردان و محصلان پوهنتون و معارف به‌استثنای گروپ معلوم‌الحال شعله جاوید تحت لوای واحد پوهنتون و

## متن فیصله نامه و پلاتفورم عمومی شاگردان معارف و پوهنتون

دختر و پسر به خاطر رنج‌های خلق و ملت قهرمان ما افغانستان تا نائل شدن به پیروزی به مبارزات منطقی و نجات‌بخش خود دلیرانه و بی‌گیر ادامه خواهیم داد تا ارتجاع و امپریالیزم بین‌المللی را به عقب نشینی وادار سازیم و سرانجام این دشمنان آزادی و ترقی کشورمان را به اتحاد تمام نیروهای ملی و مترقی افغانستان به شکست قطعی تاریخی محکوم سازیم و در نتیجه نه تنها به تأمین حقوق مسلم همصنفان خود یعنی تمام شاگردان و محصلان سراسر کشور نائل آییم بلکه نهضت آزادی‌بخش و دموکراتیک وطن ما افغانستان را به پیروزی نهائی برسانیم. این تصمیم قاطع و خلل ناپذیر ماست!

از جریان‌های سیاسی و یا اشخاص غیر وابسته صورت بگیرد در برابر نهضت و جوانان محکوم است.

### فیصله نامه استادان لیسه حبیبیه

کشور از حقوق مسلم و مشروع خود که در قانون اساسی به‌صورت مصرح ذکر شده برخوردار شوند. تا بتوانند از حقوق مشروع و قانونی خود در مقابل مستبدین و متنفذین که درین اواخر بالای معلمین بلخ و سایر ولایات صورت گرفته مستفید شوند. به اکثریت آراء فیصله شد که به یک کاپی آن به دفاتر جراید ملی سپرده شود.

زیرا که استادان و معلمین در جامعه بشری به‌صورت عموم و در جامعه افغانی به‌صورت خصوص قابل قدر و احترام می‌باشد. البته در صورت فیصله که ثانی استادان پوهنتون کابل می‌نمایند ما معلمین لیسه حبیبیه دست به يك سلسله اقدامات مقتضی خواهیم زد. ناگفته نماند که اتحادیه معلمین خواست میرم و اساسی و صنفی تمام معلمین افغانستان را ایجاب می‌کند، تا معلمین



# د هیواد بنحو او نارینه و! د افغانستان د خلکو ملي گټې حکم کوی چه باید د شورا د دیار لسمې دورې په انتخاباتی مبارزو کی فعال گدون و کړو! باید دهیواد رښتني ملي اودموکراتیک، ترقی غوښتونکی او هیوادپالونکی عناصر تشویق کړل شي چه خپل ځانونه د شورا نمایندگی ته کاندید کړی. باید د خلکو واقعی نمایندگانو او دخپل هیواد افغانستان سرتیرو مدافعانو ته رأی ورکړو!

فحش و دشنام پاسخ دهیم، بنا بر آن تمام توجیهات و حملات خصمانه و دشنام‌های گردانندگان جریده «خبیر» را از ابتدای نشرات شان تا کنون که علیه ما صورت گرفته است به اخلاق (!) مسلکی ادعائی آنان که چنین اجازه را به ایشان داده است، رجعت می‌دهیم.

## یک تعبیر نادرست

تداعی می‌کند، اظهار تأسف می‌نماییم. ولی از آنجائی که پالیسی نشراتی پرچم بنا بر اصول اخلاق مترقی اجازه نمی‌دهد که فحش و دشنام را با

جریده «خبیر» در یکی از شماره‌های گذشته خود جمله‌یی از نامه رسمی، تبریکه و شناسایی استقلال افغانستان مورخ ۲۷ می ۱۹۱۹ رئیس حکومت شوروی را به پاسخ نامه امان الله خان پادشاه افغانستان منتشره در شماره نهم پرچم (که متن هر دو نامه در آرشیو وزارت خارجه افغانستان نیز موجود



د افغانستان د خلکو دموکراتیک افکارو خپروونکی

۱۹ جوزا ۱۳۴۸

## جلسه مشاورتی (۷۰) حزب کمونیست و کارگری در مسکو افتتاح شد

آخرین جلسه مقدماتی احزاب کمونیست و کارگری بروز (۱۲) جوزا با موفقیت پایان یافت. پروادا نوشت آنگاه که جلسه مقدماتی (۷۰) حزب کمونیست در مسکو دایر بود، دستگاه‌های تبلیغاتی بورژوازی به مبارزه وسیع علیه آن آغاز کردند، تبلیغات ارتجاعی هم به نفاق افکنی در بین کمونیست‌ها پرداختند، ولی باید بدانید که: وحدت کمونیست‌ها هیچ‌وقت جریحه‌دار نمی‌شود و مستحکم و پخته است.

در جریان هفته گذشته نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای مختلف یکی بعد دیگری به غرض اشتراک در جلسه احزاب کمونیستی و کارگری وارد مسکو گردیدند.

احزاب کمونیستی و کارگری با شرکت (۷۰) حزب کمونیست و کارگری در مسکو افتتاح شد. انگیزه اصلی این جلسه مشورتی تقویت هرچه بیشتر صفوف احزاب کمونیست و کارگری در جهان می‌باشد. جلسه مشاوره به خاطر صلح، آزادی، ترقی اجتماعی و سوسیالیزم و مبارزه علیه دشمن مشترک (امپریالیزم جهانی) دایر گردید، زیرا امپریالیزم متجاوزتر شده است.

باآنکه گرایش غلبه سوسیالیزم علیه امپریالیزم روز افزون است، معهدا لازم است وحدت عمل تمام نیروهای مترقی بیشتر از پیش تأمین گردد. این جلسه بعد از (۹) سال برگزار می‌شود

بروز (۱۵) جوزا جلسه مشورتی

از (ص ۳)

## گزارش کمیسیون منتخب ...

کابل تایمز - موسسه د باختر آژانس - روزنامه‌های سیا و کاروان و جریده‌های افغان ملت - پیام وجدان - مساوات - پرچم - جبهه ملی - سپیده دم - پکتیکا - ترجمان - خبیر - گپه‌خ و هدف برای نشر فرستاده شد. کمیسیون منتخب استادان پوهنتون کابل خواهش می‌کند این مطالب و گزارش‌های بعدی کمیسیون عیناً و بدون هیچ‌گونه تصرف نشر شود. از طرف کمیسیون منتخب استادان پوهنتون.

**(پرچم):** متن کامل فیصله نامه ضمیمه این گزارش را قبلاً در شماره (۱۰) خویش بدون کوچکترین تصرف نشر کرده‌ایم، بنا بر آن از چاپ مکرر آن درین جا صرف نظر شد.

**نومین گزارش کمیسیون منتخب استادان پوهنتون کابل** به تعقیب گزارش شماره (۲) مورخ ۱۲ جوزای ۱۳۴۸ کمیسیون منتخب استادان پوهنتون به اطلاع رسانیده می‌شود:

کمیسیون بعد از صدور فیصله نامه استادان پوهنتون (به تاریخ ۲۱ ثور، ۱۳۴۸) که متعاقباً در بعضی از جراید منتشر شد و در ماده هشتم آن گفته شده بود «تقاضا داریم تا در تعمیم مواد مندرجه این فیصله نامه از تاریخ ۶ جوزای ۱۳۴۸ بیشتر تأخیر به عمل نیاید. در غیر آن، استادان پوهنتون به اقدامات بعدی مقتضی قانونی متوسل خواهند گردید» طبق حکم ماده (۹) فیصله نامه به تاریخ ۱۲ جوزا فیصله نامه را به ولسی‌جرگه، مشرانوگرجه و ستره محکمه (به علت عدم اطمینان از وصول رسمی آن به آن مراجع) سپرد و گزارش آن را جهت نشر به جراید فرستاد؛ اما ولسی‌جرگه، مشرانوگرجه و ستره محکمه تا کنون عکس‌العمل

### پرچم

دامتیاژ خاوند او مسوول مدیر: سلیمان لایق

تلیفون: ۲۳۱۶۴

د یوه گنی بیه : ۲/۵ افغانی

مطبعه دولتی

تایپ متن: قاسم آسامی، ویرایش جدید: عمر فیض

## د ننگرهار پوهنتون او بنوځیو د محصلانو او شاگردانو له خوا د همدردی مظاهره وشوه

اراسیدلی خبرواتی چه د جوزا په شپږمه د ننگرهار د پوهنتون د محصلینو اود دارالمعلمین او نورو بنوځیو دشاگردانو له خوا د این سینا او د کابل د پوهنتون دزده کونکو او محصلینو دمسالمت آمیز اعتصاب او مظاهرو په مقابل کی د پولیسو د غیرقانونی مداخلی په ضد ستره او بی ساری مظاهره وکړه. پدغه مظاهری کی چه گڼ شمیر شاریانو په کی برخه اخیستی وه، د پولیسو د مداخلی په ضد او د کابل د پوهنتون د محصلانو اود این سینا دشاگردانو په ملاتړ کی جدایی ویناوی وشوی. د مظاهری په پای کی دغه فیصله لیک صادر شو:

## مظاهره شاگردان بنوونخی متوسطه آقا علی شمس

شاگردان بنوونخی متوسطه آقا علی شمس بروز (۱۳) جوزا به غرض تأمین خواست‌های صنعتی خویش و علیه اقدامات بی‌موقع و دسیسه آمیز مقامات مربوط معارف دست به مظاهره زدند. شاگردان میگویند درین موقع که امتحانات چهار و نیم ماهه نزدیک است مقامات معارف ولایت کابل دست به یک سلسله تبدیلی‌های شاگردان ازین بنوونخی به بنوونخی های دیگر که پروگرام تدریسی و سوبه پیشرفت آن با بنوونخی آقا علی شمس تفاوت زیادی دارد، زده‌اند تا از یکطرف متعلمان آگاه و وطن‌پرست این بنوونخی را تصفیه نموده باشند و از طرف دیگر زمینه ناکامی آنان را در مکاتب جدید فراهم نمایند.

## تظاهرات شاگردان لیسه پغمان

شاگردان لیسه پغمان بروز ده جوزا به خاطر ابراز همبستگی با نهضت اعصابی معارف و تأمین برخی خواست‌های صنعتی‌شان دست به اعتصاب و تظاهر زدند، که تا کنون ادامه دارد. در آغاز اعتصاب یک تعداد از قریه داران و منتفذن محلی از طرف اداره لیسه و ولسوالی پغمان گماشته شده بودند که شاگردان را ازین حق قانونی‌شان بازدارند؛ اما با عکس‌العمل شاگردان لیسه مواجه شدند.

خبر دیگر می‌رساند که اخیراً

(د لمری مخ پاتی)

## د نشنل عوامی پارٹی ...

دلاری ستره مجا هده میرمن ده تود او پرجوش هرکلی وشو. د نشنل عوامی پارٹی صدر عبدالولی خان به څو ورځی دخپل

بین‌المللی و نوامیس ملی به عمل آمد، عکس‌العمل شدید و صدور فیصله نامه افشاگرانه و محکوم کننده استادان وطنخواه پوهنتون علیه این اعمال غیرانسانی و ضد بشری پولیس و ژاندارم حکومت، صدور فیصله نامه‌های استادان دارالمعلمین عالی، دارالمعلمین کابل، معلمان لیسه های حبیبیه، رحمن بابا و مکاتب شهر و غیره، عکس‌العمل معلمان معارف سراسر کشور و تظاهرات لاینقطع، عظیم و شوکه‌مند محصلان پوهنتون ها و شاگردان لیسه ها و مکاتب مرکز و ولایات کشور اعم از دختران و پسران و مخصوصاً مظاهراتی که همین اکنون که این نبشته را به چاپ می‌سپاریم، در شهر کابل به‌طور بی‌سابقه‌یی، به اشتراک و اتحاد

## اعتصاب شاگردان بنوونخی متوسطه خواجه مسافر

ابن سینا و پوهنتون کابل هرچه زودتر تحت بازپرس قانونی قرار گیرند، - شاگردان لیسه های این سینا و دارالمعلمین کابل بصورت فوری به صفوف شان باز گشتانده شوند. - اداره بنوونخی خواجه مسافر به متعلمان اجازه دهد تا بصورت آزادانه به ایراد کنفرانس‌های هفته وار بپردازند، - برای شاگردان صنوف اول، دوم و سوم چوکی تهیه شود.

## اعتصاب شاگردان لیسه نمان ولایت پروان

رویه ضد دموکراتیک و غیرقانونی پولیس و ژاندارم دستگاه حاکمه افغانستان در حوادث ابن سینا و دارالمعلمین کابل بود.

## مظاهره شاگردان بنوونخی متوسطه قره‌باغ کهدامن

از شاگردان غریب و فرزندان مربوط به دهقانان و سایر اقشار تحت ستم و استثمار جمع آوری شده و از طرف ارباب نفوذ محلی حیف و میل گردیده، از ایشان تحصیل و به مصرف تعمیر بنوونخی رسانیده شود.

از (ص ۳)

## متن فیصله نامه استادان ...

۵- عدم مداخله پولیس در ساحه پوهنتون و مکاتب من‌حیث مراکز علمی. - جبران خساره وارده به پوهنتون و دیگر مراکز علمی از اشخاص مسوول و عاملین اصلی وقایع اخیر. ۷- پشتیبانی عمیق از حقوق کاتکور زندگان. ۸- بر کناری حکومت به حیث مسوول وقایع اخیر. ۹- محصلان و شاگردان پوهنتون و معارف با تحکم اعلام می‌دارند که تا به خواست‌هایشان جواب مثبت داده نشود به تظاهرات و اعتصابات خویش ادامه می‌دهند. کاپی (به تمام جراید غیردولتی)

## اظهار تسلیت

ناگهانی درگذشت. جریان دموکراتیک خلق افغانستان بدین وسیله به همه رفقا، دوستان و فاضل محترم آن تأثرات عمیق خود را ابراز می‌دارد.

داخلی می‌انجامد.

همچنان پیگیری و استواری، اتحاد و همبستگی جوانان مبارز در ظرف یک هفته گذشته، باوجود شرایط بد جوی در هوای توفانی و آفتاب سوزان و بخصوص علی رغم فتنه انگیزی تفرقه افگن و دسایس دشمنان خلق و نیروهای ارتجاعی در ایجاد و حفظ «جبهه متحد دانشجویان» کشور نمونه الهامبخش وزنده ایست از آنچه باید تمام افراد محافل و نیروهای سیاسی ملی و دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست برای ایجاد یک جبهه متحد مستحکم و شکست‌ناپذیر در برابر ارتجاع و استبداد داخلی و استثمار و امپریالیزم بین‌المللی از آن پیروی نمایند.

بروز سه شنبه (۱۳) جوزا متعلمان بنوونخی خواجه مسافر ولسوالی پغمان به پشتیبانی و تأیید شاگردان لیسه ابن سینا، دارالمعلمین کابل و محصلان پوهنتون دست به اعتصاب زدند و ضمناً در جریان اعتصاب خواست‌های صنعتی خویش را نیز مطرح نمودند. شاگردان در اعتصاب قطعنامه‌یی صادر کردند که مطالب عمده آن در مواد آتی خلاصه می‌شود:

- مسوولین حوادث اخیر لیسه

شاگردان لیسه نمان ولایت پروان بروز ۱۸ جوزا دست بیک اعتصاب سه ساعته زدند.

هدف این اعتصاب اعتراض علیه

همچنان تبدیلی شاگردان و فرزندان طبقات غریب این بنوونخی به مکاتب مرکز و دور از منطقه بودباش آنان که پول تهیه وسایل تحصیل را به زحمت بدست می‌آورند، ایشان را به مشکل جدیدی مواجه می‌سازد و آن اینکه باید همه روزه پول کرایه دوطرفه سرویس را هم بپردازند و این امر برای آنان به‌کلی غیرقابل تحمل است.

بنا بر آن متعلمان مذکور دست به مظاهره زدند. طی آن به مقامات مسوول مکاتب شهر ابلاغ نمودند که اگر به زودترین فرصت به رفع این مشکل اقدام نکنند، به عکس‌العمل قانونی شدیدتری مبادرت خواهند ورزید.

۴- قوای ضربه پولیس و ژاندارم ۵- امپریالیزم و استثمار بین‌المللی کهنه و نو مرده باد. ۶- فیودالیزم، ارتجاع، استبداد داخلی و بین‌المللی مرده باد. خواست‌های محصلان و شاگردان معارف ازین قرار است: ۱- باز شدن مجدد مکتب ابن سینا و دارالمعلمین و قبول خواست‌های آن‌ها بدون قید و شرط. ۲- رهایی فوری محبوسین حوادث اخیر. ۳- محاکمه مسوولین اعمال وحشیانه و خون ریزی وقایع اخیر. ۴- عدم مداخله پولیس در تظاهرات و اعتصابات قانونی.

با تأسف اطلاع گرفته‌ایم که عبدالحفیظ یکی از جوانان وطن‌پرست و مترقی کشور که در راه رهایی خلق ستم دیده افغانستان باشرافت و مردانگی گام بر می‌داشت، در اثر یک بیماری به‌طور

## مستحکم باد اتحاد ...

امیدواری بیشتر و نمونه برانزنده رشد نسبی نهضت و درک سالم فعالین جنبش تظاهراتی اخیر محصلان و شاگردان کشور است، برخورد قاطع، اصولی و آگاهانه آنان با گروه اخلاک‌مآراجو و انقلابی‌نمای نهضت شکن است که منجر به طرد و تجرد ایشان از صفوف فشرده و متحد تظاهرات گردید، زیرا این گروه بی مسوولیت در برابر جنبش در ارتباط با ماجراجویان فتنه انگیز بین‌المللی در داخل نهضت به اعمالی دست می‌زنند که نتایج آن بصورت قطع به نفع تأمین هدف‌های شوم عمال امپریالیزم جهانی و ارتجاع سیاه





مبارزات انتخاباتی برای دوره سیزدهم شوری در جریان است. برای جلب آرای مردم از طرف کاندیدها تلاش‌ها و مجاهدات گوناگونی صورت می‌گیرد تا هریک پشتیبانی و آرای تعداد بیشتر رأی دهندگان را بدست آورند. ولی عملاً تعداد رأی دهندگان بنا بر پالیسی دولت، چه بر مبنای قانون انتخابات و چه بر اساس تجاویز و مقررات خود ساخته دیگر، محدود گردیده است. بر

## د انتخاباتی مبارزی وسیلی باید

### شریفی او دموکراتیکی وی

دا ارتجاع او امپریالیزم دی چه خپلو ناپاکو هدفونو ته د رسیدلو لپاره په کثیفو او ککرو وسیلو لاس پوری کوی. یو پییشرو او واقعاً وطن پالونکی انسان عقیده لری چه شریفو انسانی، دموکراتیکو او ترقی غوښتونکو هدفونو ته یواخی دشریفو انسانی، دموکراتیکو او ترقی غوښتونکو وسیلو په توگه رسیدل ممکن دی. البته خلقی انقلابی جنبش د انقلابی جبر له اعمالو څخه د تولنی د تکامل او رشد د جریان چټکتیا د اساسی وسیلو له ډلی څخه د یوی وسیلی په حیث کار

اخلی، ولی باید په نظر کښی ونیول شی چه هغه هم د انسانیت، شرافت، عدالت په چوکاټ کښی د خلکو د اکثریت په گټه او دستمگر او استعمارگر وړوکی اقلیت په تاوان اود زحمتکشو طبقو او دهغو دپښاهنگ د ارادی په اساس په کار وړی چه دا پخپله شریف او انسانی ده.

- د افغانستان دخلک دموکراتیک پییشرو مبارزان همیشه له شخصیت پرستی او خپل خان مننی څخه له عقیدوی تعصب، د خلکو له فریب او غولولو، له عوامفریبی، له شارلاتانی او شانناژ، د خپل اجتماعی مرام له پټولو، له غولونکی وعدو او نورو نورو څخه په کلکه مخ گرځوی.

- پییشرومبارزان همیشه دخپلی مبارزی د روش ثمربخشی دعلمی تیوری د اصولو او د عالیه روش او اخلاقو په اصولیت کښی مطالعه کوي او د خپلی عادلانه آزادی بڼوونکی ملی دموکراتیک او مترقی جگری پرچم پاکیزه او لوړ ساتی.

- پییشرومبارزان د مترقی بشریت په لوړو صفتونو باندي په تکیه کولو سره د ډار، ناپوهی، احتیاج د رژیم او دحاکمیت او اداری د ارتجاعی شکلونو پر ضد بی امانه مبارزه کوي او له شرایطو سره سم د خپلی جگری مقدسی وسیلی د مبارزی په مختلفو صورتو او شکلو کښی بدلوی.

اوس چه د شوری د دیارلمسی دوری د انتخاباتو مبارزه روانه ده د افغانستان د خلک پییشرو مبارزان د خپلو مسلکی اخلاقو په حکم خپله وظیفه گنی چه د انتخاباتی مبارزی په جریان کښی شریفی انسانی وسیلی د علمی جهانبینی د اصولو په چوکاټ کښی پکار واچوی او له هر ډول ککرو او غیرمجاز وسیلو څخه په کلکه اجتناب وکړی.

البته د یادونی وړ ده په دا سی حال کښی چه مور دغه غیرانسانی او نادرست اصل چه «هدفونه د وسیلو

**دوهم مخ**

دوکتور اناهیتا

# تخمین بیش از ۶ ملیون

از رأی دهندگان کشور عملاً از حق انتخاب کردن محروم‌اند

چه وسایل بدست می‌آورند.

قانون انتخابات کنونی در بسا موارد ضد دموکراتیک است و طرح قانون جدید که در اثر تسلط کامل و کارشکنی‌های جناح دست راستی ارتجاعی در پارلمان در جریان یک دوره کامل تصویب شده نتوانست با حفظ جوانب منفی‌اش که آن‌هم متکی بر سیستم اکثریتی بوده و تناسب نفوس بخصوص در مرکز و دیگر شهرهای بالنسبه پر نفوس کشور در آن مراعات نگردیده است و در پهلوی نواقص دیگر آن، تصویب نشده باقی ماند. هرگاه این قانون به مرحله اجرا درمی‌آمد امکانات اشتراک اقشار بالنسبه وسیع‌تر مردم در مبارزات انتخاباتی به حیث رأی دهنده موجود می‌گردید.

حرف ما درین جاست که صرف نظر از موارد زیاد غیر دموکراتیک قانون انتخابات فعلی در مورد استفاده از

**سلطان علی (کشمند)**

## فرب تبليغات ارتجاعي و تخدير کننده را

### نبايد خورد!

می‌نمایند اکنون تمام دستگاه‌های تبلیغاتی دولت مشغول دروغ بافی و دروغ پرآگنی اند، هرگاه کسی از شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه، عقب ماندگی اقتصادی، شرایط حیات مردم کشور اطلاع نداشته باشد و هم ماهیت تبلیغات ارتجاعی را تشخیص ندهد، با استماع و مطالعه نشرات تبلیغاتی و مطبوعات فریبنده در افغانستان، تصویری مبنی بر رشد

سریع اقتصادی کشور و رفاهیت عامه مردم در ذهنش نقش خواهد بست. چون در کشور ما نیز، مبارزه ایدئولوژیک عمق و حدت روزافزون کسب می‌نماید و ایدئولوژی مترقی در تسخیر عقول و قلوب مردم موفقیت بیشتری بدست می‌آورد، بنا بر آن مخالفین آن به تبوتاب آمده، دست به وسایل گوناگونی می‌زنند تا از این سوءنیت و عمل غیر دموکراتیک و مرتجعانه مقامات مذکور در برابر زنان با شعوری که حاضر اند با تحمل مشکلات فراوان و طی مراتب طولانی و بیروکراتیک بازم آسمای خویش را ثبت جداول رأی دهندگان نمایند. کاملاً مشهود است.

سیاست تبعیضی مقامات مربوط دولتی

در برابر زنان، در مساله انتخابات، عیان‌تر از آنست که بتوانند آن را بپوشانند. مدت کوتاهی که برای ثبت اسماء زنان در جدول انتخاباتی، تعیین گردیده نه تنها ناکافی است، بلکه به بهانه‌های گوناگونی برای سپری شدن بلااستفاده معیاد مقرره عمداً کوشش می‌شود و در کار ثبت اسماء صریحاً تغلل و بهانه‌جویی به عمل می‌آید. مقررات و شرایطی که درین زمینه وضع گردیده است خیلی ضیق و دور از واقعیت می‌باشد.

تعداد زیاد زنان مربوط خانواده‌های که فاقد منزل شخصی در شهر اند، به شکل تبعیض آمیزی از حق رأی محروم می‌گردند.

بهمطور کلی آرای دهقانان ساده کشور

از طرف متنفذین محلی با دستبازی مقامات حاکمه در معرض توطئه، تهدید و خرید و فروش و چپاول قرار می‌گیرد. در انتخابات دوره دوازدهم

عملاً به مشاهده رسید.

که حتی از رأی دادن هزاران انسان زحمتکش روستایی ما، در صورتی که محروم می‌گردند.

(ص ۲)

## بزن بهادری (!) وزیر زراعت

و وطن‌پرست وزارت زراعت مذبوحانه تلاش می‌ورزد.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان نسبت به این شیوهٔ وزیر زراعت که خلاف تعهد رسمی حکومت به ولسی‌جرگه و ضد کرامت انسانی عمل می‌کند، بر حکومت بی‌طرف (!) بر سر اقتدار شدیداً اعتراض می‌نماید بخصوص این عمل نادرتهٔ اعضای حکومت در جریان مبارزهٔ انتخاباتی دوره سیزدهم شوری مورد انزجار و تنفر عمومی قرار گرفته است.

اساس احصائیه‌های رسمی نفوس کشور، تعداد رأی دهندگان اعم از مردان و زنان که واجد شرایط رأی دهی‌اند، باید حداقل بیشتر از هشت ملیون نفر باشند. لیکن تجربه انتخابات دوره دوازدهم شوری نشان داد که ازین حق عملاً بیش از دو ملیون رأی دهنده در سرتاسر افغانستان، نمی‌توانند استفاده نمایند. ازین تعداد هم بر طبق قانون انتخابات فیصدی بیشتر آرا بنا بر سیستم اکثریتی انتخابات، به هدر می‌رود. بدین لحاظ در عمل همه وکلای ولسی‌جرگه من‌حیث‌المجموع تخمین رأی بیشتر از چهارصد هزار رأی دهنده را با خود ندارند (چون ارقام و احصائیه‌های موقت و رسمی در دسترس نیست، بنا بر آن تخمین شده است). همگان می‌دانند که این تعداد رأی را نیز اکثریت مطلق وکلا بخصوص در ولسوالی ها، دهات و قراء کشور به

می‌نمایند اکنون تمام دستگاه‌های تبلیغاتی دولت مشغول دروغ بافی و دروغ پرآگنی اند، هرگاه کسی از شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه، عقب ماندگی اقتصادی، شرایط حیات مردم کشور اطلاع نداشته باشد و هم ماهیت تبلیغات ارتجاعی را تشخیص ندهد، با استماع و مطالعه نشرات تبلیغاتی و مطبوعات فریبنده در افغانستان، تصویری مبنی بر رشد

## مقاومت و مبارزه قانونی جبهه متحد دموکراتیک

### جوانان پوهنتون و معارف ادامه دارد

ماده ۲۱ قانون اساسی،»به خاطر حفظ حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم ستمدیده افغانستان و به خاطر دادن جواب دندان شکن به عمال وحشیانه پولیس و ژاندارم دستگاه حاکمه افغانستان در برابر شاگردان وطن‌پرست لیسه ابن سینا، دارالمعلمین و محصلان و استادان پوهنتون، به خاطر مبارزه در راه رشد نهضت رهائی‌بخش ملی و اجتماعی کشور دست به تظاهرات

جبهه متحد دموکراتیک جوانان پوهنتون و تمام لیسه های مرکز به تعقیب و تانید اکید (۱) فیصله نامه و پلانفورم عمومی محصلان و شاگردان پوهنتون و معارف کشور و (۲) احتجاجیه تاریخی ۱۷ جوزا ۱۳۴۸ خویش علی الر غم تغتین ارتجاع و اخلاکلران چپ نمای اتحاد شکن از تاریخ ۲۳ ثور ۱۳۴۸ تا کنون (۲۴ جوزا ۱۳۴۸) به‌صورت پیگیر و متحد در چوکات قانون و مطابق به

تبلیغات سوء شدید و دامنه دار و تلقینات تخدیر کننده از طرف مرتجعین، مستبدین، استعمارگران و عمال آنان در تمام گوشه و کنارهای کشور در جریان مدت‌های متمادی مردم را در حالت رخوت و ناآگاهی در برابر مسایل حیا تی جامعه و زندگی اجتماعی ایشان نگهداشته است.

هنوز خاطرهٔ اعتصابات، میٔتینگ‌ها و مظاهرات خیابانی بیست و چهار روزهٔ سال گذشته از یادها نرفته که بار دگر حوزه‌های روشنفکرانه کشور ما (مکتب‌ها، پوهنتون) را شور و هیجان فراگرفته است. جنبش، عصیان و بی‌قراری به شکل‌های گوناگون این حوزه‌ها را رنگ انقلابی داده است.

## حکومت موقت انقلابی در ویتنام جنوبی تشکیل گردید

موقتی ویتنام جنوبی پشتیبانی می‌نماید. وظیفه اساسی حکومت موقتی تغییر رژیم دست نشانده فعلی سیگونی به یک رژیم ملی و خلقی اعلان گردیده است. طبق اطلاع تا حال کشورهای الجزایر، سوریه، کیوبا، کوریای شمالی، اتحاد شوروی و کشورهای دیگر سوسیالیستی حکومت انقلابی را به رسمیت شناخته‌اند.

گرچه محافل حاکمه امریکایی سعی می‌ورزند ظاهراً در برابر این اقدام جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی از خود خونسردی نشان دهند ولی از وضع طوری معلوم می‌شود که آن‌ها ازین انکشاف سخت دچار تشویش‌اند؛ زیرا پرابلم جدید قرار نمی‌داد.

نظر باید داشت که هرگونه میالغه در مورد نقش تاریخی و اجتماعی قشر روشنفکر از اصول جهان بینی علمی انحراف به شمار می‌رود.

قشر روشنفکر به معنی سوسیولوژیک کلمه در سده هفدهم به حیث اپوزیسیون ایدئولوژیک و سیاسی نظام‌های زمان، در حواشی جامعه اروپایی تبلور کرد.

بورژوازی همانگونه که با ایجاد طبقه

احساس و آرزوی مشترک روشنفکران مربوط به طبقات و اقشار مختلف اجتماعی را به همدگر پیوند داده وامی‌دارد تا به جاه‌ها راه بیفتند، شعارهای سرخگون با خود حمل کنند و شعار دهند:

- «مرگ بر ارتجاع و امپریالیزم! مرده باد استبداد و استثمار!»

در فریادهای اینان شکوه خشم آمیزی موج میزند. از لابلای کلمه‌ها و جمله‌های شان ناله و درد پیداست احساس کینه و انتقام می‌جوشد. اینان می‌خواهند کسی را، چیزی را نابود سازند. ایننان از وضع موجود ناراضی‌اند. می‌خواهند وضع موجود دگرگون شود. خیلی فشرده: انقلاب می‌خواهند!

طرح مسأله: پس منظر تاریخی کشورها، به‌خصوص کشورهای مغرب زمین، نشان می‌دهد که قشر روشنفکر در جنبش‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی نقشی ارزشمند داشته است. (در این مقاله منظور روشنفکرانی نیستند که در خدمت ارتجاع درآمده‌اند) روشنفکران به حیث عناصری با قدرت دینامیزم قوی فکری، دینامیزم عمومی جامعه را متأثر ساخته می‌توانند. باین‌همه در



(از ص اول)

## نگاهی به جنبش‌های روشنفکرانه

نمونه‌های جوامع سالم و ایدیل‌شان شان را ترسیم می‌کردند. روشنفکران برای رهایی از وضع موجود دست به یک سلسله فعالیت‌ها زدند. از همین‌جا حرکت‌های سیاسی روشنفکرانه به میان آمد. در فرجامین تحلیل مبارزات سیاسی روشنفکرانه، یکی از مظاهر تضاد درون جوامع طبقاتی دوران بود. مبارزات سیا سی روشنفکرانه کوشش فشری از جامعه طبقاتی بود برای حل تضاد طبقاتی که این کوشش به اشکال گوناگون مطلوب و نامطلوب درست و نادرست، معقول و نامعقول ظاهر شد.

در نیمه‌های سدهٔ نزدهم، با پدید آمدن و گسترش جهان بینی علمی - بخشی بزرگی روشنفکران به آن روی آوردند. برای مدت نسبتاً دراز روشنفکران باوجودی که از وضع توده‌ها ناراضی بودند، نتوانستند ازین جهان بینی به سود توده‌ها استفاده‌ای چشمگیر کنند؛ زیرا آنان ایجاد ارتباط واقعی و صحیح را با توده‌ها نیاموخته بودند، در حال تجرد از توده‌ها می‌زیستند و در عمل مبارزمشان را پدیدیمی مستقل تلقی می‌کردند. خصلت‌های روشنفکرانه که بعضاً منشأ طبقاتی داشت، مبارزات روشنفکران را به کوره راه‌های اشتباه می‌کشاند. بدین‌صورت دفتر خاطرات افشار روشنفکر، در ساحة مبارزات سیاسی مترقی، پر از شکست‌ها، راسترویی‌ها، چپ‌روی‌ها و انحرافات دیگر بود.

در آغاز سدهٔ بیستم کوشش‌های پیگیری صورت گرفت تا حرکت‌های روشنفکرانه از یکه تازی و استقلال خویشتن طلبانه خود دست بردارد و در مسیری معقول، خارج از تجرد، یکجا با جنبش تودیمی، در مقام تأثیرات دیالکتیکی با آن بیفتد. این خواست به‌خصوص در روسیه تزاری با خلاقیت انقلابیون سرسخت و هوشیار جامعه عمل پوشید.

در کشور ما: جنبش‌های روشنفکرانه، در چوکات جهان بینی مترقی، مدنیتست که در کشور ما آغاز یافته است. در شرایط افغانستان روشنفکران با مقایسه با اکثریت مردم، سویه نسبتاً بلند فکری و فرهنگی را دارا هستند. این وضع به آنان روحیهی حساس داده است. یک خصلت عام روشنفکران کشورهای روبه انکشاف، از جمله افغانستان، روحیه مقایسه گر آنان است. این روشنفکران همواره وضع کشور خود را با جهان پیشرفته مقایسه می‌کنند. نتیجه این مقایسه همیشه تلخ است. به

**قانون اجراءات جزائی:**

این قانون در سال ۱۳۴۴، یعنی بعد از انفاذ قانون اساسی در معرض تطبیق گذارده شده و به‌صورت مجموع محتوی طرز تحقیق، تعقیب و اقامه دعای جزایی، صلاحیت‌های محاکم نظر به موضوع، طرق اعتراض بر احکام محاکم، تنفیذ احکام محاکم و احکام عمومی، می‌باشد.
از آن جایی که اکثر احکام مواد قانون اجراءات جزایی ضد آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، ضد دموکراتیک و ضد خلقی است، به ارزیابی دقیق احکام مواد مربوط به هرکدام از مسایل آن می‌پردازیم:

**اجراءات مربوط به تحقیق:**

چون گرفتاری و توقیف در قانون اجراءات جزایی جزء امور مربوط به تحقیق تلقی گردیده و روزانه صدها نفر با اتکای احکام مواد این قانون به محابس و زندان‌ها کشانده می‌شوند، بهتر است حکم ماده (۲۶) قانون اساسی را در مورد توقیف با احکام سایر مواد قانون اجراءات جزایی درین زمینه مقایسه جدی بنماییم.
پاراگراف (۸) ماده (۲۶) قانون اساسی حکم می‌کند: «هیچ‌کس را

گفتهٔ دیگر روشنفکر ما در بن بست تضادی گیر مانده است: تضاد بین ایدئال‌ها و آرزوهای ذهنی و واقعیت‌های عینی، تضاد بین آنچه او می‌خواهد و آنچه واقعاً هست. این تضاد در تحلیل نهایی انعکاس تضاد اجتماعی جامعه ماست. درین حال برای روشنفکر دو راه موجود است: نخست اینکه نومید و وامانده تسلیم ارتجاع گردد وزندگی مرفعی برای خود دست و پا کند. دو دیگر اینکه با وسعت نظر و با اراده محکم برای دگرگون ساختن شرایط دست به مبارزه وسیع سیاسی بزند.

در افغانستان کتلهٔ قابل ملاحظه روشنفکران به‌سوی مبارزه سیاسی می‌گرایند. این جنبش‌های روشنفکرانه در چارچوب دسته بندی‌های مشخص سیاسی شکل گرفته است. اگرچه

جریان جلوگیری نمایند.

همانطوری که در کشورهای سرمایه داری با وصف رقابت رادیو و تلویزیون هنوز جراید و مجلات از وسایل عمدهٔ تبلیغاتی به شمار می‌رود، در کشور ما نیز این وسیلهٔ تبلیغاتی به‌طور روز افزونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نشرات امپریالیستی و کشورهای وابسته ضمن نشر مطالب بی‌ارزش و سطحی، ولی انگیزندهٔ روز، رایورها و اخبار پر آب و تاب جنائی - عشقی و غیره، چاپ عکس‌های متعدد و بخصوص تصاویر غیراخلاقی و تحریک آمیز، نشر انواع مختلف ضمایم و حتی ضمن اشتهار و رکلام صابون، موتر یا جاروی برقی، کوشش می‌شود که شیوهٔ تفکر معینی را بر مردم تلقین کنند، رقابت بر سر مسأله فروش اجناسی و کلام‌های تجارتی درین کشورها زمینه را برای تتبع اسلوب‌های مختلف تأثیر بر افراد به وجود آورده است که ازین اسلوب‌ها در تبلیغات سیاسی نیز به مقیاس وسیعی استفاده می‌گردد.

هدف این‌گونه تلقینات و تبلیغات سیاسی به‌وسیله رادیو، سینما، روزنامه‌ها و جراید با پروگرام‌ها و مطالب ظاهراً جالب ولی ارتجاعی که در کشور ما نیز روز تا روز رواج رونق بیشتر پیدا می‌کند عبارت است از: انصراف توجه مردم از مسائلی اساسی اجتماعی و سیاسی و مشغول ساختن ایشان به مسایل ناچیز روزمره و ده‌ها مسأله عادی روز، مثلاً این مطالب که چطور باید لباس پوشید، چطور باید غذا پخت، اتاق‌ها را چگونه فرش کرد و یا ارائه معلومات

## جنبش‌های روشنفکرانه

تحلیل کامل جنبش‌های روشنفکرانه کشور ما شاید قبل از وقت باشد، مگر با این‌هم درین جنبش‌ها چند خصلت چشمگیر دیده می‌شود:

۱- عده‌یی از روشنفکران و دسته بندی‌های مربوط به ایشان شرایط اجتماعی کشور را به‌صورت درست نشناخته‌اند و اصول جهان بینی علمی را به‌صورت عمقی فرا نگرفته‌اند.
بدین معنی که **درک آنان از مبارزه طبقاتی سطحی و فشریست. تحلیل آنان از وضعیت طبقات، اندازهٔ رشد و نیروی طبقات، محاسبه نیروهای خودی و دشمن، وضع ذهنی طبقات ستمکش و بالاخره ساحة امکانات درست نیست.** این دسته روشنفکران در **چوکات شرایط عینی مبارزه نمی‌کنند، بلکه می‌خواهند به مبارزه شکل کتابی و نمونه بی بدهند.**

(از ص اول)
همانطوری که در کشورهای سرمایه داری با وصف رقابت رادیو و تلویزیون هنوز جراید و مجلات از وسایل عمدهٔ تبلیغاتی به شمار می‌رود، در کشور ما نیز این وسیلهٔ تبلیغاتی به‌طور روز افزونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نشرات امپریالیستی و کشورهای وابسته ضمن نشر مطالب بی‌ارزش و سطحی، ولی انگیزندهٔ از وقت آزاد او گرفته می‌شود تا فرصت برای تفکر یا مطالعه در باره مطالب و مسایل مبرم اساسی باقی نماند.

البته فقر موحش و عدم مصونیت در نتیجهٔ استعمار بی‌رحمانه اکثریت بزرگ جامعه - زحمتکشان و شدت کار در جوامع طبقاتی و من‌جمله افغانستان خود زمینه تفکر و اشتراک در مسایل حیاتی جامعه را از آن‌ها سلب می‌نماید.

جهت و هدف اساسی از این‌گونه تبلیغات در آخرین تحلیل چیزی جزء تلاش برای آرایش چهره نظام فرتوت و پوسیده اجتماعی- اقتصادی جامعه،

هدف این‌گونه تلقینات و تبلیغات سیاسی به‌وسیله رادیو، سینما، روزنامه‌ها و جراید با پروگرام‌ها و مطالب ظاهراً جالب ولی ارتجاعی که در کشور ما نیز روز تا روز رواج رونق بیشتر پیدا می‌کند عبارت است از: انصراف توجه مردم از مسائلی اساسی اجتماعی و سیاسی و مشغول ساختن ایشان به مسایل ناچیز روزمره و ده‌ها مسأله عادی روز، مثلاً این مطالب که چطور باید لباس پوشید، چطور باید غذا پخت، اتاق‌ها را چگونه فرش کرد و یا ارائه معلومات

پرچم

(از ص اول)

## تخمین بیش از ۶ میلیون …

درک شده به نفع کاندیدای مرتجع و منتفذ مورد نظر نبوده، عمداً به وسایل و حیل گوناگون جلوگیری به عمل آمد.

حق رأی تعداد کثیری از زحمتکشان شهری در کشور اعم از کارگران، پیشه‌وران، کسبه کاران، کارگران روزمزد و غیره که به‌طور عمده از دهات به شهرها و بخصوص شهر کابل مهاجرت کرده و متوطن گردیده‌اند، بر اساس قانون انتخابات و توجیحات ناصحیح و ضد منافع مردم از آن، در عمل سلب گردیده است؛ زیرا امکانات عودت آنان هنگام رأی دهی در محل اصلی سکونت برای اکثریت مطلق ایشان از هر لحاظ ناممکن است. تعدادی از زحمتکشان به صفت مستخدمین در مؤسسات دولتی و هم تعدادی از مأموران پائین رتبه دولتی که حق رأی در حوزه مربوطه ناحیه کار خود را دارند، از

لحاظ کمیت در برابر تمام افشار زحمتکش شهری محدود اند. ولی تعداد کثیری از کارگران و اصناف زحمتکشی دیگر که به کار مزدوری روزانه اشتغال دارند، بر اساس پالیسی تبعیض آمیزی که اتخاذ گردیده است، اصلاً حق رأی خویش را از دست می‌دهند. به‌طور مثال مجموع نفوس شهر کابل که در حدود پنج صد هزار نفر می‌باشد هرگاه دست کم نیمه آن را رأی دهنده قبول نماییم که دو صد و پنجاه هزار نفر می‌شود ازین جمله طوری که در دوره دوازدهم انتخابات شوری به ملاحظه رسید، در حدود بیش از سی هزار نفر نتوانستند که رأی دهند و هم اکنون اگر به جدول رأی دهندگان نواحی مختلف نگاه مختصری افکنده شود، به‌وضوح می‌توان تصویر بی‌تناسبی را بین تعداد رأی دهندگان و نفوس شهر مشاهده کرد. علی‌هذا القیاس در توده‌ای مردم مغشوش گردد. این فقط مرتجعین، خائنین به منافع ملی، جواسیس شبکه‌های سیاه جاسوسی امپریالیستی و اخلال گران هستند که نفع شان اقتضاء دارد فضای مغشوش و محیط هیستریک به وجود آورند، زیرا چنین محیطی به آن‌ها امکان می‌دهد مردم را با استفاده از احساس زودگذر و انعکاسات عصبی خود به خودی تحت تأثیر قرار دهند، نه به کمک دلیل و استدلال.

قابل تذکار است که تبلیغات سیاسی از لحاظ ماهیت و هدف‌های خود و از لحاظ سومنندی و زیان‌بخش بودن آن‌ها از هم تفکیک می‌گردند، نه آنکه هرگونه تبلیغات را نادرست و مضر بشماریم تبلیغات عناصر فئودال و امپریالیست پرست و بورژوائی با تمام اشکال آن، از خشن‌ترین اشکال گرفته تا ظریف‌ترین آن، وسیله ایست برای نفوذ دادن ایدئولوژی عناصر فئودالی و بورژوائی در تمام شئون حیات مردم و آرایش چهره کریه نظامات منسوخ و پوسیده اجتماعی و اقتصادی، ولی تبلیغات مترقی مجاهدت آگاهانه ایست برای نشر و اشاعه حقیقت و راستی میان

وسیع‌ترین قشرهای مردم، با تذکر و تأکید این نکته اساسی که عدالت را نمی‌توان به‌طور مجرد و منفرد در جامعه برقرار کرد، بلکه با اقدامات جمعی مردم است که می‌توان راه را برای تأمین زندگی بهتر، برای رسیدن به یک جامعه مرفه و مترقی هموار نمود، تبلیغات مترقی جزء لاینفک پیشرفت جامعه بشری می‌باشد.

## باید قوانین ضد دموکراتیک ـ ضد خلقی

**و ضد ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی لغو گردد**

بگیرند، غلط و نا عاقبت اندیشانه تفسیر نموده، در قوانین مابعد به وضع موادی مبادرت می‌ورزند که نه تنها آزادی‌های طبیعی مردم جامعه ما را لگندمال می‌نمایند، بلکه با ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی نیز تضاد عمقی دارد.

حرکات خصومت آمیز گروه مسلط بر مقدرات مردم ما، در تمام جوانب زندگی اجتماعی متبازل و عریان است و به کمال وقاحت تلاش می‌ورزند تا برای منکوب نگه‌داشتن آزادی‌ها و اتلاف حقوق مسلم خلق از الفاظ و جملات هم سوء استفاده کرده و در پیچ و خم‌های مواد قانون هم بر حق مردم می‌تازند و سند محکومیت خود را بدست خود امضاء می‌کنند.

باوجود نص صریح ماده (۲۶) قانون اساسی باز هم در ماده (۱۰۶) قانون اجراءات جزایی قید کرده‌اند: «وقتی‌که خارتوائی ضرورت توقیف متهم را احساس نماید موضوع را به قاضی محکمه ابتدائیه مربوط تقدیم نموده

زر و یا این متفقین دستگاه حاکمه در

## تخمین بیش از ۶ میلیون …

شهرهای دیگر کشور.
سلب حق رأی از کارگران، بخصوص در شهرهای بالنسبه صنعتی کشور صورت می‌گیرد، که درین امر سرمایه داران و کارفرمایان مرتجع به‌منظور جلوگیری از رشد آگاهی کارگران، به همدستی مقامات و محافل حاکمه ارتجاعی نقش فعال و توطئه آمیزی را ایفاء می‌نمایند. مرتجعین، منتفذین محلی و محافل حاکمه ارتجاعی پیوسته در اندیشه ایجاد فضا و شرایطی‌اند که تعداد آرا آگاهانه را کمتر و عرصه را بر رأی دهندگان باشعور تنگتر سازند. درین امر اخلالگران و ماجراجویان نیز با ارتجاعی‌ترین گروه‌های دیگر همفکر و همدست‌اند که از طریق تبلیغات زهرآگین، به بهانهٔ آنکه با مبارزات انتخاباتی و پارلمانی موافق نیستند، عملاً به نفع مرتجعین ودر کنار ایشان در یک سنگر ضد عناصر ترقی‌خواه وطن‌پرست قرار می‌گیرند. این گروه فتنه انگیز و اخلالگر هر استدلالی را که پایهٔ نظر و عمل خود قرار دهند و هرگونه دلایلی را که برای اعمال کودکانه خود بتراشند، نتیجه عمل آن‌ها در جهت تلاش برای جلوگیری از اشتراک فعالانه توده‌های وسیع مردم در مبارزات انتخاباتی و در آخرین تحلیل بسود استبداد ارتجاع سیاه و محافل حاکمهٔ ارتجاعی و بزبان دموکراسی و عناصر و نیروهای مترقی وطن‌پرست و به خواست طبقات حاکمه ارتجاعی و بر ضد منافع و مصالح ملی می‌باشد.

مع‌هذا وظیفهٔ مبرم روز است که عناصر، محافل، گروه‌ها و جریانات دموکراتیک، تحول طلب و ترقی‌خواه باید علیه مقررات و توضیفات دستگاه حاکمه افغانستان و توطئه‌ها و دسایس محافل ارتجاع داخلی و خارجی و شبکه‌های سیاه آن‌ها، در مورد تثبیت حق رأی توده‌های وسیع‌تر مردم اعم از مردان و زنان و بسیج آن‌ها در صحنه مبارزات انتخاباتی به‌طور مؤثر اقدام نمایند. وظیفه ملی و مترقی در وضع کنونی است که ارتجاع و ریزبونیزم چپ معاصر یعنی چپ‌روان ماجراجو وطنی را که هر یک از طریقی و در نتیجه در یک جهت علیه شخصیت‌ها و نیروهای اصیل ترقی‌خواه وطن‌پرست دست اندر کار تخریب، توطئه چینی و فتنه انگیزی اند، در جریان مبارزات انتخاباتی جواب قاطع و دندان شکن داد و نگاهشت که مردم در شرایط موجود جامعه ما من‌جمله ازین وسیله بیداری دسته‌جمعی خویش خلع سلاح گردند.

اصدار فیصله را می‌نماید که در اصولنامه اداری محاکم و اصول اجراءات محاکمات حقوقی عدلی به تفصیل ثبت شده که در هر صورت «امر لازم» مندرج در ماده (۶-۱) قانون اجراءات جزایی مبنی بر توقیف اشخاص با تمام آن‌ها نقیض است. بنا بر آن که وضاحت دیده می‌شود که ماده (۱۰۶) منکور نه تنها توقیف اشخاص را از حکم محکمه باصلاحیت به «امر لازم» قاضی تعدیل کرده، بلکه به کمال جرات تمدید یک و یا چند مرتبه تو قیف را هم به‌صورت ایشاء است.

مطلب قانون اساسی از «محکمه» هیأت قضایی محکمه که مشتمل بر اعضاء و یا مفتیان محاکم است می‌باشد؛ یعنی قاضی به‌تنهایی نمی‌تواند حکم توقیف کس را صادر نماید، ولی قانون اجراءات جزایی این صلاحیت را هم از اعضاء و مفتیان محاکم پس گرفته و در یک شخص متمرکز ساخته است، زیرا بازم اراده یک نفر، نسبت دو و یا زیاده از آن زودتر و آسان‌تر تحت تأثیر قرارگرفته می‌تواند و ارزان‌تر خریده شده می‌تواند.

**(هلند)**



## د الینگار خلك د پوهنی له وضعی شكایت لری

مور د الینگار خلك د پرچم جريدی چلونكو ته د زره دردونه وړاندی كوو! مور د الینگار د شارامی دری خلك چه له ولایت څخه لری پراته يو په خپله سیمه کی د پوهنی له وضعی نه خوښ نه يو. د پوهنی د توازن سیستم له برکته مور ته د سنگره منځني ښوونځی چه د شیخ صاحب په خای کی دی پرانستی دی. په دی منځني ښوونځی پوری د سنگره ابتدایی ښوونځی، د پروایی لومړی ښوونځی، د شاهي لومړنی ښوونځی او د ننگرهار لومړنی ښوونځی او زیات شمیر کلی والی ښوونځی تړلی دی. څرنگه زموږنر زمان له کلیوالي ښوونځی څخه فارغ شی په ډیر زحمت او واسطو سره یو لږ شمیر په لومړنی ښوونځی کی او چه له لومړی ښوونځی څخه خلاص شی له غیر عادلانه کانکور څخه وروسته زیاد شمیر بیکاره شي او لږ شمیر یی په منځني ښوونځی کی داخلیری.

د تعجب خبره خو لا داده چه همدا اوس له دریم ټولگی نه پورته زیات شمیر هلکان د عمر د ډیروالی یا کم والی له کبله له ښوونځیو څخه وایستل شول. اوس په شاگردانو کی دا ویره پیدا شوی ده چه ځنی نور غریب هلکان به هم په همدی چل سره له ښوونځیو څخه وایستل شی.

بل دا چه پنځه کاله پخوا کله چه لا د متوسطی امر نه وو راغلی له خلکو څخه د تعمیر پیسی ټولی شوی د ساو، سالار او کلمان په خلکو باندي د ښوونځی د ودانی لرگی حواله شول خو د خوار اولس په ټولو شوو پیسو څخه حکومتی مامورینو او ټیکه دارانو خپلی برځی واخیستلی د ښوونځی یواخی ۶ یا ۷ کوتی په باندي جوړی شوی. نور پاتی کار مور په بیکاری ډول سرته ورساو. اوس هم چوکی نشته هلکان په ځمکه کیني او ډیر وخت ختی کوی. لیسه خو شپیر کرو لری ده او د خای د نشتوالی له کبله څوک په کی داخلیدلی نشی. د لیسی د تاسیس دپاره زموږنر هڅو خای ونه نیو. حتی تردی چه دلیسی د تعمیر او د معلمینو لگښت هم قوم په ځان ومانه خو چا قناعت ښوونکی خواب را نکړ. دادی زموږنر دپوهنی حالت.

په درناوی

<b>باید خلك د ولسی جرگی په انتخاباتوكی ونه غولړی</b>	
<span></span>	
پدی ورځو کی چه دولسی جرگی د دپارلمسی دوری انتخابات رانیړدی شویدی او کانډیدان بیا ځان مبارزی ته برابروی، ستاسو له جریډی نه دافغانستان د مترقی خلکو هیله داده چه د انتخاباتو په باره کی سربیره پر هغو ژورو مطالبو چه تاسو د خپل سیاسی مسلک پر اساس خپاره کړی دی ځینی نور داسی مضمونونه خپاره کړی.	
همدا اوس ځینو پخوانیو لیوانو د رشوت په ورکولو او د واسطو په پیش کولو پیل کړیدی. ځینی کهنه کاران، خلك ویروی او نه بی پرېږدی چه په آزاده توگه دخپل راتلونکی وکیل په باب فکر وکړی. دسترخانونه غوړیدلی دی وریجی او غوښی پخیری، څوك په ډوډی، څوك په پیسو، څوك په زور او څوك په زاریو د زرو او جاهلو کانډیدانو لمنی ته ورغوړخول کیږی.	
باید ټول ملی جراید په گډه سره د خیرالله له ده سبز نه	

بقیه از صفحه دوم

# دردنا، شکایت‌ها و اعتراضات خلق

### په پکتیا کی د دموکراسی څه حال دی؟

کی به هر سری ته د یوی پانی په عوض ۱۵۰- افغانی ورکړلی شي. هغه څوک چه په خپلو پښو تللي او د هویټ پانی بی له خان سره وړی وی د خانانو دلالان ورپسی سم شول (په تیره بیا د زرملی په ولسوالی کی) تر

نو په انتخاباتو کی د برخه اخستلو په غرض د هغه ولایت، په بیلو بیلو ولسوالیو کی د هویټ پانی ویشل کیدی دغه د هویټ پانی بی له دی چه عکس او گوتی په ولگول شی خلکو ته ورکول کیدی. هغو منتفذینو او د پیسو خاوندانو چه خوارولس پی د هویټ د پانی اخستلو د پاره په موټرو کی راوستی وو له خلکو څخه د هویټ پانی واخیستلی او په هغو کڅوړو کی بی واچولی چه د همدی مقصد دپاره نی جوړی کړی وی. کله چه د هویټ

پانی چه نه بی عکس نه نی گوته او نه نی لاس لیک درلود د بیرته تلو په وخت کی له خلکو څخه ټولی شوی نو خلکو ته د همدی پیسه لرونکو له خوا وویل شو چه درای ورکولو په وخت اکثریت بزړگی اهالی منطقه زرغون شبر ولایت لوگر را دهقانان زحمتکش تشکیل می‌دهند. زمین‌های زراعتی زرغون شهر که یگانه وسیله تأمین زندگی بخور و نمیر دهقانان آنجاست، از نهری سیراب می‌شود که

از سربند سرخاب جدا شده و به مصرف و زور بازوی آنان احداث گردیده و نظر به فیصله‌های سال‌ها قبل جز اهالی زرغون شهر هیچ‌کس حق ندارد از آب این نهر برای بهره برداری به نفع شخصی خویش استفاده کند، زیرا استحقاق مردم زرغون شهر درین نهر ده ساعته آب آن‌هم از طرف شب می‌باشد و بالاتر ازین گنجایش ندارد.

باوجود این‌هم، از چند سال به این طرف بر خی از متنفذین در اطراف این نهر علاوه بر دو چرخ آسیاب، در حدود پنج صد جریب زمین را برای زراعت به نفع شخصی خویش آماده کرده‌اند؛ که در اثر عرض و داد و احتجاج مردم، آسیاب‌های مذکور ویران و امر تصرف زمین‌های مزبور از طرف مقامات مربوط صادر گردید. ولی موقعی که هیات

## شاگردان متوسطه نمبر دوم بغلان بر اختناق موجود و وسایل ناقص تعلیمی اعتراض می‌کنند

به ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان جریدهٔ پرچم!

لطفاً این یادداشت ما شاگردان متوسطهٔ نمبر دوم بغلان را به سلسله شکایات و اعتراضات خلق در آن جریدهٔ ارجمند نشر نموده و آواز اعتراضی ما را بگوش آسانی که خود را مسؤول معارف دانسته و از مشکلات ما بی‌خبرند و مصروف تلاش‌های شخصی و عندی خود استند، برسانید.

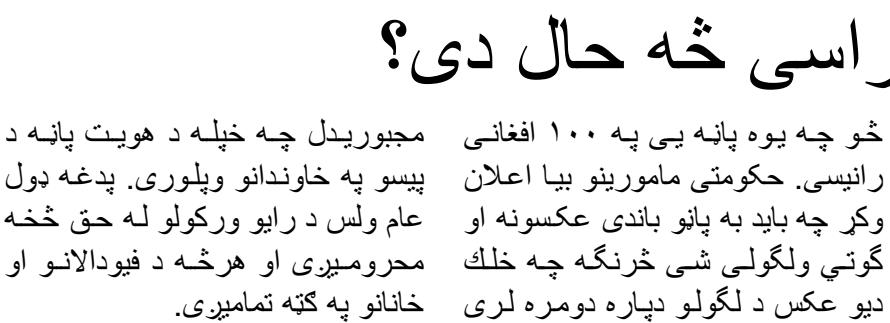
طوری که میدانید ولایت بغلان نسبتاً دارندهٔ منابع زراعتی سرشار بوده و از ولایات غنی کشور می‌باشد؛ ولی وضع

شاگردان درین جا به‌صورت عموم و وضع متوسطهٔ ما به‌صورت خاص تأسف آور است. مثلاً از جمله ده‌ها نارسایی معارف در قسمت متوسطه ما یکی هم محل و عمارت مکتب است که تمام مکتب را در یک حویلی چهار طبقهٔ یک متنفذ محلی انداخته و این عمارت اصلاً برای زندگی یک فامیل ساخته شده است. سال گذشته شاگردانی که فرزندان دهقانان پریشان حال می‌باشند، دو چوب‌تزه را برای کلاس‌های درسی از پول خود ساختند، تا از گزند آفتاب سوزان در امان بوده و حداقل امکان برای فراگرفتن علم داشته باشند. ولی امسال از آن چوب‌تزه ها حتی اثری باقی نمانده است و هیچ‌کسی هم از مسوولین مکتب نپرسید که این چوب‌تزه ها را کدام بیروکرات حریص زیر دیدگان‌های حرص خود آتش زد. شاگردان بیشتر ازین که به فکر فراگرفتن علم باشند به‌حکم اجبار به فکر گرمای سوزان و گذشتاندن قهر تابستان می‌افتند.

از وسایل درسی صرف نامی وجود دارد. سوء استفاده‌های مادی از شاگردان فضای شرم آوری را در متوسطه به وجود آورده است. نظر به عوامل فوق فارغان متوسطه در کانکورها و من جمله در کانکور لیسهٔ زراعت نتایج بدی می‌گیرند و ناکام می‌مانند.

دایر کردن کنفرانس‌ها و محافل علمی ممنوع است و خلاف مقررات پنداشته می‌شود.
مظاهرات و اعتصاب‌های شاگردان معارف در کشور، ادارهٔ معارف بغلان را آن‌قدر زیر تأثیر خود قرار داده است که حتی از بیم آن هرگونه اجتماع تعلیمی و تربیتی را برای شاگردان در عمل تحریم کرده است. آنان درین تازگی شاگردان را از انعقاد کنفرانس‌ها و خواندن مقالات در روز بین‌المللی صحت محروم کردند. منظور ما از نوشتن این تذکر مخالفت با کدام شخص معین نبوده، بلکه اعتراض ما، متوجه مجموع اجراءات ناقص دستگاه معارف است.

**محل امضاء شاگردان**



(بری)

## دهقانان زحمت لوگر از بیداد متنفذین محلی به جان آمده‌اند

جریب کشان می‌خواستند حدود زمین‌های تصرف شده را تعیین نمایند، صاحبان پر قدرت آنان را اجازهٔ داخل شدن به منطقه ندادند و کسی به حال دهقانان مصیبت رسیده زرغون شهر نپرداخت و ملاکان متنفذ همچنان به کشت و زرع زمین‌های اطراف نهر به استفاده از حق آبه دهقانان بی‌دفاع می‌پردازند.

بنا بر آن دهقانان مظلوم زرغون شهر جداً تقاضا می‌نمایند که دستگاه حاکمه هر چه زودتر زمین‌های مذکور را بالای دهقانان بی زمین زرغون شهر توزیع کند تا از چنگال فقر و بیکاری نجات یابند وهم آب نهری که بمزور بازو و حاصل دسترنج خویش اعمار کرده‌اند؛ که در اثر عرض و داد و احتجاج مردم، آسیاب‌های مذکور ویران و امر تصرف زمین‌های مزبور از طرف مقامات مربوط خویش بزنند.

**(حبیب زرغون شهری)**

محصلان و شاگردان وطن‌پرست و پیشرو پوهنتون و معارف در يك صف و جبهه واحد و دموکراتیک می‌باشند. با این همه باید در نظر داشت که گروهی از روشنفکران با تردید و دلدلی به دنبال دسته‌های غیراصولی روان هستند. ما اطمینان داریم که آرنخش تجارب و حوادث تاریکی اشتباهات را روشن خواهد ساخت و این روشنفکران سازمان مطلوب شان را خواهند شناخت و به‌سوی آن باز خواهند گشت. با این همه باید در نظر داشت که این وضعیت از عناصر مربوط به جریان اصلی می‌خواهد که مواضع خود را پیش از پیش مستحکم سازند؛ يك گام از راه اصولی منحرف نشوند، پیگیر این راه اصولی منحرف نشوند، بجنگند؛ با ارتجاع و با دسته‌های غیراصولی باید با تیغ دودم مبارزه طبقاتی مسلح گردند. بکوشند در کوره مبارزه آبدیده شوند و ایمان داشته باشند که بُرد نهایی با آنان است. تاریخ آینده برای شان کف خواهد زد و هورا خواهد کشید.

«**مهر بخش**»

اصولی تسلط خود را بدست آورد!

**نتیجه چیست؟**
بررسی بالا تحلیل کلی جنبش‌های روشنفکرانهٔ کشور ما و شناخت نقطهٔ های ضعیف آن‌هاست. با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی ما نقایص جنبش‌های روشنفکرانه ما امریست طبیعی. ولی باید درنظرداشت که در میان این دسته‌های گوناگون سازمان، اصولی با سیاست «اصیل انقلابی» راه خود را با وجود دشواری‌ها یافته است؛ تحت پرچم اصولیت پیوند مطلوب و منطقی را با توده‌ها استوارتر می‌سازد؛ راهش را علی‌الرغم تقنین گروه‌های غیراصولی در میان مردم باز می‌کند و سرانجام به حیث سازمان سیاسی پیشتاز و پیشاهنگ مقامش را در جامعه می‌گیرد.
باین‌همه باید در نظر داشت که گروه عظیم روشنفکران هنوز به دنبال دسته‌های غیراصولی نرفته‌اند،

اینان روز به‌روز به جریان اصلی نزدیکتر می‌شوند - به واقعیت قضایی‌پی می‌برند که مظهر روشن آن مبارزهٔ متحدانهٔ اخیر جوانان،

و بدین‌صورت آن‌ها را بگشایند. بر عکس در عالم بی‌خبری گذاشته‌اند که حرکت‌های سیاسی‌شان دستخوش تاخت و تاز این عقده‌ها گردد. در نتیجه، شکل و محتوی حرکت‌های آنان به تشنج‌های بیماران مصروع و انسان‌های تبدال می‌ماند. این دسته روشنفکران تشنج‌ها و هذیان‌های بیماران‌ه شان را ظاهراً زیر نام مبارزهٔ طبقاتی در چوکات عمومی نهضت کشور جا داده‌اند که نهضت جوان کشور ما نمی‌تواند از آن بی‌تأثیر بماند. در وضع کنونی عقده‌های لگام گسیختهٔ این گروه به آنان مجال نمی‌دهد که سر به گریبان اندیشه فرو برند و دریابند که مسؤولیت هرگونه ضربه بر نهضت نوجوان کشور متوجه حرکت‌های بیماران‌ه آنان است و تاریخ فردای کشور ایشان را مسنول خواهد شناخت.

معهداً موقتاً وقتاً خطوط اصول در جبین شان نمایان می‌گردد ولی زود چین‌های عقده جای آن را می‌گیرد. امید است هر چه زودتر خطوط

به‌روز ازین شعار فاصله می‌گیرند: خود از توده‌ها چیزی نمی‌آموزند و آنچه به توده‌ها می‌آموزند، فحش دادن و هتک حرمت است. اینان می‌خواهند محتویات ذهنی خویش را بر مردم تحمیل کنند و بس.
۳- دسته‌هایی از روشنفکران وجود دارند که شیوهٔ ایجاد ارتباط معقول بین جنبش‌های روشنفکرانه و جنبش‌های مترقی دیگر، مثلاً جنبش کارگران را نمی‌دانند. به گفتهٔ دیگر اینان نمی‌دانند که روشنفکران چگونه می‌توانند با توده‌ها ببیوندند. عناصری ازین دسته‌ها به‌صورت اشتباه آمیز شیوه‌های مکانیکی را پیش گرفته‌اند. مثلاً لباس‌های کثیف می‌پوشند، حمام نمی‌روند و صورت و موهایشان را اصلاح نمی‌کنند. نام این عمل را مانده‌اند «نزدیک شدن به مردم». این عناصر با تنگ نظری خرده بورژوایی شیوه‌های شکلی و مکانیکی ارتباط را به‌جای شیوه‌های دیالکتیکی گرفته‌اند.

۴- گروهی از روشنفکران به سختی زیر تأثیرات خصوصیات طبقاتی خویش هستند. خصوصیت‌های خرده بورژوایی در کردارها و گفتارهایشان هویدااست. خرده بورژوایی که از فرط خودخواهی «چون به محفل عروسی رود، می‌خواهد که داماد باشد و چون به مجلس عزا رود، آرزو دارد شخص میت باشد.» در مبارزه سیاسی نیز خودخواه، انعطاف ناپذیر، شق و غیراصولی است. تنگ نظری، خودخواهی، قهرمان پرستی، ماجراجویی و عدم شکیبایی، که خود ناشی از عدم ایمان به مبارزه است درین دسته روشنفکران به‌خوبی آشکار است. بی‌حوصلگی و شتابزدگی خرده بورژوایی به این گروه فرصت نمی‌دهد که قضایا را با ژرف نگری و واقع بینی بررسی کنند.

این خصوصیت‌ها انگیزهٔ آن شده که این دسته به خواهش‌ها و آوازهای اتحاد طلبانه پاسخی مثبت ندهند و از عراده تکبر و غرور خرده بورژوایی فرود نیابند و کوشش‌های اتحاد طلبانه را در ساحه های گوناگون مبارزه با تنگ نظری رد نمایند.

۵- گروهی از روشنفکران نتوانسته‌اند عقده‌های روانی‌شان را تشخیص بدهند

# نگاهی به جنبش‌های ...





## اخبار هفته گذشته مربوط به کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری در مسکو تلگرام تبریکیه جمال عبدالناصر رئیس جمهوری متحد عرب:

«منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی لئونید بریژنف! به کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری در مسکو! به مناسبت تشکیل کنفرانسی عالی تقاضا دارم صادقانه‌ترین شادباش‌ها و بهترین آرزوهای مرا برای انجام موفقیت آمیز وظایف و مسائلی که در برابر دارید، به پذیرید. کنفرانس زمانی برگزار می‌شود که اهمیت عظیمی برای احراز آزادی و صلح و تمام بشریت دارد؛ یعنی در آستانه قرن نوینی که برای تمام نیروها و ارزش‌هایی که تاریخ را به پیش رانده و دائماً به پیش می‌رانند حادثه بسا بزرگی است. تجربه نشان داده است که وحدت

\*\*\*

## نگاهی به جریان کنفرانس:

پرولتزی کمک خواهد کرد.» لئونید بریژنف ضمن بحث مفصل بر بعضی پرایلم های انکشاف بین‌المللی در سال‌های اخیر و تحلیل مشخصات خاص امپریالیزم اظهار داشت:

«ما همه معتقدیم که امپریالیزم به حیث یک سیستم اجتماعی، مانع عمده در پیشرفت بشریت به‌سوی پیروزی آزادی، صلح و دموکراسی بوده و می‌باشد.

- نباید به قدرت و توانائی دشمن بیش بها داده شود ... امروز تضادهای عمیق داخلی امپریالیزم بیش از پیش حادتر شده می‌رود.

- امپریالیزم قادر نیست بشریت را از فقر و نیاز نجات دهد، بیکاری را از بین ببرد و برای خلق زحمتکش حیات فارغ از تشویش فردا فراهم نماید.»

وی گفت: «ما نمی‌توانیم که اختلافات موجود در جنبش کمونیستی را نادیده بگیریم، ... این اختلافات را تا حدود زیادی نفوذ تأثیرات روزیونیستی اعم از ماهیت راست و «چپ» در جنبش کمونیستی باعث گردیده است.»

بریژنف در بارهٔ غلبه بر اختلافات اهمیت این سه مسأله را تأکید کرد: «اولاً عمل مشترک علیه امپریالیزم به‌منظور تحکیم جنبش کمونیستی. ثانیاً ضرورت توسعه روابط و تماس‌ها بین احزاب برادر بهر وسیله که باشد و ثالثاً جمع بندی کار تنوریک احزاب و پیشرفت تئوری مارکسیستی - لنینیستی بر مبنای آن.»

موصوف ضمن بحث بر پیشرفت‌های اقتصادی اتحاد شوروی اظهار داشت که «قدرت دفاعی اتحاد شوروی و تمام جامعه سوسیالیستی و امکانات کثنی کردن پالیسی تجاور و جنگ امپریالیستی متکی برین پیشرفت‌ها می‌باشد. همچنان امکانات پشتیبانی ما از جنبش انقلابی و آزادی بخش در سرتاسر جهان متکی برین پیشرفت‌هاست.»

\*\*\*

در کنفرانس، هیأت نمایندگی‌های متعدد احزاب کمونیست و کارگری جهان سخنرانی کردند.

م. رایمان منشی اول حزب

## اخطار نامه و ابلاغیه جبهه متحد دموکراتیک جوانان پوهنتون و معارف

تاریخ کشور ما شاهد این واقعیت است که محافل و طبقات حاکمه افغانستان بنا بر ماهیت غیر ملی و طبقاتی و ستمگرانه خود خلاف مسیر جنبش‌های مترقی و ملی حرکت و عمل نموده است.

به این اساس به تاریخ ۲۳ ثور ۱۳۴۸ پولیس و قوای ژاندارم ماجراجو به دستور و سردمداری محافل حاکمه و مستبد افغانستان در مقابل اعتصاب و خواسته‌های قانونی و صنفی متعلمین ابن سینا نه تنها از ضرب، شتم و حمله وحشیانه کار گرفت، بلکه حرکت قانونی متعلمین ابن سینا و دارالمعلمین کابل را در همان روز سر کوب وعدهٔ راه به خاک و خون کشانید وعدهٔ دیگرشان را به زندان‌های سیاه انتقال داده و بدون هیچ نوع دلایل قانونی درب مکاتب منکور مسدود و عدهیی شاگردان را جبراً تحت نظارت پولیس به ولایات فرستادند.

لذا جوانان روشنفکر، مترقی و وطن پرست پوهنتون و معارف من‌حیث وظیفه انسانی و مسئولیت تاریخی خود علیه تجاوزات غیرقانونی محافل و طبقات حاکمه، مرتجع و مستبد و به خاطر دفاع از حقوق متعلمین ابن سینا و دارالمعلمین کابل به مبارزان دلیرانه و پیگیر و قانونی دست زدند. ولی طبقات حاکمه و ستمگر افغانستان نه تنها به اعمال وحشیانه که بالای شاگردان شریف ابن سینا و دارالمعلمین کابل وارد کرد اکتفا نه نمود، بلکه به تاریخ ۲۹ ثور ۱۳۴۸ پولیس، ژاندارم و قوای ضربه عمل تجاوزکارانه، وحشیانه، و خون‌خوار خود را در مقابل حرکت، قانونی پوهنتون و معارف بار دیگر در ساحه پوهنتون با بی‌شرمی خاص انجام داد. و این حرکات ضد انسانی، ضد قانونی اسلامی بود که روشنفکران پوهنتون و معارف به مظاهرات قانونی دست زدند و هم استادان

کمونیست آلمان اظهار داشت «... امپریالیزم آلمان غرب یکی از قوی‌رین نمایندگان سیستم امپریالیزم جهانی می‌باشد ... امپریالیزم آلمان غرب که متوذهای جیدیی را برای نیل به اهداف تلافی‌جویانه خود بکار می‌بندد، عمدترین خطر برای مسأله صلح در اروپا می‌باشد...»، وی گفت: - «جنگ وحشیانه امپریالیزم ایالات متحده علیه خلق ویتنام و سیاست تجاوز علیه خلق‌های عرب که از طرف امپریالیزم جهانی پشتیبانی می‌گردد، به‌صراحت نشان می‌دهد که چگونه خطر تصادمات بزرگتر نظامی افزایش یافته است.»

و. گیتو عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست مارتینگ اظهار داشت که: «استعمار فرانسه هنوز از بین نرفته است... امپریالیزم فرانسه سعی می‌کند مواضع خود در اقتصاد و سیاست جهانی حفظ و تقویه کند.»

هارمل عضو دفتر سیاسی، منشی کمیته مرکزی حزب کمونیست تونس نظریات حزب خود را راجع به پرایلم های راه رشد غیر سرمایه داری کشورهای آزاد شده از قید استعمار و ارتباط این مرحله با مرحله ساختمان سوسیالیستی بیان نمود. وی دقت نظر اشتراک کنندگان در کنفرانس را در بارهٔ دو خطر مستور جلب نمود: «اول یکی دانستن مرحله راه رشد غیر سرمایه داری با مرحله ساختمان سوسیالیزم، دیگر کم بها دادن پدیده‌های جدید بخصوص ظهور و رشد نیروهای از نظر کیفی اصلاً مترقی - تمایل باز گشت به‌سوی نمونه‌های کلاسیک و فهم منجمد و جزمی اندیشه‌های مربوط به رهبری طبقه کارگر.»

\*\*\*

نماینده حزب کمونیست اسرائیل طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو اظهار داشت: «کمونیست‌های اسرائیل مخالف سیاست دولت اسرائیل می‌باشند، زیرا سیاست اسرائیل در

## به استادان پوهنتون

تصمیم دلیرانه و با شهامت، اعتراض به‌موقع و قانونی شما آموزگاران گرامی، که بی‌شک نقش مؤثری در جنبش دموکراتیک زمان ما دارد، به من امید بخشید تا به نیروی پیشرو و لایزال علم و دانش، فرزندان رزمنده و صدیق خلق در پیکار و نبرد با جهل و خود سری موفق و پیروز گردند و جامعهٔ آزاد و مرفه‌یی که شایسته زمان ما و خواست نسل پیشرو جهانست، به وجود آید.

من روزها در انتظار چنین لحظه‌یی بودم که استادان وطنخواه با نهضت دانشجویان وطن‌پرست در آمیزند. اکنون که جبر زمان یاری کرد و پس از عمری آن روز فرخنده و ارزنده، در لحظات بس حساس جامعه فرا رسید و آرزوی دیرینم را برآورده یافتم، وظیفهٔ انسانی خود پنداشتم تا به شما استادان ارجمند در تقبیح و توبیخ عمل منفور و محکوم پو لیسی در حریم و آستان مصنون پوهنتون قلباً تبریک و تهنیت گویم و نیز همبستگی و پشتیبانی شمارا از دانشجویان رزمندهٔ خلق افغان از دل و جان آرزومند باشم.

«چه خوش باشد که بعد از انتظاری

به امیدۍ رسد امیدۍواری »

آری! به شما تبریک باید گفت، زیرا شما ناگهان با غیرت افغانی و شهامت انسانی و علمی خود مقام فرمایشی علمی را (که سال‌ها در گرو خدمت ارتجاع و استبداد بوده است و به سکوت و اطاعت کورکورانه از ارباب زر و زور سپری کرده‌اند) در چنین لحظه حساس درست به سمت نهضت جوانان توجیه کردید.

آری! با این اقدام دلیرانه پشت استبداد، اختناق و خودسری‌ها را خم کرده، به لرزه در آوردید.

بلی! علم تنها ندهد سود، عمل می‌خواهد!

آری! این اعلامیه افشاگرانه و همه جانبه استادان پوهنتون در تاریخ مبارزات دموکراتیک کشور ما جای برجستگی خواهد داشت.

**دیگر دوران حکومت سر نیزه سپری شده است، اکنون بر قلوب مردم باید حکومت کرد...!**

**یک همشهری دردمند شما**

**م.ن. شایان**

**نمبر ه مورخ ۲۰ جوزای ۱۳۴۸**

**سومین گزارش سومین گزارش کمیسیون منتخب**

## استادان پوهنتون کابل

حال از حقوق فردی و صنفی خویش دفاع کرده بتوانند و در آینده از واقعات دردناک شبیه واقعه ۲۹ ثور که در حریم پوهنتون به وقوع پیوست جلوگیری شود و استادان بتوانند با پیروی از ارزش‌های قانون اساسی افغانستان به حفظ کرامت انسانی مصونیت پوهنتون و استحکام آزادی اکادمیک نایل آیند، اتحادیه استادان پوهنتون تشکیل گردد.

مجلس عمومی استادان به غرض تعقیب فیصله نامه و تدوین طرح اساسنامه اتحادیه استادان اجراءت و اعضای کمیسیون منتخب خویش را با ایزاز بک عضو جدید بار دیگر و به‌اتفاق آراء تائید و تمجید نموده کمیسیون را موظف ساخت تا به تعقیب فیصله نامه و تدوین طرح اساسنامه اتحادیه استادان بپردازد. خواهشمند است این گزارش بدون تصرف نشر شود.

از طرف کمیسیون منتخب استادان پوهنتون

## تظاهرات شاگردان لیسه جبل السراج

**ولایت پروان**

محصلان و شاگردان پوهنتون و معارف در مورد حوادث تأسف آور اخیر در لیسه ابن سینا و دارالمعلمین و پوهنتون کابل.

۲ - محاکمه فوری مسؤولین حوادث مذکور،

۳- اظهار آمانگی و همبستگی با استادان و معلمان و شاگردان و محصلان مرکز در حمایت از جنبش روشنفکری و دانشجویی،

۴- اختصاص عمارت ارگ سابق جبل السراج برای لیسه و انتقال فوری صنوف لیسه در آنجا، که فعلاً مرکز قوای کار است.

**طبق اعلان قبلی، کمیسیون منتخب استادان پوهنتون، مجلس عمومی استادان پوهنتون کابل به ساعت ۹ و ۲۰ دقیقه قبل از ظهر ۲۰ جوزا ۱۳۴۸ با تلاوت چند آیت قرآن شریف توسط یکی از استادان تحت ریاست پوهاند فضل ربی پژواک رئیس پوهنتون در تالار کتابخانه پوهنتون دایر گردید و موضوع تعقیب فیصله نامه تاریخی ۳۱ ثور استادان مورد بحث قرار گرفت.**

در مجلس، راپور اجراءت کمیسیون منتخب توسط رئیس کمیسیون قرانت گردید و سپس بر جستجوی طرق تعقیب فیصله نامه بحث و غور به عمل آمد. مجلس فیصله نمود تا کمیسیون، فیصله نامه را که یک حقیقت است از طرق قانونی تعقیب نماید و برای اینکه تعقیب جدی فیصله نامه تا آخرین مراحل به‌صورت پیگیر و در داخل نظام و تشکیلات صورت بگیرد و استادان به حیث بک صنف در همه

شاگردان لیسهٔ جبل السراج ولایت پروان بروز سه شنبه (۲۰ جوزای ۱۳۴۸) به غرض تأمین خواست‌های صنفی خویش و به تائید قطعه نامه‌های استادان، محصلان و شاگردان پوهنتون و معارف مرکز در مورد حوادث اخیر دست به تظاهرات خیابانی زدند. این مظاهره که از ساعت هشت قبل از ظهر روز مذکور آغاز شده بود تا ساعت بک بعد از ظهر ادامه یافت و بروز ۲۱ و ۲۲ جوزا نیز در همین ساعات دوام کرد. خواست‌های عمدهٔ تظاهرکنندگان را مواد آتی تشکیل می‌دهد:

۱- تائید فیصله نامه‌های استادان،

## فیصله نامه معلمین لیسه تجارت

خطر بزرگی به حیثیت معلمین دانسته به وجود آمدن اتحادیه معلمین را به زودترین فرصت خواهانیم با اکثریت آراء فیصله شد که بک یک کاپی این فیصله نامه به دفاتر جراید ملی سپرده شود.

دانسته پشتیبانی عمیق خود را نسبت به تمام معلمین و متعلمین مکتب ابن سینا و قطعنامه استادان پوهنتون و دیگر مراکز علمی کشور ابراز می‌داریم.

همچنان وضع نامطلوب دستگاه حاکمه را علیه معلمین لیسه باختر

ما معلمین لیسه تجارت به سلسلهٔ قطعنامه استادان پوهنتون - دارالمعلمین عالی - دارالمعلمین کابل و لیسه حبیبیه وضع قبیح و نامطلوب دستگاه حاکمه را در مقابل شاگردان معصوم و استادان پیشرو و حق طلب

لیسه ابن سینا و دارالمعلمین کابل به تاریخ ۲۳ ثور و حمله وحشیانه و تاخت و تاز پولیس را بالای پوهنتون و شاگردان معارف به تاریخ ۲۹ ثور خلاف قانون اساسی و نوامیس ملی

<b>دامتیاژ خاوند او مسوول مدیر:</b> <b>سلیمان لایق</b>	
<b>تیلفون:</b> ۲۳۱۶۴	
<b>د یوه گنی بیه<span> </span>: ۲/۵ افغانی</b>	
<b>مطبوعه دولتی</b>	<b>تایپ متن: قاسم آسامی، ویرایش جدید: عمر فیض</b>



# پرحم

## ناشرانیدسه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره چهاردهم سال دوم دوشنبه ۲ سرطان ۴۸- ۲۳-۶۹، شماره ۶۶

## وسایل مبارزه انتخاباتی

### باید شریف و دموکراتیک باشد

این ارتجاع و امپریالیزم است که برای رسیدن به هدف ناپاک خویش به وسایل کثیف دست می‌زنند. يك انسان واقعاً وطن‌پرست و پیشرو معتقد است که به هدف‌های شریف انسانی، به هدف‌های دموکراتیک و ترقی‌خواهانه تنها با وسایل شریف انسانی و با وسایل دموکراتیک و ترقی‌خواهانه می‌توان رسید. البته جنبش انقلابی خلقی اعمال جبر انقلابی را به حیث یکی از وسایل اساسی تسریع جریان رشد و تکامل جامعه بکار می‌برد، ولی باید در نظر داشت که آن را بازم در چوکات انسانیت، شرافت، عدالت و بسود اکثریت عظیم خلق و بزیان اقلیت ناچیز ستمگر و استثمارگر و بر اساس اراده طبقات زحمتکش و پیش آهنگ آن بکار می‌برد، که این خود شریف و انسانی است.

- مبارزان پیشرو دموکراتیک خلق افغانستان همیشه از پرستش شخصیت‌ها و خودپرستی، از عصبیت عقیدوی، از فریب و اغوای خلق، از عوام‌فریبی، از شارلتانی و شانناژ، از مخفی نگاه‌داشتن مرام اجتماعی خود، از وعده و وعید فریبنده و غیره غیره جداً اجتناب می‌کنند.

- مبارزان پیشرو همیشه شربخشی روش مبارزه خویش را در چوکات اصول تئوری علمی و اصولیت، روش و اخلاق عالیه پیشرو مطالعه می‌کنند و پرچم نبرد عادلانه آزادی بخش ملی و دموکراتیک و مترقی خویش را پاکیزه و برافراشته نگه می‌دارند.

- مبارزان پیشرو با تکیه به عالی‌ترین صفات بشریت مترقی علیه رژیم ترس و جهالت و ارتجاع و اشکال ارتجاعی حاکمیت و اداره بی‌امان مبارزه می‌کنند و مطابق به شرایط، وسایل مقدس نبرد خود را در صورت و اشکال مختلف مبارزه تبدیل می‌کنند.

اکنون که مبارزه انتخاباتی دوره سیزدهم شوری در جریان است، مبارزان پیشرو دموکراتیک خلق افغانستان به‌حکم اخلاق مسلکی خود، وظیفه خویش می‌دانند که در جریان مبارزه انتخاباتی وسایل شریف انسانی را در چارچوب اصول جهان‌بینی علمی بکار برند و از هر گونه وسایل غیرمجاز و کثیف جداً اجتناب کنند.

البته باید خاطر نشان ساخت: در حالی که ما این اصل غیرانسانی و نادرست را که «هدف‌ها توجیه کننده وسایل‌اند» از ریشه رد می‌نماییم و به خود اجازه نمی‌دهیم که هدف‌های عالیه و مقدس خویش را به وسایل کثیف تعقیب کنیم، ولی هرگاه ارتجاع داخلی و خارجی با اتحاد اخلال‌گران شعلهور داخلی و خارجی بخوانند با وسایل پست و وحشیانه علیه ما تخریب و سبوتاژ کنند، در آن صورت از طرف ما به‌حکم اصول دموکراتیک و وسایل خلقی جواب دندان‌شکن خواهند گرفت! خلق شریف و انقلابی است، وسایل آن هم شریف و انقلابی خواهد بود!

## اعلامیه کنفرانس بین‌المللی

### احزاب کمونیست و کارگری راجع به شرق میانه

می‌کنند.

کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری تجاوز مکرر اسرائیل را که تخطی بزرگی بر حقوق ملی ملل عرب به شمول حقوق قانونی خلق عرب فلسطین و تخلف صریح از منشور ملل متحد که مخالف تجاوز می‌باشد، به‌طور قطع محکوم می‌نماید.

ملل عربی در مبارزه عادلانه‌شان علیه تجاوز از پشتیبانی مؤثر کشورهای سوسیالیستی، در درجه اول از اتحاد شوروی برخوردار می‌باشند. جنبش جهانی کمونیستی، نیروهای آزادی بخش ملی و حلقه‌های وسیع‌تر افکار عامه در کشورهای سرمایه‌داری از این مبارزه آن‌ها پشتیبانی

# جریان دموکراتیک خلق افغانستان

## بار دیگر پشتیبانی و تائید خود را از فیصله‌های استادان پوهنتون

ابراز می‌دارد

مقاومت اصولی و دموکراتیک استادان پوهنتون کابل از طریق کمیسیون منتخب آن، پس از حادثه (۲۹ ثور ۴۸) حمله وحشیانه پو لیس در پوهنتون، ادامه دارد. ولی متأسفانه تاکنون قوای ثلاثه دولت با «سکوت مرگبار» خود پاسخی مثبتی درباره نداده است.

ما یکبار دیگر پشتیبانی خویش را به‌طور کلی از فیصله نامه استادان پوهنتون و فیصله‌های بعدی و گزارش‌های کمیسیون منتخب استادان به شمول چهارمین گزارش ابراز می‌داریم. در حالی که متن کامل چهارمین گزارش کمیسیون را درین جا بچاپ می‌سپاریم و مواد چهارگانه تقاضای کمیسیون را که عبارتست از: (۱) گنج‌اندین «مجمع عمومی استادان پوهنتون» به حیث عالی‌ترین مجمع قانونی پوهنتون در «قانون پوهنتون‌ها»، (۲) «تشکیل اتحادیه استادان پوهنتون»، (۳) تکمیل نصاب ولسی‌جرگه جهت غور به فیصله نامه استادان و (۴) ایجاد «میتینگ اعتراضیه یک‌روزه»، در صورت عدم تکمیل نصاب ولسی‌جرگه و غور بر فیصله نامه استادان، «به سلسله اقدامات بعدی مقتضی» استادان تائید می‌نماییم، توجه استادان و بخصوص کمیسیون منتخب را به پیشنهاد خویش زیر عنوان «آزمایش يك طرح نو به خاطر حل مسایل مبرم روز» منتشره در شماره دوازدهم پر چم، معطوف می‌داریم و امیدواریم که طرح ما نیز به شیوه قوای ثلاثه دولت از طرف استادان وطن‌پرست پوهنتون به «سکوت اکادمیک» مواجه نشده باشد.

## چهارمین گزارش کمیسیون منتخب استادان

### پوهنتون کابل

۱۳۴۸ بعد از القاب به تعقیب نامه شماره (۱) مورخ ۱۱ جوزای ۱۳۴۸ که به‌مضمیمه آن فیصله نامه تاریخی ۲۱ ثور ۱۳۴۸ استادان پوهنتون توسط اعضای کمیسیون منتخب به شما سپرده شده و در آن تقاضا شده بود تا در مورد آن قسمت از مواد فیصله نامه که من‌حیث عبدالظاهر رئیس ولسی‌جرگه و سناتور عبدالهادی داوی رئیس مشرانوگرگه تسلیم داده شد «شماره ۶ مورخ ۲۶ جوزای

اساسنامه اتحادیه استادان پوهنتون پرداخته به تدوین اساسنامه آغاز نماید. در جلسه تاریخی ۲۵ جوزا نامه متحدالمال ذیل به‌عنوان ولسی‌جرگه و مشرانوگرگه تسوید و به هدایت کمیسیون توسط منشی‌های کمیسیون به تاریخ ۲۶ جوزا به وکیل دکتور عبدالظاهر رئیس ولسی‌جرگه و سناتور عبدالهادی داوی رئیس مشرانوگرگه تسلیم داده شد

شماره (۷) مورخ ۲۸ جوزا ۱۳۴۸: کمیسیون منتخب استادان پوهنتون کابل در جلسه تاریخی ۲۴ جوزای ۱۳۴۸ خویش کمیته تعیین نمود تا به زودترین فرصت طرح اساسنامه اتحادیه استادان پوهنتون را تدوین نماید. این کمیته پنج نفری که از بین اعضای کمیسیون تعیین گردیده موظف شده است تا به مطالعه همه‌جانبه موضوع و گردآوری مواد مأخذ مورد ضرورت برای طرح

## ببرک کارمل

### کاندید جریان دموکراتیک خلق افغانستان

#### از ناحیه ۳ و ۴ شهر کابل در ولسی‌جرگه



ببرک کارمل از آغاز دوران جوانی و تحصیل، از ۲۳ سال بدین طرف در اوضاع و احوال مختلف کشور در نهضت آزادی‌بخش ملی و دموکراتیک وطن محبوب ما افغانستان به خاطر آزادی، دموکراسی و ترقی به‌طور پیگیر با روحیه انقلابی فعالانه اشتراک ورزیده است.

سراسر زندگی ببرک کارمل طی این مدت مشحون از نبرد علیه استبداد، ارتجاع، استعمار و امپریالیزم می‌باشد. وی علی‌رغم تهدید، فشار، ضرب و شتم، توطئه ترور و تبلیغات وحشیانه محافل و شبکه‌های ارتجاع داخلی و امپریالیستی جسورانه و استوار در موضع مقدم دفاع از منافع خلق وطن ما افغانستان و به‌منظور بیداری خلق در يك صف با مبارزان پیشرو ملی و مترقی پیوسته قرار داشته است.

ب. کارمل سال‌هاست که زندگی آگاهانه خویش را در راه تبلیغ و ترویج تئوری علمی، اندیشه‌های تابناک عصر - ایدئولوژی طبقه کارگر وقف و در امور سازمانی، مرامی، سیاسی و رهبری جریان دموکراتیک خلق افغانستان و فراکسیون پارلمانی آن در دوره دوازدهم شوری، تنظیم خط مشی استراتژیک و تاکتیکی جریان دموکراتیک خلق افغانستان بر مبنای اصول خلق جهان‌بینی علمی و انطباق آن در شرایط جامعه افغانستان نقش اساسی و خلاق داشته است.

ناپذیر و در چوکات اصول خلق جهان‌بینی علمی و مطابق به شرایط افغانستان در جهت تأمین منافع و آرمان‌های والای زحمتکشان، در راه رشد و تکامل جریان دموکراتیک خلق افغانستان و در ارتقای سطح

نشرات پرچم خلق - ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان سهم بزرگی و فراموش ناشدنی داشته است.

از آنجایی که ببرک کارمل نقش برجسته و بزرگی را با شهامت و

دولت انقلابی سودان اعلان کرد که:

شجاعت در امر سازمان‌دهی، تنوریک و سیاسی جریان دموکراتیک خلق افغانستان و در مبارزه علیه رویوتونیزم و اپورتونیزم «چپ» و راست ابقاء نموده، پیوسته افتخار خصومت و حملات کینه‌توزانه طبقه حاکمه افغانستان و شبکه‌های تروریستی و جاسوسی ارتجاع داخلی و امپریالیستی و پیروان شووینیزم عظمت‌طلبانه را کسب کرده است، از آن رو جریان دموکراتیک خلق افغانستان فشرده در سنرگر دفاع وی قرار خواهد گرفت و این امر را وظیفه جدی و اصولی رقیفانه خویش می‌داند و درین راه دلیرانه و استوار پیش خواهد رفت.

همه کسانی که ببرک کارمل را می‌شناسند و تحت تأثیرات تبلیغات سوء و زهرآگین شبکه‌های نخریبی و نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی قرار نگرفته‌اند، نه تنها به شخصیت سیاسی و اجتماعی کارمل، بلکه همچنان نسبت به تقوی انقلابی و شخصیت انسانی و مترقی وی علاقه و احترام خاص دارند. رزمندگان دموکراتیک خلق افغانستان با ببرک کارمل در تحت پرچم اندیشه‌های پیشرو عصر ما، در راه تحقق آرمان‌های والای زحمتکشان به‌پیش! (هیأت رهبری پرچمداران جریان دموکراتیک خلق افغانستان)

اول در چهارمین مجمع عمومی استادان پوهنتون به تاریخ ۲۰ جوزای ۴۸ فیصله نامه کلاً به حیث يك حقیقت با اکثریت قریب به‌اتفاق آراء يك بار دیگر تائید و کمیسیون منتخب استادان بزمهم به تعقیب جدی آن موظف گردید.

نوم برای اینکه تعقیب جدی فیصله نامه تا آخرین مراحل به‌صورت پیگیر و در داخل نظام و تشکیلات صورت بگیرد و استادان بتوانند با پیروی از ارزش‌های قانون اساسی افغانستان به حفظ کرامت انسانی، مصئونیت پوهنتون و استحکام آزادی اکادمیک نایل آیند، تشکیل (اتحادیه استادان پوهنتون) به‌اتفاق آرای مجمع تصویب و کمیسیون منتخب به تدوین طرح اساسنامه آن موظف گردید.

کمیسیون منتخب استادان بنا بر آن جداً تقاضا دارد:

۱- چون (قانون پوهنتون‌ها) تحت بحث شوری می‌باشد و در این قانون تنها مجلس استادان هر پوهنخی و شورای پوهنتون پیش بینی شده است، توقع می‌رود «مجمع عمومی استادان پوهنتون» نیز که تا کنون چهار بار جلسه نموده است، به تابعیت از عنعنه لویه‌جرگه که در کشور ما، يك رسم (ص ۲)

سعودی بر ای مردم سو دان اشک همدردی می‌ریزد. از جانب دیگر در سرتاسر سودان مظاهرات بزرگی به طرفداری از رژیم جدید صورت می‌گیرد. همچنان تظاهرات ضد عربستان نیز صورت گرفته است. مردم فریاد می‌زنند: در عقب عربستان دست امپریالیزم امریکا کار می‌کند. در عربستان تبلیغات ضد رژیم مترقی سو دان جریان دارد و مصارف این تبلیغات را شرکت نفتی (آرام کو) می‌پردازد.

عمیق بر ای مردم سودان می‌باشد. دولت جدید بیک سلسله تصفیه‌ها در دستگاه دولتی دست زده است و عدیهی از روسا و مأمورین عالی‌رتبه فاسد رشوه ستان را از وظایف شان بر طرف و تحت محاکمه گرفته. از جانب دیگر نود نفر از مبارزین که در رژیم سابق به جرم خدمت به مردم زندانی شده بودند، آزاد کرده شدند. ارتجاع عرب از به وجود آمدن رژیم مترقی در سودان فوق‌العاده ناراحت است. قبل از همه پادشاه عربستان

## برای سیاه‌پوستان ایالت جنوبی

### خودمختاری می‌دهد

دولت انقلابی سودان اعلان کرد که برای سیاه‌پوستان ایالت جنوبی آن کشور خودمختاری می‌دهد. دولت‌های سابق به‌جای دادن استقلال، خواست ایشان را با توپ و تانک جواب می‌دادند. در جنوب سودان پنج میلیون سیاه‌پوست زندگی می‌کنند. از جانب دیگر دو لت سودان برنامه‌های کار برای همه، نان برای همه، لباس و مسکن برای همه را تنظیم و بکار آغاز کرده است و همچنان مشغول تطبیق رفرم‌های



در اوضاع و احوال کنونی مه‌ترین و حیاتی‌ترین مساله عبارت است از فعالیت عالی و مؤثر روزمره مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان. ما درین مقاله بالای جنبه عملی مساله تاکید بیشتر می‌نماییم.

منظور ما از فعالیت‌های مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان همانا رهبری و سازمان دادن مبارزه طبقاتی زحمتکشان است که در صورت مبارزه اجتماعی - سیا سی مشخص می‌گردد. به همین جهت ما به توضیح مؤجز دو جنبه کار خویش یعنی کار در عرصه سوسیالیزم علمی و وظایف دموکراتیک افغانستان که با هم پیوند منطقی دارند، می‌پردازیم.

فعالیت جریان دموکراتیک خلق افغانستان در عرصه سوسیالیزم علمی در این مرحله تاریخی عبارت از اجرای وظایف ذیل می‌باشد:

- ترویج سوسیالیزم علمی.

- توضیح مفهوم صحیح سیستم فروت اجتماعی - اقتصادی افغانستان - تشریح و توضیح ساختمان طبقاتی و آرایش نیروهای طبقاتی افغانستان، نهضت جوان کارگری، نقش طبقه کارگر و اتحاد آن با دهقانان و طبقات دیگر که در حال تکامل‌اند، رشد روز افزون نیروهای مترقی، روش مبارزه طبقهٔ رشد یابندهٔ کارگر کشور با طبقاتی که در حال زوال‌اند و وظیفهٔ تاریخی طبقهٔ کارگر افغانستان. اشاعهٔ مفهوم سوسیالیسم یا راه رشد غیر سرمایه داری مترقی که می‌تواند راه را به‌سوی سوسیالیسم بگشاید، ولی ارتجاع و امپریالیزم در راه آن موانع ایجاد می‌کنند.

همچنان در شرایط فعلی تبلیغ (بموازات ترویج) در بین زحمتکشان اهمیت اساسی دارد. تبلیغ در میان زحمتکشان عبارت است از:

- پشتیبانی عملی مبارزان ما از مبارزات طبقهٔ کارگر به خاطر تقلیل ساعات کار، افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار و غیره.

درین زمینه باید هدف فعالیت عملی ما کمک به تئور اذهان کارگران باشد و به آنان همکاری صورت گیرد تا خواست‌های اقتصادی خود را در برابر کارفرمایان و مقامات مربوط به‌صورت علمی‌تر و هوشیارانه‌تر، ترتیب و تنظیم نمایند.

کمک در امر تشکیل سازمان‌های کارگری و ارتقای سطح فهم و درک کارگران به‌مثابه طبقه واحد کارگر و همبستگی و اتحاد آن با دیگر طبقات و قشرهای دموکراتیک بخصوص دهقانان و روشنفکران مترقی.

- برقراری ارتباط اصولی بین تمام کارگران، مراکز نهضت کارگری و مبارزین دموکراتیک خلق افغانستان از طریق ترویج و تبلیغ شفاهی و تحریری و تشکیل محافل کارگری.

خاطر نشان می‌گردد که در وضع کنونی نهضت، کار عملی ما بیشتر از همه باید متوجه کارگران در مناطق

صنعتی، پروژه‌های ساختمانی و شهرها باشد. جریان دموکراتیک خلق افغانستان نباید در اوضاع و احوال کنونی نیروهای خود را بیشتر از حدود لازم پراکنده سازد، باید توجه خود را به مراکز سیاسی متمرکز سازد تا شرایط لازم نهضت دهقانی در کشور تدارک دیده شود. باید در نظر داشت که این تکنیک به‌هیچ‌وجه به مفهوم نادیده گرفتن دهات و کار در میان دیگر طبقات زحمتکش و دموکراتیک افغانستان نمی‌باشد. اغلب کارگران افغانستان از لحاظ شرایط زندگی نزدیکترین ارتباط با اهالی دهات، با کارگران مزدور زراعتی، دهقانان، کسبه کاران و پیشه‌وران دهاتی و شهریه دارند. کارگران صنعتی پروژه‌های ساختمانی که به کمک مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان آگاهی حاصل می‌نمایند، به‌خوبی می‌توانند با قشرهای عقب مانده‌تر قشر زحمتکشان شهر و ده تماس حاصل کنند و اندیشه مبارزه

طبقاتی، اصول سوسیالیزم و خط مشی جریان دموکراتیک خلق افغانستان را در بین آن‌ها نفوذ دهند. تجربه مبین این حقیقت است که تبلیغ میان قشرهای پیش‌قدم زحمتکشان مؤثرترین راه بیداری تمام زحمتکشان شهر و ده افغانستان بشمار می‌رود و ما معتقدیم که در دوران معاصر جهان تنها آموزش سوسیالیزم علمی و مبارزه طبقاتی می‌تواند پرچم نهضت انقلابی افغانستان نیز باشد. این وظیفهٔ عملی مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان است که این آموزش را با تمام قوای ممکنه پخش نمایند و آن را از توجیهات و تعبیرات نادرست یعنی ریبوزیونیزم "چپ" و راست حفظ نمایند و نهضت کارگری جوان افغانستان را به مجرای سیاست اصیل انقلابی سوق دهند.

باز هم این اصل اساسی را تکرار می‌نماییم که کار و فعالیت در راه اجرای وظایف دموکراتیک ارتباط لاینفک با مبارزه در راه سوسیالیزم دارد. با در نظر داشت این اصل فعالیت عملی دموکراتیک و ملی مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان عبارت از اجرای وظایف زیرین می‌باشد:

- ترویج اندیشه‌های دموکراتیک در بین توده‌های وسیع خلق،

- توضیح مفهوم استبداد و حکومت مطلقه با تمام اشکال فعالیت و مضمون طبقاتی و ضرورت سقوط آن،

- اشاعه این مفهوم در میان زحمتکشان که مبارزه پیروزمندانه در راه آرمان کارگری بدون آزادی سیاسی و دموکراسی کردن سیستم سیاسی و اجتماعی افغانستان امکان پذیر نیست،

- تبلیغ در باره نیازمندی‌های سیاسی فوری، رنج‌ها و خواست‌های دموکراتیک زحمتکشان،

- تبلیغ بر ضد ظلم و ستمگری دستگاه اداره و پولیس در تمام شئون زندگی خلق و بر ضد محدودیت‌های حقوقی و آزادی‌های کارگران و بر ضد تمام چاکران سیاه استبداد،

نبرد تبلیغاتی علیه ارتجاع فئودالی و ارتجاع امپریالیستی - این دو دشمن

عده خلق افغانستان، - تعقیب پالیسی عمل مشترک علیه امپریالیزم بین‌المللی این دشمن اساسی جهان در عرصه ملی و بین‌المللی.

باید این نکته را درنظرداشت که ده‌ها مساله روزمرهٔ خلق وجود دارد که می‌تواند موضوع تبلیغات اقتصادی و سیا سی قرار گیرد. تبلیغات ضمن تنویر اذهان کارگران و توده‌های وسیع خلق، ضمن متشکل کردن آن‌ها - به کارگران و سایر طبقات دموکراتیک امکان خواهد داد تا نیروهای خود را در مورد مسایل فوری و خواست‌های فوری امتحان کنند و از دشمن خود گذشت‌های جزیی دست آورند؛ وضع اقتصادی خود را بهبود بخشند؛ مقامات مربوط و کارفرمایان را وادار سازند تا نیروی کار کارگران و سایر نیروهای دموکراتیک را به حساب آورند؛ حکومت را مجبور سازند تا حقوق آزادی‌های دموکراتیک کارگران و تمام خلق را توسعه دهد و بخواست آنان اعتنا نماید و حکومت را در برابر خلق وادار به عقب نشینی سازد.

علی‌الوصف اینکه ما راجع به ارتباط

لاینفک ترویج و تبلیغ دموکراتیک و سوسیالیستی و به موازی بودن امر انقلابی در این و آن فعالیت تذکر

دادیم، ولی بین این دو نوع فعالیت و مبارزه فرق مهمی هم وجود دارد. به این معنی که زحمتکشان در مبارزه اجتماعی و اقتصادی خود تنها (احیاناً

به کمک عناصری از خرده بورژوازی) با ملاکین فئودال و بورژوازی مواجه است. حال آنکه در مبارزه به خاطر دموکراسی سیاسی و در مبارزه ضد استبداد و امپریالیزم تمام طبقات و قشرهای دموکراتیک و ملی در صف وسیع وی قرار می‌گیرند، زیرا به‌طور کلی خلق دشمن استبداد حکومت و امپریالیزم است و به نحوی از انحاء علیه آن مبارزه می‌نماید.

تجربه نشان می‌دهند که روشنفکران، محصلان، قشر تحصیل کرده و با خرده بورژوازی، و اقوام و ملیت‌ها و مذاهب تحت ستم و صنوف تحقیر شده که مورد تعقیب و تبعیض طبقات

## درباره فعالیت عملی مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان

**در این اواخر از یکسو نهضت دانشجویی در جامعه ما به‌طور نسبی گسترش می‌یابد و از سوی دیگر مبارزات انتخاباتی برای دورهٔ سیزدهم شوری در جریان است. ولی این امر نباید ما را از تشخیص و اجرای فعالیت عملی همه جانبه خویش غافل سازد و تنها در چهارچوب قشری نهضت دانشجویی محدود و منحصر گرداند و یا پارسای پارلمان و پارلمانتریزم سازد؛ بنا بر آن وظیفهٔ ملی و مترقی حکم می‌نماید تا هردو جریان مبارزه را در سمت نهضت عمومی ملی و دموکراتیک کشور سوق و هرچه بیشتر بسط و توسعه دهیم. بدین‌جهت درین مقاله یک‌بار دیگر فعالیت عملی و وظایف مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان می‌گردد.**

مرتجع و استبداد هستند و یا از امپریالیزم زیان می‌بینند بنا بر مصالح خود از نهضت دموکراتیک و ملی در صف زحمتکشان قرار می‌گیرند. درین صورت بدون اینکه کدام «قرارداد تسلیم طلبی» زحمتکشان و پیش‌آهنگ آن (جریان دموکراتیک خلق افغانستان) موضوع بحث باشد، کارگران و پیش‌آهنگ آن با حفظ ماهیت مستقل خویش از تمام متحدین و متفقین خود در «مسایل مختلف و در وظایف مختلف» و حتی نیل به هدف‌های جزئی مختلف و غیره علیه دشمنان داخلی و خارجی خلق نه تنها پشتیبانی می‌کنند، بلکه پرچم جنبش رهایی بخش دموکراتیک و اجتماعی کشور را پیشاپیش برافراشته نگه می‌دارد.

نکته برجسته و مهم تاریخی اینست که در جامعهٔ معاصر فقط طبقه کارگر و پیش‌آهنگ آن تا آخرین لحظه دشمن پا برجا و شجاع حکومت مطلقه، ارتجاع و امپریالیزم است و هیچ‌گونه صلح و آشتی در میان آن‌ها به وجود آمده نمی‌تواند. تجربه ثابت کرده است که تنها زحمتکشان است که تا اخیر

برای دموکراسی کردن جامعه به‌پیش می‌روند، ولی دیگر طبقات و قشرها اعم از (۱) بورژوازی، (۲) خرده بورژوازی و (۳) افراد تحصیل‌کرده و به‌طور کلی «روشنفکران» تا مرحله‌ای در نهضت دموکراتیک و ملی با زحمتکشان همراه است، ولی در آخرین تحلیل هر قدر مبارزه طبقاتی تشدید می‌یابد اولی بر ضد زحمتکشان با حکومت مطلقه عقد قرار داد می‌بندد؛ بخش مهمی از دومی به طبقات ارتجاعی گرایش پیدا می‌نماید و سومی غالباً طبق منافع مادی خویش شور و شوق انقلابی و مخالفت خود را علیه استبداد در عوض مقرری و مزایای مادی دولتی بفروش می‌رساند. لذا دیده می‌شود که تنها طبقهٔ کارگر می‌تواند تا آخرین لحظه واقعاً دموکرات پیگیر باشد و در راه آزادی سیاسی و ایجاد مؤسسات دموکراتیک مبارز پیشرو و باقی بماند و دمرکراسی کردن رژیم سیاسی و اجتماعی را به آخر رساند؛ زیرا ظلم و ستمگری سیاسی

**ببرک کارمل**

شماره (چهاردهم- سال دوم)

عواملی‌اند که موجب فقدان حقوق سیاسی مردم افغانستان گردیده است. واقعیت اینست که مناسبات بین دستگاه مأمورین دولت افغانستان و خلق به‌مثابه مناسبات بین آقا و نوکر است. به همین جهت به‌طور کلی طبقات و قشرهای دموکراتیک و تحت ستم که اکثریت قاطع نفوس کشور را تشکیل می‌دهد. به‌طور کلی بر ضد مأمورین خودسر، خودکامه، رشوه خوار، بی‌رحم، جاهل، مفتخوار و فعال مایشای دولت افغانستان انزجار عمیقی داشته و در موضع مخالفت جدی و دایمی قرار دارند ولی حقایق نشان می‌دهد که هیچ يك طبقه و قشر دیگر به‌جزه طبقهٔ کارگر نمی‌تواند در دموکراسی کردن و اصلاح کردن اساسی این دستگاه نقش قاطع و مؤثر ایفا کند. کیست که هر روز نبیند چطور و بچه ارزانی عموماً (عناصر صدیق و استوار در جایش) رادیکال روشنفکر و سوسیالیست روشنفکر و دموکرات روشنفکر و عنصر ملی روشنفکر و مترقی روشنفکر و انقلابی‌گر روشنفکر (تحصیل کرده و یا محصل) امروز در هر طبقه‌ای که باشد فردا به ما مور دولت افغانستان بدل می‌گردد. بلی در کشور ما از سال‌ها به این‌سو چنین معمول است. مأموری که فاقد شعور طبقاتی پرولتری است و ذهنیت روشنفکری دارد، پیوسته خود را به این قناعت می‌دهد که گویا در چهار دیوار کهنه پرستی اداری «فایده» می‌رساند - ما موری که این «فایده» را دلیل برای تیرنه لایقیدی سیاسی خود و حلقه به گوشی خود در برابر حکومت تازیانه و شلاق می‌داند!» مطلوب مأموران فاسدیست که فایده شخصی را به حساب «فایده خلق» جا میزند!

لذا چنین نتیجه گیری می‌کنیم که در آخرین تحلیل و در جریان نهضت رهایی بخش دموکراتیک و اجتماعی است که زحمتکشان دشمن حکومت‌های مطلقه و بیروکراسی آن می‌باشند. فقط زحمتکشان است که هیچ رشتگی آن‌ها را با این مقامات جامعه طبقاتی فئودالی افغانستان مربوط نمی‌سازد. فقط زحمتکشان قادر به مبارزه طعمی و تسلیم ناپذیر با دستگاه استبدادی است. لذا وظیفه مبرم روز پیش‌آهنگ طبقه کارگر یعنی مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان

در وضع کنونی است که در فعالیت‌های عملی خود مبارزه علیه حکومت‌های مطلقه افغانستان و دستگاه اختناق و ترور و بیروکراسی آن را در مرکز توجه خود قرار دهند. پس رفقا توجه خواهند کرد که نمی‌توان خود را محدود به قشر روشنفکر نمود. نمی‌توان تنها خود را محدود به نهضت دانشجویی ساخت، باید نهضت کنونی جوان ماهیت دموکراتیک کسب کند. باید سمت نهضت جوانان ما به‌سوی نبرد علیه فئودالیزم و امپریالیزم متوجه گردد و نهضت دموکراتیک جوانان ما با نهضت کارگری و با توده‌های وسیع خلق افغانستان که ۹۰ فیصد جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دهد در آمیزد.

فعالیت عملی روزمرهٔ مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان باید توأم با هشیاری، دلیری و روحیه انقلابی ثمربخش گردد! اوقات گران‌بها را نباید از دست داد! در برابر ما برای تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و اجتماعی زحمتکشان و تمام خلق افغانستان که از خواب دیرین بیدار می‌شوند، برای سازمان دادن نهضت کارگری و آمیزش نهضت جوانان به آن و تقویه و تشکل گروه‌های صدیق انقلابی، برای ترویج و تبلیغ دموکراتیک و سوسیالیزم علمی در میان زحمتکشان کشور برای تشکل و آگاهی طبقه کارگر افغانستان، برای آزمودگی و آبدیگی پیش‌آهنگ طبقه کارگر یعنی جریان دموکراتیک خلق افغانستان يك عالم کار و فعالیت عملی روزمره وجود دارد!

## چهارمین گزارش کمیسیون ...

می‌پردازد و تدابیر لازم بعدی را اتخاذ می‌نماید.

با احترام
**از طرف کمیسیون منتخب استادان پوهنتون کابل**
**امضای پوهنوال علی محمد زهما رئیس کمیسیون**
\*\*\*

کمیسیون منتخب استادان پوهنتون که متشکل از نمایندگان با صلاحیت قانونی بیشتر از (300) نفر استاد پوهنتون می‌باشد دلایل انعقاد «جلسه اعتراضیه «یک روزه استادان پوهنتون را به اطلاع مردم با ایمان و دانش دوست افغانستان می‌رساند:

۱- از آنجا که عنعنه منحوس افگندن شوری از نصاب به حیث يك عمل ضد دموکراتیک از حکومت سابق به میراث مانده است و حکومت موجوده متأسفانه از این وسیله



## داستان غم انگیز کشت چغندر

از سال‌هاست که حکومت افغانستان کشت چغندر در بغلان و وادی غوری را به‌صورت اجباری بر دهقانان تحمیل می‌کند. هر دهقان و زمین‌دار مجبور است پنجم قسمت مزرعهٔ خود را چغندر بکارد. کشت چغندر کار ساده نیست بلکه با مشکلات و رنج‌های زیادی همراه است، زمین که چغندر کاشته می‌شود باید قبلاً خاک و با پارو مکفی داده شود، بعد همین‌که بوتهٔ چغندر از زمین بلند شد خویشاوهٔ آن شروع می‌شود، تکلیف آبیاری و خویشاوهٔ هر جریب چغندر، کاری را ایجاب می‌کنند که آن کار برای کشت و پرورش ۳۰ جریب گندم کافی شمرده می‌شود. فرزندان و زنان، کودکان و اطفال دهقانان تمام سال و ایام فعالیت را در خدمت بته‌های چغندر و خویشاوهٔ آن بسر می‌برند و هر واحد آن چندین لباس را درین کار کهنه و فرسوده می‌سازد. مرض خانمان‌سوز روماتیزم تمام کودکان مصروف در میان مزرعه چغندر را احاطه می‌کند و آنان را در بهترین ایام زندگی به انسان‌های مریض و علیل تبدیل می‌نماید. مأموران زراعت شرکت قند سازی، وقتاً فوقتاً از مزارع چغندر واریسی (!) می‌کنند و بسا که بدون موجب باعث فشار بر دهقانان بی‌دفاع می‌شوند.

**تعامل خرید و فروش "!" چغندر**

چغندر بعد ازین که توسط دهقانان در زیر شلیک باران‌ها و سرمای تیرماهی از مزارع جمع آوری شده در گونی‌ها پر می‌شود و بر موترها حمل می‌گردد. آن‌وقت موترهای حامل چغندر بشر کت قند سازی بغلان صنعتی وارد می‌شوند و محصولات خود را در سیلوهای فابریک تخلیه می‌کنند. مأموران فنی فابریک چغندر را از لحاظ فیصدی مواد قندی ملاحظه نموده و مقدار خاکه آن را حسب دلخواه تعیین می‌کنند. (این تعیینات غالباً به‌اندازهٔ اعتبار، شهرت و روشناسی

مالکین متناسب است) بعد از تعیین خاکه توسط مأمورین فنی پنج فیصد خاکانه را (به‌صورت تعامل) مدیریت محاسبه شرکت می‌افزاید؛ و همچنان فیصدی مواد قندی را مأمورین شرکت حسب دلخواه تعیین نموده و بروی آن قیمت چغندر را از ۵۰۰ – ۶۰۰ افغانی تا ۷۰۰ افغانی فی تن حساب می‌گیرند. این نرخ بعد از تمام زحمتکشی و عرق ریزی‌های زحمتکشان پایان‌تر از نرخ کاه ماش است. این نرخ آن‌قدر ظالمانه هست که هیچ نظییری برای آن دیده نمی‌شود.

دهقانی که چغندر را به فابریک تحویل می‌دهند از وزن چغندر خود تا مقدار خاکانه و فیصدی مواد قندی آن از هیچ چیزی سر در نمی‌آورند. تعیین این اندازه‌ها کار شرکت است و مبلغی که روی تعرفه به دهقانان داده می‌شود به "مشت پوشیده هزار دینار" می‌ماند که فقط به لطف و کرم شرکت مربوطست که کم آن را می‌خورد و یا زیاد آن را. از پول قیمت چغندر اعانه‌ها و تکت پولی‌های که وضع می‌شود اصلاً به اطلاع دهقانان نمی‌رسد و مشورهٔ آنان را در همچو موارد هیچ اعتباری نیست مثلاً در چند سالی گذشته بنام تعمیر مسجد یک فیصدی معین را از قیمت چغندر وضع کرده‌اند و از این مدرک سوء استفاده‌های فراوانی به عمل آمده است.

هرگاه دهقانی به خاطر گرفتن پول پیشکی قراردادی را با شرکت عقد نماید و نتواند مقدار متعهد شدهٔ چغندر را به شرکت تحویل دهدد در آن صورت اگر چغندر آماد کمتر از نصف مقدار متعهد شده باشد مجبور است ۶۰ افغانی فی تن و اگر نصف باشد ۵۰ افغانی فی تن و اگر کسر کمتر از نصف باشد ۴۰ افغانی فی تن، به‌صورت جریمه به شرکت تحویل می‌کند و اگر نتواند که نسبت کدام آفت طبیعی هیچ مقدار از چغندر را تحویل دهد، مکلف است علاوه بر فی تن ۷۰ افغانی جریمه قیمت بذر چغندر را نیز تحویل کند.

این بود شمیعی از داستان غم انگیز چغندر که روز بروز درد انگیز تر می‌شود و کمر دهقانان را بیشتر از پیش می‌شکند.

دهقانان بر رویه ظالمانه شرکت و بر حمایت ستمگرانه حکومت از شرکت، اعتراض می‌نمایند که این نرخ ظالمانه بیک نرخ عادلانه تبدیل گردد و بگذارند که این دهقانان ستمکش یک لقمه نان خشک از حاصل رنج خود بدست آرند.

**عدهبی از دهقانان غوری**

## اهالی درواز بدخشان فریاد می‌کشند: راه ما راه مرگ و خطر است

از آنجا که پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس دهندهٔ صادق دردها و رنج‌های زحمتکشان و رنجبران است، امیدواریم فریاد ما ستم دیدگان و از چشم افتادگان را به مردم ستم‌دیده ه سراسر افغانستان برسانید.

درواز ما یکی از مناطق دوردست و فقر کشتهٔ بدخشان است، درواز توسط کوه‌های بلند پوشیده از برفی احاطه شده و در ایام زمستان ضخامت طبقهٔ برف روی راه‌های کوهستانی و معابر آن از ده متر تجاوز می‌کند. مردم درواز به سبب وجود نظام کهن اقتصادی و اجتماعی و خشونت طبیعی و عقب ماندگی و فقر خود از ۱۵ عقرب الی ۱۵ ثور یعنی شش ماه کامل به علت مسود بودن راه‌ها در سرزمین خود به حیث زندانیان بی‌ارتباط باقی می‌مانند و از تمام مناطق وطن جدا می‌شوند چنانچه شاعر توده‌ای دروازی این مطلب را چنین افاده کرده است:

«ز عقرب تا به جوزا زیر برفیم بهار و تیرماهی نیست ما را»

این شرایط به‌علاوهٔ فقر کشنده و سیاه موجب آن شده است که مردم در شش ماه سرما از ضروری‌ترین مواد زندگی محروم شوند، از شکر، چای، صابون و حتی ماده حیاتی نمک نامی نشنوند. هنگامی‌که راه‌ها گشوده می‌شود و رسیدن به نزدیکترین بازارها (فیض آباد و رستاق) میسر می‌شود، برای رسیدن به این بازارها (۸) روز طی منزل لازم می‌آید و به این حساب رفت و آمد به این بازارها (۱۶) روز را لازم دارد. این منزل را هم باید از راه (آنتگاه) طی نمود.

برای اینکه خواننده گان با گوشه کوچکی از مشکلات مردم درواز آشنا شوند و باید راجع به راه (آنتگاه) با ایشان صحبت کنیم:

این راه که علاقه داری خواهان را به ولسوالی درواز وصل می‌کند، از بین سلسله کوه‌های عبور می‌نماید که به امتداد

دریای پنج واقع شده است، صخره‌های که در کنارهٔ دریای پنج واقع بوده و راه مردم از آن می‌گذرد به حدی لشم و لغزان است که با دست و پای ممکن نیست از آن عبور نمود. مردم در درزهای صخره‌ها میخ‌های چوبی کوبیده و موازی با این میخ‌ها و پایان‌تر از آن یک رشته چوب‌های باریک و طویل را به‌صورت افقی قرار داده و با میخ‌های قند گره توسط شاخچه‌های ارغوان محکم کرده‌اند. در پای این راه، خیلی پایین دریای خروشان پنج از بین درهٔ پرپیچ و مخوف مستی کتان می‌گذرد که اگر سنگریزه‌ای از راه بغلند مستقیماً در وسط پنج می‌افتد.

رهپیمایان درواز مجبورند هنگام رفتن به‌سوی بازارها از این راه عبور نمایند، دست‌ها را روی میخ‌های چوبین نگاه دارند و پاها را روی چوب‌های افقی بگذارند و هرگز در عمق دره نظر نیندازند. باید نوبت پاها را هنگام حرکت جداً مراعات کرد و قدم‌ها را بدون تکان برداشت. کسی که اندکی در گذشتن از این وصله‌ها غفلت ورزد، لاید یا میخ‌ها از درز‌ها جدا می‌شوند، یا رشته‌های ارغوان قطع شده مستقیماً در کام امواج پنج جای می‌گیرد و غالباً قیل از آنکه به بستر دریا برسد، جان می‌سپارد. خلاصه اینکه بیجا شدن یک میخ، شکستن یک شاخه و بیجا شدن یک چوب افقی کافی است انسان را به مرگ مطلق بسپارد؛ اما در بعضی قسمت‌ها این چوب‌ها آن‌قدر به سطح آب دریا نزدیک استند که هنگام آبخیزی چوب‌های افقی زیر امواج آب مستور می‌شود. برای انسان‌های نابلد خیلی مشکل است که تصمیم گذشتن ازین وصله‌های چوبی را بگیرند.

بسا اتفاق می‌افتد که دو نفر در همین راه روبروی هم می‌آیند و راه یکدیگر خود را می‌بندند. این وضع برای هر دو جانب پردرد و رنج و خطر است، از این دو یکی مجبور است دوباره به عقب بر گردد و تا آخر این وصله‌های چوبی حرکت کند.

این است راه (آنتگاه) راه خطر و مرگ که در عصر راکت‌ها و جت‌ها هنوز مردم ستم‌دیده درواز به حیث خطوط مواصلاتی از آن استفاده می‌کنند.

نمی‌دانم آنسانی که دم از انکشاف و پیشرفت افغانستان می‌زنند و با طمطراق این مطالب را تکرار می‌کنند همچو مناطق عقب ماندهٔ کشور را به خاطر دارند یا نه، انکشاف یعنی ازدیاد وسایل به خاطر رفاه طبقات ستمگر جامعه! این انکشاف واقعاً هم مشهود است! اما انکشاف که به خاطر حل مشکلات خلق صورت گرفته باشد، هنوز وجود ندارد.

ما به خاطر بدبختی مردم درواز و درین جا خاستاً به خاطر راه مرگیار آنتگاه اعتراض خود را بر دستگاه فرتوت حاکمه اظهار می‌کنیم.

**عده از شاگردان**

**درواز**

# درد، شکایت و اعتراضات خلق

## مسأله انکشاف دهات باید هرچه زودتر حل گردد

شصت گذاشته‌اند، می‌نویسند:

پروژهٔ انکشاف دهات ولسوالی سنگچارک که با وعده‌های دروغین خدمت بمردم و ایجاد تسهیلات لازم برای ایشان دو سال قبل افتتاح گردید.

تا کنون موفق به انجام کاری مفید به نفع مردم منطقه نگردیده است که در خور یاد آوری باشد. پروگرام طرح شده پروژه با وصف کاغذ پرانی‌ها و موتر دوانی‌های فراوان به مرحلهٔ اجرا در نیامد. اهالی منطقه که برای نخستین بار، امیدوار به وجود دوکتور و دوا گردیدند، از فالگیری و نظر‌بندی برینند، اما بی‌زودی امیدواری‌شان به یأس مبدل گردید و سوء استفاده‌های وسیع بنام تدای

بیماران به عمل آمد تصورش را بکنید که یک فرد فقیر و زحمتکش چطور می‌تواند یک‌صد افغانی را صرف برای یک‌جار فیس معاینه خویش بپردازد!

اهالی ولسوالی سنگ چارک در اخیر نامه خویش می‌نویسند که ما علیه مفت خواری‌ها و بی‌مسئولیتی‌های مقامات حاکمه و من‌جمله پروژهٔ انکشاف دهات - اعتراض می‌کنم و جداً خواهانیم که غارتگران لگام زده شوند و مجازات گردند. \* \* \*

پلوشه پژمان از شیوکی ولایت کابل در مقاله‌یی تحت عنوان «یک‌قدم قهقرائی در تشکیلات حکومت» این سه سؤال را مطرح می‌نماید که:

(۱) اگر پرنسیپ تشکیل ریاست انکشاف دهات صحیح نبوده و این اداره در کار خود هیچ‌گونه موفقیتی

فراوان بمردم، در نتیجه فساد و سوء اداره حکومت، تازه متوجه گردید که نتایج حاصله از آن قناعت بخش نبوده است و تصمیم به تجزیه امور و الغاء آن گرفته شد. در اثر تصمیم حکومت در مورد سر نوشت ریاست انکشاف دهات و شکایات و اعتراضات چندی از نقاط مختلف افغانستان طی نامه‌های دسته‌جمعی و فردی به‌منظور افشاء ناکامی‌های این اداره و چه در جهت دفاع از پرنسیپ موجودیت آن به ادارهٔ پرچم رسیده است که ما خلاصه برخی از این نامه‌ها و شکایت نامه‌ها را در سطور زیرین انعکاس می‌دهیم ولی قیل از آن باید تذکر داد که بدون انجام اصلاحات دموکراتیک ارضی به سود دهقانان و به اشتراک آنان و بر پایهٔ آن ایجاد مؤسسات تعاونی و کوپراتیف های تولید و مصرف نمی‌توان کلید حل مشکل دهات کشور را به دست آورد. \* \* \*

۶۲ نفر از اهالی ولسوالی محمدآغه لوگر در نامه‌یی که در پای آن امضاء کرده و با مهر و شصت گذاشته‌اند، می‌نویسد که تصمیم حکومت مینی بر انحلال ریاست انکشاف دهات تعجب آور است. بجای اینکه اداره انکشاف داده می‌شد تا کارهای را در دهات کشور انجام می‌داد، تصمیم به انحلال آن گرفته شد…

اهالی ولسوالی سنگ چارک مربوط ولایت جوزجان طی نامه اعتراضیه خویش که در پای آن (۴۷) نفر به نمایندگی از ایشان امضاء کرده و یا

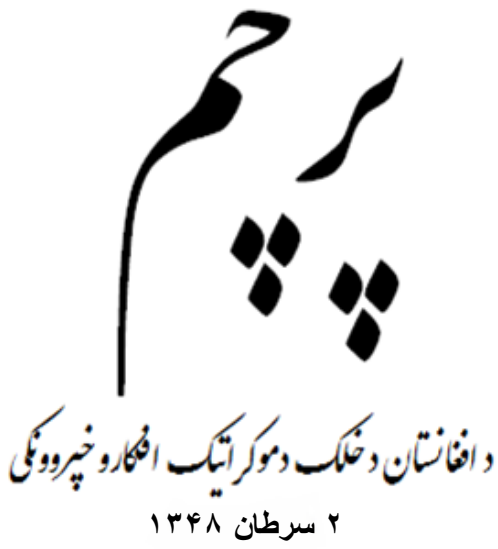
مجلس به تکمیل نصاب نمی‌انجامد،

۳- از آنجا که حادثهٔ اسفناک تعرض به حریم پوهنتون (۲۹ ثور ۴۸) چنانکه واقع شده با چشم دید استادان مستقیم و یتفصیل به اطلاع مردم نرسیده است و حکومت این عمل خود را که خلاف قانون اساسی و نوامیس ملی افغانی و بشری می‌باشد به مشرانوجرگه به‌صورت منحرف و خلاف واقعیت گزارش داده و فیصله نامه استادان پوهنتون را که زاید از سه صد نفر استاد آن را امضا و در باره تایید کرده‌اند فیصلهٔ یک اقلیت و کمیسیون قانونی‌شان را که از طرف مجمع عمومی استادان پوهنتون انتخاب شده‌اند بی‌صلاحیت وانمود کرده است؛

پزانی و خوش‌گذرانی می‌پردازند، و دست‌یی به غرض تجدید وکالت در عرفانی بی‌سابقه‌یی در مملکت رومنا گردد،

۲- از آنجا که شوری به حیث یک ارکان مهم نظام دموکراسی و مظهر ارادهٔ مردم است و از قاطبهٔ ملت نمایندگی می‌کند اعمال وکلای شوری باید مطابق ارزش‌های قانون اساسی و خواست‌های مردم باشد، در حالی که وکلای ولسی‌جرگه در چنین مرحله حساس و خطیر مسؤولیت ملی و تاریخی خود را در حیات سیا سی مردم افغانستان به‌کلی فراموش نموده و گروهی تحت تأثیر اعماله نفوذ قوهٔ اجرانیه قرار گرفته به صفیه‌های دور و نزدیک کابل به میله و دیگچه





## درباره جنبش آزادی بخش ملی در جلسه بین‌المللی

در سند اصلی جلسه بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری گفته می‌شود که «سه قوه نیرومند دوران ما - سیستم جهانی سوسیالیستی، طبقه کارگر بین‌المللی و جنبش آزادی ملی در مبارزه علیه امپریالیزم بهم می‌پیوندند.»

«اعتلای جنبش آزادی‌بخش ملی خلق‌های آسیا - افریقا ضریب هلاکت‌باری است بر مواضع امپریالیزم درین قاره‌ها. ملل این قاره‌ها علی‌رغم مشکلات جدی به مبارزه شان علیه استعمار و استعمار نو ادامه می‌دهند و به تعرض عمو می علیه امپریالیزم کمک می‌نمایند.»

جلسه که از ۵ تا ۱۷ جون در مسکو دایر گردید، وظایف میرم مبارزه را علیه امپریالیزم و مسایل عمل متحدانه توسط کمونیست‌ها و تمام نیروهای دیگر ضد امپریالیستی را مورد بحث قرار داد. در نتیجه مباحثه که با روحیه دموکراسی، برابری و انترناسیونالیستی به عمل آمد، اشتراک کنندگان در جلسه در باره وضع کنونی جهان و وظایف که از آن ناشی می‌گردد، به نتایج مشترکی رسیدند.

جنبش انقلابی جهانی با وصف برخی مشکلات و موانع عارضی آن به پیشروی خود ادامه می‌دهد. امپریالیزم با وجود اینکه تلاش می‌ورزد جلو این پیشروی را سد نماید موفق نگردیده است که تناسب عمومی نیروها را به نفع خود تغییر دهد. حوادث دهه گذشته آشکار می‌سازد که ارزیابی خصلت مارکسیستی - لنینیستی، مضمون و گرایش‌های عمده عصر کنونی صحیح است.

عصر ما، عصر انتقال از سرمایه داری به سوسیالیزم است. از برکت رشد روز افزون قوت اقتصادی، سیاسی و نظامی و سیاست صلح‌جویانه خارجی اتحاد شوروی و دیگر دول سوسیالیستی، فعالیت‌های پرولتاریای بین‌المللی و تمام مبارزان ضد امپریالیزم، مبارزه به خاطر آزادی ملی و هم جنبش توده‌ای صلح، جلوگیری از بروز يك جنگ جهانی ممکن گردیده است.

سیستم جهانی امپریالیزم نیرومندتر نگردیده است، اما هنوز جدی و خطرناک می‌باشد. ایالات متحده امریکا به حیث نیروی - عمده امپریالیستی، متعرض‌تر گردیده است. «امپریالیزم در مبارزه علیه جنبش آزادی‌بخش ملی از یکطرف از بقایای سیستم استعماری به سرسختی دفاع می‌نماید و از طرف دیگر سعی می‌ورزد با استفاده از شیوه‌های استعماری جدید از پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دول در حال رشد و کشورهای که حاکمیت ملی‌شان را بدست آورده‌اند، جلوگیری نماید. برای این مقصد امپریالیزم از محافل ارتجاعی پشتیبانی می‌نماید. امحای عقب ماندترین ساختمان‌های اجتماعی را به تعویق می‌اندازد و سعی می‌ورزد که در راه پیشرفت بسوی سوسیالیزم، یا در راه رشد غیر سرمایه داری مترقی که می‌تواند راه را برای سوسیالیزم باز نماید، موانع ایجاد کند، امپریالیست‌ها بر این کشورها با موافقت نامه‌های اقتصادی و پیمان‌های نظامی - سیاسی را که

در این اواخر يك عده از عناصر وابسته به دستگاه حاکمه و دارودسته های آشوب طلب وابسته به ارتجاع داخلی و شبکه‌های خارجی در مراکز فروش جریده پرچم و در جلو چشم پولیس حکومت، نسخه‌های پرچم را به عطف و زور از تگ فروشان گرفته

از هم می‌درند و به شکل توهین آمیزی به دور می‌افکنند و فروشندگان آن را تهدید و تگ کوب می‌نمایند. این عمل تاکنون چندین بار در مرکز و ولایات کشور صورت گرفته و بخصوص در مرکز کابل مشهود است و همچنان روز شنبه

## اعتصابات و میتینگ‌های متحدانه محصلان پوهنتون و شاگردان ادامه دارد

بر طبق ابلاغیه و قطعنامه تاریخی ۲۴ جوزای ۴۸ جبهه متحد دموکراتیک جوانان پوهنتون و معارف (منتشره در شماره گذشته پرچم) در سرتاسر هفته گذشته تظاهرات، اعتصابات و میتینگ‌های محصلان پوهنتون کابل و شاگردان برخی از مکاتب لیلیه مرکز جریان داشت. میتینگ‌های جوانان همه روزه در محوطه پوهنتون به اشتراک محصلان و عده‌ای از شاگردان با حفظ اتحاد میان ایشان دایر می‌گردد. اتحاد جوانان

## هفته فرهنگی

پنجاهمین سال تاسیس روابط دوستانه بین افغانستان و اتحاد شوروی نسبت به سال‌های قبل به مقیاس وسیع‌تری در مسکو و کابل تجلیل گردید. بدین مناسبت يك هیات بزرگی هنری اتحاد شوروی به شمول چند نفر از هنرمندان مشهور سینمای شوروی وارد افغانستان شده و هفته فرهنگی اتحاد شوروی در کابل بر

(بقیه صفحه ۳)

## چهارمین گزارش ...

استادان پوهنتون کابل با در نظر گرفتن حقایق مسلم فوق و در صورتی که نصاب ولسی‌جرگه برای غور بر فیصله نامه ما الی ۳ شنبه ۳ سرطان ۴۸ تکمیل نه گردد، به «جلسه اعتراضیه» يك روزه به‌منظور افشاکاری اعمال ضد دموکراتیک حکومت، شوری و جرایم حکومتی می‌پردازیم و بعد از آنکه چهره‌های

اجرای وظیفه انقلابی خود کمک روز افزونی را به خلق‌هایی که در راه آزادی و استقلال می‌جنگند، ایفا می‌نماید و صلح و امنیت بین‌المللی را استحکام می‌بخشد. در سند جلسه تاکید می‌شود که «در دهه گذشته نقشی جنبش‌های ضد امپریالیستی خلق‌های آسیا، افریقا و امریکای لاتین در پروسه انقلابی جهان پیوسته رشد یافته است.»

جنبش آزادی‌بخش ملی در بسیاری از کشورهای آسیایی و افریقایی به مرحله جدیدی وارد گردیده است. امپراتوری‌های کهن استعماری تقریباً به‌طور کامل از بین رفته‌اند، نجات افریقایی جنوبی به‌مثابه یکی از آخرین ساحه های تسلط استعماری برای آینده افریقا و مرام صلح اهمیت بزرگی دارد.»

«جنبش آزادی‌بخش اعراب در پیکار علیه امپریالیزم جهانی نقش برجسته را ایفا می‌کند. این جنبش تأثیر مثبتی بر تمام جنبشی ضد امپریالیزم و ضد استعمار نو در شرق میانه و افریقا وارد می‌نماید. مبارزه خلق‌های عرب علیه امپریالیزم و تجاوز اسرائیل بخشی از مبارزه عمومی میان نیروهای آزادی و سوسیالیزم در سراسر جهان در یکطرف و امپریالیزم جهانی در طرف دیگر می‌باشد.»

«تغییر تدریجی اجتماعی در کشورهای تازه به استقلال رسیده رشد می‌یابد. درین کشورها نبرد میان طبقه کارگر، دهقانان و دیگر نیروهای دموکراتیک به شمول بخش‌های دارای ذهنیت وطن‌پرستانه خرده بورژوازی از یکسو و از سوی دیگر امپریالیزم و نیروهای ارتجاعی داخلی، عنصر بورژوازی ملی‌ای که به‌صورت

## روش ضد قانونی و غیر دموکراتیک عناصر اخلاک‌گر با همدستی عمال حکومت و دستگاه امنیتی (!) در برابر جریده پرچم

گذشته محمد عمر معاون لیسه نعمان ولایت پروان طفل صغیری را که جریده پرچم را به غرض تأمین معاش در بازار عرضه می‌کرد، در ملای عام مورد لت و کوب قرار داده و جریده را پاره پاره کرده به دور افکنده است. ما در حالی که علیه این عمل

خلاف قانون و ضد دموکراتیک عمال حکومت جداً اعتراض می‌نماییم، دستگاه حکومت را نسبت به موضع‌گیری تماشاگرانه و تشویق آمیز نیروهای امنیتی (!) آن مسؤول عواقب وخیم چنین اعمال تحریک آمیز و ضد امنیت و مصونیت عامه میدانیم.

## د پکتیا په ولایت کی د ارگون د لوی ولسوالی د سرروزی خلك د بیگار له لاسه په تنگ شویدی

مزدوری ونکړی د خپل کور د پاره وچه بودی او نفقه نشي پیدا کولی. که چیری دغه خبر رشتیایوی وي د دبیری خواشینی ور دی خکه چه داساسی قانون د احکامو پیروی نه یوازی په خلکو باندی جبری دی بلکه حکومتی مامورین هم مکلف دی چه د قانون احترام او اطاعت وکړی که داسی نه وی نو قانون به خپل ارزښت لکه چه له لاسه یی ورکړی دی، نور هم له لاسه ورکړی.

سره لدی چه دافغانستان اساسی قانون حکم کوی چه په خلکو باندی هر ډول جبری کارونه او بیگار منع دی خو حکومتی مامورین د محلی متنفذینو په مرسته خو ورخی د مخه نژدی لس ورخی د سرروزی په خلکو باندی دلرگی په زور بیگاری کارونه سر ته ورسول. دغه غیرقانونی عمل دهغه خای خلك ډیر پریشانه کړی دی خکه چه ددی کلي خلك اکثر، دهقانان او لیرگبانه تشکیلولی که یوه ورخ کار او

## اعتصاب شاگردان بنوونخی ده نو

ولایت لوگر

بنوونخی متوسطه، - تدریس مضامین به لسان مادری شاگردان. - تهیه چوکی تدریسی و یا فرش صنوف و نجات شاگردان از خاک نشینی، - تهیه کتب و مواد درسی برای شاگردان، - اعمار يك تعمیر اساسی برای بنوونخی. اعتصاب تا وقتی ادامه داشت که سر معلم مکتب در جمعیت شاگردان حاضر شده و عده داد که برای برآورده شدن خواست‌های آنان با مقامات مسؤول به تماس می‌آید و برای تأمین مطالبات صنفی ایشان جدا اقدامات می‌نماید.

سیاه پوست در ایالات متحده امریکا، ترور نژادی در افریقای جنوبی و رودیشیا و بر ضد تعقیب و شکنجه مردم عرب در مناطق اشغالی و در داخل اسرائیل، بر ضد تبعیضی نژادی ملی، بر ضد صهیونیست و انتی سیمیتیزم، که تمام این‌ها را نیروهای ارتجاعی سرمایه داری دامن می‌زنند و از آن به غرض گمراه ساختن توده‌ها کار می‌گیرند تقاضا می‌نماییم.

در سند تا کید می‌شود که: «امپریالیزم به خاطر متفرق ساختن خلق‌ها و حفظ سلطه خویش از سیاست نژادی کار می‌گیرد.»

اشتراک کنندگان این جلسه را به حیث یک مرحله مهم فشرده‌گی جنبش جهانی کمونیستی می‌پندارند. آن‌ها معتقدند که نباید غیابت چند حزب کمونیستی مانع مناسبات برادرانه و همکاری بین تمام احزاب کمونیست و کارگری بدون استثنا گردد. آن‌ها تصمیم شان را به غرض رسیدن به عمل مشترک در مبارزه علیه امپریالیزم به خاطر اهداف مشترک جنبش طبقه کارگر بین‌المللی با آن احزاب کمونیست و کارگری که در جلسه موجود نمایندگی نداشتند، نیز اعلام می‌دارند.»

در سند اظهار می‌گردد: «مبارزه علیه امپریالیزم يك نبرد طولانی، پیگیر و دشوار است. پیکارهای سخت طبقاتی در پیشرو است. بیابید تعرض بر ضد امپریالیزم و ارتجاع داخلی را شدت و توسعه دهیم. نیروهای انقلابی و مترقی درین نبرد به‌یقین پیروز می‌شوند!»

دامتیار خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق تلیفون: ۲۳۱۶۴ د یوه کنی بیه: ۲/۵ افغانی مطبوعه دولتی

اطلاع عموم رسانیده می‌شود. گزارش‌های کمیسیون سر از همین شماره به امضای رئیس کمیسیون در جرایم و روزنامه‌ها مدار اعتبار و خواهشمند است این گزارش بدون تصرف نشر شود. از طرف کمیسیون منتخب استادان پوهنتون کابل پوهنوال علی محمد «زه‌ما» رئیس کمیسیون

نیروهای وطن‌پرست و مترقی متحد شوند. این نوع وحدت است که احزاب کمونیست و کارگری خواهان آن‌اند.» در سند گفته می‌شود که «روش خصمانه در برابر کمونیزم و تعقیب کمونیست‌ها، مبارزه در راه نجات ملی و اجتماعی خلق‌ها را صدمه می‌زند.» در سند گفته می‌شود که: «کمونیست‌ها همبستگی‌شان را با مبارزه خلق‌های آسیا، افریقا و امریکای لاتین تاکید و تکرار می‌نمایند.»

جلسه «تدابیر مؤثر بین‌المللی را در پشتیبانی از وطن‌پرستان انگولا، موزمبیق، گینی، بیسائو، زیمبابوی، نیپیا و افریقایی جنوبی، در پشتیبانی از همه خلق‌های تحت ستم» مطالبه نمود.

جلسه عمل متحدانه را به تمام کمونیست‌های جهان، به دشمنان امپریالیزم، به تمام آن‌های که حاضر اند به خاطر صلح، آزادی و ترقی بجنگند، پیشنهاد نمود.

«نخستین هدف عمل متحدانه پشتیبانی همه جانبه از خلق قهرمان ویتنام می‌باشد. جلسه به عامه جهان پیشنهاد نمود که در باره وسیع‌ترین سلسله مسایل مربوط به مبارزه ضد امپریالیستی تبادل نظر مؤثر و تعمیری داشته باشند.»

در سند گفته می‌شود که بهم فشرده‌گی احزاب کمونیست و کارگری عامل مهم متحد ساختن تمام نیروهای ضد امپریالیستی می‌باشد.

جلسه تقاضای مساعی مشترک در مبارزه ضد اعمال سیاست نژادی را نمود: «ما وسیع‌ترین امکان جنبش اعتراض را علیه رسواترین پدیده زمان ما، تعقیب وحشیانه ۲۵ میلیون

تایپ متن: قاسم اسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض





## ناشرانديشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره پانزدهم سال دوم دوشنبه ۹ سرطان ۴۸-۳۰-۶۹، شماره ۶۶

بیرک کار مل

# خدمت به خلق وظیفه مقدس ماست!

**سؤال می‌شود که ما چرا در انتخابات دوره سیزدهم شوری شرکت می‌کنیم؟**

پاسخ ساده است: برای اینکه از مبارزات انتخاباتی و شوری می‌توان به حیث یکی از وسایل مبارزه برای بیداری خلق، دفاع از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک خلق و افشای دشمنان خلق تا حدودی استفاده کرد.

**سؤال می‌شود که خلق کیست و دشمنان خلق کدام است؟**

در مرحله موجود خلق افغانستان که شامل زنان و مردان می‌باشد، عبارت است از کارگران، دهقانان، کسبه کاران، محصلان، مامورین پائین رتبه، روشنفکران، قشرهای متوسط‌الحال و خرده پای شهر و ده و سایر عناصر و گروه‌های وطن پرست و مترقی.

دشمنان خلق عبارت است از تمام مستبدین و مرتجعین داخلی، تمام عناصر فئودال و امپریالیست پرست، سوداگران بزرگ دلال، ماموران فاسد ظالم و رشوه خوار مربوط به دستگاه دولت افغانستان و همچنان تمام عمال و نمایندگی‌های انحصارات امپریالیستی. این دشمنان خلق است که مسؤول رنجهای عظیم میلیون‌ها مردم ماست که در تحت شرایط فقر، بیماری، بی‌سوادی و روابط کهنه اجتماعی حیات جهنمی دارند.

سؤال می‌شود که خلق چه می‌خواهد و راه نجات آن‌ها کدام است! خلق آرامش مادی و معنوی، خوشبختی و سعادت می‌خواهد. خلق خوراک کافی، پوشاک خوب و مسکن صحتی می‌خواهد، خلق صحت و تندرستی، سواد و کار، معارف و فرهنگ مترقی می‌خواهد، خلق آزادی، صلح، دموکراسی، ترقی و عدالت اجتماعی می‌خواهد که دشمنان خلق تمام این نعم مادی و معنوی را از خلق سلب کرده‌اند، به همین جهت وظیفه هر انسان شریف و ترقی‌خواه وطن پرست است که در راه تأمین حقوق و آزادی خلق مجدانه مبارزه کند و زندگی خود را وقف خدمت به خلق افغانستان نماید و از دادن هیچ‌گونه قربانی در راه منافع خلق نهراسد، زیرا این خلق افغانستان است که قدرتی عظیم و واقعی می‌باشد نه مرتجعین و مستبدین و استعمارگران.

این تنها خلق است که نیروی محرکه تاریخ را می‌سازد و آفریننده تمام ثروت‌ها و نعمات مادی و معنوی جامعه است و از صلح، استقلال، آزادی و دموکراسی دفاع می‌کند و افغانستان نوین و مترقی را ایجاد می‌نماید. خلق اکثریت قریب به تمام ملت را تشکیل می‌دهد. در حالی که دشمنان خلق گروه ناچیزی از افراد ملت را دربر می‌گیرد و به همین جهت منافع ملی با منافع خلق مطابقت دارد. در صورتی که منافع دشمنان خلق در نقطه مقابل مصالح ملی است. بنابراین حقایق روشن است که جریان دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه خود خدمت به خلق را قرار داده است و در جبهه دفاع از خلق چون صخره استوار است.

(ص ۳)

## ابلاغیه

تمام اخلاصگران و فتنه انگیزان به سویه داخلی و خارجی، تمام نیروهای ارتجاع داخلی و بین‌المللی که دشمنان آزادی ملی و دموکراسی اند، در توطنه هستند تا زمینه‌های سرکوبی نهضت آزادی‌بخش ملی و دموکراتیک افغانستان را تدارک ببیند و نظام استبدادی و اختناق را جایگزین رشد و تکامل دموکراسی نمایند و ارتجاع دست راستی و وابسته به امپریالیزم را استحکام و قدرت

بخشند.

این ابلاغیه به خاطر حفظ نهضت و به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک و ملی در این مرحله تاریخی پخش می‌گردد، تا مبارزان ج، د، خ، ا، مطابق به اوضاع و احوال در برابر حوادث هوشیارانه بر خورند، حساسیت زمان و مسؤولیت تاریخی خود را در چوکات اصول انعطاف پذیر انقلابی، در برابر

خلق زحمتکش افغانستان عمیقاً درک کنند، طوری که پیوسته درک کرده‌اند.

ما، بدین‌وسیله اعلام می‌داریم که هر گونه فعالیت ماجراجویانه به نام پرچمداران جریان دموکراتیک خلق افغانستان يك عمل فتنه گرانه تلقی گردیده و جریان دموکراتیک خلق افغانستان مسؤولیت آن را بهعهده نخواهد داشت

بارق شفيعی

## په تشو خبرو د خلکو گیده نه مپړزی

د هیواد په بیلو، بیلو سیمو کی د حاصل اخیستلو دوخت د رارسیدو سره حکومتی ورځپاڼو په پراخو تبلیغاتو لاس پوری کړیدی چه گوای سړ کال په ناڅاپی او فوق العاده توگه د غنمو حاصلات زیات شویدی.

د حکومتی ورځپاڼو او رادیویی تبلیغاتو نه هره ورځ دا آواز اوچتوری چه وایی: «سړ کال د لغمان په ولایت کښی د غنمو حاصلات، د تیرکال په نسبت په سلو کښی دیرش زیاتیږی. په ننگرهار کښی د غنمو د حاصلاتو زیاتوالی په هلمند کښی د سړ کال حاصلات نسبت تیرکال ته ۲۱ په سلو کښی زیات دی. د هلمند د ناوی د زراعتی پراختیا د پروژی سربنی حاصلات به تر پروسرن کال زیات وي. د هلمند او ارغنداب د ستری او پراخی پروژی یعنی د افغانستان د آینده غله خانی ... د غنمو ورځ په کابل کښی ... د غنمو ورځ په هرات کښی ولمانخل شوه. په زابل کښی د غنمو د ورځی لمانخنه

د لارامو حاصلات ۵۰ په سلو کی زیات شوی دی. د غنمو د نرخ ... او نور...»

د افغانستان حکومتونه چه د طبقاتی ماهیت پر بنیاد خپلی معمولی شیوی سره سم نه کولای شی او نه غواری چه کوم سیاسی او مثر کار د خلکو په گټه وکړی، نو دخلکو د اغفال په مقصد د تولنی په تولو حیاتی چارو کښی په تبلیغاتو لاس پوری کوی، د مفید کارونو د کولو، د تولید د رشد د چټکتیا، د صنعتی پراختیا، د زراعتی او تجارتي پرمختگ او نورو په باره کی باتی وهی او په مبالغه آمیزه توگه داسی تبلیغات کوی چه هیڅ عملی مصداق نلری. دا تبلیغات ځکه د دولتی خبرونو په څپو کښی ورځ تر ورځی پراختیا مومی چه په افغانستان کی د اوسنیو زرو تولیدی روابطو تر اړخ د غلی کمبود او «بودی» نشتوالی د خلکو تر تولو اساسی درد او مصیبت دی نو دخلکو توجه او پاملرنه له هغه نه واری. مگر آیا کیدی شی چه په تشو خبرو د خلکو گیده مړه شی؟ د کلونو په ترڅ کی د کلونو واقعیتونو خلکو ته وښوده چه غالباً داسی «زیری» حقیقت نه لری. سړ کال هم چه د حاصلاتو او بیا په تیره د غنمو د زیاتوالی په باره کی خبری او تبلیغات شویدی. واقعیت او زمان به بی وښیی چه دا بندوری څومره ببخایه او غلطی دی. دا بندوری او بی بنیاده هلی خلی فقط د دی لپاره کیری چه په مرکز او ولایاتو کی د زراعتی ځانگو هغه ستر مصارف معقول وښیی کوم چه بی خایه او بی فایدی لگیدلی دی.

که چیری رښتیا د غنمو د حاصلاتو سطح دومره لوړه شوی وی او د دولتی مطبوعاتو دا ټول تبلیغات سم وی باید په راتلونکی کال کی افغانستان د خارجي غنمو اخیستلو ته مجبور نشی او د غلی بیه هم نسبت نن ته ټیټه شی. علم او تجربه دا ښیی تر څو په کلیو کی د اجتماعی روابطو په مجموع کی بدلون را نشی او دهقانان مستقیماً دخمکی په حاصلاتو کی ځان نښتیا و نه بولی د زراعتی حاصلاتو د چټکو زیاتیدو هیله نشی کیدی.

دا چاره یوازی د ژورو دموکراتیکو ارضی اصلاحاتو په وسیله کیدی شی هغه هم په دی شرط چه د دهقانانو په گډون او گټه فیصله شی.

د افغانستان حاکمه مقامات ددی په خای چه په اوسنیو شرائطو کی په کلیو کی حد اقل اصلاحات، د نسبتاً عادلانه روابطو تنظیم، د ویالو او اوبو

(ص ۴)

## دعوت اسامبله صلح جهانی

با حسن نیت درخواست می‌نماییم که علیه تجاوز و ستم مبارزه نمایند. ما بر اساس این عقیده متحد شده‌ایم که يك صلح پایدار می‌تواند و باید به يك واقعیت زنده مبدل گردد. ما درین جا اجتماع کرده ایم زیرا که برای عمل مشترک ضرورت است. ما به این عقیده رسیده ایم این امری ممکن است. در پرتو ملاحظیات بشردوستانه و مسؤولیت در برابر بشریت ما تصمیم خود را اعلام می‌داریم که ما هر چه

معتقدیم که مردم اکنون می‌توانند در امر حل پرابلم های جنگ و صلح نقش موثری را ایفاء نمایند. مبارزات توده‌ای به خاطر صلح به موفقیت‌های قابل ملاحظه‌یی در نبرد علیه امپریالیزم، رسیده است. لهذا ما خواهان مجاهداتی برای اتحاد تمام نیروها و دفاع از صلح مطمئن، استقلال سیاسی و اقتصادی ملل هستیم که در قاره‌ها و به سویه ... و ملی آغاز گردد.

ما از تمام مردمان، از تمام مردم

شده است. ملت‌تاریزم جدید در جمهوریت فدرال آلمان به پیمانه تشویش آوری رشد می یابد. منافع صلح مستلزم احترام به موقعیت ارضی واقعاً موجود در وضع فعلی و برقراری يك سیستم امنیت دسته‌جمعی است که متعاقباً انحلال پیمانهای نظامی را ممکن می‌سازد. مسابقه تسلیحاتی ادامه دارد، مبالغ عظیمی درین راه به مصرف میرسد که میتوانست برای بهبود سطح زندگی خلق‌ها مورد استفاده قرار گیرد. ما

اسامبله صلح جهانی در جلسه اختتامیه خویش به تاریخ ۲۴ جون دعوتنامه زیرین را به تصویب رسانید: ما نمایندگان ۵۶ سازمان بین‌المللی و ۲۲۰ سازمان ملی ورهبران از مسؤولیت خود در برابر صلح آگاهیم. اسامبله صلح جهانی به اشتراک ۱۰۱ کشور در برلین، مرکز جمهوریت دموکراتیک آلمان از ۲۱ جون تا ۲۴ جون ۱۹۶۹ دایر گردید. مادر شناخت ضرورت هماهنگی و توسعه فعالیت‌های همه نیروهای صلح و ضد امپریالیستی اتفاق نظر داریم. هدف ما اینست که برای هر ملت در مناطق جهان زندگی آرام در شرایط امنیت، کرامت بشری و ترقی اجتماعی هم برای کشورهای مربوطه خود ما و هم برای بهبود تمام خلق‌های دیگر، بر اساس تسلاوی، حق تعیین سرنوشت خود و دفاع حاکمیت ملی تأمین گردد. کارهای بزرگی هنوز هم باید برای نیل به این هدف انجام گیرد، زیرا ما میدانیم که هنوز نیروهای بانفوذی در جهان وجود دارند که نمایندگی از موجودیت تهدیدی برای صلح جهانی می‌نمایند. ایالات متحده امریکا تجاوز خود را بر ویتنام ادامه می‌دهد. اسرائیل از عقب کشیدن نیروهای خود از مناطق اشغالی مطابق به فیصله نامه ۲۲ نومبر، ۱۹۶۷ شسورای امنیت سرباز میزند، حقوق ملی مردم فلسطین احترام نمی‌شود. استعمار، استعمار نو، فاشیزم، نیوفاشیزم و سیاست نژادی هنوز محو نگردیده است.

پرابلم امنیت اروپا حل نگردیده است. اروپا به دو گروپ نظامی تقسیم شده است. دوشنام داده و می‌دهند که تکرار آن دوشنام‌های شیربانه و کثیف کاغذ و قلم را ناپاک می‌کند. از روزی که یک عده اشخاص مزدور مربوط به شبکه‌های جاسوسی داخلی و خارجی و عملیات خرابکارانه عمال ارتجاع و امپریالیزم در وجود جراید اجبر و تجارتي، در روی جاده‌ها و در میتینگ‌ها از مبارزات اصولی و انتقاد سالم بریده و بوسیله صرفاً دوشنام دادن و فتنه انگیزی به نهضت لطمه وارد کرده‌اند و اتحاد را برهم زده‌اند. صدها درخواست، شکایت و انتقاد تحریری و شفاهی بالای ما وارد گردید که جریان دموکراتیک خلق افغانستان و

## کنگره جهانی زنان در هلسنکی

در قطعه نامه مربوط به ویتنام، کنگره از تمام زنان جهان درخواست نموده است که از پیشنهاد ده فقره‌یی جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی جدا پشتیبانی نمایند و خروج بدون قید و شرط تمام عساکر امریکا و دیگر کشورها را از ویتنام و اینکته به مردم ویتنام حق داده شود تا امور مربوط به خود را خودشان بدون مداخله خارجی تنظیم نمایند، تقاضا کنند در قطعه نامه گفته می‌شود که کنگره جهانی زنان از تأسیس حکومت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی استقبال می‌کند.

نطاقانی که در جلسه اختتامیه کنگره سخنرانی می‌کردند اهمیت بزرگ این کنگره را به خاطر تحکیم وحدت و همکاری نیروهای مترقی جهان یاد آوری نمودند.

اسرائیل بر ضد مردم عرب، فعال شدن محافل ملیتاریستی و انتقام چو در جمهوری فدرال آلمان جدأ محکوم گردیده است. کنگره جهانی زنان از نظریه دایر شدن کنفرانسی به غرض بحث بر پرابلم های امنیت اروپا پشتیبانی نمود. زنان همبستگی خود را با ملت های که بر ضد رژیم های استعماری می‌جنگند تأیید و هر نوع مظهر سیاست نژادی را شدیداً محکوم نمودند.

در درخواست از زنان جهان خواهش به عمل آمده است تا همبستگی خود را به غرض تأسیس يك جبهه نیرومند ضد امپریالیزم و ضد تمام نیروهائیکه تر قی اجتماعی را بطی می‌سازند و صلح را مورد تهدید قرار می‌دهند بیش از پیش تقویه کنند.

کنگره جهانی زنان در هلسنکی پایان یافت. در جلسه اختتامیه کنگره اسنادی راجع به تصمیم و اتحاد در مبارزه به خاطر صلح، ترقی اجتماعی و حقوق زن به تصویب رسید. در این اسناد نتایج مباحثات چهار روزه راجع به نقش زن در جهان درج گردیده است. کنگره هلسنکی درخواستی را از زنان جهان، قطعه نامیی راجع به ویتنام و شعار عمل مشترک به خاطر تطبیق تسلاوی واقعی زنان را به تصویب رسانید. درخواستی که از زنان جهان به عمل آمده از آن‌ها خواش شده تا هوشیاری خود را از دست ندهند، در درخواست نقاط داغ تعرض که خطر جدی‌یی را متوجه صلح جهانی گردانیده نشان داده شده است و جنگ ایالات متحده امریکا در ویتنام، تجاوز

## چرا ما به دشنام پاسخ نمی‌دهیم!

ارگان آن پرچم خلق- چرا به دشنام‌ها و انتقادات بی‌پایه پاسخ نمی‌دهد. ما به این رققا، دوستان و هموطنان شریف اظهار داشته‌ایم که در قاموس اصول جهان‌بینی علمی ما فحش، دشنام، اتهام و دروغ جای ندارد و ما نمی‌توانیم سطح اخلاق عالی، مبارزه پیشرو و مترقی خود را بسویه پست تنزیل دهیم، آزادی و دموکراسی را در افکار عامه پائین آوریم، زیرا ما حفظ دموکراسی و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و ایجاد و استقرار يك نظام دموکراتیک را درین مرحله از وظایف اساسی خویش می‌شوریم. تا کنون مخالفین و دشمنان ما هیچ‌گونه حمله و یا انتقادی (جزء

دشنام داده و می‌دهند که تکرار آن دشنام‌های شیربانه و کثیف کاغذ و قلم را ناپاک می‌کند. از روزی که یک عده اشخاص مزدور مربوط به شبکه‌های جاسوسی داخلی و خارجی و عملیات خرابکارانه عمال ارتجاع و امپریالیزم در وجود جراید اجبر و تجارتي، در روی جاده‌ها و در میتینگ‌ها از مبارزات اصولی و انتقاد سالم بریده و بوسیله صرفاً دوشنام دادن و فتنه انگیزی به نهضت لطمه وارد کرده‌اند و اتحاد را برهم زده‌اند. صدها درخواست، شکایت و انتقاد تحریری و شفاهی بالای ما وارد گردید که جریان دموکراتیک خلق افغانستان و

(ص ۲)

(ص ۳)



جلسه بین‌المللی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری به خلق برادر ویتنام دروهای گرم می‌فرستد و پیروزی‌های تاریخی شان را در مبارزه علیه تجاوز ایالات متحده صمیمانه تبریک می‌گوید.

ما درودهای خاص خود را به پیشاهنگ خلق ویتنام - حزب خلق کارگر ویتنام و کمیته مرکزی آن - و به وطن‌پرست و انترناسیونالیست بزرگ رفیق هوچی من سیمای برجسته جنبش بین‌المللی کمونیستی، می‌فرستیم. حزب خلق کارگر ویتنام نیروی الهامبخش و راهنما در مبارزه علیه تجاوز امپریالیزم ایالات متحده است. حزبی که همواره منافع ملی و جبهه سوسیالیزم را در جنوب شرق آسیا دفاع می‌نماید.

ما دروهای گرم را به جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی، نماینده قانونی مردم ویتنام جنوبی و سازمانده آزموده و رهبر مقاومت قهرمانانه علیه تجاوز ایالات متحده می‌فرستیم. پروگرام سیاسی جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی اساسیست که همه مردم ویتنام جنوبی را در مبارزهٔ عادلانه شان به خاطر آزادی متحد می‌سازد. جلسه بین‌المللی پروگرام ۱۰ فقریی - «اصول و محتوی عمدهٔ یگ حل عمومی پرابلم ویتنام جنوبی و به حیث کمک به استقرار صلح در ویتنام را که به تاریخ ۸ می ۱۹۶۹ توسط کمیته مرکزی جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی پیشنهاد گردیده است، بدون قید و شرط تأیید می‌نماید. این پروگرام ناشی از اصول اساسی موافقات ۱۹۵۴ ژنو راجع به ویتنام و وضع کنونی در ویتنام می‌باشد و مبتنی بر پروگرام سیاسی و موقف ۵ فقریی جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی بوده و با موقف ۴ فقریی حکومت جمهوری دموکراتیک ویتنام مطابقت دارد.

حق تعیین سرنوشت برای مردم ویتنام جنوبی و صلح پایدار در ویتنام را تضمین می‌نماید و همچنان با منافع دیگر خلق‌های هند چین موافقت دارد.

**خلق ویتنام در پیکار دفاع از وطن خویش حق مقدس و تخطی ناپذیر تمام خلق‌ها را به خاطر دفاع از خود عمل هم نماید** .

مبارزه ایشان به خاطر آزادی و استقلال، احترام عمیق و تحسین تمام ملل را بر می‌انگیزد. ثبات، قهرمانی و ایمان ایشان سرمشق و الهام در مبارزه علیه امپریالیزم، برای صلح و برای آزادی خلق‌ها از استثمار وستم است. با دفاع از وطن شان، خلق ویتنام همزمان وظیفه بین‌المللی خویش را انجام می‌دهند و در راه آرمان شرافتمندانه صلح جهانی خدمت می‌کنند. ما در این عادلانه ترین مبارزهٔ خلق ویتنام، پیوند مستحکم در همبستگی با ایشان داشته و داریم.

متعاقباً ماده (۱۰۷) قانون اجراءات جزائی حکم می‌کند: «هر گاه تحقیق بعد از پایان یافتن مدت نهائی توقیف که در ماده گذشته ذکر گردیده تکمیل نه شده باشد ځارنوالی مکلف است - اوراق قضیه را به رئیس محکمه ولایت تقدیم نماید و او در حال ضرور ت می‌تواند توقیف را تمدید دهد، رئیس مذکور صلاحیت دارد به تمدید مدت يك و یا چند مرتبه بپردازد؛ به شرطی که تمدید در هر مرتبه از (۴۵) روز بیشتر نباشد» با در نظر گرفتن تعقیبات لفظی درین و اکثر مواد قانون اجراءات جزائی، بهر اندازه‌ای که در متن آن نذت شود بهمان اندازه پرده از چهره دستگاه و حقوق‌دانان آن بر داشته می‌شود و نمایندگی از شکنجه آلات قرون وسطایی می‌کند تا مادیمی از مواد قانون در جهت تأمین آزادی‌های طبیعی قرن ما.

ماده فوق از يك طرف به‌صراحت ناقض حکم ماده (۱۰۶) همان قانون اجراءات جزائی در مورد تمدید مدت

نبرد قهرمانانه خلق ویتنام علیه تجاوز ایالات متحده جزء مهمی در مبارزه جهانی بین سوسیالیزم و امپریالیزم، بین نیروهای ترقی و نیروهای ارتجاع می‌باشد.

نیروهای امپریالیستی ایالات متحده امریکا با مداخله مسلحانه در ویتنام سعی کرد یکی از جبهات مقدم سوسیالیزم را در آسیا درهم کوبد، راه مردم هند چین را به سوی صلح، آزادی و ترقی مسدود سازد، بر جنبش آزادی‌بخش ملی انقلابی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین ضربه وارد نماید و همبستگی کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای ضد امپریالیستی را نیلرmaid.

این پلانهای امپریالیزم ایالات متحده محکوم به ناکامی است.

پشتیبانی همه جانبه و بزرگ کشورهای سوسیالیستی، در درجه اول از طرف اتحاد شوروی و تمام خلق‌های صلح‌دوست، به ایالات متحده امریکا، این نیرومندترین قدرت امپریالیستی نشان داد که قدرت آن نامحدود نمی‌باشد.

جنایات وحشیانه مداخله گران ایالات متحده علیه خلق ویتنام، استعمال سلاح بیولوژیکی، کیمیای و غیره وسایل امحای کتلوی که چیز دیگری جزء انسان کشی نمی‌باشد، وجدان بشری را جریحه دار می‌سازد. این امر ماهیت واقعی ضد بشری امپریالیزم را به تمام مردم افشاء ساخت.

تمام اینها منتج به تجرید روز افزون سیاسی و اخلاقی متجاوز از میان افشار وسیع، به شمول محافل حاکمه برخی از کشورهای سرمایه داری گردید. در خود ایالات متحده امریکا نیز بخشهای هرچه بیشتر نفوس با جنگ کثیف در ویتنام که نتایج آن برای جامعه امریکایی تکان دهنده می‌باشد، مخالفت می‌کنند.

مبارزه حماسی خلق ویتنام در جنبش خلق‌ها علیه امپریالیزم عامل تعیین کننده ایست که در فعالیت‌های رزمنده جوانان و دانشجویان نیز متجلی می‌گردد.

گرچه متجاوزین ماشین عظیم جنگی را به حرکت در آورده اند، مجبور گردیدند که بمباردمان جمهورییت دموکراتیک ویتنام را بدون قید و شرط قطع نمایند و به مذاکرات چهارجانبه با اشتراک مساویانه جبههٔ آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی موافقت کنند. در ویتنام جنوبی نیروهای مسلح آزادی خلق بر مداخله گران ایالات متحده و دست نشاندگان آن به‌طور لاینقطع

ضربات هلاکتباری را وارد می‌نمایند. قدرت خلق در بخش بزرگ آن سرزمین ایجاد گردیده است؛ رژیم ورشکست دست نشانده فقط به‌وسیلهٔ سر نیزه امپریالیزم ایالات متحده سر اقتدار نگه‌داشته شده است.

اینها پیروزی‌های عمدهٔ خلق قهرمان ویتنام، سیستم جهانی سوسیالیزم، جنبش بین‌المللی کمونیستی و طبقه کارگر و تمام دیگر نیروهای صلح‌دوست و مرقی می‌باشد.

نبرد موفقیت آمیز ویتنام منعکس کننده توازن بین‌المللی قوا و قدرت رشد یابنده نیروهای سوسیالیزم، دموکراسی و آزادی ملی به مقیاس جهانی می‌باشد.

جنبش وسیع پشتیبانی از ویتنام علیه تجاوز ایالات متحده، سعی جنبش بین‌المللی کمونیستی و همچنان تمام دیگر نیروهای امپریالیستی و به خاطر پیوستگی و وحدت عمل در نبرد علیه امپریالیزم که دشمن مشترک بشریت است، به‌طور بارز و مشخص نشان می‌دهد.

مبارزه وطن‌پرستان ویتنامی نشان می‌دهد که خلق که به‌طور پیگیر بر ضد امپریالیزم به خاطر آزادی و استقلال می‌رزمند و در پهلوی خود اتحاد شوروی و تمام دیگر کشورهای ایندولوزیکی، از بیچارگی، ضعف و سستی و از قصد خیانت به امر رشد دموکراسی و آزادی نمایندگی می‌کند - که علی العموم از عملیات زشت و پلید پلانهای شبکه‌های تخریبی و جاسوسی ارتجاع و امپریالیزم که دشمنان پیشرفت و ترقی جامعه ما استند، سرچشمه می‌گیرد.

در تاریخ نهضت مترقی و کارگری عملیات زشت و پلید دشمنان ایندولوژی طبقه کارگر و دشنام دادن به شخصیت‌ها و اصول خلاق آن چیز تازه‌یی نیست، بلکه شیوه پستی است که از دیرزمانی در افکار عامه مردم ماهیت و سرچشمه‌های آن فاش و برملا شده است و اهداف و نیات سیا آن‌ها آشکار و آشکارتر می‌گردد. لذا اگر ما جوابی به دشنام دهندگان مربوط به شبکه‌های تخریبی و جاسوسی ارتجاع داخلی و امپریالیستی و شـوویینیزم عظمت‌طلبانه، این خرابکاران و فتنه گران بین‌المللی نمی‌دهیم بنا بر

# استقلال . آزادی و صلح برای ویتنام!

## دعوت جلسه بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری

های سوسیالیستی و نیروهای صلح‌دوست تمام جهان را دارد، شکست ناپذیر است.

هر قدر وحدت و همبستگی جنبش بین‌المللی کمونیستی و تمام دیگر نیروهای ضد امپریالیستی در مبارزه علیه دشمن مشترک-امپریالیزم نیرومندتر باشد، پیروزی‌های آن‌ها بزرگتر خواهد بود.

هر قدر احزاب کمونیست و کارگری قاطع‌تر از آزادی خلق‌ها پشتیبانی کنند و مبارزه علیه پالیسی تجاوز امپریالیستی را سرکردگی نمایند، جنبش ضد امپریالیستی خلق‌ها وسیع‌تر و موثرتر می‌باشد. محافل نظامی ایالات متحده امریکا علی رغم شکست های سنگین هنوز از پلانهای تجاوزی نو استعماری خود در مورد ویتنام صرف نظر نکرده‌اند و به تلاش‌های خود برای فیصله نظامی پرابلم ویتنام ادامه می‌دهند. آن‌ها به تعقیب راه خطرناک توسعه تصادمات نظامی پافشاری می‌نمایند که گواه بر آن بمباردمان روز افزون سرزمین لائوس و اعمال تحریک آمیز دایمی علیه کمبودیای بیطرف می‌باشد. حکومت ایالات متحده و نمایندگان آن در پاریس لوجانه انگار میورزند که راجع به خواست‌های عادلانه حکومت

## چرا ما به دشنام ...

اصولیت ماست که نمی‌خواهیم در لجنزار فساد سقوط کنیم ووسيله نیات سیا آن‌ها قرار گیریم.

ما ایمان راسخ داریم که دشنام دهندگان دلال و وابسته، با اربابان خود یکجا به این شیوه خائنانه «مبارزه» گور خود را می‌کنند و از طرف خلق شریف افغانستان جواب دندان شکن میگیرند و از نهضت آزادی‌بخش ملی و اجتماعی کشور ما طرد می‌گردند و خلق زحمتکش افغانستان تحت پرچم اصول جهان‌بینی علمی و نهضت رهائی‌بخش دموکراتیک و اجتماعی افغانستان به پیروزی نهائی میرسد.

تجربه تاریخ نشان می‌دهد که مقاومت تخریبی نیروهای سیاه ارتجاع و امپریالیزم بالینکه تمام وسایل کثیف اتهام و دشنام را بکار می‌برند، درهم می‌شکند و پرچم جاویدان خلق همچنان سر بلند و پر افتخار بهپیش می‌رود!

جمهوریت دموکراتیک ویتنام و جبههٔ آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی، خاصتاً تقاضای خروج بدون قید و شرط قوای ایالات متحده و دیگر اشتراک کنندگان تجاوز در ویتنام جنوبی، به مذاکرات معقول و واقع‌بینانه بپردازند. در عوض آن‌ها در پی آن‌اند که بوسیله مائور های عوامفریبانه افکار عامه جهان را به گمراهی بکشانند و از طریق وارد کردن فشار در مذاکرات به پیروزی دست یابند که در میدان نبرد به آن موفق نشده‌اند.

آن‌ها از مسأله اساسی خروج کامل و بدون قید و شرط قوای ایالات متحده و اقرار آن از ویتنام جنوبی طفره می‌زنند و بر آنچه که خروج دوجانبه قوا می‌نامند پا فشاری دارند. به این وسیله متجاوز خود را با قربانی تجاوز هم تراز وانمود می‌کنند. معذالک امپریالیزم ایالات متحده هیچ‌گاه به پنهان کردن این حقیقت موفق نمی‌گردد که در ویتنام تجاوز کرده و لوجانه به تجاوز خود ادامه می‌دهد.

مداخله ایالات متحده در ویتنام تهدید دایمی به صلح جهانی و چلنج مستقیم به تمام خلق‌های است که به خاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه می‌نمایند. جنبش بین‌المللی کمونستی و طبقه کارگر مطابق به اصول انترناسیونالیزم پرولتری و با روحیهٔ همبستگی برادرانه، به هرگونه کمکی که خلق ویتنام خواسته باشند تا پیروزی نهائی مرام عادلانه شان ادامه خواهد داد و بدین‌وسيله کمک بزرگی را در جهت آرمان صلح جهانی، مرام آزادی و سوسیالیزم انجام می‌دهند. جلسه بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری با تاکید اعلام می‌نماید که حل عادلانه پرابلم ویتنام تنها از طریق تضمین حقوق اساسی ملی خلق ویتنام تأمین شده می‌تواند.

امروز وقتی که مبارزه خلق ویتنام به مرحله مهمی وارد گردیده است، وقتی که از برکت ابتکار جمهورییت دموکراتیک ویتنام و جبههٔ آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی تمام شرایط لازم برای حل عادلانه سیاسی ایجاد گردیده است، ما تقاضا داریم:

ایالات متحده باید موقف کارشکنانه را در کنفرانس چهار جانبه در پاریس ترک گوید،

ایالات متحده نباید به صورت فوری اعمال تجاوزکارانهٔ خود را در ویتنام قطع نماید و قوای خود و اقرار خود را به‌طور کامل و بدون قید و شرط از ویتنام جنوبی خارج سازد،

پیوست گذشته

# باید قوانین ضد دموکراتیک - ضد خلقی

## و ضد ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی لغو گردد!

آن‌ها، وضع هردو ماده را از نظر گاه منافع خود مفید بدانند بازهم در صورت وجود ما ده (۱۰۷) حکم ماده (۱۰۶) قانون مذکور زاید است.

در مورد استنطاق و اجرای تحقیق متهم گرفتار شده، ماده (۹۹) قانون اجراءات جزائی حکم می‌کنند:

عضو ځارنوالی مکلف است از متهم گرفتار شده هرچه زودتر استنطاق نماید. در صورتی که استنطاق فوری ممکن نباشد متهم تحت نظارت گرفته می‌شود. گرفتن متهم تحت نظارت بیش از ۴۸ ساعت دوام ندارد نمی‌تواند. مأمور نظارت مکلف است پس از انقضاء مدت ۴۸ ساعت متهم را به ځارنوالی تسلیم نموده و ځارنوالی مکلف است هرچه زودتر از متهم استنطاق کند و یا امر رهایی

ایالات متحده باید حقوق مردم ویتنام جنوبی را در تعیین سرنوشت شان بدون مداخله خارجی به رسمیت بشناسید،

ایالات متحده باید به تمام اعمالی که متوجه حاکمیت و امنیت جمهورییت دموکراتیک ویتنام است، خاتمه دهد،

ایالات متحده باید مداخله و تجاوز خود را در لائوس و تعرض خود را بر تمامیت ارضی کمبودیا قطع نماید، سرحدات آن را بشناسد، اهداف تجاوزکارانه خود را در مورد دول جنوب شرق و شرق آسیا ترک گردید و موافقات ۱۹۵۴ و ۱۹۶۲ ژنیو را جداً مراعات نماید.

ما تقاضا داریم که تایلند، نیوزیلاند و استرالیا، رژیم دست نشانده کوریای جنوبی و همچنین جمهورییت فدرال آلمان و جاپان به اشتراک آشکار و پنهانی خود در تجاوز ایالات متحده بر ویتنام، خاتمه دهند!

به نمایندگی از میلیون‌ها کمونیست از تمام مردمان دارای حسن نیت که امید صلح، عدالت و آزادی و استقلال ملل را بسر می‌پرورانند در خواست می‌نماییم:

با تصمیم بزرگتر در سرتاسر جهان علیه جنگی جنایتکارانه امپریالیزم ایالات متحده در ویتنام مبارزه نمایند هرچه بیشتر در جنبش بین‌المللی همبستگی با خلق قهرمان ویتنام فعالانه اشتراک ورزید! و برون کشیدن قوای ایالات متحده و اقرار آن را از ویتنام تقاضای نمایید!

حل صلح‌جویانه فوری پرابلم ویتنام را بر اساس تضمین حقوق تخلف ناپذیر خلق ویتنام تقاضا کنید!

از پرو گرام ده فقرهیی جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی پشتیبانی کنید!

ما خواهان بسط فوری فعالیت‌های نیرومندتر، گوناگون وهم آهنگ از طرف نیروهای ضد امپریالیستی صلح‌دوست در پشتیبانی از مبارزه خلق ویتنام علیه تجاوز ایالات متحده می‌باشیم!

انتقال قوای نظامی، اسلحه و وسایل برای مداخله و اقرار آن‌ها را تحریم نمایید!

بیباید که ۲۰ جولای، سالگرد امضاء موافقت‌نامه‌های ژنیو را، به یک روز بین‌المللی همبستگی با ویتنام، روز مبارزه برای جلو گیری از تجاوز ایالات متحده برگردانیم!

افتخار و شرف بر خلق قهرمان ویتنام که به خاطر آزادی و استقلال با وقف می‌رزمند!

پرچم همبستگی بین‌المللی را برافراشته نگه‌دارید!

استقلال، آزادی و صلح برای ویتنام! مرام عادلانهٔ خلق ویتنام به پیروزی میرسد!

او را صادر نماید و از حکم ماده (۱۰۷) قانون اجراءات جزائی برمی آید که مطلب قانون گذاران افغانستان از ذکر این‌همه مکلفیت‌های ځارنوالی راجع به تحقیق و استنطاق فوری متهم به تعویق انداختن آن الی (۱۲۰) روز است، بدون اینکه کسی بگوید بالای چشم شان ابروست!

رهایی متهم بعد از ۴۸ ساعت گرفتاری با توقیف قبل از محاکمه مطابق بر حکم ماده (۹۹) قانون اجراءات جزائی متضمن هیچ نوع قید و شرطی نمی‌باشد و باید هم همین طور باشد که می‌تواند مأمول حکم ماده (۲۶) قانون اساسی را برآورده سازد، اما توقیف سه و یا چارونیم ماه و زیاده از آن قبل از محاکمه علنی و حضوری سراپا ضد دموکراتیک، ضد خلقی و ضد ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی است که گروه مسلط بر سرنوشت مردم جامعه ما صرفاً برای منکوب کردن آزادی‌ها و اتلاف حقوق اکثریت آن را وضع و در معرض عمل گذارده است.



## نمونه‌پی از بی‌اعتنایی دستگاه حاکمه به مسایل حیاتی مردم زحمتکش

جمعیت کثیری از تیره بختان خلق وطن‌پرست ترکمن در جوار رود خروشان آمو، در علاقه داری (خماَب) زندگی (!) می‌کنند. دهقانان زحمتکش این گوش کشور حاصل ناچیزی را که بعد از تقدیم بهره مالکانه به صاحب اراضی بدست می‌آورند، نیمی از آن‌وقه یک‌ساله ایشان را تکافو نمی‌کند.

قالین باقی که هنر باستانی این مردم است، اخیراً بنا بر استثمار ظالمانهٔ ارباب زر و زور و کساد بازار قالین افغانی به علت عدم حمایت از قالین باقان و بی‌اعتنایی‌های مزید درین زمینه نمی‌تواند مابحتاج ضروری صنعتگران قالین را بر آورده سازد بنا بر آن با آن‌همه جان‌کشی و ناخون سایی بازم مردم این دیار لاقال توان آن را ندارند که فراز تپه‌های

ریگی و شوره زار منطقه، خانه و سرپناهی برپا دارند که بتوانند برای مدت کمی هم استوار باقی بماند.

همین‌که مدت قلیلی از اعمار آن می‌گذرد به سقوط وحشتناکی مواجه می‌شود و باعث تلفات جانی و مالی مردم بیچاره می‌گردد. چنانکه در اوایل برج ثور ۱۳۴۸ یکی ازین منازل سقوط کرد و سبب مرگ فجیع یک مرد، یک زن و یک طفل گردید و مردم با حسرت و تأثر و اندیشه از آینده خویش این قربانیان ناتوان را به خاک سپردند. معهدا عمال دستگاه حاکمه نه تنها نسبت به این حادثه خمی به ابروی مبارک نزدند، بلکه حداقل به فکر آینده مردمی که چنین سرنوشتی شوم در کمین ایشان است، نیز نیفتادند.

مردم خماَب در حالی که نسبت به چنین روییمی اظهار تأسف می‌کنند توجه جدی مقامات مسؤول را به این امر حیاتی مردم جلب نموده و در صورت عدم اعتنا به این مسأله نهایت مهم، مسؤولیت عواقب وخیم آن را متوجه سهل انگاران مقامات حاکمه می‌دانند

س. شیله از خماَب

## عمل غیرقانونی گردانندگان معارف ولایت جوزجان

در یکی از شماره‌های گذشته پرچم به اطلاع خوانندگان ارجمند رسانیدیم که شاگردان بنسوخی ابتدائی قرقین ولایت جوزجان به عنوان اعتراض علیه رویه ضد کرامت بشری و عدم احترام به شخصیت شاگردان و اولیای ایشان و استعمال الفاظ و کلمات غیراخلاقی در برابر آنان، دست به اعتصاب زده بودند.

خبر تازه می‌رساند که سر معلم مکتب و همدستان او به غرض سر کو ب شاگردان طی استعلامی از ایشان خواستند تا به‌اصطلاح محرکین اعتصاب را معرفی کنند، ولی شاگردان باشعور مکتب با حفظ همبستگی صفوف خویش یکبار دیگر رویه ناهنجار شخص سر معلم

(بقیه صفحه اول)

# دردنا، شکایت‌ها و اعتراضات خلق

## مردم بر بناروالی سرپرست مزار شریف اعتراض می‌کنند

علاوه بر بیکاری، بیکاری، گرسنگی و ستم طبقاتی از لحاظ شهرداری نیز به وضع رقت‌باری دچار شده است.

آب نل درین شهر صرف بنام وجود دارد، اکثریت قاطع اهالی آب‌های غیر صحی و حامل میکروب‌ها را از حوضه‌ای ذخیره گرفته، مورد استفاده قرار می‌دهند.

در اثر برف باری‌ها و باران‌های متواتری که هنگام زمستان گذشته به وقوع پیوست در روی جاده‌ها و کوچه‌های عمومی حفزه‌ها، خندق‌ها و گودال‌ها به وجود آمده، اکنون که

ترقی ایام گرمی است، بادهای سوزان می‌وزد، خاک‌ها و کثافات را در سراسر شهر می‌پراگند و باعث آذیت مردم می‌گردد.

بناروالی مزار که سال‌ها مبالغی را بنام کرایه شاهی، صفایی و غیره و غیره از اهالی و دکانداران شهر به دست می‌آورد، در طرقی صرف

می‌کند که هیچ‌گونه تأثیر مثبتی بر زندگی مردم مظلوم و بی‌نوا ی شهر وارد نمی‌کند. اهالی شهر عقیده دارند

که عواید بناروالی مزار حیف و میل می‌شود و بناروالی سرپرست داریی عامه مردم را برای آسایش مردم

صرف نمی‌کند.

باید برین وضع ظالمانه اعتراض کرد. باید مردم به خاطر تأمین منافع عامه در صدد آن باشند تا بجای طفیلیان، نمایندگان واقعی مردم به ادارهٔ بناروالی منتخب شوند.

باید به عمر بناروالی های سرپرست خاتمه داده شود.

مردم بر وضع موجود بناروالی، بر حکومت اعتراض می‌کنند.

که اهالی صیاد را رها کردند، دیگر حق به‌حق دار (!) رسیده بود و مردم صیاد بی‌گناه بودند. دهقانان صیاد با یک صدا فریاد می‌کنند:

تهمت ناحق و ادعای بسیار بی‌شرمانه و غیرمنطقی مستبدین باهم مفاهمه کرده، یک مبلغ پولی گردآورده، توسط قریه دار در کام خون‌خواران رشوه ستان و بی‌غیرت ریختند. همان بود

... به خوانندگان جریدهٔ خلقی پرچم هویداست که ماه‌ها قبل ما شاگردان مکتب کادستر کندهار به نسبت تفرقه افگنی و روش ضد منافع ملی مدیر مکتب کادستر دست به مظاهره زدیم و تقاضا نمودیم تا مدیر مکتب که عامل نفاق در بین شاگردان قسمت‌های مختلف وطن بود، از مکتب کادستر دور گردد. بلااثر علاقهٔ مدیر مذکور از مکتب ما ظاهراً قطع گردید، اما از مدت بیشتر

از دو ماه به این‌طرف مدیر مذکور از طرف وزارت داخله به ریاست سروی اراضی کندهار آمده و ماهی یک مرتبه به دفتر میاید، حاضری تمام ماه را امضاء نموده و معاش خود را می‌گیرد. علاوهٔ نامبرده در اوقات غیررسمی از موترهای کادستر برای اجرای امور شخصی و هواخوری استفاده می‌کند. چون مذکور طوری موقعیت دارد که می‌تواند دوباره به تحریکات، نفاق

## اهالی ولسوالی سنگچارک را خطر بزرگی تهدید می‌کند

بیشتر از یک ماه است که به اثر لغزش يك تپهٔ بزرگ خاکی در مسیر دریاچه «آبکلان» ولسوالی سنگ چارک، آب دریاچه به‌کلی گل آلود گردیده است.

این یگانه آب مورد استفاده مردم زحمتکش دهات توپخانه، مسجد سبز، دهمرده، گجوا، گنر تغایخواجه، تیر، دوتم و دوآبه، سنگر، فیض آباد، جر منقلعه، باغ اسحق و غیره می‌باشد، اکنون تقریباً نصف آن را گل لژی سبزرنگ و صعب التجزیه بی تشکیل می‌دهد که امکان هر نوع استفاده از آن را از بین برده است. علاوهٔا دریاچه مزبور در محلی که تپه باعث

انسداد مسیر آن گردیده است، موجب تخریب اراضی وسیع زراعتی گرد و نواح خود نیز شده است.

باشندگان نجیب و زحمتکش قرای متذکره، ازین ناحیه با مشکلات عظیمی دست به گریبان‌اند. چه تشویش‌های جانکاهی که شب و روز استخوان آنان را نمی‌سوزد و چه رنج‌های کشنده‌یی که نمی‌کشند. مشکل آب آشامیدنی انسانی و حیوانی و فساد زراعتی، درد مرگبار دیگرریست بر بالای دردهای بیکران خلق ستمکشیدهٔ این دیار.

روشن است که هر گاه به زودترین فرصت این معضله خطیر حل نگردد، نه تنها مردم از بی‌حاصلی زمین‌ها به خطرات بزرگی مواجه خواهند شد، بلکه تلفات جان‌گداز جانی روزگار سیاه خلق را سیاقتر خواه ساخت.

خلق ستمکش ولسوالی سنگی چارک به این وسیله علیه عدم اعتنا و بی‌پروایی مسؤولان امور درین زمینه جداً اعتراض می‌کنند و خواهان اقدامات فوری‌اند.

«م. ع. ا»

## سمنگان «صیاد»روش ظالمانه در برابر اهالی زحمتکش

دست این رشوت ستانان بی‌غیرت را کوتاه کنید! پنجه‌های خونین آنان را از حلقوم ما بردارید.

**از طرف (بلیغ خلمی)**

### شکایت شاگردان وطن‌پرست کادستر کندهار

افگنی در بین شاگردان پپردازد، چنانچه آثار و قرآینی ازین ناحیه نیز به وجود آمده است، ازین رو از مقامات مربوطه جداً تقاضا می‌کنیم تا وجود این شخص را به حیث موجهه تشویش شاگردان و وسیله بروز حوادث ناگوار در مکتب در نظر گیرند.

**امضاء ۷ تن شاگرد مکتب کادستر کندهار**

# خدمت به خلق وظیفه مقدس ما...

فریب داد و عوام‌فریبی کرد. باید در برابر خلق صادق، وفادار، فروتن و با احتیاط بود. از غرور و تکبر، از خودستایی و خودفروشی و تندخونی پرهیز کرد. تعقیب سیاست نیرنگی و فریب در برابر خلق حکم پستی و خیانت را دارد. خیانت به خلق غیر قابل عفو است.

تجربه تاریخ مبارزات عادلانه رهانی‌بخش ملی و اجتماعی نشان می‌دهد که هرگاه در عمل ثابت کنیم که واقعاً خدمتگزاران و فرزندان صدیق خلق افغانستان استیم، سازمان دهندگان واقعی خلق خواهیم شد و خلق با رضائیت و حرارت از ما پشتیبانی خواهند کرد و در نتیجه به آرمان مقدس خلق افغانستان نایل خواهیم آمد و تمام مرتجعین و مستبدین و عناصر امپریالیست پرست را به گور خواهیم سپرد و ما پیروز خواهیم شد.

نجات‌بخش دموکراتیک و اجتماعی کشور اند، خود را وقف وظیفه و آزادی خلق افغانستان نمایند ودر جهت منافع خلق فعالیت کنند.

همه مبارزان جریان دموکراتیک خلق افغانستان که در هر مقام و هر سنگر مبارزه قرار دارند، باید بدانند که وظیفه و مسؤولیت ما در برابر خلق زحمتکش و شریف افغانستان عظیم و سنگین است و باید پندار، گفتار و کردار نیک و در جهت منافع خلق باشد.

اگر احیاناً اشتباهی از ما سرزند باید بدان اعتراف گردد و فوراً اصلاح شود.

زیرا بهمان پیمان‌ه ایکه خلق رؤف و مهربان است در روز قضاوت در برابر خیانت‌کاران، خطاکاران و فریبکاران بیرحم و خشمگین است. خشم خلق مظهر عالی‌ترین عدالت تاریخ است. بنابراین نباید خلق را

واقعی به خلق و در همه موارد منافع خلق و وطن ما افغانستان مقدم بر منافع فردی و یا گروهی باشد و مسؤولیت در برابر خلق را با مسؤولیت در برابر جریان دموکراتیک خلق افغانستان یکی بدانند و همیشه به توده‌های وسیع خلق اتکاء کنند و به رنجهای عظیم خلق بیاندیشند و پیوسته خدمتگزار خلق باشند.

باید مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان درک کنند که تنها با روحیه از خود گذشتگی و فداکاری می‌توان به‌صورت یک انسان نجیب، شجاع، مترقی و سودمند به حال مردم در آمد. انسان پیشرو، متواضع، با تقوی، بلند همت، پاک نیت و خوش قلب و عاری از پستی و دنائت بود و به حال خلق سودمند واقع شد.

باید مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان که پیشاهنگ جنبش

نشان می‌گردد که نباید چنین فکر کرد که در شرایط فئودالی «شوری» می‌تواند مرجع نجات خلق باشد. شوری در اوضاع و احوال کنونی صرف یکی از وسایل مبارزه خلق بشمار می‌رود، ما بارها این مطلب را به‌تفصیل توضیح داده ایم و راه‌ها و وسایل دیگر مبارزهٔ خلق را نشان داده ایم، اما معتقدیم که در صورت تشکیل یک فراکسیون انقلابی و اپوزسیون ملی و دموکراتیک در شورای می‌توان یکی از وسایل خدمت به خلق را تأمین کرد، از درون و برون شوری دشمنان خلق را کوبید، زبون و بیچاره ساخت و تا جای ممکن ازین طریق به نفع خلق عمل کرد.

بر حسب وظیفه به تمام مبارزان جریان دموکراتیک خلق افغانستان ابلاغ می‌گردد که باید در هر امر مبارزه - من‌جمله مبارزه انتخاباتی مطمح نظر و فعالیت آن‌ها خدمت

از هرگونه شرایط و وسایل مبارزه خلق، قدرت استفاده بوقت و درست از آن‌ها را داشته باشیم و به هر وسیله انقلابی و در هر کجا و در هر موضع و هر وقت در داخل و خارج شوری ضربات پیام به دژ ارتجاع وارد کنیم ودشمن را زبون سازیم تا گام به گام در سنگرهای مختلف مبارزه به عقب نشینی وادار گردد. به همین جهت است که ما من‌جمله دیگر وسائل و اشکال مبارزه از وسیله مبارزه انتخاباتی به خاطر بیداری خلق استفاده می‌نماییم و از خلق رنجدیده کشور می‌طلبیم که به نمایندگان صدیق خلق رأی دهند.

مطلب ما تنها کاندیدهای جریان دموکراتیک خلق افغانستان نیست، بلکه هر عنصر وطن‌پرست و مترقی که می‌تواند اعتماد خلق را حاصل کند، باید مورد آزمایش قرار گیرد، ولی درین جا یکبار دیگر جداً خاطر





د افغانستان د کرنې د وزارت د افکارو خبروونکی

۹ سرطان ۱۳۴۸

کرشنامنن گفټ:

## سياست ايالات متحدهٔ آمريکا تهديدی برای صلح عمومي بشمار می‌رود

کرشنامنن رهبر برجستهٔ اجتماعی هندوستان در اسامبله جهانی صلح اظهار داشت: «جای شک نیست که این یک اسامبله بزرگ است، درین جا مردمان دارای لسان‌های مختلف، عقاید مختلف، مذاهب مختلف، مردمان دارای سنین مختلف از نقاط دوردست روی زمین گرد آمده‌اند، مگر هدف واحدی همه ما را باهم متحد گردانیده و آن عبارت از ضرورت حیاتی تأمین آینده برای بشریت می‌باشد.»

وی گفت: «قهرمانان صلح که حاضر اند مساعی‌شان را به خاطر این هدف مقدس دریغ نه نمایند، درین جا جمع شده‌اند. جهان در دوران گذشته شاهد دو جنگ جهانی بوده است. در هر دفعه سلاح‌های مخرب‌تر درین جنگ‌ها بکار برده شده است، ولی نیروهای که این جنگ را به راه از می‌اندازند، هنوز در جهان باقی استند. استعمار می‌خواهد از دروازه عقبی تاریخ دوباره داخل شود. ایالات متحده امریکا ویتنام را به حیث مرکز انفجار برای یک جنگ بزرگ آینده می‌پندارد.»

وی گفت: «در هندوستان ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: اگر مواظب حال نباشی مصونیت آینده را نمی‌توان تضمین کرد. بنا بر آن باید تمام وسایل ممکن را بکار برد تا آینده برای بسیار نسل‌ها تأمین گردد.»

سیاست ایالات متحده تهدیدی برای صلح عمو می بشمار می‌رود.

از اظهار این حقیقت نمی‌ترسیم که ایالات متحده امریکا جای امپراتوری‌های سابق را گرفته است. ایالات متحده امریکا در ویتنام یک اینچ زمین ندارد، سؤالی به میان می‌آید که چرا و برای چه منظور به آنجا آمده است؟ افریقا به یک قاره آزاد تبدیل شده است ولی امپریالیست‌ها می‌خواهند این آزادی را مختق سازند. ایالات متحده امریکا از تمام شیوه‌ها به غرض اجرای فشار بر قاره آمریکای لاتین کار می‌گیرد. موضوع شرق میانه یک پرابلم مجرد نیست. وضعیت شرق میانه منافع تمام ملت‌ها را صدمه میزند.»

## در هفته گذشته عده‌ی از محصلان پوهنتون و شاگردان معارف دست به اعتصاب ۲۴ ساعته غذایی زدند

عده‌یی از جوانان پوهنتون و معارف در هفتهٔ گذشته از ساعت ۹ صبح روز دوشنبه اول سرطان تا ساعت ۹ صبح روز سه شنبه ۲ سرطان در ضمن ادامه اعتصابات عمومی و متینگ ها، شیوه دیگری مبارزه را که عبارت از «اعتصاب ۲۴ ساعته نخوردن غذا در صحن پوهنتون »

روز شنبه (۳۱ جوزا) یک عده از کارگران با شعور شعبه بافت نساجی گلپهار از ساعت (۸) الی (۱۱) بعد از ظهر به اعتصاب دست زدند.

علت عمدهٔ این اعتصاب آن بود که

کارفرمایان نساجی به غرض جلوگیری از اجتماع کارگران و تبادل نظر آن‌ها حتی در چند دقیقه محدود صرف طعام در اتاق نان‌خوری چنان تصمیم گرفتند که کارگران باید به‌صورت دستجمعی برای صرف طعام نروند. کارگران

## په وردکو کی مظاهری وشوی

د جوزا په ۲۹ ورځ د وردگو د بمبایی د ښوونځی د شاگردانو په لارښوونه به سونو شاگردانو او بزگرانو د حکومتی مامورینو د بدو اجرااتو او بیگار چلولو له کبله لاس په مظاهره پوری کړل. شاگردانو د کلیو او خلکو ترمنځ اوږده لار ووهله او خلکو ته یی د مظاهری هدفونه تشریح کړل.

## تظاهرات شاگردان لیسہ میر مسجدی ولایت کاپیسا

برابر کارگران شریف و وطن‌پرست نساجی برداشتند و پشتیبانی عمیق خود را از جنبش دانشجویی کشور ابراز داشتند.
و همچنان رهایی عبدالقدوس کارگر نماینده کارگران نساجی گلپهار را که تا کنون در زندان استبداد بسر می‌برد، جداً تقاضا کردند.
تظاهرکنندگان دسایس مقام ولایت و ریاست نساجی را در میتینگ‌های خود و در محضر اهالی افشا کردند؛ و به تاریخ (۳۱ جوزا) متعلمات ښوونځی نسوان کاپیسا نیز به این تظاهرات پیوستند که خبر آن در همین صفحه به‌تفصیل نشر شده است.

## تظاهرات شاگردان معارف بغلان

متعلمین ښوونځی های متوسطه نمبر (۲)، ابتدائیه نوی بغلان و لیسه زراعت، به خاطر خواست‌های صنفی‌شان و پشتیبانی از نهضت دانشجویی کشور بروزهای ۲۵ و ۲۶ جوزا به تظاهرات خیابانی پرداختند.
ښوونځی متوسطه نمبر (۲) تعمیر اساسی ندارد. شاگردان درین گرمای سوزان در آفتاب و در میدان سر باز درس می‌خوانند. اخیراً بعد از آنکه شاگردان تقاضای خود را مبنی بر تهیه جای مناسب، به مقامات مسوول تقدیم کردند و نتیجه نگرفتند به اعتصاب دست زدند. شاگردان این ښوونځی همچنان در برابر روش نادرست سر معلم و حیف و میل وسایل تدریسی و غیره، اعتراض

این تظاهرات که در کمال نظم و آرامش صورت گرفت، از طرف اهالی شهر با ابراز احساسات گرم استقبال و تأیید گردید.

## اعتصاب یک عده از کارگران نساجی گلپهار

این عکس‌العمل قانونی و به‌موقع سبب شد که کارفرمایان نساجی به فسخ این تصمیم خویش تن در دهند و به تقاضای کارگران تسلیم شوند و اعتصاب سه ساعته کارگران به پیروزی بیانجامد.

## اعتصاب پیروزمندانه شاگردان

### دارالمعلمین ولایت کنذ

قانونی بپردازند.
در جریان اعتصاب دستمیی از ژاندارم و پولیس در امر اعتصاب مداخله کرد.
ولی شاگردان به صحن لیلیه گرد آمدند و از هرگونه مقابله فیزیکی با نیروهای ژاندارم و پولیس، آگاهانه خود داری کردند.

والی کنذ از شاگردان می‌خواست تا نمایندگان خود را به غرض مفاهمه (!) تعیین نمایند؛ اما متعلمین آگاه و با تجربه تنها عریضه‌یی مبنی بر خواست‌های خویش تقدیم کردند.
بالاخره وساطت و تضمین یکتن از منتقدین محلی باعث گردید تا شش تن از شاگردان به غرض مذاکره نزد والی بروند؛ اما والی کنذ با وصف تعهد قبلی چهار تن از آنان را به زندان فرستاد. آن مرد منتقد این عمل والی را دون شأن و کسر مقام خویش دانسته به زندانیان پیوست و هر قدر والی کوشید او را به اشتباهش (!) ملتفت سازد، موثر نیفتاد و او به خاطر اعاده حیثیت خویش با شاگردان مذکور به زندان نشست. این وضع دیگر برای والی هم قابل تحمل نبود، نمایندگان شاگردان را نزد خود خواست به قبول خواست‌های متعلمین حاضر شد و فردای آن روز عملاً به اقدامات در جهت تأمین خواست‌های شاگردان پرداخت.
بدین‌ترتیب، برخورد هوشیارانه شاگردان دارالمعلمین کنذ سبب شد نمایندگان دستگاه حاکمه یکبار دیگر به خواست‌های قانونی آنان تن دردهند و اعتصاب ایشان پیروز‌مندانه خاتمه یابد.

### کارگران، اجیران اضافه بست و مأمورین

### اضافه بست انحصارات دولتی

### احتجاج می‌کنند

شعبات ریاست‌های شکر، مواد نفتی و تصفیه را می‌نمایند و خود را نسبت بهر کارگر، مأمور و مستخدم دیگر مستحق‌تر می‌دانند.

آن‌ها نسبت به بی‌اعتنایی مسوولان امور در مورد سر نوشت تیره آینده خویش در دستگاه حاکمه جداً احتجاج می‌کنند.

با درک این توطئه که به‌منظور ممانعت از ایجاد صمیمیت و همبستگی و تفاهم و تبادل افکار بین همدیگرشان صورت می‌گرفت، به‌عنوان احتجاج به اعتصاب پرداختند و از کار دست کشیدند.

از آغاز سال جاری متعلمین دارالمعلمین ولایت کنذ برای رفع برخی از مشکلات تدریسی و لیلیه شاگردان، تأمین وسایل درسی، را حتی و صحنی خویش، بیک سلسله مراجعات قانونی به مقام ولایت و مدیریت معارف دست زدند، ولی همهٔ آن‌ها با عدم اعتنای مقامات مذکور مواجه گردید. بالاخره مجبور شدند که به تاریخ (۲۶) جوزا به اعتصاب

### اعتصاب متعلمات متوسطه

### اشتر گرام ولایت کاپیسا

متعلمات (دختران) با احساس متوسطهٔ نسوان اشترگرام ولایت کاپیسا بروز ۳ شنبه (۲۷ جو زا) در صحن ښوونځی دست په اعتصاب زده و در ضمن میتینگی به افشای ماهیت ارتجاعی محافل حاکمه پرداخته و از نهضت دانشجویی کشور پشتیبانی خود را ابراز داشتند و در عین حال خواست‌های صنفی ذیل را مطرح و از مقام مدیریت معارف خواستند که هرچه زودتر به مطالبات شان جواب مثبت دهد.
۱. پولی که چند سال قبل از اهالی زحمتکش به غرض تکمیل تعمیر ښوونځی نسوان جمع آوری گردیده و تا کتون سرنوشت آن معلوم نیست، باید هر چه زودتر به تکمیل تعمیر ښوونځی بکار رود.
۲- در ولایت کاپیسا تنها یک لیسه نکور وجود دارد و فارغ التحصیلات ښوونځی نسوان به خانه نشینی و عدم ادامه تحصیل محکومند، باید ښوونځی متوسطهٔ نسوان به لیسه ارتقا یابد.

۳- چون ښوونځی نسوان به نام دارالمعلمات مسمی گردیده است، باید مطابق به دارالمعلمین های دیگر بما

**د پکتیا ولایت د خوست د ښوونځی د زده کوونکو مظاهری**
د پکتیا د ولایت د خوست دلوی ولسوالی د ښوونځی زده کوونکو د جوزا په ۲۸ و ۲۹ په مظاهرو لاس پوری کړل. زده کوونکو د خپلو صنفی غوښتنو د څرگندولو په ترڅ کښی خپله علاقه د پوهنتون د محصلانو او د پوهنی د زده کوونکو د اعتصابی او تظاهراتی نهضت سره ښکاره کړه او په انتخاباتو کښی د نه مداخلی جدي غوښتنه وکړه.

<b>پرچم</b>	
<b>ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان</b>	
<span></span>	
<b>صاحب امتیاز و مدیر مسوول:</b>	<b>اشتراک</b>
<b>سليمان لایق</b>	<b>در مرکز کابل: ۱۲۵ - افغانی</b>
<b>آدرس: زرلښت مارکیت.</b>	<b>در ولایات و پښتونستان</b>
<b>محمدجانخان واټ کابل -افغانستان</b>	<b>۱۴۰ افغانی</b>
<b>تلیفون: ۲۳۱۶۴</b>	<b>در خارج کشور: ۱۵ دالر</b>
	<b>نمبر حساب در پښتنی تجارتي</b>
	<b>پانک ۷ ،۳۸۵۳</b>
<b>قیمت یک شماره<span> </span>: ۲/۵ افغانی</b>	
<b>تایپ متن: قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض</b>	<b>مطبعه دولتی</b>

(د لمړی مخ پاتی)

### په تشو خبرو ...

لگولو اصلاحات د زراعتی وسائلو تبدیل او اصلاح د شارو ځمکو خړوبولو، د کافي بڼدونو او نهرونو جوړولو، د ابو سم ویش او له دهقانانو سره مرستی ته ملا وتړی، د تبلیغاتی وسائلو له لاری خلک غولوی او د اساسی معالجی په خای کاډب شیی، مگر دوی باید پوه شی چه نور ممکنه نه ده په تشو تبلیغاتو چه عملی نتیجه نلری خلک وغولیری.
خلک «دودی» غواری او تشی خبری نشی کولای دهغوی گڼه مړه کړی.





شماره هجدهم سال دوم دوشنبه ۳۰ سرطان ۴۸ - ۲۱ جولای ۶۹، شماره مسلسل ۷۰

## خلکو ته خدمت زموږ مقدسه وظیفه ده!

**دلته پوښتنه منځ ته راځي چه ولي موږ د شورا د ديارلسمې دورې په انتخاباتو كي گيون كوو؟**  
 ځواب ساده دی. د دی دپاره چه د شوری له انتخاباتی مبارزو څخه د خلکو د وینولو، د خلکو د دموکراتیکو حقوقو او آزادیو څخه د دفاع او د خلکو د دښمنانو د رسوا کولو دپاره دیوی وسیلی په حیث تر یوی اندازی استفاده وشي.

**پوښتل کیږی چه خلک څوک او د خلکو دښمنان کوم دی؟**  
 په اوسنی مرحله کی د افغانستان خلک د نارینه او ښځو په شمول له کارگرانو، بزگرانو، کسب گرو، محصلانو، د ښکته رتبې مامورینو، روشنفکرانو، متوسط الحال قشرونو، د کلي او ښار خورده مالکینو او وطن پرستو او مترقی عناصرو او ډلو څخه عبارت دی.

تول مستبدین او داخلی مرتجعین تول فیدوال او امپریالیست پرست عناصر، ستر دلال سوداگران، فاسد، ظالم او رشوتخواره ماموران، همدا شان د امپریالیستی انحصاراتو نمایندگی او عمال دخلکو دښمنان دی، همدا د خلکو دښمنان دی چه زموږ د ملیونو وگړو چه د بیوزلی ناروغی، بیسودی او د زرو اجتماعی روابطو تر شرایطو لاندی جهنی ژوند تیروی، د سترو رنځونو مسوول دی.

**پوښتنه کیږی چه خلک څه غواری او د نجات لاره یی کومه ده؟**

خلک مادي او معنوی هوسایی، نیک مرغی او خوښی غواری. خلک کافي خوراک، ښه پوښاک او صحي کور غواری، خلک روغتیا، او روغ صورت، سواد او کار، پوهنه او مترقی فرهنگ غواری، خلق آزادی، سوله، دموکراسی، ترقی او اجتماعی عدالت غواری. دخلکو دښمنانو دغه ټول مادي او معنوی نعمتونه له خلکو څخه اخیستی دی. له همدی کبله د هر شریف، ترقی غوښتونکی او هیواد پالونکی انسان وظیفه ده چه دخلکو د حقوقو او آزادیو د تامین په لار کی جدی مبارزه وکړي او خپل ژوند دافغانستان د خلکو خدمت ته وقف کړی او دخلکو د گټو په لار کی دهر ډول قربانی ورکول څخه و نه بریږی ځکه چه دا د افغانستان خلک دي چه ستر او واقعی قدرت دی، نه مستبدین، مرتجعین او استعمارگران.

دا یواځی خلک دی چه د تاریخ محرکه قوه تشکیلوی، د ټولنی د مادی او معنوی ټولو شتمنیو مؤلدين دی، له سولی، خپلواکی، آزادی او دموکراسی ساتنه کوی، نوی او مترقی افغانستان جوړوي. خلک ټول ملت ته نژدی اکثریت تشکیلوی. پداسی حال کی چه دخلکو دښمنان د ملت یوه کوچنی برخه تشکیلوی له همدی کبله ملی گټی د خلکو له گټو سره سمون کوی.

په ضد دی. د همدی څرگندو حقایقو په بنا دی چه دافغانستان د خلک دموکراتیک جریان د دخلکو خدمت خپله وظیفه گرځولی او د خلکو د دفاع په سنگر کی لکه غر ټینگ ولاړ دی.

(۳ مخ)

پیکارجویان دلیر جریان دموکراتیک خلق افغانستان:

به مناسبت ۲۰ جولای، روز همبستگی بین‌المللی با خلق ویتنام:

باید قوای امپریالیزم امریکا و اقمار آن از ویتنام خارج گردد!

باید پر ابلم ویتنام بر اساس تضمین حقوق تخلف ناپذیر خلق ویتنام به‌صورت فوری و صلح‌جویانه حل گردد!

باید ایالت متحده امریکا حقوق مردم ویتنام جنوبی را در تعیین سرنوشت شان بدون مداخله خارجی به رسمیت بشناسد!

باید حکومت مؤقت انقلابی ویتنام جنوبی به رسمیت شناخته شود!

افتخار و شرف بر خلق قهرمان ویتنام که به خاطر آزادی و استقلال قهرمانانه می‌رزمد!

استقلال آزادی و صلح برای ویتنام!

مرام عادلانه خلق ویتنام به پیروزی می‌رسد!

پیروز باد جنبش بین‌المللی همبستگی با خلق قهرمان ویتنامی!

## ببرک کارمل بودجه سال ۱۳۴۸ را در ولسی جرگه مورد انتقاد جدی قرارداد

مجلس عمومی ولسی‌جرگه پس از یک مدت طولانی بالاخره سه شنبه گذشته (۲۴ سرطان) دایر گردید و بودجه سال ۱۳۴۸ مطرح بحث مجلس قرار گرفت و بناغلی محمد انور ضیائی وزیر مالیه حاضر مجلس گردیده بیانیه‌ای در باره بودجه دولت ایراد کرد.

در جلسه عمومی ولسی‌جرگه ببرک کارمل از طرف فراکسیون پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در مورد بودجه سال ۱۳۴۸ نقاط نظر جریان را چنین اظهار داشت: از آنجائی که بیانیه بودجوی بناغلی وزیر مالیه به‌طور تکنیکی با ارائه اعداد و ارقام به‌سرعت خوانده شد که یادداشت‌های لازم نمی‌تواند فی‌المجلس اخذ و تبصره لازم روی آن صورت گیرد؛ تحلیل عمیق انتقادی بر بیانیه را می‌گزاییم تا اینکه متن تحریری آن بدست آید و در داخل ولسی‌جرگه یا خارج آن (در پرچم خلق) ارائه گردد. اکنون ارتجالاً درباره نکات عمومی بودجه سال ۱۳۴۸ تماس گرفته مسایل زیرین را مطرح بحث قرار می‌دهیم:

بودجه سالیانه افغانستان فوق‌العاده ناچیز است که این خود ناشی از کندی رشد اقتصاد کشور می‌باشد و نمایندگی از آن نمی‌نماید. برای اثبات این نکته مقایسه مختصر ذیل را در نظر می‌گیریم: در زمینه بودجه دو حالت را در کشورهای جهان می‌توان دید؛ یکی اینکه در کشورهای پیشرفته بودجه دولت فیصدی کوچک عاید ملی را احتوا می‌نماید که این امر تا حدی نموداربیست از بلند بودن سطح زندگی در آن کشورها؛ اما در اغلب کشورهای کم رشد بودجه دولت فیصدی های بزرگی عاید مالی را دربر می‌گیرد که این خود به معنی پائین آمدن سطح زندگی عمومی و ارتقای مخارج زندگی می‌باشد که در پهلوی آن تا حدودی رشد بالنسبه سریع‌تر اقتصاد و فرهنگی جامعه تأمین شده می‌تواند. این وضع در مورد افغانستان به شکل خاص و یونیک آن به مشاهده می‌رسد، بدین معنی که هرگاه عاید متوسط سالیانه یک فرد را در افغانستان در حدود ۵۰ دالر تخمین نماییم و نرخ هر دالر را از قرار ۷۵ افغانی در نظر بگیریم، عواید ۱۶ میلیون نفوس کشور در حدود ۶۰ میلیارد افغانی خواهد شد (بعضی از نشرات رسمی عاید ملی کشور را تا ۷۰ و ۸۰ میلیارد افغانی تخمین می‌نمایند که صحت آن مورد شك و تردید است) که با مقایسه آن با مجموع بودجه عادی و انکشافی کشور در می‌یابیم که بودجه دولت بیش از ۸ فیصد (فروض و مدارک غیر از منابع داخلی شامل بودجه در نظر گرفته نشده است) آن را شامل نمی‌باشد، در حالی که در کشورهای رشد یافته بودجه سالیانه حداقل ۲۰ فیصد عاید ملی ودر اغلب کشورهای کم رشد از ۴۰ تا ۵۰ فیصد و بالاتر از آن را در بر می‌گیرد.

از مشکلات کشور های عقب مانده

بزرگ‌ترین نقص لیدر شپ یک جریان سیاسی ملی و مترقی در وضع کنونی اینست که بلند پروازی و خویشتن پرستی را مافوق منافع خلق و نهضت نجات‌بخش دموکراتیک و ملی کشور قرار دهد و در میان ارتجاع سیاه و سیا که بعضاً حتی ماسک اپوزیسیون نیز به چهره می‌زند از یک‌طرف و نیروهای واقعی انقلابی ملی و دموکراتیک، مترقی و وطن در دست از طرف دیگر مرز مشخص نکند.

این‌الوقتی در سیاست این خواهد بود که یک سازمان انقلابی دموکراتیک و پیشرو بدون مطالعه سوابق و ماهیت فلان و بهمان جریان و اشخاص سیاسی در دستگاه دولت افغانستان و خارج از آن فریب شارلتانی و عقیده التقاطی و ماسک اپوزیسیون فرمایشی و دستوری و حرفی آن‌ها را بخورد و وسیله پلان‌های شوم آن‌ها قرار گیرد.

برای ما هیچ جای تعجب نیست که درین اواخر فتنه‌انگیزترین و راست‌ترین نیروهای ارتجاعی با چپ نماها یک جبهه نامقدس را به غرض تقنین تشکیل داده‌اند و مشترکاً برای سرکوبی نهضت دموکراتیک و ملی کشور و ایجاد زمینه‌های اختناق کار می‌نمایند و بعضی کودکانه اظهار می‌دارند «دموکراسی نمی‌خواهیم، ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی را نمی‌خواهیم دفاع کنیم، هرکس این آزادی و دموکراسی را داده است باز برای ما هیچ جای تعجب نیست که درین اواخر فتنه‌انگیزترین و راست‌ترین نیروهای ارتجاعی با چپ نماها یک جبهه نامقدس را به غرض تقنین تشکیل داده‌اند و مشترکاً برای سرکوبی نهضت دموکراتیک و ملی کشور و ایجاد زمینه‌های اختناق کار می‌نمایند و بعضی کودکانه اظهار می‌دارند «دموکراسی نمی‌خواهیم، ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی را نمی‌خواهیم دفاع کنیم، هرکس این آزادی و دموکراسی را داده است باز

برای ما هیچ جای تعجب نیست که درین اواخر فتنه‌انگیزترین و راست‌ترین نیروهای ارتجاعی با چپ نماها یک جبهه نامقدس را به غرض تقنین تشکیل داده‌اند و مشترکاً برای سرکوبی نهضت دموکراتیک و ملی کشور و ایجاد زمینه‌های اختناق کار می‌نمایند و بعضی کودکانه اظهار می‌دارند «دموکراسی نمی‌خواهیم، ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی را نمی‌خواهیم دفاع کنیم، هرکس این آزادی و دموکراسی را داده است باز

## پرچم خلق بر افراشته باد!

شماره شانزدهم دوشنبه ۱۶ سرطان ۱۳۴۸ پرچم دموکراتیک خلق افغانستان که من‌جمله، محتوی مطالبی (۱) انتقاد جدی، منطقی و مدلل راجع به بیانیه رادیویی ۷ سرطان ۱۳۴۸ بناغلی نور احمد می‌دهیم که علی رغم دسایس فتنه گران و محافل حاکمه ارتجاعی تا حدود امکان سعی و دقت خواهیم کرد که بر اساس اصول جهان‌بینی علمی و مطابق شرایط و اوضاع و احوال کنونی کشور پرچم پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان را به خاطر خدمت به خلق افغانستان برافراشته نگهداریم!

یادداشت: اداره څارنوالی و وزارت اطلاعات و کلتور به بهانه استناد به فقره دوم ماده «۴۹» قانون مطبوعات دو شماره پرچم (شماره‌های ۱۶ و ۱۷) را توقیف و از نشر بازداشت. فقره دوم ماده «۴۵» قانون مطبوعات تعطیل نشریه موقوفه را تا سه شماره از صلاحیت وزیر مطبوعات (اطلاعات و کلتور) خوانده است.

## سه تن از پرچمداران

جریان دموکراتیک خلق افغانستان زندانی و ده ها تن

### از محصلان و شاگردان وطن‌پرست از لیسه ها و پوهنتون اخراج و عده‌ای بازداشت گردیدند،

سه هفته قبل سه جوان مبارز وطن‌پرست جریان دموکراتیک خلق افغانستان فوراً بعد از بیانیه بناغلی اعتمادی صدراعظم از طرف پولیس توقیف گردید. سه مبارز وطن‌پرست جریان دموکراتیک خلق افغانستان عبارتند از رفقا: نجیب، وکیل و اسماعیل محصلان پوهنځی های طب، اقتصاد و حقوق.

ما با اطمینان خاطر اعلام می‌نماییم که تمام فعالیت‌های دموکراتیک این سه جوان مبارز و وطن‌پرست و سایر هواخواهان پرچم خلق و دیگر عناصر واقعی ملی و مترقی طی نهضت‌های اعتصابی و تظاهرات دانشجویی و نهضت دموکراتیک کشور همیشه در چوکات اصول علمی، قانون اساسی کشور و منافع عالیه خلق وطن ما افغانستان کاملاً مطابقت داشته است.

لذا ما در حالی که از رفقا و هواخواهان مبارز و وطن‌پرست خود و سایر زندانی‌های راستین ملی و مترقی و شاگردان و محصلان اخراج شده قانوناً دفاع خواهیم کرد، نسبت به این رویه ضد قانونی و ضد دموکراتیک حکومت شدیداً اعتراض می‌کنیم و خواستار جدی رهایی زندانیان و شمول مجدد شاگردان وطن‌دوست لیسه های کشور می‌باشیم.

(ص ۳)

پرچم مبارزه رهایی بخش ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد استعمار و ضد امپریالیزم را برافراشته نگهدارید! در موضع دفاع از منافع خلق رنج‌دیده افغانستان و رشد نهضت آزادی بخش ملی و دموکراتیک کشور استوار باشید! در برابر حوادث شجاعانه برخورد کنید! در مبارزات خود حزم و هوشیاری را با دلیری و مقاومت درآمیزید! از تسلیم طلبی و ماجراجویی بپرهیزید! در برابر تهدیدات استبداد و دسایس ارتجاع از خود شهامت اخلاقی و سیاسی نشان دهید! اثرات سوء تبلیغات زهرآگین دار و دسته‌های فتنه گران داخلی را خنثی سازید! زنجیر اصول انقلابی را از دست ندهید!



ما نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری که به غرض اشتراک در جلسه بین‌المللی در ماسکو گرد آمده‌ایم از تمام خلق‌های جهان، از تمام مردمان دارای حسن نیت بدون در نظر گرفتن معتقدات و نظرات سیاسی‌شان درخواست می‌نماییم که به‌منظور دفاع و تحکیم صلح به‌طور مشترک عمل نمایند.

مبارزه به خاطر بزرگترین مرام همه آینده بشریت در جریان است. در نیمه اول قرن حاضر در دو جنگ جهانی ۷۰ میلیون انسان کشته شد و هزاران شهر و قریه پر نفوس از روی زمین محو گردید. انفجار مرگبار اتومی بر شهر هیروشیما اخطار غم انگیزست از عواقب يك جنگ جهانی سوم که اگر امپریالیزم بتواند آن را به راه اندازد.

امروز که می‌توان بم‌های هستوی را در ظرف چند دقیقه به هر قاره رساند و مناطق وسیعی را به خرابه مبدل ساخت، يك جنگ جهانی صدها میلیون انسان را به کام مرگ فرو خواهد برد و گنجینه‌های تمدن و فرهنگ جهانی را تخریب و به خاکستر مبدل خواهد ساخت.

سیاست‌های امپریالیستی منبع تمام جنگ‌ها، اعمال تجاوزکارانه و تشدد، تعرض بر ملت‌ها می‌باشد.

این، امپریالیزم بخصوص امپریالیزم ایالات متحده امریکاست که مسابقه تسلیحاتی را تسریع می‌کند، به تشنجات بین‌المللی می‌افزاید، زدوخورد و جنگ‌های محلی را در حصص مختلف کره زمین دامن می‌زند.

امپریالیزم ایالات متحده امریکا حیث دشمن سوگند خورده آزادی ملت‌ها به تمام وسایل ممکن سعی می‌ورزد جنبش‌های آزادی بخش ملی را مختنق سازد، کودتاهای ارتجاعی را سازمان دهد، رژیم‌های ضد مردمی را روی کار و حفظ نماید.

امپریالیزم ایالات متحده آمریکا از سالیان زیادی به این طرف جنگی تجاوزکارانه‌ای را در ویتنام به راه انداخته و از وحشیانه‌ترین وسایل برای پیشبرد این جنگی استفاده می‌نماید.

در نتیجه تعرض اسرائیل علیه اعراب زمینه خطرناکی در شرق میانه به وجود آمده که در هر لحظه می‌تواند آتش جنگی را مشتعل سازد.

سدایس فتنه‌انگیزانه امپریالیزم بر ضد کویبا و در نزدیکی سواحل کوریا و علیه بسیاری از کشورهای آسیا، افریقا و آمریکای لاتین تهدید دوامداری را برای صلح به وجود می‌آورند.

امپریالیزم جنگی طلب آلمان غرب نیرومند می‌شود و نازیزم جدید در قلب اروپا سر بلند می‌کند.

محافل حاکمه بن که از شکست آلمان هیتلری درس لازم نگرفته‌اند به اتکای بلوک تجاوزکارانه ناتو و در همکاری نزدیک با ایالات متحده آمریکا از سیاست انتقام پیروی می‌نمایند، مشتاقانه سعی می‌ورزند به اسلحه هستوی دست یابند و امنیت تمام ملل اروپائی را تهدید کنند.

پایگاه‌های نظامی‌ای که در کشورهای مختلف ناتو و در هسپانیه در اختیار امپریالیست‌های ایالات متحده امریکا گذاشته شده‌اند تهدیدی برای صلح اروپا محسوب می‌گردند.

سیاست تجاوز و جنگ که به خاطر منافع سرمایه انحصاری تعقیب می‌گردد، استثمار توده‌ها را در خود کشورهای سرمایه داری، تشدید می‌کند، تبعیض نژادی را دامن می‌زند نیروی ارتجاع را پرورش می‌دهد، موجب اختناق آزادی‌های دموکراتیک می‌گردد و به منافع حیاتی خلق صدمه می‌زند. نظامی ساختن اقتصاد، منابع عظیم طبیعی را می‌بلعد، سطح حیات مردم را پائین می‌آورد و بار سنگینی را بر دوش خلق کارگر می‌گذارد. امپریالیزم مسئول بکار بردن

بزرگترین دست‌آوردهای ساینس و تکنالوژی که دورنماهای جدیدی را بروی بشریت می‌گشاید، به مقاصد تخریبی می‌باشد، در حالی که در عین زمان صدها میلیون انسان از گرسنگی و فقر رنج می‌برند.

از همین‌جاست که مبارزه در راه صلح با مبارزه در راه آزادی مردم، به خاطر ترقی و دموکراسی، به خاطر نجات از تسلط خارجی، از استعمار و استعمار جدید، ارتجاع و دیکتاتوری فاشیستی مزج می‌شود.

امروز، صلح دوامدار يك امر تخیلی نه بلکه يك مطلب قابل حصول می‌باشد. امروز در جهان نیروهای قوتمند اجتماعی و سیاسی وجود دارند که با جنگی مخالفت می‌ورزند و به خاطر تخفیف تشنج و همکاری وسیع بین‌المللی کار می‌کنند. سیاست پیگیر صلح نخستین کشور سوسیالیستی اتحاد شوروی و دیگر دول سوسیالیستی، تشدید مبارزه خلق کارگر در کشورهای سرمایه داری، رشد جنبش رهایی بخش ملی و فعالیت محافل وسیع افکار دموکراتیک جهان و پیکارجویان راه صلح ناگزیری يك جنگ هلاکتبار دیگر جهانی را از بین می‌برد و امکان

از (ص اول)

گیرد .
«وقتی‌که ما میگوییم مصالح مردم و رشد نهضت ایجاب می‌نماید که باید از آزادی‌های مصرح در قانون سیاسی دفاع کرد، باید در راه تأمین آزادی ملی و رشد و تکامل دموکراسی مبارزه کرد، این آقایان جواب می‌دهند این ارتجاع است، این سازش با حکومت است. وقتی ما ابلاغ می‌کنیم که در مبارزه دلیری و هوشیاری را نباید از دست داد و از ماجراجویی و اخلاگری اجتناب کرد، میگویند این عمل ضد نهضت است. این نوع پاسخ‌ها صاف و ساده یا شارلتانی سیاسی و یا ایفای بی‌شمانه نقشه‌های شبکه‌های ارتجاع سیاه داخلی و خارجی است، یا غرض شخصی، یا ضعف درک و کرکتر، با فقر تنوری و عدم احساس مسئولیت در برابر خلق وطن ما افغانستان می‌باشد.

شگفت انگیز است! وقتی مسأله مبارزه در راه تأمین آزادی و دموکراسی مطرح می‌گردد، آقایان ناشیانه حمله می‌کنند که گویا حکومت بساغالی اعتمادی شامپیون آزادی و دموکراسی است!

آقایان باید اقبای سیاسی را درک کرده باشند که در شرایط سلطه ارتجاع فئودالی و نفوذ امپریالیزم اصلاً حکومت‌های افغانستان بنا بر ماهیت طبقاتی‌شان به شمول حکومت موجود نمی‌توانند دموکراتیک باشند. امیدواریم که آقایان در استعمال کلمه حکومت‌های افغانستان به‌صورت جمع بر ما خورده نگیرند چه باید کرد که حقیقت تلخ است.

باید به خاطر داشت که نقاب از چهره نیرنگ بازان بر خواهد افتید و خلق افغانستان هرکس و هر جریان را در برهنه و به شکل و قواره اصلی‌اش مشاهده خواهد کرد.

مضحکتر اینکه اغلب اپوزیسیون‌های فرمایشی، چپ نماهای نوین «دموکراتیک نماهای انقلابی‌گر » اصلاً معتقد به وجود ارتجاع سیاه و

واقعی مؤثر ساختن تلاش مردم را به خاطر صلح به وجود می‌آورد. امپریالیزم دیگر نمی‌تواند مقدرات جهان را طبق اندیشه و اراده خود فیصله نماید. تجاوز کاران ایالات متحده مجبور ساخته شدند بمباران جمهوری دموکراتیک ویتنام را متوقف سازند و به مذاکره تن در دهند. قرار داد قطع آزمایشات نروزی در روی زمین، در زیر آب و در فضای بیرونی منعقد شد و يك معاهده منع انتشار سلاح ذروی به امضاء رسید.

این می‌رساند که هر گاه ملت‌ها با قوت و متحدانه عمل کنند می‌توانند نتایج مشخص بدست آورند. اگر چه تهدید زدخورد نظامی تا زمانی باقی می‌باشد که امپریالیزم وجود دارد، امروز همزیستی مسالمت آمیز دولت‌های دارای سیستم‌های اجتماعی مختلف - يك موضوع واقع‌بینانه می‌باشد. ولی همزیستی مسالمت آمیز ایجاب می‌نماید که توده‌ها يك مبارزه پیگیر و دوامداری را بر ضد امپریالیزم، بر ضد سیاست مواضع قدرت آن پیش ببرند.

از پیران و مادرانی که به خاطر آینده اطفال شان در تشویش‌اند؛ از مردم جوان و محصلان که در راه

# دعوت به خاطر دفاع از صلح !

**مصوبه ۱۶ جون ۱۹۶۹ جلسه بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری**

می‌برند، تظاهرات خیابانی ضد جنگی در شهرهای اروپا و امریکا، مبارزه خلق جاپان بر ضد پایگاه‌های نظامی ایالات متحده امریکا همه شامل مبارزه به خاطر صلح می‌باشند. فعالیت طبقه کارگر بر ضد قدرت مطلقه انحصارات، مقاومت ملل آمریکای لاتین بر ضد حکومتات دیکتاتوری نظامی، جنبش‌های ضد استعماری در کشورهای آسیا و افریقا، و مبارزه سیاه پوستان به خاطر حقوق شان در ایالات متحده آمریکا به مرام صلح خدمت می‌کند. هر اشتراک کننده در این مبارزه خواه در فابریکه کار می‌کند، زمین را تخم می‌زند یا در کدام لابراتوار زحمت می‌کشد همه به مرام مشترک حفظ صلح کمک می‌نمایند.

خواست ما:

از خلق کارگر - کارگران فابریکه، دهقانان، روشنفکران از کارگران ساینس و فرهنگ، از تمام کسانی که می‌خواهند ثمرات زحمت و تلاش‌های خلاق بشریت حفظ و چندین برابر شود؛

از پیران و مادرانی که به خاطر آینده اطفال شان در تشویش‌اند؛

از مردم جوان و محصلان که در راه

تحقق پلان‌ها و نظرات بزرگی سعی می‌ورزند و قدرت و نیروی خود را برای سعادت کشورشان وقف کرده‌اند؛ از پارلمان‌ها، سیاستمداران، رهبران سیاسی‌ای که راجع به سر نوشت مردم شان در تشویش‌اند؛ از احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های توده‌ای و جنبش‌ها؛

از مجامع و انجمن‌های دینی و مردمان عقاید مختلف، از اشتراک کنندگان در جنبش صلح و مبارزات ضد جنگی؛ از تمام مردان و زنان؛ اینست که خاتمه دادن به تجاوز امریکا در ویتنام، بیرون کشیدن عساکر ایالات متحده، احترام به حقوق حاکمیت ملی مردم ویتنام، استقلال، آزادی و صلح برای ویتنام را تقاضا کنند؛

از بین بردن عواقب تجاوز اسرائیل را در شرق میانه بر اساس فیصله شورای امنیت ملل متحد تأمین نمایند؛ به خاطر امحای کامل استعمار و

استعمار نو و حصول استقلال تمام خلق‌های تحت ستم، به خاطر خاتمه دادن به جنگ‌های که استعمار گران

عوام‌فریبی و تقنین را پیشه خود ساخته‌اند و به‌خصوص اینکه در جریان انتخابات دوره سیزدهم شوری واضح اعمال نفوذ می‌نمایند.

یاد داشت

هستند بسیار کسانی که تا اکنون به اصطلاحات «راست طبقات و محافل حاکمه، نیروهای ارتجاع راست، ارتجاع سیاه و اصطلاحات مانند این‌ها «آشنایی ندارند و از لحاظ مشی جزاری روز مره آن‌ها را درست تشخیص نمی‌دهند. برای رفع این بی معلوماتی باید یاد آور شد که به‌طور کلی طبقات و محافل حاکمه، نیروهای ارتجاعی‌ای را تشکیل می‌دهند که باید بر ضد آن‌ها مجدانه مبارزه به عمل آید ولی از نظر وظایف مبرم روز باید تشخیص داد که گروهی از طبقات و محافل حاکمه بنا بر خصلت شدید ارتجاعی و مستبدانه و وحشیانه خود و بنا بر پیوند خود با ارتجاع امپریالیستی (خواه در درون دستگاه دولت، خواه در احزاب سیاسی

مربوط به طبقات حاکمه و به‌خصوص در جناح راست این احزاب) خطر عمده روز تلقی می‌گردد. این گروه‌ها که در ادبیات سیاسی غالباً بنام‌های جناح راست طبقات و محافل حاکمه، ارتجاع راست، ارتجاع سیاه و غیره یاد می‌شوند و با تازیکترین عقاید اجتماعی و ایدئولوژی فئودالی و امپریالیستی متکی می‌باشند، طرفدار جدی سرکوبی نهضت‌های آزادی بخش و عناصر ترقی‌خواه وطن‌پرست دموکراتیک و طرفدار سرسخت استقرار رژیم ارتجاعی و استبدادی و تروریستی و کاملاً وابسته به امپریالیزم بین‌المللی‌اند، مانند رژیم‌های های فاشیستی آلمان و ایتالیا (قبل از جنگ جهانی دوم و در جریان آن) پرتگال، هسپانیه، عربستان سعودی، یونان و رژیم سیگونی ویتنام جنوبی و غیره در عصر کنونی.

پرتگالی راه انداخته‌اند، به خاطر ریشه کن ساختن رژیم خجالت آور و ننگین نژادی در افریقای جنوبی و در هر جای دیگر یکه خود را نمایان می‌سازد،

و به‌منظور از بین بردن رژیم‌های فاسدی که در خدمت انحصارات خارجی‌اند کار کنند؛

در مبارزه به خاطر تطبیق کامل اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای رژیم‌های اجتماعی مختلف، به خاطر تخفیف تشنجات جهانی، و حل موضوعات مهم بین‌المللی از طریق مذاکره، بر ضد تجاوزات امپریالیست‌ها بر استقلال و حاکمیت ملت‌ها، و برای حق تعیین سرنوشت آینده‌شان و به‌منظور اجرای همکاری وسیع بین کشورها بر مبنای تساوی حقوق، مساعی بیشتری به خرج دهند؛ ما از تمام آن‌هایی که در جنگ اخیر جهانی سهم داشتند و خاطراتی از دهشت‌های آن به یاد دارند، از تمام قهرمانان صلح در اروپا به شمول نیروهای اجتماعی صلح‌دوست در آلمان غرب در خواست می‌نماییم:

بیایید راه را بروی سیاست دواوی ارضی که از طرف جمهوری آلمان فدرال تعقیب می‌گردد و تلاش آن برای دست یافتن به سلاح ذروی مسدود سازیم؛ بیایید نیروهای نیونازیزم را به عقب نشینی وادار کنیم!

شناسایی وضعیت واقعی‌ای که در نتیجه جنگ دوم جهانی در اروپا به وجود آمده، تخلف ناپذیری سرحدات

موجود و به رسمیت شناختن جمهوری دموکراتیک آلمان شرایط حتمی و لادبی تأمین يك صلح دوامدار در قاره اروپا می‌باشد.

بیایید مبارزه را به خاطر استقرار يك سیستم مؤثر امنیت دسته جمعی در اروپا و از بین بردن تقسیم جهان به گروپ‌های نظامی، به‌منظور ایجاد فضای همکاری و تفاهم متقابل بین ملت‌ها به راه اندازیم.

کنفرانسی مرکب از تمام کشورهای اروپایی که از طرف کنفرانس وادپاست و کشورهای پیمان وارسا پیشنهاد گردیده راه را برای رسیدن بدین منظور هموار خواهد ساخت.

صلح در روی زمین نمی‌تواند بر «موازنه خوف «استوار بماند. صلح دوامدار بدون قطع مسابقه تسلیحاتی غیرقابل تصور است.

لازمست که در نقاط مختلف جهان مناطق فاقد سلاح ذروی به وجود آورده شوند، تمام آزمایشات ذروی قطع گردند، معاهده منع انتشار سلاح ذروی به زودترین فرصت ممکن مورد تطبیق قرار داده شود و تمام کشورها در این معاهده اشتراک ورزند، استعمال سلاح ذروی ممنوع قرار داده شده و تمام ذخایر آن از بین برده شود.

حتمیست که از بین بردن پایگاه‌های نظامی در مناطق خارجی، آزاد ساختن کشورها از پیمان‌های تجاوزکارانه نظامی‌ای که بر آن‌ها تحمیل گردیده و وضع قیود مؤثر بین‌المللی بر تمام انواع سلاح کیمیای و باکتریولوژیکی تقاضا شود.

ضروریست که در راه خلع عام و تام کار پیگیر و دوامدار صورت گیرد. ما کمونیست‌ها، در برابر تمام آزمایش‌ها وقف بی‌پایان خود را به اندیشه‌های صلح و دوستی لنینی بین ملت‌ها حفظ کرده‌ایم. امروز، مانند گذشته یکجا با تمام آن‌هایی که با سیاست ملیتاریزم، تجاوز و جنگی مخالفت می‌ورزند در راه برآوردن این مقاصد عالی تمام بشریت مبارزه خواهیم کرد. به خاطر این مقاصد حاضریم با نیروهای مختلف عامه و سیاسی تماس‌ها همکاری را انکشاف دهیم. اتحاد تمام نیروهای مترقی و صلح‌دوست خواست روز است با اتحاد می‌توان پیروزی مرام مقدس صلح جهانی را تأمین نمود.



و من‌جمله افغانستان است که تا کشور صنعتی ن‌گردد و اصلاحات اساسی و دموکراتیک ارضی به نفع توده‌های عظیم دهقانان کشور و به اشتراك دهقانان صورت نگیرد و نیروهای ارتجاعی فنودالی و اقتصاد تجاری کمپرادوری از میان برداشته نشود هرگونه تظاهر به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی من‌جمله اصلاحات مالی بی‌مفهوم و بی‌نتیجه خواهد بود و در عواید ملی افزایش قابل ملاحظه صورت نخواهد گرفت و در نتیجه آن در عواید دولت هم به غرض رشد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور افزایش واقعی به عمل نخواهد آمد.

مهم‌ترین مساله در زمینه بودجه و امور مالیه کشور همانا افزایش روز افزون مالیات غیرمستقیم نسبت به مالیات مستقیم است که تا کنون دولت افغانستان بنا بر ماهیت طبقاتی خود نتوانسته و هم نتواسته است آن را به نفع خلق افغانستان بصورت اساسی و دمکراتیک حل کند. در حالی که توده‌های وسیع مردم روز بروز به‌طرف فقر هلاکتبار و بدبختی کشانیده می‌شوند.

به وضاحت دیده می‌شود که حکومت‌های افغانستان اشکارا از نیروهای ارتجاعی راست یعنی عناصر فنودال و امپریالیست پرست بشدت می‌ترسند و قادر به اتخاذ هیچ‌گونه تدابیر مؤثر علیه این نیروها نبوده و نیستند. حکومت ښاغلی اعتمادی که فقط مبلغ ۴۰۰ میلیون افغانی عواید را در بودجه سال ۱۳۴۸ از طریق مالیات ارضی با وصف اینکه علی السویه بر اساس جریبی پیش بینی کرده ولی در پهلوی آن افزایش قیمت پترول، دیزل و چای را از طریق حق الانحصار که در آخرین تحلیل مالیات غیرمستقیم بشمار می‌رود پیشنهاد نموده است.

باید خاطر نشان ساخت که ما برخورد و نظریات مشرانوچرگه و انجمن مالی و بودجه ولسی‌جرگه را در مورد بودجه سال ۱۳۴۸ رد می‌کنیم و مورد انتقاد قرار می‌دهیم، زیرا که در آخرین تحلیل نیات اساسی آن‌ها ولو ظاهراً دلایل به‌اصطلاح قانونی هم ارائه کنند، در واقع جلوگیری از افزایش مالیات مستقیم است. ولی انتقاد ما در برابر مالیات و عواید پیش‌بینی شده اضافی ۹۶۲ میلیون افغانی که با عکس‌العمل شوری مواجه می‌باشند اینست که اولاً در حقیقت کدام افزایش واقعی قابل ملاحظه در مالیات مستقیم نسبت به مالیات غیرمستقیم به نظر نمی‌خورد. ثانیاً اینکه در قسمت افزایش مالیات ارضی به‌اندازه ۴۰۰ میلیون افغانی

(بقیه صفحه اول)

از ص اول

# بیرک کارمل بودجه سال ۱۳۴۸ را …

عدالت اجتماعی کاملاً زیر پا گردیده است به این معنی که زمین‌های وسیع تمام زمین‌داران بزرگ که از لحاظ کمی از ۴۰ تا ۵۰ هزار جریب هم می‌رسد (وهم کیفیت زمین در نظر گرفته نشده است) یا مالیه دهی ندارند و یا چون به‌اصطلاح از گاو غودو، مالیه می‌پردازند. در حالی که زمین‌های ناچیز دهقانان کم زمین همه ثبت دفاتر مالیه‌اند و از عین جریب برابر به جریب قسمت ناچیز زمین‌های وسیع زمین داران بزرگ مالیه می‌دهند (زمین‌داران بزرگ که سرحد زمین‌های وسیع زراعتی‌شان را فقط کوه‌ها و دریاها تعیین می‌نماید - پ).

بنا برین نظر قاطع ما مطابق به مصالح عالیه ملی و منافع خلق افغانستان اینست که اساساً باید هر چه زودتر تدابیر جدی برای اصلاحات اساسی و دموکراتیک ارضی اتخاذ گردد و اکنون (در سال جاری) به‌صورت عاجل باید اصل مالیات مستقیم و مترقی بالای زمین‌های زراعتی، شرکت‌های تجارتی معاملات تاجران بزرگ و نمایندگی‌های تجارتی خارجی تطبیق گردد؛ یعنی مثلاً از دهقانانی که بالای زمین کار می‌نمایند و کم زمین‌اند حداقل مالیه و از مالکین بزرگ بر اساس سنجش تصاعدی با کنترل جدی قیمت‌ها به نفع مصرف کنندگان که اکثریت مردم کشور اند، زیادتیرین مالیه اخذ گردد درین صورت است که می‌تواند بسیار بسیار حداقل عدالت و مساوات که در مقدمه قانون اساسی از آن نام برده شده است، عاجلاً تأمین و مطابق پراگراف دوم ماده ۳۸ قانون اساسی «اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن با رعایت عدالت اجتماعی» تعیین گردد.

در شمارهٔ شانزدهم پرچم که به‌طور غیرقانونی از طرف مقامات مربوط حکومتی سانسور و از توزیع بازداشته شد در باره بودجه سال ۱۳۴۸ دولت حقائق و ارقامی به قلم رفیق ما سلطان علی کشتمند ارائه شده بود که اینک در این مجلس من‌حیث ارتباط مستقیم به موضوع مورد بحث مجلس به آن استناد می‌نماییم.

**بودجه عادی و انکشافی**

**سال ۱۳۴۸**

**گویاترین شاخص کندی وحشتناک**

**رشد اقتصاد و فرهنگ کشور**

باید یاد آور شد که (علی رغم

پرچم

دست دارند، در برابر هرگونه رفورم کوچک مالی و رشد نسبی اقتصادی کشور که تا حدودی از طریق بودجه انکشافی صورت می‌گیرد، عکس‌العمل منفی نشان می‌دهند.

به همین جهت ارقام بودجه عادی و انکشافی سال جاری نیز از لحاظ کمیت خیلی ناچیز و شرم آور و از لحاظ کیفیت منعکس کننده کندی وحشتناک رشد اقتصادی کشور می‌باشد. بودجه عادی در سال جاری مجموعاً ۰/۰۰۰/۰۰۰/۵۱۲۶ افغانی و بودجه انکشافی ۰/۰۰۰/۰۰۰/۲۱۴۷ - افغانی پیش‌بینی گردیده است که جمع هر دو بالغ بر ۰/۰۰۰/۰۰۰/۷۵۴۳/۵۴۲ افغانی می‌گردد.

از مقایسه ارقام بالا با سال قبل نتیجه می‌گردد که در سال جاری در مجموع بودجه عادی و انکشافی کشور نسبت به سال گذشته ۴ ر کشور ۱۱۵۰ - میلیون افغانی مصارف اضافی در نظر گرفته شده و تأمین عواید دولت در سال ۱۳۴۸ از سه منبع ذیل قرار آ تی پیش‌بینی گردیده است:

عواید عادی بر طبق سال گذشته عبارت از ۴۸۳۰ میلیون افغانی و از طریق قروض و امداد خارجی ۱۰۷۱ میلیون و عواید از منابع جدید ۹۶۲ میلیون افغانی می‌باشد که مجموع آن‌ها ۶۸۶۳ میلیون افغانی می‌شود. برای رسیدن به سرجمع مصارف عادی و انکشافی ۸۰ میلیون افغانی دیگر از مدرک قیمت روغن نباتی و کود کیمیای و ۶۰۰ میلیون افغانی به حیث قرضه از بانک مرکزی جهت جبران کسر (دیفیست) بودجه در نظر گرفته شده است. ولی یک نگاه اجمالی بر ارقام بالا نشان می‌دهد که این هنوز هم تمام حقیقت نیست. کسر بودجه

«از ص اول»

## خواست‌های فوری هفتگانه

جریان دموکراتیک خلق افغانستان بشمار می‌رود که البته با دیگر جریانات و عناصر پاکدامن ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست در یک صف متحد قرار خواهد داشت و اعمال ضد منافع عالیه ملی فتنه انگیز آن و عمال ارتجاع داخلی و امپریالیستی را که از هر واقعه به غرض اخلاکگری و فتنه انگیزی برای منافع شوم و ننگین خود بهره برداری می‌کنند، افشاء خواهد کرد.

دولت در سال جاری مانند همیشه در واقع به‌مراتب بیش از آنست که در ارقام رسمی نمایش داده می‌شود. وزارت مالیه از بابت وصول مالیات‌ها در سال ۱۳۴۸ عواید بیشتری را تعهد نموده است و حالان که عواید پیش‌بینی شده برای سال گذشته غالباً وصول نگردیده است با آن‌هم اگر رقم عواید عادی را در بودجه عملی بدانیم، پیش‌بینی عواید از طریق مواد استهلاکی خارجی در وهله اول با تنقیص ۱۰ میلیون مارک قرضه نامساعد استهلاکی آلمان غرب که از طرف ولسی‌جرگه رد گردید، ناقص شد و حصول قسمتی از ۹۶۲ میلیون افغانی عواید پیش‌بینی شده جدید اولاً عملی نیست، چنانچه من‌جمله این رقم اخیراً ۴۰۰ میلیون افغانی عواید سنجش شده از طریق مالیات اراضی با عکس‌العمل ولسی‌جرگه فنودالی مواجه گردیده و ثانیاً فشار اساسی آن بازم بر دوش توده‌های مردم می‌افتد؛ زیرا درین رقم عواید، سهم قابل ملاحظه به مدارکی داده شده است که پرداخت کنندگان واقعی آن توده‌های مردم می‌باشند؛ مثلاً من‌جمله از ناحیه افزایش در قیمت پترول ۱۳۶ میلیون افغانی و دیزل ۶۷/۸ میلیون و از ناحیه حق الانحصار تورید چای که در نظر است جدیداً بر فی کیلو ۳ افغانی وضع گردد، ۳۰ میلیون افغانی پیش‌بینی گر دیده است. بدین‌ترتیب دولت برای جبران کسر بودجه متوسل به گران کردن قیمت پترول، دیزل، چای و غیره شده است. بدیهی است وقتی دولت خود قیمت مواد انحصاری را بالا می‌برد، نتیجه طبیعی‌اش ارتقای قیمت اجناس دیگر و بخصوص قیمت مواد مورد احتیاج عمومی است که موجب ارتقای روز افزون مخارج زندگی می‌گردد. لهذا ریشه‌های اصلی ترقی سرسام آور قیمت‌ها و مخارج زندگی را باید در سیاست مالیاتی دولت جستجو کرد که

مؤجد گرانی و فقر است.

نکته دیگری که در بودجه دولت به‌روشنی ملاحظه می‌گردد توجیه آن در جهت استثمار شدید خلق زحمتکش کشور می‌باشد. فقط نگاهی به نحوه عواید و مصارف بودجه - برای اثبات این نکته کافی است. در ارقام رسمی بودجه سال جا ری ۲۱۵ - میلیون افغانی نسبت به سال گذشته بر مالیات غیرمستقیم یعنی مالیاتی که از توده‌های مردم گرفته می‌شود اضافه می‌باشد.

صفحه (سوم)

پیش‌بینی شده است در سال جاری مالیات غیرمستقیم تقریباً چهارونیم بار بیشتر از مالیات مستقیم می‌باشد. باید تذکر داد که عواید حاصله از انحصارات مانند انحصار قند و شکر، دخانیات، پترول و غیره که پرداخت کنندگان آن‌ها عموم مردم هستند و عنوانی جز مالیات غیر مستقیم نمی‌توانند داشته باشند، به‌منظور پوشاندن ماهیت واقعی و طبقاتی بودجه به‌حساب مالیات غیر مستقیم منظور نشده است.

در سال ۱۳۴۸ در بودجه عادی دوایر تقریباً ۲۰ فیصد نسبت به سال گذشته افزایش در نظر گرفته شده یعنی این بودجه از ۴۲۷۹ میلیون افغانی به ۵۱۲۶ میلیون افغانی ارتقاء یافته است که ازین جمله مبالغ هنگفتی صرف احتیاجات پرسونلی و تأمین دستگاه‌های عریض و طویل دولت و همچنان جمعاً در حدود ۱۵۰۰ میلیون افغانی غرض تأمین مصارف «امنیتی» صرف می‌گردد و قسمت قابل ملاحظه آن مورد دستبرد و سوء استفاده مأموران رشوه خوار قرار می‌گیرد.

(یادداشت: چون بیانیه انتقادی بیرک کارمل ضد منافع نمایندگان نیروهای ارتجاعی راست واقع گردید بنا بر آن در مجلس مانع ادامه آخرین قسمت موضوع شدند که ما ذیلاً آن را به غرض اطلاع خوانندگان گرامی تقدیم می‌نماییم، پ)
تأسف آور است که با وصف عواید خیلی محدود و ناچیز دولت که آن‌هم نتیجه زحمت و عرق ریزی زحمتکشان کشور است، قسمت قابل ملاحظه آن بی‌پاکانه در طرق غیر تولیدی بسود طبقات صاحب امتیاز و زیان خلق به مصرف می‌رسد. مثلاً تخصیص ۱۰۰ میلیون افغانی امداد حکومت به مؤسسات و ۱۲۳ میلیون افغانی به صادر کنندگان قرقل و پخته بنا بر فیصلهٔ اخیر در زمینه تفاوت قیمت اسعار بودجوی برای ماحصل صادرات این دو جنس به معنی بخشش حاصل دسترنج مردم به عده محدودی از تاجران کمپرادور می‌باشد.

به‌طور خلاصه بودجه سال ۱۳۴۸ مانند سال‌های گذشته بودجه ایست غیر متعادل و غیرمتناسب و فوق‌العاده ناچیز، که با منافع اکثریت مردم زحمتکش وطن ما متباین است. این بودجه نه تنها نمی‌تواند به‌هیچ‌وجه از رشد اقتصادی کشور نمایندگی کند، بلکه وضع اقتصادی ما را بیش از پیش مختل خواهد ساخت. بودجه سال جاری گویاترین شاخص کندی رشد اقتصاد و فرهنگی کشور می‌باشد.

# خدمت به خلق وظیفه مقدس ما…

صادق، وفادار، متواضع او محتاط ووسو. د خان له ستاپنی، غرور او تکبر، خودفروشی او تندخویی خُحه ډډه و کرو. د خلکو په مقابل کی د نیرنگ او غولولو د سیاست پیرو ی د ټیټوالی او خیانت حکم لری. د خلکو په مقابل کی خیانت د بنبلو ور نه دی. دملی او اجتماعی آزادی بښونکو عادلانه مبارزانو د تاریخ تجربه ښئی چه که چیری په عمل کی دا ثابته کرو چه مور واقعاً د افغانستان دخلکو خدمتگار او رښتئی اولاد یو د خلکو واقعی سازماندهان به شو او خلک به په رضائیت او حرارت سره زموړ ملاتړ وکری. په پای کی به دافغانستان د خلکو مقدس آرمان ته ورسپیرو، ټول مستبدین او مرتجعین او امپریالیست پرست عناصر به تر خاورو لاندی کرو او مور به بریالی شو.

(ب. کارمل)

وقف کړی او د افغانستان د خلکو د منافعو په جهت کی فعالیت وکړی. باید دافغانستان د خلك دموکراتیک جر یان ټول مبارزان په هر مقام او د مبارزی په هر سنگر کی چه وی په دی پوه شی چه د افغانستان – شریف او زیارکښ خلق په مقابل کی زموړ وظیفه او مسؤولیت خورا لوی او دروند دی. باید نیک پندار، نیک گفتار او نیک کردار ووسو، که چیری کوم وخت له مور خُحه اشتباه وشئ باید اعتراف په وکړو - او سمدستی یی اصلاح کړو.

دا خکه چه په هماغه اندازی چه خلك رؤف او مهربان دی د قضاوت په ورځ د خیانت کارانو، خطاکارانو، او فریبکارانو په مقابل کی بی‌رحم او غضبناک دی. دخلکو غضب د تاریخ د ډیر لوړ عدالت مظهر دی. نو نه یښائی چه خلك وغولو او عوام‌فریبی وکړو. باید د خلکو په مقابل کی

خدمت او په ټولو مواردو کی د خلکو او زموړ د هیواد افغانستان گټی تر فردی او ډله ایزوگټو مقدسی وگڼی، د خلکو په مقابل کی مسؤولیت د افغانستان دلك دموکراتیک جریان په مقابل کی له مسؤولیت سره یو وگڼی، تل په پراخو پرگنو باندی اکتاء وکړی، همیشه د خلکو په سترو رنخونو باندی فکر وکړی او تل دخلکو خدمتگار وی.

باید د افغانستان د خلك دموکراتیک مبارزان وپوهیږی چه یوازی د گڼشت او فداکاری له روحیی سره کیدای شی چه یو نجیب، زړور، متواضع، با تقوی، د لوړ همت خاوند، پاک نیټی د ښه زړه خاوند له ټیټوالی او دنانت نه پاك انسان وبلل شو او خلکو ته گټور ثابت شو.

باید د افغانستان دلك دموکراتیک جریان مبارزان چه د هیواد د نجات بښونکی دموکراتیک او اجتماعی نهضت پیش آهنگ دی خپل خانونه د افغانستان د خلکو د آزادی وظیفه ته

یو ځل بیا په جدیت سره وایو چه نه ښایی داسی فکر وشئ چه په فیودالی شرایطو کی «شوری، کولای شی چه د خلکو د نجات مرجع شی. په اوسنی احوال او اوضاع کی شوری دخلکو دمبارزی یوازی یوه وسیله گڼل کیږی. مور څو څو خلی دغه مطلب په تفصیل بیان کړی او د خلکو د مبارزی نور وسایل او لاری مو ښودلی دی، خو باور اړو چه په شوری کی دیو انقلابی فراکسیون، دملی او دموکراتیک اپوزیشن دتشکیل په صورت کی کولای شو خلکو ته د خدمت یوه وسیله تأمین کړو او د شوری له د ننه او د باندی خُحه د خلکو دښمنان وخبو هغه خوار او بیچاره کړو او تر ممکن حده پوری له دی لاری خلکو ته خدمت وکړو.

د وظیفی په توگه د افغانستان دلك دموکراتیک جریان مبارزانو ته ابلاغیږی چه د مبارزی په هره چاره کی، من‌جمله په انتخاباتی مبارزی او په خپل هر فعالیت کی خلکو ته واقعی





*د افغانستان د تلک دموکراتیک انځور و خپروونکی*

۳۰ سرطان ۱۳۴۸

م. ا. خيبر

## خشم و نفرت مردم امریکای لاتین علیه امپریالیزم امریکا

نلسن راکيفلر نماينده ريچارډ نکسن

به مسافرت پراشوب و بدفراجام خود در کشورهاي امريکاي لاتين خاتمه داد و به واشنگتن مراجعت کرد.

گرچه وي نتايج مسافرت خود را مطلوب خواند ولي حقيقت اينست که مسافرت نلسن راکيفلر به کشورهاي امريکاي لاتين از آغاز تا انجام پر از ماجراها و حوادث بود. راکيفلر در نخستين مرحله مسافرت خود با چنان عکس‌العمل شديد مملو از خشم و نفرت مردم مواجه گرديد که روزنامه‌هاي معتبر نيويارک و واشنگتن به همان وقت به نکسن رئيس جمهور امريکا مشوره دادند که هر چه زودتر مسافرت راکيفلر را در امريکاي لاتين قطع کند. در هر يک از کشورهاي که راکفلر پا نهاد اکثريت نزديک به کل مستقبليان او را پوليس و عسکر تشکيل مي‌داد و در محل اقامتش توسط هزاران نفر محافظ مسلح حراست مي‌گرديد. وي با تظاهرات اعتصابات و ميتينگ‌هاي بزرگ و شديد ضدامريکايي پذيراني گرديد. حکومت پيرو از پذيرفتن راکيفلر اباء ورزيد. حکومت ونزوئلا و چيلي نيز دروازه‌هاي کشورشان را بروي راکفلر بستند. راکفلر در برازيل بزرگترين کشور امريکاي لاتين صرف کمتر از دو نيم روز توقف کرد. در ريودژانيرو يک هزار نفر پوليس عسکري مجهز از راکيفلر محافظت مي‌نومند و در حدود ۵۰۰۰ نفر ديگر از «محافظين نظم» در قشله هاي شان به حالت تيارسي در آورده شده بودند.

در ارجنتاين در حدود سه صد موسسه مربوط به امريکايي‌ها از خوف اين که به مناسبت سفر راکفلر از طرف مردم خسارمند نشود تحت نظارت شديد قواي امنيتي قرار داده شد. در تظاهرات بزرگ که بر ضد مسافرت راکيفلر در مرکز ارجنتاين (بوينس آيرس) به عمل آمد هزاران نفر از کارگران، محصلان، مأموران اتحاديه‌هاي مذهبي و غيره اشترک ورزيده بودند. بحراني که از رهگذر مسافرت وي در اين کشور به وجود آمد او را مجبور ساخت مدت مسافرت خود را از سه روز به ۳۶ ساعت کوتاه کند. مردم چندين مؤسسه مربوط به خانواده راکيفلر را برسم استقبال از وي توسط مواد منفجره به هوا پرازند. جاده بين ميدان هواني و محل اقامتش توسط هزاران نفر پوليس و قواي امنيتي مراقبت مي‌شد و خودش در محل بودباش وي حفاظت مي‌گرديد. بر اثر فير پوليس بر تظاهر کنندگان ضد امريکايي به شمول يک نفر ژورناليست در حدود ده نفر به قتل رسيد. اوضاع در اين کشور به حدی بحراني شد که حکومت مجبور گرديد حکومت نظامي را اعلان کند. در دومينیکا و هايتي نيز به نسبت مسافرت راکيفلر تظاهرات شديد ضد امريکايي صورت گرفت. مردم در اين تظاهرات شعار

در ارجنتاين در حدود سه صد موسسه مربوط به امريکايي‌ها از خوف اين که به مناسبت سفر راکفلر از طرف مردم خسارمند نشود تحت نظارت شديد قواي امنيتي قرار داده شد.

در تظاهرات بزرگ که بر ضد مسافرت راکيفلر در مرکز ارجنتاين (بوينس آيرس) به عمل آمد هزاران نفر از کارگران، محصلان، مأموران اتحاديه‌هاي مذهبي و غيره اشترک ورزيده بودند. بحراني که از رهگذر مسافرت وي در اين کشور به وجود آمد او را مجبور ساخت مدت مسافرت خود را از سه روز به ۳۶ ساعت کوتاه کند. مردم چندين مؤسسه مربوط به خانواده راکيفلر را برسم استقبال از وي توسط مواد منفجره به هوا پرازند. جاده بين ميدان هواني و محل اقامتش توسط هزاران نفر پوليس و قواي امنيتي مراقبت مي‌شد و خودش در محل بودباش وي حفاظت مي‌گرديد. بر اثر فير پوليس بر تظاهر کنندگان ضد امريکايي به شمول يک نفر ژورناليست در حدود ده نفر به قتل رسيد. اوضاع در اين کشور به حدی بحراني شد که حکومت مجبور گرديد حکومت نظامي را اعلان کند. در دومينیکا و هايتي نيز به نسبت مسافرت راکيفلر تظاهرات شديد ضد امريکايي صورت گرفت. مردم در اين تظاهرات شعار

کوتاه کند. مردم چندين مؤسسه مربوط

به خانواده راکيفلر را برسم استقبال از وي توسط مواد منفجره به هوا پرازند. جاده بين ميدان هواني و محل اقامتش توسط هزاران نفر پوليس و قواي امنيتي مراقبت مي‌شد و خودش در محل بودباش وي حفاظت مي‌گرديد. بر اثر فير پوليس بر تظاهر کنندگان ضد امريکايي به شمول يک نفر ژورناليست در حدود ده نفر به قتل رسيد. اوضاع در اين کشور به حدی بحراني شد که حکومت مجبور گرديد حکومت نظامي را اعلان کند. در دومينیکا و هايتي نيز به نسبت مسافرت راکيفلر تظاهرات شديد ضد امريکايي صورت گرفت. مردم در اين تظاهرات شعار

**صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: سلیمان لایق**

**آدرس: زرښت مارکيت— محمدجاخان واټ کابل -افغانستان**

**تېلېفون: ۲۳۱۶۴**

تایپ متن: قاسم آسامی، ویرایش جدید: عمر فیض

**مطبعة دولتي**

## در کیهان

### لونا۱ پانزدهم

به سلسله پروگرام تحقیقات فضائی، اتحاد شوروی به تاریخ ۲۲ سرطان راکتی را با استیشن اتوماتیک «لونا ۱۵» به فضا پرتاب کرد. استیشن از مدار يك قمر مصنوعی زمین بسوسوی مهتاب پرتاب شد. هدف ازین پرواز کیهانی امتحان سیستم‌های تعبیه شده در استیشن اتوماتیک و انجام تحقیقات بیشتر علمی از ماه و فضای نزدیک آن می‌باشد.

مخابرات مداوم رادیویی با استیشن اتوماتیک لو نا ۱۵ در جریان است و در اثر معلومات تبلی متریک، تمام سیستم‌های استیشن و تجهیزات علمی آن بهطور عادی کار می‌نمایند.

با رهنمایی از زمین و سیستم کنترل مغلق دستگاه، استیشن خود کار «لو نا ۱۵» کار می‌کند.

\*\*\*

اطلاع اخیر می‌رساند «لونا۱۵» در ارتفاع ۱۶ میلی مهتاب قرار گرفته است و به تحقیقات خود از فضای نزدیک مهتاب ادامه می‌دهد.

### اعلامیهٔ مشترک

### سوریه و اتحاد شوروی

دول مبنی بر احترام شدید به حاکمیت، استقلال وعدم مداخله، باشد. آن‌ها هر نوع کوششی را که در راه تغییر دادن سرحدات توسط قوه به عمل می‌آید غیرقانونی خواندند. طرفین توجه خاصی به پرابلم های شرق میانه مبذول داشتند.

در اعلامیه گفته می‌شود، اتحاد شوروی و سوریه «موافقه دارند تجاوز اسرائیل که توسط نیروهای امپریالیستی پشتیبانی می‌شود بر ضد کشورهای عربی وضع خطرناکی را در شرق میانه به وجود می‌آورد، وضعی که امنیت را درین منطقه و دیگر حصص جهان به خطر می‌اندازد.»

هر دو طرف ضرور می پند رند که

حقوق مشروع و منافع خلق‌های عرب به شمول خلق عرب فلسطین تأمین گردد.»

نورالدین اتاسی از پشتیبانی سیاسی و کمک همه جانبه بی‌عرضانه اتحاد شوروی در راه تقویه اقتصاد و دفاع سوریه تشکر نموده هر دو جانب همبستگی خود را با خلق ویتنام که قهرمانانه بر ضد تجاوز امپریالیستی ایالات متحده امریکا می‌جنگند، ابراز داشتند.

آن‌ها سیاست میلیتاریستی و انتقام‌جویانه‌ای را که جمهوری فدرال آلمان تعقیب می‌نماید و پشتیبانی آن را از رژیم‌های نژادپرست و تجاوز پیهم اسرائیل را بر ضد کشورهای عربی محکوم نمودند.

## ادامهٔ جنگ در ویتنام

### پرستیز امریکا را هرچه بیشتر صدمه میزند

می‌خواهد در آزادی بسر برد و امور مربوط به خود را خودش تنظیم نماید. جمهوریت دموکراتیک ویتنام، جبهه آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی، اکنون حکومت موقت انقلابی ویتنام جنوبی چندین بار آمادگی خود را برای حل سیاسی پرابلم ویتنام نشان داده‌اند و بدین منظور پیشنهاد خاصی پیش کرده‌اند. هم اکنون در ویتنام پاریس پیشنهادات مشابهی از طرف آن‌ها تسلیم داده شده است. اتحاد شوروی امیدوار است که این پیشنهادات با عکس‌العمل مثبت ایالات متحده امریکا مواجه گردد. ایالات متحده امریکا نمی‌تواند به یک فتح نظامی در ویتنام امیدوار باشد.

## مرگ نابهنگام یک معلم وطن‌پرست

با تأسف اطلاع گرفته‌ایم ک محمد حسین رحیمی معلم لیسه غازی یکتن

از مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان در اثر سکتة قلبی در انگلستان در گذشت. جنازه این جوان وطن‌پرست، به وطن انتقال و در

## یازده تن کارگران مبارز

### کارخانجات جنگلک از حبس رها گردیدند

اخیراً یازده تن از کارگران مبارز مذکور مدت حبس را سپری و رها شده‌اند که اسمای ایشان ازین قرار است: محمد اکبر، خواجه عبدالله، قمبرعلی، میرافغان، محمد انور، غلام علی، میرافضل، عبدالحمید، امین الله، جمعه ولد محمد حسین، و جمعه ولد محمد عظیم. کارگران جداً خواستار اند که حق ایشان برای کار تأمین گردد.

## اعتصابات و تظاهرات در هرات

اخلاکگری پرداختند و موجب تصادم مظاهرچپیان با پولیس گردیدند که در نتیجه چندین تن از شاگردان وطن‌پرست و پولیس جراحت برداشتند و سه عراده موتر از بین برده شد.

این حرکات عناصر فتنه گر محافل حاکمه ارتجاعی و ماجراجو که به‌منظور بدنام ساختن نهضت و مبارزه شاگردان و اهالی وطن‌پرست هرات پراقتخار کشور ما به عمل آمد، بهانه بدست قوای حاکمه و پولیس داد تا فضای اختناق را به وجود آورند و دست به گیر و گرفت زند و محافل ارتجاعی تبلیغات سوء وسیعی را بر ضد نهضت روشنفکران، عناصر مترقی و اهالی نجیب شهر هرات به راه اندازند که البته این وضع اختناق آور و تلقیبات ضد مصالح وطن واحد ما افغانستان محبوب در برابر هرات پراقتخار باعث انزجار عمیق تمام نیروهای ترقی‌خواه وطن‌پرست کشور می‌گردد و مردم می‌خواهند هر چه زودتر به اعمال ضد دموکراتیک خاتمه داده شود.

## اعتصاب شاگردان مدرسه

### تخارستان کندز

اخیراً یازده تن از کارگران مبارز مذکور مدت حبس را سپری و رها شده‌اند که اسمای ایشان ازین قرار است: محمد اکبر، خواجه عبدالله، قمبرعلی، میرافغان، محمد انور، غلام علی، میرافضل، عبدالحمید، امین الله، جمعه ولد محمد حسین، و جمعه ولد محمد عظیم. کارگران جداً خواستار اند که حق ایشان برای کار تأمین گردد.

در نهضت اعتصابی کارگری سراسری کشور در سال گذشته کارگران رزمنده کارخانجات جنگل نیز به غرض تأمین خواست‌های صنفی خویش در مبارزات اعتصابی و تظاهراتی شرکت ورزیدند. در جریان این مبارزات عده‌ای از کارگران آگاه کارخانجات موصوف بازداشت و هر یک به یک سال حبس محکوم گردید.

**شماره پانزدهم** جریده افغان ملت از طرف ځارنوالی بدون توضیح قانونی قبل از توزیع سانسور گردید؛ و مدیر مسئول آن تحت توقیف و تحقیق قرار داده شده است.

**پرچم:** بر مبنای اصل آزادی مطبوعات بر این عمل خلاف آزادی مطبوعات ځارنوالی اعتراض می‌نماید.

تصادماتی که عواقب وخیم‌تری دربر خواهد داشت موجود می‌باشد. اتحاد شوروی معتقد است که اگر ایالات متحده امریکا تمام جوانب اوضاع را با عواقب وخیم اعمال خود تحت غور قرار دهد و به جنگ تجاوز کارانه خود در ویتنام خاتمه دهد، این راه مطمئن پیروزی مذاکرات پاریس می‌باشد. در ایالات متحده امریکا به شمول اشخاص دارای پست‌های بلند کسانی نیز هستند که فکر می‌کنند خاتمه دادن به جنگ ویتنام و برون کشیدن عساکر امریکایی به حیثیت آن کشور صدمه میزند، در حالی که برعکس با چنین عملی پرستیز امریکا ترمیم خواهد شد.»

خلق ویتنام که تفاهم عمیقی از مقاصد ملی خود در مبارزه به خاطر استقلال نشان داده، مصمم است در راه بدست آوردن مرام عادلانه خویش تا اخیر بجنگد. بهر اندازه‌ای که ایالات متحده امریکا نتیجه گیری درست بنماید و به‌ضرورت خاتمه دادن به جنگ ویتنام اعتراف نماید و تمام عساکر امریکایی را از ویتنام برون بکشد، برای خود امریکا نیز بهتر می‌باشد. اتحاد شوروی به ملت برادر ویتنام در مبارزه عادلانه‌اش کمک نموده و می‌نماید ... به خاطر جنگ ویتنام تمام منطقه مجاور به یک منطقه خطر بزرگ مبدل گردیده است. تا زمانی که این جنگ جریان داشته باشد همیشه خطر



# رحم

## ناشرانديشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره نژدهم سال دوم دوشنبه ۶ اسد ۴۸-۲۸-جولای ۶۹، شماره مسلسل ۷۱

بیرک کارمل

## اتکا به نیروی ملی عامل عمده

### پیرزویست!

بوده‌اند کسانی که در گذشته فعالیت سیاسی را بر اساس نیروی ملی مبتنی نمی‌ساختند و شتابزده می‌گفتند «نمی‌توان امیدوار به رستاخیز ملی شد. نمی‌توان از داخل کشور و اتکا به نیروی خود قوای استبداد را در هم کوبید، لذا باید از طریق اتکا به خارج اقدام کرد و انقلاب را وارد کشور ساخت.»

در وضع کنونی، به نحو دیگری نظراتی به این گوش می‌رسد که «بالای دموکراسی قلابی نباید اعتماد کرد! قانون اساسی فریب است! امروز یا فردا دورهٔ اختناق و ترور و استبداد سیاه شروع می‌شود! بنا بر آن باید از همین اکنون از ماورای مرز انرژی و قدرت سیاسی گرفت! و پایگاه اساسی فعالیت را در خارج از کشور ایجاد کرد …!»

باید گفت که علی‌الوصف ماهیت استبدادی محافل حاکمه کشور و عدم اعتماد به آن‌ها، این نوع طور تفکر یا ناشی از ضعف روحیه انقلابی و عدم تحمل مبارزه است و یا ناشی از عدم درک وضع خاص سیاسی افغانستان و یا فرینه سازی‌های نادرست تاریخی است.

نباید از نظر دور داشت که شرایط، اشکال و صورت‌های مبارزه در هر کشور در زمان‌های مختلف فرق می‌کند. فعالیت انقلابی در خارج از کشور شکل تحمیلی مبارزه است که اصولاً هوس تقلیدی آن اشتباه بزرگ به شمار می‌رود. امروز کمال آرزوی وطن‌پرستان ایرانی، اندونیزیایی، هسپانوی، پرتگالی، یونانی و غیره، که بنا بر شرایط ترور و اختناق داخلی مجبور به مهاجرت کرده‌اند، عودت به وطن‌های شان است تا مبارزه خود را در داخل کشور در پیوند نزدیک با خلق به‌پیش ببرند و در فضای دموکراتیک به‌صورت قانونی و علنی در نهضت رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور

(۳ مخ)

## جنبش همبستگی بین‌المللی

### با خلق قهرمان ویتنام

۲۰ جولای، روز همبستگی بین‌المللی با ویتنام که در کشورهای مختلف جهان برگزار شد، پشتیبانی و همبستگی نیرومندی را از مبارزهٔ عادلانه خلق ویتنام علیه تجاوزات ایالات متحده امریکا به اثبات می‌رساند.

امسال روز همبستگی با ویتنام در پاسخ درخواست کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری، مطابق به پانزدهمین سالگرد روز امضاً موافقت‌نامه‌های ژنیو برگزار شد.

به مناسبت روز ویتنام، حزب کمونیست فرانسه اعلان کرده است: امپریالیزم امریکا سرزمین ویتنام را به کانون کشتار و تباهی مبدل کرده باید امریکا از ویتنام خارج شود. همچنان به تاریخ ۲۱ جولای «ماه عنعنوی دوستی شوروی-ویتنام» در اتحاد شوروی شروع گردید.

وزارت خارجه جمهوری دموکراتیک ویتنام به مناسبت پانزدهمین سالگرد موافقت‌نامه‌های ژنیو در بارهٔ ویتنام یادداشتی را منتشر ساخت.

در یادداشت گفته می‌شود که و ۱۹۵۴ که به جنگ تجاوزکارانه استعمارگران فرانسوی در ویتنام خاتمه بخشید، حقوق اساسی ملی مردم ویتنام: استقلال، حاکمیت، وحدت و تمامیت ارضی ویتنام را به رسمیت

# زموږ لوړ هدف د خلكو بری دی

د خلكو دپاره خدمت زموږ مقدسه وظيفه ده. له همدی كبله كه چيری د وظيفی د اجرا كولو په وخت می اشتباه وكړو په خان باندی به انتقاد وكړو او خپله اشتباه به تصحيح كوو. همدا شان د نورو له انتقاد څخه نه بريزو، كه په واقعی ډول زموږ په كارونو كی، زموږ په عملی سياسی فعاليتونو كی، زموږ په علمی تحلیلاتو كی چه د ټولنی د پيژندلو د پاره بی كوو اشتباهات او نيمگړتياوی وی سمدستی بی په تصحيح لاس پوری كوو. د هر چا له خوا چه اصولی انتقاد وشی موږ بی په نظر كی نيسو كه چيری وارد او تصحيح وی د هغو په اساس به د خپلو نيگرتياو په اصلاح كی هڅه وكړو. موږ د هغو پيشنهادونو چه د هيواد له ملی

كتو دفاع كوی، د استبداد، ارتجاع او امپرياليزم ضد خصلت ولری ملاتړ كوو او هغو سره به سم عمل كوو.

له هغه خايه چه موږ د عمل بنسټ پرته له توپيره د افغانستان د خلكو د پراخو پرگنو گټی دی، نو له همدی كبله له هر انتقاد او پيشنهاد سره به چه نكولای شی د افغانستان د خلكو د اړتيا پوره كړی او د ملی آزادی او دموكراسی او زموږ د ټولنی په پرمختگ كی مرسته وكړی خپل موافقت څرگند وو. خبره دا ده چه د داخلی ارتجاع، امپرياليستی شبكو، د عظمت طلبانه شوونيزم هواخواهانو د دسيسو په اساس يو شمير تضمين شوی كرغيرن او نوم بدی، مغتن او نفاق اچوونكي عناصر زموږ په ضد لمسول كيږی چه كله په ظاهر كی «د دين او مذهب» په جامه كی، كله د «توده‌ای او انقلابی، ملی او

## چطور انقلابیگران «چپ»

### به اپورتونيزم راست می‌گريند!

مبارزه انقلابی به خاطر تحول انقلابی جامعه جريانيست بسيار پيچيده، پر از مد و جزر و پيچ و خم ... و مركب از قطب‌های متضاد مبارزه مانند تعرض و عقب نشینی، نرمش و قاطعیت، مصالحه و سرسختی، جسارت و حزم، شكيب و شتاب ... و غيره و غيره. ولی انقلابیگران و چپ‌نماهایی در درون کشور ما سر بالا کرده‌اند كه حتی در هنگام

فروکش شدن موج‌های باریك نهضت اعتصابی كارگران و تظاهرات شاگردان کشور چون جوجه نظامیگران مغرور، بدون هدف گیری و بدون ترس از شكست نهضت، فتنه‌گرانه و بچه‌گانه قومانده می‌دانند. این آقایان جریان بغرنج مبارزه انقلابی را با چند «نقل قول» ساده ساخته، وقت و نا وقت شعارهای چپ روانه می‌دادند و با دامن زدن شعله‌های نفاق‌افگنی لجوجانه به سیاست شتاب پافشاری تظاهر و اخلاگری می‌کردند. برای چه؟ برای استقرار هرچه نیرومندتر استبداد كبير و ديكتاتورى سپاه و سرکوبی نیروهای ترقی‌خواه وطن‌پرست!

خنده‌آور است كه این انقلاب سازان وطنی و قهرمانان (!) ضد پارلمتاریزم و ضد آزادی و ضد دموكراسی در چنگال پولیس و محاكم قرار می‌گیرند، عوض این كه در آن وقت از خود قهرمانی واقعی نشان دهند و از اصول خود دفاع كنند، بادیان‌های كشتی را به جانب راست می‌كشند و ناپهنگام به قطب‌های دیگر مبارزه پناه می‌برند، خود را دموكرات معرفی می‌كنند، بالاخره به قانون

اساسی، مبارزه مسالمت‌آمیز و قانونی و وطن‌خواه، مترقی او پیشرو، خلقی او (چه خوب!) تن در می‌دهند، به رفورمیزم و به اصلاح‌طلبی محض (نه دگرگونی بنیادی!) تسلیم می‌شوند و برای «نجات» خود به شبکه‌های خرابكار ارتجاع داخلی و امپریالیستی و به سیاه‌ترین اورگان نشراتی دلال و ارتجاعی راست و شارلتان كه ما بردن نام آن را شرم می‌دانیم، پناه می‌برند و در مبارزه انتخاباتی از سیاه‌ترین عناصر ارتجاعی راست پشتیبانی می‌كنند و كاندیدهای واقعاُ ملی و دموكراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست را تخریب می‌نمایند و عملاً به مصالحه و سازش‌كاری غیراصولی به اپورتونیزم و ریزیونیزم و تسلیم طلبی می‌گریند و با سیاه‌ترین نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی در تئانی‌اند.

این‌ها در حالی كه فریاد می‌كشیدند كه «هیچ مصالحه مجاز نیست! باید هرگونه مصالحه و همکاری را با جریانات دیگر ... و هرگونه سیاست مانور را با قاطعیت تمام رد كرد!» ولی اکنون این آقایان دموكرات‌ها به‌طور دسيسه‌آمیز و مضحكى از «مرجعین بزرگ‌اغذی» التماس می‌نمایند كه «چرا همكاران پرچم

(ص ۲)

## بناغلی وزیر مالیه ضمن خطابه بودجوى

### خود در ولسی جرگه به حقایق تلخی اعتراف كرد

ساده‌ى يك حقيقت است و اين به‌هيچ وجه كافي نمى‌باشد تا پيشنهادات مشخصى به‌منظور برداشتن گام‌هاى عملى ارايه نگردد. تا وقتى كه طبقات ستمگر در حيات اجتماعى و اقتصادى کشور مسلط باشند دم زدن از اصطلاحات از طرف حكومت لفظاً آرزويى پيش نخواهد بود. بايد دانست كه انجام اصطلاحات

بناغلی محمد انور ضيايی وزير مالیه در خطابه خود در مورد بودجه سال ۱۳۴۸ مطالبی را راجع به وضع رقت بار اقتصادى و مالى کشور بيان كرد و ضمن آن معترف به حقايق سرسخت و تلخى (بدون ذكر علل و ريشه‌هاى آن‌ها و بدون ارايه پيشنهادات مشخص) در زمينه گردید. بناغلی وزير مالیه مى‌گويد «نيازمندى‌هاى روز افزون مملكت به اصطلاحات، تكافوى احتياجات ضروريه اوليه و جنبش سريع در جهت بلند بردن سطح توليد و بهتر ساختن سويه حيات مردم و از سوى ديگر مشاهده نهضت‌هاى سريع اقتصادى در ممالك رو به انكشاف حوزه‌هاى مجاور ما را به‌منظور انكشاف به تعمير بناى مئين اقتصادى و استحكام قوى بنیان مالى مجبور مى‌سازد. همه مى‌دانيم كه به‌مقتضى عصر امروز به قبول حيات ابتدائى و ساده امکان حفظ موفقيت انكشاف ميسر نيست.»

آنچه را بناغلی وزير مالیه در پراگراف بالا گفته است فقط اظهار

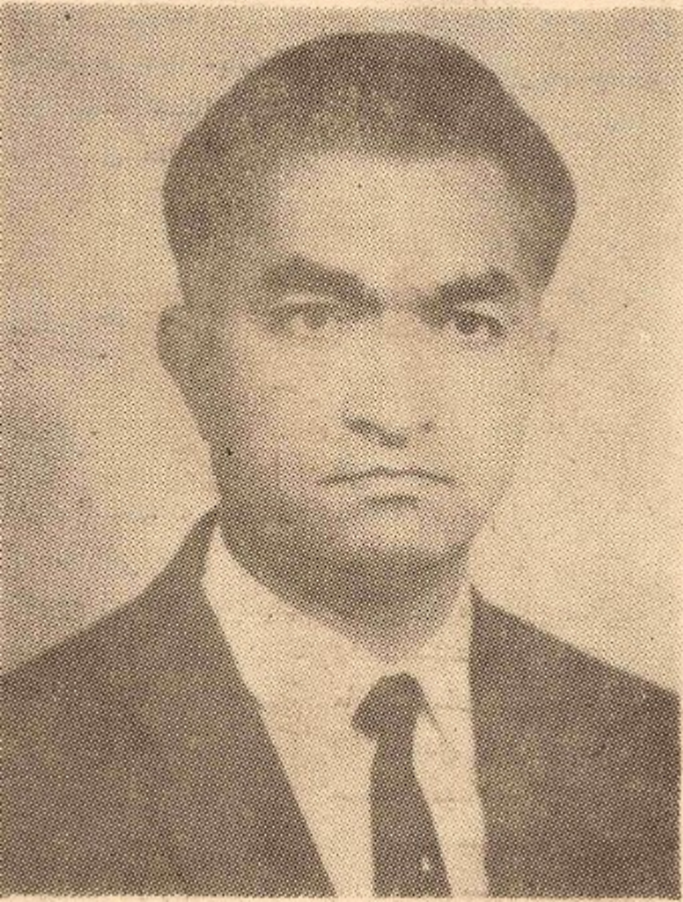
## رفیق ارجمند ما میر اکبر خیر

### مدیر مسوؤل جدید جریدهٔ پرچم

رفیق محترم ما سلیمان لایق دوره مسوولیت جریده پرچم را با شهامت و تبعیت آگاهانه از جریان دموکراتیک خلق افغانستان گذشتاند و اکنون کانید جریان دموکراتیک خلق افغانستان برای ولسی‌جرگه از ولسوالی پلخمری می‌باشند. لذا مقام ذیصلاح ج.د.خ.ا. رفیق ارجمند ما میر اکبر خیر را به حیث مسوؤل جریده پرچم – ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان تعیین و معرفی نمود.

از آن جایی که دشمنان خلق همیشه دشمن شخصیت‌های ترقی‌خواه وطن‌پرست، دشمن فرزان راستین خلق‌اند، فیصله شد تا به غرض معلومات گوشه‌ای از سوانح رفیق ارجمند خود را به نشر بسپاریم.

(هیأت رهبری و تحریر پرچم)



م.ا. خبیر در سال ۱۳۰۴ (ه. ش) در یک خانواده زحمتکش دهقانی پینتون پا به عرصه وجود گذاشت. وی از کودکی تا بزرگی در آغوش رنج پرورده شد و از نزدیک شاهد استثمار دهقانان زحمتکش و من‌جمله خانواده خودش بود.

م.ا. خبیر از سپری کردن دوره ابتدایی مکتب حربیه به نام احضاریه، بنا بر استعدادی که از خود نشان داد، حق شمول به لیسه حربی را به دست آورد و به تاریخ ۱۳۲۶ از حربی بنوونخی فارغ و به حربی پوهنخی شامل گردید.

م. ا. خبیر در پهلوی آموزش تعلیمات نظامی، علی ارغم موانع و مشکلات به صورت پیوسته به مطالعات اجتماعی و سیاسی می‌پرداخت.

م.ا. خبیر در دوران تحصیل در حربی پوهنخی همیشه پرچمدار نظریات

(ص ۴)

## اقدام شجاعانه اندیرا گاندی

### صدر اعظم هند

حزب کانگرس مورد تاخت و تاز جناح‌های مختلف واقع شده است.

صدر اعظم هند مواضع خود را تحکیم بخشیده است. ملی کردن بانک‌ها رشد اقتصادی را تسریع می‌نماید و باعث تقویت بخش دولتی می‌شود که موافق با وضع موجود هند می‌باشد. ولی جناح راست حزب کانگرس که ملی کردن بانک‌ها ضد منافع آن‌ها واقع شده مخالفت می‌ورزند. رهبر جناح راستی، دیسای وزیر سابقه مالیه هند می‌باشد که او را اندیرا گاندی از وزارت مالیه برطرف کرد ولی جناح چپ و اپوزیسیون‌ها از این اقدام اندیرا گاندی طرفداری می‌نمایند.

حزب کمونیست هند طی اعلامیهٔ از ملی کردن بانک‌ها در هند طرفداری نموده و آن را لازم می‌داند. حزب به تمام نیروها هشیار باش می‌دهد که متدحانه عمل نمایند و این اولین ضربه ایست به جناح راست و منفعت پرست‌ها. حزب تقاضا می‌نماید درین مرحله باید تمام نیروهای چپ تحت شعارهای معین مطابق به خواست کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان کارزار سیاسی را آغاز کنند.

خطاب به اعضای پارلمانی حزب کانگرس در ۲۰ جولای میرمن اندیرا گاندی صدر اعظم هند به حیث رهبر حزب اظهار داشت که باید در برابر وظایف وی موانع ایجاد نگردد تا او قادر به رهبری و اجرای پالیسی‌های حکومت باشد. او یک گام بزرگ، ملی کردن بانک‌ها را اعلام داشت.

میرمن اندیرا گاندی گفت که نظر اساسی در مورد ملی کردن بانک‌های بزرگ اینست که عدالت برای بخش‌های ضعیف‌تر جامعه تأمین گردد و به‌سوی اهداف سوسیالیستی پیشروی صورت گیرد. وی اظهار داشت که ملی نمودن بانک‌ها گام بزرگی علیه منفعت پرستی است.

دفتر صدر اعظم هند صدها تلگرام به پشتیبانی از تصمیم حکومت آن کشور مبنی بر ملی کردن ۱۴ بانک بزرگ دریافت داشت. این تلگرام‌ها از طرف اتحادیه‌های کارگری، قانوندانان، احزاب مختلف سیاسی، کارکنان بانک‌ها و دیگران مواسلت کرده است که در آن‌ها این تصمیم به حیث یک گام شجاعانه مورد پشتیبانی قرار گرفته است.

ملی نمودن ۱۴ بانک در هند حوادث جدید را بار آورده است و



خویش فعالانه شرکت ورزند.

باید به خاطر داشت با وصف این که وطن‌پرستان کشورهای نامبرده مجبور به مبارزه از خارج کشورهای خویشانند، ولی اتکای اساس ایشان را باز هم مبارزات خلق کشورهای شان تشکیل می‌دهد و هرگز در اندیشه این پندار غلط نیستند که انقلاب را از خارج وارد کشورهای خود سازند.

تجربه مبارزات رهایی‌بخش ملی و مترقی مبین این حقیقت است که عالی‌ترین و مؤثرترین سیاست، اتکا به نیروی ملی (خودی) است. این خلق کشور است که با استفاده از شرایط می‌تواند زنجیرهای استارت را پاره کند و یوغ بردمگی را به دور افکند. قابل توجه است که مطلوب ما از بیان اصل مسلم اتکا به نیروی خود، تجرید از کشورها و خلق‌های جهان نمی‌باشد. زیرا مبارزه با امپریالیزم بین‌المللی، این دشمن آشتی‌ناپذیر و مشترک ملل و خلق‌های ستمدیده جهان به‌تنهایی صورت گرفته نمی‌تواند. خلق افغانستان درنبرد علیه امپریالیزم تنها نیست. کلیه کشورهای صلح‌جوست و مترقی و نیروهای سوسیالیستی، خلق کارگر کشورهای سرمایه داری و خلق‌های کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین که علیه ارتجاع و امپریالیزم می‌رزمند دوستان خلق افغانستان هستند که ایجاد و توسعه روابط و همکاری نزدیک بین‌المللی با این نیروها کاملاً با مصالح ملی ما مطابقت دارد. با وجود این برای یک لحظه نباید فراموش کرد که اصل اتکا به نیروی ملی، به نیروی خلق کشور عامل عمده است که می‌تواند ما را به پیروزی رساند. ما بر اساس اتکا به اصل بیداری، تشکل و اتحاد خلق وطن واحد، مترقی، نوین و پرافتخار می‌توانیم تمام نیروهای ارتجاعی را از میان برداریم.

همچنان در زمینه رشد اقتصادی کشور عناصر امپریالیست پرست و خارجی پرست اظهار نظر می‌نمایند که افغانستان بر اساس اصل اتکا به خود نمی‌تواند به سطح عالی رشد سریع اقتصاد و فرهنگ نایل آید. لذا بایسد دروازه‌ها را بسر روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی کاملاً باز گذاشت !!!... باید جداً خاطر نشان ساخت که این نظر مانند نظر اتکا مطلق سیاسی به خارج کشور نه تنها نادرست است، بلکه در حقیقت افغانستان را دست و پا بسته به کشورهای امپریالیستی تسلیم دادن است که هیچ وطن‌پرست واقعی افغان نمی‌تواند به آن تن در دهد. ولی ما معتقدیم که کمک‌های بدون قید و شرط خارجی که خلت استعماری امپریالیستی و استثماری نداشته باشد

ار (ص اول)

# اتکا به نیروی ملی عامل عمده ...

در امر رشد اقتصادی باشد در امر رشد اقتصادی کشور مفید است، اما به‌هیچ‌وجه نمی‌توان موافقه کرد که افغانستان را به آن متکی ساخت، بلکه باید به نیروی عظیم و خلق تمام خلق افغانستان اتکا کرد و برای ایجاد حکومتی سعی و مبارزه کرد که نماینده خلق افغانستان باشد، تا بدین‌وسیله به اتکا خلق رنجدیده کشور رستاخیز رشد سریع اقتصاد و فرهنگ کشور آغاز گردد و تمام منابع مادی و معنوی افغانستان، ثروت‌های عظیم طبیعی و بشری

شود و از رسوخ آن جداً جلوگیری به عمل آید. ما به‌صراحت اظهار می‌داریم تا وقتی که ماهیت طبقاتی حکومت‌ها در افغانستان تغییر نیابد، اعتقاد و جرئت به اتخاذ اقدامات عملی در دو جهت متذکره در بالا به وجود نیابد، نه احتیاجات اولیه مردم رفع خواهد شد، نه سطح حیات بالا خواهد رفت، نه «تعمیر بنای متین اقتصادی» انکشاف و نه «بنیان ملی» استحکام خواهد یافت ولو آن که «نهضت‌های سریع اقتصادی در ممالک رو به انکشاف» حکومت‌های افغانستان را به عذاب وجدانی (!) بکشد.
 بناغلی وزیر مالیه در مورد حجم مصرف انکشافی و تمویل آن از منابع داخلی و تناسب آن با عواید ملی اعترافاتی نموده است، بدین قرار: «به‌صورت مجموعی سهم عواید داخلی در تمویل پلان انکشافی اول ۲۴ فیصد، در پلان دوم ۲۳ فیصد و در سال‌های ۴۶ و ۴۷ بالترتیب ۲۲ و ۲۳ فیصد بوده است و ارقام بودجه سال ۴۸ نیز سهم عواید داخلی را در مصارف انکشافی ۲۳ فیصد ارایه می‌کند. در حالی که فیصدی تحویل مصارف هم‌جوار داخلی در بعضی ممالک هم‌جوار در سال ۱۹۶۵ (۴۳ و ۷۵) فیصد بوده است. صرفیت انکشافی دولت در پلان اول (اوسط سالانه) تقریباً ۸/۴ فیصد عاید ملی در پلان دوم ۱۰/۷ و سال‌های ۴۶ و ۴۷ علی‌الترتیب ۷/۷ و ۷/۲ فیصد عاید ملی بوده است. این رقم در بودجه سال ۱۳۴۸ به ۹/۱ فیصد می‌رسد، مگر باز هم کمتر از معیار اوسط سالانه پلان دوم می‌باشد. هرگاه سهم منافع داخلی را در انکشافی گذشته به‌تناسب عاید ملی مورد مقایسه قرار دهیم، می‌یابیم که در پلان اول این رقم ۲ فیصد، در پلان دوم ۲/۲ فیصد بوده در سال‌های ۴۶ و ۴۷ و پیش‌بینی سال ۴۸ علی‌الترتیب به ۱/۷ و ۱/۶ و ۲/۱ فیصد عاید ملی تنزیل کرده است.»

بناغلی ضیایی پس از ارایه ارقام بالا به ادامهٔ اعترافات چنین نتیجه گیری می‌نمایند: (۱) مصارف انکشافی ما در دورهٔ پلان اول و دوم سیر ارتقایی داشته و از آن به بعد بر خلاف جریان مترقی اقتصاد که لازم است تسلسل ارتقایی خود را حفظ کند

کشور وسیعاً و به‌صورت ثمربخش به کار انداخته شود.

بنا بر آن بر اساس اصل «اتکا به نیروی خود» و بر مبنای ایمان ترلززل ناپذیری که به خلق، به ملت و به وطن ما افغانستان محبوب داریم لزوم آن می‌رود تا یکبار دیگر نکات ذیل را در سیاست ملی خویش (چه در جریان مبارزه رهایی‌بخش دموکراتیک ملی و اجتماعی و چه در هنگام پیروزی) برجسته سازیم.

- باید فعالیت انقلابی بر اساس نیروی ملی و متحد خلق افغانستان

ار (ص اول)

## بناغلی وزیر مالیه ...

رو به نزول نهاده است و (۲) در نزول مصارف انکشافی، نزول مدارک خارجی و داخلی هر دو مؤثر بوده و هر دو نوع نزول دلایل واضی دارند.»

بناغلی وزیر مالیه علت «تقلیل مدارک خارجی را متکی به تصریحات کنفرانس سیال ۴۸ تجارت و انکشاف ملل متحد منعقدۀ دهلی جدید» چنین توضیح کرده است «که استفاده از منابع خارجی در ممالک رو به انکشاف متناسب به سهم آن ممالک در تحویل مصارف از منابع داخلی‌شان صورت می‌گیرد» و به حیث یکی از راه‌های چاره، تقلیل مصارف انکشافی را نام برده است که پیوست به آن خود می‌گویند «که در آن صورت (در صورت مصارف انکشافی) معضله ما عدم انکشاف و

از (ص اول)

## چطور انقلابیگران ...

خلق و جریان دموکراتیک خلق افغانستان را به زنجیر نمی‌کنند! چرا پرچم خلق را مصادره نمی‌کنند؟ ما این فتنه گری را به آقایان! انقلابگر تبریک می‌گوییم. آن‌ها اسناد مؤثق تاریخی را برای محکومیت ابدی خویش و طرد از جریانات ترقی‌خواه پیشرو و اندیشه‌های کبیر طبقه کارگر به رضانیت خاطر (!) امضأ می‌کنند.

به هر حال باید خاطر نشان ساخت جریان دموکراتیک خلق افغانستان، جریان‌یست ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست که مبارزات آشکار آن به اسناد قانون صورت می‌گیرد و به نیروی ملی اتکا دارد و هرگز شعاری بی‌موقع نمی‌دهد و فعالیت ماجراجویانه نمی‌کند و تا حدود ممکن تناسب درست دیالکتیکی و

استوار باشد و هیچ‌گاه نباید اندیشه افغانستان واحد و متحد در تمام فعالیت‌های ما از نظر دور انداخته نشود.

- باید جداً در نظر گرفت که در آخرین تحلیل علی‌الوصف قبول کمک‌های مساعد و بدون قید و شرط خارجی باز هم راه نجات خلق افغانستان تنها بر اصل اتکا به نیروی خود میسر است.

- باید در نظر داشت که بدون پیروزی نهایی جنبش آزادی بخش دموکراتیک و اجتماعی افغانستان

نمی‌توان به عقب‌ماندهگی قرون اوسطایی کشور خاتمه داد و به پرنسیپ اصل اتکا به نیروی خود و به نیروی ملی و متحد خلق افغانستان تحقق بخشید.

- باید این نکته مهم برای جریان ما، برای خلق ما از هم اکنون واضح شود که تنها به پیروزی و قبول اصل اتکا به خود، کافی نیست.

باید متوجه بود که راه ما در جریان مبارزه عادلانه ما و هم بعد از پیروزی بسیار طولانی، خطیر، سخت، تلخ و پر پیچ و خم است. در

گرچه بناغلی ضیایی به شمهٔ از حقایق تلخ اشاره و اعتراف کرده است ولی این اعتراف هم می‌تواند معرف وضع ناگوار اقتصادی، کندی وحشتناک آهنگ رشد اقتصادی کشور باشد.

باید گفت که اعتراف به وضع فوق‌العاده وخیم اقتصادی و رکود مزمن و خطرناک اقتصادی کشور به‌تنهایی کافی نیست و هم به آرزو می‌گیرد و تنزید عاید ملی در سال ۴۶ یکنیم فیصد و در سال‌های دیگر تقریباً برابر با ازدیاد نفوس و یا اندکی بیشتر از آن بوده است، تنقیض در مصارف انکشافی نیز راه چاره نخواهد بود، مخصوصاً در شرایطی که عاید ملی ممالک هم‌جوار سالانه از ۵ الی ۷ فیصد افزایش می‌یابد.»

سپس بناغلی وزیر مالیه چنین نتیجه می‌گیرد «تحلیل تمام جریانات مطالب فوق ما را به این حقیقت می‌رساند که راه سالم و چاره اساسی اتکای بیشتر بر منابع داخلی و سرمایه‌گذاری از منابع داخلی است.»

هنگامی که وضع اقتصادی کشور بنا بر پالیسی‌های اقتصادی نادرست حکومت‌های افغانستان تا سرحدی به رکود و شکست مواجه شده است که حتی خود حکومت ناگزیر است به‌صراحت به آن اعتراف نماید اما مسأله قابل توجه اینست که تنها با اعتراف بدون جستجوی ریشه‌ها و علل و رفع آن‌ها نمی‌توان هیچ کاری را انجام داد. چگونه ممکن است که با حفظ تمام امتیازات و سلطه اقتصادی طبقات حاکمهٔ طفیلی در جامعه و نفوذ استعمار نوین امپریالیزم در اقتصاد ناتوان کشور باز هم منابع عواید داخلی انکشاف بیابد و رشد اقتصادی تأمین گردد.

حکومت بسیار جرئت (!) به خرج داده است که در بودجه سال ۱۳۴۸ در پهلوی افزایش مالیات غیرمستقیم فقط ۴۰۰ میلیون افغانی عواید را از طریق مالیات ارضی پیشنهاد نماید، در حالی که ارضی محدود دهقانان کم زمین باید از پرداخت مالیات معاف و بر اراضی وسیع ملاکین بزرگ

امپریالیزم را تلاش در راه مورد استفاده قرار دادن همه وسایل به غرض تضعیف موضع سوسیالیزم، مختنق ساختن جنبش آزادی‌بخش ملی، فلج نمودن مبارزه خلق کارگر در کشورهای سرمایه‌داری و جلوگیری از زوال غیرقابل بازگشت نظام سرمایه‌داری می‌باشد. تضاد اساسی بین امپریالیزم و سوسیالیزم که به مقیاس جهانی می‌باشد، عمیق‌تر می‌گردد. در شرایط که مبارزه بین این دو سیستم جهانی حاد می‌گردد، نیروهای سرمایه داری باوجود تضادهایی که میان خود دارند و آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌نماید به‌منظور حفظ و تقویه سیستم استثمار و ستم و به دست آوردن مواضع از دست رفته باهم متحد کنند. امپریالیزم ایلات متحدهٔ امریکا سعی می‌کند نفوذ خود را بر دیگر کشورهای سرمایه‌داری حفظ کند و در عرصه‌های عمده مبارزه طبقاتی از سیاست مشترکی با آن‌ها پیروی کند.

لُبۀ تیغ استراتیژی تجاوزکارانه

سر راه انقلاب ملی و دموکراتیک و اجتماعی کشور ما موانع و مشکلات عظیمی وجود دارد که باید تمام آن را به‌حساب آورد و علیه آن‌ها بدون ترس و با عزم راسخ هشیارانه و سرسختانه به مبارزه پیگیر و اصولی دست زد. نباید امروز مبارزه را علیه مرتجعین داخلی و خارجی ساده گرفت. مرتجعین هرگز به میل خود تسلیم نمی‌شوند، تنها پیوند و اتحاد با تمام خلق کشور است که می‌توان به تمام موانع و مشکلات مسلط شد.

- باید در نظر داشت که اتکا اساسی ما را، نیروی خلاق ملی ما را (چه در جریان جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی و چه بعد از پیروزی) کارگران، دهقانان و روشنفکران وطن‌پرست و زحمتکش افغانستان تشکیل می‌دهند. این‌ها خلق واقعی وطن هستند، این‌ها سازندهگان جامعه نوین افغانستان هستند، این‌ها نیروی فولادین کشورند. هنگامی که این‌ها (توده‌های وسیع خلق) سرنوشت خود را به دست گیرند و از یک مشی سیاسی واقعاً وطن‌پرستانه، دموکراتیک و ملی و واقعاً مترقی و پیشرو پیروی کنند و تیوری علمی را رهنمای عمل خود قرار دهند و در برابر دشواری‌ها از خود مقاومت نشان دهند، دیگر هیچ مشکلی و هیچ نیروی ارتجاعی نخواهد بود که از میان برداشته نشود.

- باید به این اصل علمی توجه داشت که نهضت‌های رهایی‌بخش ملی، دموکراتیک و اجتماعی در مبارزه با مشکلات رشد و تکامل می‌یابد و توأم با صرف عظیم نیرو و فداکاری و قبول فداکاری‌های لازم، به پیروزی می‌رسد. ما نباید هنگام برخورد با دشواری‌ها و پیچ و خم‌های مبارزه و وقوع روزهای سخت اعتماد خود را از دست دهیم و از نیروی خود در داخل کشور مایوس گردیم و از اصل اتکا به خلق و نیروی ملی روگردان شویم و روزهای کامیابی و آینده درخشان و راه پر افتخار نبرد عادلانه خود را از نظر ببندازیم و نیروی مقاومت ملی، دلیری و هشیاری را در مرحله مبارزه رهایی‌بخش ملی و اجتماعی از دست دهیم؛ زیرا اتکا به سازنده تاریخ، اتکا اساسی به نیروی ملی خلق افغانستان، پیگیری و مداومت در مبارزه، عشق به وطن ما را به پیروزی می‌رساند. هنگامی که توده‌های وسیع خلق افغانستان به پا خیزند، بیدار شوند، متشکل گردند، متحد شوند و پیوند «ما» به آن‌ها تأمین گردد، کوه‌های مشکلات را از میان خواهیم برداشت.

امپریالیزم بازهم در درجه اول و پیش از همه بر ضد کشورهای سوسیالیستی متوجه می‌باشد. امپریالیزم از مبارزه مسلحانه آشکار بر ضد سوسیالیزم دست بردار نشده است. مسابقه تسلیحاتی را پیوسته شدن می‌بخشد و سعی می‌نماید دست‌بندی‌های نظامی‌ای را که به‌منظور تجاوز بر ضد اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی وسعت می‌بخشد و کوشش می‌کند جلو رشد اقتصاد آن‌ها را بگیرد.

امپریالیزم در فعالیت‌های خود بر ضد جنبش طبقهٔ کارگر حقوق و آزادی‌های دموکراتیک را پایمال می‌کند و از تشدد برهنه، شیوه‌های وحشیانه تعقیب پولیسی و قوانین ضد کارگری استفاده می‌نماید. علاوه بر آن، به عوامفریبی، ریفورمیزم بورژوایی، ایدیولوژی و سیاست اپورچونیستی متوسل می‌گردد و پیوسته سعی می‌ورزد که شیوه‌های جدید تخریب جنبش طبقهٔ کارگر را از داخل آن جستجو کند و آن را با سیستم سرمایه‌داری «یکجا» سازد.





محمد سلیم کارگر جوان و آگاه فابریک نساجی پلخمری (به جرم) اشتراک در اعتصابات و تظاهرات قانونی و مسالمت آمیز کارگران نساجی، در جریان نهضت اعتصابی کارگری کشور در سال گذشته، از طرف محکمه ابتداییه «امنیت عامه» ولایت بغلان به یک سال حبس محکوم گردیده بود. در اثر مراغه خواهی وی محکمه استیناف مدت حبس او را به شش ماه تقلیل داد و سپس محکمه تمیز مأمورین و امنیت عامه نیز این مدت را با وصف دلایل قانونی «متهم» تأیید نمود که اینک به‌منظور رد اتهامات و روشن شدن حقایق دفاعیه محمد سلیم کارگر را به نشر می‌سپاریم.

ع، ص، ف، رئیس صاحب و اعضاً محترم محکمه امنیت عامه ولایت بغلان

محمد سلیم میخانیک نساجی دفاعیه

خود را به مقابل دعوی خاړنوال

پلخمری ذیلاً تقدیم می‌دارد.

اگر چه دعوی مدعی از ابتدا الی اخیر از نظریات میان تهی و نور از واقعیت هیئت مستنطق الهام گرفته و در واقع هیچ مبنای برای ایجاد فضای مختنق‌تر در جهت تأمین منافع غیرقانونی سهم داران بزرگ نساجی پلخمری خاصاً (بناغلی زابلی) با چین‌الفاظ و کلمات مبهم ترتیب و تنظیم گردیده که محاکم مربوطه نظر به صلاحیت قانونی خود این گونه دعای را که مبین یک عمل معین و مشخص جرمی نباشد باید قطعاً نشنود. با آن‌هم برای این که همین دعوی بی‌سر و پا بی‌جواب نمانده باشد به رد آن چنین می‌پردازیم.

در مجموع دعوی یک حالت جرمی به‌صورت قطع بیان نشده و کوشش به عمل آمده تا به جمله بندی‌های فریبنده موضوعی را توصیف نمایند که متن جرمی داشته باشد. باز هم به‌جز این که فهمیده شود کارگران فابریکه نساجی پلخمری برای احقاق حقوق اجتماعی نموده‌اند مفهوم دیگری در دعوی نهفته نیست. حال ببینیم که عمل کارگران قانوناً مجاز بوده یا نه، ماده (۳۲) قانون اساسی تصریح می‌نماید (اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز بدون حمل سلاح مطابق به احکام قانون و بدون اجازه قبلی دولت اجتماع نمایند.) و در عمل هم تظاهرات و اجتماعات کارگران و شاگردان در سال (۱۳۴۷) و تظاهرات و اجتماعات ۲۴ روزه پوهنتون و شاگردان معارف در کابل

امپریالیزم در مبارزه بر ضد جنبش آزادی‌بخش ملی از یک طرف با سرسختی از بقایای سیستم استعماری دفاع می‌کند و از طرف دیگر در تلاش به خاطر مانع شدن از پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دولت‌های در حال رشد، کشورهای که حاکمیت ملی‌شان را به دست آورده‌اند از شیوه‌های استعمار نو کار می‌گیرند. بدین منظور از محافل ارتجاعی پشتیبانی می‌کنند، از بین رفتن عقب‌مانده‌ترین ساختمان‌های اجتماعی را به تعویق می‌اندازند و سعی می‌کنند تا در راه ترقی این کشورها از طریق سوسیالیزم یا راه رشد غیر سرمایه‌داری که راه را برای سوسیالیزم باز می‌کند موانع ایجاد نماید. امپریالیست‌ها بر این کشورها موافقت‌نامه‌های اقتصادی و پیمان‌های نظامی و سیاسی‌ای را تحصیل می‌کنند که حاکمیت شان را تحدید می‌نماید. آن‌ها این کشورها را از طریق دور سرمایه، قراردادهای نابرابر تجارّتی، سواستفاده از قیم، نرخ‌های تبادلّه، قروض و اشکال

## دفاعیه مدلل و قانونی محمد سلیم کارگر

و اکثر ولایات کشور متکی به همین ال انکار ناپذیر دموکراتیک قانون اساسی بود.

محرك اصلی مظاهره کارگران هم که زباییده مناسبات غیرعادلانه موجود در کشور اند عبارت از شرایط بد کار، عدم مصنونیت، قلت دستمزد و صدها دستبرد غیرانسانی فابریکه نساجی پلخمری که باوجود مطالبات پیهم قانونی کارگران برای تغییر این وضع ناگوار کوچکترین اقدامی صورت نگرفته هرچند دستگاه نساجی ظاهراً به مطالبات قانونی کارگران گردن نهاد و به حقوق مشروع ایشان در نظر اعتراف نمودند تا توطیه‌های جدیدی را علیه کارگران به راه اندازند.

چنانچه عدهیی از کارگران شریف و زحمتکش و مأمورین نجیب فابریکه علی‌رغم نص صریح ماده (۳۷) قانون اساسی که می‌گوید (کار حق و فریضه هر افغان است که قدرت اجرای آن را داشته باشد) هدف عده قوانین که برای تنظیم کار وضع می‌گردند رسیدن به مرحلهیی است که در آن حقوق و منافع اصناف کارگران حمایت شود، شرایط کار مساعد کار فراهم گردد و روابط بین کارگران و کارفرمایان به‌صورت عادلانه و مترقی تنظیم گردد. شاهد قوی ادعای من و افشای دسایس صاحبان زور و زر به شمار می‌رود. از این که دستگاه نساجی تمام تعهدات خود را نقض و به اتلاف حقوق کارگران بیش از پیش ظالمانه‌تر پرداخته، کارگران نیز برای حل این مسأله عمومی حیاتی خود به اعتراضات قانونی توسل جستّه عرایض متعددی به تلگراف (۲۳) ۱۳-۳۴۷- به ولسی‌جرگه، عریضه به ریاست نساجی متن آن به شماره (۱۳) جریده پرچم و غیره مقامات تصیلاح تقدیم و از توطیه‌های جدید کارفرمایان دستگاه نساجی حتی قبل از مظاهره ۱۵ عقرب به جراید ملی نیز اطلاع

مالیات مترقی وضع می‌گردید، چه این مبلغ در برابر عواید بسیار بزرگ ملاکین فیودال که طبقه مسلط در جامعه ماست، فوق‌العاده ناچیز می‌باشد. بر اساس احصاییه‌های رسمی حکومت مجموع اراضی قابل زرع که در حدود ۰۰۰/۰۰۰/۱۴ هکتار و یا ۰۰۰/۰۰۰/۷۰ جریب می‌شود، این مبلغ مالیه جدید پیشنهاد شده فقط بر اساس فی جریب ۵/۷ افغانی می‌رسد. ولی این مورد را هیچ عقل سلیم پذیرفته نمی‌تواند که به‌طور مثال یک دهقان کم زمین که بیش از ده جریب زمین ندارد اگر عاید فی جریب زمین را در سال تقریباً ۷۰۰-۰ افغانی در نظر بگیریم، از مجموع عواید خود که ۰۰۰-۷۰۰ افغانی می‌شود ۰/۸ فیصد آن را مالیه بپردازد و حد اوسط یکی از اربابان فیودال نیز که ۱۰ هزار جریب زمین دارد و مجموع عواید آن از این مقدار زمین

مختلف به‌اصطلاح کمک، واردکردن فشار از طریق مؤسسات مالی بین‌المللی استعمار می‌نماید.

فاصله بین دولت‌های سرمایه‌داری که به‌سویّه عالی رشد خود رسیده‌اند و اکثریت دیگر کشورهای سرمایه‌داری روز تا روز بیش‌تر می‌گردد؛ گرسنگی پراہل حاد عده از کشورهای اخیرالذکر را تشکیل می‌دهد.

امپریالیزم اصطلاح را در کشورهای در حال رشد تحریک می‌نماید و از طریق تشویق ناسیونالیزم ارتجاعی بین آن‌ها تخم نفاق کشت می‌کند؛ و کوشش می‌کند در این کشورها از طریق انتی کمونیزم در صفوف انقلابیون رخنه ایجاد کند و آن‌ها را از بهترین دوستان‌شان – دولت‌های سوسیالیستی و جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری تجرید نماید. امپریالیزم از طریق دست‌بندی‌های نظامی سیاسی و پایگاه‌های نظامی در کشورهای خارجی، فشار اقتصادی و بلوکادها (محاصره) های تجارّتی تشنج را در بعضی حصص جهان

داده شده که به جریده افغان ملت، ترجمان و جریده شماره ۲۳- ۷-۳- ۴۷ پرچم آن را منعکس نموده‌اند. البته تمام حرکات کارگران داخل نظم، دسپلین، انضباط و مسالمت‌آمیز بدون حمل سلاح بود که ادعای (مشوش ساختن ذهنیت) (تحریک) و یا (خلاف مقررات) بالای آن شده نمی‌تواند ولی با جرئت باید بگویم که با منافع عده قلیل استشارگران منفعت جو و طفیلی تضاد داشت نه با منافع صنفی کارگران و اکثریت مردم کشور عزیز ما افغانستان. با این همه حقایق روشن، مستند قانونی که در بالا تذکری از آن رفت آیا جای تعجب و تأسف نیست که مأمورین مربوطه دوسیه را به همکاری متنفذین ستمگر فابریکه علیه من ساخته و پرداخته و به این وسیله قانون اساسی، اصولنامه کار و کارگر و سایر قوانین مملکتی را نقض و پامال نموده‌اند. بدون شک این همه قانون شکنی‌ها مؤید این واقعیت سرسخت است که دستگاه نساجی و حامیان منافع آزمندانّه آنان دست به هم داده بدون اندک‌ترین اعتنایی به قانون و عدالت حقوق حقه کارگران از آن جمله حقوق مرا زیر پا نموده برای ادامه هرچه بیشتر استعمار ظالمانه دست به دوسیه سازی و غیره زده‌اند و می‌زنند. من با حفظ احترام به قانون اساسی و سایر قوانین که داشته و دارم از محکمه محترم تقاضا می‌کنم تا به روی حق و عدالت حکم خود را مبنی بر عدم سمع دعوی مدعی صادر فرمایند.

مورخه ۱۳۴۷-۱۰-۱۰
رییس صاحب و اعضای محترم دیوان حقوق عامه استیناف عالی مرکزی!

محمد سلیم میخانیک شرکت نساجی پلخمری اعتراض خود را بر فیصله نمبر ۴۲-۲۲ مورخه ۱۰-۰۴-۹۰ حق مردم افغانستان باشد تحریک که دیوی خاړنوالی در محکمه ابتداییه به

«از ص ۲»

که ۰۰۰/۰۰۰/۷- افغانی می‌شود باز هم ۰/۸ فیصد آن را مالیه بدهد. مسأله مالیت ارضی در افغانستان خیلی شرم آور و صریحاً مغایر با عدالت اجتماعی است.

چه بر طبق گفته بناغلی وزیر مالیه مقدار مالیه ارضی از سال ۱۲۹۹ به این‌طرف به همان معیار اولی که عبارت از تسعیر نرخ غله بر اساس فی سیر یک افغانی باشد، باقی مانده است، در حالی که در ظرف این پنجاه سال از آن تاریخ تاکنون نرخ غله کم از کم ۵۰ مرتبه افزایش یافته است. به اندکی توجه می‌توان دریافت که ملاکین بزرگ فقط از ناحیه عدم پرداخت مالیات ارضی چه منافع

نگمی‌دارد. به سازمان‌های ارتجاعی کمک‌های مالی و سیاسی می‌نماید و ستم سیاسی را تشدید می‌کند به‌خصوص در جاهایی که مبارزه حادترین اشکال را به خود می‌گیرد و در جاهایی که نیروهای انقلابی اسلحه در دست بر ضد دسایس ضد انقلابی، کشورهای ارتجاعی و فاشیستی تفتین و تهدید می‌جنگند به مداخله مسلحانه و اختناق وحشیانه متوسل می‌گردد.

در برابر تقویه مواضع بین‌المللی سوسیالیزم، امپریالیزم تلاش می‌نماید وحدت سیستم جهانی سوسیالیستی را تضعیف کند و از اختلافات موجود در جنبش انقلابی بین‌المللی به‌منظور ایجاد رخنه در صفوف آن استفاده نماید. افزار ایدیولوژیکی خود را به شمول وسایل کتلوی در خدمت انتی کمونیزم و مبارزهٔ آن بر ضد سوسیالیزم و بر ضد تمام نیروهای مترقی قرار می‌دهد.

در همین چند سال گذشته امپریالیزم چندین بار بحران‌ات حاد بین‌المللی را تحریک نمود که بشریت را تا لب پرتگاه یک تصادم زروی

پرچم

## دفاعیه مدلل و قانونی محمد سلیم کارگر

استناد مواد مصرح قانون اساسی که حتی از طرف خود محکمه نیز تأیید گردیده بود دفت شود اجتماعات کارگران سراسر قانونی و برای احقاق حقوق‌شان صورت گرفته و به‌صورت قطع در آن نمی‌توان حالت جرمی را سراغ نمود. مگر با آن هم محکمه مخالف نصوص قوانین مملکتی و بدون در نظر گرفتن حفظ و احترام حقوق سایر کارگران و خاصاً این‌جانب که بدون موجب مندی دچار سرگردانی گردیده‌ام مرا محکوم به یک سال حبس نموده که دلایل رد حکم محکمه را به‌قرار آتی به عرض می‌رسانم:

۱- محکمه محترمه در فیصله نمبر ۷۶-۲۴ مورخه ۱۰-۰۴-۹۰ به وضاحت تأیید می‌کند که «همانا به روی احکام مواد فوق‌الذکر قانون اساسی جزء ماده (۳۲) امنیت عامه قابل تطبیق دیده نمی‌شود» که به این ترتیب مطالبه خاړنوالی از طرف محکمه بملکی رد گردیده و لازم بود که حکم به برانتم اصدار می‌نمودند ولی بر عکس خلاف عدالت و قانون محکوم به جزا شده‌ام.

۲- محکمه در فیصله نمبر ۷۶-۴۲ مورخه ۱۰-۰۴-۹۰ خود می‌نویسد «ازین که یک مرتبه علاقهٔ محمد سلیم مدعی علیه مذکور و وظیفه‌اش قطع گردیده برایش مجاز نبوده که بار ثانی همراه ملازمین و کارگران فابریکه نساجی به مظاهره پرداخته و کارگران مذکور را تحریک به مظاهره می‌نمود» و از همین جاست که محکمه بدون در نظر گرفتن حق قانون، بازی با الفاظ را شروع نموده است. به این معنی که باز هم نبض قضیه را همانا اجتماعات و تظاهرات کارگران تشکیل می‌دهد. وقتی بنا

به‌صراحت قانون اساسی اجتماع اتباع افغانستان بدون حمل سلاح مجاز و حق مردم افغانستان باشد تحریک که آن تنها جرم نیست بلکه عملی‌ست

### بناغلی وزیر مالیه …

سرشاری که نبرده‌اند. پس در چنین وضعی که حکومت‌های افغانستان نمی‌خواهند و قدرت آن را ندارند «خاطر مبارک» طبقات صاحب امتیاز جامعه را از خود آزرده سازند، چطور می‌توان عواید از مدارک داخلی را افزایش داد. هرگاه حکومت‌های افغانستان حداقل منافع ملی و مصالح عالیّه خلق کشور را در نظر می‌گرفتند و جرئت انجام عمل قاطع علیه طبقات و عناصر مفتخوار و غارتگر جامعه اعم از اربابان فیودال، سودخوران، قاچاقچران، تاجران دلال و عمال انحصارات امپریالیستی را می‌داشتند امکانات وسیعی برای تأمین و بسط منابع جدید

کشانیده است. ولی تناسب قواء در جهان و نیروی بالقوه هستوی اتحاد شوروی و خوف از عواقب ممکن یک جنگ راکتی زروی دست زدن به یک جنگ جهانی دیگر را بیش از پیش دشوار و خطرناک می‌سازد.

از آن رو محافل حاکمه ایالات متحده امریکا بدون این که از آمادگی برای یک جنگ بزرگ دست بردارند بر سر جنگ‌های محلی اصرار می‌ورزند.

ولی تضاد بین «سیاست زور» امپریالیستی و امکانات واقعی که امپریالیزم در دست دارد بیش از پیش آشکار می‌گردد. نه امپریالیزم می‌تواند ابتکار از دست – رفته تاریخی خود را بار دیگر به دست آورد و نه می‌تواند رشد جهانی را به عقب برگرداند. این سیستم جهانی سوسیالیزم، طبقه کارگر بین‌المللی و تمام نیروهای انقلابیست که سمت عمده رشد و تکامل بشریت را تعیین می‌نماید.

جنگ ویتنام قانع‌کننده‌ترین ثبوت تضاد بین پلان‌های تجاوزکارانه

قانونی و مجاز، چه من داخل کار در فابریکه باشم و چه نباشم و از این که محکمه آن را غیرمجاز می‌داند حرفی‌ست پوچ و بدون ارایه قانون. ۳- محکمه در فیصله نمبر ۷۶-۴۲ مورخه ۱۰-۰۴-۹۰ خود می‌افزاید (و ازین عمل مذکور نه تنها طبق محتویات اوراق و ادعای خاړنوالی ولایت مبلغ دولک افغانی خساره به موسسه مذکوره عاید گردیده بلکه موجب تشویش و سرگردانی مأمورین موظف و باعث شوخ چشمی و بی‌اطاعتی کارگران مذکور گردیده.)

عمال فابریکه دار بزرگ نساجی که برای به دست آوردن امتیازات ناچیزی به کرده صدها کارگر و هزاران نفر از مردم ما فشار آورده و می‌آورند بسیار دم از خساره دو لک افغانی فابریکه می‌زنند و بی‌شرمانه اعتراف می‌کنند که فابریکه تا حال روزانه دولک افغانی از حاصل دسترنج کارگرانی را که در بدترین ابتدایی‌ترین شرایط زندهگی و بدون جزئی‌ترین احساس مصنونیت به سر می‌برند مفت و رایگان به جیب زده و بعد از این هم برای ادامه استعمار ظالمانه خود حاضر نیست به اعتراض قانونی و مشروع آن‌ها گوش بدهد بلکه برعکس توطیه می‌کند، دوسیه می‌سازد و بیچارگان را محکوم به اخراج و زندان می‌سازد.

اکنون می‌توانیم بپرسیم آقایانی که مدعی خساره دولک افغانی نساجی پلخمری اند می‌توانند یک حساب دقیق انسانی را ارایه بدهند که واقعاً محصول کار سوجدویان باشد؛ باوجود این همه مواد مستند کارگران قطعاً کاری نکرده‌اند که با قوانین موجود در مملکت مخالفت داشته باشد. من همیشه با قانون اساسی و سایر قوانین مملکت احترام داشته و دارم.

۴- محکمه اخیراً در فیصله نمبر ۴۲-۱۰۱۳۴۷-۹-۱۰-۷۶ خود می‌نویسد «مدعی علیه مذکور از مسئولیت بری

عواید میسر بود. چون حکومت موجود مانند حکومت‌های گذشته ماهیتاً قادر و آماده برای اجرای اصلاحات عمیق دموکراتیک ارضی و دیگر اصلاحات اقتصادی و اجتماعی به نفع مردم نمی‌باشند، بنا بر آن طبیعی است که بر طبق گفته بناغلی وزیر مالیه «محدودیت منابع عاید اصلی مملکت در گذشته و حال مانع آن بوده است که انکشاف به پیمانته مطلوب صورت گیرد» و حکومت ناگزیر به اعتراف باشد که «ادامه وضع به این‌ترتیب که ما نمی‌توانیم حتی بودجه عادی مملکت را با استرداد قروض آن از منابع داخلی عواید تأمین کنیم و بودجه انکشافی را کاملاً به قروض امداد خارجی متکی داشته باشیم، به‌کلّی یک حقیقت تلخ و غیرقابل تحمل است.»

امپریالیزم و قدرت آن در اجرای این پلان‌ها می‌باشد. این که امپریالیزم ایالات متحده به مشابه نیرومندترین نیروی امپریالیستی جهان در ویتنام شکست می‌خورد اهمیت تاریخی دارد.

مداخله مسلحانه در ویتنام مقام خاصی در نقشه‌های نظامی و سیاسی امپریالیزم امریکا دارد. پلان تجاوزکار این بود که یک جبهه سوسیالیزم را در آسیا تخریب کند، راه مردم جنوب شرق آسیا را به‌سوی آزادی و ترقی مسدود نماید و جنبش آزادی‌بخش ملی را ضربه زند و قدرت همبستگی پرولتری کشورهای سوسیالیستی و خلق کارگر تمام جهان را بیازماید. ولی باوجود این که امپریالیزم ایالات متحده امریکا مقدار عظیمی از انواع مختلف اسلحه را به کار انداخته است با آن‌هم مجبور گردید بمباری بر جمهوری دموکراتیک ویتنام را بدون قید و شرط قطع نماید و نمایندگان خود را جهت مذاکره با نمایندگان جمهوری دموکراتیک ویتنام و جبهه آزادی‌بخش

صفحه (سوم)

شده نمی‌تواند. طبق ماده (۸۳) فصل دوم جنایات مربوط به اخلال وظیفه … به مدت یک سال محبوس گردد» ماده(۸۳) چنین حکم‌فرماست «اگر سه نفر از مأمورین دولت و یا زیاده از آن وظیفه خود را ولو به‌صورت استعفا باشد به‌اتفاق همدیگر و یا به‌فقد نیل یک مرام مشترک ترک گویند و یا تحت همین شرایط آزادی وجیبهیی از واجبات وظیفه خود استنکاف ورزند… الخ» که به ملاحظه آن می‌توان به‌جرئت گفت:

(الف) حکم این ماده قانون بعد از انفاذ قانون اساسی مخصوصاً آن جایی که (کار حق اتباع افغانستان) خوانده شده و انصراف از حق خود موجب الزام نمی‌گردد ملغی قرار گرفته است.

(ب) به فرض محال که حکم ماده فوق مدار حکم باشد در موضوع مورد بحث قابل تطبیق نیست زیرا در هیچ جای این قضیه استعفای من و یا کارگران مطرح نشده بلکه نساجی پلخمری، من و عده از کارگران را برای تأمین منافع هرچه بیشتر پولداران بزرگ خیلی ظالمانه از کار اخراج نموده، نه این که ما استعفا نموده باشیم. جای تعجب است که محکمه عوض این که عمل نساجی را جرم بداند بالعکس عمل قانونی کارگران را جرم تلقی می‌کند.

(ج) حکم محکمه مخالف نص ماده ( ۲۷۳) اصولنامه جزایی است که می‌گوید «قاضی در دعوی بر حسب عقیده‌ای که بر اساس دلایل نزد او پیدا می‌شود به کمال آزادی اصدار حکم می‌نماید ولی با آن‌هم نمی‌تواند حکم خود را به دلیل که پیش او مطرح نشده باشد بنا نماید» یعنی استعفا کارگران چه در نظریات هیات و چه در دعوی مدعی بر محکمه مطرح نگردیده ولی حکم محکمه به آن بنا یافته است که حکم غیرقانونی محکمه قابل انفاذ نمی‌باشد.

(د) ماده (۲۹۸) اصولنامه اجراءات جزایی که می‌نویسد «عدم مراعات احکام قانون در مورد اجراءات اساسی موجب بطلان آنست» و از این که مطابق به استدلال بند (ج) دفاعیه‌ام محکمه قانون را مراعات ننموده حکم آن باطل می‌باشد.

(ه) بی‌پایگی و بی‌مایگی فیصله نمبر ۴۲ مورخه ۱۰-۰۴-۹۰ محکمه ازین جا شروع می‌شود که محکمه فرق بین کارگر و مأمور و فرق بین شرکت و مؤسسات دولتی را کرده نتوانسته و شرکت نساجی پلخمری را که شرکت شخصی چند نفر سرمایه‌دار استعمارگر می‌باشد موسسه دولتی دانسته، کارگران و موظفین فابریکه را مأمورین دولت فرض کرده، ناشیانه حکم خود را به ماده (۸۳) مستند ساخته و فیصله صادر نموده است.

بنأ از محکمه محترم استیناف می‌خواهم که فیصله صادره محکمه دیوان امنیت عامه ولایت بغلان را ملغی نموده و حکم به برانت من صدر نماید.

ملی ویتنام جنوبی بالای میز مذاکره بنشاند.

قهرمانی بی‌نظیر خلق ویتنام، سیاست نوراندیشانه جمهوریت دموکراتیک ویتنام و جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی، اشکال مختلف امداد کشورهای سوسیالیستی به‌خصوص و اتحاد شوروی به خلق ویتنام و همبستگی رزمجویانه و روزافزون بین‌المللی در سراسر جهان از جمله در خود ایالات متحده باعث این شکست امپریالیزم گردیده است.

مداخله جنایت‌کارانه در ویتنام ایالات متحده امریکا را تا اندازه قابل ملاحظه از نظر اخلاقی و سیاسی تجرید نموده است. توده‌های وسیع‌تر مردم، قشر های جدید اجتماعی و نیروهای سیاسی بیشتری را در ضدیت با امپریالیزم قرار داده و در بسیاری کشورها اشتراک میلیون‌ها نفر مردم جوان را در مبارزه ضد امپریالیزم تسریع کرده است.

«باقی دارد»



# پرچم

*د افغانستان د تلک دموکراتیک انځور و خپروونکی*

۶ اسد ۱۳۴۸

## خلق‌های مبارز عرب به مبارزات عادلانه خود ادامه می‌دهند

در هفته گذشته باز هم در سواحل کانال سویز آتشباری شدید بین جمهوریت عربی متحد و اسرائیل و همچنان در سواحل دریای اردن بین واحدهای اردن و اسرائیلی صورت گرفت که در اثر آن چندین عسکر اسرائیلی و اردنی کشته شدند. ۱۹ طیاره اسرائیلی توسط واحدهای ضد هوایی جمهوریت متحد عربی سقوط داده شد.

با تشدید جنگ در سواحل کانال سویز و جنگ‌های خونین چند روزه که آغاز شده باعث نگرانی شدید محافل صلح پسند جهان شده است. در پورت توفیق و پورت سعید جنگ‌های خونینی آغاز گردیده است.

موشی دایان قومندان جنگ گذشته اعراب و اسرائیل بار دیگر به عساکر اسرائیل فرمان آماده‌باش داده است. کابینه جمهوریت عربی متحد حوادث اخیر را مورد مطالعه قرار دادند و اعلان گردید که به حملات اسرائیل جواب شدید داده خواهد شد. نمایندهٔ جمهوریت عربی متحد در ملل متحد حملات اخیر اسرائیل را به اوتانت اطلاع داده است. اوتانت گفته اگر جلو حملات اسرائیل گرفته نشود جنگ دیگری در شرق میانه آغاز خواهد یافت.

رییس جمهور امریکا ریچارد نکسن از صدراعظم اسرائیل گولدا ماهر دعوت نمود تا به امریکا مسافرت دوستانه نماید. قرار است به تاریخ ۲۵ سپتمبر صدراعظم اسرائیل وارد امریکا شود.

نطاق موسسه الفتح اعلان کرد که اخیراً از طرف مبارزین این موسسه تلفات انسانی و خسارات بزرگ مالی بر متجاوزین اسرائیل وارد گردیده است. یک عده پارتیزان‌های عربی در هفته گذشته در یک حمله شجاعانه به یک مرکز نظامی اسرائیلی، تعداد زیاد عساکر اسرائیلی را مقتول و خسارات بزرگ مالی را بر اشغالگران وارد نمودند.

در ۹ نبرد خونین که مبارزین عربی با قوای اشغالی اسرائیل نموده‌اند، ۱۷ عسکر اسرائیل را کشته‌اند. مبارزین ۶ هم‌رمز خود را از دست دادند. پارتیزان‌ها یک موتر نظامی اسرائیل و چند مرکز مخابره آن را منفجر ساختند.

## انجام مسافرت موفقانهٔ انسان به کرهٔ ماه

اپولوی یازدهم که به تاریخ ۲۵ سرطان به‌قصد پیاده کردن انسان در کره ماه از طرف ایالات متحده امریکا به فضا پرتاب گردیده بود، پس از انجام موفقانه وظایف خویش در هفته گذشته (پنجشنبه ۲ اسد)، بعد از هشت روزه مسافرت کیهانی به زمین بازگشت.

«پیاده شدن موفقانه انسان در سطح کره ماهتاب دارای اهمیت بزرگ تاریخی است و قدم زدن انسان در روی مهتاب به حیث یک واقعهٔ درخشان ثبت وقایع قرن بیستم می‌گردد که قبل از آن موفقیت‌های فوق‌العاده دیگری مانند پرتاب اولین قمر ساخت انسان، اولین پرواز کیهانی توسط بوری گاگارین، اولین قدم زدن الکسی لیونوف در فضای خارجی، اولین پرتاب سفینه‌های فضایی اتوماتیک به‌سوی مهتاب

به پکتیا چه د گران هیواد افغانستان د ملی خپلواکی په انقلابی جگړه کښی له نورو هیوادوالو سره اورده جنگیدلی او دخپلواکی په گټلو او ساتلو کښی پوره برخه لری د هیواد د نورو ډیرو بډیرته پاته په شان د پوهنی، اقتصاد، صنایعو او د ژوندانه په ټولو نورو برخو کښی ډیر بډیرته پاته دی، د پکتیا خلک د حکومتونو د نه پلمرنی یا بډی پلمرنی او استبدادی سیاست له کبله تر اوسه پوری یعنی د شلمی پیړی دوهمه نیمایی کښی د قبیلوی نظام په منگولو کښی د بی وزلی، ناروغی او بیسودای ژوند تیروی او په سختو کړاونو آخته ډیر فبیلوی نظام او اختلافات، قبیلوی جگړی او له هغو نه را پیدا کیدونکی مصیبتونه او آفتونه د پکتیا د خلکو بیرته پاته کیدو او د اوسنی بدمرغه

## روز ملی پولند

کردن کشورشان از تسلط فاشیست‌های آلمان به اساس اعلامیه فوق راه دیگری در پیش گیرند. در منت ۲۵ سالی که از نظام جدید می‌گذرد مردم پولند به پیشرفت‌های بزرگی در ساحات مختلف حیات اجتماعی نایل گردیده‌اند. بیش از هفت‌صد مؤسسهٔ بزرگ صنعتی در کشور ساخته شد. فابریکات سابق ترمیم، عصری و توسعه داده شدند. پولند در این مدت از یک کشور زراعتی به یک کشور صنعتی مبدل شد. امروز تولیدات یک ماهه پولند بیش از تولیدات یک ساله در تحت

ژوند ستر علت دی. ارتجاعی او استعماری سیاستونه هڅه کوی چه د خپلو کرکجنو مقاصد او گټو د پاره دغه وضعه په پکتیا کښی لا وساتی. په پکتیا کښی چه یوه غرنی سیمه ده زراعتی خمکی لږ دی او نشی کولای چه د پکتیا دخلکو اړتیوی پوره کړی، او د پکتیا فعال او کار ته جمټو نفوس ته کار پیدا کړی د کار نوری زمینی هم نشته. سره له دی چه په پکتیا کښی د صنایعو انکشاف د پاره ستر امکانات موجود دی خو تر اوسه پوری د صنایعو نوم هم په پکتیا کښی نشته.

د پکتیا ځنگلونه چه د دغی سیمی لویه شتمنی ده له اوږدی مودی را پدیخوا په ډیره ابتدایی توگه پری کړی او د ژوند ډیر ابتدایی شیان په برابرېږی.که چیرى د پکتیا له

نظام سابق سرمایه‌داری می‌باشد. پولند در بسیاری از شعب صنایع مقام دهم را در جهان دارد. در حال حاضر پولند از ۲ تا ۲٫۵ فیصد تولیدات صنعتی جهان را تولید می‌کند. از نظر تولیدات زراعتی در جهان جای یازدهم و یا دوازدهم را اشغال می‌کند. هشتادویچ فیصد نسل جوان پولند از ده تا دوازده سال تحصیل می‌نمایند و از نظر تعلیمات عالی از بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری به شمول آلمان، ایتالیا و بریتانیا پیش است. پولند در مسایل سیاسی اروپا نقش بزرگ بازی می‌کند. ما این روز ملی را به مردم پولند تبریک می‌گوییم و ترقیات مزید آن را خواهیم.

گردد. با تعمیر سد عالی اسوان به کمک مالی و فنی اتحاد شوروی که از شاهکارهای قرن بیستم شمرده می‌شود میلیون‌ها جریب زمین آبیاری می‌گردد و قدرت تولید برق در آن کشور ۲۰ برابر سال ۱۹۴۸ گردیده است.

جمهوریت متحد عرب در ساحه معارف نیز به پیشرفت‌هایی نایل گردیده است، در سر تا سر جمهوریت متحد عرب هر زور یک باب مکتب افتتاح می‌گردد.

ما درحالی‌که این روز را تبریک می‌گوییم پشتیبانی کامل خود را با مردم جمهوریت متحد عرب در مبارزشان به خاطر امحای کامل بقایای استعمار و از بین بردن آثار تجاوز ۱۹۶۷ اسرائیل و امپریالیزم اعلان می‌نماییم.

# په پکتیا کی د ژوند څنگه تیریری

ځنگلونو څخه استفاده په همدی توگه دوام وکړی لری به نه وی زمونو د سیمی اوسنی دغه ژوند به لا‌اسی بد شی د قطع شویو ځنگلونو د بیا ژوندی کولو د پاره هیڅ تدبیر او پلان نشته.

د پکتیا په سیمه کښی پوهنه د ژوند د نورو اړخونو په شان ده، تر ډیری مودی پوری په پکتیا کښی ښوونځی نه وو او استبداد به ددی وضعی ملامتی هم د پکتیا د شرایطو او معارف غوښتونکو خلکو په غاړه اچوله. دا د استعمار منطق هم و چه خلک پوهنه نه غواړی. اوس چه څو محدود ښوونځی پرانیستل شویدی نه معلم لری نه وسایل.

د پکتیا د انکشاف د پاره چه اوس د لویدیځ آلمان په مرپته کوم کار کږیری تر زیاتی اندازی نمایشی جنبه لری او

«از ص اول»

## رفیق ارجمند ما میر اکبر خيبر ...

وطن‌پرستانه ازادی‌خواهانه بود و هم‌زمان با نهضت دوره هفت شوری و نهضت اتحادیه محصلین پوهنتون کابل (سال‌های ۲۸ و ۱۳۲۹)، علی‌رغم وضع خاص محیط خویش فعالانه و شجاعانه ... در موضع دفاع از آزادی و دموکراسی و در راه ترقی کشور قرار می‌گرفت و علیه استبداد و ارتجاع و نفوذ استعمار قهرمانانه قرار مبارزه می‌کرد. این شیوه مبارزه بی‌سابقه در آن محیط موجب گردید که در روز توزیع شهادت‌نامه فراغت از حربی پوهنخی م.ا. خیبر به رتبه دوم بریدمن در سال ۱۳۲۹ بدون تحقیقات و محاکمه برای مدت بیش از ۶ سال محبوس گردد.

حین دوره حبس اکثریت اعضا خانواده م.ا. خیبر به شکل فجیع و ظالمانه‌ای از بین رفت. وی بدن کوچکترین ارتباط با برون از زندان با تحمل بی‌نظیر و استقامت و شجاعت روزهای سیاه و طولانی زندان را، توأم با فشار، کوتاه قلبی، فقر، محرومیت مادی و معنوی آن، گذشتاند. ولی علی‌رغم این موضوع دشوار و دردآور، ملاک عمل و قضاوت م.ا. خیبر بدون کوچکترین عقده شخصی پیوسته منافع و مصالح خلق کشور بوده و می‌باشد.

در سال سوم حبس م.ا. خیبر با ببرک کارمل در زندان معرفت یافت و پیوند رفاقت مترقی، مسلکی و تاریخی میان آنان ایجاد گردید. م.ا. خیبر پس از آن روش نوین مبارزه طبقاتی را اتخاذ کرد و تاکنون هم‌رمز نزدیک ب. کارمل بوده و می‌باشد.

م.ا. خیبر بعد از ۶ سال و چند ماه حبس بدون محاکمه به تاریخ ۱۳۳۴ از بند رها گردید و علی‌رغم میل وی به شغل آزاد می‌خواست از بست وزارت دفاع ملی منفک و با حفظ رتبه افسری نظامی، به وزارت داخله در چوکات قومندانی ژاندارم و پولیس قرار داده شد.

طی تقریباً ۱۰ سال کار در کدر تدریسی و معلمی زبان انگلیسی و احتیاط در وزارت داخله با وجود استعداد، تقوی، شرافت و اخلاق عالی وطن‌پرستانه خویش صرف تا رتبه تورن (معادل رتبه ۷ ملکی) رسید و هیچوقت کرسی قابل ملاحظه‌ای در دستگاه اداری حکومت نداشت و همیشه تحت تعقیب و محیط تهدید قرار داشت.

م.ا. خیبر چندین بار درخواست استعفا از کار رسمی در دستگاه حکومت را بنمود، ولی از آن جایی‌که عناصر مستبد حکومتی به شخصیت مؤثر سیاسی و اجتماعی وی پی برده بودند به بهانه‌های مختلف جواب رد به استعفانامه‌های وی می‌دادند. روی این وضع بود که به‌صورت مرموز و ناآگاه بعد از واقعهٔ ۳ غربر سال ۱۳۴۴ از کابل «جدا» ساخته شد و به پکتیا «اعزام» گردید، و در آنجا رسماً تحت مراقبت قرار گرفته و از تماس گرفتن به کابل جداً ممنوع ساخته شد.

بهمجرد بسر رسیدن دورهٔ مکلفیت (در حوت ۱۳۴۵) م.ا. خیبر استعفانامه خود را به مقامات مربوط تسلیم و خود از پکتیا وارد کابل شد و به‌صورت علنی شروع به فعالیت سیاسی سازماندهی و ایدئولوژیکی دوشادوش پرچمداران جریان دموکراتیک خلق افغانستان بنمود.

م.ا. خیبر در تمام حیات ۱۳ ساله پس از رهایی از زندان، علی‌رغم موقف حساس وی، قسمت اعظم وقت خود را در ترویج و تبلیغ اندیشه‌های پیشرو عصر ما، مطالعات علمی، نویسندگی و تدریس جوانان مترقی افغانستان سپری کرده و همیشه مشعل اعتماد و اطمینان محیط رفقای پیشرو خود بوده است.

م.ا. خیبر در رشد و تکامل جریان دموکراتیک خلق افغانستان سهم مؤثری و پر ارزش داشت. بدین‌لحاظ پس از استعفی تاکنون به حیث رفیق ارجمند با وجاهت، صدیق، متواضع، دانشمند و وطن‌پرست نزدیک با خلق افغانستان، فشرده با جریان دموکراتیک خلق افغانستان و در هیأت رهبری آن و در موضع دفاع از ایدئولوژی طبقه کارگر و اصول جهان‌بینی و به حیث هم‌رمز نزدیک ب. کارمل دلیرانه به‌پیش می‌رود.

م.ا. خیبر ۴۴ سال دارد، متاهل است و دارای چهار فرزند می‌باشد و به‌استثنای یک کلبه محقر دیگر دارای هیچ‌گونه ملکیت شخصی نیست و تأمین حد اقل زنده‌گی وی و خانواده‌اش به عهدهٔ جریان است.

<b>پرچم</b>	
<b>صاحب امتیاز<span> </span>:</b>	<b>سلیمان لایق</b>
<b>مدیر مسوول:</b>	<b>میر اکبر خیبر</b>
<b>تېلفون:</b>	<b>۲۳۱۶۴</b>
<b>مطبوعه دولتی</b>	
تایپ متن و ویرایش جدید: عمر فیض	

ځنگلونو څخه استفاده په همدی توگه دوام وکړی لری به نه وی زمونو د سیمی اوسنی دغه ژوند به لا‌اسی بد شی د قطع شویو ځنگلونو د بیا ژوندی کولو د پاره هیڅ تدبیر او پلان نشته. د پکتیا په سیمه کښی پوهنه د ژوند د نورو اړخونو په شان ده، تر ډیری مودی پوری په پکتیا کښی ښوونځی نه وو او استبداد به ددی وضعی ملامتی هم د پکتیا د شرایطو او معارف غوښتونکو خلکو په غاړه اچوله. دا د استعمار منطق هم و چه خلک پوهنه نه غواړی. اوس چه څو محدود ښوونځی پرانیستل شویدی نه معلم لری نه وسایل.

د پکتیا د انکشاف د پاره چه اوس د لویدیځ آلمان په مرپته کوم کار کږیری تر زیاتی اندازی نمایشی جنبه لری او





شماره بیستم سال دوم دوشنبه ۱۳ اسد ۴۸- ۴ اگست ۶۹، شماره مسلسل ۷۲

م.ا. خيبر

## دپاکستان دحاکمه محافلو

### وروستی فیصله به خطر ناك عواقب منخ ته راولی

د پاکستان جمهور رئیس ښاغلی آقا محمد یحیی خان د جولای د ۲۸ نېټی په خپله راډیوئی وینا کی د پاکستان د داخلی او خارجی سیاست د توضیح په ضمن کی وویل: «زما اداری فیصله کړیده چه اوس هغه وخت رارسیدلی دی چه د چترال، دیر او سوات ریاستونه په لویدیخ پاکستا ن کی مزج شی.

مالا پخوا ټولو مربوطو کسانو ته هدایتونه ورکړی دی چه د دی کار د سرته رسولو دپاره مفصل ترتیبات ونیسی.

پداسی حال کی چه له یوی خوا پا کستان تر اوسه پوری د سینټو او سیاتو د تیري کونکو نظامی امپریالیستی پکتونو

غری دی اوله بلی خوا د عظمتطلبانه شوونیزم د تحریک آله گرخی؛

پداسی حال کی چه د لویدیخ پاکستان د یو یونت دپنټنو، بلوڅو او سنډیانو د ارادی او خوینی په خلاف د پخوا په شان په دوی باندی تحمیلیبری او د پښتنو او بلوچانو د حق خودارادیت مسأله لا تراوسه حل شوی نه ده؛

پداسی حال کی چه ښاغلی یحیی خان په خپلی دغي وینا کی د پښتونستان د پرابلم هیڅ یادونه نه ده کړی او له افغانستان سره بی د مناسباتو دڅرنګوالي په باره کی هیڅ ویلی نه دی او بی اعتنائی یی کړی ده او په دی باره کی یی تراوسه پوری کوم واقعبینانه گام چه دافغانستان او پاکستان د دوستو خلکو په گټه وی نه دی اخیستی؛

او پدغه وخت کی چه په پاکستان کی مارشل لا نافذ دي د پښتونستان او پاکستان د خلکو او دموکراتیک حقوق او آزادی ټولی سلب او تر پښولاندی شویدی په دی وخت کی او تر دغو شرایطو لاندی د پاکستان د حکومت له خوا د داسي یو اړخیز او غیردموکراتیک اقدام عواقب او نتایج پیش بینی کیدای شی او په هیڅ ډول د افغانستان، پښتونستان او د پا کستا ن د ورونو خلکو له بنیادی گټو سره سمون نه کوی، د نړی په دی سیمه کی دسولی او امنیت مرام ته چه دافغانستان او پاکستان د خلکو د ترقی او پرمختگ د پاره حیاتی اهمیت لری، صدمه رسوی او د دواړو هیوادو مناسبات د امپریالیزم او د نویو جگړه مارو او بین‌المللی ماجرا غوښتونکو په گټه له پخوا نه زیات خرابوی.

مونږ په دی پوهیږو چه د پښتونستان په محکومو سیمو باندی د زاړه استعمار د بقایاوو تسلط او د نوی استعمار سیاسی، اقتصادی او نظامي نفوذ، د آزاد پښتو نستان، په غیرمحکومو سیمو کی د قبایلی بیرته پاته نظام او فیودالی ریاستونو وجود چه استعمار یی په ساتنه او تقویه کی لوی لاس درلودلی دی په دی سیمه کی دملی آزادی نهضت له خنډونو او مشکلاتو سره مخامخ کړی دی، تر هغه وخته پوری چه دغه موانع او مشکلات له مینځه یوړل نشی داستعماری او نوی استعماری قوتونو د داخلی او تیري په غرض د هغوی له وجود څخه ډیره گټه اخیستل کیږی. خو دغه موانع او مشکلات باید په داسی توگه له مینځه یوړل شی چه د پښتونستان د خلکو د حق خودارادیت په لاره کی توطئه نه وی، نوی خنډونه ایجاد نکړی او د استعماری

(۴ مخ)

# دست‌های مداخله جویان زورگو

#### از انتخابات شوری کوتاه!

در این روزها که هنگامه انتخابات شوری در سرتاسر کشور گرم است، عناصر کهنه کار ارتجاع سپاه فنودالی افغانستان و نمایندگان مغرور و بی‌باک آن‌ها به غرض حفظ و دوام تسلط اهریمنی طبقاتی خویش فعالانه برخاسته و به دسایس و اعمال ضد قانونی و ضد دموکراتیک

دوکتور اناهیټا

## باید شعله‌های جهنمی ازدهای

#### سه سره استبداد، ارتجاع و استعمار را خاموش ساخت!

سال‌هاست که خلق افغانستان در تحت ضربات اهریمنانه ازدهای سه

سره استبداد، ارتجاع و استعمار که از دهان جهنمی آن شعله‌های نفرین شده می‌جهد، دست و پا می‌زنند، می‌سوزند و رنج عظیم می‌کشند. شعله‌های جان‌سوز این دشمنان سه‌گانه هر آنچه را برای رفاه و سعادت خلق باشد می‌سوزد و ویرانی و تباهی بار می‌آورد. نقش و تأثیر سوء این دشمنان خطرناک و مهیب خلق در همه جا و همه چیز پیداست: در شهر و در ده، در وجود متنفذین و مرتجعین محلی، در وجود مستبدین بیروکرات، در وجود ملاکین بزرگ، در وجود سوداگران بزرگ دلال، در وجود تاجران و نمایندگی‌های انحصارات

## سیاست اقتصادی حکومت

#### در مورد سرمایه گذاری‌های خصوصی بسود مردم و رشد اقتصادی کشور نیست

برای تشویق و تعمیم تشبثات خصوصی و سرمایه‌گذاری های خصوصی اعم از داخلی و خارجی از طرف حکومت کوشش‌های فراوانی به عمل آمد و گویا برای «رشد» اقتصاد

به همین جهت در سال‌های اخیر

## باید به فتنه گری و اعمال خودسرانه

## و تهدیدآمیز خاتمه داده شود!

**عناصر توطئه گر، مرتجعین و فتنه‌گران که سخت در دستگاه اداری حکومت نفوذ و خارج از آن قدرت**

**دارند و ده‌ها پیوند و رشته آن‌ها را با شبکه‌های خرابکار داخلی و خارجی می‌بندد، بخصوص بعد از بیانیه رادیویی تاریخی سرطان ښاغلی اعتمادی صدراعظم وسیعاً استفاده کرده، دست به توطئه‌ها و دسایس، اعمال و حرکات تحریک‌آمیز ضد قانونی و ضد دموکراتیک زدند. تعدادی از مبارزان و هواخواهان جریان دموکراتیک خلق افغانستان و عده دیگر از عناصر آزادبخواه وطن‌پرست خودسرانه بلزداشت و زندانی شدند، از مکاتب و لیسه‌ها اخراج گردیدند و مورد بازپرسی و تهدیدات و تعقیبات پولیسی قرار گرفتند. این اعمال غیرقانونی در برابر منسوبین و خانواده‌های رفقای دموکراتیک خلق افغانستان را تخریب و بدنام کنیم! اینکه از طرف کی و کدام شبکه موظفند اکنون دیگر معلوم و آشکار شده است!**

**ادامه چنین وضع در برابر عناصر ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست مورد اعتراض شدید افکار عامه خلق کشور واقع گردیده است و ما جداً می‌خواهیم که به چنین حرکات و اعمال تحریک‌آمیز خاتمه داده شود.**

لیونید برژنف منشی اول حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخنرانی در جلسهٔ احزاب کمونیست و کارگری در ماسکو در ماه جون به حیث یک وظیفه آینده پیشنهاد ایجاد یک سیستم امنیت دسته جمعی را برای آن مناطق جهان که بزرگترین خطر تصادمات مسلح در آن‌ها وجود دارد پیشنهاد نمود. وی اظهار داشت که علاوه بر اروپا، انکشافات در آسیا ایجاب می‌کند که یک سیستم امنیت دسته جمعی در

### امنیت دسته‌جمعی برای آسیا

این منطقه ایجاد گردد. وزیر خارجه اتحاد شوروی در آخرین جلسه شورای عالی اظهار داشت که بعضی محافل کوشش می‌کنند این پیشنهاد اتحاد شوروی را بی‌اعتبار جلوه دهند و ادعا می‌نمایند که سیستم امنیت دسته جمعی آسیا بر ضد کدام کشور یا گروهی از کشورها متوجه خواهد بود. این در زمانی واقع شد که حتی

تازمتری دست می‌زنند تا از انتخاب نمایندگان صدیق، آگاه و وطن‌پرست خلق به شوری جلوگیری کنند. مرتجعین و متنفذین محلی که عمرهاست مانند زالو به جسم و جان کم خون و ناتوان مردم رنج‌دیده و محروم جامعه ما چسبیده اند، اکنون با بی‌شرمی و دیده‌درآیی خاصی با صرف کمتر از عشر عشیری از آنچه از خلق زدیده و به یغما برده‌اند، به تطمیع و تخویف مردم می‌پردازند و با استفاده از آراء آنان تلاش می‌ورزند که خود را نماینده (!) مردم بتراشند و یا نمایندگان نوکر منش خود را به شوری بفرستند و بدین‌وسیله این «مظهر ارادهٔ مردم «و» خانهٔ ملت » را به آله و ملعبه دست خویش تبدیل نمایند.

به همین جهت اکثریت نمایندگانی که به شوری می‌آیند حتی یک فیصدی کوچک آراء باشعور خلق کشور را با خود ندارند، در غیر آن چگونه مردم حاضر می‌گردند که اربابان فنودال و سایر مرتجعین، این خصیم سرسخت منافع و جسم و جان خود را به حیث نمایندگان خویش انتخاب کنند. با کمال تأسف هنوز اکثریت عظیم توده‌های مردم طوری بنا بر عقب ماندگی جامعه و در اثر تبلیغات وسیع ارتجاعی و تخدیرکننده در سرتاسر کشور، به چنان سطح پائینی از لحاظ ذهنی و شعور نگه‌داشته شده‌اند که به‌درستی قادر به تشخیص دشمنان طبقاتی خود و شناخت دوستان خویش که از منافع و مصالح ایشان نمایندگی می‌نمایند نگردیده‌اند. بدین‌ترتیب من‌جمله مسایل دیگر اجتماعی آراء اکثریت مطلق مردم، بدون اینکه ایشان متوجه باشند، از طرف اقلیت کوچک صاحب امتیاز طفیلی در جامعه به انواع و اشکال گوناگون، با حییل و دسایس مختلفی مورد تهدید، دادوستد و خرید و فروش قرار می‌گیرد.

اربابان فنودال و متنفذین محلی نه تنها به کمک متحدین طبقاتی خود در محل بلکه به‌طور کلی از طریق نمایندگان خود در دستگاه حاکمه و شبکه‌های ارتجاعی به‌طور صریح به حقوق مسلم مردم، بر حق رای مردم مستبد می‌زنند. غالب مأموران دولتی در ولایات و محلات کشور و عناصر متنفذ در دستگاه به نمایندگی از منافع طبقات حاکمه اصلاً در اندیشهٔ آن نیستند که مردم با استفاده از آزادی رای بتوانند نمایندهٔ واقعی خویش را انتخاب کنند و هم اکنون توطئه‌ها و زد و بندهای بر ضد کاندیدهای (داوطلب‌های) جریان دموکراتیک خلق افغانستان از طرف مرتجعین و عناصر متنفذ معلوم‌الحال چه در دستگاه و چه خارج از آن در جریان است.

حقایق و دلایل مشهودی در دست است که عنصری مقتدر حاکمه بنام و با استفاده سوء از «مقام خویش» و به اتحاد سیاهترین نیروهای ارتجاعی محلی و مأموران حکومت (ولسوال

(ص ۳)

دسته جمعی به‌منظور دفاع از حاکمیت و استقلال کشورهای است که در آن سهم می‌گیرند.

گرومیکو بی‌اساس بودن این ادعاها را که سیستم امنیت دسته جمعی آسیا ضد کدام کشور معینی خواهد بود، تأکید کرد. سیستم امنیت دسته جمعی آسیا مستلزم اشتراك تمام دول آسیائی به شمول چین می‌باشد و تحکیم امنیت در این منطقه منفعت مشترک آن‌ها است.

سلطانعلی کشتمند

برای تشویق و تعمیم تشبثات خصوصی و سرمایه‌گذاری های خصوصی اعم از داخلی و خارجی از طرف حکومت کوشش‌های فراوانی به عمل آمد و گویا برای «رشد» اقتصاد به همین جهت در سال‌های اخیر برای تشویق و تعمیم تشبثات خصوصی و سرمایه‌گذاری های خصوصی اعم از داخلی و خارجی از طرف حکومت کوشش‌های فراوانی به عمل آمد و گویا برای «رشد» اقتصاد به همین جهت در سال‌های اخیر

برای تشویق و تعمیم تشبثات خصوصی و سرمایه‌گذاری های خصوصی اعم از داخلی و خارجی از طرف حکومت کوشش‌های فراوانی به عمل آمد و گویا برای «رشد» اقتصاد

به همین جهت در سال‌های اخیر برای تشویق و تعمیم تشبثات خصوصی و سرمایه‌گذاری های خصوصی اعم از داخلی و خارجی از طرف حکومت کوشش‌های فراوانی به عمل آمد و گویا برای «رشد» اقتصاد به همین جهت در سال‌های اخیر

به همین جهت در سال‌های اخیر برای تشویق و تعمیم تشبثات خصوصی و سرمایه‌گذاری های خصوصی اعم از داخلی و خارجی از طرف حکومت کوشش‌های فراوانی به عمل آمد و گویا برای «رشد» اقتصاد به همین جهت در سال‌های اخیر

(ص ۴)

حکومات دولت‌های آسیائی فرصت مطالعه این پیشنهاد و معنی کامل آن را پیدا نکرده بودند. این نوع استدلال لفظی نه تنها ماهیت و اهمیت پیشنهاد اتحاد شوروی را تحریف می‌کند بلکه به‌طور ساده مخالف منطق ابتدائی و عقل سلیم نیز می‌باشد. به‌طور مطلق روشن است که مفکورهٔ سیستم امنیت



بدون شك نهضت کنونی افغانستان در مرحله بیماری کودکی و یا بیماری رشد خود قرار دارد. بدین‌جهت هستند افرادی که خود را ترقی‌خواه و پیشرو بشمار می‌آورند. ولی اصول خلاق تئوری و تکتیک مترقی و پیشرو را درک نمی‌کنند و در سیاست معامله گری، اپورتونیزم و تسلیم طلبی را بجای مصالحه اصولی می‌گیرند.

همچنان هستند کسانی که با قطعیت تمام هرگونه مصالحه اصولی را رد می‌نمایند و تنها هدف غائی را می‌بینند، این‌ها می‌گویند «ما پیشروان نوین هستیم، می‌خواهیم بدون توقف به غرض موجو نظام بهره کشی فرد از فرد و محور طبقات که دیگر جایی برای مالکیت شخصی بر زمین و تمام وسایل تولید وجود نداشته باشد، به هدف عالی خویش برسیم، لذا باید همیشه تعرض کنیم و به هیچ مصالحه‌ای تن در ندهیم …»
این‌ها همان «چپ‌های نوین» اند که وقتی جبین شان در اولین مرحلهٔ تعرض به دژ ارتجاع برمی‌خورد، سرگیجه می‌شوند، موازنه خود را از دست می‌دهند و از اپورتونیزم «چپ» به اپورتونیزم راست سقوط می‌کنند، این همان «چپ‌های انقلابی» اند که اراده داشتند تا بدون توقف در ایستگاه‌های بین راه و بدون تن دردادن به مصالحه اصولی (که در مسیر تکامل تاریخی امری لایذی است) چهارنعل و بیگ «خیز» خود را به «هدف غائی» برسانند و پرچم انقلاب را به اهتزاز در آورند، قدرت را بدست گیرند و فردا سوسیالیزم را برقرار سازند. چه هوس معصومانه و چه ساده لوحی کودکانه ایست که انسان ناشکیبانی شخص خود را استدلال تئوریک جلوه گر سازد!»
چدر «چپ‌های» بسیار خورد سال و بی‌تجربه ما ناشکیبا هستند و این

تضادهای موجود بین نیروهای امپریالیستی را به وخامت کشانیده و تضادهای جدیدی را به وجود آورده است. پیروزی‌های خلق قهرمان ویتنام ثبوت قانع کنندهٔ این حقیقت است که امروز برای مردمی که بخواهد به استفاده از تمام وسایل از استقلال، حاکمیت و آزادی خود دفاع نماید، امکان بیشتری به وجود آمده و از پشتیبانی وسیع بین‌المللی برخوردار می‌باشند تا تجاوز امپریالیستی را عقب زنند.

تجاوز اسرائیل بر جمهوری متحد عرب، سوریه و اردن يك بحران وخیم بین‌المللی را در شرق میانه به وجود آورده است.

امپریالیزم و در درجه اول امپریالیزم ایالات متحده امریکا از طریق این تجاوز می‌خواستت رژیم‌های مترقی در کشورهای عربی را از بین ببرد و بدین‌وسیله جنبش آزادی‌بخش ملی عرب را تخریب کند و مواضع خود را حفظ یا دوباره بدست آورد. آن‌ها این کار را کرده نتوانستند، باوجود آن نیروهای حاکمه اسرائیل با پشتیبانی از ارتجاع جهانی به شمول محافل صهیونی تقاضاهای دولت‌های عربی و مردمان صلح‌دوست و فیصله‌های ملل متحد را راجع به بیرون کشیدن عساکر اسرائیلی از مناطق اشغال شده در نظر نمی‌گیرند و بر سیاست توسعه و الحاق اصرار می‌ورزند و پیوسته مرتکب تحریکات مسلحانه جدید می‌گردند. حزب کمونیست و دیگر نیروهای مترقی اسرائیل به این سیاست مخالفت می‌کنند. ملت‌های عرب با عزم محکم به مبارزه خود در راه حفظ و تقویه آزادی، استقلال و ترقی ملی، به خاطر آزاد ساختن تمام مناطق تحت اشغال، و به‌منظور به رسمیت شناختن حقوق ملی خلق عرب فلسطین ادامه می‌دهند. جنبش مقاومت ضد اشغال روبه ازدیاد است و اشکال مختلفی را به خود می‌گیرد و از پشتیبانی هرچه بیشتر برخوردار می‌باشد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، جنبش

بیرک کارمل

## مصالحه اصولی با مصالحه خائنانه دارد!

حرف‌های ما آن‌ها را عصبانی می‌سازد! رفقای عزیز بی‌حوصله نشوید! ما مستند حرف می‌زنیم، روحیه انقلابی را تضعیف نمی‌کنیم، بلکه بالعکس سعی ما در اینست تا روحیهٔ انقلابی و مبارزه سرسختانه انقلابیون ما جهت اصولی یابد لطفاً به خود زحمت دهید، یکبار «مرض کودکی» را مطالعه کنید، دانش جوان شما پرمایه می‌گردد!

توجه کنید از مصالحه تا مصالحه فرق است: (۱) مصالحه اصولی که شرایط عینی ایجاب می‌کند، (۲) مصالحه خائنانه‌ای که جبن و معامله گری موجب آن می‌گردد؛ مثلاً کارگران در جریان مبارزات اعتصابی گاهی مجبور می‌گردند که با کارفرمایان ستمگر و استثمارگران منفور از در مصالحه پیش آیند و به اعتصابات خود حتی بدون اخذ نتیجه و یا در مقابل بر آورده شدن خواست‌های جزئی‌شان خاتمه دهند و این در حقیقت مصالحه‌ای است که شرایط عینی آن را ایجاب می‌کند. به این معنی که یا کارگران هنوز اتحادیه ندارند و اگر دارند صندوق آن خالی است از برون اتحادیه هم کمک نمی‌شوند، گرسنگی خود و خانواده‌شان دیگر قابل تحمل نمی‌باشد و یا اینکه آمادگی برای ادامه اعتصاب در میان کارگران وجود ندارد و مقاومت آنان طوری در هم می‌شکند که روحیه مبارزه را تضعیف می‌نماید. این نوع مصالحه، هیچ‌گاه به معنی تسلیم طلبی، آشتی طبقاتی، از دست دادن روحیه انقلابی

و ختم مبارزه در آینده تلقی شده نمی‌تواند. ولی در مقابل نوع مصالحه‌ای وجود دارد که در جریان اوج نهضت اعتصابی و امکان پیروزی توسط یک عده نفاق افگنان، فتنه گران و اعتصاب شکنان صورت می‌گیرد که منشا این‌چنین مصالحه‌ها و سازش‌ها یا جبن و یا معامله گری با کارفرمایان و سرمایه داران است. مشابه به این در نهضت دانشجویی و روشنفکری نیز چنین حالاتی به وجود می‌آید. در هر صورت بین این دو نوع مصالحه یعنی مصالحه اصولی به‌حکم ایجابات و شرایط عینی و مصالحه غیر لازمی به معنی معامله گری و سازش‌کاری راست و اپورتونیزم همیشه فرق اساسی وجود دارد.

البته باید خاطر‌نشان ساخت که در سیاست بخصوص تشخیص صحیح خصلت واقعی مصالحه اصولی یا مشروع و مصالحه غیراصولی و یا غیر مشروع و تفریق آن‌ها از هم فوق‌العاده مشکل و پیچیده است. در سیاست مواردی پیش می‌آید که تشخیص درست شرایط ملی و بین‌المللی، روابط میان طبقات و نیروهای طبقاتی با احزاب، حکومت و احزاب و وضع سیا سی به‌مراتب مشکل‌تر از موضوع تعیین حفاصل میان مصالحه مشروع و مصالحه خائنانه بهنگام اعتصابات و تظاهرات کارگران و روشنفکران است. بدین‌جهت صدور یک نسخه واحد و عام و مطلق در همه حالات و بدون مطالعه دقیق شرایط و بررسی همه

پرچم

جانبه آن ناصحیح است همانطوری که مصالحه غیر لازم و غیرمجاز جنبه معامله گری و سازش‌کاری راست را به خود می‌گیرد، تکرار این آهنگ نیز که «بیچ مصالحه‌ای مأذون نیست! باید هرگونه مصالحه‌ای را … و هرگونه سیاست مانور و سازش‌کاری را با قطعیت تمام رد کرد»، کار کودکانه و مهممل است. باید با مغز سرد اندیشید، اوضاع و احوال سیاسی را بدرستی تشخیص داد. این امر از طرف آن احزاب و رهبرانی تأمین شده می‌تواند که با کار طولانی و سرسخت و همه جانبه معلومات و تجربه لازم کسب کنند و شم سیاسی لازم را برای حل سریع و درست مسائل سیاسی که اغلب مغلق و پیچیده می‌باشد، در خود پرورش دهند.

جای تأسف است که «چپ‌های انقلابی‌گر وطنی» ما ساده‌لوحانه و ناشیانه مثل چپ‌های منحرف سلف خود لفظاً حکم صادر می‌نمایند (با دستور می‌گیرند …) که اگر به مصالحه، به‌طورکلی اجازه داده شود، در حد بین اپورتونیزم و سیاست واقعی انقلابی از میان می‌رود. اکنون مشکل درین جاست، چطور به این آقایان فهماند که تمام حفاصل‌ها چه در طبیعت و چه در جامعه «متحرک و تا حدود معینی مشروطند.» فقط زندگی، مبارزه، تجربه سیاسی و آموزش متروقی می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا درست را از نادرست تشخیص دهند! این اصل مسلم است که باید بصورت آشتی ناپذیر علیه اپورتونیزم مبارزه

کرد و باید در سیاست عملی توان آن را داشت که در هرلحظه تاریخی معین، در هر وضع خاص سیاسی مصالحه‌های نامشروع، غیرمجاز و خائنانه را که مظهری از اپورتونیزم و تسلیم طلبی است، درست تشخیص داد و مجدانه علیه آن‌ها مبارزه کرد. ولی سؤال درین جاست که «چپ‌های وطنی» ما به کدام دلیل علمی و تاریخی صورت مطلق در هرگونه شرایط و در هرزمان و مکان هرگونه سیاست مانور و مصالحه مجاز و مشروع را با قطعیت تمام رد می‌کنند. نمی‌توان باور کرد که «رهبران چپ‌های وطنی» با این‌همه ادعاهای بزرگ (!) تاریخ جریانات ترقی‌خواه پیشرو را اقلأ یکبار مرور نکرده باشند و یا ندانند که سرپای تاریخ احزاب پیشرو انقلابی از ۱۸۴۸ به بعد در تمام ملل جهان (خواه قبل از پیروزی انقلاب و خواه بعد از آن) من‌جمله دیگر قطب‌های مبارزه «مشحون از موارد سانور و مصالحه» است.

مبارزه در راه نیل به هدف غائی شبیه بالا رفتن به قله کوه شامخ و نامنکشیی است که انسان مجبور است بهنگام صعود گاهی با پیچ‌وخم بالا رود و گاهی به عقب برگردد و باز هم بالا رود و راه‌های گوناگون را آزمایش کند.

اشتباه بزرگی خواهد بود هرگاه فکر شود که فعالیت سیاسی عبارت از شواری موثر، آن‌هم در جادهٔ اسفلت دارالامان و رسیدن به قصر دارالامان است. پیروزی بر دشمنان خلق کشور

## وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم …

سوسیالیستی آسیا، جنبش آزادی‌بخش ملی، همچنان بر ضد کشورهای بی‌طرف و غیرمنسلک این ناحیه متوجه می‌باشند. امپریالیست‌های ایالات متحده امریکا به اشغال فارموسا که جزء لاینفک جمهوریت مردم چین می‌باشد ادامه می‌دهد. از اعاده حقوق مشروع چین در ملل متحد جلوگیری می‌نمایند.

امپریالیست‌ها ایالات متحده امریکا به تحریکات مسلحانه علیه جمهوری دموکراتیک توده‌ای کوریا و اشغال نظامی کوریای جنوبی و اعمال حکومت مطلقه، مختنق ساختن نیروهای مترقی که به خاطر آزادی و وحدت مجدد کشور خود مبارزه می‌کنند ادامه می‌دهند. آن‌ها بر ضد لانوس و کمبودیا مرتکب تجاوز و تحریک می‌گردند. در تایلند به تأسیس پایگاه‌های نظامی پرداخته پیوسته آن‌ها را توسعه می‌دهند. آن‌ها بر هند فشار وارد می‌کنند تا آن کشور راه عدم انسلاک و رشد مستقل اقتصادی را ترک نماید. امپریالیست‌ها کودتای ضد مردمی اندونیزیا را که از طرف محافل ارتجاعی به عمل آمده و صدها هزار کمونیست و دموکرات را جسامأ از بین برده است و هنوز به اعمال خونین خود ادامه می‌دهند، حمایت می‌نمایند، همه این منجر به از بین رفتن تمام دستاوردهای انقلاب اندونیزیا می‌گردد و آن کشور را به محرومیت از استقلال آن تهدید می‌نماید.

امپریالییزم در تعدادی از کشورهای آفریقایی فعال‌تر گردیده است. سعی می‌کند جلو رشد مبارزه آزادی بخش را بگیرد و موضع خود را در این قاره حفظ و تقویه کند.

کاهت در وضع کنونی نیرومندی آن معلوم است در صورتی امکان پذیر می‌باشد که تضادهای گوناگون میان نیروهای مخالف سیاسی تشخیص گردد، درست و نادرست از هم تفکیک شود و از هر امکان ولو کوچک باشد برای بدست آوردن متفق (حتی متفق مؤقت، مردم، ناپایدار، متزلزل، غیرقابل اعتماد و مشروط) اصولاً استفاده شود، ولی مشروط برین که با نهایت دقت و مواظبت و احتیاط عمل نمود.

کسی که این تکتیک های مبارزه را در جریان يك نبرد طولانی و در اوضاع و احوال مختلف سیاسی (چه قبل از احراز قدرت سیاسی توسط خلق و چه در جریان پیروزی و بعد از آن) بدرستی تشخیص ندهد و آن را بموقع بکار برده نتواند در حقیقت هنوز نفهمیده است که چگونه باید به توده‌های وسیع خلق در مبارز‌شان به خاطر رهایی از قید ستم و استثمار کمک کند.

درست است که از دادن قربانی نباید ترسید، ولی وظیفه انقلابیون و جریانات چپ وفادار به خلق همیشه اینست که وسایل مشروع و اصولی را بکار برد تا در امر نجات خلق از قربانی‌های گران، بی لزوم و بی‌شمار احتراز آید. «قبول نبرد در هنگامی‌که این امر مسلماً بسود دشمن تمام خواهد شد نه بسود ما، در حکم جنایت است و آن سیاستمداران طبقه انقلابی که برای شانه خالی کردن از زیر بار نبردی که مسلماً صرفه ندارد قادر به «مانور … و مصالحه» نیستند، به هیچ دردی نمی‌خورند.»

ولی شگفت انگیز و تأسف آور است که از مدتی بدین طرف گروه‌های چپ نمای نوین و قهرمانان (!) مبارزه طبقاتی و انقلابیگرانی در کشور ما به وجود آمده‌اند که از یکسو حتی نه تنها

کشورها مبادرت می‌ورزد. آن‌ها سازمان دولت‌های امریکایی و اتحادیهٔ نظامی بین کشورهای امریکایی را مورد استعمال قرار می‌دهند، در راه تشکیل به‌اصطلاح «نیروهای صلح داخل امریکایی» تلاش می‌ورزند و برای خود «حق» مداخله نظامی در هر يك از کشورهای امریکای لاتین را

محفوظ می‌دارند، چنانچه در جمهوری دومینیکا و پاناما از این «حق» استفاده کردند. امپریالیست‌های ایالات متحده امریکا دکتاتوری های ارتجاعی را حفظ و یا توسط کودتاهای نظامی بر سر اقتدار می‌آورند، فعالیت‌های انشعاب گزانه را در جنبش اتحادیه‌های کارگری تشدید و دامنه نفوذ خود را در قوای نظامی و پولیس پهن می‌سازند و اختناق را در جنبش عمومی تشویق می‌نمایند. امپریالیست‌های ایالات متحده در بعضی از کشورهای امریکای لاتین به‌طور مستقیم در عملیات نظامی علیه گوریلا‌ها شرکت کرده‌اند. ولی سیاست امپریالییزم ایالات متحده امریکا به مشکلات بزرگی مواجه می‌گردد. در استقرار بخشیدن به رژیم‌های ارتجاعی، با حصول موافقه تمام کشورها به خاطر تشکیل «نیروهای صلح داخل امریکا» ناکام می‌گردد. پروگرام «اتحاد برای ترقی» ناکام شده است و قوت‌های دیگر امپریالیستی، خصوصاً آلمان غرب و جاپان نیز تلاش دارند که برای خود جایی در این قاره بدست آورند.

این سیاست تجاوز کارانه امپریالیستی که صلح و امنیت جهان را تهدید می‌نماید در کشورهای سرمایه داری به مقاومت روزافزون طبقه کارگر، دهقانان، جوانان، محصلان، توده‌های وسیع مردم، قطع نظر از نظرات سیاسی و ایدئولوژی شان مواجه می‌گردد، جنبش نیرومند اعتراض علیه تجاوز ایالات متحده امریکا در ویتنام اعمال رزمجویانه نیروهای دموکراتیک را علیه سیاست امپریالیستی ایالات متحده امریکا و سیاست‌های حکومتاتی که از این سیاست پشتیبانی می‌نمایند قوت



(از ص ۲)

امیربالیزیم در یک مبارزه با نیروهای ارتجاعی

امیربالیزیم در یک مبارزه با نیروهای ارتجاعی

امیربالیزیم در یک مبارزه با نیروهای ارتجاعی

اصل «مصالحه مشروع» را با نیروی چپ واقعی دموکراتیک خلق افغانستان، رد می‌نمایند (در حالی که اگر واقعاً چپ راستین می‌بودند می‌بایست وحدت و اتحاد را با ما تأمین می‌کردند) بلکه با بی‌شرمی عیان تلاش ورزیده و می‌ورزند که با سیاه‌ترین و راست‌ترین محافل حاکمه و نیروهای ارتجاعی راست و شبکه‌های امپریالیستی (خواه در دستگاه حاکمه، خواه در وجود احزاب دستوری و دفکتوی آنان و خواه در شبکه‌های جاسوسی و تخریبی) علیه جریان دموکراتیک خلق افغانستان و ناشر اندیشه‌های آن پرچم و کاندیدهای آن در مبارزهٔ انتخاباتی (به غرض بدنام کردن و ناکام ساختن) «سازش» کرده و می‌کنند. در حالی که این آقایان «چپ‌ها»، هیچ نفهمیده‌اند که سازش داریم تا «سازش» باید این «چپ‌های انقلابی‌گر» یاد بگیرند که متناسب به اوضاع و احوال مشخص در مورد هر مصالحه و هریک از انواع مصالحه دقت به خرج دهند. مثلاً باید یاد گرفت که مصالحه با عناصر راست محافل حاکمه و شبکه‌های امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی راست آن‌هم نه به غرض کاستن میزان شر آنان، بلکه علیه نیروی واقعی انقلابی جنایت به امر مصالح خلق و نهضت رهائی‌بخش ملی و اجتماعی کشور است که تاریخ خلق آن را عفو نخواهد کرد. این نوع مصالحه در حقیقت خود را شریک رهنزی ارتجاع و امپریالیزم ساختن است ولو که در ظاهر امر علیه آن‌ها مانور و تظاهر به ضدیت هم صورت گیرد. باید توجه داشت که

امیربالیزیم

می‌بخشد. نبرد قهرمانانه خلق ویتنام جنبش مسدود ساختن پایگاه‌های نظامی آمریکا را در جاپان و دیگر کشورهای آسیای و الغای قراردادهای که این کشورها را به سیاست پنتاگون مربوط می‌نماید به وجود آورده است. در خود ایالات متحده آمریکا منبع عمدهٔ تجاوز - جنبش رزمجویانه ضد جنگ و ملتپاریزم برپا شده است.

در اروپای غربی جنبش ضد دسته بندی ناتو، به‌منظور عادی ساختن مناسبات و انکشاف همکاری بین دولت‌ها و به خاطر حفظ امنیت اروپائی، فشرهای وسیع‌تر نفوس آن قاره را احتوا می‌کند. همچنان در آلمان غرب نیروهایی که فعالانه بر ضد سیاست انتقام و نظام‌گیری

مبارزه می‌کنند در حال رشد اند. در کشورهای که ایالات متحده آمریکا پایگاه‌های نظامی‌دارد انحلال این تکیه گاه‌های تجاوز با صدای رساتری مطالبه می‌گردد. خلق‌های امریکای لاتین بر ضد ستم و مداخله بی‌شرمانه امپریالیزم ایالات متحده آمریکا در امور داخلی‌شان پیکار می‌نمایند. جنبش اعتصابی کارگران، فعالیت‌های دهقانان، محصلان و دیگر قشرها نمودار این حقیقت است که توده‌های وسیع در سراسر قاره امریکا مقاومت خود را در برابر اوامر ایالات متحده و نقشه‌های نظامی آن‌ها تشدید می‌نمایند. در بعضی کشورها نیروهای انقلابی به مبارزه مسلحانه علیه الیگارش‌ی و امپریالیزم متوسل می‌گردند. احساسات ملی خلق‌ها و مشکلات اقتصادی حتی بعضی حکومت‌ها را مجبور می‌سازد تدابیر مهمی بر ضد امپریالیزم اتخاذ نمایند، این وضع تمایل برقرار ساختن یا توسعه مناسبات با کشورهای سوسیالیستی را به شمول کوبا تعیین می‌نماید، احزاب کمونیست و کارگری مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی

# مصالحه اصولی ...

امیربالیزیم در یک مبارزه با نیروهای ارتجاعی

امیربالیزیم در یک مبارزه با نیروهای ارتجاعی

امیربالیزیم در یک مبارزه با نیروهای ارتجاعی

ارتجاع داخلی و امپریالیزم تا حدود معین قبول کرده‌اند که علیه آن‌ها مانور و تظاهر به ضدیت به عمل آید، ولی مشروط برین که لبه تیز مبارزه فلان و بهمان «چپ‌نمهای نوین» و قهرمانان (!) مبارزه طبقاتی علیه نیروهای واقعی انقلابی و پیشرو (در عرصه ملی و بین‌المللی) بخصوص در کشور ما علیه جریان دموکراتیک خلق افغانستان، بکار برده شود. سوتعبیر و سوءاستفاده از «تضاد» به نفع انحراف چپ و شوونیزم عظمت‌طلبانه که در حقیقت آب ریختن به آسیاب ارتجاع و امپریالیزم است، خیانت به امر جنبش‌های رهائی‌بخش ملی و مترقی ملل جهان بشمار می‌رود که اکنون دیگر مشت این دو رویی‌ها و فتنه گری‌ها باز شده است. سوء استفاده از اصل «مصالحه» آن‌هم با ارتجاع و امپریالیزم که ضرورت حتمی وجود نداشته باشد، در حقیقت سازش به ارتجاع و امپریالیزم به غرض سرکوبی جریانات واقعی انقلابی است. این درست است که مصالحه‌هایی در تاریخ جریانات پیشرو انقلابی وجود دارد که احياناً با احزاب و حکومت‌ها و حتی امپریالیزم صورت گرفته است. لیکن آن «مصلحه» موقتی و روی ضرورت حتمی بوده است. اغلب نیروهای پیشرو انقلابی مصالحه‌ها و گذشت‌های در مسیر مبارزه با نمایندگان طبقات و قشرهای دموکراتیک و ملی کرده است که علیه دشمن عمده تکتیکی و استراتژیک نبرد مشترک داشته‌اند و یا باعث جلب آن‌ها به‌سوی طبقه انقلابی گردیده است. ولی بازهم در چوکات اصول

هیچ‌گاه مبارزه مسلکی و سیاسی خود را علیه انحرافات آن‌ها که در آخرین تحلیل تسلیم طلب و اپورتونیست و ناقل نفوذ بورژوازی در داخل توده‌های وسیع خلق بوده‌اند قطع نکرده‌اند. ازین جاست که بین مصالحه اصولی و مشروع از یکسو و معامله گری، سیاست بازی، شارلتانی و مصالحه خانمانه از سوی دیگر باید فرق اساسی قایل شد. مؤجز اینکه تکتیک مانور و مصالحه مشروع در شرایطی درست و اصولی است که پیروزی نیروهای ترقی‌خواه و پیشرو را تحکیم یا تسهیل و یا

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم

امیربالیزیم





د افغانستان د تنک دموکراتیک انفمارو خبروونکی

۱۳ اسد ۱۳۴۸

## خلق‌های عرب در دفاع از موقف عادلانه خود تنها نیستند

در حالی که جمهوریت متحد عرب پیوسته از حل مسالمت‌آمیز بحران شرق میانه و تطبیق فیصله‌های شورای امنیت ملل متحد جانب‌داری می‌نماید، محافل حاکمه اسرائیل که از پشتیبانی همه‌جانبه امپریالیزم امریکا، آلمان غرب و انگلستان و صهیونیت جهان برخوردار است به‌منظور حفظ «سرحداث جدید» و به خاطر ارباب و خراب‌ساختن معنویات اعراب و شکستاندن روحیه مقاومت آن‌ها دست به تحریکات جدید و وسیع نظامی می‌زنند. در تجاوزات هوانی چند روز اخیر اسرائیل بر شهرها و مواضع جمهوریت عرب در امتداد کانال سویز در حدود ۸۰ طیاره اسرائیل شرکت ورزیده بودند. تجاوزات هوانی و زمینی اسرائیل بر سوریه و اردن نیز کسب شدت نموده، در مناطق تحت اشغال رژیم سیاه ترور و اختناق را برقرار ساخته‌اند.

امروز تحریکات نظامی و استقرار رژیم ترور و اختناق وحشیانه توسط محافل حاکمه افراطی و توسعه طلب اسرائیل وضع را تا سرحد بروز یک جنگ شدیدتر و وسیع‌تر دیگر در شرق میانه و به خطر انداختن صلح

اعراب در دفاع از موقف عادلانه خود به هیچ صورت تنها نیستند؛ امروز افسانه «شکست ناپذیری» اردوی اسرائیل واقعاً افسانه بیش نیست. ضربات نیرومندی را که قوای عرب بر متجاوزین اسرائیل وارد می‌نمایند دلیل زنده این حقیقت است.

## اسرائیل به استخدام عسکر اجیر اقدام کرده است

طبق راپورهای منتشره در جراید و روزنامه‌های عربی، اسرائیل برای اردوی خود در اروپای غربی به استخدام عساکر اجیر اقدام نموده و در حدود (۷۰) نفر از آلمان غرب ثبت نام شده‌اند.

این یگانه نمونه همکاری بین امپریالیست‌های آلمان غرب و محافل نظامی اسرائیل نیست. تنها در سال ۱۹۶۸ آلمان غرب ۱۴۰ میلیون مارک

## در پشتیبانی از یک مبارزه عادلانه

دارالانشاء اجرائیه سازمان همبستگی افریقا، آسیا و امریکای لاتین (اسپال) به مناسبت روز بین‌المللی همبستگی با مبارزه خلق جاپان و انعقاد پانزدهمین کنفرانس تحریم سلاح اتومی و هیدروجنی درخواستی نشر نمود.

در درخواست گفته می‌شود که مردم جاپان سال به سال مبارزه خود را بر ضد احیای مجدد میلترایزم در کشور و اشغال نظامی امریکا شدت می‌بخشند. این مبارزه وسیع‌ترین بخش‌های نفوس، بخصوص کارگران و محصلان را دربر می‌گیرد که برای تمام مردم قاره آسیا اهمیت خاص دارد.

در سرزمین جاپان تقریباً ۲۰۰۰

<b>صاحب امتیاز<span> </span>:</b>	<b>سلیمان لایق</b>
<b>مدیر مسؤول:</b>	<b>میر اکبر خیبر</b>
<b>تلیفون:</b>	<b>۲۳۱۶۴</b>

**مطبعه دولتی**

تایپ متن قاسم آسامی، ویرایش جدید: عمر فیض

## ناصر وای: هغه سیمی چه په زور نیولی شوی دی په زور به بیرته آزادی شی

جمال عبدالناصر دعربی سوسیالیستی اتحاد گوند په جلسه کی د بوی وینا په ترڅ کی وویل: د عربی هیوادو څلگ د اسرائیلو په څیره کی

چه د امپریالییزم نوکر دی خپل لرغونی دښمن وینی. اعراب پوهیبری چه د امریکی او انگلستان له خوا په جدي ډول د اسرائیلو ملاتړ کیږی؛ که داسی نه وای اسرائیل کله کولای شی چه د عربو سیمی لاندی کړی او د ملگروملنو د فیصلو له تطبیق څخه غاړه و غړوی.

جمال عبدالناصر وویل: له اسرائیلو سره د مقابلی دپاره د عربی قواوو هم آهنگ کول یو ضروری کاردی. ده له عربو سره د شوروی اتحاد له بیدریغه مرستو څخه تشکر و کړ. جمال عبدالناصر د آلمان دموکراتیک

## افتضاحات تازه (سی. آی.ی)

### شبکه بزرگ جاسوسی «سیا» در عراق کشف گردید:

عمال سي. آی. ای (اداره مرکزی استخبارات امريکا «به جرايم و خيانت‌های ضد ملی خویش اعتراف کردند و نقشه‌های این سازمان خطرناک، تجاوزکار پلید را علیه استقلال و حاکمیت ملی عراق افشاء نمودند. در جمله کسانی که تا اکنون به جرایم ضد ملی خود به حیث گماشته سی. آی.ای اعتراف نموده برید جنرال رشید مصلح می‌باشد که در رژیم‌های گذشته عراق به حیث گورنرجنرال نظامی و وزیر داخله اجرائی وظیفه نموده است.

معروفی کننده رشید مصلح در رادیو تلویزیون بغداد طی بیانیهای اظهار داشت «... در نتیجه فعالیت‌های جاسوسی چنین عناصر آفات و مصایب زیادی بر کشور مردم و ملت ما وارد گردیده است.

گماشتگان دشمنان ما اسرار ما را میفروختند. وطن ما، خلق ما، ملت ما و اردوی ما را به حیث یک هدف سهل به دشمن افشاء می‌کردند تا پس از آنکه خاک ما را اشغال کنند راه را برای کشتن، خون ریزی، توهین ملت

#### محاكمه عمال «سیا «در سودان:

یک عده از عناصر مربوط به رژیم سابق سودان در آینده نزدیک به جرم خیانت ملی تحت محاکمه گرفته خواهند شد. رئیس محکمه گفته است که بسیاری از عناصر مذکور

#### اداره مرکز جاسوسی امریکا (سیا)

از دکتاتوری نظامی در یونان حمایت می‌نماید:

پاپاندرو پیمان اتلانتیک شمالی و سی.آی.ای را به پشتیبانی از دکتاتوری نظامی اتن محکوم ساخت. همچنان اندریاس پاپاندرو رهبر تبعید شده یونان، ناتو و اداره جاسوسی امریکا، «سیا» را به پشتیبانی از کودتای نظامی ۱۹۶۷ در یونان محکوم نمود. پاپاندرو که پنجاه سال دارد و اکنون در سویدن بسر می‌برد در کنگره

#### جریده افغان ملت مصادره شد

قرار اطلاع جریده افغان ملت مصادره، مدیر مسؤول و برخی از نویسندگان آن به عرصه‌های مختلف حبس و جریمه نقدی محکوم گردیدند. ما در برابر این عمل ضد دموکراسی جداً اعتراض می‌نماییم

#### تصحیح ضروری

- در شماره هجدهم «۳۰ سرطان» در مضمون «خشم و نفرت مردم امریکای لاتین علیه امپریالییزم

امریکا»، صفحه چهارم، ستون دوم، سطر ۳۸ اشتباها قروض خارجی برآزبل ۴۰۰۰۰ میلیون دالر درج گردیده به ۴۰۰۰ میلیون دالر تصحیح گردد.

- در شماره نزدهم «۶ اسد» در بقیه مضمون «نیروی ملی عامل

### اعتصاب کارگران زحمتکش پروژه

**مرغداری بگرامی**

می‌گیرد، آگاه سازند، بنا بر آن علی رغم معانعت به حر کت خویش جانب وزارت زراعت و آبیاری ادامه دادند. در دهمزنگ، جایی که کارگران آخرین اجتماع خویش را به وجود آوردند، علاوه بر مأموران پولیس عدهی از مأموران نیصلاح وزارت زراعت و آبیاری نیز در برابر ایشان حاضر گردیده و وعده برآورده شدن خواست‌های قانونی ایشان را دادند. کارگران نظر به تجارب تلخی که از چنین وعده‌ها داشتند مقاومت کردند تا رسماً به ایشان در مورد برآورده شدن مطالبات شان تعهد سپرده شود.

وزارت زراعت و آبیاری مجبور گردید که برخی از خواست‌های کارگران پروژهٔ مرغداری که عمده‌ترین آن اجرای فوری دستمزدهای دوماه‌شان می‌باشد، بپذیرد. ولی اطلاع بعدی می‌رساند که علی رغم اعتصاب، حر کت و اجتماع قانونی و مسالمت آمیز کارگران، پولیس عده‌یی از کارگران آگاه پروژه را بازداشت کرد.

اجتماع کارگران پروژه مرغداری بگرامی در حوالی ساعت ۳ بعد از ظهر در دهمزنگ پایان یافت.

(لومړی مخ پاتې)

## د پاکستان حاکمه محافلو ...

یواځی د پښتونستان له مرام سره بی اعتنایی کول دی بلکه په نهایی تحلیل یی د افغانستان د خاوری په تمامیت او ملی حاکمیت سره هم ستره بی اعتنایی ده او له دی ستر ملی مسؤولیت څخه هیڅ څوک ځان نشي خلاصولای. مور د پاکستان د حاکمه

محافلو د دغه ناشیانه اقدام په نسبت خپله کلکه خواشینی څرگندوو او له دغه کار څخه د راپیدا کیدونکو عواقبو مسؤولیت به یواځی او یواځی د دوی په غاړه وی.

موزر د پښتونستان رورو ولس ته، د افغانستان څلک دموکراتیک جریان له خوا ډاډ ورکوو چه وروڼه د دوی په ضدا ستعما ری او ضد امپریالیستی عادلانه مبارزه کی یوازی پری نژدو او له خپلو ټولو امکاناتو څخه له دوی سره د مرستی په خاطر استفاده وکړو او په دی برخه کی به په خپله ملی او بین‌المللی وظیفه په میرانه او شرافت سره سرته ورسوو. تاسی یوازی نه یاست.

موزر پدی ټینگ باور لرو چه د پښتونستان او بلوچستان وروڼه ولسونه به په دغي عادلانه مبارزی کی بریالی شی. او د سولي او آزادی پرچم (بیرغ) به د آسیا پدی سیمی کی پورته کړی.

بقیّه از صفحه اول

## باید شعله‌های جهنمی ...

از وحدت و اتحاد میان نیروهای ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست و خلق کشور از وظایف عام و تأثیرات سوء این دشمنان خلق وطن ما می‌باشد.

وجود ننگین این دشمنان محیل خلق افغانستان یعنی استبداد، ارتجاع و استعمار و عمال کهنه‌کار آن‌ها: مستبدین، مرتجعین و استعمارگران و عناصر امپریالیست پرست است که مانع عمده و اساسی در راه رشد مستقل و سریع اقتصاد و فرهنگ کشور ما می‌باشد و موجب محرومیت‌های مادی و معنوی خلق

آزادی دوست و دلیر وطن ما گردیده است. لهدا وظیفه اساسی تمام نیروهای وطن‌پرست و تحول طلب ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد استعمار است که برای برچیدن بساط منحوس این سه دشمن سرسخت مصالح خلق کشور متحدانه عمل کنند و شعله‌های جهنمی این اژدهای محیل و خطرناک را خاموش سازند.

چهارشنبه (۸ اسد) گروه کثیری کارگران پروژه مرغداری بگرامی به‌منظور تأمین برخی از مطالبات ضروری‌شان دست به اعتصاب زدند. علت فوری اعتصاب کارگران

دشواری‌های دیگر و شرایط سخت کار، عدم اجرای دستمزدهان از تاریخ ۱۵ جوزای سال جاری تا همین روز تشکیل می‌داد. برای اینکه ایشان صدای اعتراض خود را بگوش مقامات مسوول (!) برسانند، به‌طور آرام و منظم از محل کار در بگرامی کابل به ساعت هشت صبح به‌سوی شهر رهسپار شدند و در بالای کوتل بگرامی اجتماعی را تشکیل دادند که در آن هدف از اعتصاب و حرکت شان را روشن و صفوف خود را منظم ساختند و فشرده به‌سوی شهر حرکت کردند.

کارگران وطن‌پرست پروژه پس از طی فاصله زیاد در حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر در مقابل سینمای پامیر رسیدند، ولی به مقاومت پو لیس مواجه شدند. کارگران که تصمیم گرفته بودند، مقامات «مسوول» را از وضع بدی که در برابرشان صورت

و غارت کردن ثروت آن هموار نمایند

«...»

روز نامه بغداد آیزرور از قول روزنامه الجمهوریت عراق می‌نویسد: «انقلاب ۱۷ جولای با وارد کردن ضربات پییم به شبکه‌های جاسوسی همنوایی با مبارزات اوج گیرنده پارتیزان‌ها و فلج کردن دسپايس محافل مرتد و مرتجع داخلی و خارجی، نقطه چرخش مهمی را در مبارزه مرگ و زندگی که ملت عرب بر ضد اتحاد ارتجاعی امپریالیستی و صهیونی پیش می‌بردن تشکیل می‌دهد.»

روزنامه می‌نویسد: «مقابله شجاعانه انقلاب با امپریالییزم، صهیونییزم و ارتجاع باثبات رسانید که توده‌های عرب می‌توانند بار این مبارزه را بدوش کشند ...»

بغداد آیزرور از قول روزنامه الثورة می‌نویسد که «از بین بردن شبکه‌های جاسوسی و خورد کردن پایه‌های که نیروی ارتجاعی استوار است یک امر تصادفی نمی‌باشد انقلاب عراق تمام عواقب این مبارزه را در نظر دارد .»

#### مأمورین دولت و عمال اداره جاسوسی «سی. آی.ای» می‌باشند که بنام سودانی به ملت سودان خیانت کرده‌اند.

ماهیت ونه لری. دا څکه چه له کلونو

را پدی خوا د پاکستان د حاکمه محافلو سیاست په دي سیمو کی استعمالی او جابرانه وو نو ځکه څه هم دغه نوی اقدام تش په نامه د «ضد فتوادلی «مانور هم وي، نوی استعمال توطئه ټنگاری.

د تاریخ امرانه ضرورت حکم کوی چه د پاکستان له خوا د پښتونستان په سیمو کی د دغو خودسرانه او یواړخیزو اقداماتو د ممکنو عواقبو او بدو نتایجو د مخنیوی په غرض په هیواد کښی د ننه د پراخو او بنیادی ملی او دیموکراتیکو اصلاحاتو پروگرام طرح او تر اجرا لاندی ونیول شي، په تیره د هیواد په ختیزو، جنو بی او جنوب لویدیزو سیمو کی قبیلوی او عشیروی نظام ژرتزژره پای ته ورسول شی.

د پښتونستان د ملی آزادی له نهضت سره په ملي او جهانی سویی د مرستی او همکاری زمینی مساعدی کرای شي او د پاکستان د دغو اقداماتو په مقابل کی یو مشخص ملي دريځ د پښتونستان د ملی او مترقی مشرانو په مشوره ونیول شی.

د پاکستان د حکومت دغو توسعه طلبانه اقداماتو او غیردموکراتیکو اجرااتو په مقابل کی چپ پاته کیدل نه

تعمیم تنور و فرهنگ مترقی در جامعه جلوگیری می‌شود. در برابر هرگونه تغییر در جهت منافع خلق به‌منظور حفظ موضع ممتاز طبقات صاحب امتیاز جامعه حساسیت نشان داده می‌شود و کارشکنی‌های گوناگونی صورت می‌گیرد، بازارهای کشور به‌طور روزافزونی بر روی اموال بی لزوم استهلاکی کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای وابسته گشوده می‌شود، غارتگری‌های نمایندگی‌های انحصارات امپریالیستی در کشور ما هر روز بیشتر می‌گردد.

قاچاق و قاچاقبری طوری وسعت پیدا می‌نماید که در هر گونه معامله‌ای دادوستد، حتماً پای آن در میان می‌باشد. کشتادن کشور جهت عقد قراردادهای نابرابر با کشورهای امپریالیستی و وابسته و ایجاد زمینه برای نفوذ این کشورها در امور داخلی ما و همچنان تفرقه‌اندازی و نفاق‌افکنی در میان مردم و جلوگیری







له لاسه نه، ملی او دموکراتیکو طبقاتو او قشرونو (کارگرو، د کلی او ښارو زیارکښو قشرونو، د روشنفکرانو ستر اکثریت د دولتی او خصوصی موسساتو مامورینو، کوچنی بورژوازی، متوسطی طبقی یا په اصطلاح «ملی بورژوازی» ته د حاکمه قدرت انتقال دی.

له کومه خایه چه دغه دموکراتیک طبقات او قشرونو گډ سیا سی هدف لری، او په ښه شان سره کولای شی چه په نهضت کی د یو گډ پروگرام او گډ عمل په اساس په یوی جبهی کی سره متحد شی او په اتفاق سره د افغانستان د ملي او دموکراتیک آزادی ښونکی نهضت د بریالی کولو په لار کی مؤثر فعالیت وکړی.

**دوهمه مرحله:**

هیڅوک انکار نشی کولای چه د حداکثر پروگرام په اساسی غایلی هدف او د افغانستان د خلک دموکراتیک جریان د ستراتیژیکی دوهمی مرحلې غوره هدف د سوسیالیستی نظام استقرار دی. خو (ښاغلی فتنه اچونکی سوسیالیستان (!) باید غور ونیسی) او دا په نظر کی ونیسی چه د افغانستان نهضت په لومړی مرحله کی دی او تر اوسه پوری زموږ دخلکو او فیودالیزم او امپریالیزم تر منځ عمده تضاد حل شوی نه دی. د علمی تیوری په اساس هغه وخت سوسیالیستی تحول د انقلابی نهضت د ستراتیژیکی مرحلې عمده هدف او شعار په حیث اعلام کیدای شی چه د ملی او دموکراتیک انقلاب د مرحلې وظایف په عمومی ډول حل شي او دوهمی (سوسیالیستی) مرحلی ته د گذار ټول لازم مادی او ذهنی شرایط برابر شوی وي. دا زموږ د ذهن محصول نه دی. دا علم دوی او زموږ د ټولنی واقعیت او تاریخی شرایط هم داسی حکم کوی.

باید په جدي ډول وویل شی چه د ستراتیژیکی مراحلو او ستراتیژیکی اهدافو د ټاکلو نه زموږ مقصد هیڅکله دانه دی چه د لومړی او دوهمی مرحلې تر منځ نه تیریدونکی پوله را وکارو. ځکه چه د علمی جهانبینی یو

غوره او انکارناپذیره اصل دی چه کیدای شی دموکراتیک انقلاب په سوسیالستی تحول بدل شی. د انقلاب اساسی تیوری موږ ته دا راښنی چه د امپریالیزم د تسلط په دوران کی ملی او دموکراتیک انقلاب نه یوازی ضد فیودالی خصلت لری بلکه د خارجی او داخلی انحصاری سرمایی ضد هم وي. په دی معنی چه ملی او د دموکراتیک انقلاب هم له هغه دښمن سره مبارزه کوی چه د کارگری او سوسیالیستی نهضت وظیفه ده. خو دغه مساله تر زیاتی اندازی پوری په ملي او دموکراتیک انقلاب کی د دموکراتیکو طبقاتو په سرکردگی پوری اړه لری.

**په ملي او دموکراتیک انقلاب کی د سرکردگی مساله:** علمی تیوری موږ ته دا راښنی چه دبیرته پاته هیوانو د کارگرو طبقه کولای شی او (باید) وکولای شی چه په مساعود شرایطو کی د ملی او دموکراتیک انقلاب لارښونکی او پیشاهنگ وی او د هغه هرژمونی (سرکردگی) په لاس کی ونیسی او ښه لارښوونه یی وکړی او د خلکو د نورو قوتونو په مرسته یی وروستی بریالیټوب ته ورسوی. دا ځکه چه په بیرته پا ته هیوانو کی ـ ملی او دموکراتیک نهضت په خپل ماهیت کی ټول ملت، ټول خلک، د کارگرو طبقه او ټول بزگران په حرکت راولي او خوځوی یی. له همدی کبله باید د کارگرو طبقه د خپل پیشاهنگ تر پرچم لاندی له ملی او د دموکراتیک نهضت څخه کناره پاته نشی او رهبری «ملی بورژوازی» ته و نه سپاری او تر دغه افسون لاندی چه وایی ملی بورژوازی ترهبری را نشی، په ټول جدیت سره په نهضت کی برخه واخلی او بریالیټوب ته د ملي او دموکراتیک نهضت د رسولو د

پاره په ټینگ عزم مبارزه و کړی. ـ ځکه چه په اوسنی وضعی او شرایطو کی پرتی لدی چه ملی او دموکراتیک مرحله طی شی، سوسیالیزم ته د نژدی کیدو بله وسیله نه لیدل کیږی. تجربه دا ښنی چه د دموکراتیک نهضت د پای ته رسولو، د ملی مصالحو او د اجتماعی ترقی په لار کی تر ټولو پیگیریه مبارزه او یواځنی انقلابی ثابت قدمه طبقه د کارگرو طبقه ده چه د صنایعو له ودی او تکامل سره یی صفوف او نقش زیاتیږی. له همدی جهته که څوک وغواړی په دی تاریخی مرحله کی د دموکراتیک نهضت اهمیت کم کړی او د نهضت په جریان کی د کارگرو د طبقی نقش ته لږ ارزښت ورکړی او هغه د نورو دموکراتیکو طبقاتو او قشرونو او د «ملی بورژوازی» ښاله رو او کومکی قوت وگرځوی په حقیقت کی له دموکراسی، تر قی او له ملی او د هیواد دخلکو له لوړو مصالحو سره خیانت کوی.

باید پام وکړو چه «ملی بورژوازی» بنا پردی چه دوه خصلته لری او د ملي او دموکراتیک نهضت له ودې او تکامل سره جخت له پخوا نه زیات له امپریالیزم او داخلی ار تجاع سره د روغی جوړی په لور تمایل پیدا کوی. په همدی کبله ده چه باید د کارگرو طبقه او د هغی پیش آهنگ د مبارزې په لومړی صف کی ودریږی.

دموکراتیک او ملي نهضت یوازی په هغو شرایطو کی وروستی بریالیټوب ته رسیږی چه په نیمه لاری و نه درییږی. د کارگرو د طبقی وظیفه داده چه د خپل پیش آهنگ تر پرچم لاندی د خپلو بریو د ساتنی ټینگولو او توسعی په منظور موضع په موضع، څپه په څپه په دموکراتیک

# د افغانستان د خلک دموکراتیک ..

او ملی نهضت کی خپل د رهبری مقام تر لاسه کړی او له یوه بری نه بل بری ته ورسی تر څو چه په پای کی دموکراتیک او ملی نهضت بشپړ بریالی شی، سوسیالیستی تحول ته یی ور واړوی د سوسیالیستی نظام استقرار ته ورسیږی. له پورتنی لنډ توضیح څخه داسی نتیجه اخیستله کیږی: په هغه صورت کی چه د بیرته پاته هیوانو د کارگرو طبقه وکولای شی د فیودالیزم او امپریالیزم ضد، ملی او دموکراتیک انقلاب سرکردگی او رهبری په لاس کی واخلی او په ښه شان سره یی لارښوونه وکړی او د خلکو د نورو قوتونو په مرسته یی پای ته ورسوی، په هغه وخت کی دا ممکنه ده چه دموکراتیکه مرحله (لومړی مرحله) په فوری ډول پا په لنده موده کی د سوسیالیستی تحول په مرحلی (دوهمی مرحلی) باندي بدله شی.

په اوسنی عصر کی چه اساسی مضمون یی له سرمایه داری نه سوسیالیزم ته انتقال تشکیلوی، د دی خبری بشپړ امکان شته چه د دموکراتیکو وظایفو دپاره مبارزه د دی سبب شی چه د دو مشخصو، متفاوتو او پرله پسې مرحلو ضرورت پیدا نشی، بلکه د دموکراتیکو او سوسیالستی وظایفو اجرا د یوه انقلابی جریان د مراحلو په څیر منځ ته راشی. د ځینو مترقی آسیایی او اروپایی هیوادو نمونه د دغی علمی تیوری صحت بیانیوی.

له همدی کبله یوځل بیا دا تصریح کوو چه که په دموکراتیک او ملی نهضت کی بری د کارگرو طبقی په سرکردگی او د هغی د پیشاهنگ تر پرچم لاندی تأمین شی هغه حکومت (دلته حکومت په علمي او عام مفهوم سره دی) چه له دغی مرحلی نه میځ

ته راخی د خپل اهمیت په لحاظ به د زیارکښو حاکمیت وی او د شکل په لحاظ دخلکو دموکراتیک حکومت وی. خو که چیری د کارگرو د طبقی د پیشاهنگ د مجدانه هڅو سره سره بیا هم بنا پر مختلفو علتونو او مختلفو عواملو د دموکراتیک او ملی انقلاب په لومړی مرحله کی د کارگرو د طبقی د پیش آهنگ د سرکردگی تأمین نشی، هغه حکومت چه له دغی مرحلې نه میځ ته راخی، هغه هم په ډیره ښه وضعه کی، د خپل ماهیت په لحاظ به د ټولو دموکراتیکو، ملی، ترقی غوښتونکو هیوانپالونکو قوتونو انتلاف وي او د خپل شکل په لحاظ به یو دموکراتیک او ملی حکومت وی، چه کلی وظیفه یی د استعمار د بقایاو محو کول د امپریالیزم د نفوذ او تسلط ریښی ایستل، دخارجی انحصاراتو د نمایندگانو شړل، د سیاسی او اقتصادی خپلواکی او د سیاسی او اقتصادی دموکراسی تأمین، د فیودالی نظاماتو او موسساتو لغو کول، د ځمکو بنیادی اصلاحات پای ته رسول، دملی صنایعو احداث، او د هیواد صنعتی کول، د غیرسرمایه داری لاری تعقیب او خارجی مستقل، مترقی او سوله غوښتونکی سیاست چلول دی.

باید وویل شی چه د دغه حکومت د دموکراتیک والی میزان او شکل په مختلفو عواملو پوری چه پیشبینی یی کیدای نشي اړه لری: لکه د کارگرو د طبقی نفوذ، له بزگرو سره د کارگرو دطبقی د اتحاد په درجی، د نورو دموکراتیکو او ملی سازمانونو او قوتونو په ټینگار او پیگیری، د متحدی جبهی په خصوصیت د کوچنی بورژوازی په نقش، داخلی او خارجی شرایطو او داسی نورو پوری اړه لری.

د پاملرنی ور مساله داده چه یوشمیر فتنه اچوونکی او منحرف،

عناصر د دموکراتیک او ملی حکومت په برخه کی او له دغه شان حکومت سره د افغانستان د خلک دموکراتیک جریان له روش څخه غلط توجیهات کوی. دوی ښاغلی گومان کوی چه له دموکراتیک او ملی حکومت او په هغه کی د کارگرو د طبقی پیشاهنگی برخه اخیستلو څخه زموږ مقصد هماغه فیودالی او بورژواسی مرتجع حکومتونه دی چه له امپریالیزم سره ارتباط لري.

باید دغو ښاغلو ته په صراحت وپوهول شی ز موږ مقصد دانه دی او هیڅکله به داسی نه وی. باید ښاغلی منحرفین او چپروان پام ولری چه دلته دوی دوه بیل شیان سره گډوی او د دغی مسالی په باره کی د بحث په وخت کی د علمی جهان بینی له نظره خپل نه قابلیت څرگندی.

دلته په غیرملی او ضد دموکراتیک حکومت کی د کارگرو د طبقی د پیش آهنگ گډون د زموږ د بحث موضوع نه ده. او نه تر بحث لاندی راتلای شی. بلکه دلته د بحث موضوع په ملي او دموکراتیک انقلابی حکومت کی د کارگرو د طبقی د پیش آهنگی گډون دی، چه دغه حکومت د انقلابی نهضت په دوره کی د ملی، دموکراتیک ضد فیودالی او ضد امپریالیستی انقلاب د بریالی کولو دپاره مبار زه کوی.

«دغه وضعه ... په دغه شان حکومت کی گډون روا گڼی او د مساعود شرایطو په صورت دغه گډون اجباری کوی تر څو چه انقلاب نه یوازی له «ښکته نه، له باندی نه بلکه ... د حکومت له د ننه نه هم تر ضریبی لاندی را نشی.»

همدا شان دغه شی د یادونی وړ دي چه: صرف نظر له دی چه د کارگرو د طبقی د پیشاهنگ گډون په دموکراتیک او ملی انقلابی حکومت کی ممکن وي او که نه وی، مهم تکی دا دی چه په هر صورت کی باید د کارگرو د طبقی پیشاهنگ خپل سازمانی استقلال او قوت په ټینگه سره وساتی او په خپلو غړیو باندی چه د سوسیالیستی مرحلې دپاره د

# وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم ...

وضع دهفتان خورده پا خرابتر شده می‌رود و شرایط زندگی بخش قابل ملاحظه قشرهای متوسط مشکل‌تر می‌گردد. بی‌ثباتی نظام سرمایه داری بیشتر شده است. بحران‌ات اجتماعی و سیاسی‌ای که در جریان آن توده‌های کارگری از ضرورت تغییرات عمیق وقایع آگاهی می‌یابند در بسیاری از کشورها آغاز می‌گردد.

این اول‌تر از همه از واقعات ماه می و جون ۱۹۶۸ فرانسه از نهضت بزرگی اعتصابی در آن کشور، که کمونیست‌ها در آن نقش مهم بازی کردند و خلق کارگر از آن مفاد قابل ملاحظه بدست آوردند به‌خوبی آشکار گردید. در آن کشور بک تضادم جدی بین طبقه کارگر و بخش قابل ملاحظه روشنفکران و محصلان از یکطرف و رژیم دوگولیستی و سلطه انحصارات از طرف دیگر رخداد. این تضادم امکانات جدید مبارزه به خاطر دموکراسی و سوسیالیزم را به وجود آورد.

در ایتالیا، رشد جدی جنبش اعتصابی به مقیاس ملی، نبردهای بزرگ سیاسی و پیروزی انتخاباتی نیروهای جناح چپ به سیاست چپ - مرکز که طبقات حاکمه به‌منظور استقرار سرمایه داری روی آن حساب می‌کردند، تکان نیرومندی داد.

در اسپانیه مبارزه توده‌ها به خاطر از بین بردن دکتاتوری فاشیستی فرانکو که مجبور ساخته شد حالت اضطراری را در آن کشور اعلان نماید، ادامه دارد، با وجود

حالت اضطراری و تدابیر اجباری مبارزه در حالت گسترش است، و قشرهای جدید اجتماعی و محافل وسیع‌تر اجتماعی در اپوزسیون ضد فرانکو اشتراک می‌ورزند. در برتانیه نبردهای عمده طبقاتی به شمول اعتصابات سیاسی در دفاع از اتحادیه‌های کارگری و حق اعتصاب که تحت حمله حکومت حزب کارگر واقع گردیده، وسعت می‌یابد.

در جاپان، مکسیکو، برازیل، ارجنتاین، جمهوری فدرال آلمان، یوروگوای، بلژیک، پرتغال، چلی، هند، پاکستان، ترکیه و دیگ کشورها، و در برلین غربی نبردهای سیاسی، اعتصابات و دیگر فعالیت‌های خلق کارگر، محصلان، و دیگر گروه‌های اجتماعی شدید گردیده است. پیروزی انتخاباتی کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی در یک عده از کشورها به شمول جاپان نیز نموداری از رشد جنبش دموکراتیک می‌باشند. در بعضی ایالات هندوستان حکومت جبهه دموکراتیک که در آن کمونیست‌ها اشتراک دارند تشکیل گردیده است کمونیست‌ها در فنلند در حکومت اشتراک می‌ورزند.

علاوه بر آن، پیشرفت مبارزه توده‌ای در خود ایالات متحده امریکا، رکن عمده امپریالیزم جهانی، نیز به‌طور زننده آشکار می‌سازد. سرتاسر محله‌های سیاه پوستان را موجی از بغاوت‌های ضد تبعیض نژادی، فقر و فاقه و ضد

وحشیگری‌های پولیس فرا گرفته است.

ده‌ها شهر کلان و کوچک امریکایی صحنه از زدوخوردهای شدید با ساکر و پو لیس بوده‌اند که عده زیادی در آن کشته شده منجر به زندانی شدن هزاران نفر سیاه پوست گردید.

در ایالات متحده امریکا اکثراً در اعتصابات رزمنده، به خاطر خواست‌های اقتصادی در برابر فشار و تهدیدات حکومت و برخلاف اراده مأموران مرتجع اتحادیه‌های کارگری صورت می‌گیرد. در اتحادیه‌ها صفوف و دیگتر نیروهای مترقی بیشتر فعال می‌گردند. بخش‌های وسیع خلق کارگر با جنگ ویتنام مخالفت می‌ورزند.

محافل روشنفکری، حرفه وی و مذهبی ایالات متحده امریکا در جنبش اجتماعی اعتراض و به خاطر صلح هر چه بیشتر فعال می‌گردند.

جوانان، و سفید، به غرض مخالفت با سیاه و ویتنام، شمول در خدمت عسکری، تبعیض نژادی، و کنترل پوهنتون‌ها توسط انحصارات به‌طور مصمم وسایل مختلف را به کار می‌برند، ارتجاع این تصمیم جوانان را با به قتل رسانیدن شخصیت‌های اجتماعی، اختناق روزافزون و تشدد کتلولی جواب می‌دهد، و «راه » رسوای «زندگی امریکایی «اعتبار خود را در انظار جهانیان از دست می‌دهد. بورژوازی انحصاری در هر جا کوشش می‌نماید این خیال را به

وجود آورد هر چیزی را که خلق کار گر بخواهد بدون تغییر انقلابی سیستم موجود بدست آورده می‌تواند،

سرمایه داری به خاطر پوشاندن خصلت استثمار و تجاوزکار خود به ماست مالی تیوریک «سرمایه داری خلقی»، «دولت بهی خواه»، «جامعه و فرت «و غیره) متوسل می‌گردد، جنبش انقلابی طبقه کارگر این مفاهیم را افشاء و بر ضد آن مصممانه مبارزه می‌نماید به این صورت این بحران ایدئولوژی امپریالیستی را عمیق می‌سازد، تعداد روزافزون مردم ازین روگردان می‌شوند وجدان و عقل بشریت نمی‌تواند با جنایات امپریالیزم اشتنی کند، گناه دو جنگ جهانی که ده‌ها ملیون انسان را به کام مرگ فرو برد بدوش امپریالیزم است.

امپریالیزم دستگاه غول آسیایی را به وجود آورده که منابع بزرگ بشری و مادی را می‌بلعد؛ مسابقه تسلیحاتی را شدت می‌بخشد و پلان تولید اسلحه جدید را برای ده‌ها سال آینده طرح می‌نماید. امپریالیزم تهدید جنگ جهانی هستوی حرارتی را دربر دارد که صدها ملیون انسان را محو و کشورها را به‌طور کامل به بیابان مبدل خواهد ساخت.

امپریالیزم بود که فاشیزم، سیستم ترور سیاسی و کمپ‌های مرگ را به وجود آورد. در هر جایی که بتواند بر ضد حقوق و آزادی‌های دموکراتیک دست به تعرض می‌زنند کرامت بشری را زیر پا می‌کند و سیاست شوری را پرورش می‌دهد



کارگرو د طبقی او د هغی د نژدی متحد (بزرگانو) او د کلی او بنار زیارایستونکو له مستقلو گڼو څخه دفاع وکړی. له یو سنگر نه بل سنگر ته، مو ج په موج وړاندی لارشی او پر له پسی بری لاس ته راووری تر څو چه په دموکراتیک او ملی انقلاب کی د پرله پسی فشار له لاری او له شرایطو سره متناسب د کارگرو د طبقی سرکردگی دملی او دموکراتیک انقلابی حکومت له داخل او خارج نه تامین کړی او دملی او دموکراتیک انقلاب مرحله پای ته ورسوی او د سوسیالیستی تحول د ملی او د وظایفو د اجرا د پاره په مبارزی پیل وکړی.

**انقلاب او «انقلاب بازی» یو له بل څخه فرق لری.**

ملی او اجتماعی انقلاب یو تصادفی شی نه دی بلکه یوه طبیعی او قانونی پدیده ده چه د ټولنی د ژوند د مادی شرایطو او د داخلی تضادونو د تکامل زیربنده دی، ملی او اجتماعی انقلاب د ټولنی په سیاسی، اقتصادی و ایدیولوژیکی ژوند کي یو عمیق تحول دی چه په نتیجه کی بی زاړه مناسبات له مینځه ځی او نوی تولیدی مناسبات یی په خای باندی راځی.

انقلاب په مجموعی ډول ټولنه مخ په وړاندی بیایی له همدی جهته یی د تاریخ لوکوموتیف (یا محرکه قوه) بولی. خو مهم ټکی دا دی چه د انقلاب او «انقلاب بازی»، «انقلاب سازی»، «د انقلاب د صدور»، دسیسه جوړولو، انارشیزم او د ماجراجویی تر مینځ فرق موجود دی. انقلاب د یوه فرد، یوی ډلی او یوه گوند د ارادی په تحکم او تمایل سره یا یوازی د انقلاب! د مراحل او هدفونو په ټاکلو او حتی د ستراتیژیکی نقشی په صحیح طرحی سره هم نه جوړیژی. د انقلاب د اجرا د پاره ټاکلی تاریخی شرایط ضروری دی. یا په بل عبارت سره د انقلاب د پاره د عینی او ذهنی شرایطو آمادگی لازم ده چه هر یو یی په مجموعی ډول، علمی موازین او ضوابط لری. له همدی امله نه بنایی چه انقلابی جریانونه او گوندونه یوازی د خپل قوت په اتکاء وروسته

اتحاد شوروی همه این، نتایج محسوس که مساعی خلاق مردم کشورهای سوسیالیستی آن را تولید کرده‌اند، به‌طور قاطع در توفوق و برتری نیروهای صلح، دموکراسی و سوسیالیلیزم بر امپریالیلیزم کمک می‌رسانند.

اکنون جهان سوسیالیستی به مرحله از تکامل خود داخل گردیده است که امکان مورد استفاده قرار دادن نیروهای بالقوه عظیم ذاتی سیستم جدید نسبت بهر وقت دیگر به پیمانته به‌مراتب وسیع‌تر به وجود می‌آید، تکامل و تطبیق اشکال بهتر اقتصادی و سیاسی‌ای که به ایجابات یک جامعه رسیده سوسیالیستی که قبلاً بر ساختمان جدید اجتماعی قرار گرفته است انطباق می‌نماید این امکان را بیشتر می‌نماید تعمیر سوسیالیزم و تکامل بیشتر آن وابسته به پشتیبانی اشتراک و ابتکار توده‌های وسیع مردم تحت رهبری و راهنمایی طبقه کارگر می‌باشد، حزب کمونیست به‌طور کلی پیش‌آهنگ جامعه سوسیالیستی است، فعالیت سیاسی جدی روز افزون خلق کارگر، فعالیت بزرگ سازمان‌های اجتماعی آن، تمدید حقوق فرد، مبارزه آشتی ناپذیر بر ضد مظاهر بیروکراسی و رشد همه جانبه دموکراسی سیاسی باعث تقویه نیروهای سوسیالیزم و پیشبرد وحدت اراده و عمل خلق می‌شود اصلاح دموکراسی سوسیالیستی رشد نیروهای مؤلده، ترقی سیاسی فرهنگی، تفوق ارزش‌های انسانی و معنوی نفوذ سوسیالیزم بر هر خلق کارگر جهان تسریع می‌نماید و مواضع آن را در مبارزه بر ضد امپریالیزم، مبارزه که اهمیت جهانی دارد تقویه می‌نماید.

عمل نشان داده است که تحول سوسیالیستی و ساختن جامعه نوین

تر هغه چه د انقلاب مرحله بی وټاکله په اقدام لاس پوری کړی، خپیل احساسات، عواطف او تصامیم د خلکو د پراخو پرگنو احساسات او تمایلات وگڼی، د کارگرو د طبقی د پیشاهنگی او ټولو نورو ملی او دموکراتیکو جریانونو ستر مسئولیت دا دی چه د زمان او وقایعو د کړی د په لاس کی لرلو سره سیا سی او اجتماعی اوضاع او احوال په دقت سره تر کتنی لاندی ونیسی او په موقع اقدام وکړی. د عینی شرایطو او انقلابی وضعی په نظر کی نیولو سره انقلاب هغه وخت بریالی کیږی چه د کارگرو طبقه پوره چمتوالی، تشکل، آگاهی او وفادار دوستان ولری او د هغی آزمویل شوی او ابدیده پیشاهنگ یعنی د کارگرو د طبقی گوند د انقلاب لار بنسو نه وکړی. خو باید جدی متوجه ووسو چه یواځی له پیش آهنگ سره بری ممکن نه دی، تر هغه وخته پوری چه طبقه او د خلکو پراخی پرگنی له دغه پیشاهنگ سره خپل موافقت څرگند کړی نه وي، او په مستقیم ډول کی د هغه د ملاتړ د پاره ملا تړلی نه وی او یا لږ تر لږه یی حسن نیت ته متمایلله بی‌طرفی اتخاذ کړی نه وی... قطعی جگړی ته د پیشاهنگ سوق کول نه یوازي حماقت دی بلکه جنایت او خیانت گڼل کیږی. نو د پاره د دی چه ټوله طبقه او زیارکبنو او د سرمایی تر ستم لاندی پراخی پرگنی ذهنی موقعیت ونیسی، یوازی تبلیغات او اجپیشن کافی نه دی بلکه د دغو پرگنو خپله سیاسی تجربه لازمه ده. دا دی د ټولو سترو انقلابو یو اساسی قانون ...»

**تاکتیکی تگلاره:**

خو باید ووايو چه هیڅ انقلابی پیشاهنگ په دی پلمه چه عینی او ذهنی شرایط د انقلاب د پاره چمتو نه دی، نشی کولای چه چپ او کرار کښینی. دلته ده چه د تاکتیک مسأله او پروسه‌های طولانی و پیچیده می‌باشند، و مورد استفاده قرار دادن امکانات عظیمی که این سیستم جدید گشوده است وابسته به احزاب کمونیستی در رهبری دولت، و اهلیت آن‌ها در حل پرابلم‌های رشد سوسیالیستی راه مارکسیست لنینیستی می‌باشد.

مالکیت سوسیالیستی، سازمان دادن تولید طبق پلان، سهم گرفتن فعال کارگران از طریق دست و دماغ در رهنمایی و تنظیم اقتصاد، بکار بردن ساینس در ساحات مختلف اجتماعی و اقتصادی و به‌طور مکمل مورد استفاده قرار دادن نیروهای بالقوه که انقلاب علمی و تکنالوژیکی به خاطر تسریع رشد اقتصادی و بر آوردن نیازمندی‌های تمام افراد جامعه میسر گردانیده ممکن می‌سازد. یک شرط مهم تکامل جامعه سوسیالیستی اینست که تمام موانع از سر راه انقلاب علمی و تکنالوژیکی که یکی از سکتورهای عمده رقابت تاریخی بین سرمایه داری و سوسیالیزم مبدل گردیده است، برداشته شود.

تشکیل جهان سوسیالیستی جزء لاینجزایی مبارزه طبقاتی‌ای می‌باشد که در ساحة بین‌المللی جریان دارد. دشمنان سوسیالیزم به مساعی‌شان به خاطر تخریب بنیاد قدرت دولت سوسیالیستی، جلوگیری از تغییر سوسیالیستی جامعه و اعاده تسلطشان ادامه می‌دهند، دادن جواب محکم به این تلاش‌ها وظیفه ضروری دولت سوسیالیستی است که به توده‌های وسیع تحت رهبری طبقه کارگر و پیش‌آهنگ آن حزب کمونیست متکی می‌باشد.

دفاع از سوسیالیلیزم وظیفه بین‌المللی کمونیست‌هاست.

تکامل و تقویه هریک از کشورهای سوسیالیستی به‌طور کلی شرط حیاتی

د تاکتیکی رهبری موضوع تر بحث لاندی راځی. تاکتیک، تاکتیکی رهبری او تاکتیکی شعارونه (دمبارزی میبرم شعارونه) د ستراتیژی، ستراتیژیکی رهبری او ستراتیژیکی شعارونو یوه برخه او دهغه تابع دی، هدف د لته د

«از من اول»

## حکومت نمی‌تواند ...

بقیایای استعمار و مبارزه در راه جلوگیری از نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیزم در جامعه ماست که وجود عنصر آگاه سازمان و جریانات مترقی در تسریع این امر نقش بزرگ و مؤثر دارد. بسی واقع می‌شود که برخی از مردم ناآگاهانه متوقع‌اند که باید حکومت‌های بر سر اقتدار در شرایط جامعهٔ طبقاتی موجود ما، پرابلم‌های ضروری مردم را حل نمایند، در حالی که حکومت‌ها در شرایط موجود خود مولود همین روابط کهن هستند و سعی می‌کنند آن را به نفع طبقات حاکمه حفظ کنند و به این معنی که حکومت‌ها در اوضاع و احوال کنونی مانع رشد و ترقی جامعه و حل اساسی پرابلم های عمده موجود کشور می‌باشند و از همین جااست که ضرورت مبارزه علیه سیاست‌های ضد منافع و مصالح خلق که از طرف حکومت‌ها تعقیب می‌گردد، به میان می‌آید.

کدام نیرو می‌تواند وظیفه حل پرابلم‌های خلق کشور را به عهده بگیرد؟ تنها و تنها خود خلق و نمایندگان واقعی خلق، و اما چگونه وقتی‌که خلق بیدار متشکل و متحد گردد؟ این وظیفه نیروهای ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست کشور است و به همین جهت ما وظیفه خویش قرار داده‌ایم که در این مرحله تاریخی: با ایجاد تماس نزدیک و اتکاء

برای ترقی سیستم جهانی سوسیالیستی می‌باشد. رشد موفقانه اقتصاد ملی، اصلاح مناسبات اجتماعی و ترقی همه جانبه هریک از کشورهای سوسیالیستی به منافع هر ملت به‌طور جداگانه و مرام مشترک سوسیالیزم مطابقت می‌نماید.

سیستم جهانی سوسیالیستی به اتکای قوت روز افزون اقتصادی و دفاعی خویش امپریالیزم را لگام میزند، امکانات صدور ضد انقلاب را توسط امپریالیزم کم می‌کند و در اجرای وظیفه بین‌المللی خود به مللی که در راه آزادی و استقلال خویش می‌جنگند و صلح و امنیت بین‌المللی را تقویه می‌کنند، کمک‌های روز افزون تهیه می‌بیند. تا زمانی که بلای تجاوز کار ناتو موجود باشد پیمان وارسا نقش مهمی در حفظ امنیت کشورهای سوسیالیستی در برابر حملات مسلحانه قوای امپریالیستی و تأمین صلح به عهده دارد.

پیروزی‌های سوسیالیزم، تأثیر آن بر جریان حوادث جهانی و مؤثریت مبارزه آن بر ضد تجاوز امپریالیستی تا اندازه زیادی به همبستگی کشورهای سوسیالیستی وابستگی دارد، وحدت عمل کشورهای سوسیالیستی عامل مهمی در اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی می‌باشد.

استقرار مناسبات بین‌المللی به شکل نوین و توسعه اتحاد برادرانه کشورهای سوسیالیستی یک پروسه مغلق تاریخی است. به تعقیب پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کشورهای زیاد ساختمان سوسیالیزم بر اساس قوانین عمومی که شرایط مشخص تاریخی و ممیزات ملی را در نظر می‌گیرد به اشکال مختلفی پیش می‌رود، رشد موفقانه پروسه اعتصام شدید به اصول انترناسیونالیزم

پرچم

# د افغانستان د خلک دموکراتیک ..

ستراتیژی په لور د مشخصو او معینو مبارزاتو بریالی کول دی چه په سیاسی وضعی کی له تغییر سره تغییر مومی. بنا په دی د تاکتیکی رهبری وظیفه داده چه د مبارزی به ټولو شکلونو باندی تسلط بیا مومی او

آخرین سؤال: برای اینکه بهتر بتوان در چوکات اصول متناسب به شرایط افغانستان سرسختانه مبارزه کرد و جنبش را در سرتاسر کشور گسترش داد، چه چیز را رهنمای عمل قرار داد، و چه وسیله اساسی را به کار برد؟ به عقیده ما رهنمای عمل: آموزش تئوری پیشرو و مقدماً مطالعه پرچم خلق است و قاطع‌ترین سلاح: سازمان و کار سازمانی است، مؤثرترین وسیله در وضع کنونی برای شکست دشمنان خلق که گاهی از طریق نیروهای ارتجاعی راست و گاهی به‌وسیله منحرفین «چپ» حملات تبلیغاتی صورت می‌گیرد، عبارت است از امر تبلیغات، حمله متقابل نیرومند، تبلیغاتی؛ نبرد بی‌امان و سرسختانه تبلیغاتی.

پرولتری، امداد و پشتیبانی متقابل، برابری، حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر را اشعار می‌دارد. سوسیالیزم با تضادهایی که در نهاد سرمایه داری وجود دارد آلوده نمی‌باشد، هر گاه بین کشورهای سوسیالیستی بنا بر اختلاف در سویهٔ رشد اقتصادی، ساختمان اجتماعی در موضع بین‌المللی با بنا بر ممیزات ملی اختلافاتی ظهور کند آن‌ها می‌توانند و باید بتوانند این اختلافات را بر اساس انترناسیونالیزم پرولتری از طریق مذاکره دوستانه و همکاری داوطلبانه برادرانه به‌طور موفقانه حل و فصل نمایند. این اختلافات نباید جبهه متحد کشورهای سوسیالیستی را بر ضد امپریالیزم درهم شکنند. کمونیست‌ها از مشکلاتی که در راه رشد سیستم جهانی سوسیالیزم وجود دارد آگاه می‌باشند و مگر این سیستم مبنی بر وحدت ساختمان اجتماعی و اقتصادی کشورهای عضو وحدت منافع اساسی و اهداف آن‌ها می‌باشد، این وحدت نشانه آنست که مشکلات موجود برطرف خواهد گردید و اتحاد کشورهای سوسیالیستی بیش از پیش بر اساس اصول مارکسیزم لنینیزم، انترناسیونالیزم پرولتری تقویت خواهد یافت.

**طوری که واقعات تازه نشان داده است طبقه کارگر در حصارهای سرمایه داری، نیروی محرکه عمده مبارزه انقلابی تمام جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی می‌باشد.**

شاخص دوران معاصر، مبارزه حادبست که طبقه کارگر و توده‌های وسیع خلق کارگر نه تنها به غرض بهبود شرایط اقتصادی بلکه به خاطر خواست‌های سیاسی خود هم پیش می‌برد، وقتی‌که خلق کارگر از منافع حیاتی خویش دفاع می‌نماید، در عین

د خلکو پراخی پرگنی د نهضت جبهی ته سوق کړی. د موجودو قوتونو د تناسب په اساس او د نهضت له مد و جذر سره متناسب او د سیاسی پېښو د زخیر د مخصوصی کړی د په لاس کی نیولو سره (په پارلمان کی گډون یا نه گډون، د جریدی تاسیس، د اتحادونو او اتلافونو جوړولو، تعرض، په شانگ، او داسی نور) د ستراتیژیکی پرمختگ مقدمات برابر کړی. باید په یاد ولرو چه په کلي ډول انقلابی اوسیدل یا له سوسیالیلیزم څخه طرفداری کول کافی نه دی ... باید بلد ووسو او په هره لحظه کی هغه مخصوصه حلقه پیدا کړو چه د ټول زخیر دلاس ته راورلو او بلی حلقی ته د تیرینو د مقدماتو د چمتو کولو په خاطر په ټول قوت سره باید هغه ټینگه کړو...»

ټول دغه شیان د مبارزی الفبا ده له پوهی او په کار اچولو نه پی پرته د بریالیتوب په لور گام اخیستل کیدای نشی.

واقعبت دادی چه په اوسنی مرحله کی د مبارزی هدف او دورنما ته پام نه کول خلک له گمراهی او نهضت له ماتی سره مخامخ کوی. د علمی جهانبینی تیوری مور ته تعلیم را کوی چه نه بنیایی د تاکتیکی وظایفو په لار کی مبارزه مور دومره مشغول کړی چه ستراتیژیکی مرحلی او په مجموعی ډول د انقلاب دورنما له نظره واچوو. د تاکتیکی شعارونو او ستراتیژیکی هدف او شعارونو، د دموکراتیک او سوسیالیستی مرحلی په مینځ کی دیالکتیکی ارتباط دی زموږ مبارزاتو ته په واقعی ډول انقلابی مضمون ورکوی.

**لنډ دا چه:**

په پای کی باید دی ته صراحت ور کړو چه د ملی او دموکراتیک د ټولو ملی دموکراتیکو هیوادپالونکی او مترقی قوتونو متحده جبهه ده چه د ارتجاع او امپریالیلیزم په ضد مبارزه

حال به خاطر حقوق اجتماعی و آزادی‌های دموکراتیک نیز مبارزه می‌نماید. این خواست‌ها در درجه اول بر ضد سیستم تسلط سرمایه انحصاری و قدرت سیاسی آن متوجه می‌باشند. مطالبه توده‌های کارگری به خاطر به وجود آوردن تغییرات بنیادی در سیستم اجتماعی و اقتصادی که مبنی بر استثمار انسان از انسان می‌باشد نسبت به هر وقت دیگر قوی‌تر می‌شود، نبردهای بزرگ طبقه کارگر در عده از کشورهای سرمایه داری قدرت انحصارات را ضعیف، عدم استقرار و تضادهای جامعه سرمایه داری را تشدید می‌نماید، این مبارزات نبردهای جدید طبقاتی را که می‌تواند منجر به تغییر بنیادی اجتماعی انقلاب سوسیالیستی و استقرار قدرت طبقه کارگر در اتحاد با دیگر بخش‌های خلق کارگر گردد پیش بینی می‌نماید. نبردهای معاصر طبقاتی به اندیشه‌های خیالی یکه از طرف هواخواهان نیوکپتالیلیزم (سرمایه داری جدید) و ریفورمیزم پخش گردیده ضربه وارد نموده است و به احکام اساسی مارکسیزم - لنینیزم ثبوت جدید می‌بخشد احزاب کمونیست و کارگری برخلاف اپورتونیست‌های راست و «چپ» مبارزه به خاطر خواست‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی و به خاطر دموکراسی پیشرفته در برابر مبارزه برای سوسیالیزم قرار نمی‌دهد بلکه آن را جزء مبارزه به خاطر سوسیالیزم می‌پندارند. تغییرات بنیادی دموکراتیک در مبارزه بر ضد انحصارات و تسلط اقتصادی و قدرت سیاسی آن به دست خواهد آمد در بین توده‌های وسیع آگاهی ضرورت و سوسیالیزم را پیش خواهد بود. در وضع جدید ضرورت وحدت

صفحه (سوم)

کوی. د دغی جبهی د ملا تیر د کارگرو د طبقی په رهبری سره د کارگرو او بزرگرو د طبقی اتحاد تشکیلوی. نو د دی نه تغییریدونکی اصل په اساس اعلام کوو چه ترهغه خایه پوری چه د افغانستان د کارگرو د طبقی په پیشاهنگی (دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان) پوری اړه لری د ټولو امکاناتو، قدرت او د پورتنیو مطروحه مسایلو په نظر کی نیولو سره به هڅه وکړی چه دافغانستان او سنی دموکراتیک او ملی نهضت د افغانستان د کارگرو د طبقی په لاربنوونه او رهبری وروستی بری ته ورسوی او انقلابی نهضت د سوسیالیستی تحول په لور مخ په وړاندی بوژی او رهبری بی کړی. البته باید په نظر کی ولرو چه دغه ستر هد ف ته رسیدل د نهضت د په نسبی ډول اوږد جریان کی د رهبری د صحت د کارگرو د طبقی تر رهبر ی لاندی د خلکو په جذب پوری اړه لری، چه باید د کارگرو طبقه دموکراتیک تحول پای ته ورسوی، د بزرگو پرگنی خان سره متحد ی کړی، د مطلقه او مرتجع او وراسته حاکمیت مقاومت مات کړی، د امپریالیلیزم د نفوذ ریښی وبا سی، فیودالی او کمپرادوری نظم له مینځه یوسی. د په اصطلاح ملی بورژوازی بی‌ثباتی شنده کړی. مسلمنه ده چه د دی ستراتیژیکی مرحلی د وظایفو د اجرا دپاره باید تل په پیگیر او صبورانه ډول سازمانی، سیاسی، او ایدیولوژیکی کار ته ادامه ورکړله شی، مقدماتی او تاکتیکی مرحلی په موفقیت سره تیری کړل شی، د عینی او ذهنی شرایطو محاسبه په صحیح ډول وشی، او ټول مراحل او وسایل چه مور هدف ته نژدی کوی او بریالیتوب په رسوی چمتو کړو، له کومه خایه چه زموږ دموکراتیک وظایف زمر له سوسیالستی وظایفو سره نه بیلیدونکی ارتباط لری باید په عملی فعالیتونو کی دغه ارتباط په نظر کی ونیسو ددغو شرایطو په نظر کی نیولو سره وړاندی د بری په لور.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<p>طبقه کارگر مبرم‌تر گردیده است. حقایق و تجربه‌ای که طبقه کارگر در جریان مبارزه خود حاصل کرده، و انتقاد حادی که احزاب کمونیست از نظریات اپورتونیستی به حیث وظیفه دایمی خود می‌نماید، بحران مفاهیم ریفارمستی را عمیق می‌سازد. در صفوف سوسیال دموکراسی تفریق صورت می‌گیرد که در رهبری آن نیز منعکس می‌گردد بعضی از رهبران سوسیال دموکراسی به دفاع از سرمایه انحصاری و امپریالیزم می‌برایند، دیگران بیشتر متمایل‌اند خواست‌های توده‌های کارگری را در ساحات اقتصادی و اجتماعی و بر مسايل مبارزه به خاطر صلح و ترقی در نظر بگیرند.</p> <p>کمونیست‌های که به وحدت طبقهٔ کارگر اهمیت قاطع قایلند از همکاری با سوسیالیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها به غرض استقرار یک رژیم پیشرفته دموکراتیک برای و تعمیر یک جامعه سوسیالیستی در آینده طرفداری می‌نمایند. آن‌ها آنچه در توان دارند در راه اجرای این همکاری دریغ نخواهند کرد. همچنان کمونیست‌ها از همکاری با دیگر احزاب و سازمان‌های دموکراتیک، که به تجدید جامعه علاقه‌مند می‌باشند جانب‌داری می‌نمایند. البته، پیشرفت در این راه ایجاب می‌نماید که احزاب سوسیالیست و دیگر سازمان‌های سیاسی‌ای که از سوسیالیزم طرفداری می‌نمایند از سیاست همکاری طبقاتی با بورژوازی به‌طور قطع دست بردار شوند و از سیاست مبارزه مؤثر در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیزم پیروی نمایند.</p> <p><b>باقی دارد</b></p>
---	--





*د افغانستان د ټولګ د ډموکراتيک اټهارو څپر وویکی*

۲۰ اسد ۱۳۴۸

(از ص اول)

## امپرياليزم می‌کوشد سیاست ...

ساحات مختلف حیات اجتماعی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ آن‌ها به تمام قوت خود و تقریباً دست ناخورده باقی مانده است، توسعه و تشدید جنگ در ویتنام، عواقب وخیم جنگ تجاوزکارانه صاعقه اسرائیل در شرق میانه، ادامه سیاست منفور و غیرانسانی نژادی در رودیشیا، افریقای جنوبی و جنوب غربی، ادامه سلطه استعماری و سیاست نژادی در انگولا، موزنبیق، گینی پرتگالی و غیره، تشدید مسابقه تسلیحاتی و دیگر مظاهر سیاست امپریالیستی به حال خود باقیست به قرار گفته نماینده جمهوریت متحد عرب در کنفرانس مقدماتی بلگراد، نیروهای امپریالیستی و استعمار نو تلاش می‌نماید از طریق فشار نظامی اقتصادی و سیاسی جلو رشد مستقل خلق‌ها را بگیرد، این‌ها همه مواردی بود که باید دول بی‌طرف در کنفرانسی مقدماتی و مشورتی بلگراد، جداً موضوع بحث قرار می‌دانند، کشورهای مشخص امپریالیستی‌ای که با پیروی از سیاست تجاوز و ستم صلح را در شرق میانه، جنوب شرق آسیا و مرکز اروپا به خطر مواجه ساخته و می‌سازند، جداً تقبیح می‌گردیدند و از کشورهای صلح‌دوست که پیوسته در راه تقویه صلح، کمک به کشورهای نو به آزادی رسیده و جنبش آزادی‌بخش ملی درین کشورها و تحکیم بنیاد دفاعی آن‌ها در برابر خطر تجاوز نیروهای امپریالیستی از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نکرده، لاقابل یادآوری به عمل می‌آمد. مفکوره دعوت از کشورهای مانند پاکستان که هنوز با امپریالیزم جهانی پیوندهای عمیق نظامی، سیاسی و اقتصادی دارند و بعضی حتی عضو پیمان‌های نظامی تجاوزکار می‌باشند جزء قلب ماهیت دادن سیاست عدم انسلاک معنی دیگری نمی‌تواند داشته باشد.

دلیرانه در صف مقدم کشورهای ملی، مترقی و غیرمنسلک در مبارزه علیه استعمار و امپریالیزم، دفاع از صلح، استقلال ملی و جلوگیری از جنگ اتخاذ می‌نمود و هم در آینده باید بر مینای خطوط سیاست بی‌طرفی مطروحه در کنفرانس‌های بانودنگ، بلگراد و قاهره (سال‌های ۵۵، ۶۱ و ۱۹۶۴) شجاعانه‌تر، ملی متر و مترقی‌تر در کنفرانس‌های کشورهای غیرمنسلک موضع گیری کند، در غیر آن بر اساس اراده خلق ما سیاست بی‌طرفی غیرفعال، خنثی و بدون ماهیت ضد امپریالیستی حکومت‌های وقت مورد پشتیبانی مردم افغانستان قرار نخواهد گرفت و خلق آزاده و صلح‌دوست ما در راه مسیر دادن مترقی آن مجدانه مبارزه خواهند کرد.

## اعتصاب دریوران شرکت سرویس

عصر روز سه شنبه (۱۴ اسد) شش نفر پولیس ترافیك در ایستگاه عمومی بس‌ها مقابل پښتني تجارتي بانك یکی از دریوران شرکت سرویس را به نام عبدالجلیل و یک نفر نگران آن شرکت را مورد لت و کوب قرار دادند و سپس دریور مذکور را به اداره ترافیك بردند، حین که سایر دریوران بس‌های بعضی خطوط ازین حادثه اطلاع یافتند - فتح الله خان ازین حادثه اطلاع یافتند عصر همان روز به پشتیبانی از رفیق خویش دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

<b>پرچم</b>	
<b>ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان</b>	
<b>صاحب امتیاز<span> </span>:</b>	<b>سليمان لايق</b>
<b>مدیر مسوول:</b>	<b>میر اکبر خیبر</b>
<b>تيلفون:</b>	<b>۲۳۱۶۴</b>

**مطبعه دولتی**

## په پکتیا کی

### د خوست د لوی ولسوالی خلک

### وچکالی تهدیدوی

پکتیا په دافغانستان له ډيرو له نفوسه ډکو او تر ټولو لوی ولایت دی له یوی خوا د نفوسو په تناسب د کرهڼی ځمکی نلری او له بلی خوا هغه لږ ځمکی چه په پکتیا کی شته د اوبو د لږ والی له پرابلم سره مخامخ دی، نه یوازی د کرهڼی بلکه د چښنی اوبه هم په پکتیا کی په ډیر غیرصحی ډول تهیه او برابریری.

خوست چه د پکتیا یوه ډیره مهمه او سمسوره سیمه ده تل د اوبو د لږوالي له پرابلم سره مخامخ وی. سره له دی چه د پکتیا د انکشاف په نامه له کلونو را پدېخوا په ملیونو فغانی لگیړی د لویدیځ آلمان د مرستو د پاره چه د پکتیا له خلکو سره بی کوی زیات پروپاگند کیری خو تر اوسه پورې په ټوله پکتیا کی د خوست د خلکو ډیو ډیر ضروری او حیاتی پرابلم د حل د پاره چه هغه د کرهڼی او چښنی د اوبو مساله هیڅ ډول اساسی مرسته نه ده شوی. د خوست زیارکښ، زره ور او شریف اولس له دی کبله ډیر په تکلیف دی. د خوست د خلکو اکثریت د باران له اوبو څخه د خان او د خیلو څارویو د پاره د چښنی اوبه برابروی. د کال په بارانی موسم کی په معینو ډنډونو کی اوبه را ټولوی او له هغو څخه تر بل کاله پوری او به چښی او خپل څاروی اوبه کوی دا یوه طبیعی خبره ده چه د څو میاشتو په موده کی دغه او به

(از ص اول)

## حکومت موفق نیست کار با ثمری ...

ابتکار به عمل نیامده است همان پای فیل، و غیره، دیزاین شاید صدها سال قبل. معلوم است شستشوی پشم به شکل بسیار ابتدائی در منازل و کنار جوی‌های آب صورت می‌گیرد. شیوه ریسن‌دگی نخ قالین به شکل ناموزون و ناهم آهنگ آن توسط ابتدائی ترین چرخه‌های کوچک دستی که از اختراعات دوران‌های اولیه بشر است، هنوز رواج کامل دارد، رنگ آمیزی خانگی توسط رنگ‌های خود ساخت و رنگ‌های تقلبی وارد از خارج (عمدتاً رنگ قاجاقی پاکستانی) که اکثراً خام، ناباب و کم دوام است در صنعت قالین بافی کشور مروج می‌باشد.

مهم‌تر از همه عدم تشویق و استثمار وحشیانه کارگران امکانات بهبود و اصلاح صنعت قالین بافی را از لحاظ کیفی و انکشاف کمی آن را محدود گردانیده است. این نواقص با تشکیل اتحادیه دموکراتیک قالین بافان و سایر کارگران صنعت قالین بافی و ایجاد مؤسسات تعاونی، کوپراتیف‌ها و مؤسسات کربدتی برای قالین بافان تا حدودی می‌توانید رفع گردد. در مورد پیدا کردن بازارهای جدید فروش قالین و معرفی قالین افغانی اقدامات مؤثر از طرف مقامات حکومتی صورت نگرفته است، قسمت بیشتر قالین ما با هویت نامشخص و احیاناً به نام تولید دستی کشورهای دیگری از یک تا سه دست و بیشتر توسط تاجران دلال داخلی و خارجی فروخته می‌شود، لهذا چنین وضعی که دامن‌گیر صنعت ارزنده قالین بافی کشور ماست نمی‌توان زیاد به و رونق آن امیدوار بود.

«اتحادیه صادرکنندگان قالین» به

## قطره‌ها...

تک قطره‌ها همه جا می‌خشکند ...

قطره‌های تګ تګ شبنم‌ها چه ملال انگیز و چه زود هوس آغوش گل را در تابش اشعه بی‌لگام فرسایشگر خورشید به گورستان حرمان‌ها می‌برند ...

قطره‌های نم نم باران چه دردانگیز، چه آسان، چه زود در ژرفای عطشناک زمین می‌خشکند ...

آری! تګ قطره‌های تنها همه جا می‌خشکند ...

ولی ای قطره‌ها! ای قطره‌های تنها! چه نیروی در شما هست، نیرویی صخره شکن و ویرانگر و فرسایشگر.

ولی ای قطره‌ها! ای تګ قطره‌های تنها! چه نیرویی در شما هست، دریایی و موجی و سیلابی شوید... اگر بجای تنهایی زمزمه گر طوفانی شوید ...

**وه! که چه نیرویی در شما هست، نیرویی بنیانگر و زایشگر.**

**و آن جا دیگر سیل قطره‌ها خواهد بود که دل تفرزده عطشناک زمین را خواهد شگافت و سرمست و مغرور به‌سوی افق روشنایی‌ها خواهد خزید.**

**و آنگاه دیگر قطره‌ها نخواهند خشکید، زیرا باهمند، سیلند، طوفانند، طغیانند ...**

**و شما ای ستایشگران طوفان و شما ای تکقطره‌های دور! چه باید بود؟ نم نم قطره‌های تنها که با نخستین تابش تلالو خورشید افسرد و فرو خشکید؟**

**و یا پیوند قطره - سیل، دریا، طوفان -؟**

**کدامین باید بود؟**

**قطرهٔ تنهای ناچیز و یا موجی و سیلی و دریایی طوفان خیز؟**

**د. کاویان.**

(از ص اول)

## دهات افغانستان در میان ...

افزایش می‌یابد، یکی دو جریب زمینی را که دارند از دست دهند، مجبور بترک محل گردند و یا مبدل به مزدور زراعتی و دهقان تهیدست بی‌زمین شوند.

مؤجز اینکه: سیاست کنونی دولت (حکومت، شوری، قضا) در مورد دهات کشور، یک سیاست قرون وسطایی و در جهت حمایت وسیع و همه جانبه از مالکان بزرگ بوده و می‌باشد که روز تا روز غیرقابل تحمل می‌گردد، لذا یگانه راه حل مشکلات عظیم خلق کشور تسریع تحولات بنیادی در جامعه و به اشتراک توده‌های وسیع خلق در جنبش دموکراتیک و ملی کشور و به پیروزی رساندن آن است که این امر مبارز متحدانه دهقانان سراسر کشور را نیز ایجاب می‌نماید، ولی دهقانان کشور پراکنده اند و به سطح شعور لازم نرسیده‌اند، لذا وظیفه طبقه جوان کارگر کشور، روشنفکران مترقی و کلیه عناصر و نیروها و سازمان‌ها و جریانات ملی دموکراتیک کشور است که رنج‌های عظیم دهقانان را بازگو و صدای اعتراض آن‌ها را بلند کنند و

از هر زمینه مساعد برای بیداری دهقانان استفاده کنند و گام به گام در راه ارتقای شعور طبقاتی، اتحاد، و تشکل دهقانان تحت شعارهای معین و مؤثر لازم مجدانه سعی کنند تا راه برای اجرای اصلاحات اساسی و دموکراتیک و نهضت دهقانی بازگردد و اصلاحات دموکراتیک ارضی نه تنها در مرحله کنونی موجب بهروزی نسبی دهقانان کشور بلکه موجب مساعد شدن زمینه برای رشد سریع اقتصاد و فرهنگ جامعه ما می‌گردد.

<b>بقیه از صفحه اول</b>
<b>باید شعله‌های جهنمی ...</b>
هر لحظه معین حلقهٔ مخصوص زنجیر وقایع را پیدا نمود و آن را بدست گرفت تا تمام زنجیر بدست نگه‌داشته شود و شرایط برای وصول به موفقیت مرحله استراتژیک حاضر گردد. بنا برین طبق بیانیه مؤجز خان عبدالغفار خان رهبر بزرگ ملی پشتونستان شکستن یک یونت پاکستان غربی و از بین رفتن مارشال لا و

<b>باید شعله‌های جهنمی ...</b>
تأمین آزادی انتخابات، آزادی اجتماعات، آزادی قلم و بیان در پاکستان قدم مؤثر و مهم است برای رسیدن به هدف‌های عالیه آزادی ملی خلق پښتونستان و بلوچستان و تأمین صلح دموکراسی و آزادی برای تمام خلق‌های برادر پاکستانی ما اعم از بنگالی، سندی و پنجابی.

**تصحیح**

**در شماره بیستم پرچم مضمون «دست مداخله جویان زور گو از انتخابات شوری کوتاه!» اشتباهاً به امضاء رفیق ما «بارق شفیی» نشر گردیده بود. مضمون اصلاً از «آمو» می‌باشد.**

روزی دهقانان و روستائیان کشور که هشتاد فیصد نفوس مملکت را تشکیل می‌دهد ندارند، زیرا به منافع ملاکین فئودال و نیروهای ارتجاعی سیاه و وحشی بر می‌خورد.

تاکنون صدها شکایت نامه برای ما به (ادارهٔ پرچم) رسیده است که دهات و قراء بی‌شماری حتی از داشتن یک سرک عادی و پل محروم‌اند تا به سهولت بیشتر و در شرایط بالانسبه بهتری بتوانند محصول خود را به بازار عرضه کنند.

جای تأسف عمیق است. در عصری که راه بشریت به‌سوی کیهان گشوده می‌شود. حکومت‌های افغانستان نتوانسته‌اند لاقبل در ظرف این پنجاه و یک سال پس از حصول «استقلال»شاهراه‌های عمدهٔ کشور را تکمیل کنند، تا چه رسد به سرک‌های فرعی در میان دهات، تا کنون در بسا مناطق کشور دریاها در اثر عدم موجودیت پل‌ها بر فراز آن‌ها قراء و دهات هم‌جوار و ولسوالی های همسایه راه شهر را از ده چنان جدا کرده که هر گونه ارتباط را ناممکن ساخته است.

یکی از ده‌ها و صدها مشکل بزرگ دهقانان بی‌زمین و کم زمین کشور همانا عدم وجود مؤسسات قرضه دهی و کمک‌های کربدتی است که این امر موجب گردیده است تا توده‌های دهقانان زحمتکش کشور برای سال‌های سال در قید تارهای عنکبوت که بدست سود خوران بی‌رحم تنیده شده است گیر و اسیر بمانند. کافی است که صدها و هزاران خانواده دهقان با اخذ قرضه کوچکی از سود خوران ملاک برای یک امر ضروری در اثر نرخ فاحش سود که در جریان چند سال چندین مرتبه

زحمت کش قطع گردد، تجارت قالین که یکی از اقلام عمده است و به غرض تأمین اسعار خارجه توأم با کنترل شدید و قطع فروش آن در داخل کشور (به‌استثنای آنکه و برای مؤسسات عامه ضرورت باشد) ملی گردد و قالی‌بافان کشور بتوانند با ایجاد روابط با موسسه ملی شدهٔ قالین از حاصل و ثمرهٔ کار خود بهره‌مند گردند و در امر صنعت قالی بافی که محصول رنج بی‌پایان و عصارهٔ فکر و دماغ ایشان است، سهم مؤثرتر و بیشتر بگیرند.

س.ک







ببرک کارمل

مبارزه با تروریسم در افغانستان

مبارزه با تروریسم در پاکستان

مبارزه با تروریسم در عراق

مبارزه با تروریسم در یمن

در چند سال اخیر که موج‌های کوچک مبارزه بلند گردیده است، به استناد قانون اساسی جدید نیروهای سیاسی مترقی از یکسو و نیروهای سیاسی ارتجاعی از سوی دیگر علیه یکدیگر به نبرد آشکار و علنی می‌پردازند. مهم‌ترین مسأله‌یی که در مرکز ثقل مبارزه‌این دو نیرو یعنی نیروهای عقبرای راست و نیروهای پیشرو چپ قرار دارد، مسأله نمایندگی از منافع اقلیت استثمارگر ستمگر و اکثریت عظیم استثمارشونده ستمکش می‌باشد. به این معنی که نیروهای ارتجاعی چه در وجود قوای ثلاثه دولت و اداره و چه در وجود احزاب دفتکوی خود در جبهه دفاع از منافع اقلیت کوچک طبقات حاکمه قرار می‌گیرند و در مقابل نیروهای ترقی‌خواه در جبهه دفاع از منافع اکثریت توده‌های وسیع خلق افغانستان دلبرانه موضع‌گیری می‌کنند.

وجود این نیروهای متخاصم و نبرد آن‌ها، در ماهیت امر برای نخستین مرتبه در کشور نمایندگی از مبارزه نسبی آگاهانهٔ طبقاتی می‌نماید. ارتجاع کشور پیوسته تلاش می‌ورزد تا تمام نیروهای خود را بسپح کند و پرچم مبارزه طبقاتی نیروی پیشرو را در واقع کشور «سرنگون» سازد. در واقع ارتجاع داخلی به همدستی ارتجاع امپریالیستی از خود مقاومت نشان می‌دهد تا چرخ تکامل جامعه را به عقب برگرداند، یا اقلأ آن را متوقف و یا کند سازد.

این نیروهای سیاه نمی‌توانند و با نمی‌خواهند بفهمند که «مبارزه طبقات، نیروی محرکه و منبع تکامل جامعه‌ای است که در آن طبقات متخاصم وجود دارد. این مبارزه تکامل جامعه را چه در دوران‌های نسبتاً «مسالمت آمیز» و چه مخصوص در دوران‌های طوفان‌های انقلابی به‌پیش می‌برد.»
نیروهای ارتجاعی که خود به نمایندگی از منافع طبقه استثمارگر و ستمگر به مبارزه می‌پردازند و به غرض تضعیف مبارزات آگاهانه

ترجمه

مبارزه با تروریسم در افغانستان

مبارزه با تروریسم در پاکستان

مبارزه با تروریسم در عراق

مبارزه با تروریسم در یمن

«پروگرام‌های زراعتی، توسط

دولت‌های انحصارگر منجر به خرابی بخش‌های وسیع‌تر دهقانان کوچک و متوسط می‌گردد. در این اواخر دهقانان در برابر این تدابیر مقاومت بیشتر نشان می‌دهند. به فعالیت‌های توده‌ای که از طرف خلق کارگر شهری پشتیبانی می‌شود دست می‌زنند. تقویه اتحاد کارگران و دهقانان شرط اساسی پیروزی مبارزه بر ضد انحصارات و قدرت آن‌ها می‌باشد.

سرمایه بزرگ منافع حیاتی اکثریت اقشار متوسط شهری را پایمال می‌کند. بنا بر آن، علی رغم عدم موجودیت اتحاد بین آن‌ها و مجذوبیت خاص شان به‌سوی ایدئولوژی بورژوایی، توده‌های وسیع قشرهای متوسط در دفاع از منافع خویش پیش می‌آیند، در مبارزه به خاطر خواست‌های دموکراتیک عمومی اشتراک می‌ورزند و بیش از پیش به اهمیت حیاتی عمل متحد با طبقه کارگر آگاهی می یا بند.

در این عصر که ساینس به نیروی مستقیم تولید مبدل می‌شود، عده روزافزون روشنفکران به صفوف مزد گیران و معاش خوران افزوده می‌گردند.

منافع اجتماعی آن‌ها با منافع اجتماعی طبقه کارگر تاب می‌خورد، آرزوهای خلاق آن‌ها با منافع

دانش پیشرو می‌آموزد که اقلیت

استثمارگر حتماً حکومت، شوری و قضا (قوای دولت) و دموکراسی و طبقاتی را رد و نفی نمایند. این آقایان هیچ نمی‌دانند و یا نمی‌خواهند شرافت دانستن را کسب کنند که در جامعه طبقاتی هیچ فکر و اندیشه‌ای و هیچ پدیده‌ای نیست که از وجود طبقات در جامعه سرچشمه نگیرد. مثلاً

استثمارگران بر استثمار شونده‌گان تبدیل می‌کنند. مثلاً این مفهوم که گویا در شورای فنودالی افغانستان اکثریت تصمیم می‌گیرد و اقلیت از آن تبعیت می‌کند، لذا دموکراسی واقعی در کشور وجود دارد از ریشه نادرست می‌باشند. این تمام معنی شیوه ارتجاعی استدلال است؛ زیرا در ین قضاوت خصلت طبقاتی شوری و «دموکراسی» در نظر گرفته نشده است.

از اینجاست که نیروهای پیشرو مترقی افغانستان باید متوجه این اصل علمی‌باشند که در جامعهٔ طبقاتی هیچ پدیده حیات اجتماعی و اقتصادی نیست که خصلت طبقاتی نداشته باشد و طبقات موجود در جامعه در وجود آن منافع طبقاتی خود را در نظر نگیرند. این حقیقت علمی و سرسخت بهر اندازه‌ای که برای نیروهای ارتجاعی وحشتناک باشد ولی برای نیروهای ترقی‌خواه و توده‌های وسیع خلق بهمان تناسب پر مضمون‌تر و نجات بخش تر است؛ زیرا مهم‌ترین مضمون سوسیالیزم را این حقیقت تشکیل می‌دهد. باید این حقیقت را به خط درشت نوشت و خاطر نشان ساخت که «مادامی که هرگونه امکان استثمار یک طبقه توسط طبقه دیگر به‌کلی از بین نرفته است، برابری واقعی و عملی هم نمی‌تواند وجود داشته باشد» عالی‌ترین تجلی آزادی - رهایی انسان از قید استثمار است و عدالت اجتماعی حقیقی مخصوص در همین امر ظاهر می‌گردد.

اکتون مسئله بسیار بسیار مهم این است که اقلیت استثمارگر چه در اوضاع و احوال کنونی و چه در جریان اوج جنبش و چه بعد از پیروزی هیچ‌گاه (مگر در تحلیلات

فریبنده اپورتونیست ها) و به هیچ صورت از مقاومت و دفاع از منافع د خود صرف نظر نمی‌کنند و نه تنها د تابع اکثریت استثمار شوندهگان نخواهند شد بلکه بعد از هر شکست با جدیت و حرارت بیشتر با کین و نفرت وحشیانه به نبرد غیر‌عادلانه، به مبارزه قهرآمیز، به اغتشاش، به فتنه گری و آشوب گری دست می‌زنند. برای چه؟ برای استحکام، تجدید و یا اعادهٔ قدرت خود، برای سنگر بندی بیشتر «زندگی مرفه و ترقی» خود و یا برای عودت «به باغ سعادت و راحت» از دست رفته خود، برای خاطر «نورچشمی‌ها و خانواده عزیز» خود که «عوام جاهل و بی‌سروپا» می‌خواهند آن‌ها را بی‌خانه و فقیر سازند و با آن‌ها را بکار وادارند. همیشه در این وضع است که برای نیروهای ترقی‌خواه پیشرو انتقال سریع به شکل دیگر قطب مبارزه موضوع جدی روز قرار می‌گیرد که نباید هیچ‌گاه آن را از خاطر دور داشت. همچنان با چنین اوضاع و احوال است که تاریخ تا پای جان مسئله وجود یا عدم وجود امتیازات صدها ساله اقلیت استثمارگر و ستمگر را در دستور روز قرار خواهد داد.

در اینجا جداً قابل یادآوری است که وظیفه عمومی ماست که باید تشخیص دهیم (۱) در جامعه طبقاتی میان اکثریت عظیم استثمار شوندهگان و اقلیت کوچک استثمارگران برابری وجود داشته نمی‌تواند (۲) زمانی که طبقات گوناگون در جامعه وجود دارند فقط می‌توان از دموکراسی طبقاتی سخن گفت که ما در شماره‌های آیندهٔ پرچم خلق در باره آن به‌تفصیل بحث خواهیم کرد؛ و اکنون وظیفهٔ عملی و عمده خود میدانیم که چگونه این دموکراسی صوری را که ماهیت فیودالی و بورژوایی بوروکراتیک آن کاملاً آشکار است

فریبنده اپورتونیست ها) و به هیچ

صورت از مقاومت و دفاع از منافع د خود صرف نظر نمی‌کنند و نه تنها د تابع اکثریت استثمار شوندهگان نخواهند شد بلکه بعد از هر شکست با جدیت و حرارت بیشتر با کین و نفرت وحشیانه به نبرد غیر‌عادلانه، به

مبارزه قهرآمیز، به اغتشاش، به فتنه گری و آشوب گری دست می‌زنند. برای چه؟ برای استحکام، تجدید و یا اعادهٔ قدرت خود، برای سنگر بندی بیشتر «زندگی مرفه و ترقی» خود و یا برای عودت «به باغ سعادت و راحت» از دست رفته خود، برای خاطر «نورچشمی‌ها و خانواده عزیز» خود که «عوام جاهل و بی‌سروپا» می‌خواهند آن‌ها را بی‌خانه و فقیر سازند و با آن‌ها را بکار وادارند. همیشه در این وضع است که برای نیروهای ترقی‌خواه پیشرو انتقال سریع به شکل دیگر قطب مبارزه موضوع جدی روز قرار می‌گیرد که نباید هیچ‌گاه آن را از خاطر دور داشت. همچنان با چنین اوضاع و احوال است که تاریخ تا پای جان مسئله وجود یا عدم وجود امتیازات صدها ساله اقلیت استثمارگر و ستمگر را در دستور روز قرار خواهد داد.

در اینجا جداً قابل یادآوری است که وظیفه عمومی ماست که باید تشخیص دهیم (۱) در جامعه طبقاتی میان اکثریت عظیم استثمار شوندهگان و اقلیت کوچک استثمارگران برابری وجود داشته نمی‌تواند (۲) زمانی که طبقات گوناگون در جامعه وجود دارند فقط می‌توان از دموکراسی طبقاتی سخن گفت که ما در شماره‌های آیندهٔ پرچم خلق در باره آن به‌تفصیل بحث خواهیم کرد؛ و اکنون وظیفهٔ عملی و عمده خود میدانیم که چگونه این دموکراسی صوری را که ماهیت فیودالی و بورژوایی بوروکراتیک آن کاملاً آشکار است

-۴-

## وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم ...

را در مبارزه ضد امپریالیزم و به خاطر دفاع از منافع شان بیابند. تنها اتحاد نزدیک با طبقه کارگر و پیش آهنگ کمونیستی آن می‌تواند روزنه‌های راستین انقلابی را بروی آن‌ها بگشاید.

یکی از میزات مهم دوران ما را به پیمان نه وسیع اشتراک زنان در مبارزه طبقاتی، جنبش ضد امپریالیستی و خاصتاً مبارزه به خاطر صلح تشکیل می‌دهد. مبارزات اعتراضی علیه تجاوز ایالات متحده امریکا در ویتنام این را به وضاحت کامل نشان داد. تعداد زنانی که در تولید و دیگر ساحات مصروف کار می‌باشند رو به افزایش است. شعور سیاسی آن‌ها بیشتر می‌شود و مبارزه آن‌ها به خاطر حقوق اقتصادی و اجتماعی فعال‌تر می‌گردد. کارگران اناث تقاضا نمی‌مایند که به هر نوع تبعیض در کارشان خاتمه داده شود، آن‌ها مدعی تساوی کامل در حقوق مدنی و خواستار یک پروگرام حمایه مادر و غیره می‌باشند. کارگران زنانه به‌صورت فعال‌تر در مبارزات کارگران و نیروهای دموکراتیک سهم می‌گیرند و به تعداد بیشتر در اتحادیه‌های کارگری داخل می‌شوند. احزاب کمونیست که زنا ن عضو در فعالیت‌های آن‌ها به اساس برابری کامل سهم می‌گیرند، به تأکید از خواست‌های شان پشتیبانی می‌نمایند و

شماره (بیستم و دوم- سال دوم)

پرچم

# وجود طبقات استثمارگر عمده در راه وحدت ملی

وارد بودن آن‌ها به تمام «امور» عادات، وسایل و امکانات و فریب دادن مردم، روابط وسیع آن‌ها در عرصه ملی و بین‌المللی و غیره. تجربه نشان می‌دهد که استثمارگران تا اخیر به مبارزه مرگ و زندگی ادامه خواهند داد و بی‌زودی و آسانی تسلیم نخواهند شد و به عملیات فتنه گرانه و تخریبی دست خواهند زد و تا آخرین نفس برای در دست داشتن و در دست گرفتن قدرت منبوحانه دست و پا خواهد زد. اگر ما این حقیقت تلخ را امروز طرح نکنیم و از آن آگاهی نداشته باشیم، مرتکب اشتباهات جبران ناپذیری خواهیم شد و هوشیاری را از دست خواهیم داد.

باید درنظرداشت که در کشور فنودالی ما ایدئولوژی عناصر فنودالی و امپریالیست پرست تسلط کامل دارد و ایدئولوژی بورژوایی و خرده بورژوایی روز تا روز نفوذ خود را بسط و توسعه می‌دهد و ما هنوز با آن‌ها مبارزه‌ای بسیار بسیار طولانی و بسیار مشکل در پیش داریم و با طرح ساده مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با ساده ساختن امر مبارزه تحت چند شعار انقلابی‌رانه نمی‌توان پیروزی علیه دشمنان خلق را کسب کرد. بخصوص اینکه هر روز رویز-یونیزم راست و «چپ» اپورتونیسم راست و «چپ»، دکگاتیسم و سکتاریزم در تمام جبهه‌ها و من‌جمله در جبهه نبرد ایدئولوژیک علیه طبقه کارگر، علیه پیشاهنگ راستین آن، علیه خلق به مبارزه خاننانه برمی‌خیزند و از راست و «چپ» به اقلیت کوچک مسلط استثمار گران داخلی (مرتجعین) و ارتجاع امپریالیستی همراهی می‌کنند.

ولی در هر صورت ایدئولوژی پیشرو به‌پیش می‌رود و اکثریت عظیم خلق پیروز می‌گردد و پرچم آزادی نیز در وطن واحد ما افغانستان که همانا رهایی انسان از استثمار است بر افراشته می‌گردد.

(در آینده راجع به دموکراسی طبقاتی به‌تفصیل سخن خواهم گفت).

آزادی زن را به حیث عنصر مهم

جنبش دموکراتیک عمومی می‌پندارند.

مثال کشورهای سوسیالیستی که در آن‌ها به زنان تساوی کامل تضمین

گردیده، برای مبارزه زنان جهان سرمایه داری اهمیت بزرگی جذب کننده دارد؛ و بنا بر وخامت قابل ملاحظه تضادهای اجتماعی، در بسیاری از کشورهای سرمایه داری شرایط اتحاد ضد انحصاری و ضد امپریالیستی جنبش انقلابی طبقه کارگر

و توده‌های وسیع مردم مذهبی به وجود آمده است. کلیسای کاتولیک و بعضی سازمان‌های مذهبی دیگر از یک بحران ایدئولوژیکی ای می‌گذرند که مفاهیم کهن و ساختمان‌های موجود آن‌ها را تکه‌تکه می‌کند. در بعضی کشورها همکاری مثبت و عمل مشترک بین کمونیست‌ها و توده‌های وسیع دموکراتیک کاتولیک و پیروان دیگر مذاهب رو به انکشاف است.

گفت‌وگوی که بین آن‌ها بر موضوعات جنگ و صلح، سرمایه‌داری و سوسیالیزم، استعمار نوین و پرابلم کشورهای رو به انکشاف بین آن‌ها صورت می‌گیرد از موضوعات عمده می‌باشد و عمل مشترک آن‌ها بر ضد امپریالیزم بسیار بوقت است. کمونیست‌ها معتقد اند که با این طریق توسط تماس‌های وسیع و عمل مشترک توده مردمان مذهبی در مبارزه ضد امپریالیستی و اجرای تغییرات عمیق اجتماعی به یک نیروی فعال مبدل شده می‌تواند.

در جریان مبارزه ضد انحصاری و ضد امپریالیستی شرایط مساعدی برای متحد ساختن تمام تمایلات در یک اتحاد



## پایان آخرین اجلاس ...

(واقعه ۸ قوس ۱۳۴۵) انجام دادند و سرسختانه و شجاعانه در موضع نمایندگی و دفاع اصولی از جریان پیشاهنگ خویش و منافع و مصالح خلق وطن محبوب ما افغانستان قرار گرفتند که به مناسبت اختتام دورهٔ چهارساله مبارزه پارلمانی در دوره دوازدهم شوری از نتایج کار فراکسیون پارلمانی خویش به شکل فورمولبندی شده زیرین یاد آوری می‌نماییم.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان برای نخستین بار در تاریخ کشور در ولسی‌جرگه از تربیون پارلمان، در مبارزه علیه ارتجاع فئودالی کشور، افشاء فساد دستگاه اداری دولت، ظلم و ستمگری آن و افشاء قانون شکنی‌های حکومت‌ها وسیع استفاده کرد، تحریکات و نفوذ استعمار نوین و امپریالیزم را برملا ساخت، علل فقر و سبیه روزی توده‌های وسیع خلق را تحلیل و راه رفع آن‌ها و نجات خلق را پیشنهاد نمود، از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم مجدانه دفاع کرد، برای نخستین بار مترقی‌ترین و انقلابی‌ترین مسایل را بر مبنای مرام دموکراتیک خلق افغانستان و خط مشی عمومی و جاری جریان دموکراتیک خلق افغانستان در ولسی‌جرگه مطرح کرد، برای اجرای اصلاحات عمیق اجتماعی و سیاسی و اداری، پیشنهادات و طرح‌های کلی عملی را ارائه نمود. برای نخستین مرتبه مساله اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی را بسود دهقانان تهیدست و اشتراک آنان طرح کرد، اصلاحات عمیق فرهنگی را مطابق به مقتضیات عصر بر مبنای فرهنگی و دانش مترقی و نوین مطرح ساخت.

فراکسیون جریان برای نخستین بار مبارزات داخل پارلمانی را با مبارزات خارج پارلمان تلقین کرد، در جهت گیری ولسی‌جرگه بجهت دفاع از آزادی‌های مصرح در قانون اساسی کشور و افشاء گری فساد دستگاه و عام ساختن مفاهیم ملی،

سیاسی به وجود می‌آید تا بتواند به‌طور قاطع نقشی را که انحصارات در اقتصادیات کشورهای ذی‌علاقه بازی می‌کند محدود سازد، به قدرت سرمایه بزرگ خاتمه دهد و چنان تغییرات بنیادی سیاسی و اقتصادی را به وجود آورد که مساعدترین شرایط را برای ادامه مبارزه به خاطر سوسیالیزم ایجاد کند. نیروی عمده درین اتحاد دموکراتیک طبقه کارگر است، اهداف فوق از همه طریق اشکال گوناگون عمل نیرومند توده‌ای و طبقه‌ی کارگر و وسیع‌ترین بخش‌های نفوس جامعه بدست آمده می‌تواند در حالی که کمونیست‌ها از تمام امکانات فعالیت پارلمانی استفاده می‌نمایند تأکید می‌کنند که جنبش توده‌ای طبقه کارگر و خلق کارگر عامل قاطع در مبارزه به خاطر دموکراسی و سوسیالیزم می‌باشد.

سقوط سیستم استعماری مواضع امپریالیزم را تا اندازه قابل ملاحظه ضعیف کرده است.

در دهه گذشته نقش جنبش ضد امپریالیستی مردمان آسیا، افریقا و امریکای لاتین در جریان انقلابی جهان رو به افزایش بود.

در بعضی کشورها این جنبش مضمون ضد سرمایه داری پیدا کرده است، در بسیاری از کشورهای آسیائی و افریقایی جنبش آزادی بخش ملی به مرحلهٔ جدیدی وارد گردیده است، در این منطقه عدهٔ زیادی از دولت‌های ملی پا به عرصه وجود نهادند که ساختمان سیا سی جهان را به مقیاس معتدبای تبدیل و توازن قوا را به زیان و امحای امپریالیزم تغیر

دموکراتیک و مترقی و در ایجاد صف متحد اپوزیسیون حکومت‌ها (به همکاری متحد بن صدیق خویش) که حتی تا یک ثلث وکلاء ولسی‌جرگه رسیده بود، نقش مؤثری ایفاء کرد. وضع قوانین دموکراتیک را طبق مطالبات مبرم خلق کارگر کشور پیشنهاد کرد، طی مباحثات متعدد راجع به بودجه کشور پیشنهادات جدی را عرض تعدیل اقلام غیرضروری بودجه و اصلاحات مالی ارائه نمود، از ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی دفاع و برای تأمین دموکراسی در جامعه مبارزه کرد.

مبارزه علیه فئودالیزم، استبداد، ارتجاع، استعمار و امپریالیزم، دفاع از حقوق زنان و حمایه اطفال، ایجاد سازمان‌های دموکراتیک توده‌ای، تشکیل آزاد احزاب سیاسی، دفاع از تظاهرات و اعتصابات، دفاع از جنبش‌های آزادی بخش ملی ضد امپریالیستی خلق‌های قهرمان ویتنام، عرب، خلق پهنونستان و بلوچستان و غیره، ایجاد و توسعه روابط دوستانه بر اساس برابری و عدم مداخله با کشورهای صلحبوست سوسیالیستی و دولت‌های ملی، دفاع از صلح جهانی و ده‌ها مطالب دیگر ملی و بین‌المللی از جانب فراکسیون پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در ولسی‌جرگه مطرح و دفاع گردید.

مبارزات پارلمانی فراکسیون دموکراتیک خلق افغانستان به میزان زیادی در امر ارتقای حیثیت و اعتبار جریان دموکراتیک خلق افغانستان و نیروی جذب آن در بین خلق و احیاء شعور سیاسی و اجتماعی مردم و بیداری ایشان، کمک کرد. چنانچه در جلسات رأی اعتماد بر حکومت بناغلی اعتمادی صدراعظم بیابینه‌های چهل دقیقه‌ای فراکسیون پارلمانی ما که از تربیون پارلمان ایراد و توسط رادیو افغانستان پخش گردید - میلیون‌ها نفر مستقیم و غیرمستقیم آن را استماع کردند نقش بزرگی را در جهت بیداری خلق و نفوذ و حیثیت

می‌دهد. امپراتوری‌های کهن استعماری تقریباً به‌طور کامل از بین رفته‌اند.

آزادی جنوب افریقا به‌مثابه یکی از آخرین ساحات تحت تسلط استعماری برای آینده افریقا و مرام صلح اهمیت بزرگی دارد. مبارزه مسلحانه که درین ساحه از طرف مردم انگولا، موزنبیق، گنی، بساو، زیمبابوی، نامیبیا و افریقای جنوبی پیش برده می‌شود، ضربات سنگینی بر ائتلاف رژیم‌های فاشیستی و نژادی که از طرف امپریالیست‌ها پشتیبانی می‌شوند، وارد می‌کند و راه را برای پیروزی‌های جدید انقلاب افریقایی می‌گشاید.

جنبش آزادی بخش عرب در نبردی که بر ضد امپریالیزم جهانی پیش برده می‌شود نقش برجسته‌ی بازی می‌کند، این جنبش تأثیر مثبتی بر تمام جنبش ضد امپریالیزم و ضد استعمار نو در شرق میانه و افریقا وارد می‌کند. مبارزهٔ خلق‌های عرب بر ضد امپریالیزم و تجاوز اسرائیل جزئی از مبارزه عمومی است که در سراسر جهان بین نیروهای آزادی و سوسیالیزم در یک طرف و امپریالیزم جهانی در طرف دیگر جریان دارد.

رشد جنبش آزادی بخش ملی و ترقی اجتماعی خلق‌ها درین منطقه که از نظر سوق‌الجیشی حایز اهمیت است و دارای منابع غنی نفتی می‌باشد، نفرت شدید امپریالیست‌ها و انحصارات نفتی را که بر ضد این نهضت در توطئه می‌باشند و به جنگ‌ها و اعمال تجاوزکارانه متوسل می‌شوند بر می‌انگیزد.

## پایان آخرین اجلاس ...

پیشاهنگ ما در میان مردم ایفا کرد. فراکسیون پارلمانی جریان ما بنا بر ماهیت حکومت‌ها در جلسات طرح موضوع رأی اعتماد بر حکومت‌های وقت رأی عدم اعتماد داده است. جریان دموکراتیک خلق افغانستان با درک این حقیقت که فراکسیون دموکراتیک خلق افغانستان در شرایط بسیار دشوار و نامساعد، باوجود طئه‌های گوناگون ارتجاع وظایف ملی و اجتماعی خود را در چوکات اصول مترقی با کمال شجاعت و دلیری و وفاداری به آرمانه‌ای شریف خلق‌های زحمتکش افغانستان و اهداف انقلابی جریان دموکراتیک خلق افغانستان ایفاء نموده‌اند، افتخار و مباهات می‌نماید.

مبارزات قهرمانانه فراکسیون پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغانستان نشان داد هنگامی‌که زنجیر اصول استوار و محکم گرفته شود، شهادت انقلابی و اخلاق مترقی در بین باشد، برخلاف ادعای چپ روانه انقلابی نماها امکان استفاده از تربیون پارلمان به نفع خلق و افشای ظلم و بی‌عدالتی اجتماعی وجود دارد.

**یادداشت:** جا دارد که بحث مفصلی پیرامون مبارزات پارلمانی در کشور و نتایج کار فراکسیون پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغانستان، توأم با تحلیل مختصری از اوضاع اجتماعی و سیاسی کشور و حکومت‌ها طی این چهار سال و ماهیت شوری صورت گیرد. بدین لحاظ هیات تحریریهٔ پرچم وظیفه خود می‌داند تا در وقت مقتضی تحلیلاتی را به استناد بیابینه‌های متعدد فراکسیون پارلمانی دموکراتیک خلق افغانستان که در حدود دو صد بیانیه در شئون مختلف حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و مسایل مهم جهانی طی چهار سال مبارزه پارلمانی دورهٔ دوازدهم شوری می‌باشد ارائه کرده و مورد ارزیابی قرار دهد و آن را به‌پیشگاه قضاوت خلق دلیر و نجیب وطن تقدیم نماید.

تعمیق تغییرات اجتماعی و اقتصادی جبهات متحد مترقی، آزادی‌های دموکراتیک توده‌ها و فعالیت نیروهای مترقی ملی من‌جمله عوامل دیگر برای دادن جواب ندندان شکن به این اعمال ویی اثر ساختن دسایس و حفظ تمام دست آوردها دارای اهمیت بزرگی است.

در کشورهای نو به استقلال رسیده تفریق اجتماعی رو به انکشاف است، تصادم بین طبقه کارگر، دهقانان و دیگر نیروهای دموکراتیک به شمول بخش‌های، خرده بورژوازی دارای ذهنیت وطن‌پرستانه از یکسو، امپریالیسم و نیروهای ارتجاع خانگی و آن عناصر بورژوازی ملی که بیش از پیش با امپریالیزم معامله می‌کند از سوی دیگر حادتر می‌گردند.

در عدهیی از دولت‌های جوان نقش اجتماعی و فعالیت سیاسی طبقه کارگر افزایش یافته است. اهمیت پیوندهای بین‌المللی بین پرولتاریای جوان کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین و طبقه کارگر کشورهای سوسیالیستی و دولت‌های سرمایه داری بیشتر می‌شود. دهقانان رنجبر که نیروهای بالقوه بزرگی انقلابی دارند، در مبارزه ضد امپریالیزم و به خاطر تحکیم استقلال دولت‌های جوان سهم فعالی می‌گیرند. کمونیست‌ها فعالیت شان را در بین توده‌های دهقانی شدت می‌بخشند و ایدئولوژی پرولتری را در بین آن‌ها پخش می‌نمایند.

در اکثریت دولت‌های مستقل آسیا و افریقا توأم با تحکیم و حفظ استقلال سیاسی و حاکمیت ملی پرابلم های

## خیل وطن او ...

نشی کولای هغو مسئلو ته چه ژوند ئي مطرح كړی علمی خُواب ورکړی سره نه دی ځکه دا خلی امپریالیستی ارتجاع دغه حقیقت نه منی او غواري په درواغو او افترا د علمی سوسیالیزم عالیه انديبننی توری کړی او له سرمایه داری څخه دفاع وکړی، چه نه غواری نسکوره شی د زحمتکشانو د علمی جهان بڼنی مننه او زده کول او زموږ د عصر د پیشروی ایدئولوژی قبول د خلکو پراخو پرگنو دپاره د آزادی بڼوونکی وسیلی او قطب نما په څیر ده خو زموږ د هیواد د حاکمه ارتجاعی محفلونو دپاره یو هلاک کونکی او غیرقابل تصور شی ده.

خو باید په نظر کی ولرل شی چه د زحمتکشانو د علمی جهان بڼنی زده کړه هیڅکله د هغی د کلی اصولو د یادولو او ویلو او د پیچلیو موضوعاتو د ساده کولو او د هغی په عامو قوانینو باندی د وچ کلک او مجرد اعتقاد معنی نلری.

داسی زده کړه نه یواځی نشی کولای د پیکارجویانو د انقلابی نهضت د عمل لارښوونکی شی، بلکه په ډیرو مواردو کی نهضت له هغه څخه لوی او درانه زیانونه وینی. د پیشرو او مترقی عناصرو وظیفه داده چه د خپلی ټولنی مشخص قوانین درک کړی او د علمی جهان بڼنی کلی اصول او احکامو ته د خپل ویلی عینی شرایطو سره تطابق ورکړی. لویه اشتباه به وی که د علمی جهان بڼنی له کلی اصولو څخه نقل قولونه او حفظ شوی فورمولونه، نصیحتونه او نسخی او د دغه یا هغه سوسیالستی معین هیواد او کارگری نهضت او سوسیالیزم د پاره د رشد او د انتقال واحد شکل ولیکلی شی او هغه د هر وخت او هر ځای لپاره مطلق او گټور وگڼل شی. «څوک چه غواری د کارگرانو لپاره له خانه نسخه اختراع کړی چه د ژوند د ټولو مواردو لپاره لا پخوا تیاره شوی او چمتو

اساسی ترقی اجتماعی عبارت‌اند از غلبه یافتن بر عقب ماندگی اقتصادی، ایجاد یک اقتصاد مستقل ملی به شمول صنایع خودشان و بلند بردن معیار زندگی مردم، حل این پرابلم ها تغییرات عمیق اجتماعی، اقتصادی، اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی به نفع دهقانان کارگر و به اشتراک آن‌ها، امحای روابط کهنه فیودالی و ماقبل فیودالی، خاتمه دادن به ستمگری انحصارات خارجی، دموکراسی ساختن عمیق حیات اجتماعی و سیاسی و دستگاه دولت، احیای مجدد فرهنگی ملی و انکشاف دادن سنن مترقی آن تقویهٔ احزاب انقلابی و در جایی که وجود نداشته باشد تشکیل چنین احزاب را ایجاب می‌نماید پرابلم های مبرم انکشاف اجتماعی این دولت‌ها نه تنها موضوع مبارزه حد بین مردمان این کشورها و استعمار گران نوین است بلکه همچنان موضوع نزاع اجتماعی داخلی نیز می‌باشد، تأسیس روا بط دوستانه برای کشورهای مستقل آسیا و افریقا و همکاری مؤثر با کشورهای سوسیالیستی اهمیت بزرگی دارد. در تحت تأثیر شرایط انقلابی دوران ما، اشکال مختلف رشد مترقی اجتماعی کشورهای نو به آزادی رسیده به ظهور پیوسته و نقش نیروهای انقلابی و دموکراتیک تسریع گردیده است. بعضی از دولت‌های جوان راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش گرفته‌اند، این راهیست که امکان غلبه یافتن بر عقب ماندگی

تصمیمونه پکنیی خای شوی وی... هغه ته باید صاف او ساده شارلاتان وویل شی.» (دکوچینوالی ناروغی).

خلاقه علمی جهان بڼنی وایی چه باید د هر هیواد نامنکشفی لاری پخپله د هغه هیواد پیشرو او ترقی غوښتونکو عناصرو له خوا د اجتماعی تکامل د تیوری د عامو قوانینو څخه په استفادی کولو سره کشف کرل شی او د هغه پر مینا د هغو د علاج نسخی ولیکی، خپل اجتماعی، ملی او دولتی تمایزات او خصوصیات د خپل هیواد په مشخصو شیوو کی تحقیق، بررسی، تفحص او درک کړی. د دغه تاریخی ماموریت د سرته رسولو لپاره ده چه موږ باید تر هر څه له مخه د خپل وطن او ټولنی د خصوصیاتو هر اړخیزه تحقیق او کتنی ته پاملرنه وکړو، ځکه «وطن چه عبارت له سیاسی، ثقافتی او اجتماعی معین محیط څخه دی د زحمتکشانو په طبقاتی مبارزه کی تر ټولو ډیر پیاوری عامل دی.»

لدی کبله بی د وطن له پیژندگلوی څخه نشی کیدای چه په طبقاتی مبارزه کی بریالیټوب تر لاسه شی. د ټولنی او وطن پیژندگلوی باید له مختلفو خواوو او هر اړخیزه وی لکه اقتصادی او اجتماعی شرایط، تولیدی قواوی، اجتماعی طبقات فیوډالی خصوصیات، ملی، محلی، قومی، نژادی، قبیلوی ترکیب، دولت، قوانین، اخلاق، مذهب، فرهنگ او هنر، دود او دستور، زموږ د خلکو د مبارزو عنعنی او روایات او داسی نور، چه البته دغه کار بی د هیواد جامعه شناسی، له ژوری مطالعی څخه ممکن ندی. ولی باید په تاسف سره اظهار شی چه تر اوسه زموږ د پیشروو مبارزانو له ډلی څخه ډیر د هیواد د «سیاسی، بشری، اقتصادی و طبیعی» تاریخ او جغرافیی په باره کی، د افغانی ټولنی په باره کی چه په هغه کی ژوند کوی، سم معلومات نلری او په نتیجه کی نشی کولای د میراث گذشته استعماری را بدست می‌دهد و شرایط گذار به راه رشد سوسیالیستی را به وجود می‌آورد. درین کشورها جهت گیری سوسیالیستی از طریق غلبه بر مشکلات و آزمایش بزرگ، راه خود را به‌پیش باز می‌نماید. این دولت‌ها مبارزه پیگیری را بر ضد امپریالیزم و استعمار نو پیش می‌برند.

کشورهایی که راه رشد سرمایه داری را در پیش گرفته‌اند قادر نبوده‌اند هیچ‌یک از پرابلم های را که در برابر آن‌ها قرار دارد حل نمایند، درین کشورها که به نارضایتی‌های روز افزون مردم مواجه‌اند نیروهای ارتجاعی داخلی به پشت‌یبانی امپریالیزم حملات شان را بر آزادی‌های دموکراتیک شدت می‌بخشند، در عده از کشورها جنبش‌های دموکراتیک و وطن‌پرستانه توده‌ای را به طرز وحشیانه‌ی سرکوب می‌نماید. بین گروه‌های ملی، سری، مذهبی، قبیلوی و لسانی اختلافات را دامن می‌زنند و بدین وسیله استقلال بدست آمده این کشورها را صدمه می‌زنند.

امپریالیست‌ها به آن کشورهای که رژیم‌های مترقی دارند خصومت خاص نشان می‌دهد. برای اینکه امپریالیست‌ها این کشورها را از راهی که انتخاب نموده‌اند برگردانند تلاش می‌ورزند احزاب سیاسی این رژیم‌ها را تخریب نمایند و مؤسسات تعلیمی و فرهنگی و وسایل کتلوی مخابرات را تحت نفوذ خود قرار

علمی او انقلابی جهان بڼنی زده کړی ته د هیواد له خاصی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی او فرهنگی وضعی سره سمون ورکړی او هغه زموږ د ملت له پیژندگلوی سره نژدی کړی.

باید توجه وشی که د علمی جهان بڼنی د اصولو یادول او زده کول آسانه دی، خو د هیواد په شرایطو کی دهغو تطبیقوب ډیر مشکل او پیچلی دی چه د یو څو مترقی عناصرو، محفلونو اشتباه گانی هم لدغه خایه څخه شروع کیږی.

افغانستان د اشیا په زړه بی یو له ډیرو پخوانیو او خاصو هیوادو څخه دی. زموږ د هیواد د خلکو تاریخی او ملی ترکیب مغلق او پیچلی دی. سیاسی، اجتماعی او فرهنگی خصوصیات د استعمار د نفوذ سوابق د مرکزی او محلی فیودالی حکومتونو سلطه، د گاونډیو هیوادو تاریخی پیوند او رابطی زموږ د خلکو او د هیواد له تاریخ سره ټولی هغه مسئلی دی چه بی د تاریخ له دقیقه مطالعی او بی د نوموړیو خصوصیاتو له پیژند گلوی څخه نشی کیدای د افغانستان د راتلونکی رشد د تکامل خاص قوانین کشف کرل شی.

نو پدغه باره کی باید نوره ټنبلی او سستیا یوی خوا ته کړو، او باید وطن سیمه په سیمه، سر تر سره، له پرون ورځی تر نن ورځی پوری په ژوره او هر اړخیزه توگه مطالعه او و پیژندل شی. د وطن له وپاره ډک او زاړه تاریخ او د خلکو د مبارزو له سننو سره آشنائی پیدا شی او له نوی تاریخ، ورځینو پېښو له جریان سره د هیواد د نوی آزادی بڼوونکی نهضت د اوضاع له تحولاتو او بدلونو سره پیوند کلک شی او په نتیجه کی تشخیص شی چه د زحمتکشانو د علمی جهان بڼنی د اصولو او احکامو په اساس او هغو ته د وطن او ملی ټولنی په شرایطو کی په خلاق ډول د

( څلورم مخ)

دهند، فعالیت‌های انقلابی را توسط گماشتگان خود سازمان دهند و از عناصر ارتجاعی در دستگاه دولت و قوای مسلح پشتیبانی نمایند.

امپریالیست‌ها تعصبات ضد کمونیستی را به‌منظور ایجاد تفرقه بین وطن‌پرستان مورد استفاده قرار می‌دهند.

راه اجرای وظایف انکشاف ملی و مترقی اجتماعی و دادن جواب مؤثر به دسایس استعمارگران نوین در اینست که سویه فعالیت مردم بلند برده شود، در نقش پرولتاریا و دهقانان افزایش به عمل آید، جوانان کارگر، محصلان، روشنفکران، قشرهای متوسطه شهری و محافل دموکراتیک نظامی تمام نیروهای وطن پرست و مترقی گرد هم جمع و متحد ساخته شوند همین اتحاد است که احزاب کمونیست و کارگری خواستار آن‌اند. ملی و آینده سوسیالیستی خلق‌های شان مبارزه می‌نمایند. آن‌ها حامل اندیشه‌های سوسیالیزم علمی هستند و در پیشاپیش جنبش آزادی بخش ملی می‌جنگند. این جنبش مترقی اجتماعی خلق‌ها در کشورهای نو به آزادی رسیده همکاری نزدیک بین احزاب کمونیست و کارگری و دیگر نیروهای وطن‌پرست و مترقی را ایجاب می‌کند. روش خصمانه در برابر کمونیست‌ها و تحت تعقیب قرار دادن آن‌ها مبارزه در راه نجات ملی و اجتماعی را صدمه می‌زند.

**(باقی دارد)**





د افغانستان د خلکو دموکراتیک امارت وخت

۲۷ اسد ۱۳۴۸

## «بگذار آسیائی‌ها بر ضد آسیائی‌ها بجنگند!»

ریچارد نکسن در آغاز سفر مختصر خود به کشورهای آسیایی و رومانیا در جزیره گوام اعلان نمود که پس ازین ایالات متحده امریکا در آسیا از سیاست جدیدی پیروی خواهد کرد، خطوط اساسی «سیاست جدید آسیایی» امریکا عبارت‌اند از:

- عدم اشتراك مستقیم نظامی در کشورهای آسیا به‌استثنای مواردی که کدام یک از کشورهای آسیایی مستقیماً از طرف کدام قدرت نژوی مورد تهدید واقع گردد.

- حکومت‌های آسیایی مسئولیت حفظ خود را خود به عهده خواهند داشت و حکومت امریکا، به آن‌ها صرف مشوره خواهد داد و می‌تواند به تریبۀ پرسونل و امداد تخنیکي و تجهیزات از طرف امریکا حساب نمایند، ولی ارسال مستقیم عساکر امریکا جهت کمک به آن‌ها مشکل خواهد بود.

مطبوعات امریکایی تلاش دارند «سیاست جدید آسیایی» محافل حاکمه امریکا را به‌مثابه دکتورین جدید سیاسی و نظامی در کشورهای آسیایی وانمود کنند.

از بیانات نکسن و دیگر رجال سیاسی و مطبوعات امریکا، اگر انسان باور کرده بتواند چنین بر می‌آید که «ویتنام جدیدی» در آسیا به وجود نخواهد آمد و پرابلم ویتنام «کهن» از طریق مذاکره حل و فصل خواهد گردید. دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیزم امریکا سعی می‌کند موضوع اخراج بیست و پنج هزار عسکر امریکایی را از ویتنام «ابتکار حسن نیت ایالات متحده امریکا به‌منظور رسیدن بیک فیصله راجع به ویتنام» نشان دهند. ولی طوری که در نهاد امپریالیزم است هنوز سفر نکسن خاتمه نیافته بود که اصطلاح دکتورین جدید سیاسی و نظامی به ناکامی مواجه شد و حتی شخص مستر نکسن، مبتکر این دکتورین نتوانست به آن پابند باشد.

ریچارد نکسن در اثناء اقامت خود در بنکاک پای تخت تایلند به زمامداران آن کشور که مملکت خود را به یک پایگاه نظامی امریکا در جنوب شرق آسیا در آورده‌اند و در خصومت با جنبش آزادی بخش ملی و اندیشه‌های مترقی از محافل حاکمه امریکایی، امریکایی‌تر اند، اطمینان داد که ایالات متحده امریکا در برابر هرگونه تهدید از داخل، از طرف مردم تایلند باشد، یا خارج به‌افتخار در پهلوی زمام داران تایلند ایستاد خواهد شد.

نکسن در اثنای توقف مخفی و مختصر خود در سیگون ضمن تشریح

اهداف جنگ ویتنام به عساکر امریکایی که نمی‌دانند برای چه در ویتنام می‌جنگند، گفت که جنگ ویتنام درخشان‌ترین لحظهٔ تاریخ امریکا می‌باشد. فرار راپور فرانس پرس جنرال‌های رژیم سیگون نیز از نتیجه سفر بناعلی ریچارد نکسن راضی معلوم می‌شوند و به آن‌ها اطمینان داده شده است که امریکا پیروان خود را تنها نمی‌گذارد. از بیرون کشیدن بیست و پنج هزار امریکایی که برای چندی سروسدای زیادی داشت، درین اواخر نه تنها بسیار کم شنیده می‌شود بلکه قرار راپور یونایتدپرس انترناسیونال (پو، پی، آی) اگر در ظرف این مدت از یک طرف ۶۳۰۰ نفر افراد و صاحب منصب نظامی امریکا از ویتنام جنوبی خارج ساخته شدند از جانب دیگر ۵۶۰۰ نفر صاحب منصب و افراد جدید نظامی امریکایی به ویتنام جنوبی آورده شدند، یکی از سناتوران امریکا پرده از روی حقایق برداشته اظهار می‌نماید که تعداد عساکر امریکایی در ویتنام جنوبی از زمانی که ریچارد نکسن زمام امور را در دست گرفته نه تنها کم نشده بلکه ۳۵۰۰ نفر به تعداد آن افزوده شده است.

و این و ده‌ها دلیل دیگر نشان می‌دهد که قرار قول روز نامه جمهوریبه چاپ قاهره «سیاست جدید امریکا در آسیا» جز فریب آشکار چیزی دیگری نیست. روزنامه مذکور می‌نویسد: «مقصد این سیاست خاتمه دادن به تجاوز نه بلکه توسعه و تشدید تجاوز می‌باشد، هد ف سیاست جدید امریکا در آسیا این نیست که به تقاضاهای مردم جواب گوید بلکه هدف آن خاموش ساختن صدای مردم به خاطر نقشه‌های امپریالیستی می‌باشد.»

هیئت نمایندگی امریکا در مذاکرات پاریس هیچ‌گونه تغییر روشنی در روش خود نشان نداده است.

به این صورت می‌بینیم که «سیاست جدید امریکا در آسیا» جزء یک نقشه جدید امپریالیستی چیز دیگری نیست. هدف این نقشه یا دکتورین جدید سیاسی و نظامی نکسن مانند دکتورین مشهور جانسن جز این نیست که بار دیگر امریکا می‌خواهد در ویتنام جنوبی و دیگر کشورهای آسیائی ذی‌علاقه حکومت‌های دست نشانده فعال گردد تا در برابر جنبش آزادی بخش ملی کشورهای شان جنگیده بتوانند و به این قاعده مشهور استعماری تحقق بخشید که می‌گوید «بگذار آسیائی‌ها در برابر آسیائی‌ها بجنگند.»

### پرچم

<b>ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان</b>	
<b>صاحب امتیاز<span> </span>:</b>	<b>سليمان لايق</b>
<b>مدیر مسوول:</b>	<b>میر اکبر خيبر</b>
<b>تيلفون:</b>	<b>۲۳۱۶۴</b>

مطبعه دولتی

## اخبار هفته گذشته

**در هند:**

- اندیراگاندی صدراعظم هند نسبت به این عمل رهبران مذهبی که به نام سهم بودا هزارها تن غله را آتش زدند، شدیداً اعتراض کرده است. میرمن اندیراگاندی می‌گوید، در حالی که هزاران انسان از گرسنگی رنج می‌کشند، رهبران مذهبی هزاران تن غله را می‌سوزانند و این یک جنایت است.

- چاوان، وزیر داخله هند اظهار داشت: حکومت هند با اطمینان و قاطعیت به‌منظور ملی نمودن فابریکه ها و بانک‌ها گام بر می‌دارد. در آینده فابریکات قند، سمنت و غیره ملی خواهد شد.

**در شرق میانه:**

حکومت امریکا علی رغم مخالفت کشورهای عربی به اسرائیل پنجاه عدد طیاره نوع فانتوم می‌دهد. جراید عربی این عمل امریکا را شدیداً مورد انتقاد قرار داده‌اند. الاهرام می‌نویسد: امریکا سلاح بدست اسرائیل می‌دهد تا اعراب را از بین بردارد. یک روز نامه دیگر عربی می‌نویسد: حالا ماهیت سیاست امپریالیزم امریکا که مبنی بر تجاوز می‌باشد بیش از پیش آشکار شد. به دولت سودان فروش طیارات فانتوم امریکا را به اسرائیل: مو رد اعتراض شدید قرار داده است

- دولت سودان اعلامیه‌ای را انتشار داده که در آن گفته می‌شود: مسئولیت تشدید جنگ در شرق میانه بر عهده امریکا است. امریکا سلاح به دست اسرائیل می‌گذارد تا گلوله‌های آن به سینه مردمان جمهوریت عربی متحد، سوریه و اردن اصابت کند.

**در ایالات متحده امریکا:**

- نطق وزارت خارجه امریکا اظهار داشته است: حکومت امریکا برای ساختن سلاح کیمیای و میکروبی بودجه زیادی را مصرف می‌کنند و ذخایر این سلاح‌ها علاوه بر آنکه در خود ایالات متحده امریکا وجود دارد در آلمان غرب و جاپان (اوکیناوا) نیز موجود می‌باشد.

- هزاران نفر در هفته گذشته در نیویارک به‌عنوان مخالفت با ساختن سلاح کیمیای و میکروبی دست به مظاهره زدند، آن‌ها شعار می‌دادند: از ساختن و ذخیره اسلحه کیمیای و میکروبی جلوگیری کنید! این سلاح‌ها نسل بشر را تباه می‌کند! بترسید از روزی که یکی از این سلاح‌ها در قصر سفید منفجر گردد!

- به مناسبت سال ۲۴ حادثه هیروشیما، در امریکا مظاهرات بزرگ علیه جنگ برپا شده است. در آخرین مظاهره که در نیویارک صورت گرفت صدها شعار ترتیب شده بود که در آن‌ها نوشته بودند: خون ریزی در ویتنام بس است! ما جنگ ویتنام را محکوم می‌سازیم! مردم امریکا به وسایل زندگی ضرور ت دارند نه جنگی! امریکا باید از آسیا خارج شود! جوانان ما را به وطن باز گردانید!

- یکی از سنا توران امریکا اظهار داشته است، نیم میلیون نفر در امریکا مبتلا به هروئین شده‌اند، امریکا فعلاً مرکز گرد کشنده شده است.

**در ترکیه:**

مجله آنگ چاپ انقره می‌نویسد: فعلاً ترکیه در آستانه انتخابات قرار دارد، احزاب بورژوازی که مربوط به طبقات فودالی و سرمایه داری و نظامیان و غیره می‌باشند کاری برای مردم ترکیه انجام داده نخواهند توانست، تنها حزبی که به مردم خدمت می‌نماید حزب کارگر ترکیه است این حزب مدافع حقوق مردم است. حزبی که ملاک قضاوت و هدف آن منافع مردم است باید انتخاب شود، نه احزاب ضد مردمی.

**در ایتالیا:**

حزب کمونیست ایتالیا به علت بحران سیاسی در ایتالیا اعلامیه‌ای نشر کرده است که در آن گفته می‌شود: اگر تغییرات در وضع سیاسی و اجتماعی ایتالیا رخ ندهد اوضاع بدتر خواهد شد. فعلاً حزب کمونیست ایتالیا بزرگترین و قوی‌ترین حزب در ایتالیا می‌باشد.

## زندان بزرگ برای ۱۵ میلیون پنجصد هزار افریقایی

معلمی بنام دیسموند فرانسس ضمن شهادت بیک گروپ مخصوص متخصصین که از طرف کمیسیون حقوق بشر ملل متحد صلاحیت داده شده است تا وضع کشورهای جنوب افریقا را تحقیق کند اظهار داشت که زندانیان سیاسی در زندان‌های افریقای جنوبی مورد شکنجه‌های وحشیانه قرار داده می‌شوند. شهادت دیگری، م. شاپ سکرتر جنرال کانگرس اتحادیه کارگری جمهوریت افریقای جنوبی تصویر دهشتناکی از وضع جمهوری افریقای جنوبی را که حامیان آیارتاید (تبعیض

د امپریالیزم او د فیودالیزم په ضد د افغانستان د خلکو ملی آزادی بښونکی، مبارزه لا پای ته نه ده رسیدلی. خپلواکی د سیاسی خپلواکی په ټینگولو او د اقتصادی خپلواکی په گټلو سره بشپړیږی.

یواری د سیاسی خپلواکی په گټلو سره زموږ ملی آزادی بښونکی انقلاب پای ته نه رسیږی؛ که خپلواکی له ژورو دموکراتیکو اجتماعی، اقتصادی، سیاسی او فرهنگی تحولاتو سره پای ته ونه رسیږی، استقلال به ضعیف او سست بڼیاده وی!

د تاریخ په اوسنی مر حله کی زموږ اساسی وظیفه داده چه د ملي خپلواکی، دموکراسی، اجتماعی ترقی، او سولې او آزادی په خاطر افغانستان د خلکو ملی او دموکراتیک ضد امپریالیستی او ضد فیودالی نهفت د وروستی پړاو په لور د سوق کولو دپاره له ملي او بین‌المللی

# کمیته مرکزی هیأت

نظارت انتخابات و مقامات مربوط حکومت

باید جداً توجه کنند!

طبق اطلاع در اثر اعمال نفوذ

عنصر متنفذ معلوم‌الحال در ولسوالی سرپل ولایت جوزجان مقام ولایت و قوماندانی امنیه آن ولایت دست به مداخلات در امور انتخابات و تهدید و تخویف رأی دهندگان زده و در برابر کاندید وطن پرست سید عبدالحکیم شرعی جوزجانی از وی جانب‌داری می‌نمایند. به سلسله این جانب‌داری‌ها یکی تعیین مرکز سوم رأی گیری در قریه خواجه یگانه است که فقط به‌منظور خاصی علناً به نفع کاندید متنفذ معلوم‌الحال به عمل آمده است نه به خاطر سهولت رأی دهندگان و درین زمینه به مشکلات و اعتراضات اهالی سرپل از طرف مقامات مربوطه ترتیب اثری داده نشده است. باید خاطر نشان ساخت که شرعی جوزجانی این فرزند صدیق وطن در دوره دوازدهم شوری نیز کاندید ولسوالی سرپل بود که در ر اثر مداخله صریح مقامات حکومتی عمداً به نفع متنفذ مذکور ناکام گردید که این مساله باعث عکس‌العمل جدی اهالی شریف و وطن‌پرست سرپل شد. این مداخله مشهود و همچنان حادثه ستمگری بر دهقانان رنج‌دیده سرپل و ده‌ها ستم دیگر همه دست بست هم داده و موضوع ولسوالی سرپل را

ما توجه جدی مقامات مربوط را در مسأله تأمینات آزادی انتخابات در ولسوالی سرپل خواهانیم؛ زیرا طبق اطلاع درین دوره اکثریت عظیم اهالی وطن‌پرست و نجیب سرپل مصمم هستند که وکیل واقعی خود را برای دوره سیزدهم شوری (در ولسی‌جرگه) انتخاب کنند و در دفاع از موضع قانونی خود مقاومت به خرج دهند.

واقعیت حکم می‌نماید که نباید در دفاع از یک متنفذ و بنا بر ارتباط شخصی مصالح عالیه ملی و قانون را زیر پا کرد.

## نامه شاگردان لیسه مهری هرات

یک مدت باشد) محروم گردیدند.

ایشان در خیرنامه خود متذکر می‌شوند که این عمل خلاف قانون مقامات مربوطه باعث انزجار مردم گر دیده است و باید مقامات مربوط برین تصمیم خود مبنی بر اخراج شاگردان لیسه مهری و محروم ساختن شان از ادامه تحصیل، تجدیدنظر

(از ص اول)

## خپل وطن او ټولنه...

انطباق ورکولو په توگه کیدای شی بریالیټوب ممکن نه دی.

عمومی او جاری پا لیسې علماً تنظیم - باید همت وکړای شی چه پورتنیو شی او د مبارزې او نهضت ورځنی اصولو ته زموږ د ټولنی په شرایطو شعارونه په صحیح ډول راویستل شی، کی انطباق ورکړل شی. د دغه ارمان نامنکشفی لاری کشفی شی او په نتیجه د پوره کولو لپاره باید هڅه وشي چه کی تشخیص شی چه په اوسنیو خپل وطن او ټولنه په هر اړخیزه ډول شرایطو کی «خلک» څوک او وپېژنو او د ملی مشخص اوضاع او «بښمن» کوم دی، وطن څه شی دی احوالو په باره کی خپله آگاهی او او زموږ د وطن دښمنان او دوست معلومات زیات کړو او د ټولنی د څوک دی، د افغانستان د راتلونکی رشد بدلونو او تحولاتو په جریان سره سم او تکامل نبض په کوم ځای کی وی او پیوند وساتو.

د علاج لاره ئې کومه ده؟

دغو وظیفوی له سرته رسولو سره او زموږ پیښرو مبارزان باید له دی سره په ورځنی اجتماعی مبارزه کی په عملی گڼون کولو سره کیدای چه د یوه سم:
- تر هر څه له مخه د علمی جهان بینی پیش آهنگ مبارز د نامه افتخار خانته خلاق اصول زده کړی، ځکه چه بی له ورکړو او د وطن په آزاد ی بښونکی دغه قطب نما څخه زموږ د آزادی دموکراتیک ملي او مترقی جنبش کی بښونکی ملی او اجتماعی مبارزې مناسبه برخه واخلو.

### تصحیح

**در صفحه ۳ شماره گذشته پرچم عنوان (حکومت نمی‌تواند می‌تواند...)**
**به «حکومت نمی‌تواند...» خوانده شود.**

**همچنین در خبر «اعتصاب دربوران شرکت سرویس»، سطر یازدهم ستون اول، صفحه چهارم، حذف گردد.**

**دوشنبه آینده (۳ سنبله) چون مصادف به سومین روز جشن استقلال وطن و رخصتی عمومی است،**

**بدین مناسبت شماره دوشنبه آینده پرچم نشر نمی‌گردد.**



### د افغانستان د خلک

#### دموکراتیک جریان د پښتونستان او بلوچستان د خلکو د ملي خپلواکي

##### د پاره د عادلانه مبارزې ملاتړ کوي

د پښتونستان او بلوچستان آزاديخواه او نجيب خلک د هند د نيمې قاري د ستر

ولس او وروسته بيا د پاکستان د خلکو د ملي آزادي د مبارزې د تاريخ په اوږدو کي تل د ضد استعمار او امپرياليزم د انقلابي نهضت په سر کي وو او دي. د افغانستان د خلک دموکراتیک جريان د پاکستان په اوسني وضعي کي د پښتنو او بلوچو د نشنليزم د تر ستم لاندې ملتونو نشنليزم گڼي چه د پاکستان د حاکمه او ارتجاعی قدرتونو له ستم کورنکي نشنليزم سره جدي ټوپير لري.

مور عقیده لرو چه د پښتونستان او بلوچستان د ملتونو نشنليزم دموکراتیک او مترقی لوري او مضمون لري او د ستم او ارتجاعی نشنليزم په ضد دی خکه مور يي په تاريخي لحاظ موجه بولو او په جدي توگه يي ملاتړ کوو.

همدا اوس د پښتونستان او بلوچستان د خلکو د ملي مترقی قوتونو پرله پسې او اصولی جگړه په بنارونو او کلیو کي د خان عبدالولی خان تر مشرې لاندې د نشنل عوامی پارتي په وجود کي او په غرنیو سيمو کي د پښتنو او بلوچو د مسلحو قواوو له خوا د ټول پاکستان له نورو خلکو (سندیانو، بنگالیانو او پنجابیانو) سره يوځای د ملي خپلواکي، دموکراسی او اجتماعي ترقي دپاره، د اتوکراسی، امپرياليزم، انحصاری سرمایي او فېوداليزم په ضد مخ په پراخېدو ده. له همدی جهته د پاکستان په اوسني وضعه کي د پښتنو او بلوچو دملي مترقی قوتونو د مبارزې محتوی له ستم نه د خلاصون، د ملي آزادي د گټلو، دملي دموکراتیک دولت د ايجاد دپاره د پښتونستان او بلوچستان د ستمدیده ملت د تمایلاتو انعکاس دی، چه د ټول پاکستان او افغانستان د خلکو له لورو بڼیگو سره مطابقت لري. خو دا ټکی د یادونی وړ دی چه د پښتونستان او بلوچستان د ستمدیده ملت نشنليزم (۴ مخ)

### مسجد اقصی کعبه اول مسلمانان جهان

#### در شعله های آتش بیداد صهیونیت و امپریالیزم

با تأسف عمیق اطلاع گرفته ایم که صهیونیان اسرائیلی با کمال وقاحت و بی شرمی، در انتهای وحشت و بی اعتنائی به افکار عامه جهانیان و بی احترامی به امکان مقدسه مسلمین به طور فتنه انگیزانه بمنظور تشدید و خامت اوضاع در شرق میانه و جلوگیری از حل مسالمت آمیز پرابلم شرق میانه قسمتی از مسجد اقصی را آتش زدند و با این عمل غیرانسانی خویش اوضاع بحرانی شرق میانه را بحرله خطرناکی رسانیدند.

د افغانستان د خلک دموکراتیک جريان خپل تاوده او گرم درودونه د پښتونستان او بلوچستان زورورو خلکو ته استوی او د استعمار او امپرياليزم، ملي ستم او استبداد پر ضد ددوی عادلانه جگړه ستایي.

د پښتونستان او بلوچستان د خلکو اوږده او زوروره مبارزه چه د خپلی خاوری په دفاع کي يي د استبداد،

ببرک کارمل

استعمار او امپرياليزم پر ضد کړیده، او د آزادي او استقلال لپاره د هغوی خاندی مبارزې د دی موجب گزړی چه مور د افغانستان د زورورو خلکو په نمایندگی د خپل احترام او لماتخنی ژور مراتب دوی ته ور وړاندی کړو او دهغوی بری د دوی په عادلانه مبارزه او شرافتمندانه آرمان کي د استقلال او دموکراسی لپاره و غواړو.

مور پدی لاره کي د پښتونستان او بلوچستان له مبارزو خلکو سره خپل پیوستون او ملاتړ په بشکاره اعلام وو او دا ملاتړ د امپرياليزم او ملي ستم پر ضد د خپلی مبارزې یوه برخه بولو.

او د پاکستان د اتوکراسی تر مینځ د دوه اړخیزو او اسیرونکو تړونونو پرضد، په پاکستان کي د نظامی

حکومتونو پر ضد، د پاکستان د ستمگرو ارتجاعی حاکمه محافلو پر ضد مبارزه د پښتونستان او بلوچستان د خلکو د عادلانه جگړی جز دی.

د پاکستان د خلکو په دموکراتیکه ملي مبارزه کي د پښتونستان او بلوچستان د خلکو مبارزه ستره او اغیزناکه ده.

## ملي مسأله يا د خپل سرنوشت په ټاکلو کي

### د ملتونو حق

پرمختلونکو نظرياتو له نظره تر کلی څیرني لاندی ونیسو تر څو چه د هغو په رڼا کي له یوی خوا د پښتونستان او بلوچستان د خلکو دملي آزادي بخشونکی نهضت مسأله زموږ لپاره د اصولو په چوکاټ او له بلي خوا له داخلی لحاظ هم ملي مسأله زموږ لپاره د اصولو په چوکاټ کي تصریح شی. ملي مسألی په نيمی وروستی پيری کي ډیر تکامل کړیدی. ملي مسأله په روانه پيری کي او ملي مسأله په نولسمه پيری کي کامل توپير لري. پخوا به ملي مسأله د اروپایي ملتونو د ملي نهضتونو په محدود چوکاټ کي تر بحث لاندی نیول کیده. اصولاً د آسیایي، افریقایي او لاتینی امریکی د ملیونونو خلکو ملي مسأله، چه تر خورا وحشت، ناروا، قساوت او غیرانسانی سلوک لاندی يي ملي ستم او استعماری استثمار گاله، د اروپایي «متمدنو او سپینو» ملتونو په دایره کي له ملي مسألی سره په تضاد کي وه. د وروستی نیمایي پيری په اوږدو کي ملي مسأله د یو هیواد د داخلی چارو له تنگی دایری نه راوتلی او په یوی بین المللی مسألی یعنی د امپرياليزم له اسارت نه د غیرمستقلو او مستعمره هیوادونو د تر ستم لاندی ملتونو د بشپړ خلاصون په مسألی بدله شویده.

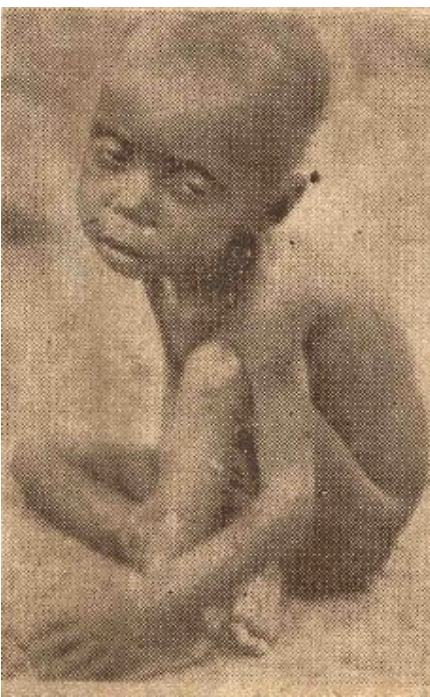
پخوا به په خپل سر نوشت باندی دملتونو د حاکمیت اصل، یوازی (۲ مخ)

دوکتور اناهیتا

## کودکان افغانستان و اعلامیه حقوق طفل

کودکان در فضائی از صفا و پاکیزگی، در نیکبختی و شادابی می‌خرامند و دیگر برای ایشان مفهوم ستم و جهل، مرض و آوارگی پایان یافته است. آن‌ها به‌سوی آینده روشن و جوانه‌های لطیف و نواخته زندگی‌اند، تاریخ تابناک و جامعه سعادت‌بخش به دست‌های آن‌ها ساخته می‌شود، در جهان امروز در شرایط کاملاً متفاوت اجتماعی زندگی می‌کنند. در جوامعی که بساط استثمار انسان از انسان برچیده شده است و در تحت شرایط نوین و مترقی مناسبات عادلانه میان انسان‌ها برقرار گردیده است؛

روز اول جون به حیث روز بین‌المللی اطفال در بسیاری از کشورهای جهان برگزار می‌گردد، ولی در افغانستان ۸ سنبله به حیث روز اطفال طی مراسمی په حیث یک حرکت نمایشی تجلیل می‌شود. کودکان که شگوفه‌های امید بشریت و جوانه‌های لطیف و نواخته زندگی‌اند، تاریخ تابناک و جامعه سعادت‌بخش به دست‌های آن‌ها ساخته می‌شود، در جهان امروز در شرایط کاملاً متفاوت اجتماعی زندگی می‌کنند. در جوامعی که بساط استثمار انسان از انسان برچیده شده است و در تحت شرایط نوین و مترقی مناسبات عادلانه میان انسان‌ها برقرار گردیده است؛



اکثریت کودکان ما از هرگونه امکانات برای پرورش جسمی و روانی محروم‌اند. آن‌ها از مزایای امنیت اجتماعی برخوردار نبوده و حداقل وسایل زندگی و تفریح در اختیار آن‌ها نیست. از تعلیم و تربیتی که آن‌ها را از جهل و بی‌سوادی نجات بدهد. به‌جز اسم خشک و میان‌تهی چیز دیگری وجود ندارد، آن‌هم برای عده نهایت محدود. ولی اکثریت عظیم اطفال کشور به گیاه‌های خود روی شباهت دارند که خودسرانه سبز می‌شوند و بدون آنکه کسی منتفت آن‌ها گردد خشک می‌گردند، تعداد آن (۳ ص)

روز اول جون به حیث روز بین‌المللی اطفال در بسیاری از کشورهای جهان برگزار می‌گردد، ولی در افغانستان ۸ سنبله به حیث روز اطفال طی مراسمی په حیث یک حرکت نمایشی تجلیل می‌شود. کودکان که شگوفه‌های امید بشریت و جوانه‌های لطیف و نواخته زندگی‌اند، تاریخ تابناک و جامعه سعادت‌بخش به دست‌های آن‌ها ساخته می‌شود، در جهان امروز در شرایط کاملاً متفاوت اجتماعی زندگی می‌کنند. در جوامعی که بساط استثمار انسان از انسان برچیده شده است و در تحت شرایط نوین و مترقی مناسبات عادلانه میان انسان‌ها برقرار گردیده است؛

## د پښتونستان ملي او مترقی مشران په کابل کي

نهضت مشر خان عبدالصمد خان اڅکزی، د ټول پاکستان د نشنل عوامی گوند صدر خان عبدالولی خان او د دغه گوند جاینت سکرتر اجمل خټک، ښاغلی محمد عثمان کانسې، ښاغلی صادق، ښاغلی محمد مهدی شاه مهدی، ښاغلی هاشم غلزابی، ښاغلی عاصی، ښاغلی قلندر مومند، ښاغلی محمدعلی کاکړ، ښاغلی راحت سیال او ځینی نور. د افغانستان دخلک دموکراتیک جريان د پښتونستان او بلوچستان دملي مترقی او انقلابی مشرانو راتگ ته په خوښی هرکلی وایی او په خپل هیواد کي د دوی مقدم گرامی گڼي او د دی ور ځي په مناسبت دوی ته د زړه له کومسی مبارکی وایی. داستعمار، امپرياليزم اتوکراسی، فئوداليزم په ضد د دوی زوروری مبارزې ستایي او ملاتړ يي کوي.

زن فاتح کیهان، نخستین خانواده فضانوردان جهان را یکجا با شوهرش آندریان نیکالایف پیلوت فضانورد

بدست آورد و همچنان عنوان پیلوت کیهان نورد نیز بوی اعطاء گردید. والنټینا ترشکوکوا اکنون نماینده شورای عالی اتحاد شوروی و رئیس کمیته زنان شوروی میباشد.

والنټینا ترشکوکوا علاوه بر انجام کار بزرگ اجتماعی به کار دشوار تحصیلات عالی اختصاصی نیز پرداخت و اخیراً موفق بدریافت دپلوم دوره علمی اکادمی انجنیری قوای هوایی گردید. والنټینا نیکالایوا ترشکوکوا نخستین

د انگریزی امپریالیزم په ضد د افغانستان د خلکو دملي قیام د یوپنځوسم تلین او د «سنبلې نهمه» د پښتونستان د ملي ورځي په مناسبت د پښتونستان او بلوچستان یوشمیر ملي ومترقی مشران او مبارزان زموږ د گران هیواد د میلنو په حیث افغانستان ته راغلی دی. زموږ په هیواد کي د دی انقلابی میلنو حضور او د پښتونستان په ستر ملي مشر خان عبدالغفارخان باندی د دوی را ټولیدل د پښتونستان او بلوچستان له ملي مسنلی سره زموږ د هیواد د خلکو د جدي علاقو او زموږ دگران هیواد افغانستان او د پښتونستان او بلوچستان د زیاریستونکو خلکو ترمنځ د ورورگلوی نه شلیدونکو اړیکو نمایندگی کوي. زموږ د هیواد میلنه دغه نوات دی: د جنوبی پښتونستان د ملي



ملتونو د خود مختاری حق، د مدنی او ثقافتی موسسو د استقلال په حق باندی اطلاق کیده او سیاسیی قدرت به هماغسی د ستمگر ملت په لاس کی پاتی کیده او د نورو د خاوری الحاق به تصدیق کیده. خو وروسته د لومړی ځل لپاره د «خپل سر نوشت په ټاکلو

د ملتونو د حق» سرطراح، دملی آزادی بخشونکو نهضتونو د تاریخی - اقتصادی څیرنی په ترڅ کی، ملی مسأله په دایهانه توگه سمه تعبیر کړه او د ملتونو حق پیی د قضایی او مجردو تعریفونو له څنځیر نه آزاد کړ او په نتیجه کی بیی ثابته کړه چه د غیرمستقلو او مستعمره هیوادونو د ستمدیده ملتونو د سرنوشت د ټاکلو نه منظور هغه حق دی چه ملتونو ته د پردیو ملتونو له ټولنی نه د جلا کیدو، د سیاسی سرنوشت د ټاکلو او د مستقل ملی دولت د تشکیل واک ور کوی.

د امپریالیزم په موجودیت کی د «ملتونو د برابری» په باره کی د بورژواویی حقوقو د له طمطراقه ډکو اعلامیو هدف په حقیقت کی د امپریالیستی اقلیت ملتونو له خوا د نړۍ د مظلومو ملتونو د ستر اکثریت استعماری استثمار ته «قانونیت او مشروعیت» ورکول دی. مگر نیمه پیړی پخوا پرمختلونکی ایدئالوژی تصریح کړه چه ترڅو د ملتونو د تسلاوی موضوع د مترقی او پرمختلونکو قوتونو له خوا، د امپریالیزم پر ضد د ستم لاندی ملتونو له آزادی بخشونکی مخامخ مبارزې سره یو ځای نشی، دا به له یوه بی مفهومه او غولونکی بیان نه پرته بل څه نه وی. که له ملی مسألی نه مجرد او مستقل استنباط وشی یعنی د سرماییی له سلطی او د استعمار او امپریالیزم م له نسکوریدو او د فیودالیزم د طرد له عمومی مسألی سره ارتباط ورنکړل یوازي یو ریفورمیستی او ارتجاعی فکر دی. هم انقلابی تیوری او هم د نړی لومړی د

#### ترجمه

اکثريت کشور های امریکای لاتین در اوایل قرن گذشته استقلال دولتی شانرا بدست آوردند، آن‌ها تا اندازهٔ زیادی در راه رشد سرمایه داری پیش رفته اند، پرولتاریای بزرگی که در این کشورها به وجود آمده بر تعداد در شهر و چه در ده آیدیده می شوند، در تمام کشورهای امریکای لاتین عملاً احزاب کمونیست و جود دارند، مردم امریکای لاتین در برابر ستمگر و استثمارگر مشترک، ایالات متحده امریکا که تمام قاره را در موضع وابستگی قرار داده، و انرا منطقه ستراتیژیکی خود می پندارد، مبارزه می کنند، بعضی از آن‌ها هنوز در برابر سلطه استعمار ی می جنگند. در امریکای لاتین مبارزه به خاطر حاکمیت راستین ملی و استقلال اقتصادی با مبارزه حد طبقاتی ضد استثمار سرمایه داری، و فوق همه، ضد انحصارات خارجی یا محلی و ملا کان بزرگی (لائیفونديستها) پیخ خورده است. در بسیاری از کشور های که توده های عظیم دهقانان بی زمین وجود دارند بقایای فیودالی باقی مانده است.

مبارزات به خاطر خواستههای دموکراتیک و بر ضد دیکتاتوری های استبدادی که بعدها به یک عامل بسیار منفی در رشد تاریخی این قاره تبدیل می‌شود در جریان است.

انقلاب کیوبا زنجیر ستم امپریالیستی را در امریکای لاتین شکستاند و منجر به استقرار نخستین دولت سوسیالیستی در این قاره گردیده، نقطه عطف تاریخی را مشخص ساخت و مرحله جدیدی از جنبش انقلابی را گشود، در این حصه جهان جنبشی های از مجری دموکراتیک، ضد امپریالیستی و

(له لومړی مخ نه)

# ملی مسأله یا د خپل سرنوشت

## په ټاکلو کی د ملتونو حق

استبداد او د سرماییی د ستم دفاع کوی. هرڅوک چه واقعا په دموکراتیکه توگه د خلکو د سترو پرگنو په لاس د هیواد د مسایلو د حل طرفداران دی بنه پوهیږی چه د خلکو پرگنی « » یوازی د زیاریستونکو له انقلابی نهضت او د امپریالیزم پر د ضد انقلابی مبارزی سره د ارتباط په شرایطو کی حل کیدی شی.

له هغی زمانی نه را پدیدخوا ټول ترقی غوښتونکی او پیشاهنگ قوتونه دا خپله جدی او قطعی وظیفه بولی چه د ستم لاندی او غیرمستقلو او مظلومو ملتونو، ضد امپریالیستی آزادی بخشونکی نهضت ته مرسته ورسوی او د هغه کلک ملاتړ او ملگرتیا وکړی.

ارتجاعی ناسیونالیستی قوتونه، په هر هیواد کی دسیاسی سر نوشت د ټاکلو د اصل، د جلاکیدو د حق او دستم لاندی ملتونو د مستقل ملی دولت د تشکیل د طرح په مقابل کی «دهیواد د پاشل کیدو» د خطر موضوع مطرح کوی. دا د ارتجاع او امپریالیزم ساتونکی هیڅ نه پوهیږی چه «د دموکراسی نه نظره قضیه بالکل ددی مطلب په عکس ده: د جلا کیدو د حق پیژندنه، د پاشل کیدو» خطر کومی. «مثلا د پاکستان مرجع ناسیونالسیت بیاوه سربایان چه د امپریالیزم په ملگرتیا د پښتونستان او بلوچستان په ملتونو باندی ستم کوی د همدی کسانو له جملی څخه دی. په حقیقت کی مرجع ناسیونالستان» د خپل سرنوشت په ټاکلو کی آزادی د حق د نفی په وسیله د دموکراتیکو طریقو په مقابل کی د ستمگر او حاکم ملت د امتیازاتو، په پولیسی توگه د چارو د اداری او د فیودالی وحشیانه

# ملی مسأله یا د خپل سرنوشت

## په ټاکلو کی د ملتونو حق

تر اوسه د آسیا، افریقا او لاتیینی امریکا د ملتونو او خلکو د مبارزی وظیفه د امپریالیزم، استعمار او د هغه د گوداگیانو پر ضد پای ته نده رسیدلی. د ځینو آزادو شویو هیوادونو انقلابی او دموکراتیک قوتونه د ترقی او پرمختگ په لاره کی، د اقتصادی استقلال احراز او د سیاسی استقلال د پیاوړی کولو پر لوری جدی گامونه اخلی.

د هغو هیوادونو ملتونه چه ظاهرأ مستقل دی مگر عملاً د امپریالیزم په قید کی دی، له امپریالیزم او له هغو ارتجاعی رژیمونو سره چه د امپریالیزم هوادار دی، مبارزه کوی.

هغه ملتونه چه لا تر اوسه د زاره استعمار په څنځیر کی ښکیل دی د اجنبی بادارانو پر ضد په قهرمانانه مبارزه مشغول دی. د انگولا، موزنبیق. گینی - بیساو، زامبیا، نامیبیا، جنوبی افریقا، پښتونستان او بلوچستان خلك د همدی ملتونو په جمله کی دی.

لا تر اوسه لیدل کیږی چه د آسیا، افریقا او لاتیینی امریکی یوه برخه هیوادونو د امپریالیزم او دهغه د گوداگیانو ته مستقیم او غیرمستقیم کنترول او اسارت نه بشپړ خلاصون ندی موندلی او لاهم د امپریالیزم تر یرغل او تیروی لاندی دی او د نویو استعمارگرانو د اخ او ډب د میدانونو حیثیت لری.

په ځینو هیوادونو کی زرو استعمارچیانو لکه ایلیس خپله څیره بدله کړي ده او په نویو استعمارچیانو بدل شویدی او د خپلو لاس پروردو مرجعو گوداگیانو په وسیله بی خپله استعماری او امپریالیستی سلطه هماغسی ساتلی ده. له هغی جملی نه زموږ د هیواد په گاونډ، پاکستان کی د هغه یوه برجسته توره نمونه څرگنده ده. نن د پاکستان ملتونه او دهغه نجیب او زیاریستونکی خلك له نویو

(۳ مخ)

احزاب کمونست شان در کشورهای سرمایه داری میباشد. کمونستهای جهان با این نبرد عادلانه همبستگی دارند.

عمل توده ای ضد امپریالیزم شرط

اجرای همزیستی مسالمت آمیز می با شد. این سیاست بر ضد مرتجعین و سازندگان انحصاری اسلحه متوجه می باشد که با منافع عمومی مبارزه انقلابی علیه همه اشکال ستم و استثمار سازگار است، دوستی بین تمام ملتها و انکشاف همکاری مثمر اقتصادی، علمی، تخنیکیی وغیره را بین کشورهای دارای سیستم های اجتماعی مختلف بنفع ترقی اجتماعی پیش می برد.

کمونیستها وظیفه خود میدانند بر ضد سیاست امپریالیستی قمچین کردن تشنج بین المللی و هرونوع کوشش که مقصد آن اعاده جنگ سرد باشد مبارزه کنند، و در راه کاستن تشنج که یکی از خواستهای بسیار مبرم وا کید خلقهاست کار نمایند.

۴ - حفظ صلح به حیث مبرم ترین وظیفه ایجاب می نماید که از انتشار سلاح ذروی جلو گیری بعمل آید و معاهده منع انتشار سلاح ذروی در معرض تطبیق قرار داده شود.

احزاب کمونست که تصویب معاهده منع انتشار سلاح ذروی را تشویق می نمایند، اینرا حلقه در سلسله اقداماتی می پندارند که منجر به خلع سلاح ذروی و از بین بردن ذخایر سلاح ذروی خواهد گردید، در عین زمان ضروریست که تولید و آزمایش سلاح ذروی منع قرار داده شود...

تشکیل مناطق فاقد سلاح ذ روی در حصص مختلف جهان در بهبود فضای بین المللی و تقویة اعتماد بین دولتها اهمیت بزرگی عملی خواهد داشت. کوشش عمده متوجه ممنوع قرار دادن اسلحه ذروی خواهد بود، باید نیروی ذروی منحصرأ برای مقاصد صلح آمیز استعمال گردد.

ضروریست که مبارزه به خاطر وضع قیود مؤثر بر اسلحه

افریقا او لاتیینی امریکا کی مینخ ته نه وو راغلی، سترو مترقی لارښوونکو ملی مسأله او «دخپل سرنوشت په ټاکلو کی د ملتونو حق» طرح کړی و، چه لا تر اوسه پوری پدی باره کښی د ټولو رښتینو ترقی غوښتونکو او وطنپالونکو عناصرو د عمل لارښوونکی دی. له هغی مودی نه تر اوسه پوری ملی مسأله د ضد امپریالیستی ملی آزادی بخشونکو نهضتونو د توفانونو په وجود کی ستر رشد او تکامل کړیدی.

د ۱۹۲۲ کال د دسامبر په ۳۱ نیټه داسی داهپانه پیشبینی شوی وه چه: « » د جهانی تاریخ راتلونکی ورځ به داسی ورځ وی چه امپریالیزم تر ستم لاندی ملتونه به د تل لپاره له خوبه را اوچت شي او د خپل خلاصون په لاره کی به په قطعی اوږدی او پرمشفته جگری لا س پوری کړی.» پنځه څلویښت کاله پر دی وینا تیریږی. د دی کلو نو په اوږدو کی دی فاشیزم له ماتي او د لومړنی جهانی جگری نه را وروسته، د امپریالیزم د ټوټی ټوټی کیدو او د سوسیالیزم د جهانی سیستم د پیدایښت او د کارگری او دموکراتیک نهضت د پیاوړی رشد په شرایطو کی، پر ملتونو باندی د استعمار د ظلم او ستم نظام چه د سرمایه داری په وسیله مینخ ته راغلی و چه د آسیا، افریقا او لاتیینی امریکا په سیمو کی د آزادی بخشونکو ملی او ضد امپریایستی انقلابونو تر گذارونو لاندی ډری وری شو. او د امپریالیزم م د زړی استعماری دنیا پرځای له (۷۰) نه زیات مستقل ملی دولتونه مینخ ته راغلل. مگر لا

### -۵-

# وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم ...

اساسی دارد.

اقدامات مشترک تمام کشورهای سوسیالیستی مساعی مشترک تمام احزاب کمونیست و کارگری، تمام احزاب مترقی و سازمانهای دموکراتیک توده ای و تمام دیگر نیروهای صلحدوست و آزادی خواه این پیروزی را تسریع می کند.

جلسهٔ احزاب کمونیست و کارگری از تشکیل حکومت موقت انقلابی جمهوریت ویتنام جنوبی استقبال می نماید و انرا مرحلهٔ مهمی در مبارزه قهرمانانه آزادی بخش مردم ویتنام میداند، جلسهٔ تقاضا می‌کند که برای تأمین موفقیت مذاکرات پاریس، که بر اساس مواد ده گانهٔ جبههٔ آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی کاملاً امکان پذیر می با شد کار صورت گیرد.

۲- حلقهٔ عمدهٔ مشترک تمام نیروهای ضد امپریالیستی را مبارزه بر ضد خطر جنگ، تهدید جنگ جهانی ذروی حرارتی که به تهدید کتلوی ادامه می‌دهد، و نبرد به خاطر صلح جهانی تشکیل می‌دهد.

مساعی مشترک کشورهای سوسیالیستی، طبقهٔ کارگر بین المللی، جنبش آزادی بخش ملی، تمام کشورهای صلحدوست سازمانهای عامه و جنبش توده ای می تواند جلو جنگ جهانی را بگیرد.

۳ - دفاع از صلح با مبارزه در راه وادار کردن امپریالیستها به پذیرفتن همزیستی مسالمت آمیز دولتهای دارای سیستم های اجتماعی مختلف، که رعایت اصول حاکمیت، مساوات، تخلف ناپذیری ارضی هریک از کشورها را چه بزرگ باشد یا کوچک و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، احترام به حقوق تمام ملتها را در فیصلهٔ آزادانه سیستم های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

زیاد دارد.

### - ۳ -

وضع اجتماعی و سیاسی در جهان امروزی امکان آنرا به وجود آورده است که مبارزه ضد امپریالیستی به سطح جدیدی ارتقا یابد. تفوق قاطع بر امپریالیزم و شکست دادن سیاست تجاوز و جنگ آن از طریق تشدید حمله برآن تأمین شده میتواند، این کار مصرانه ایجاب می نماید که در تمام قاره ها، اقدامات عمومی و فعالیت های مشخص صورت گیرد تا به تمام نیروهای دموکراتیک و مترقی، به تمام نیروهای که خواهشمند حل مثبتی پرابلم های که امروز بشریت را در تشویش می اندازد به نفع صلح و امنیت ملتها می باشند یک تصویر و قضاوت روشن داد شود.

احزاب کمونست و کارگری حاضر در جلسه با آگاهی از مسئولیت تاریخی خویش به تمام کمونیست های جهان، به تمام مخالفین امپریالیزم، به تمام آنهایکه به خاطر صلح، آزادی و ترقی در پیکار اند پیشنهاد می نماید که به طور متحد عمل کنند.

۱- نخستین هدف عمل مشترک کمک همه جانبه به خلق قهرمان ویتنام میباشد. جلسه از تمام کسانیکه صلح و استقلال ملی را نوست میدانرند درخواست نماید که مبارزه را شدت بخشند تا امپریالیزم امریکا مجبور گردد، عساکر مداخله گر خودرا از ویتنام بیرون کشید، از مداخله در امور داخلی آن کشور دست بردار شود، و به حق مردم ویتنام که پرابلمهای شانرا خود شان حل کند احترام نماید، پیروزی نهائی وطنپرستان ویتنام برای تقویه مواضع خلق‌ها در مبارزه ضد استبداد و ضد سلطه مطلقه امپریالیستی اهمیت



(از ص اول)

# کودکان افغانستان و اعلامیه حقوق طفل

می‌گردند. برای تصویر زندگی تراژیک اطفال درین مناطق جهان بهتر است داستان غم‌انگیز یک مادر داغیدهٔ را از زبان خودش تقدیم نماییم:
«به چشم خود کودکان را که در شعله آتش کباب می‌شوند دیدم. من به‌طرف پسر هفت‌ساله‌ای دویدم، جسم سوزان او هنوز زنده بود و بوی گوشت کباب شدهٔ آن نفسم را قطع کرد. در آن جسم شعله‌ور دو چشم زنده ملتسم که درد در آن پیچیده بود به من نگاه می‌کرد.

وقتی به‌زحمت آتش او را خاموش کردیم، در تمام جسم سوخته‌اش یک جای سالم برای یک بوسه نوازش یا وداع وجود نداشت.»

در کشورهای که تحت رژیم غیرانسانی نژادی بسر می‌برند وضع اطفال نسبت به اطفال این گوشه‌های جهان و دیگر کشورهای عقب مانده کمتر فلاکت‌بار نیست.

در سال ۱۹۵۹ اسامیله عمومی سازمان ملل متحد «اعلامیه حقوق طفل» را به تصویب رسانید که نماینده افغانستان نیز در پای آن امضا کرده است و این اعلامیه من‌جمله اعلام می‌دارد:

«طفل از حمایتی خاص باید برخوردار گردد و باید امکانات و تسهیلات توسط قانون و توسط وسایل دیگر فراهم شود تا وی را قادر سازد که از لحاظ جسمی، دماغی، اخلاقی روانی و اجتماعی صحتمند و به‌طور عادی و در شرایط آزادی و مراعات کرامت انسانی رشد نماید… طفل باید از مزایای تأمینات اجتماعی برخوردار گردد.

طفل باید حق استفاده کامل از

اطفالی که برای گذراندن وقت طرق نامناسب را در پیش می‌گیرند و به امراض و انحرافات گوناگون اجتماعی دچار می‌گردند کم نیست.

بیش از ۷۵ درصد اطفال کشور به علت فقدان خدمات صحتی و بیماری والدین و کمبود تغذی قیل از سن پنج‌سالگی می‌میرند که این یک رقم وحشتناک است.

در تابستان‌ها بنام قلت وسایل و ترتیبات صحتی در نتیجه اسهال‌های مهلک و خشکی آب بدن، مرگ و میر در اطفال ارقام سرسام آوری را نشان می‌دهد و در زمستان‌ها این اعداد جنون اوترتر می‌شود زیرا روزی از روزهای زمستان نیست که یک تعداد زیاد فامیل‌های مظلوم و بلادیده ما در اثر سرمای شدید به علت مریضی‌های گوناگون جهاز تنفسی، ففتری و غیره جگر گوشه‌های خود را شیون کنان از گراج‌ها و مغاره‌ها به‌طرف قیرستان‌ها نبرند.

از جمله اطفال هفت‌ساله ما تنها یک اقلیت ناچیز مکتب می‌روند؛ باقی برای یافتن لب نان به این در و آن در می‌زنند. به سه نفر طفل که چانس کار پیدا می‌کنند برابر یک نفر کلان سال مزد داده می‌شود.

وضع اطفال در افغانستان چون دیگر کشورهای عقب‌مانده آسیا، افریقا و امریکای لاتین نیز خیلی رقت‌بار است. در نایجیریا روزانه صدها طفل به نسبت فقدان مواد غذایی در وضع وحشتناکی در پیش چشم پدران و مادران‌شان جان می‌دهند. در ویتنام و در شرق میانه روزانه ده‌ها طفل در شعله‌های آتش ناشی از بمب‌های آتش‌افروز قربانی مطامع امپریالیستی

باکتریولوژیکی و کیمیاوی، که از طرف قوای نظامی ایالات متحده امریکا وسیعاً در ویتنام استعمال گردیده، وسعت داده شود.

منافع بنیادی خلق ایجاب می نماید که مبارزه برضد میلترایزم به هر شکلی که باشد، بخصوص صنایع نظامی ایالات متحده امریکا و دیگر دول امپریالیستی تشدید گردد. ما از تمام نیروهای صلحدوست خواهش می کنیم مبارزه را به خاطر به وجود آوردن تنقیصات بنیادی در بودجه های نظامی و خلع سلاح عام وتام تحت کنترل موثر بین المللی براه اندازند تا منابع که اکنون در مسابقه تسلیحاتی به مصرف میرسد در بهبود زند گانی خلق کارگر، پیشبرد خدمات صحتی و معارف، اعطای کمک به کشورهای در حال رشد به مصرف رسانده شود.
در پهلوی وظایف همگانی، مبارزه به خاطر صلح اهداف بسیار مهم دارای خصلت اختصاصی تر و منطقی تر است که متوجه موافقت نامه ها به غرض تامین امنیت در بعضی قاره ها و مناطق جغرافیائی می باشد، بدست آوردن این اهداف که باهم ارتباط داخلی دارند با منافع و خواستههای تمام کمونیستها و تمام نیروهای ضد امپریالیستی، تمام مردم جهان مطابقت دارد.

منافع صلح جهانی تقاضا می کند تمام دسته بندیهای نظامی از بین برده شود، احزاب کمونیست و کارگری مانند گذشته، موجودیت دسته بندیهای نظامی تحمیلی امپریالیستی و پایگاههای نظامی در سرزمین های دول دیگر را مانعی در راه همکاری بین کشورها می پندارند. باید تضمین واقعی امنیت که یکی از شرایط ترقی هریک از کشورهای اروپایی میباشد استقرار یک سیستم موثر امنیت در اروپا مبنی بر مناسبات برابری و احترام متقابل بین تمام دولت های قاره، بر مساعی مشترک تمام ملتهای

غذای صحتی و مفید، سرپناه، تفریح و خدمات صحتی را داشته باشد.»

«برای طفل باید تعلیم که مجانی و اجباری خواهد بود، حداقل در مراحل ابتدائی میسر گردد. باید به او طوری تعلیم داده شود که فرهنگ و معلومات عمومی او را ارتقاء بخشد.»

ولی درین قدر مدتی که از نشر اعلامیه حقوق طفل می‌گذرد احصائیه‌های سرسام‌آوری را راجع به مرگ و میر و وضع فلاکت‌بار حیات اطفال نشان می‌دهد که صرف نشر اعلامیه‌ها در بارهٔ حقوق طفل و غیر کافی نیست.

زنان همه کشورها و قاره‌ها!

ما شما را به مبارزه خستگی‌ناپذیر و بدون ترس از دشواری‌ها و بدون مضایقه از فداکاری در راه نجات زن و کودک دعوت می‌کنیم تا در کشورهای خود و در سراسر جهان آن چنان شرایط لازم برای زندگی سعادتمند به وجود آورید که در پرتو آن بتوان نسلی از کودکان مجهز به آرمان‌های صلح و دوستی بین خلق‌ها، ترقی اجتماعی و انسان‌دوستی تربیت نمود.

ما زنان مسؤولیت بزرگی در راه حفظ حقوق خود و نیکبختی کودکان ما و دفاع از صلح و حق خلق‌ها برای استقلال بر دوش داریم و ما باید به نیروی خود ایمان রাখ داشته باشیم. ما نیمی از جامعه بشری را تشکیل می‌دهیم، نیروی ما در وحدت ماست، آنچه ما را باهم متحد می‌کند نیروی بزرگ: عشق به کودکان ما، دوستی و همدردی میان زنان و خلق‌های جهان است. اگر ما بخواهیم زندگی بیروز خواهد شد.

گردد تا همکاری متقابل مفید اقتصادی، علمی و تخنیکي بین کشورهای سوسیالیستی همیشه انحلال همه زمان پیمانهای ناتو و وارسا را اعلان نموده اند.
جلسه مساعی تحریك آمیز قوت های امپریالیستی بخصوص ایالات متحده امریکا، جمهوری فنرالی آلمان و برتانیه را که می خواهند فعالیتهای پیمان ناتو را تو سعه دهند اکیداً محکوم می نمایند. از بین رفتن ناتو گام قاطعی بسوی اعلان تمام دسته بندی ها، تخریب تمام پایگاههای نظامی در سرزمین بیگانه و استقرار سیستم قابل اعتماد امنیت دسته جمعی خواهد بود.

حصول امنیت دایمی در این قاره پرابلمیست که در اذهان و آرزو های مردم اروپا مقام درجه يك را دارد. کنفرانسهای ۱۹۶۶- ۱۹۶۹ و ۱۹۶۷ کشورهای عضو پیمان وارسا در بخارست، بوداپست و کارلو ویواری پروگرام مشخص عمل و اقدامات به خاطر ایجاد يك سیستم امنیت اروپایی را طرح نمود. ضروریست که باید امنیت سرحدات موجود در اروپا به خصوص سرحداتی که به امتداد اودرنیس واقع اند و سرحد بین جمهورییت فدرال آلمان و جمهوری دموکراتیک آلمان تأمین گردد و برای برسمیت شناختن قانونی جمهوری

دموکراتیک آلمان بسویه بین المللی و جلوگیری از دست یافتن آلمان غرب به سلاح اتومی به هر شکلی که باشد کار صورت گیرد و آلمان فدرال از ادعای نمایندگی کل آلمان دست بردار شود و برلین غرب به حیث یک واحد جداگانه سیاسی برسمیت شناخته شود

معاهده تحمیلی میونخ از ابتدا بی اعتبار اعلان گردد و سازمان های نیونازی منحل شوند. صلح و امنیت اروپا ایجاب مینماید که نیروهای انتقام جو در اروپا قلع و قمع گردند، حق حاکمیت مردم اروپا بر اروپا و بدون مداخله ایالات متحده امریکا تضمین

پرچم

(له دوهم مخ نه)

# ملی مسأله یا د خپل …

استعمارچیانو او امپریالیزم او د هغه په سر کي د امریکي د امپریالیزم او همدا راز په عظمت غوښتونکي شووینیزم او د پاکستان د ټولو داخلي مرتجعینو او ستمگرانو یعنی دامپریالیزم او عظمت غوښتونکي د شوونیزم له دغو هوادارانو سره په اخ و دب بوخت دي او له دی کبله د ټول پاکستان گردو خلکو د دی تورو قوتونو پر ضد خپله عادلانه جگړه شروع کړیده.

د پښتونستان او بلوچستان د ملتونو قهرمان خلك له کلونو کلونو را په دیکخوا د آزادی بخشونکي ملی نهضت په هکله د پیشتاز په حیث د هند په نیمه قاره کی او اوس په پاکستان کی د آزادی، استقلال، دموکراسی او اجتماعی ترقی په خاطر، د استعمار، امپریالیزم اتوکراسی، مونوپولیزم، فیودالیزم او د ملی ستم پر ضد او همدا راز د پاکستان د ارتجاعی حاکمه طبقاتو او ستمگرو محافلو پر ضد چه د امپریالیزم او عظمت غوښتونکی شوونیزیم د لاس آله دی، زړه وره جگړه کوی.

د ارتجاع او امپریالیزم پر ضد د قهرمان ویتنام مقدسه جگړه او انقلابی ټوفان، د عربو آزادی بخشونکی ملی نهضت، د آسیا په جنوب ختیځ، افریقا، منځنی ختیځ او د آسیا په زړه کي د امپریالیزم او نوی استعمار پر ضد نهضت باندی ستره او مثبته اغیزه کوی. د آزادی، استقلال او ملی ستم د محو کولو پاره ملی آزادی بخشونکی عادلانه جگړه په ټوله نړی کی د هغی عمومی مبارزی جز دی چه له یوی خوا ترقی او ارتجاع د قوتونو د آزادی او سوسیالیزم د قوتونو او له بلی خوا د جهانی امپریالیزم تر منیځ جریان لری. په

اقدامات موثر بین المللی میباشیم، یکی از پرابلم های بزرگی دوران ما، که احزاب کمونیست توجه افکار عامه را بسوی آن جلب می‌کنند و در راه حل آن به تمام قواء تلاش میورزند، عبارت از بین بردن عقب ماندگی بسیاری از کشورها و تمام قاره ها میباشد که از حکمرانی طولانی استعماری و امپریالیزم بمیراث مانده است. وظیفه عمده که امروز در برابر این کشورها قراردارد پیشبرد انکشاف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میباشد که صرف در چوکات استقلال واقعی از امپریالیزم و در نتیجه تحولات بنیادی دموکراتیک و انقلابی بدست آمده میتواند برای حل این پرابلم ضروریست که در هر کشور تمام نیروهای مترقی بسیج و متحد ساخته شوند و بین این کشورها و کشور های سوسیالیستی روابط متقابل مفید انکشاف داده شود.

ما اینرا يك ضرورت حکمی میداناریم که نبرد بر ضد تهدید فاشییزم شدید گردد و به تعرضات هواخواهان فاشیستی جواب دندان شکن داده شود. فاشییزم در زمانی فعالیت خودرا شدت می بخشد که بحران امپریالیزم حادثر می‌شود. ارتجاع متمایل است برای خورد کردن نیروهای دموکراتیک و انقلابی از شیوه های وحشیانه کار گیرد. نیروهای نیوفاشیست در یونان قدرت را در دست گرفته اند.

«ماورانیها» سعی میورزند در هسپانیه به شیوه های فاشیستی اختناق متوسل گردند و مذبحوحانه تلاش می ورزند جلو یک جنبش نیرومند توده ای را بگیرند. در پرتغال، جایی که فاشییزم تحت حمله شدید جنبش توده ای روزافزون دچار بحرانست برای پوشاندن ادامه واقعی سیاست تروریستی خود به‌طور عوامفریبانه دم از لیبرالایزیشن (آزاد ساختن) میزند. در آلمان غرب نازیهای جدید عیناً ادعای در دست گرفتن قدرت را می نمایند. در کشورهای دیگر نیز نیروهای نیوفاشیستی بیشتر فعال

صفحه (سوم)

افغانستان د خلکو د امپریالیزم او فیودالیزم ضد ملی مبارزه هم تر اوسه پوری پای ته نده رسیدلی. سره له دی چه د آزادی او استقلال لپاره زموږ د خلکو په متحدانه قیام نه پنخوس کاله تیر شویدی. مگر باید یادونه وشي چه استقلال د سیاسی استقلال په تقویت او د اقتصادی استقلال په لاس ته راوستو تکمیل کیږی. ملی آزادی بخشونکی انقلاب یوازی دسیاسی استقلال په لاس ته راوستو پای ته نه رسیږی. هر کله استقلال زورو دموکراتیکو اجتماعی اقتصادی،

سیاسی او ثقافتی تحولاتو ته ونه رسیږی، استقلال به کمزوری او سست بنیاده پاتی وی. لهذا زموږ ستره وظیفه د تاریخ په اوسنی مرحله کي او د آسیا پدی سیمه کی داده چه په پښتونستان او بلوچستان له ورونو خلکو سره د ار تجاع او امپریالیزم پر ضد په یوه متحده جبهه کی د آزادی بخشونکی ملی او دموکراتیک نهضت په مداوم سوق کی زروړه او سخته مبارزه سرته ورسوو او همدا راز د آسیا، افریقا او لاتینی امریکا له تر ستم لاندی خلکو او ملتونو تیره، له سوسیالستی هیوادونو، د نړی کارگری او دموکراتیکو سوله غوښتونکو قوتونو سره، د سولی ملی استقلال، دموکراسی، او سوسیالیزم په خاطر خپله مبارزه لا پیاوړی کړو.

په موجوده وضعه کی دامپریالیزم پر ضد د مبارزی وظایف حکم کوی چه د نړی د ملتونو ټول مترقی او ملی قوتونه دي د امپریالیزم پر ضد او په ارتجاعی قوتونو با ندی د یو پراخ تعرض په خاطر د ورځ تر ورځی زیاتیدونکو امکاناتو نه د استفادی لپاره، په یوه متحده جبهه کی د گد عمل تر پرچم لاندی را ټول شی.

می‌گردند. فعالیت نیوفاشیستی با ادارات استخبارات امپریالیستی، که کودتا‌های ارتجاعی را براه می اندازند ارتباط پیدا می‌کند.

تمام این مظاهر فاشیزم به مقاومت روز افزون مردم مواجه می‌گردد. و این عمل متحدانه تمام نیروهای ضد فاشیستی، و همچنان پشتیبانی بزرگتر بین المللی از طرف احزاب کمونس‌ت و کارگری، تمام جنبش های دموکراتیک و مترقی در هر يك از کشور ها را ایجاب مینماید.

مبارزه علیه رژیم های فاشیستی بخش ضروری عمل ضد امپریالیزم به خاطر آزادیهای دموکراتیک قهرمانان آزادی، قطع نظر از نظرات سیاسی، جهان بینی یا عقاید دینی شان اینست که پشتیبانی واقعی خودرا از نیروهای متر قی ملی که بر ضد مراکز ارتجاع و فاشییزم مانند حکومت هسپانیه و پرتغال، شورای نظامی دگرمن ها در یونان، محافل اولیگارشیک نظامی در امریکای لاتین و تمام رژیم های استبدادی خدمت گزار امپریالیزم امریکا در نبرد میباشند، دو چند کنند.

ما کمونیستها باریدگر از تمام مردمان شریف جهان خواهش می‌کنیم که مساعی شانرا در مبارزه بر ضد ایدیولوژی نفرت از انسان و اعمال سیاست نژادی متحد سازند. ما خواهشمند وسیع ترین جنبش ممکن اعتراض علیه شرم آور ترین پدیده زمان ما، تعقیب وحشیانه ۲۵ میلیون سیاه پوست در ایالات متحده امریکا، ترور نژادی در افریقای جنوبی و رودیشیا، تعقیب اعراب در مناطق تحت اشغال اسرائیل و در خود اسرائیل، بر ضد تبعیض نژادی و ملی بن ضد صهیونیزم و انتی سامییزم، که تمام اینها از طرف نیروهای ارتجاعی سرمایه داری دامن زده می شوند و از آن بغرض منحرف ساختن توده ها استفاده می‌کنند میباشیم.

( باقی‌دارد )





د افغانستان د تلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

۹ سنبله ۱۳۴۸

## پیروزی نیروهای چپ در انتخابات ریاست جمهوری هند

انتخاب و، و، گیری به حیث رئیس جمهور هند پیروزی بزرگ جناح چپ حزب کانگرس، نیروهای چپ و کمونیستها به شمار می‌رود.

در مبارزه بسیار سخت انتخابات ریاست جمهوری، گیری ۷۰ ساله رقیب خود سنجیوادی کاندید رسمی حزب بر سر اقتدار کانگرس را شکست داد، گیری ۴۲۰۰۷۷ رای در برابر ۴۰۵۴۲۷ آراء ردی یعنی ۱۴۶۵۰ رای بیشتر حاصل نمود، پیروزی او درین انتخابات در واقع موفقیت نیروهای چپ هند و همچنین اندیراگاندی صدراعظم هند است که او را تائید می‌کرد و شکست ردی که نامزد رهبران جناح راست حزب بر سر اقتدار کانگرس بود نتیجه آراء اعضاء جناح چپ کانگرس به اتحاد حزب کمونست و دیگر احزاب چپ در پارلمان هند و اعضاء مجالس مقننه ایالات هند می‌باشد.

در هند رئیس جمهوری توسط اعضاء پارلمان مرکزی و اعضاء مجالس مقننه ایالتی که هر یک نمایندگی از تعداد معینی آرا مینمایند انتخاب می‌گردد. گیری رئیس جمهور جنید هند اصلاً یکی از رهبران اتحادیه کارگری و سابق معاون رئیس جمهور می‌باشد که پس از مرگ رئیس جمهور داکتر ذاکر حسین از ماه می بانطرف کفیل مقام ریاست جمهوری هند بود. گیری پس از آنکه به حیث رئیس جمهور انتخاب گردید گفت:

«من واقعاً از مردم که مرا انتخاب کردند سپاسگزارم. این موفقیت من نه بلکه پیروزی عنعنات دموکراتیک شماسبت.»

با پیروزی گیری در انتخابات میرمن اندیراگاندی نیز به موفقیت بزرگی در مبارزه علیه رقیب سیاسی خویش رهبران جناح راست حزب بر سر اقتدار کانگرس نایل گردید.

## اعلامیه کمیته همبستگی شوروی

### در باره آتش زدن مسجد اقصی

در یک اعلامیه کمیته همبستگی افریقا، آسیای شوروی، در باره آتش زدن مسجد الاقصی گفته می‌شود: «این جنایت وحشیانه جدید در سرزمین عربی، بیت المقدس یکبار دیگر ماهیت سیاست بیرحمانه، تجاوز کارانه و توسعه طلبی اسرائیل را تائید کرد.

تخریب گنجینه های فرهنگی و تاریخی سرزمین های اشغال شده عربی چلنجیست به تمام مردم صلح دوست و شریف جهان، مسنولیت چنین اعمال به عهده مقامات اشغالگر اسرائیلی می‌باشد.»

کمیته همبستگی درین اعلامیه خود به نمایندگی از احساسات نیک مردم شوروی «تجاوزکاران اسرائیلی را اکیداً محکوم ساخته و یکبار دیگر همبستگی و پشتیبانی ایشانرا از مبارزه خلق های عرب به خاطر آزادی، صلح و ترقی اجتماعی اعلام می‌دارد.»

(له لومری مخ نه)

## د افغانستان خلك دموکراتیک ...

داسی جنبه هم لری چه په ظاهره کی د پښتنو او بلوچو د ملی نهضت طرفداری کوی خو په واقعیت - د مرجعو طبقاتو، قبیلوی او فیودالی، کمپرادور بورژوازی او فیودالی عناصرو د ایدیولوژی او دامپریالیزم د هواخواهانو د گټو انعکاس دی چه له امپریالیزم او د پاکستان له حاکمه محافظو سره په خائنه ډول سازش کوی. همدا اوس دغه شان دلالاتن لگیادی خو اریخیزه لوبه کوی.

د پښتونستان او بلوچستان د پاکستان او همدا شان د افغانستان د اصلیلو انقلابی ملی مترقی قوتونو په ضد هم له امپریالیزم او هم له عظمت طلبانه شوونیزم، هم د پاکستان او هم د افغانستان له مرجعینو سره په پټه او ښکاره، مستقیم او غیرمستقیم ډول خواله کوی او دسیسی جوړوی. دغه عناصر د ماجرا غوښتونکو انقلابی نما و او فتنه اچوونکو انشعابگرو په جامه کی خان د ټولو انقلابیون افضل هم ښکاره کوی. دغه مضر عناصر هڅه کوی چه د افغانستان، پښتونستان او بلوچستان د ملی آزادی په نهضت کی د خان دپاره خای پیدا کوی او وروسته بیا دغه ضد امپریالیستی او ضد فیودالی نهضت د نری د عظمت طلب شوونیزم او ماجرا غوښتونکو او

## والنتینا ترشکوا گفت:

## سیاره ما باید جای صلح و دوستی باشد

سه شنبه ۴ اسد والنتینا ترشکوا مهمان گرامی مردم افغانستان در يك کنفرانس مطبوعاتی که در هتل انترکانټیننتال در کابل دایر گردیده بود اشترک ورزیده و جملات زیرین را به جواب سوالات متعددی که از طرف نمایندگان روزنامه ها و جراید دولتی و آزاد مرکز از وی به عمل آمد ضمن توضیحات و مطالب مفصل دیگری اظهار داشت: «سیاره ما باید جای صلح و دوستی باشد»، «سیاره ما از ارتفاعات زیاد به عروس زیبائی میماند که روی آنرا پرده آبی رنگی پوشانده است... اولین چیزی که انسان میخواید از فضای خارجی به زمین بگوید اینست که سیاره ما بسیار زیباست باید آنرا حفظ کنید و به زیبایی آن بیافزائید.»

والنتینا ترشکوا رئیس کمیته زنان شوروی در جواب این سوال نماینده پرچم که «در باره نقش زنان شوروی در حفظ صلح و ساختمان سوسیالیزم» معلوماتی ارائه نماید، اظهار داشت: «ضرورت به تشریح ندارد که زنان اتحاد شوروی طرفدار صلح میباشند. زنان اتحاد شوروی از تمام مللی که استقلال شانرا بدست آورده اند در راه ترقی اجتماعی مبارزه می‌کنند پشتیبانی می‌نمایند. زنان اتحادشوروی به مردمان عرب در شرق میانه، به مردمان ویتنام به تمام ملل آسیا، افریقا و امریکای لاتین کمک می‌کنند.»

«زنان اتحادشوروی در ساختمان سوسیالیزم سهم بزرگی دارند ۷۲ فیصد داکتران طب، ۶۸ فیصد معلمین و کارمندان معارف و موسسات تعلیمی اتحاد شوروی را زنان تشکیل

می‌دهند... از جمله نمایندگان شورای عالی اتحاد شوروی ۴۲۷ نفر آن زن میباشند. در ارگانهای محلی زنان اکثریت دارند. در اتحاد شوروی ۵۰ فیصد کارگران و متخصصین تاسیسات اقتصاد ملی را زنان تشکیل می‌دهند. در راس بسیاری از ادارات و اتحادیه ها زنان قرار دارند.»

ترشکوا گفت: «پرواز زن به کیهان نشان داد که زنان نه تنها در روی زمین بلکه در فضای خارجی نیز کار کرده می‌توانند. در اتحاد شوروی زنان زیادی هستند که به اخذ نشان قهرمان کارسوسیالیستی موفق گردیده اند.» ترشکوا در اخیر اظهار داشت:

«علت این همه پیروزیهای زنان اتحاد شوروی آنست که در اتحاد شوروی زنان با مردان حقوق مساوی دارند. از زنان حمایت می‌شود. برای زنان شوروی سهولت های زیادی وجود دارد. سرپرستی اطفال از طرف دولت در کودکستانها برای زنان سهولتهای زیادی فراهم می‌کند.

برای ما جای افتخار است که حزب ما و حکومت ما از زنان حمایت می‌کنند و برای پرورش زنان پروگرام های وسیعی دارند.» باید گفت که زنان در اتحاد شوروی نیم قرن پیش در وقتی که دولت نوینباد اتحاد شوروی به کار آغاز کرد از نظر اجتماعی و سیاسی

در امور اجتماعی و وظیفه مقدس مادری به وجود آمد و تبعیض در استخدام و اعطای مزد بین زن و مرد قانوناً ممنوع قرار داده شد و دروازه موسسات تعلیمات عالی برای زن و مرد يك سان باز گردید. در حل و فصل مسایل مربوط به خانواده تساوای کامل حقوق بین زن و مرد قانون تضمین شده است. در اتحاد شوروی زنان به کارهای دشوار، کارهای که به صحت و سلامت زنان صدمه می‌رساند وادار نمیگردند ولی معاش مساوی می‌گیرند.

در جمهوریتهای آسیای مرکزی شوروی زنان به کارهای مهمی اشتغال می‌ورزند. عده زیادی از زنان قاضی، وزیر، څارنوال هستند و در بعضی از جمهوری ها مقامات عالی حزبی و دولتی دارند.

رئیس جمهور ازبکستان شوروی یک نفر زن است. اولین زنی که به تاریخ ۱۶ جون ۱۹۶۳ در مدار دور زمین بگردش درآمد والنتینا ترشکوا از اتحاد شوروی بود.



## اهالی کوهستان ولسوالی سرپل در معرض قهر طبیعت و ستم اربابی

### قریه (خم ده) علاقه داری کوهستانات سرپل مورد تهدید آبهای زیرزمینی قرار گرفته است

مردم خارج است. اگر وضع بدینموال دوام کند چند خانه باقیمانده قریه نیز از استفاده برآمده اهالی بینوا با تمام اعضای خانواده های خویش مورد خطر بارش و سرمای شدید قرار خواهند گرفت.

این وضع ایجاب مینماید که هرچه زودتر مشکلات مردم رفع گردد، ولی مقامات مسوول (!) درینمدت احساس مسوولیت نکرده و اقدام مثبت و مفیدی درین جهت انجام ندارند. مردم خواستار آنند که در تخفیف مشکلات ایشان ازین ناحیه از طرف مقامات مربوط با آنها همکاری صورت میباید امکان دیگری از توان و قدرت گیرد.

### تصحیح

در شماره ۲۲ پرچم، صفحه ۴ در تحت عنوان (کمیته مرکزی هیأت نظارت انتخابات و مقامات مربوط حکومت باید جداً توجه کنند!) قوماندانی امنیه ولایت جوزجان، قوماندانی امنیه ولسوالی سرپل ولایت جوزجان خوانده شود.

### پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

صاحب امتیاز: سلیمان لایق

مدیر مسوول: میر اکبر خیبر

آدرس: محمد جانخان و اب—زر لښت مارکیت

تلفون: ۲۳۱۶۴

قیمت: ۲/۵ افغانی

مطبعة دولتی

تایپ متن قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

### نمونه ای از ستمگری قرون وسطائی اربابان فئودال:

همین چند هفته قبل یکی از خوانین منتفذ در اثر اختلافی که با برادر خود روی تقسیم اراضی پیدا کرده بود، سی خا نواده دهقان قریه در تگک مربوط علاقه داری کوهستانات ولسوالی سرپل ولایت جوزجان را مجبور به کوچ کردن و ترک دیار ساخت.

ملاک منتفذ بکمک اداره محلی خانه های مسکونی دهقانان را که کاملاً متعلق بخود آنان است با علوفه که برای زمستان آینده مواشی خویش ذخیره کرده بودند تحت تصرف درآورد و حاصلات اراضی زرع شده را که با ترتیب قباله های جعلی بر اراضی غیر محدود در ملکیت خانان در آمده است پامال مواشی خود ساخت. قساوت و بیدادگری بحدی بود که دهقانان ستمکش وادار به ترک خانه و دیار خویش گردیده و آواره شدند و بسوی قریه های لولاش ولایت فرایاب و چخچران پناهنده گردیدند.

مقامات اداره محل که حافظ منافع یوازی یوه لاره پاتی ده هغه دا چه باید د پښتونستان او بلوچستان دخلکو او ملی مترقی قوتونو د دموکراتیکو جهانی سویی د دوی مرسته کوی. د افغانستان د خلك دموکراتیک جریان پدی لاره کی هر ډول مادی او معنوی قربانی ته چمتو دي. مور پدی باور لرو چه د پښتونستان او بلوچستان قهرمان خلك به د ټول ورور افغانستان د خلكو او ملی مترقی قوتونو او د نری د ټولو سوله غوښتونکو او مترقی قوتونو په اتحاد او مرسته د آسیا په زره کی د آزادی او خپلواکی پرچم او چت کاندی.

یوازی یوه لاره پاتی ده هغه دا چه باید د پښتونستان او بلوچستان دخلکو او ملی مترقی قوتونو د دموکراتیکو جهانی سویی د دوی مرسته کوی. د افغانستان د خلك دموکراتیک جریان پدی لاره کی هر ډول مادی او معنوی قربانی ته چمتو دي. مور پدی باور لرو چه د پښتونستان او بلوچستان قهرمان خلك به د ټول ورور افغانستان د خلكو او ملی مترقی قوتونو او د نری د ټولو سوله غوښتونکو او مترقی قوتونو په اتحاد او مرسته د آسیا په زره کی د آزادی او خپلواکی پرچم او چت کاندی.



# رحم

## ناشرانیدیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۲۴-سال دوم دوشنبه ۱۷ سنبله ۴۸ ۸ سپتامبر ۶۹، شماره مسلسل ۷۶

## د خپل هیواد افغانستان

### د خلکو د اجتماعی ترقی او عمومی رفاه د پاره زموږ عادلانه جگړه

د افغانستان دموکراتیک قوه د خلک په وړاندی زموږ په وطن کی د عادلانه آزادی بښونکی ملی او دموکراتیکی جگړی په برابر کی د سولې، ملی خپلواکی، دموکراسی، اجتماعی ترقی او عمومی رفاه هدفونو واقع دی. د سولې، ملی خپلواکی او دموکراسی په باره کښی موږ پخوا ډیر بحثونه کړی دی. اوس د اجتماعی ترقی او د خلکو د عمومی رفاه

دوه گونی هدفونه تر بحث لاندی نیسو او د دغو دوو هدفونو له لند علمی توضیح سره، د هیواد په موجوده نظم باندی علمی انتقاد کوو.

پخوا لدی چه په پورتنیو دوگونو بحثونو پیل وکړو باید یوه پلا بیا یادونه وشي چه د افغانی ټولنی په اوسنیو شرایطو کښی د اجتماعی ترقی او عمومی رفاه هدفونو ته رسیدل، بی د یوه سوله ایز سیاست له پیروی او د ملی خپلواکی کامل (استقرار سیاسی او اقتصادی) او د دموکراسی ټینگولو او په یوه جبهه کښی د ټولو ترقی غوښتونکو او وطنپالو قوتونو د یوه دموکراتیک او ملی حکومت جوړولو څخه پرته ممکن ندی، ځکه چه:

- ۱- سوله زمونږ او د نړی د ټولو خلکو لپاره یو حیاتی امر او د ملی خپلواکی د تامین او دموکراسی د تعمیم لپاره خورا لوی ضرورت شمیرل کیږی.
- ۲- ملی خپلواکی (سیاسی او اقتصادی) زمونږ د ملی ټولنی د رشد او تکامل ټول اړخیز او سالمه زمینه برابروی، له دی کبله د ملی خپلواکی ټینگول تر هرڅه لومړی د یوه ملی دولت جوړول غواری.
- ۳- واقعی دموکراسی چه د حکومت یو شکل دی، د وگړو د استعدادونو د راژوندی کولو او له بیروکراتیزم او استبداد څخه د مخنیوی لپاره خورا مساعد شکل دی.

## بیرک کارمل به سلسله مبارزات

انتخاباتی بیانیهای بروز دوشنبه (۱۷ سنبله) ساعت ۵ بعد از ظهر در پارك زرنگار ایراد می نماید

به سلسله مبارزات انتخاباتی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در حوزه‌های مختلف انتخاباتی کشور، در شهر کابل بیرک کارمل کانید جریان دموکراتیک خلق افغانستان از آغاز دوره مبارزات انتخاباتی تا کنون با استفاده ازین نوع مبارزه ده‌ها بار در برابر مردم و بخصوص اهالی شریف نواحی ۳ و ۴ قرار گرفته، چه در زیر سقف در حضور جمع غفیری از مردم و چه در بیرون، در چهارراهی‌ها و مراکز عمده عبور و مرور و تجمع مردم بیاتیه‌های مستدل، آزادی‌بخش و پرشور انتخاباتی را ایراد کرده است. در روزهای اخیر میتینگ‌های بزرگی به‌منظور استماع سخنرانی‌های بیرک کارمل در چندین نقطه شهر به وجود آمد که در آن‌ها هزاران نفر از رأی دهندگان محل، رفقا، دوستان و هواداران اشتراک ورزیدند.

حضور بیرک کارمل در میان مردم و سخنرانی‌های وی از طرف اشتراک کنندگان در میتینگ‌ها با شعارهای زنده باد به گرمی استقبال گردیده و باشعور و هلهله و کف زدن‌های ممتد برده می‌گردید. بیرک کارمل در بیاتیه‌های خویش مطابق به خط مشی جریان دموکراتیک خلق افغانستان از حقوق و منافع خلق رنجیده افغانستان دفاع و دشمنان خلق وطن را با ماهیت آن‌ها در پیشگاه مردم معرفی کرد. اکنون که دوره مبارزات انتخاباتی در آخرین مراحل خود رسیده است، آخرین بیاتیه انتخاباتی بیرک کارمل امروز ایراد می‌گردد.

محاسب در کشور ما چه در مرکز و چه در ولایات و ولسوالی‌ها گورستان‌های را مانندند که زنده به گوران سیه روز مخوف‌ترین

روش‌های قرون وسطایی را بنام زندانی در آن‌ها تحمل می‌کنند. فیصدی قابل ملاحظه زندانیان یا بی‌گناه اند و یا به جرم کوچکی برای

## خلاف کرامت انسانی است

دوسیه‌های متعدد جنائی و جزائی دارند باز هم آزادانه به جنایات تازه‌ای دست می‌زنند.

در پشت دیوارهای بلند و ضخیم زندان‌ها دنیایی از بیداد، وحشت، ستم، استبداد و استثمار جابرانه ای برپاست. زندانیان نگون بخت روز تا شام در پشت کارگاه‌های بافندگی، بوت دوزی، قالین بافی، گلیم بافی، خیاطی، بنیان بافی، نجاری، چرمگری عرق می‌ریزند و یا بکار ساختمانی گلکاری، سنگی شکنی و غیره می‌پردازند و بشدت مورد استثمار و بهره کشی قرار می‌گیرند. این اعمال اجباری غالباً بدون مزد یا در برابر مزد فوق‌العاده ناچیز و یا در اداء قرص نان سیاه بر آن‌ها تحمیل می‌شود. آن‌ها شب و روز بکار کشانیده می‌شوند، کار جبری، کار توان‌فرسا، کار حوصله شکن و بدون مزد یا بسیار کم مزد حاصل رنج، کار و زحمت کارگران زندانی مورد حیف و میل و اختلاس قرار می‌گیرد. کار شباروزی، عرق ریزی مداوم تحمل گرما، سرما، برهنگی، گرسنگی هجوم بیماری‌های کشنده و هولناک چون توبرکولوز، همای لکه دار و غیره بعلاوه لت و کوب، فحش و دشنام‌های رکیک و غلیظ، هتک حرمت، تحقیر و رنج بی‌پایان همه دست به دست هم داده و این انسان‌های تیره بخت را به زندگی‌ای که چیزی جز مرگ تدریجی نیست محکوم ساخته است.

در زندان‌های عمومی تعداد زیادی از زندانیان فقط در یکی از سلول‌های نمناک، سیاه و کثیف روی زمین سخت می‌خوابند، طوری که حتی جای دراز کردن و پهلوی گشتاندن را هم ندارند. اتاق‌های که تعداد افراد آن‌ها کمتر باشد و یا اتاق‌های یک‌نفری فقط به زندانیانی تعلق می‌گیرد که رشوه بدهند. معمولاً به زندانیان پولدار اجازه داده می‌شود که شب‌ها از زندان خارج گردند، در حالی که زندانیان فقیر و تهیدست از ملاقات دوستان خویش محروم‌اند.

وضع محاسب زنانه بدتر از محاسب

(ص ۳)

## انهدام یک پایگاه دیگر استعمار

### و امپریالیزم در شمال افریقا

علیه اشغالگران و استعماریون طرفداری جدی خواهد کرد. در حالی که رژیم سابق فقط در حرف از عرب‌ها طرفداری می‌کرد و در عمل دوست بزرگ امپریالیست‌ها بود. هنگامی‌که تمام کشورهای عربی مناسبات سیاسی خود را با آلمان غرب قطع کردند، یگانه کشور عربی که با آلمان غرب روابط دوستانه داشت رژیم لیبیا بود.

یکی از اعضای شورای انقلابی جدید لیبیا اظهار داشته است، تغییر رژیم در کشور لیبیا به آرامی به پایان رسید. کودتا ساعت ۴ صبح آغاز و به ساعت ۸ صبح قصر سلطنتی اشغال شد و تمام نوکران دربار به دست انقلابیون اسیر شدند؛ رژیم لیبیا از مبارزات خلق عرب

مدت‌های طولانی به زندان افکنده شده‌اند در حالی که مجرمین واقعی و جنایتکاران معلوم‌الحال که در اثر جنایات مکرر خطیر خویش

تنها پاسخگوی خواست‌های معنوی جوانان دانش آموز ما نیست و عطش علمی آن‌ها را فرو نشانده نمی‌تواند بلکه باعث دل‌سردی و دل‌زدگی آن‌ها می‌گردد. همچنین بسط و توسعه نفوذ استعمار فرهنگی کشورهای امپریالیستی در معارف کشور، عقد قراردادهای مشکوک توأمیت با مؤسسات «علمی» کشورهای امپریالیستی، هجوم بیش از پیش گروه‌های معلوم‌الحال امپریالیستی بنام خدمتگاران «صلح» و مداخله همه جانبه ایشان در معارف کشور، سپردن امور عمده و اساسی معارف و تعلیم و تربیه در کشور به دست معلمان و استادان و مشاوران مربوط به کشورهای امپریالیستی که حامل نظرات کهنه منسوخ امپریالیستی ضد ترقی و تکامل جامعه‌اند و غالباً پروگرام‌های درسی و تعلیمی توسط این‌ها و مؤسسات مربوطه‌شان روی ملحوظات خاص نو استعماری‌شان ترتیب می‌گردند مانع عمده در راه ایجاد و رشد فرهنگ و معارف ملی و مترقی می‌باشند و موجب می‌گردد که ابتکار و خلاقیت شاگردان و معلمان در چهار چوب این پروگرام‌های «مطول» و «ضخیم» سلب گردد و ایشان به ماشین‌های افسانه گوی مبتذل شوند.

در مکاتب و مؤسسات علمی لابراتوارها و آزمایشگاه‌های علمی به حیثت... آموزش علوم طبیعی بشمار... و همچنان کتابخانه‌ها یا موجود نیست و اگر هم است با تجهیزات و وسایل ناقص و کهنه و غیرقابل استفاده.

این‌همه نابسامانی‌ها و مسایل تأسف در امور معارف و فرهنگی کشور ایجاب می‌نماید تا برای معرفی و تعمیم فرهنگ و دانش مترقی بر پایه شرایط و مقتضیات نوین و ملی مبارزه پیگیر صورت گیرد تا در پروگرام‌های درسی و تعلیمی کشور مطابق به واقعیات نوین علم و فرهنگی مترقی تغییراتی وارد گردد، نفوذ استعمار فرهنگی از جامه ما برچیده شود، به تسلط فرهنگ عقب مانده فنودالی پایان داده شده و راه برای رشد دانش مترقی و فرهنگی شگوفان ملی، خلقی و نوین باز گردد.

ح. کیهانی

## فرزند کبیر خلق

### ویتنام درگذشت



۱۹۲۰ به پاریس برگشت و به نشر روزنامه پرداخت و طی مقالات متعددی چهره واقعی استعمار فرانسه را افشاء کرد. جوانان آسیایی را به مبارزه علیه استعمار گران تشویق می‌کرد.

داکتر هوچی من با روح بیکارجویش هدف واقعی خود را نجات ویتنام و تمام آسیا قرار داد و برای رسیدن به این هدف در راه دشوار و خطرناک مبارزه با هوشیاری و عشق به وطن گام نهاد. وی در سال ۱۹۲۴ در پنجمین کنفرانس بین‌الملل سوم اشتراک ورزید و چهره درخشان آن بود. او مدتی که در مسکو توقف داشت به گنجینه علمی خود افزود.

دکتر هوچی من در سال ۱۹۳۰ حزب کمونیست هند چین را تشکیل داد و در زمانی علیه تجاوزات ملیتاریزم جاپان قیام کرد و در سال آمریکا مسافرت کرد. در سال

(ص ۴)

تجارت کشور ما به رکودی که شکل مزمن را به خود می‌گیرد مواجه می‌باشد. قدرت خرید مردم به حد اقل تقلیل یافته است و فقط خانواده‌های محدود ثروتمند است که توان خریداری هرگونه اموال به شمول اجناس تجملی را دارند، پروسه تمرکز ثروت و پول در چند دست محدود مرکب از تاجران بزرگ کمپرادور و قاچاقچیان بزرگ منتفد، بهسرعت در جریان است. سرعت دوران پول هنوز هم رو به کاهش می‌رود، در بازار محدود کشور وضع عجیبی مستولی است؛ پول کافی در بازار و در دست مردم وجود ندارد و مقدار اموال وارداتی بی لزوم خیلی زیاد است. قیمت‌های اموال و به‌خصوص امتعه استهلاکی وارداتی به‌طور کلی در سطح بلندی که چند سال قبل رسیده بود نه تنها باقیست بلکه تمایل صعودی دارد (باید گفت که فقط قیمت جای داده‌های غیرمنقول طی چند سال اخیر سیر نزولی را پیموده است). وضع امتعه ناچیز صادراتی کشور در بازارهای

عربی کسان است، عرصه بر عرضه این اموال در بازار جهان سرمایه داری تنگتر می‌گردد و قیم آن‌ها نزول می‌نماید. بر اساس سیستم

کمپته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام، کمپته دایمی ویتنام و شورای وزیران ویتنام باکمال تأسف خبر درگذشت داکتر هوچی من، رئیس حزب زحمتکشان و رئیس جمهور جمهوری دموکراتیک ویتنام را پخش نمود.

خبر درگذشت داکتر هوچی من «وطن‌پرست و انترناسیونالیست بزرگ و شخصیت برجسته جنبش بین‌المللی کمونیستی در سراسر جهان سوسیالیستی، در تمام محافل انقلابی و مترقی جهان و در بین همه نیروهای مبارز راه آزادی ملی و ترقی تأسف و اندوه عمیقی بار آورده است.

دکتر هوچی من فرزند کبیر خلق ویتنام در سال ۱۸۹۰ در ویتنام متولد گردید، تعلیمات ابتدائی خود را در ویتنام تکمیل و برای تحصیلات عالی‌تر به اروپا رفت و از پوهنتون پاریس به اخذ دوکتورای حقوق موفق گردید.

داکتر هوچی من در پاریس که در آن وقت مرکز جنبش و مبارزه بود با تیوری مترقی و عناصر انقلابی تماس گرفت. هوچی من از جمله بنیادگذاران حزب کمونیست فرانسه است. داکتر هوچی من بعد از جنگ اول جهانی وارد انگلستان شد و در مدت اقامت خود در آنجا شغل عکاسی را اختیار کرد. هوچی من بنا بر فعالیت‌های سیاسی‌اش در فرانسه زندانی گردید و بعد از مدتی از زندان آزاد شد. داکتر هوچی من در عمر ۲۳ سالگی به اروپا و آمریکا مسافرت کرد. در سال

بدین‌وسیله به اطلاع عموم اعم از رفقا، دوستان، هواخواهان، علاقه‌مندان، بخصوص رأی دهندگان حوزه دوم انتخاباتی شهر کابل (نواحی ۳ و ۴)، اهالی زحمتکش حوزه و مأموران پائین رتبه و مستخدمین ادارات که ازین حوزه محل کار ایشان واقع است رسانیده می‌شود که در میتینگ انتخاباتی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در شهر کابل که امروز (دوشنبه ۱۷ سنبله) به ساعت ۵ بعدازظهر در پارك زرنگار دایر می‌گردد و در آن بیرک کارمل سخنرانی می‌نماید، حضور به هم رسانند.



اجتماعی ترقی لپاره ضروری او لومړنی شرط گڼل کیږی. لدی کبله ده چه ویل کیږی: «د دموکراسی په لار کښی مبارزه د سوسیالیزم په لار کی د مبارزی لاینفک جز دی.»

له پورتنی فورمولبندی شوی یادونی سره، د اجتماعی ترقی او د افغانستان د خلک د عمومی رفاه د هدفو په ارزیابی پیل کوو.

اجتماعی ترقی: نه انکارکیدونکی حقیقت دی چه زموږ هیواد د ژوندانه په ټولو، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی او فرهنگی اړخو کښی په پېړیو د نړی له پرمختللیو هیوادو څخه وروسته پاتی دی. له بده مرغه چه پدی وروسته پاتی والی کښی هم په داسی بده وضعه کښی یو چه مترقی هیوادو نه په حیرانونکی توگه د ماثین په چټکتیا په مخ ځی، ولی زموږ ټولنه د اوشانو له کاروانه سره حرکت کوی، چه په طبیعی ډول د دغو دوو ډولو حرکتو تر منځ فاصله او درز ورځ په ورځ زیاتیږی. لدی کبله په اوسنی وضعه کی فوری، ضروری او حیاتی وظیفه چه زموږ په مخ کښی ده هغه زموږ د افغانی ټولنی د رشد او ترقی لپاره د هر اړخیزه مساعدو د شرایطو ایجادول دي تر څو چه وکولای شو د څوسوو کالونو وروسته پاتی والی جبران کړو.

علمی تیوری دی پوښتنی ته داسی خواب ورکوی «په تکنیکی او کلتوری لحاظ جهانی سویی او عادلانه اجتماعی نظام ته د رسیدلو د پاره د انکشاف او ودی په میسر کښی د یوی ټولنی گردندی او جامع حر کت ته» ترقی ویل کیږی.

د ترقی معیار دیوی ټولنی د اجتماعی اقتصادی او سیاسی نظام له مترقی ماهیت څخه دی چه د تولیدی قواوو د تکامل لپاره نوی امکانات برابروی او د ټولنی د رشد خورا گردندی وده تأمینوی.

اوس وینو چه د پورتنیو تعریفونو په بنسټ زموږ هیواد، داسی هیواد دی چه د تولید، توزیع او رشد د ودی، د کار د حاصلدهی او د کار د مهارت، د تکنولوژی او ساینس، تعلیم او تربیت، د اجتماعی او دولتی نظم او تشکیل، سواد، صحت، د وگړو مادي اوس وینو چه د پورتنیو تعریفونو په بنسټ زموږ هیواد، داسی هیواد دی چه د تولید، توزیع او رشد د ودی، د کار د حاصلدهی او د کار د مهارت، د تکنولوژی او ساینس، تعلیم او تربیت، د اجتماعی او دولتی نظم او تشکیل، سواد، صحت، د وگړو مادي

د خپل هیواد

د خپل هیواد

امپریالیست‌ها از سیاست نژادی غرض تفرقه اندازی بین خلق‌ها و حفظ سلطه خویش استفاده می‌کند. بخش‌های وسیع توده‌های مردم سیاست نژادی را رد می‌کنند و می‌توان آن‌ها را به مبارزه بر ضد آن کشانید. آن‌ها به این عمل خود درک خواهند کرد که امحای سیاست نژادی با مبارزه ضد امپریالیزم و مبنای ایدیولوژیک آن ارتباط نزدیک دارد. منافع مبارزه بر ضد امپریالیزم که می‌کوشد آزادی‌های بنیادی بشری را زیر پا کند، ایجاب می‌نماید که در راه دفاع و به دست آوردن آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعی، آزادی تظاهر، تشکیل انجمن به خاطر برابری تمام شهریان به‌منظور دموکراسی ساختن تمام پهلوهای حیات اجتماعی نبرد خستگی ناپذیری پیش برده شود. باید به هر نوع تلاش و هر نوع قانون ارتجاعی که منظور آن منع قرار دادن حقوق و آزادی‌های دموکراتیک کمایی شده در جریان پیکارهای سخت طبقاتی باشد جواب قاطع داده شود. باید برای نجات آن وطن‌پرستان و دموکرات‌های که محکوم به مرگ هستند در ساحه ملی و بین‌المللی کار متقدم صورت گیرد، محاکم از اصدار احکام غیرقانونی که ضد کمونیست‌ها و دیگر وطن پرستان بازداشته شوند، از حق خواستن پناه سیاسی دفاع شود؛ در راه آزاد ساختن دموکرات‌ها و وطن‌پرستانی که در

(له لومړی مخ نه)

## د خپل هیواد افغانستان د خلکو

د نړی د نویو او مترقی نظامو تجربی دا ښی چه کیدای شی د ټولنی د گردندی رشد او ترقی شرایط چه په متمدادی پېړیو کښی ندی برابر شوی، د یوه نسل د ژوند په دوران کی آماده کړل شی. خو په خورا خواشینی باید وویو چه دافغانستان حاکمه هیات چه د خپلی ارتجاعی طبقی له گټو څخه نمایندگی کوی او له امپریالیزم او بورژوازی له ارتجاعی ایدیالوژی څخه پیروی کوی، هڅه کوی چه د ټولنی له گردندی او خلاق رشد او ترقی مخه ونیسی، او په دغه شان د خپلی طبقی د اجتناب ناپذیر سقوط او زوال مخنیوی وکړی.

حاکمه هیات تر هغی اندازی پوری د خلکو د لاسو او پښو د اسارت د خنځیرونو سنښیدو ته تن ورکوی چه خپله بقا او طبقاتی گټی بی په هغه کښی متصوروی وی او په مزورانه توگه په هغه د ترقی نوم ږدی او په بی شرمی تبلیغ کوی چه د افغانستان د ټولنی د پرمختگ او ترقی لپاره تر دغه زیات امکانات وجود نلری.(!)
» خو د دغی له واقعیته لري ادعا باوجود د علمی تیوری او د نړی د پرمختللیو مترقی هیوادو د تجربی په استناد ویل کیدای شی چه زموږ په هیواد کښی د گردندی او جامع رشد او ترقی امکانات خورا زیات موجود دي او افغانستان کولای شی چه په پیړیو د وروسته پاتی والی فاصله د یوه نسل د ژوندانه په موده کښی ووهی. خو پدی شرط چه اجتماعی اوسنی موجود زور اجتماعی او اقتصادی نظام لری شی او نوی

## د خپل هیواد افغانستان د خلکو ...

مترقی دموکراتیک نظام د هغه په خای مینځ ته راښی. ځکه یوازی داسی نظام کولای شي زموږ د هیواد له خورا لویو او سرشارو طبیعی او انسانی منابعو څخه پراخه او عامی گټه واخلی او زموږ هیواد ترقی ته د رسیدو دپاره، د ملی او دموکراتیک سالم رشد په لار روان کړی. دافغانستان اوسنی ضد دموکراتیک او ضد ملی حاکمه هیات چه د سیاسی او دولتی قدرت په توگه بی په کلی او ښار کښی د اجتماعی ترقی لار بنده کړه ده زموږ د ټولنی د رشد او ترقی د پاره خورا لوی خنډ گڼل کیږی.

له همدی کبله په اوسنیو شرایطو کښی، د هیواد د ټولو ملی او مترقی قوتونو گډه مبارزه د دموکراتیک او ملی دولت د منځ ته راوړلو په لار کښی، د ټولنی د جامع او گردندی ترقی لپاره عادلانه جگړه دهر وطن پرست افغان مقدسی وظیفه ده.

عمومی رفاه:

د افغانستان د خلکو یعنی د کارگرانو، بزگرانو، شپڼو، پیشه ورانو او روشنفکرانو د رفاه او دژوند د سویی د چټکی ارتقاء د امکاناتو د ایجاد په لار کښی عادلانه جگړه زموږ مقدس او اساسی هدف دی؛ یعنی د هیواد د ټولو پنځلس میلیونی - خلکو لپاره د مرفه او با کلتوره معاصر ژوند د حداقل شرایطو لکه خوراک، پوښاک، مسکن، دوا او روغتون او د وگړو د سلامتی ساتنه، سواد او مکتب، د کار حق، د کار د شرایطو بهبود، عادلانه مزد، عمومی بیمی، وریا معالجه، استراحت، د کوچنیانو او زړو حمایت

او د ښځو د ژوند د وضعی ښه کول، د تقاعد حقوق، د وگړو د واقعی عوایدو زیاتوالی، د وگړو د مصرفی شیانو تهیه کول، د کلیو او ښارو، کلیو، تیاتر او سینماگانو او پلورنځیو د جوړښت تجدید، او نورو تأمینول.

البته باید وویل شي چه د خلکو دغو ارامانو تأمینول خورا گران کار دی. او د هغو تأمینول د هیواد د موجود حاکمه هیات له وسی بیخی پوره نه دی.

د افغانستان تر اوسني نظام لاندی ده چه زموږ د هیواد خلک د ناپوهی، ناروغی، بیکاری أوارگی او لوړی په اور کښی سوخي، د خلک د لوی اکثریت متوسط کالنی عاید د نړی له خورا ټیټو عایدو څخه دی او د نیستی او شتمنی به مینځ کښی فاصله ورځ په ورځ ژوره او پراخیږی او ژوند په کلی او ښار کښی، د قبیلو او کوچیانو په منځ کښی د خنم ور نه دی.

د دغه جهنمی او غیرانسانی ژوند د ربښو د ایستلو او د عمو می او بافر هنگه رفاه او هوسایی د تأمین د پاره باید په ډیره چټکتیا د هیواد مؤلده قوتونه په پراخه پیمانه رشد وکړی او یو عادلانه دموکراتیک نظام ایجاد کړی.

د نړی د مترقی هیوادو تجربه موږ ته راښی چه که په اوسنی وضع کښی لومړنی شرایط یعنی ملی استقلال، دموکراسی او اجتماعی ترقی کلکه او تأمین شی، کیدای شی چه د عمومی گردندی، رفاه د تأمینولو بری تر لاسه شی. انکار ناپذیر حقیقت دغه دی چه یواځی د خلکو خلاق او قهرمانانه

شماره (بیستم و چهارم- سال دوم)

فعالیت، د دموکراتیکو طبقو پیگڼیر او عادلانه جگړه او د ملی او مترقی گوندو او وطن پرستو قوتونو زړوری او متحدانه مبارزی کولای شی چه د ټولنی د ژوندانه د نوی کلو ضامن شی او په ټولنه کښی د بنیادی تحول او متر قی بدلونونو د راوستلو سبب وگرځی.

په هره اندازه چه د دغو قوتونو فعالیت او مبارزه آگاهانه، متشکله، قاطع، موثره او متحده وي او هر څومره چه د خلکو پراخی پړگنی له خانه سره ولری په هغه اندازه به اجتماعی ترقی او رشد گردندی، جامع او اساسی وی.

له اجتماعی، ترقی او رفاه څخه متر قی او علمی استنباط د زیارکښو دپاره د سولی، آزادی او عدالت د تأمینولو لپاره پیاوړی او قاطع وسیله ده. دغه چاره زیاریاستونکو ته خلیدونکی او روښانه دورنما وربښی او د نوی او مترقی ټولنی د جوړولو په مبارزه کښی بی د نجات بخښونکی ملی او اجتماعی جگړی الهام بخش ده.

لدی خایه څخه ده چه ټول نجیب وطن پرست او ترقی غوښتونکی قوتونه چه واقعاً د افغانستان له نیک بختی او ترقی

سره مینه او علاقه لری، باید د سولی، خپلواکی، دموکراسی، اجتماعی، ترقی او زموږ د گران افغانستان د ټولو خلکو د رفاه د پنځگونو عالیه هدفو په لار کښی زموږ د پلرنی وطن په یوه لویه او پراخه جبهه کښی، په یوه متحده او دموکراتیکه او ملی جبهه کښی، د افغانستان د خلک د دښمنانو په ضد جبهه کښی، یقین د افغانستان د خلکو په جبهه کښی خپل آزادی بښونکی او لوړی مبارزی متحدانه او شریفانه په مخ بوژی.

هیڅ ملی او مترقی قوت بی له داخلی تورو او امپریالیستی ارتجاعی قووتو او دهغوی میریپی صفته داخلی هوادارانو نه شي کولای د دغو دموکراتیکو او عادلانه هدفونو له حقانیت څخه انکار وکړی.

موږ پوره باور لرو چه په هر شکل او صورت چه وی د افغانستان بریدلی خلک به د آزادی، ترقی او رفاه خواته خپله لار خلاصه کړی ځکه چه دا د بریدلیو خلکو طبعی لار ده.

**ببرک کارمل**

محکم احزاب شان را اعلام می‌نمایند که آن‌ها برای خلق کارگر و به خاطر ترقی اجتماعی، به‌منظور پیشرفت به‌سوی پیروزی کامل بر سرمایه بین‌المللی آخرین تلاش خود را خواهند نمود. آن‌ها عمل مشترک ضد امپریالیزم و به خاطر خواست‌های دموکراتیک عمومی را به حیث يك جزء و مرحله از مبارزه به خاطر انقلاب سوسیالیستی و از بین بردن سیستم استثمّار انسان از انسان می‌پندارند.

اشتراك كنندهگان كنفرانس معتقد اند كه مؤثریت سیاست هر حزب وابسته به موفقیت‌های حزب در کشور خودش و موفقیت‌های احزاب برادر و به‌اندازه همکاری آن‌هاست. هر حزب کمونیست در فعالیت خود در برابر طبقه کارگر و خلق خویش و در عین زمان در برابر طبقه کارگر بین‌المللی مسؤولیت دارد. مسؤولیت‌های ملی و بین‌المللی هر حزب کمونیست و کارگری غیرقابل تقسیم می‌باشد. مارکسیست - لنینیست‌ها هم وطن‌پرست و هم انترناسیونالیست اند، آن‌ها هم تنگ نظری ملی و هم نفی یا کم بها دادن به منافع ملی و تلاش برای مقصد آن حل پرابلم‌های عملی جنبش‌های انقلابی و دموکراتیک عمومی زمان ما باشد تبادل ضروری تجربه، بین بخش‌های مختلف جنبش کمونیستی پیش می‌برد. آن‌ها در غنی ساختن و انکشاف خلاق تنوری مارکسیستی - لنینیستی کمک می‌کنند و به دست آوردن قدرت از طرف طبقه کارگر و متحدین آن‌ها بزرگترین کمکیست که يك حزب کمونیست که در شرایط سرمایه داری می‌جنگد به مرام سوسیالیزم و

### -۶-

## وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم ...

پلان‌های تجاوز کار امپریالیزم بیشتر بیار سازند.

اشتراک کنندگان جلسه از همه سازمان‌های که از کارگران، دهقانان، کارکنان دفتر، جوانان، محصلان، روشنفکران و زنان نمایندگی می‌نمایند از گروه‌ها و اقاشر گوناگون اجتماعی دارای معتقدات و نظرات مختلف سیاسی، فلسفی و دینی، از رهبران سیاسی واقف بین در کشور‌های سرمایه داری، از تمام احزاب دموکراتیک، از سازمان‌های عامه مترقی ملی و بین‌المللی خواهشمند است که مساعی خویش را در مبارزه ضد امپریالیستی به‌منظور تخفیف کشیدگی و در دفاع از صلح متحد سازند، ما از همه آن‌ها دعوت می‌نماییم که در تبادل نظر وسیع و تعمیری بر وسیع‌ترین سلسله ممکن موضوعات مربوط به مبارزه ضد امپریالیستی اشتراک ورزند.

کمونیست‌ها برای آمادگی و اجرای عمل متحد با تمام نیروهای وطن پرست، مترقی و صلح‌جوست به مقیاس ملی، منظوری و بین‌المللی از دموکراتیک‌ترین شیوه‌ها جانب‌داری می‌نمایند. آن‌ها برای ایجاد هرچه بیشتر تفاهم متقابل بین‌المللی تمایلات و جنبش متعدد و متنوع ضد امپریالیستی از طریق در نظر گرفتن خصوصیات و نشان دادن احترام به استقلال آن‌ها هر چه در توان دارند دریغ نخواهند کرد. اشکال همکاری

دموکراتیکو او عادلانه هدفونو له

دموکراتیکو او عادلانه هدفونو له

دموکراتیکو او عادلانه هدفونو له

دموکراتیکو او عادلانه هدفونو له



از لحاظ اقتصادی کم رشد است معمولاً به اساس مبادله نابرابر صورت می‌گیرد این نابرابری در مبادله در تناسب قیمت‌های صادرات و واردات پیوسته بسود کشور‌های سرمایه داری و به زیان کشور ما تمام می‌شود که حکومت‌های وقت سنگین مسوولیت آن را به عهده خواهند داشت.

کشور‌های رشد یافته سرمایه داری ازین مجبوریت کشور‌های کم رشد که به صدور یک یا چند نوع امتعه می‌پردازند، سوء استفاده کرده نوسان مصنوعی قیمت‌ها را به وجود می‌آورند و از این راه سوده‌های بزرگی می‌برند؛ مثلاً در سیاست اقتصادی خود در برابر کشور‌های کم رشد، این شیوه بی‌شرمانه را منجمله شیوه‌های دیگر غارتگرانه خویش به کار می‌برند که در دوره رکود فعالیت‌های تجارتی و اقتصادی خرید خود را از این کشور‌ها تا حدود زیادی تقلیل داده و یا قطع می‌نمایند. بدین‌وسیله به‌خصوص برای آن ممالک که سرنوشت تجارت آن‌ها بستگی به یک یا چند نوع متاع معین دارد ببدختی و فلاکت به وجود می‌آورند و بعد هنگامی‌که در اثر فشار و تضییقات قیمت‌ها نزول کرد، به نازل‌ترین قیمت شروع به خریداری می‌کنند. ولی همین‌که قیمت‌ها در اثر تقاضای بیشتر تمایل به صعود پیدا نماید فوراً کنترل بر روی آن‌ها بر قرار می‌گردد. مثال بر جسته و تأثیر مشخص چنین پالیسی غارتگرانه کشور‌های سرمایه داری را می‌توان در مورد آن اقلام عمده صادراتی افغانستان مثل قالین، قرفل و غیره مشاهده کرد که به آن کشور‌ها صادر می‌گردد.

هدف ما از طرح این مساله مخالفت با داشتن مناسبات تجارتی، در صورت امکان، با تمام کشور‌های جهان نیست ولی ما در امر توسعه تجارت خار جی پیوسته طرفدار اصول برابری، نفع متقابل و احترام به آزادی طرفین معامله می‌باشیم.

مطمح نظر ما اینست که در روابط یا تجارتی خویش افغانستان با کشور‌های دیگر، بکوشد که واردات بر صادراتش فزونی نیابد و میزان پرداخت نقدی آن محدود گردد، تجارت

انترناسیونالیزم پرولتری نموده می‌تواند.

احزاب کمونیست و کارگری فعالیت شان را در شرایط گوناگون، خاص پیش می‌برند که در حل پرابلم‌های مشخص ایجاب برخورد مناسبی را می‌نماید. هر حزب، با رهنمایی مارکسیزم لنینیزم و مطابق به شرایط مشخص ملی، خط مشی سیاسی خود را با استقلال کامل طرح می‌کند، جهت‌ها، اشکال و شیوه‌های مبارزه را تعیین می‌نماید، و مطابق به حالات راه گنار مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز به سوسیالیزم و همچنان اشکال و شیوه‌های ساختمان سوسیالیزم را در کشور خویش انتخاب می‌کند. در عین زمان، شرایط مختلف که در آن احزاب کمونیست فعالیت می‌کنند، برخورد‌های مختلف در وظایف عملی و حتی اختلافات در بعضی مسائل، نباید مانع عمل مشترک بین‌المللی از طرف احزاب برادر خصوصاً در پرایلم‌های اساسی مبارزه ضد امپریالیستی گردد. به هر اندازه که قوت و وحدت هر حزب کمونیست بیشتر باشد به همان اندازه می‌تواند نقش خود را در داخل کشور و در جنبش بین‌المللی کمونیستی بهتر بازی کند.

کمونیست‌ها از این آگاهند در حالی

## بازهم نکاتی چند ...

را با طرف معامله بر اساس نفع

متقابله توسعه دهد. این امر در صورتی ممکن است که تبادل اموال بر اساس مستحکم قراردادها و موافقت نامه‌های طویل‌مدت صورت گیرد، زیرا با این وضع می‌توان برای بسط و توسعه سالم تجارت برای مدت طولانی طرحی را به وجود آورد، ازین راه خرید و فروش را تثبیت کرد و به‌طور دوامدار مقدار تولید امتعه صادراتی را بالا برد. علاوتاً بر طبق این‌گونه موافقت‌نامه‌های طویل‌مدت، برای امتعهٔ اصلی مورد مبادله در تمام مدت قرارداد قیمت‌های ثابت پیش‌بینی می‌شود؛ که کشور ما دچار عواقب منفی نوسان و تزلزل قیمت‌ها

(از ص اول)

مردانه است، فساد و گمراهی تا آخرین حد آن در میان زندانیان زن شیوع دارد.

اطفال که زندانی می‌گردند حتماً به حیث یک فاسد الاخلاق برون داده می‌شوند. عوض آنکه اطفال مجرم تحت تربیت صحیح قرار گیرند و اصلاح شوند عمداً در اثر رویه غیرانسانی و بی‌اعتنائی‌های خاص به‌سوی فساد و گمراهی سوق می‌گردند و از میان این‌هاست که غالباً جنایتکاران خطرناک به وجود می‌آید.

زندان‌های افغانستان بخصوص در برابر زندانی‌های سیاسی از قدیم‌الایام مرکز فجایع و جنایات دهشتناک بوده هر خشت و سنگ آن‌ها هر مترمربع، هر وجب آن گواه و بازگوینده اسرار و سیاه کاری‌های فجیع و صحنه‌های هول انگیز می‌باشد. صدها جوان آزادیخواه و مشروطه خواه کشور یا بدون محاکمه سال‌ها در زندان فراموشی قرارگرفته و از بین می‌رفتند و یا تحت زجر و فشار غل

که جنبش شان در جریان تکامل خود به پیروزی‌های بزرگ تاریخی نایل می‌گردد در این اواخر با مشکلات جدی مواجه گردیده است. ولی کمونیست‌ها معتقد اند که بر این مشکلات فایق خواهند شد. این اعتقاد متکی بر این حقیقت است که طبقه کارگر بین‌المللی اهداف و منافع طویل‌المدت مشترک دارند، و مبنی بر تلاش هر حزب برای پیدا نمودن یک راه حل برای پرایلم‌های موجود می‌باشد که با منافع ملی و بین‌المللی و مأموریت انقلابی کمونیست‌ها مطابقت خواهد داشت، بالاخره این عقیده مبنی بر اراده کمونیست‌ها برای به هم فشردگی به سویه بین‌المللی است.

حزب کمونیست و کارگری قطع نظر از بعضی اختلافات نظر، تصمیم شان را در ایجاد یک جبههٔ متحد در مبارزه علیه امپریالیزم بار دیگر تائید می‌نمایند.

بعضی اختلافاتی که به وجود آمده است از طریق تیبانل نظر رفع می‌گردد یا با انکشاف واقعات که جوهر موضوعات برجسته را روشن می‌سازد، از بین می‌رود. اختلافات دیگر برای مدت طولانی ادامه خواهد یافت. کنفرانس اطمینان دارد که موضوعات برجسته می‌تواند و باید از طریق تقویه همه اشکال همکاری بین

نمی‌گردد.

از انجائی که توسعه تجارت خارجی بر پیشرفت‌ها و ترقیات صنعت و زراعت، توسعه استخراج ثروت‌های طبیعی و بر بهبود سطح زندگی و افزایش مواد مورد نیاز اهالی متکی می‌باشد بنا بر آن راه خروج از وضع نامساعد اقتصادی کنونی عبارت است از صنعتی کردن کشور، دادن حق تقدم و توريد ماشین آلات. بدیهی است که انجام این امر مهم صنعتی کردن کشور در شرایط کنونی افغانستان بدون همکاری‌های برونی و داشتن مناسبات اقتصادی و تجارتی با کشور‌های دیگر نمی‌تواند به‌سرعت انجام گیرد ولی ما بر آنیم

که بین مناسبات مبتنی بر احترام و منافع متقابل برابری و بدون قید و شرط سیاسی باشد.

ما معتقدیم که ملی ساختن تجارت خارجی و بسط و توسعه مناسبات اقتصادی میان کشور ما و کشور‌های سوسیالیستی و توسعه تجارت میان آن‌ها بر اساس مباد له برابر و سود متقابل مطابق به منافع ملی ما بوده و موجب رشد سریع نیروهای مؤلده در کشور می‌شود که این امر موجب ترقی و رفاه خلق و حل مسائل میرم و حیاتی رشد اقتصادی کشور می‌گردد و تا درجه زیادی به استحکام استقلال ما کمک می‌نماید.

(س.ک)

## پیش‌آمد در برابر زندانیان...

واقع شده در زندان‌های افغانستان محبوسانی بسر می‌برند که سال‌های سال بر آن‌ها سپری گشته بدون اینکه جرم ایشان در محاکم ثابت و یا لاقل قضیه مربوط به آن‌ها در محکمه پیش گردیده و مطرح بحث قرار گرفته باشد. بسی واقع شده که مأموران زندان برای رفع مسوولیت و فرار از چنگ قانون (!) انسان‌های بی‌گناهی را به بهانه‌های گوناگون دستگیر و عوض زندانیان فراری و به‌منظور پوره کردن کمبود محبوسان به زندان افکنده و مدت‌ها در قید نگه می‌داشتند.

در کشور ما تعداد بیشتری خانواده‌های زندانیان با غیابت و یا از دست دادن دایمی نان آور و سرپرست خویش دچار مصایب و ببدختی‌های فراوانی گردیده و محکوم به فساد تباهی و مرگ گردیده‌اند. غالباً اعضای خانواده و مربوطین زندانیان و بخصوص زندانیان سیاسی علی‌رغم اینکه در قانون اساسی گفته می‌شود «جرم یک امر شخصی است. تعقیب گرفتاری یا توقیف متهم و

مزدورکاران روزمزد گروه دیگری از رنجبران ستمکش کشور ماست. ایشان از صبح تا شام به کار‌های گوناگون پر مشقت و طاقت‌فرسای مزدورکاری بالعموم در تعمیرات و ساختمان‌های جدید می‌پردازند. مزدی که در طول یک روز در بدل کار دشوار و توان‌فرسا به ایشان پرداخته می‌شود قدری ناچیز است که با آن و خانواده حداقل سه نفری‌شان را تهیه کنند.

مزدورکاران روزمزد که حتی مصنونیت تأمین کار را برای فردای خویش ندارند مجبورند در زیر آفتاب روبروی مسجد پل خشتی، دهم‌زنگ و برخی نقاط دیگر شهر است، استخدام می‌گردند و عدهٔ کثیری دیگر بی سرنوشت و سرگردان پی کار می‌گردند. در حالی که یک روز بیکاری مزدورکار، قیمت گرانی برای خود و خانواده‌اش تمام می‌شود، زیرا فقط فروش نیروی کار اوست که اعاشه «بفخر بخور و بفخریچ بمیر» خود و خانواده‌اش را می‌نماید.

گاراژ‌های سیاه و نمناک، اتاق‌های

دودزده و غیر صحی سرای‌ها رهاپشگاه آنان را تشکیل می‌دهد. آن‌ها زیر روشنی کم نور شمع و چراغ تیلی فقط لقمه‌های نان خشک را قورت می‌دهند و می‌خوابند. کثرت مسکونین درین حجره‌ها باعث انتشار انواع گوناگون امراض بین آن‌ها می‌گردد.

مزدورکاران روزمزد غالباً دهقانان بی‌زمین و کم زمین اند که از جور و ستم ملاکان ستمگر جدیداً به شهر‌ها پناه می‌آورند و یا کارگرانی که بیکار مانده‌اند.

زندگی مزدورکاران نمودار زنده‌ای از نابرابری‌های اجتماعی در کشور ماست. یا آن زندگی‌های پرتجمل و افسانوی صاحبان زور و ثروت و یا این زندگی مرگبار و دردانگیز که می‌تواند آن را زندگی بدون همه چیز نامید، نه علید کافی برای بخور و نمیر، نه خوراک، نه لباس، نه سرپناه و نه قدرت تدایوی هنگام بیماری. قیافه‌های غم انگیز، چهره‌های سیاه و سوخته، تن‌های لاغر چشمان در کاسه فرورفته آن‌ها بیانگر زندگی جهنمی و پر از درد ورنج آن‌هاست.

«**رتبیل**»

کنندهگان کنفرانس بدون استثناء تمام احزاب کمونیستی جهان را که در راه اشتراک مشروع در حیات سیاسی کشورشان می‌چنگند پشتیبانی می‌نمایند. ما به تأکید، اختناق وحتیانه و تروری را که حیات هزاران در هزار کمونیست‌ها و سایر دموکرات‌ها و انقلابیون را در اندونیزیا، هسپانیا، پرتگال، یونان، بولیویا، برازیل، کولمبیا، گواتیمالا، افریقای جنوبی، تایلند، مکسیکو، ونزوئلا، پاناما، پاراگوای، هایتی، مالیزیا، ایران، فلپاین و بعضی کشور‌های دیگر نابود ساخته است محکوم می‌نماییم، ما

همسنگی خود را در مبارزه مشترک با هم‌زمان خود که در زندان‌های رژیم‌های دیکتاتوری و فاشیستی، در محابس کشور‌های سرمایه داری اقلیده اند اعلام می‌نماییم و برای رهایی آن‌ها کار می‌کنیم. اشتراک کنندگان، این کنفرانس را به حیث مرحلهٔ مهمی در همبستگی جنبش کمونیستی می‌پندارند. آن‌ها معتقد اند که غیابت بعضی احزاب کمونیستی نباید در راه پیوندهای برادرانه و همکاری بین تمام احزاب کمونیست، بدون استثنا موانع به وجود آورد. آن‌ها تصمیم شان را در راه حصول عمل مشترک اند اعلام می‌نماییم و برای رهایی آن‌ها کار می‌کنیم. اشتراک کنندگان، این کنفرانس را به حیث مرحلهٔ مهمی در همبستگی جنبش کمونیستی می‌پندارند. آن‌ها معتقد اند که غیابت بعضی احزاب کمونیستی نباید در راه پیوندهای برادرانه و همکاری بین تمام احزاب کمونیست، بدون استثنا موانع به وجود آورد. آن‌ها تصمیم شان را در راه حصول عمل مشترک و در مبارزه علیه امپریالیزم، به خاطر اهداف مشترک همچنان با

طبقه کارگر و در بین توده‌های وسیع به شمول جوانان تبلیغ خواهند نمود. آن‌ها اصول خویش را به‌طور استوار حفظ و به خاطر پیروزی مارکسیزم - لنینیزم کار خواهند کرد و مطابق به اوضاع مشخص، بر ضد انحرافات اپورچونیستی راست و چپ در تئوری و در پالیسی بر ضد تجدید نظر طلبی، جزمیت و ماجراجویی سکتریستی چپ خواهند جنگید. این انحرافات به‌طور عمومی اهمیت نیروهای واقعی را که می‌توانند و باید به‌سوی مبارزه کشانیده شوند کم بها می‌دهد.

وفاداری به مارکسیزم - لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری، خدمت یا وقف فداکارانه به منافع خلق شان و مرام مشترک سوسیالیزم شرط لازم برای مؤثریت و جهت دادن صحیح عمل متحدانه که توسط احزاب انقلابی کمونیست و کارگری صورت می‌گیرد تضمین می‌نماید که آن‌ها اهداف تاریخی خود را به دست خواهند آورد.

جنبش کمونیستی جزء لاینفک جامعه معاصر است و فعال‌ترین نیروی آن بشمار می‌رود.

از آن رو منع قرار دادن احزاب کمونیستی، حمله بر حقوق دموکراتیک منافع حیاتی خلق‌ها است. اشتراک

## زنده‌گی دشوار و پر از درد و رنج مزدورکاران

سوزان در نیمه روز‌های فصل سوزان تابستان کار نمی‌اند. رسیدن فصل زمستان و مخصوصاً قطع شدن کار تعمیرات عرصه زندگی را بیش از پیش بر مزدورکاران روزمزد تنگتر می‌سازد. از انبوه منتظرین برای کار روزانه، عده کثیری از ایشان بنا بر فقدان کار، روز‌ها را در بیکاری می‌گذرانند و فقط آن‌هایی می‌توانند کاری بیابند که زور بازوی بیشتر دارند. این‌هاست که اول‌تر از میان ده‌ها و صدها کارگر روز شماره (بیست و چهارم سال دوم) مزد دیگر به انتخاب «صاحب کار» بخصوص در مراکز معین و یا به عبارهٔ دیگر بازار‌های عرصه کار که در کابل روبروی مسجد پل خشتی، دهم‌زنگ و برخی نقاط دیگر شهر است، استخدام می‌گردند و عدهٔ کثیری دیگر بی سرنوشت و سرگردان پی کار می‌گردند. در حالی که یک روز بیکاری مزدورکار، قیمت گرانی برای خود و خانواده‌اش تمام می‌شود، زیرا فقط فروش نیروی کار اوست که اعاشه «بفخر بخور و بفخریچ بمیر» خود و خانواده‌اش را می‌نماید.

گاراژ‌های سیاه و نمناک، اتاق‌های دودزده و غیر صحی سرای‌ها رهاپشگاه آنان را تشکیل می‌دهد. آن‌ها زیر روشنی کم نور شمع و چراغ تیلی فقط لقمه‌های نان خشک را قورت می‌دهند و می‌خوابند. کثرت مسکونین درین حجره‌ها باعث انتشار انواع گوناگون امراض بین آن‌ها می‌گردد.

مزدورکاران روزمزد غالباً دهقانان بی‌زمین و کم زمین اند که از جور و ستم ملاکان ستمگر جدیداً به شهر‌ها پناه می‌آورند و یا کارگرانی که بیکار مانده‌اند.

زندگی مزدورکاران نمودار زنده‌ای از نابرابری‌های اجتماعی در کشور ماست. یا آن زندگی‌های پرتجمل و افسانوی صاحبان زور و ثروت و یا این زندگی مرگبار و دردانگیز که می‌تواند آن را زندگی بدون همه چیز نامید، نه علید کافی برای بخور و نمیر، نه خوراک، نه لباس، نه سرپناه و نه قدرت تدایوی هنگام بیماری. قیافه‌های غم انگیز، چهره‌های سیاه و سوخته، تن‌های لاغر چشمان در کاسه فرورفته آن‌ها بیانگر زندگی جهنمی و پر از درد ورنج آن‌هاست.

(**خلیل زمر**)

احزاب کمونیست و کارگری اعلان می‌نمایند که در کنفرانس موجود نمایندگی ندارد.

مبارزه علیه امپریالیزم بیکاریست طولانی، مشکل و دشوار و نبردهای سخت طبقاتی اجتناب ناپذیر در پیشرو است. بیابید حمله بر ضد امپریالیزم و ارتجاع داخلی را شدت بخشیم. نیروهای انقلابی و مترقی یقیناً پیروز می‌شود.

خلق‌های کشور‌های سوسیالیستی کارگران، نیروهای دموکراتیک در کشور‌های سرمایه داری، خلق‌های نو به آزادی رسیده و آن‌هایی که تحت ستم هستند در مبارزه مشترک علیه امپریالیزم، به خاطر صلح رهایی ملی، ترقی اجتماعی، سوسیالیزم متحد شوید.

(پایان)

\*\*\*

**تذکر**

**درین شماره ترجمه آخرین قسمت «وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم... «به پایان می‌رسد. در شماره آینده اغلاط طباعی موضوع از شروع تاختم که طی شماره پرچم بچاپ رسیده است، تصحیح خواهد شد.**



# پرچم

*د افغانستان د تڼک دموکراتیک افکارو پخپروونکی*

۱۷ سنبله ۱۳۴۸

## اجرای فعالیت‌های جاسوسی در زیر پرده بشردوستی

حکومت چیلی «۸۰» نفر از جمله یگ گروپ ۱۷۸ نفری پیسکورهای امریکایی را که زیر پرده بشردوستی مصروف امور جاسوسی بودند امر کرده است که به تاریخ ۲۳ اگست خاک چیلی را ترک گویند. این فیصله به تعقیب یک افشاگری از طرف نمایندگان کانگرس چیلی به عمل آمد. کانگرس چیلی یادداشتی را که رهبری «پیسکورها» به حیث اتباع چیلی به گماشتگان خود ارسال کرده بود برملا ساخت. در یادداشت از گماشتگان خواسته شده است که راجع به احزاب، گروه‌ها، محصلان دست چپ و اشخاصی که ایالات متحده امریکا را انتقاد می‌نمایند، مأمورین ملکی، فابریکات عمده صنعتی و منابع معدنی در کشورهای امریکای لاتین معلومات جمع کنند. نماینده حزب کمونیست «لویس فیچروا» حقایق زیادی را راجع به مداخله صریح پیسکورها در امور داخلی کشورهای امریکای لاتین ذکر نمود. کانگرس چیلی کمیسיוنی را

بقیه از صفحه اول

## انهدام یک پایگاه دیگر ...

که در مرحله اول رئیس قوای عسکری و رئیس پولیس تریپولی دستگیر گردیدند. رهبر کودتای لیبیا شخصی بنام سعدالدین می‌باشد. اطلاع می‌رساند که کشورهای اتحاد شوروی، جمهوریت عربی متحد، سوریه، عراق، الجزایر، یمن جنوبی و اخیراً تونس و لبنان، انگلستان و ایتالیا نیز رژیم جدید لیبیا را به رسمیت شناخته‌اند. رئیس جمهور آلمان شرق (آلمان دموکراتیک) به رژیم جدید در لیبیا اطلاع داده است که جمهوریت دموکراتیک آلمان آن دولت را به رسمیت شناخته و آرزو دارد روابط دوستانه برقرار نماید و کمک‌های اقتصادی و مالی به کشور لیبیا مبدول دارد.

جبهه آزادی بخش ملی فلسطین نیز طرفداری خود را از رژیم جدید لیبیا و اعلان کرده است. ولیعهد لیبیا نیز طرفداری خود را از رژیم جدید ابلاغ کرده است. لیبیا کشوربیت در شمال افریقا که با جمهوریت عربی متحد سودان، الجزایر، تونس، جمهوری چاد و نایجیریا سرحدات مشترک دارد. مساحت آن یک میلیون و هفتاد و پنج هزار کیلومتر مربع است و نفوس آن اندکی بیشتر از یک و نیم میلیون نفر می‌باشد. در لیبیا سه پایگاه نظامی انگلستان و یک پایگاه بزرگ امریکا وجود دارد.

### پرچم

<b>ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان</b>	
<b>صاحب امتیاز<span> </span>:</b>	<b>سلیمان لایق</b>
<b>مدیر مسوول:</b>	<b>میر اکبر خیبر</b>
<b>آدرس:</b>	<b>محمد جانخان واټ—زرلښت مارکیت</b>
<b>تېلفون:</b>	<b>۲۳۱۶۴</b>
<b>قیمت:</b>	<b>۲/۵ افغانی</b>

**مطبعه دولتی**
تایپ متن قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

# د افغانستان د خلک دموکراتیک جریان

## او د افغانستان د ښځو دموکراتیک سازمان د پښتونستان د ملی آزادی ښوونکی نهضت ملاتړ کوی

په تیره هفته کی د سنبلې په نهمه د «پښتونستان ورځ» ونمانځل شوه. د افغانستان دځلک دموکراتیک جریان او د افغانستان د ښځو دموکراتیک سازمان د دی «ورځی» په نامنځلو او تجلیل کی په خپلو اصولو سره سم ستر ه برخه

واخیستله. د پښتونستان د ستر ملی مشر خان عبدالغفارخان، د نیشنل عوامی پارټی صدر خان عبدالولی خان، د جنوبی پښتونستان مشر خان عبدالصمد خان، د نیشنل عوامی گوند جانیټ سکرتر اجمل څټک او نور ملی او مترقی مبارزانو هم په دی مراسمو

## ۳۰ سال از آغاز جنگ جهانی دوم گذشت

به مناسبت ۳۰ سال آغاز جنگ جهانی نوم مینټیگی در وارسا تشکیل شده بود که در آن رئیس جمهور چکوسلواکیا نیز شرکت داشت.

درین مینټینگ رئیس جمهور پولند گفت: «به همه معلوم است قوای اتحاد شوروی در زمان جنگی ستون فقرات قوای آلمان هیتلری را شکست و آن را منهدم ساخت.

سرحدات فعلی پولند سرحدات صلح و آزادی است و غیرقابل تغییر می‌باشد و به هیچ‌کس و هیچ قوای اجازه داده نخواهد شد تا این سرحدات صلح را به نفع خود تغییر بدهند.»

سوابودا رئیس جمهور چکوسلواکیا

درین مینټیگی اظهار نمود: گناه

## آلمان غرب مرکز تجمع اسلحه هسته‌ی و میکروبی شده است

وزارت خارجه جمهوریت دموکراتیک آلمان یادداشت اعتراضیه عنوانی حکومت آلمان فدرال فرستاده و در آن نسبت توسعه فابریکات تولید اسلحه میکروبی و کیمیاوی در آلمان غرب، شدیداً اعتراض کرده است. در یادداشت گفته می‌شود که فعلاً ۸۰ فابریکه مشغول ساختن این‌گونه اسلحه در آلمان غرب می‌باشد. حزب کمونیست آلمان غرب به مناسبت اینکه سی سال از آغاز جنگ

## اعتراض وزارت خارجه جمهوریت دموکراتیک ویتنام

نطاق وزارت خارجه جمهوری دموکراتیک ویتنام نسبت اینکه قوای امریکا به تاریخ ۳۰ اگست از خشکه و از بحر دو قریه ویتنام شمالی را در منطقه مین لین بمبارد کرده است ایالات متحده امریکا را شدیداً مورد اعتراض قرار داد.

در اثر این گلوله باری تلفات جانی

بقیه از صفحه اول

# فرزند کبیر خلق ...

۱۹۴۵ در رأس دولت مؤقت ویتنام قرار گرفت.

داکتر هوچی من در سال ۱۹۴۶ نهضت ضد استعمار فرانسه را از هانگانگ رهنمایی می‌کرد و مردم هند

چین را به مبارزه علیه استعمارگران فرانسوی دعوت می‌نمود. به سرکردگی هوچی من بود که به نیروهای استعماری فرانسه شکست عظیمی در دین بین فو وارد آمد در نتیجه آن ویتنام در سال ۱۹۵۴ در کنفرانس ژنیو تقسیم شد.

بعد از حصول استقلال، داکتر هوچی من به حیث رهبر بزرگ و رئیس جمهور ویتنام دموکراتیک (ویتنام شمالی) انتخاب گردید و بعداً علیه اشغالگران امریکایی مبارزه خلق ویتنام را رهبری می‌کرد.

خلق ویتنام در تحت رهبری فرزند

کی گډون کړی وو.

د افغانستان د ځلک دموکراتیک جریان او د افغانستان د ښځو دموکراتیک سازمان له پښتونستان واټ نه تر غازی ستوديوم پوری د یوی ستری او شانداري مظاهری په شکل حرکت وکړ. دلاری په اوږدو کی په زرگونو ښاریان او منورین، خان عبدالغفارخان او د پښتونستان نور ملی او مترقی عناصر هم د افغانستان د ځلک دموکراتیک جریان او د افغانستان د ښځو د دموکراتیک سازمان په دغی ستری مظاهری کی گډون وکړ.

مظاهره چیانو د ترستم لاندی ملتونو د آزادی، د پښتونستان او بلوچستان د حق خودارادیت او ملی نهضت او د نیشنل عوامی پارټی د طرح سره سم

د پښتونستان او بلوچستان د ملی

دوران جنگ گذشته در حدود ۴ میلیون از مردم پولند در کوره‌های آدسوزی آلمان هیتلری از بین رفتند.

جوانان اروپا بچشم سر کوره‌ها و جاهای را که آلمان هیتلری در تاریخ بشریت بزرگترین و خطرناکترین جنایات را در آنجاها انجام داده‌اند، ملاحظه کردند.

## بازار انتخاباتی در باره مبارزات انتخاباتی در ولسوالی پنجشیر

بازار انتخاباتی دوره سیزدهم شوری، عبدالهادی کریم فرزند وطن پرست و ترقی‌خواه کشور نیز به‌منظور بیداری خلق مبارزه در راه تحقق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و تأمین دموکراسی در تحت پرچم جریان دموکراتیک خلق افغانستان از ولسوالی پنجشیر کانديد گرديده و در حیات مبارزه انتخاباتی شرکت فعال ورزید، چنانچه بیش از دو ماه است که در میان دره‌های هندوکش، در بین کوهستانیان بی‌زمین و کم زمین نزدیک با مردم به‌صورت قانونی و پیگیر و خستگی ناپذیر کار، مبارزه ... ملی و ترقی‌خواهانه‌ای را در راه بیداری شعور ملی، سیاسی، اجتماعی - طبقاتی مردم زحمتکش ولسوالی کوهستانی پنجشیر انجام می‌دهد.

با تأسف باید یادآور شد که مستبدین، متنفذین و مرتجعین محلی از مشاهده جریان پیروزمندانه مبارزه پارلمانی در ولسوالی پنجشیر به نفع پرچمدار صدیق دموکراتیک خلق افغانستان و از اینکه اکثریت بزرگی اهالی زحمتکش پنجشیر شجاعانه در موضع دفاع و تائبی از فرزند راستین خویش عبدالهادی کریم قرار گرفته‌اند و آماده رأی دادن بوی می‌باشند، سخت در تلاش افتاده‌اند و هر روز به اعمال خلاف قانون و شرم آور و توطئه‌های ننگین دست می‌زنند و پیوسته سعی می‌ورزند تا اذهان توده مردم را با انواع تبلیغات کثیف و دموکراتیک مشوب بسازند و در نتیجه آزادی‌های مصرح در قانون اساسی را پایمال منافع خویش نمایند.

مشهود است که بعضی ازین عناصر متنفذ محلی که به اصول و پرنسپب انسانی و شایسته پابندی ندارند صورت عیان و سوء استفاده از موقف خویش عکس‌های عبدالهادی کریم را نامردانه پاره می‌کنند و بر

### توجه!

افراد ژاندارم و پولیس که از طرف مقام ولایت جوزجان بنام حفظ نظم و امنیت در جریان انتخابات در ولسوالی سرپل جوزجان مؤظف گردیده‌اند، شاید بنا به دستوری که گرفته‌اند، موجب نفاق میان مردم زحمتکش و وطن‌پرست ولسوالی سرپل می‌گردند و کسانی را که می‌خواهند آزادانه و خارج از تحت نفوذ و تأثیر متنفذین محلی رأی بدهند به‌طور غیرقانونی تهدید و تخویف می‌نمایند. هر گاه در جریان انتخابات برای ولسی‌جرگه نیز وضع بدین منوال دوام کند، مسوول عواقب ناگوار آن گردانندگان امور خواهند بود.

## شمه‌ای در باره مبارزات انتخاباتی در ولسوالی پنجشیر

ضد وی تبلیغات سوء و مخالف کرامت انسانی می‌نمایند و مردم شریف پنجشیر را که مصمم هستند برای کانديد خویش عبدالهادی کریم رأی دهند مورد تهدید و تخویف قرار می‌دهند. چون این‌همه دسایس عناصر تاریخ زده در اهالی نجیب پنجشیر مؤثر نیفتاد، لذا به بوروکراسی و عناصر دفتری توسل جستند به این معنی که فهرست‌های ناقص، قلیل و درهم و برهمی پایه رأی گیری قرار گرفت. جریان انتخابات برای مشرانوجرگه در پنجشیر نشان داد که اسمای اکثریت بزرگی رأی دهندگان اهالی پنجشیر ثبت نگردیده است و عملاً محروم از حق رأی دهی گردیده‌اند و این وضع ضد قانونی و ضد دموکراتیک در جلو چشمان باز رئیس محکمه کاپیسا عملاً صورت گرفته است و اسناد قه و تحریری نیز در دست است که هیأت کمیته محلی انتخابات ولسوالی پنجشیر جریان واقعی این وضع را ضمن یادداشتی به کمیته مرکزی نظارت انتخابات اطلاع داده است ولی به اعتراضات و خواست‌های دموکراتیک مردم پاسخ مثبت داده نشد.

واقعیت تلخ و سر سخت اینست که تا مناسبات اجتماعی - اقتصادی فئودالی افغانستان محو نگردد و جای بیروکراسی فرتوت کنونی را یک اداره سالم و دموکراتیک نگیرد حتی تطبیق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی کنونی به موانع بزرگی بر می‌خورد. بهر حال آنچه مسلم است کاننده‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان من‌جمله عبدالهادی کریم از رأی اکثریت اهالی زحمتکش حوزه‌های مربوط خویش برخوردارند که ما در شماره‌های آینده پرچم گزارش مبارزات انتخاباتی آن‌ها را نشر خواهیم کرد و پرده از روی حقایق انتخابات شرایط فئودالی کشور بر داشته خواهد شد.



# رحم پرم

## ناشرانديشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۲۶-سال دوم دوشنبه ۱۴ میزان ۴۸ ۶ اکتوبر ۶۹، شماره مسلسل ۷۸

دوکتور اناهیتا (وکیل دوره دوازدهم ولسی‌جرگه)

## انتخابات دوره

### سیزدهم شوری چگونه پایان یافت؟ تأمین آزادی کامل انتخابات در کدام شرایط ممکن است؟

انتخابات دوره سیزدهم شوری پایان یافت. در جریان انتخابات، خلق افغانستان یک بار دیگر به‌طور مشخص مشاهده کردند که چگونه مرتجعین، مستبدین و منتقدین محلی به دستگیری دستگاه اداره حکومت افغانستان که خود خدمتگزار طبقات حاکم در جامعه می‌باشد، اعمال نفوذ کردند. ارتجاع سیاه افغانستان با امکانات وسیعی که در اختیار دارد در پناه به‌اصطلاح «دموکراسی» و آزادی حقوق مسلم مردم را پامال منافع غارتگرانه خویش نمود، تهدید، تخویف و تلمیع خلق هنگام رأی‌دهی و صرف صدها هزار و میلیون‌ها افغانی، ایجاد موانع گوناگون، کارشکنی‌ها و قانون شکنی‌های صریح امری رایج و عادی در جریان انتخابات بود که از طرف عناصر و نیروهای ارتجاعی، مستبدین و منتقدین محلی و محافل حاکمه ستمگر و ارتجاعی اعمال گردید.

انتخابات دوره سیزدهم شوری نشان داد که چگونه مواد قانون به نفع طبقات حاکم در جامعه، از طرف دستگاه اداره حکومت افغانستان و قضاء تفسیر، توجیه و تعبیر گردید و چگونه به بهانه قانون در برابر عناصر وطن‌پرست و ترقی‌خواه جریان دموکراتیک خلق افغانستان و سایر اشخاص ملی و مترقی و به

زمور په هیواد کی د استبداد او ارتجاع د له مینځه وړلو د ناکامی یو علت او یو له عواملو څخه دادی چه تر قی غوښتونکی او هیواد پالونکی

قوتونه د خلکو له پراخو پرگنو سره تماس او پیوند نلری. د افغانستان ارتجاعی حاکمه قدرتونو له کلونو راهیسي هڅه کړی ده چه په بیلو بیلو

# د نه ماتیدو راز له خلکو سره نژدی پیوند

پوهیږی چه که مترقی او ملی قوتونه له خلکو نه جلا وی، او له زیارکینو سره ارتباط ونه لری او له خلکو سره د دوی د تماس نیولو امکان له مینځه یووړل شی، په هغه وخت کی که هر څومره انقلابی شور او هیجان ونسی خونړي او له اوره ډک د انتقام، کینی، نسکورولو او قهرامیزه شعارونه ورکړی، پای به یی هیڅ وی. له همدی چپته ده چه د افغانستان ارتجاعی حاکمه قوتونه تر ټولو لومړی له هغو اصلو مترقی او وطن پرستو قوتونو څخه ویرپیږی او دهغو په ضد په دسیسی لاس پوری کوی چه زیاتره په خلکو با ندی اتکا ولری، او د خلکو دفاع کوي، د خلکو خدمت کوي، دخلکو د سترو رنخونو د پاره فکر کوي او د اوسنی افغانستان د اجتماعی او سیا سی شرایطو له علمی تحلیل سره سم د خلکو په گټه دمبارزی صحنی هفونه او شعارونه خنی را وباسی او د هغو د تحقق دپاره خپلی قواوی متشکلی کړی او په اصولي او پرله پسې مبارزی لاس پوری کړی.

د افغانستان ارتجاعی حاکمه قدرتونه د خلکو د سترو پرگنو له خلاق او خوځوونکی قوت څخه داریږی او د خلکو له پراخو پرگنو سره ترقی غوښتونکو او هیوادپالونکو قوتونو تماس د خان دپاره مرگ بولی، دا تاریخی واقعیت دی. ځکه، مسلمله خبره ده چه که یو خل خلک راوپیښ شول او وخوخیدل د یو سهمناک طوفان او خر سیلاب په شان به ودریږی او په هغه وخت کی به یی هیڅ قدرت د مخنیوی توان و نه لری. د اسارت تور خنځیرونه به وشلوی او د آزادی په لونی لاری به روان شی. فاسده او مرتجع دستگاه، د امپریالیزم ټول هواخوان، ټول رشوتخواره مأموران، ټول مستبدین، او د محلی نفوذ خاوندان به گور ته وربنکته کړی

(ص ۳)



هادی کریم

پنجشیری و هادی کریم در مقیاس سرتاسری افغانستان تانید و تثبیت کرد.

(ص ۳)

تکتیکونو او راز راز طریقو له خلکو سره د هیواد د ترقی غوښتونکو او ملی قوتونو د تماس مخه په جدی ډول ونیسی. ځکه چه دوی بنه

## اعمال قانون شکنانه

در حوزه‌های انتخاباتی ولسوالی‌های پنجشیر و خان آباد و زندانی کردن غیرقانونی

پرچمداران ترقی‌خواه و وطن‌پرست جریان دموکراتیک خلق افغانستان

در اثر یک توطئه سیاه رفیق ارجمند ما دستگیر پنجشیری

### زندانی شد



دستگیر پنجشیری

از طرف عمال دستگاه توقیف و به کمترین زمان بدون اینکه کوچکترین مجال قانونی حق دفاع برای وی داده شود به شیوه قرون وسطایی «محاکمه» به هفت سال حبس محکوم گردید.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان با شناخت کاملی که ازین رفیق وطن پرست و با تقوی و اصولی خود دارد، جداً معتقد است که وی در فعالیت‌های عملی‌اش مطابق به خط مشی جریان و در چوکات اصول و قانونیت پیوسته با انضباط بوده و از هر گونه گرایش به انحراف راست و اعمال ماجراجویانه و چپروانه احتراز جسته است. اینکه عده‌یی از عمال زرخیز طبقات حاکم به‌صورت بسیار بی‌شرمانه و کینه‌توزانه می‌خواهند رفیق اصولی و ارجمند ما را به اعمال ماجراجویانه و شعارهای بی‌مورد و خلاف قانون در صحنه آشکار مبار زه متهم سازند، به شهادت عده کثیری از وطن پرستان کشور از ریشه رد می‌گردد.

هم اکنون صدای اعتراض جدی هزاران تن از افراد کشور بلند است و با قطعیت تمام قانوناً خواهان رهایی هرچه زودتر دستگیر پنجشیری این فرزند صدیق و وطن پرست کشور می‌باشند.

با شهادت در چوکات اصول و خط مشی جریان قرار گرفته و در جریان نهضت رهایی‌بخش کشور ما فعالانه و صمیمانه شرکت داشته است و افتخار خصومت مرتجعین، مستبدین را عموماً و منتقدین محلی پنجشیر را خصوصاً کسب کرده است.

بر اساس همین خصومت اخیر رفیق مبارز ارجمند ما در اثر توطئه و دسیسه عیان فلان عنصر منتفذ به همدستی مستبدین و مرتجعین در دستگاه حاکمه کشور خلاف قانون و به شکل دستوری با وارد آوردن اتهامی مطلقاً دور از واقعیت بروی، در جریان انتخابات ولسوالی پنجشیر

## وکیل حقیقی مردم زحمتکش پنجشیر کیست و توطئه گران و قانون شکنان کیانند!

استتار اعمال رسوای خود سد راه فعالیت‌های دموکراتیک و مسالمت آمیز ما گردیده است. حادثه اخیر در ولسوالی پنجشیر هنگام رأی گیری برای ولسی‌جرگه، به‌روشنی نشان داد که ارتجاع و استبداد افغانستان در برابر تمنیات و خواست‌های عادلانه خلق وطن حاضر است مرتکب هرگونه اعمال وحشیانه و ضد قانونی گردد. این واقعیت را گرفتاری و حبس سنگین رفقای وطن پرست و ترقی‌خواه ما دستگیر

را جزیی از بیکار رهایی‌بخش ملی و اجتماعی خویش می‌داند، طبق اصول خود به‌صورت پیگیر و بلا انحراف در تمام ساحه‌های مبارزات دمکراتیک اشتراک کرده و آن را در جهت بیداری و ارتقا شعور مردم افغانستان و افشای ماهیت ارتجاعی طبقات حاکمه ستمگر توسعه داده است. ولی در مقابل، ارتجاع افغانستان طبق خصلت خود قدم به قدم در راه مبارزات مشروع ملی و خلقی ما موانع پیم ایجاد کرده و به خاطر

جریان دموکراتیک خلق افغانستان که مبارزه در راه تأمین دموکراسی و استقرار آزادی‌های دموکراتیک مردم

## مبارزات انتخاباتی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در کابل

### ببرک کارمل کانديد حوزه دوم شهر کابل علی رغم مقاومت ارتجاع پیروز گردید

بود (مطلوب به‌طور عام است نه کانديدی ایفا کردند. مبارزات انتخاباتی بیشتر از همه در (حوزه دوم) شهر کابل گرم و موضوع عمده روز بود، این مبارزه مظهری از نبرد سرسخت طبقاتی اشکارا و روی صحنه، به‌طور مشخص مبارزه بین ارتجاع و ترقی

(ص ۴)

### مراسم صدمین سالگرد تولد موهنداس گاندهی در هند و اشتراک خان عبدالغفار خان در آن

از بین بردن سامراج (رژیم بیگانه) در نیم قاره هند توأم می‌باشد. گاندهی در سال ۱۸۶۹ متولد گردید، تعلیمات خود را در هندوستان و سپس انگلستان به پایان رساند، و به حیث وکیل دعوا در افریقای جنوبی شروع به کار نمود. سازمان کانگرس ملی هند را پی ریزی نمود، رهبری دلاورانه مبارزه کارگران هندی مقیم طولانی مبارزه قهرمانانه ضد استعمار مردم هند به خاطر آزادی و

(ص ۲)

## بازهم توقیف غیرقانونی پرچم

بلکه در عمر کوتاه نشراتی آن که بیش از یک سال و نیم از آن نمی‌گذرد، چندین بار مورد تهدید قرار گرفته است. ما این عمل ضد دموکراتیک را که تکرار محض و غیرقانونی عمل قبلی آنان در مورد «پرچم» است تقبیح و به آن اعتراض می‌نماییم؛ و باید متذکر شد که در شماره توقیف شده پرچم (شماره ۲۵)

علاوه بر حمله جدی به ارتجاع و امپریالیزم، دفاع جدی از رفقای مبارز و وطن‌پرست خویش که اخیراً به‌طور غیرقانونی و شیوه ظالمانه‌یی زندانی گردیده‌اند، ضمن طرح مطالب روز از قبیل تبصره تحلیلی در بیست و چهارمین اسامبله عمومی ملل متحد و غیره مقالات متعدد، گزارش مفصلی هم راجع به پیروزی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در مبارزات انتخاباتی کابل و افشای توطئه‌ها و دسیسی که در کار بوده است، تقدیم شده بود.

توزیع پرچم گردید، ارائه نماید. به‌جز اینکه اسم چنین حرکتی را فقط یک عمل کیف مایشاء گذاشت و دیگر توجیهی نمی‌تواند داشته باشد. خاطر نشان می‌گردد که این اولین بار نیست که پرچم توقیف می‌گردد،

شماره بیست و پنج پرچم (۲۱ سنبله) قبل از توزیع بر اساس تصمیم قبلی از طرف ځارنوالی توقیف گردید. ځارنوالی نتوانسته است هیچ‌گونه استناد قانون را برین عمل خود که منجر به جلوگیری از نشر و

### اتحاد شوروی بیستمین سالگرد تأسیس جمهوریت توده‌ای چین را تبریک گفت

سالگرد جمهوریت توده‌ای چین به ملت چین می‌سانیم. تأسیس جمهوریت مردم چین پیروزی تاریخی مبارزه انقلابی خلق کارگر چین به خاطر رهایی‌شان از یوغ امپریالیزم و استثمار بود. این مبارزه تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در روسیه انکشاف نمود و به‌طور ثابت باهمدردی گرم، پشتیبانی و معاونت مردم شوروی و دولت شوروی مواجه

(ص ۴)



له همدی کبله ده چه د افغانستان د ملی او اجتماعی آزادی بښوونکی مبارزې او په اورېدو کښی تر اوسه پوری په هیواد کی ارتجاعی حاکمه قدرتونو، استعماری او امپریالیستی قوتونو د خلکو د پرگنو د له بیرته پاتی والی څخه بده گټه اخیستی ده او رښنتی ملی او دموکراتیک قوتونه ترقی غوښتونکی او هیواد پالونکی د خلکو او هیواد خدمتگاران چی د مبارزې په مختلفو مرحلو کی، د خپلو تورو نقابو پو شا نو په وسیلی د خپلو جاسوسانو او خیره خوارو په واسطی په بیلو بیلو نومونو تومتی کړی دی، تر څو چه هغوی له خلکو څخه بیل کړی. په همدی دلیل ده چه هر کله چه خلکو حقایق او دسیسی تشخیص کړی دی ارتجاعی حاکمه قدرتو د خپل شرموونکی ژوند د بقا د پاره د اختناق، ترور، وژلو، بندی کولو او زندان ته د اچولو له لاری په تعرض لاس پوری کړیدی.

همدا اوس دا حیاتی او غوره مساله تر بحث لاندي ده چه ایا د افغانستان د حاکمه ارتجاعی قوتونو مزورانه نقشه به دا نه وی چه په فیودالی نظام کی د قلابی دموکراسی تر نامه لاندي په حقیقت کی دهبواد د مترقی او وطن پرستو قوتونو په ضد په بوی نا پاکی متحدی جبهی کی ټول ارتجاعی تور قوتونه سره متحد کړی، تر څو چه په لومړی گام کی له خلکو څخه د مترقی او وطن پرستو قوتونو د جلا کولو د پاره اساسی زمینه برابره کړی او تر هغه وروسته بیی زندانونو ته ورواچوی او یا یی په دار وځړوی؟

دکارگرو د طبقی د گوندونو او مترقی نهضتونو تاریخ مور ته درس را کوی چه که یو مترقی او وطن پرست سیاسی سازمان دخلکو له سترو پرگنو، له ټولو زیارکښو (استثماربونکو) سره پراخه رابطه ونلری او ونشی کولای چه د خلکو غوښتني او اړتیاوی تشخیص کړی، ونشی کولای چه د خلکو د پرگنو شاگردی ومنی او هغوی ته څه ورزده کړی او په هغوی باندي اتکا وکړی او د هغوی په تشکل کی مرسته وکړی، هغه سازمان نشی کولای چه یو واقعی قوت، یو د نوی ټیپ سازمان شی او د ملیونونو زیارکښو د هغوی په سر کی د کارگرو د طبقی د لارښوونی ور نه دی او دغه شان سازمان نشی کولای چه له خپلو متحدینو سره په یوی جبهی کی د حاکمی طبقی د زاړه نظام ریښی له ټولنی څخه ویاسی.

د افغانستان د خلکو دښمنان چه په مترقی سیاسی سازمانونو باندي د حملی له لاری خپل تور ژوند ته ادامه ورکوی دری هدفونه لری:

۱- غواړی چه د مترقی سازمانونو د رشد او تکامل مخه ونیسی؛

۲- د هغوی وحدت او اتحاد له منځه یوسی؛

۳- دمترقی هیوادپالونکو رابطه او تماس له خلکو سره پری کړی.

تجربه دا بښی چه مترقی او هیواد پالونکی سیاسی سازمانونه دریم خطر ته لږ او وروسته متوجه کیږی او له همدی کبله یی هلاک کوونکی گذارونه خوړلی دی. البته دا باید له نظره وانه چوو چه د نوي ټیپ سازمان (د کارگرو د طبقی گوند) تشکل، ساتنه او تحکیم او یووالی تر ټولو لومړی او غوره وظیفه ده (د دغه شان گوند په باره کی به وروسته خبری وکړو) خو په اصولی ډول سیاسی سازمانونه، یووالی او جبهه یوه وسیله ده نه هدف. کوم مترقی سازمانونه چه په خلکو کی کار کول او له هغوی سره خپله رابطه پریکړ ی په حقیقت کی بی خپل هدف او خپل ژوند هیرکړی دی. او په دی صورت کی له لومړی ارتجاعی ضربی سره دهغه محو کیدل یو قطعی شی دی.

د تاریخ په جریان کښی داسی نمونی شته چه ارتجاع د کارگرو د طبقی له دغه ضعیف ټکی څخه په

(له لومړی مخ نه)

استفادی سره په یرغل او هجوم لاس پوری کړی او په نتیجه کی بیی د ترقی غوښتونکو او وطنپرستو قوتونو د بریالیتوب مخه نیولی ده.

له همدی خایه ده چه له خلکو سره د تماس ضرورت مطرح کیږی. له خلکو سره تماس د کوم منظور د پاره یو ضرورت بلل کیږی؟

له خلکو سره تماس د کوم منظور د پاره حس کیږی:
لمری د خلکو د پرگنو د روحیاتو او عاداتو د درک او د هغوی د غوښتنو د تشخیص په منظور (دا د خلکو شاگردی ده) تر څو چه د هغو په اساس خپله صحیح خلقی تگلاره او د مبارزې د پاره سم شعارونه طرح کړای شی. دوهم په هر ټاکلی زمان او خای کښی د مبارزې د شعارونو د خپرولو، تبلیغ او توضیح په منظور (د خلکو د معلم په حیث) تر څو چه خلک وکولای شي دغه شعارونه خپل وگنی او د مبارزې په جریان کښی د هغوی په سموالي او حقانیت باندي اعتقاد پیدا کړی په نهضت پوری زړه وتړی.

باید وپوهیږو چه د دغو دوو منظورونو ترسره کول په بروکراتیک ډول، د (اداری او سیاسی دفتر) د میز له شانه ممکن نه دی. د دغو دوو منظورونو د تحقق لپاره ښایی چه خلکو ته ورسو، له هغو نه زده کړو، د هغو تجربی او نظرنی را ټولی کړو او په فشرده ډول له هغو نه روښانه شعارونه را ویاسو بیا بیرته خلکو ته ورسوو، دغه نظرنی او شعارونه ورته توضیح کړو، تر څو چه خلک د تجربی او عمل له لاری هغه خپل وگنی او په آگاهانه ډول ورځنی فعالیت او مبارزې ته جلب شی، دغه کار باید څو څو ځله تکرار شی ترڅو چه په هری محلی کښی دغه شعارونه لا درست، لا ژوندی، لا مؤثر، لا خلاق شی او لا مایه پیدا کړی. دا د انقلابی تیوری قانون دی. دا هغه توده‌ای تگ لار ده چه خلک آزادی ته

(از اص اول)

## مراسم صدمین سالگرد تولد ...

وی بر ضد سیاست تبعیض و ستم اجرا نمود باعث شهرت جهانی وی گردید. گاندهی به هندوستان برگشت و در اثای حرب اول جهانی فعالیت سیاسی خویش را در هندوستان آغاز نمود، واقعات و تغییرات بزرگ ۱۹۱۷ جهان مثال الهام بخشی برای تمام ملت‌های تحت ستم در شرق قایم نمود. تحت تأثیر همین واقعات بود که در سال ۱۹۱۸ جنبش نیرومند ضد امپریالیزم برتانیه در هندوستان آغاز شد توده‌های وسیع مردم تحت رهبری گاندهی به این نهضت جلب گردید. قبل از گاندهی، رهبری بورژوازی کانگرس ملی هند می‌کوشیدند نارضایتی مردم هند و دیگر مسایل مربوط را از طریق مذاکره و سازش با امپریالیزم برتانیه بدون اشتراک توده‌های وسیع مردم هند حل و فصل نمایند، در تحت رهبری گاندهی کانگرس ملی هند به یک سازمان توده‌ای سرتاسر هند میل شد و شکل یک جبهه وسیع ضد امپریالیستی را به خود گرفت.

گاندهی تا زمان استقلال هند (۱۹۴۷) رهبر جنبش ضد امپریالیستی بود. گاندهی در راه تأمین اتحاد هندوها و مسلمانان هند شجاعانه مبارزه کرد. اداره استعماری بر اساس پرنسیپ سیاست استعماری (تفرقه بیانداز و حکومت کن) اختلاف بین هندوها و مسلمانان را تشویق می‌نمود. امروز هم نیروهای ارتجاعی هند آن را دامن

ر.سوی.

پرته له دی چه د خلکو د ژوند څرنګوالی، د خلکو دردونو، د خلکو غوښتنو ته لکه غله، ځمکه، کار، ډوډی، سون، دوا، طبیب، مکتب، جامی، هستوګنځی، ازدواج، کورنی، هوسایی، د محلی متنفذینو د ظلم او ستم څخه خلاصون او ډیرو داسی نورو مسائلو ته ژوره پاملرنه وشي، نشو کولای چه خلک نهضت ته راوبولو او دهغوی مشکلات حل کړو.

**علمی تیوری وایی چه:**

د نهضت سرته رسول د خلکو په پرگنو باندي په اتکا سره او د ټولو خلکو په ګډون سره کیدای شی. د نهضت کار یواځی د څو تنو سره چه له خلکو نه جلا (نعره بازی) کوی وړاندي بیول کیدای نه شی.

د کارگرو د طبقی او د نوی ټیپ ګوندونو تجربی، مونږ ته دا راښیی چه باید سیاست او د کار صحیح سبک تل په ټاکلی زمان او خای کښی د خلکو له غوښتنو سره سم وي تر څو چه له خلکو سره ژمونږ د پیوند مزى ټینگ کړی. ځینی طفالنه ناروغی لکه سکتاریزم، دکماتیزم، ماجراجونی، قدرت فروشی او تندخونی، چپړوی او چپ نمائی او انقلاب ګرانه شعارونه د توده‌ای تگ لاری په لحاظ زیان رسوی او دغه ناروغی مونږ له خلکو څخه جلا کوی. باید په نظر کښی ونیسو چه اجتماعی انقلاب په (سفارش او له خارج څخه په صدور) یا په تمایل او تحکیم، استخدام او څو تنو ته په پیسو ورکولو، فحش او شکنځلو او په دروغو ویلو سره اجرا کیدی نشی؛ که د زیارکښو د پراخو پرگنو زیاته برخه جلب نشی او د خلکو د پرگنو په فعالیت کښی د ملاحظی ور زیاتوالی را نشی د ملی او اجتماعی انقلاب بریالیتوب ممکن ندی.

د انقلابی نهضت بریالیتوب هغه

وخت ممکن کیدای شی چه یو د نوی ټیپ سیاسی سازمان وکولای شی له خلکو سره خپل پیوند ټینگ کړی او د هغو د اړتیاوو او غوښتنو سره سم عمل وکړی او د رهبری او ستراتیژی او سیاسی تاکتیک د صحت په وسیلی (چه دخلکو پراخی پرگنی د هغو په صحت باندي د خپلو تجربو له لاری باور پیدا کوی) د خپلی پیش اهنګی اهلیت او سازمانی انضباط تأمین کاندی.

زمونږ د هیواد په شرایطو کی لیدل کیږی چه د خلکو پراخی پرگنی زیاد دردونه، شکایتونه او اړتیاوی لری، خو له ذهني نظره په دغو اړتیاوو او د خپلو دردونو په علت نه پوهیږی. په دغه صورت کښی مونږ باید د خلکو په مینځ کښی د پیگیر او توضیحی کار په صبر او زغم مخ په وړاندي بوزو، تر څو چه په خپله د خلکو پرگنی تصمیم ونیسی نه دا چه مونږ د هغو په خای تصمیم ونیسو.

هر هغه کار چه پرته د خلکو له پوهی او خیرتیا او تمایل نه وشی له ماتی سره مخامخ کیږی. له همدی جهته د افغانستان ټولو ترقی غوښتونکو او دموکراتیکو عناصرو نه بلنه ورکول کیږی چه خپله هوښیاری زیاته کړی او له خلکو سره خپل پیوند ټینگ کړی، د زړه له کومی له خلکو سره مینه ولری د هغو فریادونو ته په دقت سره غور ونیسی، د هغوی اړتیاوی تشخیص کاندی، په خلکو کښی ووسی (حتی تر ټاکلی اندازی) له هغوی سره ګډ شی، د هیواد دخلکو د پراخو پرگنو د پوهی د اوسنی سطحی په نظر کښی نیولو سره د ټولنی د عقایدو، روحیاتو، دودونو، عنعناتو او شرایطو په نظر کښی نیولو سره د هغوی د وپښولو او د هغوی د سیاسی شعور او پوهی د لوړولو، د هغو په تشکل کښی جدی مرسته وکړی.

که د خلکو پرگنی لاپوهیدلی نه

وي او په ارتجاع باندي په تعرض لاس پوری کیږی دا به د کین لاس اپورچونیزم یعنی ماجراجونی او چپروانه فعالیت وی. دا سی تگلاره مونږ له ماتی سره مخامخ کوی او دا به په بیرته پاتی عناصرو پسی تگ او د ښی لاس اپورچونیزم وی چه که چیرى د خلکو پرگنی تعرض او وړاندي تگ ته تمایل ولری او مونږ په زړه ور تعرض او وړاندي تگ لاس نه پوری کوو.

ویل کیږی چه «له خلکو سره تماسی په حقیقت کښی یو علمی تحقیق دی»ځکه چه له دغی لاری دا معلومولای شو چه آیا خلکو حقیقت درک کړی دی، آیا اقدام ته چمتو دي که نه؟ خو دلته دا پوښتنه مینځ ته راځی چه له کومی لاری او په څه شکل کولای شو له خلکو سره تماس پیدا کړو؟

**د خلکو له پرگنو سره د تماس لاری او شکونه:**

د یو نوی ټیپ سیاسی سازمان د قانونی والی او علنی توب په دوران کښی له خلکو سره تماس او پیوند د کمال حد ته رسیږی. له همدی جهته ده چه ترقی غوښتونکی قوتونه د مبارزى د نورو اشکالو او صورتونو د جدي په نظر کښی نیولو سره او په ماهرانه ډول د هغو به تلفیقولو سره هڅه کوي چه د علنی فعالیت حق لاس ته وړولی. باید په نظر کښی ونیسو چه دا د حاکمه ارتجاعی هیأت دسیسه ده چه په مترقی او وطنپرستو قوتونو او د زیارایستونکو په تیره بیا د کارگرو د طبقی په سیاسی سازمان باندي پټ او حتی (غیرقانونی) فعالیتونه تحصیل کوی، په هر صورت دا د افغانستان د مترقی او دموکراتیکو عناصرو وظیفه ده چه (په اداراتو، فابریکو، چاپخانو، سرویسونو او نورو) په کنفرانسونو کښی، په لویو او کوچنیو ټولنو کښی مظاهرو کښی، اعتصابونو کښی په انتخاباتی او

شماره (۲۶ سال دوم)

پارلمانی مبارزو کښی، په ولایتی او کلیوالی جرگو کښی، په ښاروالیو کښی، په کارگری او صنفي اتحادیو کښی، ورزشی کلوپونو، فرهنگي و ادبی انجمنونو او نورو کښی (که څه هم دغه د خلکو او مترقی او دموکراتیکو سازمانونو له خوا یا ارتجاعی حاکمه هیأت له خوا تشکیل شوی وی) په هر شکل چه وی له دموکراتیکو یا غیردموکراتیکو شرایطو سره متناسب له خلکو سره د خصوصی برخورد له لاری په فعال ډول او هوشیاری سره له خلکو سره تماس ټینگ کړی، د حقایقو د توضیح، تبلیغ، ترویج او تشریح کار او په هیواد کی د ارتجاع او استبداد د بربنده کولو په چارو لاس پوری کړی او په میرانه د مبارزې په سر کښی و دربیږی. په (بیماری کود کی «چپ رویی...» ) کښی ویل کیږی ...»او باید په هغه خای کښی کار وکړو چه هلته خلک او پرگنی شته، باید هر ډول فداکاری ته غاړه کیږدو، او تر ټولو لوی خنډونه له مخی لری کړو تر څو چه وکولای شو په منظم ډول او سرسختی سره په مصرانه او صبورانه ډول په هغو موسسو او هغو ټولنو او اتحادیو کښی چیرته چه پرولتری پرگنی (مزدورکارگران) یا نیم پرولتری پرگنی موجودی وی او که څه هم دغه اتحادیای یا ټولنی ډیری ارتجاعی وی تبلیغ او ترویج وکړو» د همدی اثر په بل خای کښی ویل کیږی چه: «باید د انتقاد هدف هم د ډیر شدید، ډیر بی امانه او ډیر نه فعالیت نه بلکه هغه کسان وی چه نه غواړی په پارلمانی انتخاباتو او د پارلمان تریبیون څخه په انقلابی... توگه استفاده وکړی.»

یواځی دغسی انتقاد... به خلکو پرگنی وروزی تر څو چه سیاسی اوضاع باندي په درستی سره پوه شی او هغه وظایف چه له دغی اوضاع څخه ناشی کیږی او د ډیر ځله ډیری پیچلی وی درک کاندی ښائی چه ددغه مضمون د پاره کافی وی!

په پای کښی د یوی قاعدی او د ټولو حیاتی مسالی په ډول ویلی شو چه: هغه وخت چه د افغانستان دخلک دموکراتیک ترقی غوښتونکی او پیش اهنګی قوت د خلکو له پراخو پرگنو سره، د ملت له ستر اکثریت سره خپل ارتباط او تماس وساتی او (د زیارکښو له خورا پراخو پرگنو سره ارتباط ټینگ کړی او نږدی شی او حتی تر ټاکلی اندازی له هغو سره ګډ شی...) نه ماتیدونکی به شی.

له همدی خایه ده چه باید مونږ له خلکو سره رښنتی مرسته وکړو تر څو چه په ټینگ ایمان سره دا درک کړی چه مونږ په واقعی ډول د دوی د گټو بیانونکی او زمونږ ژوند د دوی د ژوند سره نه بیلیدونکی پیوند لری. مونږ باید د خلکو له پرگنو سره د زړه له کومی مرسته وکړو تر څو چه دوی د نهضت وظیفی وپیژنی او په دغه ډول د نهضت ملاتړ وکړی او د گران افغانستان په گوټ، گوټ کښی هغه خپور کړی، زمونږ شعارونو، زمونږ ستراتیژی او سیاسی تاکتیک ته مثبت ځواب ورکړی او د ملی او اجتماعی آزادی بښونکی نهضت د بریالیتوب په لاره کښی مبارزه وکړی.

دلته دی د خلکو د دښمنانو د مغلوبولو راز!

دادی زمو نږ د نه ماتیدو راز! له خلکو سره د پیوند او تماس په لاره کښی مخ په وړاندی!

(**ببرک کار مل**)

<b>پرچم</b> <p><b>صاحب امتیاز<span> </span>: سلیمان لایق</b> <b>مدیر مسوول: میر اکبر خیبر</b> <b>تیلیفون: ۲۳۱۶۴</b></p>
<p>تایپ متن قاسم آسامی ویرایش جدید: عمر فیض</p>



پرچمدار شجاع و مبارز ما عبدالهادی

کریم که رفیق با تقوی و پاکیزه ماست و سابقه طولانی در کسب و درک ایدئولوژی مترقی و مبارزات ملی و مترقی افغانستان دارد، چهار سال و چند ماه قبل برای نخستین بار از طرف ج، د، خ، ا برای دورهٔ دوازدهم ولسی‌جرگه به نمایندگی از مردم زحمتکش و نجیب پنجشیر کاندید شد و در آن‌وقت نیز در نتیجهٔ دسایس عناصر مرتجع و مستبد در انتخابات ناکام ساخته شد. مداخلات گذشته به وطن‌پرست دلیر عبدالهادی کریم و فرزندان زحمتکش پنجشیر تجارب فراوان داد و آنان را برای پیکارهای آینده من‌جمله مبارزه پارلمانی آبدیده‌تر و آگاه‌تر ساخت. پرچمدار ترقی‌خواه ما عبدالهادی کریم در چوکات قانون و به شیوه مسالمت آمیز مبارزه و شیوه نبرد مترقی در وضع کنونی در پیوند نزدیک با خلق رنجدیده پنجشیر توفیق یافت که اکثریت بزرگ رأی دهندهگان را با خود متحد سازد.

آسادگی برای اشتراک در دورهٔ سیزدهم شورای افغانستان در شرایطی صورت می‌گرفت که محافل حاکم ارتجاعی افغانستان در قبال نهضت‌های اخیر کشور (جنبش مطالباتی کارگران، تظاهرات عظیم شانگردان و محصلان، نشرات مترقی و غیره) بی‌حوصله‌تر و متجاوزتر شده بودند. وضع برای نیروهای ارتجاعی کشور طوری بود که دیگر برای آن‌ها امکان نداشت تا در برابر خواست‌های قانونی مردم مقاومت کنند و یا به رفع حد بسیار اقل نیازمندی‌های مبرم مردم و مطالبات ایشان بپردازند. ولی برعکس مجال نفوذ قدرت‌های جوان سیاسی خاصاً، جریان‌های مترقی در توده‌های مردم بیشتر از پیش‌تر فراهم شده بود و امکانات تأسیس فراسیون نیرومندتر ملی و خلقی، فراسیون قوی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در شوری بمیان آمده بود. محافل حاکمه ارتجاعی افغانستان که از لحاظ منطق و عقل سلیم افلاس کرده‌اند، به عادت همیشگی خود گرانیدند و اتکا بر دسایس، قانون‌شکنی‌ها، تحویف‌ها، دروغ‌بافی‌ها و بالاخره استعمال قدرت را مرجح دانستند. تعقیب این شیوه در برابر ده‌ها نفر کاندید ملی و مترقی به‌صورت عام و در مورد پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان (که در شماره‌های بعدی راجع به آنان صحبت خواهیم کرد) من‌جمله عبدالهادی کریم کاندید مردم پنجشیر و عبدالقادر بهیار کاندید مردم خان آباد به‌صورت خاص تحقیق پذیرفت.

در مورد هادی کریم نخست سعی فراوان به عمل آوردند تا به‌وسیله تبلیغات ناروا و سوء، ایجاد خوف و رعب، وارد آوردن اتهامات نادرست و گماشتن مأموران دولت، مردم را از وی دور کنند و هرگونه وسایل قانونی پیروزی در انتخابات را از وی سلب نمایند؛ اما هنگامی‌که تمام این تلاش‌های سیاه مرتجعین، مستبدین و

(از ص اول)

(ار ص اول)

متنفذین محلی به ناکامی انجامید و نتیجه دو مرکز رأی گیری که مطلقاً به نفع هادی کریم بود اعلان گردید، توطئه علیه پرچمدار مبارز ما تا سرحد مرگ و زندانی ساختن وی تشدید یافت. بنا بر این علل عبدالهادی کریم خود را به کابل رسانید تا موضوع توطئه متنفذین، مستبدین و مرتجعین و اعتراض خود را بر اعمال ضد قانونی عناصر حاکم به مقامات مربوطه برساند. ولی از آنجانی که تصمیم قبلی در میان بود وی را خلاف قانون به زندان کاپیسا ارسال داشتند و به شیوه «حالت اضطرار «وی را آنآ «محاکمه «و به ده سال حبس محکوم کردند. جریان یکجا شدن خرنوال و قاضی و آماده بودن قبلی صورت دعوی و حکم عاجل و برق آسا همه عناصر زنده‌یی هستند که به وضاحت نشان می‌دهد دستگاه حاکم تمام زمینه‌های این عمل خلاف قانون را قبلاً تهیه دیده و عجب اینکه صندوق رأی گیری عبدالهادی کریم را قبل از صدور حکم محکمه و خلاف حکم قانون برداشتند. در حالی که تا قطعیت حکم، هادی کریم را قانون نمی‌توانند محروم از حقوق سیاسی بدانند، چه قطعیت حکم وقتی تحقق پیدا کرده می‌تواند که فیصله در مورد وی از محاکم ثلاثه بگذرد و «جرم «وی تثبیت شود. بنابراین باید گفت که مطابق ماده ۲۶ قانون اساسی که در فقره نهم آن می‌گوید «براند زمه حالت اصلی است، متهم تا وقتی‌که به‌حکم قطعی محکمه محکوم علیه قرار نگیرد بی‌گناه شناخته می‌شود» هادی کریم بی‌گناه است. در همین مورد باید به اعتراف خود داکتر ولید حقوقی رئیس کمیتهٔ مرکزی انتخابات منتشره در شماره تاریخی ۱۳۴۸/۵/۱۲ روز نامه اصلاح توجه شود که می‌گوید:

«اولین پرنسیپی که در پیش ما درین موضوع وجود دارد ماده ۴۶ قانون اساسی است که فقرهٔ دوم این ماده متذکر می‌شود، تا زمانی که یک شخص ذریعهٔ فیصلهٔ قطعی محکمه به حرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد مانعی برای کاندید شدن وی ازین رهگذر به وجود آمده نمی‌تواند. درین قاعده عمومی چند عنصر قانونی وجود دارد، نخست اینکه یک شخص برای اینکه کاندید شده نتواند باید به‌حکم محکمه محکوم شده باشد. حکم محکمه در چند حالت قطعیت حاصل می‌کند. اساس طرزالعمل قضایی موجود افغانستان حکم را در حالت آتی قطعی دانسته است:

اول در صورتی که در قیاحات حکم از طرف محکمهٔ ابتدائیه بعدم سمع صادر شده باشد. شکل دومی که حکم

کسب قطعیت می‌کند اینست که به‌حکم یک محکمه مدعی و مدعی علیه یعنی خرنوال و متهم هردو قناعت کرده باشند درین صورت نیز حکم قطعات پیدا می‌کند و قابل استیناف و تمیز نمی‌باشد و یا اگر در مرافعه حاکمه قابل تمیز نمی‌باشد. شکل عنعنوی قطعیت حکم فیصله محکمه ثلاثه است یعنی وقتی قضیه هر سه محکمه را طی نماید. حکم تمیز به‌استثنای حالتی که در ماده (۱۰۰) قانون اساسی درج است دیگر در سایر احوال به مجردی که حکم صادر می‌شود قطعی دانسته می‌شود. پس تا زمانی که ازین سه شکل یک شکل خود را نه پیموده باشد ما این حکم را قطعی دانسته نمی‌توانیم و شخصی که تحت شرایط فوق نباشد قانون کاندید شدن او را مجاز دانسته است…»

روی همین اعتراف تشریحی که بناغلی حقوقی از قطعیات حکم نموده، قطعیت حکم هم در مورد هادی کریم و همچنان عبدالقادر بهیار که استیناف طلب است تحقق پیدا نکرده و علاوهٔا با وصفی که وی خلاف قانون در مرکز سوم از حق رأی گیری محروم کرده شده است اکثریت آراء عمومی را در انتخابات ولسی‌جرگه در ولسوالی پنجشیر حایز شده است که قانوناً وکیل مردم پنجشیر در ولسی‌جرگه می‌باشد. چون تا کنون فیصله در مورد جرمی که هم بوی نسبت داده شده قطعیت حاصل نکرده و صرف در مرحله یک اتهام است فلهاذا قضیهٔ مذکور از لحاظ قانونی تابع حکم ماده پنجاه و یکم قانون اساسی قرار می‌گیرد که می‌گوید: «هرگاه یک عضو شوری به جرمی متهم شود، ما مور مسؤول از موضوع به جرگه‌ای که متهم عضو آنست اطلاع می‌دهد و بعد از آنکه جرگه مذکور به اکثریت دو ثلث اعضاء اجازه دهد، متهم تحت تعقیب عدلی قرار می‌گیرد…»

به اساس احکام صریح فوق عبدالهادی کریم خلاف قانون زندانی شده و به‌صورت ظالمانه از اشغال کرسی خود در پارلمان بازداشته شده است؛ و توطئه‌ای که برای گرفتاری عبدالهادی کریم چیده شده ظالمانه، ناشیانه و بچگانه و در عین حال خیلی عجیب و دراماتیک و برای مقامات حاکمه کشور رسوا کننده است.

به‌اصطلاح کهنه محاکم وی را سجل کرده‌اند و به‌موجب این سجل او را مستوجب ده سال زندان دانسته‌اند. اگر فرضاً عرف منسوخ سجل که قانوناً از بین رفته است مدار اعتبار مجدد قرار گیرد آیا کدام شخص ولو مقتدرترین شخص در افغانستان خواهد بود که نتوان علیه او صدها و هزارها نفر را به ترتیب همچو سجل

# اعمال قانون شکنانه …

کردن‌ها آماده ساخت؟ درین صورت کدام رئیس، کدام وزیر و کدام وکیل و کدام شخص متنفذ در دستگاه مدعی است که نمی‌توان وی را بدین‌ترتیب سجل نمود؟ آیا محافل حاکمه افغانستان حاضرند که سجل‌های شبیه را در مورد خود، گماشتگان و نمایندگان خود انفاذ نمایند؟ واقعیت اینست که قانون در کشور ما به‌صورت دردآوری وسیله و بازیچه مقامات حاکمه قرار گرفته است. درین جا لازم می‌بینیم فهرست یک سلسله حوادث و واقعیات را در جریان مبارزات انتخاباتی پنجشیر در دسترس خوانندگان ارجمند پرچم بگذاریم و قضاوت نهانی را در مورد به ایشان واگذار شویم که ما ناقض قانون و اخلاک‌گرم و یا خود مقامات حکم کشور؟

- ایجاد ترس و بیم در مردم از طرف یک عده گماشتگان به نفع کاندید مطلوب و به ضرر هادی کریم در ولسوالی پنجشیر،
- مقرر۱ «ولسوال» مطلوب، مطیع و قابل اعتماد جدید در پنجشیر تقریباً پانزده روز قبل از آغاز انتخابات،
- اظهارات یکی از متنفذین بنام در پنجشیر که قبل از شروع انتخابات می‌گفت: «من این‌طور و آن‌طور باشم… اگر هادی کریم در انتخابات کامیاب شود؛ و اگر هم کامیاب شود کشته و یا محکوم حبس ابد خواهد شد».

- دست اندازی به عکس‌های هادی کریم و پاره کردن آن توسط مرتجعین و متنفذین محلی و ایجاد تحریکات از طرف آن‌ها،
- تبدیل شدن غیرمترقبه قوماندان امنیهٔ ولایت کاپیسا که نمی‌خواست اضطراب و تشویش بی‌مورد در ولسوالی پنجشیر ایجاد گردد و تصادم وی با والی کاپیسا،
- گرفتاری و توقیف دستگیر پنجشیری، این وطن‌پرست و خدمتگزار خلق که برای رأی دادن به حوزهٔ انتخابات پنجشیر حاضر بود.

- نشستن ولسوال در دهلیز اتاقی که صدایک گذاشته شده بود و مداخله صریح وی که به اعتراض قانونی هادی کریم مواجه گردید ولی مورد توجه واقع نشد،

- سرگوشی‌های ولسوال در حوزه انتخابات با فلان شخص متنفذ و عمال وی به‌صورت برهنه و علنی،
- تهدیدات پیهم رأی دهندگان از طرف ولسوال پنجشیر،
- کنار کشیده شدن قاضی رئیس هیات نظارت محلی به یک بهانه بروز نهم از حوزه انتخابات،

- برداشته شدن صندوق رأی گیری هادی کریم خلاف قانون بدون فیصلهٔ محکمه و قبل از محاکمه،
- زندانی ساختن ناگهانی هادی کریم

و ندادن وقت بوی برای دفاع،
- اقامه دعوی علیه هادی کریم و محکوم نمودن برق‌آسای وی، آن‌هم در شرایط کشوری که قضایای مانند رشوت خوری‌های بزرگ، قتل و غیره ماه‌ها مدار حکم محکمه قرار نمی‌گیرد،
- سوق دادن یک عده اشخاص ناآگاه برای سجل کردن، لت و کوب عکاس هنگامی که وی درک کرد توطئه‌ای در کار است و از عکاسی امتناع ورزید و سجل نمودن هادی کریم خلاف قانون و خلاف کرامت انسانی.

### وکیل حقیقی ولسوالی پنجشیر کیست؟

هادی کریم صرف در دو حوزه انتخاباتی (در ده روز رأی گیری)

۱۷۲۶ رأی به دست آورده است در حالی که برندهٔ دوم از میان کاندیدها که خلاف قانون به حیث وکیل پنجشیر اعلان شده است، فقط ۱۵۳۴ رأی را در سه حوزه انتخاباتی (در پانزده روز رأی گیری) کسب کرده است. مادهٔ چهل و سوم قانون اساسی در مورد حکم می‌نماید … «از هر حوزه یک نفر وکیل انتخاب می‌گردد. داوطلبی که در حوزه خود مطابق به احکام قانون رأی بیشتر حاصل می‌کند وکیل شناخته می‌شود و همچنان فقرهٔ اول ماده ۴۲ قانون انتخابات اعلام می‌دارد که «داوطلبان بر اساس کثرت آرائی که به دست می‌آورند تصنیف می‌گردند و هر کسی که از دیگران رأی بیشتر حاصل کرده کامیاب شمرده می‌شود.»

موضوع ضرورت به توضیح مزید ندارد، این را به خوانندگان ارجمند و افکار عامه مردم می‌گذاریم که قضاوت نمایند وکیل حقیقی مردم زحمتکش پنجشیر کیست و قانون شکنان و توطئه گران کیانند!

## توطیه در حوزاً انتخاباتی خان آباد

«فوت زمان» باعجله صادر نمود و متصل آن ولسوال و قوماندان امنیهٔ خان آباد را مأمور تحقیق قضیه نمود. به این صورت مأموریت محکوم نمودن بهیار به دست قوماندان و قاضی‌ای که دستور قبلی در زمینه داشتند انجام شد، شهود را از جمله رقیبای انتخاباتی گرفتند و با وصف وجود تناقضات در اوراق تحقیق به‌صورت برق آسا و بلاتوقف بهیار قوی‌ترین کاندید ملی و مترقی حوزه خان آباد را که پیروزی وی در همان

مرکز اول رأی گیری یک امر مسلم بود به هفت ماه حبس و «حرمان از حقوق رأی گیری» علی رغم فقدان قطعیت حکم، محکوم نمودند و



قادر بهیار

روشن‌ترین دساتیر قانون را که در مورد عبدالهادی کریم در همین شماره توضیح شده در مورد وی نیز زیر پا کردند. بدین ترتیب برنده مسلم انتخابات حوزهٔ خان آباد را با بی‌شرمی عیان از صحنه مبارزه و مسابقه انتخاباتی خارج نمودند. صندوق رأی گیری بهیار قبل از صدور حکم قطعی و طی محاکم ثلاثه به دستور تلفونی… مرکز… از حوزه انتخاباتی برداشته شد و بدین گونه به مبارزه دلیرانه، وطن‌پرستانه و قانونی رفیق شجاع ما با زیر پا کردن قانون و تمام ارزش‌های حداقل دموکراتیک در حوزه انتخاباتی خان آباد خاتمه دادند.

\*\*\*

انعکاس افکار عامه در کشور مبین این حقیقت است که زندانی کردن ستمگرانه پرچمداران پیشرو و شرافتمند دموکراتیک خلق افغانستان موجب خشم و نفرت عمیق تمام عناصر ملی و مترقی و مردم کشور گردیده است و صدای اعتراض مردم از هر سو بلند است که جداً مطالبه می‌گردد باید این وطن‌پرستان پاکباز کشور از حبس رها شوند و مطابق به قانون حق مسلم عبدالهادی کریم به حیث وکیل قانونی مردم پنجشیر در ولسی‌جرگه، اعاده گردد.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان وظیفهٔ شرافتمندانه مسلکی محکمه می‌دانند که با تمام وسایل ممکنه قانونی به‌صورت قاطع، جدی و اصولی از رفقای قهرمان مبارز خود از هر جهت و به هر سویه دفاع کند.





د افغانستان د تڼک دموکراتيک افکارو خپروونکی

۱۴ میزان ۱۳۴۸

## کنفرانس رباط

در تاریخ ۱۴۰۰ سال اسلام برای اولین بار کنفرانس سران کشورهای اسلامی افتتاح شد تا اگر در اطراف سیاست تجاوز کارانه اسرائیل و

سوختاندن مسجد اقصی توسط افرایون صهیونی تدابیر و تصمیمی اتخاذ نمایند. از جمله ۳۶ کشور اسلامی در این کنفرانس ۲۵ کشور سهم گرفتند. سوریه و عراق در این کنفرانس شرکت نکردند. در کنفرانس رباط ۶۰ ملیون مسلمانان هند، چهل ملیون مسلمانان اتحاد شوروی و میلیون‌ها مسلمان دیگر نقاط جهان نماینده نداشتند. در کنفرانس سران کشورهای اسلامی سران آن عده از کشورهای اسلامی نیز شرکت داشتند که نه تنها با مسایل مربوط به شرق میانه که ناشی از تسلط دوره طولانی استعمار و مطامع امپریالیستی می‌باشد و هکذا به جنبش آزادی‌بخش ملی اعراب هیچ‌گونه دلسوزی و همدردی نداشته‌اند، بلکه با همکاری نزدیک خود با محافل حاکمه امپریالیستی غرب و شرکت در پیمان‌های تجاوزکارانه امپریالیستی در شرق میانه جنوب شرق آسیا و پیمان تجاوزکار ناتو در اروپا پیوسته بر ضد جنبش‌های رهائی‌بخش و مبارزات ضد استبدادی و ضد امپریالیستی چه در کشورهای خودشان و چه در کشورهای دیگر آسیائی بخصوص در شرق میانه عمل کرده‌اند و می‌کنند و با اسرائیل مناسبات دیپلماتیک و تجارتي دارند. زمامدار یکی از این کشورها هم در بیانیه خود در کنفرانس از حقوق اعراب فلسطین، تجاوز صاعقه آسیای ۱۹۶۷ اسرائیل بر کشورهای عربی و اشغال سرزمین‌های متعلق به کشورهای عربی توسط اسرائیل، پشتیبانی دول امپریالیستی از اسرائیل

## اعلامیه حکومت انقلابی مؤقت جمهوریت ویتنام جنوبی

متحدین خود را بدون هیچ‌گونه قید و شرط به‌طور سریع و کامل خارج سازد، از پلان‌های حفظ اداره دست نشانده دست بردارد تا که مردم ویتنام جنوبی امور داخلی‌شان را خودشان بی مداخله خارجی حل و فصل کنند.

حکومت موقت انقلابی جمهوریت ویتنام جنوبی از تمام حکومت‌ها، از تمام سازمان‌های عامه و دموکراتیک جهان از تمام آن‌هایی که در راه صلح، استقلال و عدالت گام می‌گذارند خواهش می‌نماید که از حکومت ایالات متحده امریکا. در بیانیه گفته می‌شود که هر گاه ایالات متحده امریکا مطالبه نمایند که به پروگرام ده فقره‌ای جبهه آزادی‌بخش ملی و حکومت انقلابی موقت جمهوریت ویتنام جنوبی جواب جدی بدهد، به حقوق اساسی مردم ویتنام و حق اصل تعیین سرنوشت مردم ویتنام جنوبی احترام نماید.

هوچی من در وصیت نامه خود تقویه همبستگی حزب، حفظ پاکیزگی آن، ارتقای سطح زندگی مردم، ادامه مبارزه بر ضد تجاوزکاران ایالات متحده تا پیروزی کامل و نهائی و وحدت شمال و جنوب را خواستار شده است.

هوچی من در وصیت نامه خود

### وصیت نامه هوچی من

می‌نویسد: «خواهش من اینست که باید حزب ما به رهنمایی عقل و احساس آخرین سعی خود را در راه اجرای خدمت مؤثر به خاطر احیای مجدد همبستگی احزاب برادر بر مبنای مارکسیزم لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری انجام دهد، من مطمئن هستم که احزاب برادر و کشورهای برادر

### اهم اخبار هفته گذشته

**واشنگتن:** یکی از نمایندگان کانگرس امریکا سیاست حکومت امریکا را در ویتنام مورد انتقاد شدید قرار داد. وی در حالی که نوار سیاهی در بکس دستی خود بسته بود اعلان کرد که این نوار علامت اعتراض علیه قتل جوانان امریکا در ویتنام تلقی شود، باید نمایندگان کانگرس امریکا بر بازوهای خود نوار سیاه ببندند. او گفت که در یک هفته صد نفر جوان بی‌گناه امریکا در ویتنام کشته می‌شود.

**نیویارک:** در ایالت مساجوستس هزاران نفر جوان امریکایی دست به مظاهره زدند و شعار می‌دادند که «جنگ پلید ویتنام را خاتمه دهید!» «ما بجنگ ویتنام خواهیم رفت!»

**دهلی جدید:** جوانان هندوستان با مخالفت در جنگ ویتنام به مظاهره پرداختتد؛ و جنگ ویتنام را محکوم ساختند. مظاهره‌چیان بیرق امریکا را آتش زدند.

**واشنگتن:** بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا برای سال ۱۹۷۰ بالغ ۸۱ میلیارد و ۵۰۰ ملیون دالر اعلان شد. مصارف جنگ ویتنام (۲۰) میلیارد دالر تخمین گر دیده است.

به مجردی که بودجه نظامی امریکا اعلان کردید هزاران نفر جوان امریکایی به مناسبت افزایش روزافزون مصارف جنگی دست به مظاهره زدند.

مظاهره‌چیان شعار می‌دادند که - ۸۱ میلیارد و ۵۰۰ ملیون دالر را به مصرف کسانی برسانید؛ که گرسنه‌اند! جنگی ویتنام را خاتمه دهید! جوانان ما را از ویتنام برگردانید! جنگ برای میلیاردرها بس است!

**نیویارک:** نکسن طی ملاقات نمایندگان محصلین سراسر امریکا اظهار داشت: ما از هیجانات و

## تقویه دوستی بین اعراب و شوروی شرط عمده پیروزی مبارزه اعراب بر ضد امپریالیزم است

اعتراضات ضد سیاست خصمانه و تجاوزکارانه ایالات متحده امریکا در برابر کشورهای عربی در لبنان ادامه دارد، نیروهای مترقی و وطن پر ست لبنان تقاضا دارند که در برابر موضع گیری خصمانه واشنگتن در مقابل عرب‌ها با منافع امریکا مفاطمعه صورت گیرد. نمایندگان نیروهای ملی و وطن پرست در ناحیهٔ بکعه شرقی در بیانیه منتشره در روز نامه «الند» تحویل دادن اسلحه از طرف ایالات متحده امریکا را به اسرائیل قویاً محکوم ساخته‌اند و تقاضا کرده‌اند که باید مناسبات با ایالات متحده امریکا قطع گردد. در بیانیه گفته می‌شود «با آگاهی از دورهٔ خطرناکی که ملت عرب در آن بسر می‌برد و در نتیجه اشغال دوامدار سرزمین‌های عرب توسط اسرائیل به وجود آمده است نیروهای ملی وطن پرست تقویه همه

(بقیه ص اول)

### مبارزات انتخاباتی ...

کارشکنی، ایجاد موانع و تبلیغات سیاه ارتجاعی و زهرآگین بازهم رأی دهندگان شریف و بیدار اعم از زنان و مردان دلیرانه حاضر گردیدند به کاندید مطلوب و محبوب خویش ببرک کار مل رأی بدهند و پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان از صندوق رأی گیری شجاعانه و مصمم پاسبانی کردند که نتیجه آن پیروزی درخشان کارمل به احراز کرسی وکالت دورهٔ سیزدهم ولسی‌جرگه با حصول اکثریت آراء (سه چند آراء دو مین نفر از کاندیدان) می‌باشد.

در ختم رأی شماری، به استقبال این پیروزی درخشان که یقیناً نتیجهٔ فعالیت خستگی ناپذیر شباروزی و مبارزات هوشیارانه، پیگیر و دلیرانه رفقا و دوستان جریان و پشتیبانی بی‌دریغ و قاطع مردم و رأی دهندگان شریف حوزهٔ دوم شهر کابل است، شام ۲۳ سنبله علی رغم ایجاد موانع از طرف پولیس در پارک زرنگار میتینگ بزرگی به وجود آمد، ببرک کارمل ضمن بیانیه علماً تحلیل شدیدی که در ظرف بیشتر از یک ساعت ایراد کرد گفت:

رفقای ما نباید از پیروزی‌های خود مغرور و از شکست‌های موقتی خود مأیوس گردند، وی اظهار داشت که: در شرایطی که مناسبات فیودالی در کشور مسلط باشد، پیروزی در انتخابات شوری یک پیروزی موقتی و تکنیکی است، ما نباید بیش از حد لازم برای آن بها دهیم، در حالی که ما یک دنیا کارهای بزرگ دیگری برای رسیدن به اهداف استراتژیکی و کارها و فعالیت‌های مهم سازمانی سیاسی و ایدئولوژیکی در پیش داریم. وی گفت: هر قدر ما در مبارزات خویش به‌بیشروی‌ها نایل می‌گردیم به همان اندازه دشمنان محیل تر، حارتر و متشسب‌تر می‌گردند، ما نباید هوشیاری خویش را از دست دهیم، رفقا باید اتحاد و تشکل و روحیهٔ مسلکی، اصولیت را میان خویش تحکیم بخشند و با خلق پیوندهای مستحکم ایجاد نمایند از خلق بیاموزند و به ایشان بیاموزاند، آن‌ها را بیدار، متحد و متشکل سازند و از مشکلات نهراسند...

ببرک کارمل در اخیر بیانیه خویش روحیه رزمندگی ـ اصولیت، وقف و فداکاری رفقای جریان و کار خلاق سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را ستود و از طرف جریان دموکراتیک خلق افغانستان از دوستان و هواخواهان و علاقمندان جریان نسبت به پشتیبانی و همکاری بی‌دریغ و بی‌شائبه‌شان در جریان انتخابات و هم از مردم زحمتکش و دلیر شهر کابل اظهار امتنان نمود. این میتینگ تاریخی با شعارهای پیروز باد خلق و سرنگون باد دشمنان خلق، زنده باد وطن واحدمان افغانستان محبوب! در فضای آکنده از شور و هیجان با کف زدن‌های ممتد، هوراها و هلهله‌ها پایان یافت.

با پیروزی ببرک کارمل در انتخابات پارلمانی در شهر کابل دوستان شاد و دشمنان بیش از پیش خشمگین گردیدند و دست به فعالیت‌های خرابکارانه و اعمال آشکارای ضد قانونی و ضد دموکراتیک در برابر دیگر کاندیدهای جریان دموکراتیک خلق افغانستان در مراکز دیگر انتخاباتی کشور که جریان رأی گیری ادامه داشت، زدند و عده‌ی از کاندیدهای شجاع و موفق ج.د.خ.ا را زندانی ساختند، ولی این شیوه صریحاً غیرقانونی و رسوا به اعتراض شدید مردم در اکثر نقاط کشور مواجه گردیده و خشم و نفرت مردم را نسبت به عاملین آن بر انگیخته است.

**مطبعه دولتی**

ببرک کارمل در بیانیه‌های انتخاباتی خود وظایف مبارزهٔ مشترک و وحدت عمل تمام نیروهای ملی و مترقی کشور را در مرحلهٔ کنونی علیه دشمنان مشترک یعنی استبداد، ارتجاع، استعمار و امپریالیزم و مبارزه به خاطر استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی و در وضع کنونی مبارزه در راه تا مین آزادی‌های دموکراتیک من‌حیث شعار اساسی (حلقه مرکزی) و تحقق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، با تحلیلات وسیع و مستدل خاطر نشان کرده و حد فاصل میان خلق و دشمنان خلق و راه‌ها و وسایل نجات خلق کشور را مشخص ساخت.

تأثیرات بزرگ و ارزنده این سخنرانی‌های علمی، مستدل و پرشور بر شهریان رنجیده کابل کاملاً مشهود است، چنان‌که عملاً عدهٔ قابل ملاحظه‌ای از مردم و بخصوص بیشتر رأی دهندگان حوزه دوم شهر در پیرامون پرچمداران رزمندهٔ جریان دموکراتیک خلق افغانستان جلب گردیدند و مقابلتاً ارتجاع نیز نیروهای خود را متمرکزتر ساخت و دست به فتنه‌گری‌ها و تخریبات وسیع‌تر و جدی‌تری زد چنانچه در جریان یکی از بیانیه‌های ببرک کارمل عده‌یی از فتنه گران و خرابکاران به دستور محافل ارتجاع داخلی و خارجی اخلاالی را به وجود آوردند و همین‌که درک شد، پای سوء قصدی نسبت به حیات رفیق بزرگ ما کارمل در میان است، آنگاه رفقای مبارز و قهرمان دموکراتیک خلق با اتخاذ روش اصولی و هوشیارانه و برخورد دلیرانه خود این توطئه خائنانه را خنثی ساختند.

همچنان در اجتماع بزرگ دیگری که بروز بعد توطئه متذکره در اثر اعلان قبلی جریان دموکراتیک خلق افغانستان، به اشتراک آن بیشتر از پانزده هزار نفر اعم از کارگران، پیشه‌وران، کسبه کاران، مأموران پائین رتبه، روشنفکران، محصلان و سایر زحمتکشان شهر در مرکز پارک زر نگار تشکیل شده بود، با وصف توطئه‌یی که وجود آن استشمام می‌گردید و بنا بر قطع و جریان غیر مترقب برق در دستگاه پخش کننده آواز و در نتیجهٔ عدم امکان استفاده از بلندگو و ممانعت افسران پولیس به نمایندگی از مقامات «امنیتی» به بهانه امکان اخلال امنیت و بروز هیجانات در میان مردم، ببرک کارمل بیانیهٔ موجزی ایراد کرد که با شور و شوق هلهله و استقبال بی‌سابقه مردم مواجه شد.

در حالی که ده‌ها دسیسه و اختلال‌گری‌ها در جریان میتینگ‌های انتخاباتی صورت گرفت و اما باید خاطر نشان ساخت که ایجاد چنان اجتماعات عظیم و آگاهانه خود نمایندگی از علاقه‌مندی و پشتیبانی استوار مردم نسبت به جریان پر افتخار دموکراتیک خلق افغانستان و شخصیت درخشان ببرک کارمل می‌نماید که نتیجه آن در جریان پنج روز رأی گیری به‌طور مشهود به ملاحظه رسید. قدر مسلم اینست که در جریان پنج روز رأی گیری علی رغم صف بندی وسیع تمام نیروها و عناصر ارتجاعی به شمول اداره برخی از وزارتخانه‌ها به سویه وزرا و مأموران عالی رتبه، تاجران بزرگ، متنفذین، اخلال‌گران و غیره همه در برابر جریان دموکراتیک خلق افغانستان و با بکار بردن تمام امکانات و وسایل از دسیسه، تهدید، تخویف زنان و مردان و وعده و وعید رأی دهندگان ممانعت مأموران پائین رتبه از رأی دهی و تحریکات مشهود، گرفته تا تهدید،

ملل شوروی و چین مطابقت می‌نماید و به بلند بردن درجه مؤثریت مبارزه ضد امپریالیزم، تقویه مواضع سوسیالیزم، تحکیم صلح و امنیت در شرق اقصی و سراسر جهان کمک خواهد نمود.»



# پرمحمد

## ناشرانديشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۲۷-سال دوم دوشنبه ۲۱ میزان ۴۸ ۱۳ اکتوبر ۶۹، شماره مسلسل ۷۹

نور احمد (وکیل دورهٔ دوازدهم ولسی‌جرگه)

## باز هم اعتراف به وضع نابسامان اقتصادی کشور

بناغلی دوکتور عبدالصمد حامد در جریان روزهای «جشن استقلال» کشور بیانیه‌یی ایراد نمود که در آن شبویه «هوشیار آته» خاصی بکار برده شده است تا هموطنان ما معتقد گردند که گویا حکومت در جریان یکسال کارهای فوق‌العاده و خارق‌العاده‌ای را در زمینهٔ رشد اقتصادی کشور انجام داده است. نخست اعترافات سال گذشته در باره رکود اقتصادی کشور در بیانیه تکرار و سپس یک سلسله اعداد و ارقام به‌صورت فیصدی ها طوری ارائه شده است که باملحظه آن خواننده نتیجه گیری نماید که گویا نواقص گذشته ظرف یکسال رفع و کارهای بزرگی در جهت رشد و تکامل اقتصادی جامعه عقب مانده ما انجام گردیده باشد ولی از آنجائی که واقعیت موجود با آنچه ادعا می‌گردد، تناقض صریح دارد، بنا بر آن مشکل است آن چنان ذهنیتی را که در این زمینه مطلوب حکومت است، در مردم به وجود آورد.

در آغاز بیانیه بناغلی وزیر پلان اعترافاتی که در سال گذشته از طرف حکومت به عمل آمده بود جمع بندی شده است که مقصد از آن اینست: حکومت مواجه به یک معضلهٔ اقتصادی بوده و در کشور رکود اقتصادی حکمفرماست، امکان به دست آوردن قروض خارجی با شرایط مساعد و استقرار از بانک مرکزی محدود می‌باشد، تناسب افزایش در عاید ملی با مقایسه افزایش نفوس و استفاده از عاید ملی به‌منظور سرمایه گذاری دولت به مقایسه کشورهای مشابه افغانستان و به‌تناسب ضرورت رشد اقتصادی کشور فوق‌العاده ناچیز است.

نخست باید این مساله را روشن ساخت که تنها اعتراف به نواقص نمی‌تواند کاری را از پیش برد، تشخیص نواقص و

اعتراف بدان به معنی حل معضلات نه، بلکه آغاز کاریست که باید تعقیب گردد و برای رفع آن‌ها فعالیت‌های جدی مستمر و با ثمر، با استفاده وسیع از امکانات موجود صورت گیرد.

ولی در اظهارات رسمی حکومت می‌توان متوجه این نکته گردید که سعی به عمل می‌آید مردم متقاعد گردند که گویا نواقص در کار حکومت یک امر طبیعی است، چنانچه بدان اعتراف می‌گردد، اما امکانات برای رفع آن‌ها محدود می‌باشد و آنچه هم انجام می‌گیرد نتیجه کار و فعالیت شباروزی و خستگی ناپذیر (!) دستگاه اداره حکومت افغانستان می‌باشد. در بیانیه بناغلی حامد وزیر پلان نیز مساله چنین طرح گردیده است که اولاً نواقص کار شمرده شده و سپس سعی به عمل آمده تا ثابت گردد که تا سال گذشته حکومت مواجه به معضلات بزرگی اقتصادی بود، ولی در جریان یک سال این معضلات تا حدود زیادی رفع گردیده است. برای اثبات این مدعا در بیانیه اعداد و ارقامی به‌صورت فیصله‌ها که افزایش فوق‌العاده را با مقایسه به گذشته نشان می‌دهد ارائه شده بدون اینکه ارقام اولی که پایه سنجش این فیصدی‌هاست ارائه گردد. هدف معلوم است، برای اینکه ارقام اولی فوق‌العاده ناچیز می‌باشند و طبیعی است که حداقل افزایش با مقایسه ارقام قبلی که بسیار ناچیز هم باشد به‌صورت فیصدی بزرگ جلوه می‌نماید.

بناغلی وزیر پلان با ارائه چنین فیصدی ها و نتیجه گیری‌های دور از واقع بر اساس آن‌ها در بیانیهٔ خویش مدعی می‌گردد که …«تا حدی در رفع رکود اقتصادی که به آن مواجه بودیم موفقیت نصیب خواهد شد. « درین جا سوال به وجود می‌آید که اگر حکومت به رکود اقتصادی مواجه بود (در گذشته) یعنی اکنون (در حال) نیست، پس چه ضرورت که همه گفته شود «موفقیت نصیب خواهد شد» (در آینده)؟ برای اینکه دست حقایق در لابه‌لای الفاظ پوشانیده شود حتی محل استعمال ماضی، حال و استقبال در (ص ۲)

### له ملی گټو سره وفاداری

په مترقی مبارزه کی هیڅکله نه ښایی د دغه یا هغه خارجی هیواد په پټو سترگو او سطحی تقلید وشي. موږ باید د عملی مبارزی په جریان کی خپلو ملی سیاسی قوت په اساس د خپل هیواد په مشخصو شرایطو کی په مستقل او خاتگری فعالیت قادر شو.

موږ هغه وخت بریالی کیدای شو چه د خپلو خلکو پیشاهنگ او د خپل هیواد واقع ملی قوت یو او د کارگرو د طبقی مترقی ارمانونو په خاطر مبارزه د خپل هیواد د عمومی ملی گټو په لاره کی له ملی مبارزی سره ترکیب کرو او په دی زمینه سرمشق شو.

له ملی گټو سره وفاداری او زموږ د پیړی د پرمختلونکو اندیښو پیړوی، د استبداد، ارتجاع، استعمار او امپریالیزم پر ضد زموږ د مبارزی د کامیابی وثیقه ده.

# با خودسری و استبداد باید مبارزه کرد

خواهان و وطن‌پرستان نه علیه متنفذین، مرتجعین، مستبدین و مأموران رشوه خوار دولت) هر آنچه خودسری و ستمگریت به غرض فرونشاندن و سرکوب نهضت رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور تعمیم نمی‌نمایند. اکنون وظیفهٔ تمام نیروها و عناصر ملی و دموکراتیک، ترقی خواه وطن‌پرست کشور است که متحدانه علیه چنین خودسری و استبداد مبارزه کنند و نگذارند که دامنه توجیحات نادرست از قانون اساسی و تطبیق غلط قانون زیر نام به‌اصطلاح «حفظ امنیت» و «قانونیت» و «استقرار وضع» بسط و توسعه یابد، باید جدا متوجه بود که نیروهای استبدادی و ارتجاعی در کشور سخت حیل‌گراند و به شیوه اداره استعماری معتاد اند و پلان فرونشاندن سرکوبی نهضت رهایی‌بخش را روی دست دارند و مقدمات آن در دست تهیه است، مقدماتی به‌اصطلاح «مدبرانه» و…

یاد داشت: طی چهار سال نهضت رهایی‌بخش، اعم از نهضت اعتصابی و تظاهراتی کارگران، دانشجویان و نهضت انتخاباتی… و غیره (۳۵) تن از پرچمداران مبارز جریان دموکراتیک خلق افغانستان توقیف گردیده‌اند که همین اکنون (۱۲) تن از آنان در زندان استبداد به سر می‌برند. همچنان بیش از یک صد تن از پرچمداران آگاه ج. د. خ. ا عم از کارگران، معلمان، محصلان و مأموران پایین رتبه با اکثر از کار، اداره، لیسه و پوهنتون (پوهنخی ها) عملاً تبعید و یا به‌اصطلاح «تبدیل» شده‌اند.

اسمای زندانیان پرچمدار ترقی خواه، وطن‌پرست ج.د.خ.ا و جریانات مختلف و اشخاص منور که طی یک سال اخیر زندانی شده‌اند و اکنون در زیر محاکمه ابتدائیه و با مرافعه قرار دارند، قرار آتی است.

دستگیر پنج‌شیری، عبدالهادی کریم، عبدالقدوس کارگر، عبدالقادر بهیار، عبدالوکیل محصل پوهنخی اقتصاد، نجیب الله محصل پوهنخی طب، محمد اسماعیل محصل پوهنخی حقوق، عبدالعلی کارگر، سلیم کارگر، غلام سخی دهقان، غلام فاروق محصل انجنیری، نجیب الله محصل ادبیات.

داکتر صالح زیری، عبدالکریم زرغون محصل پوهنخی طب، - محمد طاهر بدخشی، بحرالدین باحث

- فرید شایان، گل محمد، ذبیح الله، سید قیوم، محمد عظیم، یاور - بشریان،

- نادر علی، نقیب الله، محمد یاسین، حبیب الله، غلام یحیی و یک عده از شاگردان این سینا و دارالمعلمین و دیگران که عاجزاً نام‌های آن‌ها در نزد ما موجود نبود. از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود که اسمای اشخاص ملی و مترقی دیگری را که در حوادث اخیر زندانی می‌باشند به غرض نشر به ما بفرستند.

اکنون وظیفهٔ تمام عناصر ملی و مترقی است که از تمام زندانیان سیاسی که علیه استبداد، ارتجاع و استعمار مبارزه کرده‌اند و مخالف آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و بنا بر اتهامات نادرست و توطئه آمیز مخالف اصول دموکراتیک زندانی شده‌اند، با تمام وسایل مشروع ممکنه قانوناً در چوکات اصول دفاع کنند و این جمله را شعار روز خویش قرار دهند:

**عناصر ملی و مترقی باید از زندان رها شوند!**

صورت می‌گیرد، بنا بر دوسیه‌های مرتبه دستوری و توطئه آمیز و اتهامات غلط و نادرست به حبس‌های طولانی محکوم می‌گردند و بدتر از آن اینکه این‌همه «محاکمه‌ها» بر اساس قوانین و مقررات کهنیهی صورت می‌گیرد که واضحاً مخالف آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و اهداف مقدمهٔ قانون اساسی و ضد ماده (۱۲۸) آن می‌باشند. ماده (۱۲۸) قانون اساسی می‌گوید: «قوانینی که قبل از تاریخ انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده به شرطی نافذ شمرده می‌شود که متناقض احکام این قانون اساسی نبوده و قوانین جدید آن را لغاء نکرده باشد.»

حقایق نشان می‌دهد که خصوصاً قوانین سابق محصول شرایط استبداد بوده است و بر حسب مواد آن‌ها از کوچکترین حرکت آزادی‌خواهانه توجیحات و تفسیرات غلط صورت گرفته و متهم محکوم به حبس‌های طولانی می‌گردد، خاصه اینکه درین اواخر قوه اجرائیه، قضا و اداره به بهانه تطبیق قانون (آن‌هم علیه آزادی

که صرف نظر از عقاید سیاسی و جهان‌بینی‌شان و اختلافاتی که با ما دارند، اما در نتیجه مبارزه علیه استبداد و خودسری، خلاف موازین دموکراتیک و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، به زندان استبداد افتاده‌اند.

با اظهار خشم و نفرت خاطر نشان می‌گردد که زندانیان سیاسی کشور، علی رغم امتیازات خاصی که در جوامع پیشرفته و مترقی برای این‌گونه اشخاص وجود دارد، از لحاظ مادی، صحنی، نفعای و محاکماتی و اعمال مخالف کرامت انسانی که در برابر آنان صورت می‌گیرد، با مشکلات زیادی دست به گریباندن و حتی عدیی از آن‌ها بخصوص کارگران دور از خانواده‌های فقیر خویش بدون حداقل تأمین مادی و صحنی با فقر هلاکت‌بار و مشکل اقتصادی و محروم از «پایواز» در سلول‌های زندان بسر می‌برند.

از همه نفرت انگیز تر اینکه: زیر نام به‌اصطلاح «قانون» در هر محاکمه‌ای که از زندانیان متهم

# چطور حکومت قیمت‌ها را بالا می‌برد

بازار، موثر می‌باشد (خط آهن وجود ندارد، حمل و نقل از طریق فضا در کشور ما گران و ناکافی است) یک عمل نادرست بوده و این خود حکومت است که موجد و مسؤول گرانی قیمت‌ها می‌باشد.

**کلاه**

## موقف‌های شوروی و امریکا در قبال بحران‌ات شرق میانه

بما می‌کند و ما توسط آن از آزادی و شرافت خود دفاع می‌کنیم. ما به اتحاد شوروی به حیث یک دوست و با اعتماد می‌نگریم و دوستی ما پایدار خواهد بود.»

\*\*\*

محمود ریاض وزیر خارجهٔ جمهوریت عربی متحد در یادداشتی که به اسامبلهٔ عمومی ملل متحد فرستاده سیاست جمهوریت عربی متحد را در مورد تجاوز اسرائیل ارزیابی نموده و طرح پالیسی‌های توسعه‌جویانه اسرائیل را خاطر نشان ساخته است.

محمود ریاض جنایات روزانه اسرائیل را علیه مردم عرب به جنایات آلمان نازی علیه مردم اروپا مقایسه کرد.

وزیر خارجه جمهوریت عربی متحد به تدارکات دوامدار ایالات متحده امریکا برای اسرائیل از لحاظ

انور سادات رئیس شورای ملی جمهوریت عربی متحد اظهار داشت: در بعضی از جراید غربی و حتی در جراید لبنان نوشته شده است «عدیی در داخل مصر با همدستی شوروی می‌خواستند تغییری وارد سازند.» انور سادات این نوشته‌ها را از ریشه رد کرد. او گفت: در هر کشور تغییرات صورت می‌گیرد.

انور سادات اظهار نمود: «دستگاه‌های تبلیغاتی امریکا و اداره جاسوسی آن علیه جمهوریت عربی متحد شروع فعالیت نموده‌اند و می‌خواهند با این تبلیغات در بین مردم شگاف ایجاد نمایند، مگر حالا مردم بیدار شده‌اند و فریب همچو تبلیغات زهرآگین را نخواهند خورد. فعلاً

امریکا به دشمن شماره یک جهان عرب تبدیل شده، در حالی که اتحاد شوروی دوست بی‌شائبه خلق عرب است. شوروی کمک‌های بدون غرض

## بیستمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان تجلیل شد

از تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان بیست سال می‌گذرد. در هفته گذشته مراسم پرشکوهی بدین مناسبت در برلین برگزار گردید. نمایندگان (۸۴) کشور مختلف جهان در تجلیل بیستمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان اشترک ورزیده بودند.

البریخت رهبر حزب سوسیالیست واحد آلمان دموکراتیک طی بیانیه‌یی اظهار داشت: «ما خوشبختیم بمردم جهان نشان می‌دهیم که از یک کشور میلیتاریستی آدم کش و جنگی طلب بیک کشور کارگری و دهقانی رشد یافته، صلح طلب و آزادی دوست تبدیل شده‌ایم و این از برکت نظام اجتماعی سوسیالیستی می‌باشد. « البریخت گفت که: «سیاست ما از سیاست ماجراجویی و جنگ طلبی به عامل صلح و دوستی تبدیل شده است. ما از مبارزات خلق ویتنام که جهت احقاق حق شان مبارزه می‌کنند پشتیبانی

(ص ۲)



موضوع «شناخت» موضوعی است بسی ارزشمند که زندگی، کارنامه‌ها و سرنوشت آمیان از چگونگی (درستی و نادرستی) آن به‌سختی متأثر بوده است. «شناخت صحیح» برای یک سازمان مترقی پیروزی بار آورده و «شناخت نادرست، موجب شکست او شده است. ازین رو شناخت صحیح زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی برای سازمان‌های سیاسی مترقی امری‌ست کاملاً ضروری. هرگونه اشتباه در شناخت سازمان‌های سیاسی مترقی ضربه‌ای است بر پیکر توده‌ها و جریان پیشرو. باید عملیهٔ «شناخت» را با شیوه‌های نوین علمی بررسی کرد و اصول «شناخت صحیح» را به دست آورد.

**طرح موضوع:** شناخت زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی در کشور ما، همانند هر پدیدهٔ دیگر، دو جنبه و دو پهلو متضاد دارد: نخست جنبهٔ عام و پهلو روشن، دو دیگر جنبه خاص و پهلو پیچیده.

اگر زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی را از دیدگاه جنبهٔ عام و پهلو روشن بنگریم، همه چیز ساده و مفهوم است؛ بدین معنی که افغانستان را کشوری می‌یا بیم پسمانده و دارای یک سیستم پوسیده طبقاتی که مناسبات فئودالی در آن مسلط است. این جامعه، مانند جوامع دیگر طبقاتی، به دو قطب عمده و متضاد بخش شده است. در یک قطب نیروهای استثمارگر و در قطب دیگر توده‌های وسیع زحمتکشان قرار دارند. روابط تولیدی موجود، روابط استثمارگرانه است. در چارچوب این روابط تولیدی کشمکش طبقاتی جریان دارد. به مقیاس جهانی نیز توده‌های ما از تقسیم کار جهانی رنج می‌برند؛ زیرا کشور ما به حیث یک تولید کنندهٔ مواد خام و بازار فروش کالاهای صنعتی به دست کشورهای امپریالیستی استثمار می‌شود.

همه چیز، طوری که گفته شد، روشن است. حالا چه باید کرد؟

خیلی ساده: باید از توده‌ها خواست که زنجیرهای استثمار و استثمار را پاره کنند؛ باید توده‌ها... را انجام دهند و جامعه مسعود را پدید آورند؛ چه، دوران ما دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیزم است.

این یک جنبه و یک پهلو مسأله است، ولی باید واقعیت‌گرا بود؛ جنبهٔ دیگر و پهلو دیگر را نیز باید در نظر داشت.

هر گاه زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی افغانستان را از جنبه خاص و پهلو پیچیده بررسی و پهلو سیاسی مسأله را مطالعه کنیم، همه چیز را مبهم، غیر مفهوم و سردرگم کننده می‌یابیم:

**مثلاً در جنبهٔ ارتجاع می‌بینیم که نیروی‌های وابسته به این جبهه حیله گر، زرنگ، کهنه کار و انعطاف پذیر هستند**، وسایل و شیوه‌های گوناگونی را برای فریب دادن توده‌ها به کار می‌برند. **ارتجاع محتوی واحدی را در اشکال مختلف در برابر مردم قرار می‌دهد: بدین‌سان آنان را تخدیر می‌کند و با پلاتکلیفی طبقاتی روبه رو می‌سازد.** سازمان‌ها و مؤسسات عمده اجتماعی در اختیار ارتجاع کشور است که از آن‌ها ماهرانه به سود خویش بهره برداری می‌کند. امپریالیزم نیز با قدرت عظیم اقتصادی‌اش، با شبکه‌های جاسوسی‌اش و با سازمان‌ها و وسایل

فرهنگی‌اش تعاملاتی را در جامعهٔ ما انجام می‌دهد که این تعاملات بر تار و پود این جامعه اثر ژرف می‌گذارد. **بورژوازی ملی «اقتشار متوسط» را با پیوندهای مشخص به خود وابسته می‌سازد، خرده بورژوازی را به جناح راست، به‌سوی فساد و خوش‌گذرانی‌های مبتذل میراند؛ عناصر مذهبی را علیه نیروهای مترقی بسیج می‌کند؛ روشنفکران را عیاش، خودپرست و عشرت طلب می‌سازد و به‌سوی گذرگاه‌های انفراد پسندی بورژوایی و انارشیزم نیهیلیسم می‌کشاند.** بدین گونه این تعاملات کلیت ذهنی مردم را متأثر می‌سازد؛ درین کلیت پراکندگی و ابهام بار می‌آورد و سلامت دید عمومی مردم را نابود می‌گردند و به‌جای یک دید سالم، دید مطلوب خویش را جا گزین می‌سازد.

**در جبههٔ خلق دیده می‌شود که هنوز مردم در رخوت‌اند و شعور طبقاتی آن‌ها بیدار نگردیده است. مرزهای طبقاتی شکلاً، برای خلق هنوز روشن نیست؛** ازین رو توده‌ها تاکنون دوست را از دشمن نمی‌توانند تشخیص دهند. **میان طبقات و اقتشار ملی و مترقی (کارگران، دهقانان و پیشه‌وران، کارمندان پایین رتبه مؤسسات دولتی و خصوصی، بورژوازی ملی و روشنفکران) اتحاد آگاهانه و بالفعل ایجاد نشده است.**

**طبقه نوجوان کارگر از ناحیهٔ ارتجاع داخلی و قدرت‌های امپریالیستی با دشواری‌های بزرگی روبه روست. تسلط تولید فئودالی و ما قبل فئودالی و ارزش‌های اجتماعی مربوط به آن وضعیت عمومی کشور را به رکود مواجه ساخته است.**

در اثر عوامل مشخص، فرهنگ عمومی کشور ما محتوی انقلابی ندارد و روحیه انقلابی توده‌ها کوبیده شده است. ملیت‌ها و اقوام و مذاهب موجود در وطن واحد ما از همدیگر دور نگه‌داشته شده‌اند. خصومت‌های ملی، قومی و مذهبی هنوز پا برجاست. عدم سابقه مبارزه وسیع سیاسی و عدم تجربه عمیق سیاسی بخشی نسبتاً بزرگی نیروهای جوان سیاسی را خام و سطحی بار آورده است. این است بخشی از وضعیت کشور ما از دید گاه

و لاجورد کمتر است، در تولید

جنبه خاص و پهلو پیچیده.

**شناخت صحیح:** اکنون باید دید کدام جنبه و پهلو شناخت صحیح است. هر کدام این دو پهلو و دو جنبه به‌تنهایی ناقص و نادرست است، مطلق ساختن یکی آن‌ها اشتباه است. **مطلق ساختن جنبه عام و پهلو روشن به ماجراجویی و چپ روی، دکماتیزم و ساده شمردن قضایا**

(از ص اول)

## بیستمین سالگرد جمهوری ...

می‌کنیم. همچنان از مبارزات خلق عرب به خاطر حقوق از دست زفت‌شان طرفداری می‌نماییم.» او گفت: «روابط ما با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مستحکم‌تر رشد می‌یابد. سیاست خارجی ما بر اساس مسالمت‌آمیز پیش می‌رود.»

لیونید بریژنف منشی اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در این مراسم اشتراک نموده بود، طی سخنرانی مفصل و طولانی از نقشی که جمهوری دموکراتیک آلمان در عمر بیست ساله خویش در سر نوشت ملت آلمان و اروپا بازی نموده است ستایش نمود. وی گفت: «که زمان بهترین قاضی است، بیست سال گذشته نشان داد که حیثیت جمهوری دموکراتیک آلمان روبه افزایش است. در آلمان شرقی سیستم سوسیالیستی استقرار یافته است. قانون اساسی سوسیالیستی با اکثریت عظیمی طی یک استصواب رأی تصویب گردید. جمهوری دموکراتیک آلمان، آلمانی‌ست که در آن اندیشه‌های تفوق نژادی و ملیتاریزم به‌طور قطع ریشه کن شده است. سیاست عدم شناسایی آلمان دموکراتیک دیگر مسخره گردیده، و کشورهای زیادی با جمهوری دموکراتیک آلمان روابط دیپلوماسی برقرار خواهد نمود:»

لیونید بریژنف راجع به سیاست اتحاد شوروی در اروپا گفت که: «ما طرفدار همزیستی مسالمت‌آمیز بین دولت‌های دارای سیستم‌های اجتماعی مختلف می‌باشیم، ما مخالف تقسیم اروپا به دو گروپ نظامی متضاد هستیم...»

لیونید بریژنف از اینکه پیشنه‌اد مربوط به پرابلم‌های صلح و امنیت اروپا در هر جا با عکس‌العمل مساعد مواجه گردیده است، اظهار رضایت

# شناخت صحیح زمینه‌های اقتصادی—اجتماعی و تکتیک و استراتیژی سیاسی باهم پیوند دارد

**می‌انجامد؛ در حالی که مطلق ساختن جنبه خاص و پهلو پیچیده به نقطه پاسیفیزم، شکاکیت غیراصولی و لارادری گری «تسلیم طلبی و اپورتونیزم می‌رسد.** این دو پهلو و دو جنبه در حالی که یکی نیستند، مکمل یکدیگرند. (ما در جامعه خود عناصری را می‌شناسیم که با نوسان شان در بین این دو جنبه شناخت

نمود. رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار اطمینان نمود که جامعهٔ دولت‌های سوسیالیستی نیرومندتر خواهد گردید و همکاری سیاسی، نظامی و اقتصادی بین آن‌ها بیشتر رشد خواهد نمود. تمام تلاش‌های دشمنان سوسیالیزم به خاطر از بین بردن وحدت کشورهای سوسیالیستی به ناکامی منجر خواهد شد.
\* \* \*

جمهوری دموکراتیک آلمان در سایه نظام نوین اجتماعی و پیروی از سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه خویش در مدت کوتاه بیست سال موجودیت خویش باوجود مشکلات فراوان و خرابی‌های زیاد ناشی از جنگ دوم جهانی و توطئه‌های امپریالیزم به ترقیات زیادی نایل گردیده است. تولیدات صنعتی آن در مقایسه با سال ۱۹۴۹ پنج برابر شده است و از نظر حجم تولیدات صنعتی در جهان مقام «هشتم» را دارد. زراعت در آلمان دموکراتیک تقریباً مائینی شده و (۹۰) فیصد توسط ماشین صورت می‌گیرد. در بیست سال گذشته در آلمان شرقی یکصد هزار کتاب طبع شده، میزان تولید برق ده روزه در جمهوری دموکراتیک آلمان برابر با یکسال تولید برق در سال (۱۹۴۹) می‌باشد، این کشور با یکصد کشور جهان مناسبات تجارتی دارد. در آلمان شرق (۸۸۷) سینما، و (۹۷) تیاتر وجود دارد و از نظر تلویزیون در اروپا مقام چهارم را دارد. منافع صلح جهانی، مصالح عالیه ملی مردم افغانستان و سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز ایجاب می‌نماید که هر چه زودتر دولت جمهوری دموکراتیک آلمان به رسمیت شناخته شود و با آن کشور مناسبات همه - جانبه برقرار گردد.

موقف‌های متضاد گرفته‌اند. این عناصر روزگاری با مطلق ساختن پهلو روشن و جنبهٔ عام شناخت در موضع ماجراجویی و اخلاگری قرار داشتند و از دهن‌های‌شان «قیام می‌یارید. بعداً این عناصر از تجربیات شان انتباه نادرست گرفتند و پهلو خاص و جنبهٔ پیچیدهٔ قضایا را مطلق ساختند. در نتیجه ناگهان «واقع بین (!)» شدند، بعضی ماسک دمکرات به چهره زدند، عدیبی به بورژوازی ملی بدیل شدند و عدیبی که «با شهادت تر (!)» بودند پست‌های عالی دولتی را گرفتند و از مردم «حق ناشناس (!)» روی برتافتند.

**شناخت تکتیک و استراتیژی:** مبارزه سیاسی عملیعی است که عمدتاً دو بخش را در بر می‌گیرد: تکتیک و استراتیژی، تکتیک و استراتیژی زاده شناخت است، شناخت صحیح ضامن پیروزی مبارزه سیاسی است. به‌صورت مشخص‌تر می‌توان گفت که تکتیک و استراتیژی هر کدام با یک پهلو شناخت ارتباط قایم می‌کند؛ بدین معنی که تکتیک بر جنبه خاص و پهلو پیچیده شناخت و استراتیژی بر جنبه عام و پهلو روشن آن بیشتر متکی‌ست، یعنی در تکتیک جنبهٔ خاص و پهلو پیچیده شناخت و استراتیژی بر مانند این‌ها می‌کوبند (!) اگر چه این لاطیلات دیگر تأثیری بر مردم ندارد و خلاف آن در عمل ثابت شده است؛ با آن‌هم بار دیگر کلیت مبارزه خود را صریحاً یادآور می‌شویم.

ما به پیروزی توده‌های افغانستان و به نابودی استبداد، ارتجاع و استثمار ایمان داریم. ما ایمان داریم بر اینکه سرانجام رستاخیز توده‌ها فرامی‌رسد، خورشید خشم خلق‌ها طلوع می‌کند و یخبندان پلید استثمار و بهره کشی را یک جا با شب سیاه نظام طبقاتی می‌گدازد و نابود می‌سازد. نیروی عظیم قدرت شکن خلق پیکره‌های ستم توده‌ها و سازمان‌های شان را مسلم می‌سازد؛ **در حالی که جنبه خاص و پهلو پیچیده شناخت احتیاط، دقت نظر، ژرف نگری، انعطاف پذیری، اجتناب از هر گونه چپ روی و ماجراجویی و ارزیابی‌های درست را تأکید می‌کند، پهلو روشن شناخت نیروهای مترقی را الهام می‌بخشد و**

**به جلو میراند؛ در حالی که پهلو پیچیده همچون چراغ رهنما آنان را از هر گونه لغزش و انحراف به چپ و راست باز می‌دارد،** این بخش مبارزه سیاسی (تاکتیک‌ها) برای آنانی که قادر به درک پهلو پیچیده زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی کشور ما نیستند و پهلو روشن این زمینه‌ها را مطلق ساخته‌اند برای آنانی که مبارزه سیاسی را به حیث یک کل غیرقابل فهم است. ازین رو نابخردانه بر تاکتیک‌های خلاق و مطابق با عینیت مهر ریزیونیزم، سازش‌کاری، راست روی، انحراف از اصول، تسلیم طلبی و مانند این‌ها را می‌زنند. **اشتباه این دسته‌ها و عناصر درین است که شناخت شان از واقعیت ناقص است و گناھشان درین است که شناخت درست جریان اصولی را در عرصه ملی و بین‌المللی با کله‌شخی تمام نمی‌پذیرند.**

**ما چه می‌گوییم؟** درین جا موضوع بسیار عمیق و وسیع فلسفی در مقام ارتباط با سیاست و مبارزه سیاسی خیلی فشرده و مؤجز بررسی و تحلیل شد. مراد ازین بررسی این بود تا شناخت خود را، اصول شناخت خود را، شرح کرده مبارزه انقلابی خود را مفهوم سازیم؛ زیرا امروز یک عده محدود و منفرد از خلق؛ پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان را به نسبت تاکتیک‌های خلاق، عمیق، پیچیده، انعطاف پذیر و مطابق با عینیت آن، با عنوان‌های گوناگون ریزوبینیست، سازش‌کار، ریفورمیست و مانند این‌ها می‌کوبند (!) اگر چه این لاطیلات دیگر تأثیری بر مردم ندارد و خلاف آن در عمل ثابت شده است؛ با آن‌هم بار دیگر کلیت مبارزه خود را صریحاً یادآور می‌شویم.

ما به پیروزی توده‌های افغانستان و به نابودی استبداد، ارتجاع و استثمار ایمان داریم. ما ایمان داریم بر اینکه سرانجام رستاخیز توده‌ها فرامی‌رسد، خورشید خشم خلق‌ها طلوع می‌کند و یخبندان پلید استثمار و بهره کشی را یک جا با شب سیاه نظام طبقاتی می‌گدازد و نابود می‌سازد. نیروی عظیم قدرت شکن خلق پیکره‌های ستم توده‌ها و سازمان‌های شان را مسلم می‌سازد؛ **در حالی که جنبه خاص و پهلو پیچیده شناخت احتیاط، دقت نظر، ژرف نگری، انعطاف پذیری، اجتناب از هر گونه چپ روی و ماجراجویی و ارزیابی‌های درست را تأکید می‌کند، پهلو روشن شناخت نیروهای مترقی را الهام می‌بخشد و**

اما این هدف است. این پهلو روشن قضیه است. حالان که قضیه پهلو تاریک مغلق و پریپیچ و خم هم دارد: راه رسیدن به این هدف دشوار است.

مبارزه صحیح و اصولی می‌خواهد، مبارزه پیگیرانه می‌خواهد، فدا کاری می‌خواهد، خرد می‌خواهد، حوصله می‌خواهد، احساسات گرم انقلابی جمع مقر سرد می‌خواهد. به یک سخن این راه پیچیده و دشوار تاکتیک‌های خلاق و پیچیده می‌خواهد که سازمان سیا سی مترقی و نهضت را از تاریکی به‌روشنی می‌کشد. این است دیالکتیک پهلو‌های متضاد شناخت اجتماعی و اقتصادی و رابطهٔ آن‌ها با تکتیک و استراتیژی در چارچوب مبارزه سیاسی.

(مهر بخش)



# جوانان مبارز جریان دموکراتیک خلق افغانستان

مقدمه عمومی:

ف، ع، ص رئیس و اعضای محترم دیوان حقوق عامه ولایت کابل! از آن جایی که ښاغلی محمد امین نیازی مساعد اول څارنوالی ولایت کابل طی مقدمه دعوی ناشیانه خویش در جمله سایر اشخاص اسمی از ما نیز برده است ناگزیر به رد مطالب جملات و کلمات مقدماتی موصوف که دور از واقعیت و بدون احساس مسؤولیت وعدم درک درست از توجیه ارزش‌های قانون اساسی اظهار گردیده است می‌پردازیم:

ښاغلی مساعد اول ضمن جملات و مفاهیم بی‌ربط و بی‌پایه مقدمه دعوی و بنا بر دستور خصمانه، من‌جمله می‌گوید: «اوراق دوسیه نستیتی مظاهره‌چیان که خلاف قانون به یک بی‌نظمی مطلق و اخلال امنیت منطقه و زدوخوردهای بی‌مورد اقدام... الخ » اولاً باید از ښاغلی مساعد اول پرسید که منظورش از «بی‌نظمی مطلق» چیست؟

استعمال کلمه «مطلق» در شرایط عادی کنونی برای به‌اصطلاح «بی‌نظمی» که گویا در اثر مظاهرات به وجود آمده باشد، آشکارا غیرواقعی غیر مسؤولانه است. «بی‌نظمی مطلق» انستت که وضع طوری بحرانی و درهم ریخته گردد که تقریباً امکان اعاده اداره حکومت برای یک مدت از بین رفته باشد. ثانیاً اینکه به‌اصطلاح «اخلال امنیت» اکنون به‌طور عام به مورد و بی‌مورد استعمال می‌گردد و تجربه نشان داده است که اخلال امنیت از یکسو در اثر برخورد نادرست اداره ناسالم که شخص رئیس حکومت نیز بدان معترف است و از سوی دیگر در نتیجه مداخله نادرست قوای امنیتی حکومت در جریان مظاهرات قانونی و مسالمت آمیز و همچنان در اثر اعمال اخلالگرانه فتنه گران در جریان مظاهرات به وجود می‌آید. استعمال کلمات چون «سرغنه و محرکین درجه اول، نمی‌تواند هیچ‌گونه مصدافی در مورد آن محصلان و شاگردان که غرض تأمین برخی از خواست‌های صنفی‌شان و دفاع از آزادی‌های مطرح در قانون اساسی دست به مظاهرات قانونی و مسالمت آمیز زده‌اند، داشته باشد. ما در مورد خود به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم استعمال این اصطلاحات را بپذیریم.

هنگامی‌که محصلان و شاگردان به‌صورت دسته‌جمعی برای تأمین خواست‌های صنفی و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک خود مطابق به ارزش‌های قانون اساسی به‌طور آگاهانه و شعوری دست به اعتصاب یا مظاهره می‌زنند آنگاه «سرغنه و محرک» نمی‌تواند موضوع بحث باشد. اینکه ښاغلی مساعد اول در دعوی خود مدعی‌ست که من‌جمله محرک بودن ما «مستدل به دلایل اثباتیه جرم... که مشتمل بر جمع آوری استدلالات و آثار و شواهد مثبته موظفین مأمورین ضبط قضائی » است، به‌صورت قطع نمی‌تواند «استدلالات!» پولیس را که به حیث مأمورین ضبط قضائی معرفی شده‌اند، برای متهم ساختن ما و آن عده محصلین وطن‌پرستی که ما می‌شناسیم، باز هم صحیح و درست باشد زیرا بارها به ملاحظه رسیده که بنا بر درک و معلومات غلط و اطلاعات ناقص توسط این‌گونه اشخاص «موظف» که غالباً فاقد معلومات و بسیار بی سویه‌اند و معتاد و وابسته به اداره استبدادی‌اند و اصلاً به آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و دموکراسی عقیده ندارند و خود محصول اداره استبدادی می‌باشند، عادت دارند که طبق خصلت خویش دوسیه سازی کنند و بالای وطن‌پرستان، آزادی خواهان و تحول طلبان و عناصر مترقی کشور اتهامات نادرست وارد نمایند. سپس در مقدمه ادعا نامه ښاغلی مساعد اول مطالبی اظهار گردیده است که از روی آن‌ها به‌درستی می‌توان به نیات قبلی ښاغلی موصوف در برابر روشنفکران وطن‌پرست کشور و ادعای قبلی‌ای که

در این زمینه دارد پی برد. نامبرده قبلاً می‌گوید: «از دو سه سال به این طرف بعضی از طبقات که خود را روشنفکر دانسته بدون اینکه تمام وجایب قانونی، فردی و اجتماعی را در نظر بگیرند به خودسری‌ها و عدول از حدود قانون شروع و هدایت قانون اساسی را غلط مطابق مقاصد و مرام ناجایز خود تعبیر نموده...» این اظهار نادرست ښاغلی مساعد اول گواه بر انستت که نامبرده قبل از همه از درک این مسأله عاجز است که روشنفکران خود قشری و صنف معینی از جامعه بوده، خود و هم‌کارانش نیز بفهمند یا نفهمند من‌حیث ماهیت خویش متعلق به این قشر می‌باشند، ولی به این فرق که ایشان در موضع دفاع از منافع محافل حاکمه قرار دارند و روشنفکران وطن‌پرست و مترقی در موضع دفاع حقوق و آزادی‌های مردم کشور خویش واقع‌اند. آنچه را می‌توان از این گفته ښاغلی مساعد اول استنباط کرد اینست که وی تمام روشنفکران را بدون تشخیص مرتجع و مترقی وطن‌پرست و غیر وطن‌پرست، اصولی و غیراصولی محکوم کرده و هر گونه اعمال و مبارزات اجتماعی و فعالیت‌های ایشان را «عدول از حدود قانون» و مبنی بر تعبیر «غلط مطابق مقاصد و مرام ناجایزشان خوانده است. در حالی که اگر اندکی بگفته خود متوجه می‌بودند واضح می‌گردید که این اوست که مواد قانون اساسی را برای منظور خاصی نادرست تعبیر کرده و آنانی را که می‌خواهند با استفاده از آزادی‌های مصرح در قانون اساسی برای بیداری مردم و دفاع از حقوق اویشان، برای بهتر شدن زندگی فلاکت‌بار اکثریت ملت افغانستان، ـ به خاطر تأمین و تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی افغانستان و در راه بسا تأمین دموکراسی و ترقی اجتماعی و دفاع از وطن مقدس مان افغانستان مبارزه می‌نمایند، محکوم می‌کند و به تعبیر غلط مواد قانون اساسی ـ مطابق مرام و مقاصد خصوصی ملزم قرار می‌دهد. باید گفت تعبیر درست از مواد قانون اساسی اینست که ـ به‌منظور «تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق به مقتضیات عصر و بر اساس واقعیات تاریخ و فرهنگی ملی»، «تأمین عدالت و مساوات» و «تطبيق دموکراسی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» ما «تأمین آزادی‌های مردم»، «رفاه خلق کشور»، «تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس تعاون اجتماعی و حفظ به کرامت انسانی»، مردم افغانستان است مبارزه صورت گیرد.

ښاغلی مساعد اول توجه نمایند که آنچه در بالا گفته شد در مقدمه قانون اساسی آمده است که خود راهما برای درک و تعبیر صحیح مواد

مندرج در قانون اساسی می‌باشد که به تاسی از آن مواد مربوط به فصل حقوق و وظایف اساسی مردم قانون اساسی بهترین مفسر و مبین آن است و که مطابق به احکام آن مردم افغانستان حق دارند تا از حقوق و آزادی‌های آن آزادانه استفاده نمایند. تا آنجائی که بسا مربوط است گوشیده‌ایم تا با استفاده صحیح و معقول و متناسب به شرایط از مقدمه قانون اساسی و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی کشور و در شرایط کنونی با در نظر گرفتن اصول و مرام نجات بخش ملی و دموکراتیک خویش بر مبنای دانش مترقی در راه نجات خلق رنج‌دیده افغانستان از فلاکت و بدبختی مبارزه نماییم. مبارزات ما مبتنی بر علم پیشرو، سرشار از احساس وطن‌پرستی، عشق به تمام خلق و وطن پرافتخار و محبوب ما افغانستان به غرض ترقی اجتماعی، به خاطر بیداری و رهایی و سعادت توده‌های زحمتکش و تحت ستم خلق کشور که اکثریت عظیم ملت افغانستان را تشکیل می‌دهد بوده است، که درین امر به‌صورت قطع هیچ‌گونه غرض شخصی‌نه دخیل بوده و نه می‌تواند دخیل باشد. بنابراین به‌صراحت می‌گوییم که این ما نیستم که مواد «قانون اساسی را غلط مطابق مقصد و مرام ناجایز خود تعبیر نموده» باشیم، بلکه ای ښاغلی مساعد څارنوالی است که چنین غلط علیه ما اقامه دعوی می‌نمایند و از مبارزات وطن‌پرستانه و شجاعانه ما که به‌صورت مشخص و آشکار در روی اخبار ما «پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان» انعکاس می‌یابد. تعبیر نادرست می‌نمایند و آن را «مرام شخصی و ناجایز» می‌پندارد.

قضات محترم توجه خواهند فرمود که ښاغلی مساعد اول چگونه بی مسؤولیت کلماتی از قبیل «تعبیر غلط قانون اساسی، ناجایز، خودسری‌ها، تحریکات، تولید تشنجیات و ناآرامی‌ها، وغیره» را استعمال نموده است، باز هم اگر نامبرده درین مورد پافشاری دارد. پس ثابت نماید که چگونه مبارزات، (تا آنجائی که ادعا در برابر ما باشد) ناجایز می‌باشد؟؟ و بطور به غرض «مرام ناجایز خود» مواد قانون اساسی را غلط تعبیر کرده‌ایم؟؟

ښاغلی نیازی در دعوی خود علیه ما به چند ماده قانون اساسی استناد می‌نماید و ادعا دارد که گویا ما (تا آنجائی که بما مربوط باشد) خود را به مواد ۲۶، ۳۴ و ۹۴ و غیره قانون اساسی مقید ندانسته‌ایم. درین موارد به‌جز اینکه بگوییم یا نامبرده خودش مواد متذکره را مطالعه نکرده و یا از متن آن‌ها چیزی نفهمیده است؛ و باید گفت که ما نه تنها مواد متذکره را در نظر گرفته‌ایم بلکه از آن‌ها استفاده

نموده و بر مبنای آن مبارزه کرده‌ایم. چنانچه ماده (۲۶) حکم می‌کند «آزادی حق طبیعی انسان است، آزادی و کرامت انسان از تعرض مصنون و است و انفکاک نمی‌پذیرد، هیچ عملی و جرم شمرده نمی‌شود مگر به‌موجب قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد... الخ» و این می‌رساند که ادعای ښاغلی نیازی چگونه مبالغه آمیز و افتراء آمیز و دور از واقعیت می‌باشد!!

تعجب آور است که در ادعائنامه مدعی قید گردیده که از ماده ۲۲ قانون اساسی تعبیر ناصحیح صورت گرفته و گفته می‌شود که «به اساس آن به مظاهرات، اعتصابات ناجایز و خلاف قانون پرداخته‌اند، باوجودی که غیرقانونی بودن این مظاهرات چند بار از طرف موظفین حکومت اعلان گردیده و با وصف آن...» حالان که حکم ماده ۳۲ قانون اساسی کاملاً صراحت دارد و ضرورت به تعبیر نادرست مساعد اول نیست و اگر تعبیری صورت گیرد این است که مردم افغانستان حق دارند بدون اطلاع قبلی دولت برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز و بدون حمل سلاح اجتماع نمایند و به اساس همین اجازه قانونی بوده است که طی چند سال اخیر پس از انفاذ قانون اساسی ـ صد‌ها اعتصاب و مظاهره به وجود آمد و اینکه ښاغلی نیازی مدعی است و این وجود اینکه غیرقانونی بودن این مظاهرات چند بار از طرف موظفین حکومت اعلان گردیده» اولاً از طرف حکومت چنین اعلانی راجع به غیرقانونی بودن مظاهرات صورت نگرفته و ثانیاً اگر فرضاً صورت گرفته باشد خود غیرقانونی و متناقض با ماده ۳۲ قانون اساسی می‌باشد.
\*\*\*

## دفاعیه وکیل:

این قرار آتی دفاعیهٔ مشخص خود را علیه صورت دعوی فرمایشی مساعد اول څارنوال ارانه می‌دارم:
وکیل فرزند جریان دموکراتیک خلق افغانستان با کمال افتخار و جرأت بنا بر تشخیص وظایف و مسؤولیت عظیم خود‌ها در برابر نهضت رهائی‌بخش ملی و دموکراتیک و مترقی وطن محبوب خود افغانستان بر رد افتزائیه و اتهامات بی‌جهت، بی‌اساس، غیر مستند، فرمایشی و از خودساخته و پرداخته مساعد اول څارنوال پرداخته و یاد دهانی می‌کنم که این دفاعیهٔ من نه به خاطر ناشکیبائی و ندامت و عجز در برابر الزامات لا یعنی آقای مساعد اول څارنوال، بلکه برای دفاع از آرمان‌های عظیم خلق زحمت کش کشور ما که در برابر نسل ترقی‌خواهان مسؤولیت و وظایف جدی و سنگینی را قرار داده است محرک اصلی ترتیب آن می‌باشند.

پرچم

## در برابر ادعای څارنوال در محکمه ابتدائیهٔ کابل از خود دفاع می‌نمایند

**تذکر:**

**دفاعیهٔ رفقای جوان و مبارز ما (وکیل، نجیب، اسمعیل) دارای دو بخش است. یکی مقدمه عمومی در برابر ادعای عمومی څارنوال که به‌صورت عمومی علیه ایشان وعده دیگری از زندانیان سیاسی به عمل آمده است درین مورد هر سه تن از رفقای جوان ما متحد، در چوکات یک متن واحد از خود و جریان خویش دفاع نموده‌اند. بخش دوم دفاعیه‌های جداگانه این سه جوان محصل می‌باشد که به‌صورت مشخص اتهام نادرست و ضد قانونی څارنوال را در مورد شخص، خود رد کرده‌اند.**



لذا بدین جهت در متون دفاعیه من ته به‌جز منافع وطن و رهایی خلق دلیر ماست، افشا و برملا سازم. فلذا اشتراک کردن در مظاهرات اگر جرم است، این مطلب مربوط درایت جناب شما آقای مساعد اول څارنوال از ماده (۳۲) قانون اساسی می‌باشد. من با کمال افتخار هم اکنون بیان می‌دارم که به حیث یک خدمت گذار خلق کشور خود در مظاهرات قانونی و مسالمت آمیز اشتراک کرده‌ام تا وظیفه ملی و مترقی خود را در جهت تکامل نهضت دموکراتیک و مترقی و آزادی بخش کشور خود ایفا کنم و همچنان از هر گونه سازش کاری و تسلیم طلبی و حادثه‌جویی و ماجراجویی و پرانگندگی این موج نیرومند مبارزه را در امان دارم.

و بالاخره در مظاهرات به خاطر افشای دشمنان داخلی و خارجی وطن واحد ما افغانستان و منافع خلق افغانستان و پشتیبانی آن در برابر نفوذ هرگونه شیویه نوین استعمار و امپریالیسم که دشمن خلق، امنیت، تمامیت، رفاه و آسایش کشور ماست حصه می‌گیرم، و این همه مطالب است که یک فرد صدیق به وطن و خلق مطابق به شرایط عینی و ذهنی جامعه و تمنیات عصر و زمان باید چه در مظاهرات و چه در عرصه‌های دیگر مبارزه فعالانه حصه بگیرد. اینک توجه جدی قاضی محترم دیوان امنیت عامه ولایت کابل را جلب نموده، خواهانم که از آقای مساعد اول څارنوال بپرسند که چطور به نظر آقای مذکور اشتراک کردن در مظاهرات جرم و خلاف قانون است. مگر یک بار آقای موصوف بند اول ماده (۳۲) قانون اساسی را که می‌گوید: «اتباع افغانستان حق دارند از همه باید ښاغلی موصوف بفهمد که پر چم جمعیت نیست، بلکه جریده است، . جریده‌ای که ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشد و این موضوع در پیشانی جریده پرچم در هر هفته با خط درشت نو شسته می‌شود، بنا بر آن این حرف ښاغلی نیازی نادرست است که من منسوب به جمعیت پرچم می‌باشم بلکه منسوب به جریان پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشم که پرچم ارگان نشراتی آنست و علناً مطابق به قانون به نشرات خود ادامه می‌دهد.

مدعی در اقامه دعوی‌اش به تناقض گونی می‌پردازد که از یک‌طرف ـ مرا به «پرچم» منسوب و از جانب بر دیگر لاقیدانه اظهار می‌دارد که من در تمام مظاهرات شرکت کرده و به آن اعتراف نیز کرده‌ام، من از ښاغلی نیازی می‌پرسم من که منسوب به «پرچم» هستم آیا پرچم تمام مظاهرات را که طی چند سال گذشته در کابل به وجود آمده است تأیید کرده است؟؟ خود پاسخ می‌گویم که نه

صفحه (سوم)

چنین نیست! «پرچم» تا مظاهری را که به غرض فتنه‌گری و اخلالگری رخ داده است تأیید نکرده و نتیجتاً من در آن اشتراک نداشته‌ام، از همین جاست که ښاغلی مساعد اول متناقض حرف می‌زند و کلمه «تمام» را بدون سنجش و ملاحظه در مورد اشتراک من در مظاهرات بکار می‌برد و همین خود کافی‌ست که تمام ادعاهای نامبرده در مورد من رد گردد و مطابق به‌حکم ماده ( ) اصولنامه حقوقی محاکم عدلی دعوی متناقض قابل شنیدن نیست، ولی برای اینکه روشنی بیشتری بر موضوع انداخته شود اظهار می‌دارم که من در بسیاری از مظاهرات قانونی و مسالمت ـ آمیز بر طبق حکم ماده (۳۲) قانون اساسی در صف هم مسلکان و همصنفان خویش شرکت داشته‌ام، منظور اساسی از اشتراک من در مظاهرات و مبارزه‌ام را عشق بی‌پایان به وطن و خلق رنج‌دیده افغانستان تشکیل می‌دهد و من نهنها از اظهار آن ترسی ندارم بلکه بدان افتخار می‌نمایم، یعنی من بارها می‌گویم در مظاهرات اشتراک کرده‌ام و این اشتراک من به خاطر بیداری عمومی خلق کشور بود که تا تسلط مناسبات اقتصادی اجتماعی و

نیروهای ارتجاعی را که مانع بزرگی در راه رشد و تکامل وطن گرامی ماست، افشا و برملا سازم. فلذا اشتراک کردن در مظاهرات اگر جرم است، این مطلب مربوط درایت جناب شما آقای مساعد اول څارنوال از ماده (۳۲) قانون اساسی می‌باشد. من با کمال افتخار هم اکنون بیان می‌دارم که به حیث یک خدمت گذار خلق کشور خود در مظاهرات قانونی و مسالمت آمیز اشتراک کرده‌ام تا وظیفه ملی و مترقی خود را در جهت تکامل نهضت دموکراتیک و مترقی و آزادی بخش کشور خود ایفا کنم و همچنان از هر گونه سازش کاری و تسلیم طلبی و حادثه‌جویی و ماجراجویی و پرانگندگی این موج نیرومند مبارزه را در امان دارم. و بالاخره در مظاهرات به خاطر افشای دشمنان داخلی و خارجی وطن واحد ما افغانستان و منافع خلق افغانستان و پشتیبانی آن در برابر نفوذ هرگونه شیویه نوین استعمار و امپریالیسم که دشمن خلق، امنیت، تمامیت، رفاه و آسایش کشور ماست حصه می‌گیرم، و این همه مطالب است که یک فرد صدیق به وطن و خلق مطابق به شرایط عینی و ذهنی جامعه و تمنیات عصر و زمان باید چه در مظاهرات و چه در عرصه‌های دیگر مبارزه فعالانه حصه بگیرد. اینک توجه جدی قاضی محترم دیوان امنیت عامه ولایت کابل را جلب نموده، خواهانم که از آقای مساعد اول څارنوال بپرسند که چطور به نظر آقای مذکور اشتراک کردن در مظاهرات جرم و خلاف قانون است. مگر یک بار آقای موصوف بند اول ماده (۳۲) قانون اساسی را که می‌گوید: «اتباع افغانستان حق دارند از همه باید ښاغلی موصوف بفهمد که پر چم جمعیت نیست، بلکه جریده است، . جریده‌ای که ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشد و این موضوع در پیشانی جریده پرچم در هر هفته با خط درشت نو شسته می‌شود، بنا بر آن این حرف ښاغلی نیازی نادرست است که من منسوب به جمعیت پرچم می‌باشم بلکه منسوب به جریان پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشم که پرچم ارگان نشراتی آنست و علناً مطابق به قانون به نشرات خود ادامه می‌دهد.

«باقی دارد»

می‌بریم؟؟؟





د افغانستان د تلک د موزک اټک انځور و خپروونکی

۲۱ میزان ۱۳۴۸

## اهم اخبار هفته گذشته

هاوانا:
داکتر کاسترو طی ملاقات با زندانیان برازیلی که چندی قبل با تعویض سفیر امریکا از حبس در مکزیک رها و فعلاً جهت بازدید دوستانه به هاوانا آمده‌اند اظهار نمود: کشور‌های سوسیالیستی بما کمک‌های بسیار می‌کنند که جنبه حیاتی دارد. او گفت تا قبل از انقلاب تمام مراکز صنعتی کیوبا به دست امپریالیزم امریکا بود، مگر فعلاً تحت تصرف مردم کیوباست.

دهلی جدید:
در مظفر نگار هند میتینگ بزرگی صد هزار نفری تشکیل شده بود. در میتینگ شعار داده می‌شد: کارگران و دهقانان با هم برانرند مرده باد نفاق اندازان - هندوها و مسلمانان دو ستان همدیگر اند - از نفاق فقط ارتجاع نفع می‌برد.

درین میتینگ هندوها و مسلمانان و غیره شرکت داشتند.

مونتریاال:
در دومین شهر بزرگی کانادا مأموران آتش نشانی دست به اعتصاب زدند. از جمله سه هزار مأمور فقط ۴۰ نفر بالای وظیفه حاضر بودند.

همچنین دو صد تکسی ران نیز در مونتریاال دست به اعتصاب و بعداً - دست به مظاهره زدند. در ضمن مظاهره زد و خورد شدیدی رخ داد و دو نفر کشته شدند.

نیویارک:
یک تعداد زیاد نمایندگان سندیکای کارگری امریکا از حکومت - نکسن تقاضا کردند تا اقدامات جدی را جهت بهبود شرایط کار و ازدیاد دستمزدهای کارگران به عمل آورد.

واشنگتن:
نکسن در مقابل تهدید کارگران راه آهن سرتاسری امریکا فیصله کرد تا ۲۰ فیصد حقوق کارگران راه آهن را افزایش بدهد و از اعتصاب عمومی جلو گیری به عمل به آورد.

نیویارک:
چندین اتحادیه سیاه منن پوستان متحداً علیه سیاست تبعیض نژادی دست به مظاهره زدند.

لیما:
رئیس جمهور پیرو در مناسبت اولین سال تاسیس رژیم در

یک هفته از چهار فروند طیار به پانزده فروند رسیده است.

## درباره جنگ ویتنام

یک سناتور امریکایی تقاضا کرد تا حکومت نکسن جنگ پلید ویتنام را خاتمه بدهد. او از عقب میکروفون مجلس امریکا فریاد زد: «بگذار به این خونریزی‌ها تا قبل از ۱۹۷۰ خاتمه بدهیم و جوانان خود را در جشن جنوری در امریکا در اغوش خانواده - های آن‌ها به بینیم!»
صد‌ها جوان امریکایی ضمن مظاهره علیه جنگ ویتنام در یک لوحه نوشته بودند: «نکسن منتظر چه هستی، قول داده بودی که جنگ ویتنام را خاتمه می‌دهی پس خاتمه بده!»
اعلان گردیده است که روز (۱۵) اکتبر در سرتاسر امریکا علیه جنگ ویتنام مظاهراتی برپا خواهد شد. اتحادیه معلمان درین مظاهرات شرکت خواهند کرد و گفته می‌شود در حدود یک میلیون نفر درین مظاهرات سهم خواهند گرفت.
\*\*\*\*

خبرگزاری جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی اطلاع می‌دهد: اشغالگران امریکایی مرتکب جنایات شرم آور دیگر به مقابل خلق ویتنام گردیدند، بدین تفصیل: چندی قبل وادی دریای میکانگ سیلی سرازیر شد. اردوی جبهه آزادی‌بخش ملی

یک بیانیه رادیویی گفت:
تأمین استقلال اقتصادی عمدترین مساله است که در برابر کشور قرار دارد. بازگرفتن انحصار تولید نفت، مساله اصلاحات ارضی، کنترل بر بانک مرکزی، اتخاذ سیاست آزاد و ملی از وظایف اصلی ما به شمار می‌رود. او گفت: دشمنان حقیقی ت مردم سرمایه داران نفکی خارجی و دوستان داخلی آن‌ها می‌باشند.

انقره:
در ترکیه مبارزات انتخاباتی پارلمانی ادامه دارد. احزاب ترکیه نوین و جمهوری‌خواه خلق از مشی حزب عدالت حاکم در کشور شدیداً انتقاد نمودند. یوسف عزیز ذغلو از حزب ترکیه نوین اظهار داشت: مشی حزب عدالت با وضع کشور در تضاد است.

او گفت: اگر فقر در کشور برطرف نشود اوضاع بدتر به وجود خواهد آمد، نطق حزب جمهوری‌خواه خلق گفت: سرمایه خارجی ابدآ به پیشرفت ترکیه کمک نخواهد کرد.

نیویارک:
نماینده سوریه در ملل متحد طی نامه‌ای از رویه فاشیستی اسرانیل در منطقه اشغالی سوریه به ملل متحد اعتراض کرده است. در نامه قید است که اسرانیل مردم را از منازل شان اخراج می‌کند و سپس آن را با خاک یکسان می‌سازد.

بیروت:
وطن‌پرستان عرب به فعالیت وسیع علیه اشغالگران اسرانیلی آغاز کرده‌اند. پارتیزان‌های الفتح روز ۵ اکتوبر با هوان بر یک اردوگاه اسرانیلی حمله بردند و تلفات بزرگی به اسرانیلی‌ها وارد شد.

تل ابیب:
جراید اسرانیل خاطر نشان می‌سازد: مسافرت صدراعظم اسرانیل به امریکا موفقیت آمیز بود. امریکا مقادیر قابل توجه اسلحه به اسرانیل می‌دهد.

قاهره:
جراید جمهوریت عربی متحد تحویل دادن طیارات فانتوم امریکایی را به اسرانیل از آنچه فیصله شده بود سریع‌تر می‌دانند. در یک هفته از چهار فروند طیار به پانزده فروند رسیده است.

## بازهم عوام‌فریبی

چند سال قبل ادارهای در دستگاه حکومت افغانستان به نام «انکشاف دهات» به وجود آمد و صلاحیت‌ها و بودجه فراوان در اختیار آن گذاشته شد که با بکار بردن آن توأم با سوء استفاده‌های کلان و حیف و میل فراوان حر کات نمایشی صورت گرفت، سال‌های سال از تاسیس ریاست «انکشاف دهات» گذشت ولی حد اقل نتایج مطلوب متناسب با صد‌ها میلیون افغانی مصارف آن به ملاحظه نرسید.

مقامات مسؤول (!) برای اینکه روی معایب این اداره (که البته معایب و نواقص اداری که به‌طور عام در تمام دستگاه اداره دولت در افغانستان معمول می‌باشند) بزمع خود پرده افکنند، چاره کار را در الغاء اداره مزبور و تعویض اسم آن یافتند، چنانچه عین وضع را در مورد الغاء روستا انتحصارات دولتی و تشکیلات وسیع‌تر کنونی آن بنام‌های دیگر می‌توان دید، ولی در ماهیت کار و اجراءات معمول کدام تغییری که به نفع مردم باشد و یا در مصارف صرفه‌جویی به عمل آید به ملاحظه نمی‌رسد.

مقامات مربوط اکنون که در یافتند. دگر نمی‌توان اهالی فقیر، رنج‌دیده دهات و روستاهای کشور را مانند سال‌های متمادی گذشته به نام «انکشاف دهات» و «پروژه‌های مفید و عام‌المنفعه آن» (که یکی از هزاران مشکل مردم را رفع کرده نتوانسته است) فریب دهند، حال باید نام آن را به «انکشاف محل» یا اندکی آرایش و پیرایش جدید در شکل تعویض کنند و با راه انداختن تبلیغات فراوان در اطراف آن ایشان را بازهم برای مدتی سر گرم سازند.

از امر الغاء ریاست انکشاف

## د سین سرود

پیری پیری تیری شوی او دا مغرور سین د هندوکش په تاو را تاو درو کی خپله انقلابی حماسه بولی:

«تل به زما په څپو کی د خوخیډو، مندی او یر غل قوت ژوندی وی، زه د سمندر د څپو ټکرو او د لمر وړانگو زیږولی یم، زه د زورورو او سترو توفانونو په زانگو کی روزل شوی یم، ما ته تالندی، بریښنا او یاغی بادونو للو ویلی ده.

ما د سمندر په تیارو تلو کی له نهنگانو او سترو کبانو سره لوبی کړیدی او د آزادو سیلیو تر بولی لاندی می په ساحلی غرونو، کمرونو او خنگلونو سره غیږی نیولی دی.

زه د استوا گرمیو او د قطب یخنیو ازمویلی یم.

ما د توفان په منگولو کی زورور ماتوگان لیدلی دی چه څ نکه د وحشی او قهرجنو څپو تر یرغل لاندی په سره سینه د خپلو هدفونو خوا ته خوخیږی، ما د پرمختلونکی انسان د زړه قوت او د سترگو بریښنا ازمویلی ده، داسی انسان تر ترومی او توفان یر پیاوړی او تر بریښنا او تندر خورا چټک دی.»

\*\*\*

«زه د گړندیو وریخو په وزرونو باندی له هوارو سمندرونو نه د لور هندوکش څوکو ته را وختم، دلته می د وریخو له مستی، د بادونو له نڅا، د باز له گړندیو جگیدی او د سیلاب له هیبتناکو کوزیډو نه نوی حماسه زده کړه، زما د دی حماسی قهرمان هماغه زورور او پا برجای انسان دی- کوم چه واورو، بادونو او سیلابونو را چارپیر کړی، مگر سر ته ټیټوی! او نه تسلیمیری.

زه له همدی انسان نه الهام اخلم او په نا ازمویلو لارو، کمرونو او درو کی لار وهم د بحر خواته خوخیرم.

زه قدم په قد خپله حماسه تکراروم، باید د سیندونو او غرونو حماسه یوشی.

باید ټولی سندرۍ، ټول سرودونه او گردی حماسی یو شی،

باید ټول مقدس غضبونه، ټولی کوکی او فریادونه، گردی څپی او درست توفانونه سره یو شی او په گډه د نوی، زورور او انقلابی انسان د زغم، جرأت او پرمختللو حماسه بشپړه کړی.

زه د څپو، توفانونو، خفاستو او ژوند ستاخی یم،

ځکه د آزاد انسان د خوخیډو، پرمختگ، یرغل او رزم حماسه بولی،

غر او هواره، سین او بحر، باد او باران... دا ټول د زیارایستونکی انسان د ستری جگری حماسه بولی.

د انسان هڅه او جگړه، د انسان تکل او یرغل، د انسان ژوند او هدف تر ټولو لوړه حماسه او تر هری سندرۍ ټنکی سندره ده، او زه به تل دا سندره ژوندی او سپیڅلی وساتم!»

«سلیمان لایق»

## د پکتیا د خلکو مسائل باید سم حل شی

کلكه غوښتنه كوو چه د پكتيا په دادي چه سوله، امن، ورور گلوۍ او ملگرتيا د زور او زندان په واسطه نشي تاْمينيدلای بلكه د هغوۍ د تاْمين يوازيني لاره داده چه د شخړو او دښمنيو اساسي عوامل له مينځه ولاړ شي. مور له مربوطو مقاماتو څخه په

اقدامات وو. او دا ځكه چه پخوانيو اقداماتو د خلكو د مخالفت او شخړو مخه ونه نيوله.

سړ كال حكومت په دى باره كښي يوازى د دواړو خواوو د څو تنو په نيولو او بندي كولو اكتفاء وكړه گواكي وبى غوښتل چه د بند او زندان په زور په دواړو خواوو باندې امنيت

له څو كلونو راهيسى، د پكتيا د ارگون د لويي ولسوالۍ د مارزكو د كلي د خړوتو او خدرانو تر مينځ د يو ځنكله په سر شخړه روانه ده. د دى شخړى په نسبت هر كال د خړوتو او خدرانو ورونو تر مينځ د قتل، ټپي كيدو او وينو تونيدو پيښى مينځ ته راځي.

سړ كال بيا ددى شخړى ټپيان د كابل روغتونونو ته راورسيدل او د كسات اور يى لا د زيارايسټونكو خړوتو او خدرانو تر مينځ تيز كړ.

د دى شخړى د دوام اساسى علت دا دى چه دولتي مسؤولين هلته مؤثر او لازم اقدام نه كوي. دوى هغه د وخت پدى پيښو باندې ځان خبروى چه د شخړى اور ښه تازه شوى وى او خلكو سره وژلى يا ټپيان كړى وى. او وروسته تر پيښى بيا هم د حل سمه لار نه غوره كوى او فقط يو څو لوتى ردى او تر اوږو پو ړى وزى.

د سړكال او پرسړكال پر له پسى پيښى دا نښى چه پدى مساله كى د دولت د موظفو كسانو اقدامات ډير سطحى، بى‌اساسه او غير مقتضى

## «سيوز ۶» به فضا پرتاب شد

«سيوز – ۵» آغاز گرديده ادامه خواهد داد. وي مزيداً اظهار داشت هر سفينه كه به فضاى خارجى پرتاب مى‌گردد محصول كار خلاق دانشمندان، طراحان انجنيران و كارگران ايجاد كنندگان تمام سفاين كيهانى مى‌باشد.

در پروگرام كار سفينه از جمله ديگر چيزها ولدنگ كارى فلزات در شرايط خلاى عميق و بي‌وزنى شامل مى‌باشد.
كپتان سفينه قبل از پرواز به‌سوى كيهان اظهار داشت كه سفينه «سيوز – ۶» اكتشافاتى را كه توسط سفاين «سيوز- ۳» و «سيوز – ۴» و

تاس اطلاع داد كه اتحاد شوروى به تاريخ ۱۱ اكتوبر سفينه فضايى «سيوز -۶» را كه حامل دو نفر كيهان نورد بنام گيوركى شونين و والرى كوباسوف مى‌باشد به فضا پرتاب نمود.
كپتان سفينه «سيوز – ۶» شونين مى‌باشد و كوباسوف وظيفه انجنيرى پرواز را به عهده دارد.

سفينه به ساعت ۱۴ و ۱۰ دقيقه وقت ماسكو شروع بحر كت نمود و به مدار معينه فرار داده شد. فشار، درجه حرارت، رطوبت و تركيب گاز در كابين «سيوز – ۶» مطابق به شرايط زمين مى‌باشد عمله سفينه - به فعاليت‌هاى اكتشافى و آزمايش‌هاى خود آغاز كردند.

# انعكاسات راجع به کنفرانس رباط

آهنگان انقلابی اجرا می‌شود کدام تذکری به عمل آمده است .« روز نامه علاوه می‌کند:

«از نظر انداختن مبارزه مسلحانه انقلابی در فلسطین عربی اختلاف زیادی را که بین توده‌های مؤمن عرب که هر نوع فیصلهٔ مشکوک را رد می‌نمایند، و روش بعضی از کشورهای اسلامی که از حدود ملل متحد یک گام هم فراتر نه نهاده‌اند منعکس می‌سازد…»

همچنان روزنامه النور چاپ بغداد راجع به اختلافاتی که در کنفرانس رباط بین اشتراک کنندگان موجود بود تصره می‌نماید.
روزنامه ناکامی کنفرانس رباط را یکطرف ناشی از خصلت روابط

<b>زندانیان چگونه می‌میرند!</b>	
زندانیان تیره بخت شبرغان مرکز ولایت جوزجان که مانند تمام زندانیان کشور در تحت شیوه‌های استبدادی قرون وسطایی بسر می‌برند، علاوه بر تحمل دشواری‌های فراوان رنج و سمرارت گرسنگی، حقارت‌ها، اهانت‌ها، شرایط کاملاً غیر صحی و وضع فلاکت‌بار زندانیان زندان‌های زندگی در دخمه‌های تاریک و کثیف	
ضد سلامت بشری در نتیجه محیط متعفن و کثیف زندان، لباس‌های بدن‌های چرکین زندانیان اخیراً مورد ا تهاجم میکروب‌های بی‌رحم حمای لکه دار قرار گرفته‌اند. در یک مدت کوتاه چندین تن از زندانیان به این مرض ساری خانمان‌سوز مبتلا و نیمه جان به شفاخانه فرستاده شدند. ولی بدون تدای برای اینکه از آبروریزی (!)	
<b>پرچم</b>	
<b>صاحب امتیاز<span> </span>: سلیمان لایق</b>	
<b>مدیر مسؤول: میر اکبر خیر</b>	
<b>تلیفون: ۲۳۱۶۴</b>	
<b>مطبعة دولتی</b>	
تایپ متن قاسم آسمایی ویرایش جدید: عمر فیض	



# پرچم

## ناشرانیدشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۲۹-سال دوم دوشنبه ۵ عقرب ۴۸ ۲۷ اکتوبر ۶۹، شماره مسلسل ۸۰

## ضرورت تشکیل یک صف متحد ملی در ولسی جرگه

مسأله روشن است که اکثریت وکلا را در دورهٔ کنونی ولسی‌جرگه (مثابه دوره دوازدهم) نیز نمایندگان طبقات حاکمه جامعه تشکیل می‌دهد. به همین جهت ولسی‌جرگه من حیث ماهیت خود بطور کلی وسیله ایست در دست هیأت حاکمه و

حکومت. گر چه در آغاز کار این مجلس مانند دورهٔ دوازدهم در تعیینات اداری (و انجمن‌های ولسی‌جرگه) علاوه بر آنکه بطور کلی ... طبقاتی مطمح نظر بوده است، تمایلات سمتی نیز به ملاحظه رسید. ولی معلوم است که بعداً صف بندی روشن روی منافع طبقات حاکمه جامعه و موضع‌گیری در جهت حکومت که خود جزء هیأت حاکمه است صورت می‌گیرد. تجربهٔ دوره دوازدهم شوری نشان می‌دهد که این گروه، جناح دست راستی طبقات حاکمه در پارلمان علاوه بر آنکه مؤید اغلب طرح‌های حکومت می‌باشند حتی بعضاً موضع‌گیری راستتر از حکومت را در برخی قضایا اختیار می‌نمایند. مثال‌های فراوانی درین زمینه در دورهٔ دوازدهم ولسی‌جرگه وجود دارد.

در قبال چنین وضعی که در شوری حکم‌فرماست، عناصر ملی و مترقی که

تعدادشان در ولسی‌جرگه محدود است،

تا جایی که به مجلس ارتباط می‌گیرد، مسؤولیت بزرگی به عهده دارند. چون این گروه کوچک در داخل پارلمان در برابر جناح نیرومند دست راستی قرار دارند، به‌حکم وظیفه و ضرورت باید فشرده بهم نزدیک گردند. درین شکی نیست که در میان ایشان نیز اختلافات سیاسی، سازمانی، ایدئولوژیک و غیره وجود دارد. ولی امر پیشبرد جنبش آزادی‌بخش ملی و اجتماعی ایجاب مینماید که لااقل در داخل مجلس تمایلات «حزبی» سازمانی، گروهی (گروپی) و منافع تنگ‌نظرانه سیاسی و سازمانی خودرا کنار بگذارند و روی وجوه مشترک (نه وجوه افتراق یا اختلاف به‌منظور عمل مشترک ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد استعمال گرد آیند. در صورتی که این‌ها به این امر توفیق حاصل نمایند، در واقع هسته یک صف متحد ملی «اپوزیسیون» را در داخل مجلس به وجود می‌آورند که امکان بسط و توسعه آن در خارج پارلمان نیز برده میشود.

تا آنجائی که مسأله به جریان دموکراتیک خلق افغانستان در ولسی‌جرگه ارتباط می‌گیرد مطمح نظر همین طرح ایجاد یک هسته ملی در وهله اول در داخل ولسی‌جرگه به‌منظور انجام عمل مشترک و جلب عناصر دیگر وسطی در اطراف آن و رشد این هسته در داخل و خارج پارلمان صرف نظر از اختلافات

(ص ۳)

حادثهٔ خونین ۳ عقرب اکنون به نهضتی ضد استبداد و ضد ارتجاع مبدل گردیده است. چهار سال قبل در آغاز اولین دوره تقنینیه بر اساس قانون اساسی جدید کشور تراکم رنج‌های مردم بنا بر استبداد طولانی

## درد پرشور به روان شهیدان راه آزادی و دموکراسی

### درد به قربانیان ۳ عقرب!

برپا می‌گردد. امسال نیز، بدین مناسبت تظاهراتی به وجود آمد.

ما پیوسته سعی ورزیده‌ایم تا در برگزاری ۳ عقرب، روزی که به همه ارتباط دارد، متحدانه اشترک ورزیم. ولی نکتهٔ که درین زمینه قابل تذکر و مایه تأسف می‌باشد اینک‌که: طی این چند سال عوض آنکه تمام عناصر و نیروهای ضد استبداد و ضد ارتجاع

در نهضت ۳ عقرب تحت پلنفرم مشترک و شعارهای مشترک متحدانه اشترک ورزند و ازین حادثه که در آن‌جان‌های چند تن از جوانان وطن قربان گردیده است، برای استحکام

مظاهره مسالمت‌آمیزی را به وجود آورد که انگیزهٔ آن علنی شدن جلسه رأی اعتماد بر حکومت در ولسی‌جرگه گردید. ولی در اثر تفتین محافل حاکمه و ارتجاعی و مداخلات غیرقانونی، مظاهرهٔ قانونی و مسالمت‌آمیز محصلان، شاگردان و شهریان کابل تبدیل به واقعهٔ خونین و المناک ۳ عقرب گردید.

به خاطر یادبود از شهیدان واقعه المناک و خونین ۳ عقرب همه‌ساله درین روز مظاهرات و میتینگ‌های ضد استبداد و ضد ارتجاع از طرف محصلان، شاگردان و شهریان کابل

## در راه وضع قوانین دموکراتیک

### به‌مثابه شعار روز باید مبارزه کرد!

افغانستان نیز در جهت منافع طبقات حاکم و بزین مردم مواد قانون اساسی را و در بسی موارد با تعبیرات و توجیهات نادرست آن‌ها مورد‌استفاده قرار داده است.

نکته قابل‌توجه در ین زمینه بحث بر سر مسأله توجیه و تفسیر کلی از قانون اساسی و از مواد جداگانه آن می‌باشد. درین جاست که میان نیروهای ملی و مترقی از یکسو و نیروهای ارتجاعی و استبدادی از سوی دیگر اختلاف اساسی درین مورد به وجود می‌آید نیروهای ملی و مترقی سعی می‌کنند تا مواد مندرج در قانون اساسی در جهت منافع اکثریت عظیم توده‌های مردم در جهت تأمین آزادی، دموکراسی و ترقی کشور توجیه گردد ولی نیروهای ارتجاعی و استبدادی در پی آن‌اند که بسود ستمگران، خائنین به منافع ملی، رشوه ستانان، مستبدین، مرتجعین و متنفذین (ص ۳)

مرتجعین و متنفذین نقض گردیده و به بهانه عدم وجود قوانین فرعی مورد تطبیق قرار نگرفته است. هیأت حاکمه

آزادی‌های مصرح در قانون اساسی جدید افغانستان از ابتدای انفاذ تاکنون پیوسته از طرف مستبدین،

## نگاهی بر محیط غیر صحی مرگبار و آفت زا کشور

شرایط حفظالصحه محیطی در کشور بسیار مدهش و شرم آور است. در شهرها و روستاها موجودیت آنت فضلات حیوانی و انسانی مگس و دیگر حشرات، عدم موجودیت آب آشامیدنی صحی، نبودن سیستم صحی برای جابجا کردن کثافات و فضلات، وجود بیت الخلاء های بدوی، گند و تعفن بزرگترین پرابلم های صحی کشور را تشکیل می‌دهد.

امراض ساری و اپیدمیک زندهگی مردم کشور را تباه مینماید. مرض سل بزرگترین آفت فقر و بی‌معرفتی،

تجاوز امریکا در ویتنام قطع گردد که در بین آن‌ها نمایندگان محصلان امریکایی در فرانسه نیز شامل بودند. اتحادیه ملی محصلان فرانسه در یکی از عمارات پوهنتون اجتماع کردند و همبستگی خود را با تمام نیروهای صلح که در ایالات متحده و دیگر کشورها در راه خاتمه دادن به تجاوز امریکا در ویتنام مبارزه می‌نمایند اعلان نمودند.

مطبوعات بورژوایی انگلستان نیز نتوانست از وسعت و عظمت تظاهرات اعتراضی علیه جنگ ویتنام در ایالات متحده امریکا چشم ببوشد. لندن تایلز راجع به تظاهرات شجیعانه مردم امریکا می‌نویسد: میلیون‌ها امریکایی در صدها شهر در سراسر امریکا جمع شدند و مخالفت خودرا بر ضد جنگ ویتنام ابراز داشتند. در تاریخ امریکا این بزرگترین مظاهره بود که به خاطر صلح صورت گرفت. روز نامه دیگر به نام **فایننشل تایمز** در این باره می‌نویسد: هیچ چیز بهتر از این نمی‌توانست مخالفت بین حکومت نکسن و میلیون‌ها امریکایی را برملا سازد. درین تظاهرات و اجتماعات بیشتر از آنچه توقع می‌رفت مردم اشتراک کردند. همچنان روزنامه دیگری به نام دیلی تلگراف در باره این تظاهرات چنین اظهار نظر می‌کند: بدون شک این

خارج امریکا وارد نمود. گرچه ریچارد نکسن، قبل از شروع تظاهرات اظهار داشته بود که تظاهرات موعود بر سیاست وی تأثیری وارد نخواهد کرد. ولی بی‌نیاز از تذکر است که اگر حکومت ریچارد نکسن این عکس‌العمل بزرگ مردم امریکا را بر ضد جنگ ویتنام و سیاست نظامی امریکا در نظر نگیرد و بر ضد میل و اراده اکثریت عظیم خلق امریکا محض به خاطر پیشبرد منافع مثنی از امپریالیست‌های انحصارگر به آن ادامه دهد از یکطرف ماهیت ضد دموکراتیک آن را برملا خواهد ساخت و از جانب دیگر امریکا را هر چه بیشتر از نظر سیاسی و اخلاقی تجرید خواهد نمود. تحت تأثیر تظاهرات بی‌سابقه ۱۵ کانگرس امریکا سناتور بل و سناتور جویبت مسوده فیصله نامهٔ را به کانگرس پیش کردند و در آن تقاضا نمودند که باید تمام عساکر تا اخیر سال ۱۹۷۰ از ویتنام خارج گردد. قهرمانان صلح فرانسه نمایشاتی به‌عنوان همبستگی با مطالبات اشتراک کنندگان روز ملی اعتراض علیه جنگ ویتنام در ایالات متحده امریکا، برپا کردند. بسیاری از هیأت های نمایندگان به سفارت امریکا در پاریس رفتند و تقاضا نمودند که باید

کودکان و کلان سالان در فامیل‌های ثروتمند خیلی کم است، درحالی‌که در خانواده‌های زحمتکش و محروم از فقر و محرومیت‌های مادی و فرهنگی میزان وفیات کودکان بیشتر از ۲۵ فیصد می‌باشد. علاوه بر آنکه سرویس‌های صحی برای سرتاسر افغانستان خیلی محدود است، ازین هم بیش از ۸۳ فیصد خدمات طب به شمول شفاخانه‌ها، پولی کلینیک‌ها، دوکتور، نرس و سائر پرسونل صحی در کابل متمرکز است و بازم در خدمت همان صاحبان زر و زور.

شرایط حیات مادی و معنوی توده‌های وسیع مردم افغانستان آفت زا و مرگبار است. خلق رنج‌دیده کشور به فقر و محرومیت‌های مادی و فرهنگی شدت معروض می‌باشند.

شرایط فوق‌العاده نامساعد حیات در کشور ما بر سلامت و تندرستی مردم شدیداً لطمه وارد مینماید و یازده کار آن‌ها را به میزان زیادی تقلیل می‌دهد که این امر تأثیر سوء بر رشد تولید ملی وارد می‌کند.

بنابر همین شرایط ناگوار زندگی و عدم مراقبت صحی است که در افغانستان میزان وفیات نوزادان و کودکان و مادران، بسیار بلند است.

علت این میزان بلند وفیات کودکان و مادران علاوه بر فاکتورهای فقر غذایی و سوء تغذی، فقدان زایشگاه‌ها، شیرخوارگاه‌ها، مراکز حمایه مادر و طفل و متخصصین فن است.

چند مرکز ناقص حمایه مادر و طفل، چند تن متخصصین فن و زایشگاه‌های که وجود دارد بیشتر مورد‌استفاده مشت قلیلی از خانواده‌های مرفه و صاحبان قدرت قرار می‌گیرد؛ زیرا این‌ها قدرت استفاده از سرویس‌های صحی را دارند و متخصصین فن هم در خدمت ایشان می‌باشند. بنابر شرایط مساعد زندگی و مراقبت دقیق و مداوم صحی است که میزان وفیات

### رسوایی و افتضاح موجودیت اتباع امریکایی در قوهٔ نظامی اسرائیل دامنه وسیع‌تری پیدا کرد

ریاض وزیر خارجه جمهوریت متحد عرب طی ملاقات با سفرای شوروی و فرانسه اظهار داشت: اجازه دادن به اتباع امریکایی که در اردوی اسرائیل شامل خدمت گردند اوضاع شرق میانه را باریکتر میسازد. وی گفت که امریکا اجازه می‌دهد اتباع آن در قوهٔ نظامی کشوری داخل شود که کشورهای عربی با ایشان داخل جنگ هستند. این موضع‌گیری امریکا فقط آتش جنگ را دامن می‌زند و به مرحلهٔ شدیدتری گسترش می‌دهد. موجودیت اتباع امریکا در اردوی اسرائیل نه تنها اسرائیل را در سیاست

مبارزه عمومی ضد سیاست و نیروهای استبدادی و در راه تکامل نهضت به خاطر تأمین و دفاع آزادی‌های وسیع دموکراتیک مردم استفاده گردد، تلاش صورت می‌گیرد تا از آن برای رکلام کردن سازمان‌های سیاسی و ایدئولوژی خود بهره‌برداری کنند. در تحلیل این روز امسال متأسفانه بیشتر از سال‌های قبل توسط عدهٔ از فتنه‌گران و اخلاک‌گران تفتین صورت گرفت. اتحاد میان تمام نیروهای دمکراتیک و ملی بر این عمل مشترک ضد استبداد و ضد ارتجاع که بیش از هر وقت دیگر و به مناسبت هر حادثه دیگر، درین روز (۳ عقرب) ممکن و میسر می‌باشد، عمداً توسط خرابکاران و نفاق افکنان برهم خورد.

از آنجائی که نهضت ۳ عقرب یک نهضت عمومی متعلق بمردم و مظهر روشن مقاومت ایشان ضد نیروی‌های وحشی استبدادی و ارتجاعی کشور می‌باشد؛ بنا بران نمی‌تواند محافل و گروه‌های سیاسی آن را برای منافع گروپی و محفلی خود مورد استعمال قرار دهند و نهضت را قربان رکلام کردن خود و گروپ‌های خود سازند.

درحالی‌که ما تأسف عمیق خود را نسبت به چنین اعمال ناشیانه و کودکانه برخی از گروه‌ها و محافل سیاسی درین زمینه ابراز می‌داریم و اعمال فتنه‌انگیزانه اخلاک‌گران را که هدف شان بدنام کردن نهضت عمومی کشور و من‌جمله نهضت ۳ عقرب می‌باشد جداً تقبیح می‌نماییم، به مناسبت یادبود از شهیدان ۳ عقرب، به خاطرهٔ تابناک مبارزان وطن که جان‌های عزیز ایشان در راه آزادی و طرد استبداد قربان گردیده است به روان همه شهیدان وطن که الهام‌بخش مبارزان راه آزادی، دموکراسی و استقلال کشور ما می‌باشند، درود پرشور می‌فرستیم!

## تظاهرات عظیم مردم امریکا بی‌تأثیر

### بوده نمی‌تواند

بزرگترین و جامع‌ترین مظاهره ضد جنگ بود که در ایالات متحد امریکا صورت گرفت. روز نامه ستاره **صبح** مربوط حزب کمونیت انگلستان پیشنهاد مینماید که باید تظاهرات همبستگی با مبارزه قهرمانان صلح امریکا علیه تجاوز ایالات متحده در ویتنام در برتانیه شدید گردد.

در پایتخت سویدن (استکهلم) هزاران نفر ضمن تظاهرات بزرگی به‌عنوان همبستگی با خلق قهرمان ویتنام دست به مظاهره زدند. تظاهر کننده گان در مقابل سفارت امریکا بیرق امریکا و عکس بهای نکسن را آتش زدند و شعار می‌دادند که امریکایی‌ها از ویتنام خار شوید! جنگی و آدم کشی بس است! جنگ پلید ویتنام را ختم کنید!

جنرال وستمورلند سابق قوماندان قوای امریکا در ویتنام جنوبی گفت تظاهرات روز ملی اعتراض علیه جنگ ویتنام در امریکا معنویات ضد جنگ ویتنام که تبلیغات عساکر امریکایی را در ویتنام خراب ساخت و آن‌ها را مأیوس نموده است. این بود مختصری از تأثیرات عمده تظاهرات میلیون‌ها نفر امریکایی بر ضد جنگ ویتنام که تبلیغات امپریالیست‌ها تلاش دارد از اهمیت و تأثیر آن بکاهد و آن را ناچیز وانمود سازد.



ټولنه د خپلو قوانینو په اساس د تاریخی ضرورت په اساسی تکامل کوي. خو اجتماعی قوانین تل د انسانانو د رفتار او اعمالو زیځنده دی، هغه انسانان چه د تاریخ جوړونکی دی.

په تاریخی جریان کښي انسانان څه اهمیت لری، په تاریخ کښي د خلکو د پرگنو نقش او همدا شان په تاریخ کښی د شخصیت نقش څه اهمیت لری؟ تاریخی مادیت په دی عقیده دی چه خلگ د تاریخی جریان واقعی جوړونکی دی.

### خلگ د تاریخ د جریان واقعی جوړونکی او د ټولنی د تکامل تعینونکی قوه دی

د دی دپاره چه د تاریخ د جوړونکی په حیث د خلکو نقش درک کړو تر هرڅه لومړی دا لازمه ده چه په دی پوه شو چه خلگ څه ته واني او د خلکو پر گنی کومی دی.

خلگ کوم نه تغییریدونکی ثابت او د تل د پاره شی نه دی. خلگ په لومړی درجه کښی له زیارکښو څخه عبارت دی او په هغی ټولنه کښی چه په متخصصو طبقاتو ویشل شوی وی استثماریدونکو پرگنو ته خلگ ویل کیږی. د غلامی په ټولنه کی خلگ له غلامانو څخه عبارت وو. په فیودالی ټولنه کښي خلگ له رعایاو او پیشهمورانو څخه عبارت دی، په سرمایه داری ټولنه کښی د کارگرو طبقه، دهقانان، زیارایستونکی روشنفکران او نور هغه فشرونه چه د ټولنی په پرمخ تگ کښی مرسته کوی په خلکو کی شامل دی.

په هغی ټولنی کښی چه په متخصصو طبقاتو ویشل شوی وي د ټولنی د ټولو وگړو ستر اکثریت ته خلگ ویل کیږی، خو ټولو ته خلگ نه ویل کیږی، په معاصری سرمایه داری ټولنی کښی یواځی یو ارتجاعی امپریالیستی فشر د خلکو په مقابل کښی دی.

په سوسیالیستی ټولنه کښی د هیواد ټولو وگړو یعنی کارگرو، دهقانانو او روشنفکرانو ته خلک ویل کیږی.

### خلگ د تاریخ جوړونکی دی

د تاریخ په جریان کښی دخلکو د پرگنو قاطع اهمیت د مادی نعماتو د تولید د شیوی له تعینوونکی نقش څخه ناشی کیږی. لکه چه ویل شوی دی مادی تولید د اجتماعی ژوند بنسټ دی، زیارایستونکی او د خلکو پرگنی د تولید غوره قوه دی. نو بنا په دی زیارایستونکی د اجتماعی تکامل تعییوونکی قوه او د تاریخ واقعی جوړونکی دی.

اوس وگورو چه په مشخص ډول د تاریخ د جوړونکی په حیث د خلکو نقش په څه کښی دی.

د زیارکښو پرگنی په لومړی درجه کښي د خپل تولیدی کار په واسطی تاریخ جوړوی. ټول مادی ارزښتونه لکه بناړ، کلی، کارخانه، لار، پول، ماشین، جامی، کوښی، خوراکی شیان، د کور لوازم او نور د دوی په لاس جوړیږی.

یا په بل عبارت ټول هغه شیان تولیدوی چه پرته هغو څخه د انسان موجودیت ممکن نه دی.

د خلکو پرگنی د تخنیک د ترقی اساسی محرکه قوه ده. پرته له دی چه په غالب ډول په خپله به وپوهیږی هغوی ورځ په ورځ، کال په کال، پیږی په پیږی په خپل لاس سره د خپل مهارت او خپل مداومت په واسطی د کار اوزار تکمیل کړی دی. همدغه کار دی چه په پای کښی د ژورو تکنیکی تحولاتو او د تولیدی

له مترقی آثار و نه

# په تاریخ کی د شخصیت نقش

په غلامی او فیودالی ټولنو کښی زیارایستونکی حتی له لومړنیو انسانی حقوقو څخه بی برخی وو او د هغو خلاقه قوت به په بی رحمی سره خپل کیده.

بادارانو او فیودالانو چه د حکومت، کار او سیاست، علم او هنر واگی بی په خپل لاس کښی نیولی وی خلگ په ناپوهی او تیاره کښی ساتل.

اجباری او مشکل کار د خلکو یواځنی برخه وه. په هغه وخت کښی د خلکو فعالیت نسبتاً زیات نه وو. د استثمارگرو په ضد د هغو جگړه بریالی کیدای نشوای. په هغو وختو کښی د... په قول - تاریخ په وحشتناکی سستی سره مخ په وړاندي خوځیده. د سرمایه داری په شرایطو کښی له استثمار څخه د زیارکښو د نجات مادي مقدمات برابرېږی. لوی ماشینی تولید او له هغه سره یو ځای د پرولتاریا طبقه چه کولای شی خلگ د سرمایه داری په ضد مبارزی ته را وکاری او د سوسیالیستی نظام د بریالیتوب په لار کښی هڅه وکړی منځ ته راځي. د پرولتاریا طبقه د کارگرو د طبقی پیش آهنگ گوند ایجادوی چه د علمی جهان بڼی په لارښوونه د زیارکښو د انقلابی مبارزی په سر کښی ځای نیسی. د پورتنیو دلایلو په اساس په سرمایه داری نظام کښی دخلکو د پرگنو نقش د زیاتیږی او د تاریخ جریان تر زیاتی اندازی گرندی کیږی.

خلگ او د زیارکښو پرگنی د سوسیالیستی انقلاب غوره محرکه قوه ده، په خلاف د پخوانیو انقلابونو چه خلکو به یوازی د زاره اجتماعی نظام د وړانوونکی نقش لوباوه په سوسیالیستی انقلاب کښی نه یوازی زړه سرمایه داری ټولنه نړوی بلکه نوی سوسیالیستی ټولنه ایجادوی.

په سوسیالستی ټولنه کښی د خلکو د پرگنو فعالیت او په اجتماعی ژوند کښی د هغو نقش په خاص ډول زیات دی. سوسیالیزم د زیارایستونکو خلکو له گټو سره سم دی له همدی جهته ده چه زیارکښ د سوسیالیزم په ایجاد کښی ژوره علاقه لری. **د نوی ژوند په جوړولو کښی د خلکو د پرگنو د فعالیت زیاتوالی د سوسیالیزم تکا مل قاتون دی.**

د سوسیالیزم په شرایطو کښی د خلکو د پرگنو د نقش فوق العاده زیاتوالی تر هر څه لومړی د سوسیالیستی نظام په ماهیت، د سوسیالیستی تولیدی مناسباتو په برقراری او سلطی پوری اړه لری. د سوسیالیزم په شرایطو کښی د خلکو د پرگنو د نقش

(از ص اول)

## نگاهی بر محیط غیر صحنی ...

چپک بلای اجتماعی و کولرا تحفه سهل انگاری مسؤولین طب وقایوی و مقامات صحنی کشور است. کولرا برای آن تحفه سهل انگاری مسؤولین طب وقایوی است که اصلاً این مرض یک مرض اپدیمیک و بومی افغانستان نمی‌باشد؛ اما همین امسال مانند سال‌های پار، در اثر بیچارگی‌های علمی و عدم اتخاذ تدابیر لازم، کولرا از سرحدات غربی وارد شد و در ولایات مختلف کشور مخصوصاً هرات، کندهار و کابل انتشار نموده تعدادی از خواهران و برادران ما را به‌طرف هلاکت و نیستی کشاند.
امراض ساری دیگر چون محرقه، پیچش‌ها، دیفتری، پارازیت‌های امعانی، انتانات چشم، امراض مقاربتی و غیره هر یک ب‌غوبه خود، بهترین واحدهای انسانی این جامعه را که ثروت واقعی خلق است به ناتوانی،

پرچم

یو علمی بحث

# په تاریخ کی د شخصیت نقش

فوق‌العاده زیاتوالی په عین حال کی په هغو خطرناکو وظایفو پوری اړه لری چه د خلکو په مقابل کښی پرتی دی. د... بری د ټولنی په تکا مل کښی دیو ستر جهش او ټوپ معنی لری. د... بری د اجتماعی ژوند په ټولو برخو کښی د سترو او بی ساری تحولاتو نتیجه ده. په کامل ډول د درک وړ ده چه د داسی وظیفو اجرا کولو او د داسی تحولاتو منځ ته اورل د خلکو د پرگنو له گډون نه پرته امکان نلری.

### په تاریخ کی د شخصیت نقش

بورژوائی ایډیولوگان مترقی عناصر په دی ټومتی کوی چه په تاریخی ضرورت باندی اعتقاد لری او بنا په دی په تاریخ کښی د شخصیتونو او سترو کسانو او لارښوونکو د نقش له اهمیت نه انکار کوی. دا صحیح نه ده. مترقی جهان بڼی هیڅکله د شخصیت نقش ته لږ ارزښت نه ورکوی. مترقی عناصر په دی عقیده لری چه د تاریخ عینی جریان ته له خپلی خوښی سره سم د خپلو نظریاتو په بنا تغییر ورکړي. خو په عین حال کښی په دی هم عقیده لری چه شخصیتونه دتاریخ په تکامل کښی ستر رول لری.

علمی جهان بڼی یوازی دا کارو کړ چه په اجتماعی تکامل کښی بی د شخصیت واقعی اهمیت وښود او روښانه ئي کره چه شخصیت په کومو شرایطو کښي کولای شی په تاریخ کښی جدی رول ولوبوي.

### په تاریخ کی دلار ښوونکو رول

دا څرگنده شوه چه د خلکو پرگنی تاریخ جوړوی. پرگنی په طبقاتو ویشل کیږی چه د طبقاتی مبارزی په جریان کښي خپل سیاسی گوندونه منځ ته راولي او تشکیلوی بی. گوندونه خپل لیډران چه ښه مجرب، ښه پوه اوه او ښه فعال دی را وباسی. په تاریخ کښی د دی لیډرانو نقش دادی چه پر گنی متنشکلوی. د هغوی د فعالیت درجه زیاتوی دهغوی په مقابل کښی مشخصی وظیفی ږدی او د دی وظیفی د اجرا د پاره هغه مجهز کوی.

په هری اندازی چه پرگنی زیات فعالیت وښیی او په هری اندازی چه د خپلکړه قریحه څرگندوی. دا باید په نظر کی ولرو چه دغه یا هغه قریحه یوازی په هغو حالت کی ځان ښني او په تاریخ کی ثبتیږی چه تاریخ ورته اړوی.

کله چه برجسته شخصیتونو ته ضرورت پیدا شی د هغو ظهور یو ضروری کار دی. خو دا چه په خاص او معینو شرایطو کی دغه شخصیت ظاهریږی یو تصادفی شی دی. «دا موضوع چه په خاص ډول دغه شخصیت په معین هیواد کی په معین وخت کی را پیدا کیږی کاملاً تصادفی ده. خو که دا شخص یوی خواته کړو د هغه د جانشین مطالبه محسوسیږی او دغه جانشین را پیدا کیږی» دغه دهغه د لازم اقتصادی او سیاسی شرایطو برابر شوی وی.

د تاریخ په پانو کی زیاتو شخصیتونو نمونه لیکل شوی دی. خو په واقعیت کی ټول لوی نه دی. تاریخ داسی کسان پیړنی چه د تاریخ د غوښتنو په مخالف لوري کی بی گام ایښی دی او هڅه بی کړی ده چه د تاریخ څرخونه بیرته شاته وگرځوی. دغه شخصیتونه

چه د ارتجاعی طبقاتو د گټو بدون مبارزه طولانی، سرسخت و پیگیر نمی‌تواند برآورده گردد.

(ر. ب)

شماره (۲۹ سال ۲)

پرمختگ د پاره وقف کړی دی، واقعی ستر انسان هغه دی چه د هر نوی او مترقی شي دپاره په مبارزه کی خپل ټول توان په کار اچوی، واقعی ستر انسان هغه دی چه په نه ستومایډونکی ډول د ټولنی د مترقی طبقاتو په استقرار او دمترقی اجتماعی نظام په ټینگولو کی مرسته کوی.

ولی یو برجسته شخصیت کولای شی داسی ستری او سختی وظیفی سرته ورسوي؟ دهغه قوت په کوم شی کی دی؟

د برجسته شخصیت قوت په لومړی درجه کی د هغه مترقی اجتماعی نهضت قوت دی چه دی د هغه ښکارندوی او لارښوونکی دی. برجسته شخصیت لدی جهته ستردی چه د تاریخ عینی جریان درک کوی، د ټولنی د ودی او تکا مل غوښتنی وینی او په دی پوهیږی چه دغه غوښتنی څنگه ترسره کړی، څنگه خپله ټولنه د ښه ژوند په لوری مخ په وړاندي بوزی. د هغه قوت په دی کی دی چه د مترقی طبقاتو په خدمت کی او د خلکو د پرگنو خدمت کوی او له همدی کبله د هغو نه بی انتها اعتماد او ملاتړ څخه برخوردار دی.

باید په نظر کی ولرو چه د ستر انسان شخصی خصوصیات هم ډیر مهم دی. یوازی هغه انسان کولای شی چه خپلی تاریخی وظیفی پای ته ورسوی چه زیات استعداد او لیاقت، پوهه او نبوغ، نه تمامیدونکی انرژى او ابتکار، قاطعیت او شجاعت ولري. په هری اندازی چه د ستر انسان شخصی صفات په کامل ډول له اجتماعی غوښتنو سره متناسب وي په هغی اندازی به بی تاریخ کی رول څرگند او مهم وی.

### علمی جهان بڼی د شخصیت له پرستش سره جوړه نه ده

سره له دی چه علمی جهان بڼی په تاریخ کی د شخصیت نقش منی، خو د هغه فعالیت د خلکو د پرگنو له فعالیت سره په ارتباط کی، له مترقی طبقاتو او سیاسي گوندونو سره په ارتباط کی په نظر کی نیسی. مترقی جهان بڼی د شخصیت له تقدیس سره جوړښت نه لری. د شخصیت پرستش یعنی د سترشخصیت په رندو سترگو تبعیت کول، په دی باور لرل چه ستر شخصیت خارق العاده قدرت لری او کولای شی چه په خپله خوښه او له خپل میل سره سم تاریخ جوړ کړی. د شخصیت پرستش مترقی نهضت ته جدي زیان رسوی. د مترقی جهان بڼی موسسینو دا عقیده وه چه یوازي ډله ایزه لارښوونه د انقلابی نهضت بریالیتوب تامینولای شی.

د شخصیت د پرستش زیان دادی چه د تاریخ د جوړونکی په حیث د خلکو رول، د گوند او دهغه د مرکزی ارگانونو نقش کموی، د گوند فکری تکامل او د خلکو خلاقه انرژى له رکود سره مخامخ کوي. په زیارکښو کی دا فکر مینځ ته راولی چه په غیرفعال ډول د پورته خوا دستورونو ته سترگی په لاری وی د شخصیت پرستش ډله ایز لارښوونه، گوندی دموکراسی، سوسیالیستی قانونیت نقض کوی او د سوسیالیزم له دموکراتیک ماهیت څخه لری ده. د سوسیالیزم خصلت د خلکو په کامل خلاقه قدرت کی ده نه د یوه شخص په بی حده قدرت کی...

په دی توگه د تاریخ د تکامل ټول جریان دا ښني چه هر شخصیت که څه هم ډیر ستر وی نشی کولای چه د تاریخ جریان تعیین کړی. خلگ او دخلکو پرگنی د تاریخ واقعی جوړونکی او د ټولو مادي او معنوی ارزښتونو ایجادونکی دی.



## نمی‌خواهیم با صحت و سلامت ما تجارت کنند!

شرایط ناگوار کار و زندگی، فقدان منازل صحتی و غذای ناکافی در پهلوئی زندگی‌های پر زرق و برق مشقت محدودی از استثمارگران و سودپرستان بیرحم؛ حیات اکثریت عظیم دهقانان و پیشه‌وران ولسوالی خلم ولایت سمنگان را نابودی تهدید می‌کند. شیوع امراض گوناگون در خانواده‌های خلق زحمتکش از یکطرف و بی‌دردی و بی‌رحمی داکتر و سودجویی و

مفعت پرستی مالک یگانه درملتون این ولسوالی از جانب دیگر، هرآن سایه مرگ و تباهی را بر مردم بی‌دفاع گسترده‌تر میسازد.

وقتی مریض و یا مریضدار بی‌نوایی به داکتر مراجعه کند؛ در قدم اول باید یکصد افغانی فیس او را با کرایه گادی در اختیار او بگذارد، وقتی این کار انجام شد جناب داکتر با هزاران کراهیت و منت گذاری بر بستر بیمار حضور بهم می‌رساند و بدون کوچکترین توجهی بوضع مریض، به اساس قرارداد قبلی با مالک درملتون نسخی از دواهای کهنه‌یی پر می‌شود که باید بحساب صاحب درملتون آب شود، چه فرق می‌کند اگر حال مریض را بدتر سازد و یا او را به‌مجرد استعمال رهسپار دیار عدم نماید!

وقتی با این نسخه مرگ؛ مریضدار بیچاره به درملتون می‌شتابد قیمت هر قلم از ادویه کهنه داخل نسخه گران‌تر از آب حیات است و او مجبوراً بامید خیره‌بهبود مریض خویش به قیمت قرض و آبروریزی خود این داروی مرگ را می‌ستاند و نتیجه همان میشود که همه می‌دانند!...

بنابر آن اگر مقامات مسوول نخواهند

دست این بلای مرگ‌زا را از گریبان خلق کوتاه سازند، ما هم می‌خواهیم

بیش ازین با صحت و سلامت ما تجارت کنند!

(محل امضای یک عده از اهالی خلم)

(از ص اول)



## اهالی ولسوالی خوست و فرنگ

در شرایط ناگوار بسان قرون عتیقه زندگی می‌کنند

برایشان تحمیل کرده است.

اهالی قریه‌های دوردست خوست و فرنگ مجبور اند که برای پرداخت مالیه و مراجعه به مرکز ولسوالی دو یا سه روز را ببیمایند و کو تل‌ها را پشت سر بگذارند، زیرا نه سرکی وجود دارد و نه کدام وسیله نقلیه. همچنین غالباً مردم مجبور می‌شوند که برای بدست آوردن مایحتاج اولیه زندگی از قبیل نمک، چای، تیل خاک و غیره به مراکز ولسوالی‌های مجاور مشکلات زیاد مسافت را بر خود هموار نمایند. خوانین، سودخوران و جلابان محل از این مشکل مردم بی‌سود خود اکثر استفاده سوء را به عمل می‌آورند، مواد اولیه ضرورت مردم را به قیمت‌های گران می‌فروشدند و در

برابر، محصول کار توان‌فرسا و عرق ریزی مردم را به قیمت‌های خیلی نازل بدست می‌آورند. ارباب نفوذ محلی و سودخوران آزمند قبل از رسیدن فصل برداشت حاصلات زراعتی محصول دهقانان محتاج و تهیدست را خریداری (!) می‌نمایند.

فرزندان اکثریت زحمتکشان منطقه از نعمت سواد و معارف محرومند. یکی دو مکتبی که وجود دارد علاوه بر مشکلات دیگر نسبت بعد مسافه در دسترس اطفال بخصوص در قریه‌های دور دست نمی‌باشد. برای تعمیر مکتب متوسطه دو سال قبل یک مقدار کافی پول از اهالی فقیر ولسوالی جمع آوری گردید که قسمتی از آن به مصرف تعمیر رسید و قسمت دیگر

به جیب قریه داران و منتفدین افتید و اکنون تعمیر مکتب به‌صورت نیم‌کاره باقیمانده، نه در دارد و نه کلکین. شاگردان بر روی زمین نمناک می‌نشینند و درس می‌خوانند.

در مورد مشکلات اهالی خوست و فرنگ و اینکه ایشان مثل دیگر مردم کشور به چه شیوه‌های مختلف غیرانسانی مورد استثمار و ستم واقع می‌گردند، باید زیاد سخن گفت! ولی از آنجائی که این موضوع بطور عام در سرتاسر افغانستان وجود دارد، بنابر آن دردهای مردم مناطق دیگر کشور که در صفحات پرچم خلق انعکاس می‌یابد، درد مشترک اهالی این ولسوالی نیز شمرده میشود.

(فاضل یار از خوست و فرنگ)

(از ص اول)

## در راه وضع قوانین دموکراتیک به‌مثابه شعار

### روز باید مبارزه کرد!

مورد حقوق اجتماعی و آزادی‌های مردم، وجود دارد.

حین وضع قوانین طرح کنندگان پروژه‌های قانونی و مقامات قانون‌گذاری به نمایندگی از طبقات حاکمه در کشور سعی می‌نمایند که هر چه بیشتر با توجه و تعبیر نادرست قانون اساسی به قوانین موضوعه ماهیت ارتجاعی بدهند. مثال مشخص برین امر قانون احزاب، قانون انتخابات، قانون ازدواج، قانون سروی اراضی و غیره است که محدودیت‌های بی‌لرزم و دور از واقع وضع شده است.

باجوداینکه قانون‌گذار تا حدود زیادی نمایندگی از طبقات مسلط ارتجاعی در جامعه مینماید و منافع این طبقات را در قوانین انعکاس می‌دهد. ولی خواست‌ها، مبارزات و مقاومت‌های مردم خود عامل نیرومندی است که خواهی‌نخواهی باید در نظر گرفته شود و منافع مردم تا حدودی در قوانین انعکاس بیابد.

مؤسسات قانون‌گذاری در افغانستان تلاش می‌ورزند که این عامل را قطعاً در نظر نگیرند و همچنین را به نفع

- در يك كلمه بسود طبقات و محافل حاکمه ارتجاعی کشور از قانون اساسی تفسیر و توجیه نادرست نمایند. بر اساس همین مشی جاری و صور مبارزات دمکراتیک و ملی است که چه در درون پارلمان و چه در خارج از آن مشخص می‌گردد کدام عناصر و نیروهای سیاسی و اجتماعی در کدام صف قرار می‌گیرند.

نکته دیگر قابل اهمیت درین زمینه همانا صورت استفاده از خالیگاه‌های است که در قانون اساسی باقی‌مانده و یا صورت پر کردن آن‌هاست. از جمله یکصد و بیست و هشت ماده قانون اساسی در حدود نود ماده آن به قوانین فرعی معوق گردیده است. غالب قوانین فرعی از جمله آن عده قوانینی که پس از انفاذ قانون اساسی وضع شده‌اند در بسی موارد با ارزش‌های دموکراتیک مندرج در قانون اساسی و بخصوص مقدمه قانون اساسی تناقض دارند. تا جایی که معلوم است در قوانین فرعی دیگری که در آینده وضع می‌گردند تمایلات بجهت ایجاد محدودیت‌های بی‌مورد و تصرفات بخصوص در

## ضرورت تشکیل یک صف متحد ملی ...

آزادی‌های مصرح در قانون اساسی. مبارزه برای وضع قوانین دموکراتیک بجهت مقدمه قانون اساسی و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی.

۴- ارزیابی و کورتیک علمی بودجه، تکس‌ها و مالیات و پلان‌های اقتصادی و تطبیق صحیح آن‌ها به نفع مردم و بجهت رشد صنعت و زراعت در کشور.

۵- بررسی قراردادهای بین‌المللی بر اساس تعقیب سیاست مستقل ملی و منافع مردم و رشد اقتصاد و فرهنگ کشور...

۶- اشتراک در امر استیضاح و سؤال از حکومت به‌منظور جلوگیری از قانون شکنی‌ها و دفاع از حقوق اجتماعی و دموکراتیک مردم.

۷- مقاومت در برابر طبقات حاکم ارتجاعی و ستمگر و افشای ماهیت آن‌ها.

۸- افشای فساد دستگاه اداره دولت و ظلم و ستمگری آن‌ها.

۹- مبارزه علیه استبداد، ارتجاع و استثمار.

این‌ها نکات عمده طرح يك پلتفورم مشترک و یا مرام حداقل کار پارلمانی است در داخل صلاحیت‌های شوری بر اساس ارزش‌های قانون

کوچک سازمانی و سیاسی می‌باشد. ولی هرگاه عناصر دیگری در ولسی‌جرگه ظاهرآ به جامه ملی و مترقی بخواهد در برابر ایجاد چنین صفی که ضرورت آن مسلم است به هر بهانه که باشد تفتین، کارشکنی و نفاق افگی نمایند، بهتر است که چهره واقعی ایشان به حث اجنت پرووکاتور برملآ گردد.

برای اینکه چنین صف ملی در داخل ولسی‌جرگه به وجود آمده بتواند لازم است که يك پلتفرم مشترک برای انجام عمل مشترک طرح گردد و آن برای دو منظور:

اولاً وجوه مشترک نظرات و طرح‌های جداگانه از لحاظ منافع سازمانی مختلف (تا آنجائی که مساله در چوکات صلاحیت‌ها و حدود کار در ولسی‌جرگه طرح شده می‌تواند) دریافت و فورمولبندی گردد. ثانیاً با طرح حداقل پروگرام کار مشترک می‌توان روی تجربه دوره ۱۲

عناصری را که در وسط قرار دارند در صف ملی و مترقی داخل ولسی‌جرگه کشاند. روی این ملحوظ نکات عمده طرح حداقل يك پلتفرم مشترک برای عمل مشترک در ولسی‌جرگه به‌قرار ذیل می‌باشد:

۱- دفاع از ارزش‌های مصرح در قانون اساسی، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم اعم از آزادی بیان، مطبوعات، تشکیل احزاب، جمعیت‌ها

تظاهرات و اعتصابات و غیره. ۲- در وضع کنونی در مجلس مجاهده برای به وجود آمدن يك حکومت ملی، قانونی و صادق به

## مردم زحمتکش پنجشیر

### ستم می‌کشند

مردم زحمتکش ولسوالی پنجشیر بطور کلی در شرایط بسیار نامساعد و دشواری بسر می‌برند و اینست شمعی از وضع حیات و مشکلات مردم در حصه دوم این ولسوالی:

حصه دوم پنجشیر در میان سلسله کوه‌های سر به آسمان کشیده هندوکش واقع است که در حدود شانزده هزار مرد و زن درین منطقه زندگی می‌کنند. اکثریت باشندگان منطقه را که دهقانان تهیدست و زحمتکش تشکیل می‌دهد؛ مانند قسمت‌های

دیگر افغانستان علاوه بر آنکه در تحت پاشنه‌های ستمگران و اربابان پایمال هستند، زندگی ایشان قربان خشم دریای طغیانی نیز می‌گردد. هم‌ساله تعدادی از انسان‌های شریف و آرزومند دیار را که این‌طرف یا آن‌طرف رود مشغول کار و عرق ریزی می‌باشند و مجبورند از یکطرف به‌طرف دیگر آن بگذرند، آب‌های مست و خروشان در کام خود فرو می‌برد. هرگاه کوچک‌ترین توجهی از طرف مسؤلان (!) امور به عمل می‌آمد ازین ضایعات انسانی جلوگیری می‌شد و آن اعمار یکی دو پل بالای دریا و سرکی در کنار آن بود. گرچه چندین سال میگذرد ازین که در اثر تقاضاهای مکرر مردم، حکومت محلی وعده ساختمان دو پل را داده بود، ولی با این کار پرداخته نشده وقتی‌که از وکیل ولسوالی درین مورد سؤال می‌گردد به‌سادگی می‌گوید که: «بودجه حکومت بیچاره کم است!» از مکتب به مفهوم واقعی کلمه که ظاهرآ در ذهن يك ساختمان با سامان و وسایل مکمل درسی و غیره را مجسم میسازد، اصلاً خبری نیست. تعمیر مکتب نیم‌کاره باقی‌مانده است، زیرا پولی که غرض اعمار آن از مردم جمع آوری گردیده بود در قبض اشخاص ذی‌نفوذ درآمده است. در مکتب برای شاگردان نه تنها میز و چوکی بلکه حتی گلیمی هم وجود ندارد. شاگردان روی پارچه‌های سنگی نشست و درس می‌گیرند. درین منطقه بالنسبه پر نفوس که صدها انسان را هم‌ساله در بیماری‌های بسیار عادی از پای می‌آورد، از داکتر و دوا خبری نیست.

(ع.م.س از حصه دوم پنجشیر)

(ص ۴)

## اهالی ولسوالی نهر شاهی بلخ از مقامات معارف شکایت دارند

ولسوالی نهرشاهی ولایت بلخ یکی از نقاط پر نفوس این ولایت است؛ اما سال‌هاست فرزندان بااستعداد و آرزومند آن نسبت فقدان زمینه مساعد برای ادامه تحصیلات عالی‌تر در نیمه راه تحصیل به آوارگی و بی‌سروش‌تی بسر می‌برند؛ زیرا از عمر یگانه بنوخی ابتدائی (ابولطیع بلخی) بیشتر از سال‌های حیات پیرمردان این دیار میگذرد، مگر مقامات مربوط معارف علیرغم تقاضاها و عرایض اهالی حاضر نمی‌شوند لاقلاً این بنوخی ابتدائی را به متوسطه ارتقا دهند. مردم شدیداً انتظار دارند که مدعیان انکشاف معارف متوازن هر چه زودتر به این امر حیاتی‌شان جدا توجه کنند.



# رحم

د افغانستان د **تنگ دموکراتیک افکارو خپروونکی**

۵ عقرب ۱۳۴۸

## اعلامیه مشترک شوروی و ویتنام

در ختم مسافرت هیأت حکومتی جمهوریت دموکراتیک ویتنام به اتحاد شوروی اعلامیه مشترکی نشر و در آن گفته می‌شود که اتحاد شوروی به‌ضرورت خاتمه دادن به تجاوز و اخراج کامل و بدون قید و شرط عساکر امریکایی و متحدین آن از ویتنام قویاً اصرار می‌ورزد.

«اتحاد شوروی از پروگرام ده فقره‌ای جبهه آزادی‌بخش ملی و ویتنام جنوبی و حکومت موقت انقلابی جمهوریت ویتنام جنوبی، به‌مثابه اساس صحیح برای حل سیاسی پرابلم ویتنام کاملاً پشتیبانی می‌نماید.»

اتحاد شوروی مداخله مسلحانه امپریالیزم امریکا را در امور ویتنام جنوبی بار دیگر شدیداً محکوم کرد و آسنادگی خود را برای ادامه کمک ضروری به خلق ویتننام در مبارزشان به خاطر آزادی ویتنام جنوبی، دفاع از ویتنام شمالی و به خاطر وحدت صلح‌جویانه وطن شان ابراز داشت.

در اعلامیه گفته می‌شود طی موافقت نامه‌های که به امضاء رسید اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۰ خوراکه

## چکسلواکیا تنها در پهلوی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی می‌تواند مسئولیت‌های بین‌المللی خود را ایفا کند

یک هیأت عالی رتبه جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا به رهبری گوستاو هوساک منشی اول حزب کمونیست، لودویک سوابودا رئیس جمهور و اولدریک چرنیک صدراعظم چکوسلواکیا به عرض یک بازدید دوستانه وارد ماسکو گردید. گفته میشود که این هیأت روی مسایل مربوط به تقویه مزید دوستی و همکاری همه جانبه بین اتحاد شوروی و چکسلواکیا و دیگر مسایل مورد علاقه بحث خواهند کرد. اولدریک چرنیک صدر اعظم چکسلواکیا در ضیافتی که از طرف گوستاو هوساک و سوابودا ترتیب شده بود طی بیانیهای در ماسکو اظهار داشت:

مذاکرات ماسکو به ما موقع می‌دهد که بار دیگر روش صمیمی خود را در برابر اتحاد شوروی، دو ستی عمیق خود را با مردم شوروی که در اثای جنگ دوم جهانی با خون مهر شده است، سپس گزارى خود را به اردوی قهرمان شوروی به خاطر آزاد کردن چک‌ها و سلواک‌ها عزم راستخ خود را در راه حفظ دوستی دائمی با ملل اتحاد شوروی و دوشادوش آن‌ها، ساختن مترقی‌ترین سیستم اجتماعی تکرار کنم. چرنیک گفت که بازدید هیأت چکوسلواکیا در زمانی از اتحاد شوروی صورت می‌گیرد که برای انکشاف ما اهمیت زیاد دارد.

## باید مجرمین کشتار وحشیانه دختران مایه افتخار خلق ویتنام شدیداً مجازات شوند

کمیته زنان شوروی اعتراض شدید خود را علیه شکنجه‌های وحشیانه و اهانت یکنیم هزار زنان ویتنام جنوبی در زندان تودوک ابراز داشت. در اعلامیهٔ کمیتهٔ زنان شوروی گفته میشود که مادران و اطفال قربانیان ترور خونین تجاوزکاران ایالات متحده امریکا و حکومت سیگونی می‌باشند. بسیاری از زنان کشته شده‌اند. زنانی که باقیمانده‌اند محکوم به مشقات تحمل ناپذیر، امراض کشنده و شکنجه‌های اخلاقی

**نیویارک:** رئیس سازمان محصلان امریکا طی میتنگی اظهار داشته است: ما خود را برای تظاهرات ۱۴ و ۱۵ نومبر آماده می‌کنیم. وی این اظهارات نکسن که گویا تظاهرات ۱۵ اکتوبر یک امر تصادفی بود رد کرده گفت: بین ما و دولت نکسن صلح برقرار نخواهد شد تا در ویتنام صلح به وجود نیاید. ما این نبرد را تا پیروزی کامل ادامه می‌دهیم.

یک سناتور امریکایی گفته است: افکار مردم جهان را باید نکسن به‌حساب بیاورد. مردم به هیجان آمده‌اند. مردم می‌خواهند امریکا مشی جدیدی اتخاذ نماید.

در تظاهرات عظیم روز ۱۵ اکتوبر گسهپال رهبر حزب کمونیست امریکا در نیویارک در ضمن یک میتنگ بزرگی اظهار داشت: این تظاهرات یکبار دیگر نشان داد، خلق امریکا تا چه اندازه با جنگ و آدم کشی مخالفند و این بزرگترین هیجانات سیاسی در سال‌های اخیر و مبارزه ملی و خلقی مردم امریکاست. خلق امریکا انزجار شدید خود را با جنگ و تبلیغات زهرآگین ابراز می‌کنند.

او گفت: این در حقیقت شورش واقعی خلق ماست. مردم ما با جنگ ویتنام مخالفند و باید تجاوز بر ویتنام از جانب امریکا خاتمه داده شود. **تل ابیب:** روزنامه داور چاپ تل ابیب می‌نویسد: کسانی که ده سال در اسرائیل سکونت کرده می‌توانند در اردوی اسرائیل داخل و خدمت کنند. بر اساس این نوشته بسیاری از ماجراجویان امریکایی می‌توانند با دستمزدهای کلان در اردوی اسرائیل خدمت کنند.

**تریپولی:** رئیس شورای انقلابی لیبیا اظهار داشت: در اردوی لیبیا یک سلسله اقدامات بمیان خواهد آمد تا اردو از وجود عناصر ناپاک، پاک گردد. او وجود قوماندانی مشترک را خواهان شد.

**هاوانا:** در یکی از شب‌های هفته گذشته ناگهان رادیو هاندوراس گفتاری را علیه نفوذ و تسلط سرمایه داران امریکایی در آن کشور انتشار داد. رادیو اعلان کرد: هم اکنون قسمت اعظم از صنایع و معادن هاندوراس در دست سرمایه داران امریکایی است. (۹۵) فیصد صنایع چوب کشور را امریکاییان در دست گرفته‌اند. بانک‌ها به اختیار بانکداران بزرگ امریکایی است و حاصل بهترین زمین‌های آن کشور را امریکایی‌ها غارت می‌کنند. نطق رادیو مردم را به مبارزه علیه نفوذ امپریالیزم امریکا در هاندوراس و مقاومت در مقابل غارتگران امریکایی دعوت کرد. ایستگاه رادیو هاندوراس بلا فاصله توسط قوای نظامی اشغال شد و پروگرام رادیو برای مدتی قطع گردید. **در بولیویا:** گروهی از افراد نظامی بولیویا تاسیسات شر کت نفتی بولیویا را اشغال کردند. این شرکت توسط حکومت بولیویا ملی اعلان شد. رئیس جمهور بولیویا اظهار داشت: دادن امتیاز نفت به امریکا مخالف به مصالح کشور بولیویا می‌باشد. ملی کردن صنایع نفت و

## هم اخبار هفته گذشته

شرکت‌های نفتی از جانب بولیویا به‌عنوان یک رویداد ملی و وطن‌پرستانه از جانب جراید کیوبا تلقی شده است.

همچنان حزب کمونیست ونزوئلا این اقدام بولیویا را یک عمل عمیقاً وطن‌پرستانه خوانده است.

**لیما:** برون کردن انحصارگران نفتی از کشورهای امریکای جنوبی یکی از مهم‌ترین اعمال این کشورهاست. این جملات در تظاهرات عظیمی بیان شد که به طرفداری از ملی کردن صنایع نفت در پیرو، در پایتخت آن کشور، شهر لیما سازمان داده شده

**پیکنگ:** طبق موافقهٔ قبلی مذاکرات بین معاونین وزارت خارجه چین و اتحاد شوروی در پیکنگ آغاز شده است. درین مذاکرات طرفین در اطراف موضوعات طرف علاقه باهم مذاکره خواهند کرد.

**نیویارک:** قوماندانی ایالات متحده امریکا ارقامی در باره خسارات وارده به قوای نظامی آن کشور انتشار داده است و اینکه ارقام موجود به حداقل تقلیل داده شده است، تردیدی نیست. ولی همین اعتراف نشان می‌دهد ضربات وطن‌پرستان ویتنامی به دستگاه امریکا تا چه اندازه خورد کننده است.

قوماندانی قوای امریکا در سایگون اعتراف می‌کند که وطن‌پرستان ویتنام جنوبی تا اکنون ۵۹۹۳ طیاره و هلیکوپتر را در زمین و هوا نابود کرده‌اند. ارزش این طیارات و هلیکوپترها بیش از ۱ میلیارد دالر برآورد شده است.

**خرطوم:** در سودان اعلام شده است که حکومت انقلابی سودان برای عادی کردن وضع از هیچ‌گونه تلاش فرو گذاشت نمی‌کند و شرایط مساعد را برای تأمین عدالت رویکار آورده است. پروگرام عملی مهم را که عبارت از شامل ساختن سران قبایل در کابینه می‌باشد، تنظیم کرده است. نطق حکومت سودان این شایعه را که فعالیت کمونیست‌ها در سودان محدود میشود رد کرده و گفت: کمونیست‌ها یکی از مهم‌ترین نیروی ترقی و پیشرفت‌اند و آن‌ها وطن‌پرستان حقیقی‌اند.

**روم:** در اعتصاب سرتاسری ایتالیا بیش از یک میلیون و پنجمد هزار نفر شرکت کرده است. کارگران ایتالیائی خواهان اضافه شدن دستمزد، تقلیل ساعات کار و بهبودی شرایط زندگی خود هستند. در تظاهراتی که روز گذشته در شهرهای جنوبی ایتالیا رخ داد چندین برخورد بین پولیس و

اژانس‌های خبرگزاری جهان اطلاع دادند که در سومالی کودتای نظامی صورت گرفته است. این کودتا پس از هفت روز از قتل رئیس جمهور آن کشور داکتر رشید علی شرماک انجام شد. رهبر کودتا اعلامیهٔ شورای

## پائیز

برای تو، درخشش آفتاب پریده رنگ پائیز با آن غروب دل انگیزش مستی شاعرانه‌ای دارد ولی برای من که نسج زندگی‌م را از تاروپود پائیزها و سردی‌ها و زمستان‌ها سرشته‌اند، جلوه «دل انگیز» پائیز جز تکرار یک مرگ دیگر نیست.

آری! آنچه مایه نشاط تست، مایهٔ مرگ منست.

روزه باد پائیزی برای تو زمزهٔ آهنگ شادی بخشی است، ولی برای من، این، پیشدار سپاه ستمگر زمستانیست که آیا اسمال کدامین کودکم را با دشنه سرما و گرسنگی و مرض سر خواهد برید.

پیچ و تاب دانه‌های برف در شبی زمستانی، منظره شاعرانه و قشنگیست برای تو، که در بستری گرم خزیده‌ای.

ولی چکنم؟ برای من که سقف لرزان کلبه گلنیم را تاب پایکوبی شب‌هایش نیست، برای من که لالائی هر شبه ام فریادهای درد آلود توان‌سوز کودک بیمار منست، نشاط انگیز نیست و نباید هم باشد زیرا:

آن چه مایه نشاط تست، مایه مرگ منست.

آری! همه‌چیز ما مانند زندگی ما باهم در تضاد است: پائیز تو، پائیز من نیست و بهاران تو بهاران من، آن چنان که نشاط تو نشاط من نیست. گفتم: «بهاران من»، آری بهاران من فرا رونیدنیست، هم چنان که بعد از هر پائیزی بهار فرا می‌روید.

ولی من در انتظار «رویش» بهاران خود نخواهم نشست بلکه بهاران خود را از بام خویش خواهم زدود.

لکه‌ی سپاه ابر را از چهره خورشید فروزان حقیقت خواهیم سترد ودر پرتو آن یخبندان ستم را به آب گوارای زندگی بخش میدل خواهیم نمود.

آری! آن جا دیگر بهاران دل انگیز ما، بهاران شادی بخش ما، بهاران زندگی ما - بهاران شادی آفرین سبز روینده ما خواهد بود.

آن جا دیگر بهاران تو نیست، پائیز سرد غم انگیز تست، زیرا بهاران خلق پائیز ستمگران است.

آن چنان که حالا: بهاران نشاط آفرین تو، پائیز شاعرانه و مستی بخش تو، هر دو شب تاریک زمستان غم انگیز منست.

د. کاویان

نظامی با امریکا و وجود پایگاه‌های آن کشور در جاپان هفتاد هزار پولیس آماده شده‌اند. میلیون‌ها نفر از مردم جاپان خواهان لغای قرار دادهای نظامی امریکا و جاپان می‌باشند. در زدوخوردی که اخیراً در جاپان بین پولیس و مظاهرمچیان رخ داد، دو صد نفر زخمی شدند.

**مسکو:** کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مناسبت جشن انقلاب اکتوبر شعارهایی را ترتیب داده است که در آن‌ها من‌جمله خلق قهرمان ویتنام ابراز می‌داریم! ما خواستار عملی شدن موافقت‌نامه‌های شورای امنیت اخراج قوای اسرائیل از

سرزمین‌های عربی می‌باشیم!» در شعارها از همه محافل دموکراتیک و صلح‌یوست دعوت میشود تا بجهت استقرار دموکراسی، صلح و سوسیالیزم در جهان مبارزه پیگیر نمایند. همچنان خلع سلاح عام و تام، عدم انتشار سلاح هستوی تقاضا شده است.

## جمهوریت دموکراتیک سومالی از طریق نظام

سوسیالیستی اداره خواهد شد

موضوعات مختلفه را حل نماید شورای انقلابی مجلس را منحل، قانون اساسی را معطل و تمام وزرا را گرفتار کرده است. اعلام گردیده است: صدر اعظم حکومت سابق که زمین‌های دولتی را به دوستان خود فروخته و پول آن را به جیب زده بود تحت محاکمه گرفته میشود.

شورای جدید انقلابی سومالی نام دولت سومالی را به «جمهوریت دموکراتیک سومالی» تغییر داده است. در یک اعلامیهٔ بعدی شورای انقلابی آن کشور گفته میشود که کشور از طریق نظام سوسیالیستی اداره خواهد شد، فعالیت احزاب ممنوع است و قانون اساسی جدید تدوین خواهد شد. در سومالی جراید مصادره گردیده و تنها یک روز نامه بنام «ستاره اکتبر» به نشرات خود ادامه می‌دهد. اکنون در سر تا سر سومالی اوضاع روبه آرامش می‌رود. سومالی در شرق افریقا واقع است و از جانب شرق به بحر هند از طرف شمال به خلیج عدن و از جانب غرب به حبشه و از طرف جنوب به کینیا هم سرحد است.

<b>پرچم</b>	
<b>صاحب امتیاز<span> </span>:</b> <b>سلیمان لایق</b>	<b>مدیر مسؤول:</b> <b>میر اکبر خیبر</b>
<b>تلیفون:</b> ۲۳۱۶۴	<b>د یوی کنی بیه ۲/۵ -</b> <b>افغانی</b>

**مطبعه دولتی**

کارگران صورت گرفت وعدهٔ از طرفین مجروح شدند.

**الجزایر:** بومیدین رئیس شورای انقلابی الجزایر در مقابل کار کنان عالی‌رتبه وزارت خارجه الجزایر اظهار داشت: بدون تأمین کامل استقلال اقتصادی تأمین کامل استقلال سیاسی ناممکن است. الجزایر آرزو مند برقراری روابط دوستی متقابله با تمام کشورها می‌باشد و از مبارزه عادلانه خلق ویتنام پشتیبانی تمام و کمال دارد و پشتیبانی خود را از مبارزات مردم امریکای لاتین اعلام می‌دارد و این یکی از اصول اساسی سیاست خارجی الجزایر می‌باشد. بومیدین گفت: پایه سیاست ما را ضد امپریالیزم و ضد استثمار تشکیل می‌دهد.

**لندن:** اعتصاب معدنچیان انگلستان روز بروز توسعه می‌یابد. هم اکنون بیش از ۱۰۰۰۰۰ معدنچی در حال اعتصاب بسر میبرند. آن‌ها خواهان ۴۵ ساعت کار در هفته و افزایش دستمزد خود هستند. **توکیو:** جهت مقابله با تظاهرات عظیم مردم جاپان علیه قرار دادهای

## جمهوریت دموکراتیک سومالی از طریق نظام

سوسیالیستی اداره خواهد شد
انقلاب را ایراد کرد. او گفت سیاست ما بی‌طرفی، حفظ قرارداده‌ا، حمایت از جنبش رهائی‌بخش ملی، حقوق بشر و طرفداری از منشور ملل متحد خواهد بود. در اعلامیه گفته میشود: با جنگ نمیتوان موضوعات بین‌المللی را حل کرد. یک سیاست ملی می‌تواند

## دولت لبنان با امپریالیزم و اسرائیل همکار مینماید

تابعیت از امپریالیزم و حکومت پوشالی اسرائیل نموده است. در اعلامیه گفته میشود: دولت لبنان از گسترش مبارزه خلق عرب علیه امپریالیزم و اسرائیل سخت به وحشت افتاده است. در اعلامیه قید است: این چندین بار است که دولت لبنان فرمان ریختن خون مبارزین را می‌دهد. در اعلامیه گفته میشود: در صورت ادامه این وضع مبارزین به مقاومت مسلحانه خواهند پرداخت و در سرتاسر لبنان شروع به فعالیت خواهند کرد و هیچ قدرت نخواهد توانست که جلو این حرکات مسلحانه را بگیرد.

<b>پرچم</b>	
<b>صاحب امتیاز<span> </span>:</b> <b>سلیمان لایق</b>	<b>مدیر مسؤول:</b> <b>میر اکبر خیبر</b>
<b>تلیفون:</b> ۲۳۱۶۴	<b>د یوی کنی بیه ۲/۵ -</b> <b>افغانی</b>

تایپ متن قاسم آسمایی
ویرایش جدید: عمر فیض



# پرم

## ناشران‌دیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۳۰-سال دوم دوشنبه ۱۲ عقرب ۴۸ ۳ نومبر ۶۹، شماره مسلسل (۸۱)

## دول امپریالیستی از راه تجارت نابرابر کشورهای در حال رشد و عقب مانده من جمله افغانستان را استثمار می کنند

اخیراً نماینده دولت افغانستان در کمیته ششم حقوقی اسامبله عمومی ملل متحد گفته است «مقرراتی در تجارت بین‌المللی تطبیق می‌گردد که مفاد کشورهای حال انکشاف را احتوا نمی‌کند.» ولی هیچ جرأت نکرد روشن سازد که از

طرف کدام کشورها در برابر کشورهای کم رشد چنین «مقررات» تطبیق می‌گردد و چگونه کشورهای کم رشد از طریق تجارت نابرابر از لحاظ اقتصادی استثمار می‌گردند. البته که بنابر پالیسی محافظه کارانه و اصل «سیاست موازنه» مقامات حاکمه افغانستان (با در نظر گرفتن جهات مثبت سیاست بی‌طرفی کشور) نمیتوان انتظار داشت که «هیأت افغانی» ازین حدود پا فراتر گذارد و مسأله را از مجرد بودن به مشخص بودن بکشاند. مسأله عقب ماندگی کشورهای «جهان سوم» و من‌جمله افغانستان و مسأله چگونگی روابط اقتصادی بین‌المللی در جهان امروز که بر کدام پایه‌ها استوار میباشد حایز اهمیت فراوان است.

واقعیت اینست که دول امپریالیستی من‌جمله از طریق تجارت و مبادله نابرابر اموال، کشورهای کم رشد را استثمار می‌نمایند که بقای سیستم سرمایه داری در ین کشورها تا حدود زیادی به این امر بستگی دارد و تا

زمانی که قوانین جبری بازار جهانی سرمایه داری به فوت خود باقیبست این استثمار تشدید می‌یابد. تا وقتی‌که کشورهای در حال رشد سیاست اقتصادی بین‌المللی خود را طوری تنظیم نه نمایند که جلو مقاصد استثمارگرانه انحصارها و استثمار آن‌ها را بگیرد، کشورهای امپریالیستی به غارت خلق‌های فقیر این کشورها با شدت و وسعت بیشتر ادامه خواهند داد.

خوش باوری در مورد اینکه کشورهای امپریالیستی در تجارت، بخواست خود منافع متقابل را در نظر گیرند يك تصور واهی است؛ زیرا در خصلت امپریالیزم غارتگری است. کشورهای امپریالیستی هرگز بدلخواه يك گام خلاف منافع آزمندانۀ خویش نخواهند برداشت. اینکه طبق تقاضای «هیأت افغانی» در کمیته حقوقی اسامبله عمومی ملل متحد فرضاً مقررات مساعدتری به نفع کشورهای در حال رشد وضع گردد باز هم این امر تأثیر چندانی نخواهد داشت که انحصارات امپریالیستی گذشت نمایند، مگر اینکه بطور مداوم به مقاومت سرسخت کشورهای کم رشد طرف معامله بر بخورند. در اثر مقاومت‌های مؤقتی کشورهای کم رشد بعضاً کشورهای امپریالیستی ناگزیر گردیده‌اند که تعهداتی در زمینه تجارت با این کشورها بیاورند. ولی از آنجائی که غالباً شرایط تعهدات بر آن‌ها تحمیل شده نتوانسته است، به ایفای آن‌ها نپرداخته‌اند. بطور مثال علی رغم وعده‌هایی که این کشورها در آخرین سند کنفرانس ژنیو در سال ۱۹۶۴ داده بودند، به انجام آن تن در نداده‌اند. در نتیجه: در باره صدور اموال ساخته شده و مواد خام هیچ قرار دادی بین

## مشت‌ها باز میشود و حقایق استعماری

## سرمایه گذاری عظیم ولی مرده در وادی هلمند برملا میگردد

«مؤفق» وادی هلمند چشم پوشیده‌ایم و به آن کم بهاء داده‌ایم و آن را يك پروژه پرمصرف، ناکام و استعماری خوانده‌ایم که البته در موقع آن جواب لازم ارائه گردید.

بیش از چهار ماه از آن «دفاعیه‌های تاریخی» پروژه «محبوب» شان وادی هلمند نمی‌گذرد که مشت‌ها باز شد و طی يك خبر کوتاه همه چیز را خود برملا ساختند. در خبر فید گردیده است که قیمت مجموعی مواد غذایی که در سه حال برای ناقلین در هلمند توزیع خواهد شد به ۶۲۵ هزار دالر علاوه بر سه میلیون افغانی مصارف حمل و نقل از بودجه دولت بالغ میگردد. این امداد شامل ۱۵۴۲ تن گندم، ۱۴۰ تن روغن نباتی، ۱۵۸ تن شیر خشک، ۷۰ تن گوشت گاو پخته قطی، ۲۸ تن پودر تخم مرغ و ۸ تن چای میباشد.

توجه بفرمائید در پروژه زراعتی وادی هلمند، گندم، گوشت گاو پخته و پودر تخم مرغ از خارج وارد شده و به شکل امداد بنام ناقلین که پروژه ناکام هلمند ایشان را خانه خراب ساخته است داده میشود، ولی همه کس می‌فهمد که ازین امداد هم مقدار قابل توجهی نصیب دهقانان نخواهد شد. فابریکه بزرگ تولید روغن نباتی که به قیمت بسیار گران با شرایط قرضه و ربح نامساعد کم‌رشکن از انگلیس خریداری شده است و همچنین اولین فابریکه لبنیات کشور، هر دو در لشکرکراه مرکز پروژه وادی هلمند واقع‌اند، باز هم روغن نباتی و شیر خشک امدادی از خارج وارد میگردد. پس معلوم است که از زراعت و صنعت در پروژه وادی هلمند فقط نامی موجود است و بس.

از آنجائی که گردانندگان پروژه خوب می‌فهمند به این زودی‌ها امیدی برای حاصل دهی آن موجود نیست مיעاد امداد مواد غذایی را برای هشت‌صد فامیل ناقلین هلمند تا سه سال آینده تعیین کرده‌اند و این خود نشان می‌دهد که کم حاصلی در پروژه نتیجه کدام وضع جوی نامساعد و آفات زراعتی نیست (گر بهانه قرار داده شود) بلکه نتیجه ناکامی آن میباشد.

مسلم است که حقایق را نمیتوان برای یک مدت طولانی در سایه نگهداشت. حقایق دیر یا زود برملا میگردد هر قدر در کتمان آن بکوشند. طوری که تاکنون تلاش گردیده است حقایق راجع به پروژه ناکام، پرمصرف و استعماری وادی هلمند را از نظر مردم مخفی نگه کنند. درین مورد ما طوری که قبلاً خواسته بودیم باز دیگر تأکید می‌نماییم که: حکومت باید بیلائس مصارف و عواید بیش از بیست ساله پروژه وادی هلمند را با ارائه حقایق و ارقام مؤثق به پیشگاه قضاوت مردم تقدیم نماید.

## در سومالی محاکمه خیانت کاران و جنایتکاران حکومت سابق تشکیل میگردد

بسیار وقت پیش اوضاع کشور را به‌مدت تحت نظر داشت و چون اوضاع کشور روز بروز بدتر می‌شد، دیگر لازم ندیدند تا این اوضاع بیشتر از آن خراب‌تر گردد.

او گفت: برای عدهٔ زیادی از خیانت‌کاران محاکمه تشکیل میشود. تمام وزراء سابق و مأمورین عالی‌رتبه فاسد، جنایتکاران و نوکران شان محاکمه خواهند شد. او اظهار داشت: در آینده نزدیک امور کشور بدست مردم داده خواهد شد.

سفیر جمهوریٔ عربی متحد و سفیر لیبیا طی نامه‌های طرفداری خود را از رژیم جدید سومالی اعلان کردند. سودان نیز طرفداری خود را ازین رژیم به حکومت جدید اطلاع داده است.

در بیشتر از بیست سال، کار باثمری انجام داده نتوانسته بود، ی‌کروزه معجزه آسا مبدل به پروژه «مؤفق» و «غله خانه افغانستان» شد.

یقیناً خوانندگان پرچم این را هم به خاطر خواهند داشت که در همان وقت ما در شماره یازدهم سال جاری تحت عنوان «مردم بیلائس عواید و مصارف بیست ساله «غله خانه (!) آینده افغانستان» یا پروژه استعماری وادی هلمند را می‌خواهند» تحلیل مقدماتی و مختصری راجع به این پروژه «طویل‌المدت و کثیر‌المصرف» بی‌حاصل یا کم حاصل به پیشگاه قضاوت مردم ارائه کرده بودیم.

ولی یکی از ارگانهای حکومتی به عجله و فوریت تمام به شکل هستریک بر ما حمله کرد و با استعمال کلمات مستهجن بما دشنام داد که گویا ما متهم هستیم چرا از «وفور نعمت» پروژه

بیست و چند سال کار و مصارف عظیم و کم‌رشکن دلری و افغانی، مواد غذایی امدادی اخذ میگردد. پس چه شد نتایج «مؤفقت» این «غله خانه»، این «پروژه بزرگ و وسیع ...» که تحت این عناوین درشت و جلی مطالبی دور از حقیقت در ثنا و مدح آن روزهای متوالی در جراید سرکاری سرهم بافته شد.

خوانندگان گرامی شاید به خاطر داشته باشند هنگامی‌که از طرف «ریاست عمومی انکشاف وادی هلمند و ارغنداب» دعوت به عمل آمد که یک قطعه گندم نمایشی این پروژه «مؤفق» و «سریع الثمر و کثیر الثمر» را از نزدیک ملاحظه نمایند، در بازگشت به حدی در باره «مؤفقت» پروژه تبلیغات صورت گرفت که انسان را گیج می‌کرد که گویا پروژه پرمصرف و هنوز بار دوش بودجه فقیر دولت ولی ناکام وادی هلمند که

از بلتن سفارت کبرای جمهوریت متحد عرب در کابل شماره ۶۷ «۲۷. اکتوبر ۱۹۶۰»

## هرگاه عرب‌ها توسط اتباع

### امریکایی بمبارد شوند باید اقدامات جدی‌تر صورت گیرد

مکلاوسکی گفت که «محض خدمت عسکری در یک اردوی خارجی، خواه آن اردو انگلیسی، فرانسوی، اردنی، اسرائیلی، بلژیکی، فرانسوی، بلکه بدین‌وسیله بطور ساده بین نیست، بلکه قانون ایالات تفسیر جدیدی از یک قانون کهنه صورت گرفته است. بعد از آنکه جمهوریت متحد عرب به حکومت ایالات متحده امریکا اعتراض نمود و موضوع را به شورای امنیت ملل متحد خبر داد، راپرت مکلاوسکی نطاق وزارت خارجه امریکا بیانیه طولانی‌ای ایراد نمود و در آن تشویق اتباع امریکایی را جهت شمولیت در خدمت عسکری اسرائیل از طرف حکومت امریکا رد کرد. وی راجع به قانون گفت که «اسرائیل خاص نیست.

قوانین و تفسیرهای موضوعات تابعیت تطبیق عام دارد و در این مورد به هیچ کشوری خصوصیت قابل نیست....»

عرب‌ها می‌دانند که در امریکا مردم زیادی وجود دارند که در شرق میانه طرفدار عدالت می‌باشند. ولی این به هیچ صورت این حقیقت را تغییر نمی‌دهد که حکومت ایالات متحده امریکا و حکومت اسرائیل باهم دست و آستین هستند. نیت اسرائیل است که نه تنها تمام فلسطین را بلکه هزاران میل زمین‌های مربوط به اردن، سوریه و مصر را نیز در تصرف خود در آورد، و حکومت ایالات متحده بنا به هر دلیل یا دلیلی که است در این راه با اسرائیل کمک می‌کند. تازه‌ترین گواه برین حقیقت این اعلامیه حکومت امریکا است که می‌گوید اتباع امریکایی که در قوای نظامی اسرائیل خدمت می‌کنند، تابعیت امریکایی خود را از دست نمی‌دهند.

وزارت خارجه امریکا در توضیح مطلب زحمت زیاد کشید. بدین لحاظ

## امپریالیزم مسؤول حوادث اخیر لبنان میباشد اتحاد شوروی به امریکا اخطار داد که از مداخله در لبنان خودداری کند

امپریالیستی که هدف شان گل آلود ساختن هرچه بیشتر اوضاع و بهانه جستن برای مداخله قوای امپریالیستی در لبنان بود تبلیغات وسیعی را به راه انداختند که گویا دولت سوریه قوای مسلح خود را به تعداد زیاد در سرحدات بین به سوریه و لبنان متمرکز ساخته است ودر فکر تعرض بر خاک لبنان میباشد. مقصد آن‌ها از این تبلیغات آن بود که زمینه را برای مداخله مستقیم در لبنان مساعد سازند و امریکا بهانه در دست داشته باشد که بنام «تأمین

استقلال و تمامیت ارضی لبنان» به استفاده از دکتورین آیزنهاور مانند سال ۱۹۵۸ قوای اردوی نمبر ۱ بحری خود را در لبنان پیاده کند.

اعلامیه مداخله گرانه و توطئه آمیز ایالات متحده امریکا با عکس‌العمل شدید نیروهای صلح‌دوست جهان و کشورهای عربی مواجه گردید.

شورای مسلمانان اعلامیه‌ای نشر و همبستگی خود را با مبارزین فلسطین اعلان نمودند.

در اعلامیه شورای مسلمانان گفته شده است که «ما مداخله امپریالیزم (ص ۳)

### عده‌ای از زندانیان سیاسی از حبس رها شدند

اخیراً عده‌ای از زندانیان جوان آزادیخواه که در حوادث اخیر این سینا و پوهنتون محبوس گردیده بودند در اثر دفاع نیروهای ملی و مترقی و دفاع شجاعانه و مستدلی که متعاقباً در وقتی‌که بحران سیاسی لبنان به اوج خود رسیده بود حکومت اسرائیل پشتیبانی خود را از حکومت لبنان اعلان داشت. معاون صدراعظم اسرائیل طی بیانیهای اظهار داشت که در صورت تعرض خارجی در پهلوی لبنان ایستاده خواهد شد.

نیروهای ارتجاعی لبنان و محافل

هرگاه عناصر و نیروهای ملی و



له مترقی آثار و نه

د انسانانو ترمنځ مادي او اقتصادي

د انسانانو ترمنځ مادي او اقتصادي

د انسانانو ترمنځ مادي او اقتصادي

د انسانانو ترمنځ مادي او اقتصادي

د انسانانو ترمنځ مادي او اقتصادي مناسبات د ټولني د اجتماعي ټكامل د درك د پاره يوازې د اقتصادي عواملو پېژندنه په هيڅ صورت كافي نه ده. ځكه چه ټولنه د انسانانو له توليدي فعاليت نه پرته معنوي ژوند هم لري. انسانان د ټاكلو سياسي او اخلاقي افكارو ترڅنگ د علمي تيوري او د هنر او نورو په باره كې هم نظريات لري چه د دوي له افكارو سره د متناسب وي. دغه ټول افكار او نظريات د منشي او نقش په لحاظ اجتماعي خصلت لري او د اجتماعي شعور له زمري څخه گڼل كيږي.

اجتماعي شعور په تاريخي ټكامل كې ډير اهميت لري. د دې دپاره چه د ټولني يو بشپړ تصوير وړاندي كړاي شو بايد دا توضيح كړو چه اجتماعي شعور څه شي دي، د اجتماعي شعور منشاء كومه ده او په اجتماعي ژوند كې څه رول لري.

### ۱ - اجتماعي شعور د اجتماعي ژوند انعكاس دی د اجتماعي شعور ماهيت او منشأ

اجتماعي شعور د انسانانو د افكارو تيوري او نظرياتو له مجموعي څخه عبارت ده چه دغه افكار، نظريات او تيوري د هغوی د اجتماعي ژوند انعكاس دي. له هغه ځايه چه اجتماعي ژوند متنوع او پېچلی دی اجتماعي شعور هم متنوع او پېچلی سياسي او حقوقي افكار، اخلاق، هنر، فلسفه، مذهب د اجتماعي شعور بيل بيل شكلونه دي. دغه اشكال هريو منځ ته راځي او د اجتماعي ژوند مختلف اړخونه منعكسوي د هغوی وظيفي هم سره بيلي دي.

آيدياليزم كولاى نشي چه د ټولني په ژوند كي د اجتماعي شعور او افكارو د نقش مساله په صحيح ډول روښانه كړي. آيديالستان په دې عقیده دی چه افكار د اجتماعي ژوند د ټكامل جريان تعينوي، دا ثابتۀ او څرگنده ده چه دغه عقیده په هيڅ ډول له واقعيت او منطق سره برابره نده.

يوازې تاريخي ماترياليزم دی چه د فلسفي اساسي مسأله يي له ټولني سره په انطباق كې په ښه شان حل كړي ده او ښي چه د انسانانو اجتماعي شعور دهغوی د اجتماعي ژوند محصول دی، داهم څرگندوی چه مادي او توليدي مناسبات د اجتماعي شعور سرچينه دی. له همدی جهته بايد د افكارو، تيوري او نظر يات منشاء او منبع په اجتماعي ژوند يعنی د انسانانو په مادی او توليدي مناسباتو كې ولټوو.

د ټولني تاريخ ويايې چه د انسانانو د ژوند او مادي او توليدي مناسباتو له تغيير سره د هغوی شعور هم تغيير مومي، زاړه افكار له منځه ځي، نوی افكار منځ ته راځي چه له نويو شرايطو او نويو اجتماعي اړتياوو سره متناسب وي. لكه چه د سوسياليزم له برياليتوب سره د انسانانو ژوند له بيخه تغيير پيدا كړ په دې مفهوم سره چه سوسياليستي مالكيت د سرمايه دارى د شخصي مالكيت ځاى ونيوله هغه سره متناسب د انسانانو افكارو او نظرياتو هم تغيير وموند. د مثال په ډول د انډيواليزم (خان خانى) په ځاى چه د سرمايه دارى اخلاقو اساس دی كولكتويزم (د ټولني اصالت) چه د سوسياليستي ټولنى د اخلاقو بنسټ دی مستقر شو.

په همدی ترتيب د اجتماعي شعور د بل هريو شكل په تحليل سره به معلوميري چه منشاء يې د وروستنى تحليل له منځى د ټولنى په مادي ژوندانه كې ده.

**د ايډيولوژى طبقاتي خصلت**
ايډنولوژى په طبقاتي ټولنه كېنې كه څه هم په هر شكل تجلى وكړي،

خامخا طبقاتي خصلت پيدا كوي د

بوى خاصى طبقى د سياسى، حقوقي، هنرى، او... د نظرياتو او افكارو مجموعه، د هغى طبقى ايډيولوژى تشكيلىوى.

د ايډيولوژى طبقاتي خصلت څرنگه بايد توضيح كړى شي؟ ولى هره يوه طبقه خپله خاصه ايډيولوژى ايجادوي؟ د دى كار توضيح داده چه د ټولني انټاگونيستي طبقات په هيڅ صورت يو ډول موقعيت نلري، د دوى په مخكېني اجتماعي مختلف هدفونه او وظيفف موجود دی.

دغه يا هغه طبقه د خپلو نظرياتو ټاكلې سيستم په وسيله، په ټولنه كې خپل هريخ منعكسوي او اساس يې ږدى. له خپلو گټو څخه دفاع كوي هڅه كوي چه خپلو هدفونو ته ورسېږي، كوم وظيفف چه يې په مخكېني دى سرته يې ورسوي، لكه چه بورژوايى ايډيولوژى د بورژوازي له گټو څخه دفاع كوي او هڅه كوي چه سرمايه دارى د خصوصى مالكيت او استثمار اصول تل تر تله او لايزال وښيي.

پرولتاريا د دى برعكس د سرمايه دارى د محوكولو او د سوسياليسم يعنى د بى طبقاتو او بى استثماره ټولنى د جوړولو په هڅه كى دى. د دى هدفونو د سرته رسولو لپاره پرولتاريا سوسياليستي ايډيولوژى ته چه له كفيي لحاظ نوى ده اړتيا لري.

په دې ترتيب سره په داسى ټولنه كې چه په متخاصمو طبقاتو وپشل شوى وي نشي كيداى چه يوازى يوه ايډيولوژى وجود لري. په داسى ځاى كى لزوماً هم د استثماركونكى طبقى ايډيولوژى وجود لرى او هم د استثمار كيونكى طبقى. حال دا چه په ټولنه كى مسल्ه ايډيولوژى، د هغى طبقى ايډيولوژى ده كومه چه له اقتصادى او سياسى لحاظ حكومت كوي.

ايډيولوژيكى مبارزه څرنگه چه مخكېني وويل شو، د طبقاتي مبارزى يو شكل دى. په داسى ټولنى كى چه په هغى كى متخاصم طبقات وجود ولري، دغه مبارزه تل ترتله دوام لري.

له دى چه ايډيولوژى تل طبقاتى خصلت لرى نو دغه سوال منځ ته راځي چه: آيا كيداى شى چه ايډيولوژى سمه او صحيح وي؟ آيا ايډيولوژى واقعيت د طبقاتى گټو په طرفدارى نه تحريفوى؟

رويزيونستان په دى عقیده دی چه ايډيولوژى او حقيقت يو له بله نشي يو ځاى كيداى او په ايډيولوژى كى حقيقت د دغى يا هغى طبقى د گټو قربانيږي. علمي جهان بينى په دى عقیده ده چه ايډيولوژى سره بايد په تاريخى او مشخصه توگه برخورد وشى او پا م وكړو چه ايډيولوژى د كومى طبقى مترقى طبقى او كه ارتجاعى طبقى گټى منعكسوي. تر هغه وخته پورى چه دغه يا هغه طبقه په اجتماعى او تاريخى جريان كى مترقى نقش لوبوى تر هغه وخته چه د دغى طبقى گټى د عيبنى واقعيت له ټكامل سره انطباق كوى. ايډيولوژى يې صحيح ده؛ اما هر كله چه يوه طبقه خپل مترقى نقش پاى ته جريان سره په تضاد كى نشى ايډيولوژى نوره صحيح نده، بلكه د طبقاتى گټو لپاره د واقعيت تحريف دى.

د مثال په توگه بورژوايى ايډيولوژى را واخلو، تر هغه وخته چه بورژوازي له فيوداليسم سره مبارزه كوله. ايډيولوژى يې نسبتاً په سمه توگه جهان منعكساو؛ اما كله چه بورژوازي قدرت ته ورسيدله مترقى اړخونه يې پاى ته ورسيدل، بورژوايى ايډيولوژى هم د واقعيت صحيح انعكاس توان له لاسه وركړ، د علمي جهان بينى د موسس په وينا:

«بيغرضانه تحقيقاتو خپل ځاى د مزدورو ميرزايانو دعوى ته پريښود، او يو اړخيزى خدمتگزارانه دفاع د بى طرفه علمي تحقيقاتو ځاى ونيو.»
د علمى جهان بينى ايډيولوژى د كارگر د طبقى او ټولو زياركښو ايډيولوژى پوره علمى او له حقيقت سره منطبقه ده. د كارگر د طبقى گټى او د تاريخ عيبنى جريان تل يو له بله په انطباق كى دى او له همدى امله د علمى جهان بينى ايډيولوژى د تاريخ د ټكامل د ټولو مرحلو لپاره به سمه او حقيقت ده.

**د شعور د ټكامل نسبى خپلواكى**

مو ږ توضيح كړه چه د انسانانو اجتماعى ژوند، د دوى توليدى فعاليت، د دوى اجتماعي شعور ټاكى. مگر په خپل ټكامل كى نسبى خپلواكى هم لري. دغه خپلواكى چيرته ده او څرنگه څرگنديږي؟ د اجتماعي شعور په تكا مل كى نسبى خپلواكى په دې كى ده چه اجتماعي شعور كولى شى چه اجتماعي ژوندانه له ټكامل څخه ترشا پاتى شى او يا له هغه څخه ترمخ لاړ شي، په دې كى ده چه اجتماعي شعور پخپل ټكامل كى مداومت لرى او همدارنگه په دى كى دى چه اجتماعى شعور نسبت اجتماعي ژوندانه ته بى تاثير ندى بلكه په فعاله توگه په هغه باندى تاثير اچوى

له اجتماعي ژوندانه څخه د اجتماعي شعور ترشاتوب په دې علت دى چه لومړى د افرادو ژوندون په بدلون سره مخامخ كيږي او وروسته بيا دهغو اجتماعى شعور. دا ترشاتوب په دى علت هم دى چه زاړه افكار او نظر يات د زيات حياتى قوت لرونكى وي. د زړو افكارو او نظرياتو دغه قوت تصادفى ندى: حاكمه طبقات يى لرى په كار اچوى څو د دوى ايډيولوژى د ټولنى د افرادو په رگونو كى نفوذ وكړي، د ا ايډيولوژيكى تاثير ټول وسايل (مطبوعات، سينما، راډيو، تلويزيون او نور) د امپرياليستي بورژوازي د استفادى مورد گزري تر څو د زياركښو شعور زهرجن كړى او هغوى له ايډيولوژيكى لحاظه بى وسيلى كړي. همدا وجه ده چه د نوى نظام له برى وروسته تر زياتى مودى پورى د افرادو په شعور كى د زړى ايډيولوژى بقايا لا پاتى كيږي.

اما د انسانانو شعور نه يوازى كولى شى چه د اجتماعي ژوندانه له ټكامل څخه وروسته پاتى شى بلكه په معينو شرايطو كى كولى شى چه له هغه څخه ترمخ لاړ شى. برجسته ميرونه او پوهان د ټولنى د قوانينو په تحليل او د تاريخى ټكامل د عومى جهاتو

(از ص اول)

(از ص اول)

«بيغرضانه تحقيقاتو خپل ځاى د

مزدورو ميرزايانو دعوى ته پريښود، او يو اړخيزى خدمتگزارانه دفاع د بى طرفه علمي تحقيقاتو ځاى ونيو.»

په ښودلو سره كولى شى چه اينده پيش بينى كړى، يعنى داسى تيورى په لاس وركړى چه په زياته اندازه د دوى له زمانى څخه په وړاندى وى او د ټكامل لار په لس هاوو كلونه د مخه تر دى چه تحقق پيدا كړى بشريت ته وړښيلى لكه چه يو ستر فيلسوف د پانگولى د ټولنى د واقعيت د تحليل پر اساس او د هغى د منځنيو تضادونو د مطالعي له مخى دى نتيجه ته ورسيد چه د پانگولى محو كيدل او د هغى په ځاى د نوى سوسياليستي ټولنى قايميدل يو حتمى كار دى. د علمى سوسياليسم تيورى، د اجتماعى حوادثو د پيش بينى ښكاره نمونه ده. د اجتماعى شعور د نسبى خپلواكى مظاهرو څخه يو هم د ايډيولوژى په ټكامل كى پرله پسى توب دى. نوى طبقه د خپلى ايډيولوژى په ايجادولو سره د بشريت د فكر پخوانى شتمنى ليرى نه غورزوى، هغه را اخلي او پخپل خدمت كى يې ږدى.

ادامه كارى د افكارو په ټكامل كى، په اجتماعي ژوند كى لوى اهميت لرى؛ كه چيرته انسانان د تيرى پوهنى له موفقيتونو څخه د استفادى له امكانه محروم پاتى كيداى نو لازمه وه چه هر وار يې ټول شيان په ټوله معنى له سره راښولاي، داسى قوانين يى كشفولى كوم چه ډيره موده پخوا كشف شوى دى د لازم مو ماشينونو او ميكانيزمونو د جوړښت لاري يى لټولى سره له دى چه دغه لارى هم ډيره موده پخوا پيژندل شوى وى او داسى نور. پرله پسى توب د داسى كار د پيښيدو مخه نيسي. انسانان له هغه ستركار څخه په استفاده كولو سره كوم چه د پخوانيو نسلونو په واسطه سرته رسيدلى دى، امكان پيدا كوى چه د خپلو نيكه گانو كار ته ادامه وركړى، د هغو لاس ته راوړى شيان بشپړ كړى، تكا مل وركړى او هغه نوى او لومړى درجى ته ورسوى.

گوبنى گوبنى طبقات له تير فكرى ميراث سره په مختلف ډول مخامخ كيږي. ارتجاعى طبقات له تيرشويو څخه ارتجاعى افكار را اخلي او هغه له تاريخى نويو شرايطو او خپلو گټو سره متناسبوي. مثلاً د امپرياليسم ايډيولوگان د زياركښو د روحى اسارت په منظور له اسكولاستيك، د منځنيو پېړيو له عرفان، د ايديآليستي سيستمونو له مختلفو ډولونو څخه استفاده كوى. مترقى او انقلابى طبقات له تير فكرى ميراث څخه هغه څه چه له تير فكرى ميراث څخه هغه بى له لاسه نده وركړى او كولاى شى چه د بشريت مترقى ټكامل ته مرسته ورسوى، را اخلى. د تير معنوى ميراث تر ټولو پيگير او تر ټولو ښه ساتونكى پرولتاريا ده ځكه دهغو ايډيولوژى د بشرى فكر شتمنى د هغى د ټكامل د

پېړيو په اوږدو كى راخيستى او له هغى سره د انتقادى برخورد په نتيجه كى يى هغه څه چه ښه او لوړ و د خپلى ايډيولوژى په خزانه زيات كړى دى.

### ۲- په اجتماعي ټكامل كى د افكارو فعاله برخه.

تاريخى ماترياليسم سره له دى چه په اجتماعى شعور يعنى افكارو او نظرياتو باندى د اجتماعي ژوندانه په مقدم توب عقیده لرى، انسانى افكارو ته د جامعى په ټكامل كى په فعاله برخه قايل دى. انسانان د اجتماعى ژوندانه په هره زمينه كى چه وى په خبرتيا سره عمل كوى. له همدى امله د دوى افكار، نظريات او تيورى گانې چه د اجتماعي ژوند نه په ټولو اړخونو كى رسوخ كوى په اجتماعى ژوندانه باندى لوى تاثير اچوى، د اجتماعى افكارو د فعالتوب تظاهر په دى مودى چه دغه افكار د انسانانو د عمل لارښوونكى دى، انسانان سره مرسته كوى او هغوى د خاصو وظيفو د برى لپاره په وړاندى بيايى. افكار دوه گونى نقش لرى: هغوى كولى شى چه د ټولنى ټكامل ته مرسته ورسوى او يا د دى ټكامل مخه ونيسي، هغه څه چه د افكارو نقش ټاكى، دا دى چه افكار په كومه طبقه، مترقى طبقه او كه ارتجاعى طبقه پورى تعلق لرى.

تركومى اندازى پورى په سمه توگه د ټولنى د مادى ژوندانه اړتياوى منعكسوي او تركومى درجى پورى د پرگنو گټو ته ځواب وركوى.

هغه افكار كولى شى چه د ټولنى په ټكامل كى مترقى نقش وليرى كوم چه د ټولنى د مترقى طبقاتو او د خلكو د پرگنو گټى منعكسى كړى او د مادى توليد د ټكامل اړتياؤ ته ځواب ووايى، دا زاړه نظام د محو كولو او د نوى نظام برقرارى او تحكيم ته مرسته ورسوى.

سره له دى افكار په هره اندازه چه نوى او مترقى وى هم يوازى دوى پخپله د دى قدرت نلرى چه زور نظام محو او نوى اجتماعى نظام ايجاد كړى، د دى لپاره چه دغه افكار په مادى قوت بدل شي لازمه ده چه د خلكو پرگنى هغه وپيژنى، يوازى هغه پرگنى چه مترقى افكار يې پيژندلى او درك كړى وى كولى شى هغه اجتماعى قوت تشكيل كړى كوم چه اجتماعى تر ټولو ضرورى وظيفف سرته رسولى شى. د جهان په ټولو افكارو كى تر ټولو مترقى او تر ټولو قوتمند د علمى جهان بينى ايده د تر ټولو نوى اجتماعى نظام ايده ده، داسى نظام چه استثمار او مريى توب پكېنى نشته، داسى نظام چه د ځمكى د مخ تر ټولو عدالانه نظام دى.

د دى ايده حيرانونكى حياتى قوت په دى كى دى چه بنسټ يى د اجتماعى تكامل د عيبنى قانونمديو پر اساس ايښودل شوى، د ټولنى د مادى ژوندانه د ميرمو غوښتنو او د ميليونو ميليونو زياركښو د گټو سر ته رسوونكى ده. له همدى جهته د علمى جهان بينى ايده هغه مادى ستر قوت دى چه جهان ته تغير وركوي او بدلوى يى.

وروسته پاتى افكار چه واقعيت تحريفوى او د ارتجاعى طبقاتو په خدمت كى دى د اجتماعى ټكامل مخه نيسي، مثلاً لكه معاصر ارتجاعى بورژوازي افكار چه بورژوازي غواړى دهغو په مرسته د پانگو نظام چه دوران يې سر ته رسيدلى دى له حتمى محو كيدو څخه وساتى.

له دې وينا څخه داسى نتيجه لاس ته راځي چه اجتماعى افكار د بشريت په ژوندانه كى ستر اهميت لرى، له همدى جهته ښايى چه په عملى فعاليت كى نه يوازى د اجتماعى ژوندانه ټاكونكى نقش ته توجه وشى بلكه د ټولنى په ټكامل كى د افكارو فعال نقش هم په حساب كى ونيول شى.

شماره (۳۰ سال ۲)

يو علمى بحث

# اجتماعی شعور او د ټولنی په ټکامل کی د هغه رول

### د علمی جهان بینى ايډيولوژى خصوصيات او اهميت

د علمى جهان بينى ايډيولوژى له پخوانيو ايډيولوژيو سره څه دخپل طبقاتى مضمون په لحاظ او څه د هدف او هغو وظيفو له لحاظ چه په مخكېنى يى دى له ريښى او اساسه توپير لرى. دغه توپيرونه دادى: لومړى دا چه دغه ايډيولوژى په تاريخ كى د لومړى ځل لپاره د استثماركونكو طبقاتو په خدمت كى نه بلكه د كارگر د طبقى، د ټولو زياركښو او د خلكو د مليونو پرگنو په خدمت كى ده. دغه ايډيولوژى دوى ته مبارزه وړښيلى، دوى ته وړښيى چه څرنگه بايد د ټولو د نيكيختى لپاره ژوند وكړى او لاس په كار پورى كړى. دوهم دا چه دغه ايډيولوژى د هر ډول استثمار د محو كولو لزوم او دى طبقاتو ټولنى يعنى سوسياليسم ايجادولى په ټورريك لحاظ تاسيسوى. دريم دا چه دغه ايډيولوژى بېخى علمى ده، عيبنى واقعيت په سمه توگه منعكسوي او د ټولنى د مادى ژوندانه مبرمى غوښتنى بيانوى، دغه ايډيولوژى له ايديآليستي جهان بينى سره چه د اښاؤ په واقعى موقعيت كى بدلون راولى جوړه او د يو ځاى كيدو وړ نده. ټورريك اساس يى ديالكټيك ماترياليسم او تاريخى ماترياليزم دى.

د علمى جهان بينى د ايډيولوژى علميت په اړگانېك ډول له حزبي دريخ يعنى د كارگر د طبقى او ټولو زياركښو د گټو د ساتنى له دريخ سره ملگرى دى.

د علمى جهان بينى ايډيولوژى تر ټولو انسانى ايډيولوژى ده. د هغى ايډيالونه د خلكو ترمنځ د رښتياى انسانى مناسباتو برقراريدل د كورگدونكى، جنگ له خطر څخه د بشر خلاصون، په تل تر تله سوله د ټولو لپاره په آزاد او خوشبخته ژوند باندى لاس موندل دى. د نوى جهان بينى ايډيولوژى د پانگولى د محوكولو ضرورت، د تعقيب د مناسباتو پر ځاى باندى، د نويو اجتماعى د دوستى او متقابلى مرستى د مناسباتو د قايمولو ضرورت په علمى توگه تاسيسوى.

دغه ايډيولوژى چه د بورژوازي پر ضد د پرولتاريا د طبقاتى مبارزى له پراتيك څخه يى سرچينه اخيسته ده، پدى مبارزه كى د پېرولتتاريا لارښوونكى ده، پېرولتتاريا ته د سوسياليسم د جوړولو لار او وسيله وړښيلى او ډيره ستره سازمان وركوونكى او بدلون بخښونكى قوت دى.

د علمى جهان بينى ايډيولوژى له دى امله تر ټولو ستر تغيير بخښونكى نقش لوبوى چه دا د خلكو د هيلو او افكارو ښكارندويه ده. او د كارگر د طبقى او ټولو زياركښو په پراخو قشرونو كى نفوذ كوى او وروسته له هغه چه د مليونو خلكو په شعور كى يى نفوذ وكړ په حيرانونكى مادى قوت بدليريى، ښكاره ده چه د دى ايډيولوژى نفوذ د خلكو په پرگنو كى پخپله صورت نه مومى بلكه د سوسياليستي حزب د ايډيولوژيكى كار نتيجه ده چه سوسياليستى او علمى افكار د خلكو له انقلابى جنبش سره يو ځاى كوى، حزب د خپلى نه پخلايكونكى مبارزى په واسطه د علمى جهان بينى د تيورى له دريخ څخه د بورژواى ايډيولوژى، رويوزيوزم او دگماتيسم په مقابل كى دفاع كوى د علمى جهان بينى تيورى ته د اجتماعى پوهى او عمل په اساس تكامل بخښى او غنى كوى يى.



## اعتراض اهالی شریف

### وزحمتکش پنجشیر به خاطر رهایی فرزندان مبارز وطن‌پرست شان غلام دستگیر پنجشیری و عبدالهادی کریم

**شکایت‌نامه و اعتراضیه یک عده اهالی شریف و زحمتکش پنجشیر با امضاء و نشان انگشت ایشان در دفاع از فرزندان مبارز وطن‌پرست خویش غلام دستگیر پنجشیری و عبدالهادی کریم بنام مدیر مسؤول در اداره پرچم واصل گردید که محتوی مطالب ذیل میباشد.**

**ما یکبار دیگر مقامات مربوط حکومت، قضا و شوری را متوجه این امر قانونی میندازیم که زندانیان نامبرده از حبس رها گردند و حق وکالت رفیق ارجمند ما عبدالهادی کریم در ولسی‌جرگه اعاده گردد.**

ما اهالی پنجشیر مطابق به قانون در جریان انتخابات دوره سیزدهم ولسی‌جرگه به کاندید مطلوب خود آقای عبدالهادی کریم رای دادیم. ولی با وصف حصول اکثریت آرا حوزه پنجشیر کاندید مطلوب ما، علاوه بر آنکه صندوق آرای وی خلاف قانون و در اثر یک دسیسه قبلاً طرح شده برداشته شد، خودش با یک نفر از طرفدارانش (آقای غلام دستگیر پنجشیری) بطور فرمایشی به ده و هفت سال حبس از طرف محکمه کاپیسا محکوم گردیدند. این حرکت صریحاً خلاف قانون حس انزجار و نفرت شدید مردم را نسبت به مستبدین دسیسه کار، توطئه گر و جعلکاران معلوم‌الحال و ولسوال زورگو و خودسر پنجشیر برانگیخت و مورد اعتراض شدید مردم پنجشیر واقع گردید. روی همین ملحوظ ما مردم

پنجشیر که مصمم هستیم در برابر زورگویی و خودسری‌های مستبد ین و متنفذین محلی معلوم‌الحال و مقامات حاکمه از خود مقاومت قانونی نشان دهیم، اعتراضات خویش را طی عرایضی به مقامات قوای سه‌گانه دولت (صدارت، ستوه محکمه و مجلسین شوری) سپردیم، ولی تا اکنون پاسخی در برابر آن‌ها ننگرفته‌ایم. از سوی دیگر دامنه جعل کاری و دوسیه بازی از طرف ولسوال پنجشیر که اکنون مورد انزجار شدید مردم واقع گردیده است به همکاری و هدایت عناصر مرتجع و متنفذ معلوم‌الحال، روز بروز وسعت می‌یابد. (آنانی که برای آقای هادی کریم رای داده‌اند و با از وی پشتیبانی می‌نمایند طرف تهدید، تخویف و تعقیب ولسوال قرار می‌گیرند. حتی عده‌ای را که در کابل سکونت دارند بنام اینکه در جریان انتخابات از عبدالهادی کریم حمایت کرده‌اند تحت جلب قرار می‌دهد. چنانچه یک نفر بنام جان آقا متعلم صنف نهم مکتب متوسطه رخنه پنجشیر را بدون موجب به زندان کاپیسا انداخته‌اند و ممکن برای تمسک دوسیه جعلی برای وی ترتیب دهند. عده‌ای دیگری که اخیراً جلب گردیده‌اند، تا کنون سرنوشت شان معلوم نیست.

هرگاه مقامات مسؤول جلو این خودسری‌ها را نگیرند و به اعتراضات متعدد ما اهالی پنجشیر که طی عرایض جداگانه مقامات مربوط

(از ص اول)

### دول امپریالیستی از راه ...

اقتصادی این کشورها در کنفرانس ۱۹۶۷ الجزایر و سپس در کنفرانس موسسه ملل متحد در باره تجارت و انکشاف معنقده دهلئ در سال ۱۹۵۸ علی رغم کارشکنی‌های فراوان دول امپریالیستی از طرف کشورهای در حال رشد به اتحاد کشورهای سوسیالیستی بررسی و فورمولبندی گردید.

درین مورد باید متذکر شد که روابط تجارتی کشورهای در حال رشد با کشورهای سوسیالیستی کاملاً بر مبنای دیگری بر قرار است که در آن من‌جمله نفع متقابل، کوشش در راه رشد مستقل کشورهای عقب مانده بدون دخالت سرمایه انحصاری، مبارزه علیه تبعیض در تجارت و مبارزه در راه استقرار اصول جدید برای تقسیم کار بین‌المللی مطمح نظر است. آرزوی کشورهای در حال رشد جهت تأمین استقلال اقتصادی با ایجاد روابط متقابله تجارتی و اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی تا حدود زیادی برآورده میگردد.

اصول اساسی در تجارت بین‌المللی برای کشورهای عقب مانده و من‌جمله افغانستان که به رشد مستقل اقتصادی و احراز استقلال اقتصادی آن‌ها کمک مینماید نکات زیرین است که باید در نظر گرفته شود:

پرچم

## توطئه چینی‌ها هنوز ادامه دارد

اهالی زحمتکش و شریف خان آباد به ماهیت این توطئه پی برده و می‌دانند که این بهانه «سوء قصد» کاملاً دور از حقیقت می‌باشد و صرف به خاطر اینست که این‌ها از همکاران ورای دهندگان علاقمند کاندید موفق جریان دموکراتیک خلق افغانستان (عبدالقادر بهیار که فعلاً در زندان است) در جریان انتخابات گذشته بوده‌اند و به همین «جرم» زندانی شده‌اند. افکار عامه در خان آباد نسبت به این عمل خلاف قانون اعتراض مینماید و خواهان رهایی فوری آنان میباشند.

#### اهالی علاقه داری کوهستان از بیگار به ستوه آمده‌اند

علاقه کوهستان فاریاب تقریباً دارای هفت هزار نفوس میباشد که این هفت هزار نفر بالعموم به‌استثنای عده‌ای محدودی از اربابان و ثروتمندان منطقه زندگی بی‌نهایت فلاکت‌باری دارند و در شرایط بدوی حیات بسر میبرند و می‌توان گفت

که به‌صورت مطلق از نعمت سواد محروم‌اند.

چندی قبل اهالی فقیر منطقه از طرف مقام ولایت فاریاب به‌اجبار و بطور غیرقانونی به بیگاری کشانیده شدند که از مرکز ولایت تا علاقه داری کوهستان با وصف عدم وجود وسایل و قدرت لازم سرکی را احداث نمایند. برای احداث این سرک که حد اقل یک‌صد کیلومتر طول دارد و از سه کو تل بزرگ هر یک به ارتفاع تقریباً سه صد تا پنج صد متر خواهد گذشت و باید در چندین قسمت سنگ‌های بسیار بزرگی با وسایل بسیار ابتدائی بیل و کلند و جبل قطع و از سر راه برطرف گرد کم از کم روزانه یک هزار نفر چندین ماه پیم باید کار نمایند. همچنان اهالی این علاقه داری مکلف گردیده‌اند که مصارف تمدید لاین تیلفون را از سر حوض تا علاقه داری بپردازند. برای تمدید لاین یک هزار و دو صد پایه برآورد گردیده است که از جمله پنج صد پایه آن جبراً بر مردم تحمیل گردیده است که جهت تهیه آن، ایشان مجبور اند بیست و پنج هزار افغانی جمع آوری کنند.

اهالی زحمتکش و تیره بخت علاقه داری کوهستان ولایت فاریاب ازین وضع در اثر ستمگری مقامات حاکمه به ستوه آمده‌اند و اعتراض می‌نمایند که چرا حکومت خود، وظیفه خویش را نمی‌شناسد و سرک و لاین تیلفون را تمدید نمی‌کند که مردم را بطور غیرقانونی به بیگار می‌کشاند.

(س. ر از علاقه داری کوهستان)

دولت شوروی را حسن استقبال نمودند و روز نامه «المحرر» در این مورد می‌نویسد اتحاد شوروی امپریالیزم ایالات متحده امریکا را بر ضد مداخله در امور لبنان به‌موقع اخطار داد. در اعلامیه مشترک نمایندگان حزب سوسیالیست مترقی، حزب بعث، حزب کمونیست و نمایندگان دیگر نیروهای وطن پرست که بعد از یک ملاقات در منزل کمال جمبلات رهبر حزب سوسیالیست مترقی نشر گردیده موضع گیری‌های نیروهای مترقی لبنان را در پنج فقره ذیل خلاصه ساخته است. ادامه اعتصاب صلح‌جویانه تا برآورده شدن خواست مبنی بر آزادی اقامت گوریلاهای عربی در لبنان، مقاومت فعالانه در برابر سیاست ایالات متحده امریکا که خطر مداخله در لبنان را در بر دارد، تقاضا از تمام وطن پرستان که آرامش را حفظ کنند و به فتنه گری‌ها اجازه ندهند.

گر چه اکنون اوضاع در لبنان ظاهراً رو به آرامی می‌رود. مساعی چندین جانبه که برای کشیدن لبنان از این بحران صورت می‌گیرد ساحه مانور فیصله‌های سازمان ملل متحد راجع به حل وضع شرق میانه می‌نمود که بیرون کشیدن عساکر اسرائیل را از مناطق اشغال شده مربوط به عرب‌ها، حل عادلانه پرابلم مهاجرین فلسطین و همچنان دیگر موضوعات بر جسته را احتوا می‌کند. اعلامیه تاس توجه همه محافل جهان را به خود جلب کرده است. مطبوعات وطن‌پرست کشورهای عربی اعلامیه

در ولسوالی های پنجشیر و خان آباد در جریان انتخابات اکنون به غرض ارباب مردم متوسل به توطئه و اعمال سوء و غیرقانونی دیگر می‌گردند. نمونه از این‌گونه خودسری‌ها ذیلاً نشان داده میشود. سه تن از جوانان وطن‌پرست آفتاش خان آباد روز ۲۷ میزان به اتهام اینکه گویا علیه کدام شخص سوء قصد داشته‌اند، از طرف پولیس بازداشت و زندانی گردیدند. مگر گفته نشده که ایشان علیه چه کسی سوء قصد داشته‌اند و این عمل چطور و چه وقت عملی می‌شده است.

قانون شکن حاکمه به همکاری مستبد ین، مرتجعین و متنفذین محلی تهیه گردیده است به تعقیب و تهدید برخی از رای دهندگان مصمم و علاقمند جریان دموکراتیک خلق افغانستان می‌پردازند. برای پوشانیدن قانون شکنی‌ها من‌جمله

# دردنا، شکایت‌ساز و اعتراضات خلق

### زندگی مرگبار اکثریت اهالی فقیر و زحمتکش ولسوالی تگاب

با احداث بند بزرگ و کارخانه برق نغلو برای چند سال علاوه بر کارگران بیکار مناطق دیگر کشور یک تعداد از زحمتکشان تگاب نیز کار یافتند که این امر تاثیر مثبتی بر زندگی اهالی ولسوالی تگاب وارد آورد. ولی با ختم کار نغلو بار دیگر بیکاری مزمن شیوع یافت. بدین‌جهت زندگی اکثریت اهالی فقیر و زحمتکش ولسوالی تگاب فلاکت‌بار و مرگبار است.
**(د.ر)**

نکته قابل یادآوری است که مسؤولیت عواقب اعمال ضد کرامت انسانی، غیرقانونی، غیر دموکراتیک و خودسرانه مرتجعین بنام و متنفذین معلوم‌الحال در پنجشیر به عهده خود ایشان خواهد بود.
**(محل امضا و نشان انگشت یک عده از اهالی پنجشیر)**

(از ص اول)

### امپریالیزم مسؤول حوادث

کشور عربی است که با دیگر دول عربی پیوند نزدیک دارد و هیچ کس بهتر از خود دول عربی نمی‌تواند مسائل مربوط به لبنان را حل و فصل کند...

در اعلامیه علاوه شده است که واقعات لبنان نتیجه تشنج روزافزون شرق میانه میباشد که به علت تجاوز اسرائیل به وجود آمده است و عواقب آن تا حال رفع نگردیده است. اسرائیل فیصله‌های سازمان ملل متحد را عملی نمی‌کند. به سیاست ماجراجویانه تحریک آمیز خود بر ضد دول عربی ادامه می‌دهد. بعضی از نیروهای غربی به‌خصوص ایالات متحده آمریکا از این سیاست اسرائیل پشتیبانی می‌نمایند.

در اعلامیه شوروی گفته میشود که اگر واقعاً حکومت امریکا به استقلال و تمامیت ارضی دول عربی علاقه داشته باشد اول‌تر از همه مساعی خودرا متوجه اجرای هر چه سریع‌تر فیصله‌های سازمان ملل متحد راجع به حل وضع شرق میانه می‌نمود که بیرون کشیدن عساکر اسرائیل را از مناطق اشغال شده مربوط به عرب‌ها، حل عادلانه پرابلم مهاجرین فلسطین و همچنان دیگر موضوعات بر جسته را احتوا می‌کند.

اعلامیه تاس توجه همه محافل جهان را به خود جلب کرده است. مطبوعات وطن‌پرست کشورهای عربی اعلامیه

در جریان انتخابات دوره سیزدهم شوری که گذشت علاوه بر آنکه در برابر کاندیدهای مترقی و وطن‌پرست و بخصوص کاندیدهای جریسان دموکراتیک خلق افغانستان از وسایل مختلف تا سرحد برداشتن صندوق آراء خلاف هرگونه موازین قانونی و زندانی کردن کاندیدهای هواخواهان و علاقمندان رای دهنده استفاده به عمل آمد، دوستان، ایشان نیز مورد تعقیب، تخویف و تهدید قرار گرفتند. اکنون که گلیم انتخابات جمع گردیده است باز هم بر اساس لست سیاهی که در جریان انتخابات از طرف مقامات خودسر و قانون شکن حاکمه به همکاری مستبد ین، مرتجعین و متنفذین محلی تهیه گردیده است به تعقیب و تهدید برخی از رای دهندگان مصمم و علاقمند جریان دموکراتیک خلق افغانستان می‌پردازند.

برای پوشانیدن قانون شکنی‌ها من‌جمله

دیگر به قیمت بیشتر بالای خود دهقانان و یا بر دیگران بفروشند. تاجران هندی و پاکستانی و داخلی که در مقامات بالائی نفوذ دارند با جوازنامه یا بدون جوازنامه‌های تجارتی به کمک باغداران مقادیر زیاد انار را که حاصل رنج و کار مردم است و در بازارهای هند و پاکستان به نسبت خوبی و ارزانی فروش میگردد به شکلی انتقال می‌دهند که تحت هیچ‌گونه قید گمرکی قرار نمی‌گیرد و ازین طریق ثروت‌های هنگفتی به جیب غارتگران می‌ریزد.

حاکمه حالی میگردد که مردم پنجشیر ناگزیر می‌گردند در برابر این‌همه خودسری‌ها و قسانون شکنی‌های ولسوال پنجشیر به همدستی مرتجعین معلوم‌الحال که دامنه آن وسیع‌تر میگردد و حقوق و آزادی‌های مردم مصرح در قانون اساسی صریحاً پامال میگردد خاموش نشینند. این

خواهش ما از اداره محترم جریده پرچم اینست که فریاد اعتراض ما را بگوش مردم برساند تا بهتر درک نمایند شعارهای قانون و قانونیت که پیوسته از طریق رادیو و جراید حکومتی پخش میگردد چه مفهومی دارند!

همچنین بدین‌وسيله به مقامات مربوط

امریکا را در لبنان شدیداً محکوم می‌کنیم. لبنان به کمک نظامی امریکا احتیاج ندارد. باید امریکا از عواقب عمل خود باخبر باشد.

جمهوریت عرب متحد، سوریه، عراق، الجزایر، لیبیا، سودان و دولت مردمی یم جنوبی طرفداری‌شان را از موسسه آزادی فلسطین و اعاده نظم و آرامش در لبنان اعلان و مداخله امریکا را در امور داخلی لبنان محکوم نمودند.

جراید جمهوریت متحد عرب حوادث اخیر لبنان را نشانه سرنگونی رژیم‌های ارتجاعی دانسته می‌نویسند که مبارزات خلق عرب روز بروز توسعه می‌یابد. مردم لبنان نخواهند گذاشت که ارتجاع لبنان سد راه مبارزه آن‌ها گردد.

امپریالیزم امریکا بدست ارتجاع لبنان از پشت سر به مبارزان عرب فلسطینی ضربه می‌زند.

در یک اعلامیه تاس به حکومت ایالات متحده امریکا اخطار داده شده است که از مداخله در امور داخلی لبنان خود داری کند. در اعلامیه گفته میشود «حوادثی که در لبنان صورت می‌گیرد موجب نگرانی مردم شوروی میباشد.» اعلامیه می‌گوید که نباید یک

و اقتصادی امپریالیزم و غارتگران داخلی وابسته به امپریالیزم پیگیر و سرسخت مبارزه نمایند و روابط اقتصادی خود را با کشورهای سوسیالیستی که به نفع استقلال اقتصادی این کشورهاست توسعه دهند.

(س، ک)





د افغانستان و تنګ دموکراتيک افکارو خپروونکی

۱۲ عقرب ۱۳۴۸

## اسناد کانگرس اتحاديه کارگري جهان

هفتمين کانگرس اتحاديه کارگري

جهان به تاريخ ۲۷ اکتوبر به کار خود در بوداپست خاتمه داد. در این کانگرس نمایندگان ۹۷ کشور به نمایندگی از ۱۵۳ میلیون کارگر متشکل سهم گرفته بودند. در ختم کار کانگرس سندی به تصویب رسید که در آن عمل اتحادیه کارگري و مقام، نقش، اهمیت و وظایف جنبش اتحادیه کارگري در جهان معاصر تعیین گردیده است. در کانگرس فیصله‌های دیگری نیز اتخاذ گردید.

نمایندگان شامل کانگرس با علاقه‌مندی زیاد درخواستی را به مناسبت جشن صیدمین سالگرد تولدي ولادیمیر ایلیچ لنین به تصویب رساندند. در درخواست به کارگران و اتحادیه‌های کارگري تمام جهان خاطر نشان شده است که واقعبت امروز حد شدن تضادها بین منافع خلق کارگر و سیاستی را که امپریالیزم در پیش گرفته است به وضاحت تمام نشان می‌دهد. منازعات اجتماعی عمیق‌تر میشود، مبارزه اعتصاباتی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری وسعت می‌یابد، تجاوز امپریالیزم در

## اتحاد شوروی و چکوسلواکیا همبستگی خودرا با مبارزه مردمان عرب بر ضد تجاوز اسرائیل که از طرف امپریالیزم تقویت میشود

### ايراز داشتند

در ختم مسافرت رهبران حزبی و حکومتی چکوسلواکیا به شوروی اعلامیه‌ای نشر گردید. در اعلامیه گفته میشود: دوستی بین دو کشور که آزمایشات سختی را گذرانیده است نیروی حیاتی مقاومت پذیر خودرا باثبات رساند. اعلامیه تأکید می‌کند که همکاری اقتصادی بین اتحاد شوروی و چکوسلواکیا در ترقی اقتصادی شوروی صادرات پترول، آهن خام، کتان و دیگر انواع مواد خام و دیگر تجهیزات خود را به چکوسلواکیا از زیاد خواهد بخشید. اتحاد شوروی در راه تعمیر دستگاه‌های بزرگی جدید تولید برق اتومی به چکوسلواکیا کمک خواهد کرد. امکانات همکاری توسعه تولید موتزهای لاری در چکوسلواکیا تحت مطالعه قرار داده خواهد شد. اتحاد شوروی موافقه نموده است که در مورد خرید بعضی اموال که در چکوسلواکیا کم میباشد به آن کشور کمک بدهد.

هیأت چکوسلواکیا گفت که اتحاد نزدیک با کشورهای سوسیالیستی را به‌مثابه «مقدمه و نشانه حق حاکمیت واقعی چکوسلواکیا، به حیث تضمین امنیت ملی و رشد سوسیالیستی» تلقی مینماید.

طرفین ضمن اشاره به واقعات ۱۹۶۸ — ۱۹۶۹ گفتند که واقعات مذکور شاهد تلاش‌های امپریالیزم برای رخنه کردن به سوسیالیزم میباشد. هردو هیأت اظهار عقیده نمودند که مفهوم طبقاتی حق حاکمیت به هر دولت سوسیالیستی، به حزب کمونیست حق می‌دهد که اشکال و شیوه‌های ساختمان سوسیالیزم را در کشور خویش خود تعیین کند و همچنان مستقیماً وظیفه دارد که از قدرت طبقه کارگر و تمام خلق کارگر دفاع نماید...

طرفین فیصله نمودند که بیست و پنجمین سالگرد آزادی چکوسلواکیا را از متجاوزین نازی با امضای قرارداد جدید دوستی، همکاری و امداد متقابل برگزار نمایند. در اعلامیه از اتحاد شوروی دعوت به عمل آمده است تا هیأتی را غرض بازدید رسمی از چکوسلواکیا به آن کشور اعزام دارد.

### اتحاد شوروی برای بهبود مناسبات خود با جمهوری توده‌ای چین و همکاری با آن کشور کوشش می‌کند

در هفته گذشته در کاخ کرملین میتینگ باشکوهی به مناسبت پایان مسافرت دوستانه هیأت نمایندگی جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا برگزار شد. لیونید برژنف منشی عمومی حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن سخنرانی درباره مناسبات کشور خود با چین تودویی اشاره کرده و گفت:

حزب کمونیست و دولت شوروی حتی در بحرانی‌ترین دوران مناسبات این دو کشور همیشه از یک سیاست روشن و اصولی در مورد چین تودویی پیروی کرده است. سیاست شوروی کاملاً روشن و واضح است، ما در حالی که از منافع و از امنیت خود بطور جدی دفاع می‌کردیم آرامش خودرا تا حد ممکن حفظ می‌کردیم، ما در حالی که از موضع مارکسیزم، لنینیزم، از مسایل ایدئولوژی در باره ستراتیژی و تکنیک جنبش جهانی کمونیستی و کارگری،

### به عقیده ویلی برانت صدراعظم جدید آلمان فدرال بین دو آلمان (آلمان فدرال و آلمان دموکراتیک) می‌تواند مناسبات خاص برقرار شود

ولی برانت صدراعظم جدید آلمان فدرال پروگرام حکومت خودرا بیان داشت. وی گفت، سیاست حکومت او تحت علامت ادامه کاری و تجدید دوام کار خواهد کرد. وی در باره کنفرانس کشورهای اروپائی با وضع مساعدی سخن گفت و اظهار داشت اتحادیه‌های کارگري درخواست نمود که همبستگی با ویتنام و مبارزه برای خاتمه دادن به تجاوز امریکا در آنجا را تشدید کنند.

در سند گفته میشود که اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی در شرایط کنونی ضرورت جبريست.

ولی برانت اظهار داشت که طبق

### اعتصابات و تظاهرات در جهان غرب

- مبارزه کارگران موتر سازی رینو فرانسه با موفقیت با انجام رسید. هیأت مدیره فابریکه مجبور شدند قبول کنند که از اخراج ۹۵۰۰ کارگر خودداری گردد. این کارگران سرکار خود حاضر شدند.

در هفته گذشته ۷۰۰۰ کارگر این فابریکه واقع در شهر مان فرانسه به علت اخراج دسته‌جمعی کارگران قسمتی از فابریکه را اشغال کرده بودند. بعداً سایر کارگران به حمایت از رفقای کارگر خود دست به اعتصاب زده و اعلان کرده بودند اگر هیأت مدیره به تصمیم خود در باره اخراج دسته جمعی ۹۵۰۰ کارگر باقی بمانند بالای کار خود حاضر نمی‌گردند.

هیأت مدیره فابریکه در اثر مقاومت سرسخت کارگران مجبور شدند عقب نشینی نمایند.

- کارگران نساجی فرانسه در اثر مبارزان پیگیر و متحدانه پیروز شدند. این مبارزات دو ماه را در بر گرفت. بالاخره حکومت مجبور شد دستمزدهای ۴۵۰ هزار کارگر را اضافه کند؛ و از جانب دیگر اعتصاب کارگران پرزه سازی طیارات که سه هزار نفر اند و ۱۵۰ هزار کارگر برق هنوز هم ادامه دارد. \*\*\*

- خبرهای واصله از تمام ولایات ایتالیا حاکیست که موج اعتصابات بزرگی کارگري علیه کارفرمایان و استشارگران ادامه دارد. اعتصاب کارگران تیر سازی، ادویه سازی، ذوب فلز، کارگران ساختمانی که تعدادشان به يك میلیون می‌رسد دوام دارد. همچنان بیش از یکصد هزار کارگر

حادثه خونین و المناک ۳ عقرب که

کنون به نهضت سرتاسری ضد استبداد و ضد ارتجاع در کشور تبدیل گردیده است، زمینه‌ای برای تیارز عکس‌العمل‌ها و مطالبات محصلان، شاگردان و اهالی ولایات کشور نیز گردیده است، من‌جمله این روز در شهر جلال آباد با مظاهره خیابانی و در يك صف متحد دموکراتیک از طرف عده کثیری از محصلان پوهنتون ننگرهار، شاگردان معارف و اهالی شهر تجلیل شد. صبح روز سوم جهت بهبود مناسبات خود با جمهوری چین تودویی به عمل می‌آورد.

برژنف به ملاقاتی که در ماه گذشته بین الکسی کاسگین و چون لای صدراعظم چین در پیکن و مذاکراتی که هم اکنون بین نمایندگان هردو کشور ادامه دارد اشاره نموده و اظهار امیدواری کرد که این مذاکرات با موفقیت پایان یابد.

### به عقیده ویلی برانت صدراعظم جدید آلمان فدرال بین دو آلمان (آلمان فدرال و آلمان دموکراتیک) می‌تواند مناسبات خاص برقرار شود

نظر گومولکا منشی اول حزب کمونیست پولند (مورخه ۱۷ ماه می) با دولت پولند داخل مذاکره خواهد شد. در مورد دولت آلمان دموکراتیک او گفت، حاضر است رسماً اعلان کند که نسبت به این دولت نیز مناسبات آلمان فدرال به اساس اعمال زور بنا نخواهد بود.

او از شناسایی آلمان دموکراتیک امتناع ورزید و در عین حال بیان کرد وجود دو آلمان را قبول دارد. ولی بین آن‌ها می‌تواند مناسبات خاص برقرار شود.

چنانکه معلوم میگردد بیانیه ویلی برانت دو پهلو و ناروشن است. اعمال آینده این حکومت روشن خواهد کرد که صدراعظم آلمان فدرال چه می‌خواهد بگوید و کدام مشی سیاسی را دنبال خواهد کرد.

متحد دموکراتیک محصلان و شاگردان قطعنامه زیرین صادر گردید:

- «درد گرم به روح پاک شهیدان

۳ عقرب!  
- ما اشتراک کنندگان این تظاهر

### روز ۳ عقرب در جلال آباد تجلیل گردید

اعم از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، محصلین و متعلمین سوگند یاد می‌کنیم که در مبارزات ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم در مبارزات راه آزادی ازین قهرمانان که در راه مبارزه آزادی شهید شده‌اند الهام گرفته و در راه ادامه این مبارزات تا سر حد مرگ صادق باشیم.

ما در راه مبارزات نجات‌بخش خلق رنج‌کشیده خود اتحاد را همچو مردمک چشم حفظ و کسائی را که در راه اتحاد نیروهای مبارز واقعاً صدیق، به مقصد تضعیف نهضت سنگ اندازی و تفتین می‌کنند خانن به خلق و خانن به نهضت میدانیم.

- ما شدیداً اعتراض می‌کنیم که زندانیان صدیق و وطن‌پرست که در راه نجات خلق در جریان انتخابات دوره سیزدهم شوری و حادثات اخیر پوهنتون زندانی شده‌اند هرچه زودتر رها گردند.

- ما اخراج عده زیادی از برادران وطن‌پرست ما را از پوهنتون کابل لیسه ها و مکاتب شدیداً تبقیح نموده و خواهانیم تا هرچه زودتر حق تعلیم برای ایشان اعاده گرد.

ما اعمال تجاوزکارانه ضد کرامت انسانی و ضد ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی، عناصر متنفذ، فنودالان و بیروکراتان را در جریان انتخابات دوره سیزدهم شدیداً تبقیح می‌کنیم و خواهانیم تا هرچه زودتر دست تجاوز این عناصر کوتاه و آزادی‌های وسیع دموکراتیک افراد از قبیل تشکیل احزاب، سازمان‌های صنفی، اتحادیه محصلان، آزادی تظاهرات، اجتماعات و غیره منسقر شود.

ما از مبارزات ضد استعمار و ضد امپریالیزم سر اسر جهان و مبارزات قهرمانانه خلق پښتونستان، ویتنام و خلق‌های عرب پشتیبانی و همبستگی خودرا اعلام می‌داریم. شادباد روح شهیدان سوم عقرب! پیروز باد مبارزات آزادی‌بخش! پاینده باد اتحاد و همبستگی همه نیروهای واقعاً صدیق!

نابود باد فرهنگ ارتجاعی و استعماری  
نابود باد استبداد، ارتجاع، استعمار و امپریالیزم!»

## تجلیل روز ۳ عقرب از طرف شاگردان لیسه ابوعبید جوزجانی در میمنه

درین میتینگ به‌اتفاق آراء تمام اشتراک کنندگان فیصله گردید که هرگاه یکی از ایشان هم بعداً مورد تهدید هیأت اداری لیسه و تعقیب پولیس قرار بگیرند بطور دسته جمعی به دفاع بر خیزند.

میتینگی ساعت يك بعد از ظهر با شعارهای: دردوگرم به روان شهیدان ۳ عقرب!، مرگ بر دشمنان خلق!، مرگ بر ارتجاع و امپریالیزم!، مرگ بر کسانى که در راه تأمین وحدت ملی افغانستان موانع به وجود می‌آورند!، پیروز باد پیکار آزادی‌بخش خلق پښتونستان، خلق قهرمان ویتنام، خلق‌های شجاع عرب بر ضد ستم، تجاوز و امپریالیزم!، زنده باد خلق افغانستان! پایان یافت

### روز ۳ عقرب در مرکز ولایت لغمان تجلیل شد

اقلیت مفتخوار و نمایندگان و دستیاران شان در دستگاه اداره دولت افغانستان مورد استعمار و ستم قرار می‌گیرند. علل و عوامل اصلی رنج‌ها، مشقات، فقر و بدبختی‌های ایشان در چیست. اجتماع شاگردان پس از ایراد بیانیه‌های متعدد با دادن شعارهای گرم به پشتیبانی از خلق آزاد افغانستان و بر ضد دشمنان داخلی و خارجی خلق کشور و به مناسبت روز ۳ عقرب خاتمه یافت.

<b>پرچم</b>			
<b>صاحب امتیاز<span> </span>: سلیمان لایق</b>	<b>مدیر مسؤل: میر اکبر خیبر</b>		
<b>تلیفون: ۲۳۱۶۴</b>	<b>د یوی کنی بیه ۲/۵ - افغانی</b>		

تایپ متن قاسم آسامی

ویرایش جدید: عمر فیض



# پرحم

ناشرانیدیه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۳۱-سال دوم دوشنبه ۲۶ عقرب ۴۸- ۱۷ نومبر ۶۹، شماره مسلسل (۸۲)

## انجام اصلاحات دموکراتیک

### ارضی و صنعتی کردن کشور مسأله حیاتی کشور ماست

معلوم است که کشور ما از لحاظ رشد اقتصادی سخت عقب مانده است، در حالی که از احراز استقلال سیاسی کشور پنجاه و یک سال میگذرد، لیکن منابع سرشار طبیعی ما همچنان بلا استفاده باقی مانده است و آهنگ رشد اقتصادی کشور بطور وحشتناکی کند است. رشد نسبی که در اثر تطبیق دو پلان پنجساله اول و دوم در اقتصاد کشور پدیدار شد، به علت سلطه عوامل فئودالی و نو استعماری و کارشکنی های گوناگون در دستگاه دولت متوقف گردید، طوری که کنون آهنگ متوسط رشد سالانه طبق تخمینات در حدود ۲/۷ فیصد بوده و حد متوسط افزایش سالانه در عاید ملی ۱/۵ فیصد است. در حالی که تنها میزان افزایش نفوس در سال بالغ بر ۲/۵ فیصد میگردد.

علت عمده کندی رشد اقتصادی افغانستان قلت میزان پس انداز داخلی بهمنظور تامین سرمایه گذاری می باشد. عدم تمرکز سرمایه داخلی به علت رسوخ قوی سرمایه تجاری امپریالیستی در اقتصاد ناتوان کشور و نقش طبقات و قشر های ارتجاعی جامعه در توزیع غیر عادلانه عاید ملی مانع تسریع آهنگ رشد اقتصادی کشور میگردد.

سیاست اقتصادی نادرست حکومت افغانستان که نقش ارتجاعی را در امر حفظ وابستگی اقتصادی کشور ما تا حدود زیادی به کشورهای سرمایه داری بازی نموده موجب تضعیف بنیه مالی آن گردیده است. همچنین توزیع غیر عادلانه عاید ملی که در نتیجه آن از یکسو فقر روزافزون توده های وسیع مردم کشور تشدید میگردد و از سوی دیگر قسمت اعظم عاید و تولید ملی بنابر مصارف تجملی قشر های ثروتمند و مصارف غیر تولیدی به هدر میرود، موجب نازل بودن سطح پس انداز داخلی در کشور میگردد.

در حالی که با اتخاذ روشی سالم در زمینه اقتصاد کشور کاملاً میسر است. از یکسو با کاستن مصارف زیاد دولتی و وضع مالیات های عادلانه و استفاده صحیح و به نفع مردم از منابع ملی مبالغ هنگفتی را برای سرمایه گذاری صرفه جویی کرد و از سوی دیگر از طریق کمک های خارجی که فاقد هرگونه شرایط سیاسی باشد رشد نسبی اقتصاد کشور را تامین نمود.

## پنجاه و دومین سالگرد انقلاب

### کیر سوسیالیستی اکتبر

پنجاه و دو سال قبل به تاریخ ۷ نوامبر (۲۵ اکتبر بر اساس جنتری معموله در روسیه تزاری) ۱۹۱۷ پرولتاریای روسیه به اتحاد دهقانان تحت رهبری حزب قهرمان خود و در راس آن لنین بزرگ به پیروزی شگرفی، پیروزی تاریخی-جهانی نایل گردید و حکومت شوروی را در یک ششم کره زمین بنیاد نهاد. به انجام انقلاب اکتبر تاریخ در آستانه عصر نوین - عصر گزار از سرمایه داری به سوسیالیزم وارد گردید. انقلاب اکتبر راه را بر روی بشریت به سوی جامعه نوین، جامعه سوسیالیستی گشود، به حاکمیت بالامنزاع امپریالیزم در جهان خاتمه داد و جهان را به دو سیستم متضاد - سرمایه داری و سوسیالیزم تقسیم کرد که در نتیجه آن به تمام جریان تاریخ تغییر وارد آمد. درین مورد لنین نوشت: «...ما حق داریم افتخار داشته باشیم و افتخار داریم که فرصت نیک با ما یاری کرد تا ساختمان یک دولت شوروی را آغاز نماییم و بدین وسیله در تاریخ جهان به دوران جدیدی داخل شویم. دوران حاکمیت طبقه جدید، طبقه ای که در هر کشور سرمایه داری تحت ستم است، اما در همه جا به پیش به سوی یک زندگی نو در پیشرفت است، به سوی دکتاتوری پرولتاریا، به سوی

کشور عقب مانده ای چون افغانستان که در نتیجه محدود بودن امکانات مالی و تمرکز سرمایه نمی تواند از ایجاد و تعمیم بخش عامه اقتصاد و دریافت کمک های مساعد اقتصادی و فنی خارجی اصولاً صرف نظر نماید.

ولی هیات حاکمه و محافظ حاکمه ارتجاعی کشور زیرکانه تلاش میورزند تا با تضعیف بخش عامه اقتصاد راه را بر طریق مترقی تکامل غیر سرمایه داری که دورنمای سوسیالیستی را می گشاید به بندند. شرایط و امتیازات همه جانبه ای را برای سرمایه های امپریالیستی آماده سازند، آمیزش سرمایه های امپریالیستی را با سرمایه های خصوصی داخلی تشویق نمایند و بدین طریق کشور را در جهت وابستگی با امپریالیزم سوق دهند. در عمل می توان مشاهده کرد که اینگونه تلاش ها کشور را با رکود و بحران اقتصادی مواجه ساخته است.

راه خروج از این وضع به موازات مبارزه به خاطر تامین دموکراسی در کشور مبارزه برای به وجود آوردن رستاخیز ملی، ایجاد تحولی اساسی در جامعه، انجام اصلاحات عمیق اجتماعی و اقتصادی بهمنظور پایان بخشیدن به عقب ماندگی کشور است. در مرکز ثقل چنین مبارزه به خاطر ایجاد یک اقتصاد ملی شگوفان متکی بر خود و تامین استقلال اقتصادی کشور دو مسأله حیاتی:

اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی و صنعتی ساختن کشور قرار دارد.

(ب.ک.)

## برچیده شدن پایگاه های نظامی

### از لیبیا خواست عمده مردم لیبیا است

صدر شورای انقلابی لیبیا اظهار داشت که هدف انقلاب تامین آزادی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خلق و آزاد ساختن آن ها از استثمار، فقر، عقب ماندگی و بیماری می باشد.

و این اهداف در شرایط اشغال لیبیا برآورده شده نمی تواند. او گفت که برچیده شدن پایگاه های نظامی از خاک لیبیا خواست عمده مردم است. ما از تصادم اجتناب می ورزیم لهذا در اول از وسایل مسالمت آمیز برای رسیدن به این هدف استفاده می کنیم ولی اگر ضرورت ایجاد کند مردم لیبیا اسلحه بدست خواهند گرفت و از سرزمین خود دفاع خواهند کرد.

تاوده درودونه د ویتنام په زرورو خلکو چه د آزادی او خپلواکی په خاطر د امریکې د امپریالیزم د تیرې په مقابل کی قهرمانانه جنگیږی!

تاوده درودونه وی په هغو خلکو چه د استعمار زخیرونه شلولی دی او د خیل حاکمیت د تحکیم او د اجتماعی مترقی ودی په خاطر مبارزه کوی!

له شوره ډک درودونه د عربو په خلکو چه د امپریالیزم او اسرایلو د تیرې په مقابل کی زړه ور مبارزه کوی!

## باید موانع از سر راه تشکیل مستقل

### احزاب رفع گردد!

در سال اخیر دوره دوازدهم شورای قانون احزاب از طرف هردو مجلس شورای تصویب گردید. از آنجائی که در همین هنگام قانون ضد دموکراتیک پوهنتون ها که جوانان و محصلان را از شرکت در حیات سیاسی محروم می کرد، با عکس العمل جدی نیروهای ملی و ترقی خواه کشور و موج عظیم اعتصابات و تظاهرات شاگردان و محصلان مواجه شد و در اثر این فشار قانون مزبور که به وسیله فرمان تقنینی نافذ گردیده بود، از طرف ولسی جرگه لغو گردید. این امر در مورد قانون احزاب نیز تأثیر بخشید. در اثر پیشنهادی، ماده واحده قانون احزاب بار دیگر در ولسی جرگه مطرح و سن قانونی شمول در حزب از ۲۵ به ۲۰ پائین

آورده شد و غرض طی مراحل قانونی به مشرانو جرگه سپرده شد. ضرورت جدی است که باید قانون احزاب هر چه زودتر تصویب و به مرحله اجرا گذاشته شود، زیرا در شرایط کنونی مردم تنها از طریق احزاب و سازمان های دموکراتیک و توده ای در مسایل حیاتی کشور می توانند سیم فعال بگیرند. ادعای «دموکراسی» در یک جامعه طبقاتی بدون ایجاد مستقل احزاب و سازمان های سیاسی که نمایندگی از طبقات مختلف می نمایند جز مانور عوام فریبانه چیز دیگری نیست. در قانون اساسی افغانستان برخی از حقوق و آزادی های مردم و منجمله تشکیل اجتماعات و احزاب به رسمیت شناخته شده است. ولی در عمل از طرف هیات حاکمه کشور به بهانه های گوناگون از تحقق این اصل

جامعه طبقاتی بدون ایجاد مستقل احزاب و سازمان های سیاسی که نمایندگی از طبقات مختلف می نمایند جز مانور عوام فریبانه چیز دیگری نیست. در قانون اساسی افغانستان برخی از حقوق و آزادی های مردم و منجمله تشکیل اجتماعات و احزاب به رسمیت شناخته شده است. ولی در عمل از طرف هیات حاکمه کشور به بهانه های گوناگون از تحقق این اصل

## برای توسعه مؤسسات تعلیمی هیچ اقدام اساسی صورت نگرفته است

میدهند. به تعداد ۹۲۹۹۷ نفر به حیث شاگردان مکاتب دهائی شامل رقم بالا است که اسما شاگرد شمرده شده اند. در صورتی که یک ربع نفوس اعم از ذکور و اناث یعنی از هر چهار نفر یک نفر از جمعیت کشور را آماده شمول به مکاتب و مؤسسات تعلیمات عالی حساب نماییم، چهار میلیون انسان کشور باید هم اکنون مشغول تحصیل می بودند: در حالی که فقط ۵۴۶ هزار نفر مجال تحصیل (!) را دارند.

مجموع مکاتب در افغانستان بالغ بر ۲۶۲۸ باب میگردد که بطور متوسط هر یک در حدود ۲۰۵ شاگرد می تواند داشته باشد. باید در نظر داشت که از جمله ۲۶۲۸ باب مکاتب ۱۳۵۹ باب آن مکاتب دهائی است که در آن ها نه درس، نه معلم و نه مواد

در یکی از محافل به اشتراک رونه ماهو مدیر عمومی بونسکو که اخیراً وارد افغانستان گردیده بود، بناعلی دوکتور محمد اکرم وزیر معارف ادعا کرد که: «حکومت افغانستان از سال های متمادی به این سو مساعی اعظمی خود را برای توسعه مؤسسات تعلیمی صرف کرده.»

قابل توجه است که با وصف صرف «مساعی اعظمی» حکومت افغانستان طی سالیان متمادی بازم مجموع تعداد شاگردان و محصلان کشور فقط به ۵۴۶ هزار نفر در ۱۶ میلیون نفوس آن بالغ میشود که از جمله ۵۴۶۵ نفر آن را محصلان مشمول پوهنتون کابل، پوهنتون ننگرهار پولی تخنیک، انستیتوت ادار و صنعت و دارالمعلمین عالی تشکیل

نادر گفت:

دوستان ما کسانی اند که بما کمک می کنند و می دهند و دشمنان ما کسانی اند که بدست اسراییل اسلحه می دهند و آن را جهت حمله بر ما تحریک می کنند

جمال عبدالناصر رییس جمهور جمهوریت متحد عرب در بیانیه بزرگ و تاریخی که حین افتتاح دومین دوره اجلاسیه اسامبله ملی آن کشور ایراد نمود

دوستان و دشمنان عرب ها را مشخص ساخت.

ناصر در بیانیه خود سیاست آمریکا را در شرق میانه مورد حمله شدید قرار داده اظهار داشت: کمک های نظامی و اقتصادی که ایالات متحده آمریکا به اسراییل می نماید نه تنها حل بحران شرق میانه را به تعویق می اندازد،

(ص ۳)

## چگونه کوپراتیف های مالداري

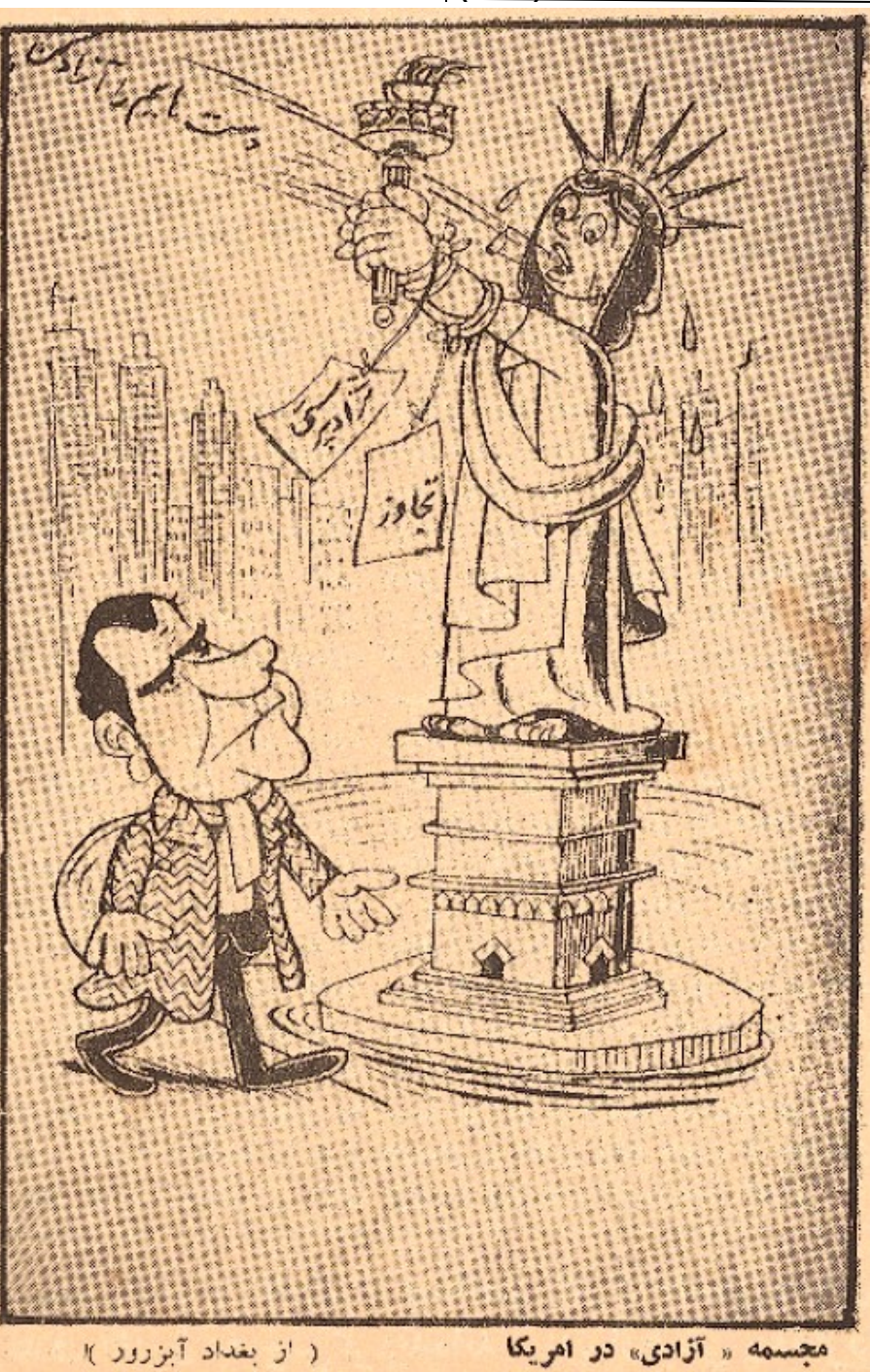
### وزراعتی!

ارتقای سطح تولید زراعتی به پیمانها وسیع علاقه نگیرند. جای تعجب است که چگونه می توان کوپراتیف های زراعتی را بدون انجام اصلاحات دموکراتیک ارضی و بدون اشتراک دهقانان تشکیل کرد و آنگاه ادعا نمود که بدین وسیله سطح محصولات زراعتی بالا برده میشود.

ایجاد کوپراتیف های مالداري به اشتراک مستقیم دام پروران و مالداران کوچک و به نفع ایشان و کوپراتیف های زراعتی بر پایه اصلاحات دموکراتیک ارضی به اشتراک دهقانان و به نفع ایشان امری مفید و ضروری است، نه ایجاد شرکت های انحصاری به سرمایه گذاری مالداران بزرگ و ملاکین بزرگ بنام کوپراتیف که هدف از آن فقط سو استفاده و سودجویی است.

به سلسله اخبار تبلیغاتی مربوط به تاسیس «کوپراتیف های مالداري و زراعتی» در کشور، اخیراً تاسیس یک «کوپراتیف مالداري» به سرمایه ابتدایی پنج میلیون افغانی بهمنظور «پرورش و تربیه بهتر مواسی و برای تقویه مالداران» اطلاع داده شد. تجربه نشان داده است که هدف از تشکیل چنین مؤسسات بنام «کوپراتیف های مالداري و زراعتی» در کشور جز انحصار امور مالداري در چند دست محدود متنفذین محلی و تشدید درجه استثمار دهقانان چیزی نیست.

زیرا مولدین واقعی و تربیه کنندگان مواسی نه تنها در چنین «کوپراتیف ها» سهمی ندارند، بلکه به وسیله آن ها استثمار می گردند. لهذا نمی توانند برای تقویه مالداري و یا





مویر تر اوسه پوری د اجتماعی شعور د ماهیت او د ټولنی په تکامل کی د هغه د اهمیت په باره کی خبری وکړی. اوس د هغه په راز راز شکلونو باندی غریبړو او دا کار له سیاسی او حقوقی افکارو نه شروع کوو چه د هغوی رول خاصتاً په اجتماعی ژوند کی اهمیت لری.

### ۳- سیاسی او حقوقی افکار

**سیاست او سیاسی روابط**
تزرڅخه د مخه د طبقاتو او پر ټولنی باندی د قدرت او تسلط پیداکولو لپاره د طبقاتو د مبارزی ترمنځ روابط دی، سربیره پر دی د دولتونو او ملتونو ترمنځ مناسبات د سیاست په دنیا پوری مربوط دی. سیاست د طبقاتو او طبقاتی مبارزی او دولت پیدایښت سره را پیدا شو.

سیاست د یو دولت په فعالیت کی د دی فعالیت عمده لوری (جهت) دی.

سیاست د طبقاتو تر منځ د روابطو په حیث، د ټولنی له اقتصادی ساختمان، له زیربنا نه زیری. د سیاست منشا او د ټولنی له اقتصادی ساختمان سره د هغه نه شلیدونکی رابطه روښانه شویده. سیاست د اقتصاد د مترکم بیان او د هغه د تعمیم او پای په حیث تعریف شویدی. بیا په تیره په سیاست کی دی چه د طبقاتو اقتصادی منافع په کامله او هراړخیزه توگه بیانیری.

مگر سیاست چه له اقتصاد نه زیری پخپل وار پر اقتصاد او د اجتماعی تکامل په ټول جریان ستر تاثیر لری. د اقتصاد رشد د اجتماعی نظام تحول برابروی خو سره له دی دا تحول د خلکو آگاهانه فعالیت نتیجه ده، داسی فعالیت چه سیاست د هغه لارښود دی. سیاست نشی کولای چه پر اقتصاد وړاندی نشی او دا پدی معنی ده چ اقتصادی او تولیدی وظیفو ته باید د سیاسی او طبقاتی له نقطه نظره نږدی شو. بی له سم سیاسی برخورد نه یوه معینه طبقه نشی کولای حکومت پخپل لاس کی وساتی او بنا پردی نشی کولای خپله تولیدی وظیفه هم سر ته ورسوی.

د سیاسی افکار او د هغوی اهمیت:

د انسانانو سیاسی افکار او نظریات له سیاست سره نږیدی رابطه لری. که سیاست د طبقاتو ملتونو او دولتونو مناسبات مشخص کوی، نو سیاسی افکار دا مناسبات منعکسوی او د هغوی پایه ږدی.

د طبقاتی مبارزی او انقلاب په مورد کی، د دولتی او اجتماعی ساختمان په مورد کی، د ملتونو او دولتونو تر منځ د مناسباتو په مورد کی، د سولی او جگری د مسایلو په مورد کی د دغی یا هنی طبقی نظریات کرد سره سیاسی افکار شمیرل کیږی.

دا نظریات د طبقاتو په مستقیمه مبارزه کی، د دولت او حزبونو او نورو سیاسی سازمانونو او موسسو په فعالیت کی، د اجرا مرحلی ته نوزی. سیاسی افکار د دولتونو په اساسی قوانینو کی، او د نورو حزبونو او سیاسی سازمانونو په پروگرامونو او اعلامیو کی، په تیوریکو آثارو او نورو اسنادو کی منعکسیږی.

په هغو ټولنو کی چه په متخاصمو طبقاتو ویشل شویدی، د سیاسی افکارو خصلت پدی پوری ټرلی دی چه د افکار د کومی طبقی د گټو بیانونکی دی، استعمارونکی طبقه غواری چه د سیاسی افکارو په مرسته د خپل حاکم و مسلط موقعیت بنسټ ودروی او خپله اقتصادی زیربنا پیاوړی کړی. همدا د هنی د افکارو خصلت ټاکی. مگر استعماریدونکی طبقه پخپلو سیاسی افکارو کی دا استتماری نظام د ورکو کولو د لزوم او د بی استثماره نوی ټولنی د هستولو بنسټ ږدی. د استثماریدونکو سیاسی ایدیالوژی د انقلابی مبارزی ایدیالوژی د زاره د نرولو او د نوی هستولو ایدیولوژی ده.

**له مترقی آثار و نه**

په اوسنی حال کی په نړی کی دوه متضادی ایدیولوژی یعنی د کارگرو د طبقی ایدیولوژی او بورژوازی ایدیالوژی سره په مبارزه کی دی. د کارگرو د طبقی سیاسی ایدیولوژی د پرولتاری انترنشنلیزم ایدیالوژی، د ټولو هیوادونو د زیارایستونکو د دوستی ایدیالوژی، د سولی، دموکراسی او سوسیالیزم لپاره د ټولو مترقی قوتونو د یووالی او مرستی مشترکه مبارزه ده. د علمی جهانبینی (علمی نری لید) په تیوری کی ددی ایدیالوژی هراړخیز او کامل بیان د مترقی حزبونوپه پروگرامونو او د سوسیالیستی هیوادونو په اساسی قوانینو کی لیدل کیږی. دا ایدیولوژی د کارگرو د طبقی د طبقاتی مبارزی او د سوسیالیزم او ... د کامیابی د لزوم بنسټ ږدی او په سیاسی مبارزه یعنی د طبقاتی مبارزی په عالیترین شکل کی د کارگرو د طبقی او د هنی د سیاسی حزب لارښوونکی ده.

د کارگرو د طبقی سیاسی افکار او سیاست اجتماعی تکامل د قوانینو په پیژندنه باندی ولاړ دی. او د خلکو د پرگنو له گټلو سره بشپړ مطابقت دی د تاریخ تجربه د مترقی نهضت د سترو کامیابیوچاره، حیرانوونکی قوت او د هغوی د ژوند قابلیت ښی.

د کارگرو د طبقاتی د سیاسی افکارو په مقابل کی بورژوازی امپریالیستی سیاسی افکار واقع دی چه د هغوی هدف د سرمایه داری غلامی ساتل، د سرمایه داری نظام مقدس ښودل او سرمایه داری ورستی اقتصادی زیربنا پیاوړی کول دی. د افکار، د کارگرو د طبقی ا د دموکراتیکو قوتونو د خپلو سیاست په هیواد کی د ننه، د ملی اسارت سیاست او د نوی جهانی جگری د تدارک بنسټ ږدی.

معار ارتجاعی بورژوازی سیاسی افکار علمی جنبه نلری. هغوی د ټولنی د تکامل د عینی قوانینو سره، د خلکو له گټو سره په تضاد کی دی او په همدی وجه د هغوی ماته حتمی ده. لکه څنگه چه د هیټلر افکار د نړی د تسلط دپاره ماته وخوره، هماغه راز چه زموږ د سترگو وړاندی استعماری ایدیولوژی او سیاست شریږی ټول نور ارتجاعی بورژوازی امپریالیستی افکار به له ماته سره مخامخ شی.

سیاست او سیاسی افکار د اجتماعی شعور تر ټولو شکلونو اقتصادی زیربنا ته ډیر نږدی دی هغوی د دولت، حزبونو او نورو سیاسی سازمانانونو د فعالیت له لیاری پر زیربنا او د اجتماعی تکامل پر ټول جریان اغیزه کوی. بربریره پردی

**داستانی از زمان باستان:**

آورده‌اند که در باستان زمان مردی پارسا را در بلخ بامی ضرورت استحمام افتاد. صبحگاهی که سپیده پگاهی دامن لاجوردی سپهر را نقره کاری کند و بپیک سحر با زمزمه نسیم سحر کاری، آن پارسی پاکیزه در جستجوی حمام پوییدن گرفت. اند آنجا حمامی بود مفاک مرگ را مانند، از آن روایات ترسناک و عجایبات وحشتناک گفتندی که شر شرزه را از شنسیدن آن زهره آب شدی و دل نریمان از آ «پر اضطراب. تصادف را پارسا به آن تیره مفاک روی آورد و از درب حمام که دهن بلا را مانند بود در حلقوم دهلیز مرگ خزیدن گرفت و سرانجام از تن جامه برکندن. آنگاه که طلب پاکیزگی موجب عریانی شد احساس تنهایی به ناآشکیزیایی انجامید. رعشه هراس در

**پرچم**

**۲**

# اجتماعی شعور او د هغه رول

کاندی، نه یواځی د دولتی دستگاه به بلکه له حقوقی افکارو څخه هم استفاده کوی او د دی افکارو په مرسته، په جامعه کی جاری حقوق موجه ښی. د هغوی طبقاتی خصلت پټوی او داسی ښیی چه دا حقوق د عدالت او خیر غوښتنی تر ټولو عالی مظهر دی.

مثلا سرمایه داری ټولنه به را واخلو. په دی ټولنه کښی بورژوازی حقوقی سیستم حکمفرما دی چه بورژووازی حقوقی افکار د هنی بنسټ ږدی، د دی افکارو هدف دا دی چه ثابتہ کړی چه گواکی په ټولنه کی تر بورژوازی حقوق زیات عادلانه حقوق نشی شته کیدلای. او گواکی دا حقوق د دموکراسی تجسم دی او بورژوازی قضاوت د دغه یا هغه لوری نه نیستی او نور. په حقیقت کی بورژوازی حقوق د سرمایه داری په خدمت کی دی، د سرمایه داری مالکیت ساتنه او ځارنه کوی او د مترقی قوتونو د خپلو او استثمار توجیه په غاړه لری. د سوسیالیستی دولت له پیدایښت سره سوسیالیستی حقوق پیدا کیږی، هغه لومړنی حقوق چه د ټولنی په تاریخ کی د لمرنی خل دپاره د انسانانو طبقاتی نابرابری له مینځه وړی.

سوسیالیستی حقوق او حقوقی افکار چه هغه توجیه کوی د طبقاتی ټولنی له حقوقو او حقوقی افکارو سره له ریښی توپیر لری. په سوسیالیستی ټولنه کی حقوق او حقوقی افکار د خلکو د گټو مبین دی او د سوسیالیستی اقتصاد یعنی سوسیالیستی مالکیت ساتی او پیاوړی کوی بی، انسانان د قوانینو د مراعات له روح او د وظایفو د اجرا سره سم روزی.

## ۴ – اخلاق

**د اخلاقو ماهیت او په اجتماعی ژوند کی د هغه مقام**

اخلاق یا آداب او رسوم په ټولنه کی د انسانانو د رفتار د موازینو او قواعدو

## در شالیزار ویتنام

**در کنار رودخانه مادری افسرده و پریشان می‌گردید. هنوز در صورت او آثار ترس دیده میشو؛د و وحشت مرگ چشمانش را فراگرفته.**

**یک شلیک گلوله زندگی کودکش را از هم پاشیده.**

**یک شلیک گلوله وحشت و مرگ برای او به‌جا گذاشته.**

**ولی مادر بیچاره نمی‌داند که مرگ از کجا می‌آید.**

**از سرزمین نرگس، از رود خانه و یا از آسمان؟**

**او این را نمی‌داند. می‌گردید و در ناامیدی در شالیزار ویتنام بسر می‌برد. آیا یک بیت کنگ است یا یک ویتنامی؟ مادر افسرده این را نمی‌داند!**

**ولی تو ای بیگانه میدانی تقصیر از کیست!**

**(از رفاeil چارونه شاعر ایتالوی)**

# پدید آمدن پارسايي در گرمابه پيل پايان

## و از خود رفتن آن پارسا

خون و عروق محتلم دويدن گرفت و دل طهارت طلب راه طييدن.
آخرالامر روشنشان هراس زده آن پارسا بر مردی افتاد که در گوشه حمام بکار استحمام پرداخته می‌آمد.
دلش اندکی آرامی گرفت و روی به آن آدمک آورد و دید آنچه دیدن را نباید و نشاید.
پاهایش در صورت رقیده چون پای پیلان اما اندکی در قاعده گفیده.
پارسا که عنان کار و رشته اختیار از دست داده بود از قرار به قرار گرانیدن گرفت و بهسوی برون دويدن.
با نفس سوخته و حواس باخته به‌جمامه گاه شد تا تن عریان بیوشاند و راه خانه بهمیامد.
هنوز فرصت جامه پوشیدن نیاورده بود که خادم حمام پدید آمد و علت آن آشفتگی و سراسیمگی را جویا شد.
پارسا با لکنت زبان و کلاتت بیان که برجست و از ماجرا پرسیدن آغاز

**یو علمی بحث**

مجموعه ده چه د انسانانو نظریات د عدالت او بیعدالتي، نیکی او بدی، شرافتمندی او ناشرافتمندی او نورو په باره کی مشخصوی. د حقوقو د موازینو توپیر د اخلاقو د موازینو او قواعدو سره پدی کی دی چه په تدوین شویو قوانینو کی د اخلاقو د موازینو او قواعدو هیڅ اثر نشته دی او د هغو ملاتړ یواځی د افکارو، عاداتو او اجتماعی تربیت قوت یا په بل عبارت د انسان د اندرونی عواطفو قوت دی. هغوی د انسان روابط له ټولنی سره، د نورو هیوادونو له خلکو سره له کورنی او نورو انسانانو سره ټاکی.

اخلاق له بشری ټولنی سره یوځای مینځ ته راغی. بشری ټولنه تل خپلو غرو نه معینی مطالبی لری چه د اخلاقی موازینو په ښکل انعکاس کوی، دا موازین ابدی نه دی او د ټولنی له تکامل سره او په تولید کی د تغیراتو تر تاثیر لاندی او تر هرڅه د مخه د تولید د مناسباتو له تغیر سره تغیر مومی. په لومړنی ټولنه کی اخلاقی موازین د ټولنی د ټولو افرادو دپاره یو راز وو. د طبقاتو له پیدایښت سره دا موازین له دغی یا هنی طبقی د گټو مبین شول او اخلاقو طبقاتی خصلت وموند. په هغه ټولنه کی چه په

متخاصمو طبقاتو ویشل شوی ده، د استثماروونکو د اخلاقو تر خوا، د استثماریدونکو اخلاق هم شته دی. سره له دی چه د حاکمی طبقی اخلاق مسلط اخلاق دی، د بردگی په ټولنه کی د برده لرونکو اخلاق تسلط لری، د فیودالی په ټولنه کی د فیودالو اربابانو اخلاق او بالاخره بورژوازی ټولنه کی د سرمایه دارانو اخلاق د نوی په مقابل کی د غلامانو، رعایاوو او پرولتارانو اخلاقی موازین او اصول واقع دی.

اخلاق چه د روڼا له عناصرو څخه دی، د ټولنی د ژوند پر ټولو اړخونو باندی اغیزه کوی او د کار زیار او مالکیت سره د انسانانو د روابطو له لیاری پر اقتصاد اغیزه کوی؛ مثلا مترقی اخلاق، سوسیالیستی مالکیت مقدس او له هر راز تبری څخه بی مصنون اعلاموی او پدی توگه د سوسیالیزم د اقتصادی بنسټ ځارنه او ساتنه خپل شعار گرزوی. په عین حال کی اخلاق له سیاست سره مستقیمه رابطه لری: د دولت پر سیاسی عمل د اخلاقو له نظره څیړل کیږی، د ټولنی غزی یا هغه تاییدوی یا بی مردود بولی. طبیعتا د خلکو د پرگنو له خوا د دغه یا هغه سیاسی عمل اخلاقی تائید د هغه د کامیابی د تامین مهم عامل دی.

په اوسنی حال کی په جامعی کښی دو ډوله اخلاق د یوبل په مقابل کی ولاړ دی: بورژوازی اخلاق او مترقی اخلاق، د هغو دود هر یوه ماهیت څه دی او هر یو کوم اجتماعی وظایف سر ته رسوی؟ بورژوازی اخلاق چه د بورژوازی امپریالیستی گټو دفاع پر غاړه لری د ټولنی په تکامل کی ارتجاعی رول لوبوی.

اجتماعی عمده وظیفه یی د سرمایه داری بنسټ یعنی د خصوصی مالکیت او استثمار ساتنه او حفاظت دی.

د بورژوازی خصوصی مالکیت سلطه بورژوازی اخلاق تعینوی چه د انسانانو تفرقی مایه ده او د هغوی د گټو د لاس ته راوستلو د پاره د یوبل دښمنان او رقیبان گرزوی. سرمایه دار د گټی (سود) د تحصیلولو په مسابقه کی ټول انسانی اخلاقی موازین تر پښو لاندی کوی، د هغوی سرنوشت، د هیواد او ټولنی سرنوشت سره لویب کوی او خپلی شخصی گټی تر ټولو شیانو لوری بولی. د بورژوازی اخلاقو اساسی اصل اندیودالیسم د افراط تر پولی پوری دی. «انسان د انسان لسیوه دی»، «هرڅوک د خان له پاره .» دا دی د بورژازی ټولنی اخلاقی موازین. ښکاره ده چه په هغه ټولنه کی چه خصوصی مالکیت حکمفرما دی او د اخلاقو معیار بیسی دی، په هغه ټولنه کی چه هرشی «عشق، شرافت، وجدان» اخیستل او خرڅول کیږی. نور موازین نشی شته کیدلای.

### مترقی اخلاق:

مترقی ترین، انسانی ترین او اصیل ترین اخلاق، همدا اخلاق دی چه د ټولنی ټولو ته نږدی اکثریت د غرو د گټو مبین دی نه د یو موتی استثماروونکو د گټو مبین.

مترقی اخلاق، هغه اخلاقی موازین احتوا کوی چه د خلکو پرگنو د استثماروونکو سره په مبارزی کی یا د اخلاقی مفاسنو په مبارزی کی لاس ته راوستی بیا په تیره د کارگرو طبقی اخلاق چه د معصری ټولنی تر ټولو مترقی طبقه او د نوی مترقی ټولنی هستونکی ده، د ټولنی ا اخلاقو تکامل او د مترقی اخلاقو د مطالباتو او موازینو په پیدایښت کی لوی اهمیت لری. مترقی اخلاق د سرمایه داری په ټولنه کښی زیږول کیږی، هنی ټولنی کښی د پرولتاریا اعتراض د دی اخلاقو بیانونکی دی. پرولتاریا هڅه کوی چه د انسانی ژوند قواعد چه د سرمایه داری د غلامی نه د آزادو انسانانو متقابل کمک او مرسته، رفاقت، دوستانه روابط بنسټ دی او پیاوړی کړی، مگر په بورژوازی ټولنه کښی د کارگرو د طبقی اخلاق مسلط اخلاق ندی. مترقی اخلاق هغه وخت تسلط مومی چه سرمایه داری ورکه شی او سوسیالیستی ټولنه مینځ ته راشی.

مترقی اخلاق د پرولتاریا د طبقاتی مبارزی د گټو تابع دی د مترقی ټولنی د سرته رسولو او پیاوړی کولو لپاره مبارزه د مترقی اخلاقو مضمون او هدف دی. د مترقی اخلاقو له نظره هغه څه چه د ترقی خوا ته د ټولنی حرمت ته مرسته رسوی، اخلاقی دی. د سوسیالیستی ټولنی د هر غزی شخصی رفاه او د ثروت سرچینه، کار او زیار دی. کار او زیار د سوسیالیستی ټولنی د هر انسان وجدانی چاره او وظیفه ده. له دی کبله د ټولنی د رفاه او اسایش دپاره د وجدان له مخی کار او اجتماعی ثروت د ساتلو او زیاتولو دپاره د هرچا کوشش او ځارنه د مترقی اخلاقو د مهمو مطالباتو څخه دی.

**(نوربیا)**

**امروز (دوشنبه ۲۷ عقرب) حکومت موظف ښاغلی نور احمد اعتمادی برای کسب رأی اعتماد به ولسیجرگه حاضر گردید و عدهیی از وکلای ولسیجرگه بر اساس قرعه در باره حکومت و خط مشی آن سخن گفتند.**

**بیرک کارمل وکیل کابل در نوبت خود از جانب سازمان سیاسی دموکراتیک خلق افغانستان سخنرانی کرد که متن کامل آن را به زبان‌های پشتو و دری در شماره آینده تقدیم خواهیم کرد.**









د افغانستان د متحد دموکراتیک افشارو څېړنويکي

۲۶ عقرب ۱۳۴۸

## انعکاسات پنجاه و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتوبر در مطبوعات و محافل جهانی

روزنامه المجاهد چاپ الجزایر تحت عنوان «یک نقطه عطف در تاریخ» می‌نویسد: امروز ۵۲ سال بعد از انقلاب اکتوبر سوسیالیزم در سیاره ما مواضع مستحکمی را بدست آورده است و بسیاری از کشورهای که خود را از اسارت استعمار آزاد ساخته، راه رشد سوسیالیستی را انتخاب نموده‌اند.

روزنامه «البعث» چاپ سوریه در مضمونی تحت عنوان «انقلاب اکتبر در قرن ۲۰ دوران جدید – دوران سوسیالیزم را آغاز نمود» راجع به اهمیت دوران ساز انقلاب پرولتری در روسیه با تأثیر آن بر سرنوشت ملل مشرق، نقش لنین در مبارزه توده‌های کارگر به خاطر آزادی، سعادت و ترقی مطالبی نوشته است.

## رییس جمهور آمریکا نمی‌خواهد به جنگ ویتنام خاتمه دهد بلکه می‌خواهد آن را ویتنامی سازد

مردم آمریکا و جهان پس از انتظار طولانی بیابیه موعود ریچارد نکسن را در باره پروگرام های آینده حکومت آمریکا راجع به جنگ ویتنام، به تاریخ ۳ نومبر شنیدند. گرچه در مورد بیابیه نکسن که مبین سیاست آینده حکومت آمریکا راجع به ادامه جنگ ویتنام میباشد، تبلیغات وسیعی صورت گرفت تا اگر ممکن شود که احساسات و هیجاناتی را که بر ضد جنگ ویتنام در مردم آمریکا به وجود آمده فرونشاند و افکار عامه جهانیان را در لایه‌لای تبلیغات فریبنده گمراه سازد. ولی بالاخره معلوم گردید که در بیابیه ریچارد نکسن هیچ مطلب تازه‌یی وجود ندارد که واقعاً به قطع جنگ ظالمانه ویتنام و استقرار صلح شرافتمندانه در آن سرزمین کمک نماید. از آن رو بیابیه مذکور در هر جا با عکس‌العمل منفی مواجه گردید.

سناتور ادوارد کندی بیابیه اخیر نکسن را در باره جنگ ویتنام یک بیابیه پوچ و عوامفریبانه خواند. وی گفت: اشخاصی که فکر می‌کردند نکسن افق جدیدی را در سیاست شرق دور به میان خواهد آورد، به ناامیدی مواجه شدند.

نکسن در باره جنگ ویتنام چیز تازه‌یی نگفت. وی از سیاسی دفاع کرد که میلیون‌ها آمریکایی بر آن اعتراض دارند. سناتور کندی گفت: مردم آمریکا از آدم کشی در ویتنام به ستوه آمده‌اند. مادران آمریکایی دیگر نمی‌خواهند پسران شان را به کشتارگاه ویتنام بفرستند. نکسن هیچ امیدی به خاتمه دادن به این کشتار نداد و حتی اعلان نمود که در صورت لزوم جنگ ویتنام ادامه خواهد یافت.

### آپولوی ۱۲ به فضا پرتاب شد

آپولوی ۱۲ با سه نفر سرنشین آن به‌منظور پیاده شدن بر مهتاب به فضای خارجی پرتاب گردید. طبق پروگرام پیش بینی شده این بار مدت اقامت انسان در کره مهتاب طولانی‌تر خواهد بود و به فاصله بعیدتر گردش خواهد نمود.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	تایپ متن: فرهاد بارکزوی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
	ویرایش جدید: عمر فیض	

مطبعة دولتی

درو د گرم به خلق شجاع ویتنام که علیه تجاوز امپریالیزم امریکا به خاطر آزادی و استقلال کشور خود قهرمانانه می‌جنگند!

خلق قهرمان ویتنام پیروز میشود!

\*\*\*

درو د آتشین به خلق‌های که زنجیر استعمار را پاره کرده‌اند و به خاطر تحکیم حاکمیت و رشد مترقی اجتماعی می‌رزمند!

درو د پرشور به خلق‌های عرب که علیه امپریالیزم و تجاوز اسراییل شجاعانه مبارزه می‌کنند!

## د نهرود بین‌المللی تفاهم جایزه خان عبدالغفار خان ته وسپارله شوه

د ۱۹۶۷ کال د پاره د نهرود بین‌المللی تفاهم جایزه د مجلو مراسمو په ترڅ کی د پښتونستان ستر ملی مشر خان عبدالغفار خان ته ورکړله شوه. په هغی ستری او شاندارۍ ټولنی کی چه په دغه مناسبت په نوی ډهلی کی جوړه شوی وه، د هند د جمهور رییس، د هند د جمهور رییس مرستیال، د هند صدراعظمی میرمن اندرا گاندهی او زرهاوو نورو کسانو گډون کړی وو. دغه جایزه چه سل زره کلدارۍ او یوه سپاس نامه لری د هند د جمهور رییس وی. وی. گیری شوی ده.

## د عقرب د دریمی ورځی مراسم په لشکرگاه کښی

د وروستی اطلاعات وایی چه د عقرب د دریمی ورځی په مناسبت د لشکرگاه متعلمانو او متعلمینو مظاهره وکړه. شاگردانو په اتو بجو د لشکرگاه د لیسی په صحن کښی یوه غونډه تشکیل کړه او بیا د غونډی گډون کوونکی د مظاهری په توگه د ښار واټونو ته را ووتل. مظاهره کوونکو دا شعارونه

## مراسم ۳ عقرب در ولایت کندز برگزار گردید

برگزاری مراسم یادبود خاطره سه عقرب که اکنون دیگر به سنتی از سنن مبارزات دموکراتیک ضد ارتجاع و استبداد در کشور ما تبدیل شده است، امسال نیز در مرکز و ولایات افغانستان ضمن تظاهرات و میتینگ‌های صورت گرفت، چنانچه برخی از اخبار آن را در شماره گذشته پرچم به خوانندگان خویش تقدیم کردیم.
اشتراک کنندگان در میتینگ عقرب که اکنون دیگر به سنتی از سنن مبارزات دموکراتیک ضد ارتجاع و استبداد در کشور ما تبدیل شده است، امسال نیز در مرکز و ولایات افغانستان ضمن تظاهرات و میتینگ‌های صورت گرفت، چنانچه برخی از اخبار آن را در شماره گذشته پرچم به خوانندگان خویش تقدیم کردیم.
خبر تازه می‌رساند که خاطره این روز تاریخی در ولایت کندز نیز ضمن میتینگی در صحن لیلیه دارالمعلمین بموسيله شاگردان آزادیخواه، طی ایراد بیابیه‌ها و قرانت اشعار جذابی تجلیل گردید.

## موج عظیم دیگری از مظاهرات ضد جنگ ویتنام در آمریکا آغاز شد

مردم آمریکا طوری که قبلاً اعلان گردیده بود، روز ۱۵ اکتوبر را به حیث روز اعتراض علیه جنگ ظالمانه ویتنام و همبستگی با خلق ویتنام در سراسر آن کشور با تظاهرات عظیم و شکوهمندی که سابقه نداشت برگزار کردند. در این تظاهرات بیش از یک میلیون نفر اشتراک ورزیده بودند. در این تظاهرات بزرگ و با عظمت تاریخی که مرحله دوم آن در ماه نومبر آغاز گردید، شخصیت‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی آمریکا مانند ایورل هرمن، آرتر کول برک سابق رییس هیئت نمایندگی آمریکا در موسسه ملل متحد و غیره اشتراک کرده بودند.

مرحله دوم تظاهرات ضد جنگ ویتنام بروز ۱۳ نومبر در سراسر ایالات متحده آمریکا آغاز گردید، که سه روز ادامه یافت. در این تظاهرات بیش از صد سازمان و دو میلیون نفر اشتراک ورزیده بودند.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>پرچم</b>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
	<b>صاحب امتیاز<span> </span>: سلیمان لایق</b>	
	<b>مدیر مسؤول: میر اکبر خیبر</b>	
	<b>تلیفون: ۲۳۱۶۴</b>	
	<b>د یوی کڼی بیه ۲/۵ - افغانی</b>	

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>درو د گرم به خلق شجاع ویتنام که علیه تجاوز امپریالیزم امریکا به خاطر آزادی و استقلال کشور خود قهرمانانه می‌جنگند!</b>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
	<b>خلق قهرمان ویتنام پیروز میشود!</b>	
	<b>***</b>	
	<b>درو د آتشین به خلق‌های که زنجیر استعمار را پاره کرده‌اند و به خاطر تحکیم حاکمیت و رشد مترقی اجتماعی می‌رزمند!</b>	
	<b>درو د پرشور به خلق‌های عرب که علیه امپریالیزم و تجاوز اسراییل شجاعانه مبارزه می‌کنند!</b>	

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>درو د گرم به خلق شجاع ویتنام که علیه تجاوز امپریالیزم امریکا به خاطر آزادی و استقلال کشور خود قهرمانانه می‌جنگند!</b>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
	<b>خلق قهرمان ویتنام پیروز میشود!</b>	
	<b>***</b>	
	<b>درو د آتشین به خلق‌های که زنجیر استعمار را پاره کرده‌اند و به خاطر تحکیم حاکمیت و رشد مترقی اجتماعی می‌رزمند!</b>	
	<b>درو د پرشور به خلق‌های عرب که علیه امپریالیزم و تجاوز اسراییل شجاعانه مبارزه می‌کنند!</b>	

## عادی شدن مناسبات بین چین و اتحاد شوروی در راه تقویه سوسیالیزم و تمام جنبش انقلابی کمک خواهد کرد

نیکولای پودگورنی صدر هیأت رییسه شورای عالی اتحاد شوروی در اجتماعي که به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد انقلاب اکتوبر در کریملین دایر گردیده بود، ضمن اشاره به نتایج مذاکره بین شوروی و چین که همین اکنون در پیکنگ جریان دارد اظهار داشت که نتیجه مساعد مذاکرات اتحاد شوروی و چین «در راه عادی ساختن مزید مناسبات بین اتحاد شوروی و چین، تقویه سوسیالیزم جهانی و تمام جنبش انقلابی کمک خواهد نمود. ما به مناسبات خود با جمهوریت مردمی چین انقلابی کمک خواهد نمود. ما نزدیکی برگزار گردید اهمیت بزرگی قایلیم. در نخستین سال‌های بعد از

پيروزی انقلاب مردم چین که به کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اتکا می‌کردند در راه تعمیر مجدد کشورشان به موفقیت‌های زیادی نایل گردیدند. بدبختانه، در سال‌های اخیر مناسبات بین جمهوری توده‌ای چین و اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بنا بر دلایلی که به همه ما معلوم است خراب شده و وقتاً فوقتاً بدتر گردیده است. البته این هیچ نوع کمکی به مبارزه ضد امپریالیزم نمی‌رساند و بر علاوه آن برای دشمنان مشترک طبقاتی ما منبع رضایت و خوشی میباشد.»

راکیفلر می‌گوید:

## زمینه ایجاد کیوبای دیگر در سراسر آمریکای لاتین فراهم است

راکیفلر ملیونر معروف امریکا و والی نیویارک چندی قبل بنا به توصیه نکسن به کشورهای امریکای لاتین سفر کرد و راپور مفصّلی در ختم مسافرت پر جنجال و پرماجرای خود تهیه و به رییس جمهور نکسن تقدیم نمود. وی در راپور خود به نکسن می‌نویسد: زمینه ایجاد کیوبای دیگر در سراسر آمریکای لاتین فراهم است. او از نکسن خواسته است تا در مقابل خطری (!) که کشورهای امریکای لاتین را تهدید می‌کند کمک‌های نظامی و پولیسی خود را به کشورهای مذکور افزایش دهد. راکیفلر جنبش‌های آزادی‌بخش

راکیفلر ملیونر معروف امریکا و والی نیویارک چندی قبل بنا به توصیه نکسن به کشورهای امریکای لاتین سفر کرد و راپور مفصّلی در ختم مسافرت پر جنجال و پرماجرای خود تهیه و به رییس جمهور نکسن تقدیم نمود. وی در راپور خود به نکسن می‌نویسد: زمینه ایجاد کیوبای دیگر در سراسر آمریکای لاتین فراهم است. او از نکسن خواسته است تا در مقابل خطری (!) که کشورهای امریکای لاتین را تهدید می‌کند کمک‌های نظامی و پولیسی خود را به کشورهای مذکور افزایش دهد. راکیفلر جنبش‌های آزادی‌بخش

محمد جعفر التایمری گفت:

**مردم سوډان امروز با دو دشمن عمده روبرو هستند:**

مشترک علیه امپریالیزم و استعمار کشورهای سوډان و شوروی را بهم نزدیک می‌کند. مناسبات هردو کشور بر اساس حقوق برابر و احترام متقابل برقرار گردیده است. او گفت که حوادث انقلاب ماه می گذشته در سوډان نتیجه تکامل سریع و اجتناب ناپذیر جریان جنبش‌های آزادی‌بخش ملی میباشد که در کشورهای در حال رشد آغاز گردیده است. این جنبش را نه خارج توسط قوت‌های امپریالیستی خواهد داد. پورگورنی گفت: مبارزه

پودگورنی صدر هیئت رییسه شورای عالی اتحاد شوروی در دعوتی که به‌افتخار رییس شورای انقلابی و صدراعظم سوډان محمد جعفر لایمری در کرملین ترتیب داده شده بود، بیانییه‌یی ایراد کرد. پودگورنی گفت: دولت و مردم شوروی در آینده کوشش خود را در راه رشد دوستی و توسعه مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با جمهوریت دموکراتیک سوډان افزایش خواهد داد. پورگورنی گفت: مبارزه





# ناشرانديشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۲۲-سال دوم دوشنبه ۳ قوس ۴۸- ۲۴ نومبر ۶۹، شماره مسلسل (۸۳)

## په ولسی جرگه کی د مؤظف

### دراعظم بناغلی نوراحمد اعتمادی په حکومت

#### باندی د اعتماد رای په جلسه کی د کابل د بنار وکیل

#### ببرک کارمل وینا

یا دونه:

دیارلسمه تقنینیه دوره (شوری) د ۱۳۴۸ کال د میزان په ۲۲ نیټه پرانستله شوه.

دیارلسمه تقنینیه دوره شوری د (۵) فقری په اساس د بناغلی اعتمادی حکومت له منځه لاړ. خو بیا دی د صدراعظم په حیث وټاکل شو چه نوی حکومت تشکیل کړی. مؤظف صدراعظم بناغلی اعتمادی د اساسی قانون د (۸۹) مادې په اساس د ۱۳۴۸ کال د عقرب په ۲۶ نیټه د خپل حکومت غړی او تگ لاره ولسی جرگی ته معرفي کړله. د ولسی جرگی جلسی او د وکیلانو مباحثی د رادیو افغانستان له خوا خپری شوی. له قانون سره سم د جلساتو په پای کی په حکومت باندی د اعتماد په باره کی تصمیم نیول کیری. د کابل د بنار وکیل ببرک کارمل په لومړی وړخ کی وروسته له غرمی له ټاکلی ترتیب سره سم دولسم نفر و چه د هیواد د خلکو په د فاع کی د افغانستان د خلگ دموکراتیک سیاسی سازمان په نمایندگی خپله مستدله تاریخی او علمی وینا وکړله چه د هغی پراخه اغیزه په ټول هیواد کی خر گنده ده. دغه موزجه او پیاوړه وینا چه د ولسی جرگی د داخلی وظایفو د اصولو له (۲۴) مادې سره سم د لسو دقیقو د پاره په نظر کی نیولی شوی وه په حقیقت کی په اوسنیو شرایطو کی زموږ تگلاره اود تسزونو یوه برخه ده. بدغی وینا کی په لاندی ټول دغه ټکی شامل دی:

- د افغانستان خلگ دموکراتیک سیاسی سازمان د هویت او ایدئولوژی تصریح.

- د هیواد د غمچنی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی او ثقافتی وضعی لنډ تحلیل.

- د حاکمی اداری دستگاه د فساد بریندول.

- د افغانستان د خلکو د دموکراتیکو فشرونو او طبقاتو د نژدی او لری غوښتنو او رنخونو انعکاس.

- خلکو، د خلکو دوستانو، د خلکو دا خلی او خار چی دښمنانو تشخیص او د افغانستان د خلکو د نجات لاره.

- په اوسنی تاریخی مرحله او شرایطو کښی له اجتماعی، اقتصادی، سیاسی او ثقافتی لحاظه داخلی او.....

.....

- د هیواد د بیرته پاته کیدو د عاملینو تشخیص او د استبداد، ارتجاع، استعمار او امپریالیزم په ضد د مبارزی اوسنی وظیفی، د تاکتیک او استراتژیکی مراحلو له نظر زموږ او د لنډی اوږدی مودی شعارونه او هدفونه. اوس نو زموږ د ټولو ملگرو جدی وظیفه ده چه د خپل پیش آهنگ سازمان تر پرچم لاندی د اصولو او د هیواد د مقتضیاتو په چوکاټ کی یو موټی او په بشپړ یووالی او انضباط سره د دغی نجات بڼونکی وینا د محتویاتو د تحقق په لاره کی چه د افغانستان د خلکو دموکراتیک جریان له مرامی اصولو سره سم او زموږ د تگ لاری په اساس په علمی او سیستماتیک ډول تدوین شوی ده او په ملی او بین‌المللی بگر کی ستره اغیزه لری په پرله پسی او کلکه مبارزه وکړی او زیات هوښیار اوسی چه له دغی وینا وروسته زموږ دښمنان لا محیل او مکار شوی دی او زموږ په ضد په شومو تورو دسیسو لاس پوری کړی. بڼانی چه په زوروتیا او هوښیاری سره د هغو ټولی دسیسی شندی کړی. بله د یادونی خبره داده چه د پرچم په را ټلونکو گڼو کی په پورتنی ټکی (سره له دی چه په پرچم زیاته اندازه دا کار شوی دی) بیا هم تحلیل او توضیح شی تر خو چه زیاته رټا په واچو له شی. بله دا چی فوسونو کی خو لنډی یادونی یواخی د مطلب د تصریح په غرض شوی دی.

امپریالیزم در مبارزه بر ضد جنبش آزادی‌بخش ملی از یک‌طرف با سرسختی از بقایای سیستم استعماری دفاع می‌کند و از طرف دیگر در تلاش به خاطر مانع شدن از پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دولت‌های در حال رشد، کشورهای که حاکمیت ملی‌شان را بدست آورده‌اند از شیوه‌های استعمار نو کار می‌گیرد. بدین منظور از محافل ارتجاعی پشتیبانی می‌کند، از بین رفتن عقب مانده‌ترین ساختمان‌های اجتماعی را به تعویق می‌اندازد و سعی می‌کند تا در راه مترقی این کشورها در طریق سوسیالیزم یا راه رشد مترقی غیر سرمایه داری که راه را برای سوسیالیزم باز می‌کند موانع ایجاد نماید. امپریالیست‌ها برین کشورها موافقت‌نامه‌های اقتصادی و پیمان‌های نظامی و سیاسی ای را تحمیل می‌کنند که حاکمیت شان را تحدید می‌نماید. آن‌ها این کشورها را از طریق صدور سرمایه، قراردادهای نابرابر تجارتي، سوءاستفاده از قیّم، نرخ‌های تبادلّه، قروض و اشکال مختلف به‌اصطلاح کمک، وارد کردن فشار از طریق مؤسسات مالی بین‌المللی استثمار می‌نمایند.

(از وظایف مبارزه علیه امپریالیزم...)

## سخنرانی ببرک کارمل وکیل

### شهر کابل در جلسه رأی اعتماد بر حکومت

#### بناغلی نور احمد اعتمادی صدراعظم مؤظف

تذکر:

دوره سیزدهم تقنینیه (شوری) در ۲۲ میزان ۱۳۴۸ - افتتاح گردید. طبق ماده نودیکم، فقره 5 قانون اساسی، حکومت بناغلی اعتمادی از بین رفت. ولی وی دوباره به حیث صدراعظم مؤظف گردید تا حکومت جدید خود را تشکیل دهد. بناغلی اعتمادی صدراعظم مؤظف بر حسب ماده ۸۹ قانون اساسی به تاریخ ۲۶ عقرب ۱۳۴۸ اعضاء و خط مشی حکومت خود را به ولسی‌جرگه معرفی نمود که گزارش جلسات و مباحثات وکلا از طریق رادیو افغانستان پخش گردید که قانوناً بعد از ختم جلسه راجع به اعتماد بر حکومت تصمیم گرفته میشود. در همان روز اول (بعد از ظهر دوشنبه 26 عقرب) ببرک کارمل وکیل شهر کابل به ترتیب قرع بعد از یازدهم نفر بیانیه تاریخی مستدل و علمی‌ای را به نمایندگی از سازمان سیاسی دموکراتیک خلق افغانستان، به دفاع از خلق کشور ایراد کرد که انعکاس وسیع آن در سراسر کشور مشهود است. این بیانیه موزج و نیرومند ما که برحسب ماده (۲۴) اصول وظایف داخلی ولسی‌جرگه برای ده دقیقه در نظر گرفته شده بود، در حقیقت در شرایط کنونی به‌مثابه خط مشی و بخشی از تزه‌های ماست که به‌صورت فورمولبندی شده و فشرده محتوی نکات ذیل است:

- تصریح هویت سازمان سیاسی افغانستان و ایدئولوژی وی.

- تحلیل موزج از وضع فلاکت‌بار اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور.

- افشاگری فساد دستگاه حاکمه.

- انعکاس رنج‌ها و خواست‌های نزدیک و دور طبقات و اقشار دموکراتیک خلق افغانستان.

- تشخیص خلق، دوستان خلق و دشمنان داخلی و خارجی خلق و راه نجات خلق افغانستان.

- خط مشی و وظایف رستاخیز دموکراتیک خلق افغانستان درین مرحله تاریخی و شرایط کنونی در عرصه‌های داخلی و خارجی و از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

- تشخیص عاملین عقب ماندگی کشور و وظایف کنونی مبارزه علیه استبداد، ارتجاع، استعمار و امپریالیزم، شعارها و هدف‌های نزدیک و دور مبارزه ما از لحاظ تکنیک و مراحل استراتژیک.

اکنون وظایف رزمنده تمام رفاقت که تحت پرچم سازمان پیشاهنگ خود، در چوکات اصول و مقتضیات کشور به‌صورت فشرده و با همبستگی و انضباط کامل در عمل در راه تحقق محتویات این بیانیه نجات بخش خلق افغانستان که بر حسب اصول مرامی د.خ. ا و خط‌مشی‌ها به‌صورت علمی و سیستماتیک تدوین گردیده است و در عرصه ملی و بین‌المللی حایز تأثیر عظیمی میباشد، بطور پیگیر و استوار مبارزه نمایند و جدأ هشیار باشند که بعد ازین بیانیه دشمنان ما محیل تر، مکارتر گردیده به دسایس سیاه و توطئه‌های شوم علیه ما دست خواهند زد. باید شجاعانه و هشیارانه همه دسایس آن‌ها را نقش بر آب کرد.

قابل ذکر است که در آینده در جریده پرچم هر یک از نکات این بیانیه (با وصف اینکه اغلب در جریده پرچم صورت گرفته است) بازهم تحلیل و توضیح خواهد شد تا روشنی بیشتری به آن افداجته شود.

نکته دیگر اینکه چند تذکر کوچک در میان هلالین صرف به غرض تصریح مطلب صورت گرفته است.

می‌یابد و مسأله گرفتن قدرت سیاسی از طرف خلق محراق بیکار ماست، بار دیگر این موضوع مطرح است که باید در پیشگاه خلق افغانستان علماً ثابت کنیم چرا به حکومت‌های سابق افغانستان و به حکومت مؤظف کنونی بناغلی اعتمادی رأی اعتماد نداده و نمی‌دهیم. برای فهم درست موضوع نخست باید میان خلق و ترقی از یکسو، ضد خلق و ارتجاع از سوی دیگر خط فاصل روشنی کشید و عاملین جنایت‌بار عقب ماندگی کشور و وظایف مبارزه را تشخیص داد.

مسلماً حکومت افغانستان مظهر قدرت سیاسی طبقات حاکمه در کشور است. طبقات و اقشار حاکمه افغانستان عبارت‌اند از: ملاکین فئودال، تاجران بزرگ کمپرادور، بیروکرات‌ها و روشنفکران مرتجع که به‌وسیله دستگاه اداره دولت بر خلق ستم می‌کنند و بخش عظیمی از هستی جامعه ما را با وحشیگری می‌بلعدند. خلق ما را: کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران، قشرهای متوسط و تمام نیروهای وطن‌پرست و ترقی‌خواه یعنی تخمین ۹۵ فیصد ملت افغانستان تشکیل می‌دهد.

وظیفه تاریخی ماست که باید در راه آزادی و منافع خلق علیه دشمنان داخلی و خارجی خلق با عزم راسخ و ایمان پرشور مبارزه کنیم. تا افغانستان کهن، فقیر و ناتوان، به افغانستان نوین غنی و مقتدر تبدیل گردد.

چرا باید مبارزه کرد؟

برای اینکه توده‌های وسیع مردم ما از طرف طبقات حاکمه به طرز بی‌رحمانه‌یی استثمار می‌شوند. ترس (بقیه در صفحه ۳)

ایدئولوژیک وی در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیزم است و با اتکاء به نیروی ملی و در نظرداشت اشکال گوناگون نبرد طبقاتی در صورت قانون احزاب نیز اصولاً مبارزه خواهد کرد.

در حالی که جنبش رهانی‌بخش خلق‌های آسیا، افریقا و امریکای لاتین وارد مرحله نوینی گردیده و مبارزه رهانی‌بخش خلق کشور رشد

به خاطر رنج‌های عظیم خلق ستمکش افغانستان، به خاطر عشق به وطن محبوب‌ها: ببرک کارمل وکیل کابل موضع‌گیری سازمان سیاسی دموکراتیک خلق افغانستان را دربارہ حکومت مؤظف بناغلی اعتمادی واضح می‌سازد. موضع‌گیری این سازمان راستین طراز نوین و پیشاهنگ زحمتکشان افغانستان که جهان‌بینی علمی سلاح نیرومند

## مردم امریکا جنگ ویتنام را محکوم می‌نمایند

### و از آن نفرت دارند

دهد عمیقاً نفرت دارند و طرفدار جدی قطع فوری جنگ در ویتنام می‌باشند و از طرف دیگر خلق ویتنام بار دیگر دیدند و حس کردند که آن‌ها از پشتیبانی مصمم و صمیمانه کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای مترقی جهان به شمول مردم صلح‌دوست و شریف امریکا برخوردار می‌باشند.

ما در شماره گذشته، خبر آغاز تظاهرات عظیم و باشکوه مخالفت با

جنگ ویتنام را در امریکا و دیگر نقاط جهان نشر کرده بودیم که اینک طبق وعده تفصیل تظاهرات مذکور را تقدیم می‌کنیم:

دو هزار نفر در واشنگتن علیه سیاست حکومت نکسن در ویتنام دست به نمایش زدند.

در بین مظاهر کنندگان که از نقاط مختلف امریکا به واشنگتن آمده بودند از مردان کهن‌سال تا جوانان خورد سال دیده می‌شدند. یکی از جوانان که

قهرمانانه می‌جنگند، برگزارای روز سفربری بین‌المللی به خاطر خاتمه دادن به جنگ ویتنام در تمام قاره‌های جهان از یک طرف بار دیگر نشان داد که تمام بشریت مترقی و کلیه مردم صلح‌دوست جهان به شمول خلق شریف امریکا از سیاست حکومت ایالات متحده امریکا که نمی‌خواهد جنگ و آدم کشی در ویتنام خاتمه

بدهد عمیقاً نفرت دارند و طرفدار جدی قطع فوری جنگ در ویتنام می‌باشند و از طرف دیگر خلق ویتنام بار دیگر دیدند و حس کردند که آن‌ها از پشتیبانی مصمم و صمیمانه کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای مترقی جهان به شمول مردم صلح‌دوست و شریف امریکا از سیاست حکومت ایالات متحده امریکا که نمی‌خواهد جنگ و آدم کشی در ویتنام خاتمه

بدهد عمیقاً نفرت دارند و طرفدار جدی قطع فوری جنگ در ویتنام می‌باشند و از طرف دیگر خلق ویتنام بار دیگر دیدند و حس کردند که آن‌ها از پشتیبانی مصمم و صمیمانه کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای مترقی جهان به شمول مردم صلح‌دوست و شریف امریکا از سیاست حکومت ایالات متحده امریکا که نمی‌خواهد جنگ و آدم کشی در ویتنام خاتمه

بدهد عمیقاً نفرت دارند و طرفدار جدی قطع فوری جنگ در ویتنام می‌باشند و از طرف دیگر خلق ویتنام بار دیگر دیدند و حس کردند که آن‌ها از پشتیبانی مصمم و صمیمانه کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای مترقی جهان به شمول مردم صلح‌دوست و شریف امریکا از سیاست حکومت ایالات متحده امریکا که نمی‌خواهد جنگ و آدم کشی در ویتنام خاتمه

بدهد عمیقاً نفرت دارند و طرفدار جدی قطع فوری جنگ در ویتنام می‌باشند و از طرف دیگر خلق ویتنام بار دیگر دیدند و حس کردند که آن‌ها از پشتیبانی مصمم و صمیمانه کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای مترقی جهان به شمول مردم صلح‌دوست و شریف امریکا از سیاست حکومت ایالات متحده امریکا که نمی‌خواهد جنگ و آدم کشی در ویتنام خاتمه

نوع، جبر او فشار، گوانبیدل او بی عدالتی، د ارتجاع له غروره دکي غوریدوای او وحشیانه چیغی، تبعیض او ظلم په هیواد کښي حکمروایی کوی. د ژوند شرانطل په بنار او کلی کښی زړه سوزونکی دي. زموږ دخلکو د پرگنو اکثریت په فقر او لوږه، په جهل او مرض کښی لاس او (۳ مخ)

کښی د حاکمه طبقاتو د سیاسی قدرت مظهر دی. حاکمه طبقات او قشرونه دادی: فئودال ملاکان، لوی کمپرادور سوداگر، بیروکراتان او هغه مرتجع منورین چه د دولت د دستگاه په وسیله پر خلکو باندی ظلم کوی او زموږ د ټولنی د هستی ستره برخه په وحشیانه توگه گڼی ته اچوی.

زموږ خلگ: کارگران، بزرگان، کسبگر، منورین، منخنی قشرونه او ټولی وطنپالونکی او ترقی غو ښتونکی قوتونه یعنی تخمین د افغانستان د ملت ۹۵٪ تشکیلوی. زموږ تاریخی وظیفه داده چه د خلکو د آزادی اوگتو په لار کښی د خلکو د داخلی او خارجی دښمنانو پر ضد په راسخ عزم او ټینگ ایمان مبارزه وکړو، تر خو لرغونی، فقیر او ناتوان افغانستان، په نوی غنی او مقتدر افغانستان بدل شی.

ولی باید مبارزه وکړو؟

د دی لپاره چه: زموږ د خلکو پراخی پرگنی د حاکمه طبقاتو له خوا په بیرحمانه توگه استثماریری.

ویره او عدم مصنونیت د استبداد او خودسری تر ټولو سخت او جابرانه

بیک عسکر امریکایی میگو یه:

## «ما بدتر از نازی‌ها در ویتنام عمل می‌نماییم»

انجام گرفت دو نفر از خبرنگاران خبرگزاری آسوشیتدپرس توانستند چند نفر از سربازانی را که درین حادثه شرکت کرده بودند ببینند و با آن‌ها مصاحبه کنند. برین برنارد گفته است بما دستور دادند تمام اهالی ده را نابود کنیم. خود من و چند نفر دیگر در تیراندازی به ده شرکت نکردیم. ولی دیگران به شکار مردم پرداختند و هرکس را یافتند کشتند. بعد تمام

د افغانستان د مظلومو خلکو د سترو رنخونو په خاطر، د خپل محبوب وطن د مینی به خاطر: ببرک کارمل د کابل وکیل د مؤظف صدراعظم بناغلی اعتمادی د حکومت په باره کښی د افغانستان د خلکو د دموکراتیک سیاسی سازمان موضع‌گیری بیانوی. د افغانستان د ربرگالوونکو د دی رښتینی نوی ټیپ او پرمختلونکی سازمان موضع‌گیری چه علمی جهان بینی (نری لید) د ارتجاع او امپریالیزم بر ضد مبارزه کښی، د هغه پیاوړی ایدئولوژیکه وسله ده او په ملی قوت باندی د تکیی کولو او د طبقاتی شخړی د راز راز شکلونو په نظر کښی لرلو سره به د احزابو د قانون په صورت کښی هم اصولاً مبارزه وکړی.

پداسی حال کښی چه د آسیا - افریقا او لاتینی امریکا د خلکو نجات بخشونکی نهشت نوی مرحله ته را ننوتی او زموږ د هیواد د خلکو نجات بخشونکی مبارزه وده کوی او د خلکو له خوا د قدرت اخیستلو مسئله زموږ د مبارزی محراق دی، یو خل بیا دا موضوع مطرح ده چه باید د افغانستان خلکو ته علماً دا ثابتته کړو چه ولی مور د افغانستان پخوانیو حکومتونو ته او د بناغلی اعتمادی اوسنی مؤظف حکومت ته د اعتماد رای نده ورکړی

او نه بی ورکوو. د موضوع د سم فهم لپاره لومړی باید د خلکو او ترقی ترمینخ له پوی خوا، د ضد خلگ او ارتجاع تر مینخ له بلی خوا، روښانه کړښه وایستل شی او د هیواد د وروسته والی جنایت بار عاملین او د مبارزی وظائف تشخیص شی. مسلماً د افغانستان حکومت په هیواد

پس از آنکه روشن شد در ماه مارچ ۱۹۶۸ گروهی از عساکر امریکایی اهالی سه دهکده کوانگ نگهای ویتنام جنوبی را دسته جمعی به قتل رسانده‌اند، چند نفر از خبرنگاران امریکایی به جستجو برخاستند تا واقعیت این حادثه هولناک را روشن کنند. با تمام کوششی که وزارت دفاع امریکا برای جلوگیری از افشاء این حادثه به عمل آورد و تهدیهایی که



د مترقی اخلاقو اصول د سوسیالیستی نظام له ماهیت نه، له اقتصادی بنسټ نه یی چه د تولید پر وسایلو اجتماعی مالکیت دی منځ ته راځی. اجتماعی مالکیت د انسانانو د یووالي اساس دی او هغوی ته دا اجازه او اسمکان ورکوي چه د ورورولی، دوستی او مرستی او متقابل احترام پر بنسټ کار وکړی. د مترقی اخلاقو مهم اصل، کلتویسم او رفیقاته متقابلمه مرسته چه هر څوک د ټولو دپاره، ټول دیوه د پاره، په عبارت کی بیابیری له همدې جملی را اوچتیری. په سوسیالیسم کی شخصی گټی د ټولنی له گټو سره په تضاد کی نه دی. هر نیک عمل چه د سوسیالستی ټولني یو انسان بی سر ته رسوی هم د هغه په گټه دي او هم د خلکو په گټه.

د کلکتویوسم د اصلی پربنا دي چه مترقی اخلاق د وجدان، وظیفی او شرف مساله حل کوي. با شرفه او وظیفه پیژندونکی انسان هغه څوک دی چه د ټولني د گټو نقض کول نشي زغملای، څوک چه د ټولنی د پاره مفید دی د ټولنی وړاندی تگ د پاره هر اړخیزه مرسته کوي. هغه انسان چه د خلکو او ټولنی لپاره هر هغه څه چه کولاي شي سرته رسوی شرافتمند انسان دی او داسی انسان دی چه په خپلی اجتماعی وظیفی باندی بشپړه خبرتیا لري.

د سوسیالیستی انسانانو په شعور کی د مترقي اخلاقود عالی اصولو د ننوتلو لازم شرط، د پروولتـری انترناسیونالیسم، سوسیالستی وطن پرستی او هومانیسسم نفوذ دي. سوسیالیستی هومانیسم دی چه له کیفی لحاظه نوی دی. مضمون بی د سوسیالیستی ټولنی د انسانانو ترمینځ د متقابل احترام او د انسان دوستی له مناسباتو نه عبارت دی، ولی په عین حال کی سوسیالیستی هومانیسم د ترقی د دښمنانو او د خلکو د سولی او آزادی د دښمنانو سره نه پخلا کیدونکی دی. سوسیالستی وطن پرستی د کیفیت له لحاظ هم نوی ده او خپل سوسیالستی وطن سره مینه او فداکاری، پروولتری انترناسیونالیسم، د ټولو هیوانو نود زیبارایستونکو ورورولی، یووالي، د نورو کوچنیو یا لویو دولتونو خلکو ته احترام، سره یو ځای کوی. سوسیالیستی وطن پرستی د ناسیونالیسم سره نشي یوځای کیدلای. ناسیونالیسم یعنی د نورو ملتونو نه د خپل ملت د بیولوو ایدیولوژی او د خلکو ترمینځ د دشمنی هستول، د ملی تساوی د نشتوالي تبلیغ مینځ ته راوستل، او د زیارایستونکو ترمینځ د گډودی هستول.

**د مترقی اخلاقو اصول د انسانانو د پاره ټاکلی خصلتونه ایجابوي لکه شرافتمندی، رښتیا او صداقت، اخلاقی پاکوالي، په شخصي او اجتماعي ژوندکی ساده والی او محبت، د بی عدالتی، بی شرافتی او مقام غوښتنی سره نه پخلاکیدل، د سرمایه داري پر بقایاوو باندی بریدل د مترقي روزنی وظیفه ده.**

د سوسیالیزم د ساختمان کامیابو او د پرگنو ترمینځ د تربیتی کار له کبله د مترقي اخلاقو اصول د سوسیالیستی انسانانو په کار او ژوند کی ژور رسوخ کوی. مگر تیری بقایا د خینو خلکو په شعور کی پاتی کیږی. لکه چه خینی لا تراوسه کارنکوي او بیکا ره گرزى او پدی توگه یو طفیلی ژوند لري. خینی فقط د خپلو شخصی گټو په فکر کی دی او خان تر ټولو لور گڼی. خینی سوسیالیستی مالکیت ته لاس اچوی، د کار انضباط نقضوی او اجتماعی نظم ویجاړوی.

البته په هغه هیواد کی چه سوسیالیزم کامیابی ته ورسید، د دی راز زرو نظریاتو او روچیود پیدایښت د پاره

له مترقی آثار و نه

# اجتماعی شعور او د تولنی په تکامل کی د هغه رول

والی د بورژوازی ایدیولوژی د نفوذ پوری اړه لری چه د ټولو وسایلو په هڅه کوي چه د سوسیالیستی انسانانو په شعور باندي اغیزه وکړي او بوژرازی خرافات او عادات او رسوم په هغوی کی ژوندي وساتي او له دی لاری د سوسیالیستی ټولني پر مختگ ترقي خوا ته ودروی. ثالثاً د سرمایه داری بقایا او نفوذ د خینو ذهني علتونو سره هم اړه لري لکه په ایدنولوژیکی کار کی د نواقصو شته والی، د نوي نسل په روزنه کی بیا په تیره په کورنی او مدرسسه کی نقص، د افرادو په رفتار باندى د ټولو د بشپړ نظارت نشتوالی چه له هغه نه پرته د تیرو بقایاوو سره په مبارزه کی بری ممکن ندی. د تیرو بقایاوو سره، د بورژوائی په ایدیولوژی او اخلاقو له مظاهرو سره

**پک عسکر امریکایی میگو پد:**

## «ما بدتر از نازی‌ها در ویتنام ...»

خون کشيدند. با سرنيزه شکم زن‌ها را پاره می‌کردند. ما زنان، کودکان و پيرمردان را در پک گودال جمع کردیم و همهٔ آن‌ها را با ماشيندار قتل عام کردیم، حتی پک جوان در میان آن‌ها نبود. من فکر نمی‌کنم که کسی در بين سه دهکده زنده مانده باشد. بعد خانه‌های آن‌ها را آتش زدیم، ما درست مثل فاشيست‌ها رفتار نمودیم. بما گفتند راجع به این موضوع با کسی صحبت نکنیم، ولی وجدان من از آن موقع سخت ناراحت است. مادر ویتنام بدتر از نازی‌ها عمل می‌کنیم.

«خبرنگاران اعزامی «از قول یکی از افراد بلوکی که به آن‌ها امر داده شده بود آن منطقه را پاک نمایند! اطلاع دادند: در تحت آتش توپچی گروهی از عساکر امریکایی راه خود را به‌سوی دهکده‌ها باز کرده و آن‌ها را ویران کردند. او گفت که در جریان جنگ همیشه مردم غیرنظامی مورد خطر و تلفات قرار می‌گیرند.

«قهرمان» این عملیات بریدمن کولی که در جون سال گذشته به ایالات متحده امریکا بازگشت مفتخر به دریافت مدال برنجی گردیده و اکنون در یکی از موقعیت‌های حساس در پایگاه نظامی ایالت جورجیا قرار دارد.

به اعتراف یکی دیگر از افسران امریکایی که اسم وی پوشیده نگذاشته شده، حالات روانی «انسان‌های متمدن» امریکایی که در تبلیغات رسمی مدعی تأمین صلح در ویتنام‌اند، به‌وضوح تشریح گردیده است. این افسر گفت که واقعهٔ نظیر آنچه بدست بریدمن کولی صورت گرفت توسط هر يك آنان می‌تواند به وقوع بپیوندد. بریدمن کولی بسیار کشته و بسیار کشته‌ها را مشاهده کرده است؛ زیرا که کشتن برای او امری بسیار عادی بود.

خبر قتل عام افراد سه دهکده در ولایت کاونگ نگهای ویتنام جنوبی سرتاسر امریکا را به هیجان آورده است. روزنامه‌های آن کشور مصاحبه مخبرین را با کسانی که شاهد این واقعه بودند انتشار داده‌اند. خبرنگار روزنامه نیویارک تلیمز پرسیده است: چند نفر بچه در میان کسانی بود که قتل عام شده‌اند؟ در جواب بریدمن برنارد گفته است: بیشتر از صد طفل. انتشار این خبر هولناک کشتار دسته جمعی مردم ویتنام جنوبی توسط عساکر امریکایی هیجان عمومی را برانگیخته است. روزنامه دیلی میرر انگلیسی نوشته است: عساکر امریکایی مردم را دسته دسته قتل عام می‌کنند. این جنایت قابل تیره نیست.

در مقابل این وحشیگری بی‌سابقه نیتوان و نیاید سکوت کرد. روزنامه مارننگ ستار نوشته است: دولت انگلستان از چنین جنایت است که دفاع می‌کند. اینست جنگ ویتنام و این است چهره عریان امپریالیزم امریکا، عساکر امریکایی بنا به

یو علمی بحث

یعنی تاریخ، سیاسی اقتصاد، فلسفه، استتیک او نور او طبیعی علوم یعنی مکانیک، ریاضی، فزیک، شیمی، بیولوژی او نور علوم.

علم له پراتيک نه را وتلی دی او د پراتيک په اساس تکامل مومی، د علم د تکامل عمده محرک قوت، د مادی تولید ضرورت دی، داسي ویل کیږی: هر کله په ټولنه کینی تکنیک ته احتیاج پیدا شی، دا احتیاج به علوم له لس هاوو پوهنتونونو نه زیات پرمخ بوزی، انسان په لومړنی ټولنه کینی د ژوند د وسایلو د تحصیل لپاره د طبیعت له قوتونو سره مخامخ شو او خپل لومړنی معلومات یی د دغو قوتونو په باره کښي لاس راوستل چه طبیعتاً ډیر سطحی (برسیرن) وو. دی معلوماتو تجربی جنبه لرله او د علم نوم ورباندی نشی اښیودای.

(از ص اول)

## مردم امریکا جنگ ویتنام را ...

مسلح و پولیس خود گرفته بود. ده‌ها هلیکوپتر و ده‌ها هزار سرباز مسلح آماده بودند که در هر لحظه داخل عملیات شوند. وضع در پایتخت امریکا به‌اندازه وخیم بود که در آن احتمال برخورد خونین بین مظاهره‌چیان و عساکر می‌رفت. چنانچه در شب ۱۵ نوامبر چنین برخوردی در مقابل سفارت ویتنام جنوبی در واشنگتن صورت گرفت. پولیس با گاز اشک آور بالای مردم حمله کرد. در نتیجه برخورد مردم با پولیس ۳۰ نفر زخمی گردیدند و (۳۰) نفر دیگر از طرف پولیس دستگیر شدند. تظاهرکنندگان در پای مجسمه جورج واشنگن اجتماع بسیار بزرگی تشکیل دادند و عده زیادی از شخصیت‌های سیاسی و علمی امریکا در این اجتماع سخنرانی کردند.

سناتور یوجین مکاریتی در برابر تظاهرکنندگان اظهار داشت که این‌ها از (۵۲) هزار تلگرامی که نکسن می‌گوید دریافت داشته است به‌مراتب ارزنده‌تر اند. وی سیاست دولت را بشدت مورد حمله قرار داد.

در نیویارک هزاران نفر در پارک مرکزی شهر گردامه بودند در حالی که موزیک سرود ماتم می‌نواخت هزاران نفر جوان بروی زمین دراز کشیدند و با این عمل خود مرگ هزاران نفر جوان امریکایی را در ویتنام مجسم می‌ساختند. هزاران بالون سیاه سمبول کشته شده‌گان جنگ ویتنام و هزاران بالون سفید سمبول جوانانی که باید در جنگ ویتنام کشته شوند به آسمان پر ابر نیویارک بلند شد.

در لوحه‌های که مظاهره‌چیان بلند کرده بودند نوشته شده بود که «ما چه می‌خواهیم؟ بیرون شدن فوری از ویتنام!»، «ما نمی‌خواهیم بکشیم! ویتنام مال مردم ویتنام است!» گرچه دستگاه‌های تبلیغاتی امریکا سعی می‌کنند تظاهرات بزرگ ضد جنگ و ضد سیاست جنگی مردم امریکا را بی‌اهمیت جلوه دهند ولی در حقیقت این تظاهرات پرشکوه و جلال که در سراسر امریکا میلیون‌ها نفر انسان دارای سننین متفاوت و ایدیولوژی های مخالف، کارگران محصلان، جوانان، افراد دارای شغل آزاد سر باز آن، شخصیت‌های روحانی و زنان خانه دار در آن اشتراک ورزیده بودند پیروزی بزرگ مردم امریکا و شکست رسوای نیروهای جنگ طلب محسوب میگردد.

علم د اجتماعی شعور د خاص شکل په حیث یو څه وروسته یعنی د بردگی په ټولنه کینی مینځ ته راغی، کله چه فکری کار له جسمی کار نه بیل شو او د خلکو یوه خاصه ډله د پوهانو په نوم را پیدا شوه چه یوازی په علمي څیړنو مشغولیدل.

د علم له ډیرو مهمو خصوصیاتو نه ادامه کاری او د علمی معلوماتو دوام دی، د هر نوی نسل انسانان یا نوی تکنیک، ریاضی، فزیک، شیمی، حاصلات لری نه غورخوي بلکه هغوی ته د خپل پراتیک ضرورت په تناسب تکامل ورکوی.

علم چه له پراتيک او تولید نه راوتلی د انسانانو پراتیکو اړتیاوو ته، د هغوی تولیدی هدفونو ته خدمت کوي او د ټولني په تکامل کی ستر اهمیت لری. علم انسانان د عینی قوانینو په معرفت مجهزوی، لا ښه ژوند ته د رسیدلو لاری ښیی. د انسانانو ورځنی کارونه پراخوی او هغه د خرافاتو له فشار نه راباسی او د مادی جهان‌بینی (نری لید) له پیدایښت سره مرسته کوی.

**(نور بیا)**

## مردم امریکا جنگ ویتنام را ...

در اعلامیه که در ختم تظاهرات از طرف کمیته تدارک تظاهرات سه روزه علیه جنگ ویتنام در باره هدف این تظاهرات نشر گردید گفته می‌شود:

«ما هزاران نفر مظاهره کنندگان به نمایندگی از میلیون‌ها نفر مردم امریکا از نکسن جداً تقاضا می‌کنیم که فرمان آتش بس را در ویتنام صادر کند و زمینه بیرون کشیدن همه قوای نظامی امریکا را از ویتنام فراهم سازد، ما اعتراض می‌کنیم که دکتورین نکسن که در جزیره گوام اعلان گردید و در بیانیه ۳ نومبر آن را تکرار کرد راه حل و پایان دادن بجنگ ویتنام نیست.

ما اعتراض می‌کنیم برای اینکه جنگ ویتنام بار سنگینی است بر دوش زحمت کشان که منجر به تورم و افزایش مالیات گردیده است، برای اینکه جنگ ویتنام منافع بزرگی به صاحبان کمپنی های نظامی صنعتی امریکا می‌دهد.

قرار اطلاع در کانادا نیز مبارزه اعتراض علیه تجاوز دوامدار ایالات متحده امریکا در ویتنام، برای چند روز ادامه یافت، قهرمانان صلح کانادایی همبستگی خودرا با مردم امریکا که در راه خاتمه دادن به جنگ جنایت‌کارانه ویتنام مبارزه می‌کنند ابراز داشتند.

در پوهنتون‌های مونتریال، تارانتو، نیپپینگ و دیگر مؤسسات عالی فرهنگی آن کشور اجتماعات، مجالس و سیمینارها تشکیل گردید که دران محصلان اشتراک ورزیده بودند. آن‌ها سیاست حکومت امریکا را که هدف آن ادامه دادن به جنگ ویتنام می‌باشد شدیداً تبییح کردند. آن‌ها تقاضا کردند که تجاوز امریکا و دخالت کانادا دران فوراً متوقف گردد. تمام عساکر امریکایی از ویتنام بیرون کشیده شوند و بمردم ویتنام حق داده شود که سرنوشت شان را خودشان تعیین نمایند.

در فرانسه نیز تظاهرات ضد جنگ ویتنام صورت گرفت در شهر پاریس بیش از ۱۵ هزار نفر از قشرهای مختلف مردم فرانسه بر ضد سیاست ادامه جنگ ویتنام که ریحارد نکسن از آن پیروی می‌نماید دست به مظاهره زدند. در آلمان فدرال، انگلستان و چندین کشور دیگر اروپائی تظاهرات ضد جنگ ویتنام صورت گرفت. در ماسکو، لینن‌گرد، با کو و چندین شهر دیگر اتحاد شوروی اجتماعات بزرگی از مردم تشکیل گردیده بود.



(له لومړي مخ پاتې)

# په ولسي جرگه کې د مؤظف...

پښي وهي. خواره او جامی، کور او سرپښه سرک او پل، ښونځي او روغتون، طبیب او درمل نلری.

زموږ په سلو کښې اویا ماشومان د ناڅاپي مرگ په اور کښي سوزی. ښځی د مادي او معنوی اسارت په ځنځیر کښې ساتل شوی دی. د هیواد په سلو کښې تر ډیر شو زیات جمعیت د کوچنیو او قبیلوی مفلوک ژوند گالی د کار ظالمانه شرا نطه، د لاس مزد او معاش کموالي، د قیمتونو لوړیدل، درانه مالیات، د بیکاری وحشت د هیواد د کارگرانو او ربرگالونکو ژوند لا د وخامت خوا ته بیایي. د مالکانو د طبقی او د محلی منتفذینو استثمار او ظلم پر دهقانانو باندی ورځ تر ورځی شدت مومي.

**د هیواد د بزگرانو پراخي**

**پرگنی اوبه ځمکه غواړی؟**

کسبران، کوچنی سوداگر او خرده فروشان ورځ تر ورځی ورشکست کیږی.

کوچنی مأموران، زلمیان، معلمان، محصلان او نادار منورین غمځپلی ژوند لری. د ظالم او مظلوم، د فقر او شتمنی ترمینځ نه پخلا کیدونکی تضاد شدت مومی.

د هیواد په ډیرو سیمو کښي لکه هزاره جات، پکتیا، بدخشان، غورات - مشرقی، چخانسوز او نور د خلکو ژوند سخت مفلوک دی.

داخلي ارتجاع نړا دی، قومي، مذهبی، قبیلوی او لسانی اختلافاتو ته لمن وهي. پښتو ژبی ته پراختیا نه ورکوی، درې پردی بولي، له ازبکی، ترکمنی او بلوچی ژبو سره دښمني کوي او په نتیجه کي د خلکو پيوستون او د هیواد وحدت له خطر سره مخامخ کوی.

حاکمه محافل او حاکمه هیأت د خپل ځان د بقا لپاره عوامفربانه مانورونه کوي تر څو د خلکو د غصبی او

کرکي څپي د هغوی د طبقاتی دښمنانو په نسبت کمزوری کاندی او د هیواد په هلاکونکی اقتصادی او ثقافتی وروسته پاتي والي باندی سرپیښ کیږدی.

د اقتصادی ودی درجه لاپسی سستیږي او وروسته والی خلیج لا پسي ژورږی. زموږ غني طبیعی منابع او انسانی قوتونه بی استفادي پاتي دي، د هیواد د صنعتی کیدو مخه نیول کیږی.

تخمین د (۸۰۰) ملیونو امریکایی ډالرو ملی عوانو شرمونکی رقم او د هغه غیر عادلانه توزیع کافی دی چه د ملی قضاوت په ورځ کښی، د خلکو محکمه د افغانستان جبار او محافظه کار حکومتونه محکوم اعلان کړی.

حکومت زموږ د دوران د عمومی قانون سره، اسره لجوجانه کوشش کوی چه د اقتصاد د خصوصی برخی د تشویق او دعامه برخی د تضعیف په وسیله، غیرسرمایه داری مترقی لاره وتړی او د سرمایه داری له رنځ او عذابه ډکه او د امپریالیستی چور چپاول لاره هواره کړی.

په هیواد کښی د تولید فئودالی شیوه او کرهنه هم هغسی د زروکلونو پخوا بیرته پاته شرانطو کښي ده. تر ټولو بده لا دا چه حتی اوږه او غوری هم باید له د بیاندی څخه وارد شی، د خلاصو ورونو او نابرابر تجاری سیاست، هیواد د سرمایه داری هیوادونو حتی ایران او پاکستان (مختلط شرکتونه په ظاهر ایرانی او پاکستاني) د غیرضروری مالونو په بازار بدل کړیدی. ستر مربوط سوداگر او امریکایی، جرمنی، انگلیسی، جاپانی انحصارات او قاچاقبران، زموږ د دولت د رشوت خورو مامورینو په مستقیمه همکاری زموږ خلک له ژوند باسی.

د هیواد مالیاتی نظام فوق‌العاده ظالمانه او منسوخ دی.

د افغانستان حکومتونه مرو امپریالستی سرمایه گذاریو ته لکه د

دښمن امپریالیزم پر ضد د زوروری مبارزی و ظائف، مطرح دي. موږ یو ملي دموکراتیک حکومت موجود وی د داخلي سرمایي د تجمع او د سوله غوښتونکو هیوادونو د مؤثر او بی شائبو مرستود جلبولو لپاره پراخ امکانات میسر وو.

دا چه له داخلي خصوصی سرمایو سره د امپریالیستی سرمایو گډول تشویقوي په ډاگه د حکومت ضد ملی سیاست دی. د بوروکراسی نظام مفاسد په حقه د خلکو غصه او کرکه را پاروی. د دولت اداره د هغه له ټول فساد او ظلم، رشوت خوری، اختلاس تخریبي او آشوب غو ښتونکو عملیاتو او قانون ماتولوسره لکه یو ستر پیټی د خلکو او د دولت د فقیریی بودجی په اوږو دروندوالي کوی.

د ارتجاع تقویه، په اساسی قانون کی د مصرحو آزادیو نقض، د احزابو، اتحادیو مترقی مطبوعاتو او اجتماعاتو په مقابل کی د محدودیتونو هستول، د خلکو دموکراتیکو آزادیو په مقابل کی شومی توطنی او پر له پسی برغولونه د کارگرانو، محصلانو د ابن سینا او دارالمعلمین د شاگردانو په مظاهرو او اعصابونو کی د ژاندارم او پولیس بی شرمانه مداخله، او د پوهنتون په حریم کی وحشیانه ټیړی او د هغه د دروازو تړل په انتخاباتو کی رسوا دسانس او ضد قانونی مداخله، زموږ د ملگرو دستگیر پنجشیری، هادی کریم، قادر بهیار، قدوس کارگر، عبدالعلی کارگر، غلام سخی دهقان، فاروق محصل او د نورو آگاهو کارگرانو او وطنپالو محصلانو او زلمیانو بندی کول، له کار، مأموریت او ښوونځیو څخه ایستل دا ټول پخپل عام مفهوم سره د حکومت استبدادی ماهیت دوخود سری شکارندوی دي.

**زموږ د ورځی شعار دی**
**چه باید ټول وطنپالونکی زندانیان آزاد شی!**

**زموږ: خلک کار، ډوډ ی او آزادی غواړی!**
دا وو زموږ د خلکو او زموږ د ملی مسائلو د رنځونو او سترو مشکلاتو د سمندر څو څاڅکی. اوس د افغانستان دخلکو د دموکرا تیک رستاخیز حیاتی وظایف چه د هیواد پر واقعیاتو او شرنطو مبتنی دی، د بناغلی اعتما دی د حکومت د پخوانی او اوسني محافظه کارانه او تشریفاتی خط مشی په مقابل کی د فغانستان د خلکو قضاوت ته وړاندی کوو.

پداسی حال کی چه د اساسی قانون د آزادیو تطبیق په لاره کی مبارزه، د دموکراتیکو حقوق او آزادیو تامین د حاکمه دستگاه برېښول، د استبداد، ارتجاع، استثمار او نوی استثمار پر ضد مبارزه زموږ د مبارزی اساسی (ورځنی) شعارونه دی، زموږ تر ټولو مهم دموکراتیک وظایف دا دي:
د ژوند د سطحی لوړول، د هیواد صنعتی تر سره کول، اقتصادی وروسته والي پای ته رسول او له غیر سرمایه داری مترقی لاري نه چه د سوسیالیزم دورنما پرانیزي د خلکو د پرگنو د ژوند د سطح لوړول، د هیواد صنعتی تر سره کول، اقتصادی

په وروسته والي پای ته رسول او له غیر سرمایه داری مترقی لاري نه چه د سوسیالیزم دورنما پرانیزي د خلکو د پرگنو د ژوند د سطح لوړول، د هیواد صنعتی کول، د پراخ دهقانی نهضت پر پایه دموکراتیک ارضی اصلاحات (د بزگرو په گټه او گډون) د فیودالی او ماقبل فئودالی ورستو مناسباتو انهدام او الغاء، د خارجی انحصاراتو د نفوذ طرد، د اجتماعی او سیاسی ژوند او دولتی دستگاه بنیادی دموکراسی کول، د ملی مترقی او نوی پوهني او کلتور هستول او تکا مل.

که څه هم په موجوده وضع کی د هیواد خارجی سیاست بیا په تیره د سیمی له لحاظ نشي ریډیالی. مگر باید وویل شي چه زموږ په مقابل کی د ټولو مظلومو ملتونو او خلکو او ټول بشریت د دی غداراو مشترک

( ۴ مخ)

پرچم

(از ص اول)

## سخنرانی یرک کارمل وکیل شهر کابل...

وعدم مصونیت، سخت‌ترین و

جایرانه ترین نوع استبداد و خودسری، جبر و فشار، زورگویی و بیدادگری، غرش‌های مغرورانه و نعره‌های وحشیانه ارتجاع، تبعیض و ستم در کشور حکمرواست. شرایط زندگی در شهر و ده رقت بار است. اکثریت توده‌های مردم ما در فقر و گرسنگی، در جهل و مرض دست و پا می‌زنند. خوراک و پوشال خانه و سرپناه، سرک و پل، مکتب و شفاخانه، داکتر و دوا ندارند. هفتاد فیصد کودکان مادر آتش مرگ ناپهنگام می‌سوزند. زنان در نجیر اسارت مادی و معنوی نگاه شده‌اند. در حدود بیش از ۲۰ فیصد جمعیت کشور زندگی فلاکت‌بار کوچیگری و قبیلوی دارند. شرایط ظالمانه کار، کمی دستمزد و معاش، بلند رفتن قیمت‌ها، مالیات سنگین، وحشت بیکاری زندگی کارگران و زحمتکشان کشور را وخیم‌تر میسازد. استثمار و ستم طبقه مالکین و منتفدین محلی بر دهقانان کسب شدت می‌کند.

## توده‌های وسیع دهقانان کشور

کسبه کاران، تاجران کوچک و خرده

فروشان روز بروز ورشکست می‌گردند. مأموران پانین رتبه، جوانان، معلمان و محصلان و روشنفکران نادار زندگی غم انگیزی دارند. تضاد آشتی ناپذیر بین طبقات ستمگر و ستمکش بین فقر و ثروت تشدید می‌یابد.

زندگی مردم در بسا مناطق کشور چون هزاره جات، پکتیا، بدخشان، غورات، مشرقی، چخانسور، و غیره سخت فلاکت‌بار است. ارتجاع داخلی اختلافات نژادی قومی، مذهبی، قبیلوی و لسانی را دامن می‌زند. زبان پښتو را انکشاف نمی‌دهند، درې را بی‌گانه تلقی می‌کنند در برابر زبان‌های ازبکی، ترکمنی و بلوچی خصومت می‌ورزند و در نتیجه همبستگی خلق و وحدت کشور را به خطر می‌اندازند.

محافل و هیات حاکمه افغانستان برای بقای خود به مانورهای عوام‌فربیانه‌یی دست می‌زنند تا از امواج خشم و نفرت مردم نسبت به دشمنان طبقاتی‌شان بکاهد و بر عقب ماندگی هلاکت‌بار اقتصادی و فرهنگی کشور سرپوش بگذارند.

آهنگ رشد اقتصادی کندتر و خلیج عقب ماندگی عمیق‌تر میگردد. منابع سرشار طبیعی و نیروهای انسانی ما بلااستفاده مانده است. از صنعتی شدن کشور جلوگیری می‌نمایند رقم شرم آور تخمین (۸۰۰) میلیون دلار امریکایی عواملی و توزیع غیرعادلانه آن کفایت که در روز قضاوت ملی، دادگاه خلق حکومت‌های جبار و محافظه کار افغانستان را محکوم اعلان کند. حکومت علی رغم قانون عمومی دوران ما لجوجانه می‌کوشد تا به‌وسیله تشویق بخش خصوصی اقتصاد و تضعیف بخش عامه، راه مترقی غیر سرمایه داری را مسدود و راه پر رنج و عذاب سرمایه داری و غارتگری امپریالیستی را هموار سازد.

شیوه تولید فئودالی و زراعت کشور در همان شرایط عقب مانده هزار سال قبل است. بدتر اینکه حتی آرد و روغن را هم باید از خارج وارد کرد. سیاست تجاری درهای باز و نابرابر کشور را به بازار امتهه غیرضروری دول سرمایه داری حتی ایران و پاکستان (شرکت‌های مختلط به‌ظاهر ایرانی و پاکستانی) تبدیل کرده است. تاجران بزرگ وابسته و انحصارات امریکایی، جرمنی، انگلیسی و جاپاتی و قاچاقبران به همکاری مستقیم مأموران رشوه خوار دولت افغانستان مردم ما را از هستی ساقط می‌نمایند.

نظام مالیاتی کشور فوق‌العاده ظالمانه

و منسوخ است. حکومت‌های افغانستان به سرمایه گزاری های مرده امپریالیستی مانند وادی هلمند و برق ماهی‌پر تسلیم می‌گردند. در حالی که اگر یک حکومت دموکراتیک و ملی موجود می‌بود، امکانات وسیعی جهت تجمع سرمایه داخلی و جلب کمک‌های مؤثر و بی‌شائبه کشورهای صلح‌دوست میسر بوده است.

اینکسه آمیزش سرمایه‌های امپریالیستی را با سرمایه خصوصی داخلی تشویق می‌نمایند آشکارا سیاست ضد ملی حکومت است.

مفاسد نظام بیروکراسی به‌حق خشم و نفرت مردم را برمی انگیزد. اداره دولت با تمام فساد، ستمگری، رشوه خواری، اختلاس، عملیات تخریبی و آشوبگرانه و قانون شکنی‌های آن چون بار عظیمی بر دوش مردم و بودجه فقیر دولت سنگینی می‌کند.

تقویه ارتجاع، نقض آزادی‌های مطرح در قانون اساسی و ایجاد محدودیت‌ها در برابر تشکیل مستقل احزاب، اتحادیه‌ها، مطبوعات مترقی و اجتماعات، توطنه‌های شوم و تاخت و تازهای مکرر علیه آزادی‌های دموکراتیک مردم، مداخله بی‌شرمانه ژاندارم و پولیس در تظاهرات و اعتصابات کارگران، محصلان، شاگردان لیسهٔ ابن سینا و دارالمعلمین و تجاوز وحشیانه در حریم پوهنتون و بستن دروازه‌های آن، دسایس رسوا و مداخله ضد قانونی در انتخابات، زندانی کردن رفقای ما دستگیر پنجشیری، های کریم، قادر بهیار، قدوس کارگر، عبدالعلی کارگر، غلام سخی دهقان، فاروق محصل و سایر کارگران آگاه، محصلان و جوانان وطن‌پرست، اخراج از کار و مأموریت و مکتب همه نشان‌دهنده ماهیت استبدادی و خودسری حکومت به مفهوم عام آن است

**شعار روز ماست که باید همه زندانیان وطن‌پرست آزاد گردند!**
**مردم ما کار، نان و آزادی می‌خواهند!**

این بود قطراتی از اوقیانوس رنج‌ها و مشکلات عظیم خلق ما و مسایل ملی ما.

اکنون وظایف حیاتی رستاخیز دموکراتیک خلق افغانستان را که مبتنی بر واقعیات و شرایط کشور است، در مقابل خط مشی محافظه کارانه و تشریفاتی سابق و فعلی حکومت موظف بشاغلی اعتمادی و پیشگاه قضاوت مردم افغانستان می‌گذاریم. ما در حالی که مبارزه در راه تطبیق آزادی‌های قانون اساسی، تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، افشاشگرایی‌های دستگاه حاکمه و مبارزه ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد استثمار و استثمار نوین شعارهای اساسی (روز مره) پیکار ماست، مهم‌ترین وظایف دموکراتیک ما عبارت‌اند از انجام تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی، پایان دادن به عقب ماندگی اقتصادی و اعتلای سطح زندگی توده‌ها از راه مترقی غیر سرمایه داری که دورنمای سوسیالیستی را می‌گشاید؛ صنعتی کردن کشور، اصلاحات ارضی دموکراتیک بر پایه جنبش وسیع دهقانی بسود دهقانان و به اشتراک آنان، انهدام و الغای مناسبات فرتوت فئودالی و ما قبل فئودالی، طرد نفوذ انحصارات خارجی؛ دموکراسی کردن بنیادی حیات اجتماعی و سیاسی و دستگاه دولتی؛ ایجاد و تکامل معارف و فرهنگ ملی، مترقی و نوین.

گرچه در وضع موجود سیاست خارجی کشور را بخصوص از لحاظ منطقه نمیتوان رد کرد ولی باید گفت در برابر ما وظایف رزمنده مبارزه علیه امپریالیزم، این دشمن غدار و مشترک ملل و خلق‌های ستمدیده و تمام بشریت، مطرح است. ما معتقدیم

که نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه جهان می‌توانند اقدامات تعرضی عظیمی را علیه ارتجاع و امپریالیزم و شعله افروزان جنگ انجام دهند. البته برای تحقق این امر وحدت عمل سه نیروی عظیم انقلابی عصرها (کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر بین‌المللی و جنبش رهایی بخش ملی) و تمام نیروهای ضد امپریالیستی ضرورست. اهداف ضد امپریالیستی عبارت‌اند از:

مبارزه علیه جنگ، پشتیبانی از مبارزه خلق‌های دلاور ویتنام و عرب علیه امپریالیزم امریکا و تجاوز اسرانیل، مبارزه در راه صلح و هدفهای سیاست همزیستی مسالمت آمیز، مبارزه علیه ملیتاریزم، فاشیزم و نیونازیزم، علیه سیاست نژادپرستی، علیه کانون‌های ارتجاع و رژیم‌های اختناق و آدم کشی (ترور) در جهان.

در زمینه جنبش انقلابی خلق پښتونستان وظیفه ماست که پرچم مبارزه آزادی‌بخش ملی پښتونستان را در افغانستان با شور و شوق فراوان، برافراشته نگه داریم و با حفظ صلح در منطقه از مشی انقلابی نیروهای ملی و مترقی خلق پښتونستان و بلوچستان مجدانه پشتیبانی نماییم.

افغانستان ازلحاظ منطقه در شرایطی در صلح زندی کرده می‌تواند که نه تنها ارتجاع و نفوذ امپریالیزم از داخل کشور، بلکه از منطقه نیز کاملاً محو گردد.

در نتیجه به‌صراحت کاملی اعلام می‌داریم که عاملین و مسؤولین اصلی عقب ماندگی و رنج‌های عظیم خلق کشور ما ارتجاع فئودالی و امپریالیزم و در قلمرو روبنا حکومت‌های ضد دموکراتیک و ضد خلقی افغانستان هستند. این حکم آمرانه و قهر تاریخ است که روزی دادگاه ملی خلق محکومیت آن‌ها را صادر می‌کند.

**موجز این که: دو سال از حکومت بشاغلی اعتمادی گذشت، در واقعیت دو سال دیگر از رنج‌های چندین هزارساله خلق ما گذشت!**

بدین‌جهت به‌حکم اراده بالقوه و رزمنده مردم ما به حکومت موظف بشاغلی اعتمادی رأی اعتماد نمی‌دهیم.

در شرایط کنونی وظیفه ماست تا برای ایجاد یک حکومت ملی و دموکراتیک و خدمتگزار خلق و ساختمان جامعهٔ نوین دموکراتیک بی‌هراس و در چوکات اصول و شرایط، مبارزه سخت و پیگیری نماییم. برای این منظور باید درراه بسیج توده‌های مردم، افزایش نقش کارگران، دهقانان، اتحاد جوانان، محصلان، روشنفکران و قشرهای متوسط و در راه تأمین اتحاد بین تمام نیروها و محافل دموکراتیک و ملی، ترقی‌خواه و وطن‌پرست کشور سعی فراوان مبذول داشت.

در آخرین تحلیل فقط انجام جنبش ملی و دموکراتیک به سرکردگی طبقه کارگر دوران‌ساز می‌تواند از بیخ و بن ارتجاع و رسوخ امپریالیزم را از کشور طرد کند و فیودالیزم را به موزیم تاریخ بسپارد، خلق کشور ما را از قید هر نوع ستم آزاد و کار ایجاد افغانستان نوین را آغاز نماید.

تحقق این امر بزرگ با تحمل و قبول قربانی‌های عظیم، گذشتن از دشواری‌ها و امتحان‌های سخت و توفان‌های سهمگین مبارزه شجاعانه و بی‌دریغ امکان پذیر است تا سرانجام خلق ما بیدار، متحد و متشکل گردد؛ تا به جهان کهنه بورش برند، تمام خائنین از وطن و نهضت و مرتجعین را نابود سازند؛ زیرا متأسفانه دشمن طبقاتی توده‌های زحمتکش، به‌دلخواه خود از صحنه تاریخ خارج نمی‌گردند.

( بقیه در صفحه ۴ )





د افغانستان د مکتب د موزکراتیک افکارو خبروونکی

۳ قوس ۱۳۴۸

## محافل مختلفه جهان به مذاکرات دوجانبه هلسنکی در مورد

محدود ساختن سلاح استراتژیکی اهمیت زیاد قایلاند

مذاکرات مقدماتی راجع به محدود کردن اسلحه استراتژیکی در هلسنکی بین حکومت اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا آغاز گردیده است شروع این مذاکرات توسط افکار عامه جهان بطور وسیع مورد پشتیبانی قرار گرفته است، زیرا حل این مسأله به تمام بشریت متعلق می‌باشد. واضح است که انجام موفقانه این مذاکرات در هلسنکی یقیناً امید مردم را برای صلح و امنیت در سیاره ما تقویت می‌بخشد و بر عکس ناکامی آن تشویشی را که از اثر گسترش خطرناک مسابقه تسلیحاتی هستوی به وجود آمده است تشدید خواهد کرد.

موضوع مورد بحث در مذاکرات هلسنکی حل پرابلم مربوط به مخربترین سلاح است. تأثیر این سلاح در حل پرابلم های کلیدی جنگ و صلح نه تنها به وسیله ذخایر خطرناک و ظرفیت روزافزون آن برای تخریب، بلکه همچنین به وسیله این حقیقت که مؤثرترین عنصر در مسابقه تسلیحاتی می‌باشد، تعیین می‌گردد. به عبارتی دیگر، هر گام برای جلوگیری درین ساحه بر جهان تأثیر مفید خواهد داشت - تهدید جنگ را تخفیف می‌بخشد و می‌کمانیزم مسابقه تسلیحاتی را بطی می‌سازد. جانب شوروی در مذاکرات ابراز داشته است که موفق اتحاد شوروی در هلسنکی کاملاً روشن است که با اصول کلی سیاست خارجی آن کشور، سیاست همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم صلح و امنیت تعیین می‌گردد. اتحاد شوروی یک تعداد

اعضای نمایندگی هر جناح ۲۵ نفر است. ریاست هیأت شوروی را ولادمیر سیمینوف معاون وزارت خارجه آن کشور و از امریکا را جرالدمت امر کنترول تسلیحات و خلع سلاح امریکا به عهده دارند. محافل مختلف جهان به مذاکرات اتحاد شوروی و امریکا در باره محدود ساختن سلاح استراتژیکی اهمیت زیاد قایلند و امیدوارند که حد اعظم سعی برای رسیدن به فیصله‌های هم آهنگ درین زمینه باوجود دشواری‌های که موجود است، به عمل آید.

مهمین جلسه نمایندگان اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در مذاکرات هلسنکی به روز هژده نومبر آغاز گردید.

مهمین جلسه نمایندگان اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در مذاکرات هلسنکی به روز هژده نومبر آغاز گردید.

## موشی دایان مسئول تمام

جنایات‌یست که طبق او امر او

در سر زمین‌های عرب مرتکب می‌شوند

به هر اندازه که فعالیت کوماندوهای عرب فلسطین و مناطق تحت اشغال اسرائیل در شرق میانه شدت پیدا می‌کند اشغالگران اسرائیل به همان اندازه دست و پاچه شده به اعمال وحشیانه ترور دسته جمعی به سبک فاشیست‌های نازی دست می‌زنند. پیروزی‌های اخیر مبارزان عرب در سر زمین‌های اشغالی و تشدید حملات آن‌ها بر مراکز نظامی و حیاتی قوای اشغالگر اسرائیل، زمامداران اسرائیل را دچار وحشت ساخته است. موشی

دایان وزیر دفاع اسرائیل اعلان نمود هر کسی که در مناطق تحت اشغال با مبارزه آزادی‌بخش گوریلاهای عرب مهنددی نشان دهد در برابر آن‌ها از دکتورین «مسئولیت دسته جمعی» کار گرفته خواهد شد که این بقول روزنامه «پرودا» «بطور بی‌پرده چیزی دیگری جز دکتورین تشدد نمی‌باشد. به اساس این دکتورین هر عربی که در ساحه عملیات گوریلاها زندگی می‌کند از اعمال انتقامی اشغالگران برکنار مانده نمی‌تواند. این دکتورین اقدامات ظالمانه از قبیل

مطبوعه دولتی

تایپ متن: فرهاد بارکزوی  
ویرایش جدید: عمر فیض

## ۲۰ میلیون از زحمتکشان ایتالیا دست

به اعتصاب عمومی زدند

در هفته گذشته ایتالیا بیکی از بزرگترین میدان‌های جنگ طبقاتی - جنگی میان زحمتکشان و استثمارگران تبدیل گردید. طوری که انتظار میرفت کارگران صنعتی، سا ختمانی، برق، حمل و نقل، خدمات صحیه و طباعتی دست به يك اعتصاب عمومی پراهمیتی زدند در آن (۲۰) میلیون کارگر اشتراک ورزیده بود. در اثر این اعتصاب بزرگ کار تولید در سراسر کشور به رکود مواجه گردیده بود. هیچ روزنامه انتشار نیافت. همه امور فلج گردیده بود. از رادیو و تلویزیون خبری نبود. فابریکات، مغازه‌ها، بانک‌ها، ادارات و مؤسسات و مدارس همه مسدود بودند. کارگران ایتالیا به این اعتصاب عظیم خود که اهمیت بزرگ سیاسی دارد نشان دادند که با اراده متحد، نیروی متحد وهم آهنگ کارگران می‌توان تمام امور اجتماعی و اقتصادی را فلج ساخت. اشتراک مساعی و اتحاد عمل کلیه زحمتکشان ایتالیا با همبستگی نیروهای مختلف کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها، سوسیال دموکرات‌ها و دموکرات‌های مسیحی به ثمر رسید.

در میدان بزرگترین شهر صنعتی ایتالیا زد و خورد‌های خونینی بین مظاهره‌چیان و پولیس رخداد. پولیس در تصادم از گاز اشک آور و دود استفاده نمود. در اثر فیر ۶۵ نفر زخمی گردید که ۵۹ نفر آن پولیس بود، و یک نفر پولیس به قتل رسید. کارگران ایتالیا خواهان اصلاحات

(له دریم مخ پاتی)

## په ولسی جرگه کی د مؤظف...

ستر، مستقبل بی خلاند او د هغو ویاړن پرچم زومر د دینمانود تفتین او په کینو دکو دسیسو سره سره و چت دی.

په پای کی: لور دی وی د هیواد د بیروالی او دافغانستان د ټولو خلکو د پیوستون پرچم!

نسکور دی وی استبداد، ارتجاع او امپریالیزم!

له شوره دک او تاوده دردونه د آزادی د لاری د شهیدانو خلیدونکو خاطرو ته، ټولو قهرمانو خلکوته چه د آزادی، ملی استقلال، دموکراسی، ترقی او سولی په لاره کی قهرمانانه جنگیږی! وړاندی د نوی افغانستان په لپاره کی، د محبوب افغانستان د خلکو تر ظفر نمون پرچم لاندی زومر د پپری د پیشروو افکارو تر بیرغ لاندی! بری زومر دی، دافغانستان د خلکو دی!

(از ص ۳)

ما که درین جهاد مقدس سرشار از عشق آتشین خدمت به خلق و وطن هستیم معتقدیم که مبارزه ما علیه مرتجعین و مستبدین و تمام منحرافین راست و «چپ» به تسلیم طلبان و وطنه چینی سیاسی (سی، ای، ای - سازمان مرکزی جاسوسی امریکا) برحق است و این گروه‌های اقلیت ظالم و باطل نیستند که سرنوشته افغانستان را تعیین می‌کنند، بلکه این خلق افغانستان است که آرمان‌هایش کبیر، آینده‌اش درخشان و پرچم پر افتخار آن علی رغم تفتین و دسایس پرکین دشمنان ما برافراشته است.

سر بلند بار پرچم وحدت کشور و همبستگی تمام خلق افغانستان! سرنگون باد استبداد، ارتجاع و امپریالیزم! درود پرشور و آتشین به خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، به تمام خلق‌های قهرمان که در راه آزادی، استقلال ملی دموکراسی، ترقی و صلح قهرمانانه می‌رزند!

به پیش در راه افغانستان نوین، در تحت پرچم ظفرنمون خلق افغانستان، در تحت درفش اندیشه‌های پیشرو عصر ما!

پیروزی از آن ماست، از آن خلق افغانستان است!



«جهان آزاد» از فردرایت «اتحادیه کارتون‌های امریکا»

## د طوفان بچی

څه له می را بولی سیل د گلو ته

زه خو چیری نه یم د باغوان بچی

ما د توفانو څپو ته واچوئی

غواری توفانونه د توفان بچی

نشی په قفس کی پاتی دی نشی

دغه الوتونکی د آسمان بچی

تالنده چه غږ کری دی مستی کوی

دا د ترړ میو د باران بچی

شرنگ د زولنو د ژوند سندر ده

نازی په څنځیر کی د زندان بچی

سر به یی کوز نشی سرکشانو ته

خان ته که څوگ وایی د افغان بچی

(سپنتا)

## عقب ماندگی کشور به زبان ارقام که

از قرون متوالی دامن گیر آن است

نیکولما قبلاً در صفحات پرچم حقایق و ارقام فراوانی در زمینه عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی کشور ارائه کرده‌ایم. درین شماره و شماره‌های بعدی ارقامی را از آخرین نشریه احصائیوی کشور (پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی سال ۱۳۴۷) استخراج و پیرامون آن‌ها حقایق مختصری را تقدیم می‌نماییم تا هموطنان ما قضاوت نمایند بی‌عدالتی اجتماعی در جامعه و عقب ماندگی کشور که ما بر آن تأکید می‌نماییم تا کدام سرحد است.

قابل تذکر میدانیم ارقام رسمی حکومت افغانستان نه صحیح‌اند و نه دقیق این ارقام بیشتر بر روی تخمین و قیاس استوار می‌باشند، ولی ناگزیر باید آن‌ها را پایه استدلال و استنتاج قرار داد. با وصف اینکه در تخمینات احصائیوی رسمی تمایل به فزون نشان دادن آن‌ها مشهود می‌باشد، با آن‌هم می‌توان با ارائه آن‌ها وضع فوق‌العاده رفتار حیات اقتصادی و اجتماعی خلق افغانستان را به‌رستی مشاهده کرد.

این ارقام شرم آور گواه تردید ناپذیر بر عقب ماندگی و ناکامی سیستم اقتصادی - اجتماعی کنونی افغانستان و پاسخ هر نوع تبلیغات و گزاف گویی‌های تبلیغاتی‌های سرکاری است.

## شفاخانه‌ها و تسهیلات صحی

در افغانستان!

ولایت لغمان:

نفوس: ۲۲۲۵۳۱

شفاخانه: ۱

دوکتور: ۱

بستر: ۱۰

لابراتوار: هیچ

اکسریز: هیچ

ولایت فاریاب:

نفوس: ۴۲۴۷۱۰

شفاخانه: ۲

دوکتور: ۳

لابراتوار: ۱

اکسریز: ۱

ولایت بدخشان:

نفوس: ۳۴۴۴۹۵

شفاخانه: ۱

دوکتور: ۲

بستر: ۲۰

لابراتوار: هیچ

اکسریز: هیچ

ارقام فوق آن‌قدر گویا است که ضرورت به تبصره ندارد، ولی با قید این مطلب که از شفاخانه، دوکتور، بستر، لابراتوار و اکسریز فقط اسمی موجود است و در واقعیت وضع از لحاظ پرسونل، وسایل و تجهیزات بدتر و ابتدائی تر از آنست که بتوان تصور کرد.

یادداشت: افغانستان کانون بیماری‌های گوناگون است و فیصدی بیشتر مردم مبتلا به این بیماری‌ها و اما «تسهیلات صحی»؟؟

## اهالی خیر خانه مینه از دست مهمان‌های

ناخوانده به ستوه آمده‌اند!

اهالی خیرخانه مینه علاوه بر مشکلات بعد مسافه تا شهر و مشکلاتی از قبیل قلت آب آشامیدنی، عدم نظم و ترتیب بس‌ها، عدم امکانات استفاده از برق، افزونی غیر عادلانه تکس کیبل برق و غیره، اخیراً آرامش خویش را از طرف شب نیز از دست داده‌اند؛ زیرا دسته‌های مختلف دزدان با استفاده از موقعیت منطقه و عدم وجود پولیس و افراد امنیتی، راحتی و امنیتی خانواده‌ها را برهم می‌زنند.

(عبدالحکیم از خیرخانه مینه)



# پرچم

## ناشرانیدیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۳۴-سال دوم دوشنبه ۸ جدی - ۲۹ دسمبر ۶۹، شماره مسلسل (۸۵)

## نگاهی انتقادی

بر بیانیه بناغلی اعتمادی صدراعظم

گرچه حکومت بناغلی نور احمد اعتمادی در صورت ظاهر توانست رأی اعتماد اکثریت وکلای ولسی‌جرگه را بدست آورد، ولی در واقعیت امر وقتی یک حکومت می‌تواند از اعتماد مردم برخوردار گردد که عملاً کارهای به نفع مردم و برای بهبود زندگی ایشان انجام داده بتواند و در راه رشد اقتصاد و توسعه فرهنگ کشور گام‌های سالم و وسیعی بردارد. در بیانات وکلای ولسی‌جرگه باوجود ماهیت ارتجاعی و جوانب منفی قسمت بیشتر این بیانیه‌ها تا حدودی مشکلات، رنج‌ها و خواست‌های مردم انعکاس یافت که مبین عدم موفقیت حکومت‌های افغانستان و منجمله حکومت دوساله بناغلی اعتمادی در ساحه های مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی جامعه ماست. در بیانیه‌ها به‌طورکلی روحیه عدم اعتماد در اجراءات حکومت کاملاً مشهود بود. بدین لحاظ بناغلی اعتمادی صدراعظم در آخر روز جلسه رأی اعتماد بر حکومت در ولسی‌جرگه به‌طورکلی موضع‌گیری تعرضی علیه بیانات اعضای ولسی‌جرگه اتخاذ نمود و قدرت حکومت را که پیوسته باعث ظلم و استبداد در کشور بوده است بار دیگر تبارز داد و عوض اینکه به صداها عمل ضد قانونی و خودسرانه و عطلت عمل اداره و حکومت خود اعتراف می‌نمود بالعکس در برابر بیانیه‌های مخالف حکومت بدون ارائه حقایق و ارقام به حمله متقابل پرداخت.

بناغلی اعتمادی ضمن اینکه بیانیه‌های وکلا را به‌زعم خود به سه دسته تقسیم کرد منجمله گفت: «گفتار یک دسته دیگر وکلا متضمن نظریات معین سیاسی و ایدئولوژی بود که آن را با شیوه مختص خودشان طوری تبارز دادند که مردم ما دیگر به آن آشنا می‌باشند و قبلاً درین بازه قضاوت کرده‌اند.»

این مطلب بناغلی اعتمادی تلویحاً متوجه موضع‌گیری جریبان دموکراتیک خلق افغانستان در ولسی‌جرگه است که به شیوه دیپلماتیک و طنزآمیز کوشیده است

از منابع خارجی

## پیسکور تب دارد

در این اواخر سه نفر از اعضای پیسکور امریکایی در ترکیه - جوزف هولزر، شارون برکلی و والیت رولنگ اعلان نمودند که با این سازمان قطع رابطه نموده‌اند. آن‌ها در مکتوبی که عنوان رئیس پیسکور فرستاده‌اند می‌نویسند که وجدان شان اجازه نمی‌دهد که بیش از این به خدمت در این سازمان که به

که به آن کم بها دهد و چنین وانمود کند که گویا بناغلی اعتمادی «تبارز نظریات معین سیاسی و ایدئولوژی» قدرت جلب مردم را ندارد، ولی باید دانست که واقعاً هم اکنون بیانیه ما در پالمان در پیشگاه قضاوت مردم قرار دارد و علی‌رغم تمام تقنین‌ها، سوء تعبیرها، تحریف‌ات و تلاش‌های منبوحانه که برای بی‌اثر ساختن آن به عمل می‌آید در عرصه ملی و بین‌المللی حایز تأثیرات عظیمی است، زیرا: یکبار دیگر در این بیانیه بطور مشخص میان خلق، دوستان خلق و دشمنان داخلی و خارجی خلق مرزبندی به عمل آمد و راه نجات خلق افغانستان تشخیص گردید. رنج‌ها و خواست‌های نزدیک و دور طبقات و اقشار دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس یافت. فساد دستگاه حاکمه، خودسری و استبداد و اعمال خلاف قانون و غیر دموکراتیک حکومت و اداره افشا گردید. از وضع فلاکت‌بار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور بطور مؤجز تحلیلی ارائه شد. عاملین عقب ماندگی کشور و وظایف کنونی مبارزه علیه استبداد، ارتجاع، استعمار و امپریالیزم تشخیص و شعارها و هدف‌های نزدیک و دور مبارزه ما از لحاظ تکنیک و مراحل ستراتیژیک معین گردید. یکبار دیگر خط مشی و وظایف رستاخیز دموکراتیک خلق افغانستان درین مرحله تاریخی و شرایط کنونی در عرصه‌های داخلی و خارجی و از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برحسب اصول مرامی دموکراتیک خلق افغانستان مشخص شد و ایدئولوژی پیشرو سازمان سیاسی زحمتکشان افغانستان (جریان دموکراتیک خلق افغانستان) تصریح گردید.

از آنجائی که مبارزات ما بر مبنای درک ایدئولوژی طبقه کارگر، ایدئولوژی پیشرو، و تطبیق آن در شرایط مشخص جامعه ما به عمل می‌آید بدین‌جهت باجرت تمام اعلام می‌داریم که بر مبنای تطبیق این ایدئولوژی در مدتی کمتر از عمر یک

(ص ۲)

(ص ۴)

## پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان!

به مناسبت پنجمین سال جریان دموکراتیک خلق افغانستان:

پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان در هر جا که هستید، در مبارزه رهایی بخش ملی و اجتماعی کشور زنجیر اصول زرین مرکزیت دموکراتیک را از دست ندهید؛ از تسلیم طلبی و ماجراجویی هردو اجتناب کنید! اصولیت سازمانی، دلیری و هوشیاری، تحمل و استواری، روحیه رزمندگی و قهرمانی را در جریان نبرد علیه ارتجاع و امپریالیزم و انواع گوناگون انحرافات، در محرومیت و اخراج از کار و مأموریت در حبس و زندان و در تحت فشار مادی و معنوی در خود پرورش دهید و حفظ نمایید! تحت تأثیر تبلیغات زهرآگین و توطئه‌های آشکار و مخفی، مستقیم و تلقینات زیرکانه دشمن قرار نگیرید! به جریان پیشاهنگ دموکراتیک خلق افغانستان، به نهضت رهایی بخش کشور، به خلق کارگر وفادار باشید. وحدت را چون مردمک چشم خود حفظ کنید. در راه همبستگی تمام خلق افغانستان و وحدت کشور مجدانه مبارزه کنید!

حساسیت زمان حکم می‌کند که باید پرچمداران شجاع خلق با انضباط و هشیاری کامل زنجیر اصول و ایدئولوژی مترقی را، مرام دموکراتیک خلق افغانستان را، موازین سازمانی خط مشی عمومی و جاری جریان دموکراتیک خلق افغانستان را از دست ندهند و چون صخره استوار در موضع اصولیت قرار گیرند و از هرگونه خرده گیری، محفل بازی، ذهنگیری، قرینه سازی نادرست و بی‌اعتمادی بپرهیزند! در این صورت می‌توان بر هرگونه مشکلات پیروز شد.

## یادداشت‌های چند در سه موضوع

- ۲ -

بی‌اعتنایی در برابر توطئه ارتجاع گناه بزرگ است

یعنی برای برچیدن قدرت‌های ستمگر و استعمارگر در کشور عنصر وحدت و اتحاد نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست نقش عظیمی را ایفا می‌کند؛ اما متأسفانه کار وحدت و اتحاد نیروهای پیشتاز مبارز کشور ما از آغاز جنبش تا کنون دچار بحران جدی شده است؛ زیرا نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست کشور عوض اینکه برای نیل به هدف‌های ملی و اجتماعی تکیه نمایند و امر وحدت و اتحاد را در اوضاع و احوال کنونی مقدم بشمارند، بیشتر به‌صورت خودخواهانه وجوه افتراق و نفاق را (آن‌هم با ادعاهای بچه‌گانه و خرده کاری و خرده گیری) مطمح نظر و عمل قرار می‌دهند و وحدت عمل را نفی می‌کنند.

اکنون به همگان معلوم است که در عرصه ملی و بین‌المللی تمام محافل حاکمه ارتجاعی و امپریالیست‌ها چگونه از وجود اختلافات در جنبش

(ص ۳)

- ۳ -

حل کامل مسأله ملی در کدام شرایط امکان پذیر است؟

تحمل می‌کردند با مسأله ملی در دایره ملت‌های «تمدن و سفید» اروپایی در تضاد بوده‌اند. برای نخستین مرتبه طراح بزرگ «حق ملل در تعیین سرنوشت خویش» ضمن بررسی تاریخی - اقتصادی نهضت‌های رهایی‌بخش ملی، داهیانه تعبیر درستی از مسأله ملی کرد و حق ملل را از زنجیر تعریف‌های فضایی و مجرد آزاد ساخت و در نتیجه آن ثابت گردانید که منظور از حق ملل ستمدیده کشورهای غیرمستقل و مستعمرات در تعیین سرنوشت خویش عبارت است از حق ملل در جدا شدن از مجموعه ملت‌های غیرخودی، حق تعیین سرنوشت سیاسی و تشکیل دولت مستقل ملی.

جهان بینی علمی تصریح مینماید که تا موضوع «تساوی ملل» از طرف نیروهای مترقی و پیشرو با پیکار مستقیم آزادی‌بخش ملل تحت ستم علیه امپریالیزم توأم نگردد بیان بی‌مفهوم و فریبنده بیش نخواهد بود. استنباط مجرد و مستقل از مسأله ملی بدون ارتباط با مسأله عمومی محو امپریالیسم اندیشه صرفاً ریفورمیستی و ارتجاعیست. تیوری انقلابی و جنگ امپریالیستی اول جهانی و انقلاب ۱۹۱۷ همه مؤید این حقیقت گردید که مسأله ملی فقط در شرایط ارتباط با نهضت انقلابی زحمتکشان و مبارزه انقلابی علیه امپریالیزم حل شده می‌تواند. از آن زمان تا کنون است که نیروهای ترقی‌خواه و پیشاهنگ وظیفه جدی و قطعی خود می‌دانند که از نهضت آزادی‌بخش ملی ضد امپریالیزم ملل تحت ستم، غیرمستقل و

(ص ۳)

سال‌های متمادی از استقرار قدرت سیاسی ضد ملی، ضد دموکراتیک در وطن می‌گذرد، در جریان آن مجاهدات فراوانی از طرف نیروهای وطن‌پرست و ترقی‌خواه افغانستان برای طرد قدرت ملی و دموکراتیک به عمل آمده ولی متأسفانه تا اکنون تمام مجاهدات در زمینه محکوم به شکست گردیده است. این شکست‌ها و ناکامی‌ها علل عینی و ذهنی دارد. ولی ما در این یادداشت مختصر به بررسی یکی از علل ذهنی مسأله می‌پردازیم.

از عوامل عمده عدم موفقیت در امر پایان بخشیدن به عمر قدرت‌های حاکمه مرتجع و مستبد در کشور همانا انشعاب، افتراق، نفاق و انحلال طلبی در میان نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست و در جنبش ملی و مترقی کشور بوده است.

تجارب جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و اجتماعی مقدم بر همه می‌آموزاند که در هر حال نیل به این هدف عمده

(ص ۳)

طی نیم قرن اخیر در زمینه طرح مسأله ملی، صورت برخورد به این مسأله و حل آن تغییرات بزرگی به وجود آمده است. طی این مدت مسأله ملی در چوکات محدود نهضت‌های ملی ملل اروپایی مطرح بحث بود و اصولاً مسأله میلیون‌ها مردم از ملل آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین که با وحشیانه‌ترین، خشن‌ترین، قساوت‌آمیزترین و غیرانسانی‌ترین صورت ستم ملی و استعمار استعماری را

تخصیص پنجاه میلیون دالر برای از بین بردن رژیم‌های مترقی در سودان، لیبیا و سومالی

روزنامه بغداد آیزور ارگان رسمی حکومت عراق در سر مقاله شماره ۷ دسمبر خویش تحت عنوان: «نظم سرمایه داری: تهدید برای آرزوهای مشروع انسان» (می‌نویسد: در روی نقشه جهان به مشکل نقطه‌ای را می‌توان یافت که در آن امپریالیزم امریکایی مداخله نکرده باشد و در راه از بین بردن رژیم‌های مترقی بطور مخفی یا تجاوز آشکار تلاش نه ورزید باشد. در سال‌های اخیر تمایلات مداخله گرانه امپریالیزم امریکایی رکزتر آشکارتری را به خود گرفته است که توأم با تبهکاری و درنده‌خونی آن جنگی تجاوزکارانه ویتنام زشت‌ترین شکلی را ارائه مینماید.

امپریالیزم امریکایی زمینه سرنگون کردن چندین مؤسسه مترقی را به شیوه‌های گوناگون و در تحت

(ص ۳)

خدمت به خلق وطن را وظیفه مقدس خویش می‌شماریم و اگر در جریان این وظیفه بزرگ مرتکب اشتباهی شویم از خود انتقاد خواهیم کرد و به تصحیح اشتباه خواهیم پرداخت.

همچنان از انتقاد دیگران بیم و هراس نداریم و اگر واقعاً اشتباهات و نقص در کارهای ما، در فعالیت‌های عملی سیاسی ما، در تحلیلات علمی ما به‌منظور شناخت جامعه، در روش‌ها و میتودهای کار ما وجود داشته باشد فوراً به تصحیح آن می‌پردازیم و انتقاد اصولی و سالم از جانب هرکسی که صورت گیرد ما به آن توجه خواهیم کرد. از پیشنهادهاتی

این چهارمین مرتبه است که جریده پرچم از توزیع بازداشته میشود

هموطنان ما اطلاع دارند که در یکی از جلسات رأی اعتماد بر حکومت جدید در ولسی‌جرگه حملات تحریک آمیزی از طرف یک وکیل مربوط به جناح راست افراطی علیه ببرک کارمل وکیل شهر کابل، علیه سوسیالیزم، علیه ترقی و پیشرفت کشور، علیه بی‌طرفی افغانستان و علیه نیروهای ترقی‌خواه صورت گرفت. کارمل به استناد ماده (۲۵) اصول وظایف داخلی ولسی‌جرگه که چند روز مکرر به‌صورت پیگیر خواست اعتراض شدید خود را توأم با بیانیه‌یی علیه توجیهات و تعبیرات غلط وکیل مربوط ابراز دارد. ولی پنابر تحریکات جناح اکثریت ولسی‌جرگه (شوری) و محافل حاکم خلاف قانون برای وی اجازه صحبت داده نشد. چون حق اعتراض قانونی کارمل از طرف اکثریت مجلس پامال گردید، مضمونی در زمینه تحت عنوان «ارتجاع کهنه کار را باید در

نقش پرچم خلق در رشد و تکامل نهضت رهایی‌بخش کشور اظهر من الشمس است

هستند کسانی که به‌صورت فتنه‌گرانه بر مشی جاری نشرات پرچم و مشی جاری جریان دموکراتیک خلق افغانستان ناشیانه انتقاد وارد می‌کنند و از ما توقع دارند در نشرات، در مبارزات پارلمانی و خارج پارلمانی خود بالای اشخاص مربوط به دستگاه دولت افغانستان با فحش و دشنام شدیداً تعرض کنیم. در حالی که بر مبنای مقتضیات، شرایط و در چوکات اصول مبارزه مترقی و نه بر اساس فحش و دشنام و شیوه تحریک آمیز تعرض حملات و انتقاد شدید می‌نمایم. در نظر این گروه حملات انقلاب‌گیرانه و بچه‌گانه بالای اشخاص مورد

انتقاد عوام‌فریبانه و بی‌پایه و بدون تحلیل علمی و ارائه حقایق و ارقام و بدون در نظر گرفتن امکانات و شرایط کار علنی و قانونی و تناسب قوای دشمن خلق ملل انقلابی بودن و وطن‌پرست بودن تلقی میگردد. باید خاطر نشان ساخت که نیروهای اصیل ترقی‌خواه وطن‌پرست و انقلابی که تیوری علمی و ایدئولوژی پیشرو رهنمای عمل شان است همیشه سیاست را به‌منابیه علم و هنر تلقی می‌نمایند و فعالیت عملی و تنوریک آن‌ها بر پایه شرایط و مقتضیات

(ص ۴)

افکار عامه مردم ما حکم می‌کند که باید هرچه زودتر تمام کسانی که در جریان انتخابات دوره سیزده هم شوری مستبدانه و خلاف قانون از طرف حکومت زندانی شده‌اند از حبس رها گردند و حقوق مسلم سیاسی و اجتماعی آن‌ها اعاده گردد!



علم چه د تولید د ټاکلی روش په شرائطو کښی تکامل مومی له ټولنی سره نږدی ارتباط لری. اجتماعی علوم د معینی طبقی د گڼو مبین دی، د دغی یا هغی زیربنا له تحکیم او یا نابودی سره مرسته کوی سره له دی چه له تولید سره مستقیمه رابطه نلری. طبیعی علوم برعکس له تولید سره مستقیمه رابطه لری.

د علم تکامل تر زیاتی اندازی پوری په اجتماعی نظام پوری مربوط په ټولنه کښی په حاکمو اقتصادی مناسباتو پوری مربوط دی.

د علومو د تکامل سرعت او لوری مربوط پدی نظام او دی مناسباتو پوری دی او همدا راز په هغو استفادو پوری چه له علمی حاصلاتو نه لاس ته راځی. لکه چه د سرمایه داری د دوران په برقراری کښی، د سرمایه داری تولیدی مناسبات د علومو د تکامل لپاره پیلوړی عامل و، ځکه سرمایه داری تولید چه په چټکتیا او هر اړخیز د رشد په حال کښی و، تازه او لا تازه علمی معلوماتو ته پی اړتیا لرله. خو امپریالیزم ته له گذار (ورتیږیو) سره سم دا مناسبات د علم د پرمختگ پر مانع بدل شول.

علم د بورژوازی په لاس کښی د مبارزی لپاره د رقیبانو سره یوه وسیله ده، د حد اکثر سود دلاس ته راوستلو په خاطر او په همدی وجه سرمایه داران د هغو علومو له ودی سره زیاته علاقه ښیی چه دوی ته د زیاتو گټو زیری ورکوی، د دی لپاره د معاصری سرمایه داری په نری کښی د تولید تر ټولو گټه رسوونکی برخه، جنگی صنایع دی، سرمایه داری د انحصارات خپله پاملرنه خاصتاً دهغو علومو تکامل ته را گرزوی چه د جگری تدارک نیسی، د اتمی وسلی په تولید، د شیمیای او باکتریولوژیکی جنگی وساتلو په تولید پیل کوی.

معاصره امپریالیستی بورژوازی د ایده آلیستی نری لید له ملاتړ او د هغه له نشرولو سره علاقمنده ده او په همدی وجه خپل غیر علمی تفکر په علومو باندی تحمیلوې او کوشش کوی چه پوهه د خپلو عقائدو تابع کاندې. دا بورژوازی په هر قیمت غواړی طبیعی علوم او د طبیعی علومو پوهان له هغی لاری نه چه خامخا هغوی علمی جهان ښیی (نری لید) ته رسوی منحرف کاندی او خپل غیر علمی نری لید ته پی را کړی. کله چه پوهان په مختلفو علومو کښی نوی نتایج لاس ته راوړی، بورژوازی د خپلو مزدورانو او جیره خورو په مرسته کوشش کوی چه دا نتایج سرچپه کاندی او د خپل ایدیولوژی له روح سره بی سم تفسیر

پیدا نیود باد از کجا می‌وزید.
در سراسر دشت زمزمه گنگ و سرگردانی گوش‌ها را پر می‌کرد و لب‌ها را از گپ زدن و نالیدن می‌بست.

از آن بالا باد را می‌دیدم که گاهی از بال‌های زاغ سیاهی صدا می‌کشید و گاهی مثل گریهٔ پیره زنان از خلال برگ‌های درختان انبوه روستاهایی که اینجا و آنجای دشت پراکنده بودند ناله می‌کشید.
دلم از شوق و هیجان پر بود. خودرا بسیار بی تعلق و آرام حس می‌کردم و رقص گردبادهایی را که چون دختران دهاتی، چابک پا و شرمگین، گردهم چرخیده از جایی بجایی می‌لغزیدند می‌پاییدم.
از آن دورها، از پشت افق و غبار دشت، از شمال، از جنوب و از جهاتی دیگر، راه‌های باریکی به نظر می‌خوردند که به آهستگی روشن و روشن‌تر می‌شدند و سر انجام در نقطه‌ی از دشت، همدیگر را می‌بریدند و باز چلیپای دیگر می‌ساختند.
از پشت، از پهلو و از بغل سنگ‌ها و صخره‌های خورد و بزرگ کوه عدهیی بز و گوسفند را می‌دیدم که یگان یگان آشکار می‌شدند و چون قطر‌های باران همدیگر را می پالیدند و آخر کار مثل یک جویبار در کوره

له مترقی آثار و نه

## اجتماعی شعور او د تولنی په تکامل کی د هغه رول

او تعبیر کړی.

اما د بورژواپی اجتماعی علومو په مورد کښی، هغوی مستقیماً د سرمایه داری نظام دفاع په غاره لري او د سرمایه داری زری او شریدلي نمود ته زینت ورکوی او په ترقی باندي مجنونانه حملی کوی.

البته په بورژواپی ټولنه کښی داسی پوهان چه امپریالیزم محکوموی او د علمی جهان ښیی، سولی او اجتماعی ترقی په مواضیعو کښی دریدلی دی کم ندي مگر د علومو په زمینه کښی، د سیاست اتخاذ له حاکمه طبقی یعنی له امپریالیستی ارتجاعی بوریروازی سره دی.

**علم او په سوسیالیستی ټولنه کښی دهغه رول.**

په سوسیالستی ټولنه کښی، علم د تولید د تکامل لپاره د زیار ایستونکو د هوساینی او فرهنگی سطح د لوړتیا لپاره، او د هغوی دمترقی روزنی له پاره مهمه وسیله ده علم امکان ورکوی چه د طبیعت شتمنی او قوتونه په ډیره مناسبه توگه د خلکو په گټه تر استفادی لاندی راشی. علم امکان ورکوی چه د انرژي او تولیدی مصالح نوی او لا نوی طریقې د آب او راښی، نوی اولا نوی طریقې د آب او هوا پر شرائطو باندي د تأثیر لاره پیدا شی، کیهانی فضاوې تسخیر شی

(از ص اول)

## نگاهی انتقادی بر بیانیه بناغلی اعتمادی ...

نسل می‌توان افغانستان را به کشور پیشرفته زراعتی و صنایع رشد یافته دانش و فرهنگ مترقی تبدیل کرد که احتیاجات تمام اهالی کشور از لحاظ خوراک پوشاک، مسکن تامین خواهد شد. شبکه‌های وسیعی از مکاتب و مؤسسات عالی تعلیمی، مؤسسات خدمات صحتی، سرک‌ها و پل‌ها و غیره بر طبق احتیاجات مردم ایجاد خواهد شد. بر اساس تطبیق ایدیولوژی پیشرو در جامعه در یک مدت کوتاه تمام آن کارهای انجام شده می‌تواند که بناغلی اعتمادی صدراعظم در بیانیه خویش انجام آن‌ها را ناممکن شمرد. بناغلی اعتمادی به بیانیه وکلای ولسی‌جرگه، اشاره کرده و در موارد مختلف که خواست‌های اولی مردم کشور است

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

-۴-

## اجتماعی شعور او د تولنی په تکامل کی د هغه رول

طبیعت او اجتماع د عملیو د څیړنی په یوازینی علمی متودولوژی مجهز وی.

علم په سوسیالیستی ټولنه کښی د سوسیالیزم په ساختمان کښی یو مهم عامل دی. طبیعی علوم د تکنیک په تکامل او تکمیل او د زیار ایستونکو په تولیدی مهارت کښی او همدا راز د هغوی د کلتوری او تکنیکی سطح په لوړولو کښی ټائونکی رول لری، بنا پردی د علم له حاصلاتو نه استفاده د سوسیالیستی تولید لپاره د رشد پیاوړي اهرم دی. علم پدی توگه په مستقیم تولیدی قوت باندي بدلیری.

اجتماعی علوم هم زیات اهمیت لري او دا ځکه چه سوسیالیستی انسانان د اجتماعی قوانینو په معرفت مجهز وی. او پدی توگه امکان ورکوی چه د تولنی و ده او تکامل پر علمی پایه تعقیب شی دا علوم همدا راز د ترقی په روزنه او د علمی نری لید په حاصلولو کښی ستر رول لری.

**۶ - هنر (فن)**

**د هنر خصوصیات او د هغه مقام د تولنی په ژوند کی**

هنر د واقعیت د انعکاس شکل دی. د انسانانو په شعور کښی د داسی تصویرونو په صورت چه هنری جنبه لری، هنر د انسانانو د سیاسی او اخلاقی روزنی لپاره یوه پیاوړی

رشد نیافته. حکومتی که از خلق تجرید و نماینده سیاسی طبقات ستمگر و استثمارگر جامعه باشد، کماکان در حفظ تسلط طبقات حاکم بر جامعه در حفظ مناسبات فرتوت فنودالی و ما قبل فنودالی و به نمایندگی از منافع آزمندانۀ مشتی اقلیت در جامعه اصرار و سماجت ورزد، طبیعی است که نمی‌تواند کاری به نفع توده‌های عظیم مردم انجام دهد؛ اما یک حکومت دموکراتیک و ملی درین مرحله تاریخی می‌تواند که در یک مدت کوتاه امکانات و زمینه‌های رشد اقتصادی و اجتماعی کشور را فراهم سازد، نه حکومت‌های نوع کنونی افغانستان منجمله حکومت بناغلی نور احمد اعتمادی!

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

دهقانان در حال کار

لاس ته ورشی، له دی کبله چه د روح په ژورو کښی نفوذ کوی او د انسان احساسات تخنوی، په طبقاتی مبارزه کښی یوه پیاوړی وسله ده. په همدی وجه پرگنی له هنر نه د خپلو سیاسی، اخلاقی افکارو د انتقال لپاره استفاده کوی.

شعر د روبنا یو جز دی چه د خپلی زیربنا لپاره خدمت کوي او د هغه پر اساس و ده مومی. مثلاً اوسنی بورژوازی هنر، د ارتجاعی امپریالیستی قوتونو خدمت کوی او کوشش کوی زیار ایستونکی د استثمارچیانو سره له مبارزی نه واری، په هغوی کښی بدصفتا، نورو خلکو او دولتونو ته بی احترامی وروزی او سر مایه داری نظام وسنایی.

هره طبقه هغه هنر هستوی چه د هغی له طبقاتی گټو او هنری غوښتنو سره متناسب وي. خوله دې سره سره په هنری آثارو کښی داسی آثار پیدا کیږی چه د هغوی دوران او طبقه پای ته رسیدلی ده مگر لا تراوسه پوری د هنری آثارو په حیث پاتی دی. دا هغه آثار دی چه دخپل مضمون په لحاظ بی په روښانه توگه ابدی او په ټول بشریت پوری متعلق خصوصیات چه په ټولو دورانونو کښی په انسانانو کښی موجود دی، منعکس کړیدی.

د هری نوی دوری هنر، ټول هغه څه چه په ماضی کښی مترقی او ښکلی دی ساتی.

**سوسیالستی هنر او د هغه رول**

د کارگر د انقلابی طبقی د مبارزی او د ترقی خوا ته د هغه د پرمختگ پر اساس، سوسیالیستی هنر مینځ ته راغی چه په کیفی لحاظ نوی دی. سوسیالیستی هنر سره له دی چه د تیر دورانونو ټول عالی او مترقی آثار پخپلی هنری گنجینه باندي زیاتوي، پخپله د هنر د تکامل په عالی درجه کښی واقع دی چه له نویو تاریخی شرائطو سره تناسب لری.

د سوسیالیستی هستونکی هنر اسلوب له سوسیالیستی ریالیسم نه عبارت دی چه په درستی او هنری شکل زموږ د دوران عمده مضمون یعنی د ترقی خواته د تولنی حرکت منعکسوي. سوسیالیستی هنر هیڅکله په یوه نقطه کښی نه پاتی کیږی بلکه پرله پسی تغیر مومی او غنی کیږی.

د سوسیالیستی هنر اساسی اصول د واقعیت د انعکاس سموالی او ژوروالی، له خلکو سره د هغه پیوند، د هغه موضع‌گیری د کارگر د طبقی او ټولو زیار ایستونکو پر لوری او نو آوری ده او دا ټول د جهانی کلتور له مترقی سنتونو سره ترکیب کړی.

رگ رگ درها منتشر کند.
دلم نمی‌خواست شب را تنها بگذارم و از آن سیاهی دلخواه که دشمن دوگانگی و چنگانگی بود، چشم ببوشم. همان‌طور غم آلود و آرزومند به یاد خودم نبودم و بر چند و چون دنیای رنگارنگ فکر می‌کردم، بیگمان می‌دانستم که شب دیگر نمی‌آید و باز روز و رنگ‌ها عیان میشود اما من از رنگ‌ها نفرت داشتم؛ از رنگ انسان‌های جور و ناجور از رنگ روستاهای نابرابر، از رنگ شهرهای خوب و خراب و از تمام آنچه بنام روشنایی و نور یاد می‌شوند و خطوط چهره‌های خوشایند و ناخوشایند را آشکار می‌کنند.

من در امید و انتظار روز دیگری بودم، روزی به شکوه و زیبایی شب و روزی عاشق بیگانگی و بی‌غمی.
دلم می‌خواست از فرادای همان شب که خورشید چون جواهری درخشان بر سینه لاجوردی و بی‌نهایت آسمان می‌درخشید، دشت چون مردی کریم و دریا دل‌کیف عریض و پهناور دستش را چنین بگشاید که در آن آیه‌های پیروزی و نجات بزرزگران درج باشند و دهقان با پایهای برخوردار از آزادی در میان گشتزاری بی‌کرانه و بی‌ارباب سرود نیکبختی را ترنم کند و در راه بی‌پایان و بی تقاطع آینده افق‌های نوینی را در یابد.

**«ب. کابلی»**



## ۱- هدف والای ما پیروزی

## خلق است

انتقاد اصولی و سالم و پیشنهادهات عملی بما اتهام می‌بندند، دشنام می‌دهند و دروغ می‌یافند.

ولی ما بارها خاطر نشان ساخته‌ایم که در طول راه‌های پر پیچ و خم در برابر پیشاهنگان و کشفافان راه نبرد عادلانه ملی و اجتماعی همیشه عناصر ضعیفی قرار می‌گیرند و وجود آن‌ها است که این‌گونه عناصر در نشان داده است که این‌گونه عناصر در جریان مبارزه پیگیر و طولانی از میان می‌روند، پرچم خلق همچنان برافراشته می‌ماند و خلق پیروز میگردد. این‌گونه «اشخاص» موقتاً ظاهر می‌شوند، موقتاً فریب می‌دهند، ولی برای همیشه محو و نابود می‌گردند. در تاریخ کوتاه پنج‌ساله جریان دموکراتیک خلق افغانستان تا کنون چندین بار صدها نفر مقنن ظاهر شده و در راه رشد و تکامل آن سنگ اندازی کرده‌اند و از راست و چپ

بالای ما حمله کرده و دست به دسیسه زده‌اند؛ اما از آنجایی که جریان دموکراتیک خلق افغانستان سخت به زنجیر مستحکم اصول جهان‌بینی علمی چنگ انداخته است و با پیدا کردن و در دست گرفتن حلقه‌های مخصوص از زنجیر وقایع در هر لحظه معین مبارزه، تمام آن‌ها را در طول زمان مبارزه از نهضت تجرید کرده است.

بگذار ارتجاع و شبکه‌های امپریالیستی هر قدر سلاح‌های کثیف در زرادخانه دارند بکار برند؛ و وحشیانه و ناشیانه بالای ما حمله کنند و توطئه نمایند؛ زیرا بدین شیوه، خود گور خود را با این سلاح‌ها می‌کنند و خود در آن دفن می‌گردند.

هر قدر وسایل مبارزه دشمن کثیف و ناپاک باشد برای ما مفید است زیرا خلق ما زودتر حق را از باطل تشخیص می‌دهند، زودتر بیدار می‌گردند، زودتر متشکل و متحد گردیده بپا می‌خیزند و به پیروزی می‌رسند. درین صورت است که هدف ما برآورده میگردد.

اهالی شریف و زحمتکش ولایت لغمان که اکثریت عظیم آن را مانند سایر ولایات کشور طبقات محروم، محکوم و بی‌دفاع کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، مأموران پائین‌رتبه و سایر اقشار زحمتکش تشکیل می‌دهد پیوسته از مظالم نظام فاسد خان خانی، استبداد وحشیانه طبقاتی، بی‌بندوباری و غارتگری ارباب نفوذ محلی و چپاولگران دستگاه اداری فریاد می‌کشند و روز تا روز فقر و مرض، بی‌سوادی و بی‌کفایتی و آوارگی و عربانی و ظلم و ستمگری صاحبان زور و زر دامن سیاه و جهنمی خود را بر زندگی مرگبار مردم ناتوان این دیار گسترده‌تر می‌سازد.

خوانین و متنفذین محلی دهقانان تهیدست و ستم‌دیده این ولایت را به طرز وحشیانه‌یی استثمار می‌کنند و در تجاوز به جان و مال و هستی مردم بی‌دفاع، بر بی‌عاطف‌ترین دشمنان بشریت سبقت می‌جویند، مردم در قیال قدرت این طبقه بیدادگر حتی اختیار زن و فرزند خود را ندارند. دستگاه اداری که ماهیتاً، حافظ و حامی منافع طبقات ستمگر و صاحب امتیاز جامعه است، تا کنون نتوانسته و یا نخواسته اقدامی به خاطر ازالۀ رنج‌های عظیم خلق‌های ستم‌دیده این دیار به عمل آورد و یا کواتاترین گامی برای نجات خلق مظلوم لغمان از پنجه‌های خونین طبقات حاکم بر سرنوشت مردم بردارد.

ولایت لغمان از لحاظ منابع طبیعی از غنای کافی برخوردار است و نیروهای انسانی در آن از استعداد سرشاری نمایندگی می‌کند، ولی آیا نمی‌شد که از این منابع غنی و طبیعی

## ۲- بی‌اعتنایی در برابر توطئه ارتجاع گناه بزرگ است

مترقی شادمانی می‌کنند و از آن به نفع خود بهره برداری می‌نمایند.

بر حسب اطلاعات و حقایق هم اکنون قدرت حاکمه افغانستان به‌صورت بی‌شرمانه و توطئه آمیز و به شیوه امپریالیست‌ها با تمام قوا و با استفاده از کلیه وسایل ضد شنون انسانی تلاشی می‌ورزند که انحلال طلبی، اختلاف و انشعاب، تفرقه و نفاق را در میان نیروی‌های ترقی‌خواه وطن‌پرست کشور عمیق‌تر و شدیدتر کنند و وحدت و اتحاد را در میان آنان ناممکن سازند. آن‌ها هر روز فعالیت می‌کنند تا از طریق تفتین، جاسوسی، افشاگری، پخش انواع دروغ و اتهام و بی‌اعتمادی در صفوف آزدیخواهان و وطن‌پرستان حداکثر برای بقای عمر خود استفاده کنند، زیرا قدرت حاکمه ارتجاعی به نحوه دریافته است که عنصر اتحاد و وحدت نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست، ملی و دموکراتیک (دوستان خلق) متناسب

(از ص اول)

## تخصیص پنجاه میلیون دالر برای...

حالات مختلف تهیه دیده است. جنبش آزادی بخشی ملی در بعضی از کشورهای آسیائی و افریقائی به‌وسیله فعالیت‌های توطئه آمیز امپریالیزم امریکایی با مصائب و مشکلات زیادی روبرو گردیده است. در نتیجه تحقیقاتی که از عمل به دام افتاده سیا (سی آی ای) به عمل آمده معلوم گردیده است که توطئه‌های ایالات متحده امریکا بخصوص متوجه کشورهای میباشد که بنابر موقعیت جغرافیائی با ثروت‌های طبیعی خود اهمیت خاصی دارند.

راپور تازه می‌رساند که ایالات متحده امریکا مبلغ ۵۰ میلیون دالر را منظور پیشبرد دسایس بر ضد سودان، لیبیا و سومالی تخصیص داده است.

## ۳- حل کامل مسأله ملی در کدام شرایط امکان پذیر است؟

مظلوم مجدانه پشتیبانی کند و کمک برسانند.
در دورهٔ جنبش دموکراتیک و ملی وظیفه پیشاهنگ مستقل زحمتکشان در زمینه حل علمی مسأله ملی باید توأم با همبستگی کاملاً فشرده و ناگسستگی مبارزه طبقاتی زحمتکشان تمام ملل ساکن یک کشور باشد. این درست است که در مبارزه طبقاتی زحمتکشان از مسأله ملی نباید بت درست کرد ولی وقتی‌که جنبش‌های توده‌یی ملی پدیدار گردید روی گرداندن از آن و استکفاز پشتیبانی از عوامل مترقی آن، معنایش در حقیقت دفاع از ستم ملی و تسلیم شدن به ارتجاع و امپریالیزم است.

ولی از تمام صحبت‌های فوق نباید چنین نتیجه گرفت که احزاب ترقی‌خواه پیشرو و وطن‌پرست با هر قسم نهضتی بنام «نهضت ملی» در همه جا و همیشه و در تمام موارد

## برقرار گردد.

بنابر آن به هر اندازه که امپریالیزم امریکا فعالیت‌های توطئه گرانه و تجاوزات خودرا شدت می‌بخشد به همان اندازه ضربات مردم آزادی دوست بر منافع امپریالیستی نیرومندتر میگردد. نقش شریانه را که ایالات متحده امریکا در صحنه سیاست بین‌المللی بازی می‌کند نه تنها نشان‌دهنده ماهیت ظراحن آن میباشد بلکه گواه زنده است بر اینکه سیستم سرمایه داری کاملاً یک سیستم زشت است و این سیستم دشمن واقعی آرزوهای انسان و یک صلح دوامدار مبنی بر عدالت میباشد.

## برقرار گردد.

بنابر آن به هر اندازه که امپریالیزم امریکا فعالیت‌های توطئه گرانه و تجاوزات خودرا شدت می‌بخشد به همان اندازه ضربات مردم آزادی دوست بر منافع امپریالیستی نیرومندتر میگردد. نقش شریانه را که ایالات متحده امریکا در صحنه سیاست بین‌المللی بازی می‌کند نه تنها نشان‌دهنده ماهیت ظراحن آن میباشد بلکه گواه زنده است بر اینکه سیستم سرمایه داری کاملاً یک سیستم زشت است و این سیستم دشمن واقعی آرزوهای انسان و یک صلح دوامدار مبنی بر عدالت میباشد.

# یادداشت های چند در سه موضوع

## ۳-

## حل کامل مسأله ملی در کدام شرایط امکان پذیر است؟

پشتیبانی و کمک مینماید.

«حل مسأله ملی و حق ملل در تعیین سرنوشت شان تا سرحد جدائی و استقلال را نمیتوان با مسأله صلاح بودن جدائی فلان یا بهمان قوم و ملت، در فلان و بهمان زمان مخلوط کرده.»
اساساً هدف ما از طرح مسأله ملی کمک و پشتیبانی با آن نهضت‌های واقعی آزادی‌بخش ملی است که موجب ضعف و سرنگونی استعمار و امپریالیزم و محو فنودالیزم شود نه آنکه باعث استقرار و استحکام و بقای آن‌ها گردد. تجربه تاریخ نشان داده است که بعضاً يك «نهضت ملی» در فلان و بهمان کشور ستمکش با منافع رشد و پیشرفت قسمت نهضت وطن‌پرستانه و دموکراتیک ضد امپریالیستی و جنبش مترقی زحمتکشان متضاد واقع گردیده است - درین صورت مسأله پشتیبانی و کمک اساساً نمی‌تواند در میان باشد زیرا مسأله حقوق ملل یک موضوع منفرد و مجزا نبوده بلکه جزئی از مسأله عمومی جنبش دموکراتیک و سوسیالیستی است.

نبرد عادلانه آزادی‌بخش ملی به خاطر آزادی و استقلال و محو ستم ملی جزئی از مبارزه عمومی است در سراسر جهان که بین نیروهای ترقی و ارتجاع، بین نیروهای آزادی و سوسیالیزم در یکطرف و امپریالیزم جهانی در طرف دیگر جریان دارد. در دوران معاصر هر نهضت آزادی‌بخش ملی ایکه با نهضت کارگری و دموکراتیک و سیستم جهانی سوسیالیزم به‌صورت فشرده و متحد در جبهه ضد ارتجاع و امپریالیسم قرار نگیرد و راه رشد مترقی غیر سرمایه داری را که راه به جهت سوسیالیزم را باز می‌کند تعقیب نکند محکوم به شکست بوده و در

# گوشه‌ی از مشکلات و شمه‌ی از خواست‌های مردم شریف و زحمتکش ولایت لغمان

نورستان که زندگی در آن جاها از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مائش‌الله» دست نخورده باقی‌مانده است از نگاه تاریخی برای محققان و سیاحان داخلی و خارجی قابل مطالعه و مورد دلچسپی فراوان است و از طرف دیگر مرکز ولایت و حوالی نزدیک به آن از شتابیه‌های بسیار خوب کشور بشمار می‌رود، ولی آیا ممکن نبود در پروژهٔ شهر جدید ولایت طرح یک هوتل و محیط تدریسی آبرومندی را هرچه زودتر تکمیل می‌کردند و از عواید آن به‌حساب بناروالی لغمان به نفع نظیف و انکشاف شهر مرکز ولایت استفاده به عمل می‌آمد و از طرفی هم با ین وسیله با ایجاد زمینه تماس اهالی این ولایت با مراجهین بیشتر از مراکز نسبتاً انکشاف یافته کشور و خارج مملکت به انکشاف شعور اجتماعی و مدنی مردم خدمتی انجام می‌دادند؟

سرکی که پل سرخکان را به مرکز ولایت وصل می‌کند و بعد از تکمیل و تعمیر پل سرخکان احداث گردیده، فاصلهٔ ناچیزی را دربر می‌گیرد، معهذا در این اواخر روز تا روز ویران‌تر و ناهموارتر می‌شود و به - مشکلات عراده جات سیاحین و غیره می‌افزاید، مگر آیا قیر کردن آن‌هم کاریست که باید در یک پلان پنج‌ساله دیگر طرح شود؟

این بود گوشه‌یی از مشکلات و د شمیعی از خواست‌های مردم شریف، زحمت کش و وطن‌پرست لغمان و آنچه که باید در شرایط موجود و با مرحله کنونی می‌کردند و بکنند، ولی نکرند و نمی‌کنند و آنچه هم که تا کنون انجام گرفته است، بیشتر بطور

لجنزار ناسیونالیزم ارتجاعی وابسته به ارتجاع و امپریالیزم و شوونیزم عظمت طلبانه سقوط خواهد کرد.

ستم ملی که محصول شرایط نظام سرمایه داری و سلطه استعمار و امپریالیزم است، تنها در شرایط جامعهٔ سوسیالیستی کاملاً از میان برداشته میشود و مسأله ملی علماً حل میگردد. تجربه تاریخ مبین این حقیقت درخشان است که تنها «در شرایط سوسیالیزم ملت‌ها شگفته می‌شوند و حاکمیت آنان تحکیم می‌پذیرد»، عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی و نفاق و تفرقه‌های ملی از بین می‌رود و تساوی حقیقی ملل در رشته‌های سیاست و اقتصاد و فرهنگ تضمین میگردد، به ملی که در مرحله پایین‌تر ترقی اقتصادی و فرهنگی قرار داشته باشند کمک اقتصادی و فرهنگی عظیمی مبذول میگردد تا صنایع و فرهنگ شان با سرعت بی‌سابقه‌ای توسعه یابد. تنها در چنین شرایط است که اصل حق ملل در تعیین سرنوشت خود تحقق می‌پذیرد. برنامه طراز نوین مسأله ملی اجرا می‌شود. برادری

و اتحاد داوطلبانه کلیه ملل ساکن در يك وطن واحد پر افتخار برقرار میگردد و در هردو صورت صلح و دوستی واقعی میان ملل استقرار می‌یابد

لذا وظیفه بزرگ ما در مرحله کنونی تاریخ و درین منطقه آسیا عبارت است از: مبارزه سرسختانه و بی‌هراس در راه سوق پیگیر نهضت آزادی‌بخش ملی و دموکراتیک خلق کشور واحدمان افغانستان محبوب در يك جبهه متحد ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم در عرصه ملی و با سایر خلق‌ها و ملل تحت ستم آسیا، افریقا و امریکای لاتین، کشورهای سوسیالیستی و نیروهای کارگری و دموکراتیک و صلح‌دوست در عرصه جهانی به خاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی.

(ب.ک)

شده است.

همین چندی قیل قریه علیشنگ و برخی از قرای نزدیک به آن (مندوزانی، شمه خیل، چپرا، شرکمان بارکزانی، گنجون و...) را در درهٔ علیشنگ ژاله زد و کشت‌های رسیده شالی را که آماده درو بود با خاک سیاه یکسان کرد؛ این بلای آسمانی بیشتر از صدها خانوار از دهقانان بیوا را به عمده‌ترین حاصل کار و زندگی‌شان را در ظرف سال همین کشت‌های ژاله زده تشکیل می‌داد، به شکل رقت‌باری تیره روز و بدبخت ساخت؛ دهقانان تهیدست و فامیل‌های فلک زده‌شان به خاک نشستند و ناله‌های جگرخراشی از محیط ویرانه‌ها بر فضای متآزده دهکده‌های مصیبت‌دیده برخاست ولی گردانندگان مغرور و مرفه‌الحال دستگاه حاکمه خمی به ابروی مبارک نیاوردند و حتی به نشر خیر و اظهار تسلیتی هم (چنانکه عادت همیشگی آن‌هاست) نسبت به این حادثهٔ الم انگیز در رادیو و جراید سرکاری دولت نازل نفرمودند؛ چه رسد به اینکه دستگاه پر عرض و طول افغانی سرمیاشت که پیوسته اینجا و آنجا تبلیغات پر سر و صدایی در اطراف «کمک‌های» آن به قضا زدگان، توسط امواج رادیو روزنامه‌های سرکاری صورت می‌گیرد، به این همه فریادهای جگرخراش مصیبت رسیدگان حادثه هلاکت‌بار (ژاله علیشنگ) گوش فرا دهد و یا به اصطلاح با «کمک‌های بریاری» خویش، لاقل نیستی از خسارات وارده بر دهقانان ستم‌دیده آنجا را تلافی کند.

(دبوه بی)



# رحم

د افغانستان د تلک دموکراتیک افشارو خپروونکی

۸ جدی ۱۳۴۸

## عملیات سیا (سی - آی - ای) در امریکای لاتین

مجله مکسیکویی زیمپیر (۲۹ - اکتبر) در مقاله‌ای که توطئه‌های سازمان مرکزی جاسوسی ایالات متحده امریکا را در بولیویا افشاء مینماید می‌نویسد که جاسوسان این سازمان با اسناد جعلی در اردوی بولیویا نفوذ کرده و کوشیده‌اند که بر آن کنترل خویش را قایم سازند.

اینکه سازمان‌های مخفی ایالات متحده امریکا راه را برای انحصارات امریکایی بمسوی ثروت‌های امریکای لاتین هموار می‌نمایند یک حقیقت مشهود است. **سلاح‌هایی را که سیا (سی آی ای) در امریکای لاتین استخدام مینماید هم معلوم است که عبارت‌اند از توطئه‌ها و دسایس، مداخله مسلحانه، عملیات واژگون سازنده علیه جنبش‌های وطن‌پرستانه، فاسد ساختن سازمان‌های مترقی از درون و بدنام کردن رهبران آن‌ها.**

تازترین اهداف فعالیت‌های سیا (سی آی ای) پیرو و بولیویا است؛ زیرا که امپریالیست‌های ایالات متحده امریکا نمی‌توانند این حقیقت را قبول نمایند که پیرو کمپنی پترول

د ۱۹۶۹ کال د نومبر په ۲۸ نیټه د پاکستان جمهور رئیس ښاغلی آغامحمد یحیی خان د پاکستان ملت ته په یوه غوره وینا کې وویل:
- د راتلونکی کال د اکتوبر په پنځمه به په ټول پاکستان کی عمومی انتخابات شروع شی.
- د پاکستان د پاره به نوي اساسی قانون جوړ شی.

- د لویدیځ پاکستان یو یونټ دی مات شی.

- ټولو صوبو (ولایاتو) ته به حداعظم داخلی آزادي ورکړله شی.

- په هیواد کی به پارلمانی فدرالی شکل د حکومت جوړ شی.

- د پاکستان دواړه برخې به په ملی اسمبلی کی د نفوسو په تناسب غړی ولری.

- د پاکستان د خلکو ټول مدنی حقوق دی بیا راژوندی کړل شی

- د راتلونکي کال له لومړی نیمی نه په ټول پاکستان کی حزبی فعالیتونه بیا شروع شی.

- د مارشل لا نظام به تر هغه پر قرار وی چه حکومت ملکی کسانو ته ور وسپارل شی.

د پاکستان د جمهور رئیس د وینا له اوریدو نه وروسته په مرکزي پښتونستان کی خلک له ډهلونو سره کوڅو او بازارونو ته را ووتل او د یو یونټ په ماتیدو او د سیاسی آزادیو د بیا شروع کیدو په خبر باندي یی په ا ټونونو او نڅاو پیلې وکړ، هری خواته مارشونه شروع شول او دښار په گوټ گوټ کی د خونیی په توگه د ټوپکو ډزی وشوی چه تر ناوخته پوري ئی دوام وکړ.

د نشنل عوامی پارټی صدر خان

## دیو یونت له ماتیدلو سره د پښتونستان او بلوچستان ملی آزادی بښونکی نهضت نوی مرحلی ته داخلیری

عبدالولی خان د خیبر میل ورځ پانی به نماینده سره په مرکه کی وویل چه دیو یونټ په ماتولو سره د پاکستان جمهور رئیس یوه تاریخی فیصله کړی ده. ولی خان وویل چه د جمهور رئیس دغه زړه وره فیصله به په تاریخ کی د یوی ستړی بیښی په حیث ثبت شی.

ولی خان زیاته کړه چه د یو یونټ له ماتیدلو سره به په هیواد کی د سیا ست پیچیدگی لری شی. ده وویل چه دغی فیصلی په هیواد کی د یو سالم او تعمیری سیاست بنسټ کښیږد...

ښاغلی افضل بنگش په یوی مطبوعاتی وینا کی وویل چه د یو یونټ ماتیدلو او د پخوانیو صوبو بیا را ژوندی کولو د ملیونونو پاکستانیانو زړونه خوشحاله کړی دی.

د پاکستان د جمهور رئیس دغه وینا چه په حقیقت کی د پاکستان او پښتونستان د خلکو د سترو اوږدو مبارز لوی بری گڼل کیږی په یقینی ډول به د پاکستان د خلکو په راتلونکی انکشاف او پرمخ تگ بانندی د پښتونستان او بلوچستان د ملی آزادی بښونکی نهضت او حق خودارادیت په مبارزه، له پاکستان سره دهغه گاونډیو هیوادو په مناسباتو او په پای کی د دی سیمی په سولی او امنیت باندی مثبتة اغیزه ولری.

اوس چه د لویدیځ پاکستان یو یونټ ماتیری او خودمختار پښتونستان مینځ ته راځی د خپل د سرنوشت د ټاکلو او د استعمار د تسلط د دوری د ټولو بقایاوو د له مینځه وړلو د پاره د پښتونستان او بلوچستان د خلکو ملی آزادی بښونکی نهضت او مبارزه نوی او حساسی مرحلی ته داخلیری،

په دغه حساس وخت کی د امپریالیزم اجتنان او ټول ارتجاعی قوتونه هڅه کوی چه د خپلو لمسونکو اعمالو په واسطی هغه امکانات او مساعده فضا له مینځه یوسی چه اوس مینځ ته راځی. نو په دغه حساس وخت کی د پښتونستان د خلکو د انقلابی نهضت په برخه کی زموږ وظیفه داده چه په افغانستان کی د پښتونستان د ملی آزادی بښونکی مبارزی پرچم په

(از ص اول)

هر که پا کج می‌گذارذ خون دل ما می‌خوریم شیشه ناموس عالم در بغل داریم ما (بیدل)

### قهرمان

سال‌ها با هم چراغ جستجو افروختیم تا ره و رسم حصول آر زو آموختیم

وز کثرت آهنگ هم‌رهان سست پیمان، در عمل: هر که از ره منحرف شد، ما بداغش سوختیم \* \* \*

تا که بازار سخن به گرم، حرف انقلاب:

میجهید از هر دهان همچون شرار از آفتاب،

چون عمل پیرایه شد، در آزمونگاه نبرد

«شیر مردی» «های روبه طینتان شد بی‌حجاب. \* \* \*

راستی راهی که باید رفت تا پایان کار

بس خطرناک و پرپیچ و مخوف و مرگبار

فهرمانست آنکه زین آشوبگاه هولناک:

سر بکف بگذشت، بی‌پاک و دلیر و استوار. \* \* \*

قهرمان در روز میدان، قهرمان در کار زار

قهرمان در بند و زندان، قهرمان در پای دار

پیش‌تازست همچو توفان، پای برج‌ها همچو کوه

نه جبون و بزدل و سازش پذیر و خرده کار \* \* \*

قهرمان خلق، خصم سازمان خلق نیست،

عامل نیات شوم دشمنان خلق نیست،

چون فلان تقوی فروش چپ نمای و «صف شکن»

دشمن آتش به جان رهبران خلق نیست.

بارق شفیی

زیات شور او شوق سره لور وساتو او په دې سیمې کې د سولې له ساتنې سره سره د پښتونستان او بلو چستان د خلکو د ملي او مترقی قوتونو د انقلابي تگ لارې کلک ملاتړ وکړو. (په ولسۍجرگه کې د صدراعظم اعتمادي په حکومت باندى د اعتماد رايې په جلسه کې د ببرک کارمل له وينا څخه)

## پيسكور تب دارد

داشته‌اند.

روزنامه تانزانیا بنام «انگورومو» نوشته است که ایالات متحده امریکا به تجزیه طلبان بیفرا از طریق پوسته دیپلماتیک و صندوق‌های پیسکور اسلحه ارسال می‌نمایند. مردم افریقا میگویند که پیسکور در کشورهای رو به انکشاف حیثیت «ستون پنجم» را دارد.

روزنامه سومالی بنام التایر تالح می‌گوید که سازمان پیسکور آله مخفی سیا در قاره افریقا بوده و کشور ما یکی از اهداف فعالیت تخریب این سازمان میباشد.

در همین سال واشنگتن پوست در یکی از شماره‌های خود مضمونی از طرف دو نفر مبصرین مشهور بنام‌های پیرسن و اندرسن نشر و در آن گفته‌اند که رهبر جدید پیسکور پلاچ فورد با سازمان سی. آی. ای ارتباط دارد و از طرف اکشن انترنشنل که لاقال از دو سازمان مربوط به سی. آی. ای. پول می‌گیرد به حکومت نکسن آمده است.

حقایق فوق نشان می‌دهد که سی. آی. ای رهبر اصلی پیسکور میباشد.

اجازه می‌دهد سعی خواهیم کرد که عمر نشرات جریده پرچم طولانی باشد و با حد نهایی استفاده از منافذ قانونی به نفع بیادری سیاسی خلق و بخش نظریات سیاسی و ایدئولوژیکی خود می‌پردازیم.

ما تشخیص داده‌ایم که فقط دشمنان داخلی و خارجی خلق افغانستان و هواداران آن‌ها آرزومند مصادره جریده پرچم خلق‌اند و مذبحوحانه تلاش می‌ورزند که نقش خلاق و بی‌سابقه جریده پرچم را در سیر تاریخ مبارزات رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور لطمه بزنند. ولی این آقایان باید بدانند که آفتاب را بدو انگشت نمیتوان پنهان کرد. نقش پرچم خلق در رشد و تکامل نهضت انقلابی کشور اظهر من‌الشمس است.

پرچم

صاحب امتیاز: سلیمان لایق، مدیر مسؤل: میر اکبر خیبر
تلفون: ۲۳۱۶۴، دیوی گڼی بیه: ۲/۵ - افغانی

تایپ متن: قاسم اسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

## دول سوسیالیستی امداد همه جانبه خودرا به دول عربی ادامه می‌دهند و از مبارزات آن‌ها بر ضد امپریالیزم و اسرائیل پشتیبانی می‌کنند

راه را برای استقرار ېك صلح دوامدار عادلانه مسدود میسازد و همین پلان‌هاست که هدف آن از بین بردن رژیم‌های مترقی در کشورهای عربی، علیه استقلال ملی تمام دول عربی، علیه دست آوردهای سیاسی و اجتماعی مردم صلح‌دوست عرب علیه جنبش آزادی‌بخش خلق عرب که نقشی برجسته در مبارزه علیه امپریالیزم بازی می‌کند میباشد.»

**تهدید برای صلح جهان**

در بیانیه مزیداً، گفته میشود «امپریالیست‌ها می‌خواهند مواضع از دست رفته خود را در شرق میانه دوباره بدست آورند و بدین‌وسیله به غارت ثروت ملی دولت‌های عربی، فوق همه منابع نفتی آن‌ها کماکان ادامه دهند. صرف به همین دلیل است که محافل امپریالیستی بعضی از کشورهای غربی بخصوص ایالات متحده امریکا سیاست الحاق اسرائیل را در شرق میانه فعالانه پیش میبرند و به آن کمک‌های مزید مالی، نظامی و غیره می‌دهند. مقادیر بزرگ اسلحه عصری به شمول طیاره و راکت در اختیار متجاوزین گذاشته میشود.»

(از ص اول)

### نقش پرچم خلق ...

جامعه استوار میباشد. از آتجای که جریان دموکراتیک خلق افغانستان پیرو این مکتب است همیشه سلاح

مبارزه آن سلاح علم و هنر سیاست است نه روش‌های عوام‌فریبانه و انقلاب‌گیرانه مبارزه ولو که این عده محدود فهمیده و یا نفهمیده، با حسن نیت و یا سوء نیت از روی احساس ساده‌لوحانه و یا فتنه‌گرانه ما را محکوم به سازش‌کاری و تسلیم طلبی نمایند، ما هرگز به خود اجازه

«اسرائیل و حامیان آن امکانات

حل سیاسی را قصداً تخریب می‌نمایند و فکر می‌کنند در الحاق سرزمین‌های اشغال شده متعلق به عرب‌ها کامیاب خواهند شد. تنها بدین طریق می‌توان به روش اسرائیل در برابر تقاضاهای مکرر افکار عامه جهان در برابر فیصله‌های شورای امنیت ملل متحد، به شمول فیصله نامه ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ آن موسسه پی برد.»

«رهبران اسرائیل از طریق تخریب حل سیاسی بر اساس فیصله شورای امنیت، مردم اسرائیل را بیک مبارزه طولانی و جنایت‌کارانه علیه خلق عرب عمیق‌تر می‌کشاند. این سیاست خطرات جدیی را بخصوص برای خود مردم اسرائیل در بردارد. این سیاست تماس جهانی را تهدید مینماید.»

«سیاست تجاوزکارانه اسرائیل و آن نیروهای غربی که تجاوز اسرائیل را پیش میبرند بیش از پیش به خشم جهان مواجه میگردد. ملل جهان تقاضا می‌نمایند که تدابیر مؤثری به‌منظور تحقق فیصله نامه ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ اتخاذ گردد.»

<sup>[1]</sup> ما تشخیص داده‌ایم که فقط دشمنان داخلی و خارجی خلق افغانستان و هواداران آن‌ها آرزومند مصادره جریده پرچم خلق‌اند و مذبحوحانه تلاش می‌ورزند که نقش خلاق و بی‌سابقه جریده پرچم را در سیر تاریخ مبارزات رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور لطمه بزنند

<sup>[2]</sup> ما تشخیص داده‌ایم که فقط دشمنان داخلی و خارجی خلق افغانستان و هواداران آن‌ها آرزومند مصادره جریده پرچم خلق‌اند و مذبحوحانه تلاش می‌ورزند که نقش خلاق و بی‌سابقه جریده پرچم را در سیر تاریخ مبارزات رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور لطمه بزنند





# تظاهرات ضد

## امپریالیزم امریکا در کابل و قطعنامه پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان

بروز یکشنبه (۱۴ جدي ۱۳۴۸) قبل از ظهر میتینگ مقدماتی به اشتراک بیش از دو هزار محصل در صحن پوهنتون کابل بر ضد مسافرت سیرو اکتیو معاون رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا به افغانستان دایر گردید که در آن یکتن از پرچمداران دلیر دموکراتیک خلق افغانستان بیاتیه مستدل و پرشوری علیه امپریالیزم ایراد و در باره مسافرت اکتیو اعتراض نمود. وی وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم و عمل مشترک تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی را خاطر نشان ساخت. بروز سه شنبه ۱۶ جدي (۶ جنوري ۱۹۷۰) قبل از ظهر میتینگ‌های در صحن پوهنتون کابل به وجود آمد که اجتماع بزرگی در تحت پرچم جریان پیش‌آهنگ دموکراتیک خلق افغانستان با شور و نظم تمام از پوهنتون خارج گردید.

در جریان این نمایش هزاران نفر از کارگران، محصلان، جوانان، روشنفکران و زحمتکشان شهر کابل به صفوف تظاهر کنندگان پیوستند. از آغاز تظاهر تا ساعت ۳ بعد از ظهر میتینگ‌های متعددی در نقاط مختلف شهر ایجاد و بیاتیه‌های پرشور ضد امپریالیزم امریکا ایراد گردید. تظاهر (ص ۴)

## وضع زراعت- آبیاری و مالداری در کشور بهمان نحوه هزاران سال قبل باقی مانده است

مالداری در کشور به‌طور کلی بهمان نحوه هزاران سال قبل به‌اصطلاح عنعنوی و باستانی باقی‌مانده است. چنانکه در بیاتیه پارلمانی جریان ما این موضوع بیان گردیده است: «شیوه تولید فنودالی و زراعت کشور در همان شرایط عقب مانده هزار سال قبل است. بدتر اینکه حتی آرد و روغن را هم باید از خارج وارد کرد.»

واقعاً در افغانستان که به‌اصطلاح کشوری زراعتی شمرده می‌شود، از ۸۰ تا ۸۵ فیصد نفوس آن بکار

«فعالیت‌های وسیع (!)» وزارت زراعت و آبیاری طی سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ در قطار ۱۲ وزارتخانه دیگر بیشتر از همه در نشریه «اجمال اجراءات حکومت در دو سال اخیر»، جلب توجه می‌نماید. نه تنها درین نشریه (که همزمان با جلسات رأی اعتماد بر حکومت جدید در ولسی‌جرگه از طرف حکومت نشر و پخش گردیده است صفحات بیشتر نسبت به کارهای هر واحد دیگر به این وزارت تخصیص داده شده، بلکه مدت‌هاست که تبلیغات فریبنده در زمینه رفع کمبود مواد غذایی و بخصوص گندم که ماده اولیه غذایی مردم ما را تشکیل می‌دهد و بهبود وضع زراعت این «کشور زراعتی»، دامنه بسیار وسیعی پیدا کرده است. ولی در واقع وضع عکس آنچه است که به‌طور تبلیغی ادعا می‌گردد. امور به‌اصطلاح انکشاف زراعت کشور که در بدو تأسیس یعنی چهل سال قبل به دست مدیریت عمومی زراعتی، سپس ریاست مستقل زراعت و از چند سال به این‌طرف به دست وزارتخانه عریض و طویل و پرسروصدای زراعت و آبیاری سپرده شده است، با صرف هزاران میلیون افغانی طی این مدت کوچکترین بهبود و رشد قبل ملاحظه و چشمگیر در زمین نمی‌توان مشاهده کرد. در نتیجه این وضع زراعت، آبیاری (به‌استثنای چند بند و نهری که خارج از چوکات کار این وزارتخانه ساخته شده است) و

## د پښتونستان ستر مشر پاچا خان اتیا کُن شو

د دهلې راديو او د هند مطبوعاتو خبر ورکړ چه د عبدالغفار خان (پاچاخان) د زيربښی اتياومه کليزه په ټول هندوستان کې ونمانځل شوه. د «آل انديا پاچاخان سالگره ساميتی» مشر جای پرکاش ناراین د هندوستان له ټولو خلکو څخه وغوښتل چه د عبدالغفار خان د سالگرې د نماځلو او تجليل په غرض ديوی هفتي د پاره جشنونه جوړ کړی. دغه هفتي «د وروړگلوی د هفتي، په نامه» ياده کړی. او د فرقه وی هم آهنگی او ملي وحدت د پاره په دغی هفتی کې خاص گامونه اوچت کړی. په هغو مراسمو کې چه دهند په حيدر آباد کې د هندو - مسلم متحد جبهی له خوا نيول شوی (ص ۴)

## بازهم عده‌ای از رفقای قهرمان ما زندانی شدند

عده‌ای از پرچمداران قهرمان (دموکراتیک خلق افغانستان) علی رغم آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، ضد موازین دموکراسی و مخالف تعامل مبارزات ضد امپریالیستی در عرصه بین‌المللی به خاطر ایفای وظایف مبارزه علیه امپریالیزم و جنگ، به خاطر دفاع از صلح، آزادی و استقلال، به نسبت دفاع از خلق‌های قهرمان ویتنام و اعراب، به نسبت مخالفت قهرمانانه علیه سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم امریکا در روز آمدن سیرو اکتیو معاون رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا در کابل، زندانی گردیدند. این چندمین بار است که عده‌ای قابل ملاحظه از رفقای مبارز ما در جریان نهضت آزادی‌بخش خلق کشور ما بنا بر نبرد دلیرانه علیه استبداد، ارتجاع و امپریالیزم، از طرف حکومت مستبدانه بازداشت و زندانی می‌گردند. تفصیل موضوع در باره رفقای زندانی در آینده تقدیم می‌گردد.

## سه موضوع دیگر از دفتر یادداشت‌های

### سیاسی و اجتماعی

- ۲ -

#### باز هم در باره جبهه متحد

ما موقتاً فوقتاً مسأله تشکیل جبهه متحد را از لحاظ وظایف نزدیک و دورنمای مبارزه در کشور طرح کرده‌ایم، زیرا مراحل گوناگون مبارزه طرح اتحاد نیروهای معینی را ضرور می‌سازد. اصولاً لزوم طرح تشکیل جبهه متحد خواه برای مدتی موقت و برای امری مشخص، خواه برای مدتی طولانی و برای آینده باشد از تحلیل علمی وضع طبقاتی جامعه و مسایل حد سیاسی کشور سرچشمه می‌گیرد. عناصر متشکله جبهه متحد در جامعه ما که بالقوه وجود دارند عبارتند از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران کسبه، روشنفکران وطن‌پرست، بخش وسیعی از مأموران دولتی، محصلان و افسار متوسط که منحنیت المجموع موضوع آن‌ها در جامعه مبنای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را برای تشکیل جبهه متحد دموکراتیک به وجود می‌آورد.

در ساختمان اجتماعی جامعه ما با وصفی که طبقه کارگر از لحاظ کمی و کیفی هنوز ضعیف است، ولی به‌موازات آنکه پیرو به هم پیوستن کارگران کشور به‌طور روزافزونی به‌منابه یک طبقه در جریان می‌باشند؛ لذا ضرورت اتحاد طبقه کارگر در

زمان کم و بیش طولانی و در جریان مبارزه، با بخش‌های غیرپروولتری زحمتکشان کشور و به درجه اول دهقانان به وجود می‌آید. در شرایط کشور ما دهقانان بزرگترین بخش نفوس کشور و نیروی محرکه عمده جنبش آزادی بخش ملی را تشکیل می‌دهند. دهقانان کشور عمدتاً محروم از زمین بوده و ناگزیر اند که از شصت تا هشتاد فیصد حاصل کار و دسترنج خود را به شکل اجاره بها به ملاکین فنودال تحویل دهند. بدین لحاظ مسأله دهقانی و زمین حادترین پرابلم اجتماعی کشور ماست و دهقانان در امر امحای فنودالیزم به‌طور بالقوه علاقه‌مندی حیاتی دارند.

در افغانستان تعداد بسیار کثیر بانفوذی از بخش وسطی (خرده بورژوازی شامل پیشه‌وران، اهل کسبه، دکانداران کوچک و غیره موجود است و بدین جهت سرنوشت جنبش‌های بخش ملی تا حدود معینی به موضوع‌گیری این بخش جامعه بستگی دارد. همچنان نقش روشنفکران دموکراتیک ملی در جنبش‌های ملی و اجتماعی کشور مؤثر است.

(ص ۳)

- ۳ -

#### خلق و دشمنان خلق کیانند

#### راه حل صحیح تضادها در کشور و تأمین وحدت در بین ما

تمام ملیت‌ها و اقوام کشور ما در وجود یک افغانستان نوین، مترقی، واحد، آزاد و متحد بشمار می‌رود. امروز در اجتماع ما تضادهای عمده و فرعی اشتهای پذیر و اشتهای پذیر و وجود دارد. ولی بعضی‌ها روی بی‌دانشی و عدم درک علمی جامعه و یا روی عمد و قصد از وجود تضادها در کشور انکار می‌نمایند و بعضی دیگر ناشیانه بدون تحلیل علمی جامعه، مسایل تضادهای گوناگون را در کشور ساده کرده و در یک نسخه واحد به‌صورت دگم (جزمی) به طبقه بالا و پائین تصنیف می‌کنند (در حالی که اکثریت گویندگان آن‌ها نیز خود از طبقات بالا و مرفه‌الحال و منتفعین محلی‌اند و مضحک‌تر اینکه آن‌هم روی نقشه ارتجاع و امپریالیزم مسأله

باید با تأسف اظهار داشت که کشور ما بنا بر موجودیت مناسبات فنودالی و ماقبل فنودالی و نفوذ استعماری تا کنون متحد و یکپارچه نیست. تضادهای گوناگون مورد نفوذ خلق، در وطن ما انگور تویاً وجود دارد که هر گاه بوقت و به‌صورت منطقی حل نگردد، همیشه خطر تجزیه، تفرقه و هرج و مرج آن را تهدید می‌کند. یگانه راه حل صحیح و سریع تضادها در کشور عبارت است از پیروزی جنبش دموکراتیک ملی به حیث حداقل هدف استراتژییک و جنبش سوسیالیستی به حیث حد اکثر هدف استراتژییک (هدف غائی). انجام موفقانه این دو مرحله جنبش ضامن اصلی پیروزی حتمی وحدت کشور و همبستگی توده‌های خلق و

(ص ۳)

## خلاصه از تزه‌های کمیته مرکزی

### ح. ک اتحاد شوروی به مناسبت صدمین سال تولدی لنین

از چندی به این‌طرف ملل دارای رژیم‌های اجتماعی و سیاسی مختلف و سازمان‌های دموکراتیک و مترقی در سراسر جهان منجمله کشورهای همجوار و هم منطقه ما ایران، پاکستان و هند وسیعاً ترتیبات می‌گیرند که صدمین سالگرد تولدی ولامیرایلچ لنین را تجلیل نمایند. این تجلیل بر اساس سفارش یونسکو نیز صورت می‌گیرد. بدین مناسبت هیات‌های بزرگ و ذیصلاحی از طرف حکومتات و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی مترقی مؤظف گردیده‌اند تا ترتیبات تجلیل روزهای لنین را تهیه نمایند.

در ایران هیاتی به ریاست وزیر علوم - تکنالوژی و تعلیمات تشکیل گردیده است و بدین مناسبت در جمله سایر کارها یک کتاب تحت عنوان خاطرات لنین به زبان فارسی تهیه دیده شده است. همچنان کتاب‌های متعددی که وقف صدمین سال تولد لنین و اتحاد شوروی گردیده برای نشر آماده شده است. اخیراً در پاکستان بیشتر از ده اثر در باره لنین نشر گردیده که من جمله یک بیوگرافی لنین به پنج زبان پشتو، اردو، بنگالی، سندی و انگلیسی در کراچی بچاپ رسیده است.

از آنجائی که کشور ما سوابق درخشان دوستی و همکاری همه جانبه بی‌شائبه با شوروی دارد که لنین بنیادگذار آن می‌باشد و اثرات نیک و شربخش آن در هر گوشه و کنار مملکت هویدا است، انتظار می‌رود که در افغانستان نیز برای روزهای لنین ترتیباتی اتخاذ گردد و صدمین سالگرد این متفکر بزرگ و دوست ملل مشرق در کشور ما نیز تجلیل شود. اینک ما به‌تقریب این روز خلاصه از تزه‌های کمیته مرکزی ح. ک اتحاد شوروی را به مناسبت صدمین سالگرد (در صفحه ۳)



تولدی لنین ترجمه و به نشر می‌سپاریم.

ک. م. ح. ک. ا در تزه‌ای خود به مناسبت صدمین سال تولد لنین اعلام می‌نماید:

تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی «تحول جدید تاریخی به نفع سوسیالیزم در سیستم قدرت‌های اقتصادی و سیاسی جهان بود و لنینیزم را به مقیاسی جهانی تحکیم نمود» «خلق شوروی و خلق‌های جامعه سوسیالیستی، در اثر مجاهدات قهرمانانه خود، راه را به‌سوی نظام نوین اجتماعی گشودند و این نظام را به نفع تمام خلق‌های جهان آزمونند.» این سند دارای بیش از ۱۳۰۰۰ کلمه، در روزنامه‌های مسکو منتشر گردید.

تر مزبور تأکید می‌نماید:

«برقراری همکاری بین‌المللی در چارچوب سیستم جهانی سوسیالیستی نشان می‌دهد که چگونه اصولی لنینی مناسبات طراز نوین بین‌المللی بالارزش است. گرد هم جمع شدن کشورهای سوسیالیستی از لحاظ سیاسی و اقتصادی باعث افزایش نیروها و قدرت هریک آن‌ها می‌گردد، به آن‌ها امکان می‌دهد تا از مزایای طریق سوسیالیستی سازمان دادن زندگی اجتماعی استفاده کامل‌تر به عمل آورند.»

در تزا گفته می‌شود: «ح. ک. ا. ش مبارزه کمونیست‌های کشورهای برادر را که علیه هرگونه کوشش برای تخریب مواضع نظام جدید، علیه برخورد ایورتونیستی به مسایل ساختمان سوسیالیستی و مناسبات در یک سیستم جهانی سوسیالیستی، به خاطر غلبه بر اختلافات میان احزاب بر مبنای اصول مارکسیزم - لنینیزم به عمل می‌آید، به‌خوبی تشخیص می‌دهد. شرط مطمئن برای برقراری مناسبات طراز نوین بین‌المللی عبارت است از سیاست صحیح احزاب کمونیست و کارگری، اجرای پیگیر آموزش لنینی راجع به ساختمان جامعه نوین، رعایت و احترام به اصول انترناسیونالیزم سوسیالیستی»

ک. م. ح. ا. ش در تزه‌ای خود تأکید می‌نماید که: «یک دوران کامل انقلابی در حیات بشریت با نام و فعالیت‌های لنین ارتباط دارد.» «لننین به میرم‌ترین مسائلی که توسط تکامل تاریخی طرح گردیده پاسخ گفت. وی تیوری انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه کمونیستی را کاملاً رشد و انکشاف داد و جنبش انقلابی بین‌المللی در روسیه را به استراتژی و تاکتیک‌های علما به اثبات رسیده مجهز ساخت و رهبری مبارزه طبقه کارگر را در راه عملی کردن ایدپال های سوسیالیزم در زندگی، به عهده گرفت.»

در سند گفته می‌شود: «لننین بارزترین خصوصیات یک انقلابی پرولتری را چنین بیان می‌کند - فهم بزرگ، اراده غلبه بر تمام موانع، تنفر مقنس در برابر بردگی و ستم، شور و شوق انقلابی، انترناسیونالیزم پیگیر، ایمان بی‌حد و حصر به قدرت‌های خلاق توده‌ها و نیروی بزرگ سازمان‌دهی.»

«کار و زندگی کنین با مبارزه طبقه کارگر و حزب کمونیست در آمیخته بود»

«با اتکاء به میراث ایدپولوژیکی لننین، احزاب کمونیست کار خلاق وسیعی را تنظیم می‌نمایند و به‌طور آشتی ناپذیر علیه ایدپولوژی بورژوازی معاصر، علیه نظرات راست و «چپ» تنوری انقلابی مبارزه می‌کنند. مارکسیزم لنینیزم یک آموزش بزرگی بین‌المللی است. هر گونه سعی برای تخریب وحدت مارکسیزم - لنینیزم برای پارچه، پارچه کردن آن به‌طور مصنوعی به «نغمه‌ها»ی مختلف ملی و منطوقی مطلقاً منجر به تجدید نظر اصولی آموزش انقلابی طبقه کارگر می‌گردد. این آموزش در ماهیت خود یک کل تجزیه ناپذیر است و به تمام کمونیست‌ها، همه کارگران انقلابی و تمام خلق کارگر متعلق می‌باشد.»

در تزا گفته می‌شود: «لننین تشکیل و تحکیم حزب انقلابی طبقه کارگر را شرط قاطع پیروزی مرام انقلاب سوسیالیستی می‌دانست.» «وی حزب پرولتاری را به‌مثابهٔ اهرم نیرومندی که می‌تواند روسیه را دگرگون نماید، تلقی می‌کرد.»

ک. م. ح. ک. ا. ش. می‌گوید:

«لننین با جمع کردن تجارب عظیم

## خلاصه از تزه‌ای کمیته مرکزی ح. ک.

### اتحاد شوروی به مناسبت صدمین سال تولدی لنین

جنبش انقلابی، آموزش منطقی در بارهٔ حزب پرولتری طراز نوین را تدوین نمود.»، «لننین و بلشویک‌ها کوشش‌های را که جهت تبدیل کردن حزب به محفل مباحثات، به اجتماعی از فراکسیون‌ها و گروهندی‌ها به عمل می‌آمد جداً رد نمودند. لننین و بلشویک‌ها ها همبستگی و همکاری نزدیک صفوف حزب را به‌مثابه شرط قاطع برای تحکیم و نیرومندی حزب تلقی می‌نمودند و هرگونه فعالیتی را که هدف تخریب وحدت حزب و تضعیف انضباط آهنین آن باشد غیرمجاز می‌دانستند» «حزب بلشویک‌ها به‌مثابه حزب واقعی انترناسیونالیست های پرولتری به وجود آمد، رشد و تکامل نمود. این حزب نظر به ایدپولوژی، ترکیب و ماهیت فعالیت‌های خود عمیقاً یک حزب بین‌المللی است.»

در سند گفته می‌شود: «لننین مبارزه را در دو جبهه - علیه انواع ایورتونیزم راست و چپ و رویزیونیزم به‌مثابه شرایط عمده برای فعالیت‌های موفقانه حزب مارکسیستی در راه تکامل و پیروزی‌های جنبش طبقه کارگر تلقی می‌نمود.»

در سند گفته می‌شود که «لننین تیوری علمی امپریالیزم را ایجاد کرد، خصلت، تضادها و وابستگی‌های آن را تحلیل و تجزیه نمود. این خدمت بزرگ تاریخی اوست. لننین به اثبات رسانید که مرحله انحصاری سرمایه داری آخرین مرحله آن و آستانهٔ انقلابات سوسیالیستی است.

تحلیل همه جانبه مرحله نوین تاریخ جهانی به لنین کمک کرد تا فرصت‌های بزرگ جنبش انقلابی را در دوران امپریالیزم، درک نماید.» «لننین با در نظر داشتن شرایط جدید تاریخی مسأله ملیت‌ها را به‌ذمت و به‌طور کامل تحلیل نمود و مفکوره پیوند دادن مبارزه طبقاتی پرولتاریا را با مبارزه در راه محو ستم ملی، مفکوره پیوند دادن مبارزه به خاطر سوسیالیزم را با مبارزه آزادی بخش ضد امپریالیستی خلق‌های تحت اسارت بسط و توسعه داد و آن را به اثبات رسانید.»

کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. می‌گوید: «نقش تغییر دهنده انقلابی تنوری مارکسیستی - لنینیستی، وحدت آن با عمل انقلابی در فعالیت‌های بلشویک به رهبری لننین به‌طور درخشان در پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر آشکار گردید.» «انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر مثال حل پرابلم های عمیق اجتماعی برانداختن قدرت استثمارگران و

برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، تبدیل کردن مالکیت خصوصی بورژوازی و ملاکان به مالکیت اجتماعی سوسیالیستی، حل عادلانه مسئلهٔ ارضی به نفع دهقانان، نجات خلق‌های وابسته از ستم استعماری و ملی، ایجاد شرایط سیاسی و اقتصادی برای ساختمان سوسیالیزم را نشان داد.»

«انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر نخستین پیروزی انقلاب جهانی سوسیالیستی بود. این انقلاب سیمای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی یک قدرت بزرگ را تغییر داد و جنبش آزادی‌بخش بین‌المللی را به سطح عالی‌تری ارتقا داد.»

ک. م. ح. ک. ا. ش، تأکید می‌نماید که: «سلاح عمده ساختمان سوسیالیزم، دیکتاتوری پرولتاریا است.» «دیکتاتوری پرولتاریا برای طبقه کارگر و خلق کارگر امکان می‌دهد تا در برابر قدرت سرمایه داری، ارتباطات بورژوازی و تجربه اداری آن، ایدنولوژی و سایکولوژی مالکیت خصوصی به‌وسیله نیروی ایمان پرولتری، آگاهی سیاسی، سازمان و انضباط مقابله نمایند.»

«در جامعه سوسیالیستی سازمان و اداره بر مبنای اصل لنینی سترالیزم دموکراتیک استوار است که ترکیب اورگانیک اداره متمرکز، پلان شده و واحد اقتصاد و تکامل اجتماعی - فرهنگی را با ارتقای ابتکار محلی، با تنوع راه‌ها، شیوه‌ها و وسایل نیل به هدف مشترک دربر دارد.»

«دولت سوسیالیستی تمام خلق مرام دیکتاتوری پرولتاریا را ادامه می‌دهد و به حیث عنصر میان سازمانده در حل وظایف ساختمان کمونیستی خدمت می‌کند.»

تزه‌ای ک. م. ح. ا. ش. می‌گوید که خلق شوروی در حالی که اقتصاد ملی خویش را رشد می‌دهند و قدرت دفاعی کشور را بلند می‌ریند وظیفه بین‌المللی خود می‌دانند تا هر آنچه ممکن است به خاطر تحکیم اقتصادی، نظامی و سیاسی جامعه سوسیالیستی جهانی به‌طور کلی و هر کشور عضو این جامعه انجام دهند. «جامعه ما در برابر سیاست امپریالیستی به‌منظور حفظ منافع و انقلابی، با نیروی غلبه ناپذیر و عزم راسخ خود مقاومت می‌نماید.» «ساختمان موفقانه سوسیالیزم و کمونیزم تنها تحت رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی امکان پذیر است.» «حزب کمونیست به‌مثابه پیش‌اهنگ تمام خلق شوروی، به حیث رهبر سیاسی تمام سازمان‌های خلق کارگر قرار دارد.»

(از ص اول)

پرچم

## خلاصه از تزه‌ای کمیته مرکزی ح. ک.

### اتحاد شوروی به مناسبت صدمین سال تولدی لنین

ک. م. ح. ک. ا. ش در تزه‌ای خود خاطر نشان می‌سازد: ح. ک. ا. ش. با عزم راسخ کیش شخصیت را که منجر به سوء استفاده از قدرت، نقش دموکراسی سوسیالیستی و قانون انقلابی گردید، با قاطعیت محکوم نمود.

حزب کمونیست همچنان سوپژکتویزم را که از قوانین تکامل اجتماعی و افکار و آراء جمعی انکار می‌کند و فیصله‌های ولنتاریستی را جانشین رهبری علمی می‌نماید، رد می‌کند.

تضمین در برابر این پدیده‌های منفی همانا رعایت جدی قواعد لنینی حیات حزبی و دولتی، رشد انتقاد و انتقاد از خود، اجرای پیگیر اصل رهبری جمعی و تماس وسیع با توده‌ها شما می‌باشند. حزب هرگونه تلاش‌ها را که هدف آن متوجه ساختن انتقاد از کیش شخصیت و سوپژکتویزم علیه منافع خلق و سوسیالیزم به‌منظور لکه دار ساختن تاریخ ساختمان سوسیالیستی، بی‌اعتبار کردن دست آوردهای انقلابی، تجدید نظر در اصول مارکسیزم - لنینیزم به عمل می‌آید، رد می‌نماید.

تزا خاطر نشان می‌سازد که: «نمونه اتحاد شوروی برای نخستین بار مؤثریت اصول لنینی سازمان اقتصادی سوسیالیستی را به‌طور بارز نشان داد، چنانکه در دوران قبل از جنگ اتحاد شوروی از لحاظ حجم تولیدی صنعتی در جهان از مقام پنجم به مقام دوم ارتقا نمود، افزایش متوسط سالانهٔ تولید صنعتی در مدت سال‌های کار صلح آمیز به 14 فیصد و در طول تمام دوران شوروی به ۹/۹ فیصد بالغ گردید که این رقم در مقابل ۲ تا 4 فیصد افزایش محصولات صنعتی که طی همین مدت توسط ایالات متحده، انگلستان، فرانسه و آلمان غرب وانمود گردیده، می‌باشد. پیشگونی لنین مبنی بر ایندهٔ امحای سرمایه داری تکامل نیروهای تولیدی جامعه را به‌طور شگفت انگیزی تسریع خواهید کرد، کاملاً به حقیقت پیوسته است.»

«منافع طبقه کارگر کمونیست‌ها را موظف می‌نماید که هم علیه کم بها دادن به خصوصیات ملی و هم علیه مبالغه در آن جداً مبارزه کنند ح. ک. ا. ش. در مبارزه علیه انحراف با تفرقه ملی و شوونیزم عظمت طلبانه هواره از این حقیقت پیروی می‌نماید که نه ناسیونالیزم به هر شکلی که باشد و نه نپهلیزم ملی با سوسیالیزم سازگار است.»

تزا خاطر نشان می‌سازد که: «برنامهٔ لنینی انقلاب فرهنگی به تنوری و پراکتیک انقلابی خدمت مهمی محسوب می‌گردد.» «حزب همواره خلاقیت هنری در جامعهٔ سوسیالیستی را به به‌مثابه جزء لاینفک علاقه‌مندی تمام حزب و همهٔ پرولتاریا پنداشته است. اصل لنینی حزبیت و خصلت گروهی شعر و ادبیات به حیث پایه محکم جهت جمع کردن بهترین نیروهای روشنفکران هنرمند پیرامون پلتفرم سیاسی عمومی، ایدنولوژیکی قدرت شوروی خدمت کرده است. روش تشویقی نسبت به استعداد و بررسی خلاق در برخورد را لننین با فعالیت معنوی، با اصولیت مواضع سیاسی و ایدپولوژیکی، با وضاحت مقتضیات اخلاقی زیباشناسی درآمیخته است.»

در تزا گفته می‌شود: اکنون ضرورت تعویض مناسبات تولیدی سرمایه داری به مناسبات تولیدی سوسیالیستی حتی امرآنحتر از گذشته تبارز نموده است.»

متجاوزترین حلقه‌های امپریالیزم معاصر قبل از همه در ایالات متحده جهت دیواره به راه انداختن جنگ‌های تاریخی قرن نزدهم، به خاطر انتقام‌جویی و برانداختن سوسیالیزم از تأثیر جهانی آن، قطع نکرده‌اند.

تزا تأکید می‌نماید که «عدم توفیق استراتژیی امپریالیستی در رسیدن به اهداف عمده - تخریب نظام سوسیالیستی - در دوران ما کاملاً آشکار گردیده است.

در مرحله کنونی رقابت بین دو سیستم جهانی، کلمات لنین مبنی بر اینکه اهرم عمل تأثیر سوسیالیزم بر انقلاب جهانی عبارت است از سیاست اقتصادی آنان، از ایجاد پایه اقتصادی جامعه نوین که بر نیروهای تولیدی سرمایه داری تفوق کامل دارد به‌طور خاصی تبارز می‌کند.

هدف سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی تأمین شرایط صلح آمیز برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم برای ایجاد مساعدترین فضا برای مبارزه آزادی‌بخش خلق کارگر تمام کشور‌ها، به خاطر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی همه خلق‌های جهان می‌باشد، در عین حال تزا تأکید می‌نماید که همزیستی مسالمت آمیز مستلزم مبارزه شدید سیاسی، اقتصادی و ایدپولوژیکی بین سوسیالیزم و سرمایه داری، بین طبقهٔ کارگر و بورژوازی است.

همزیستی مسالمت آمیز هیچ وجه بودجه عظیم به مقایسه بنیهٔ مالی کشور کارهای قابل ملاحظه و بزرگی انجام نگردیده است.

انتقادات مختصری به «اجراآت» وزارت زراعت و آبیاری وارد گردید به‌هیچ‌وجه به معنی آن نیست که در دیگر ساحه‌های اقتصادی کشور از طریق واحدهای اداری دیگر متناسب به شرایط، امکانات و نیازمندی‌های مردم کار با ثمر و اجراآت مفیدی صورت گرفته باشد. ما قبلاً انتقاداتی را ضمن تحلیلی بر نواقص ناشی از سوء اجراآت و عدم کفایت اداره امور مختلف کشوری در اجراآت حکومت به‌طور کلی ارائه کرده‌ایم و در آینده نیز خواهیم کرد.

از بحث انتقادی مختصر بالا نتیجه اینکه: حکومت افغانستان با ماهیت طبقاتی موجودش هرقدر هم که تبلیغات خویش را وسیع‌تر سازد نمی‌تواند در زمینه پیشرفت سریع اقتصاد کشور، من‌جمله رشد سریع زراعت متناسب به افزایش نفوس و ایجابات زمان موفق گردد. لهما در زمینه رشد زراعتی کشور فقط انجام اصلاحات دموکراتیک ارضی به نفع دهقانان و با اشتراک آنان، جنبش کوپراتیوی کردن زراعت و اصلاحات زراعتی می‌تواند کمک نماید و مسأله رفح کمبود مواد ارتزاقی را حل کند.

(س. ک)

(شماره ۳۶ سال ۲)

مشترك با صلح طبقاتی ندارد و این بدون کمترین شك حق مقدس خلق‌های تحت ستم است که به خاطر نجات خود تمام وسایل را به شمول مبارزه مسلحانه بکار برند.»

در تزا ها گفته می‌شود که مهم‌ترین منبع نیروی پیروزمند لنینیزم در آنست که در ماهیت خود با انترناسیونالیزم پرولتری عین می‌باشد. لننن ترکیب صحیح ملی و بین‌المللی را در فعالیت‌های احزاب پرولتری و تمام دسته جات جنبش انقلابی مسأله اساسی سیاست انترناسیونالیستی می‌پنداشت.

در اوضاع و احوال کنونی انترناسیونالیزم پرولتری اهمیت خاصی کسب می‌کند و به‌شرط اساسی ترقی اجتماعی، گردآوری همه نیروهای انقلابی به خاطر تعرض بیشتر بر امپریالیزم مبدل می‌گردد.

ک. م. ح. ا. ش. تأکید می‌نماید که همبستگی بین‌المللی سنگ تهداب جنبش کمونیستی و کارگری بوده و می‌باشد.

همچنان تزه‌ای مزبور بهترین اصول فعالیت‌های احزاب طراز نوین مارکسیستی را ارائه نمود.

همچنان در تزا گفته می‌شود: «در جهانی که درگیر مبارزه طبقات است هیچ‌گونه ایدپولوژی بی طبقه و ماورای طبقه وجود داشته نمی‌تواند.»

«در مبارزهٔ ایدپولوژیکی بی‌طرفی و مصالحه گنجایش ندارد. مارکسیستی - لنینیست‌ها تزه‌ای ایورتونیستی مبنی بر بهزیستی مسالمت آمیز در سایه ایدنولوژیک را رد می‌کنند.» در تزا تأکید می‌شود: «بهترین راه غلبه بر اختلافات در جنبش بین‌المللی کمونیستی عبارت از مبارزه عملی به خاطر اهداف مشترك است.»

«وحدت عبارت از یک اعلامیه یا یک اصطلاح نیست بلکه در عمل مشترك و مبارزه به دست می‌آید.»

در تزا ها گفته می‌شود که ساختمان کمونیزم دورنمای عمومی ماست. لننن کمونیزم را نتیجهٔ طبیعی تکامل سوسیالیزم، بسط و تحقق امکانات و مزایای ذاتی آن تلقی می‌کرد. تدارکات طولانی و جدی برای ایجاد شرایط لازم مادی و معنوی جهت گذار به کمونیزم ضروریست.

«نظرات کمونیزم علمی هیچ‌گونه وجه مشترك با فلسفه ریاکارانه فقر به‌مثابه «خبیر» یا تقدیس عامیانه بورژوازی از اشیای مادی ندارد. در تزا ها تأکید می‌شود. ح. ک. ا. ش: با پیشرفت در شاهراه لنینیستی ایجاد پایه‌های مادی - تخنیکي را برای ساختمان کمونیزم وظیفه عمده می‌دانند.»

در تزا اعلام می‌گردد که اقتصاد ملی شوروی اکنون به مرحلهٔ وارد گردیده است که در آن تشنید تولید به تمایل عمده مبدل می‌گردد. تشنید تولید مستلزم تغییرات عمیق کیفی در تمام اقتصاد ملی و در هر بخش آن می‌باشد. ساختمان کمونیزم همچنان مستلزم استفاده وسیع از دست آوردهای انقلاب علمی - تخنیکي معاصر است که تغییرات کیفی در تکنالوژی تولید، انرژی‌ها، ابزار و موضوع کار، سازمان اداره و خصلت فعالیت کار ایجاد می‌کند.

در تزا گفته می‌شود: «ساختمان کمونیستی ایجاب می‌کند که تمام سیستم روابط اقتصادی جامه سوسیالیستی تکمیل گردد.»

«لننن اظهار داشته که موفقیت‌های اقتصادی در ساختمان کمونیستی وسیعاً مربوط به حل موفقانه مسایل سیاسی - اجتماعی است، در هنگام ساختمان کمونیستی ترکیب طبقاتی جامعه به‌سوی تجانس اجتماعی رشد و تکامل می‌یابد. مفکوره لنینیستی در بارهٔ محو تدریجی اختلافات مهم بین کارگران دماغی و جسمی تحقق می‌یابد.»

در تزا تأکید می‌شود که: «ایدپولوژی مارکسیست - لنینیستی انعکاس منطقی منافع حیاتی طبقه کارگر و تمام خلق کارگر می‌باشد و همچنان تیوری علمی است که در تجربه سوسیالیسم آزموده شده و تصویر واقعی و عینی جهان را ارائه می‌کند، و راهنمای قابل اعتماد فعالیت عملی می‌باشد.»



(بقیه از صفحه اول)

## سه موضوع دیگر از دفتر یادداشت‌های سیاسی و اجتماعی

### پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان …

افزون جریان دموکراتیک خلق افغانستان مخالفین سیاسی ما را واداشته است که لبه تیز مبارزه خصومت آمیز خود را علیه رهبران و کادرهای جریان دموکراتیک خلق افغانستانی معطوف سازند.

باز هم باید توجه داشت که کم بها دادن به تخریب رهبران و کادرهای سازمان‌های مترقی و بد نام ساختن آنان تحت هر عنوانی که صورت گیرد در واقع به‌صورت فهمیده و یا نفهمیده، شعوری و یا غیر شعوری آله و وسیله تطبیق نقشه‌های اشوم و سیاه سازمان‌های جاسوسی ارتجاع داخلی و امپریالیستی قرار گرفتن است.

آن‌هایی که «توده خلق و طبقه «را در نقطه مقابل یک سازمان پیش‌آهنگ طبقهٔ کارگر و رهبران اصولی و کادرهای اصولی آن قرار می‌دهند در واقع ضد موازین و اصول جهان‌بینی علمی و ایدئولوژی طبقه کارگر عمل می‌نمایند. این شیوه برخورد ذهنی و عوام‌فربانه که ناشی از انحراف خرده بورژوازی، بلند پروازی شخصی و عقداt انحرافی است، در واقع عدول از اندیشه‌های پیشرو عصر ما در باره مناسبات متقابل بین رهبران و کادرها، سازمان سیاسی مترقی، طبقات، توده‌ها و خلق و زیر پا کردن اصل زریn مرکزیt دموکراتیک سازمانی می‌باشد.

عناصر ترقی خواه پیشرو اگر واقعاً به نقش خلاق توده‌ها و خلق‌ها معتقدند باید بدانند که سازمان سیاسی چشم پیش‌آهنگ طبقه کارگر است که به‌مثابه مرکزیت فرماندهی رزمندهٔ زحمتکشان، خلق‌ها را به پیروزی رسانده می‌تواند. تاریخ سازمان‌های پیشرو انقلابی مبین این حقیقت است: سازمان مترقی‌ای که می‌خواهد خلق را رهبری کند و دشمنان خلق را سرنگون سازد لازم است هسته رهبری استوار داشته باشد. چنین هسته رهبری باید از آن رهبران و کادرهای تشکیل گردد که از پیچ و خم‌های مبارزه، از مشکلات سهمگین مبارزه، از آزمایش‌های بزرگ سربلند برآمده و شایستگی آن را داشته باشد

که حقیقت جهان‌بینی علمی و اندیشه‌های پیشرو عصر ما را با شرایط مشخص جامعه و جنبش انقلابی تلفیق دهند. بدین جهت است که گفته می‌شود: «طی تاریخ هیچ طبقه‌ای بدون برگزیدن رهبران سیاسی و نمایندگان پیشرو خود که لیاقت سازمان دادن نهضت و رهبری آن را داشته باشند، نتوانسته است به حکومت برسد.» همچنین: «تربیت گروهی از مجرب‌ترین و بانفوذترین رهبران سیاسی کار سختی است که زمان می‌خواهد… و الی بدون این، سلطه زحمتکشان و وحدت اراده زحمتکشان به‌صورت آرزویی در عبارت پردازی می‌ماند.»

مؤجز این که: در تاریخ جنبش‌های مترقی به‌خصوص در اوضاع و احوال کنونی عملیات زشت و پلید دشمنان جهان‌بینی علمی و ایدئولوژی طبقه کارگر چیز جدیدی نیست که به بهانه‌های انحرافی تلاش ورزیده‌اند تا سازمان‌های مترقی را از طریق بدنام کردن رهبران و کادرهای اصیل انقلابی پراکنده، متفرق، منشعب و منحل سازند. این شیوه سازمان‌های جاسوسی ارتجاع و امپریالیزم دیگر در نظر خلق برملا گردیده است. توطئه گران و عمال ارتجاع و امپریالیزم باید بدانند که اعمال این شیوه پست و پلید در برابر جریان دموکراتیک خلق افغانستان دیگر تأثیر خود را از دست داده است؛ و باعث استحکام و نیرومندی بیشتر آن

در طول مبارزه تشکیل جبهه متحد به رهبری طبقه کارگر به اتحاد دهقانان، خرده بورژوازی و روشنفکران مترقی صورت می‌گیرد؛ زیرا مبارزات سرسخت طبقه کارگر کشور که طبقهٔ رشد یابنده بوده و نیروی محرکه اساسی در جنبش رهایی بخش ملی را تشکیل می‌دهد و پیگیرترین طبقهٔ انقلابی است به‌خصوص از طریق سازمان سیاسی پیش‌آهنگ آن در جریان طولانی مبارزه، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و گروه‌های اجتماعی دیگر را به‌سوی خود جذب می‌نماید و در عمل آن‌ها رهبری طبقهٔ کارگر را می‌پذیرند. در مبارزه برای حل پرابلم های دموکراتیک عمومی جامعه ما معتمدترین متحد طبقهٔ کارگر دهقانان هستند و ستون فقرات جبهه متحد دموکراتیک را اتحاد طبقهٔ کارگر و دهقانان تشکیل می‌دهد.

طبقه کارگر در صورتی می‌تواند دهقانان را رهبری کند که در راه تأمین خواست‌های آن‌ها و انجام انقلاب زراعتی مبارزه کند و آن‌ها را برای

### خلق و دشمنان خلق کیانند

نقش نسبی مترقی آن برده می‌شود. ولی جدأ باید در نظر گرفت که هرگاه بخش عامه اقتصاد تقویه نگردد و راه مترقی تکامل غیر سرمایه داری در پیش گرفته نشود، رشد تشبثات خصوصی زیر نظارت ملی قرار نگیرد به‌موازات رشد تضادهای موجود بین زحمتکشان و طبقات ثروتمند و تشدید مبارزه طبقاتی در داخل کشور، «بورژوازی ملی» بیش از پیش به سازش‌کاری با امپریالیسم و ارتجاع داخلی می‌گراید و تضاد آشتی ناپذیری میان طبقه کارگر و بورژوازی ملی را در مرحلهٔ جنبش دموکراتیک ملی و جنبش سوسیالیستی تشدید می‌نماید. به این ترتیب تضاد بین طبقه کارگر و «بورژوازی ملی» ماهیتاً تضاد است آشتی ناپذیر. معهدا در مرحله کنونی تاریخ به‌اصطلاح «بورژوازی ملی» با ملاکین فنودال و بورژوازی بزرگ تجاری دلال (کمپرانور) و بورژوازی بیروکرات فرق می‌کند و طبقه متوسط (بورژوازی ملی) می‌تواند در شرایط جنبش دموکراتیک و ملی در جبهه خلق درآید.

همچنان تضادهای دیگری در کشور ما موجود است که متأسفانه از طرف بعضی عناصر مترقی برخورد نادرست به آن می‌گردد و می‌خواهند به‌صورت میکانیکی و مصنوعی آن تضادها را جایگزین تضادهای اساسی و آشتی ناپذیر سازند. مثلاً تضاد میان ملیت‌ها و اقوام مختلف (که به شکل شوونیستی و ناسیونالیستی انعکاس می‌نمایند و حتی این مسئله را مطرح بحث هژمونی (سرکردگی) در داخل سازمان سیاسی طبقه کارگر و جبههٔ متحد دموکراتیک ملی نیز می‌نمایند)، تضاد میان شهریان و دهاتیان، تضاد میان مرکز (شهر کابل) و ولایات و اطراف البته و تضادهای فوق در کشور یک واقعیت است، ولی این تضادها آشتی ناپذیر نبوده و در جریان طولانی جنبش دموکراتیک ملی و سوسیالیستی به شکل مسالمت آمیز حل شده می‌تواند، لذا برخورد میکانیکی و مصنوعی به این تضادها و آن‌ها را عمده و آشتی ناپذیر قرار دادن اشتباه اصولی است و جنبش را به شکست مواجه می‌سازد. در مبارزه طبقاتی تشخیص تضادها میان خلق و دشمنان خلق و تضادهای درون خلق و طرق حل آن‌ها در هر مرحله تاریخی یک مسئله حیاتی در انجام جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی است.

**راه‌های حل تضادها:**
از آنجا که در مرحله کنونی تاریخ جامعه ما تضادهای میان خلق و

گروپ‌های اجتماعی به وجود آمده می‌تواند. همچنان جبههٔ متحد به اشتراک نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست اعم از احزاب، مجامع و شخصیت‌های ترقی‌خواه و وطن‌پرست تشکیل می‌گردد.

برای رسیدن به مرحلهٔ که یک جبههٔ دموکراتیک در کشور ما به وجود آید، ایجاب می‌نماید که در مراحل مختلف مبارزه روزمره اتحادهای موقتی و کوتاه مدت از طریق نیروهای اجتماعی با حفظ استقلال سازمانی (حتی محفلی و موقف شخصی‌شان) و جهان‌بینی‌شان بر روی اهداف مشترک و طرح عمومی‌ترین شعارها در قبال مسایل مشخص تشکیل گردد، مانند مبارزه در راه تطبیق ازادی‌های مصرح در قانون اساسی، تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، مبارزه در راه تشکیل مستقل احزاب ملی و مترقی، اجتماعات، تظاهرات،

### باز هم در باره جبهه متحد

سهم گرفتن فعال در جریان مبارزه به‌طرف خود بکشاند، میزان سهم گرفتن دیگر طبقات و گروه‌های اجتماعی در جنبش آزادی‌بخش بسته به دوام و استقرار اتحاد و در چارچوب جبههٔ متحد دموکراتیک می‌باشد. در صورت اتخاذ مشی صحیح، طرح پروگرام و شعارهای درست و در نظر گرفتن منافع حیاتی نیروهای که در جبهه متحد می‌گردند حفظ و پایداری چنین اتحادی تا پیروزی جنبش ممکن می‌باشد؛ زیرا طبقات و قشرهای اجتماعی دموکراتیک جامعه در پشتیبانی و حمایت طبقهٔ کارگر خود را ذینفع می‌دانند.

جبههٔ متحد برای مدت‌های طولانی و مدت‌های کوتاه، به خاطر اهداف عمدهٔ ملی و اهداف خاص به وجود آمده می‌تواند. جبههٔ متحد دموکراتیک به‌مثابه یک جبههٔ پایدار و رزمنده در جریان طولانی فعالیت‌های توده‌ای از پایین در اثر مساعی مشترک طبقات و سوسیالیستی را می‌گشاید، صنعتی کردن کشور، اصلاحات ارضی دموکراتیک بر پایه جنبش وسیع دهقانی و (بسود دهقانان و به اشتراک افغانستان و تمام نیروهای اصیل ترقی‌خواه پیشرو چپ و به خاطر رشد و تکامل جنبش دموکراتیک ملی - انحصارات خارجی، دموکراسی کردن بنیادی حیات اجتماعی و سیاسی و دستگاه دولتی، ایجاد و تکامل فرهنگ ملی، مترقی و نوین.»

باید خاطر نشان ساخت هرگاه بلند پروازی‌ها و خودخواهی‌های شخصی، رهبری و سازمانی را کنار بگذاریم، کسانی که با ما در ستیز اند و با ما اختلاف نظر دارند شامل دو گروه می‌شوند: اول گروه متمایل به راست که با دشمنان خلق از در معامله و سازش و تسلیم طلبی پیش‌آمد می‌کنند. گروه دوم گروه متمایل به «چپ» و چپروان اند که تضادهای درون خلق و دوستان خلق و سازمان‌های مترقی را به‌مثابه تضادهای میان خلق و دشمنان خلق می‌شمارند و ضربه عمده را به نیروی دموکراتیک خلق افغانستان حواله می‌نمایند. هردوی این نظریات نادرست است.

اصول اساسی نیروی دموکراتیک خلق حکم می‌نماید که باید مینود اقناع، تربیت، انتقاد رقیانه، انتقاد از خود و اعتراف به اشتباهات را به خاطر تأمین وحدت نیروی دموکراتیک خلق افغانستان و مبارزه بی‌امان و پیگیر را علیه مترجعین داخلی و امپریالیزم بین‌المللی مبنای نظر و عمل مشترک قرار دهیم و مقاومت دشمن عمده (فیودالیزم، اتوکراسی) را در مرحله کنونی تاریخ در هم شکنیم و بی‌ثباتی و ناساستواری بورژوازی را (بخصوص این‌که در کشور ما بورژوازی به‌طور عمومی اصلاً ضعیف و ناتوان است) فلج سازیم. کسانی که به این حقیقت سرسخت علمی تن در نمی‌دهند مسؤولیت عظیم هر مورد اختلاف نظر و عمل مشترک را در مرحله کنونی تاریخ در هم شکنیم و بی‌ثباتی و ناساستواری بورژوازی را (بخصوص این‌که در کشور ما بورژوازی به‌طور عمومی اصلاً ضعیف و ناتوان است) فلج سازیم.

**«وحدت - انتقاد وحدت»**
این فرمول به این معنی است که با داشتن آرزوی صادقانه وحدت از طریق انتقاد و مبارزه در چهار چوکات اخلاق مترقی و اصول جهان‌بینی علمی و انطباق آن در شرایط کشور باید اختلاف داخلی سازمان دموکراتیک خلق را حل کنیم تا بدین‌وسیله بتوانیم به وحدتی نوین خلق و نیرومند بر پایه‌های مترقی‌تر و اصولی‌تر دست یابیم. تجربه نشان می‌دهد که این شیوه دموکراتیک برای حل اختلافات داخل سازمان‌های دموکراتیک خلق افغانستان شیوه

اعتصابات اقتصادی و سیاسی، انتخابات آزاد، شرکت در انتخابات پارلمانی، بناروالی ها (بلدی) جرگه‌های ولایتی، آزاد کردن زندانیان سیاسی، مبارزه علیه تقنین، دسایس و توطئه‌های ارتجاع سپاه افراطی و سازمان‌های جاسوسی مخفی امپریالیستی (سی آی ای و غیره) و ده‌ها مسایل حاد روز، مبارزه ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد امپریلیزم. باید خاطر نشان ساخت که حلقه‌های اساسی روزمره مبارزه است که اتحاد نیروهای ملی و مترقی را در یک جبهه متحد و لو موقتی و تکنیکی باشد تدارک می‌بیند و زمینه را در طول نبرد رهایی بخش از پایین از میان توده‌ها و از بالا در وجود احزاب دموکراتیک و مترقی آماده می‌سازد.

البته در جبههٔ متحد دموکراتیک ملی از لحاظ استراتژیژی مهم‌ترین وظایف دموکراتیک عبارت اند از «انجام تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی، پایان دادن به عقب ماندگی اقتصادی و اعتلای سطح زندگی توده‌ها از راه مترقی غیر سرمایه داری که دورنمای سوسیالیستی را می‌گشاید، صنعتی کردن کشور، اصلاحات ارضی دموکراتیک بر پایه جنبش وسیع دهقانی و (بسود دهقانان و به اشتراک افغانستان و تمام نیروهای اصیل ترقی‌خواه پیشرو چپ و به خاطر رشد و تکامل جنبش دموکراتیک ملی - انحصارات خارجی، دموکراسی کردن بنیادی حیات اجتماعی و سیاسی و دستگاه دولتی، ایجاد و تکامل فرهنگ ملی، مترقی و نوین.»

(از بیانیه پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغانستان)
در خاتمه قابل یادآوری است که باز هم در آینده راجع به ضرورت و چگونگی ایجاد جبههٔ متحد موقتی و دائمی در جریان و طول نبرد رهایی بخش خلق کشور به دفعات صحبت خواهیم کرد. نتنها صرفاً صحبت خواهیم کرد بلکه وظیفهٔ عملی خویش میدانیم که به‌صورت پیگیر این طرح را به غرض جلب و متحد ساختن تمام عناصر و نیروهای رشد یابنده ترقی‌خواه و وطن‌پرست کشور به‌مثابه شعار زنده و ضروری مبارزه بسط و توسعه دهیم و در راه عملی شدن آن در طول نهضت رهایی بخش دموکراتیک و ملی صادقانه جد و جهد کنیم. ولو که در اوضاع و احوال کنونی شرایط عینی و ذهنی تشکیل جبههٔ متحد دموکراتیک آماده نیست ولی وظیفه تمام اشخاص، محافل و نیروهای ملی و مترقی است که به‌موازات آماده شدن شرایط عینی در راه تدارک شرایط ذهنی سعی فراوان مبنول دارند.

درست و ثمر بخشی است و بخصوص واقعاً می‌توان وحدت اصولی سرتاسری نیروهای دموکراتیک خلق کشور را تأمین کرد و در نتیجه جنبش کنونی را به پیروزی بزرگی رساند. این شیوه دموکراتیک «وحدت - انتقاد - وحدت» در صورتی موفق است که صادقانه آرزوی وحدت در چوکات اصول خلاق جهان بینی علمی، ایدئولوژی طبقه کارگر و انطباق خلاق آن در شرایط کشور در میان باشد؛ زیرا اگر تمایل ذهنی برای وحدت دموکراتیک خلق وجود نداشته باشد و به اختلافات به‌صورت صحیح برخورد نشود و یا لاقییدی و سهل انگاری کنیم و مصالح شخصی را مافوق مصالح جریان و نهضت قرار دهیم و بگذاریم که زمان بگذرد و فرصت را از دست بدهیم در آن صورت دو نتیجه ناگوار بار خواهد آورد: منلاشی شدن نیروی سازمانی و تشکیلات دموکراتیک خلق افغانستان و پیروزی دشمنان خلق.

(ب. کارمل)

(صفحه ۳)

پرچم





د افغانستان د تلک دموکراتیک انځور و خپروونکی

۲۲ جدی ۱۳۴۸

## پنجمین بار است که در برابر نشر و توزیع جریده پر چم خلق موانع ایجاد می‌گردد

در هفته گذشته بنا بر وجود مقاله‌های انتقادی علیه ارگان‌های تبلیغاتی حکومت و شعارهای عوام‌فربیانه حکومت، اعتراض جریان دموکراتیک خلق افغانستان علیه مسافرت سپیرو اگنیو معاون رئیس جمهور ایالات متحده امریکا و یک کارتون صلح در شماره ۳۵ پرچم، برای پنجمین بار موانعی در برابر نشر جریده پرچم دموکراتیک خلق افغانستان ایجاد گردید.

\*\*\*

در کشورهایی که «دموکراسی» و «آزادی» مطبوعات و جود دارد، سانسور قبل از نشر مطبوعات اخبار، جراید، مجله‌ها، کتب... و غیره) جرم شناخته می‌شود. به غرض رفع سانسور قبل از نشر مطبوعات و مبارزه علیه اختناق مطبوعاتی و ایجاد مطبوعات ملی و مترقی، جبهه متحدی از تمام نویسندگان و روزنامه نگاران که طرفدار آزادی مطبوعات می‌باشند، تشکیل می‌گردد.

\*\*\*

پر چم خلق از تمام نویسندگان و روزنامه نگاران و عناصری که طرفدار آزادی مطبوعات و ایجاد مطبوعات مترقی و ملی هستند (صرف نظر از اختلافات ایدئولوژیکی، سازمانی، رهبری و سیا سی) صمیمانه دعوت می‌کند که در یک جبهه سازمان متحدی را به غرض تأمین آزادی مطبوعات و ایجاد مطبوعات مترقی و ملی و علیه اختناق مطبوعات تشکیل دهند.

پرچم خلق از هر اقدامی که برای مطلب فوق صورت گیرد وجدانه پشتیبانی خواهد کرد.

از منابع خارجی:

### این امپریالیزم است که حق حاکمیت و استقلال ترکیه را تهدید می کند نه خطر موهوم شمال

موجی از تظاهرات بزرگ سراسر ترکیه را فرا گرفته است. هزاران نفر از محصلان، کارگران و مستخدمین درین تظاهرات اشتراک ورزیده‌اند. آخرین انگیزه تظاهرات ضد امپریالیستی در ترکیه ورود کشتی‌های جنگی اردوی نمبر (۶) امریکا به بندر ازمیر می‌باشد.

امپریالیزم امریکا که بعد از جنگ جهانی دوم موقعیت سوق‌الجیشی ترکیه را به حیث یک موضوع ممکن سرپل به غرض تهیه دیدن ماجراهای ضد شوروی و دیگر کشورهای

سوسیالیستی تلقی می‌کرد آن کشور را به دسته بندی‌های نظامی ناتو و سنتو کشانید. پایگاه‌های خارجی تأسیس گردید و عده زیادی از عساکر امریکایی در آن کشور جا داده شدند.

تمام این‌ها تحت بهانه دروغین «دفاع کشور در برابر خطری که از شمال می‌آید»، صورت گرفت. طبیعیست مردمی که منافع ملی ترکیه را گرامی می‌دارند، نمی‌توانستند این وضع را در ترکیه کشوری که در بر افراشتن پرچم مبارزه آزادی‌بخش ملی علیه امپریالیزم اولین کشور شرقی بود، تحمل کند. مردم ترکیه بیش از پیش ملتفت می‌گردند که کشورشان را همسایگان صلح دوست احاطه کرده‌اند که به هیچ صورت آن را تهدید

## عرب‌ها توطئه‌های تبلیغاتی امپریالیسم را افشا می‌نمایند

روز نامه الاهرام چاپ قاهره می‌نویسد: جنگ سایکالوژیکی که هدف آن ایجاد رخنه بین عرب‌ها و اتحاد شوروی، تخریب دوستی و همکاری ثمر بخش بین اعراب و اتحاد شوروی می‌باشد مانند گذشته جزء لاینفک استراتژیژئو عنعنوی امپریالیستی را در سراسر جهان تشکیل می‌دهد.

کشورهای امپریالیستی سیاست ضد شوروی خود را در کوریا، ویتنام، لاوس، کیوبا، جمهوری دومینیکا و شرق میانه تحت شعار مبارزه علیه نفوذ شوروی و کمونیزم

(از ص اول)

## تظاهرات ضد امپریالیزم امریکا ...

خلق افغانستان به اجتماع بزرگی بالای تپه معروف پارک زرنگار در کنار جاده که موتر حامل وی می‌گذشت، مبدل گردید.

حین عبور موتر حامل اگنیو از جاده همجوار تپه پارک زرنگار هزاران نفر نظاهرکنندگان در برابر وی قرار گرفتند و خشم خود را علیه امپریالیزم امریکا، سیاست جنگی و تجاوز کارانه آن کشور در ویتنام و شرق میانه و نفرت و انزجار عمیق خویش را علیه جنگ ابراز داشتند.
مظاهره کنندگان تا ساعت ۵ عصر به مظاهره خویش ادامه داده و در اخیر با قرانت قطعه‌های به تظاهر و اجتماع تاریخی خویش، که در نوع خود بی‌سابقه است، پایان دادند. این مظاهره که مشخص‌ترین نمایشی بر ضد امپریالیزم امریکا در کشور بشمار می‌رود و در حقیقت پس از قیام ملی خلق افغانستان علیه امپریالیزم انگلیس انعکاس دهندهٔ اراده رزمنده بالفعل خلق افغانستان در برابر امپریالیزم این دشمن مشترک بشریت می‌باشد، انعکاس وسیعی در سرتاسر جهان داشته است. رادیوهای جهان من‌جمله بی بی سی، رادیو دهلی، رادیو مسکو، رادیو کراچی، رادیو بغداد، رادیو استرالیا و غیره

## قطعه‌نامه پرچمداران دموکراتیک

خلق افغانستان

اجتماعات و تظاهرات شجاعانه چندین هزار نفری ما اعم از کارگران، سایر زحمتکشان، محصلان و روشنفکران شهر کابل قبل از ظهر تا عصر (سه شنبه ۱۶ جدی ۱۳۴۸ - ۶ جنوری ۱۹۷۰) به‌عنوان اعتراض علیه مسافرت سپیرو اگنیو معاون رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا در افغانستان در تحت پرچم جریان پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان باکمال متانت و دلبری در چوکتا وظایف مبارزه خلق افغانستان علیه امپریالیزم در شهر کابل برگزار گردید.

تظاهر قهرمانانه امروز به خاطر آن صورت گرفت که تا اعتراض و انزجار خلق نجیب افغانستان را علیه مداخله و سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم ایالات متحده امریکا نمایش دهیم.

واقعات دهه اخیر نسبت به هر وقت دیگر خصلت امپریالیزم امریکا را به حیث استثمارگر، ژاندارم جهانی و دشمن جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و اجتماعی کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین بیشتر برملا ساخت. تجاوز اسرائیل در اثر تشویق و به پشتیبانی امپریالیزم امریکا بر جمهوری متحد عرب، سوریه و اردن بحران وخیم بین‌المللی را در شرق میانه به وجود آورده است.

امپریالیزم و در درجه اول امپریالیزم ایالات متحده امریکا از طریق این تجاوز می‌خواست رژیم‌های مترقی در کشورهای عربی را از بین ببرد و بدین‌وسیله جنبش آزادی‌بخش ملی عرب را سرکوب کند و مواضع خود را حفظ یا دوباره به دست آورد، ولی اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن به این مأمول ناپاک خود موفق نشدند.

مداخلات مسلحانه در ویتنام خاصی در نقشه‌های نظامی و سیاسی امپریالیزم امریکا دارد. پلان تجاوزکار این بود که یکی از پاسگاه‌های سوسیالیزم را در آسیا سرکوب کند و راه آزادی و ترقی را بر روی خلق‌های جنوب شرق آسیا مسدود سازد و به جنبش‌ رهایی بخش ملی ضریب وارد آورد. ولی امپریالیزم امریکا به‌مثابه نیرومندترین قدرت امپریالیستی جهان علی رغم آنکه مقدار عظیمی وسایل جنگی را بکار انداخته، مجبور شده است در برابر مقاومت قهرمانانه خلق رزمنده ویتنام و ضربات درهم شکننده آن‌ها بر تجاوزکاران و پشتیبانی وسیع و همه جانبه خلق‌های سراسر جهان اکنون دیگر مواجه به شکست‌های پیهم افتضاح آوری می‌گردد.

وضع موجود عمل مشترک نیروهای مترقی و تمام نیروهای ضد امپریالیستی را به‌منظور حداظم استفاده از امکانات روز افزون به غرض یک تعرض وسیع‌تر علیه امپریالیزم، علیه نیروهای ارتجاع و جنگ ایجاب می‌نماید.

به تائید از شعار رزمنده نیروهای مترقی در سراسر جهان به همه انسان‌های شرافتمند که به صلح، عدالت، آزادی و استقلال ملل عقیده دارند، خطاب می‌کنیم:

بانگ اعتراض علیه جنگ جنایت‌کارانه‌یی امپریالیزم امریکا در ویتنام را در سراسر جهان رساتر کنید!

در جنبش همبستگی بین‌المللی با خلق قهرمان ویتنام فعال‌تر شرکت کنید!

استقلال، آزادی و صلح برای ویتنام!

مبارزه عادلانه خلق ویتنام پیروز خواهد شد!

مرگ بر تجاوز کاران صهیونی - مرگ بر امپریالیزم!

(لومری مخ پاتی)

### د پښتونستان ستر مشر ...

ستاسو حضور ته د خپلی اخلاص او مینى د وړاندی کولو له لاری دغه پور پری کړای شی. میرمن گاندی په خپل پیغام کی وړاندی لیکي: «خومره چه کلونه تیربیری ستاسو د عمر داستان نوی عظمت مومی. د یو رښتنی خدائی دومره خدمت کړی دی چه ډیرو لږو خدمتگار په حیث تاسو د انسان خلکو به کړی وی. ستاسو تر مشری لاندی د خدایی خدمتگارو نهضت اوس هم د هغو خلکو خدمت کوي د کومو د پاره چه تاسو خپل عمر وقف کړی دی.»

د هندوستان سنیټسمن نومی ورځپاڼه ستاسو ورکوی چه د پاچاخان د اتیالوم کلن په مناسبت اتیا لکه را ټولی شوی کلداری د هندوستان د خلکو په نمایندگی هغه وخت پاچاخان ته وروسپارلی شی چه کابل ته روانیږی. ښاغلی جی پرکاش ناراین ویلی ده چه دغه کار د هندوستان د خلکو ډپاره د پرستیژ او شرف خبره ده.

**پرچم:** په دغه مناسبت خپل صمیمی تبریکات د پښتونستان سترمشر عبدالغفارخان، د دوی مجاهدی کورنی او د پښتونستان مبارز ملت ته وړاندی کوی.

### قهرمانان خاموش

قهرمانان همگی نام ندارند و نشان

قهرماتی همه جا جلوه ندارد رو شن.

قهرماتی چه بسا در شب تاریک محن،

زهر آگین تیر عذابیست که از جان گذرد.

راه پیکار حقیقت که گذرگاه بلاست،

راه صعبی است، میندار که آسان گذرد.

گاه تحقیر، گهی خدعه و گاهی دشنام.

گاه پیمان شکنی، گاه ملالت، گه دام.

نه همه بزرگست و هم آورد بنام

نه همه عرصه فخر است و همه جاده فتح.

قهرمانیست که در این ره پر پیچ و تلاش.

پای بفشاری و در کوشش جانانهٔ خویش

یکدم از راه به بیراهه دشمن نروی،

از پی قدرت و القاب مطمئن نروی،

پای بفشاری و افتاده و خاموش و متین.

خار این جاده بروبی و ازین خاره سخت

راه بگشایی و گامی بجلو برداری،

گه ره رفته به ده بار دگر بسپاری.

آن تپش‌ها که درین جهد به جان می‌گوید.

قهرمانست، بزرگست ولی بی‌نام است.

و آنکه این جاده پر خار به مزگان روید

قهرمانست، بزرگست ولی گمنام است.

\*\*\*

ای شما زمره گمنام که بی بانگ و نهیب!

نشده بردهٔ افسون شده جور و فریب،

نه ز بیداد، نه از بیم، نه آزار، نه رنج

از ره خویش نلغزیده درین عمر سپنج،

بر شما لشکر انبوه ز ما باد درود!

قهرمانان خموشید، نباشد عجبی،

کس ندانست کیتاید، چه کردید، چه آید

ز چه در بستر آرام نخفتید شبی

شما منتظران سحر عقده گشای.

در شب تیرهٔ اندوه ز ما باد درود!

\*\*\*

کارگاہیست جهان، کش همه جلوه گری

در نهانگاه تکامل به خموشی زاید.

و آنچه در خانه اسرار جهان می‌گذرد.

بامداد دگری پرده ز رخ بگشاید،

رخنه در باروی بیداد و ستم کار شماس

چشم تاریخ رصد بسته و بیدار شماس.

۱. سپهر

# اهم اخبار هفته گذشته

معامله اعتراض شدید دارند بدین مناسبت مظاهراتی در آلمان غرب صورت گرفت و در ضمن مظاهر ه رژیم حاکم اسرائیل را یک رژیم نظامی خواندند. \* \* \*

نیویارک: دو میلیون به نفوس امریکا در ده سال اخیر افزوده شده است. دولت امریکا نسبت از دیداد نفوشش نگران می‌باشد.

در حال حاضر عده زیادی در فقر و گرسنگی حیات بسر می‌برند، در حالی که دولت امریکا سالانه ۲۵ میلیارد دالر خرج جنگ ویتنام می‌کند. نیویارک: رئیس پولیس فدرال امریکا اظهار داشت جنایت در امریکا نظر به گذشته ۱۱ فیصد از دیداد حاصل کرده است. \* \* \*

واشنگتن: در سال ۱۹۶۹ هشتاد و پنج هزار جنایت در امریکا رخ داده است. واشنگتن مرکز این جنایات بوده که به حیث پایتخت وحشت مسمی شده است. نیویارک: یکی از رهبران کارگری امریکا با اعضای فامیلش توسط اشخاص ناشناس به قتل رسیدند. این رهبر کارگران بسود و منافع کارگران مبارزه می‌کرد. \* \* \*

مادرید: اعتصاب ده هزار نفری کارگران زراعتی در هسپانیه ادا مه دارد. ایشان خواهان ازدیاد دستمزدهای خود می‌باشند. همچنان ۲۶۰۰ کارگر کشتی سازی و ۶۰۰۰ کار گر وسایل حمل و نقل دست به اعتصاب زدند. هر روزی که، می‌گذرد معلوم می‌شود مخالفت با رژیم دکتاتوروی فرانکو شدیدتر می‌گردد.

در شهر آسویار هسپانیه کلیه معدنچی‌ها دست به اعتصاب زده‌اند و کار استخراج به‌کلی تعطیل است. سی هزار کارگر حمل و نقل نیز اعتصاب نموده‌اند. بعد از آنکه ۱۲ هزار کارگر دیگر اعتصاب کردند. این سازمان‌های مترقی آلمان نسبت به این

<b>پرچم</b>	
صاحب امتیاز:	سلیمان لایق، مدیر مسؤول: میر اکبر خیبر
تلفون:	۲۳۱۶۴، دیوی گنی بیه: ۲/۵ - افغانی

تایپ متن: قاسم اسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

**مطبعه دولتی**



# پرمحم

## ناشرانديشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۳۷-سال دوم دوشنبه ۲۹ جدی -۱۹ جنوری ۷۰، شماره مسلسل (۸۸)

## تظاهرات ضد امپریالیزم امریکا در کابل مظهر از آزادی خواهی و زنده بودن خلق دلیر کشور ماست

چهار تن از پرچمداران دلیر، ترقی‌خواه وطن‌پرست جریان دموکراتیک خلق افغانستان (رفقای ما فاروق (داکتر) خلیل زمر، نجیب و وکیل) به نسبت مبارزه علیه امپریالیزم امریکا، و به خاطر پشتیبانی از نبرد عادلانه خلق قهرمان ویتنام و اعراب و به نسبت شرکت قهرمانانه در تظاهرات علیه مسافرت سپیرو اگنیو معاون ریاست جمهوری امریکا مستبدانه و مخالف مصالح ملی کشور برای دومین بار بازداشت و زندانی گردیدند و هم یک عده دیگری از رفقای ما تحت تعقیب می‌باشند. باید یادآور شد که این تنها پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان است که تحت تعقیب قرار گرفته و یک عده‌ایشان زندانی شده‌اند.

رفقای ما در مبارزه قهرمانانه خویش بر طبق مشی جریان دموکراتیک خلق افغانستان بر اساس وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیزم عمل کرده‌اند. این وظایف در بیانیه

ساده حرف می‌زنیم؟

در این روزها مطبوعات حکومتی با شعار «افغانستان برای افغانستان» که گویا بناغلی اعتمادی صدرا عظم ضمن توضیح خط مشی خویش در ولسی‌جرگه آن را ابتکار (۴) نموده، سخت سرگرم‌اند و می‌کوشند این شعار مجرد را با مشت‌ی کلمات مرده و بیجان و حرف‌های مفت دیگر توجیه و تفسیر نمایند. از آنجایی که از این شعار جالب برای ارانه منطق طبقات ستمگر استفاده تبلیغاتی می‌گردد، ما روی آن مکتب نموده و حقایق این شعار را بر ملا می‌سازیم.

وطن محبوب ما افغانستان کشور کهن‌سال است. از هزاران سال به این طرف اجداد ما در این سرزمین ساکن‌اند و از وطن در مقابل تاخت و تازها و تجاوزات متهاجمین غارتگر دفاع نموده و در راه حفظ آن خون‌ها ریخته‌اند. علاقه به این سرزمین در طول تاریخ به مظهر عمدهٔ منافع مشترک سکنه آن تبدیل شده و به‌تدریج تحت عنوان وطن پرستی احساسات شریفانه را به خود گرفته است. بدین ترتیب سرزمین، سکنه و پیوندهای تاریخی همه با یکدیگر محتوی عینی وطن و دفاع از منافع عمومی اکثریت عظیم خلق کشور مضمون کلی وطن پرستی را تشکیل می‌دهد.

در عصر امپریالیزم که ملل عقب مانده و کم رشد به میدان فعالیت کشورهای پیشرفته سرمایه داری و استعمارگر تبدیل گردیده است وطن پرستی مستقیماً با مسأله ملت و منافع ملی مربوط می‌شود.

منافع ملی در مبارزه برای (استقلال کامل ملی - استقلال سیاسی - استقلال اقتصادی) و حل تمام مسائل مربوط به

د پخوانی اعلان سره سم د ۱۹۷۰ کال د جنوری ه له لومړی نیټی نه په ټول پاکستان کی د سیاسی گوندونو فعالیتونه بیا شروع شویدی. هر گوند هڅه کوی وی چه خپل پروگرام خلکو ته وړاندی کړی او له نورو گوندونو سره چه مشابه او یو بل ته نژدی نظریات لری متحد شی.

په تیرو 22 کلونو کی یعنی له هغی مودی نه چه د پاکستان په نامه یو هیواد په سیاسی نقشی کی را پیدا شوی دی تر اوسه پوری دهغه ارتجاعی او مترقی سیاست له کبله چه د پاکستان د حاکمو طبقو او د هغه د نماینده حکومتونو له خوا وړاندی بیول کیده په دغه مملکت کی سیاسی استقرار چه د خلکو په گټه وی منځ ته راغتی.

امپریالیزم امریکا می‌باشند. ولی برای شناخت ماهیت حکومت نیز در ساحه سیاست خارجی که ادعای بی‌طرفی مثبت، آزاد و قضاوت آزاد می‌نماید، تجربه جدیدی برای ما است. حکومت علی رغم اصل سیاست بی‌طرفی مثبت و قضاوت آزاد و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و سنن مبارزات ضد امپریالیستی در عرصه بین‌المللی بازم عده‌ای از رفقای جوان و پیشدار نهضت راهائی‌بخش ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم را در سلول‌های زندان سیاه استبداد می‌اندازد تا به‌اصطلاح از «سیاست توازن» پیروی کرده باشد زندانی ساختن رفقای جوان پیشدار ما مظهر این وضع است که محافل حاکمه افغانستان با وصف هواداری از (امپریالیزم) گویا از سیاست تحریک امین امپریالیزم امریکا و توطئه‌ها و دسایس سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی (سی. ای. ای و غیره) می‌ترسند (!) من‌جمله روی این وانمود ترس است که رفقای ما این فرزندان شجاع وطن تحت فشار قرار گرفته و هرگونه ارتباط آن‌ها از زندان با برون قطع گردیده است. اگر شایعات برونی حقیقت داشته باشد که رفقای ما اذیت می‌گردند، یکبار دیگر دستگاه حاکمه

(ص ۴)

ستمگری و اهانتی است که هر روز ملاکان فنودال، سرمایه داران و بوروکرات های فاسد بر خلق وطن محبوب ما افغانستان روا می‌دارند. اکنون باید ملاحظه کرد که کدام طبقات و اقشار در جامعه واقعاً «افغانستان را برای افغانستان» می‌خواهند و محرک آن‌ها چیست؟

روشن کردن این مسأله در افغانستان که از طرفی دارای ترکیب طبقاتی پیچیده است واز طرف دیگر پراگندگی در بنابر سیطره و نفوذ استبداد، ارتجاع و استعمار چندین قرن از کاروان مدنیت عقب مانده است در دستور روز و

مرکز ثقل وظایف ملی قرار می‌گیرد. جنبش راهایی بخش ملی تنها با استقلال سیاسی انجام نمی‌پذیرد. هرگاه استقلال به تغییرات بنیادی در زند کی اقتصادی و اجتماعی توأم نگردد و رسالت تاریخی تجدید حیات ملی را ایفاء نکند استقلال سست بنیاد و

موهوم خواهد بود. اکنون ۹۵ فیصد خلق زحمتکش کشور ما که استقلال در عمر تقریباً يك نسل موجب تغییر قابل ذکری در زندگی آن‌ها نشده این مطلب را روی پوست و گوشت خود احساس می‌کنند و تشخیص می‌دهند که فقط آن اشخاص و یا گروه‌های اجتماعی «افغانستان را برای افغانستان» می‌خواهند که در عرصه‌های داخلی و خارجی علیه عوامل عقب ماندگی کشور مبارزه بی‌امان و پیگیر می‌نمایند و برای تحصیل استقلال اقتصادی که شرط قبلی آن در هم پاشیدن کلیه تعلقات کهنهٔ فنودالی و گسستن همبستگی‌های اسارت آور استعماری است اعلان

جهاد می‌کنند؛ زیرا درناکتر از هر چیز مشاهده عقب ماندگی افغانستان، فقر توده‌های خلق کشور، زورگویی،

پاکستان یو له هغه هیوادو څخه دی چه له سیاسی خپلواکی وروسته یی د سرمایه داری له اغزو ډکه لار غوره کړه، له سترو سرمایه داری هیوادو سره یی اسپرونکی اقتصادی تړونونه چه د نوی استعمار د تسلط غوره طریقه ده لاسلیک کړل او په امپریالیستی تیری کوونکو نظامی تړونو (سنټو او سیټو) کی د شامیلیدو په واسطه یی خپله گټلی سیاسی خپلواکی محدوده کړله او د یو وابسته او مربوط هیواد شکل یی غوره کړ. د ننه په پاکستان او پښتونستان کی د خلکو په دموکراتیکو حقوقو او آزادیو باندی پښی کښودلی شوی. د هیواد د اجتماعی، اقتصادی، سیاسی او ثقافتی پرمخ تگ په لاره کی مصنوعی ځنډونه مینځ ته راوستل شوو.

## اتحاد شوروی موقف خود را در مورد شرق میانه تغییر نه داده است

يك نطق وزارت خارجه اتحاد شوروی سخنانی اساپ مبصر سیاسی امریکا را راجع به اینکه گویا اتحاد شوروی سیاست خود را در مورد شرق میانه تغییر داده است رد نمود.

رئیس شعبه مطبوعات وزارت خارجه اتحاد شوروی در جواب سوالات روزنامه نگاران در يك کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که اساپ موقف اتحاد شوروی را در ارتباط با «فرمول رو دوس» غلط تعبیر نموده است. طوری که معلوم است «فرمول رو دوس» در سال ۱۹۴۵ در اتئی انعقاد قرارداد متارکه مصر و اسرائیل بمیان آمد. در بارهٔ متن به اساس میانجیگری نمایندگان

(ص ۴)

## نتیجهٔ عملیات نظامی در ویتنام جنوبی در سال ۱۹۶۹ تلفات امریکایی‌ها در ویتنام جنوبی

بر طبق احصائیه‌هایی که هنوز تکمیل نگردیده است در سال گذشته (۱۹۶۹)، نیروهای مسلح

آزادی‌بخش خلق ویتنام ۶۴۵۰۰۰ عساکر دشمن به شمول ۲۳۵۰۰۰ امریکایی و شرکاء جرم آن‌ها را در جریان جنگ تجاوزکارانه‌شان، به قتل رسانده، زخمی ساخته و یا اسیر گرفته‌اند. این ارقام توسط قوماندانی قوای مسلح آزادی‌بخش ویتنام جنوبی در يك اعلامیه راجع به عملیات نظامی در سال ۱۹۶۹ داده شده و به‌وسیلهٔ خبرگزاری آزادی‌بخش ویتنام جنوبی انتشار یافته است.

در سال گذشته وظهرستان ویتنام جنوبی ۶۴۰۰ فروند طیاره را سقوط داده و یا خساره مند ساخته‌اند، به تعداد ۱۷۰۰ کشتی نظامی را غرق ساخته و یا آتش زده‌اند ۱۹۰۰۰ وسیله نقلیه را به شمول تقریباً ده هزار تانک و زره پوش علاوه بر ۲۵۰۰ عدد توپ، هاوان و خمپاره‌های ثقیل، از بین برده‌اند و همچنان ۹۰۰ ذخیره نظامی دشمن را منفجر کرده‌اند.

## د مردان په یو لک کسيزه غونډه کی فیصله وشوه چه د صوبه سرحد نوم دی پښتونستان کښودل شی

د کارگرو، بزگرو، محصلانو او نورو پیښه وړانو ستر اعتصابونه او مظاهری شروع شوی، په هیواد کی ستر سیاسی بحران مینځ ته راغی. د نشنل عوامی گوند صدر خان عبدالولی خان او جابنت سکرتر اجمل خټک او ډیر نور غړی بندیان شول. د دوی په بندی کولو سره سیاسی بحران نورهم تند او پراخ شو. په سلگونو خلک ووژل شول.

اداری چاری شندی او د هیواد اقتصاد او تجارت په رکود سره مخامخ شو. نظم او امنیت له مینځ ولاړ او هره گړی د یوی کورنی جگړی خطر موجود و.

د خلکو د زړورو مبارزو تر فشار لاندی فیلد مارشال ایوب دی ته مجبور شو چه د نشنل عوامی پارټی صدر ولی خان او جابنت سکرتر اجمل خټک او د دغه گوند نور سیاسی بندیان را خلاص کړی او د سیاسی گوندونو له مشرانو سره په یوه گرد میز باندی کښینی او د هغه هیواد قهر او تشدد نه ډک اقدامات وشول بلکه پاکستان د نورو هیوادو د ترقی نهضتونو په مقابل کی د ارتجاعی زهرجنو افکارو د تبلیغ او ترویج مرکز وگرځید.

له آزادی نه وروسته د دغو ناورو انکشافاتو نتیجه دا شوه چه امپریالیستی او سرمایه داری وحشیانه استعمار له کبله د پاکستان او پښتونستان د زیارایستونکو خلکو د کار او زیار په سلو کی ۸۵ گټی یوازی هغو ۲۳ کورنیو او د هغو د مربوطینو لاس ته ورشی چه د هیواد سیاسی اقتدار یی په لاس کی و.

خو د پاکستان حاکمه طبقاتو او ارتجاعی قوتونو ونشواى کولای چه له ټولو وحشیانه تدابیرو سره سره د پاکستان او پښوتښتان د خلکو د ملی او اجتماعی انقلابی ښوونکی نهضت مخه ونیسی.

د پاکستان او پښتونستان ټول مترقی، ملی دموکراتیک انقلابی ضد امپریالیستی عناصر د نشنل عوامی پارټی په متحد سنگر کی چه د انگریزی استعمار په ضد د اوږدی مبارزی او په دغی لار کی د زیاتو قربانیو افتخار ور سره په برخه دی او په تیرو ۲۲ کلونو کی د سولی، ملی خپلواکی، اجتماعی عدالت او خلکو لپاره د حق خود ارادیت په لار کی ستری مبارزی کړی او زیاتی قربانی ورکړی دی د پاکستان د نورو گوندونو او قوتونو د مارشال ایوب د فردی بدنامی ډیکتاتوری په مقابل کی په یو لړ سختو او مثمرو مبارزو لاس پوری کړ.

د پاکستان او پښتونستان د خلکو ملی او اجتماعی آزادی ښوونکی نهضت ته سخته صدمه ورسیدله. هغه ایالتی (صوبایی) خودمختاری چه د لویدیځ پاکستان خلکو او د پښتونستان ولس له انگریزی استعمار سره د اوږدی مبارزی او ډیرو قربانیو په بدل کی گټلی وی د لویدیځ پاکستان د غوښتونکو او بی طرفو گاونډیو هیواد یورلی شوی.

صوبایی اسمبلی منحللی او صوبایی حکومتونه رنگ شول. د دی وضعی په نتیجه کی پاکستان د پاکستان او پښتونستان د خلکو د پاره د یو ستر او هولناک زندان بڼه غوره کړله او د سوسیالیستی او سوله غوښتونکو او بی طرفو گاونډیو هیواد د پاره د امپریالیزم د مداخلی، تیریو او دسایسو په اډی بدل شو. چه د ایشیا د دی سیمی سوله یی تهدیدوله. نه یواخی په پاکستان کی د اسلام تر نامه لاندی د هرډول مترقی او ضد ارتجاعی افکارو په مقابل کښی له قهر او تشدد نه ډک اقدامات وشول بلکه پاکستان د نورو هیوادو د ترقی نهضتونو په مقابل کی د ارتجاعی زهرجنو افکارو د تبلیغ او ترویج مرکز وگرځید.

له آزادی نه وروسته د دغو ناورو انکشافاتو نتیجه دا شوه چه امپریالیستی او سرمایه داری وحشیانه استعمار له کبله د پاکستان او پښتونستان د زیارایستونکو خلکو د کار او زیار په سلو کی ۸۵ گټی یوازی هغو ۲۳ کورنیو او د هغو د مربوطینو لاس ته ورشی چه د هیواد سیاسی اقتدار یی په لاس کی و.

خو د پاکستان حاکمه طبقاتو او ارتجاعی قوتونو ونشواى کولای چه له ټولو وحشیانه تدابیرو سره سره د پاکستان او پښوتښتان د خلکو د ملی او اجتماعی انقلابی ښوونکی نهضت مخه ونیسی.

د پاکستان او پښتونستان ټول مترقی، ملی دموکراتیک انقلابی ضد امپریالیستی عناصر د نشنل عوامی پارټی په متحد سنگر کی چه د انگریزی استعمار په ضد د اوږدی مبارزی او په دغی لار کی د زیاتو قربانیو افتخار ور سره په برخه دی او په تیرو ۲۲ کلونو کی د سولی، ملی خپلواکی، اجتماعی عدالت او خلکو لپاره د حق خود ارادیت په لار کی ستری مبارزی کړی او زیاتی قربانی ورکړی دی د پاکستان د نورو گوندونو او قوتونو د مارشال ایوب د فردی بدنامی ډیکتاتوری په مقابل کی په یو لړ سختو او مثمرو مبارزو لاس پوری کړ.



په‌دغه عظیم‌الشانه غونډه‌کي عبدالولی خان ويناكوي

## اراده رزمندهٔ ضد امپریالیستی مردم افغانستان حکم مینماید تا پرچمداران مبارز دموکراتیک خلق افغانستان که در تظاهرات ضد امپریالیستی در برابر اگنیو، زندانی گردیده‌اند هرچه زود تر از حبس رها گردند!



# بخش توریک

**مقدمه:**

این بحث شامل درس‌هایی است در باره مهم‌ترین و عمده‌ترین اصول جهان بینی علمی و اصول و موازین سازمانی حزب طراز نوین طبقه کارگر و مشی استراتژیک و تاکتیکی آن. کوشش شده است مطالب نه تنها کوتاه و ساده بیان شود بلکه حتی‌المقدور نکات ضروری هر چه بیشتری را دربر گیرد. هدف نشر این مسائل کمک به کار آموزشی جوانان است که سوی نهضت روی می‌آورند ولی هنوز از مبادی این دانش اطلاع منظم ندارند.

سودمند است که نوآموزان این مباحث را چند بار مستقلاً مطالعه کنند و سپس مشکلات خودرا با کسانی که می‌توانند به او توضیح دهند در میان گذارند و حل کنند.

کوتاهی مطالب امکان می‌دهد که این مباحث به‌خوبی درک شود و به‌دقت به خاطر سپرده گردد. می‌توان اطمینان داشت که فرد مبارز منظره‌ای ولو کلی و مختصری از جهان‌بینی حزب طراز نوین طبقه کارگر را بدست آورده است.

**جهان بینی چیست**

جهان بینی یعنی مجموع عقاید و نظریات یک شخص یا یک جمعیت در باره طبیعت و جامعه، این جهان بینی می‌تواند علمی‌باشد و یا غیر علمی. جهان بینی غیر علمی مبنایش بر روی عقیده کورگورانه و قبول تعبدی است. جهان بینی علمی، مبنایش بروی استدلال عقل و اثبات تجربی است و بر واقعیات استوار است.

جهان بینی علمی (مارکسیسم – لنینیزم) مجموعهٔ نظریات علمی بهم پیوسته است در بارهٔ قوانین حرکت و تحول جهان و جامعه. دربارهٔ این که از جامعه مبتنی بر مبارزات طبقاتی و بهره کشی انسان از انسان و اسارت یک خلق در چنگ خلق دیگر می‌توان جامعه آزاد از تناقضات طبقاتی، فارغ از بهره کشی و رهایی از اسارت و ستم ملی ایجاد کرد.

اصول اساسی جهان بینی علمی را مارکس، انگلس و لنین (رهبران بزرگ پرولتاریای جهان) تنظیم کرده‌اند. مارکس با استفاده از سه منبع یعنی اندیشه‌های اقتصادبویون انگلیسی مانند آدام اسمیت و فلاسفه آلمانی مانند هگل و فویرباخ و سوسیالیست‌های تخیلی فرانسوی مانند سن سیمون و فوریه نظریات خودرا ترتیب داده‌اند.

مارکس و انگلس در دوران سرمایه داری انحصاری زندگی و فعالیت می‌کردند و نظریات خود را در آن دوران که دوران رشد مناسبات سرمایه داری و در دوران رقابت آزاد بود بیان داشتند.

لنین در دوران سرمایه داری انحصاری زندگی و فعالیت می‌کرد و جهان بینی علمی را بر دوران رشد فاجعه آمیز دوران جنگ‌ها و انقلابات انطباق داد و تکامل بخشید.

جهان بینی علمی از سه بخش عمده

فلسفه، اقتصاد و سوسیالیزم تشکیل میشود.

جهان بینی علمی بعداً به‌وسیله تنوربین های دیگر احزاب کارگری طراز نوین بسط یافت و بر شرایط زمان ما که دوران انتقال از سرمایه داری بـه سوسیالیسم، دوران فروریختن سیستم مستعمراتی امپریالیسم و تحکیم سوسیالیسم جهانی است انطباق داده شد.

جهان بینی علمی راهنمای عمل کلیه احزاب انقلابی کارگری طراز نوین است. احزاب کارگری به اتکاء این جهان بینی علمی پدیده‌های بغرنج اجتماعی را تحلیل می‌کنند استراتژی و تکتیک خودرا تنظیم می‌نمایند، شعارهای دور و نزدیک خود را روشن می‌سازند.

جهان بینی علمی حربه کاری و برانی است که اگر این حربه بجا و درست استفاده شود می‌تواند مایه پیروزی حزب طبقه کارگر گردد.

هر فرد انقلابی باید جهان بینی علمی را بیاموزد و آن را خوب هضم و عمیقاً ادراک نماید. اگر جهان بینی علمی را خوب نفهیم و عمیقاً هضم نکنیم معلومات ما در این زمینه محدود و کتابی باشد ما نه تنها فایده نمی‌رسانیم بلکه به کار ضرر می‌رسانیم. این یک آموزش کبیر و عالی است. ولی یاد گرفتن آن دشوار نیست زیرا حقیقت است و حقیقت همیشه ساده و روشن است.

## نکاتی در بارهٔ اسلوب دیالکتیک و ماتریالیزم فلسفی

فلسفه مارکسیستی ماتریالیزم دیالکتیک نام دارد و از سه بخش عمده مرکب است.

۱- اسلوب دیالکتیک
۲- ماتریالیزم فلسفی
۳- ماتریالیزم تاریخی
اول اسلوب دیالکتیک بما نشان می‌دهد که طبیعت و جامعه و تفکر و عمل انسانی موافق چه قوانین در حرکت و تحول‌اند. یادگرفتن اسلوب دیالکتیک برای درک صحیح پدیده‌های طبیعی و اجتماعی و فکری و برای تحلیل صحیح این پدیده‌ها ضروری است.

درست است که اگر شخص بسیار باتجربه و دقیق باشد و یک مطلب را خوب بررسی کند و غرض هم نداشته باشد خود به خود دیالکتیکی فکر می‌کنند ولی به هر حال جهت دانستن قوانین دیالکتیک و بکار بردن آگاهانه این قوانین به درست فکر کردن و حل صحیح مسائل کمک می‌کند. یکی از فلاسفه اسلوب دیالکتیک را ریاضیات انقلاب نامیده یعنی برای این که انقلابی بتواند شرایط تکامل جامعه و نهضت را خوب حساب کند باید این ریاضیات را بداند.

به کار بردن صحیح اسلوب و منطق دیالکتیک ما را به درک ماهیت پدیده‌ها و گرایش عمیق و نهانی حوادث قادر میسازد.

(صفحه ۲)

(تلخیص از یک اثر مترقی)

منطق دیالکتیک دارای چهار قانون عینی عمده است:

۱- قانون ارتباط، ۲ - قانون حرکت و تغییر، ۳ - قانون تضاد و ۴ - قانون تکامل

۱- قانون ارتباط: معنای این قانون اینست که سرپایای جهان جاندار و بی‌جان به هم پیوسته و مربوط است و در هم مؤثر است همه جهان اشکال مختلف ماده است که تغییر و تکامل می‌کند.

اگر در جهان تنوع می‌بینیم و کیفیت‌های گوناگون از جماد و نبات و حیوان و انسان از مادی و معنوی مشاهده می‌کنیم برای آنست که: ساختمان ماده مرکب‌تر و بغرنج‌تر میشود.

این تنوع دلیل آن نیست که جهان از چیزهای یگلی مختلف که باهم ارتباط ندارند تشکیل شده است. در قدیم تصور می‌کردند که مثلاً شعور و ماده دو شیءء بـمـکـلی متفاوت‌اند. امروز میدانیم که فکر و شعور خاصیت ماده است که ساختمان بسیار بسیار بغرنج و پیچیده دارد و مجزاً از ماده نیست، در میان انواع ارتباطات ظاهری و باطنی بین اشیا و پدیده‌ها آن ارتباطاتی که استوار است و عمل کردن آن اشیا و پدیده‌ها را نشان می‌دهد قانون نام دارد.

**۲ - قانون حرکت و تغییر:** معنای این قانون آنست که سرپایای جهان را که به هم پیوسته و مرتبط است و مانند یک دستگاه واحد است در حال حرکت و تغییر دایمی است. اصل جنبش و تغییر است. در اثر همین تغییرات است که همه چیز نسبی و سپری است.

حرکت را معمولاً به حرکت مکانیکی (انتقال در مکان) حرکت فزیکی - حرکت شیمیایی - حرکت بیولوژیکی یا زیستی - حرکت اجتماعی و حرکت فکری تقسیم می‌کنند...

**۳ - قانون تضاد:** از قانون اول و دوم فهمیدیم که سرپایای جهان یک دستگاه به هم پیوسته است که تغییر می‌کند. حالا ممکن است این سؤال پیش آید چرا تغیر می‌کند؟ دیالکتیک می‌گوید تغییر و حرکت در وجود خود ماده است.

حرکت به معنای فلسفی آن یعنی آن که چیزی شروع می‌کند به‌جز دیگر شدن. در آن چیزی که حرکت می‌کند ناهمگونی، دوگانگی و دوگونی پدیدار می‌شود یا به بیان دیگر اختلاف تضاد بروز می‌کند. در حالی که در کلیه اشیا و پدیده‌ها همیشه چیزی که در حال پیدایش و رشد است و چیزی در راه زوال و افول، میرنده و روینده - نو و کهنه- گذشته و آینده با هم در مبارزه‌اند.

این مبارزه است که تغییر و حرکت را موجد شده است. تضادهایی که در اشیا و پدیده‌ها بروز می‌کند بر دو قسم است:

**آشتی پذیر و آشتی ناپذیر**

حل تضاد آشتی ناپذیر از طریق غلبه یک طرف تضاد است بر طرف دیگر. تضاد آشتی پذیر می‌تواند به طریق

سازش و تلفیق حل شود.

**۴ - قانون تکامل:** معنای این قانون آنست که حرکت و تغییر که نتیجه تضاد درونی اشیا و پدیده‌هاست، تکرار وضع گذشته نیست بلکه مرتباً وضع نو و کامل‌تر و بغرنجی به وجود می‌آورد. ماده از ساده به بغرنج، از نازل به عالی در حرکت است. از بیجان به جاندار، از انسان‌های اولیه، جامعه امروز پدید شده است. اول تغییرات نامرئی نامشهود و تدریجی در کمیت است. بعدها که تغییرات کمی بجایی رسید جهش واقع میشود و یک تغییر سریع در کیفیت روی می‌دهد یعنی تحول انقلابی روی می‌دهد و کیفیت تازه‌ای پیدا میشود. کیفیت سابق - حالت و وضع سابق به این ترتیب نفی میشود. کیفیت کامل‌تر تازه‌ای جای آن را می‌گیرد و این کیفیت و حالت تازه هم به‌نوبهٔ خود زمانی می‌رسد که نفی میشود. این جریان را نفی در نفی می‌نامند.

**ماتریالیسم فلسفی**

ماتریالیزم فلسفی می‌آموزد که جهان مادیست در گذشته بوده و در آینده خواهد بود. حال این سؤال پیش میاید که مادم چیست:

تعریف فلسفی ماده که لنین آن را بیان کرده است چنین است: ماده آن واقعیتی است که در ورآ ما مستقل از فکر ما و شعور ما وجود دارد و ما آن را با حواس خود درک می‌کنیم. فلسفه مؤظف نیست که بگوید ماده از چه چیز ساخته شده است، این علم است که به‌تدریج ساختمان (سلول - مایکول - اتم و ذرات اولیه درون اتم، میدان‌ها و غیره) را کشف کرده و روز بروز تصور ما را از ماده غنی و غنی‌تر میسازد. شعور که به شکل ناقص و ابتدایی در حیوان و به شکل رشد یافته آن در انسان متمن وجود دارد نتیجهٔ تکامل طولانی ماده است و خاصیت یک ماده بسیار متشکل و فوق‌العاده بغرنج و پیچیده است که مغز نام دارد.

چون فهمیدن اینکه چگونه انسان فعالیت می‌کند، سخن می‌گوید، فکر می‌کند خواب می‌بیند، آثار علمی و هنری می‌آفریند، زندگی آینده را طراحی می‌کند و پیش بینی می‌نماید - در گذشته برای بشر دشوار بود؛ ولی علم امروز توضیح می‌دهد که چگونه سلول‌های مغز آدمی (که نورون نام دارد) تصاویر واقعیت خارج را منعکس می‌کند. چگونه این تصاویر را تجزیه و ترکیب می‌کند. بشر با کشف این قوانین خود مآشئین‌هایی منطقی و متفکر میسازد که به مآشئین‌های سبیرنتیک و مآشئین‌های بیونیک معروف‌اند. لذا اول ماده بیجان بود، بعد ماده جاندار شد. اول ماده بی‌شعور بود و بعد ماده ذی‌شعور شده است. لذا ماده بر شعور مقدم است.

آن‌هایی که ماده را بر شعور مقدم می‌شمارند، ماتریالیست نام دارند. آن‌هایی که شعور را بر ماده مقدم می‌شمارند، ایدئالیست نام دارند. نکته دیگری که ماتریالیزم فلسفی

## خلاصه‌ای از درس‌های ابتدائی مبارزه

می‌آموزد آنست که ماده همیشه با زمان و مکان و حرکت همراه است. حرکت بی ماده و ماده بدون حرکت وجود ندارد و حرکت شیوهٔ هستی ماده است. ماده بدون زمان و مکان و زمان و مکان بدون وجود ندارد. زمان و مکان اشکال هستی ماده‌اند.

**تئوری و پراکتیک**

شناخت و معرفت انسان و جهان در جریان کار و کوشش و پراکتیک به وقوع می‌پیوندد. از پراکتیک یا عمل است که تئوری پدید می‌آید. به‌نوبهٔ خود، خود علم یا تئوری پراکتیک یا عمل را هدایت می‌کند، علم و عمل یا تئوری و پراکتیک رابطه ناگسستی دارد؛ و این از مسایل مهم است که باید پیوسته آن را در نظر داشت. پراکتیک یا عمل انسانی دارای سه - شکل مهم و اساسی است:

۱- علوم اجتماعی و طبیعی.
۲- ایدئولوژی های سیاسی و اجتماعی که مجموعهٔ نظریات و عقاید یک یا چند طبقه در بارهٔ مسایل سیاسی و اجتماعی است. (ایدئولوژی را می‌توان تقریباً به مسلک یا مرام ترجمه کرد).

۳- جهان بینی: که در سابق تعریف آن را بدست داده‌ایم.

جنبش انقلابی بدون تئوری انقلابی نمی‌تواند راه خودرا به جلو باز کند. می‌گویند جنبش انقلابی کشتی است و تئوری انقلابی قطب نما. قطب نما بدون کشتی زنگ می‌زند و کشتی بدون قطب نما به گمراه می‌رود.

علوم طبیعی و اجتماعی امروز اهمیت عظیمی گسب کرده‌اند. علوم طبیعی در دوران ما مستقیماً جز قوای مؤلده قرار گرفته‌اند و محرک عمده حرکت اجتماعی هستند - یعنی امروز دیگر رشد قوای مؤلده بدون هدایت و رهبری و شرکت مستقیم علوم ممکن نیست. امروز تجارب علمی به‌شدت صنعتی و جمعی شده‌اند و دیگر عالم منفرد نمی‌تواند کاری بکند.

**تئوری شناخت**

شعور انسانی نتیجه انعکاس جهان خارج است در مغز وی. انسان به مدد شعور جهان خارج را می‌شناسد. برای شناخت جهان خارج شعور انسانی در دو مرحله عمل می‌کند، اول مرحلهٔ حسی دوم مرحلهٔ عقلی. در مرحلهٔ حسی انسان با حواس خود جهان را درک می‌کند.

در مرحلهٔ عقلی انسان آن چه را درک کرد به‌صورت مفاهیم در می‌آورد و از جمع و تفریق این مفاهیم احکام منطقی میسازد و استنتاجات منطقی می‌کند.

نهضت‌های اجتماعی هم از مرحله حسی و مرحله عقلی می‌گذرد. در مرحله حسی شور و عواطف بر مبارزان نهضت غلبه دارد و ادراک واقعیت دارای جنبه احساساتی است. در مرحله عقلی نهضت‌ها می‌کوشند قوانین جامعه پیرامون و جنبش اجتماعی را عمیقاً درک کنند و مبارزه را در جهت صحیح و واقع‌بینانه سیر دهند. یکی از نکات

مهم تئوری شناخت مسئله حقیقت است.

حقیقت چیست:

حقیقت یعنی انعکاس مؤثوق و دقیق واقعیت در ذهن ما. از آن جا که واقعیت ابدی و ازلی فوق‌العاده بغرنج در زمان و مکان است فکر یک فرد قادر نیست در زمان محدود همه آن‌ها را احاطه کند. لذا بشر در کو شش تاریخی خود به‌تدریج می‌کوشد این واقعیت را بشناسد. در مرحله‌ای از مراحل فعالیت معرفتی خود انسان مدلی از آن واقعیت می‌سازد که با آن که واقعیت را منعکس می‌کند ولی عین واقعیت نیست. هرقدر انسان در درک واقعیت و سرشت آن باریک‌تر میشود و جلوتر می‌رود مدل خودرا کامل‌تر می‌کند. لذا حقایقی که انسانی در یک دوران بدان دست یافته است، تغیر پذیر است.

حقیقت نسبی است نه مطلق. ولی نباید تصور کرد که در این حقایق نسبی هیچ سهمی از حقیقت مطلق یعنی حقیقتی که طی زمان تغییر نخواهد کرد نیست.

یکی از شرایط مهم دست یافتن به حقیقت تفکر عینی یعنی بررسی دقیق واقعیت بدون مداخله خواست و غرض و قضاوت قبلی است. کسانی که به شیوه ذهنی فکر می‌کنند یعنی می‌خواهند خواست و غرض و قضاوت قبلی خودرا بر واقعیت تحميل کنند قادر نیستند به واقعیت چنان که هست پی ببرند.

### نکاتی در بارهٔ ماتریالیزم تاریخی

اگر قوانین دیالکتیک را بر سیر جامعه انطباق دهیم و از این نظرگاه پدیده‌های های تاریخ بشر و جامعه انسانی را بررسی نمایم فلسفه اجتماعی خاصی بدست می‌آوریم که آن را ماتریالیزم تاریخی می‌نامند. ماتریالیزم تاریخی در واقع جامعه شناسی مارکسیستی است. این جامعه شناسی کامل‌ترین و دقیق‌ترین جامعه شناسی است. سرمایه داران مایل نیستند ماهیت پدیده‌های اجتماعی چنان که هست برملا شود. لهذا در کشورهای سرمایه داری در جامعه شناسی به تحقیقات تجربی محدودی اکتفا می‌کنند و قوانین حرکت تاریخ را بیرون نمی‌کند و تنها فاکت‌های جداگانه را بررسی می‌کنند.

مارکسیزم برعکس ذیعلاقه است که این قوانین را کشف کند و طریقات انقلابی را به معرفت این قوانین مجهز نماید تا آن‌ها بر حرکت خود به خودی تاریخ غلبه کنند و به فن انقلاب دست یابند و جامعهٔ تازه‌ای را پی نهند. موافق ماتریالیزم تاریخی دستگاه جامعه بشری از دو بخش عمده و اساسی تشکیل شده است:

زیربنا یا ساخت یا هستی مادی اجتماع. روبنا یا شعور اجتماع.

زیربنا ساخت اجتماعی جامعه معینی است و مرکب است از:

**نیروهای مؤلده و مناسبات تولید**

**(باقی‌دارد)**

خلق کشور ما را از قید هر نوع ستم آزاد و کار ایجاد افغانستان نوین را برای خلق افغانستان آغاز نماید. (از بیانیه پارلمانی ما)
نه حکومت‌های نوع کنونی افغانستان که خود نیز بنا بر معاذیری (!) که دارد عجز و ناتوانی خودرا قبلاً اعتراف نموده است.

شعار «افغانستان برای افغانستان » وقتی مفهوم واقعی را به خود میگیرد که با شعارهای صلح، آزادی، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و رفاه عمومی توأم گردد و در راه تحقق آن‌ها عملاً جهاد عظیم صورت گیرد.

**(غوربندی)**

## در باره یک شعار ...

را از هر گونه ستم و استثمار ملی و طبقاتی خواستار اند به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند در مورد ستم و بیداد بر ملت که خود نیز شامل آن‌اند بی‌اعتنا باشند. نیروهای مترقی از حس غرور ملی سرشار اند و می‌رزمنند تا مناسبات فئودالی که روی اصل امتیازات استوار است جای خودرا به همکاری برادرانه و تأمین روابط عادلانه بدهد. از نقطه نظر نیروهای مترقی هیچ شعار و هیچ عبارت پردازی جای واقعیت را نمی‌گیرد، خاصاً وقتی‌که در بین شعار و عمل

<sup>[1]</sup>
<sup>[2]</sup>



## کارگران پروژه‌های ولایات شمال کشور و بخصوص کارگران پروژه استخراج و انتقال گاز هیچ‌گونه مصئونیت ندارند

کارگران پروژه‌های ولایات شمال کشور که متشکل از اقوام و افراد مناطق مختلف وطن بوده و بالعموم کارگران فنی و میکانیسین ها اند، در اثر عرق ریزی، زحمت کشی و کار با ثمر و فداکارانه خویش در تحت شرایط دشوار جوی- در سرما و گرما زمینه بهره برداری از منابع ارزنده زیرزمینی را آماده کرده‌اند. ولی ایشان مانند کارگران سایر مناطق کشور بیرحمانه استثمار می‌گردند و از حد اقل شرایط لازم حیات و مصئونیت محروم‌اند. در نتیجهٔ کار همین کارگران وطن‌پرست و زحمتکش همراه با متخصصان شوروی است که ذخایر معتابیه گاز کشف و تثبیت گردیده است و به حیث مادهٔ باارزش، قسمتی از آن صادر میگردد که منبع بزرگ عایداتی را به وجود آورده است و مقداری از آن برق تولید کرده و همچنین مبدل به مقادیر فراوان و پرقیمت کود مصنوعی میگردد.

همچنان برمه کاری به غرض تفحص نفت نیز نتیجه مثبت داده است. این کارگران بالعموم در چند پروژهٔ (تفحصات نفت و گاز، پاپب لاین، استخراج و انتقال گاز، فابریکات کود و برق) در امور برمه کاری، مونتاژکاری و امور سمنتاژ و اکراتاژ، در امور رانندگی وسایل و ماشین‌های مختلف و امور ترمیمات و امور تکنیکی و ساختمانی، استخراج گاز ... و غیره مشغول‌اند و بقدر کافی در کار مهارت پیدا کرده‌اند.

انجام کارهای دشوار و توان‌فرسا به عهدهٔ این کارگران جوان است و این‌ها هستند که با کار خلاق خود چهره کوه‌های خشک و بیابان‌ها را تغییر می‌دهند، ولی عده‌ای مأموران عالی‌رتبه در حالی که از مزایای بسیار بزرگ و بی‌حد و حصر برخوردار اند، علاوه بر آنکه آزادانه

## سایه استبداد بر فضای مکتب نسوان شبرغان

در مکتب نسوان شبرغان چون دیگر مکاتب کشور اندیشه جوان و رشد یا بنده شاگردان در دایره تنگ و محدود استبداد فکر محصور می‌باشد.

آزادی فراگرفتن دانش از جانب اداره‌چیان مستبد مکتب، اخلاگری تلقی میشود. از رشد و انکشاف ذهنی شاگردان کوششگر و مطالعات آنان جلوگیری به عمل می‌آید تا آنجا که گویا مطالعه کتب غیر از کتب معموله

درسی و بررسی و مطالعه جراید بخصوص جراید ملی و مترقی نوع جرم باشد.

در نیمه دوم قرن بیستم، در دوران پیروزی‌های ششگوفان جنبش‌های آزادی‌بخش و اوج‌گیری نهضت کارگری و دانشجویی در عصری که از هر سو صدای شکستن زنجیرهای سیاه استبداد بر می‌خیزد، درین دیار

استبداد سایه شوم خودرا گسترده

# درد، شکایت‌ها و اعتراضات خلق

### کارته جدیدالتأسیس سید نور محمد شاه مینه فاقد ابتدائی ترین تسهیلات مدنی است

باشندگان این «کارته» نو تأسیس بشمار می‌رود، توجهی مبذول نداشته‌اند.

بنابر کمی تعداد بس‌ها، بی‌نظمی در پروگرام حرکت آن‌ها، فقدان موثرهای شبکار، نبودن مغازه‌های آرد و مواد ارتزاقی و سایر مشکلات این «کارته» جدیدالتأسیس به شکل یک دهکدهٔ نو تأسیس فاقد تسهیلات ابتدائی مدنی درآمده است.

اهالی منطقه اعتراض می‌نمایند و جداً می‌خواهند که هرچه زودتر تسهیلات حداقل طبق وعده‌ها برای ایشان تأمین گردد.

از طرف اهالی سید نور محمدشاه مینه ن. نبرد

## مأموران پائین رتبه د افغانستان بانک از بیمه صحی خود راضی نیستند

در نظر نمی‌گیرند بدون اینکه به معاینه دقیق ایشان بپردازند در برابر هرگونه مرض غالباً یکی از نسخه‌های قبلاً نوشته شده را که محتوی چند تابلیت مسکن و چند پوری ادویه پودری است به بیماران می‌دهند، در حالی که مأموران صاحب امتیاز نه تنها برای خود و خانواده خویش بلکه برای خویشاوندان و دوستان خود نیز ادویه قیمتی را حاصل می‌نمایند.

وضع بیمه صحی د ر افغانستان بانک قطعاً قابل تجدید نظر است و اکنون به‌هیچ‌وجه به نفع مأموران پائین رتبه آن موسسه نمی‌باشد.

(ع، غ)

### شهریان مزار شریف اعتراض می‌کنند

اخیراً نامه‌های به دفتر پر چم خلق رسیده که در آن‌ها از ناآرامی و بی امنیتی در شهر مزار شریف حکایت گردیده است و مردم ازین ناحیه به مشکلات و تشویش دچار شده‌اند. گفته میشود که اکنون مصئونیت عبور و مرور در شهر و بخصوص در کوچه‌ها و پس کوچه‌ها پس از ساعت هشت و نه شب از بین رفته است، پو لیس و مقامات «امنی» به‌عوض آنکه جلو دست اندازی ها و راهزنی‌ها را بگیرند، اعلام داشته‌اند که مردم نباید پس از ساعت ده در شهر گشت و گذار داشته باشند و در غیر آن مسئولیت به خود عبابین راجع است(!).

میگردد.

ادامه این وضع در معارف کشور غیر قابل تحمل گردیده است و فریاد اعتراض از هر سو بلند است!

(ا.ش. از نیمروز)

حال این کار به مرحله اجرا درنیامده است.

قرار معلوم روزانه پنج هزار افغانی مصرف توزیع آب برای اهالی این منطقه میشود، هرگاه مجموع مصارف روزانه بمنظور آبرسانی محفوظ در منطقه بکار می‌افتید و از آن استفاده صحیح صورت می‌گرفت بهیقین مشکل مردم تا حدی رفع میگردید.

نه تنها مسئولین امور در موارد فوق کوچکترین گام اساسی برنداشته‌اند بلکه در موارد دیگر از قبیل موضوع ترانسپورت و رفع کثافات ناشی از عدم وجود سیستم بدرفت عصری، امنیت مردم و غیره که همهٔ آن‌ها از مسایل عادی ولی اساسی حیاتی

ساکتین «کارته» جدید سید نور محمد شاه مینه باوجود نزدیکی به مرکز کابل از ضروری‌ترین و ابتدائی ترین وسایل و تسهیلات بلدی محروم هستند. از مدت چهار سال به این‌طرف که از طرح و ساختمان این «کارته» میگذرد، برحسب وعده‌های قبلی که گفته شده بود «برای تأمین رفاهیت این مردم مستمند که احتیاج شدید به خانه‌های ارزان بها داشتند» تسهیلات لازم فراهم میشود، کاری در عمل انجام نگردیده است. بدین لحاظ این «کارته» نو تأسیس شکل دهکدهٔ جدیدی را به خود گرفته است، نه حیثیت کارتهٔ جدید شهر را.

جریده پامیر در شمار چهارم مورخ ۳ سرطان ۱۳۴۴ خود برای رفع موقت عطش بی‌خانگان که مدت‌ها در آرزوی داشتن سرپناهی بودند، وعده‌های بوقلمون و مسحور کنندهٔ را،

## موثرهای دولتی و آرامش بیروکرات‌ها و ناآرامی دریوران

موثرهای رسمی دولتی که در اختیار بیروکرات‌ها قرار دارند نه تنها در اوقات رسمی بلکه شب وروز در ساعات غیررسمی نیز مورد استفاده وسیع و بی‌بندوبار مأموران عالی رتبه و خانواده‌های شان قرار می‌گیرد. علاوه بر آنکه این موثرها در یک مدت کوتاه خراب می‌گردند و دریوران این موثرها نیز به مشکلات زیادی مواجه‌اند؛ زیرا مجبور هستند که در اوقات غیررسمی و شب تا نیمه‌ها بدون دستمزد اضافی در خدمت باقی بمانند. وزراء، معین‌ها، رؤسا، والی‌ها، قوماندان‌ها و مأموران عالی‌رتبه دیگر به درجات پایین‌تر شب‌ها یا دعوت دارند و یا بجای دیگر دعوت‌اند و یا روزهای رخصتی و عصرها به تماشا و هواخوری می‌روند و دریوران موثرهای سرکاری را در خدمت خویش نگه می‌دارند.

ایشان مجبور اند که ساعت‌های متوالی در عقب درب‌ها و منازل به انتظار بنشینند و به فکر اینکه مبدا آقای وزیر، یا رئیس با والی و یا ... عزم برگشتن به منزل را بنماید، یک دقیقه نمی‌تواند محل را ترک گویند. غالباً ایشان شب را در حال انتظار گرسنه سپری می‌کنند، در حالی که در داخل منزل نازپروردگان طفیلی در میان وفور از نعمات مادی غرق اند. دریوران موثرهای رسمی دولتی ناگزیر اند که هنگام بالا شدن و پایین شدن آقایان بروکرات‌ها و اعضای فامیل و خویشاوندان آن‌ها دروازه موثر را بهسرت و با حفظ «نزاکت

و آداب» مخصوص و با کرنش باز نمایند، زیرا انجام این کار ساده توسط خود آقایان زحمت است و یا کسرشان شمرده میشود.

دریوران موثرهای رسمی که ساعات معینی برای کار ایشان وجود ندارد، شب‌ها خیلی دیر با طی راه‌های دور از منزل «ارباب» تا کلبهٔ محقر خویش برمی‌گردند و مجبور اند که صبح خیلی زود برخیزند و بازم با طی فاصلهٔ غالباً دور به منزل «ارباب» برسند و موثر را پاک کرده آمادهٔ حرکت بسازند و انتظار بکشند. بدین ترتیب دریوران حتی فرصت نیم ساعت و یک ساعت نشستن و صرف غذا با اطفال، زن و خانوادهٔ خود را ندارند.

دریوران موثرهای رسمی که از زمرهٔ کارگران کشور اند ناگزیر هستند که تمام این مشکلات و خفت‌ها را به پذیرند تا لقمهٔ نانی برای خانوادهٔ خویش تهیه بکنند، در غیر آن با نشان دادن کوچکترین عکس‌العملی از کار اخراج می‌گردند و خیلی دشوار است که کار دیگری بیابند.

مسأله اساسی در اینجاست تا وقتی که سیستم اداری در دستگاه دولت از اساس اصلاح نگردد و مأموران شریف، باوجدان و وطن‌پرست در چوکات یک حکومت ملی و مترقی جای مأموران عالی‌رتبه ستمگر و بیروکرات‌های کنونی را نگیرند، نه تنها این موضوع کوچک مورد بحث بلکه ده‌ها و صدها مسأله اساسی دیگر اصلاح و حل شده نمی‌تواند.

مسئله اساسی در اینجاست تا وقتی که سیستم اداری در دستگاه دولت از اساس اصلاح نگردد و مأموران شریف، باوجدان و وطن‌پرست در چوکات یک حکومت ملی و مترقی جای مأموران عالی‌رتبه ستمگر و بیروکرات‌های کنونی را نگیرند، نه تنها این موضوع کوچک مورد بحث بلکه ده‌ها و صدها مسأله اساسی دیگر اصلاح و حل شده نمی‌تواند.

# کارگران ورکشاپ زنده بانان مربوط

### شرکت سرویس نسبت شرایط نامساعد کار اعتراض می‌نمایند

ورکشاپ زنده بانان (مربوط شرکت سرویس) می‌پردازند.

کارگران ورکشاپ شرکت سرویس من‌جمله عوامل نامساعد دیگر در شرایط بدی کار مینماید. حتی ایشان برای گرم ساختن خود محروم از حد اقل امکانات هستند. مجریان شرکت نه تنها مسأله تسخین ورکشاپ را توسط مرکز گرمی در نظر نگرفته‌اند، بلکه چوب سوخت هم در اختیار کارگران گذاشته نمی‌شود. لذا کارگران مجبور هستند که از میل آبل سوخته استفاده نمایند. چون دودکش برای خروج دود در ورکشاپ وجود ندارد، لذا فضای آن را دود غلیظ آلوده می‌سازد؛ که این امر لطمه به صحت و سلامت ایشان وارد آورده است.

کارگران که ازین وضع به ستوه آمده‌اند بروز سه شنبه (۲۳ جدی) به‌عنوان اعتراض از شاپ ها خارج گردیده و اظهار می‌داشتند که در تحت چنین شرایط به‌زودی صحت و سلامت خود را کاملاً از دست خواهند داد و باید برای بهبود شرایط کار بطور جدی مبارزه نمایند.

<sup>[1]</sup> در مکتب نسوان شبرغان چون دیگر مکاتب کشور اندیشه جوان و رشد یا بنده شاگردان در دایره تنگ و محدود استبداد فکر محصور می‌باشد





د افغانستان د ټولگ دموکراتک افکارو خپرونکی

۲۹ جدی ۱۳۴۸

د یوې گڼې ۲/۵ افغاتی

## اگنیو چه می‌گوید؟!

سفر پر جنجال و پر ماجرای سپایرو تیودور اگنیو - سفری که هدف آن تصریح دوکتورین نکسن بود به پایان رسید. ولی مطبوعات جهان هنوز در باره این سفر تبصره می‌نمایند. بعقار تحلیل و تبصره بسیاری از مبصرین سیاسی غربی سفر اگنیو و عکس‌العمل‌هایی که در برابر آن در کشورهای آسیائی نشان داده شد ماهیت اصلی دوکتورین نکسن را افشاء می‌نماید.

از بیانیه‌های اگنیو پیدا بود که وی وظیفه دارد دوکتورین نکسن را به کشورهای میزبان تصریح و توضیح نماید. حال ببینیم که اگنیو در سفر خود به کشورهای مختلف آسیائی چه چیز را توضیح کرد؟ در مانیلا ضمن صحبت با مارکوس رئیس جمهور فلیپین اظهار داشت که ایالات متحده امریکا «اراده دارد که مواضع خود را بحرالکاهل حفظ نماید.» در تایلند وی گفت که «در سیاست ایالات متحده امریکا راجع به عدم تقلیل تعهدات آن کشور درباره تایلند و بطور عموم جنوب شرق آسیا تغییر وارد نخواهد شد» حین مذاکره با چیانگ کای شک اطمینان داد «ما تمام تعهداتی را که با متحدین خود نموده‌ایم کاملاً ایفاء خواهیم نموده» در ویتنام جنوبی طی بیانییه اظهار نمود که امریکا هرگز دوستان خود را تنها نخواهد گذاشت. وی در پیامی عنوانی عساکر امریکایی که در ویتنام می‌جنگند گفت که نباید تظاهرات ضد جنگ ویتنام که از طرف مردم امریکا و جهان صورت می‌گیرد آن‌ها را متردد نماید.

اگنیو در کابل اظهار داشت: راجع به خودم اگر اجازه ابراز نظر شخصی را داشته باشم افتخار ابوت

### شکست تجزیه طلبان افشای

#### دسایس امپریالیزم است بر ضد کشورهای جوان

داستان غم انگیز ۹۲۰ روز جنگ داخلی نایجیریا جنگی که تجزیه طلبان و متحدین امپریالیستی آن‌ها بر کشور نو به آزادی رسیده تحمیل نموده بود به پیروزی حکومت فدرالی خاتمه یافت.

حکومت فدرال نایجیریا اعلان نمود که تمام مناطق واقع در قسمت شرقی آن کشور را که در تصرف تجزیه طلبان بود اشغال نموده است. قوماندان نظامی بیافرا توسط رادیو از عساکر بیافرا تقاضا نمود تا سلاح خودرا زمین بگذارند و به قوای حکومتی تسلیم شوند. مقاومت بیهوده است باید به خون ریزی خاتمه داد و صلح را جانشین جنگ ساخت. کلنل اوجوکو رهبر تجزیه طلبان از کشور خارج گردیده و در جای نامعلومی بسر می‌برد. شکست تجزیه طلبان تب لرزی در تمام محافل امپریالیستی غرب بخصوص انگلستان به وجود آورده است و محافل امپریالیستی انگلستان شکست بیافرا را فاجعه بزرگی برای انگلستان وانمود ساخت. محافل امپریالیستی فرانسه می‌ترسند که با شکست تجزیه طلبان تمام

د پشتونستان په بداییره کی د امریکی د جاسوسی اډه د لسوکلو له تیریدو نه وروسته په رسمی ډول د پاکستان حکومت ته وسپارله شوه. سره لدی چی د امریکی له خوا د پاکستان په حکومت باندی زیات فشار واچول شو چه د دغی په هکله ترون نور هم اوږد کړی خو د پاکستان حکومت دغه کار ته غاړه نه کیښودله.

مطبوعاتی راپورونه وایی چه پنتاگون د بداییری اډی ته ستر سنتراتیژیکی اهمیت قایل ؤ. دامریکی کریسچن ساینس مانیټور ورځ پانه لیکلی دی چه دغه اډه له څو کلو را

### د بداییری جاسوسی اډه پاکستان

#### ته وسپارله شوه

پدېخوا د شوروی اتحاد او نورو دولتونو په مقابل کی د جاسوسی د مقصودنو دپاره استعمالیدله. یو 2 له همدی کبله اډی څخه فرانس پاورز خپله الوتکه کی پورته کیده چه په ۱۹۶۰ کال کی د شوروی د پاسه رانسکوره کړله شوه.

دغی الوتکی څو څو ځله د افغانستان په فضا باندی هم تیری کړی ؤ. د خپل جاسوسی فعالیت په وروستی ورځ کی هم د افغانستان د پاسه شوروی اتحاد ته تیره شوی وه چه بیرته را ونگرځیده او په را غورځولو سره د امریکی متحدو ایالاتو ته لویه رسوایی په برخه شوه.

## پرتاب نمودن چندین بم بر موتر حامل سپایرو اگنیو

روزنامه پاکستان تایمز در شماره سي دسامبر خویش تحت عنوانی «بمهای که بر اگنیو در مانیلا پرتاب گردید» می‌نویسد:
مظاهرة کنندگان ضد امریکایی بم کوچکی را به‌سوی موتر حامل اگنیو پرتاب نمودند، این بم زمانی بر موتر اگنیو پرتاب گردید که منکور سه ساعت بعد از ورود خود به مانیلا می‌خواست به سفارت امریکا برود. پولیس مانیلا اظهار داشت بمی که در نزدیک موتر حامل اگنیو منفجر گردید در ابتدا فکر می‌شد کدام پتاقی باشد ولی بعدها معلوم شد که در حقیقت بمبم از نوع «پل باکس» می‌باشد و طوری ساخته شده است که با اصابت به زمین سخت منفجر می‌گردد.

رئیس پولیس مانیلا ضمن تائید این حقیقت اظهار داشت که این نوع بم‌ها نهایت درجه خطرناک بوده می‌تواند. کشور و در رأس آن حکومت هویت خودرا بطور برهنه نشان می‌دهد و وظیفه ما را در دفاع از رفقای رزمنده ما جدی‌تر میسازد.

یک نکته مهم اینکه ترس همیشه امپریالیزم را جسورتر هارتر، محیل تر و دسیسه کارتر میسازد. بالعکس برای خنثی کردن دسایس امپریالیزم فقط مبارزه پیگیر و اتخاذ سیاست شجاعانه، قاطع و روشن علیه امپریالیزم میباشد.

عناصر و محافل مقتن در دستگاه حاکمه افغانستان منجمله در حکومت بطور تحریک آمیزی در برابر حادثهٔ اخیر یعنی مبارزه مردم ما علیه امپریالیزم امریکا چنین تبصره می‌نمایند که رفقای وطن‌پرست ما در برابر کدام «علامه داخلی...» عمل تحقیر آمیز انجام داده‌اند. باید خاطر نشان ساخت که هدف اصلی ما از شرکت در تظاهرات اعتراضیه ضد اگنیو معاون رئیس جمهوری ایالات متحده مبارزه علیه امپریالیزم امریکا (نه خلق صلح خواه امریکا) و هواخواهان داخلی آن بوده است. رفقای پرچمدار دموکراتیک خلق افغانستان تاکنون هیچ عملی خارج از چوکات اصول و قانونیت انجام نداده‌اند و حرکت ما بطور آشکار در چوکات ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی کشور، حفظ تمامیت ارضی، دفاع از آزادی و استقلال و پشتیبانی از سیاست بی‌طرفی مثبت، فعال و صلح‌جویانه بوده است. پشتیبانی از سلاست بی‌طرفی‌ای که محتوی آن تعقیب سیاست خارجی مستقل صلح‌جویانه، تعقیب سیاست ضد تجاوز، ضد جنگ و ضد امپریالیزم باشد و موجب استقرار استقلال و آزادی گردد، از وظایف جدی ملی ما بشمار می‌رود. ولی محافل حاکمه موجود در کشور ما به خاطر حفظ منافع مادی و معنوی خود، به خاطر بقای خود از سیاست بی‌طرفی توجیهات نادرستی می‌نمایند

#### پرچم

مدیر مسوول: میر اکبر خیبر
آدرس زرلبنٹ مارکیٹ— محمد جانخان واټ

### باز...

باز ابر سیاه عصیانگر

قامت از سلسله کوهسار کشید

دخت زیبای فلک مهر برین

پرده بر آتش رخسار کشید

\*\*\*

نیلگون بحر فلک توفانیت

موج‌های سیه آشفته‌تر است

چهرهٔ سرد زمین اندوه‌بار

باد در بادیه‌ها توحه گر است

\*\*\*

آشپان‌ها همه بر باد شده

مرغکان رفته چمن خاموش است

جوی در مرگ گلان می‌گرید

باغ از برف کفن بر دوش است

\*\*\*

باغبان حوصله از دست مده

این ستیزنده شتا می‌گذرد

باش در پی این سردی مرگ

اندرین عرصه چه ها می‌گذرد

\*\*\*

غرش باد و فغان توفان

موج وارستهٔ دریا زاید

از نهانخانهٔ زره برف

خر من لاله صحرا زاید

\*\*\*

باش تا بوسه بسرما بدهد

عارض گرم زمین سرد شود

باش تا نطفهٔ گل در ته برف

جوو سرما بکشد مرد شود

\*\*\*

آسمان بستر خورشید شود

چمن از خندهٔ گل مست شود

آنچه دی برده به یغما از ما

باز از ما شود و هست شود.

سلیمان لایق

### انجمن جریده نگاران غیر حکومتی

#### تأسیس می‌شود

مدیران جراید غیر حکومتی به‌منظور دفاع و حفظ آزادی مطبوعات به خاطر مبارزه علیه موانع و مشکلاتی که در راه نشرات جراید آزاد ایجاد می‌گردد و بالاخره به غرض ایجاد هم آهنگی و بلند بردن سویه نشراتی در جلسه تاریخی ۱۰/۱۰/۴۸ خویش فیصله نمودند تا انجمن جریده نگاران آزاد تأسیس شود در جلسه فیصله به عمل آمد که باید هرچه زودتر اساسنامه انجمن تدوین گردد و در باره تثبیت شخصیت حقوقی آن اقدامات قانونی صورت بگیرد.

سازمان دهندگان مرتجع محرکین آن خواهد بود.

خلق افغانستان می‌توانند در عرصه ملی و بین‌المللی دوست را از دشمن تشخیص دهند. مردم به تجربه خود می‌دانند که کدام کشور کمک‌های بزرگ بی‌شائبه اقتصادی و تخنیکی را به کشور ما مبذول می‌دارد و موضع گیری آن به نفع صلح استقلال و آزادی است و با منافع کشور ما مطابقت دارد و کدام کشورها بنام کمک به‌مقصد غارت و اعمال نفوذ سیاسی را دارند و آزادی و صلح کشور ما و دیگر کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین را به خطر انداخته و می‌اندازند. در اخیر بصراحت اعلام می‌داریم که تظاهر ضد امپریالیزم امریکا در کابل تحت پرچم دموکراتیک خلق افغانستان نه تنها اعتبار و حیثیت بین‌المللی افغانستان را بلند برده است، بلکه از یکسو مظهر اعلام آزادی خواهی و زنده بودن خلق دلیر کشور ما بوده و از سوی دیگر جرقه ایست که مشعل دورنمای نجات بخش خلق افغانستان،

همچنان بطور تحریک آمیز و به شیوه «پلوماتیک» تهدید کنان اظهار نظر می‌نمایند که در آینده در برابر هر مهمان خارجی مخالفت و مظاهره صورت خواهد گرفت. باید آقایان توجه کنند که این شیوه برخورد و طرز تلقی متحدالشکل و بدون تشخیص در حقیقت هوا داری از امپریالیزم بوده و کاملاً با مصالح ملی و منافع خلق کشور ما در تضاد است. ممکن است با تحریک محافل ارتجاعی و تقنین بتوان تظاهر ضد مصالح کشور را راه انداخت، ولی باید توجه داشت که این‌چنین مخالفت‌ها و حرکات از طرف خلق افغانستان تائید نگردیده و جواب رد خواهد گرفت و البته عواقب ناشی از آن بدوش

ب. کارمل

(از ص اول)

#### اتحاد شوروی موقف خود را ...

اسرائیل» باز ایالات دوستانه امریکا «فورمول رو دوس» را به حیث يك سؤال عمده پیش می‌کشد به عبارۀ دیگر ایالات متحده امریکا و اسرائیل از طریق حرف راجع به شکل مذاکره می‌خواهند از موضوع اساسی ضرورت موافقه بر اصول عمده يك چنین تغییری از «فورمول رو دوس» را به رسمیت نمی‌شناسد.

ملل متحد موافقه صورت گرفت. ولی از بیانات نمایندگان اسرائیل اکنون چنین استنباط میشود که گویا «فورمول رو دوس «عبارت از مذاکره مستقیم میباشد. نطق وزارت خارجه اتحاد شوروی گفت که اتحاد شوروی هرگز چنین تغییری از «فورمول رو دوس» را به رسمیت نمی‌شناسد.

اکنون پس از «توضیحات تذکر: در جریدهٔ گپیخ (شماره یکشنبه ۲۱ جدی) مطلب کوچکی راجع به يك محصل جوان از زبان «یکی از بزرگان پرچم» به نشر شده بود که ما آن را وارد نمی‌دانیم.

#### مطبعة دولتی

تېلېفون: ۲۳۱۶۴

تایپ متن: قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض



زمور د خلکو رزمنده او ضد امپریالیستی اراده حکم کوی چه دافغانستان د خلک دموکراتیک مبارز پرچمداران چه د اگنیو په مقابل کی، په ضد امپریالیستی مظاهری کی بنديان شوی دی ژر ترژره له بند خخه خلاص کړل شي!

## هشت تن از پرچمداران ترقیخواه

وطنپرست (ج د خ ا) به خاطر مبارزه دلیرانه علیه امپریالیزم امریکا زندانی شد

داشته‌اند. رفقای مبارز وطنپرست ما در باره اشتراک خویش در تظاهر ضد امپریالیزم امریکا در روز ورود سپرو اگنیو در کابل منحیث وظیفه مبارزه ضد امپریالیزم و موضعگیری اصولی جریان دموکراتیک خلق افغانستان که پرچم ناشر اندیشه‌های آنست با شجاعت و صراحت کامل بیان و اظهار داشته‌اند که آماده هستند به تاسی از آرمان‌های خلق رنج‌دیده کشور و ملل ستمدیده جهان - به خاطر صلح، استقلال ملی، ترقی اجتماعی و دموکراسی در يك محاکمه علنی و حضوری به‌طور مستدل و علمی از شرکت قانونی و مسالمت آمیز خود در تظاهر ضد امپریالیزم دفاع نمایند و پرده از روی فجایع و اعمال وحشیانه امپریالیزم و مقدم بر همه امپریالیزم امریکا در سراسر جهان، بر افکنند.

ما، در حالی که شهامت و قهرماتی رفقای جوان زندانی خود را مو رد ستایش و تقدیر قرار می‌دهیم، با تمام وسایل ممکنه چه از طریق تربیون پارلمان و چه از طریق مبارزات خارج پارلمانی و از پشت تربیون محکمه و دیگر وسایل ممکن از رفقای خویش قانوناً دفاع خواهیم کرد. ما یکبار دیگر اعلام می‌داریم که به حقانیت تره‌های مستند وظایف مبارزه علیه امپریالیزم در مرحله کنونی و وحدت عمل تمام نیروهای ترقیخواه و همه نیروهای ضد امپریالیستی معتقدیم و به تاسی از آن آماده هرگونه قربانی و فدا کاری در راه انجام وظایف مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاع داخلی هستیم.

قبلاً به اطلاع هموطنان خویش رسانیده بودیم که چهار تن از پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان به نسبت مبارزه مشخص ضد امپریالیزم امریکا که در تحت پرچم دموکراتیک خلق افغانستان در روز ورود سپرو اگنیو معاون ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا در کابل، صورت گرفت زندانی شدند و عده دیگری از رفقای ما تحت تعقیبات پولیسی قرار دارند. به همین سلسله اینک تعداد رفقای زندانی ما مستبدانه از طرف حکومت باز داشت شده‌اند به هشت نفر رسیده است که عبارتند از رفقا: فاروق (داکتر)، خلیل زمر، نجیب، وکیل، اسمعیل، حشمت، امتیاز حسن و محمود بریالی.

این تنها پرچمداران مبارز و دلیر دموکراتیک خلق افغانستان است که به حیث پیشاهنگان مبارزه ضد امپریالیزم در نخستین عکس‌العمل جدی، مشخص و بالفعل خلق افغانستان علیه امپریالیزم بعد از جنگ استقلال و مبارزات گرم ضد امپریالیزم انگلیس در سال‌های اخیر دهه اول پس از استقلال به‌طور جابجانه به هواداری امپریالیزم بازداشت و زندانی گردیده‌اند و تحت تحقیق، استتطاق و سوالات پولیسی قرار گرفته‌اند که محتوی این تحقیقات پولیسی را دفاع از ایالات متحده امریکا، بیرق امریکا، مسأله پرتاب کردن تخم‌های گندیده و پوست میوه‌های تازه... بر موثر حامل اگنیو... و غیره تشکیل می‌دهد.

رفقای رزمنده ما تعلیق و وفاداری خود را به جریان دموکراتیک خلق افغانستان که پرچم ناشر اندیشه‌های آنست با سربلندی و افتخار ابراز



امپریالیزم عنوان سیستم جهانی و در راس آن امپریالیزم امریکا کماکان منبع تهدید دایمی امر صلح و ترقی اجتماعی است و دشمن جدی و خطرناکیست که جنبه تجاوزکاری آن معلوم و آشکار است؛ و پایه‌ها و اهداف سیاست تجاوزکارانه افغانستان عرصه نفوذ امپریالیستی و اعمال سیاست استعمار نوین میباشد. این نفوذ در عرصه‌های اقتصادی، مالی، تجاری، سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی و بخصوص از لحاظ وجود پکت‌های تجاوز کار سنتو و سیاتو در همجواری افغانستان، نمایان است. در جهان حقایق نشان می‌دهد که

بر ضد پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان مبین این حقیقت است که باوجود برخورداری کشور ما از «استقلال سیاسی» و «سیاست بی‌طرفی با قضاوت آزاد» «باز هم

### سیاست مداخله و تجاوز امپریالیست‌ها:

عمل و نظر هواخواهانه محافل حاکم در کشور به نفع امپریالیزم امریکا و



شماره (۳۸) دو شنبه ۶ دلو ۴۸ - ۲۶ جنوری ۷۰ - شماره مسلسل (۸۹)

## ظلیعه‌یی از نهضت

دهقانی در کشور  
مظاهره خیابانی دهقانان زحمتکش  
ولایت کندز

روز شنبه (۲۷ جدی) دهقانان کندز در برابر بی‌عدالتی‌ها و خودسری‌های شرکت سپین زر (شرکت مختلط دولتی و خصوصی) دست به مظاهره خیابانی زدند. این نخستین مبارزه دهقانی بدین شکل است که دهقانان تهدیدست و بی‌بضاعت از شیوه مبارزات اقتصادی کارگران و روشنفکران ملهم گردیده و به‌صورت دسته‌جمعی و متحد نمایش دادند و در برابر رویه غیرعادلانه شرکت سپین زر عکس‌العمل جدی خویش را ابراز داشتند.

از آنجایی که سطح آگاهی دهقانان و به‌طور کلی دهات پایین‌تر از کارگران و شهریان و از شهرهاست، همچنان دهقانان پراکنده اند و در شرایط کنونی زمینه‌های وسیع برای شکل دهقانان کشور وجود ندارد لهذا مظاهره متحدانه دهقانان کندز دارای اهمیت زیاد بوده، جرقه و نمودیست از بیداری نسبی در دهات و در میان دهقانان.

دهقانان برای آن به مظاهره خیابانی دست زدند که شرکت سپین زر پول خرید پنبه دهقانان را تاکنون به ایشان نپرداخته است. قرار معلوم در حدود ۲۳۰ میلیون افغانی قیمت

(ص ۴)

## افغانستان از لحاظ معارف در ردیف آخرین کشور کشورهای جهان قرار دارد

حقایق و ارقام در باره «معارف» کشور  
مجموع تعداد مکاتب افغانستان در سال ۱۳۴۷ به ۲۶۲۸ باب می‌رسد که از جمله ۳۱۵ باب آن مکاتب دختران و بقیه مکاتب پسران است. نخست این تفاوت میان مکاتب دختران و پسران (۷:۱) قابل ملاحظه است که نمایندگی از تسلط سنن و رسوم تبعیضی و خرافی در جامعه می‌نماید که برای حفظ آن از طرف مرتجعین و متنفذین تلاش می‌گردد. ثانیاً ارقام فوق به هیچوجه نمی‌تواند نشان دهنده آن باشد که واقعاً به همین تعداد هم مکاتب دختران و پسران در کشور موجود است؛ زیرا شامل آن، تعداد زیادی مکاتب دهاتی است که قطعاً نمیتوان حتی اسم آن‌ها را بنا بر فقدان ابتدائی ترین شرایط «مکتب بودن» مکتب گذاشت. از جمله ۲۶۲۸ باب مکتب ۱۳۵۹ باب آن را مکاتب دهاتی تشکیل می‌دهد. در واقع می‌توان گفت که فقط ۱۲۶۹

(ص ۳)

## درباره صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین

اعلامیه احزاب کمونیستی و کارگری (۱۷ جون ۱۹۶۹)

در آستانه جشن صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین، کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری تمام اندیشه خود را به نابغه فناپذیر دوران انقلابی ما، متوجه می‌دارد. نام لنین مظهر پیروزی انقلاب کبیر اکبر، تحقق عظیم‌ترین دگرگونی انقلابی، انقلاب‌هایی که چهره اجتماعی جهان را از ریشه تغییر داد، و نشان چرخش بشریت به سوی سوسیالیزم و کمونیزم است. لنین متفکر برجسته، دانشی را که مارکس و انگلس ایجاد کرده‌اند، ماتریالیزم دیالکتیک، اقتصاد، تئوری انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه کمونیستی را همه جانبه بسط داد. لنین آفریننده حزب بلشویک،

(ص ۴)

## «عصر جدید» و پاچا خان

عبدالغفار خان گفت: باید به استعمار خاتمه داده شود  
جریده نیویج (عصر جدید) ارگان مرکزی حزب کمونیست هندوستان در شماره ۲۸ دسامبر ۱۹۶۹ خویش بر سفر پاچا خان به بنگال غربی و بیانات وی تبصره نموده است که ذیلاً ما به ترجمه و نشر آن می‌پردازیم:



(ص ۳)

اراده رزمنده ضد امپریالیستی مردم افغانستان حکم مینماید تا پرچمداران مبارز دموکراتیک خلق افغانستان که در تظاهرات ضد امپریالیستی در برابر اگنیو، زندانی گردیده‌اند هرچه زود تر از حبس رها گردند!







## محیط کار کارگران فنی و ماموران پائین رتبه ریاست برق کابل نامساعد است

ریاست برق کابل از مدت‌هاست در تعمیر در جاده میوند مستقر گردیده است. این تعمیر با وصف اینکه بجای منازل کهنه و قدیمی ساخته شده، ولی می‌توان گفت که خود کهنه‌تر و غیر صحنی تر از آن‌هاست.

زیرا دهلیزهای تاریک، باریک و متعفن آن، اتاق‌های کوچک و تاریک آن محروم از نور آفتاب، شرایط کاملاً غیر صحنی را به وجود آورده است. ساختمان تعمیر قطعاً روی کدام نقشه فنی ساخته نشده و سال‌هاست که نور آفتاب در داخل اتاق‌ها نتابیده است بوی و تعفن تشناب‌های غیر صحنی مروجهٔ کشور ما که از بدترین و ابتدایی‌ترین نوع بدرفت است، هوای دهلیزها و اتاق‌ها را لوده ساخته است.

علاوه بر این که اصلاً شرایط درین تعمیر برای کار روزانه غیر صحنی است و در یک اتاق تعداد زیادی مأموران پائین رتبه خیلی چسبیده و نزدیک باهم نشسته و کار می‌نمایند. بنا بر همین وضع ناجور و شرایط غیر صحنی کار است که اکثر کارگران فنی و مأموران پائین رتبه ریاست برق کابل مبتلا به بیماری‌های

(از صفحه اول)

### هشت تن از پرچمداران ...

امپریالیست‌ها و مقدم بر همه امپریالیست‌های امریکا صورت فورمول‌بندی شده عبارتند از:

– تضعیف مواضع سوسیالیزم و سرکوب جنبش رهائی‌بخش خلق‌ها و مبارزه زحمتکشان.

– تشدید مبارزه تسلیحاتی.

– فعال ساختن بیشتر پیمان‌های تجاوزکار.

– تشدید مبارزه ایدئولوژیک علیه ایدئولوژی مترقی.

– کند ساختن پیشرفت اقتصادی ملل.

– لگد کوب کردن حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم و ستم آشکار و تعقیب شیوه‌های قساوتکارانه پولیسی.

– مبارزه علیه جنبش‌های رهائی‌بخش ملی.

– دفاع از بقایای استعمار

– جلو گیری از ترقی اقتصادی و اجتماعی کشورهای رشد یابنده.

– کمک به محافل ارتجاعی.

جلوگیری از سیر تکامل کشورهای کم رشد در جاده‌ی سوسیالیسم یا راه مترقی غیر سرمایه داری که دورنمای سوسیالیستی را می‌گشاید.

تحصیل قراردادهای اقتصادی و پیمان‌های نظامی و سیاسی، استثمار کشورهای کم‌رشد از طریق صدور سرمایه و تجارت نابرابر، اعمال فشار مالی و غیره

– ایجاد تفرقه‌های ملی.

– مداخله مسلحانه، سرکوب وحشیانه

نیروهای انقلابی.

– ایجاد توطئه‌های ضد انقلابی، کودتاهای فاشیستی و ارتجاعی، فتنه انگیزی و شانناژ، فاسد ساختن سازمان‌های مترقی و بدنام کردن رهبران اصیل ملی و مترقی و ایجاد انشعاب در میان نیروهای مترقی.

– مداخله مسلحانه در ویتنام.

– ایجاد تحریک در شرق میانه و پشتیبیانی از تجاوز اشغال‌گران اسرائیلی علیه جمهوری متحد عربی، سوریه و اردن.

– نقشه مختلق کردن کیویای انقلابی.

– تشدید فعالیت پیمان‌های تجاوزکارانه و ماجراجویانه جنگی ناتو، سنتو، سیاتو و آنزوس در اروپا، آسیا جنوب شرقی و شرق دور.

– مداخله مسلحانه در کانگو (کین

گونگون می‌گردند.

غذای چاشت بنام ماکولات برای کارگران فنی و مأموران پائین رتبه به‌صورت غیر صحنی پخت‌وپز می‌گردد حتی دانه‌های فراوان ریگ را از میان برنج جدا نمی‌کنند. اینکه چقدر سوء استفاده در این میان موجود است بجای خودش باقیست.

علاوه بر تمام این‌ها بنا بر رویه ناهنجار و خشن آمرین برق کابل بخصوص در برابر کارگران که هرگونه آزادی از ایشان سلب گردیده غیرقابل تحمل است. فضای اختناق درین موسسه مانند تمام مؤسسات دیگر در کشور کاملاً حکم فرماست.

بهمجرد اینکه یکی از کارگران برین وضع اعتراض نماید و حقوق خود را بخواهد مواجه به رویه خشن آمرین گردیده و از کار اخراج می‌گردد. مطالب بالا که شمه از مشکلات عدیده در ریاست برق کابل است، برای آن بیان گردید تا آشکار گردد که کارگران و مأمورین پائین رتبه در چگونه شرایط بد کار می‌نمایند و مواجه به کدام دشواری‌ها و بیدادگری

ها اند .

(ک. د.) یکی از کارگران فنی برق کابل

## درد، کجاست و اعتراضات خلق

### اهالی ولسوالی نهرین به مشکلات زیادی مواجه‌اند

نهرین یکی از ولسوالی های مربوط ولایت بغلان است. اکثریت مطلق اهالی این ولسوالی را دهقانان تهیدست و بی‌بضاعت تشکیل می‌دهد. مردم زحمتکش نهرین طوری که به‌طور عام در سرتاسر کشور معمول است از ستم دوگانه اربابی و مأمورین دولتی در محل رنج می‌کشند. مأموران ستمگر به غرض چاپیدن مردم به همکاری متنفذین محلی در کار دوسیه سازی و انیت مردم اشتغال دارند.

کافی است که جرمی در یکی از دهات و قراء رخ دهد و بسا واقع‌بینانه‌تر گفته شود توسط متنفذین محلی و همکاری مقامات مربوط اداره و یا به مداخله و تشویق بین آن‌ها ترتیب داده شود، موضوع جنیدی برای آزار و انیت مردم وجود آید. در چنین موارد است که متنفذین، مستبدین و مأموران رشوت خوار به‌طور وسیعی به سوء استفاده می‌پردازند و مردم را به سرگردانی‌ها و مشکلات بزرگی مواجه می‌سازند. ملاکان و سود خواران با استفاده از اجبار و تنگدستی مردم حاصل کار در

اظهارات ساده، مستقیم و صمیمی‌اش

قلب بنگال را به دست آورد. این مرد هشتاد ساله که خود مظهر سادگی

است، با بسته کوچک لباس از طیاره پائین شد. وی اجازه نمی‌دهد که کسی دیگری بسته لباسش را برایش حمل نماید.

از زمانی که وی به این کشور وارد گردیده است به هر جایی که رفته انتباه عمیقی از خود باقی گذاشته که یقیناً برای مدت درازی فراموش نخواهد شد.

وی در اجتماعات، دعوت‌ها و سخنرانی‌های متعدد خویش تأثر و اندوه خود را راجع به وضع موجود کشمکش‌های فرقه‌ای (مذهبی)، فقر توهین آمیز مردم، خودنمایی ثروتمندان خوندا، توطئه ثروتمندان و سرمایه داران به غرض ایجاد تفرقه میان کارگران به‌منظور ادامه استبداد و استثمارشان - در هند بیان داشته است. وی گفت که مقصد مهاتما گاندی از استقلال که او می‌خواست این نبود. پاپاخان گفت که عشق به خلق هندوستان و یاد مهاتما گاندی مرا به هندوستان کشانیده است. وی در دعوتی که در میدان بریگید پرید به تاریخ ۱۸ دسمبر به‌افتخار وی ترتیب داده شده بود؛ بنگال را مورد ستایش قرار داده اظهار داشت که صرف در بنگال است که هم آهنگی فرقه‌ای را می‌یابد، وی ضمن اشاره به اغتشاشات احمدآباد با صراحت اظهار داشت که اغتشاشات مذکور از طرف ثروتمندان و سرمایه داران به راه انداخته شده‌اند و همین اغتشاشات بود که در کنفرانس رباط موفق هند را لطمه زد.

وی گفت که توطئه‌ی در کار بود

می‌رسد، به این معنی که برای هر ۴۰

شاگرد فقط یک معلم (غالباً کم سویه)

وجود دارد و اکنون صدها نفر دیگر که می‌خواهند معلم بشوند به بهانه اینکه تعداد معلمین پوره است جواب رد می‌گیرند. مجموع فارغان مکاتب در سال ۱۳۴۶ به تعداد ۶۱۲۴۷ نفر نشان داده شده است که با تفریق ۲۴۴۰ نفر به حیث فارغان مکاتب دهاتی در واقع ۳۸۸۰۷ نفر باقی می‌ماند. علاوه بر اینکه این تعداد به مقایسهٔ هر کشور دیگر فوق‌العاده محدود است ولی با آن‌هم تعداد بیشترشان بی‌کار و بی سرنوشت می‌مانند.

(بقیه از ص اول)

### افغانستان از لحاظ معارف ...

مجموع محصلان کشور را که شامل پوهنتون کابل، پولی تخنیک، پوهنتون ننگرهار، انستیتوت اداره صنعت و دارالمعلمین عالی است ۵۴۴۵ نفر (در سال ۱۳۴۷) تشکیل می‌دهد که شرم آور است و تعداد محصلان فارغ‌التحصیل در این سال صرف ۶۸۸ نفر میباشد و شرم‌آورتر اینکه برای این تعداد قلیل فارغ‌التحصیلان هر سال کار موجود نیست. علاوه بر آنکه در کشور از لحاظ تحصیل نیز تبعیض در میان جنس

### اهالی ولسوالی گلین اهالی یکی از دهات شبرغان ویران گردید

در این اواخر به نسبت ازدیاد آب‌های جاری در جویبارها و سرازیر شدن آن‌ها به اطراف، در شبرغان به قرأ و مناز همجوار نهرها آسیب وارد گردیده است. بیشتر از همه قریه «پیر مزید» ازین ناحیه صدمه دیده و در اثر نفوذ آب و نم در داخل خانه‌ها ۱۹ حویلی منهدم گردید و خانه‌های دیگر قریه نیز نم برداشت. انهدام ۱۹ حویلی که هر یک دارای چند اتاق می‌باشد و در هر اتاق معمولاً یک خانواده به سر می‌برند به معنی بی‌سرپناه و بیخانمان شدن فامیل‌های زیادی است. مقامات مربوط حکومتی در چنین موارد «ناظر» خوبی استند به «خونسردی» آواره گی مردم را که سرپناه، کلبه و مسکن خویش را از دست دادند، تماشاً کردند و دست به هیچ اقدام مؤثر و عملی نزدند و به رفع مشکل مردم نپرداختند.

در اثر این آبخیزی خانواده‌های زیادی

(بقیه صفحه اول)

### «عصر جدید» و پاپاخان ...

فرقه‌ای افشا ساخت که (مردم) افغانستان تقاضای پاکستان را برای اخراج هندوها از کشور رد کرد و امنیت هندوهای که در افغانستان، اندونزییا، مالیزیا و دیگر جاها بسر می‌برند وابسته به حفظ صلح و هم آهنگی فرقه‌ای در هندوستان می‌باشند. قیلاً حین اقامت خود در پاتنا، پاچا خان چندین اجتماع را مخاطب قرار داده حملات خود را بر عناصر فرقه پرست (کمونو لیست - آن نیروهای اجتماعی و احزاب سیاسی هندوستانی که از خرافات مذهبی و فرقه‌یی برای پیش برد سیاست تفرقه جویانه و تجزیه‌طلبانه و به‌طور کلی ارتجاعی استفاده می‌کنند) شدت بخشید.

پاپاخان در گاندی میدان اجتماعی عظیمی را مخاطب قرار داده اظهار داشت که در روزهای قیل از استقلال مردم می‌گفتند که این حکمرانان انگلیسی‌اند که مزاحمت‌های فرقه‌ای را به وجود می‌آورند و سازمان می‌دهند تا بدین طریق از اتحاد مردم هند جلو گیری کنند. ولی اکنون که حکمرانان انگلیسی در اینجا نیستند و کشور آزاد گردیده است، کیست که بلوهای فرقه‌یی را به وجود آورده و سازمان می‌دهند و در جواب این سؤال خود اظهار داشت:

این سرمایه داران خودخواه اند که مسؤول ایجاد بلوهای فرقه‌یی در هند می‌باشند. آن‌ها نیز این کار را به غرض ایجاد تفرقه به‌منظور ادامه استبداد بر خلق و استثمار از ایشان اجرا می‌کنند.

مکتب دهاتی است و یا ابتدایی) اسماً وجود دارد. مثال دیگر: در ولایت وردک (در سال ۱۳۴۶) ۳ مکتب

دختران موجود بود که در سال ۱۳۴۷ به یک مکتب مبدل گردیده و تعداد شاگردان آن نیز از ۹۸ نفر به ۷۸ تقلیل یافته است. یک نمونه دیگر: در سال ۱۳۴۷ در ولایت ارزگان با ۵۰۳۳۷۱ جمعیت آن (در سال ۱۳۴۶)، ۷۹ مکتب اساسی و دهاتی پسران و ۴ مکتب دهاتی و احیاناً ابتدائی دختران وجود دارد و تعداد معلمین برای ۴ مکتب از سال ۱۳۴۶ تا ۴۷ از ۴ نفر به ۹ نفر ارتقاء یافته است.

## کلبه‌های گلین اهالی یکی از دهات شبرغان ویران گردید

از هموطنان و برادران زحمتکش ترکمن بی‌سرپناه شدند که اکنون «زندگانی» مشکلی را می‌گذرانند ولی مقامات مسوول (!) حکومتی نه تنها برای جلوگیری از ویرانی کلبه‌های مردم اقدامی نه نمود بلکه علی‌الوصف وعده‌های فراوان پس از وقع این حادثه نیز تا کنون کاری نکرده‌اند تا مردم حداقل سرپناهی در این فصل زمستان و سرما برای خویش داشته باشند.

این هم تجربه دیگری شد بر صدها تجربه قبلی تا مردم خود واضحاً ملاحظه نمایند که برای آن مقامات اداره در ولایات و محلات وجود دارد تا فقد نفوذ و منافع آزمندانه خوانین و اربابان را حفظ نمایند، خود جیب‌های خود را مملو سازند و به حیث آله و وسیله ستم بر گرده‌های خلق فشار وارد کنند.

(س مشیله)

پاپاخان فقرا را از فتنه انگیزی های ثروتمندان و سرمایه داران اخطار داده گفت که این بلواها و آشوب‌ها صرفاً برای فقرا زیان آور است. این هندوان و مسلمانان فقیر اند که در بلواها کشته می‌شوند. هیچ‌کس نشنیده باشد ثروتمندان از این آشوب‌ها خساره مند شده باشند.

پاپاخان ضمن اشاره به کنفرانس رباط اظهار داشت: اکثراً گفته می‌شود که هند در رباط توهین گردید. ما باید راجع به اینکه در رباط چه واقع شد و چرا واقع شدید جداً باندیشیم. مسوولین توهین به هند در رباط آن‌هایی‌اند که آشوب‌های فرقه‌ای حیدرآباد را سازمان داده‌اند.

وی از مردم فقیر دعوت به عمل آورد که حقوق شان را درک نمایند و برای به دست آوردن حقوق شان متحداً کار کنند. «این کشور از آن شماسست و شما وقتی می‌توانید حکومتی از خود را به وجود آورید که صرف آن‌هایی را به قدرت برسانید که دوستان راستین و صمیمی خلق بائند.»

وی هنگام خطاب به محصلان پوهنتون پتنا نقش جوانان را در ساختمان کشور تأکید نمود. از جوانان دعوت کرد که بخصوص در بین مسلمانان کار کنند، زیرا مسلمانان رهبر راستین که بتواند آن‌ها را به راه راست هدایت کند ندارند. در دوران قبل از استقلال نیز رهبران مسلمانان نوابان یا خان‌های درانی بودند که از حکمرانان انگلیس پیروی می‌نمودند. این طریق به مسلمانان هرگز راه راست نشان داده نشده است. این مسؤولیت خاص جوانان است که برای بلند بردن سطح آگاهی و تنویر مسلمانان کار کنند.

وی گفت در ۲۲ سال استقلال در شهرهای بزرگ بخصوص شهر دهلی تغییرات زیادی به وجود آمده است؛ اما دهات در چه شرایط بسر می‌برند؟ ترقی و خوشبختی یک ملت از روی وضع دهات آن قضاوت شده می‌تواند. ما عین غربت، بیماری، بی‌سوادی، جدال‌ها و تنفر متقابل را می‌یابیم. هنگامی‌که این چیزها تغییر نکند چطور می‌توانید بگویند که کشور انکشاف نموده است!



# رحم

د افغانستان د خلک دموکراتک افکارو خپروونکی

۶ دلو ۱۳۴۸

د یوې گڼې ۲/۵ افغاني

(از ص اول)

## درباره صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین

ستمکش و کسی است که راه مبارزه پیروزمندانه علیه استعمار و برای استقلال و آزادی خلق‌ها و حق آن‌ها در تعیین سرنوشت خویش را کشف کرد.

لنین به‌مثابه رهبر مسلم طبقه کارگر جهانی، در پرولتاریا آن نیروی رهبری کننده‌ای را دید که قادر است وظیفه جهانی - تاریخی برانداختن سرمایه داری و اصلاحات سوسیالیستی جامعه را عملی نماید. لنین آموزش اتحاد طبقه کارگر و دهقانان را تکامل بخشید و از وحدت جنبش کارگری در مقابل همه اشکال اپورتونیزم با طرز آشتی ناپذیر دفاع می‌کرد.

تحت تأثیر لنینیزم نسل‌هایی از انقلابیون به وجود آمدند که خود را صادقانه به طبقه کارگر، به خلق و به امر سوسیالیزم وقف نمودند. زندگی و فعالیت لنین و صفات عالی‌هاش به‌مثابه یک فرد انقلابی، رفیق و انسان برای همیشه نمونه الهام بخش میلیون‌ها مبارز انقلابی در تمام جهان خواهد بود.

در زیر پرچم لنینیزم جنبش انقلابی در اکثریت کشورها به سطح جدیدی ارتقاء یافت، احزاب کمونیستی به وجود آمدند و استحکام یافتند و جنبش جهانی کمونیستی به مؤثرترین نیروی در جهان معاصر تبدیل گردید. تمام تجارب سوسیالیزم جهانی، جنبش‌های رهائی‌بخش ملی و کارگری اهمیت بین‌المللی آموزش مارکسیزم لنینیزم را تثبید می‌کند. پیروزی انقلاب‌های سوسیالیستی در گروهی از کشورها، پیدایش سیستم جهانی سوسیالیستی، دست آوردهای جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری و ورود خلق‌های مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق به صحنه فعالیت مستقل اجتماعی- سیاسی، رونق بی‌سابقه مبارزات ضد امپریالیستی، تمام این‌ها حقایق تاریخی لنینیزم را که مبین خواست‌های اساسی دوران معاصر است، ثابت می‌نماید.

ما امروز به‌حق از تعالیم لنین با کلماتی سخن می‌گوییم که لنین خود از مارکسیزم با چنین کلماتی سخن رانده است: این تعالیم همه توان است زیرا درست است. تنوری مارکسیستی لنینیستی و بکار بردن خلاق آن در شرایط مشخصی امکان می‌دهد پاسخ‌های علمی مسائلی را که در مقابل همه گردان‌های جنبش انقلابی جهانی قرار دارد، اعم از اینکه در هر جا فعالیت کنند، تنظیم کرد. وفاداری به مارکسیزم – لنینیزم، آموزش کبیر بین‌المللی، وثیقه پیروزی‌های آینده جنبش کمونیستی است.

کمونیست‌ها وظیفه خود را در این می‌بینند که در مبارزه علیه هر مخالف با استحکام از اصول انقلابی مارکسیزم – لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری دفاع نمایند و آن‌ها را به شکل انحراف ناپذیر در عمل بکار بندند. تنوری مارکسیستی – لنینیستی را

# د کندهار د وړیو د فابریکی اعتصاب

### بریالی شو

ورکول، د صحنی بیمی د شرایطو ښه کیدل، او د هغو بخششیو اجراء کول کوم چه د فابریکی د ادارې له خوا منل شوی دی.

د کارگرو غښتلی مبارزه په بری پای ته ورسیدله او دولتی مربوط مقامات مجبور کړای شول څو د بخششی او ماکولاتو اجراء کولو ته غاړه کیږ دی، د اعتصاب او مظاهراتو د ورځو معاش اجراء کړی او هم د حکومتی مقاماتو له خوا وعده ورکړه شوه چه د قرارداد د تجدید په وخت کښی د فابریکی د کارگرانو د معاش زیاتوالی ته اقدام وکړی.

**پرچم:** د کندهار د وړی اوبدلو د فابریکی د کارگرانو غښتلی مبارزه په ټول جدیت سره ستانی او تائید وی یی. دا جریده تل د کارگرو پام دی اصل ته را اوړی چه د مبارزی د ښو نتانجو یوازینی ضامن د کارگرو تر منځ یووالی او کلک تړون دی. او بیا هم د وړی اوبدلو غښتلو کارگرو ته هوشیارباش ورکوی چه د تل لپاره خپل یووالی او ټینگ تړون وساتي او د بری په لور خپلو مبارزو ته په پوره شجاعت دوام ور کړی.

## اعتصابات کارگری در جهان

اعلان نمودند که تا خواست‌هایشان برآورده نشود بالای کار خود حاضر نخواهند شد. کارگران دیگر به پشتیبانی از این کارگران دست از کار کشیدند.
\* \* \*

**سانتیاگو:** حرکت راه آهن در سانتیاگو فلج بود. بیش از (۲۰۰۰)

کارگر راه آهن برسم اعتراض علیه شرایط نامساعد کار و کمی دستمزدها دست به اعتصاب زدند. همچنان ( ۲۰۰۰) کارگر معادن در چلی به حالت اعتصاب بسر می‌برند.
\* \* \*

**پاریس:** جنبش همبستگی با معادن قلعی در فرانسه ادامه دارد. کارگران سایر فابریکات جهت همدردی با کارگران معادن قلعی به جمع آوری پول آغاز نموده‌اند.

انورالسادات گفت:	
<b>هر ضربه به ضربه متقابل جواب داده می‌شود</b>	
انورالسادات معاون ریاست جمهوری <span></span> ت عرب متحد در پوهنتون قاهره اظهار داشت دستگاه تبلیغاتی امریکا و اسرائیل سخت در تلاش‌اند تا روحیه مردم ما را ضعیف بسازند. اکنون مردم ماهیت تبلیغات امریکا و اسرائیل را می‌دانند.	
او گفت: موفقیت‌های اخیر مصر، اسرائیل و حامیان او را سخت نگران ساخته است. انورالسادات گفت که هر ضربه به ضربه متقابل جواب داده می‌شود. وی بعد، اظهار داشت که بین اتحاد شوروی و جمهوری <span></span> ت عرب متحد روابط کاملاً دوستانه برقرار است شوروی از کشورهای عربی دائماً پشتیبانی می‌کند و تمهیدات خود را در برابر کشورهای عربی ایفا کرده است.	

قناعت بخش گرفته نتوانستند دست به مظاهره خیابانی زند. با وصف تلاش‌ها و مقاومت‌های پولیس و مقامات اداری تظاهر دهقانان از ساعت ۱۰ صبح تا ساعت ۱۲ و ده دقیقه ظهر در شهر کندز به‌طور فشرده ادامه داشت و از پشتیبانی شهریان برخوردار بود. تظاهر وقتی به پایان رسید که از طرف مقامات مربوط وعده داده شد که در ظرف چند روز دیگر پول ایشان پرداخته خواهد شد.

مظاهره اخیر دهقانی در کندز تجربه پرارزشی‌ست برای دهقانان بی‌بضاعت کشور که درک نمایند بگانه راه نجات توده‌های وسیع دهقانان، مبارزهٔ متشکل و متحدانه است و در صورتی می‌توان به پیروزی نهایی دست یافت که پیوند و اتحاد میان کارگران و دهقانان در مبارزه رهانی‌بخش افغانستان به وجود آید.

#### مطبعه دولتی

تایپ متن: قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

د کندهار د وړیو اوبدلو د فابریکی د کارگرو زړه دردونکی ژوند د هیواد د نورو زیاریستونکو وگړو په شان د زغم وړ نه دی. مور د پرچم په تیرو گڼو کښی د کندهار د وړی اوبدلو د فابریکی د کارگرانو د شکایتونو په باره کښی لیکلی وو. د دی فابریکی مبارزو کارگرو د ژوند او کار د ناوړو شرایطو د ښه کولو په غرض مقاومت او صنفی مبارزه کړی ده، د دی فابریکی د کارگرو وروستی اعتصاب (۷۵) ورځی ادامه و کړ. اعتصاب د میزان په ۲۷ د لباس، کور، خوراک او معاش تر شعارونو لاندی شروع شو او په وروستیو ورځو کښی په خیابانی مظاهراتو بدل شو چه دغه شعارونه ئی ورکول: ژوندی دی وی کارگران! مره دی وی د کارگرو دشمنان! دغه مظاهرات د جدی په ۱۲ په بری سره پای ته ورسیدل. د خیابانی مظاهری په جریان کښی د کندهار د ښار د ښوونځیو یو شمیر وطن پرسته شاگردان هم د کارگرو دغوښتنو په تائید له دوی سره ملگری شول.

د کارگرانو مطالبات:

د کارگرو د قانونی رخصتی اجراء کول، د معاش زیاتوالی، د ماکولاتو

## نمونه‌یې از همکاری ارتجاع و امپریالیزم در دشمنی با رژیم‌های مترقی عرب

در هفته گذشته رادیو بغداد خبر افشای یک کودتای ناکام را نشر نمود. این کودتا، طبق اطلاع رادیو بغداد توسط امپریالیست‌های امریکا و مرتجعین ایرانی تهیه دیده شده بود. چون دولت عراق قبلاً از توطئه چیده شده اطلاع داشت تمام کودتا کنندگان را دستگیر نمود.

دولت عراق سفیر و سه نفر دیگر از اعضای سفارت ایران را به جرم دست داشتن در کودتای ناکام از خاک ایران خارج و سه قنسل گری ایران را در داخل عراق مسدود ساخته است. قرار اعلان رادیو بغداد ظاهری یکی از اعضای سفارت ایران عضو رابط بین سفارت ایران و کودتا کنندگان بود. به‌موجب اعلامیه حکومت عراق سفارت ایران در بغداد ۳۰۰۰ میل ماشیندار و مقدار هنگفت

قرار اعلان رادیو بغداد ظاهری یکی از اعضای سفارت ایران عضو رابط بین سفارت ایران و کودتا کنندگان بود. به‌موجب اعلامیه حکومت عراق سفارت ایران در بغداد ۳۰۰۰ میل ماشیندار و مقدار هنگفت

### در شرق میانه

تشدید حملات اسرائیل به کشورهای عربی مصر، سوریه و اردن اوضاع وخیم شرق میانه را وخیم‌تر ساخته است. انورالسادات معاون ریاست جمهوری جمهوریت متحد عربی اظهار داشت که هدف اسرائیل ایجاد وحشت در بین مردم میباشد. او گفت که نیروی هوایی مصر آرام نه نشسته است و هر روز طیارات اسرائیل را در خاک مصر سرنگون میسازد و جلو انجام وظایف شان را میگیرد. او گفت اسرائیل موفق نخواهد شد نقشه‌های شوم امپریالیزم امریکا را در شرق میانه تطبیق نماید. مبارزان الصاعقه مربوط سازمان مبارز فلسطین یک کارخانه کاربونات

(از ص اول)

## طلیعه‌یې از نهضت دهقانی در کشور

ولی در سال‌های که علوفه کافی وجود دارد و تقاضای زیاد برای کنجاره مو وجود نیست، دهقانان مجبور می‌گردند که یک مقدار کنجاره را (اینکه ضرورت دارند و یا خیر) در بدل بخشی از پنبه تحویلی حاصل نمایند. غالباً اتفاق میافتد که بر اساس مکلفیت کنجاره به‌اصطلاح «دیر مانده و تلخ» را که قابل استفاده نمی‌باشد اخذ کنند. در قبال چنین وضع نامساعد و بی‌عدالتی‌ها در برابر دهقانان (که اجمال آن در بالا تذکار یافت) بود که در کندز نخستین مظاهره خیابانی دهقانی به وجود آمد. دهقانان به‌صورت دسته‌جمعی بروز ۲۷ جدی بشر کت سپین زر مراجعه کردند، ولی با خشونت کارفرمایان شرکت مواجه شدند. ایشان چون جواب

#### پرچم

مدیر مسؤول: میر اکبر خیبر

آدرس زرلښت مارکیت— محمد جانخان واټ

تېلېفون: ۲۳۱۶۴

از داکه مرکز پاکستان شرقی خبر می‌دهند که بروز ۲ دلو اعتصاب عمومی (۸) ساعته در پاکستان شرقی صورت گرفت. یک سال قبل در چنین روز که مردم برای دموکراسی و آزادی مظاهره نموده بودند در اثر فیر پولیس یک نفر به قتل رسیده بود.
\* \* \*

**کراچی:** در حدود هفت هزار کارگر در کراچی امروز دست به اعتصاب زدند. کارگران بر ضد شرایط دشوار کار اعتراض می‌نمودند.
\* \* \*

**روم:** در ایتالیا (۷۸) هزار کارگر دست از کار کشیدند.
\* \* \*

**بروکسل:** کارگران ذغال سنگ بلژیک از دو هفته به این طرف در حال اعتصاب بسر می‌برند. آن‌ها

#### در لیبیا علیه فساد و اختلاس شدیداً مبارزه می‌شود

دولت انقلابی لیبیا مبارزه شدیدی را علیه فساد و اختلاس و چپاولگری آغاز نموده است. به تمام مامورین و دیگر مردم هدایت داده شده تا در ظرف (۴۵) روز فهرست دارائی منقول و غیرمنقولشان را به رژیم انقلابی راپور دهند. همچنان رژیم انقلابی تمام قراردادهای عمرانی را که توسط شرکت‌های خارجی صورت گرفته است تحت تحقیق قرار داده است؛ زیرا در موقع عقد این قراردادها استفاده‌های نا جایز صورت گرفته است. باید گفت که در رژیم سابق یک عده از مامورین استفاده‌های کلان پولی از بودجه دولت نموده‌اند و اکنون همه آن‌ها تحت تحقق گرفته می‌شوند.

جلابان و سودخوران به قیمت بسیار نازل نسبت به قیمت‌های معینه پنبه مجبور می‌گردند که در برابر بخشی از پنبه تحویل داده شده از شرکت سپین زر کنجاره دریافت دارند. این مسأله نیز قابل دقت است، به این معنی: در هنگام خشک سالی که علوفه کافی برای مواشی و جود ندارد، کنجاره تولیدی شرکت را به‌طور کلی ملاکین و منتفذین محلی و جلابان به دست می‌آورند و هزاران سیر را به قیمت‌های چند مرتبه بلندتر از قیمت معینه بر دهقانان بفروش می‌رسانند (تادیه مقدار زیاد کنجاره در چنین سال‌ها به ملاکین، منتفذین و برخی مأموران مورد اعتماد (!) کارفرمایان شرکت و دوستان و خویشاوندان آن‌ها شکل بخشش و نوازش (!) را به خود گرفته است).

تایپ متن: قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض



# پرحم

## ناشرانديشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (۳۹) دو شنبه ۱۳ دلو ۴۸ - ۲۰ فیروزی ۷۰ - شماره مسلسل (۹۰)

## مناسبات متقابل

### بین رهبران، سازمان‌های سیاسی، طبقات و توده‌ها را باید تشخیص داد

در یکی از شماره‌های گذشته پرچم خلق خوانندیم: سلاح‌های را که می‌برند عبارتند از توطئه‌ها، دسائیس و عملیات تخریبی علیه جنبش‌های وطن‌پرستانه، تجرید و منشعب کردن، فاسد و منحل ساختن سازمان‌های مترقی به‌وسیله اجنت پرووکاتورها، منحرفین و جواسیس از درون، تجرید کردن و بدنام ساختن رهبران صدیق آن‌ها.

همچنان در سیر تاریخ مبارزات آزادی‌بخش کشور ما یکی از سلاح‌های وحشتناک در افغانستان همیشه دسائیس و توطئه‌های بسیار بسیار محلیانه و وحشیانه علیه شخصیت‌ها و رهبران ملی و مترقی بوده است. تاریخ مبارزات آزادی‌بخش ملی ما به وضاحت نشان می‌دهد که ده‌ها شخصیت از ادیبخواه و ترقی‌خواه کشور به شیوه‌ها و وسایل مختلفی از طریق تطمیع، تهدید، تفتین و فاسد کردن آن‌ها تا افگندن در زندان‌های سیاه و مخوف با غل و زنجیر، تیرباران «چانوار» و «بستن در چوبه دار» و غیره... «و غیره از بین برده شده‌اند و گاهی هم به‌وسیله تبلیغات زهرآگین و تحریک آمیز بنام‌های بی‌دین، جاسوس، خائن مخبر و اجنت خارجی... و غیره و غیره بدنام ساخته شده‌اند.

اکنون بیش از هر وقت دیگر سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی به همکاری سازمان‌های جاسوسی هوادار خود تلاش می‌ورزند تا در داخل سازمانها و جریانات مترقی و انقلابی کشور به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق جواسیس، نمایندگان مفسن و (اجنت پرووکاتورها) و منحرفین و افراد ضعیف‌النفس نفوذ نمایند، آن‌ها را از درون فاسد و رهبران اصیل خلق را بدنام سازند.

له کمی ورخی نه چه په پاکستان کی سیاسی فعالیتونه شروع شوی دی او له اوردی مودی وروسته د پاکستان او پښتونستان خلکو ته موقع په لاس ورغلی ده چه د پاکستان او پښتونستان د خلکو په داخلی او خارجی سیاست وراونکی ژوند باندی خپل نظریات څرگند کری، په دغه حساس او نازک فرصت کی چه د پاکستان او پښتونستان ملی او مترقی قوتونه په د یر جدیت او هوښیاری سره په هیواد کی د دموکراسی، قانونی ژوند او ترقی په لاره کی مبارزه کوی اوس

چه په لویدیځ پاکستان کی یو یونټ ماتیری او د دغی سیمی د ټولو صوبو په تیره بیا د پښتونستان او بلوچستان د خلکو خودارادیت مبارزی نوی مرحلی ته داخلیری انتها پسند او افراطی قوتونه له یوی خوا او رجعت پسند او ارتجاعی قوتونه له بلی خوا هڅه کوی چه په هغه هیواد کی د خپلو افراطی اعمالو په واسطه سیاسی فضا خړه پړه کاندی او له دغی لاری په هیواد د عمومی انتخاباتو د اجرا کیدلو او خلکو ته د سیاسی قدرت د انتقال او د پاکستان په خارجی سیاست

## بگذار رفقای قهرمان ما

که در مبارزه ضد امپریالیستی زندانی شده‌اند پرده از فجایع امپریالیزم و چهره‌های سیاه هواداران آن بردارند

هزاران نفر تحت پرچم دموکراتیک خلق افغانستان در روز ورود سپیرو اکتیو معاون ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا در کابل، ضمن تظاهرات بزرگ و بی‌سابقه اراده رزمنده ضد امپریالیستی خلق افغانستان را علیه امپریالیزم امریکا تبارز دادند.

از آن جهت که رفقای ما در پهلوی مبارزان پیگیر و وطن‌پرستانه دیگر خوش به‌موقع این اراده رزمنده مردم را در برابر امپریالیزم امریکا به بهترین وجه تمثیل کردند، مورد خشم و کین دستگاه حاکمه افغانستان قرار گرفتند و عده از ایشان مستبدانه زندانی گردیدند. این پرچمداران دلیر و وفادار جریان دموکراتیک خلق افغانستان سرشار از نیروی مبارزه و ایمان در زندان بسر می‌برند. رفقای مبارز وطن‌پرست ما مراحل تحقیقات

پولیسی را با استواری، متانت و سربلندی سپری کردند و انتظار دایر شدن محاکمه علنی و حضوری خویش را می‌برند تا در پشت تریبون محکمه قرار گیرند و با کمال شهامت از شرف و حیثیت و منافع خلق افغانستان در برابر مداخلات مخفی و آشکار و نفوذ امپریالیزم و از



رفیق ما نجم‌الدین که دوشنبه گذشته (۶ دلو) بازداشت شد

### به مناسبت صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین

چند دهه قبل، زمانی که هنوز حکمرانان بیگانه بر متصرفات دور اقتاده امپراتوری‌های استعماری‌شان تسلط کامل داشتند، ایدئولوگ‌ها و ستراتیژی‌دانان امپریالیستی آینده ملت‌های تحت ستم را نوعی از سلطنت ابدی نیمه خواب «شب‌های عربی» تخیل می‌نمودند. جنبش انقلابی جهانی همه این تخیلات می‌لغین بورژوازی را از بین برد. پیشرفت سریع انقلابات آزادی‌بخش ملی بعد از حرب دوم جهان نقشه سیاسی جهان را تغییر داد. تقسیم جهان را بین قدرت‌های امپریالیستی تقریباً از بین برد. نیم قرن قبل ۶۹/۴ فیصد نفوس جهان در مستعمرات، دومینیون‌ها و کشورهای وابسته زندگی می‌کردند؛ اکنون نفوسی که در مستعمرات

# ارتجاعی قوتونه هڅه کوی چه

د پښتونستان او بلوچستان د آزادی په لاره کښی د نشنل عوامی گوند

## پروگرام شنډ کړی

باندی چه د پاکستان د خلکو او د آسیا د دی سیمی سولی او امنیت اساسی گټو ته بی صدمه رسولی ده د نوی نظر اچولو کار نور هم پسی وخنډیری او د پاکستان ارتجاعی قوتونه او حاکمه طبقاتو د تسلط د دوام دپاره زمینه برابره کاندی. له دغه خطر سره د مقابلی د پاره وو چه د نشنل عوامی پارتی صدر خان عبدالولی خان د پاکستان او پښتونستان ملی او مترقی قوتونو ته بلنه ورکوی چه د ملک په اساسی مسئلو لکه د قانونی ژوند د مینځ ته راوستلو، او لوړی، بیکاری او جهالت او ناروغی د لری کولو په باره کښی د فکر کولو د پاره سره یو خای شی او اجازه ورنکړی چه هغه کسان تر اوسه یی د «پاکستان او اسلام» په نامه د خلکو حق خورلی دی بیانی هم وخوری. د نشنل عوامی



دینشئل عوامی گوند جاینت سکرتر اجمل خټک دو بنا په حال کی

د افغانستان، پښتونستان د خلکو مالی منافع او ددی سیمی د سولی او امنیت گټی دا حکم کوی چه د ارتجاعی قوتونو او امپریالیستانو د دسائیسو په مقابل کی د نشنل عوامی پارتی د ملی او مترقی انقلابی مبارزو ټینگ ملاتړ وکړو او له هغه کونښونه چه له هری خوا چه د دغه گند د مشرانو او پروگرام باندی د بدگمانیو د پیداکولو دپاره کښی، شند او ناکام جوری کړی.

د افغانستان، پښتونستان د خلکو

مالی منافع او ددی سیمی د سولی او

امنیت گټی دا حکم کوی چه د

ارتجاعی قوتونو او امپریالیستانو د

دسائیسو په مقابل کی د نشنل عوامی

پارتی د ملی او مترقی انقلابی مبارزو

ټینگ ملاتړ وکړو او له هغه کونښونه

چه له هری خوا چه د دغه گند د

مشرانو او پروگرام باندی د بدگمانیو د

پیداکولو دپاره کښی، شند او ناکام

جوری کړی.

## از سیاه چاه‌های بالاحصار

### تا دهشتگاه دهمزنگ

جنایت عمال ستمگر و مزدوران زرخرید استعمار و امپریالیزم در برابر صدیق‌ترین و باشهامت‌ترین فرزندان وطن‌پرست و آزادیخواه مشروطه طلب و دموکرات کشور و خلق‌های بی‌دفاع و مظلوم افغانستان بوده است. تیرباران کردن‌ها، به دار زدن‌ها، واسکت بریدن‌ها، تیل داغ کردن‌ها، چشم کشیدن‌ها، نشتر زدن‌ها، دست و پا و گوش و بینی بریدن‌ها، قین و فانه و زنجیر و زولانه و غرب و غراب‌ها، انواع شکنجه‌های وحشیانه قرون وسطایی و تحقیر و توهین‌های تحمل شکن و مخالف کرامت انسانی و حبس‌های طولانی و عمری بدون محاکمه و اثبات جرم که در چهار دیوار سیاه و شوم و سلول‌های سهمگین و مخوف این زندان‌های دهشتناک صورت گرفت. کانون سعادت هزاران خانواده

آژانس باختر به‌وسیله امواج رادیو و جراید سرکاری تاریخ ۲ دلو ۱۳۴۸ اطلاع داد که: «بناغلی نور احمد اعتمادی صدراعظم به وزارت داخله هدایت دادند تا به‌منظور اصلاح و بهتر ساختن وضع محبوسین و محابس افغانستان از نظر شرایط صحی، اقتصادی، اجتماعی و غیره بر مقررات و وضع فعلی محابس رسیدگی و تجدید نظر نموده و تصامیم لازم در زمینه اتخاذ دارند «از مطالعه همین خبر برمی آید که یک کمیسوین نه نفری جهت اجرای این امر تعیین گردید.

این خبر ما را به یاد سرنوشت وحشت‌بار زندان‌ها و زندانیان سیاسی کشور می‌اندازد، سرگذشتی روانگه از زمهریر سیاه چاه‌های بالاحصار تا دهشتگاه دهمزنگ که در طول تقریباً یک و نیم قرن گذشته، گواه فجیع‌ترین

## لنین و جنبش آزادی‌بخش ملی امروز

از بین رفتن سیستم استعماری امپریالیزم دست آورد انقلابی از هر حیث مهم خلق‌های جهان سوم است؛ اما، از بین رفتن سیستم استعماری میانی اقتصادی امپریالیزم را در کشورهای در حال رشد بسیار کم متأثر ساخته است. کشورهای مستعمره و وابسته مانند گذشته جزء مکمل اقتصاد جهانی سرمایه داری و مورد استثمار و غارت می‌باشند. اقتصاد جهانی سرمایه داری اکنون به‌مثابه گرهی از تضادهاییست که در آن مشتتی از قدرت‌های ثروتمند امپریالیستی، قهرمانان اشکال استثمار استعمار نو در برابر ده‌ها کشور از نظر اقتصادی عقب مانده قرار دارند که از میراث استعماری و اشکال جدید ستم امپریالیستی رنج می‌برند.

باقیمانده بسر می‌برد به مشکل از ۱۸ فیصد نفوس جهان (۳۷، ۸ میلیون) تجاوز می‌نماید. در هم شکستن سیستم استعماری ثبوت ایمان بخش و درخشان تیوری لنین راجع به ستراتیژی و تاکتیک انقلابات آزادی‌بخش ملی می‌باشند. مبارزه پیروزمندانه ضد امپریالیستی و ضد استعماری ملت‌های تحت ستم در شرایط پیشرفت سریع سوسیالیسم جهانی، اعتلای جنبش دموکراتیک و کارگری در کشورهای سرمایه داری، طوری که لنین گفته در شرایط که مبارزه طبقاتی «خلق کارگر بر ضد استثمارگران امپریالیستی در تمام کشورهای پیشرفته با جنگ‌های ملی ضد امپریالیزم جهانی یکجا می‌شود» آغاز گردید.

اراده رزمنده ضد امپریالیستی مردم افغانستان حکم مینماید تا پرچمداران مبارز دموکراتیک خلق افغانستان که در تظاهرات ضد امپریالیستی در برابر اکتیو، زندانی گردیده‌اند هرچه زود تر از حبس رها گردند!





# خلاصه‌ای از درس‌های ابتدائی مبارزه

سرمایه داری بخصوص در دوران انحصاری، کشورهای کم رشد و عقب مانده را از طریق مداخلات اقتصادی و سیاسی و نظامی تحت نفوذ خود در می‌آورند. کشورهای کم در اسارت کشورهای امپریالیستی هستند بر دو نوع می‌باشند، یا مستعمراند یعنی استقلال ظاهری ندارد و حکومت علناً در دست امپریالیست‌ها است؛ یا نیمه مستعمراند که در آنجا حکومت مستقیماً در دست امپریالیست‌ها نیست و استقلال ظاهری وجود دارد. ولی در واقع امپریالیست‌ها بر همه شئون کشور حاکمانند.

میان کار فکری و جسمی از میان می‌رود، تفاوت شهر و ده برچیده می‌شود. پیروزی فاز دوم بر اساس عالی‌ترین سطح تکنیک و فرهنگ و رهبری علمی جامعه و بر اساس پیدایش روحیات جمعی میسر است در جوامع کم رشد که هنوز در آن بقایای نظامات فئودالی وجود دارد و تسلط مستقیم و غیرمستقیم دولت‌های امپریالیستی برقرار است انقلاب سوسیالیستی ناگزیر است که اول مرحله ملی و دموکراتیک را طی کند. این مرحله، مرحله تدارک و گذار است. پس از اجرای وظائف ملی و دموکراتیک یعنی تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی و اصلاحات واقعی ارضی و بسط بخش اقتصاد دولتی و تأمین حاکمیت توده‌های مردم و حقوق خلق‌ها و دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی و غیره زمینه برای ساختن جامعه سوسیالیستی از هر باره فراهم می‌شود.

مرحله ملی و دموکراتیک را باید با دقت و حوصله گذراند و کوشید تا عناصر سوسیالیستی نه با زور دستور بلکه با نشان دادن و اثبات برتری و جان‌بخشی خود بر عناصر غیر سوسیالیستی غلبه کند. اگر در گذراندن مرحله ملی و دموکراتیک شتابزدگی شود و سوسیالیسم با فشار، دستور و بخش نامه ساخته شود خلل در نظام اجتماعی پیدا می‌شود که به‌اسانی چاره شده نمی‌تواند، تنها زمانی مرحله دموکراتیک و ملی می‌تواند مقدمه ساختمان سوسیالیسم باشد که رهبری مجهز به جهان بینی علمی طبقه کارگر و حزب او در جامعه تأمین شده باشد.

جامعه سوسیالیستی در نتیجه انقلاب سوسیالیستی اکتبر سال ۱۹۱۷ در یک ششم کره زمین برای نخستین بار برقرار شد. پیروزی انقلاب اکتوبر ثمره رهبری داهیانه ولادیمیر ایلیچ لنین و حزب کمونیست شوروی است. پس از جنگ دوم جهانی و پیروزی ارتش شوروی بر سپاه فاشیسم آلمان، ایتالیا و جاپان در یک سلسله از کشورهای اروپا و آسیا شرایط کامل موفقیت انقلاب‌های توده‌ای و دموکراتیک فراهم آمد. درین کشورها نظامات دموکراتیک و سپس سوسیالیسم برقرار شد و بدین ترتیب سیستم جهانی سوسیالیستی به وجود آمد. روابط کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر بر پایهٔ انترناسیونالیسم پرولتاریایی و کمک و پشتیبانی متقابل برقرار است.

برای تأمین پیروزی در مبارزه طبقاتی و انقلاب و موفقیت در دموکراسی از تاریخ‌ترین زوایای جهان فضای گیتی را به لرزه در می‌آورد، اینجا در کشور ما زندانیان سیاسی و عناصر آزادیخواه وطن‌پرست به خاطر مبارزه بر ضد استبداد، ارتجاع، امپریالیسم و دفاع از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و قانونی، خلاف ارزش‌های قانون اساسی، در شرایط ضد کرامت انسانی و مخالف تمام اصول اخلاقی و قانون بسر می‌برند. تحقیر، توهین، تفتین و ایجاد سوءظن و بی‌اعتمادی و تفرقه در میان مبارزان و استخدام وسایل گوناگون و مزورانه برای انصراف و انحراف آنان و شستن مغزهای جوان از افکار مترقی از آرمان‌های عالی و نجات بخش علمی و اجتماعی و همچنان عدم رعایت حقوقی که یک زندانی سیاسی از

ولی هرگز نباید حزب از دایره این اصل مهم تشکیلاتی خارج شود و یکی از دو قطب را مطلق سازد. مراعات تناسب بین مرکزیت و دموکراسی باید به شکل مشخص حل گردد. یکی از اصول مهم حزب طراز نوین طبقه کارگر اصل استقلال و اصل انترناسیونالیسم است. اصل استقلال یعنی اینکه حزب بر اساس تحلیل علمی شرایط مشخص جامعه و نهضت، استراتژی و تکنیک و شعارهای خود را معین کند و موافق آن عمل نماید.

اصل انترناسیونالیسم آنست که حزب طراز نوین طبقه کارگر از جنبش انقلابی و مترقی جهانی پشتیبانی می‌کند و پشتیبانی می‌خواهد و وحدت و همبستگی برادرانه را در جنبش حفظ می‌دارد.

در حزب اصل سربیت و عنایت هر دو مراعات می‌گردد. ارگان‌های رهبری حزبی در مقابل اعضای خود و افراد طبقه و جامعه پیوسته واقعیات را می‌گوید ولی در عین حال برای احراز موفقیت در مبارزه و جلوگیری از گزند و سوء استفاده دشمن، حریمیت و سربیت را بسود امنیت حزب و اعضای آن مراعات می‌کند، مراعات صحیح تناسب بین سربیت و عنایت نیز از مسایل مهمی است که باید به شکل مشخص حل شود.

حزب دارای برنامه است که دو آن هدف‌های دور و نزدیک وی توضیح و تصریح شده است، حزب دارای اساسنامه است که در آن موازین و مقررات زندگی و ساختمان حزبی توضیح شده است. مقررات برای همه افراد حزب یکسان و اجزای آن و وظیفه کلیه افراد حزبی است. بدون اجرای اکید مقررات، حزب انانظام تشکیلاتی و قدرت مبارزه و جنگ آوری خود را از دست می‌دهد.

باید توجه داشت که اصول سازمانی بلاتغییر و حلالان که موازین و مقررات و اشکال کار سازمانی که نتیجه انطباق اصول بر شرایط مشخصی زمان و مکان است می‌توانند و باید بر اساس ضرورت و اقتضاء تغییر کنند.

## مبارزه حزبی

مبارزه حزبی بر دو قسم است

### اول - مبارزه بیرون حزبی

### دوم - مبارزه درون حزبی

اول - مبارزه بیرون حزبی که مبارزه اصلی حزب است. مبارزه‌ایست علیه دشمنان مخالفان، دموکراسی و سوسیالیسم و متحدین دائمی و موقت آن‌ها به کمک متحدان دائمی و یا موقت طبقه کارگر. هدف این مبارزه نیل به هدف‌های است که برنامه حزب مطرح می‌کند.

این مبارزه سه شکل عمده دارد:

۱ - مبارزه ایدئولوژیکی یا تئوریک بسود جهان بینی علمی و بر ضد سیاست دشمنان حزب از طریق تبلیغات کتبی، شفاهی و غیره. ۲ - مبارزه سیاسی مانند شرکت در انتخابات و مبارزات پارلمانی و دست زدن به تظاهرات و کمپاین‌های مختلف برای پیش بردن یک نظر سیاسی. مبارزه برای غلبه به نیروهای سیاسی مخالف. مبارزه سیاسی محتوی عمده مبارزات روزمره حزب را تشکیل می‌دهد. ۳ - مبارزات اقتصادی و صنفی - یعنی تجهیز طبقه کارگر و متحدین او برای اجرای مبارزات مطالباتی در راه تأمین حقوق اقتصادی و صنفی خود و پیوند این مبارزه با خواست‌های سیاسی.

مبارزه می‌تواند بنو صورت انجام گیرد: ۱ - علنی و در کار اجازه قوانین. ۲ - مخفی و در ورای قوانین موجود حزب باید در شرایط علنی پیوسته خود را برای انتقال بکار مخفی هرگاه این کار ضرور گردد خود را آماده نگه دارد. مبارزه مخفی امکانات

حزب را محدود می‌کند. لذا حزب در ایام مخفی پیوسته برای عنایت خود مبارزه می‌کند.

در شرایط کار مخفی، حزب مجبور است تغییراتی در شیوه‌های زندگی خود بدهد.

مبارزه بیرون حزب برای نیل به هدف می‌تواند دو شکل اساسی به خود بگیرد.

۱- شکل مسالمت آمیز مانند انتخابات، اعتصابات، تظاهرات و غیره.

۲- شکل قهرآمیز - مانند قیام و جنگ انقلابی.

حزب ترجیح می‌دهد که از طریق مسالمت آمیز به هدف برسد ولی طبقات حاکمه اعمال قهرآمیز را با اقدامات قهر آمیز خود به وی تحمیل می‌کند. مبارزه حزبی علیه دشمنان حزب موافق اصول انجام می‌گیرد که ستراتیژی و تکنیک نام دارد.

دوم - مبارزه درون حزبی - مبارزه درون حزبی علیه ناقضین اصول جهان بینی و موازین تشکیلاتی برای محکم کردن وحدت حزب و رفع انحرافات چپ و راست در خط مشی حزب با ارگان‌ها یا افراد جداگانه انجام می‌گیرد.

شیوه اساسی مبارزه درون حزبی انتقاد بوده و هدف آن تحکیم وحدت حزب است، مبارزه درون حزبی باید سالم و خلاق و از روش‌های گروهی و تخریبی، ذهنی گری و غرض شخصی مبراء باشد و الا زیان بخش خواهد بود و تمام ارگانیزم حزب را تضعیف خواهد کرد.

## ستراتیژی و تکنیک

ستراتیژی و تکنیک حزب طراز نوین طبقه کارگر علمی است که آن را تیوریسن های بزرگ آن بنیاد گذارند.

ستراتیژی و تکنیک انقلابی طبقه کارگر علم رهبری و مبارزه پرولتاریا و همه زحمتکشان برای رهبری اجتماعی و ملی و پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم است. ستراتیژی یک دوران تاریخی کامل انقلاب را دربر می‌گیرد. مثلاً انقلاب ملی و اجتماعی (افغانستان) دارای دو مرحله ستراتیژی است:

۱- مرحله اول دموکراتیک ملی. هدف ستراتیژی در این مرحله نیل به استقلال سیاسی و اقتصادی و دموکراتیزه کردن زندگی سیاسی و اقتصادی است.

۲- مرحله دوم سوسیالیستی - هدف ستراتیژیک که در آن ساختمان پایه مادی و فنی سوسیالیسم و ایجاد جامعه سوسیالیستی است.

شعارهای ستراتیژی یعنی شعارهایی که خواست حزب را در مرحله معین از ستراتیژی معین می‌کند.

اما تکنیک دوران‌های کوتاهی را در درون یک مرحله ستراتیژیک و نیز اشکال مشخص مبارزه را در شرایط معینی دربر می‌گیرد. تکنیک بخشی از ستراتیژی و تابع آن است. مراحل تکنیک باید طوری تعیین گردد و به نحوی طی شود که بتوان به هدف ستراتیژیک رسید، شعارهایی که در مرحله تکنیک مطرح می‌گردد شعارهای تکنیکی نام دارد.

قواعد اساسی ستراتیژی و تکنیک حزب انقلابی بر اساس تجربه بدست آمده است. مطالعه دقیق شرایط عینی و ذهنی نهضت و تحلیل وضع مشخص تاریخی جهان، احتراز روزیونیسم چپ و راست و سربیت رسیدن به نتیجه‌های صحیح ستراتیژی و تکنیک است. متحد کردن کلیه نیروهایی که می‌توان در یک لحظه معین علیه دشمن متحد کرد و منفرد کردن هر چه بیشتر دشمنان استفاده صحیح از تمام عوامل مساعد، استفاده صحیح از ذخیره‌های دائمی و موقت

انقلاب، انتخاب صحیح لحظه برای دست زدن به یک عمل، یافتن حلقه اصلی کار در جریان مبارزه، تعیین

افراد مناسب برای مأموریت‌ها، تقسیم مشکلات به گروه و حل آن‌ها از طریق گروه - طرح جسورانه هدف‌ها، ولی سیر احتیاط آمیز و بهدقت به‌طرف آن‌ها و غیره و غیره یک سلسله قواعد ستراتیژی و تکنیک است که طبق تجربه بدست آمده باید در جریان مبارزه مراعات گردد.

## نظری به جنبش انقلابی

### کارگری در جهان

جنبش انقلابی کارگری در جهان از سه مرحله معینی گذشته است.

الف - انترناسیونال اول (بین‌المللی اول) که در ۲۸ سپتمبر ۱۸۶۴ در لندن دایر گردید و آخرین کنفرانس آن در سال ۱۸۷۴ در فیلادلفیای امریکا انجام گرفت و بعد از آن تعطیل شد. این بین‌المللی (رفاقیه بین‌المللی کارگران) نام داشت، روح این بین‌الملل کارل مارکس بود. در این بین‌الملل کلیه جریان‌های کارگری آن ایام از هر پلتفرم که داشتند شرکت جستند.

بین‌الملل اول پایه گذار حزب کارگری در اروپا و امریکاست و روابط بین‌المللی کارگران این نواحی را برقرار ساخته است.

ب - انترناسیونال دوم، این بین‌الملل (اتحادیه بین‌المللی احزاب سوسیالیستی) نام دارد و در سال ۱۸۸۹ با شرکت جدانده انگلس هم‌رمز بزرگ مارکس تشکیل گردید. پس از مرگ انگلس بین‌الملل دوم در سرانسیب ریفرمیسم و اپورتونیزم غلبید و بتدریج در کلیه فعالیت‌های ضد صلح و ضد کمونیزم در کنار بورژوازی قرار گرفت. از آغاز جنگ دوم جهانی فعالیت این بین‌الملل قطع شد؛ سپس در سال ۱۹۱۵ انترناسیونال سوسیالیستی تشکیل گردید که کلیه حزب سوسیال دموکرات و سوسیالیست را متحد کرد.

ج - انترناسیونال سوم یا کمینترن (بین‌الملل کمونیستی) این بین‌الملل به ابتکار و.ا. لنین نخستین هیأت مؤسسان خود را در ماه مارچ ۱۹۱۹ تشکیل داد. هدف آن مبارزه با اپورتونیزم بین‌الملل دوم، احیای روح انقلابی مارکسیسم و ایجاد احزاب طراز نوین کارگری بود. آخرین کنگره این بین‌الملل یعنی کنگره هفتم در جولای - اگست سال ۱۹۳۵ تشکیل شد. بعدها در اثر رشد کامل احزاب کمونیستی و بغرنج شدن شرایط مبارزه در بخش‌های مختلف جهان که این احزاب در آن‌ها عمل می‌کنند، مسأله اداره این احزاب از مرکز واحد به کنار گذاشته شد. اینک احزاب برادر بر اساس دو اصل انترناسیونالیسم و استقلال عمل می‌کنند.

مارکس، انگلس و لنین بزرگترین رهبران جنبش جهانی انقلاب کارگری هستند. کارل مارکس در سال ۱۸۱۸ متولد و در سال ۱۸۸۳ در گذشت. وی بنیان گذار سوسیالیسم علمی، فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک و اقتصاد علمی و پیشوا و آموزگار پرولتاریای جهان است فریدریک انگلس در سال ۱۸۲۰ متولد و در سال ۱۸۹۵ در گذشت. وی همکار بسیار نزدیک مارکس بوده آموزش کبیر مارکسیسم را پایه گذاری نمود و در مبارزات اجتماعی نیز بزرگترین هم‌رمز او بود، بعد از مارکس امر او را ادامه داد. انگلس مانند مارکس پیشوا و آموزگار پرولتاریای جهان است.

ولادیمیر ایلیچ لنین در سال ۱۸۷۰ متولد و در سال ۱۹۲۴ در گذشت وی ادامه دهنده مارکس و انگلس پیشوای پرولتاریای روس و جهان و بنیان گذار حزب کمونیست شوروی و نخستین دولت سوسیالیستی جهان است.

«ا. ط»

پایان

## از سیاه چاه‌های بالاخصار تا دهشتگاه دهمزنگ

لحاظ تأمین شرایط مادی و معنوی باید از آن برخوردار باشد، چنانکه در جهان مدنی از آن برخوردار است «قانون و عنعنه «زندان‌های سیاه دستگاه حاکمه افغانستان است و درین زمینه کوچکترین سرحدی میان زندانیان سیاسی و محبوسین جنایی وجود ندارد.

**مجرمین جنایی و زندان‌های جنایی** شرایط جنایت‌بار ضد دموکراتیک، ضد کرامت انسانی و ضد عدالت تفتین و ایجاد سوءظن و بی‌اعتمادی و تفرقه در میان مبارزان و استخدام وسایل گوناگون و مزورانه برای انصراف و انحراف آنان و شستن مغزهای جوان از افکار مترقی از آرمان‌های عالی و نجات بخش علمی و اجتماعی و همچنان عدم رعایت حقوقی که یک زندانی سیاسی از

آرزومند را برباد داد و بازماندگان معصوم و بی‌دفاع آنان را آواره و بی‌سرپرست، فقیر و تیره روز ساخت، روح آزادیخواهی، مشروطه طلبی و عدالت پسندی را در مردمان شجاع وطن‌دوست و آزادیخواه کشور به سیبانه‌ترین وضعی خفه کرد و بالاخره سایه سیهناک ترس و وحشت روان جامعه را در تیرگی مخوفی فرو برد و بدین‌وسیله زمینه ننگینی را برای استحکام، تسلط و نفوذ بیگانگان اشغالگر از یکسو و دوام استثمار ظالمانه طبقات ستمگر و بقای استبداد ددمنشانه دستگاه اعمال فشار و شکنجه از سوی دیگر مساعد ساخت.

زیر تأثیر چنین گذشته سیاه و جهنمی است که امروز، درین عصری که صدای زنجیر شکنی، آزادیخواهی و

(از ص اول)

(ص ۴)



(از صفحه اول)

انقلابیون وفادار به ایدئولوژی طبقه کارگر (سوسیالیزم علمی) وارد سازند، بدین‌وسیله کوشش می‌نمایند که زمینه را برای ایجاد یک رهبری قلابی و اپورتونیست در زیر ماسک دروغین توده، خلق، مردم و ملت که آله و وسیله دستگاه‌های جاسوسی ارتجاع داخلی و امپریالیستی باشد آماده گردانند و طبق میل خانانه خود رهبری سازمان پیش‌آهنگ طبقهٔ کارگر را واژگون نمایند، در میان نیروهای مترقی تفرقه ایجاد کنند و در نتیجه نهضت را از اهداف اصیل انقلابی ضد ارتجاع داخلی و ضد امپریالیزم منحرف گردانند.

اکنون مبارزهای که علیه گروه‌های رهبری و کادرهای ترقی‌خواه (جریان دموکراتیک خلق افغانستان) از طرف یک عده منحرفین و اپورتونیست های راست و چپ و خائنین به خلق و وحدت کشورمان صورت میگیرد در واقع دسیسه پست و پلید سیاسی است و که مطابق به پلان ارتجاع و امپریالیزم میباشد. دشمنان خلق کشور بخصوص طی پنج سال اخیر تشخیص کرده‌اند که گروه رهبری و کادرهای جریان دموکراتیک خلق افغانستان انقلابیون وطن‌پرست و ترقی‌خواه واقعی کشور اند، دارای اطلاعات لازم تئوریک و تجربی سیاسی و سازمانی و فهم هنر مبارزه‌اند، استقامت، تحمل، شجاعت و تقوای مبارزه انقلابی را دارند و قادر هستند که اصول جهان‌بینی علمی را در شرایط مشخص جامعه بطور خلاق تطبیق نمایند، کشفافان راه‌های - نامتکشف مبارزه رهایی بخش خلق کشور اند و در میان خلق و نیروهای واقعی مترقی و وطن‌پرست و خلق کشور دارای اعتبار و جاهست می‌باشند، بدین جهت است که آتش حملات شدید دشمنان خلق در برابر رهبران و کادرهای پرچمداران جریان دمکراتیک خلق افغانستان متوجه است. بگذار دشمنان خلق برای حفظ موقتی مواضع خود هرچه می‌خواهند بکنند، زیرا ناممکن است که از زوال قطعی خود جلوگیری کرده بتوانند. ولی حرف بالای اشتباهات و گمراهی بعضی افراد، محافل و گروه‌های مترقی است که «شاید نافهمیده» وسیلهٔ توطئه‌ها و دسائیس دشمن داخلی و خارجی خلق افغانستان قرار می‌گیرند.

حرف روی این مساله نیست که ادعا گردد نیروهای مترقی و رهبران آن‌ها هیچ اشتباه نمی‌کنند و با در مورد اشتباهات آن‌ها قضاوت و انتقاد صورت نگیرد. بلکه ما معتقدیم که در بارهٔ رهبران و اشتباهات آن‌ها باید به شیوهٔ علمی با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و سیاسی قضاوت کرد. بخصوص این مساله در شرایط بسیار عقب ماندهٔ فئودالی افغانستان که نهضت کارگری و مترقی در مرحله رشد کاملاً ابتدائی خود است، از اهم مسائل میباشد. در شرایط که یک سازمان مترقی بدون سابقهٔ طولانی و به‌اصطلاح بدون «رهبران و کادرهای سابقه دار ریش سفید «جدیداً ایجاد می‌گردد، بدیهی است که مؤسسین، رهبران و کادرهای آن که همه جوان و نوکار اند در ابتدای امر بنابر فقدان تجربهٔ مبارزه مترقی و فقر تیوری و عدم شناخت کامل جامعه و شرایط خارجی، به‌موازات پیش‌آهنگی و کارهای خلاق و اقدامات جسورانه انقلابی مرتکب اشتباهات ایدئولوژیکی، سیاسی و سازمانی نیز می‌گردند. ولی به‌حکم اصول مترقی باید در هنگام انتقاد بر رهبران و کادرها میان اشتباهات اجتناب پذیر و اجتناب ناپذیر فرق قایل شد و خدمات و اشتباهات را به‌درستی مقایسه کرد، نه اینکه از اشتباهات رهبران و کادرهای مترقی خانانه شادی کرد، به فرکسیون بازی و فعالیت‌های انشعابگرانه و انحلال طلبانه و تبلیغات خرابکارانه و افشاء گری خانانه دست زد و بطور عوامفریبانه در بارهٔ «توده و خلق «بطور مجرد پرحرفی کرد و آن‌ها را در نقطه مقابل سازمان‌های مترقی، رهبران و کادرهای که در

جریان نهضت آبدیده و مجرب می‌گردند قرار داد.

برای فهم علمی و درست موضوع ایجاب می‌کند که باید تناسب دیالکتیکی و مناسبات متقابل میان «رهبران سازمانها و توده‌ها» رعایت گردد. غیر از جریان دموکراتیک خلق افغانستان هستند یک عده محافل دسته‌های سیاسی به‌اصطلاح چپ مترقی دیگر که در نهضت مترقی رهایی‌بخش خلق افغانستان تنها در باره «توده، خلق، فرزندان خلق، طبقات بالا و پائین، زحمتکشان و رنجبران» بطور کودکانه صرفاً لفاظی می‌نمایند، لیکن علیه تشکیل سازمان سیاسی (حزب) پیش‌آهنگ طبقه کارگر و رهبران و کادرهای آن مطابق بخواست ارتجاع و امپریالیزم بطور وحشیانه و مخالف تمام موازین مترقی عملاً دست به تخریب و تفتین می‌زنند و در برابر آن‌ها سنگ اندازی می‌کنند. به این ترتیب به عقیده این آقایان برای پیروزی توده‌های خلق و طبقات زحمتکش، علیه دشمن تنها شرایط عینی وجود خلق کافی است و دیگر نیازی به تشکیل، رشد و تکامل سازمان پیش‌آهنگ، وحدت نیروهای ترقی‌خواه و ایجاد رهبری و کادرهای مجرب نمی‌باشند، در این هیچ شک نیست که خلق سازنده تاریخ است. ولی این نکته مهم را نباید فراموش کرد که خلق و قیام‌های خلق همه وقت در جریان تاریخ وجود داشته است و اما تنها در شرایطی پیروزی کامل خلق علیه دشمنان خلق دست داده است که نهضت‌های انقلابی و خلقی توسط سازمان پیش‌آهنگ طبقه کارگر و رهبران و کادرهای آزموده مجرب و شایسته و با کرکتر رهبری گردیده است.

باید یادآور شد که مشابه این انحراف نیم قرن قبل نیز منحرفین چپ اروپایی که به مرض کودکانه دچار بودند به‌اصطلاح «حزب پیشوایان» را رد و «حزب توده‌ای» را دفاع می‌کردند و در انتظار اعتلای مبارزه انقلابی از پائین بودند.

به این معنی ما به تمام این هذیان گونی‌ها، لجاجت‌های کودکانه، فضل

فروشی‌های مضحک آشنایی داریم!

القیای مبارزه بما می‌آموزد که خلق به طبقات تقسیم میشود و در شرایط تشکیل مستقل احزاب سیاسی، این احزاب سیاسی است که معمولاً طبقات را رهبری می‌کند و «احزاب سیاسی طبق معمول توسط گروه‌های کم و بیش ثابتی از با اتوریته ترین، متنفذترین و مجرب‌ترین افرادی که برای پرمسئولیت‌ترین مقامات انتخاب می‌گردند و رهبر نامیده می‌شوند اداره می‌گردند» نکته مهم بخصوص در شرایط فئودالی افغانستان که هنوز طبقه کارگر کشور از لحاظ کمی و کیفی رشد نکرده است و طبقات زحمتکش کشور از لحاظ آگاهی و شعور سیاسی عقب مانده‌اند: عبارت از اینست که باید در هنگام طرح طبقه و خلق و مناسبات متقابل آن‌ها با سازمان‌های مترقی، رهبران و کادرها با دقت برخورد کنیم؛ زیرا در اوضاع و احوال کنونی بخصوص در کشورهای کم رشد، ایدئولوگ‌های نو ظهور بورژوازی و عمال مخرب و جواسیس ارتجاع حاکم و امپریالیزم فتنه‌گرانه تبلیغ می‌کنند که باید احزاب و رهبران مترقی به‌صورت خالص و جمع بسیط از توده‌های مردم بخصوص دهقانان و قشر محصلان تشکیل گردد نه از «عناصر آگاه» طبق موازین یک سازمان طراز نوین. آن‌ها می‌دانند که هنوز درین کشورها توده‌ها، طبقات زحمتکش و بخصوص طبقه کارگر متشکل نشده، بیدار نگردیده و شعور طبقاتی خودرا حاصل نکرده‌اند، از طریق چنین طرح‌های انحرافی و عوامفریبانه می‌توانند توده‌های عظیم خلق را از تشکیل یک سازمان رزمنده خلع سلاح

کنند. از اینجاست که ما راجع به مبلغین این‌گونه طرح‌های انتزاعی و غرض آلود و بدون ارتباط منطقی با نظر شک و تردید می‌نگریم. همچنان باید در نظر داشت که از لحاظ اصول و موازین مترقی حزب پیش‌آهنگ طبقه کارگر از عناصر آگاه متشکل می‌گردد، نه از هر اعتصاب کننده، هر مظاهره چی نعره باز و عناصر عقب مانده طبقات زحمتکش.

بدین‌جهت است که «سجود به عمل خودبه‌خودی نهضت کارگری و خوار شمردن نقشی آگاهی سوسیالیستی در جنبش کارگری» رد می‌گردد. لهذا وظیفه نیروهای ترقی‌خواه وطن‌پرست کشور بخصوص جریان دمو کراتیک خلق افغانستان است که باید مناسبات متقابل بین رهبران، سازمان‌های مرکزی دموکراتیک سیاسی، طبقات و توده‌ها را صحیحاً تشخیص دهند و از اصل مرکزیت دموکراتیک مجدانه پیروی کنند. برای یک سازمان زحمتکشان که می‌خواهد پیش‌آهنگ واقعی رزمنده‌ای باشد و خلق را به جهت پیروزی رهبری کند لازم است که دارای مرکز رهبری نسبتاً مستحکمی باشد، باید خاطر نشان ساخت که رهبران و کادرهایی سازمان‌های پرولتری از پائین تا بالا در طول جریان نبرد طبقاتی در نهضت انقلابی خلق به وجود می‌آیند و شایستگی و لیاقت آنان در سازمان‌دهی بر اساسی وفاداری و خدمت به خلق و پیوند ارگانیک با خلق، طرازبندی درست عقاید خلق و عملی کردن آن ثابت می‌گردد.

چنین رهبرانی که از طبقات مختلف اجتماعی برمی‌خیزند و صدافقانه در موضع ایدئولوژی طبقه کارگر (سوسیالیزم علمی) قرار می‌گیرند نماینده واقعی زحمتکشان بوده و مورد اعتماد عمومی خلق می‌باشند. ملاک قضاوت در زمینه سازمان‌های مترقی و رهبران عبارت از اینست که کدام سازمان سیاسی و رهبران و کادرهای آن واقعاً و عملاً در راه کدام طبقه مبارزه می‌کند و صدافقانه در موضع ایدئولوژی کدام طبقه قرار دارد.

چقدر درست گفته است «طی

تاریخ هیچ طبقه‌ای بدون انتخاب رهبران سیاسی و نمایندگان پیشرو خود که لیاقت سازمان دادن نهضت و رهبری آن را داشته باشند نتوانسته است به حکومت برسد» و اضافه می‌گردد که «تربیت گروهی از مجرب‌ترین و بانفوذترین رهبران حزبی کار سختی است که زمان می‌خواهد ولی بدون این سلطه زحمتکشان و وحدت اراده زحمتکشان به‌صورت آرزویی در عبارت پردازی می‌ماند.»

باز هم خاطر نشان می‌سازیم که باید همواره تناسب دیالکتیکی بین نقش توده‌های مردم و نقش شخصیت در تاریخ، مناسبات متقابل بین رهبران، سازمان‌های سیاسی، طبقات و توده‌ها، مرکزیت دموکراتیک و رهبری دسته جمعی را در نظر گرفت و از موقف رهبران و کادرهای اصیل انقلابی و مترقی (بدون اینکه در انحراف ستایش بیش از حد و مبالغه - نقش شخصیت و مراتب کیش شخصیت سقوط کنیم) در برابر تبلیغات و تخریب دشمنان خلق دفاع اصولی نماییم. درست است در سیر تاریخ نهضت‌های مترقی در کشورهای جهان اختلاف بین «رهبران» و «توده‌ها» ظاهر گردیده که علل اساسی آن در هر زمان از طرف رهبران و یا هیات های رهبری باصلاحیت احزاب توضیح داده شده است و ماهیت واقعی رهبران خائن و اپورتونیست را واضح ساخته‌اند؛ زیرا پیروزی توده‌های خلق بدون مبارزه علیه رهبران اپورتونیست، تسلیم طلب و منحرف، افشا و رسوا ساختن آنان، تصفیه و اخراج آن‌ها امکان پذیر نیست. ولی اگر در این مورد بدون تحلیل اصولی و صرف روی رقابت‌ها خودخواهی‌ها و امراض بچگانه و عقده‌های روانی و رقابت‌های خرابکارانه بر حسب خواست ارتجاع و امپریالیزم بخواهند رشته تبلیغات زهرآگین را به اینجا بکشند و صرف روی اتهام و اباطیل رهبران و کادرهای انقلابی را (که عملاً در چوکات اصول و موازین مترقی و مطابق به شرایط علیه دشمنان داخلی و خارجی توده‌های خلق کشور

# مناسبات متقابل بین رهبران ...

می‌رزمند) در مقابل توده‌ها و خلق قرار دهند صاف و ساده شارلتانی و نابخردی است. در آخرین تحلیل چیزی نیست بجز اینکه آله و وسیله شبکه‌های جاسوسی و تخریبی دستگاه حاکم و امپریالیزم قرار گیرند. مخصوص مضحک است که در دوران کنونی نهضت کشور مسا ذوق به‌اصطلاح رهبر شدن و تبارز کردن و کسب شهرت کاذب آن‌هم تحت شعارهای «مرده باد رهبران و کادرهای سابق (!)، رهبران سابق که بدنام شده‌اند. البته به عقیده رهبران نوین (!) باید عقب بروند (!)، رهبران جدید، این فرزندان خلق باید قدرت را در دست گیرند (!) «مرض ساری بچگانه گشته و برای «رهبر شدن «و تأمین شهرت کاذب حتی دست به خیانت، انحلال طلبی و انشعاب سازمان‌های مترقی می‌زنند.

آقایان آخر کدام قدرت؟ کدام رهبران سابق؟ هنوز که سازمان‌های مترقی و رهبران و کادرها در مرحله کودکی رشد خود اند! آخر چرا نمی‌گذارید که خود توده‌ها به تجربه خود رهبران، کادرها و سازمان‌های مترقی اصیل خود را درک کنند. راه انقلاب که هنوز طولانی و پریچ و خم، پر از فراز و نشیب پر از مد و جنزهای سهمگین است. این شتابزدگی برای چیست؟ آیا اطلاع جامع و موثق دربارهٔ شرایط جامعه دارید؟ آیا حقایق را عمیقاً تحلیل می‌کنید؟ آیا نیروهای دوست و دشمن را مرزبندی، تشخیص و تجزیه کرده‌اید و دربارهٔ ده‌ها مسئله حیاتی رهبری علمی جنبش و جامعه، موازین علمی اطلاعات دارید؟ و اگر اطلاع دارید آیا می‌توانید آن را بکار برید و اگر به تمام این سؤال‌ها پاسخ درست داده می‌توانید و در عمل آن‌ها را بکار برده می‌توانید پس جای هیچ‌گونه شتابزدگی باقی نمی‌ماند و به‌صورت طبیعی در طول نهضت انقلابی کشور مورد اعتماد خلق قرار خواهید گرفت!

البته باید توجه داشت که بر اساس اتهام و شناسم، تخریب رهبران و کادرهای دیگر و خیانت و تفرقه اندازی و انحلال طلبی و انشعابگری

(صفحه سوم)

نمی‌توان رهبر و مورد اعتماد سازمان‌های مترقی و خلق شد.

همچنان آقایانی که آرزو دارند (!) رهبران خلق باشند باید در نظر گیرند که امر رهبری را تنها نمی‌توان از روی «کتاب» آموخت؛ برای این امر شایستگی، لیاقت، استعداد و به‌خصوص شم سیاسی خاص لازم است. البته این شم سیاسی در جریان مبارزه و تجربه طولانی کسب می‌گردد.

برای امر رهبری در پهلوی دانش مترقی، کرکتر و صفات معنوی خاص انقلابی نیز لازم است. تحمل و شور مبارزه، روحیه آشتی ناپذیر با دشمنان خلق، قدرت اقتاع، اتوریته و انسان دوستی، صمیمیت و رفاقت، درایت و تدبیر، روحیهٔ وقف به جهان بینی علمی، شهامت تصمیم و قاطعیت و شجاعت و شکیب در برابر فشار و حوادث ناگوار، کرکتر ... و غیره و غیره لازم است. باید جداً در نظر داشت که کرکتر و نقش رهبران در امر رهبری سازمانی، نهضت و جامعه اثرات عمیق، جدی و بزرگ دارد.

آقایان آیا سنگینی این مسئولیت عظیم را هم تصور کرده‌اید؟ در خاتمه به این «فرزندان خلق (!)» باید خاطر نشان ساخت که تنها به‌وسیلهٔ زبان آوردن چند حکم عام جهان بینی علمی و تکرار کلماتی چون «طبقه بالا و پائین: کارگران، زحمتکشان، توده و فرزند خلق» و یکرشته کلمات دیگر نمی‌توان رهبر مورد قبول خلق گردید. همچنان نمی‌توان افراد. محافل محدود منحرف لیبرالیست و دارای عقده‌های روانی را که غالباً از محصلان و روشنفکران اقشار متوسط و خرده بورژوازی، متنفذین و قشر بیروکراتیک ترکیب شده‌اند تبدیل به یک سازمان طراز نوین و پیش آهنگ و بانضباط طبقه کارگر ساخت. این شیوه، طرز تفکر و برخورد خرده بورژوا منشانه و انفرادی پسند جز نفی حزبیّت و انضباط سازمانی که مطابق نقشه حاکمه است، دیگر معنی و مفهومی ندارد. چنین اشخاص بخواهند یا نخواهند نتیجه عمل شان هنوز به تقویت نفوذ دشمنان خلق در سازمان‌های مترقی و خلق سلاح خلق به نفع ارتجاع و امپریالیزم است.

**ب. کارمل**

(از ص اول)

## پایان دادن به عقب ماندگی اقتصادی راه مترقی ...

تولید صنعتی و صنایع دستی به‌فقر جدول فوق صرف ۱۱ فیصد را به مقایسه تولید ناخالص ملی تشکیل می‌دهد و در این مورد باید در نظر داشت که صنایع بر پایهٔ ماشینی و فابریک، ازین جمله صرف یک پنجم را احتوا مینماید و بقیه مربوط به صنایع دستی است.

صنایع دستی مشتمل است بر دستگاه‌های دستی و شاپ‌های بسیار کوچک و فعالیت‌های خانگی به شمول قالین بافی.

تولیدات صنعتی موجود در کشور شامل منسوجات نخی، پشمی و سندی، شکر، سمنت، آرد گندم، روغن نباتی، پنبه ملوح، چرم و بوت و همچنان تولیدات دستگاه‌های کوچک کشمش پاکی، فلزکاری، صابون سازی و یخ سازی است. برای اینکه تصویر بهتری از سطح تولیدات صنعتی کشور ارائه گردد، ارقام مربوط به سال ۱۳۴۷ که در نشریهٔ «اجمال اجراءات حکومت در دو سال اخیر» نشان داده شده است، درین جا نقل می‌نماییم:

سمنت	۸۳٫۳	هزار تن
روغن نباتی	۴۱۶۴	تن
بوت و پاپوش	۲۰۵	هزار جوره
جوراب و بنیان	۳۲۱	هزار جوره
منسوجات نخی	۴۸/۸	میلیون متر
پنبه ملوح	۱۳۹۰۰	هزار متر
منسوجات پشمی	۵۷۱	هزار متر
بایسکل (منتاز شده)	۲۱۹۶	عراده

ارقام مربوط نشان می‌دهد که طی چند سال اخیر نه تنها تولیدات صنعتی افزایش یافته بلکه تقلیل هم یافته است. شاخص تولیدات صنعتی ملی سال‌های

۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷ مؤید این امر است:

سال ۱۳۴۲	۷۵
سال ۱۳۴۳	۸۷
سال ۱۳۴۴ (سال اساس)	۱۰۰
سال ۱۳۴۵	۱۰۷
سال ۱۳۴۶	۱۰۰
سال ۱۳۴۷	۸۷

طوری که گفته شد سهم تولیدات صنعتی در ترکیب تولید مجموعی ملی فوق‌العاده محدود، یعنی صرف ۲ فیصد است. مع‌الوصف در سال ۱۳۴۷ تولیدات صنعتی بطور مجموعی از ۱ تا ۲ فیصد تنزیل نموده است. تولید سمنت تا یک ثلث پائین آمد، پنبه ملوح به‌اندازه ۲۳ فیصد و تولیدات نساجی نخی ۳ فیصد تنزیل اختیار نمود. تولید منسوجات پشمی ۲۷ فیصد تقلیل یافت و در

(ص ۴)





**د افغانستان د خلک دموکراتک افکارو خبروونکی**

۱۳ دلو ۱۳۴۸

د یو ی گڼی ۲/۵ افغاتی

(بقیه ص اول)

## لنښن و جنبش آزادی‌بخش ملی امروز

درجات مختلف پختگی شرایط قبلی عینی و ذهنی برای سازمان‌دهی مجدد، آرایش نیروهای طبقاتی و سیاسی و سویه پختگی سیاسی و بیداری ملی و دموکراتیک توده‌ها عمدتاً باعث به وجود آمدن اختلافات جدی در سرعت‌های رشد پرسوه‌های انقلابی می‌گردد. لنښن این‌ها را پیش بینی می‌کرد که تاکید می‌نمود: «انقلاب اجتماعی یگ نبرد واحد نیست، بلکه دوره ایست که سلسله از نبردها بر تمام انواع پرابلم‌های اصلاحات اقتصادی و دموکراتیک را احتوا می‌کند.»

وی در اثری دیگری به وضاحت بیشتر تعریف می‌نماید که جنبش بین‌المللی انقلابی «در کشورهای مختلف بطور متوازن و متناظر رشد نکرده و نمی‌تواند رشد کند و هر کشور سیمای خاص و ارزنده خود را به جریان عمومی می‌بخشد»

شیوه‌های لنینی بما کمک می‌نماید که نه تنها قوانین عمومی انقلابات آزادی‌بخش ضد امپریالیستی را عمیق‌تر و روشن‌تر درک نماییم. بلکه سیمای خاص سازمان‌دهی مجدد اجتماعی را در راه‌های رشد غیر سرمایه داری در کشورهای که زنجیرهای وابستگی استعماری و نیمه استعماری را در هم شکسته‌اند نیز تعیین نماییم. تیوری انقلاب آزادی‌بخش لنین که در اسناد پذیرفته شدهٔ جلسات بین‌المللی ۱۹۵۷، ۱۹۶۰، ۱۹۶۹ احزاب کمونیست و کارگری بطور خلاق انکشاف داده شد بما کمک می‌نماید که راه رشد غیر سرمایه داری را به‌مثابه یگ تمایل اساساً جدید در جنبش جهانی انقلابی دانست که روزنه سوسیالیستی را برای ملت‌های می‌گشاید که بوغ ستم استعماری و نیمه استعماری را از دوش خود به دور انداخته‌اند. گرچه از قاطبه کشورهای در حال رشد، دولت‌های که راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش گرفته‌اند از نظر تعداد نسبتاً کمتر می‌باشند و از نظر مساحت و نفوس کوچک‌ترند ولی کاملاً روشن است که اکنون راه رشد غیر سرمایه داری تمایل عمده در جنبش‌های آزادی‌بخش ملی معاصر محسوب می‌گردد.

در حالی که انقلاب آزادی‌بخش ملی امروز در شرایط از نظر کیفی جدیدی رشد می‌نماید که تفوق و برتری روزافزون نیروهای سوسیالیزم جهانی بر نیروهای امپریالیزم جهانی شاخص آنست، نه تنها غنای تجربه گذشته را بطور خلاق در خود هضم می‌نماید بلکه، آن را از طریق پیش کردن یک عده اندیشه‌های تازه و اصیل به جنبش جهانی انقلابی غنی‌تر میسازد. لنین گفته است که: «...ما باید بدانیم که برای گذار از مناسبات ماقبل سرمایه داری به سوسیالیزم چه راه‌ها و شیوه‌ها و کدام وسایل و ذرایع بین‌البینی ضرورت مییابند. جان مطلب همین است «ولی لنین خاطر نشان ساخته است که این راه‌ها و وسایل از پیش نشان داده شده نمی‌تواند بلکه در تجربه عملی یافت خواهند شد.

در روشنی دیالکتیک لنینی کاملاً واضح می‌گردد که راه رشد غیر سرمایه داری دولت‌های نو به استقلال

## معلمان کورس‌های زمستانی به پشتیبانی از هم مسلکان خویش میتنگی را دایر کردند

شام شنبه (۱۱ دلو) از ساعت ۸ الی ۱۲ شب میتنگی در لیلیه کورس‌های زمستانی به اشتراک تمام معلمان کورس‌ها دایر گردیده بود که هدف از آن پشتیبانی از ۸۱ نفر از معلمین اخراج شده از کورس‌های زمستانی بود. معلمین که در میتینگ

صبحت کردند همه اظهار داشتند در صورتی که معلمین اخراج شده دوباره به کورس‌ها شامل نگردند آن‌ها هم از ادامه کورس‌ها خودداری خواهند کرد، معلمین اخراج شده در حالی که مدیر کورس‌ها نیز حاضر بود اظهار داشتند که ایشان حسب تقسیم اوقات امریت کورس‌های زمستانی از مناطق دوردست کشور برای ادامه تحصیل به این کورس‌ها مراجعه کرده‌اند و مشکلات عدیده ای را ازین ناحیه پذیرفته‌اند و اکنون بدون کدام دلیل منطقی از دوام تحصیل محروم می‌گردند، معلمین گفتند که علت اخراج ایشان را امرین کورس‌ها عدم تعقیب برخی از مضامین در بعضی کورس‌ها وانمود کرده‌اند در حالی که ایشان طبق تقسیم اوقات مرتبه کورس‌ها را تعقیب کرده‌اند و اگر بعضی مضامین تدریس نگردیده است، مسؤولیت آن متوجه خود امریت کورس‌ها می‌باشند نه معلمین.

مجدد هسلکان ایشان در کورس‌ها به پشتیبانی خویش ادامه دهند. همچنان ایشان تصمیم دارند که برای تشکیل اتحادیه معلمین سرتاسر افغانستان مبارزه نمایند.

معلمان مصمم هستند که تا مشمول دسپتینیان خویش ادامه دهند. همچنان ایشان تصمیم دارند که برای تشکیل اتحادیه معلمین سرتاسر افغانستان مبارزه نمایند.

(از ص اول)

### بگذار رفقای...

**و نژاد پرستان فاشیست... باعث استحکام موقتی مواضع رژیم‌های منحوس و منسوخ گردیده است؛ -توطئه‌ها و دسایس آن، هزاران نفر از آزادیخواهان پهنستونسنتان، بلوچستان و وطن‌پرستان ترقی‌خواه اندونیزی، ایران، عراق، کاتگو، یونان... را قربانی حرص و هوس حیل‌گران امپریالیست پرست گردانیده است؛**

**ما منتظریم مشاهده نمایم در قبال این همه جنایات و فجایع آشکار امپریالیزم د ر برابر اراده رزمندهٔ خلق آزاده افغانستان و ملیون ها نفر از مردمان صلح‌دوست، آزادیخواه و مترقی جهان که به خاطر استقلال ملی آزادی، ترقی اجتماعی، دموکراسی و صلح با دیو جنایتکار امپریالیزم جهانی و رژیم‌های ترور و وحشت در پیکار خونین هستند، حکومت افغانستان با ادعای سیاست بی‌طرفی مثبت و قضاوت آزاد «ان و قوه قضائیه افغانستان با ادعای «حفظ بی‌طرفی و مراعات عدالت در قضاوت «آن در مورد رفقای وطن‌پرست و مبارز ما چه تصمیم گرفته‌اند و چه موضع را اختیار می‌نمایند. آیا در موضع دفاع آشکار از امپریالیزم و امپریالیسم مقدم امپریالیزم امریکا قرار خواهند گرفت؟ و یا لاقبل در موضع «سیاست بی‌طرفی مثبت با قضاوت آزاد « ادعایی خود که از لحاظ پرنسیپ باید ماهیت ضد امپریالیستی داشته باشد و آنچه که در کنفرانس‌های باندونگ، بلگراد و قاهره اظهار داشته‌اند؟**

**مسأله زندانی ساختن پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان این مبارزان دلیر ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم از آن مسایلی جدی و دارای اهمیت جهانی است که در هر حال انعکاس وسیع بین‌المللی داشته و دارد.**

**بگذار محافل حاکم کشور رفقای قهرمان ما را که در مبارزه ضد امپریالیزم از مسایل جدی و تربیون محاکمه بکشند تا با دفاع مشترک، تاریخی و بی‌سابقه در کشور ماسک‌های محافل حاکم را که سنگ «افغانستان برای افغانستان «را به سینه می‌کوبند از چهره‌های شان بر افکنند و همچنان ماهیت و فجایع امپریالیزم بین‌المللی و در راس آن امپریالیزم امریکا یکبار دیگر وسیعاً افشا گردد.**

(از ص ۳)

## پایان دادن به عقب ماندگی ...

است، مانند: «صعود قیم مواد غذایی، مصرف بیشتر عواید مستهلکین به مواد غذایی، تقلیل تقاضا، تقلیل استخدام، عدم آغاز پروژه‌های جدید، عدم از دیاد مصارف انکشافی دولت... و غیره.»

مسأله جدی است: حقایق و ارقام انکارناپذیر نشان می‌دهد که افغانستان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی بطور شرم آوری یک کشور عقب افتاده بوده و واقعیت امر اینست که در اوضاع و احوال کنونی و در تحت نظام اجتماعی - اقتصادی موجود نمیتوان با این عقب ماندگی پایان داد و رشد سریعی را برای اقتصاد کشور تأمین کرد مگر اینکه: تمام عناصر، محافل، گروه‌های اجتماعی و نیروهای ملی و دموکراتیک،

ترقی‌خواه و وطن‌پرست برای انجام وظایف زیرین دست به مبارزه متحدانه و پیگیری بزنند. در بنیانهٔ پارلمانی ما این وظایف چنین فورمولبندی شده است: «مهم‌ترین وظایف دموکراتیک ما عبارتند از انجام تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی، پایان دادن به عقب ماندگی

اقتصادی و اعتلای سطح زندگی توده‌ها از راه ترقی غیر سرمایه داری که دورنمای سوسیالیستی را می‌گشاید؛ صنعتی کردن کشور، اصلاحات ارضی دموکراتیک بر پایه جنبش وسیع دهقانی (بسود دهقانان و به اشتراک آنان)، انهدام و الغای مناسبات فرتوت فنودالی، طرد نفوذ انحصارات خارجی، دموکراسی کردن بنیادی حیات اجتماعی و سیاسی و دستگاه دولتی، ایجاد و تکامل معارف و فرهنگ ملی، مترقی و نوین.»

در وضع کنونی راه پایان دادن به عقب ماندگی اقتصادی و تأمین رشد سریع اقتصادی در کشور همین است که ما آن را درین مرحلهٔ تاریخی در برابر خویش قرار داده‌ایم و برای تحقق آن مبارزه می‌نماییم.

**س.ع.کشمند**

(از ص دوم)

## از سیاه چاه‌های بالاحصار ...

بسر برند، ده پانزده نفر را سرهم می‌افگند، از تداوی اساسی و ادویهٔ کافی اثری نیست. از چگونگی وضع خوراک و لباس که مپرسید و هزاران نابکارهای دیگر که ذکر جزئیات آن در اینجا سخن را به درازا می‌کشاند و ما در شماره‌های گذشته پرچم در این زمینه به‌تفصیل صحبت کرده‌ایم.

با این همه، دستگاه حاکمه وضع محبوسین و محابس را «به «می‌داند و به‌منظور اصلاح و بهتر ساختن آن به تشکیل (کمسیون) دست می‌یازد.

عقیدهٔ ما اینست که اصلاح وضع داخلی محابس کار مطلوبیست، ولی به کمال تأسف انجام درست این کار از حکومت‌های افغانستان با ماهیت موجود دستگاه اداره کشور ساخته نیست؛ اما تاکنون چندین بار شاهد ایجاد به‌اصطلاح کمیسیون‌های مطالعه و اصلاح وضع محابس بوده‌ایم، ولی جز مثنی تبلیغات میان تهی که بیشتر ماهیت عوام‌فریبانه داشته، کوچک‌ترین اصلاح و بهبود می در وضع کتابت محابس به عمل نیآورده است؛ بنابراین آن این چارهٔ اساسی نیست. بلکه باید کاری کرد که روز تا روز امور مربوط به زندان و زندانبانی محدود و محدودتر شود.

حکومت‌های ملی و دموکراتیک دژخیمان و زندانبانان نیستند، برخلاف بجای زند و بستن و زندانی کردن زمینه‌های عینی بیکاری و جهل و مرض و فساد و عوامل اجتماعی، اقتصادی سیاسی آن را از بین می‌برند.

از تدابیر وقایوی صحی کوچک‌ترین اثر مفیدی بچشم نمی‌خورد، در سلول‌های تنگ و سیاه و نمناک زندان، آنجا که باید دو سه نفر زندانی

نشریه وزارت پلان (بیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی، سال ۱۳۴۷) دربارهٔ اینکه تولیدات صنعتی مسیر نزولی را می‌پیماید چنین اعتراف می‌شود: «اگر قرار است مملکت به‌صورت تدریجی انکشاف نماید، چنین جریانی قابل تشویش است. مخصوصاً از نظر آنکه چنین بحران‌های تولیدی صنایع جوان مملکت را متضرر میسازد.» و به تعقیب در نشریهٔ مزبور دلایل آتی برای تنزیل تولیدات صنعتی کشور ارائه می‌گردد «تنقیص حاصلات پنبه در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ که بیشتر نتیجه بلند رفتن قیم مواد غذایی در سال‌های قبل از آن و توجه بیشتر به کشت حیویات بود تأثیر منفی بر تولیدات نساجی داشته است.

علاوه بر تقلیل تولیدات نساجی صعود قیم مواد غذایی و معرفی بیشتر عواید مستهلکین بر مواد غذایی و تقلیل تقاضا برای مواد صنعتی از یک‌طرف و تقلیل استخدام از طرف دیگر، بر تقلیل تولیدات نساجی در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ ۱۳۴۹ تأثیر بارزتری داشت.

تولیدات سمننت نسبت به ختم پروژه‌های بزرگ ساختمانی و عدم آغاز پروژه‌های جدید و همچنان عدم ازدیاد مصارف انکشافی دولت سبب رکود بازار سمنت و تقلیل تولیدات آن گردید.
درین میتینگ معلمین از ابراز و اظهار داشتند که وضع کورس‌ها و لیلیه نسبت به سال‌های گذشته بدتر شده است.

معلمان مصمم هستند که تا مشمول دسپتینیان خویش ادامه دهند. همچنان ایشان تصمیم دارند که برای تشکیل اتحادیه معلمین سرتاسر افغانستان مبارزه نمایند.

(از ص اول)

**بیکاری و گرسنگی را عام ساخت و جهالت و بی‌علمی راه انواع مفاسد اخلاقی و اجتماعی را برای هزاران تن از اطفال و جوانان، زنان و مردانه بی‌گناه جامعه ما گشود، به‌طوری که امروز دیگر به‌سوازت تعداد اطفالی که از یکسو به مکاتب ابتدایی، متوسطه‌ها و لیسه ها داخل می‌شوند از سوی دیگر در ظرف سال عدهٔ قابل ملاحظهٔ دیگر رهسپار بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها می‌گردند و روزی نیست که حتی روزنامه‌ها و جراید سرکاری «بسر بلندی آشکار «با نشر خبر و عکسی از گرفتاری یک دزد، یک قاتل، یک قاچاقبر، یک کیسه بر... و... صفحات خود را سیاه نسازند.**

در برخی ازین خبرها می‌خوانید که نو گرفتاری امروزی، ز ندانی دیروزه و پریروزه است و همین‌که از زندان رها گردیده، به دنبال جنایت تازه‌یی دست بکار شده است؛ این خود گواه روشنی بر آن است که زندان‌های کشور نه تنها جای تجدید تربیت، انتباه مثبت و تلقین ندامت از جنایت و گناه نیست، بلکه مدرسه فساد است و در آنجا مجرمین به انواع مفاسد روحی و اخلاقی مبتلا می‌گردند و به شیوه‌های تازه‌یی در ارتکاب جنایت دست می‌یابند و وقتی رها شدند ورزیده‌تر و بی‌هراس تر دست بکار می‌شوند.

از تدابیر وقایوی صحی کوچک‌ترین اثر مفیدی بچشم نمی‌خورد، در سلول‌های تنگ و سیاه و نمناک زندان، آنجا که باید دو سه نفر زندانی

##### مطبعه دولتی

تایپ متن: قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

##### پرچم

آدرس زرلښت مارکیت— محمد جانخان واټ

تېلېفون: ۲۳۱۶۴

مدیر مسؤل: میر اکبر خیبر

صاحب امتیاز: سلیمان لایق،



# ر ح م

## ناشرانديشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (۴۱) دو شنبه ۱۱ حوت ۴۸ - ۲۰ مارچ ۷۰- شماره مسلسل (۹۱)

## چرا مردم و جریان دموکراتیک

### خلق افغانستان به اشتراک هزاران نفر در کابل در برابر امپریالیزم امریکا خشم و نفرت خود را ابراز داشتند

در حدود دو ماه قبل در کابل، جریان دموکراتیک خلق افغانستان بر اساس ارادهٔ رزمنده و صلح‌جویانه خلق کشور در برابر سپیرو انگیو منادی سیاست «جدید»امپریالیستی امریکا در آسیا، دست به تظاهرات زد. این تظاهرات مسالمت آمیز عده مردم پایتخت به پیشاهنگی جریان دموکراتیک خلق افغانستان به‌عنوان اعتراض علیه سیاست امریکا در شرق میانه و پشتیبانی آن از تجاوز اسرائیل بر حقوق اعراب، به‌منظور تقبیح جنگ «پلید «امریکا در ویتنام و قتل عام متعدد اطفال، زنان و پیرمردان ویتنامی توسط عساکر امریکایی، مداخلات آشکار و پنهان امریکا در امور داخلی کشورهای بی‌طرف و توطئه‌های پیهم سازمان مرکزی استخبارات امریکا بر ضد کشورهای بی‌طرف و وجود پکت ها و پایگاه‌های تجاوزکار نظامی من‌جمله پکت های سنتو و سیاتو در همجواری کشور ما، صورت گرفت. ولی تظاهرات ضد امپریالیستی جریان دموکراتیک خلق افغانستان مورد خشم و غضب محافل حاکمه افغانستان که همیشه در داخل چوکات تنگ ایدئولوژی و منافع طبقاتی خود می‌انديشند، قضاوت و عمل می‌نمایند، واقع گردید. در نتیجه تنها چندین تن از رفقای ما، این پرچمداران مبارز و دموکراتیک خلق افغانستان را «به گناه» اشتراک و سازمان دادن تظاهرات ضد سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم امریکا به زندان انداختند که تا اکنون به زندان بسر می‌برند.

اعتراض و عکس‌العمل اخیر افکار عامه جهان علیه سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم امریکا و صهیونیزم که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌گردد، همه نشان‌دهنده این حقیقت انکارناپذیر است که تظاهر، عکس‌العمل و

#### لنبر راکره - ډیر واخله:

امپریالستان، د ودی په حال کښی هیوادو ته په اصطلاح مرستی د بڅښنی په ترڅ کښی، څرنگه چه وینو یوازی د یوی قاعدی پیروی کوی او هغه دا چه حتی الامکان لبر ورکوی او ډیر واخلی، دا دی ځینی عمومی آمار چه د ملگروملتو د سازمان پر رسمی خپرونه بناء دي: په ۱۹۵۶ - ۱۹۶۴ کلو کښی مخ پر انکشافه هیوادونه د خارجی دولتی خالص پانگی جریان په منځنی توگه هر کال په سلو کښی ۸ زیات شوی او د پورونو او اعتباراتو دډیرته بریاکولو په صورت د پانگی بیرته را گرزیدنه هر کال په سلو کښی ۱۹ زیاته شوی ده.

له ۱۹۵۰ نه تر ۱۹۶۵ په ټولو مخ پرانکشافه هیوادو کښی یوازی د امریکا د متحده ایالاتو مستقیمه پانگه اچونه څه د پاسه ۱۱ میلیارده ډالر او سود نی ۲۳ میلیارده ډالر ؤ - د ودی په حال کښی هیوادو پور هماغسی مخ په زیاتیدو دی. په ۱۹۶۸ کال کښی د دغو هیوادو پور نژدی ۵۰ میلیارده ډالرو ته ورسید. د پورونو له بابته، د ورکری اندازه همدغه راز زیاتوالی مومی چه همدا اوس د مرستی له لاری د نوی پانگی د جریان په درو کښی له دوو برخو زیاتپیری. د ځینو

### مبارزه انتخاباتی در پاکستان

در پاکستان از اول جنوری قیود بر فعالیت‌های سیاسی برداشته شد. قیل از این فیصله حکومت که حزب کمونیست را احتوا نمی‌کند، آقا محمد یحیی خان رئیس جمهور پاکستان اعلان داشت که انتخابات اسامبله ملی (پارلمان) به تاریخ ۵ اکتوبر امسال به عمل خواهد آمد و پارلمان جدید قانون اساسی جدیدی برای پاکستان تدوین خواهد نمود.

بدین‌صورت سکوت نسبی و مؤقتی‌ای که از نه ماه به این‌طرف یعنی بعد از اعلان حکومت نظامی در حیات سیاسی مردم پاکستان به وجود آمده بود، رفع گردید. نسبی‌بدان‌جهت که احزاب سیاسی (به‌استثنای حزب کمونیست) شکلاً ممنوع قرار داده نشده بود، گرچه فعالیت شان از طرف اداره نظامی

## بانک انکشاف زراعتی به شکل یک شرکت سهامی نمی‌تواند به زارعین کشور کمک کند

اخیراً اساسنامه بانک «انکشاف زراعتی» به شکل یک شرکت سهامی مختلط دولتی و خصوصی منظور و به منصفه عمل گذاشته شد. سرمایه مجاز بانک ۵۰۰ میلیون افغانی است که به پنج‌صد هزار سهم با نام تقسیم گردیده و قیمت هر‌سند سهم یک هزار افغانی می‌باشد. روزنامه‌ها و نشرات دولتی که وظیفه دارند به نفع هر عمل حکومت توجهات و تعبیراتی را به وجود آورند ضمن استقبال ازین تصمیم و تأیید آن نوتشند که بانک انکشاف زراعتی برای آن به شکل یک شرکت سهامی در آمد تا «مردم» در آن سهم فعال‌تر بگیرند. ولی توضیح اینکه: با خریداری سهام بانک از طرف عده مخجودی از مالکین تسلط ایشان بیش از پیش برین مؤسسه مالی و بر دهقانان زحمتکش کشور قایم‌تر می‌گردد. در ماده نهم اساسنامه بانک تذکار گردیده است که ۵۱ فیصد سهام

#### به مناسبت صدمین

سالروز تولد لنين

## نوی او زور استعمار

-۲-

محاسباتو له مخی به د پورونو له بابته، د ورکری زیاتوالی په دی منجر شی چه تر ۱۹۷۵ کال پوری به دودی په حال کښی هیوادونه خپل هغه ټول وجوه کوم چه له دولتی او خصوصی منابعو څخه ئي لاس ته ورځی د سود د بریاکولو او د هغو اعتباراتو د استهلاک لپاره چه تر پخوانی اخیستی دی ولگوی.

که امپریالستان په دغو ټولو باندی «مرستی» نوم ړدی په دی صورت کښی به نو په کوم شی باندی د لوټ

شدیداً کنترول می‌گردید. مهم‌تر اینکه در پاکستان فعالیت سیا سی به تقریباً سی حزبی که در آن کشور وجود دارد محدود نمی‌باشد. خلق کارگر پاکستان اکثرأ مبارزه به خاطر شرایط بهتر زندگی و اصلاحات دموکراتیک را در خارج چوکات مبارزه حزبی پیش می‌برد.

نازاری عمومی و اعتصابات وسیعی که در طول سال گذشته در پاکستان رخ داده طور واضح نشان می‌دهند پرایلم های جدی اجتماعی و اقتصادی‌ای که علت بحران رژیم رئیس جمهور محمد ایوب خان گردید هنوز راه حل مثبتی برای خود پیدا نه نموده است. هنوز اقتصاد کشور توسط گروپ‌های نیرومند انحصارات داخلی کنترول می‌گردد. موضع سرمایه خارجی به همان اندازه سابق قویست که در گذشته بود. دهقانان که قاطبه نفوس را تشکیل می‌دهند همچنان از فقر و فقدان زمین رنج میبرند و سطح زندگی بطور عمومی پایین است. انتخابات عمومی و احیای حکومت پارلمانی یکی از خواست‌های عمدهٔ جنبش دموکراتیک می‌باشد که در طول سال ۱۹۶۸ و آغاز سال ۱۹۶۹ سراسر کشور را فراگرفته بود. فیصله اداره نظامی برای اجرای انتخابات عمومی بدون شک خواست مردم را برای تغییر در سیستم دولتی و حقوق وسیع‌تر دموکراتیک در نظر گرفت. مرحله مقدماتی ثبت نام رأی دهندگان به پایان رسید و ۵۶ میلیون نفر برای رأی دادن ثبت گردیدند؛ ۳۱ میلیون در پاکستان شرقی و ۲۵ میلیون در پاکستان غربی. درین صورت پاکستان شرقی نسبت به پاکستان غربی نمایندگان بیشتری در پارلمان خواهد داشت.

رفع قیود بر فعالیت‌های سیاسی آغاز مبارزه انتخاباتی را بشارت داد. تقریباً تمام احزاب سیاسی اراده خود را جهت سهم گرفتن در مبارزه انتخاباتی اعلان و پلاتفرم های خودرا نشر نمودند. میسرین پاکستانی ضمن تحلیل از پروگرام‌های احزاب مذکور، اظهار نظر می‌نمایند که در اکثریت پروگرام ها یک وجه مشترک وجود دارد و آن اینست که: پروگرام‌های مذنوبر بیشتر جنبه اعلامیه وی دارند تا مشخص بهر صورت احزابی که قانوناً فعالیت می‌نمایند بطور کلی به

#### د توجه ور

### (۱) د پښتونستان نیشنل عوامی گوند د لویه جرگی د اعلامیې په باره کی او

### (۲) د پاچاخان د وینا په باره کی څلورم مخ ته دی -

مراجعه وشي.

او چور نوم ړدل کيږی؟ داسی معلومیږی چه د خپلواک شویو هیوادو لویه ډله د خپل اقتصادی وروسته پاته توب له امله لا هماغسی یو لوی باج او خراج پخوانیو استعماری هیوادو ته ورکوی.

د دی باج او خراج مجموعی اندازه په اوسني وخت کښی نه یوازی کمبود نه مومی بلکه حتی په محسوسه توگه مخ پر زیاتیدو روان دی، او دا په دی معنی دی چه گواکی امپریالیزم - څرنگه چه بورژوازی ایندولوگان ادعا کوي د له منځه تللو په حال کښی ندی. دغه نتیجه گیری دهغو جریاناتو په واسطه کوم چه د پانگولی په جهانی بازار کښی صورت نیسی، تقویت کیږی.

په دی ټکی پوهیدل دومره گران ندی چه د پانگولی په جهانی بازار کښی د مخ پر انکشافه هیوادو ضرر د امپریالیستی انحصاراتو لپاره عملاً اضافی گټه شمیرله کیږی.

نوی استعمارگران په جهانی بازارونو کښی د بیو د سیاست د یورنگه کولو او د ودی په حال کښی هیوادو ته د صنعتی شیانو د واردولو له مقیاسونو سره د لوبو په ترڅ کښی هغه ټول علاید چه استعماری امپریالیزم د استعماری هیوادو د موجودیت په وخت کښی په کلی توگه ترلاسه کاوو، له یوی اضافی اندازی سره یوځای ترلاسه کوی.

#### د چاری لار کومه یوه ده؟

ظاهراً د هغو عللو د رفع کولو له پاره کوم چه د آزاد شوی هیوادو د وضعی د نابرابری او د امپریالیزم په واسطه د دغو هیوادو د استثمار موجب گززی، تر هرڅه د مخه د دوی د اقتصادی ټول سازمان اساسی تجدید ضروری دی، په اوسنی حال کښی په «دریمه نړی» کښی د وقایعو جریان مخصوصاً په همدغه پلو کی پراختیا مومی. د کمونیست او کارگری گوندونو د بین‌المللی کنفرانس گډون کوونکو داسی نظر څرگند کر:

«د آسیا او افریقا په اکثره خپلواکه هیوادو کښی د اقتصادی وروسته پاتی توب له منځه وړل د مستقل ملی اقتصاد او له جملی د ملی صنایعو ایجادول او د خلکو د ژوندانه د سطحی لوړول، د سیاسی خپلواکی حاکمیت او له هغه څخه د دفاع د تحکیم له مسائلو سره یوځای د اجتماعی ترقی او ودی اساسی مسایل گرزیدلی دی.»

ډیر واقعیتونه د دی څرگندی دی چه د خپلواکه شویو هیوادونو ملتونه تر دی زیات نشي کولی له داسی وضعی سره چه ملی شتمنی ئی د خارجی کوپراسیونونو او بانکونو صندوقونو ته جریان ولری سازش وکرای شی.

دوی د امپریالیستی هیوادونو اقتصادی سیاست د ودی په حال کښی

(۴ مخ)

ماسکو تعیین فرمایید و ما از جانب خود، ارسال یک نفر نماینده حکومت کارگران و دهقانان را به کابل تجویز می‌نماییم و از اعلیحضرت شما خواهشمندیم که برای داخل شدن بلادرنگ وی به افغانستان به تمام مأموران هدایت (عطا فرمایید. استقرار مناسبات دائمی دیپلماتیک بین دو ملت بزرگ امکانات وسیعی را برای معاونت متقابل بر ضد هر نوع تجاوز غارتگران حقوق دیگران و دارائی دیگران به وجود خواهد آورد.»

لنین به هیات مخصوص افغانی که در ۱۹۱۹ به ماسکو رفته بود توجه زیادی مبذول داشت. اعضای هیأت را دو دفعه به حضور پذیرفت و با ایشان به مذاکره پرداخت.

تعلیمات لنین به نماینده شوروی متعین دربار افغانستان علاقمندی بزرگی او را برای تحکیم دوستی افغان شوروی نشان می‌دهد. در قسمتی از تعلیمات وزیر خارجه شوروی به وزیرمختار شوروی در افغانستان که به تصویب لنین رسیده

(ص ۲)

## لنین و دوستی افغان . شوروی

در داخل روسیه می‌باشد...، ما تمام مساعی ممکن را به عمل می‌آوریم تا به رشد مستقل، آزاد هر ملت کمک نماییم...»

باجود وضع بسیار معلق و دشواری‌هایی که دولت شوروی می‌گذرانید لنین توجه بزرگی به استقرار و انکشاف مناسبات دوستانه بین افغانستان و روسیه شوروی مبذول می‌داشت. لنین اعلان استقلال افغانستان را در ۱۹۱۹ و تقاضای امیر افغانستان را برای تأسیس مناسبات نزدیک با مردم روسیه قلباً استقبال نمود. وی در پیام جوانیه که به امیر افغانستان فرستاد، می‌نویسد: «با استقبال از ارادهٔ اعلیحضرت شما راجع به تأسیس مناسبات نزدیک با مردم روسیه از شما خواهش می‌کنم که یک نفر نماینده رسمی خود را به

اصول صلح و امنیت بین‌المللی، مساوات، دوستی و همکاری بین ملت‌ها را اعلان نمود.

انکشاف این اصول که اساس سیاست خارجی اتحاد شوروی را تشکیل می‌دهد با نام لنین رهبر مردم شوروی و دوست بزرگ ملل شرق ارتباط نزدیک دارد. لنین پشتیبانی همه جانبه از مبارزه نجات بخش مردم شرق استعمار زده را یکی از وظایف عمده دولت شوروی می‌پنداشت.

وی در بیست جون ۱۹۱۹ در جوابات خود در برابر سؤالات ژورنالیست‌های امریکایی اظهار داشت: «فعالیت‌های دولت شوروی، در افغانستان، هند و دیگر کشورهای مسلمان خارج روسیه عیناً مانند فعالیت‌های ما در بین ملت‌های متعدد مسلمان و دیگر ملت‌های غیرمسلمان

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	حقایق و ارقامی چند در مورد معادن افغانستان و بهره برداری از آن‌ها:	<span></span>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>منابع سرشار طبیعی ما بلا استفاده مانده است (از بیانیه پارلمانی ما)</b>	<span></span>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	افغانستان از لحاظ منابع زیرزمینی و معدنی بطور نسبی غنی می‌باشد. ولی ازین منابع تا کنون استفاده‌ای به عمل نیامده است، در حالی که بخش اساسی مسأله صنعتی کردن کشور مربوط به استفاده وسیع و همه جانبه از مواد معدنی و زیرزمینی میباشد؛ زیرا صنایع سنگین عمدتاً بر اساس مواد معدنی می‌تواند به وجود آید.	<span></span>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	برای کسانی که در مورد افغانستان و عقب ماندگی اقتصادی آن مطالعات کافی ندارند تعجب آور خواهد بود بدانند مواد معدنی کشور که از سالیان دراز به این‌طرف به شکل عتقوی استخراج می‌گردد بر سه گونه است: زغال سنگ، نمک و لاجورد. فهم این موضوع نیز خالی از دلچسپی و تعجب نیست که تولید مواد معدنی با تمام محدودیت آن از یکسال تا سال دیگر تقلیل یافته است. چنانکه اگر شاخص آن از سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۴۷ ملاحظه شود به وضاحت می‌توان سیر نزولی در استخراج مواد معدنی را ملاحظه کرد.	<span></span>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>شاخص (اندکس) تولید مواد معدنی</b>	<span></span>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>سال</b>	<b>بدون گاز</b>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>۱۳۴۵ (سال اساس)</b>	<b>۱۰۰</b>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>۱۳۴۶</b>	<b>۹۰</b>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>(ص ۳)</b>	



(از ص اول)

## لنین و دوستی افغان - شوروی

بود گفته می‌شود: «سیاست ما سیاست

صلح و همکاری بین ملت‌ها است. در حاضر، وقتی‌که ملت‌های از نظر اقتصادی بسیار عقب مانده شرق از ستم اقتصادی خارجی به طرز دردناکی رنج می‌برند، روسیه شوروی سوسیالیستی برای آن‌ها دوست طبیعی می‌باشد. سیاست ما در شرق تجاوزکارانه نیست، سیاست صلح و دوستی می‌باشد. دوستی مستلزم معاونت متقابل است و به تاسی از آرزوی ما برای پیشبرد حد ممکن رشد و شگوفایی کشور دوست افغانی حاضریم آن کشور را تا جایی که در توان ما است هر نوع کمک نماییم» نخستین معاهده دوستی‌ای که بعد از اعلان استقلال از طرف افغانستان به امضاء رسید معاهده با روسیه شوروی بود. لنین در طرح و امضای این معاهده سهم فوری گرفت. معاهده ۱۹۲۱ دوستی و احساسات مهربانانه متقابل را که در مناسبات بین کشورهای ما تعمیم گردید تحکیم

سیاست اقتصادی و سیاسی ملاکان در کشور حمایت می‌کرد و دهقانانی را که به خاطر زمین قیام می‌کردند بشدت سرکوب می‌نمود و انقلاب بورژوا دموکراتیک روسیه (فبروری ۱۹۰۷) در مسأله ارضی هیچ تغییر مهمی به وجود نیاورد.

وضع روستاها فقط بعد از انقلاب اکتوبر (سال ۱۹۱۷) از بیخ و بن دگرگون شد و آرزوی دیرین میلیون‌ها دهقان ستم‌دیده تحقق یافت.

در تاریخ هشت نومبر سال ۱۹۱۷ دومین کنگره شوراهای سراسر روسیه فرمان مربوط به زمین را تصویب نمود. متن فرمان به ابتکار شخصی و. ای. لنین و با شرکت بلاواسطه او تنظیم شده بود.

هنگام تنظیم این سند، طرح پیشنهادی دهقانان در بارهٔ زمین مرکب از ۲۴۲ فقره پیشنهاد که از نواحی مختلف رسیده بود، مبنای کار قرار داده شد.

بر اساس فرمان لنین در بارهٔ اراضی ملاکان و زمین‌های کلیساها و املاک… با تمام مستغلات و بناها و وسایل تولید مصادره شد و کلیه زمین‌ها ملی اعلام گردید. به عبارت دیگر مالکیت خصوصی بر زمین ملغی شد و اراضی مصادره شده بلاعوض در اختیار زارعین گذارده شد.

واحدهای زراعتی نمونه و کشتزارهای نباتات و باغات و تاکستان‌ها و قلمستان‌ها و گلخانه‌ها مشمول لایحه انتقال اراضی به دهقانان نشدند و منحصراً برای استفاده در اختیار دولت یا شرکت‌های تعاونی روستایی در آمدند، علاوه برین، مؤسسات پرورش اسب و مؤسسات دولتی و خصوصی اصلاح نژاد دام‌ها نیز فقط به دولت واگذار شدند، بر پایه این قبیل اقتصادیات و مؤسسات تأسیس نخستین اقتصادیات روستایی دولتی (ساخوزها) و همچنین اولین شرکت‌های تعاونی تولید روستایی (کلخوزها) شروع شد. طبق فرمان، خرید و فروش زمین و هرگونه معاملات ملکی قذغن اعلام شد. در نتیجه این فرمان زارعین از پرداخت بهره مالکانه و همچنین

پرداخت قیمت بازخريد زمین معاف شدند.

بدین شکل در کشور شوروی کلیه اشکال استثمار در روستاها ریشه کن گردید و شالوده پیشرفت تولید زراعتی در راه سوسیالیستی نهاده شد.

فرمان مربوط به زمین با قانون سوسیالیستی شدن زمین‌ها (مصوب ۱۹ فبروری سال ۱۹۱۸) بسط و تکامل یافت، در این قانون اصول تقسیم یکسان زمین‌های مزروعی بین زحمتکشان تعیین گردید و آزادی عمل زحمتکشان روستاها در انتخاب اشکال زراعت تصریح شد، سازمان‌های مرکزی و محلی موفق شدند نه تنها زمینه‌های مزروعی را عادلانه تقسیم کنند بلکه به توسعه کلخوزها هم کمک نمایند.

ملی شدن اراضی امکانات مطلوبی جهت انتقال اقتصادیات کوچک روستایی به اقتصادیات بزرگ اشتراکی فراهم آورده اگر در سال ۱۹۱۸ فقط یک درصد تعداد کل مزارع انفرادی در شرکت‌های تعاون تولیدی متحد شده بودند در آستانه پنجاه سالگی حکومت شوروی (سال ۱۹۶۷) این رقم به ۹۹/۹۹ درصد رسید. حالیه در کشور شوروی بیش از ۳۷ هزار کلخوز وجود دارد.

انتقال به اقتصادیات روستایی بزرگ سوسیالیستی به معنای چرخش کامل در روابط اقتصادی و در تمام شئون زندگی دهقانان بود. در نتیجه اشتراکی شدن کامل تولید زراعتی آخرین طبقه استثمارگر یعنی دهقانان متمول در روستاها از بین رفتند.

مربوط به اصول سوسیالیستی بهره برداری از زمین و طرق انتقال به زراعت سوسیالیستی صادر شد. در فرمان هدف‌ها و وظایف زراعتی سوسیالیستی تعیین گردید. روز بعد و.ای لنین فرمان مربوط به تأسیس اقتصادیات شوروی را امضاء نمود. این لوایح قانونی مبنایی برای تأسیس اقتصادیات دولتی بزرگ گردید. در آستانه سال ۱۹۶۷ تعداد ساخوزها در نواحی روستایی بیش از ۱۲ هزار رسید.

پس از پایان جنگ داخلی و مبارزه مردم شوروی علیه اخلالگران اجنبی (۱۹۱۷ - ۱۹۲۱) مسأله تنظیم قوانین ارضی به‌صورت یک سیستم واحد، ضرورت کسب می‌کرد - به همین مناسبت در اکتوبر سال - ۱۹۲۲ مجموعه قوانین ارضی جمهوری فدراتیف روسیه شوروی و مرکب از مواد اساسی و سه بخش: استفاده از زمین برای کارهای تولیدی، زمین‌های شهری و اراضی دولتی و اصول انتفاع از زمین و کوچ کردن تصویب شد.

مجموعه قوانین مشابهی در جمهوری‌های متحده دیگر نیز تصویب گردید.

در مجموعه قوانین ارضی هرکدام از جمهوری‌ها تصریح می‌شد که حق مالکیت به زمین برای زراعت به کلیه اتباع کشور شوروی در صورت تمایل به کشت و زرع با کار خود، صرف نظر از تفاوت جنسی و ملی و معتقدات مذهبی واگذار می‌گردد. بعد برای استفاده از اراضی کلخوزها و ساخوزها مقررات معینی وضع شد.

پس از تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و تصویب قانون اساسی اتحاد شوروی تعیین مبنای قانون‌گذاری و بهره برداری از زمین و همچنین بهره برداری از ذخایر درون زمین و جنگل‌ها و آب‌ها در سرتاسر اراضی کشور شوروی به صلاحیت دولت اتحاد شوروی واگذار شد. در نخستین قانون مصوب برای سرتاسر اتحاد شوروی حق تقدم کلخوزها در استفاده از هرگونه اراضی جهت تولید کشاورزی رسماً اعلام گردید و ضمناً نقش مهم ساخوز نیز خاطر نشان شد. بدین ترفیب سیاست دولت در مورد زراعت دسته‌جمعی و اشتراکی در قانون منعکس گردید.

در شرایط پیروزی نظام کلخوزی در اتحادشوروی، کلخوزها و ساخوزها به‌صورت استفاده کنندگان اصلی زمین‌های مزروعی در آمدند. زمان می‌گذشت، مردم شوروی اقتصاد عقب مانده کشور را به‌صورت اقتصاد توسعه یافته

درآوردند. کشور عقب مانده حتی به کشور صنعتی و کشاورزی مبدل شد. مرحله جدید ساختمان جامعه سوسیالیستی ایجاب می‌کرد که بهره برداری از زمین شکل بهتری کسب نماید. در سال ۱۹۶۸ طرح اصول جدید قانون ارضی اتحاد شوروی و جمهوری‌های متحده با شرکت نمایندگان وزارت خانه‌ها و ادارات و همچنین دانشمندان تنظیم شد. شورای عالی اتحاد شوروی بعد از پایان اظهار نظر وسیع اهالی کشور پیرامون این طرح در جلسات و در جراید طرح اساسنامه را در اجلاسیه خود مورد بررسی قرار داد و در دسمبر ۱۹۶۸ تصویب نمود.

اساسنامه قانون ارضی کماکان مبتنی بر آنست که زمین مالکیت دولتی بوده و به عبارت دیگر مال عوم مردم است و اراضی کشور مجموع‌ه واحدی را تشکیل داده و بلاعوض برای بهره برداری در اختیار کلخوزها و ساوخوزها و دیگر مؤسسات کشاورزی و دولتی و شرکت‌های تعاونی و سازمان‌های اجتماعی و ادارات و همچنین مردم و زحمتکش اتحاد شوروی گذاشته می‌شود.

حق استفاده از زمین با قانون تضمین شده.

هدف از تغییرات اساسی که در قانون ارضی داده شده آنست که تمام زمین‌ها بطور صحیح و معقول مورد استفاده قرار گیرند و اشخاصی که از زمین استفاده می‌کنند در قبال بالا بردن حاصلخیزی زمین و جلوگیری از خرابی و ریزش و شور شدن و از قوت افتادن زمین و غیره احساس مسئولیت نمایند.

بین فرمان لنین در باره زمین و اساسنامه قانون ارضی مصوب سال ۱۹۶۸ فاصله تاریخی بزرگی وجود دارد ولی میان این دو پیوند ناگسستنی برقرار است. شالوده قوانین ارضی کشور بر فرمان لنین در باره زمین و این اندیشه لنین مبتنی است: «زمین باید به خدمت رفاه همه مردم نهاده شود.»

»ترجمه«

کردن این تکتیک ابسترکیسونستی انحصارگران چنین نوشت:

«ما باید این مطلب را درک نماییم که غرب برای ما صنایع سنگین ایجاد نمی‌نماید، حتی وعده هم اگر بدهد فقط برای این منظور است که ایجاد کارخانه‌های ذوب آهن و ماشین سازی ما را به تأخیر اندازد.»

حقایق نشان می‌دهد که کشورهای امپریالیستی تلاش می‌ورزند که مانع ایجاد صنایع ملی کشورهای در حال رشد گردند و یا لاقلاً آن را به تأخیر اندازند و این امر مسلم است که سرمایه گذاری‌های انحصارات امپریالیستی نمی‌تواند نقش مؤثر در حل پرابلم های اقتصادی کشور های کم رشد ایفاء کند.

باید متذکر شد که اخیراً تمایلاتی به مشاهده می‌رسد تا زمینه برای رسوخ اقتصادی کشورهای «جدید» امپریالیستی در افغانستان فراهم گردد. ولی کوشش‌های هیأت حاکمه افغانستان برای جلب و کمک و سرمایه گذاری‌های خصوصی کشورهای امپریالیستی من‌جمله جاپان و فرانسه برای استخراج و پروسس مواد معدنی در کشور ما ذوقی بیش نیست و اگر هم این کشورها حاضر به انجام چنین امری گردند با اطمینان می‌توان گفت که به‌قصد غارتگری و نفوذ استعمار نوین خواهد بود و نمی‌تواند نقش مؤثر در رشد اقتصادی افغانستان داشته باشد.

اکنون که تا حدودی در زمینه کشف و تثبیت ذخایر زیرزمینی افغانستان به کمک اتحاد شوروی تسهیلاتی جهت بهره برداری از آن‌ها فراهم گردیده است، نظریاتی از طرف هواداران امپریالیزم سرمایه داری ارائه می‌گردد تا از این تسهیلات به‌وسیله سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی و سرمایه گذاری‌های خصوصی استفاده گردد و این نظراتی است ضد منافع و مصالح خلق افغانستان. در مورد استخراج و بهره برداری از معادن کشور مشکلات عدیده‌ای پیش کشیده میشود، در حالی که در برخی از معادن افغانستان چندین قرن قبل از استخراج و بهره برداری به عمل آمده است و چنانکه در ساحه کندلان که وجود معادن مس و طلا پیش‌بینی گردیده است صوف‌ها و نشانه‌های متعددی وجود دارد که از کار استخراجی در معادن مذکور در صداها و شاید هم هزاران سال قبل نمایندگی مینماید.

لهذا منافع خلق افغانستان حکم مینماید که باید از طریق توسعه پس انداز داخلی و بسیج آن در امر بهره برداری از معادن و منابع سرشار تحت‌الارضی افغانستان و جلب مساعدت‌ها و کمک‌های بی‌شائبه اقتصادی و فنی کشورهای صلح‌دوست بخصوص اتحاد شوروی برای این منظور جهت رشد اقتصادی کشور و ایجاد یک اقتصاد ملی مستقل و توانا گام‌های مؤثر برداشته شود. ولی حکومت‌های افغانستان از عهده این کار بر آمده نمی‌توانند و این کار یک حکومت دموکراتیک و ترقی‌خواه است و اما بهر حال این مسأله جداً تذکار می‌گردد که بهره برداری از معادن افغانستان به غرض ایجاد صنایع و بخصوص صنایع سنگین چون ذوب فلزات سیاه و همچنین استخراج و تصفیه و استفاده از نفت و گاز باید جزء بخش عامه اقتصاد باشد، هرگونه تلاش در این زمینه که سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی و سرمایه‌های خصوصی دخیل گردد نه عملی است و نه قابل تحمل برای خلق افغانستان.

بعضی احجار اجنبی در تولیدات لاجورد تنزیل رخ داده است.»

مسأله تفحص و سروی معادن افغانستان تا چند سال قبل اصلاً مطرح نبود تا اینکه در آغاز پلان دوم در اثر کمک‌های تکنیکی و اقتصادی اتحادشوروی، سروی معادن کشور به شکل علمی آن آغاز گردید و علی رغم کار شکنی‌ها تا حال کارهای در زمینه انجام گردیده است ولی اکنون مسأله عمده که عبارت از بهره برداری از معادن و ذخایر زیرزمینی تثبیت شده باشد مطرح می‌باشد که حکومت افغانستان در این زمینه تعلل می‌ورزد و هیچ اقدام مؤثر و عملی را به بهانه‌های گوناگون و پیش کشیدن دلایل ناصحیح اتخاذ نکرده است. معدن بزرگ آهن حاجی گک که دارای ذخایر تثبیت شده بسیار عظیم و دارای بهترین نوع آهن با فینصدی های بلند می‌باشد تاکنون بلااستفاده مانده است. در مورد ایجاد کارخانه ذوب آهن در افغانستان هرگونه کارشکنی صورت می‌گیرد. دلایل بی‌پایه بر رد پیشنهاد تأسیس ذوب آهن در افغانستان چه از طرف مشاوران صاحب غرض کشورهای امپریالیستی و چه از طرف اقتصاددانان غرب زده کشور ما ارائه می‌گردد.

حکومت افغانستان بخصوص در زمینه ایجاد ذوب آهن به «مشوره‌های» متخصصین کشورهای غربی و پیروان داخلی آنان توجه مینماید و راپورهای غرض آلود آن‌ها را برای عدم ایجاد دستگاه ذوب آهن بهانه قرار می‌دهد. همچنین تلاش‌های صورت گرفته است و صورت می‌گیرد که به‌اصطلاح «کمک» و یا سرمایه گذاری‌های کشورهای امپریالیستی برای این امر جلب گردد. ولی حقایق سرسخت مؤید آنست که کشورهای امپریالیستی بخصوص در مورد تأسیس کارخانه ذوب آهن و ایجاد صنایع سنگین حساسیت نشان می‌دهند. کشورهای امپریالیستی بیش از ۳۰ سال به بهانه‌های مختلف ایجاد ذوب آهن و صنایع انجنیری را در ایران به تعویق انداختند و حاضر نگردیدند که در برابر بزرگترین امتیازات اقدام به تأسیس ذوب آهن در آن کشور بنمایند تا اینکه کشور اتحاد شوروی به این خواست اساسی، مجرب و دیرینه خلق ایران پاسخ مثبت داد. در مورد کارخانه عظیم ذوب آهن هند در پور کار و که طر ح ساختمان آن در پلان پنج‌ساله سوم ریخته شده بود از طرف انحصارات امپریالیستی موانع زیادی ایجاد گردیده و در باره ساختمان این فابریکه مذاکرات با کشورهای امپریالیستی نزدیک به چهار سال را در بر گرفت یعنی از اخیر سال ۱۹۶۳ تا وقتی که دولت هند دیگر از مذاکره دست گرفت و به غرض دریافت کمک به اتحادشوروی مراجعه کرد. همچنان تقریباً ۱۴ - سال میشود که انحصارات امپریالیستی برای تأدیه قرضه به غرض ساختمان کارخانه ذوب آهن به پاکستان خود داری مینماید؛ زیرا که از چهار بخش سه بخش واردات فلزات سیاه مورد ضرورت پاکستان به‌تنهایی به‌وسیله انحصارات امریکایی تهیه می‌گردد، چنانکه روزنامه «پاکستان تایمز» در وقت آن ضمن محکوم

<b>۱۳۴۷</b>	<b>۷۸</b>
ضمن ارائه ارقام بالا در نشریه وزارت پلان (پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی - سال ۱۳۴۷) چنین اعتراف صورت می‌گیرد: «سیر ارتقای اندکس عمومی تولیدات معادن… باوجود شمول گاز به حیث یک تولید جدید و مهم از سال ۱۳۴۲ - ۱۳۴۵ بسیار ناچیز بوده و بعد از آن تولیدات با مقایسه سال ۱۳۴۵ تقلیل یافته است.	
ارقام فوق نمی‌تواند تصویر کلی‌ای را در باره مقدار استخراج مواد معدنی از یکسال تا سال دیگر ارائه نماید. برای اینکه بطور مشخص ملاحظه شود که طی چند سال اخیر چه مقدار قلیل مواد معدنی (نمک، زغال سنگ و لاجورد) استخراج گردیده است ارقام مربوط را ذیلاً نقل می‌نماییم.	
<b>مقدار تولید مواد معدنی</b>	
<b>نمک (به هزار تن) - زغال سنگی (به هزار تن) - لاجورد (به هزار کیلو گرام)</b>	
<b>سال</b>	
۱۳۴۲	۳۶/۷
۱۳۴۳	۲۹/۵
۱۳۴۴	۳۶/۱
۱۳۴۵	۳۸/۷
۱۳۴۶	۳۱/۳
۱۳۴۷	۴۰/۸

مقدار استخراج نمک طی چندین سال تقریباً به یک سطح باقی مانده در حالی که مسلماً ضرورت بیشتر گردیده است (نحوه استخراج نمک خیلی ابتدائی بسان قرون عتیقه باقی مانده است.) البته در این شکی نیست که مقادیری به‌مراتب بیشتر از آنچه رسماً راپور داده میشود استخراج گردیده و بفروش رسانیده میشود و ازین طریق مبالغ گزافی در هر یک از معادن نمک اختلاس می‌گردد و روی همین ملحوظ است که کرسی امریت هر یک از معادن برای خود سرفعلی دارد.

زغال سنگ بطور کلی بهمان طریق و وسایل بسیار ابتدایی از طریق استثمار شدید معدنچیان مخلوط با مواد اجنبی استخراج می‌گردد. محدودیت مقدار استخراج زغال سنگ و باقی ماندن آن کم و بیش به یک سطح معین طی چندین سال خود گواه برین است که من‌جمله در چندین سال در صنایع و در امور تولیدی زغال سنگ مورد استفاده قرار نگرفته است.

لاجورد افغانستان که ماده قیمتی و نادر است، بازار فروش آن در سال‌های اخیر بنابر سرازیر شدن مقادیر زیاد بلور قاچاق به کساد و رکود کامل مواجه شده است و به همین جهت است که مقدار استخراج آن بطور رسمی خیلی پائین آمده نه به دلیل آنکه از طرف مقامات مربوط ادعا می‌گردد «نسبت موجودیت

(بقیه از صفحه اول)

## منابع سرشار طبیعی ما بلااستفاده مانده است



اسلحه ما تخریب شد. ما اولاً برای دفاع از خود و باز برای دفاع از سرزمین‌های اشغال شده خود به اسلحه ضرورت داشتیم. ولی اسلحه امریکایی صرف روی این بهانه که ما از اتحاد شوروی اسلحه دریافت می‌داریم به‌سوی اسرائیل جریان پیدا کرد. اگر این را بعد از بین بردن آثار تجاوز و بعد از تخلیه قوای اشغالگر بر اساس فیصلهٔ نومبر ۱۹۶۷ می‌گفتند حاضر بودیم آن را بپذیریم. مگر جریان اسلحه امریکایی به‌سوی اسرائیل آن هم در حالی که فلسطین و اراضی متعلق به سه دولت مستقل عربی در تحت اشغال آن می‌باشد هیچ معنی جز طرفداری کامل و خلاف تمام اصول از اسرائیل را داشته نمی‌تواند و هیچ مفهومی جز تشویق متجاوز در ادامه تجاوزش و دشمنی صریح در برابر تمام ملل عرب را ندارد…»

— **پیام نکسن به رهبران «صهیونی» امریکا به‌منابه اعلان جنگ در برابر تمام اعراب میباشد:**

روزنامه بغداد آیزورر در تبصرهٔ سیاسی خود می‌نویسد که پیام نکسن به اجتماع رهبران صهیونی امریکا که در آن اعطای اسلحه بیشتر به اسرائیل وعده داده شده است از طرف مبصرین به‌منابه اعلان جنگ ایالات متحده امریکا بر ضد اعراب تلقی می‌شود. زیرا صدور چنین پیغام بخصوص در این وقت که اسرائیل فعالیت‌های نظامی خودرا بر صد کشورهای همجوار خویش شدت و توسعه می‌دهد معنی آن را دارد که واشنگتن نمی‌خواهد بحران شرق میانه حل و فصل گردد. بلکه بر عکس خواهان آنست که این بحران ادامه پیدا کند. متقابله داغ در شرق میانه به اسرائیل آزادی می‌دهد که به پشتیبانی امریکا حملات خودرا بر رژیم‌های مترقی عربی این ناحیه شدت بخشد و موج روز افزون و روپنده جنبش

(از ص اول)

(از صفحه اول)

اهداف غیرنظامی توسعه داده است.
قرار اطلاع خبر گذاری‌های مختلف طیارات اسرائیل به تاریخ ۱۲ فیروزی یگ فابریکه فولدسازی مصر را در ابوزاعیل بمباران نمودند که در نتیجه آن ۸۰ نفر از کارگران به قتل رسیدند و در همین حدود نفر شدیداً زخمی‌گردیدند. حکومت جمهورییت متحد عرب به مخبرین جراید اجازه داد تا از فابریکه دیدن نمایند. هزاران نفر در برابر اجساد شهدا می‌گریستند. در میتینگ بزرگی که در بیرون فابریکه تشکیل گردیده بود کارگران و مردم سوگند یاد کردند که انتقام خواهند گرفت.

پیش بینی کرده می‌توانیم که اسرائیل در اثر پشتیبانی و کمک امریکا و دیگر دول امپریالیستی جنایات فجیع‌تر از این را مرتکب خواهد شد.

وزارت خارجه جمهورییت متحده عرب به تمام نمایندگان سیاسی خود در کشورهای مختلف هدایت داده است تا معلومات مفصل در مورد بمباران فابریکه نوب آهن ابوزاعیل توسط طیارات اسرائیل، ارائه دارند و تصریح گردد که مسوول اصلی این بمباران ایالات متحده امریکا است که بی‌دریغ به اسرائیل کمک نظامی می‌کند و از شیوهٔ خائنانه مقامات جنگ طلب اسرائیل پشتیبانی مینماید.

**- با اعراب علیه امپریالیزم، نه با امپریالیزم علیه اعراب:**
در قطعنامه‌ای که از طرف حزب کمونیست اسرائیل انتشار یافته گفته می‌شود: «با روش خصمانه و جنگ طلب حکومت اسرائیل عرصه زندگی در اسرائیل فلج شده است. هر روزی

انقلابی عربی را برای همیشه متوقف می‌سازد تا نشود که این جنبش کشورهای غیرعربی این ناحیه را در بر گیرد و به این صورت منافع ایالات متحده را در این حصه جهان ریشه کن سازد…»

**- اسرائیل در حقیقت حربه ایست در دست امپریالیزم:**

کنفرانس کوچک سران کشورهای عربی در قاهره خاتمه یافت. در ختم کنفرانس اعلامیهٔ نشر و در آن گفته می‌شود که: ما تصمیم گرفته‌ایم سرزمین‌های اشغالی را از وجود اسرائیل پاک سازیم. اسرائیل از طرفی امریکا تقویه میشود. در حقیقت اسرائیل حربه ایست در دست امپریالیزم امریکا و امریکا به کمک اسرائیل بحران شرق میانه را دامن بشدت محکوم نمود.

**— سیاست امریکا با سیاست اسرائیل فرق ندارد:**
جمال ناصر در مصاحبهٔ مطبوعاتی خود با نامه نگار روزنامهٔ لوموند گفته است که سیاست امریکا با سیاست اسرائیل فرقی ندارد. امریکا به اسرائیل اسلحه و طیاره ارسال می‌کند و دایماً رژیم تل اوپو را تقویه نموده و می‌نماید. امریکا از چندین سال قبل سیاستی را تعقیب می‌کند که هدف آن سقوط رژیم مصر است.

**— پشتیبانی بی‌دریغ امریکا از تجاوزات اسرائیل، آن کشور را بسوریت ساخته است:**

از آغاز سال جدید عیسوی افراطیون صهیونی به تحریکات خطرناک جنگی دست زده و دامنه تجاوزات خودرا تا حوالی قاهره و

# چرا جریان دموکراتیک خلق افغانستان...

که می‌گذرد جنگ و تجاوز تشدید می‌یابد. اعراب جهت حفظ آزادی و استقلال خود می‌جنگند، مگر اسرائیل به خاک و آزادی دیگران تجاوز می‌کند. اکنون اسرائیل به کانون جنگ تبدیل شده است. ما با شعار «با اعراب علیه امپریالیزم نه با امپریالیزم علیه اعراب» به مبارزه خود علیه حکومت جنگ طلب اسرائیل آغاز می‌نماییم. همچنان حزب کمونیست اسرائیل طی اعلامیه دیگری سیاست تجاوزکارانه اسرائیل را شدیداً مورد اعتراض قرار داده است. در اعلامیه گفته میشود: رهبران اسرائیل برای رسیدن به سیاست شوم و تجاوزکارانه خود جهت غارت کشورهای عربی در پهلوئ امریکا ایستاده است.

سیاست موجودی اسرائیل حیثیت و اعتبار اسرائیل را در جهان از بین برده است. این سیاست بالاخره به تباهی ما منجر خواهد شد و این مردم اسرائیل است که صدمه خواهند دید نه آن دسته ماجراجوی و نوکر امپریالیزم.

**- «بیانکی گورت را گم کن!»:»**

قرار اطلاع آژانس‌های معتبر محصلان تونس در برابر مسافرت وزیر خارجه امریکا به تونس تظاهرات بزرگی را به راه انداختند. تظاهرات میادند «بیانکی گورت را کم کن!» تظاهرات در مقابل سفارت امریکا و وزارت خارجه تونس صورت گرفت، تظاهرات محصلان تونس که بی بی سی آن را بزرگترین تظاهرات محصلان خواند وقتی شدت یافت که راجرز با وزیر خارجه و صدراعظم تونس مشغول مذاکره بود. هدف تظاهرات مخالفت با سیاست امریکا در شرق میانه و پشتیبانی آن از اسرائیل بود.

**- خشم روز افزون:**

ماهیت توسعه‌طلبانه پالیسی اسرائیل اکنون کاملاً روشن گردیده است. جنایات وحشیانه اخیر اسرائیل نشان داد که آن کشور به‌وسیله لسان بمب‌ها و ناپالم عدم قناعت خودرا بر تطبیق تصامیم سازمان ملل متحد و تأمین صلح در شرق میانه ابراز می‌دارد.

پالیسی امپریالیستی تشویق محافل حاکمه تل اوپو در بین تمام مردم ترقی‌خواه کره ما تشویش ایجاد کرده است. مردم صلح‌جوست جهان اعلامیه تاس را که مبین اخطار قاطع به تجاوزکاران بی‌باک تل اوپو میباشد مورد تأیید قرار داده‌اند.

در اعلامیه تاس گفته میشود که مردم اتحاد شوروی اعمال وحشیانه تجاوزکارانه اسرائیل را جداً تعقیب می‌نمایند و همبستگی خودرا با خلق‌های عرب که در راه حقوق جایز خود می‌جنگند ابراز می‌دارند... درین اعلامیه اظهار می‌گردد: تا زمانی که متجاوز اصول و اهداف منشور ملل متحد و فصل‌های این سازمان بین‌المللی را در باره امحای عواقب تجاوز اسرائیل و احیای مجدد صلح در شرق میانه زیر پا می‌کند اتحاد شوروی کمک ضروری خودرا به دول عربی ادامه خواهد داد تا به‌واسطه آن بتوانند امنیت و منافع عادلانه‌شان را حفظ کنند.

اعلامیه کمیته جنگ دیدگان شوروی می‌گوید که اعمال اخیر اسرائیل در خاطر‌های مردم اعمال وحشیانه و ضد انسانی ماشین جنگی هتلری را زنده میسازد. جنگ دیدگان شوروی همبستگی برادرانه خودرا با خلق‌های کشورهای عربی که علیه تجاوز مسلحانه امپریالیست‌ها در شرق میانه در نبرد اند، برای آزادی و استقلال ملی ایشان ابراز می‌دارند.

- بوجه برای تجاوز:

چند روز قبل رئیس جمهوری ایالات متحده ریچارد نکسن مسوده بوجه فدرال را برای سال مالی

۱۹۷۱ که از تاریخ اول جولای شروع می‌گردد، به کانگرس تسلیم کرد. مصارف نظامی به ۶۰۰/۳۷ میلیون دالر بالغ می‌گردد. این بوجه در اهمیت و کرکتر خود بیشتر از بوجه‌های قبلی تجاوزکارانه‌تر است. منجمله، یک مبلغ هنگفت. ۳۱۰۰ میلیون دالر درین بوجه برای تمام انواع کمک‌های نظامی به غرض حمایت از رژیم‌های ارتجاعی و ضدیت با جنبش آزادی‌بخش ملی، علاوه بر مصارف ناشی از تعهدات بر اساس همکاری‌های نظامی تخصیص داده شده است.

اکنون بیش از هر وقت دیگر دلایل بیشتر وجود دارد که این بوجه را بوجهی برای تجاوز نامید.

به ارتباط این موضوع باید گفت طبق ارقامی که از منابع نظامی امریکا بدست آمده نشان می‌دهد چهره ژاندارم بین‌المللی که توسط آن نظام‌های فرسوده و کهنه را نگهداری می‌کند به این شرح است: در ویتنام جنوبی ۵۰۰ هزار عسکر؛ در تایلند کوریای جنوبی ۵۶ هزار؛ در تایلند ۴۸ هزار عسکر؛ در جزیره اوکیناوا ۴۵ هزار و در دیگر نقاط جاپان ۴۰ هزار؛ در فلپاین ۳۰ هزار و با ازدیاد چند کشور دیگر قوای امریکا در شرق دور به ۸۰۰ هزار عسکر می‌رسد. در اروپا به ۳۳۷ هزار و در امریکای جنوبی به ۲۴ هزار عسکر می‌رسد. ژاندارم بین‌المللی در ۲۳ کشور قوای مسلح دارد و با ۴۵ کشور قرار داد نظامی.

**- آیا واقعاً یک دوکتورین جدید است؟**

از آوانی که ریچارد نکسن پا به قصر سفید گذاشته کوشیده است دوکتورینی را فورمولبندی نماید که آن را از خود بنامد. در ماه‌های اول ریاست جمهوری خویش او «دوکتورین گوام» را به وجود آورد که قرار بود «پالیسی جدید ایالات متحده برای آسیا» (با اینکه علیه آسیا) را توضیح نماید.

نکسن در آخرین پیام خود (۱۸ فیروزی) به کانگرس امریکا کوشید که «دوکتورین گوام» را به مناطق دیگر جهان توسعه بخشد که اکنون به حیث «دوکتورین نکسن» شناخته شده است این دوکتورین صراحتاً منظور ایالات متحده را برای نیل به اهداف نظامی و سیاسی آن با استعمال ملل دیگر اعلام می‌دارد.

در واقعیت امر این «دوکتورین » چیز نوی را ارائه نمی‌نماید و وظایف اساسی و اهداف پالیسی خارجی ایالات متحده امریکا بهمان وضع باقی می‌ماند، همان پالیسی‌ای که امپریالیزم ایالات متحده از پایان جنگ جهانی دوم تا کنون تعقیب مینماید. منجمله نکسن پالیسی اسلاف خودرا و پالیسی حمایت بی‌قید و شرط خود را از اعمال تجاوزکارانه و تحریک آمیز اسرائیل در شرق میانه و قصد خود را برای ارسال بی‌وقفه تجهیزات نظامی به شمول آخرین طیارات ما فوق سرعت صوت فانتوم و سکای هاکس و غیره تأیید کرد.

همچنان نکسن پالیسی «ویتنامی ساختن» یعنی ادامه جنگ تجاوزکارانه خود علیه مردم ویتنام، در حالی که از فعالیت عساکر رژیم سایگون به حیث علوفه دهن توپ به حمایت قوای هوایی و بحری ایالات متحده استفاده بیشتر به عمل آید و سبوتاز هرگونه مذاکرات صلح را تأیید کرد. به عبارت دیگر او هنوز هدف خود را پیروزی نظامی قرار داده است. درین پالیسی هیچ چیز جدیدی وجود ندارد لندن جانسن برای عین هدف اغفال کننده تمام تلاش‌های خودرا به خرج داد بود.

عکس‌العمل‌هایی که در برابر سیاست امریکا در شرق میانه و جنوب شرق آسیا نشان داده می‌شود روز افزون است.

**- از سال ۱۹۶۱ تا حال بیش از شش‌صد هزار نفر ویتنامی را به قتل رسانیدند:**

قوماندانی نظامی امریکا در سیگون اعلام نمود که از سال ۱۹۶۱ تا حال بیش از شش‌صد هزار ویتنامی توسط عساکر امریکایی به قتل رسیده‌اند. قوماندانی نظامی امریکا این جنایت بزرگ را پیروزی خود می‌دانند.

در همین نزدیکی‌ها محصلان جاپانی در برابر جنایات امپریالیزم امریکا در ویتنام به مقابل اداره اطلاعات امریکا در توکیو مظاهره بزرگی را سازمان داده بودند.

محصلان بیرق امریکا و عکس‌های نکسن را آتش زند و بجای بیرق امریکا پرچم جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی را به اهتزاز در آوردند.

**- افشای یک قتل عام دیگر توسط عساکر امریکایی در ویتنام.**

دستگاه تلویزیون (ام. بی. سی) امریکا گزارش یك قتل عام دیگر را توسط عساکر امریکایی در ویتنام انتشار داد. در گزارش گفته میشود که در همان روزها و در همان منطقه مای لای عساکر امریکایی یک عده از افراد غیرنظامی را قتل عام نمودند؛ اطالی را که به استقبال عساکر امریکایی می‌دویدند به آتش ماشیندار بستند و به داخل خانه‌ها بم پرتاب نمودند که در اثر آن ۹۰ نفر قتل عام شدند. این چندمین قتل عامی است که توسط خود امریکایی‌ها افشا می‌گردد و یقین کامل داریم که ده‌ها قتل عام دیگر صورت گرفته در آینده افشا خواهد شد.

**- امریکا مرتکب اعمال غیرانسانی و جنایات بزرگ در ویتنام می‌گردد:**

هفت نفر از طرفداران صلح و مخالف با جنگ ویتنام در هفته گذشته در شیکاگو تحت محاکمه قرار گرفتند. علت محاکمه این‌ها طرفداری از صلح و مخالفت با جنگ ویتنام می‌باشد. در برون محکمه به طرفداری از متهمین یک عده زیاد از طرفداران صلح دست به مظاهرات زدند. در واشنگتن و لاس آنجلس نیز به طرفداری آن‌ها مظاهرات مشابه‌صورت گرفت.

در حالی که مخالفین جنگ ویتنام در امریکا محاکمه می‌شوند، گروهی از دانشمندان فرانسوی بعد از تحقیق زیاد و ارائه اسناد و مدارک اعلان نمودند: قوای هوایی و زمینی امریکا در جنگ ویتنام از سلاح کیمیای خطرناک استفاده می‌کنند که در اثر آن تا اکنون هزاران انسان از زندگی ساقط شده‌اند، جنگلات و آبادی‌ها ویران گردیده است. تا اکنون ۵۰ هزار تن بمب بالای مردم فروریخته شده است، ۱۵ هزار کیلومتر مربع جنگل نابود شده است. دانشمندان فرانسوی بنام انسانیت و بشر دوستی و صلح از تمام مردمان جهان تقاضا می‌کنند تا علیه این اعمال غیرانسانی امریکا و بنام خلق که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، دفاع نمایند و اعتراض کنند. امریکا را از جنایاتی که در ویتنام روا می‌دارند باز دارند.

همچنان کمیته بررسی جنگ ویتنام در امریکا بعد از بنسنت آوردن مدارک و اسناد زیاد اعلان نمود که امریکا در جنگ‌ها ویتنام از سلاح کیمیای استفاده می‌کند که عواقب هولناک را به وجود آورده است.

گزارش مختصری که در بالا پیرامون حوادث اخیر ارائه گردید به تنهائی برای اثبات مسوولیت و محکومیت امپریالیزم امریکا در ادامه تجاوز و جنگ و تشدید بحران کافی است و همین به تنهائی خود گواه بر حقانیت مبارزات ما ضد امپریالیزم و صهیونیزم میباشد. اینکه هیأت حاکمه افغانستان رفقای مبارز وطن‌پرست ما را «به جرم» مبارزه علیه امپریالیزم امریکا در زندان افکنده است و به عین هدف اغفال کننده تمام تلاش‌های مینماید؛ آیا به معنی هواخواهی از امپریالیزم امریکا نیست؟ قضاوت را درین زمینه به هموطنان خود می‌گذاریم!





د افغانستان د خلک دموکراتک افکارو خپروونکی

۱۳ دلو ۱۳۴۸

د یوې گڼې ۲/۵ افغانی

## زده‌مین کنگره حزب

## کمونیست فرانسه

حزب کمونیست فرانسه زده‌مین کنگره خود را در حومه پاریس بانثیر از ۴ – ۸ فبروری دایر کرد. در کنگره ۹۵۰ نماینده به نمایندگی از ۲۵۰۰۰۰ اعضاء حزب و نمایندگان پنجاه حزب کمونیست و کارگری و سازمان جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و دموکراتیکک اشتراک ورزیده بودند...

در جلسات کنگره راپورهای عمده توسط ژورژ مارشه، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه و منشی کمیته مرکزی واییتن فژون عضو دفتر سیاسی ارائه گردید. نمایندگان اسنادی را که حزب کمونیست فرانسه را در فعالیت آینده آن رهبری خواهد کرد، به‌اتفاق آرا تصویب نمودند.

نتایج انتخابات برای مقامات رهبری اعلان گردید و در آخرین جلسه دعوت‌نامه‌ای برای مردم فرانسه تصویب شد. نخستین جلسه پلینوم کمیته مرکزی والدک روشه را به حیث منشی عمومی حزب انتخاب کرد و مقام معاونیت منشی عمومی به ژورژ مارشه که انتخاب گردید، تفویض شد. همچنین ۱۷ عضو دفتر سیاسی و دو عضو مشورتی انتخاب گردیدند.

جلسات زده‌مین کنگره جنب کمونیست فرانسه با بیانیه ژورژ مارشه معاون منشی عمومی بروز ۸ فبروری خاتمه یافت. ژورژ مارشه در ضمن مصاحبه با خبرنگار تاس در جواب این سؤال که مشخصات عمده کنگره حزب چه بوده است؟ گفت: اولاً کنگره ما مشی روشن عمل برای کمونیست‌های فرانسه در متی که پیش روی است به وجود آورد. نماینده‌گان در کنگره وضعی را که توسط سلطه انحصارات ایجاد گردیده است مورد ارزیابی قرار دادند...

در قیال چنین وضعی، کنگره اهدافی را مطرح کرد که بر طبق آن خلق کارگر فرانسه، تمام ملت برای ایجاد و تعقیب راه بک دموکراسی جدید که ما دموکراسی پیشرفته می‌نامیم، کار نمایند...

کنگره از کمونیست‌ها خواست، که مبارزه تمام نیروهای دموکراتیک را بر اساس یک پروگرام مشترک عمل، یک پروگرام حکومت مشترک چپ، سازمان و توسعه دهند...

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>		<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<b>در تهران (ایران) به تظاهرات عظیم دست زدند</b>		<b>در تهران (ایران) به تظاهرات عظیم دست زدند</b>
به روز دو شنبه (ه حوت) هزاران تهرانی که کاسه صبرشان لبریز است سکوت مرگبار را شکستانده و دست به تظاهرات عظیم زدند. گرچه ظاهراً این مظاهرات به علت گرانی کرایه بس‌های شهری صورت گرفته بود،		به روز دو شنبه (ه حوت) هزاران تهرانی که کاسه صبرشان لبریز است سلاح امریکایی بالای مردم روا می‌دارند. در حقیقت این تظاهرات ضد حکومتی توسط تهرانی‌ها بود.
<b>در تهران (ایران) به تظاهرات عظیم دست زدند</b>		<b>در تهران (ایران) به تظاهرات عظیم دست زدند</b>
به روز دو شنبه (ه حوت) هزاران تهرانی که کاسه صبرشان لبریز است سکوت مرگبار را شکستانده و دست به تظاهرات عظیم زدند. گرچه ظاهراً این مظاهرات به علت گرانی کرایه بس‌های شهری صورت گرفته بود،		مگر حقیقت معلوم است: فشار و ظلم حکومت ایران می‌باشد که به قوت سلاح امریکایی بالای مردم روا می‌دارند. در حقیقت این تظاهرات ضد حکومتی توسط تهرانی‌ها بود.

د نیشنل عوامی پارتی چه په ۱۹۶۸ کال کښی د خان عبدالولی خان په مشرتوب د یوه جلا گوند شکل غوره کړی دی د امپریالیزم، ارتجاع و اتوکراسی په ضد نی د پاکستان او پښتونستان او بلوچستان د ټولو مترقی او دموکراتیکو قوتونو د مبارزې لارښوونه کړی او کوي. دغه گوند چه د ننه په هیواد کی د پراخو دموکراتیکو اصلاحاتو د ځمکو د ملکیت د تحدید، صنعتی کولو، داساسی صنایعو د ملی کولو، د صوبو دپاره د داخلی آزادیو، چه د پښتونستان خلکو آزادی دپاره لاره پرانیځی د خلکو د پاره د دموکراتیکو حقوقو او آزادیو د پارلمانی حکومت د جوړولو، د سینټو او سنټو له تیری کوونکو تړونونو څخه د وتلو او له شوروی اتحاد او نورو سوله غوښتونکو هیوادو سره د نژدی دوستانه تعلقاتو د تاسیس دپاره مبارزه کوی.

په دغه وخت کښی چه په ټول هغه هیواد کښی انتخاباتی مبارزی او حزبی فعالیتونه شروع شوی دی د ښی لاس افراطی ارتجاعی عناصر او، عوامفریب ماجرا غوښتونکی قوتونه هڅه کوی چه د خپلو ارتجاعی ضد مترقی مقصدونو دپاره اوضاع خړه پړه کړی، بی نظمی منځ ته راولي او له دغی لاری د عمومی انتخاباتو د سر ته رسیدلو، د پارلمانی نظام د منځ ته راوستلو، دیو یونټ د ماتیدلو او پخوانیو صوبو ته د داخلی خودمختاریو مخه ونیسی، نو په دغه مناسبت د پښتونستان د نیشنل عوامی گوند لویی جرگی له خوا دهغه گوند د صدر خان عبدالولی خان د اعلان مطالبی د تائید او ملاتړ د پاره تر دغه عنوان لاندی چه «لابه یوکیرو، گنی ورکیرو «یوه ابلاغیه خپره کړی ده. په ابلاغیه کښی ویل شویدی چه دا لویه جرگه د خپل مشر ولی خان د اعلان او مطالبی تائید کوي او د خپل وطن هر ورور ته هر څوک چه دی او هر چیرته چه دی زیری ورکړی چه مونږ د ډیر اوږد جد و جهد او بی شمیره قربانیو نه پس هغه حق قام (ملت) ته

(از ص اول)

### د پښتونستان د نیشنل عوامی پارتی لویه جرگه دیوی اعلامیی په ترڅ کی «لا به یوکیرو، گنی ورکیرو «تر عنوان لاندی د خپل مشر ولی خان د غوښتنی تأیید کوی

وگټلو کوم چه پیرنگی (د انگریزی امپریالیزم) او بیا د پیرنگی نه پس مفادپرستو غصب کړی وو یو یونټ مات شو او هر سری د ووت (رای) خاوند شو.

اوس مور د خپلی صوبی مالکان یو او اوس به حکومت زموږ په رایی جوړیږی.

د پښتونستان د نیشنل عوامی پارتی په اعلامیه کښی ویل کیږی چه د یوی شی ډلی په حیث دا زموږ وظیفه وه چه د دی هیواد واک او اختیار مو یوخل بیا له محلاتو (قصورنو) نه راوایست او ستا سو جونگړو ته مو را ورسولو. اوس ستاسو خوښه چه له دغه واک او اختیار نه د خپلو خدمتگارو په ذریعه د خپل قام (اولس) د ښیگری د پاره کار اخلی او که بی بیا هغو کسانو ته په لاس ور کوی چه درنه بی محلاتو (قصورنو) ته یوسی. اوس موقع گوتو ته درغلی ده.

راخي چه په شریکه ملا وتړو د وطن له سیاست نه دغه مفادپرست لری کړو او په خپل کور کښی د شیریکی نظام جوړ کړو.

په ابلاغیه کښی ویل کیږي چه «ځینه کسان زموږ په ورورولی کی انتشار (نفاق او انشعاب) پیدا کوي چیرته د هند کر او پښتو په نامه، چیرته د پښتون او غیرپښتون په نامه، چیرته د مقامی او مهاجر په نامه چیرته د کفر او اسلام په چغه.

په مور کښی شک او نفرت پیدا کوی... مور خپل اولس ته وایو چه د مفادپرستو په خوله پسی مه ځي، دلته هر څوک چه دی او هره ژبه چه وانی خو له مور سره نی ژوند شریک دي، زموږی ورور دی، او دلته د ژوند حق لری.

جرگی یقین ښکاره کړی دی چه په کوم اخلاص چی دغی جرگی د اتحاد لاس وړاندی کړی دی ټول خلک به نی په مینه ملاتړ وکړی او په شریکه به په خپل وطن کښی د خپل اولاد له پاره د هوسا او مرفه ټولنی د جوړولو دپاره ملا وتړی.

(از ص اول)

## مبارزه انتخاباتی در پاکستان

از اصلاحات وسیع و پیگیر دموکراتیک، تحدید ملکیت ارضی، صنعتی ساختن و خودمختاری برای مناطق ملی طرفداری مینماید. این حزب برون شدن پاکستان را از پیمان‌های نظامی سنټو و سیاتو تقاضا نمود و خواهان دوستی و همکاری نزدیکتر با اتحاد شوروی می‌باشد.

یکی از متفقدترین احزاب، عوامی لیگ به سرکردگی شیخ مجیب الرحمن میباشد. این حزب از بورژوازی ملی بنگالی، روشنفکران و بخش‌های متوسط دارای افکار، دموکراتیک پاکستان شرقی نمایندگی می‌کند. خواست عمده آن خود مختاری وسیع سیاسی و اقتصادی برای پاکستان شرقی می‌باشد. لیگ در سیاست خارجی طرفدار برون شدن پاکستان از سنټو، و سیاتو و تأسیس مناسبات دوستانه با تمام کشورها می‌باشد.

در کامپ دست راستی فعال‌ترین سازمان حزب جماعت اسلامی است که از ارتجاعی‌ترین بخش بورژوازی ملاکان، مؤسسات و سوداگران نمایندگی مینماید. این حزب با استفاده از نارضایتهای‌های مردم در برابر رژیم سابق باوجود شونیزم افراطی و بی‌حوصلگی در برابر هر آنچه مترقی‌ست قواره قهرمان منافع مردم را به خود گرفته است، مقصد عمده سیاسی جماعت اسلامی اینست که عقیده تعصب آمیز را در دگم‌های... قرون وسطایی داخل سازد و تنفر شدید را نه تنها در برابر سوسیالیزم بلکه تمام اندیشه‌های دموکراتیک به وجود آورد. رهبران این حزب مطالب «جنگ مقدس» بر ضد کمونیزم و

با چا خان وویل:

#### تر هغی پوری چه د ملتونو تر منځ د تشدد او نفرت په ځای مینه او اعتماد پیدا نشی ... عام تعلقات هم ښه کیدی نشی

د پښتونستان ستر ملی مشر خان عبدالغفار خان چه زیات له نیمی پیړی نی د خارجی استعمار، اجتماعی بی عدالتیو او خرافاتو په ضد کلکه او پرله پسی زړور مبارزه کړی ده، د هند او پښتونستان د ملی خپلواکی، آزادی او دموکراسی د پاره نی د خپل مجاهد ژوند زیاته برخه په زندان، جلاطونی او مشقت کی تیره کړی ده

په هند کښي د څلورو میاشتو له تیروولو نه وروسته بیرته کابل ته راغلی دی. پاچا خان په یوه رادیونی وینا کښي د پښتونستان او بلوچستان خلکو ته د لوی اختر په مناسبت وویل: چه د خپل حق د گټلو دپاره ستاسو په قربانیو باندی ډیر خوشحالیږم. زه پوهیږم چه تاسو د قربانی ورکولو توان لری خو کله چه گټه وکړی په ځای د دی چه په هغی باندی تاسی او ستاسی بچی آباد شی نورو ته نی فایده رسولی ده. دا ځکه په کومو ملتونو کښي چه ورورولی او رواداری نه وی او خودغرضی وي نو هغوی په سترگو رانده شی او له خپل غر... پرته بل څه نه وینی...

پاچا خان وویل چه «تاسو خپل تیر ژوند ته وگورئ. قربانی تاسو ور کړی دی مصیبتونه تاسو تیر کړل، ملک تاسو آزاد کړی دی، نتیجه دا شوه چه له پخوا نه زیات غلامان شوی»

پاچا خان وویل چه «نن بیا په وطن کښی د دموکراسی چغی دی... په دی

(له لومړی مخ څخه)

## نوی او زوړ استعمار

مورد کښی دهند تصمیم په ټوله آسیا کښی او د آسیا له حدودو څخه د باندی د ستر عکس‌العمل موجهه وگړزید.

په اوسنی وخت کښی نونیاده ملی هیوادونو د اقتصادی خپلواکی لپاره په مبارزه کښی مشخص تجارب را غوند کړیدی. څرگنده ده، چه دغه تجارب لا تراوسه کافی ندی، اوس د کار یوازی شروع ده، د دریمی نړی خلک د دغه ټکی پوره درک کولی شی چه د اقتصادی خپلواکی په لاره کښي د مبارزه، یوه اوږده، سرسخته، او شدید مبارزه ده، اجتناب نه کیدونکی جگړی په مخکښی دی، مگر په دغو جگړو کی بری د نویو قوتونو، د سولی او ترقی د قوتونو ملگری دی.

د بانکی چارو د ملي کولو په

نږدی یو کال د مخه د پیرو په هیواد د دولتی مقاماتو په وسیله د انټرنشنل پټرولیوم) په نامه د شمالی امریکا د شرکت د مالونو مصادره کیدلو، د دی قاری د ټولو هیوادونو په ټولنو کښی او باید وویل شي چه نه یوازی د لاتینی امریکا په هیوادو کښي پراخ انعکاس وموند.

د بانکی چارو د ملي کولو په (پای)

روزافزون وجود دارد. باید به خاطر آورد که فعالیت حزب کمونیست در سال ۱۹۵۴ از طرف حکومتی غیرقانونی اعلام گر دید که سیاست آن خساره بزرگ اقتصادی و معنوی به کشور رساند (پس از آن بود که پاکستان ابتدا به پیمان سیاتو و بعداً به پیمان سنټو داخل شد). شورای لاهور نیشنل عوامی پارتی و رهبران برجسته اتحادیه کارگران اعاده حقوق حزب کمونیست را تقاضا نمود.

حقیقت امر اینست که امروز پاکستان بسوی سیستم پارلمانی پیش می‌رود منافع توده‌ها بدون اشتراک کمونیست‌ها بطور کامل تأمین شده نمی‌تواند. مبارزه انتخاباتی فقط آغاز میگردد و تا انتخابات هشت ماه دیگر باقی مانده است آماجگی‌ها، مبارزه حادی را بین نیروهای سیاسی و اجتماعی کثرت نشان می‌دهد، زیرا نه تنها سیستم مشروطیت پاکستان بلکه سیاست آینده آن وابسته به نتیجه این مبارزه می‌باشد (از نیوتایمز)

#### پرچم

صاحب امتیاز: سلیمان لایق،
مدیر مسوول: میر اکبر خیبر
آدرس زرلښت مارکیت—محمد جاتخان واټ
تلفون: ۲۳۱۶۴

#### مطبعه دولتی

تایپ متن: قاسم اسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض



# ر ح م

## ناشرانديشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (۴۲) دو شنبه ۱۸ حوت ۴۸ - ۹ مارچ ۷۰ - شماره مسلسل (۹۲)

## وطن پرستان با هم متحد شوید

**جهاد مقدس ملی را علیه ارتجاع سیاه و اعمال استعمار**

### نوین مجدانه سازمان دهید

**چهل و يك** سال از قیام حبيب الله معروف به «بچه سقاء» می‌گذرد. از لحاظ تاریخی این واقعه در واقعیت امر يك «عصیان خود به خودی» علیه ظلم فیودالی بود که متأسفانه بنا بر عدم مساعدت شرایط عینی و ذهنی و فقدان يك سازمان سیاسی وطن‌پرست و رهبری دموکراتیک و مترقی و در اثر مداخله و تحریکات امپریالیزم به هندستی ارتجاع سیاه داخلی، جهت ضد نهضت جوان ملی و تنور «دورهٔ اسانی» را به خود گرفت. منظور ازین تذکر تحقیق و تحلیل چگونگی اصل «واقعه» نیست، بلکه مطلب اینست که بعد از سرکوبی «عصیان» افغانستان نه تنها تا کنون همچنان تحت چنگال‌های وحشیانه ارتجاع داخلی و نفوذ امپریالیزم و هواداران آن قرار دارد و خلق ما سخت در فقر و جهل دست و پا میزند، بلکه در دوران «قانون اساسی جدید» و به‌اصطلاح در «دورهٔ دموکراسی» که چایلوسان نو به دوران رسیده هر روز شاخ و برگ بدعت آمیزی به آن می‌دهند، هر دو دشمن خون‌خوار افغانستان (ارتجاع سیاه داخلی و امپریالیزم) به کمال آزادی و فعال مایشاء علیه نهضت واقعی نجات‌بخش خلق افغانستان، علیه ترقی و پیشرفت علیه منورین مترقی به تحریکات و تفتین و حملهٔ آشکار دست می‌زنند.
بیانیه تحریک آمیز یکی از عناصر مربوط به جناح راست افراطی در یکی از جلسات رای اعتماد به حکومت آقای اعتماد به حکومت آقای ساختن رفقای وطن‌پرست ما که در تظاهرات ضد امپریالیزم و ضد صهیونیزم شرکت

(ص ۳)

## در امور احصائیوی افغانستان هیچ گونه پیشرفتی حاصل نگردیده است

در جهان امروزه برای احصائیه اهمیت زیاد قابل‌اند. زیرا بدون ارزیابی کمی واقعیات نمی‌توان جوانب کیفی اقتصاد را مورد تحقیق قرار داد. بخصوص ارقام احصائیوی برای طرح و تطبیق پلان‌های اقتصادی حایز اهمیت اساسی و درجه يك می‌باشد. گرچه در افغانستان طی چندین سال اخیر موازینی به‌صورت نیمه پلان گزاری در اقتصاد اتخاذ گردیده است. ولی از آنجائی که احصائیه‌های لازم در هنگام طرح پلان‌ها وجود نداشته از یکسو متخصصین امور پلان گذاری به مشکلات زیادی مواجه شده‌اند و از سوی دیگر پلان طبق طرح و پیش‌بینی آن من‌جمله ده‌ها عامل دیگر، یکی هم بنا بر سنجش‌های نادرست بر پایه ارقام تخمینی و تقریبی تطبیق

(ص ۲)

**هغه توده مبارزه چه د آسیا، افریقا او لاتینی امریکی خلک یی د ملی آزادی بخشونکی انقلابونو د لا توسعی او تعمیق په خاطر کوی، اوس په دو جبهوکی انکشاف مومی: له یوی خوا د نوی استعمار او داخلی ارتجاع په ضد او له بلی خوا د «کین لاس» اپورتونیزم په ضد چه د ماورای انقلابی عوامفریبی تر نقاب لاندی یی سر پورته کری دی، مخ په وړاندی بیوله کیږی.**

### پیام شادباش جریان دموکراتیک

خلق افغانستان به سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و تمام زنان رنج‌دیده کشور به مناسبت روز همبستگی بین‌المللی زنان (۸ مارچ)

ایجاد سازمان دموکراتیک زنان افغانستان واقعه مهمی در تاریخ مبارزات آزادی‌بخش خلق افغانستان بشمار می‌رود. اکنون که سازمان رزمندهٔ زنان دموکراتیک افغانستان در مین کنفرانس تاریخی خویش را به مناسبت تجلیل روز همبستگی بین‌المللی زنان ۸ (مارچ) دایر کرده است، جریان دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت این روز به ایشان و به تمام زنان ستم‌دیده زحمتکش کشور شادباش و صمیمانه تبریک می‌گوید.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان طی مدت کوتاه فعالیت‌های خویش در اثر پیگیری و مداومت در مبارزه به موفقیت‌های نایل گردیده است که شایان هرگونه تقدیر است.

تجربه وسیع نهضت زنان ترقی‌خواه و مبارز جهان مؤید این حقیقت است که زنان وقتی می‌توانند پیروزمندانه به کسب حقوق سیاسی و اجتماعی خویش نایل آیند که در مبارزهٔ عمومی نجات بخش خلق کشور فعالانه شرکت ورزند. خوشبختانه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان اکنون این مشی عمومی را در مبارزه خویش به خاطر رهایی زنان ستم‌دیده کشور از ظلم فئودالی، از انقیاد و خفت، از تحت ستم دوگانه که از آن رنج می‌برند، به خاطر تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی، به خاطر

برابری زنان افغان به‌صورت پیگیر تعقیب کرده‌اند و به‌درستی تشخیص نموده‌اند که واقعاً باید میان نهضت زنان افغانستان برای آزادی ایشان، و خلق کشور به‌طورکلی، پیوند ناگسستنی وجود داشته باشد. جریان دموکراتیک خلق افغانستان از صمیم قلب این درک خلاق و دلیرانه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را مورد پشتیبانی جدی قرار می‌دهد.

از آنجائی که سازمان دموکراتیک زنان افغانستان مبارزه خویش را جزء جدائی‌ناپذیر از جنبش عمومی دموکراتیک و ملی کشور می‌داند، لهذا پیوسته در مبارزه ضد ارتجاع، ضد استبداد و ضد استعمار کهن و نوین خلق کشور اشتراک و از آن مجدانه پشتیبانی کرده است.

اشتراک مشخص و فعال زنان

**به مناسبت صدمین**

**سالروز تولد لنین**

## اکتبر کبیر

در یکی از پرده‌های یکی از نقاشان شوروی، پترزبورگ در يك شب تاریک ترسیم شده است. میدان بزرگی به نظر می‌رسد که لبریز از اجتماع کارگران، سربازان و ملاحان است.

روی يك موتر زره دار لنین در حال سخنرانی دیده می‌شود. در واقع روز سوم اپریل ۱۹۱۷ چنین بود و تازه لنین به پترزبورگ بازگشته بود، او را توده‌های وسیع زحمت کشان استقبال کردند و با هورا و کف زدن‌های بسیار کارگران، سربازان و ملاحان لنین را روی دست بلند کرده و به موتر زره دار بالا نمودند.

قلب او مالامال از مسرت بود، سراپای او را احساس پیکار به خاطر سعادت رنجبران فرا گرفته بود.

**هغه توده مبارزه چه د آسیا، افریقا او لاتینی امریکی خلک یی د ملی آزادی بخشونکی انقلابونو د لا توسعی او تعمیق په خاطر کوی، اوس په دو جبهوکی انکشاف مومی: له یوی خوا د نوی استعمار او داخلی ارتجاع په ضد او له بلی خوا د «کین لاس» اپورتونیزم په ضد چه د ماورای انقلابی عوامفریبی تر نقاب لاندی یی سر پورته کری دی، مخ په وړاندی بیوله کیږی.**

### د مارچ د اتمی- د بنځو د بین المللی

پیوستون د ورځی په مناسبت د افغانستان د بنځو دموکراتیک سازمان او د افغانستان د ټولو غمځپلو بنځو په نامه د افغانستان د خلق دموکراتیک جریان پیغام

د افغانستان د بنځو دیموکراتیک سازمان منځ ته راتلل د افغانستان د خلکو د آزادی بښونکی مبارزاتو په تاریخ کښی یوه غوره پېښه ده.

اوس چه د افغانستان د بنځو دموکراتیک مبارز سازمان د بنځو بین‌المللی د پیوستون د ورځی (دمارچ اتمه) د نامتخلو په مناسبت خپل دوهم تاریخی کنفرانس دایر کری دی د افغانستان د خلق دموکراتیک

جریان د دی ورځی په مناسبت د افغانستان د بنځو دموکراتیک سازمان او د هیواد ټولو زیار ایستونکو بنځو ته خپل د زړه دکومی مبارکی وړاندی کوی.

د افغانستان د بنځو دموکراتیک سازمان د خپلو فعالیتونو په لنډه موده کښی په مبارزی کښی د پیگیری او مداومت له کبله داسی بریالیتوبونه تر لاسه کری دی چه د هر ډول ستاینی وړ دی.

د ترقی د ترقی غوښتونکو او مبارزو بنځو د نهضت ستره تجربه د دی حقیقت ملاتړ کوی چه بنځی هغه وخت په بریالیتوب سره خپلو سیاسی او اجتماعی حقوقو ته رسیدلی شی چه د هیواد د خلکو په عمومی آزادی بښونکی مبارزی کښی فعال گډون وکړی.

د خوښی خای دی چه د افغانستان د بنځو دموکراتیک سازمان له فیودالی نظام، انقیاد اوخفت، له غیرگ ستم نه چه دوی خوروی، د اجتماعی او د سیاسی حقوقو د تأمین په خاطر او د هیواد د بنځو د برابری

### دومین کنفرانس تاریخی و وسیع

**سازمان دموکراتیک زنان افغانستان به مناسبت ۸ مارچ**

دومین کنفرانس تاریخی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان به مناسبت تجلیل از روز همبستگی بین‌المللی زنان جهان (۸ مارچ) در کابل دایر گردید. نخستین کنفرانس تاریخی و وسیع سازمان در سال گذشته به همین مناسبت و در همین روز تشکیل و در آن طرح پروگرام فعالیت‌های سازمان دموکراتیک زنان افغانستان نیز تصویب شده بود.

کنفرانس با ایراد بیانیه افتتاحیه و تبریکات به مناسبت جشن هشتم مارچ به تمام زنان ستم‌دیده کشور و زنان جهان، از طرف دوکتور اناهیتا افتتاح شد.

و لنین راجع به این مسایل حرف زد، او جنگ را، جنگ تاراج گرانه امپریالیستی نامید. باید قدرت را از سرمایه داران گرفت، این کار را تنها طبقه کارگر و دهقانان فقیر می‌توانند انجام دهند. تنها در آن صورت صلح، نان و آزادی خواهد بود و راه برای زندگی نوین گشوده خواهد شد. نباید به حکومت موقتی اعتماد کرد، نباید از این حکومت پشتیبانی کرد، حتماً باید سیستم جدید اجتماعی و سیاسی در يك روز نمی‌تواند پدید آید، آن را باید ایجاد کرد، ساخت و برای این کار خویش را دوباره تکرار کرد.

در آن هنگام کشور در شرایط بد و بحرانی که ناشی از جنگ بود بسر می‌برد، نان نبود، گوشت نبود، شکر نبود، مردم با قحطی دست و گریبان بودند، بسیاری از خانواده‌ها عزیزان و نزدیکان خود را در جنگ از دست داده بودند.

چه باید کرد؟! چسان زندگی را ادامه داد؟! این کلمات لنین در شرایط کنونی برای کشورهای جوان که استعمار را از پا درآورده‌اند، بالارزش و مهم تلقی می‌شود.

آیا لازم نیست این کشورها اقتصاد خود را تجدید کنند؟!

صنایع را انکشاف دهند؟! و زراعت را تقویه بخشند؟!

د افغانستان د بنځو دموکراتیک

سازمان تل د داخلی ارتجاع او امپریالییزم په ضد د ملی او دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو او وطنپرستو ټوتونو دمبارزو او په تیره جریان د قهرماتو مبارزو فعال ملاتړ کړی دی.

په داسی حال کی چه د افغانستان د خلک دموکراتیک جریان له هغو سترو مشکلاتو او خنډونو څخه چه د فیودالی ارتجاع شرایط د بنځو د نهضت په مقابل کښی منځ ته راولی پوره خبر دی، بیا هم د افغانستان د غمځپلو بنځو د وسیعو دموکراتیکو حقوقو د تأمین د پاره، د داخلی ارتجاع او امپریالییزم په ضد، د آزادی، سولی، ترقی او دموکراسی په لاره کښی په مبارزه کښی دهیواد د بنځو د پیشاهنگ ا و مبارز دموکراتیک سازمان زیاتی کامیابی غواړی.

شرایط روسیه در آن‌وقت چنان بود که ایجاب می‌کرد تا کمونیست‌ها اول‌تر از همه به دهقانان و کارگران بفهمانند که حکومت موقتی يك حکومت بورژوازی است و هنگامی‌که توده‌ها متوجه می‌شدند و متیقن می‌گردیدند در آن صورت پرچم مبارزه را برای به دست آوردن حکومت برمی افراشتند.

در همه جا تزه‌ای لنین را چون آغاز يك عمل بزرگ می‌دانستند دوران توفان‌زای تازه آغاز شد، لنین همه روزه در میتینگ‌ها سخنرانی می‌کرد، مقاله می‌نوشت، ثابت می‌کرد، متیقن می‌گردانید، دشمنان طبقه کارگر را شکست می‌داد و خائنین حزب و مترجعین را رسوا می‌ساخت.

لنین همراه با بهترین نمایندگان حزب به شکل خستگی ناپذیری برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی در نبرد بود.

در جون ۱۹۱۷ نخستین کنگره شوراهای سراسر روسیه تشکیل

(ص ۲)



مبارزه سیاسی در کشور ما عملیه ایست بسیار پیچیده، متضاد و کثیرالسطح. ازین رو برای یک سازمان سیاسی پیشرو شناخت درست آن پدیده‌های پیچیده، متضاد و کثیرالسطحی که در جریان مبارزه سیاسی کم یا بیش با نفس مبارزه و مسایل مربوط با آن بستگی دارد و بر آن‌ها اثر می‌گذارد، نخستین ضرورت است. **ساده گرفتن این پدیده‌ها در واقع پائین آوردن مبارزه سیاسی‌ست به سطح یک عملیهٔ میخاتیکی و تصادفی.**

این اشتباه بزرگ و سرچشمه انحرافات گوناگون است. اما هرگاه بتوانیم میان دماغ خویشتن و این پدیده‌های مربوط و مرتبط با مبارزه سیاسی - کیفیت آن‌ها، کمیت آن‌ها، محتوای آن‌ها، شکل آن‌ها، ویژگی‌های آن‌ها، قوانین مسلط بر آن‌ها و حرکت آن‌ها، پیوندها و روابط صحیح و لازم را استوار سازیم در واقع این پدیده‌ها را شناخته‌ایم. این دال بر فرجام پیروزمندانه مبارزه سیاسی ماست، زیرا شناخت درست به‌اضافه کوشش لازم ضامن پیروزی آندی‌ست.

عملیه شناخت و وسعت شناخت آدمی پایان ناپذیر، بیکران و دگرگونی پذیر است؛ اما دانش فلسفی نوین از میان فرآورده‌های اندیشه بشر **در جریان عمل اجتماعی**، دستورهای مشخصی را بیرون آورده و دسته بندی کرده است. این دستورهای مشخص بار دگر با **معیار عمل اجتماعی** صحیح ثابت شده است. این دستورها در عملیهٔ شناخت یاور و مددگار آدمیان تواند بود.

شرایط کشور ما و وضع دسته بندی‌ها، محافل و عناصر چپ و چپ نما خواستار این است که این

(بقیه از صفحه اول)

# شناخت آگاهی سیاسی و اجتماعی

## و نقش آن در مبارزهٔ عملی

دستورهای مشخص در شناخت پدیده‌های مربوط و مرتبط با امر مبارزه سیاسی تطبیق شود تا در پرتو **قوانین، اصول و مفاهیم** فلسفه پیشرو حرکت‌ها، تعاملات، مظاهر و تبارزات درست و نادرست، مطلوب و نامطلوب سیاسی تشخیص گردد و خصوصیات مبارزه سیاسی در کشور ما با همه نوسانات، انحرافات، کندروی‌ها، تندروی‌ها و جزر و مدهای آن باز شناخته شود.

**آگاهی سیاسی چیست؟**

آگاهی سیاسی یکی از اشکال آگاهی اجتماعی‌ست که از نظر سرشت بازتابی (انعکاس) واقعیت را دربر دارد. آگاهی سیاسی مجموعه‌یی از اندیشه‌ها، تصورات، نظرات احساسات و عادت‌های اندمیان است در چارچوب سیاست و روابط سیاسی. سیاست و روابط سیاسی بیشتر از همه عبارت است از «روابط بین طبقات، کشمکش طبقات برای به دست آوردن قدرت و تسلط بر جامعه همیسته است «همین‌گونه» روابط بین ملل و دولت‌ها نیز در ساحةٔ سیاست داخل است. «اساساً روابط سیاسی چنان با عملیه‌های اقتصادی و روابط اقتصادی جوش خورده که سیاست «بیان فشرده اقتصاد» تعریف شده است.

تعریف‌های بالا را در ارتباط با جوامع طبقاتی گسترده‌تر بیان می‌کنیم. روشن است که در یک جامعه طبقاتی، طبقات وجود دارد: طبقات اصلی و غیر اصلی، طبقات ستمگر و ستمکش، طبقات با تضاد آشتی ناپذیر و آشتی پذیر. این طبقات که در یک واحد و پهلوی هم به سر می‌برند نمی‌توانند با همدگر بدون ارتباط و پیوند باشند. طبقات را پیوندهای

مشخص دیالکتیکی که محصول تکامل تاریخ است با همدگر بستگی می‌دهد. تا آنجا که وضع هر یک زاده چگونگی آن دیگر هاست، اما سرشت این پیوندها همواره به سود یک طبقه و زبان طبقه‌یی دیگر است. بدین معنی که درین گونه جوامع، طبقات موقت‌های مشخص خود را در جریان عملیه‌های تولید و توزیع دارا هستند. چنانکه در جریان عملیهٔ تولید بعض طبقات استثمار می‌کنند و به رخ دیگر استثمار می‌شوند. در جریان عملیهٔ توزیع بعض طبقات بخش بزرگی تولید را می‌گیرند و به رخ دیگر بخش ناچیز را. در جریان هردو عملیه بعض طبقات فرمان می‌دهند و به رخ دیگر فرمان می‌برند. در فرجامین تحلیل موقف استثمارگرانه، غصب بخش بزرگی تولید و مقام فرماندهی زاده در دست داشتن وسایل تولید است. در جوامع طبقاتی وسایل اساسی تولید در دست یک طبقه جامعه است. طبقاتی که ازین وسایل محرومند، ناگزیر هستند تا در شرایط مطلوب برای دارندگان وسایل تولید به کار پردازند و تن و روان شان را اسیر پنجه استثمار سازند. بدین‌صورت روابط مشخص و معینی بین طبقات جامعه تأسیس می‌شود.

این وضع و این روابط در ذهن افراد طبقات به اشکال گوناگون منعکس می‌گردد، یک شکل این انعکاس همانا آگاهی سیاسی است. در نظر باید داشت که این انعکاس عملیه میخانیکی (مثل انعکاس اشیاء در آینه) نیست، بلکه سرشت عمیق و دیالکتیکی دارد. که این امر این انعکاس را پدیدمی‌مغلق، پیچیده و متضاد ساخته است، این انعکاس‌ها در پرتو تعاملات ذهن آدمی به شکل اندیشه‌ها، تصورات، نظرات، احساسات و عادت‌های

پرچم

مشخص متبلور می‌شود. **مجموعهٔ این پدیده‌های ذهنی هنگامی که با انفس روابط موجود بین طبقات با مسأله حفظ و تغییر این روابط با مسأله تانید و نفی این روابط، با مسأله مؤسسات نگهدار این روابط و با مسأله قدرت و تسلط بر جامعه ارتباط گیرد، همانا آگاهی سیاسی افراد جامعه را می‌سازد.**

در برداشت وسیع‌تر خود از واقعیت می‌بینیم که در جهان دولت‌هایی وجود دارند که در واحدهای مشخص سیاسی جغرافیایی موضع گرفته‌اند. روابط این دولت‌ها در مقام هماهنگی و برخورد منافع شان، انعکاسات خاصی را در ذهن آدمیان بار می‌آورد. سرشت این انعکاس‌ها باز هم در فرجام، به موقف شخص در جامعه تعلق می‌گیرد. چنانکه روابط دولت آلمان فاشیست و امریکای امریالیست در جریان جنگ جهانی دوم انعکاسات مشخصی را در اذهان طبقات مسلط در کشور و افراد مربوط به سازمان‌های متوقی آن دو کشور تشکیل بخشید. نمونه گویاتر این گونه انعکاس در سال ۱۹۶۷ رخ داد. هنگامی‌که نیروهای تجاوزگر اسرائیل به خواست قدرت‌های غربی و طبقات استثمارگر داخل اسرائیل سه کشور عربی را زیر حملات مرگبار قرار دادند. هنگامی‌که سیاستمداران مربوط به طبقات حاکم اسرائیل برای این خونریزی و این پیروزی هورا می‌کشیدند، حزب کمونیست اسرائیل این حمله و این پیروزی را شدیداً تقبیح کرد.

**مشخصات آگاهی سیاسی:**

(باقی دارد)

(بقیه از صفحه اول)

## اکتبر کبیر . . .

یافت، در آن یک هزار نماینده اشتراک کردند.

اما از فراکسیون بلشویک‌ها فقط ۱۰۵ نفر نمایندگی می‌کردند.

در کنگره نمایندگان احزاب مختلف سخنرانی کردند که از آن جمله بودند سوسیالیست‌های انقلابی و منشویک‌ها.

یکی از سخنرانان دسته‌های فوق می‌خواست ثابت کند که در روسیه در مرحله کنونی چنان حزب سیاسی که بتواند حکومت را به دست گیرد وجود ندارد و در همین لحظه بود که از اعماق سالون صدای مطمئنی بلند شد:

چنین حزبی وجود دارد!

این صدا از ولادیمیر ایلیچ لنین بود.

اوضاع در کشور بدتر می‌شد، حکومت موقتی در یافتن راه و چاره جهت حل پرابل‌های ورشکستگی، بلند رفتن مسلسل قیمت‌ها و افزایش ناراضیاتی عمومی ناکام بود و کارگران تصمیم گرفته بودند به مظاهره برآیند.

سوسیالیست‌های انقلابی و منشویک‌ها عزم کرده بودند رهبری مظاهرات را زیر شعارهای خود به عهده گیرند، هدف این شعارها حمایه از حکومت موقتی و ماجراجویی‌های جنگی آن بود.

بلشویک‌ها به رهبری لنین مخالف چنین تظاهراتی بودند. آن‌ها می‌خواستند شعار این باشد: مرده باد جنگ! زنده صلح! همه قدرت به دست شوراه!

روز هجدهم ج… جون/ جولای؟

پیروزی کمونیست‌ها را ثابت ساخت، در خیابان‌های پتروگراد پنجدس هزار کارگر و سرباز زیر شعارهای بلشویک‌ها پدیدار شدند.

حکومت موقتی کرنسکی به خاطر

ادامه جنگ پیشروی را در جبهه اعلام داشت. اما از آنجائی که کارگران، دهقانان تهیدست و سربازان با جنگ

مخالف بودند پس سراسر ماه جولای نیز در مظاهرات سپری شد و مردم انتقال حکومت را به شوراها تقاضا کردند.

منتها شرایط چنان بود که تظاهرات مسلحانه را ایجاب نمی‌کرد. زیرا هنوز ارتش برای پشتیبانی از طبقه کارگر آماده نشده بود. ازین رو بلشویک‌ها تصمیم گرفتند مخصوصاً در تظاهرات چهارم جولای حصه بگیرند و به نمایش‌های کارگران شکل صلح آمیز بدهند. در این بار نیز زیاده از پنجدس هزار تن در مظاهرات اشتراک کردند.

لنین به مناسبت مریضی نتوانست در مظاهره شرکت جوید، ولی کارگران تقاضا کردند تا او روی بالکون ظاهر شود و همان بود که لنین از بالکون عمارتش سخنرانی کوتاهی ایراد کرد. مظاهره کنندگان به‌سوی کاخ تاوررچکی، جایی که آن‌وقت کمیته اجرائیه مرکزی سراسر روسیه و شورای پتروگراد موقعیت داشت به حرکت افتادند.

بورژوازی از قیام عظیم طبقه کارگر بهراس افتاد.

دشمنان حزب و طبقهٔ کارگر دست به جنایت خون آلود تازی می زدند و مظاهرات صلح آمیز را به گلوله بستند.

باز ضد انقلابیون به تکاپو افتادند تا

قدرت حزب را ضعیف سازند، پیگردها شروع شد و بازداشت‌ها را راه انداختند.

صداهای مبنی بر اجرای مجازات اعدام در روسیه بلند گردید.

تعییب جدی لنین آغاز شد، او را متهم به جاسوسی برای آلمان نمودند.

حکومت موقتی قطعنامه‌ی مبنی بر محاکمهٔ لنین و سایر بلشویک‌ها صادر کرد.

در آپارتمانی که لنین زندگی می‌کرد پلیس حمله برد و همه چیز را

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>		<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<b> (بقیه در صفحه ۴)</b>		<b> (بقیه در صفحه ۴)</b>
<b>تصحیح ضروری</b>		<b>تصحیح ضروری</b>
<b>در شمارهٔ ۴۱ در صفحه دوم تحت عنوان «زمین و قانون»، ستون سوم. راست به چپ، سطر سوم ۱۹۵۷ به ۱۹۱۷ تصحیح گردد.</b>		<b>در شمارهٔ ۴۱ در صفحه دوم تحت عنوان «زمین و قانون»، ستون سوم. راست به چپ، سطر سوم ۱۹۵۷ به ۱۹۱۷ تصحیح گردد.</b>



## در حاشیه پروژه غیراقتصادی وادی هلمند

چندی قبل در اثر باریدن باران پنج ساعته، اکثر خانه‌های کارته جدیدالتاسیس واقع دشت لگان یا منهدم گردیده و یا شدیداً شکست برداشته که در اثر آن یک نفر هلاک، سه نفر زخمی و ده‌ها فامیل بی‌سرپناه و آواره گردیدند. درین کارته که در شرق شهر لشکرگاه موقعیت داشته و با شهر کمتر از یک کیلومتر فاصله دارد تمام کارگران، کسبه کاران و مأموران پانین رتبه و بی‌بضاعت پروژه هلمند سکونت دارند.

ماه‌ها قبل وقتی شهر لشکرگاه به علت ازدیداد نفوس تنگتر شد اکثر کارگران، کسبه کاران، دکانداران، مأموران پانین رتبه و غیره طبقات زحمتکش این پروژه «عام‌المنفعه» یا بی‌سرپناه ماندند و یا در شمال شهر لشکر گاه کلبه‌های محقری برای خود ساختند، تا آنکه کثرت این کلبه‌ها آهسته، آهسته نظرگاه شهرنشینان تجمل پرست این شهر «فشنگ و زیبا» را به‌اصطلاح «زشت و نازیبا» ساخت و «حیثیت» و «پرسستی» گردانندگان خارجی و داخلی این پروژه «نازدانه» را مورد تهدید قرار داده، لهدا در پی چاره افتادند… بالاخره این پرابلم حل شد

(!) گردانندگان و «متخصصین» چاره گر دست بکار شدند، در جناح شرقی شهر دشتی وسیع و خندقی بزرگ دست و پا کردند، و زمین را «سروی» نمودند، خاک آن را «تجزیه» نمودند و بعد از آنکه «ثابت» شد این زمین‌ها «کاملاً برای «کشت و زرع» مساعد است، یک تعداد از مردمان زحمتکش خروتی، وردک، لغمانی، بخارانی، ترکمن و غیره را در آن متمکن ساختند. اما متأسفانه بعد از دو سه سالی آن‌همه زمین‌های «صالح الزرع» شوره زاری از آب درآمد و اکثر مردم زحمتکش متمکن در آنجا بی‌سرپناه، بی زمین، گرسنه، بی‌دوا، بی مکتب و بی‌کار در شهر و اطراف لشکر گاه متواری و سرگردان شدند.

یکی از متمکنان آنجا در جواب سوالی گفت: «چند سال پیش ما مردم زمین و خانه نداشتیم و به کوچی گری حیات بسر می‌بردیم، اما از شیر و گوشت و پوست حیوانات خود زندگی بخور و نمیری داشتیم، حالا آن را هم از ما گرفتند و برخی از زنان، مردان و اطفال ما مجبورند بر دروازه صاحبان زر و زور لشکر گاه فریاد بکشند: از برای خدا لب نانی خیر کنید!…»

(س)

اعتصابات و تظاهرات آگاهانه و مارش ظفر نمون کارگران شجاع و با شهامت تفحصات پترول شبرغان که در سال گذشته با حفظ همبستگی و انضباط تمام انجام پذیرفت، آمرین پروژه را ناگزیر به عقب نشینی ساخت بیطوری که برخی خواست‌های صنفی کارگران و من‌جمله مطالبهٔ مبرم و قانونی افزایش دستمزد ایشان برآورده گردید که تا اخیر سال گذشته به ایشان تأتیه می‌شد.

ولی در اعتصابات دلیرانه بعدی کارگران پروژه انتقال گاز، آمر

پروژه و پولیس شبرغان به شکل مستبدانه و ضد قانونی مداخله آشکار نمودند، تعدادی از کارگران رزمنده را به زندان افگندند.

از آن به بعد تضییقات و اختناق به شکل وسیع‌تر در پروژه مستولی گردید و دامنه دسایس و توطنه‌ها علیه کارگران پهن‌تر شد. عده‌ای از کارگران از پروژه اخراج گردیدند. در پروژه تفحصات پترول شبرغان نیز که در سال جاری آمرین پروژه ظاهرأ بر اوضاع مسلط گردیدند؛ به تاسی از تجربه (!) آمرین پروژه انتقال گاز علیه حقوق کارگران به تاخت و تاز پرداختند و تعهدی را که در زمینه افزودی دستمزد ایشان انجام داده بودند، نقض کردند. به‌طوری که از شروع امسال تا کنون فیصدی افزایش دستمزد کارگران پروژه پرداخته نشده است (در حالی که پس از مارش تاریخی کارگران شبرغان تا اخیر سال گذشته پرداخته می‌شد).

در برابر مطالبات کارگران گاهی با تشدد و خشونت و زمانی با زرنگی و حيله از طرف آمرین پروژه جواب داده شده است.

کارگران برای این خواست شان در ماه‌های اول سال یک روز به شکل اعتصاب دست از کار کشیدند. مقامات مربوط تفحصات پترول که خود را در برابر مقاومت کارگران ناگزیر یافتند پس از مفاهمه با کارگران سه نفر از نمایندگان آنان را به کابل اعزام کردند. نمایندگان کارگران در وزارت معادن

پرچم

# دردا، شکایت‌ها و اعتراضات خلق

## بازهم در برابر کارگران تفحصات پترول شبرغان ستم می‌کنند

تفحصات پترول به‌اتفاق مدیر عمومی پروژه در برابر کارگران تعهد نمودند که پس از ده روز خواست آنان را برآورده سازد. معهدا ده روز نیز سپری شد و پاسخ مثبتی به کارگران داده نشد.

تجربه به کارگران و من‌جمله کارگران پروژه تفحصات پترول می‌آموزد که برای تأمین خواست‌های اقتصادی‌شان و سرانجام برای رهایی از ستم و استتمار راه دیگری به‌جز اتحاد و مبارزه وجود ندارد.

## در فابریکه نساجی بگرامی بر کارگران ستم می‌کنند

کار را آغاز نمایند و ساعت ۶ شام بکار خاتمه دهند. هرگاه کارگری ازین «تعاملات» عدول نماید جواب وی علاوه بر اخراج از کار بعضاً لت و کوب نیز است.

کارگران این فابریک نیز راه دیگری برای بهبود شرایط و فضای کار ندارند جز اتحاد و مبارزه.

با خشونت و تشدد به‌طور مستبدانه با کارگران برخورد کرد که در نتیجه زدوخوردی به وجود آمد. اداره ولسوالی به دفاع از آمر سه تن از کارگران را مخالف قانون بازداشت کرد و برای ایشان دوسیه ترتیب داده شد و دست آنان از کار کشیده شد.

همچنان به تاریخ ۱۴ جدی ۱۳۴۸ تعداد دیگری از کارگران پروژه (ورکشاپ مستری خانه و سمنناژ تفحصات پترول شبرغان) دست به اعتصاب یک‌روزه زدند. رئیس

## در فابریکه نساجی بگرامی بر کارگران ستم می‌کنند

ناگزیر آن را می‌پذیرد، در حالی که پایین‌ترین معیار دستمزد است.

کارگر هنگامی‌که بکار آغاز می‌نماید اولین چیزی را که باید فراگیرد و بیش از هر چیز دیگر به آن توجه داشته باشد خاطرخواهی آمرین و عمل آنان است که در هر شعبه گماشته شده‌اند.

کارگران مکلف هستند که در برابر کمترین دستمزد از ساعت هفت صبح

### برخی از مشکلات کارگران شرکت سرویس

علاوه می‌گردد. در صورتی که کارگران روی مساله درجه بندی پافشاری نمایند، امتحانی از ایشان گرفته می‌شود، به چنان سویه‌ای که فقط انجیریان تحصیل دیده اگر از عهدهٔ آن به درشده بتوانند. طبعاً کارگران درین صورت نمی‌توانند از عهده امتحان موفق برون شوند.

- بجای کوپون که باید یک مبلغ معین طبق تعهدات اولی شرکت پرداخته شود، اکنون صرف بخشی از آن تأدیه می‌گردد.

به اعتراضات پی در پی کارگران در موارد فوق تا حال هیچ‌گونه جوانی داده نشده است.

کارگران شرکت سرویس به مشکلات زیادی روبرو هستند که قسمت‌های ازین مشکلات به‌موقع آن در پرچم خلق انعکاس یافته است. مواد زیرین نیز بخشی از مشکلات کارگران شرکت سرویس را تشکیل می‌دهد:

- در باره قراردادهایی که با کارگران عقد می‌شود معمول چنان است که باید بعد از مدت دو سال درجه بندی صورت گرفته در مقابل درجه معین، دستمزد معین تعیین گردد. اما برخلاف این تعامل در شرکت سرویس بعد از سپری شدن معیار قرارداد بدون استتنا و درجه بندی مبلغ پنجاه افغانی به دستمزد کارگر

از آغاز کار ساختمان فابریکه نساجی بگرامی تا انجام آن از مساله بیکاری مزمن و حادی که در کشور ما وجود دارد و تقاضای بسیار زیاد کارگران بیکار برای کار سوءاستفاده وسیع صورت گرفت و به شدیدترین وجهی کارگران مورد بهره کشی واقع شدند.

کارگران در آن پروژه (در حالی که

غالب ایشان کارگران ماهر بودند) بر

اساس قرارداد و دستمزد ثابت ماهانه

استخدام نمی‌گردیدند، بلکه به شکل

مزدور روز مزد از قرار فی ساعت

سه فغانی بکار پذیرفته می‌شدند و هر

چند روز بعد تعدادی اخراج می‌شدند و

تعدادی دیگر طبق دلخواه مؤقت

استخدام می‌گردیدند.

علاوه بر بهره کشی وسیع از

کارگران، به شیوه استبدادی با ایشان

معامله می‌گردید و اکنون نیز در آن

فابریکه آمرین بر کارگران ستم

فراوان روا می‌دارند و محیط غیرقابل

تحملی برای ایشان ایجاد گردیده است.

در فابریک نساجی بگرامی کارگری که

برای کار مراجعه می‌نماید بعد از

آنکه «هویت وی تشخیص گردد»

بدون در نظر گرفتن ابتدایی‌ترین

تعاملات اداری اندازه دستمزد برایش

پیشنهاد می‌گردد و کارگر که روزها

ماه‌ها در جستجوی کار بوده است،

نوبن برای اینکه توده‌های مردم ما را در اسارت مادی و معنوی نگاهدارند، عناصر مرتجع و فتنه گر را به بهانه‌های مختلف بروی صحنه می‌کشند و با بانگ‌های وحشیانه و اشاعه پندارهای خلاف حقیقت

می‌خواهند مردم را به سراب بکشند.

ارتجاع وحشی و کهنه کار داخلی و محافل طرفدار مربوط به آن که خواب زوال و نابودی خود را دیده‌اند، لبه تیز مبارزه خود را زیر شعارهای کاذب، علیه آزادی، ترقی و سوسیالیزم و قبل از هر چیز علیه نیروهای جوان وطن‌پرست انقلابی معطوف می‌دارند و با این تلاش نامقدس خود به حیث مهم‌ترین تکیه گاه نیروهای سیاه امپریالیستی درمی‌آیند.

ارتجاع و حامیان امپریالیستی آن از تحول اساسی، کیفی و سریع می‌ترسند و آن را خطر جدی و لطمه سنگینی برای منافع آزمندانه و مواضع غارتگرانه خود در جامعه تلقی می‌نمایند. تجارب تاریخی نشان می‌دهد که ارتجاع از لحاظ ایدئولوژیکی و در صحنه سیاست به ورشکستگی روزافزونی مواجه می‌شود، در حالی که ایدئولوژی

فعالیت می‌کنند و متشکل می‌شوند. اکنون نسبت به هر وقت دیگر به‌کمک ضرورت باید تمام نیروهای واقعی و صدیق، مترقی و ملی کشور در برابر حمله ارتجاع هوشیاری خود را حفظ

کنند، آمانگی بگیرند، متحد شوند و در هر کجا که هستند به خلق زحمتکش کشور اعلان هوشیار باش دهند و به خلق بفهمانند که: دیگر نباید فریب مبلغین مرتجع کهنه کار و جواسیس خارجی را بخورند، باید جرأت کسب کنند، تحت تأثیر تبلیغات زهرآگین دشمنان قرار نگیرند، باید با هم متحد شوند! باید جهت نهضت نجات بخش و لبه تیز مبارزه را علیه تمام مرتجعین

کهنه کار و امپریالیست پرست متوجه ساخت و آن‌ها را در هم شکست. باید از مشکلات، از خائنین، از مرتجعین نهراسید، اتحاد تمام وطن‌پرستان را تأمین کرد و جهاد مقدس ملی را علیه ارتجاع سیاه و عمال امپریالیزم سازمان داد. درین صورت است که بر دشمنان آزادی و ترقی افغانستان پیروز خواهیم شد و تمام مرتجعین نابود خواهند گشت و پایگاه‌های استعمار نوین و امپریالیزم در کشور محو خواهد گردید!

ب. کارمل

(بقیه از صفحه اول)

## وطن پرستان باهم متحد شوید …

وطن‌پرستانه را دگرگون سازند. این مبارزه انعکاس جریان انتقال از فیودالیزم منسوخ به جامعهٔ نوین دموکراتیک در زندگی ملی ماست و در حقیقت محافل ارتجاعی با این تحریکات خود از ایدئولوژی فرتوت و کهنهٔ عناصر فیودال و بورژوائی،

از منافع ستمگرانه طفیلی‌های جامعه و غارتگران امپریالیستی و ارتجاع روبه‌زوال فیودالی و سرمایه داری دفاع می‌نمایند. ولی مدافعین نظام فرتوت فیودالی و عمال استعمار نوین باید بدانند که چرخ تاریخ را نمی‌توان به عقب راند. بسیار دور نیست که نیروهای ترقی‌خواه وطن پرست کشور و عناصر آگاه متوجه امر خطیر خویش گردند. همه در یک سنگر متحد و واحد چشم و گوش توده‌های خلق افغانستان را هم در برابر ارتجاع سیاه و وحشی کشور و امپریالیست پرست و هم در برابر محرکین آن‌ها در محافل دست راستی کشور و در مقابل فریب سیاست‌بازان این محافل باز کنند و به خلق بیاموزند

که هویت واقعی دشمنان عوام‌فریب واقعاً «افغانستان را برای افغانستان»





*د افغانستان د خلک دموکراتک افکارو خپروونکی*

۱۸ حوت ۱۳۴۸

د یوې گڼې ۲/۵ افغاني

## عکس‌العمل مردم جهان عليه امپرياليزم امريکا تشديد می‌يابد

از آنجائی که امپریالیزم جهانی و در رأس آن امپریالیزم امریکا دشمن مشترك تمام بشریت، عامل عمده جنگ و خونریزی بین ملت‌های جهان، غارتگر بزرگ ثروت ملل، پشتیبان نیرومند ارتجاع و مانع عمده در راه ترقی کشورهای در حال رشد می‌باشد از آن رو مبارزه بر ضد امپریالیزم وظیفهٔ مشترك تمام عناصر انسان دوست، صلح خواه، ملی و وطن‌پرست است. بر اساس حکم وظیفه مبارزه بر ضد امپریالیزم مردم و پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان بر ضد اگنیو نماینده امپریالیزم امریکا و سیاست آن کشور

در برابر مردم آسیا بخصوص ملت‌های عرب، ویتنام، لاوس و غیره بر ضد جنایاتی را که در برابر تمام خلق‌های جهان سوم مرتکب گردیده و می‌گردد دست به مظاهرات قانونی، مسالمت آمیز و جدی زدند و در راه ایفای این وظیفه شریف انسانی، ملی و وطن‌پرستانه بود که چندین تن از پرچمداران مبارز دموکراتیک خلق افغانستان به زندان انداخته شدند و تا اکنون در زندان بسر می‌برند.

نبرد مردم افغانستان بر ضد امپریالیزم امریکا جزء مبارزه ایست که در سراسر جهان در وادی سینا در ارتفاعات گولان، در صحرای فلسطین، در شالیزارهای ویتنام و در جلگه جازز، در امریکایی لاتین، در خود امریکا و خارج از آن به اشکال مختلف گرم و سرد، قهر آمیز و مسالمت آمیز جریان دارد.

**در هفته گذشته کلیه سازمان‌های مترقی** جاپان به علت انبار شدن اسلحه هسته‌ای و کیمیایو امریکا در جاپان به مبارزه آغاز نمودند و از مردم جاپان دعوت نمودند تا در این مبارزه با آن‌ها همبستگی کنند.

**در امریکا تظاهرات** وسیعی صورت گرفت. سه هزار محصل پوهنتون باربارا امریکا علیه جنگ ویتنام و بر ضد محاکمه گروه نهضت طرفداران صلح مظاهره اعتراضیه را به راه انداختند.

**در کانادا نیز** مظاهرات بزرگی صورت گرفت.

مانور (۱۰۰۰) نفر از نمایندگان شهرهای مختلف کانادا نیز در این تظاهرات شرکت نمودند. مظاهرهچیان شعار می‌دادند که «تجاوز کاران ختاک ویتنام را تر ک گویند.» «به همبستگی کانادا و امریکا در جنگی یلید ویتنام خاتمه داده شود!»

**در امریکا عده** از افرادی که به خدمت عسکری و جنگیدن در ویتنام جلب شده بودند با پولیس تصادم نمودند. دفتر اخذ عسکر را آتش زدند، کلکین های آن را شکستاندند. آن‌ها طی میتینگی مخالفت خود را با جنگ ویتنام اعلام و سیاست جنگی نکسن را تقبیح نمودند.

**در انگلستان هفته** همبستگی با خلق قهرمان ویتنام برگزار شد. در اعلامیه که بدین مناسبت انتشار یافته گفته می‌شود که «امپریالیزم امریکا و

## تشديد مداخلات نظامی در لاؤس خشم و نفرت خلق‌های جهان را هر چه بيشتتر عليه امپرياليزم امريکا بر انگيخته است

نتایج سیاست به‌اصطلاح «جدید»، آسیایی امریکا و دکتورین نام نهاد نکسن یکی بعد دیگری آشکار می‌گردد.

امپریالیزم امریکایی زیر پردهٔ «ویتنامی ساختن» جنگ ویتنام که در سیاست «جدید» آسیایی آن جای مهمی را اشغال می‌کند در حقیقت نه تنها جنگ و تجاوز در ویتنام را تشدید می‌کند بلکه می‌خواهد دامنهٔ این تجاوز را به کشورهای هم‌جوار ویتنام بخصوص لاؤس توسعه دهد. اگر

امپریالیست‌ها از یک‌طرف جنگ در ویتنام را «ویتنامی» می‌سازند و طبق آن مردم ویتنام را به جان هم می‌اندازند از طرف دیگر با مداخله نظامی در امور داخلی لاؤس «ویتنام» دیگری به وجود می‌آورند و بدین‌وسيله صلح در جنوب شرق آسیا را مورد تهدید دیگری قرار می‌دهند.

اکنون این یک حقیقت انکارناپذیر است که عساکر ایالات متحده امریکا نه تنها در ویتنام جنوبی می‌جنگند بلکه در لاؤس نیز عساکر امریکایی و اجیران تایلندی است که جنگ بر ضد وطن‌پرستان لاؤس را پیش می‌برند. تشدید تجاوزات هوایی بر قلمرو هوایی کشور مستقل لاؤس و دامن

زدن به آتش جنگ داخلی در آن کشور یکی از مقاصد کهنه سیاست «جدید» آسیایی امریکا در جنوب شرق آسیا می‌باشد. به استناد اسناد معتبر (سی. آی. آی) امپریالیزم امریکا همیشه سعی کرده و می‌کند دولت لاؤس را از سیاست بی‌طرفی منصرف ساخته و آن کشور را بیک پایگاه عملیات نظامی و جاسوسی و تخریبی بر ضد کشورهای سوسیالیستی و جنبش آزادی‌بخشی ملی در جنوب شرق آسیا بخصوص ویتنام

میدل سازد.

برای برآوردن این منظور پیوسته از عناصر ارتجاعی و افراطی راست چون شهزاده فومی نوساوان و جنرال وانگی پاؤ پشتیبانی کرده و از طریق کمک‌های پولی و سیاسی خویش آن‌ها را بر ضد حکومت بی‌طرف لاوس مورد استفاده قرار داده‌اند.

فصل نهم کتاب «حکومت نامرنی» چاپ امریکا از صفحه ۱۵۷ تا صفحه ۱۶۵ داستان دهشتناک و ننگین توطنه‌ها، مداخلات پنهان و به راه انداختن کودتاهای ارتجاعی توسط سازمان (سی.آی.آی) را بر ضد حکومت بی‌طرف لاؤس بیان می‌دارد.

امپریالیزم امریکا که مقاصد کهنه خود را در لفافه دکتورین ها و سیاست‌های «جدید» پیش می‌برد برخلاف اصول و مقررات حقوق بین‌الدول و موافقت نامه‌های ۱۹۶۴ ژنو راجع به بی‌طرفی لاؤس تجاوزات خود را بر قلمرو فضایی آن کشور وسعت و شدت بخشیده است. طیارات

سوق‌الجیشی (ب-۵۲) امریکا روزانه پنجمد مأموریت جنگی بر فضای این کشور مستقل کوچک اجرا می‌نماید و هزاران تن بم بر قریه‌ها، مزارع، مکتب و شفاخانه‌های مناطق آذاشده فرو می‌ریزند. در اثر بمباران طیارات امریکایی بیست فیصد اهالی لاؤس خانه خراب شده‌اند. تنها در سال ۱۹۶۹ در حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر خانه بدوش شدند و تعداد تمام کسانی که خانه‌های شان را از دست داده و به کامپ مهاجرین پیوسته‌اند به شش‌صد هزار نفر بالغ می‌گردد که اکثریت شان را زنان، اطفال و کهن سالان تشکیل می‌دهند و در نهایت فقر و بدبختی بسر می‌برند.

مرجعین لاؤس به سرکردگی جنرال وانگ یاو و اجیران تایلندی تحت فرمانده دوازده هزار «مشاورین» نظامی امریکا باوجود آنکه از طرف نیروهای هوایی امریکایی حمایت می‌شوند به مقاومت

(بقیه از صفحه اول)

### دومین کنفرانس

نوید می‌داد قرانت گردید.

اشترک کتندگان در دومین کنفرانس تاریخی و وسیع سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در پایان کار کنفرانس قطعنامه‌ای را به‌اتفاق آرا به تصویب رسانیدند.

کنفرانس با تقدیم درودهای گرم تمام زنان زحمتکش افغانستان، پښتونستان و بلوچستان و زنان قهرمان ویتنام و عرب که به خاطر صلح، آزادی و استقلال می‌رزمند خاتمه یافت.

(بقیه از صفحه دوم)

## اکتبر کبير . . .

ضربت بر دشمنان قاطع و منظم بود. در سپیده دم ۲۵ اکتبر (هفتم نوامبر به تقویم جدید) تمام پل‌های ارتباطی فراز رودخانه نیوا به دست کارگران و سربازان انقلابی افتاده بود و همچنین مرکز تلیفون، تلگراف، رادیو، استیشن قطار، مرکز برق و بانک در اختیار انقلابیون بود.

حکومت موقت در کاخ زمستانی قرار داشت، کاخ در ساعت چهار ۲۶ اکتبر از طرف انقلابیون مورد حمله قرار گرفت.

در شورای سراسر روسیه تصرف کاخ زمستانی و توقیف وزرای حکومت موقتی اعلام گردید.

شام هسان روز ۲۶ اکتبر (۸ نوامبر) جلوس دوم شورای سراسر روسیه دایر گردید. نلین ساعت هشت و چهل دقیقه بعد از ظهر وارد تالار گردید.

کنگره به هیجان آمد و به پا خاست تا از پیشوا و آموزگار خود استقبال به عمل آورد.

**نخستین فرمانی که توسط دولت شوروی صادر شد فرمان صلح بود.**
و به این ترتیب سال‌ها قبل پیکار دولت شوروی در راه صلح، تقبیح جنگی و دوستی بین ملت‌ها آغاز گردید.

دومین فرمان حکومت شوروی فرمان راجع به زمین بود. هر نوع مالکیت بدون قید و شرط ملغی اعلام شد. همه زمین‌های ملاکین در اختیار شورای نماینده گان دهقانان گذاشته شد. در اکتبر ۱۹۱۷ حوادث عظیمی

در روسیه به وقوع پیوست. انقلاب سوسیالیستی دوران نوینی را نه تنها در تاریخ یک کشور، بلکه در تاریخ سراسر جهان و بشریت گشود. و این انقلاب به همه جهانیان راه سوسیالیزم را نشان داد.

حوادث بعدی که بشریت با آن مواجه شد ثابت کرد که نلین حق به‌جانب بود. اکنون در عمل به اثبات رسیده است که تنها ایده‌های سوسیالیزم را پیروزی‌های درخشان به دنبال است. توسط آژانس تاس انتشار یافت حملات هوایی طیارات امریکایی را بر لاؤس شدیداً محکوم نمود. در اعلامیه از ایالات متحده تقاضا شده است که از اعمال تجاوزکارانه دست بردارد و تمامیت ارضی لاؤس را محترم شمارد.

انکشافات خطرناک اخیر لاؤس، ادامه و تشدید خون ریزی در ویتنام، پشتیبانی‌های نو به نو از تجاوز اسرائیل بر ضد کشورهای عربی همه نتایج و عواقب سیاست «جدید» آسیایی امریکا و «دکتورین» نکسن می‌باشد که قبلاً با عکس‌العمل جدی، مناسب و با موقع جهانیان، مردم آسیا و مردم کشور ما مواجه گردیده است.

افغانستان پیرامون مساله زن در افغانستان و جهان، مبارزات ایشان، ارتباط میان مبارزات زنان و جنبش‌های آزادی‌بخش و در باره روز تاریخی ۸ مارچ روز بین‌المللی زنان، نقش زنان قهرمان ویتنام و اعراب در مبارزه علیه امپریالیزم و صهیونیزم و غیره بیان‌های ایراد کردند. در کنفرانس پارچه‌های نثر و اشعار که زندگی رقت بار زنان ستمدیده و رنج کشیده کشور را تمثیل می‌کرد، زنان را به مبارزه می‌خواند و از يك آینده تابناک و روشن برای زنان کشور ما

لنین برای اینکه نزدیک به ساحه پیکارهای انقلابی باشد به شهر ویسبرک (۶۰ کیلومتری پطروگراد) وارد شد. روز اول اکتبر لنین نامیهی به حزب فرستاد که مفاد آن چنین است: «اگر گرفتن حکومت بدون قیام میسر نیست، پس بلافاصله باید قیام کرد.»

بعد از یک روز لنین وارد پطروگراد شد و در عمارت مجهول اقامت گزید. اکنون دیگر جلسات کمیته مرکزی زیر قیادت خود لنین صورت می‌گرفت. در همه جا مقدمات قیام دیده می‌شد. در فابریکه ها و در ارتش، میان سربازان، بهترین نمایندگان کمیتهٔ مرکزی به اکتاف روسیه گسیل شدند تا در فابریکه ها، کارخانه‌ها و بخش‌های نظامی به فعالیت بپردازند.

۲۴ - اکتبر ۱۹۱۷ شب نا وقت، لنین به‌طرف انستیتوت سمولنی جایی که به مرکز قیام مبدل گشت رهسپار گردید.

از چشم دیده‌است که میگویند در آن شب تاریخی سمولنی غرق در نور بود و همه در جوش و خروش بودند. به ستاد قیام دمبدم نیروهای تازه نفس گارد سرخ می‌پیوست. نمایندگان گروه‌های مختلف از کارخانه‌ها و فابریکه ها تا کمیته‌های جنگی انقلابی.

روابط با مهم‌ترین نقاط برقرار بود. میدان مقابل سمولنی پر بود از موتور‌های زره دار، اسلحه‌های مختلف، موتورسیکلت‌ها و ماشین دارها.

لنین و هم‌زمان او پیهم به ستاد مرکزی می‌رفتند و قیام را رهبری می‌کردند. به‌آسانی می‌شود فهمید که چه لحظه پر مسوولیت تاریخی فرار سیده بود.

طبقهٔ کارگر به پیشوانی حزب بلشویک باید قشر استنثار کننده را که اضافه از سیصد سال می‌شد فرمانروای روسیه بود، نابود می‌کرد.

درین ساعات کوتاه و محدود باید سرنوشت مردم و کشور تعیین می‌شد.

امریکا را در جنگ لاوس عمیقاً فروبرده است و دیگر نمی‌توان موجودیت عساکر امریکایی را در ویتنام پوشاند.

روزنامه «یو ننگ ستار» از قول نامه نگار خود می‌نویسد که منابع باوری و اشننگتن عقیده دارند که حملات هوایی طیارات (ب-۵۲) بر لاؤس بطور مستقیم از طرف شخص نکسن اداره می‌شود.

سناتور ویلیم فولبرایت رئیس کمیته روابط خارجی سنای امریکا از کشاندن بیشتر امریکا در جنگ لاؤس ابراز نگرانی نمود. وی تاکید نمود که استعمال طیارات (ب ۵۲) بدون شك توسعه جنگ ویتنام در لاؤس می‌باشد. اتحادشوروی طی اعلامیه که

#### پرچم

**صاحب امتیاز: سلیمان لایق،**
**مدیر مسوول: میر اکبر خیبر**
**آدرس زرلښت مارکیت—محمد جاتخان واټ**
**تلیفون: ۲۳۱۶۴**

#### مطبعه دولتی

تایپ متن: قاسم آسامی، ویرایش جدید: عمر فیض